

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

تصريف الأفعال و الأسماء العربية

لطلاب العلوم الإسلامية

تهيه و تأليف : محمد علي ايرجي


بسم الله الرحمن الرحیم

تصریف الافعال العربیه لطلاب العلوم الاسلامیة

نویسنده:

محمد علی ایرجی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
تصریف الأفعال العربیه لطلاب العلوم الإسلامیه ----- ۱۰
مشخصات کتاب ----- ۱۱
جلد ۱ ----- ۱۱
اشاره ----- ۱۱
فهرست مطالب ----- ۱۲
تاریخچه علم صرف: ----- ۱۳
اما هدف از تهیه این جزوه: ----- ۱۸
راهنما: ----- ۲۰
کتب عربی: ----- ۲۴
کتاب های فارسی: ----- ۲۵
نون تاکید ----- ۲۷
قواعد ادغام ----- ۲۸
مضاعف ثلاثی مجرد ----- ۳۰
قواعد عمومی اعلان ----- ۳۱
مثال ثلاثی مجرد ----- ۳۳
قاعده ۲ مثال صرف ساده ----- ۳۴
اجوف ثلاثی مجرد ----- ۳۵
قاعده خصوصی اجوف در ثلاثی مجرد ----- ۳۶
ناقص و لفیف ثلاثی مجرد ----- ۳۷
قاعده خصوصی ناقص و لفیف ----- ۴۰
مهموز ثلاثی مجرد ----- ۴۱
قاعده ۱ تخفیف وجوبی صرف ساده ----- ۴۳
صور انواع فعل از جهت حروف اصلی ----- ۴۴

ترتیب صحیح و استعمالی معتل و مهموز ---- ۴۵
مضاعف ---- ۱۵۹
مثال ---- ۱۷۴
مثال واوی ---- ۱۷۴
مثال یایی ---- ۱۹۴
اجوف ---- ۲۰۶
اجوف واوی ---- ۲۰۶
اجوف یایی ---- ۲۱۴
ناقص ---- ۲۲۲
ناقص واوی ---- ۲۲۲
ناقص یایی ---- ۲۳۴
لفیف ---- ۲۴۶
لفیف مفروق ---- ۲۴۶
لفیف مقرون ---- ۲۵۸
مهموز ---- ۲۶۷
مهموز الفاء ---- ۲۶۷
مهموز العین ---- ۲۹۳
مهموز اللام ---- ۳۰۷
انواع فعل (از جهت حروف اصلی) ---- ۳۲۳
جلد ۲ ---- ۳۴۰
مشخصات کتاب ---- ۳۴۰
اشاره ---- ۳۴۰
فهرست مطالب ---- ۳۴۴
مضاعف ثلاثی مزید ---- ۳۴۶
مثال ثلاثی مزید ---- ۳۴۷
اجوف ثلاثی مزید ---- ۳۴۹

ناقص و لفیف ثلاثی مزید ---- ۳۵۱
مهموز ثلاثی مزید ---- ۳۵۴
تغییرات اعلالی در مصادر معتل ثلاثی مزید ---- ۳۵۵
قواعد خصوصی باب إفتعال ---- ۳۵۷
قواعد خصوصی باب تفعّل ---- ۳۵۹
قواعد خصوصی باب تفاعل ---- ۳۶۰
باب إفعال ---- ۳۷۴
باب تفعیل ---- ۴۱۴
باب مفاعله ---- ۴۵۴
باب إفتعال ---- ۴۹۴
اشاره ---- ۴۹۴
قواعد خصوصی باب إفتعال ---- ۵۳۴
باب إنفعال ---- ۵۴۶
باب تفعّل ---- ۵۷۴
اشاره ---- ۵۷۴
قاعده اول خصوصی باب تفعّل ---- ۵۷۷
ادامه قواعد خصوصی باب تفعّل ---- ۶۱۷
باب تفاعل ---- ۶۲۰
اشاره ---- ۶۲۰
قاعده اول خصوصی باب تفاعل ---- ۶۲۳
ادامه قواعد خصوصی باب تفاعل ---- ۶۶۳
باب إفعلال ---- ۶۶۵
باب إستفعال ---- ۶۶۹
اشاره ---- ۶۶۹
مورد اول استثنایی باب إستفعال ---- ۷۰۰
مورد دوم استثنایی باب إستفعال ---- ۷۱۲

باب إفعيلال ---- ۷۱۴
تصریف افعال رباعی مجرد و مزید ---- ۷۱۸
باب فعلله ---- ۷۱۸
باب تفعلل ---- ۷۲۱
باب إفعنلال ---- ۷۲۴
باب إفعلّال ---- ۷۲۷
جلد ۳ ---- ۷۳۱
مشخصات کتاب ---- ۷۳۱
اشاره ---- ۷۳۱
فهرست مطالب ---- ۷۳۵
مضاعف ---- ۷۳۹
معتل ---- ۷۴۱
مثال واوی ---- ۷۴۱
مثال یایی ---- ۷۴۴
اجوف واوی ---- ۷۴۶
اجوف یایی ---- ۷۴۷
ناقص واوی ---- ۷۴۸
ناقص یایی ---- ۷۵۱
لفیف مفروق ---- ۷۵۴
لفیف مقرون ---- ۷۵۷
مهموز ---- ۷۵۹
الفاء ---- ۷۵۹
العین ---- ۷۶۲
اللام ---- ۷۶۴
انواع فعل از جهت حروف اصلی ---- ۷۷۰
ثلاثی مزید ---- ۷۸۶

باب إفعال ---- ۷۸۶
باب تفعیل ---- ۷۹۶
باب مفاعله ---- ۸۰۶
باب إفتعال ---- ۸۱۶
باب إنفعال ---- ۸۳۲
باب تفعّل ---- ۸۳۹
باب تفاعل ---- ۸۵۱
باب إفعلال ---- ۸۶۲
باب إستفعال ---- ۸۶۳
باب إفعیلال ---- ۸۷۶
رباعی مجرد و مزید ---- ۸۷۷
باب فعلله ---- ۸۷۷
باب تفعلل ---- ۸۷۸
باب إفعنلال ---- ۸۷۹
باب إفعلّال ---- ۸۸۰
درباره مرکز ---- ۸۸۱

تصريف الأفعال العربيه لطلاب العلوم الإسلاميه

مشخصات کتاب

سرشناسه:ایرجی محمد علی

عنوان قراردادی:تصریف الأفعال العربیه لطلاب العلوم الإسلامیه

عنوان و نام پدیدآور:تصریف الأفعال العربیه لطلاب العلوم الإسلامیه / محمد علی ایرجی

ناشر: دیجیتالی / مرکز تحقیقات یارانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۹

تعداد جلد:۳ج

موضوع: صرف - دستور زبان عربی

موضوع:زبان عربی -- صرف

ص: ۱

جلد ۱

اشاره

تصویر

تصویر

تصویر

فهرست مطالب

تاریخچه علم صرف..... ۲

راهنما..... ۹

نمودارهای آموزشی..... ۱۴

تصریف افعال ثلاثی مجرد

افعال سالم..... ۱

مضاعف..... ۱۱۵

مثال..... ۱۳۰

اجوف..... ۱۶۲

ناقص..... ۱۷۸

لفیف..... ۲۰۲

مهموز..... ۲۲۳

انواع فعل از جهت حروف اصلی..... ۲۷۹

تاریخچه علم صرف:

علم صرف در قرون اول هجری قمری داخل در علم نحو بوده است و از همان جهت که علمای آن زمان علم نحو را بر حرکات پایان کلمه می دیدند، اهمیت چندان زیادی به هیئت و ساختار کلمات نمی دادند. از علمای علم نحو در این زمان می توان عیسی بن عمرو ثقفی، ابوعمروبن العلاء، خلیل بن احمد بصری، ابوجعفر محمد بن الحسن رؤاسی و یونس را نام برد.

خلیل پس از آن که بیابان های حجاز و نجد و تهامه را به قصد نشست و برخاست با بادیه-نشینان و شنیدن سخنان آنها پیمود به بصره برگشت و هرآنچه را شنیده بود گرد آورد. خلیل اصول نحو را گرد آورد و شاخه هایش را جدا و هر یک را به تنه اصلی خود پیوند داد. او در پی دلیل آوردن برای احکام نحوی نیز برآمد و در این موضوع بر همه پیشینیان خود پیشی گرفت؛ جز این که او به جای تدوین کتابی در این زمینه، به املای مباحث خود به شاگردانش بسنده کرد.

از جمله کسانی که بیرق نحو بصره را در کنار خلیل به دوش می کشیدند یونس بود. یونس تنها به فراگیری نحو از استادش خلیل بسنده کرد و خود را وقف آموزش آن به دیگران نمود. رؤاسی کوفی، پیر نخستین طبقه نحویان کوفه، با خلیل و یونس هم عصر بود. وی پس از آن که به سان آن دو، نزد اساتید سومین طبقه بصره آموزش دید، آهنگ کوفه کرد و در آنجا اقامت گزید. رؤاسی چون دید عمویش، معاذ بن مسلم هراء (واضع علم صرف)(۱) که از او مسن تر است به نحو سرگرم است خود به پژوهش و کاوش ژرف درباره ساختار واژگان پرداخت. تا جایی که

۱- لگام زبان ، ۱۰۵

جنبه صرف بر او غلبه پیدا کرد. توجه داشته باشیم که کوفی ها بیش تر از نحو، به صرف اهتمام داشته و پیش از بصری ها بسیاری از قواعد آن را استنباط کرده بودند به گونه ای که تاریخ نگاران، کوفی ها را بنیان گذار دانش صرف دانسته اند، در حالی که صرف نزد بصری ها در درجه دوم مورد اهمیت قرار داشت.

نخستین کتابی که کوفی ها به آن توجه نشان دادند، کتاب الفصیل رؤاسی بود. در این میان کتاب سیبویه (الکتاب) شگفتی دانشمندان را برمی انگیزد و برای مدتی دراز دو فن صرف و نحو را در کنار هم قرار می دادند. کوفیان اگر چه کتابهایی در برخی باب های صرف نگاشتند، اما این ابواب هرگز به اندازه ای نرسید که صرف را شاخه ای جدا از نحو قرار دهد. رؤاسی کتاب التصغیر، کسائی کتاب المصادر، و فرّاء کتاب فعل و أفعل را تنها به موضوع صرف اختصاص دادند. پس از این نحات، اولین فردی که علم صرف را از علم نحو جدا کرد ابوعثمان مازنی بود. در این زمان علوم زبان عربی شاخه شاخه شد؛ برخی در علم صرف، برخی در علم نحو و یا برخی در هر دو فعالیت می کردند. اما در همین زمان نیز افرادی چون مبرّد همان شیوه قبل را پیشه کردند.(۱)

سیرافی از علمای نحوی که به مکتب بصری هم گرایش دارد در مورد الکتاب می نویسد: ((کتاب سیبویه به خاطر شهرت و فضل او نزد نحویان عَلَم بود و وقتی در بصره گفته می شد: قَرَأَ فُلَانٌ الکِتَابَ، در می یافتند که کتاب سیبویه را خوانده است و وقتی گفته می شد: قَرَأَ نِصْفَ الکِتابِ بی هیچ شکی می فهمیدند که الکتاب سیبویه را خوانده است.))(۲)

۱- لگام زبان، ۴۴،۴۵،۴۶،۴۷،۴۸،۴۹،۵۰ بصورت خلاصه .

۲- أخبار النحویین و البصریین از سیرافی، ص ۲۰ .

مبرّد مجموعه بزرگی از کتاب های لغت و کتب مربوط به علوم زبانی به معنای جامع را تألیف کرد که اما مهم ترین آن کتاب ((المقتضب)) است. المقتضب کتابی است جامع که تمام جنبه های نحوی، صرفی و آوایی الکتاب سیبویه را در بردارد. این کتاب، دومین اثر بعد از الکتاب سیبویه در بررسی همه این جنبه ها است؛ البته مبرّد مسائل نحوی و زبانی فراوانی را در دیگر کتاب هایش به ویژه در کتاب الکامل مورد بررسی قرار داده است.(۱)

به عقیده سیوطی نیز علم صرف توسط ابومسلم بن معاذ بن هراء که یکی از شاگردان امام صادق (علیه السلام) بود ابداع شده که سیوطی در کتاب (المزهر) درباره او می گوید: ((معاذ بن مسلم الهراء، و هو نحویّ مشهور و هو أوّل من وضع علم التصریف.))(۲)

همان طور که در بالا بیان شد این علم تا قبل از نوشته شدن کتاب التصریف توسط ابوعثمان مازنی جزو علم نحو به شمار می رفت. همان طور که شیخ رضی استرآبادی در شرح شافیه می-نویسد: ((و اعلم التصریف جزء من أجزاء النحو بلا خلاف من أهل الصنعه. نقول: هذا علی طریقه المتقدمین من النحاه؛ فانهم یطلقون النحو علی ما یشمل التصریف، و یعرف علی هذه الطریقه بأنه علم یعرف به أحکام الکلم العربیه إفرادا و ترکیبا، أو بأنه العلم بالمقاییس المستنبطه من استقراء کلام العرب الموصله إلی معرفه أحکام أجزائه التی ائتلف منه...))(۳)

۱- . زبان شناسی عربی، ۸۷ .

۲- قره الطرف بتبیین قواعد و ابواب صرف، ج۱: ۱۵ .

۳- . شرح شافیه، ج۱: ۶ .

بعد از کتاب التصریف علم صرف به صورت مستقل در میان علمای نحوی در بصره و کوفه مورد توجه قرار گرفت و کتاب ها در اطراف آن نگاشته شد، مانند: شرح ابوفتح عثمان بن جنّی (م۳۹۲ه- . ق)(۱) به نام ((المصنف))(۲) و ((التصریف الملوکی)) اثر ابن جنّی که سخت مختصر است(۳) می نویسد وکتاب هایی دیگر که برخی گسترده و برخی موجز است.

((بکر بن محمد)) معروف به «ابوعثمان مازنی» یکی از بزرگترین ادیبان اسلام و از شاگردان اسماعیل بن میثم است. او از علمای شیعه می باشد و مبرّد، نحوی معروف، شاگرد وی بوده است.(۴)

درباره فوت ابوعثمان مازنی اختلاف است: برخی فوت ایشان را به سال ۲۴۷ هجری قمری(۵) می-دانند و برخی سال ۲۴۹ قمری در بصره. (۶)

نقطه آغازین شهرت تألیف علم صرف با کتاب شافیه ابن حاجب بود. شرحی که مرحوم رضی الدین استرآبادی (رحمه الله علیه) در کنار حرم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر آن نوشت بزرگترین تألیف صرفی تا آن زمان بود. پس از آن، همه کتاب های صرفی مطالب خویش را مستقیم یا غیر مستقیم از شرح رضی می گرفتند. به قولی مشهورترین حاشیه بر شرح رضی کتاب

۱- . زبان شناسی عربی، ۸۸ .

۲- . قرّه الطّرف بتبیین قواعد و ابواب صرف، ج۱: ۱۷ .

۳- . قرّه الطّرف بتبیین قواعد و ابواب صرف، ج۱: ۱۷ .

۴- دفاع ازتشیع جمال الدین خوانساری، ۱۰۶ .

۵- ابو عثمان در سال ۲۴۷ هجری قمری درگذشت. «الکنی و الالقاب قمی» ۳/ ۱۳۱، «شذرات الذهب حنبلی» ۲/ ۱۱۳ ذیل حوادث ۲۴۷ هجری قمری .

۶- لگام زبان، ۱۰۲ .

خزانه الأدب عبدالقاهر بغدادی (م۱۰۹۳ ه- . ق) می باشد.(۱) شرح نظّام از دیگر شروح شرح رضی اثر ابی محمد نظام الدین حسن بن محمد بن حسین، معروف به ادیب نیشابوری (۷۲۸ ه- . ق) می باشد و همین طور کتاب تصریف تألیف عبدالوهاب ابن ابراهیم زنجانی، از علمای قرن هفتم و شرح آن از سعدالدین مسعود بن عمر قاضی تفتازانی از علمای قرن هشتم و سایر کتاب هایی که در این حوزه نوشته شد همه به نوعی از سرچشمه های این علم به شمار می روند. در صده اخیر نیز کتاب های بسیار زیادی از متخصصین این فن به چاپ رسیده است که هر کدام ویژگی های منحصر به خود را دارند. کتاب های شرح، کمک آموزشی و مکمل نیز در این باب نگاشته شده است که هر کدام بخشی از اهداف آموزشی این علم را محقق کرده است.

۱- زبان شناسی عربی،۹۳ .

اما هدف از تهیه این جزوه:

در این بین فقدان یک جزوه کاربردی که به صورت منظم تمام انواع افعال را صرف کرده باشد به عنوان یک تکمیل کننده صرفی احساس می شد. از این رو بر آن شدیم تا ماده های مختلف ثلاثی و غیر ثلاثی را به صورت منظم در جدول هایی صرف کنیم تا در اختیار آموزندگان این علم قرار گیرد.

البته این نوع جدول های صرفی در کتاب های مختلفی از جمله: مبادی العربیه رشید الشرتونی، المعین فی التصریف حسن حمد، نزهه الطّرف فی علم الصرف آیت اللّه شهید سیّد محمدتقی حسینی جلالی، صرف متوسطه استاد حمید محمدی و در برخی کتب دیگر موجود است، ولی هیچ کدام به صورت کامل انواع ماده ها را صرف نکرده اند.

درکل، هدف ما از جمع آوری این جزوه دسترسی دانش آموختگان به یک جزوه راهنما و کمکی برای صرف انواع ماده ها در تمامی باب ها با اجرای انواع قواعد صرفی در آن بوده است.

در تعریف علم صرف گفته اند:

((التصریف: علمٌ بأُصول تعرف بها أحوال أبنیه الکلم التی لیست بإعراب))(۱)

((و هو: تغییر فی بنیه الکلمه لغرض معنویّ أو لفظیّ؛ فالأول کتغییر المفرد إلی التّثنیه و الجمع، و تغییر المصدر إلی الفعل و الوصف. و الثانی: کتغییر قول و غزو إلی قال و غزا، و لهذین التّغییرین أحکام کالصّحه و الإعلال، و تسمی تلک الأحکام علم التّصریف، و لا یدخل التّصریف فی الحروف، و لا فیما أشبهها و هی الأسماء المتوغّله فی البناء و الأفعال الجامده...))(۲)

((التّصریف علم یتعلّق ببنیه الکلمه، و ما لحروفها من زیاده، و أصاله، و صحّه، و اعتلال، و شبه ذلک))(۳)

((المراد هاهنا صناعه التصریف أی التصریف فی الإصطلاح (تحویل الاصل الواحد) أی تغییره و الاصل ما یبنی علیه شی ء، و المراد هاهنا المصدر [الی أمثله] أی أبنیه و صیغ، و هی الکلم باعتبار هیئات تعرض لها من الحرکات و السّکنات، و تقدیم بعض الحروف علی بعض و تأخیره عنه [مختلفه] باختلاف الهیئه نحو ضرب و یضرب...))(۴)

((الصرف علم یبحث عن تحویل الکلمه إلی صور مختلفه بحسب معنی المقصود.))(۵)

از جمع بندی تعاریف علمای این علم می توان گفت:

صرف در لغت: به معنای تغییر دادن چیزی است از حالتی به حالت دیگر و در اصطلاح به معنای تغییر یک کلمه به منظور رسیدن به معنا مورد نظر است.

صرف در اصطلاح: علمی است که بتوان با آن، بناء و ساختمان یا همان هیئت یک کلمه را تشخیص داد، اعم از اسم یا فعل بودن آن کلمه، مفرد، مثنی و جمع بودن آن و اصلی بودن حروف یا نبودنش و بتوان همین کلمه را پس از شناخت، به معنای صحیح خود رساند.

۱- شرح شافیه، ج۱: ۱ و شرح نظّام علی شافیه، ۴۱ و قرّه الطّرف بتبیین قواعد و ابواب صرف، ج۱: ۲۶ .

۲- أوضح المسالک إلی ألفیه ابن مالک، ج۴: ۳۲۲ .

۳- إیجاز التّعریف فی علم التّصریف ابن مالک،۳ .

۴- شرح تصریف تفتازانی، ۱۷۰

۵- الظّرائف العلویه، ج۱: ۶ .

راهنما:

نظم تألیفی این جزوه بر مبنای تقسیم بندی های کلی زیر است:

۱- تقسیم فعل به ثلاثی مجرد، مزید، رباعی مجرد و مزید.

۲- تقسیم ثلاثی به ترتیب صحیح، مضاعف، معتل و مهموز.

۳- تقسیم معتل به مثال (واوی و یایی)، اجوف (واوی و یایی)، ناقص (واوی و یایی)،

لفیف (مفروق و مقرون)

۴- تقسیم مهموز به مهموز الفاء، مهموز العین و مهموز اللام.

۵- در جزوه شماره۱ پس از آمدن افعال سالم معناهای آن افعال نیز آمده است تا طلاب و دانشجویان بتوانند با معناهای افعال آشنا شده و در متون عربی به کار گیرند. بعد از افعال سالم نیز به ترتیب: افعال مضاعف، معتل و مهموز آمده است.

۶- در جزوه شماره۱ پس از افعال صحیح و مضاعف، اولین صفحه از هر فعل شامل: (ماضی، مضارع و امر)، صفحه دوم: (ماضی و مضارع منفی)، صفحه سوم: (مضارع منصوب و مجزوم) و صفحه چهارم: شامل (نون تأکید) می باشد.

۷- ادات نفی (ما، لا، إن) اثر لفظی بر افعال نمی گذارند، اما از آن جهت که در متون به وفور آمده، آورده شده اند تا خوانندگان بتوانند طبق مثال های افعال صحیح آن ها را معنا کرده و از جهت معنا مشکلی نداشته باشند.

۸- در باب های ثلاثی مجرد لفیف مقرون ماده ((حیی))، در مهموز الفاء دو ماده ((أکل)) و ((أخذ))، و در مهموز العین ماده ((سأل)) که بصورت استثناء صرف می شوند، آورده شده است.

۹- در انتهای جزوه شماره۱ فهرستی از انواع فعل ها از جهت حروف اصلی اعم از معتل و مضاعف، معتل و مهموز و ... آورده شده است.

۱۰- در بحث انواع فعل از جهت حروف اصلی، ماده أَلرُّؤْیَه به جز آوردن وزن ثلاثی مجرد، باب إفعال آن نیز که موردی استثنایی در این باب به حساب می آید، آورده شده است.

۱۱- در جزوه شماره۲ اولین صفحه از هر فعل به غیر از مضاعف شامل: (ماضی، مضارع و امر)، صفحه دوم: (ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم) و صفحه سوم: شامل (نون تأکید) می باشد.

۱۲- در جزوه شماره۲ ترتیب افعال همانند کتاب صرف ساده، و نیز ترتیب افعال از جهت حروف اصلی (سالم، مضاعف، معتل و مهموز) همانند جزوه شماره۱ می باشد. (طبق کتاب صرف ساده)

۱۳- در افعال مضاعف:

در جزوه شماره۱: اولین صفحه شامل: (ماضی و مضارع، ماضی و مضارع منفی)، دومین صفحه: (مضارع منصوب، حال، مستقبل و استفهامی)، صفحه سوم: (امر معلوم و مجهول)، صفحه چهارم: (مضارع مجزوم)، و صفحه پنجم: شامل (نون تأکید) می باشد.

در جزوه شماره۲: اولین صفحه شامل: (ماضی، مضارع و مضارع منصوب)، دومین صفحه: (امر معلوم و مجهول)، سومین صفحه (مضارع مجزوم)، و چهارمین صفحه: شامل (نون تأکید) می-باشد.

۱۴- باب های ((إفعلال)) و ((إفعیلال)) در ثلاثی مزید، و باب ((إفعلّال)) در رباعی مزید همانند افعال مضاعف بوده (ازآن جهت که قواعد ادغام در آنها پیاده می شود) و در جزوه شماره۲ صرف شده-اند.

۱۵- در باب های ((إفعلال)) و ((إفعیلال)) در ثلاثی مزید، و تمام باب های رباعی قواعد اعلالی معتل و تخفیفی همزه وجود ندارد، به همین جهت به یک نمونه از مثال بسنده کردیم.

۱۶- در بحث حروفی که بر سر فعل های ماضی و مضارع آورده می شود سعی شده از حروف مشهور استفاده شود.

۱۷- در انتخاب ماده های افعال اولاً: سعی شده افعال رایج انتخاب گردد، ثانیاً: ماده هایی که در جزوه شماره۲ آمده تا حد امکان از مواد استفاده شده در جزوه شماره۱ بوده تا خوانندگان تفاوت معنا را در ابواب مختلف دریابند.

۱۸- در جزوه ((تصریف الأسماء العربیه لطلاب العلوم الإسلامیه)) اسم فاعل و اسم مفعول ماده های جزوه شماره ۱ و ۲ صرف شده اند.

تذکرات:

أ: در ابتدای جزوه شماره ۱ و ۲ نحوه اجرای قواعد به صورت نموداری جهت آموزش آورده شده است.

ب: قواعدی که در این جزوه نام برده شده و شماره آن ذکر گردیده همه بر مبنای متن کتاب صرف ساده، تألیف استاد سیّد محمّدرضا طباطبایی می باشد.

ج: از ذکر همه قواعد جوازی خودداری شده است و به بیان قواعد ادغامی، اعلالی و تخفیفی واجب و برخی قواعد جوازی بسنده شده است؛ مثلاً قواعد جوازی تخفیفی همزه را به طورکامل نیاورده ایم چرا که برخی از این قواعد در کلام فصیح عرب استعمال چندانی ندارند.

ه: در کتابت همزه چند قول وجود دارد که برخی از علما یک مورد را قبول کرده و برخی چند مورد کتابت را درست می دانند. دقت کنید:

مهموز الفاء: ءانَسَ یا أَانَسَ یا آنَسَ

مهموز العین: سَاأَلَ یا سَاءلَ

مهموز اللام: قَرَءا یا قَرَأَا یا قَرَآ

در حالت رفعی: مُسْتَهْزِءُونَ یا مُسْتَهْزِؤُوْنَ

در حالت نصبی و جری: مُسْتَهْزِئِیْنَ یا مُسْتَهْزِءِینَ

در حالت برخورد همزه با ضمیر: (برخی از علما این مورد را قبول ندارند.)

اَنْ یَقْرَؤُوْا یا اَنْ یَقْرَءوا یا اَنْ یَقْرَؤا

تا آنجا که تحقیق کردیم قرآن های عثمان طه و نی ریزی و ... هر کدام به یک طریق از کتابت همزه استفاده کرده اند و حتی در برخی موارد از نوع دیگر کتابت نیز بهره برده اند.

برای تحقیق بیشتر می توانید به شرح رضی، شرح نظام، قرّه الطّرف، صرف روان، صرف ساده، تصاریف و ... رجوع کنید.

کتب عربی:

شرح شافیه ابن حاجب: محمد بن حسن رضی الدین استرآبادی

شرح نظّام: ابی محمد نظام الدین حسن بن محمد بن حسین

إیجاز التّعریف فی علم التّصریف: محمد بن عبدالله ابن مالک

شذ العرف فی فن الصرف: احمد حملای

مراح الأرواح: احمد بن علی ابن مسعود

نزهه الطّرف فی علم الصّرف: آیت اللّه شهید سیّد محمدتقی حسینی جلالی

الممتع فی التّصریف: علی بن مومن ابن عصفور

شرح ملوکی فی التصریف: یعیش بن علی ابن صائغ

تصریف: عبدالوهاب ابن ابراهیم زنجانی

شرح تصریف: سعدالدین مسعود بن عمر قاضی تفتازانی

مبادی العربیه: رشید الشرتونی

الصّرف التّعلیمی: استاد علی خدری

تیسیر الإبدال و الإعلال: عبدالعلیم ابراهیم

تیسیر الصّرف: عبدالقادر فیضی، عبدالله الدارمی

دراسات فی الصّرف: الدکتر امین علی سید

الصّرف میسّر: الدکتور سیّدرضا نجفی

المعین فی التّصریف: حسن حمد

کتاب های فارسی:

قرّه الطّرف بتبیین قواعد و ابواب الصرف: ادیب سیّدمحمد زکی جعفری درّه صوفی

منهاج الکرام: ادیب سیّدمحمد زکی جعفری درّه صوفی

صرف روان با حدیث و قرآن در سه جلد: استاد احمد امین شیرازی

صرف ساده: استاد سیّدمحمّدرضا طباطبایی

تصاریف، شرح صرف ساده در دو جلد: استاد محمدحسین محمدی

مغنی الفقیه، صرف جامع کاربردی: استاد مصطفی جمالی

مغنی الفقیه، علم صرف در مسیر اجتهاد: استاد مصطفی جمالی

علوم العربیه: استاد سیّدهاشم حسینی تهرانی

آشنائی با زبان قرآن: صرف مقدماتی، متوسطه و پیشرفته: استاد حمید محمدی

درسنامه صرف: استاد علی عرب خراسانی

سرآغاز صرف در دو جلد: استاد مهدی نقشه چی

صرف میر: میرسیّد شریف

شرح صرف میر: علامه مصطفوی

امثله و شرح امثله: میرسیّد شریف جرجانی

نصاب الصّبیان: ابونصر فراهی

انشاءالله که این اثر ناچیز مورد رضایت امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف و برای طلّاب و دانشجویان مفید باشد. در پایان از انتقادات و پیشنهادات همه اساتید بزرگوار صمیمانه استقبال کرده و معترف به خطا و لغزش خود هستم.

محمد علی ایرجی

سه شنبه ۱۳۹۵/۷/۶

نون تاکید

تصویر

ص: ۱۴

قواعد ادغام

تصویر

ص: ۱۵

تصویر

ص: ۱۶

مضاعف ثلاثی مجرد

تصویر

قواعد خصوصی باب تفاعل

قاعده ۱ و قاعده ۲ مذکور در باب تفعّل با همه ویژگی‌ها در باب تفاعل نیز جاری می‌شود و جریان آن‌ها جوازی است.

قاعده ۱ تَتَظَاهَرَ ← تَضَاهَرْ

قاعده ۲ ثَقُلَ ← تَثَاقَلَ ← تَثَاقَلَ ← تُثَاقَلَ ← إِثَّاقَلَ

قواعد عمومی اعلان

تصویر

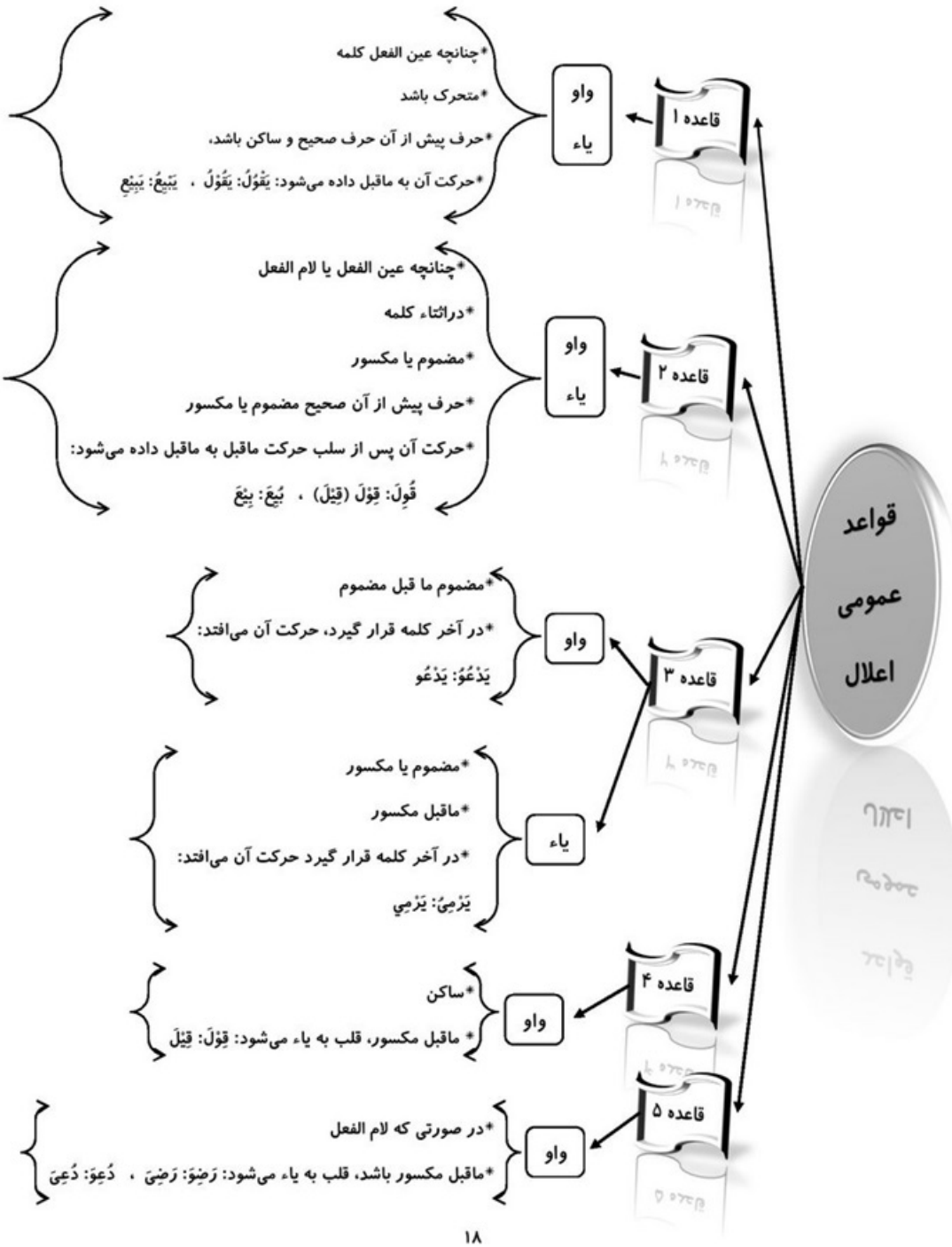

ص: ۱۸

تصویر

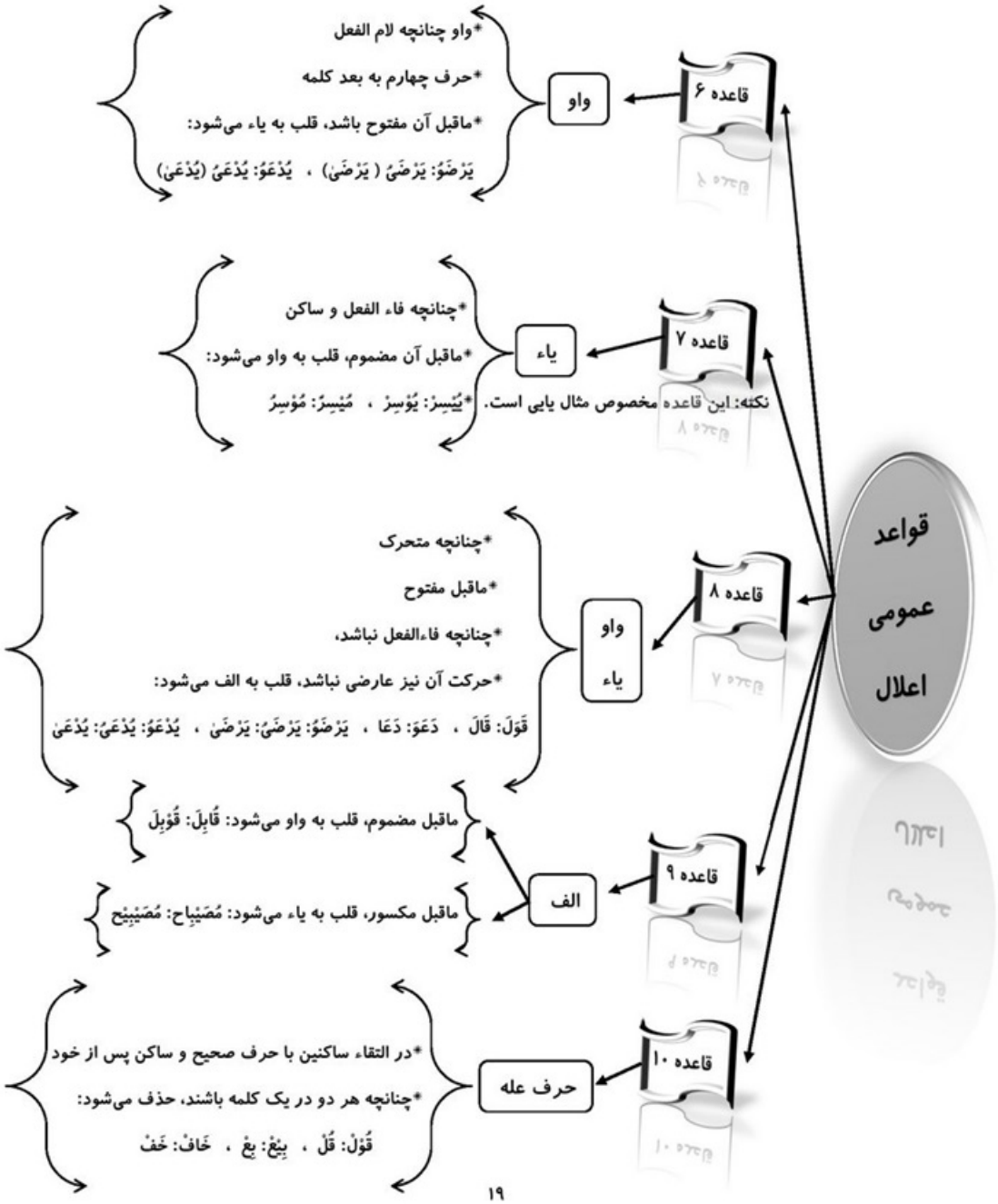
قواعد عمومی اعلال
قاعده ۶
واو
*واو چنانچه لام الفعل
*حرف چهارم به بعد کلمه
*ماقبل آن مفتوح باشد، قلب به یاء می‌شود:
یَرْضَوُ: یَرْضَیُ (یَرْضَی) ، یُدْعَوُ: یُدْعَیُ (یُدْعَی)
قاعده ۷
یاء
*چنانچه فاء الفعل و ساکن
*ماقبل آن مضموم، قلب به واو می‌شود:
*یُیْسِرُ: یُوْسِرُ ، مُیْسِرٌ: مُوْسِرٌ
نکته: این قاعده مخصوص مثال یایی است.
قاعده ۸
واو
یاء
*چنانچه متحرک
*ماقبل مفتوح
*چنانچه فاءالفعل نباشد،
*حرکت آن نیز عارضی نباشد، قلب به الف می‌شود:
قَوَلَ: قَالَ ، دَعَوَ: دَعَا ، یَرْضَوُ: یَرْضَیُ: یَرْضَی ، یُدْعَوُ: یُدْعَیُ: یُدْعَی
قاعده ۹
الف
ماقبل مضموم، قلب به واو می‌شود: قَابِلَ: قَوْبِلَ
ماقبل مکسور، قلب به یاء می‌شود: مُصَبْیِاح: مُصَبْیِیح
قاعده ۱۰
حرف عله
*در التقاء ساکنین با حرف صحیح و ساکن پس از خود
*چنانچه هر دو در یک کلمه باشند، حذف می‌شود:
قُوْلْ: قُلْ ، بِیْعْ: بِعْ ، خَافْ: خَفْ
۱۹

ص: ۱۹

مثال ثلاثی مجرد

تصویر

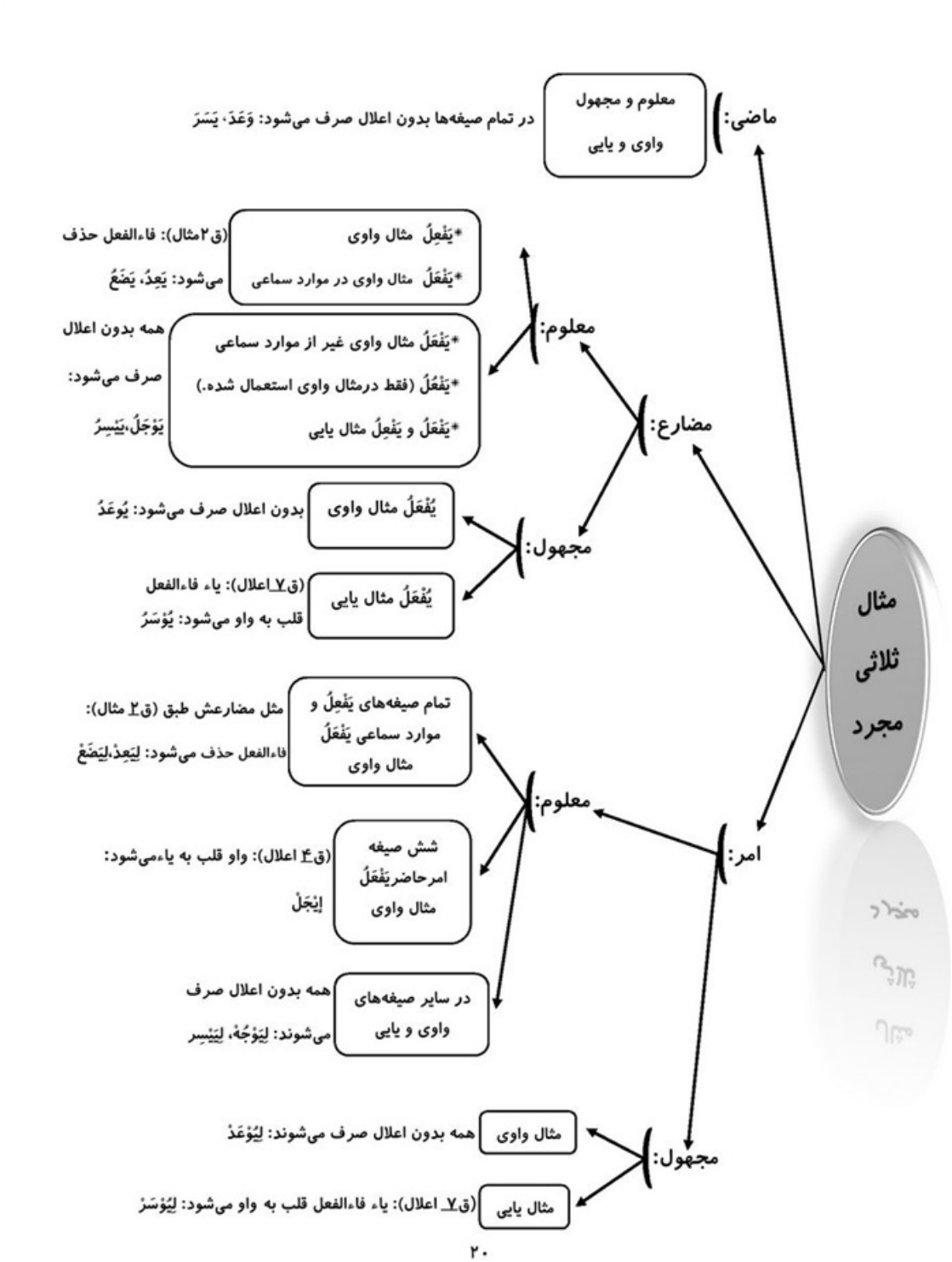

قاعده ۲ مثال صرف ساده

تصویر

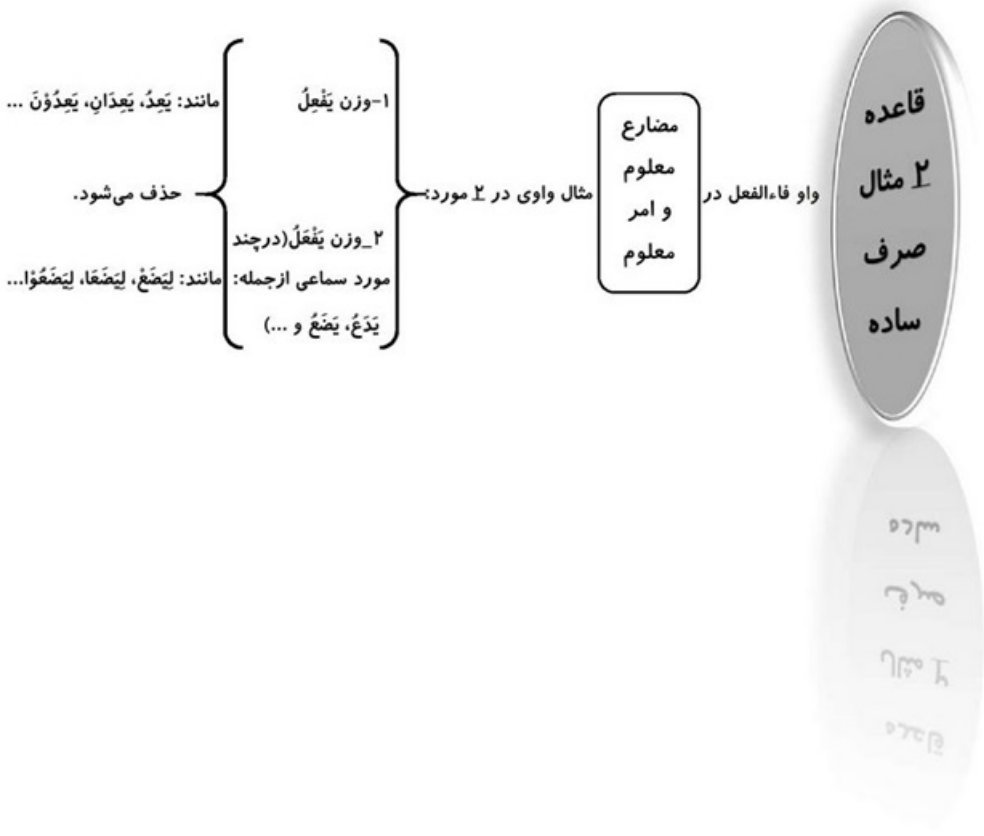

ص: ۲۱

اجوف ثلاثی مجرد

تصویر

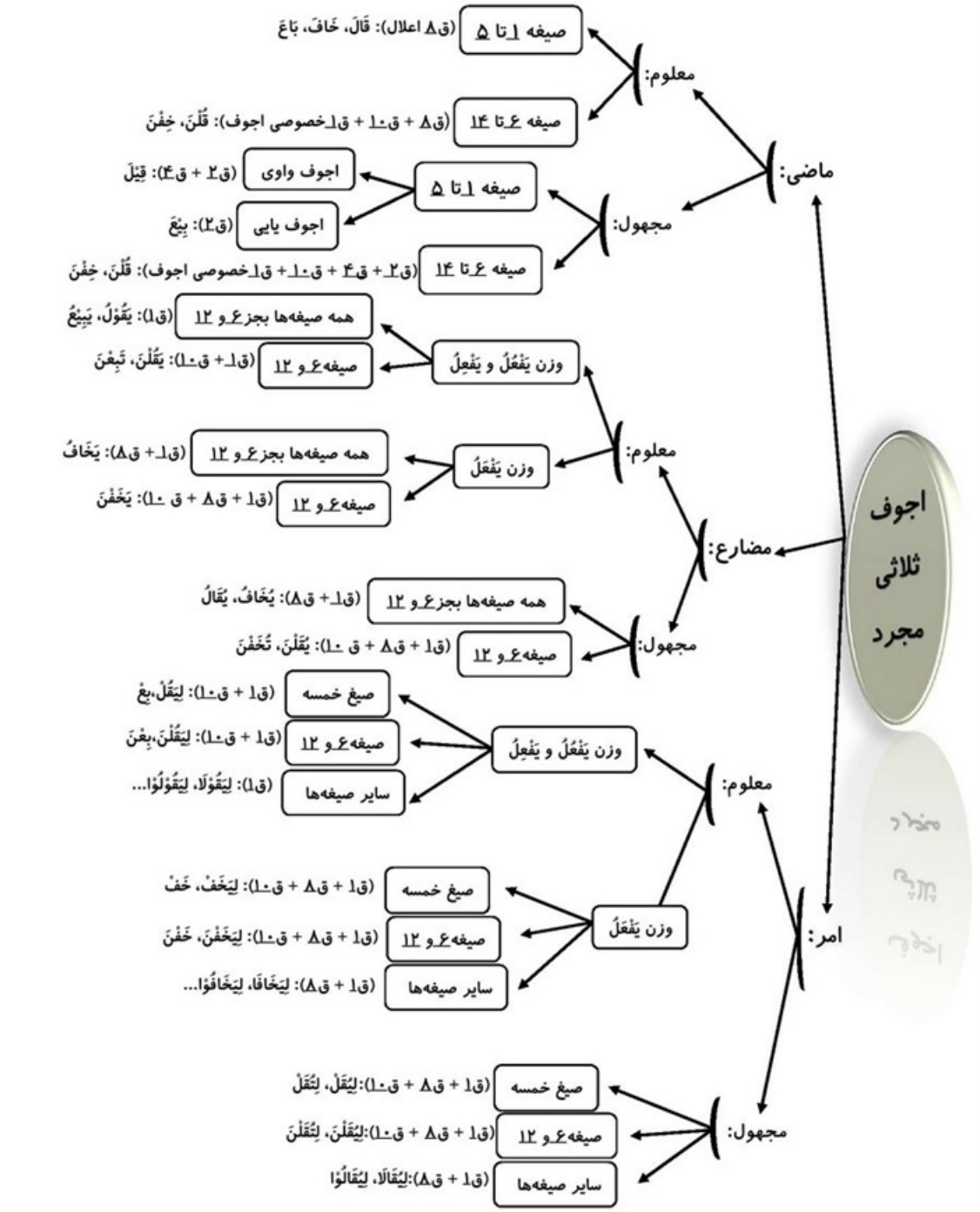

قاعده خصوصی اجوف در ثلاثی مجرد

تصویر

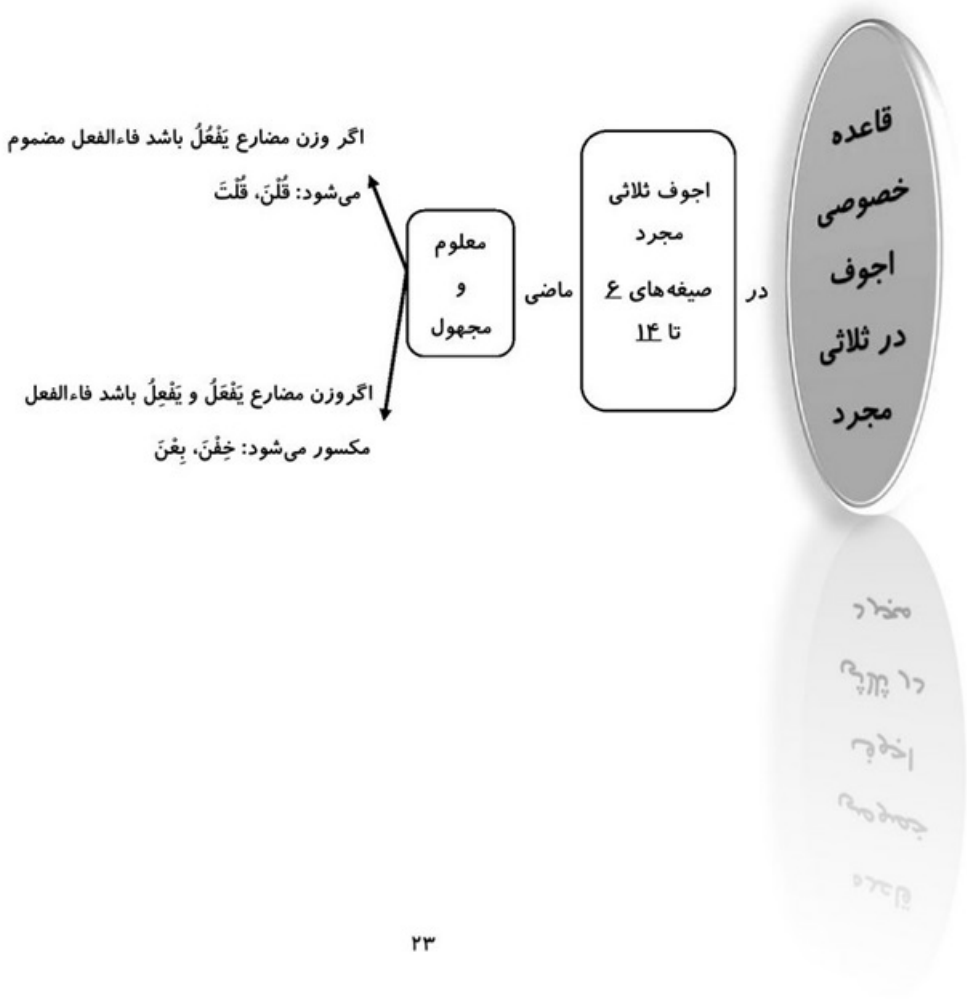

ص: ۲۳

ناقص و لفیف ثلاثی مجرد

تصویر

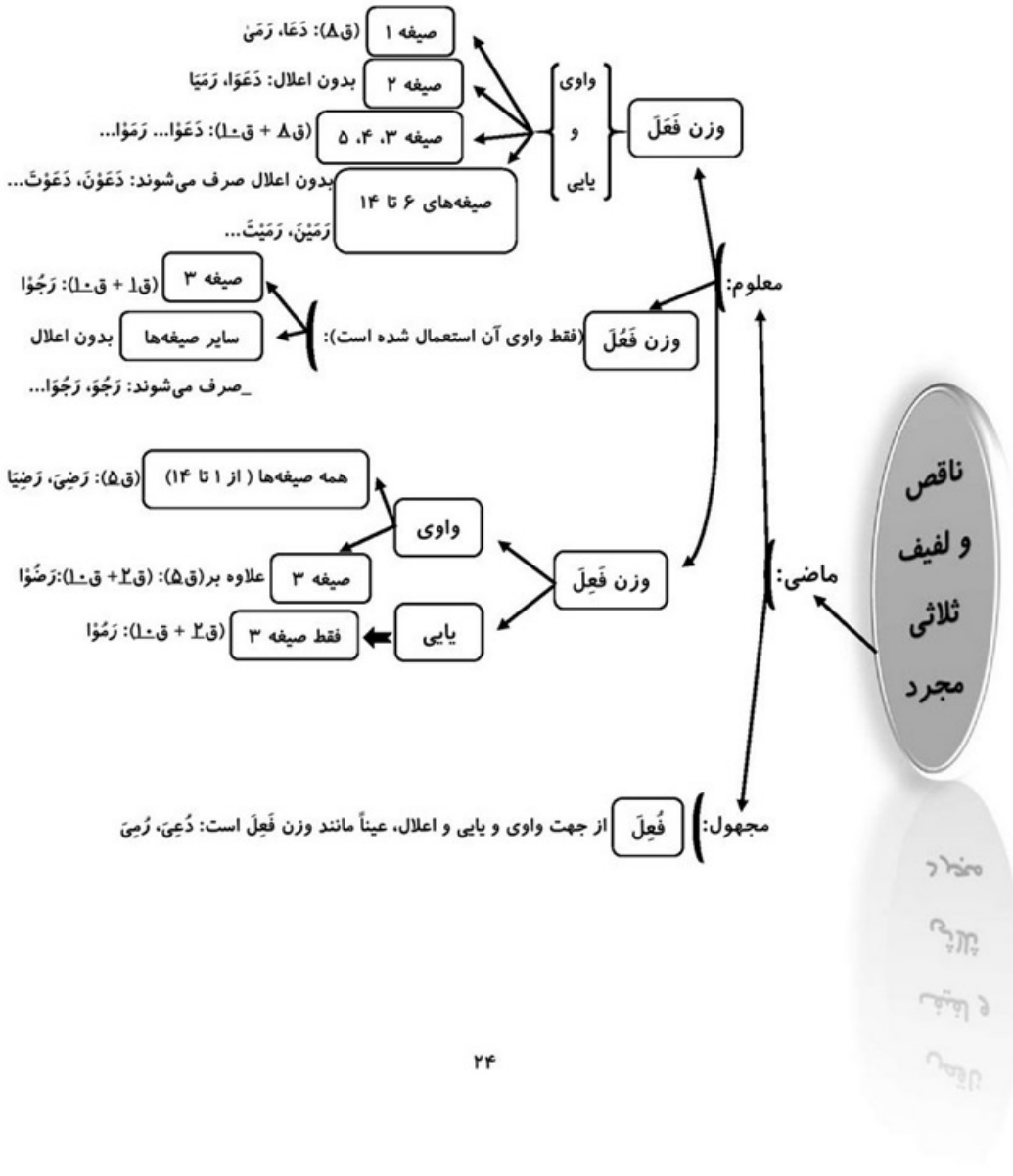

تصویر

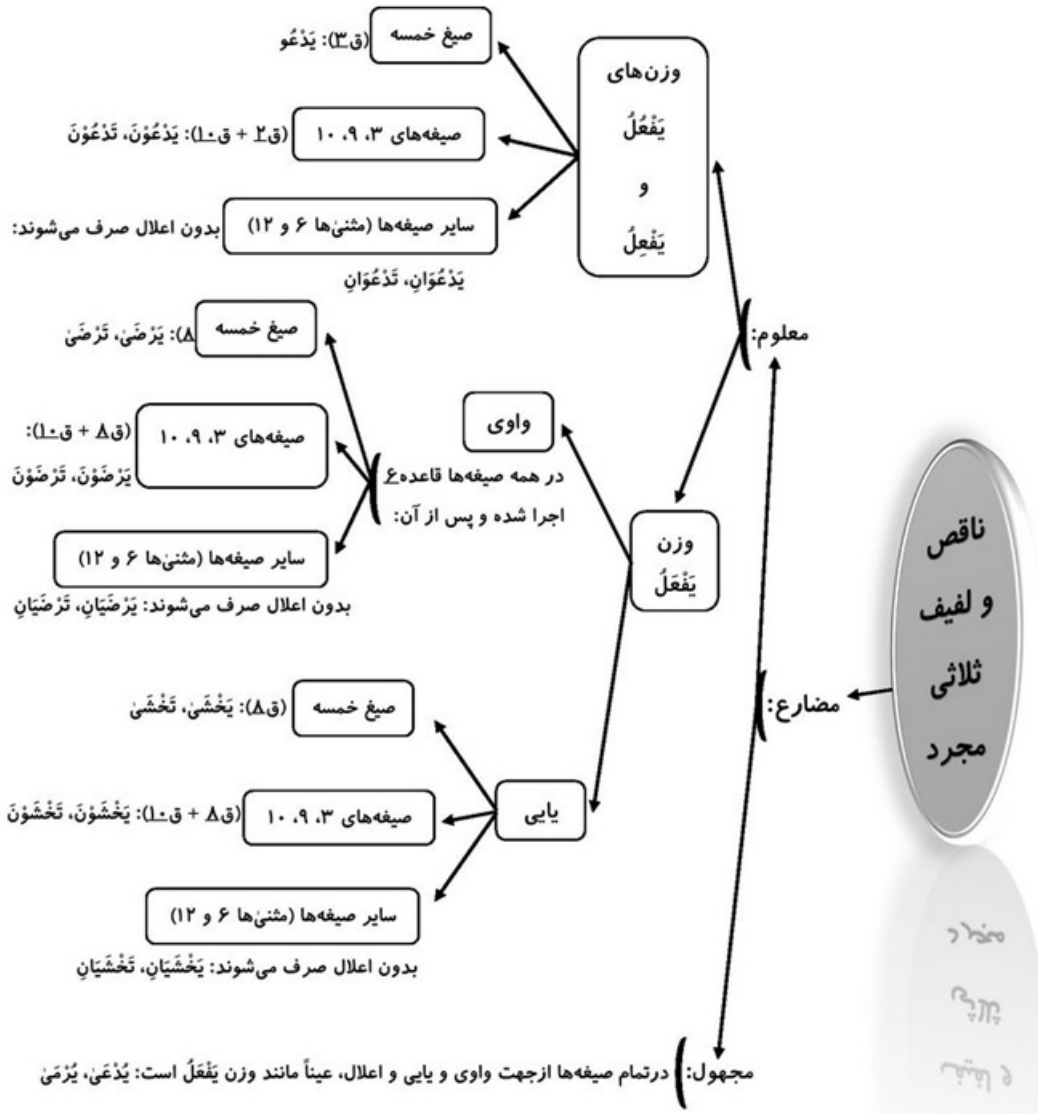
ناقص و لفیف ثلاثی مجرد
مضارع:
معلوم:
وزن‌های یَفْعُلُ و یَفْعِلُ
صیغ خمسه (ق۳): یَدْعُو
صیغه‌های ۳، ۹، ۱۰ (ق۲ + ق۱۰): یَدْعُوْنَ، تَدْعُوْنَ
سایر صیغه‌ها (مثنی‌ها ۶ و ۱۲) بدون اعلال صرف می‌شوند:
یَدْعُوَانِ، تَدْعُوَانِ
وزن یَفْعَلُ
واوی
در همه صیغه‌ها قاعده۶ اجرا شده و پس از آن:
صیغ خمسه (ق۸): یَرْضَیْ، تَرْضَیْ
صیغه‌های ۳، ۹، ۱۰ (ق۸ + ق۱۰): یَرْضَوْنَ، تَرْضَوْنَ
سایر صیغه‌ها (مثنی‌ها ۶ و ۱۲)
بدون اعلال صرف می‌شوند: یَرْضَیَانِ، تَرْضَیَانِ
یایی
صیغ خمسه (ق۸): یَخْشَیْ، تَخْشَیْ
صیغه‌های ۳، ۹، ۱۰ (ق۸ + ق۱۰): یَخْشَوْنَ، تَخْشَوْنَ
سایر صیغه‌ها (مثنی‌ها ۶ و ۱۲)
بدون اعلال صرف می‌شوند: یَخْشَیَانِ، تَخْشَیَانِ
مجهول: درتمام صیغه‌ها ازجهت واوی و یایی و اعلال، عیناً مانند وزن یَفْعَلُ است: یُدْعَیْ، یُرْمَیْ

ص: ۲۵

تصویر

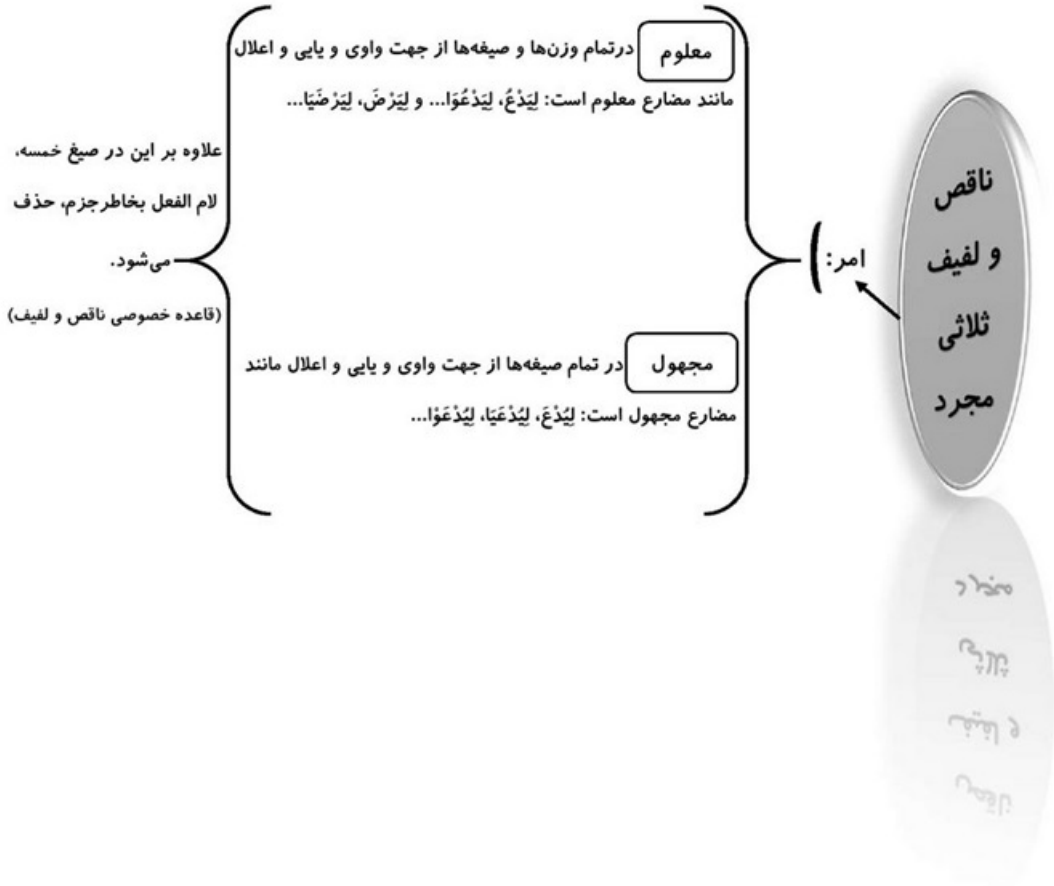
ناقص و لفیف ثلاثی مجرد
امر:
معلوم
درتمام وزن‌ها و صیغه‌ها از جهت واوی و یایی و اعلال مانند مضارع معلوم است: لِیَدْعُ، لِیَدْعُوَا... و لِیَرْضَ، لِیَرْضَیَا...
مجهول
در تمام صیغه‌ها از جهت واوی و یایی و اعلال مانند مضارع مجهول است: لِیُدْعَ، لِیُدْعَیَا، لِیُدْعَوْا...
علاوه بر این در صیغ خمسه، لام الفعل بخاطرجزم، حذف می‌شود.
(قاعده خصوصی ناقص و لفیف)

ص: ۲۶

قاعده خصوصی ناقص و لفیف

تصویر

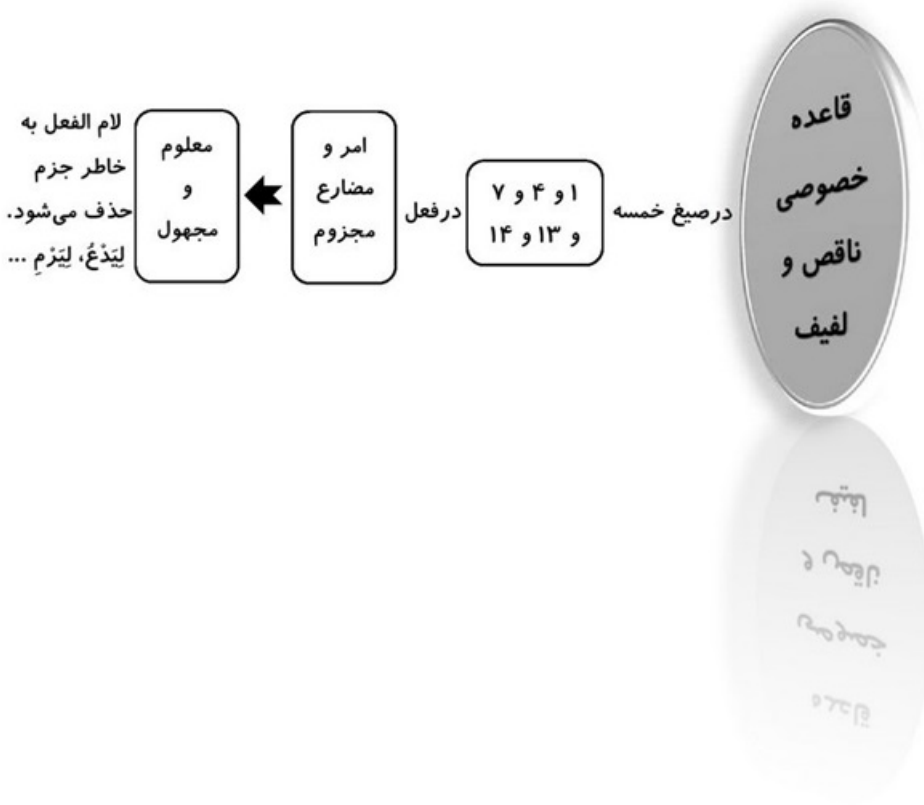

ص: ۲۷

مهموز ثلاثی مجرد

تصویر

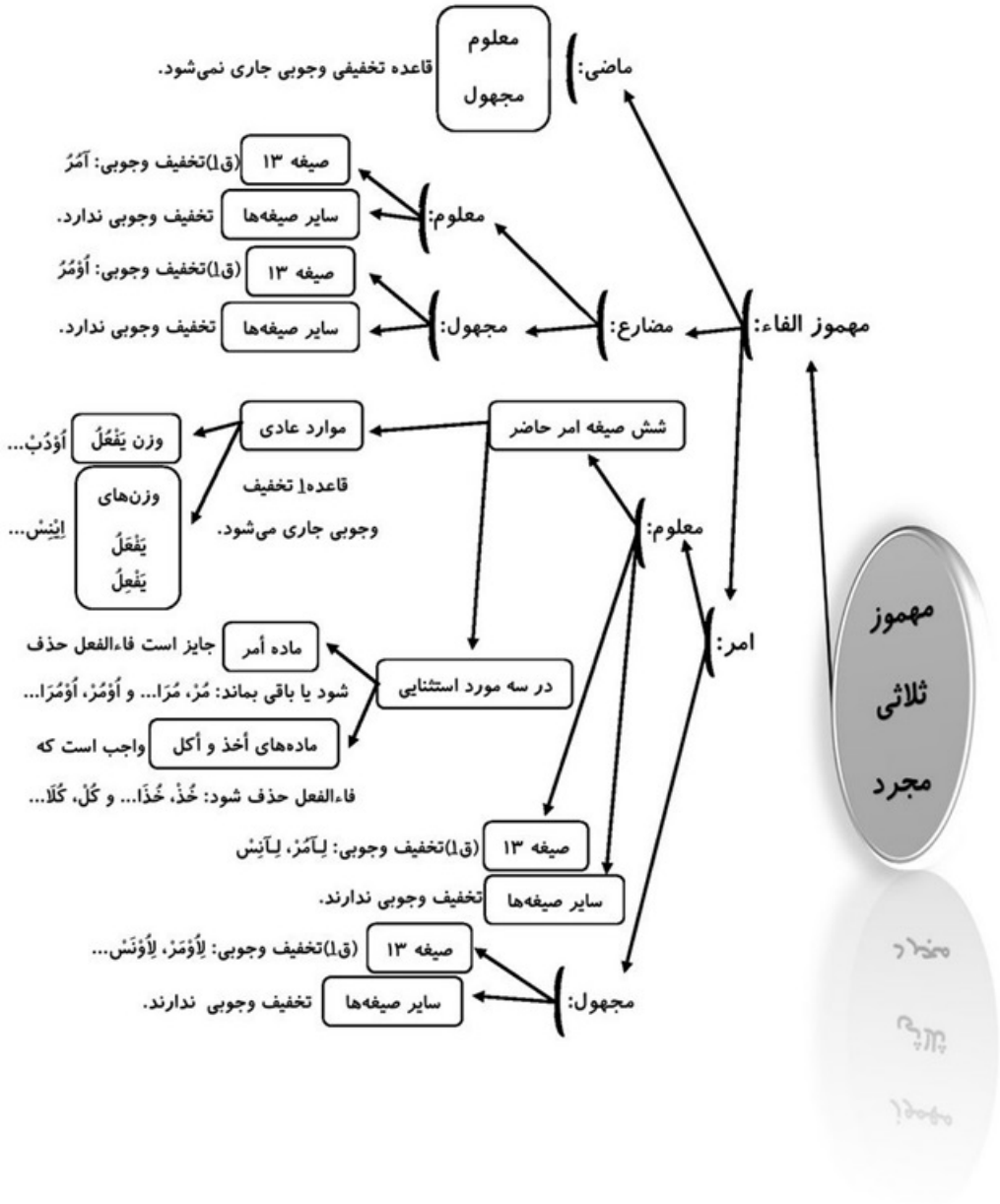

تصویر

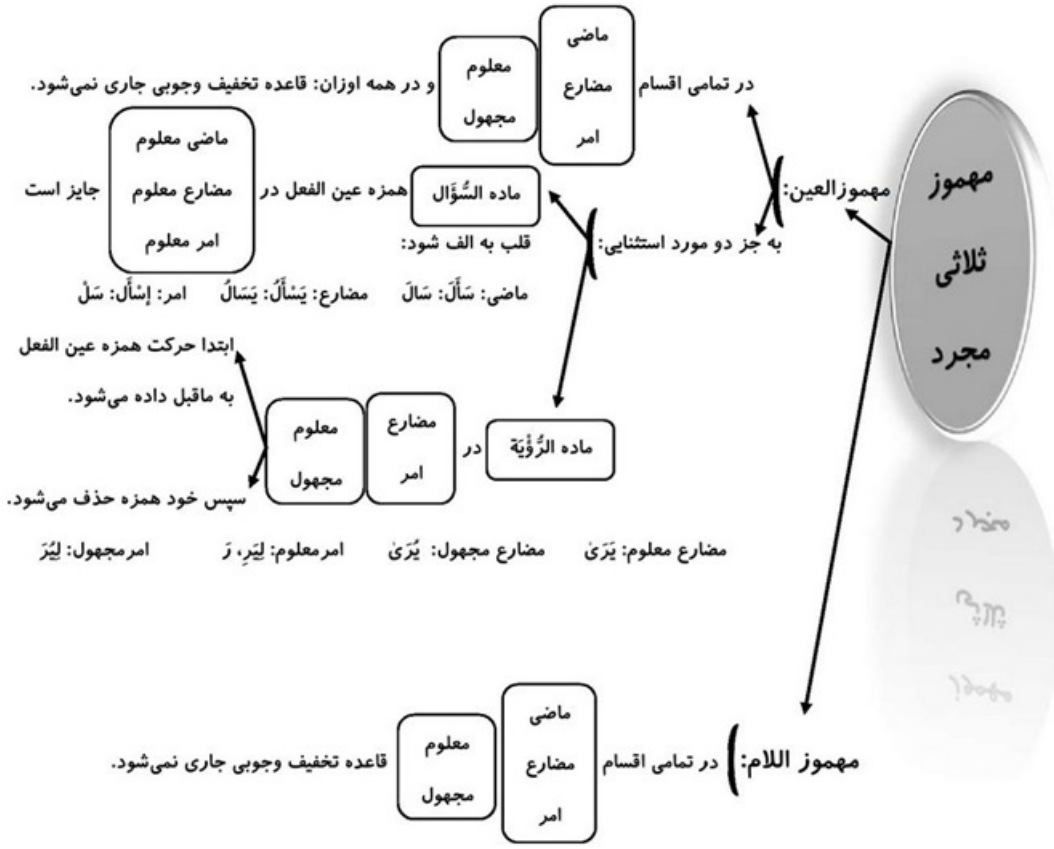
مهموز ثلاثی مجرد
مهموزالعین:
در تمامی اقسام
ماضی
مضارع
امر
و در همه اوزان: قاعده تخفیف وجوبی جاری نمی‌شود.
معلوم
مجهول
به جز دو مورد استثنایی:
ماده السُّؤَال
قلب به الف شود:
ماضی: سَأَلَ: سَالَ
مضارع: یَسْأَلُ: یَسَالُ
امر: إسْأَل: سَلْ
همزه عین الفعل در
ماضی معلوم
مضارع معلوم
امر معلوم
جایز است
ماده الرُّؤْیَة
در
مضارع
امر
معلوم
مجهول
ابتدا حرکت همزه عین الفعل به ماقبل داده می‌شود.
سپس خود همزه حذف می‌شود.
مضارع معلوم: یَرَیٰ
مضارع مجهول: یُرَیٰ
امرمعلوم: لِیَرِ، رَ
امرمجهول: لِیُرَ
مهموز اللام:
در تمامی اقسام
ماضی
مضارع
امر
معلوم
مجهول
قاعده تخفیف وجوبی جاری نمی‌شود.

قاعده ۱ تخفیف وجوبی صرف ساده

تصویر

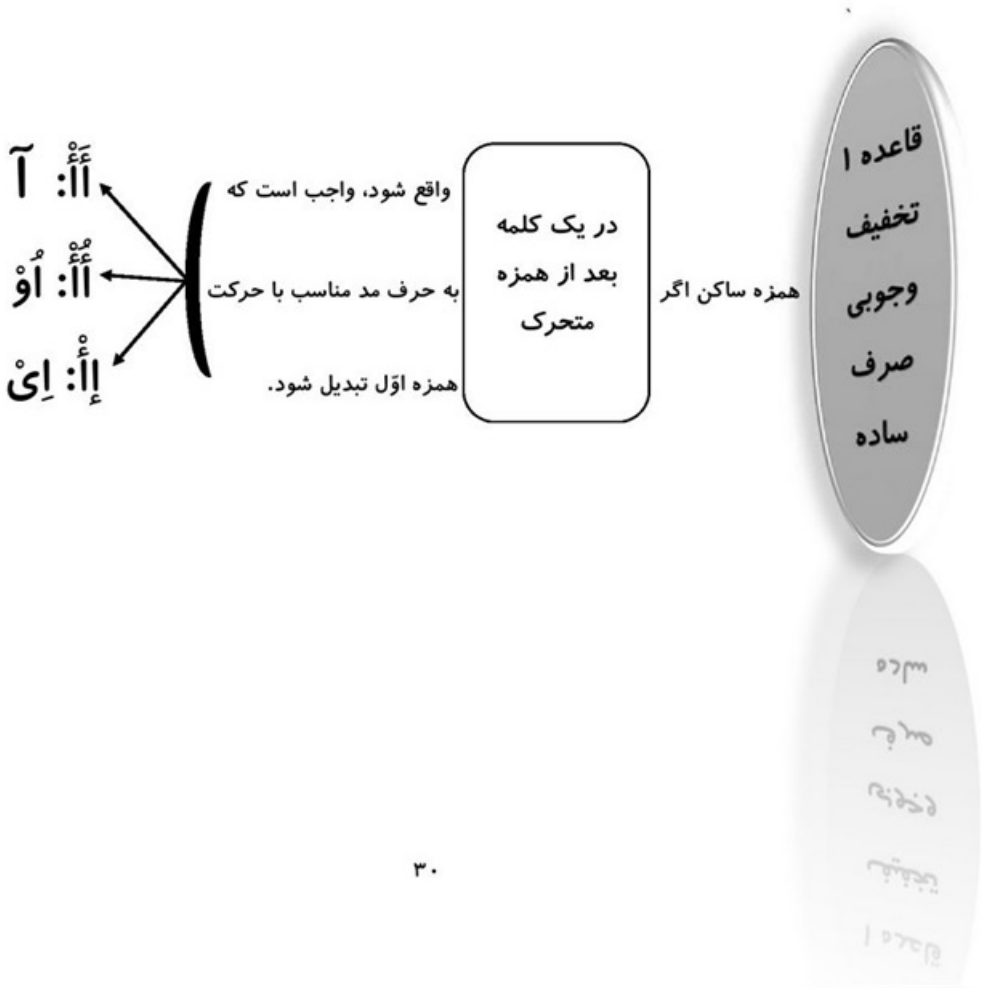

ص: ۳۰

صور انواع فعل از جهت حروف اصلی

تصویر

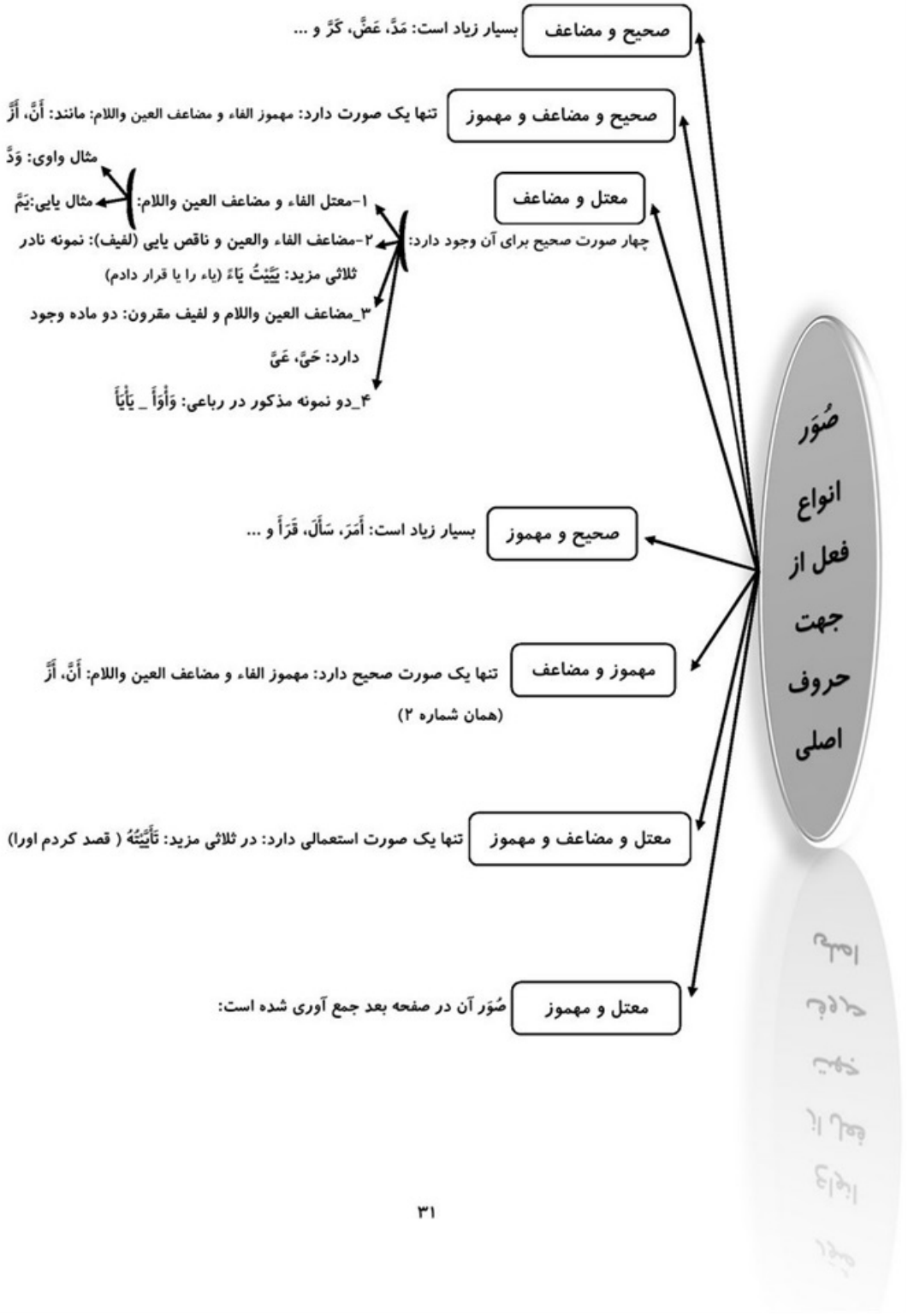

ترتیب صحیح و استعمالی معتل و مهموز

تصویر

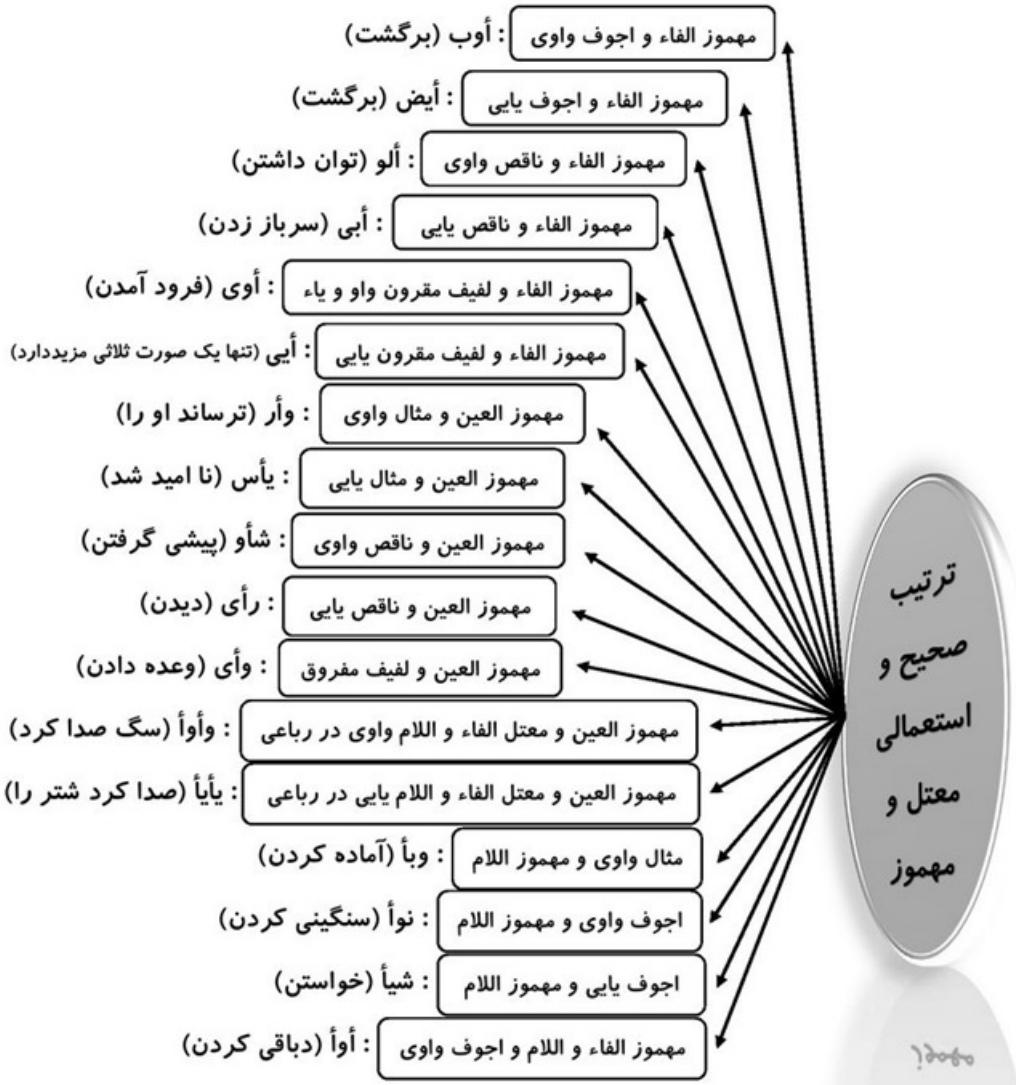

نکته: بر اساس تحقیق انجام شده در کتب لغت، تنها ۱۷ مورد مذکور در این باب یافت شد؛ وممکن است موردی غیر از موارد یاد شده نیز استعمال شده باشد.

۳۲

ص: ۳۲

تصویر

صفحه ۲	۳	اسم فاعل و مفعول ماده النّصْر					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	نَاصِرٌ	نَاصِراً	نَاصِرٍ		مَنْصُوْرٌ	مَنْصُوْراً	مَنْصُوْرٍ
۲	نَاصِرَانِ	نَاصِرَيْنِ	نَاصِرَيْنِ		مَنْصُوْرَانِ	مَنْصُوْرَيْنِ	مَنْصُوْرَيْنِ
۳	نَاصِرُوْنَ	نَاصِرِيْنَ	نَاصِرِيْنَ		مَنْصُوْرُوْنَ	مَنْصُوْرِيْنَ	مَنْصُوْرِيْنَ
۴	نَاصِرَةٌ	نَاصِرَةً	نَاصِرَةٍ		مَنْصُوْرَةٌ	مَنْصُوْرَةً	مَنْصُوْرَةٍ
۵	نَاصِرَتَانِ	نَاصِرَتَيْنِ	نَاصِرَتَيْنِ		مَنْصُوْرَتَانِ	مَنْصُوْرَتَيْنِ	مَنْصُوْرَتَيْنِ
۶	نَاصِرَاتٌ	نَاصِرَاتِ	نَاصِرَاتِ		مَنْصُوْرَاتٌ	مَنْصُوْرَاتِ	مَنْصُوْرَاتِ

صفحه ۲	۴	اسم فاعل و مفعول ماده السَّمْع					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	سَامِعٌ	سَامِعاً	سَامِعٍ		مَسْمُوْعٌ	مَسْمُوْعاً	مَسْمُوْعٍ
۲	سَامِعَانِ	سَامِعَيْنِ	سَامِعَيْنِ		مَسْمُوْعَانِ	مَسْمُوْعَيْنِ	مَسْمُوْعَيْنِ
۳	سَامِعُوْنَ	سَامِعِيْنَ	سَامِعِيْنَ		مَسْمُوْعُوْنَ	مَسْمُوْعِيْنَ	مَسْمُوْعِيْنَ
۴	سَامِعَةٌ	سَامِعَةً	سَامِعَةٍ		مَسْمُوْعَةٌ	مَسْمُوْعَةً	مَسْمُوْعَةٍ
۵	سَامِعَتَانِ	سَامِعَتَيْنِ	سَامِعَتَيْنِ		مَسْمُوْعَتَانِ	مَسْمُوْعَتَيْنِ	مَسْمُوْعَتَيْنِ
۶	سَامِعَاتٌ	سَامِعَاتِ	سَامِعَاتِ		مَسْمُوْعَاتٌ	مَسْمُوْعَاتِ	مَسْمُوْعَاتِ

تصویر

صفحه ۳	۵	اسم فاعل و مفعول ماده الحِسْبَان				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	حَاسِبٌ	حَاسِباً	حَاسِبٍ		مَحْسُوْبٌ	مَحْسُوْباً	مَحْسُوْبٍ
۲	حَاسِبَانِ	حَاسِبَيْنِ	حَاسِبَيْنِ		مَحْسُوْبَانِ	مَحْسُوْبَيْنِ	مَحْسُوْبَيْنِ
۳	حَاسِبُوْنَ	حَاسِبِيْنَ	حَاسِبِيْنَ		مَحْسُوْبُوْنَ	مَحْسُوْبِيْنَ	مَحْسُوْبِيْنَ
۴	حَاسِبَةٌ	حَاسِبَةً	حَاسِبَةٍ		مَحْسُوْبَةٌ	مَحْسُوْبَةً	مَحْسُوْبَةٍ
۵	حَاسِبَتَانِ	حَاسِبَتَيْنِ	حَاسِبَتَيْنِ		مَحْسُوْبَتَانِ	مَحْسُوْبَتَيْنِ	مَحْسُوْبَتَيْنِ
۶	حَاسِبَاتٌ	حَاسِبَاتٍ	حَاسِبَاتٍ		مَحْسُوْبَاتٌ	مَحْسُوْبَاتٍ	مَحْسُوْبَاتٍ

صفحه ۳	۶	صفت مشبّهه ماده الكَرَامَةُ		
شماره صیغه	صفت مشبّهه درحالت رفعی	صفت مشبّهه درحالت نصبی	صفت مشبّهه درحالت جری	
۱	كَرِيْمٌ	كَرِيْماً	كَرِيْمٍ	
۲	كَرِيْمَانِ	كَرِيْمَيْنِ	كَرِيْمَيْنِ	
۳	كِرَامٌ	كِرَاماً	كِرَامٍ	
۴	كَرِيْمَةٌ	كَرِيْمَةً	كَرِيْمَةٍ	
۵	كَرِيْمَتَانِ	كَرِيْمَتَيْنِ	كَرِيْمَتَيْنِ	
۶	كَرِيْمَاتٌ	كَرِيْمَاتٍ	كَرِيْمَاتٍ	

تصویر

صفحه ۴	۱ اسم فاعل و مفعول ماده الکَرّ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	كَارٌّ	كَارّاً	كَارٍّ	مَكْرُوْرٌ	مَكْرُوْراً	مَكْرُوْرٍ
۲	كَارَّانِ	كَارَّيْنِ	كَارَّيْنِ	مَكْرُوْرَانِ	مَكْرُوْرَيْنِ	مَكْرُوْرَيْنِ
۳	كَارُّوْنَ	كَارِّيْنَ	كَارِّيْنَ	مَكْرُوْرُوْنَ	مَكْرُوْرِيْنَ	مَكْرُوْرِيْنَ
۴	كَارَّةٌ	كَارَّةً	كَارَّةٍ	مَكْرُوْرَةٌ	مَكْرُوْرَةً	مَكْرُوْرَةٍ
۵	كَارَّتَانِ	كَارَّتَيْنِ	كَارَّتَيْنِ	مَكْرُوْرَتَانِ	مَكْرُوْرَتَيْنِ	مَكْرُوْرَتَيْنِ
۶	كَارَّاتٌ	كَارَّاتٍ	كَارَّاتٍ	مَكْرُوْرَاتٌ	مَكْرُوْرَاتٍ	مَكْرُوْرَاتٍ

صفحه ۴	۲ اسم فاعل و مفعول ماده المَدّ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مَادٌّ	مَادّاً	مَادٍّ	مَمْدُوْدٌ	مَمْدُوْداً	مَمْدُوْدٍ
۲	مَادَّانِ	مَادَّيْنِ	مَادَّيْنِ	مَمْدُوْدَانِ	مَمْدُوْدَيْنِ	مَمْدُوْدَيْنِ
۳	مَادُّوْنَ	مَادِّيْنَ	مَادِّيْنَ	مَمْدُوْدُوْنَ	مَمْدُوْدِيْنَ	مَمْدُوْدِيْنَ
۴	مَادَّةٌ	مَادَّةً	مَادَّةٍ	مَمْدُوْدَةٌ	مَمْدُوْدَةً	مَمْدُوْدَةٍ
۵	مَادَّتَانِ	مَادَّتَيْنِ	مَادَّتَيْنِ	مَمْدُوْدَتَانِ	مَمْدُوْدَتَيْنِ	مَمْدُوْدَتَيْنِ
۶	مَادَّاتٌ	مَادَّاتٍ	مَادَّاتٍ	مَمْدُوْدَاتٌ	مَمْدُوْدَاتٍ	مَمْدُوْدَاتٍ

تصویر

صفحه ۵	۳	اسم فاعل و مفعول ماده العَضّ				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	عَاضٌّ	عَاضّاً	عَاضٍّ		مَعْضُوْضٌ	مَعْضُوْضاً	مَعْضُوْضٍ
۲	عَاضَّانِ	عَاضَّيْنِ	عَاضَّيْنِ		مَعْضُوْضَانِ	مَعْضُوْضَيْنِ	مَعْضُوْضَيْنِ
۳	عَاضُّوْنَ	عَاضِّيْنَ	عَاضِّيْنَ		مَعْضُوْضُوْنَ	مَعْضُوْضِيْنَ	مَعْضُوْضِيْنَ
۴	عَاضَّةٌ	عَاضَّةً	عَاضَّةٍ		مَعْضُوْضَةٌ	مَعْضُوْضَةً	مَعْضُوْضَةٍ
۵	عَاضَّتَانِ	عَاضَّتَيْنِ	عَاضَّتَيْنِ		مَعْضُوْضَتَانِ	مَعْضُوْضَتَيْنِ	مَعْضُوْضَتَيْنِ
۶	عَاضَّاتٌ	عَاضَّاتٍ	عَاضَّاتٍ		مَعْضُوْضَاتٌ	مَعْضُوْضَاتٍ	مَعْضُوْضَاتٍ

تصویر

صفحه ۶	۱ اسم فاعل و مفعول ماده الوَضْع					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاضِعٌ	وَاضِعاً	وَاضِعٍ	مَوْضُوْعٌ	مَوْضُوْعاً	مَوْضُوْعٍ
۲	وَاضِعَانِ	وَاضِعَيْنِ	وَاضِعَيْنِ	مَوْضُوْعَانِ	مَوْضُوْعَيْنِ	مَوْضُوْعَيْنِ
۳	وَاضِعُوْنَ	وَاضِعِيْنَ	وَاضِعِيْنَ	مَوْضُوْعُوْنَ	مَوْضُوْعِيْنَ	مَوْضُوْعِيْنَ
۴	وَاضِعَةٌ	وَاضِعَةً	وَاضِعَةٍ	مَوْضُوْعَةٌ	مَوْضُوْعَةً	مَوْضُوْعَةٍ
۵	وَاضِعَتَانِ	وَاضِعَتَيْنِ	وَاضِعَتَيْنِ	مَوْضُوْعَتَانِ	مَوْضُوْعَتَيْنِ	مَوْضُوْعَتَيْنِ
۶	وَاضِعَاتٌ	وَاضِعَاتِ	وَاضِعَاتٍ	مَوْضُوْعَاتٌ	مَوْضُوْعَاتِ	مَوْضُوْعَاتٍ

صفحه ۶	۲ اسم فاعل و مفعول ماده الوَعْد					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاعِدٌ	وَاعِداً	وَاعِدٍ	مَوْعُوْدٌ	مَوْعُوْداً	مَوْعُوْدٍ
۲	وَاعِدَانِ	وَاعِدَيْنِ	وَاعِدَيْنِ	مَوْعُوْدَانِ	مَوْعُوْدَيْنِ	مَوْعُوْدَيْنِ
۳	وَاعِدُوْنَ	وَاعِدِيْنَ	وَاعِدِيْنَ	مَوْعُوْدُوْنَ	مَوْعُوْدِيْنِ	مَوْعُوْدِيْنِ
۴	وَاعِدَةٌ	وَاعِدَةً	وَاعِدَةٍ	مَوْعُوْدَةٌ	مَوْعُوْدَةً	مَوْعُوْدَةٍ
۵	وَاعِدَتَانِ	وَاعِدَتَيْنِ	وَاعِدَتَيْنِ	مَوْعُوْدَتَانِ	مَوْعُوْدَتَيْنِ	مَوْعُوْدَتَيْنِ
۶	وَاعِدَاتٌ	وَاعِدَاتِ	وَاعِدَاتٍ	مَوْعُوْدَاتٌ	مَوْعُوْدَاتِ	مَوْعُوْدَاتٍ

تصویر

صفحه ۷	۳	اسم فاعل و مفعول ماده الوَجَل				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاجِلٌ	وَاجِلاً	وَاجِلٍ		مَوْجُوْلٌ بِهِ	مَوْجُوْلاً بِهِ	مَوْجُوْلٍ بِهِ
۲	وَاجِلَانِ	وَاجِلَيْنِ	وَاجِلَيْنِ		مَوْجُوْلٌ بِهِمَا	مَوْجُوْلاً بِهِمَا	مَوْجُوْلٍ بِهِمَا
۳	وَاجِلُوْنَ	وَاجِلِيْنَ	وَاجِلِيْنَ		مَوْجُوْلٌ بِهِمْ	مَوْجُوْلاً بِهِمْ	مَوْجُوْلٍ بِهِمْ
۴	وَاجِلَةٌ	وَاجِلَةً	وَاجِلَةٍ		مَوْجُوْلٌ بِهَا	مَوْجُوْلاً بِهَا	مَوْجُوْلٍ بِهَا
۵	وَاجِلَتَانِ	وَاجِلَتَيْنِ	وَاجِلَتَيْنِ		مَوْجُوْلٌ بِهِمَا	مَوْجُوْلاً بِهِمَا	مَوْجُوْلٍ بِهِمَا
۶	وَاجِلَاتٌ	وَاجِلَاتٍ	وَاجِلَاتٍ		مَوْجُوْلٌ بِهِنَّ	مَوْجُوْلاً بِهِنَّ	مَوْجُوْلٍ بِهِنَّ

صفحه ۷	۴	اسم فاعل و مفعول ماده الوَرَم				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَارِمٌ	وَارِماً	وَارِمٍ		مَوْرُوْمٌ بِهِ	مَوْرُوْماً بِهِ	مَوْرُوْمٍ بِهِ
۲	وَارِمَانِ	وَارِمَيْنِ	وَارِمَيْنِ		مَوْرُوْمٌ بِهِمَا	مَوْرُوْماً بِهِمَا	مَوْرُوْمٍ بِهِمَا
۳	وَارِمُوْنَ	وَارِمِيْنَ	وَارِمِيْنَ		مَوْرُوْمٌ بِهِمْ	مَوْرُوْماً بِهِمْ	مَوْرُوْمٍ بِهِمْ
۴	وَارِمَةٌ	وَارِمَةً	وَارِمَةٍ		مَوْرُوْمٌ بِهَا	مَوْرُوْماً بِهَا	مَوْرُوْمٍ بِهَا
۵	وَارِمَتَانِ	وَارِمَتَيْنِ	وَارِمَتَيْنِ		مَوْرُوْمٌ بِهِمَا	مَوْرُوْماً بِهِمَا	مَوْرُوْمٍ بِهِمَا
۶	وَارِمَاتٌ	وَارِمَاتٍ	وَارِمَاتٍ		مَوْرُوْمٌ بِهِنَّ	مَوْرُوْماً بِهِنَّ	مَوْرُوْمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۸	۵	صفت مشبّهه ماده الوَسَامَةُ	
شماره صیغه	صفت مشبّهه درحالت رفعی	صفت مشبّهه درحالت نصبی	صفت مشبّهه درحالت جری
۱	وَسِيْمٌ	وَسِيْماً	وَسِيْمٍ
۲	وَسِيْمَانِ	وَسِيْمَيْنِ	وَسِيْمَيْنِ
۳	وِسَامٌ	وِسَاماً	وِسَامٍ
۴	وَسِيْمَةٌ	وَسِيْمَةً	وَسِيْمَةٍ
۵	وَسِيْمَتَانِ	وَسِيْمَتَيْنِ	وَسِيْمَتَيْنِ
۶	وِسَامٌ	وِسَاماً	وِسَامٍ

تصویر

صفحه ۹	۱	اسم فاعل و مفعول ماده الیُسْر				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	يَاسِرٌ	يَاسِراً	يَاسِرٍ		مَيْسُوْرٌ بِهِ	مَيْسُوْراً بِهِ	مَيْسُوْرٍ بِهِ
۲	يَاسِرَانِ	يَاسِرَيْنِ	يَاسِرَيْنِ		مَيْسُوْرٌ بِهِمَا	مَيْسُوْراً بِهِمَا	مَيْسُوْرٍ بِهِمَا
۳	يَاسِرُوْنَ	يَاسِرِيْنَ	يَاسِرِيْنَ		مَيْسُوْرٌ بِهِمْ	مَيْسُوْراً بِهِمْ	مَيْسُوْرٍ بِهِمْ
۴	يَاسِرَةٌ	يَاسِرَةً	يَاسِرَةٍ		مَيْسُوْرٌ بِهَا	مَيْسُوْراً بِهَا	مَيْسُوْرٍ بِهَا
۵	يَاسِرَتَانِ	يَاسِرَتَيْنِ	يَاسِرَتَيْنِ		مَيْسُوْرٌ بِهِمَا	مَيْسُوْراً بِهِمَا	مَيْسُوْرٍ بِهِمَا
۶	يَاسِرَاتٌ	يَاسِرَاتِ	يَاسِرَاتٍ		مَيْسُوْرٌ بِهِنَّ	مَيْسُوْراً بِهِنَّ	مَيْسُوْرٍ بِهِنَّ

صفحه ۹	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الیَقْن				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	يَاقِنٌ	يَاقِناً	يَاقِنٍ		مَيْقُوْنٌ	مَيْقُوْناً	مَيْقُوْنٍ
۲	يَاقِنَانِ	يَاقِنَيْنِ	يَاقِنَيْنِ		مَيْقُوْنَانِ	مَيْقُوْنَيْنِ	مَيْقُوْنَيْنِ
۳	يَاقِنُوْنَ	يَاقِنِيْنَ	يَاقِنِيْنَ		مَيْقُوْنُوْنَ	مَيْقُوْنِيْنَ	مَيْقُوْنِيْنَ
۴	يَاقِنَةٌ	يَاقِنَةً	يَاقِنَةٍ		مَيْقُوْنَةٌ	مَيْقُوْنَةً	مَيْقُوْنَةٍ
۵	يَاقِنَتَانِ	يَاقِنَتَيْنِ	يَاقِنَتَيْنِ		مَيْقُوْنَتَانِ	مَيْقُوْنَتَيْنِ	مَيْقُوْنَتَيْنِ
۶	يَاقِنَاتٌ	يَاقِنَاتِ	يَاقِنَاتٍ		مَيْقُوْنَاتٌ	مَيْقُوْنَاتِ	مَيْقُوْنَاتِ

تصویر

صفحه ۱۰	۳	اسم فاعل و مفعول ماده اليُمْن				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	يَامِنٌ	يَامِناً	يَامِنٍ		مَيْمُوْنٌ بِهِ	مَيْمُوْناً بِهِ	مَيْمُوْنٍ بِهِ
۲	يَامِنَانِ	يَامِنَيْنِ	يَامِنَيْنِ		مَيْمُوْنٌ بِهِمَا	مَيْمُوْناً بِهِمَا	مَيْمُوْنٍ بِهِمَا
۳	يَامِنُوْنَ	يَامِنِيْنَ	يَامِنِيْنَ		مَيْمُوْنٌ بِهِمْ	مَيْمُوْناً بِهِمْ	مَيْمُوْنٍ بِهِمْ
۴	يَامِنَةٌ	يَامِنَةً	يَامِنَةٍ		مَيْمُوْنٌ بِهَا	مَيْمُوْناً بِهَا	مَيْمُوْنٍ بِهَا
۵	يَامِنَتَانِ	يَامِنَتَيْنِ	يَامِنَتَيْنِ		مَيْمُوْنٌ بِهِمَا	مَيْمُوْناً بِهِمَا	مَيْمُوْنٍ بِهِمَا
۶	يَامِنَاتٌ	يَامِنَاتٍ	يَامِنَاتٍ		مَيْمُوْنٌ بِهِنَّ	مَيْمُوْناً بِهِنَّ	مَيْمُوْنٍ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۱	۱	اسم فاعل و مفعول ماده القَوْل				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	قَائِلٌ	قَائِلاً	قَائِلٍ		مَقُوْلٌ	مَقُوْلاً	مَقُوْلٍ
۲	قَائِلَانِ	قَائِلَيْنِ	قَائِلَيْنِ		مَقُوْلَانِ	مَقُوْلَيْنِ	مَقُوْلَيْنِ
۳	قَائِلُوْنَ	قَائِلِيْنَ	قَائِلِيْنَ		مَقُوْلُوْنَ	مَقُوْلِيْنَ	مَقُوْلِيْنَ
۴	قَائِلَةٌ	قَائِلَةً	قَائِلَةٍ		مَقُوْلَةٌ	مَقُوْلَةً	مَقُوْلَةٍ
۵	قَائِلَتَانِ	قَائِلَتَيْنِ	قَائِلَتَيْنِ		مَقُوْلَتَانِ	مَقُوْلَتَيْنِ	مَقُوْلَتَيْنِ
۶	قَائِلَاتٌ	قَائِلَاتٍ	قَائِلَاتٍ		مَقُوْلَاتٌ	مَقُوْلَاتٍ	مَقُوْلَاتٍ

صفحه ۱۱	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الخَوْف				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	خَائِفٌ	خَائِفاً	خَائِفٍ		مَخُوْفٌ	مَخُوْفاً	مَخُوْفٍ
۲	خَائِفَانِ	خَائِفَيْنِ	خَائِفَيْنِ		مَخُوْفَانِ	مَخُوْفَيْنِ	مَخُوْفَيْنِ
۳	خَائِفُوْنَ	خَائِفِيْنَ	خَائِفِيْنَ		مَخُوْفُوْنَ	مَخُوْفِيْنَ	مَخُوْفِيْنَ
۴	خَائِفَةٌ	خَائِفَةً	خَائِفَةٍ		مَخُوْفَةٌ	مَخُوْفَةً	مَخُوْفَةٍ
۵	خَائِفَتَانِ	خَائِفَتَيْنِ	خَائِفَتَيْنِ		مَخُوْفَتَانِ	مَخُوْفَتَيْنِ	مَخُوْفَتَيْنِ
۶	خَائِفَاتٌ	خَائِفَاتٍ	خَائِفَاتٍ		مَخُوْفَاتٌ	مَخُوْفَاتٍ	مَخُوْفَاتٍ

تصویر



صفحه ۱۲	۱	اسم فاعل و مفعول ماده البَیْع				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	بَائِعٌ	بَائِعاً	بَائِعٍ		مَبِیْعٌ	مَبِیْعاً	مَبِیْعٍ
۲	بَائِعَانِ	بَائِعَیْنِ	بَائِعَیْنِ		مَبِیْعَانِ	مَبِیْعَیْنِ	مَبِیْعَیْنِ
۳	بَائِعُوْنَ	بَائِعِیْنَ	بَائِعِیْنَ		مَبِیْعُوْنَ	مَبِیْعِیْنَ	مَبِیْعِیْنَ
۴	بَائِعَةٌ	بَائِعَةً	بَائِعَةٍ		مَبِیْعَةٌ	مَبِیْعَةً	مَبِیْعَةٍ
۵	بَائِعَتَانِ	بَائِعَتَیْنِ	بَائِعَتَیْنِ		مَبِیْعَتَانِ	مَبِیْعَتَیْنِ	مَبِیْعَتَیْنِ
۶	بَائِعَاتٌ	بَائِعَاتٍ	بَائِعَاتٍ		مَبِیْعَاتٌ	مَبِیْعَاتٍ	مَبِیْعَاتٍ

صفحه ۱۲	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الهَیْبَة				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	هَائِبٌ	هَائِباً	هَائِبٍ		مَهِیْبٌ	مَهِیْباً	مَهِیْبٍ
۲	هَائِبَانِ	هَائِبَیْنِ	هَائِبَیْنِ		مَهِیْبَانِ	مَهِیْبَیْنِ	مَهِیْبَیْنِ
۳	هَائِبُوْنَ	هَائِبِیْنَ	هَائِبِیْنَ		مَهِیْبُوْنَ	مَهِیْبِیْنَ	مَهِیْبِیْنَ
۴	هَائِبَةٌ	هَائِبَةً	هَائِبَةٍ		مَهِیْبَةٌ	مَهِیْبَةً	مَهِیْبَةٍ
۵	هَائِبَتَانِ	هَائِبَتَیْنِ	هَائِبَتَیْنِ		مَهِیْبَتَانِ	مَهِیْبَتَیْنِ	مَهِیْبَتَیْنِ
۶	هَائِبَاتٌ	هَائِبَاتٍ	هَائِبَاتٍ		مَهِیْبَاتٌ	مَهِیْبَاتٍ	مَهِیْبَاتٍ

تصویر

صفحه ۱۳	۱ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الدَّعْوَةُ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	دَاعٍ	دَاعِياً	دَاعٍ	مَدْعُوٌّ	مَدْعُوّاً	مَدْعُوٍّ
۲	دَاعِيَانِ	دَاعِيَيْنِ	دَاعِيَيْنِ	مَدْعُوَّانِ	مَدْعُوَّيْنِ	مَدْعُوَّيْنِ
۳	دَاعُوْنَ	دَاعِيْنَ	دَاعِيْنَ	مَدْعُوُّوْنَ	مَدْعُوِّيْنَ	مَدْعُوِّيْنَ
۴	دَاعِيَةٌ	دَاعِيَةً	دَاعِيَةٍ	مَدْعُوَّةٌ	مَدْعُوَّةً	مَدْعُوَّةٍ
۵	دَاعِيَتَانِ	دَاعِيَتَيْنِ	دَاعِيَتَيْنِ	مَدْعُوَّتَانِ	مَدْعُوَّتَيْنِ	مَدْعُوَّتَيْنِ
۶	دَاعِيَاتٌ	دَاعِيَاتِ	دَاعِيَاتٍ	مَدْعُوَّاتٌ	مَدْعُوَّاتِ	مَدْعُوَّاتٍ

صفحه ۱۳	۱ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الدَّعْوَةُ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الدَّاعِي	الدَّاعِيَ	الدَّاعِي	المَدْعُوُّ	المَدْعُوَّ	المَدْعُوِّ
۲	الدَّاعِيَانِ	الدَّاعِيَيْنِ	الدَّاعِيَيْنِ	المَدْعُوَّانِ	المَدْعُوَّيْنِ	المَدْعُوَّيْنِ
۳	الدَّاعُوْنَ	الدَّاعِيْنَ	الدَّاعِيْنَ	المَدْعُوُّوْنَ	المَدْعُوِّيْنَ	المَدْعُوِّيْنَ
۴	الدَّاعِيَةُ	الدَّاعِيَةَ	الدَّاعِيَةِ	المَدْعُوَّةُ	المَدْعُوَّةَ	المَدْعُوَّةِ
۵	الدَّاعِيَتَانِ	الدَّاعِيَتَيْنِ	الدَّاعِيَتَيْنِ	المَدْعُوَّتَانِ	المَدْعُوَّتَيْنِ	المَدْعُوَّتَيْنِ
۶	الدَّاعِيَاتُ	الدَّاعِيَاتِ	الدَّاعِيَاتِ	المَدْعُوَّاتُ	المَدْعُوَّاتِ	المَدْعُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۱۴	۲ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرِّضَا					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَاضٍ	رَاضِياً	رَاضٍ	مَرْضِيٌّ	مَرْضِيّاً	مَرْضِيٍّ
۲	رَاضِيَانِ	رَاضِيَيْنِ	رَاضِيَيْنِ	مَرْضِيَّانِ	مَرْضِيَّيْنِ	مَرْضِيَّيْنِ
۳	رَاضُوْنَ	رَاضِيْنَ	رَاضِيْنَ	مَرْضِيُّوْنَ	مَرْضِيِّيْنَ	مَرْضِيِّيْنَ
۴	رَاضِيَةٌ	رَاضِيَةً	رَاضِيَةٍ	مَرْضِيَّةٌ	مَرْضِيَّةً	مَرْضِيَّةٍ
۵	رَاضِيَتَانِ	رَاضِيَتَيْنِ	رَاضِيَتَيْنِ	مَرْضِيَّتَانِ	مَرْضِيَّتَيْنِ	مَرْضِيَّتَيْنِ
۶	رَاضِيَاتٌ	رَاضِيَاتٍ	رَاضِيَاتٍ	مَرْضِيَّاتٌ	مَرْضِيَّاتٍ	مَرْضِيَّاتٍ

صفحه ۱۴	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرِّضَا (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّاضِي	الرَّاضِيَ	الرَّاضِي	المَرْضِيُّ	المَرْضِيَّ	المَرْضِيِّ
۲	الرَّاضِيَانِ	الرَّاضِيَيْنِ	الرَّاضِيَيْنِ	المَرْضِيَّانِ	المَرْضِيَّيْنِ	المَرْضِيَّيْنِ
۳	الرَّاضُوْنَ	الرَّاضِيْنَ	الرَّاضِيْنَ	المَرْضِيُّوْنَ	المَرْضِيِّيْنَ	المَرْضِيِّيْنَ
۴	الرَّاضِيَةُ	الرَّاضِيَةَ	الرَّاضِيَةِ	المَرْضِيَّةُ	المَرْضِيَّةَ	المَرْضِيَّةِ
۵	الرَّاضِيَتَانِ	الرَّاضِيَتَيْنِ	الرَّاضِيَتَيْنِ	المَرْضِيَّتَانِ	المَرْضِيَّتَيْنِ	المَرْضِيَّتَيْنِ
۶	الرَّاضِيَاتُ	الرَّاضِيَاتِ	الرَّاضِيَاتِ	المَرْضِيَّاتُ	المَرْضِيَّاتِ	المَرْضِيَّاتِ

تصویر



صفحه ۱۵	۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرَّخْوَةُ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَاخٍ	رَاخِياً	رَاخٍ	مَرْخُوٌّ بِهِ	مَرْخُوّاً بِهِ	مَرْخُوٍّ بِهِ
۲	رَاخِيَانِ	رَاخِيَيْنِ	رَاخِيَيْنِ	مَرْخُوٌّ بِهِمَا	مَرْخُوّاً بِهِمَا	مَرْخُوٍّ بِهِمَا
۳	رَاخُوْنَ	رَاخِيْنَ	رَاخِيْنَ	مَرْخُوٌّ بِهِمْ	مَرْخُوّاً بِهِمْ	مَرْخُوٍّ بِهِمْ
۴	رَاخِيَةٌ	رَاخِيَةً	رَاخِيَةٍ	مَرْخُوٌّ بِهَا	مَرْخُوّاً بِهَا	مَرْخُوٍّ بِهَا
۵	رَاخِيَتَانِ	رَاخِيَتَيْنِ	رَاخِيَتَيْنِ	مَرْخُوٌّ بِهِمَا	مَرْخُوّاً بِهِمَا	مَرْخُوٍّ بِهِمَا
۶	رَاخِيَاتٌ	رَاخِيَاتٍ	رَاخِيَاتٍ	مَرْخُوٌّ بِهِنَّ	مَرْخُوّاً بِهِنَّ	مَرْخُوٍّ بِهِنَّ

صفحه ۱۵	۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرَّخْوَةُ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّاخِي	الرَّاخِيَ	الرَّاخِي	المَرْخُوُّبِهِ	المَرْخُوَّبِهِ	المَرْخُوِّبِهِ
۲	الرَّاخِيَانِ	الرَّاخِيَيْنِ	الرَّاخِيَيْنِ	المَرْخُوُّبِهِمَا	المَرْخُوَّبِهِمَا	المَرْخُوِّبِهِمَا
۳	الرَّاخُوْنَ	الرَّاخِيْنَ	الرَّاخِيْنَ	المَرْخُوُّبِهِمْ	المَرْخُوَّبِهِمْ	المَرْخُوِّبِهِمْ
۴	الرَّاخِيَةُ	الرَّاخِيَةَ	الرَّاخِيَةِ	المَرْخُوُّبِهَا	المَرْخُوَّبِهَا	المَرْخُوِّبِهَا
۵	الرَّاخِيَتَانِ	الرَّاخِيَتَيْنِ	الرَّاخِيَتَيْنِ	المَرْخُوُّبِهِمَا	المَرْخُوَّبِهِمَا	المَرْخُوِّبِهِمَا
۶	الرَّاخِيَاتُ	الرَّاخِيَاتِ	الرَّاخِيَاتِ	المَرْخُوُّبِهِنَّ	المَرْخُوَّبِهِنَّ	المَرْخُوِّبِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۶	۱(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرّعْی					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَاعٍ	رَاعِياً	رَاعٍ	مَرْعِيٌّ	مَرْعِيّاً	مَرْعِيٍّ
۲	رَاعِيَانِ	رَاعِيَيْنِ	رَاعِيَيْنِ	مَرْعِيَّانِ	مَرْعِيَّيْنِ	مَرْعِيَّيْنِ
۳	رَاعُوْنَ	رَاعِيْنَ	رَاعِيْنَ	مَرْعِيُّوْنَ	مَرْعِيِّيْنَ	مَرْعِيِّيْنَ
۴	رَاعِيَةٌ	رَاعِيَةً	رَاعِيَةٍ	مَرْعِيَّةٌ	مَرْعِيَّةً	مَرْعِيَّةٍ
۵	رَاعِيَتَانِ	رَاعِيَتَيْنِ	رَاعِيَتَيْنِ	مَرْعِيَّتَانِ	مَرْعِيَّتَيْنِ	مَرْعِيَّتَيْنِ
۶	رَاعِيَاتٌ	رَاعِيَاتِ	رَاعِيَاتِ	مَرْعِيَّاتٌ	مَرْعِيَّاتِ	مَرْعِيَّاتِ

صفحه ۱۶	۱(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرّعْی (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّاعِي	الرَّاعِيَ	الرَّاعِي	المَرْعِيُّ	المَرْعِيَّ	المَرْعِيِّ
۲	الرَّاعِيَانِ	الرَّاعِيَيْنِ	الرَّاعِيَيْنِ	المَرْعِيَّانِ	المَرْعِيَّيْنِ	المَرْعِيَّيْنِ
۳	الرَّاعُوْنَ	الرَّاعِيْنَ	الرَّاعِيْنَ	المَرْعِيُّوْنَ	المَرْعِيِّيْنَ	المَرْعِيِّيْنَ
۴	الرَّاعِيَةُ	الرَّاعِيَةَ	الرَّاعِيَةِ	المَرْعِيَّةُ	المَرْعِيَّةَ	المَرْعِيَّةِ
۵	الرَّاعِيَتَانِ	الرَّاعِيَتَيْنِ	الرَّاعِيَتَيْنِ	المَرْعِيَّتَانِ	المَرْعِيَّتَيْنِ	المَرْعِيَّتَيْنِ
۶	الرَّاعِيَاتُ	الرَّاعِيَاتِ	الرَّاعِيَاتِ	المَرْعِيَّاتُ	المَرْعِيَّاتِ	المَرْعِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۱۷	۲ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرَّمْی					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَامٍ	رَامِياً	رَامٍ	مَرْمِيٌّ	مَرْمِيّاً	مَرْمِيّ
۲	رَامِيَانِ	رَامِيَيْنِ	رَامِيَيْنِ	مَرْمِيَّانِ	مَرْمِيَّيْنِ	مَرْمِيَّيْنِ
۳	رَامُوْنَ	رَامِيْنَ	رَامِيْنَ	مَرْمِيُّوْنَ	مَرْمِيِّيْنَ	مَرْمِيِّيْنَ
۴	رَامِيَةٌ	رَامِيَةً	رَامِيَةٍ	مَرْمِيَّةٌ	مَرْمِيَّةً	مَرْمِيَّةٍ
۵	رَامِيَتَانِ	رَامِيَتَيْنِ	رَامِيَتَيْنِ	مَرْمِيَّتَانِ	مَرْمِيَّتَيْنِ	مَرْمِيَّتَيْنِ
۶	رَامِيَاتٌ	رَامِيَاتِ	رَامِيَاتِ	مَرْمِيَّاتٌ	مَرْمِيَّاتِ	مَرْمِيَّاتِ

صفحه ۱۷	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرَّمْی (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّامِي	الرَّامِیَ	الرَّامِي	المَرْمِيُّ	المَرْمِیَّ	المَرْمِيِّ
۲	الرَّامِيَانِ	الرَّامِيَيْنِ	الرَّامِيَيْنِ	المَرْمِيَّانِ	المَرْمِيَّيْنِ	المَرْمِيَّيْنِ
۳	الرَّامُوْنَ	الرَّامِيْنَ	الرَّامِيْنَ	المَرْمِيُّوْنَ	المَرْمِيِّيْنَ	المَرْمِيِّيْنَ
۴	الرَّامِيَةُ	الرَّامِيَةَ	الرَّامِيَةِ	المَرْمِيَّةُ	المَرْمِيَّةَ	المَرْمِيَّةِ
۵	الرَّامِيَتَانِ	الرَّامِيَتَيْنِ	الرَّامِيَتَيْنِ	المَرْمِيَّتَانِ	المَرْمِيَّتَيْنِ	المَرْمِيَّتَيْنِ
۶	الرَّامِيَاتُ	الرَّامِيَاتِ	الرَّامِيَاتِ	المَرْمِيَّاتُ	المَرْمِيَّاتِ	المَرْمِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۱۸	۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الخَشْيَةُ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	خَاشٍ	خَاشِياً	خَاشٍ	مَخْشِيٌّ	مَخْشِيّاً	مَخْشِيٍّ
۲	خَاشِيَانِ	خَاشِيَيْنِ	خَاشِيَيْنِ	مَخْشِيَّانِ	مَخْشِيَّيْنِ	مَخْشِيَّيْنِ
۳	خَاشُوْنَ	خَاشِيْنَ	خَاشِيْنَ	مَخْشِيُّوْنَ	مَخْشِيِّيْنَ	مَخْشِيِّيْنَ
۴	خَاشِيَةٌ	خَاشِيَةً	خَاشِيَةٍ	مَخْشِيَّةٌ	مَخْشِيَّةً	مَخْشِيَّةٍ
۵	خَاشِيَتَانِ	خَاشِيَتَيْنِ	خَاشِيَتَيْنِ	مَخْشِيَّتَانِ	مَخْشِيَّتَيْنِ	مَخْشِيَّتَيْنِ
۶	خَاشِيَاتٌ	خَاشِيَاتِ	خَاشِيَاتٍ	مَخْشِيَّاتٌ	مَخْشِيَّاتِ	مَخْشِيَّاتٍ

صفحه ۱۸	۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الخَشْيَةُ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الخَاشِي	الخَاشِيَ	الخَاشِي	المَخْشِيُّ	المَخْشِيَّ	المَخْشِيِّ
۲	الخَاشِيَانِ	الخَاشِيَيْنِ	الخَاشِيَيْنِ	المَخْشِيَّانِ	المَخْشِيَّيْنِ	المَخْشِيَّيْنِ
۳	الخَاشُوْنَ	الخَاشِيْنَ	الخَاشِيْنَ	المَخْشِيُّوْنَ	المَخْشِيِّيْنَ	المَخْشِيِّيْنَ
۴	الخَاشِيَةُ	الخَاشِيَةَ	الخَاشِيَةِ	المَخْشِيَّةُ	المَخْشِيَّةَ	المَخْشِيَّةِ
۵	الخَاشِيَتَانِ	الخَاشِيَتَيْنِ	الخَاشِيَتَيْنِ	المَخْشِيَّتَانِ	المَخْشِيَّتَيْنِ	المَخْشِيَّتَيْنِ
۶	الخَاشِيَاتُ	الخَاشِيَاتِ	الخَاشِيَاتِ	المَخْشِيَّاتُ	المَخْشِيَّاتِ	المَخْشِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۱۹	۱(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوِقَایَهٔ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاقٍ	وَاقِياً	وَاقٍ	مَوْقِيٌّ	مَوْقِيّاً	مَوْقِيٍّ
۲	وَاقِيَانِ	وَاقِيَيْنِ	وَاقِيَيْنِ	مَوْقِيَّانِ	مَوْقِيَّيْنِ	مَوْقِيَّيْنِ
۳	وَاقُوْنَ	وَاقِيْنَ	وَاقِيْنَ	مَوْقِيُّوْنَ	مَوْقِيِّيْنَ	مَوْقِيِّيْنَ
۴	وَاقِيَةٌ	وَاقِيَةً	وَاقِيَةٍ	مَوْقِيَّةٌ	مَوْقِيَّةً	مَوْقِيَّةٍ
۵	وَاقِيَتَانِ	وَاقِيَتَيْنِ	وَاقِيَتَيْنِ	مَوْقِيَّتَانِ	مَوْقِيَّتَيْنِ	مَوْقِيَّتَيْنِ
۶	وَاقِيَاتٌ	وَاقِيَاتٍ	وَاقِيَاتٍ	مَوْقِيَّاتٌ	مَوْقِيَّاتٍ	مَوْقِيَّاتٍ

صفحه ۱۹	۱(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوِقَایَهٔ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَاقِي	الوَاقِيَ	الوَاقِي	المَوْقِيُّ	المَوْقِيَّ	المَوْقِيِّ
۲	الوَاقِيَانِ	الوَاقِيَيْنِ	الوَاقِيَيْنِ	المَوْقِيَّانِ	المَوْقِيَّيْنِ	المَوْقِيَّيْنِ
۳	الوَاقُوْنَ	الوَاقِيْنَ	الوَاقِيْنَ	المَوْقِيُّوْنَ	المَوْقِيِّيْنَ	المَوْقِيِّيْنَ
۴	الوَاقِيَةُ	الوَاقِيَةَ	الوَاقِيَةِ	المَوْقِيَّةُ	المَوْقِيَّةَ	المَوْقِيَّةِ
۵	الوَاقِيَتَانِ	الوَاقِيَتَيْنِ	الوَاقِيَتَيْنِ	المَوْقِيَّتَانِ	المَوْقِيَّتَيْنِ	المَوْقِيَّتَيْنِ
۶	الوَاقِيَاتُ	الوَاقِيَاتِ	الوَاقِيَاتِ	المَوْقِيَّاتُ	المَوْقِيَّاتِ	المَوْقِيَّاتِ

تصویر



صفحه ۲۰	۲ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوَجَی					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاجٍ	وَاجِياً	وَاجٍ	مَوْجِيٌّ بِهِ	مَوْجِيّاً بِهِ	مَوْجِيٍّ بِهِ
۲	وَاجِيَانِ	وَاجِيَيْنِ	وَاجِيَيْنِ	مَوْجِيٌّ بِهِمَا	مَوْجِيّاً بِهِمَا	مَوْجِيٍّ بِهِمَا
۳	وَاجُوْنَ	وَاجِيْنَ	وَاجِيْنَ	مَوْجِيٌّ بِهِمْ	مَوْجِيّاً بِهِمْ	مَوْجِيٍّ بِهِمْ
۴	وَاجِيَةٌ	وَاجِيَةً	وَاجِيَةٍ	مَوْجِيٌّ بِهَا	مَوْجِيّاً بِهَا	مَوْجِيٍّ بِهَا
۵	وَاجِيَتَانِ	وَاجِيَتَيْنِ	وَاجِيَتَيْنِ	مَوْجِيٌّ بِهِمَا	مَوْجِيّاً بِهِمَا	مَوْجِيٍّ بِهِمَا
۶	وَاجِيَاتٌ	وَاجِيَاتٍ	وَاجِيَاتٍ	مَوْجِيٌّ بِهِنَّ	مَوْجِيّاً بِهِنَّ	مَوْجِيٍّ بِهِنَّ



صفحه ۲۰	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوَجَی (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَاجِي	الوَاجِيَ	الوَاجِي	المَوْجِيُّ بِهِ	المَوْجِيَّ بِهِ	المَوْجِيِّ بِهِ
۲	الوَاجِيَانِ	الوَاجِيَيْنِ	الوَاجِيَيْنِ	المَوْجِيُّ بِهِمَا	المَوْجِيَّ بِهِمَا	المَوْجِيِّ بِهِمَا
۳	الوَاجُوْنَ	الوَاجِيْنَ	الوَاجِيْنَ	المَوْجِيُّ بِهِمْ	المَوْجِيَّ بِهِمْ	المَوْجِيِّ بِهِمْ
۴	الوَاجِيَةُ	الوَاجِيَةَ	الوَاجِيَةِ	المَوْجِيُّ بِهَا	المَوْجِيَّ بِهَا	المَوْجِيِّ بِهَا
۵	الوَاجِيَتَانِ	الوَاجِيَتَيْنِ	الوَاجِيَتَيْنِ	المَوْجِيُّ بِهِمَا	المَوْجِيَّ بِهِمَا	المَوْجِيِّ بِهِمَا
۶	الوَاجِيَاتُ	الوَاجِيَاتِ	الوَاجِيَاتِ	المَوْجِيُّ بِهِنَّ	المَوْجِيَّ بِهِنَّ	المَوْجِيِّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۲۱	۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوَلَايَة					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَالٍ	وَالِياً	وَالٍ	مَوْلِيٌّ	مَوْلِيّاً	مَوْلِيّ
۲	وَالِيَانِ	وَالِيَيْنِ	وَالِيَيْنِ	مَوْلِيَّانِ	مَوْلِيَّيْنِ	مَوْلِيَّيْنِ
۳	وَالُوْنَ	وَالِيْنَ	وَالِيْنَ	مَوْلِيُّوْنَ	مَوْلِيِّيْنَ	مَوْلِيِّيْنَ
۴	وَالِيَةٌ	وَالِيَةً	وَالِيَةٍ	مَوْلِيَّةٌ	مَوْلِيَّةً	مَوْلِيَّةٍ
۵	وَالِيَتَانِ	وَالِيَتَيْنِ	وَالِيَتَيْنِ	مَوْلِيَّتَانِ	مَوْلِيَّتَيْنِ	مَوْلِيَّتَيْنِ
۶	وَالِيَاتٌ	وَالِيَاتِ	وَالِيَاتِ	مَوْلِيَّاتٌ	مَوْلِيَّاتِ	مَوْلِيَّاتٍ

صفحه ۲۱	۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوَلَايَة (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَالِي	الوَالِيَ	الوَالِي	المَوْلِيُّ	المَوْلِيَّ	المَوْلِيِّ
۲	الوَالِيَانِ	الوَالِيَيْنِ	الوَالِيَيْنِ	المَوْلِيَّانِ	المَوْلِيَّيْنِ	المَوْلِيَّيْنِ
۳	الوَالُوْنَ	الوَالِيْنَ	الوَالِيْنَ	المَوْلِيُّوْنَ	المَوْلِيِّيْنَ	المَوْلِيِّيْنَ
۴	الوَالِيَةُ	الوَالِيَةَ	الوَالِيَةِ	المَوْلِيَّةُ	المَوْلِيَّةَ	المَوْلِيَّةِ
۵	الوَالِيَتَانِ	الوَالِيَتَيْنِ	الوَالِيَتَيْنِ	المَوْلِيَّتَانِ	المَوْلِيَّتَيْنِ	المَوْلِيَّتَيْنِ
۶	الوَالِيَاتُ	الوَالِيَاتِ	الوَالِيَاتِ	المَوْلِيَّاتُ	المَوْلِيَّاتِ	المَوْلِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۲۲	۱(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الشّیّ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	شَاوٍ	شَاوِياً	شَاوٍ	مَشْوِيٌّ	مَشْوِيّاً	مَشْوِيٍّ
۲	شَاوِيَانِ	شَاوِيَيْنِ	شَاوِيَيْنِ	مَشْوِيَّانِ	مَشْوِيَّيْنِ	مَشْوِيَّيْنِ
۳	شَاوُوْنَ	شَاوِيْنَ	شَاوِيْنَ	مَشْوِيُّوْنَ	مَشْوِيّيْنَ	مَشْوِيّيْنَ
۴	شَاوِيَةٌ	شَاوِيَةً	شَاوِيَةٍ	مَشْوِيَّةٌ	مَشْوِيَّةً	مَشْوِيَّةٍ
۵	شَاوِيَتَانِ	شَاوِيَتَيْنِ	شَاوِيَتَيْنِ	مَشْوِيَّتَانِ	مَشْوِيَّتَيْنِ	مَشْوِيَّتَيْنِ
۶	شَاوِيَاتٌ	شَاوِيَاتٍ	شَاوِيَاتٍ	مَشْوِيَّاتٌ	مَشْوِيَّاتٍ	مَشْوِيَّاتٍ

صفحه ۲۲	۱(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الشّیّ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الشَاوِي	الشَاوِىَ	الشَاوِي	الـمَشْوِيُّ	الـمَشْوِيَّ	الـمَشْوِيِّ
۲	الشَاوِيَانِ	الشَاوِيَيْنِ	الشَاوِيَيْنِ	الـمَشْوِيَّانِ	الـمَشْوِيَّيْنِ	الـمَشْوِيَّيْنِ
۳	الشَاوُوْنَ	الشَاوِيْنَ	الشَاوِيْنَ	الـمَشْوِيُّوْنَ	الـمَشْوِيّيْنَ	الـمَشْوِيّيْنَ
۴	الشَاوِيَةُ	الشَاوِيَةَ	الشَاوِيَةِ	الـمَشْوِيَّةُ	الـمَشْوِيَّةَ	الـمَشْوِيَّةِ
۵	الشَاوِيَتَانِ	الشَاوِيَتَيْنِ	الشَاوِيَتَيْنِ	الـمَشْوِيَّتَانِ	الـمَشْوِيَّتَيْنِ	الـمَشْوِيَّتَيْنِ
۶	الشَاوِيَاتُ	الشَاوِيَاتِ	الشَاوِيَاتِ	الـمَشْوِيَّاتُ	الـمَشْوِيَّاتِ	الـمَشْوِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۲۳	۲ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده القُوّة					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	قَاوٍ	قَاوِياً	قَاوٍ	مَقْوِيٌّ	مَقْوِيّاً	مَقْوِيّ
۲	قَاوِيَانِ	قَاوِيَيْنِ	قَاوِيَيْنِ	مَقْوِيَّانِ	مَقْوِيَّيْنِ	مَقْوِيَّيْنِ
۳	قَاوُوْنَ	قَاوِيْنَ	قَاوِيْنَ	مَقْوِيُّوْنَ	مَقْوِيِّيْنَ	مَقْوِيِّيْنَ
۴	قَاوِيَةٌ	قَاوِيَةً	قَاوِيَةٍ	مَقْوِيَّةٌ	مَقْوِيَّةً	مَقْوِيَّةٍ
۵	قَاوِيَتَانِ	قَاوِيَتَيْنِ	قَاوِيَتَيْنِ	مَقْوِيَّتَانِ	مَقْوِيَّتَيْنِ	مَقْوِيَّتَيْنِ
۶	قَاوِيَاتٌ	قَاوِيَاتِ	قَاوِيَاتِ	مَقْوِيَّاتٌ	مَقْوِيَّاتِ	مَقْوِيَّاتِ

صفحه ۲۳	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده القُوّة (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	القَاوِي	القَاوِيَ	القَاوِي	المَقْوِيُّ	المَقْوِيَّ	المَقْوِيّ
۲	القَاوِيَانِ	القَاوِيَيْنِ	القَاوِيَيْنِ	المَقْوِيَّانِ	المَقْوِيَّيْنِ	المَقْوِيَّيْنِ
۳	القَاوُوْنَ	القَاوِيْنَ	القَاوِيْنَ	المَقْوِيُّوْنَ	المَقْوِيِّيْنَ	المَقْوِيِّيْنَ
۴	القَاوِيَةُ	القَاوِيَةَ	القَاوِيَةِ	المَقْوِيَّةُ	المَقْوِيَّةَ	المَقْوِيَّةِ
۵	القَاوِيَتَانِ	القَاوِيَتَيْنِ	القَاوِيَتَيْنِ	المَقْوِيَّتَانِ	المَقْوِيَّتَيْنِ	المَقْوِيَّتَيْنِ
۶	القَاوِيَاتُ	القَاوِيَاتِ	القَاوِيَاتِ	المَقْوِيَّاتُ	المَقْوِيَّاتِ	المَقْوِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۲۴	۱ اسم فاعل و مفعول ماده الأَهْبَهُ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَاهِبٌ	ءَاهِباً	ءَاهِبٍ	مَأْهُوْبٌ	مَأْهُوْباً	مَأْهُوْبٍ
۲	ءَاهِبَانِ	ءَاهِبَيْنِ	ءَاهِبَيْنِ	مَأْهُوْبَانِ	مَأْهُوْبَيْنِ	مَأْهُوْبَيْنِ
۳	ءَاهِبُوْنَ	ءَاهِبِيْنَ	ءَاهِبِيْنَ	مَأْهُوْبُوْنَ	مَأْهُوْبِيْنَ	مَأْهُوْبِيْنَ
۴	ءَاهِبَةٌ	ءَاهِبَةً	ءَاهِبَةٍ	مَأْهُوْبَةٌ	مَأْهُوْبَةً	مَأْهُوْبَةٍ
۵	ءَاهِبَتَانِ	ءَاهِبَتَيْنِ	ءَاهِبَتَيْنِ	مَأْهُوْبَتَانِ	مَأْهُوْبَتَيْنِ	مَأْهُوْبَتَيْنِ
۶	ءَاهِبَاتٌ	ءَاهِبَاتِ	ءَاهِبَاتٍ	مَأْهُوْبَاتٌ	مَأْهُوْبَاتِ	مَأْهُوْبَاتٍ

صفحه ۲۴	۲ اسم فاعل و مفعول ماده الأَزَر					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَازِرٌ	ءَازِراً	ءَازِرٍ	مَأْزُوْرٌ	مَأْزُوْراً	مَأْزُوْرٍ
۲	ءَازِرَانِ	ءَازِرَيْنِ	ءَازِرَيْنِ	مَأْزُوْرَانِ	مَأْزُوْرَيْنِ	مَأْزُوْرَيْنِ
۳	ءَازِرُوْنَ	ءَازِرِيْنَ	ءَازِرِيْنَ	مَأْزُوْرُوْنَ	مَأْزُوْرِيْنَ	مَأْزُوْرِيْنَ
۴	ءَازِرَةٌ	ءَازِرَةً	ءَازِرَةٍ	مَأْزُوْرَةٌ	مَأْزُوْرَةً	مَأْزُوْرَةٍ
۵	ءَازِرَتَانِ	ءَازِرَتَيْنِ	ءَازِرَتَيْنِ	مَأْزُوْرَتَانِ	مَأْزُوْرَتَيْنِ	مَأْزُوْرَتَيْنِ
۶	ءَازِرَاتٌ	ءَازِرَاتِ	ءَازِرَاتٍ	مَأْزُوْرَاتٌ	مَأْزُوْرَاتِ	مَأْزُوْرَاتٍ

تصویر

صفحه ۲۵	۳	اسم فاعل و مفعول ماده ألأمْر				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَامِرٌ	ءَامِراً	ءَامِرٍ		مَأْمُوْرٌ	مَأْمُوْراً	مَأْمُوْرٍ
۲	ءَامِرَانِ	ءَامِرَيْنِ	ءَامِرَيْنِ		مَأْمُوْرَانِ	مَأْمُوْرَيْنِ	مَأْمُوْرَيْنِ
۳	ءَامِرُوْنَ	ءَامِرِيْنَ	ءَامِرِيْنَ		مَأْمُوْرُوْنَ	مَأْمُوْرِيْنَ	مَأْمُوْرِيْنَ
۴	ءَامِرَةٌ	ءَامِرَةً	ءَامِرَةٍ		مَأْمُوْرَةٌ	مَأْمُوْرَةً	مَأْمُوْرَةٍ
۵	ءَامِرَتَانِ	ءَامِرَتَيْنِ	ءَامِرَتَيْنِ		مَأْمُوْرَتَانِ	مَأْمُوْرَتَيْنِ	مَأْمُوْرَتَيْنِ
۶	ءَامِرَاتٌ	ءَامِرَاتِ	ءَامِرَاتِ		مَأْمُوْرَاتٌ	مَأْمُوْرَاتِ	مَأْمُوْرَاتِ

صفحه ۲۵	۴	اسم فاعل و مفعول ماده الإذْن				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَاذِنٌ	ءَاذِناً	ءَاذِنٍ		مَأْذُوْنٌ لَهُ	مَأْذُوْناً لَهُ	مَأْذُوْنٍ لَهُ
۲	ءَاذِنَانِ	ءَاذِنَيْنِ	ءَاذِنَيْنِ		مَأْذُوْنٌ لَهُمَا	مَأْذُوْناً لَهُمَا	مَأْذُوْنٍ لَهُمَا
۳	ءَاذِنُوْنَ	ءَاذِنِيْنَ	ءَاذِنِيْنَ		مَأْذُوْنٌ لَهُمْ	مَأْذُوْناً لَهُمْ	مَأْذُوْنٍ لَهُمْ
۴	ءَاذِنَةٌ	ءَاذِنَةً	ءَاذِنَةٍ		مَأْذُوْنٌ لَهَا	مَأْذُوْناً لَهَا	مَأْذُوْنٍ لَهَا
۵	ءَاذِنَتَانِ	ءَاذِنَتَيْنِ	ءَاذِنَتَيْنِ		مَأْذُوْنٌ لَهُمَا	مَأْذُوْناً لَهُمَا	مَأْذُوْنٍ لَهُمَا
۶	ءَاذِنَاتٌ	ءَاذِنَاتِ	ءَاذِنَاتِ		مَأْذُوْنٌ لَهُنَّ	مَأْذُوْناً لَهُنَّ	مَأْذُوْنٍ لَهُنَّ

تصویر

صفحه ۲۶	۵	اسم فاعل و مفعول ماده ألأدَب				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَادِبٌ	ءَادِباً	ءَادِبٍ		مَأْدُوْبٌ بِهِ	مَأْدُوْباً بِهِ	مَأْدُوْبٍ بِهِ
۲	ءَادِبَانِ	ءَادِبَيْنِ	ءَادِبَيْنِ		مَأْدُوْبٌ بِهِمَا	مَأْدُوْباً بِهِمَا	مَأْدُوْبٍ بِهِمَا
۳	ءَادِبُوْنَ	ءَادِبِيْنَ	ءَادِبِيْنَ		مَأْدُوْبٌ بِهِمْ	مَأْدُوْباً بِهِمْ	مَأْدُوْبٍ بِهِمْ
۴	ءَادِبَةٌ	ءَادِبَةً	ءَادِبَةٍ		مَأْدُوْبٌ بِهَا	مَأْدُوْباً بِهَا	مَأْدُوْبٍ بِهَا
۵	ءَادِبَتَانِ	ءَادِبَتَيْنِ	ءَادِبَتَيْنِ		مَأْدُوْبٌ بِهِمَا	مَأْدُوْباً بِهِمَا	مَأْدُوْبٍ بِهِمَا
۶	ءَادِبَاتٌ	ءَادِبَاتِ	ءَادِبَاتٍ		مَأْدُوْبٌ بِهِنَّ	مَأْدُوْباً بِهِنَّ	مَأْدُوْبٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۲۷	۱	اسم فاعل و مفعول ماده السّؤال				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	سَائِلٌ	سَائِلاً	سَائِلٍ		مَسْؤُوْلٌ	مَسْؤُوْلاً	مَسْؤُوْلٍ
۲	سَائِلَانِ	سَائِلَيْنِ	سَائِلَيْنِ		مَسْؤُوْلَانِ	مَسْؤُوْلَيْنِ	مَسْؤُوْلَيْنِ
۳	سَائِلُوْنَ	سَائِلِيْنَ	سَائِلِيْنَ		مَسْؤُوْلُوْنَ	مَسْؤُوْلِيْنَ	مَسْؤُوْلِيْنَ
۴	سَائِلَةٌ	سَائِلَةً	سَائِلَةٍ		مَسْؤُوْلَةٌ	مَسْؤُوْلَةً	مَسْؤُوْلَةٍ
۵	سَائِلَتَانِ	سَائِلَتَيْنِ	سَائِلَتَيْنِ		مَسْؤُوْلَتَانِ	مَسْؤُوْلَتَيْنِ	مَسْؤُوْلَتَيْنِ
۶	سَائِلَاتٌ	سَائِلَاتٍ	سَائِلَاتٍ		مَسْؤُوْلَاتٌ	مَسْؤُوْلَاتٍ	مَسْؤُوْلَاتٍ

صفحه ۲۷	۲	اسم فاعل و مفعول ماده السّأم				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	سَائِمٌ	سَائِماً	سَائِمٍ		مَسْؤُوْمٌ بِهِ	مَسْؤُوماً بِهِ	مَسْؤُوْمٍ بِهِ
۲	سَائِمَانِ	سَائِمَيْنِ	سَائِمَيْنِ		مَسْؤُوْمٌ بِهِمَا	مَسْؤُوماً بِهِمَا	مَسْؤُوْمٍ بِهِمَا
۳	سَائِمُوْنَ	سَائِمِيْنَ	سَائِمِيْنَ		مَسْؤُوْمٌ بِهِمْ	مَسْؤُوماً بِهِمْ	مَسْؤُوْمٍ بِهِمْ
۴	سَائِمَةٌ	سَائِمَةً	سَائِمَةٍ		مَسْؤُوْمٌ بِهَا	مَسْؤُوماً بِهَا	مَسْؤُوْمٍ بِهَا
۵	سَائِمَتَانِ	سَائِمَتَيْنِ	سَائِمَتَيْنِ		مَسْؤُوْمٌ بِهِمَا	مَسْؤُوماً بِهِمَا	مَسْؤُوْمٍ بِهِمَا
۶	سَائِمَاتٌ	سَائِمَاتٍ	سَائِمَاتٍ		مَسْؤُوْمٌ بِهِنَّ	مَسْؤُوماً بِهِنَّ	مَسْؤُوْمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۲۸	۳	اسم فاعل و مفعول ماده اللّؤم				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	لَائِمٌ	لَائِماً	لَائِمٍ		مَلْؤُوْمٌ بِهِ	مَلْؤُوْماً بِهِ	مَلْؤُوْمٍ بِهِ
۲	لَائِمَانِ	لَائِمَيْنِ	لَائِمَيْنِ		مَلْؤُوْمٌ بِهِمَا	مَلْؤُوْماً بِهِمَا	مَلْؤُوْمٍ بِهِمَا
۳	لَائِمُوْنَ	لَائِمِيْنَ	لَائِمِيْنَ		مَلْؤُوْمٌ بِهِمْ	مَلْؤُوْماً بِهِمْ	مَلْؤُوْمٍ بِهِمْ
۴	لَائِمَةٌ	لَائِمَةً	لَائِمَةٍ		مَلْؤُوْمٌ بِهَا	مَلْؤُوْماً بِهَا	مَلْؤُوْمٍ بِهَا
۵	لَائِمَتَانِ	لَائِمَتَيْنِ	لَائِمَتَيْنِ		مَلْؤُوْمٌ بِهِمَا	مَلْؤُوْماً بِهِمَا	مَلْؤُوْمٍ بِهِمَا
۶	لَائِمَاتٌ	لَائِمَاتٍ	لَائِمَاتٍ		مَلْؤُوْمٌ بِهِنَّ	مَلْؤُوْماً بِهِنَّ	مَلْؤُوْمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۲۹	۱(۱)	اسم فاعل و مفعول ماده القِرَاءَةُ				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	قَارِئٌ	قَارِئاً	قَارِئٍ		مَقْرُوْءٌ	مَقْرُوْءاً	مَقْرُوْءٍ
۲	قَارِئَانِ	قَارِئَيْنِ	قَارِئَيْنِ		مَقْرُوْأَانِ	مَقْرُوْأَيْنِ	مَقْرُوْأَيْنِ
۳	قَارِئُوْنَ	قَارِئِيْنَ	قَارِئِيْنَ		مَقْرُوْؤُوْنَ	مَقْرُوْئِيْنَ	مَقْرُوْئِيْنَ
۴	قَارِئَةٌ	قَارِئَةً	قَارِئَةٍ		مَقْرُوْأَةٌ	مَقْرُوْأَةً	مَقْرُوْأَةٍ
۵	قَارِئَتَانِ	قَارِئَتَيْنِ	قَارِئَتَيْنِ		مَقْرُوْأَتَانِ	مَقْرُوْأَتَيْنِ	مَقْرُوْأَتَيْنِ
۶	قَارِئَاتٌ	قَارِئَاتِ	قَارِئَاتٍ		مَقْرُوْءَاتٌ	مَقْرُوْءَاتِ	مَقْرُوْءَاتٍ

صفحه ۲۹	۱(۲)	اسم فاعل و مفعول ماده القِرَاءَةُ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	قَارٍ	قَارِياً	قَارٍ		مَقْرُوٌّ	مَقْرُوّاً	مَقْرُوٍّ
۲	قَارِيَانِ	قَارِيَيْنِ	قَارِيَيْنِ		مَقْرُوَّانِ	مَقْرُوَّيْنِ	مَقْرُوَّيْنِ
۳	قَارُوْنَ	قَارِيْنَ	قَارِيْنَ		مَقْرُوُّوْنَ	مَقْرُوِّيْنَ	مَقْرُوِّيْنَ
۴	قَارِيَةٌ	قَارِيَةً	قَارِيَةٍ		مَقْرُوَّةٌ	مَقْرُوَّةً	مَقْرُوَّةٍ
۵	قَارِيَتَانِ	قَارِيَتَيْنِ	قَارِيَتَيْنِ		مَقْرُوَّتَانِ	مَقْرُوَّتَيْنِ	مَقْرُوَّتَيْنِ
۶	قَارِيَاتٌ	قَارِيَاتِ	قَارِيَاتٍ		مَقْرُوَّاتٌ	مَقْرُوَّاتِ	مَقْرُوَّاتٍ

تصویر

صفحه ۳۰	۱(۳)	اسم فاعل و مفعول ماده القِرَاءَةُ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه)همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	القَارِي	القَارِيَ	القَارِي		المَقْرُوُّ	المَقْرُوَّ	المَقْرُوِّ
۲	القَارِيَانِ	القَارِيَيْنِ	القَارِيَيْنِ		المَقْرُوَّانِ	المَقْرُوَّيْنِ	المَقْرُوَّيْنِ
۳	القَارُوْنَ	القَارِيْنَ	القَارِيْنَ		المَقْرُوُّوْنَ	المَقْرُوِّيْنَ	المَقْرُوِّيْنَ
۴	القَارِيَةُ	القَارِيَةَ	القَارِيَةِ		المَقْرُوَّةُ	المَقْرُوَّةَ	المَقْرُوَّةِ
۵	القَارِيَتَانِ	القَارِيَتَيْنِ	القَارِيَتَيْنِ		المَقْرُوَّتَانِ	المَقْرُوَّتَيْنِ	المَقْرُوَّتَيْنِ
۶	القَارِيَاتُ	القَارِيَاتِ	القَارِيَاتِ		المَقْرُوَّاتُ	المَقْرُوَّاتِ	المَقْرُوَّاتِ

صفحه ۳۰	۲(۱)	اسم فاعل و مفعول ماده الهَنَأ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	هَانِئٌ	هَانِئاً	هَانِئٍ		مَهْنُوْءٌ بِهِ	مَهْنُوْءاً بِهِ	مَهْنُوْءٍ بِهِ
۲	هَانِئَانِ	هَانِئَيْنِ	هَانِئَيْنِ		مَهْنُوْءٌ بِهِمَا	مَهْنُوْءاً بِهِمَا	مَهْنُوْءٍ بِهِمَا
۳	هَانِئُوْنَ	هَانِئِيْنَ	هَانِئِيْنَ		مَهْنُوْءٌ بِهِمْ	مَهْنُوْءاً بِهِمْ	مَهْنُوْءٍ بِهِمْ
۴	هَانِئَةٌ	هَانِئَةً	هَانِئَةٍ		مَهْنُوْءٌ بِهَا	مَهْنُوْءاً بِهَا	مَهْنُوْءٍ بِهَا
۵	هَانِئَتَانِ	هَانِئَتَيْنِ	هَانِئَتَيْنِ		مَهْنُوْءٌ بِهِمَا	مَهْنُوْءاً بِهِمَا	مَهْنُوْءٍ بِهِمَا
۶	هَانِئَاتٌ	هَانِئَاتٍ	هَانِئَاتٍ		مَهْنُوْءٌ بِهِنَّ	مَهْنُوْءاً بِهِنَّ	مَهْنُوْءٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۳۱	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الهَنَأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	هَانٍ	هَانِياً	هَانٍ	مَهْنُوٌّ	مَهْنُوّاً	مَهْنُوٍّ
۲	هَانِيَانِ	هَانِيَيْنِ	هَانِيَيْنِ	مَهْنُوَّانِ	مَهْنُوَّيْنِ	مَهْنُوَّيْنِ
۳	هَانُوْنَ	هَانِيْنَ	هَانِيْنَ	مَهْنُوُّوْنَ	مَهْنُوِّيْنَ	مَهْنُوِّيْنَ
۴	هَانِيَةٌ	هَانِيَةً	هَانِيَةٍ	مَهْنُوَّةٌ	مَهْنُوَّةً	مَهْنُوَّةٍ
۵	هَانِيَتَانِ	هَانِيَتَيْنِ	هَانِيَتَيْنِ	مَهْنُوَّتَانِ	مَهْنُوَّتَيْنِ	مَهْنُوَّتَيْنِ
۶	هَانِيَاتٌ	هَانِيَاتِ	هَانِيَاتِ	مَهْنُوَّاتٌ	مَهْنُوَّاتِ	مَهْنُوَّاتِ

صفحه ۳۱	۲ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الهَنَأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه)همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الهَانِي	الهَانِيَ	الهَانِي	المَهْنُوُّ	المَهْنُوَّ	المَهْنُوِّ
۲	الهَانِيَانِ	الهَانِيَيْنِ	الهَانِيَيْنِ	المَهْنُوَّانِ	المَهْنُوَّيْنِ	المَهْنُوَّيْنِ
۳	الهَانُوْنَ	الهَانِيْنَ	الهَانِيْنَ	المَهْنُوُّوْنَ	المَهْنُوِّيْنَ	المَهْنُوِّيْنَ
۴	الهَانِيَةُ	الهَانِيَةَ	الهَانِيَةِ	المَهْنُوَّةُ	المَهْنُوَّةَ	المَهْنُوَّةِ
۵	الهَانِيَتَانِ	الهَانِيَتَيْنِ	الهَانِيَتَيْنِ	المَهْنُوَّتَانِ	المَهْنُوَّتَيْنِ	المَهْنُوَّتَيْنِ
۶	الهَانِيَاتُ	الهَانِيَاتِ	الهَانِيَاتِ	المَهْنُوَّاتُ	المَهْنُوَّاتِ	المَهْنُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۳۲	۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الصَدأ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	صَادِئٌ	صَادِئاً	صَادِئٍ	مَصْدُوْءٌ بِهِ	مَصْدُوْءاً بِهِ	مَصْدُوْءٍ بِهِ
۲	صَادِئَانِ	صَادِئَيْنِ	صَادِئَيْنِ	مَصْدُوْءٌ بِهِمَا	مَصْدُوْءاً بِهِمَا	مَصْدُوْءٍ بِهِمَا
۳	صَادِئُوْنَ	صَادِئِيْنَ	صَادِئِيْنَ	مَصْدُوْءٌ بِهِمْ	مَصْدُوْءاً بِهِمْ	مَصْدُوْءٍ بِهِمْ
۴	صَادِئَةٌ	صَادِئَةً	صَادِئَةٍ	مَصْدُوْءٌ بِهَا	مَصْدُوْءاً بِهَا	مَصْدُوْءٍ بِهَا
۵	صَادِئَتَانِ	صَادِئَتَيْنِ	صَادِئَتَيْنِ	مَصْدُوْءٌ بِهِمَا	مَصْدُوْءاً بِهِمَا	مَصْدُوْءٍ بِهِمَا
۶	صَادِئَاتٌ	صَادِئَاتٍ	صَادِئَاتٍ	مَصْدُوْءٌ بِهِنَّ	مَصْدُوْءاً بِهِنَّ	مَصْدُوْءٍ بِهِنَّ

صفحه ۳۲	۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الصَدأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	صَادٍ	صَادِياً	صَادٍ	مَصْدُوٌّ بِهِ	مَصْدُوّاً بِهِ	مَصْدُوٍّ بِهِ
۲	صَادِيَانِ	صَادِيَيْنِ	صَادِيَيْنِ	مَصْدُوٌّ بِهِمَا	مَصْدُوّاً بِهِمَا	مَصْدُوٍّ بِهِمَا
۳	صَادُوْنَ	صَادِيْنَ	صَادِيْنَ	مَصْدُوٌّ بِهِمْ	مَصْدُوّاً بِهِمْ	مَصْدُوٍّ بِهِمْ
۴	صَادِيَةٌ	صَادِيَةً	صَادِيَةٍ	مَصْدُوٌّ بِهَا	مَصْدُوّاً بِهَا	مَصْدُوٍّ بِهَا
۵	صَادِيَتَانِ	صَادِيَتَيْنِ	صَادِيَتَيْنِ	مَصْدُوٌّ بِهِمَا	مَصْدُوّاً بِهِمَا	مَصْدُوٍّ بِهِمَا
۶	صَادِيَاتٌ	صَادِيَاتٍ	صَادِيَاتٍ	مَصْدُوٌّ بِهِنَّ	مَصْدُوّاً بِهِنَّ	مَصْدُوٍّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۳۳	۳ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الصَدأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الصَّادِي	الصَّادِيَ	الصَّادِي	المَصْدُوٌّبِهِ	المَصْدُوَّبِهِ	المَصْدُوٍّبِهِ
۲	الصَّادِيَانِ	الصَّادِيَيْنِ	الصَّادِيَيْنِ	المَصْدُوٌّبِهِمَا	المَصْدُوَّبِهِمَا	المَصْدُوٍّبِهِمَا
۳	الصَّادُوْنَ	الصَّادِيْنَ	الصَّادِيْنَ	المَصْدُوٌّبِهِمْ	المَصْدُوَّبِهِمْ	المَصْدُوٍّبِهِمْ
۴	الصَّادِيَةُ	الصَّادِيَةَ	الصَّادِيَةِ	المَصْدُوٌّبِهَا	المَصْدُوَّبِهَا	المَصْدُوٍّبِهَا
۵	الصَّادِيَتَانِ	الصَّادِيَتَيْنِ	الصَّادِيَتَيْنِ	المَصْدُوٌّبِهِمَا	المَصْدُوَّبِهِمَا	المَصْدُوٍّبِهِمَا
۶	الصَّادِيَاتُ	الصَّادِيَاتِ	الصَّادِيَاتِ	المَصْدُوٌّبِهِنَّ	المَصْدُوَّبِهِنَّ	المَصْدُوٍّبِهِنَّ

صفحه ۳۳	۴ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الجُرْأَة					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	جَارِئٌ	جَارِئاً	جَارِئٍ	مَجْرُوْءٌ بِهِ	مَجْرُوْءاً بِهِ	مَجْرُوْءٍ بِهِ
۲	جَارِئَانِ	جَارِئَيْنِ	جَارِئَيْنِ	مَجْرُوْءٌ بِهِمَا	مَجْرُوْءاً بِهِمَا	مَجْرُوْءٍ بِهِمَا
۳	جَارِئُوْنَ	جَارِئِيْنَ	جَارِئِيْنَ	مَجْرُوْءٌ بِهِمْ	مَجْرُوْءاً بِهِمْ	مَجْرُوْءٍ بِهِمْ
۴	جَارِئَةٌ	جَارِئَةً	جَارِئَةٍ	مَجْرُوْءٌ بِهَا	مَجْرُوْءاً بِهَا	مَجْرُوْءٍ بِهَا
۵	جَارِئَتَانِ	جَارِئَتَيْنِ	جَارِئَتَيْنِ	مَجْرُوْءٌ بِهِمَا	مَجْرُوْءاً بِهِمَا	مَجْرُوْءٍ بِهِمَا
۶	جَارِئَاتٌ	جَارِئَاتِ	جَارِئَاتٍ	مَجْرُوْءٌ بِهِنَّ	مَجْرُوْءاً بِهِنَّ	مَجْرُوْءٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۳۴	۴ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الجَرْأة (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	جَارٍ	جَارِياً	جَارٍ		مَجْرُوٌّ بِهِ	مَجْرُوّاً بِهِ	مَجْرُوٍّ بِهِ
۲	جَارِيَانِ	جَارِيَيْنِ	جَارِيَيْنِ		مَجْرُوٌّ بِهِمَا	مَجْرُوّاً بِهِمَا	مَجْرُوٍّ بِهِمَا
۳	جَارُوْنَ	جَارِيْنَ	جَارِيْنَ		مَجْرُوٌّ بِهِمْ	مَجْرُوّاً بِهِمْ	مَجْرُوٍّ بِهِمْ
۴	جَارِيَةٌ	جَارِيَةً	جَارِيَةٍ		مَجْرُوٌّ بِهَا	مَجْرُوّاً بِهَا	مَجْرُوٍّ بِهَا
۵	جَارِيَتَانِ	جَارِيَتَيْنِ	جَارِيَتَيْنِ		مَجْرُوٌّ بِهِمَا	مَجْرُوّاً بِهِمَا	مَجْرُوٍّ بِهِمَا
۶	جَارِيَاتٌ	جَارِيَاتٍ	جَارِيَاتٍ		مَجْرُوٌّ بِهِنَّ	مَجْرُوّاً بِهِنَّ	مَجْرُوٍّ بِهِنَّ

صفحه ۳۴	۴ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الجَرْأة (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الجَارِي	الجَارِيَ	الجَارِي		المَجْرُوٌّبِهِ	المَجْرُوَّبِهِ	المَجْرُوِّبِهِ
۲	الجَارِيَانِ	الجَارِيَيْنِ	الجَارِيَيْنِ		المَجْرُوٌّبِهِمَا	المَجْرُوَّبِهِمَا	المَجْرُوِّبِهِمَا
۳	الجَارُوْنَ	الجَارِيْنَ	الجَارِيْنَ		المَجْرُوٌّبِهِمْ	المَجْرُوَّبِهِمْ	المَجْرُوِّبِهِمْ
۴	الجَارِيَةُ	الجَارِيَةَ	الجَارِيَةِ		المَجْرُوٌّبِهَا	المَجْرُوَّبِهَا	المَجْرُوِّبِهَا
۵	الجَارِيَتَانِ	الجَارِيَتَيْنِ	الجَارِيَتَيْنِ		المَجْرُوٌّبِهِمَا	المَجْرُوَّبِهِمَا	المَجْرُوِّبِهِمَا
۶	الجَارِيَاتُ	الجَارِيَاتِ	الجَارِيَاتِ		المَجْرُوٌّبِهِنَّ	المَجْرُوَّبِهِنَّ	المَجْرُوِّبِهِنَّ

تصویر

صفحه ۳۵	۱	اسم فاعل و مفعول ماده الأنِیْن				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَانٌّ	ءَانّاً	ءَانٍّ		مَأْنُوْنٌ	مَأْنُوناً	مَأْنُوْنٍ
۲	ءَانَّانِ	ءَانَّيْنِ	ءَانَّيْنِ		مَأْنُوْنَانِ	مَأْنُوْنَيْنِ	مَأْنُوْنَيْنِ
۳	ءَانُّوْنَ	ءَانِّيْنَ	ءَانِّيْنَ		مَأْنُوْنُوْنَ	مَأْنُوْنِيْنَ	مَأْنُوْنِيْنَ
۴	ءَانَّةٌ	ءَانَّةً	ءَانَّةٍ		مَأْنُوْنَةٌ	مَأْنُوْنَةً	مَأْنُوْنَةٍ
۵	ءَانَّتَانِ	ءَانَّتَيْنِ	ءَانَّتَيْنِ		مَأْنُوْنَتَانِ	مَأْنُوْنَتَيْنِ	مَأْنُوْنَتَيْنِ
۶	ءَانَّاتٌ	ءَانَّاتٍ	ءَانَّاتٍ		مَأْنُوْنَاتٌ	مَأْنُوْنَاتٍ	مَأْنُوْنَاتٍ

صفحه ۳۵	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الوُدّ				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَادٌّ	وَادّاً	وَادٍّ		مَوْدُوْدٌ	مَوْدُوْداً	مَوْدُوْدٍ
۲	وَادَّانِ	وَادَّيْنِ	وَادَّيْنِ		مَوْدُوْدَانِ	مَوْدُوْدَيْنِ	مَوْدُوْدَيْنِ
۳	وَادُّوْنَ	وَادِّيْنَ	وَادِّيْنَ		مَوْدُوْدُوْنَ	مَوْدُوْدِيْنَ	مَوْدُوْدِيْنَ
۴	وَادَّةٌ	وَادَّةً	وَادَّةٍ		مَوْدُوْدَةٌ	مَوْدُوْدَةً	مَوْدُوْدَةٍ
۵	وَادَّتَانِ	وَادَّتَيْنِ	وَادَّتَيْنِ		مَوْدُوْدَتَانِ	مَوْدُوْدَتَيْنِ	مَوْدُوْدَتَيْنِ
۶	وَادَّاتٌ	وَادَّاتٍ	وَادَّاتٍ		مَوْدُوْدَاتٌ	مَوْدُوْدَاتٍ	مَوْدُوْدَاتٍ

تصویر

صفحه ۳۶	۳	اسم فاعل و مفعول ماده الأوْب				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَائِبٌ	ءَائِباً	ءَائِبٍ		مَؤُوْبٌ إِلَيْهِ	مَؤُوْباً إِلَيْهِ	مَؤُوْبٍ إِلَيْهِ
۲	ءَائِبَانِ	ءَائِبَيْنِ	ءَائِبَيْنِ		مَؤُوْبٌ إِلَيْهِمَا	مَؤُوْباً إِلَيْهِمَا	مَؤُوْبٍ إِلَيْهِمَا
۳	ءَائِبُوْنَ	ءَائِبِيْنَ	ءَائِبِيْنَ		مَؤُوْبٌ إِلَيْهِمْ	مَؤُوْباً إِلَيْهِمْ	مَؤُوْبٍ إِلَيْهِمْ
۴	ءَائِبَةٌ	ءَائِبَةً	ءَائِبَةٍ		مَؤُوْبٌ إِلَيْهَا	مَؤُوْباً إِلَيْهَا	مَؤُوْبٍ إِلَيْهَا
۵	ءَائِبَتَانِ	ءَائِبَتَيْنِ	ءَائِبَتَيْنِ		مَؤُوْبٌ إِلَيْهِمَا	مَؤُوْباً إِلَيْهِمَا	مَؤُوْبٍ إِلَيْهِمَا
۶	ءَائِبَاتٌ	ءَائِبَاتٍ	ءَائِبَاتٍ		مَؤُوْبٌ إِلَيْهِنَّ	مَؤُوْباً إِلَيْهِنَّ	مَؤُوْبٍ إِلَيْهِنَّ

صفحه ۳۶	۴	اسم فاعل و مفعول ماده الأيْض				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَائِضٌ	ءَائِضاً	ءَائِضٍ		مَئِيْضٌ إِلَيْهِ	مَئِيْضاً إِلَيْهِ	مَئِيْضٍ إِلَيْهِ
۲	ءَائِضَانِ	ءَائِضَيْنِ	ءَائِضَيْنِ		مَئِيْضٌ إِلَيْهِمَا	مَئِيْضاً إِلَيْهِمَا	مَئِيْضٍ إِلَيْهِمَا
۳	ءَائِضُوْنَ	ءَائِضِيْنَ	ءَائِضِيْنَ		مَئِيْضٌ إِلَيْهِمْ	مَئِيْضاً إِلَيْهِمْ	مَئِيْضٍ إِلَيْهِمْ
۴	ءَائِضَةٌ	ءَائِضَةً	ءَائِضَةٍ		مَئِيْضٌ إِلَيْهَا	مَئِيْضاً إِلَيْهَا	مَئِيْضٍ إِلَيْهَا
۵	ءَائِضَتَانِ	ءَائِضَتَيْنِ	ءَائِضَتَيْنِ		مَئِيْضٌ إِلَيْهِمَا	مَئِيْضاً إِلَيْهِمَا	مَئِيْضٍ إِلَيْهِمَا
۶	ءَائِضَاتٌ	ءَائِضَاتٍ	ءَائِضَاتٍ		مَئِيْضٌ إِلَيْهِنَّ	مَئِيْضاً إِلَيْهِنَّ	مَئِيْضٍ إِلَيْهِنَّ

تصویر

صفحه ۳۷	۵(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الألاء					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَالٍ	ءَالِياً	ءَالٍ	مَألُوٌّ	مَألُوّاً	مَألُوٍّ
۲	ءَالِيَانِ	ءَالِيَيْنِ	ءَالِيَيْنِ	مَألُوَّانِ	مَألُوَّيْنِ	مَألُوَّيْنِ
۳	ءَالُوْنَ	ءَالِيْنَ	ءَالِيْنَ	مَألُوُّوْنَ	مَألُوِّيْنَ	مَألُوِّيْنَ
۴	ءَالِيَةٌ	ءَالِيَةً	ءَالِيَةٍ	مَألُوَّةٌ	مَألُوَّةً	مَألُوَّةٍ
۵	ءَالِيَتَانِ	ءَالِيَتَيْنِ	ءَالِيَتَيْنِ	مَألُوَّتَانِ	مَألُوَّتَيْنِ	مَألُوَّتَيْنِ
۶	ءَالِيَاتٌ	ءَالِيَاتِ	ءَالِيَاتِ	مَألُوَّاتٌ	مَألُوَّاتِ	مَألُوَّاتِ

صفحه ۳۷	۵(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الألاء (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـأَالِي	الـأَالِيَ	الـأَالِي	الـمَألُوُّ	الـمَألُوَّ	الـمَألُوِّ
۲	الـأَالِيَانِ	الـأَالِيَيْنِ	الـأَالِيَيْنِ	الـمَألُوَّانِ	الـمَألُوَّيْنِ	الـمَألُوَّيْنِ
۳	الـأَالُوْنَ	الـأَالِيْنَ	الـأَالِيْنَ	الـمَألُوُّوْنَ	الـمَألُوِّيْنَ	الـمَألُوِّيْنَ
۴	الـأَالِيَةُ	الـأَالِيَةَ	الـأَالِيَةِ	الـمَألُوَّةُ	الـمَألُوَّةَ	الـمَألُوَّةِ
۵	الـأَالِيَتَانِ	الـأَالِيَتَيْنِ	الـأَالِيَتَيْنِ	الـمَألُوَّتَانِ	الـمَألُوَّتَيْنِ	الـمَألُوَّتَيْنِ
۶	الـأَالِيَاتُ	الـأَالِيَاتِ	الـأَالِيَاتِ	الـمَألُوَّاتُ	الـمَألُوَّاتِ	الـمَألُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۳۸	۶(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الإبَاء					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَابٍ	ءَابِياً	ءَابٍ	مَأْبِيٌّ	مَأْبِيّاً	مَأْبِيّ
۲	ءَابِيَانِ	ءَابِيَيْنِ	ءَابِيَيْنِ	مَأْبِيَّانِ	مَأْبِيَّيْنِ	مَأْبِيَّيْنِ
۳	ءَابُوْنَ	ءَابِيْنَ	ءَابِيْنَ	مَأْبِيُّوْنَ	مَأْبِيِّيْنَ	مَأْبِيِّيْنَ
۴	ءَابِيَةٌ	ءَابِيَةً	ءَابِيَةٍ	مَأْبِيَّةٌ	مَأْبِيَّةً	مَأْبِيَّةٍ
۵	ءَابِيَتَانِ	ءَابِيَتَيْنِ	ءَابِيَتَيْنِ	مَأْبِيَّتَانِ	مَأْبِيَّتَيْنِ	مَأْبِيَّتَيْنِ
۶	ءَابِيَاتٌ	ءَابِيَاتِ	ءَابِيَاتٍ	مَأْبِيَّاتٌ	مَأْبِيَّاتِ	مَأْبِيَّاتٍ

صفحه ۳۸	۶(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الإبَاء (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الأَابِي	الأَابِيَ	الأَابِي	المَأْبِيُّ	المَأْبِيَّ	المَأْبِيِّ
۲	الأَابِيَانِ	الأَابِيَيْنِ	الأَابِيَيْنِ	المَأْبِيَّانِ	المَأْبِيَّيْنِ	المَأْبِيَّيْنِ
۳	الأَابُوْنَ	الأَابِيْنَ	الأَابِيْنَ	المَأْبِيُّوْنَ	المَأْبِيِّيْنَ	المَأْبِيِّيْنَ
۴	الأَابِيَةُ	الأَابِيَةَ	الأَابِيَةِ	المَأْبِيَّةُ	المَأْبِيَّةَ	المَأْبِيَّةِ
۵	الأَابِيَتَانِ	الأَابِيَتَيْنِ	الأَابِيَتَيْنِ	المَأْبِيَّتَانِ	المَأْبِيَّتَيْنِ	المَأْبِيَّتَيْنِ
۶	الأَابِيَاتُ	الأَابِيَاتِ	الأَابِيَاتِ	المَأْبِيَّاتُ	المَأْبِيَّاتِ	المَأْبِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۳۹	۷ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الأوِیّ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	عَاوٍ	عَاوِياً	عَاوٍ	مَأْوِیٌّ	مَأْوِيّاً	مَأْوِيّ
۲	عَاوِيَانِ	عَاوِيَيْنِ	عَاوِيَيْنِ	مَأْوِيَّانِ	مَأْوِيَّيْنِ	مَأْوِيَّيْنِ
۳	عَاوُوْنَ	عَاوِيْنَ	عَاوِيْنَ	مَأْوِيُّوْنَ	مَأْوِيِّيْنَ	مَأْوِيِّيْنَ
۴	عَاوِيَةٌ	عَاوِيَةً	عَاوِيَةٍ	مَأْوِيَّةٌ	مَأْوِيَّةً	مَأْوِيَّةٍ
۵	عَاوِيَتَانِ	عَاوِيَتَيْنِ	عَاوِيَتَيْنِ	مَأْوِيَّتَانِ	مَأْوِيَّتَيْنِ	مَأْوِيَّتَيْنِ
۶	عَاوِيَاتٌ	عَاوِيَاتِ	عَاوِيَاتِ	مَأْوِيَّاتٌ	مَأْوِيَّاتِ	مَأْوِيَّاتِ

صفحه ۳۹	۷ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الأوِیّ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الأَاوِي	الأَاوِيَ	الأَاوِي	المَأْوِیُّ	المَأْوِيَّ	المَأْوِيّ
۲	الأَاوِيَانِ	الأَاوِيَيْنِ	الأَاوِيَيْنِ	المَأْوِيَّانِ	المَأْوِيَّيْنِ	المَأْوِيَّيْنِ
۳	الأَاوُوْنَ	الأَاوِيْنَ	الأَاوِيْنَ	المَأْوِيُّوْنَ	المَأْوِيِّيْنَ	المَأْوِيِّيْنَ
۴	الأَاوِيَةُ	الأَاوِيَةَ	الأَاوِيَةِ	المَأْوِيَّةُ	المَأْوِيَّةَ	المَأْوِيَّةِ
۵	الأَاوِيَتَانِ	الأَاوِيَتَيْنِ	الأَاوِيَتَيْنِ	المَأْوِيَّتَانِ	المَأْوِيَّتَيْنِ	المَأْوِيَّتَيْنِ
۶	الأَاوِيَاتُ	الأَاوِيَاتِ	الأَاوِيَاتِ	المَأْوِيَّاتُ	المَأْوِيَّاتِ	المَأْوِيَّاتِ

تصویر



صفحه ۴۰	۸	اسم فاعل و مفعول ماده الوأر				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَائِرٌ	وَائِراً	وَائِرٍ		مَوْءُوْرٌ	مَوْءُوْراً	مَوْءُوْرٍ
۲	وَائِرَانِ	وَائِرَيْنِ	وَائِرَيْنِ		مَوْءُوْرَانِ	مَوْءُوْرَيْنِ	مَوْءُوْرَيْنِ
۳	وَائِرُوْنَ	وَائِرِيْنَ	وَائِرِيْنَ		مَوْءُوْرُوْنَ	مَوْءُوْرِيْنَ	مَوْءُوْرِيْنَ
۴	وَائِرَةٌ	وَائِرَةً	وَائِرَةٍ		مَوْءُوْرَةٌ	مَوْءُوْرَةً	مَوْءُوْرَةٍ
۵	وَائِرَتَانِ	وَائِرَتَيْنِ	وَائِرَتَيْنِ		مَوْءُوْرَتَانِ	مَوْءُوْرَتَيْنِ	مَوْءُوْرَتَيْنِ
۶	وَائِرَاتٌ	وَائِرَاتِ	وَائِرَاتِ		مَوْءُوْرَاتٌ	مَوْءُوْرَاتِ	مَوْءُوْرَاتِ



صفحه ۴۰	۹	اسم فاعل و مفعول ماده اليَأس				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	يَائِسٌ	يَائِساً	يَائِسٍ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُ	مَيْؤُوْساً مِنْهُ	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُ
۲	يَائِسَانِ	يَائِسَيْنِ	يَائِسَيْنِ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُمَا	مَيْؤُوْساً مِنْهُمَا	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُمَا
۳	يَائِسُوْنَ	يَائِسِيْنَ	يَائِسِيْنَ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُمْ	مَيْؤُوْساً مِنْهُمْ	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُمْ
۴	يَائِسَةٌ	يَائِسَةً	يَائِسَةٍ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهَا	مَيْؤُوْساً مِنْهَا	مَيْؤُوْسٍ مِنْهَا
۵	يَائِسَتَانِ	يَائِسَتَيْنِ	يَائِسَتَيْنِ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُمَا	مَيْؤُوْساً مِنْهُمَا	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُمَا
۶	يَائِسَاتٌ	يَائِسَاتِ	يَائِسَاتِ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُنَّ	مَيْؤُوْساً مِنْهُنَّ	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُنَّ

تصویر

صفحه ۴۱	۱۰ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الشّأو					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	شَاءٍ	شَائِياً	شَاءٍ	مَشْؤُوٌّ	مَشْؤُوّاً	مَشْؤُوٍّ
۲	شَائِيَانِ	شَائِيَيْنِ	شَائِيَيْنِ	مَشْؤُوَّانِ	مَشْؤُوَّيْنِ	مَشْؤُوَّيْنِ
۳	شَاؤُوْنَ	شَائِيْنَ	شَائِيْنَ	مَشْؤُوُّوْنَ	مَشْؤُوِّيْنَ	مَشْؤُوِّيْنَ
۴	شَائِيَةٌ	شَائِيَةً	شَائِيَةٍ	مَشْؤُوَّةٌ	مَشْؤُوَّةً	مَشْؤُوَّةٍ
۵	شَائِيَتَانِ	شَائِيَتَيْنِ	شَائِيَتَيْنِ	مَشْؤُوَّتَانِ	مَشْؤُوَّتَيْنِ	مَشْؤُوَّتَيْنِ
۶	شَائِيَاتٌ	شَائِيَاتِ	شَائِيَاتِ	مَشْؤُوَّاتٌ	مَشْؤُوَّاتِ	مَشْؤُوَّاتِ

صفحه ۴۱	۱۰ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الشّأو (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الشَّائِي	الشَّائِيَ	الشَّائِي	المَشْؤُوٌّ	المَشْؤُوَّ	المَشْؤُوٍّ
۲	الشَّائِيَانِ	الشَّائِيَيْنِ	الشَّائِيَيْنِ	المَشْؤُوَّانِ	المَشْؤُوَّيْنِ	المَشْؤُوَّيْنِ
۳	الشَّاؤُوْنَ	الشَّائِيْنَ	الشَّائِيْنَ	المَشْؤُوُّوْنَ	المَشْؤُوِّيْنَ	المَشْؤُوِّيْنَ
۴	الشَّائِيَةُ	الشَّائِيَةَ	الشَّائِيَةِ	المَشْؤُوَّةُ	المَشْؤُوَّةَ	المَشْؤُوَّةِ
۵	الشَّائِيَتَانِ	الشَّائِيَتَيْنِ	الشَّائِيَتَيْنِ	المَشْؤُوَّتَانِ	المَشْؤُوَّتَيْنِ	المَشْؤُوَّتَيْنِ
۶	الشَّائِيَاتُ	الشَّائِيَاتِ	الشَّائِيَاتِ	المَشْؤُوَّاتُ	المَشْؤُوَّاتِ	المَشْؤُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۴۲	۱۱ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرُّؤْيَة					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَاءٍ	رَائِياً	رَاءٍ	مَرْئِيٌّ	مَرْئِياً	مَرْئِيٍّ
۲	رَائِيَانِ	رَائِيَيْنِ	رَائِيَيْنِ	مَرْئِيَّانِ	مَرْئِيَّيْنِ	مَرْئِيَّيْنِ
۳	رَاؤُوْنَ	رَائِيْنَ	رَائِيْنَ	مَرْئِيُّوْنَ	مَرْئِيِّيْنَ	مَرْئِيِّيْنَ
۴	رَائِيَةٌ	رَائِيَةً	رَائِيَةٍ	مَرْئِيَّةٌ	مَرْئِيَّةً	مَرْئِيَّةٍ
۵	رَائِيَتَانِ	رَائِيَتَيْنِ	رَائِيَتَيْنِ	مَرْئِيَّتَانِ	مَرْئِيَّتَيْنِ	مَرْئِيَّتَيْنِ
۶	رَائِيَاتٌ	رَائِيَاتِ	رَائِيَاتِ	مَرْئِيَّاتٌ	مَرْئِيَّاتِ	مَرْئِيَّاتِ

صفحه ۴۲	۱۱ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرُّؤْيَة (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّائِي	الرَّائِيَ	الرَّائِي	المَرْئِيُّ	المَرْئِيَ	المَرْئِيِّ
۲	الرَّائِيَانِ	الرَّائِيَيْنِ	الرَّائِيَيْنِ	المَرْئِيَّانِ	المَرْئِيَّيْنِ	المَرْئِيَّيْنِ
۳	الرَّاؤُوْنَ	الرَّائِيْنَ	الرَّائِيْنَ	المَرْئِيُّوْنَ	المَرْئِيِّيْنَ	المَرْئِيِّيْنَ
۴	الرَّائِيَةُ	الرَّائِيَةَ	الرَّائِيَةِ	المَرْئِيَّةُ	المَرْئِيَّةَ	المَرْئِيَّةِ
۵	الرَّائِيَتَانِ	الرَّائِيَتَيْنِ	الرَّائِيَتَيْنِ	المَرْئِيَّتَانِ	المَرْئِيَّتَيْنِ	المَرْئِيَّتَيْنِ
۶	الرَّائِيَاتُ	الرَّائِيَاتِ	الرَّائِيَاتِ	المَرْئِيَّاتُ	المَرْئِيَّاتِ	المَرْئِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۴۳	۱۲ (۱) مهموز العین و ناقص یایی باب إفعال (الإرَاءَةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرٍ	مُرِياً	مُرٍ	مُرىً	مُرىً	مُرىً
۲	مُرِيَانِ	مُرِيَيْنِ	مُرِيَيْنِ	مُرَيَانِ	مُرَيَيْنِ	مُرَيَيْنِ
۳	مُرُوْنَ	مُرِيْنَ	مُرِيْنَ	مُرَوْنَ	مُرَيْنَ	مُرَيْنَ
۴	مُرِيَةٌ	مُرِيَةً	مُرِيَةٍ	مُرَاةٌ	مُرَاةً	مُرَاةٍ
۵	مُرِيَتَانِ	مُرِيَتَيْنِ	مُرِيَتَيْنِ	مُرَاتَانِ	مُرَاتَيْنِ	مُرَاتَيْنِ
۶	مُرِيَاتٌ	مُرِيَاتِ	مُرِيَاتِ	مُرَيَاتٌ	مُرَيَاتِ	مُرَيَاتِ

صفحه ۴۳	۱۲ (۲) مهموز العین و ناقص یایی باب إفعال (الإرَاءَةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُرِي	المُرِىَ	المُرِي	المُرىٰ	المُرىٰ	المُرىٰ
۲	المُرِيَانِ	المُرِيَيْنِ	المُرِيَيْنِ	المُرَيَانِ	المُرَيَيْنِ	المُرَيَيْنِ
۳	المُرُوْنَ	المُرِيْنَ	المُرِيْنَ	المُرَوْنَ	المُرَيْنَ	المُرَيْنَ
۴	المُرِيَةُ	المُرِيَةَ	المُرِيَةِ	المُرَاةُ	المُرَاةَ	المُرَاةِ
۵	المُرِيَتَانِ	المُرِيَتَيْنِ	المُرِيَتَيْنِ	المُرَاتَانِ	المُرَاتَيْنِ	المُرَاتَيْنِ
۶	المُرِيَاتُ	المُرِيَاتِ	المُرِيَاتِ	المُرَيَاتُ	المُرَيَاتِ	المُرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۴۴	۱۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوأی					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاءٍ	وَائِياً	وَاءٍ	مَوْئِيٌّ	مَوْئِيّاً	مَوْئِيٍّ
۲	وَائِيَانِ	وَائِيَيْنِ	وَائِيَيْنِ	مَوْئِيَّانِ	مَوْئِيَّيْنِ	مَوْئِيَّيْنِ
۳	وَاؤُوْنَ	وَائِيْنَ	وَائِيْنَ	مَوْئِيُّوْنَ	مَوْئِيِّيْنَ	مَوْئِيِّيْنَ
۴	وَائِيَةٌ	وَائِيَةً	وَائِيَةٍ	مَوْئِيَّةٌ	مَوْئِيَّةً	مَوْئِيَّةٍ
۵	وَائِيَتَانِ	وَائِيَتَيْنِ	وَائِيَتَيْنِ	مَوْئِيَّتَانِ	مَوْئِيَّتَيْنِ	مَوْئِيَّتَيْنِ
۶	وَائِيَاتٌ	وَائِيَاتِ	وَائِيَاتِ	مَوْئِيَّاتٌ	مَوْئِيَّاتِ	مَوْئِيَّاتِ

صفحه ۴۴	۱۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوأی (با الف ولام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَائِي	الوَائِيَ	الوَائِي	المَوْئِيُّ	المَوْئِيَّ	المَوْئِيِّ
۲	الوَائِيَانِ	الوَائِيَيْنِ	الوَائِيَيْنِ	المَوْئِيَّانِ	المَوْئِيَّيْنِ	المَوْئِيَّيْنِ
۳	الوَاؤُوْنَ	الوَائِيْنَ	الوَائِيْنَ	المَوْئِيُّوْنَ	المَوْئِيِّيْنَ	المَوْئِيِّيْنَ
۴	الوَائِيَةُ	الوَائِيَةَ	الوَائِيَةِ	المَوْئِيَّةُ	المَوْئِيَّةَ	المَوْئِيَّةِ
۵	الوَائِيَتَانِ	الوَائِيَتَيْنِ	الوَائِيَتَيْنِ	المَوْئِيَّتَانِ	المَوْئِيَّتَيْنِ	المَوْئِيَّتَيْنِ
۶	الوَائِيَاتُ	الوَائِيَاتِ	الوَائِيَاتِ	المَوْئِيَّاتُ	المَوْئِيَّاتِ	المَوْئِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۴۵	۱۴ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوَبَأ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَابِئٌ	وَابِئاً	وَابِئٍ	مَوْبُوْءٌ	مَوْبُوْءاً	مَوْبُوْءٍ
۲	وَابِئَانِ	وَابِئَيْنِ	وَابِئَيْنِ	مَوْبُوْأَانِ	مَوْبُوْأَيْنِ	مَوْبُوْأَيْنِ
۳	وَابِئُوْنَ	وَابِئِيْنَ	وَابِئِيْنَ	مَوْبُوْؤُوْنَ	مَوْبُوْئِيْنَ	مَوْبُوْئِيْنَ
۴	وَابِئَةٌ	وَابِئَةً	وَابِئَةٍ	مَوْبُوْأَةٌ	مَوْبُوْأَةً	مَوْبُوْأَةٍ
۵	وَابِئَتَانِ	وَابِئَتَيْنِ	وَابِئَتَيْنِ	مَوْبُوْأَتَانِ	مَوْبُوْأَتَيْنِ	مَوْبُوْأَتَيْنِ
۶	وَابِئَاتٌ	وَابِئَاتٍ	وَابِئَاتٍ	مَوْبُوْءَاتٌ	مَوْبُوْءَاتٍ	مَوْبُوْءَاتٍ

صفحه ۴۵	۱۴ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوَبَا (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَابٍ	وَابِياً	وَابٍ	مَوْبُوٌّ	مَوْبُوّاً	مَوْبُوٍّ
۲	وَابِيَانِ	وَابِيَيْنِ	وَابِيَيْنِ	مَوْبُوَّانِ	مَوْبُوَّيْنِ	مَوْبُوَّيْنِ
۳	وَابُوْنَ	وَابِيْنَ	وَابِيْنَ	مَوْبُوُّوْنَ	مَوْبُوِّيْنَ	مَوْبُوِّيْنَ
۴	وَابِيَةٌ	وَابِيَةً	وَابِيَةٍ	مَوْبُوَّةٌ	مَوْبُوَّةً	مَوْبُوَّةٍ
۵	وَابِيَتَانِ	وَابِيَتَيْنِ	وَابِيَتَيْنِ	مَوْبُوَّتَانِ	مَوْبُوَّتَيْنِ	مَوْبُوَّتَيْنِ
۶	وَابِيَاتٌ	وَابِيَاتٍ	وَابِيَاتٍ	مَوْبُوَّاتٌ	مَوْبُوَّاتٍ	مَوْبُوَّاتٍ

تصویر

صفحه ۴۶	۱۴(۳) اسم فاعل و مفعول ماده الوَبَا (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَابِي	الوَابِيَ	الوَابِي		المَوْبُوُّ	المَوْبُوَّ	المَوْبُوِّ
۲	الوَابِيَانِ	الوَابِيَيْنِ	الوَابِيَيْنِ		المَوْبُوَّانِ	المَوْبُوَّيْنِ	المَوْبُوَّيْنِ
۳	الوَابُوْنَ	الوَابِيْنَ	الوَابِيْنَ		المَوْبُوُّوْنَ	المَوْبُوِّيْنَ	المَوْبُوِّيْنَ
۴	الوَابِيَةُ	الوَابِيَةَ	الوَابِيَةِ		المَوْبُوَّةُ	المَوْبُوَّةَ	المَوْبُوَّةِ
۵	الوَابِيَتَانِ	الوَابِيَتَيْنِ	الوَابِيَتَيْنِ		المَوْبُوَّتَانِ	المَوْبُوَّتَيْنِ	المَوْبُوَّتَيْنِ
۶	الوَابِيَاتُ	الوَابِيَاتِ	الوَابِيَاتِ		المَوْبُوَّاتُ	المَوْبُوَّاتِ	المَوْبُوَّاتِ

صفحه ۴۶	۱۵(۱) اسم فاعل و مفعول ماده النّوأ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	نَاءٍ	نَائِياً	نَاءٍ		مَنُوْءٌ بِهِ	مَنُوْءاً بِهِ	مَنُوْءٍ بِهِ
۲	نَائِيَانِ	نَائِيَيْنِ	نَائِيَيْنِ		مَنُوْءٌ بِهِمَا	مَنُوْءاً بِهِمَا	مَنُوْءٍ بِهِمَا
۳	نَاؤُوْنَ	نَائِيْنَ	نَائِيْنَ		مَنُوْءٌ بِهِمْ	مَنُوْءاً بِهِمْ	مَنُوْءٍ بِهِمْ
۴	نَائِيَةٌ	نَائِيَةً	نَائِيَةٍ		مَنُوْءٌ بِهَا	مَنُوْءاً بِهَا	مَنُوْءٍ بِهَا
۵	نَائِيَتَانِ	نَائِيَتَيْنِ	نَائِيَتَيْنِ		مَنُوْءٌ بِهِمَا	مَنُوْءاً بِهِمَا	مَنُوْءٍ بِهِمَا
۶	نَائِيَاتٌ	نَائِيَاتِ	نَائِيَاتِ		مَنُوْءٌ بِهِنَ	مَنُوْءاً بِهِنَ	مَنُوْءٍ بِهِنَ

تصویر

صفحه ۴۷	۱۵(۲) اسم فاعل و مفعول ماده النّوأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	نَاءٍ	نَائِياً	نَاءٍ		مَنُوٌّ بِهِ	مَنُوّاً بِهِ	مَنُوٍّ بِهِ
۲	نَائِيَانِ	نَائِيَيْنِ	نَائِيَيْنِ		مَنُوٌّ بِهِمَا	مَنُوّاً بِهِمَا	مَنُوٍّ بِهِمَا
۳	نَاؤُوْنَ	نَائِيْنَ	نَائِيْنَ		مَنُوٌّ بِهِمْ	مَنُوّاً بِهِمْ	مَنُوٍّ بِهِمْ
۴	نَائِيَةٌ	نَائِيَةً	نَائِيَةٍ		مَنُوٌّ بِهَا	مَنُوّاً بِهَا	مَنُوٍّ بِهَا
۵	نَائِيَتَانِ	نَائِيَتَيْنِ	نَائِيَتَيْنِ		مَنُوٌّ بِهِمَا	مَنُوّاً بِهِمَا	مَنُوٍّ بِهِمَا
۶	نَائِيَاتٌ	نَائِيَاتِ	نَائِيَاتِ		مَنُوٌّ بِهِنَّ	مَنُوّاً بِهِنَّ	مَنُوٍّ بِهِنَّ

صفحه ۴۷	۱۵(۳) اسم فاعل و مفعول ماده النّوأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	النَّائِي	النَّائِيَ	النَّائِي		المَنُوُّ بِهِ	المَنُوَّ بِهِ	المَنُوِّ بِهِ
۲	النَّائِيَانِ	النَّائِيَيْنِ	النَّائِيَيْنِ		المَنُوُّ بِهِمَا	المَنُوَّ بِهِمَا	المَنُوِّ بِهِمَا
۳	النَّاؤُوْنَ	النَّائِيْنَ	النَّائِيْنَ		المَنُوُّ بِهِمْ	المَنُوَّ بِهِمْ	المَنُوِّ بِهِمْ
۴	النَّائِيَةُ	النَّائِيَةَ	النَّائِيَةِ		المَنُوُّ بِهَا	المَنُوَّ بِهَا	المَنُوِّ بِهَا
۵	النَّائِيَتَانِ	النَّائِيَتَيْنِ	النَّائِيَتَيْنِ		المَنُوُّ بِهِمَا	المَنُوَّ بِهِمَا	المَنُوِّ بِهِمَا
۶	النَّائِيَاتُ	النَّائِيَاتِ	النَّائِيَاتِ		المَنُوُّ بِهِنَّ	المَنُوَّ بِهِنَّ	المَنُوِّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۴۸	۱۶(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الشّیْئَ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	شَاءٍ	شَائِياً	شَاءٍ	مَشِيْئٌ	مَشِيْئاً	مَشِيْءٍ
۲	شَائِيَانِ	شَائِيَيْنِ	شَائِيَيْنِ	مَشِيْئَانِ	مَشِيْئَيْنِ	مَشِيْئَيْنِ
۳	شَاؤُوْنَ	شَائِيْنَ	شَائِيْنَ	مَشِيْئُوْنَ	مَشِيْئِيْنَ	مَشِيْئِيْنَ
۴	شَائِيَةٌ	شَائِيَةً	شَائِيَةٍ	مَشِيْئَةٌ	مَشِيْئَةً	مَشِيْئَةٍ
۵	شَائِيَتَانِ	شَائِيَتَيْنِ	شَائِيَتَيْنِ	مَشِيْئَتَانِ	مَشِيْئَتَيْنِ	مَشِيْئَتَيْنِ
۶	شَائِيَاتٌ	شَائِيَاتِ	شَائِيَاتٍ	مَشِيْئَاتٌ	مَشِيْئَاتِ	مَشِيْئَاتٍ

صفحه ۴۸	۱۶(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الشّیْئَ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	شَاءٍ	شَائِياً	شَاءٍ	مَشِيٌّ	مَشِيّاً	مَشِيٍّ
۲	شَائِيَانِ	شَائِيَيْنِ	شَائِيَيْنِ	مَشِيَّانِ	مَشِيَّيْنِ	مَشِيَّيْنِ
۳	شَاؤُوْنَ	شَائِيْنَ	شَائِيْنَ	مَشِيُّوْنَ	مَشِيِّيْنَ	مَشِيِّيْنَ
۴	شَائِيَةٌ	شَائِيَةً	شَائِيَةٍ	مَشِيَّةٌ	مَشِيَّةً	مَشِيَّةٍ
۵	شَائِيَتَانِ	شَائِيَتَيْنِ	شَائِيَتَيْنِ	مَشِيَّتَانِ	مَشِيَّتَيْنِ	مَشِيَّتَيْنِ
۶	شَائِيَاتٌ	شَائِيَاتِ	شَائِيَاتٍ	مَشِيَّاتٌ	مَشِيَّاتِ	مَشِيَّاتٍ

تصویر

صفحه ۴۹	۱۶ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الشَّيْئَ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الشَّائِي	الشَّائِيَ	الشَّائِي	الْمَشِيُّ	الْمَشِيَّ	الْمَشِيِّ
۲	الشَّائِيَانِ	الشَّائِيَيْنِ	الشَّائِيَيْنِ	الْمَشِيَّانِ	الْمَشِيَّيْنِ	الْمَشِيَّيْنِ
۳	الشَّاؤُوْنَ	الشَّائِيْنَ	الشَّائِيْنَ	الْمَشِيُّوْنَ	الْمَشِيِّيْنَ	الْمَشِيِّيْنَ
۴	الشَّائِيَةُ	الشَّائِيَةَ	الشَّائِيَةِ	الْمَشِيَّةُ	الْمَشِيَّةَ	الْمَشِيَّةِ
۵	الشَّائِيَتَانِ	الشَّائِيَتَيْنِ	الشَّائِيَتَيْنِ	الْمَشِيَّتَانِ	الْمَشِيَّتَيْنِ	الْمَشِيَّتَيْنِ
۶	الشَّائِيَاتُ	الشَّائِيَاتِ	الشَّائِيَاتِ	الْمَشِيَّاتُ	الْمَشِيَّاتِ	الْمَشِيَّاتِ

صفحه ۴۹	۱۷ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الأاء					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَاءٍ	ءَائِياً	ءَاءٍ	مَؤُوْءٌ	مَؤُوْءاً	مَؤُوْءٍ
۲	ءَائِيَانِ	ءَائِيَيْنِ	ءَائِيَيْنِ	مَؤُوْءَانِ	مَؤُوْءَيْنِ	مَؤُوْءَيْنِ
۳	ءَاؤُوْنَ	ءَائِيْنَ	ءَائِيْنَ	مَؤُوْءُوْنَ	مَؤُوْءِيْنَ	مَؤُوْءِيْنَ
۴	ءَائِيَةٌ	ءَائِيَةً	ءَائِيَةٍ	مَؤُوْءَةٌ	مَؤُوْءَةً	مَؤُوْءَةٍ
۵	ءَائِيَتَانِ	ءَائِيَتَيْنِ	ءَائِيَتَيْنِ	مَؤُوْءَتَانِ	مَؤُوْءَتَيْنِ	مَؤُوْءَتَيْنِ
۶	ءَائِيَاتٌ	ءَائِيَاتِ	ءَائِيَاتِ	مَؤُوْءَاتٌ	مَؤُوْءَاتِ	مَؤُوْءَاتِ

تصویر

صفحه ۵۰	۱۷ (۲)	اسم فاعل و مفعول ماده الأاء (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَاءٍ	ءَائِياً	ءَاءٍ	مَؤُوٌّ	مَؤُوّاً	مَؤُوٍّ
۲	ءَائِيَانِ	ءَائِيَيْنِ	ءَائِيَيْنِ	مَؤُوَّانِ	مَؤُوَّيْنِ	مَؤُوَّيْنِ
۳	ءَاؤُوْنَ	ءَائِيْنَ	ءَائِيْنَ	مَؤُوُّوْنَ	مَؤُوِّيْنَ	مَؤُوِّيْنَ
۴	ءَائِيَةٌ	ءَائِيَةً	ءَائِيَةٍ	مَؤُوَّةٌ	مَؤُوَّةً	مَؤُوَّةٍ
۵	ءَائِيَتَانِ	ءَائِيَتَيْنِ	ءَائِيَتَيْنِ	مَؤُوَّتَانِ	مَؤُوَّتَيْنِ	مَؤُوَّتَيْنِ
۶	ءَائِيَاتٌ	ءَائِيَاتِ	ءَائِيَاتِ	مَؤُوَّاتٌ	مَؤُوَّاتِ	مَؤُوَّاتِ

صفحه ۵۰	۱۷ (۳)	اسم فاعل و مفعول ماده الأاء (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الأَائِي	الأَائِيَ	الأَائِي	المَؤُوٌّ	المَؤُوَّ	المَؤُوِّ
۲	الأَائِيَانِ	الأَائِيَيْنِ	الأَائِيَيْنِ	المَؤُوَّانِ	المَؤُوَّيْنِ	المَؤُوَّيْنِ
۳	الأَاؤُوْنَ	الأَائِيْنَ	الأَائِيْنَ	المَؤُوُّوْنَ	المَؤُوِّيْنَ	المَؤُوِّيْنَ
۴	الأَائِيَةُ	الأَائِيَةَ	الأَائِيَةِ	المَؤُوَّةُ	المَؤُوَّةَ	المَؤُوَّةِ
۵	الأَائِيَتَانِ	الأَائِيَتَيْنِ	الأَائِيَتَيْنِ	المَؤُوَّتَانِ	المَؤُوَّتَيْنِ	المَؤُوَّتَيْنِ
۶	الأَائِيَاتُ	الأَائِيَاتِ	الأَائِيَاتِ	المَؤُوَّاتُ	المَؤُوَّاتِ	المَؤُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۵۱	۱	باب إفعال سالم (الإكْرَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُكْرِمٌ	مُكْرِماً	مُكْرِمٍ		مُكْرَمٌ	مُكْرَماً	مُكْرَمٍ
۲	مُكْرِمَانِ	مُكْرِمَيْنِ	مُكْرِمَيْنِ		مُكْرَمَانِ	مُكْرَمَيْنِ	مُكْرَمَيْنِ
۳	مُكْرِمُوْنَ	مُكْرِمِيْنَ	مُكْرِمِيْنَ		مُكْرَمُوْنَ	مُكْرَمِيْنَ	مُكْرَمِيْنَ
۴	مُكْرِمَةٌ	مُكْرِمَةً	مُكْرِمَةٍ		مُكْرَمَةٌ	مُكْرَمَةً	مُكْرَمَةٍ
۵	مُكْرِمَتَانِ	مُكْرِمَتَيْنِ	مُكْرِمَتَيْنِ		مُكْرَمَتَانِ	مُكْرَمَتَيْنِ	مُكْرَمَتَيْنِ
۶	مُكْرِمَاتٌ	مُكْرِمَاتِ	مُكْرِمَاتٍ		مُكْرَمَاتٌ	مُكْرَمَاتِ	مُكْرَمَاتٍ

صفحه ۵۱	۲	باب إفعال مضاعف (الإمْدَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُمِدٌّ	مُمِدّاً	مُمِدٍّ		مُمَدٌّ	مُمَدّاً	مُمَدٍّ
۲	مُمِدَّانِ	مُمِدَّيْنِ	مُمِدَّيْنِ		مُمَدَّانِ	مُمَدَّيْنِ	مُمَدَّيْنِ
۳	مُمِدُّوْنَ	مُمِدِّيْنَ	مُمِدِّيْنَ		مُمَدُّوْنَ	مُمَدِّيْنَ	مُمَدِّيْنَ
۴	مُمِدَّةٌ	مُمِدَّةً	مُمِدَّةٍ		مُمَدَّةٌ	مُمَدَّةً	مُمَدَّةٍ
۵	مُمِدَّتَانِ	مُمِدَّتَيْنِ	مُمِدَّتَيْنِ		مُمَدَّتَانِ	مُمَدَّتَيْنِ	مُمَدَّتَيْنِ
۶	مُمِدَّاتٌ	مُمِدَّاتِ	مُمِدَّاتٍ		مُمَدَّاتٌ	مُمَدَّاتِ	مُمَدَّاتٍ

تصویر



صفحه ۵۲	۳	باب إفعال مثال واوی (الإیْعَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوْعِدٌ	مُوْعِداً	مُوْعِدٍ		مُوْعَدٌ	مُوْعَداً	مُوْعَدٍ
۲	مُوْعِدَانِ	مُوْعِدَيْنِ	مُوْعِدَيْنِ		مُوْعَدَانِ	مُوْعَدَيْنِ	مُوْعَدَيْنِ
۳	مُوْعِدُوْنَ	مُوْعِدِيْنَ	مُوْعِدِيْنَ		مُوْعَدُوْنَ	مُوْعَدِيْنَ	مُوْعَدِيْنَ
۴	مُوْعِدَةٌ	مُوْعِدَةً	مُوْعِدَةٍ		مُوْعَدَةٌ	مُوْعَدَةً	مُوْعَدَةٍ
۵	مُوْعِدَتَانِ	مُوْعِدَتَيْنِ	مُوْعِدَتَيْنِ		مُوْعَدَتَانِ	مُوْعَدَتَيْنِ	مُوْعَدَتَيْنِ
۶	مُوْعِدَاتٌ	مُوْعِدَاتٍ	مُوْعِدَاتٍ		مُوْعَدَاتٌ	مُوْعَدَاتٍ	مُوْعَدَاتٍ

صفحه ۵۲	۴	باب إفعال مثال یایی (الإیْتَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوْتِمٌ	مُوْتِماً	مُوْتِمٍ		مُوْتَمٌ بِهِ	مُوْتَماً بِهِ	مُوْتَمٍ بِهِ
۲	مُوْتِمَانِ	مُوْتِمَيْنِ	مُوْتِمَيْنِ		مُوْتَمٌ بِهِمَا	مُوْتَماً بِهِمَا	مُوْتَمٍ بِهِمَا
۳	مُوْتِمُوْنَ	مُوْتِمِيْنَ	مُوْتِمِيْنَ		مُوْتَمٌ بِهِمْ	مُوْتَماً بِهِمْ	مُوْتَمٍ بِهِمْ
۴	مُوْتِمَةٌ	مُوْتِمَةً	مُوْتِمَةٍ		مُوْتَمٌ بِهَا	مُوْتَماً بِهَا	مُوْتَمٍ بِهَا
۵	مُوْتِمَتَانِ	مُوْتِمَتَيْنِ	مُوْتِمَتَيْنِ		مُوْتَمٌ بِهِمَا	مُوْتَماً بِهِمَا	مُوْتَمٍ بِهِمَا
۶	مُوْتِمَاتٌ	مُوْتِمَاتٍ	مُوْتِمَاتٍ		مُوْتَمٌ بِهِنَّ	مُوْتَماً بِهِنَّ	مُوْتَمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۵۳	۵	باب إفعال اجوف واوی (الإخَافَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخِيْفٌ	مُخِيْفاً	مُخِيْفٍ		مُخَافٌ	مُخَافاً	مُخَافٍ
۲	مُخِيْفَانِ	مُخِيْفَيْنِ	مُخِيْفَيْنِ		مُخَافَانِ	مُخَافَيْنِ	مُخَافَيْنِ
۳	مُخِيْفُوْنَ	مُخِيْفِيْنَ	مُخِيْفِيْنَ		مُخَافُوْنَ	مُخَافِيْنَ	مُخَافِيْنَ
۴	مُخِيْفَةٌ	مُخِيْفَةً	مُخِيْفَةٍ		مُخَافَةٌ	مُخَافَةً	مُخَافَةٍ
۵	مُخِيْفَتَانِ	مُخِيْفَتَيْنِ	مُخِيْفَتَيْنِ		مُخَافَتَانِ	مُخَافَتَيْنِ	مُخَافَتَيْنِ
۶	مُخِيْفَاتٌ	مُخِيْفَاتٍ	مُخِيْفَاتٍ		مُخَافَاتٌ	مُخَافَاتٍ	مُخَافَاتٍ

صفحه ۵۳	۶	باب إفعال اجوف یایی (الإبَاعَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُبِيْعٌ	مُبِيْعاً	مُبِيْعٍ		مُبَاعٌ	مُبَاعاً	مُبَاعٍ
۲	مُبِيْعَانِ	مُبِيْعَيْنِ	مُبِيْعَيْنِ		مُبَاعَانِ	مُبَاعَيْنِ	مُبَاعَيْنِ
۳	مُبِيْعُوْنَ	مُبِيْعِيْنَ	مُبِيْعِيْنَ		مُبَاعُوْنَ	مُبَاعِيْنَ	مُبَاعِيْنَ
۴	مُبِيْعَةٌ	مُبِيْعَةً	مُبِيْعَةٍ		مُبَاعَةٌ	مُبَاعَةً	مُبَاعَةٍ
۵	مُبِيْعَتَانِ	مُبِيْعَتَيْنِ	مُبِيْعَتَيْنِ		مُبَاعَتَانِ	مُبَاعَتَيْنِ	مُبَاعَتَيْنِ
۶	مُبِيْعَاتٌ	مُبِيْعَاتٍ	مُبِيْعَاتٍ		مُبَاعَاتٌ	مُبَاعَاتٍ	مُبَاعَاتٍ

تصویر

صفحه ۵۴	۷ (۱) باب إفعال ناقص واوی (الإرْضَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرْضٍ	مُرْضِياً	مُرْضٍ	مُرْضىً	مُرْضىً	مُرْضىً
۲	مُرْضِيَانِ	مُرْضِيَيْنِ	مُرْضِيَيْنِ	مُرْضَيَانِ	مُرْضَيَيْنِ	مُرْضَيَيْنِ
۳	مُرْضُوْنَ	مُرْضِيْنَ	مُرْضِيْنَ	مُرْضَوْنَ	مُرْضَيْنَ	مُرْضَيْنَ
۴	مُرْضِيَةٌ	مُرْضِيَةً	مُرْضِيَةٍ	مُرْضَاةٌ	مُرْضَاةً	مُرْضَاةٍ
۵	مُرْضِيَتَانِ	مُرْضِيَتَيْنِ	مُرْضِيَتَيْنِ	مُرْضَاتَانِ	مُرْضَاتَيْنِ	مُرْضَاتَيْنِ
۶	مُرْضِيَاتٌ	مُرْضِيَاتِ	مُرْضِيَاتِ	مُرْضَيَاتٌ	مُرْضَيَاتِ	مُرْضَيَاتِ

صفحه ۵۴	۷ (۲) باب إفعال ناقص واوی (الإرْضَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت	اسم فاعل درحالت	اسم فاعل درحالت	اسم مفعول درحالت	اسم مفعول درحالت	اسم مفعول درحالت
۱	الـمُرْضِي	الـمُرْضِيَ	الـمُرْضِي	الـمُرْضىٰ	الـمُرْضىٰ	الـمُرْضىٰ
۲	الـمُرْضِيَانِ	الـمُرْضِيَيْنِ	الـمُرْضِيَيْنِ	الـمُرْضَيَانِ	الـمُرْضَيَيْنِ	الـمُرْضَيَيْنِ
۳	الـمُرْضُوْنَ	الـمُرْضِيْنَ	الـمُرْضِيْنَ	الـمُرْضَوْنَ	الـمُرْضَيْنَ	الـمُرْضَيْنَ
۴	الـمُرْضِيَةُ	الـمُرْضِيَةَ	الـمُرْضِيَةِ	الـمُرْضَاةُ	الـمُرْضَاةَ	الـمُرْضَاةِ
۵	الـمُرْضِيَتَانِ	الـمُرْضِيَتَيْنِ	الـمُرْضِيَتَيْنِ	الـمُرْضَاتَانِ	الـمُرْضَاتَيْنِ	الـمُرْضَاتَيْنِ
۶	الـمُرْضِيَاتُ	الـمُرْضِيَاتِ	الـمُرْضِيَاتِ	الـمُرْضَيَاتُ	الـمُرْضَيَاتِ	الـمُرْضَيَاتِ

تصویر

صفحه ۵۵	۸(۱) باب إفعال ناقص يايى (الإرْمَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرْمٍ	مُرْمِياً	مُرْمٍ	مُرْمًى	مُرْمًى	مُرْمًى
۲	مُرْمِيَانِ	مُرْمِيَيْنِ	مُرْمِيَيْنِ	مُرْمَيَانِ	مُرْمَيَيْنِ	مُرْمَيَيْنِ
۳	مُرْمُوْنَ	مُرْمِيْنَ	مُرْمِيْنَ	مُرْمَوْنَ	مُرْمَيْنَ	مُرْمَيْنَ
۴	مُرْمِيَةٌ	مُرْمِيَةً	مُرْمِيَةٍ	مُرْمَاةٌ	مُرْمَاةً	مُرْمَاةٍ
۵	مُرْمِيَتَانِ	مُرْمِيَتَيْنِ	مُرْمِيَتَيْنِ	مُرْمَاتَانِ	مُرْمَاتَيْنِ	مُرْمَاتَيْنِ
۶	مُرْمِيَاتٌ	مُرْمِيَاتِ	مُرْمِيَاتِ	مُرْمَيَاتٌ	مُرْمَيَاتِ	مُرْمَيَاتِ

صفحه ۵۵	۸(۲) باب إفعال ناقص يايى (الإرْمَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُرْمِي	الـمُرْمِىَ	الـمُرْمِي	الـمُرْمىٰ	الـمُرْمىٰ	الـمُرْمىٰ
۲	الـمُرْمِيَانِ	الـمُرْمِيَيْنِ	الـمُرْمِيَيْنِ	الـمُرْمَيَانِ	الـمُرْمَيَيْنِ	الـمُرْمَيَيْنِ
۳	الـمُرْمُوْنَ	الـمُرْمِيْنَ	الـمُرْمِيْنَ	الـمُرْمَوْنَ	الـمُرْمَيْنَ	الـمُرْمَيْنَ
۴	الـمُرْمِيَةُ	الـمُرْمِيَةَ	الـمُرْمِيَةِ	الـمُرْمَاةُ	الـمُرْمَاةَ	الـمُرْمَاةِ
۵	الـمُرْمِيَتَانِ	الـمُرْمِيَتَيْنِ	الـمُرْمِيَتَيْنِ	الـمُرْمَاتَانِ	الـمُرْمَاتَيْنِ	الـمُرْمَاتَيْنِ
۶	الـمُرْمِيَاتُ	الـمُرْمِيَاتِ	الـمُرْمِيَاتِ	الـمُرْمَيَاتُ	الـمُرْمَيَاتِ	الـمُرْمَيَاتِ

تصویر

صفحه ۵۶	۹(۱) باب إفعال لفيف مفروق (الإيْلَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوْلٍ	مُوْلِياً	مُوْلٍ	مُوْلًى	مُوْلًى	مُوْلًى
۲	مُوْلِيَانِ	مُوْلِيَيْنِ	مُوْلِيَيْنِ	مُوْلَيَانِ	مُوْلَيَيْنِ	مُوْلَيَيْنِ
۳	مُوْلُوْنَ	مُوْلِيْنَ	مُوْلِيْنَ	مُوْلَوْنَ	مُوْلَيْنَ	مُوْلَيْنَ
۴	مُوْلِيَةٌ	مُوْلِيَةً	مُوْلِيَةٍ	مُوْلَاةٌ	مُوْلَاةً	مُوْلَاةٍ
۵	مُوْلِيَتَانِ	مُوْلِيَتَيْنِ	مُوْلِيَتَيْنِ	مُوْلَاتَانِ	مُوْلَاتَيْنِ	مُوْلَاتَيْنِ
۶	مُوْلِيَاتٌ	مُوْلِيَاتِ	مُوْلِيَاتِ	مُوْلَيَاتٌ	مُوْلَيَاتِ	مُوْلَيَاتِ

صفحه ۵۶	۹(۲) باب إفعال لفيف مفروق (الإيْلَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُوْلِي	الـمُوْلِيَ	الـمُوْلِي	الـمُوْلٰى	الـمُوْلٰى	الـمُوْلٰى
۲	الـمُوْلِيَانِ	الـمُوْلِيَيْنِ	الـمُوْلِيَيْنِ	الـمُوْلَيَانِ	الـمُوْلَيَيْنِ	الـمُوْلَيَيْنِ
۳	الـمُوْلُوْنَ	الـمُوْلِيْنَ	الـمُوْلِيْنَ	الـمُوْلَوْنَ	الـمُوْلَيْنَ	الـمُوْلَيْنَ
۴	الـمُوْلِيَةُ	الـمُوْلِيَةَ	الـمُوْلِيَةِ	الـمُوْلَاةُ	الـمُوْلَاةَ	الـمُوْلَاةِ
۵	الـمُوْلِيَتَانِ	الـمُوْلِيَتَيْنِ	الـمُوْلِيَتَيْنِ	الـمُوْلَاتَانِ	الـمُوْلَاتَيْنِ	الـمُوْلَاتَيْنِ
۶	الـمُوْلِيَاتُ	الـمُوْلِيَاتِ	الـمُوْلِيَاتِ	الـمُوْلَيَاتُ	الـمُوْلَيَاتِ	الـمُوْلَيَاتِ

تصویر

صفحه ۵۷	۱۰ (۱) باب إفعال لفيف مقرون (الإشْوَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُشْوٍ	مُشْوِياً	مُشْوٍ	مُشْوىً	مُشْوىً	مُشْوىً
۲	مُشْوِيَانِ	مُشْوِيَيْنِ	مُشْوِيَيْنِ	مُشْوَيَانِ	مُشْوَيَيْنِ	مُشْوَيَيْنِ
۳	مُشْوُوْنَ	مُشْوِيْنَ	مُشْوِيْنَ	مُشْوَوْنَ	مُشْوَيْنَ	مُشْوَيْنَ
۴	مُشْوِيَةٌ	مُشْوِيَةً	مُشْوِيَةٍ	مُشْوَاةٌ	مُشْوَاةً	مُشْوَاةٍ
۵	مُشْوِيَتَانِ	مُشْوِيَتَيْنِ	مُشْوِيَتَيْنِ	مُشْوَاتَانِ	مُشْوَاتَيْنِ	مُشْوَاتَيْنِ
۶	مُشْوِيَاتٌ	مُشْوِيَاتِ	مُشْوِيَاتٍ	مُشْوَيَاتٌ	مُشْوَيَاتِ	مُشْوَيَاتٍ

صفحه ۵۷	۱۰ (۲) باب إفعال لفيف مقرون (الإشْوَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُشْوِي	الـمُشْوِىَ	الـمُشْوِي	الـمُشْوىٰ	الـمُشْوىٰ	الـمُشْوىٰ
۲	الـمُشْوِيَانِ	الـمُشْوِيَيْنِ	الـمُشْوِيَيْنِ	الـمُشْوَيَانِ	الـمُشْوَيَيْنِ	الـمُشْوَيَيْنِ
۳	الـمُشْوُوْنَ	الـمُشْوِيْنَ	الـمُشْوِيْنَ	الـمُشْوَوْنَ	الـمُشْوَيْنَ	الـمُشْوَيْنَ
۴	الـمُشْوِيَةُ	الـمُشْوِيَةَ	الـمُشْوِيَةِ	الـمُشْوَاةُ	الـمُشْوَاةَ	الـمُشْوَاةِ
۵	الـمُشْوِيَتَانِ	الـمُشْوِيَتَيْنِ	الـمُشْوِيَتَيْنِ	الـمُشْوَاتَانِ	الـمُشْوَاتَيْنِ	الـمُشْوَاتَيْنِ
۶	الـمُشْوِيَاتُ	الـمُشْوِيَاتِ	الـمُشْوِيَاتِ	الـمُشْوَيَاتُ	الـمُشْوَيَاتِ	الـمُشْوَيَاتِ

تصویر

صفحه ۵۸	۱۱	باب إفعال مهموزالفاء (الإِيْمَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُؤْمِرٌ	مُؤْمِراً	مُؤْمِرٍ		مُؤْمَرٌ	مُؤْمَراً	مُؤْمَرٍ
۲	مُؤْمِرَانِ	مُؤْمِرَيْنِ	مُؤْمِرَيْنِ		مُؤْمَرَانِ	مُؤْمَرَيْنِ	مُؤْمَرَيْنِ
۳	مُؤْمِرُوْنَ	مُؤْمِرِيْنِ	مُؤْمِرِيْنِ		مُؤْمَرُوْنَ	مُؤْمَرِيْنِ	مُؤْمَرِيْنِ
۴	مُؤْمِرَةٌ	مُؤْمِرَةً	مُؤْمِرَةٍ		مُؤْمَرَةٌ	مُؤْمَرَةً	مُؤْمَرَةٍ
۵	مُؤْمِرَتَانِ	مُؤْمِرَتَيْنِ	مُؤْمِرَتَيْنِ		مُؤْمَرَتَانِ	مُؤْمَرَتَيْنِ	مُؤْمَرَتَيْنِ
۶	مُؤْمِرَاتٌ	مُؤْمِرَاتِ	مُؤْمِرَاتٍ		مُؤْمَرَاتٌ	مُؤْمَرَاتِ	مُؤْمَرَاتٍ

صفحه ۵۸	۱۲	باب إفعال مهموزالعين (الإِسْأَال) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْئِلٌ	مُسْئِلاً	مُسْئِلٍ		مُسْأَلٌ	مُسْأَلاً	مُسْأَلٍ
۲	مُسْئِلَانِ	مُسْئِلَيْنِ	مُسْئِلَيْنِ		مُسْأَلَانِ	مُسْأَلَيْنِ	مُسْأَلَيْنِ
۳	مُسْئِلُوْنَ	مُسْئِلِيْنِ	مُسْئِلِيْنِ		مُسْأَلُوْنَ	مُسْأَلِيْنِ	مُسْأَلِيْنِ
۴	مُسْئِلَةٌ	مُسْئِلَةً	مُسْئِلَةٍ		مُسْأَلَةٌ	مُسْأَلَةً	مُسْأَلَةٍ
۵	مُسْئِلَتَانِ	مُسْئِلَتَيْنِ	مُسْئِلَتَيْنِ		مُسْأَلَتَانِ	مُسْأَلَتَيْنِ	مُسْأَلَتَيْنِ
۶	مُسْئِلَاتٌ	مُسْئِلَاتِ	مُسْئِلَاتٍ		مُسْأَلَاتٌ	مُسْأَلَاتِ	مُسْأَلَاتٍ

تصویر

صفحه ۵۹	۱۳ (۱) باب إفعال مهموز اللام (الإقْرَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْرِئٌ	مُقْرِئاً	مُقْرِئٍ	مُقْرَأٌ	مُقْرَءاً	مُقْرَإٍ
۲	مُقْرِئَانِ	مُقْرِئَيْنِ	مُقْرِئَيْنِ	مُقْرَأَانِ	مُقْرَأَيْنِ	مُقْرَأَيْنِ
۳	مُقْرِئُوْنَ	مُقْرِئِيْنَ	مُقْرِئِيْنَ	مُقْرَؤُوْنَ	مُقْرَئِيْنَ	مُقْرَئِيْنَ
۴	مُقْرِئَةٌ	مُقْرِئَةً	مُقْرِئَةٍ	مُقْرَأَةٌ	مُقْرَأَةً	مُقْرَأَةٍ
۵	مُقْرِئَتَانِ	مُقْرِئَتَيْنِ	مُقْرِئَتَيْنِ	مُقْرَأَتَانِ	مُقْرَأَتَيْنِ	مُقْرَأَتَيْنِ
۶	مُقْرِئَاتٌ	مُقْرِئَاتِ	مُقْرِئَاتٍ	مُقْرَءَاتٌ	مُقْرَءَاتِ	مُقْرَءَاتٍ

صفحه ۵۹	۱۳ (۲) باب إفعال مهموز اللام (الإقْرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْرٍ	مُقْرِياً	مُقْرٍ	مُقْرىً	مُقْرىً	مُقْرىً
۲	مُقْرِيَانِ	مُقْرِيَيْنِ	مُقْرِيَيْنِ	مُقْرَيَانِ	مُقْرَيَيْنِ	مُقْرَيَيْنِ
۳	مُقْرُوْنَ	مُقْرِيْنَ	مُقْرِيْنَ	مُقْرَوْنَ	مُقْرَيْنَ	مُقْرَيْنَ
۴	مُقْرِيَةٌ	مُقْرِيَةً	مُقْرِيَةٍ	مُقْرَاةٌ	مُقْرَاةً	مُقْرَاةٍ
۵	مُقْرِيَتَانِ	مُقْرِيَتَيْنِ	مُقْرِيَتَيْنِ	مُقْرَاتَانِ	مُقْرَاتَيْنِ	مُقْرَاتَيْنِ
۶	مُقْرِيَاتٌ	مُقْرِيَاتِ	مُقْرِيَاتٍ	مُقْرَيَاتٌ	مُقْرَيَاتِ	مُقْرَيَاتٍ

تصویر

صفحه ۶۰	۱۳ (۳) باب إفعال مهموز اللام (الإقْرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقْرِي	الـمُقْرِيَ	الـمُقْرِي		الـمُقْرَىٰ	الـمُقْرَىٰ	الـمُقْرَىٰ
۲	الـمُقْرِيَانِ	الـمُقْرِيَيْنِ	الـمُقْرِيَيْنِ		الـمُقْرَيَانِ	الـمُقْرَيَيْنِ	الـمُقْرَيَيْنِ
۳	الـمُقْرُوْنَ	الـمُقْرِيْنَ	الـمُقْرِيْنَ		الـمُقْرَوْنَ	الـمُقْرَيْنَ	الـمُقْرَيْنَ
۴	الـمُقْرِيَةُ	الـمُقْرِيَةَ	الـمُقْرِيَةِ		الـمُقْرَاةُ	الـمُقْرَاةَ	الـمُقْرَاةِ
۵	الـمُقْرِيَتَانِ	الـمُقْرِيَتَيْنِ	الـمُقْرِيَتَيْنِ		الـمُقْرَاتَانِ	الـمُقْرَاتَيْنِ	الـمُقْرَاتَيْنِ
۶	الـمُقْرِيَاتُ	الـمُقْرِيَاتِ	الـمُقْرِيَاتِ		الـمُقْرَيَاتُ	الـمُقْرَيَاتِ	الـمُقْرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۶۱	۱	باب تفعیل سالم (التَّطْهِیْر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُطَهِّرٌ	مُطَهِّراً	مُطَهِّرٍ		مُطَهَّرٌ	مُطَهَّراً	مُطَهَّرٍ
۲	مُطَهِّرَانِ	مُطَهِّرَيْنِ	مُطَهِّرَيْنِ		مُطَهَّرَانِ	مُطَهَّرَيْنِ	مُطَهَّرَيْنِ
۳	مُطَهِّرُوْنَ	مُطَهِّرِيْنَ	مُطَهِّرِيْنَ		مُطَهَّرُوْنَ	مُطَهَّرِيْنَ	مُطَهَّرِيْنَ
۴	مُطَهِّرَةٌ	مُطَهِّرَةً	مُطَهِّرَةٍ		مُطَهَّرَةٌ	مُطَهَّرَةً	مُطَهَّرَةٍ
۵	مُطَهِّرَتَانِ	مُطَهِّرَتَيْنِ	مُطَهِّرَتَيْنِ		مُطَهَّرَتَانِ	مُطَهَّرَتَيْنِ	مُطَهَّرَتَيْنِ
۶	مُطَهِّرَاتٌ	مُطَهِّرَاتِ	مُطَهِّرَاتِ		مُطَهَّرَاتٌ	مُطَهَّرَاتِ	مُطَهَّرَاتِ

صفحه ۶۱	۲	باب تفعیل مضاعف (التَّمْدِیْد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُمَدِّدٌ	مُمَدِّداً	مُمَدِّدٍ		مُمَدَّدٌ	مُمَدَّداً	مُمَدَّدٍ
۲	مُمَدِّدَانِ	مُمَدِّدَيْنِ	مُمَدِّدَيْنِ		مُمَدَّدَانِ	مُمَدَّدَيْنِ	مُمَدَّدَيْنِ
۳	مُمَدِّدُوْنَ	مُمَدِّدِيْنَ	مُمَدِّدِيْنَ		مُمَدَّدُوْنَ	مُمَدَّدِيْنَ	مُمَدَّدِيْنَ
۴	مُمَدِّدَةٌ	مُمَدِّدَةً	مُمَدِّدَةٍ		مُمَدَّدَةٌ	مُمَدَّدَةً	مُمَدَّدَةٍ
۵	مُمَدِّدَتَانِ	مُمَدِّدَتَيْنِ	مُمَدِّدَتَيْنِ		مُمَدَّدَتَانِ	مُمَدَّدَتَيْنِ	مُمَدَّدَتَيْنِ
۶	مُمَدِّدَاتٌ	مُمَدِّدَاتِ	مُمَدِّدَاتِ		مُمَدَّدَاتٌ	مُمَدَّدَاتِ	مُمَدَّدَاتِ

تصویر

صفحه ۶۲	۳	باب تفعیل مثال واوی (التَّوْضِیْع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوَضِّعٌ	مُوَضِّعاً	مُوَضِّعٍ		مُوَضَّعٌ	مُوَضَّعاً	مُوَضَّعٍ
۲	مُوَضِّعَانِ	مُوَضِّعَيْنِ	مُوَضِّعَيْنِ		مُوَضَّعَانِ	مُوَضَّعَيْنِ	مُوَضَّعَيْنِ
۳	مُوَضِّعُوْنَ	مُوَضِّعِيْنَ	مُوَضِّعِيْنَ		مُوَضَّعُوْنَ	مُوَضَّعِيْنَ	مُوَضَّعِيْنَ
۴	مُوَضِّعَةٌ	مُوَضِّعَةً	مُوَضِّعَةٍ		مُوَضَّعَةٌ	مُوَضَّعَةً	مُوَضَّعَةٍ
۵	مُوَضِّعَتَانِ	مُوَضِّعَتَيْنِ	مُوَضِّعَتَيْنِ		مُوَضَّعَتَانِ	مُوَضَّعَتَيْنِ	مُوَضَّعَتَيْنِ
۶	مُوَضِّعَاتٌ	مُوَضِّعَاتِ	مُوَضِّعَاتِ		مُوَضَّعَاتٌ	مُوَضَّعَاتِ	مُوَضَّعَاتِ

صفحه ۶۲	۴	باب تفعیل مثال یایی (التَّیْسِیْر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُيَسِّرٌ	مُيَسِّراً	مُيَسِّرٍ		مُيَسَّرٌ	مُيَسَّراً	مُيَسَّرٍ
۲	مُيَسِّرَانِ	مُيَسِّرَيْنِ	مُيَسِّرَيْنِ		مُيَسَّرَانِ	مُيَسَّرَيْنِ	مُيَسَّرَيْنِ
۳	مُيَسِّرُوْنَ	مُيَسِّرِيْنَ	مُيَسِّرِيْنَ		مُيَسَّرُوْنَ	مُيَسَّرِيْنَ	مُيَسَّرِيْنَ
۴	مُيَسِّرَةٌ	مُيَسِّرَةً	مُيَسِّرَةٍ		مُيَسَّرَةٌ	مُيَسَّرَةً	مُيَسَّرَةٍ
۵	مُيَسِّرَتَانِ	مُيَسِّرَتَيْنِ	مُيَسِّرَتَيْنِ		مُيَسَّرَتَانِ	مُيَسَّرَتَيْنِ	مُيَسَّرَتَيْنِ
۶	مُيَسِّرَاتٌ	مُيَسِّرَاتِ	مُيَسِّرَاتِ		مُيَسَّرَاتٌ	مُيَسَّرَاتِ	مُيَسَّرَاتِ

تصویر

صفحه ۶۳	۵	باب تفعیل اجوف واوی (التَّخْوِیْف) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخَوِّفٌ	مُخَوِّفاً	مُخَوِّفٍ		مُخَوَّفٌ	مُخَوَّفاً	مُخَوَّفٍ
۲	مُخَوِّفَانِ	مُخَوِّفَيْنِ	مُخَوِّفَيْنِ		مُخَوَّفَانِ	مُخَوَّفَيْنِ	مُخَوَّفَيْنِ
۳	مُخَوِّفُوْنَ	مُخَوِّفِيْنَ	مُخَوِّفِيْنَ		مُخَوَّفُوْنَ	مُخَوَّفِيْنَ	مُخَوَّفِيْنَ
۴	مُخَوِّفَةٌ	مُخَوِّفَةً	مُخَوِّفَةٍ		مُخَوَّفَةٌ	مُخَوَّفَةً	مُخَوَّفَةٍ
۵	مُخَوِّفَتَانِ	مُخَوِّفَتَيْنِ	مُخَوِّفَتَيْنِ		مُخَوَّفَتَانِ	مُخَوَّفَتَيْنِ	مُخَوَّفَتَيْنِ
۶	مُخَوِّفَاتٌ	مُخَوِّفَاتِ	مُخَوِّفَاتٍ		مُخَوَّفَاتٌ	مُخَوَّفَاتِ	مُخَوَّفَاتٍ

صفحه ۶۳	۶	باب تفعیل اجوف یایی (التَّهْیِیْب) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُهَيِّبٌ	مُهَيِّباً	مُهَيِّبٍ		مُهَيَّبٌ	مُهَيَّباً	مُهَيَّبٍ
۲	مُهَيِّبَانِ	مُهَيِّبَيْنِ	مُهَيِّبَيْنِ		مُهَيَّبَانِ	مُهَيَّبَيْنِ	مُهَيَّبَيْنِ
۳	مُهَيِّبُوْنَ	مُهَيِّبِيْنَ	مُهَيِّبِيْنَ		مُهَيَّبُوْنَ	مُهَيَّبِيْنَ	مُهَيَّبِيْنَ
۴	مُهَيِّبَةٌ	مُهَيِّبَةً	مُهَيِّبَةٍ		مُهَيَّبَةٌ	مُهَيَّبَةً	مُهَيَّبَةٍ
۵	مُهَيِّبَتَانِ	مُهَيِّبَتَيْنِ	مُهَيِّبَتَيْنِ		مُهَيَّبَتَانِ	مُهَيَّبَتَيْنِ	مُهَيَّبَتَيْنِ
۶	مُهَيِّبَاتٌ	مُهَيِّبَاتِ	مُهَيِّبَاتٍ		مُهَيَّبَاتٌ	مُهَيَّبَاتِ	مُهَيَّبَاتٍ

تصویر

صفحه ۶۴	۷ (۱) باب تفعیل ناقص واوی (التَّدْعِیَةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَعٍّ	مُدَعِّیاً	مُدَعٍّ	مُدَعًّی	مُدَعًّی	مُدَعًّی
۲	مُدَعِّیَانِ	مُدَعِّیَیْنِ	مُدَعِّیَیْنِ	مُدَعَّیَانِ	مُدَعَّیَیْنِ	مُدَعَّیَیْنِ
۳	مُدَعُّوْنَ	مُدَعِّیْنَ	مُدَعِّیْنَ	مُدَعَّوْنَ	مُدَعَّیْنَ	مُدَعَّیْنَ
۴	مُدَعِّیَةٌ	مُدَعِّیَةً	مُدَعِّیَةٍ	مُدَعَّاةٌ	مُدَعَّاةً	مُدَعَّاةٍ
۵	مُدَعِّیَتَانِ	مُدَعِّیَتَیْنِ	مُدَعِّیَتَیْنِ	مُدَعَّاتَانِ	مُدَعَّاتَیْنِ	مُدَعَّاتَیْنِ
۶	مُدَعِّیَاتٌ	مُدَعِّیَاتِ	مُدَعِّیَاتٍ	مُدَعَّیَاتٌ	مُدَعَّیَاتِ	مُدَعَّیَاتٍ

صفحه ۶۴	۷ (۲) باب تفعیل ناقص واوی (التَّدْعِیَةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُدَعِّي	الـمُدَعِّیَ	الـمُدَعِّي	الـمُدَعًّیٰ	الـمُدَعًّیٰ	الـمُدَعًّیٰ
۲	الـمُدَعِّیَانِ	الـمُدَعِّیَیْنِ	الـمُدَعِّیَیْنِ	الـمُدَعَّیَانِ	الـمُدَعَّیَیْنِ	الـمُدَعَّیَیْنِ
۳	الـمُدَعُّوْنَ	الـمُدَعِّیْنَ	الـمُدَعِّیْنَ	الـمُدَعَّوْنَ	الـمُدَعَّیْنَ	الـمُدَعَّیْنَ
۴	الـمُدَعِّیَةُ	الـمُدَعِّیَةَ	الـمُدَعِّیَةِ	الـمُدَعَّاةُ	الـمُدَعَّاةَ	الـمُدَعَّاةِ
۵	الـمُدَعِّیَتَانِ	الـمُدَعِّیَتَیْنِ	الـمُدَعِّیَتَیْنِ	الـمُدَعَّاتَانِ	الـمُدَعَّاتَیْنِ	الـمُدَعَّاتَیْنِ
۶	الـمُدَعِّیَاتُ	الـمُدَعِّیَاتِ	الـمُدَعِّیَاتِ	الـمُدَعَّیَاتُ	الـمُدَعَّیَاتِ	الـمُدَعَّیَاتِ

تصویر

صفحه ۶۵	۸(۱) باب تفعیل ناقص یایی (التَّخْشِیَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخَشِّ	مُخَشِّياً	مُخَشِّ	مُخَشًّىً	مُخَشًّىً	مُخَشًّىً
۲	مُخَشِّيَانِ	مُخَشِّيَيْنِ	مُخَشِّيَيْنِ	مُخَشًّيَانِ	مُخَشًّيَيْنِ	مُخَشًّيَيْنِ
۳	مُخَشُّوْنَ	مُخَشِّيْنَ	مُخَشِّيْنَ	مُخَشًّوْنَ	مُخَشًّيْنَ	مُخَشًّيْنَ
۴	مُخَشِّيَةٌ	مُخَشِّيَةً	مُخَشِّيَةٍ	مُخَشًّاةٌ	مُخَشًّاةً	مُخَشًّاةٍ
۵	مُخَشِّيَتَانِ	مُخَشِّيَتَيْنِ	مُخَشِّيَتَيْنِ	مُخَشًّاتَانِ	مُخَشًّاتَيْنِ	مُخَشًّاتَيْنِ
۶	مُخَشِّيَاتٌ	مُخَشِّيَاتِ	مُخَشِّيَاتِ	مُخَشًّيَاتٌ	مُخَشًّيَاتِ	مُخَشًّيَاتِ

صفحه ۶۵	۸(۲) باب تفعیل ناقص یایی (التَّخْشِیَة) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُخَشِّي	المُخَشِّىَ	المُخَشِّي	المُخَشًّىٰ	المُخَشًّىٰ	المُخَشًّىٰ
۲	المُخَشِّيَانِ	المُخَشِّيَيْنِ	المُخَشِّيَيْنِ	المُخَشًّيَانِ	المُخَشًّيَيْنِ	المُخَشًّيَيْنِ
۳	المُخَشُّوْنَ	المُخَشِّيْنَ	المُخَشِّيْنَ	المُخَشًّوْنَ	المُخَشًّيْنَ	المُخَشًّيْنَ
۴	المُخَشِّيَةُ	المُخَشِّيَةَ	المُخَشِّيَةِ	المُخَشًّاةُ	المُخَشًّاةَ	المُخَشًّاةِ
۵	المُخَشِّيَتَانِ	المُخَشِّيَتَيْنِ	المُخَشِّيَتَيْنِ	المُخَشًّاتَانِ	المُخَشًّاتَيْنِ	المُخَشًّاتَيْنِ
۶	المُخَشِّيَاتُ	المُخَشِّيَاتِ	المُخَشِّيَاتِ	المُخَشًّيَاتُ	المُخَشًّيَاتِ	المُخَشًّيَاتِ

ص: ۶۵

تصویر

صفحه ۶۶	۹(۱) باب تفعیل لفیف مفروق (التَّوْقِیَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوَقٍّ	مُوَقِّياً	مُوَقٍّ	مُوَقًّىٰ	مُوَقًّىٰ	مُوَقًّىٰ
۲	مُوَقِّيَانِ	مُوَقِّيَيْنِ	مُوَقِّيَيْنِ	مُوَقَّيَانِ	مُوَقَّيَيْنِ	مُوَقَّيَيْنِ
۳	مُوَقُّوْنَ	مُوَقِّيْنَ	مُوَقِّيْنَ	مُوَقَّوْنَ	مُوَقَّيْنَ	مُوَقَّيْنَ
۴	مُوَقِّيَةٌ	مُوَقِّيَةً	مُوَقِّيَةٍ	مُوَقَّاةٌ	مُوَقَّاةً	مُوَقَّاةٍ
۵	مُوَقِّيَتَانِ	مُوَقِّيَتَيْنِ	مُوَقِّيَتَيْنِ	مُوَقَّاتَانِ	مُوَقَّاتَيْنِ	مُوَقَّاتَيْنِ
۶	مُوَقِّيَاتٌ	مُوَقِّيَاتِ	مُوَقِّيَاتِ	مُوَقَّيَاتٌ	مُوَقَّيَاتِ	مُوَقَّيَاتِ

صفحه ۶۶	۹(۲) باب تفعیل لفیف مفروق (التَّوْقِیَة) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُوَقِّي	الـمُوَقِّىَ	الـمُوَقِّي	الـمُوَقًّىٰ	الـمُوَقًّىٰ	الـمُوَقًّىٰ
۲	الـمُوَقِّيَانِ	الـمُوَقِّيَيْنِ	الـمُوَقِّيَيْنِ	الـمُوَقَّيَانِ	الـمُوَقَّيَيْنِ	الـمُوَقَّيَيْنِ
۳	الـمُوَقُّوْنَ	الـمُوَقِّيْنَ	الـمُوَقِّيْنَ	الـمُوَقَّوْنَ	الـمُوَقَّيْنَ	الـمُوَقَّيْنَ
۴	الـمُوَقِّيَةُ	الـمُوَقِّيَةَ	الـمُوَقِّيَةِ	الـمُوَقَّاةُ	الـمُوَقَّاةَ	الـمُوَقَّاةِ
۵	الـمُوَقِّيَتَانِ	الـمُوَقِّيَتَيْنِ	الـمُوَقِّيَتَيْنِ	الـمُوَقَّاتَانِ	الـمُوَقَّاتَيْنِ	الـمُوَقَّاتَيْنِ
۶	الـمُوَقِّيَاتُ	الـمُوَقِّيَاتِ	الـمُوَقِّيَاتِ	الـمُوَقَّيَاتُ	الـمُوَقَّيَاتِ	الـمُوَقَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۶۷	۱۰ (۱) باب تفعیل لفیف مقرون (التَّقْوِیَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَوٍّ	مُقَوِّياً	مُقَوٍّ	مُقَوًّىٰ	مُقَوًّىٰ	مُقَوًّىٰ
۲	مُقَوِّيَانِ	مُقَوِّيَيْنِ	مُقَوِّيَيْنِ	مُقَوَّيَانِ	مُقَوَّيَيْنِ	مُقَوَّيَيْنِ
۳	مُقَوُّوْنَ	مُقَوِّيْنَ	مُقَوِّيْنَ	مُقَوَّوْنَ	مُقَوَّيْنَ	مُقَوَّيْنَ
۴	مُقَوِّيَةٌ	مُقَوِّيَةً	مُقَوِّيَةٍ	مُقَوَّاةٌ	مُقَوَّاةً	مُقَوَّاةٍ
۵	مُقَوِّيَتَانِ	مُقَوِّيَتَيْنِ	مُقَوِّيَتَيْنِ	مُقَوَّاتَانِ	مُقَوَّاتَيْنِ	مُقَوَّاتَيْنِ
۶	مُقَوِّيَاتٌ	مُقَوِّيَاتِ	مُقَوِّيَاتِ	مُقَوَّيَاتٌ	مُقَوَّيَاتِ	مُقَوَّيَاتِ

صفحه ۶۷	۱۰ (۲) باب تفعیل لفیف مقرون (التَّقْوِیَة) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقَوِّي	الـمُقَوِّيَ	الـمُقَوِّي	الـمُقَوًّىٰ	الـمُقَوًّىٰ	الـمُقَوًّىٰ
۲	الـمُقَوِّيَانِ	الـمُقَوِّيَيْنِ	الـمُقَوِّيَيْنِ	الـمُقَوَّيَانِ	الـمُقَوَّيَيْنِ	الـمُقَوَّيَيْنِ
۳	الـمُقَوُّوْنَ	الـمُقَوِّيْنَ	الـمُقَوِّيْنَ	الـمُقَوَّوْنَ	الـمُقَوَّيْنَ	الـمُقَوَّيْنَ
۴	الـمُقَوِّيَةُ	الـمُقَوِّيَةَ	الـمُقَوِّيَةِ	الـمُقَوَّاةُ	الـمُقَوَّاةَ	الـمُقَوَّاةِ
۵	الـمُقَوِّيَتَانِ	الـمُقَوِّيَتَيْنِ	الـمُقَوِّيَتَيْنِ	الـمُقَوَّاتَانِ	الـمُقَوَّاتَيْنِ	الـمُقَوَّاتَيْنِ
۶	الـمُقَوِّيَاتُ	الـمُقَوِّيَاتِ	الـمُقَوِّيَاتِ	الـمُقَوَّيَاتُ	الـمُقَوَّيَاتِ	الـمُقَوَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۶۸	۱۱	باب تفعیل مهموزالفاء (التَّأْمِیْر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُؤَمِّرٌ	مُؤَمِّراً	مُؤَمِّرٍ		مُؤَمَّرٌ	مُؤَمَّراً	مُؤَمَّرٍ
۲	مُؤَمِّرَانِ	مُؤَمِّرَيْنِ	مُؤَمِّرَيْنِ		مُؤَمَّرَانِ	مُؤَمَّرَيْنِ	مُؤَمَّرَيْنِ
۳	مُؤَمِّرُوْنَ	مُؤَمِّرِيْنَ	مُؤَمِّرِيْنَ		مُؤَمَّرُوْنَ	مُؤَمَّرِيْنَ	مُؤَمَّرِيْنَ
۴	مُؤَمِّرَةٌ	مُؤَمِّرَةً	مُؤَمِّرَةٍ		مُؤَمَّرَةٌ	مُؤَمَّرَةً	مُؤَمَّرَةٍ
۵	مُؤَمِّرَتَانِ	مُؤَمِّرَتَيْنِ	مُؤَمِّرَتَيْنِ		مُؤَمَّرَتَانِ	مُؤَمَّرَتَيْنِ	مُؤَمَّرَتَيْنِ
۶	مُؤَمِّرَاتٌ	مُؤَمِّرَاتِ	مُؤَمِّرَاتٍ		مُؤَمَّرَاتٌ	مُؤَمَّرَاتِ	مُؤَمَّرَاتٍ

صفحه ۶۸	۱۲	باب تفعیل مهموزالعین (التَّلْئِیْم) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُلَئِّمٌ	مُلَئِّماً	مُلَئِّمٍ		مُلَأَّمٌ	مُلَأَّماً	مُلَأَّمٍ
۲	مُلَئِّمَانِ	مُلَئِّمَيْنِ	مُلَئِّمَيْنِ		مُلَأَّمَانِ	مُلَأَّمَيْنِ	مُلَأَّمَيْنِ
۳	مُلَئِّمُوْنَ	مُلَئِّمِيْنَ	مُلَئِّمِيْنَ		مُلَأَّمُوْنَ	مُلَأَّمِيْنَ	مُلَأَّمِيْنَ
۴	مُلَئِّمَةٌ	مُلَئِّمَةً	مُلَئِّمَةٍ		مُلَأَّمَةٌ	مُلَأَّمَةً	مُلَأَّمَةٍ
۵	مُلَئِّمَتَانِ	مُلَئِّمَتَيْنِ	مُلَئِّمَتَيْنِ		مُلَأَّمَتَانِ	مُلَأَّمَتَيْنِ	مُلَأَّمَتَيْنِ
۶	مُلَئِّمَاتٌ	مُلَئِّمَاتِ	مُلَئِّمَاتٍ		مُلَأَّمَاتٌ	مُلَأَّمَاتِ	مُلَأَّمَاتٍ

تصویر

صفحه ۶۹	۱۳ (۱) باب تفعیل مهموزاللام (التَّقْرِیْء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَرِّیٌ	مُقَرِّیاً	مُقَرِّیٍ	مُقَرَّأٌ	مُقَرَّءاً	مُقَرَّإٍ
۲	مُقَرِّئَانِ	مُقَرِّئَیْنِ	مُقَرِّئَیْنِ	مُقَرَّأَانِ	مُقَرَّأَیْنِ	مُقَرَّأَیْنِ
۳	مُقَرِّئُوْنَ	مُقَرِّئِیْنَ	مُقَرِّئِیْنَ	مُقَرَّؤُوْنَ	مُقَرَّئِیْنَ	مُقَرَّئِیْنَ
۴	مُقَرِّئَةٌ	مُقَرِّئَةً	مُقَرِّئَةٍ	مُقَرَّأَةٌ	مُقَرَّأَةً	مُقَرَّأَةٍ
۵	مُقَرِّئَتَانِ	مُقَرِّئَتَیْنِ	مُقَرِّئَتَیْنِ	مُقَرَّأَتَانِ	مُقَرَّأَتَیْنِ	مُقَرَّأَتَیْنِ
۶	مُقَرِّئَاتٌ	مُقَرِّئَاتِ	مُقَرِّئَاتٍ	مُقَرَّءَاتٌ	مُقَرَّءَاتِ	مُقَرَّءَاتٍ

صفحه ۶۹	۱۳ (۲) باب تفعیل مهموزاللام (التَّقْرِیْء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَرٍّ	مُقَرِّیاً	مُقَرٍّ	مُقَرًّیً	مُقَرًّیً	مُقَرًّیً
۲	مُقَرِّیَانِ	مُقَرِّیَیْنِ	مُقَرِّیَیْنِ	مُقَرَّیَانِ	مُقَرَّیَیْنِ	مُقَرَّیَیْنِ
۳	مُقَرُّوْنَ	مُقَرِّیْنَ	مُقَرِّیْنَ	مُقَرَّوْنَ	مُقَرَّیْنَ	مُقَرَّیْنَ
۴	مُقَرِّیَةٌ	مُقَرِّیَةً	مُقَرِّیَةٍ	مُقَرَّاةٌ	مُقَرَّاةً	مُقَرَّاةٍ
۵	مُقَرِّیَتَانِ	مُقَرِّیَتَیْنِ	مُقَرِّیَتَیْنِ	مُقَرَّاتَانِ	مُقَرَّاتَیْنِ	مُقَرَّاتَیْنِ
۶	مُقَرِّیَاتٌ	مُقَرِّیَاتِ	مُقَرِّیَاتٍ	مُقَرَّیَاتٌ	مُقَرَّیَاتِ	مُقَرَّیَاتٍ

تصویر

صفحه ۷۰	۱۳ (۳)	باب تفعیل مهموزاللام (التَّقْرِیء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقَرِّي	الـمُقَرِّیَ	الـمُقَرِّي		الـمُقَرَّیٰ	الـمُقَرَّیٰ	الـمُقَرَّیٰ
۲	الـمُقَرِّیَانِ	الـمُقَرِّیَیْنِ	الـمُقَرِّیَیْنِ		الـمُقَرَّیَانِ	الـمُقَرَّیَیْنِ	الـمُقَرَّیَیْنِ
۳	الـمُقَرُّوْنَ	الـمُقَرِّیْنَ	الـمُقَرِّیْنَ		الـمُقَرَّوْنَ	الـمُقَرَّیْنَ	الـمُقَرَّیْنَ
۴	الـمُقَرِّیَةُ	الـمُقَرِّیَةَ	الـمُقَرِّیَةِ		الـمُقَرَّاةُ	الـمُقَرَّاةَ	الـمُقَرَّاةِ
۵	الـمُقَرِّیَتَانِ	الـمُقَرِّیَتَیْنِ	الـمُقَرِّیَتَیْنِ		الـمُقَرَّاتَانِ	الـمُقَرَّاتَیْنِ	الـمُقَرَّاتَیْنِ
۶	الـمُقَرِّیَاتُ	الـمُقَرِّیَاتِ	الـمُقَرِّیَاتِ		الـمُقَرَّیَاتُ	الـمُقَرَّیَاتِ	الـمُقَرَّیَاتِ

تصویر

صفحه ۷۱	۱	باب مفاعلهٔ سالم (المُجَاهَدَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُجَاهِدٌ	مُجَاهِداً	مُجَاهِدٍ		مُجَاهَدٌ	مُجَاهَداً	مُجَاهَدٍ
۲	مُجَاهِدَانِ	مُجَاهِدَيْنِ	مُجَاهِدَيْنِ		مُجَاهَدَانِ	مُجَاهَدَيْنِ	مُجَاهَدَيْنِ
۳	مُجَاهِدُوْنَ	مُجَاهِدِيْنَ	مُجَاهِدِيْنَ		مُجَاهَدُوْنَ	مُجَاهَدِيْنَ	مُجَاهَدِيْنَ
۴	مُجَاهِدَةٌ	مُجَاهِدَةً	مُجَاهِدَةٍ		مُجَاهَدَةٌ	مُجَاهَدَةً	مُجَاهَدَةٍ
۵	مُجَاهِدَتَانِ	مُجَاهِدَتَيْنِ	مُجَاهِدَتَيْنِ		مُجَاهَدَتَانِ	مُجَاهَدَتَيْنِ	مُجَاهَدَتَيْنِ
۶	مُجَاهِدَاتٌ	مُجَاهِدَاتِ	مُجَاهِدَاتٍ		مُجَاهَدَاتٌ	مُجَاهَدَاتِ	مُجَاهَدَاتٍ

صفحه ۷۱	۲	باب مفاعلهٔ مضاعف (المُحَاجَّةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُحَاجٌّ	مُحَاجّاً	مُحَاجٍّ		مُحَاجٌّ	مُحَاجّاً	مُحَاجٍّ
۲	مُحَاجَّانِ	مُحَاجَّيْنِ	مُحَاجَّيْنِ		مُحَاجَّانِ	مُحَاجَّيْنِ	مُحَاجَّيْنِ
۳	مُحَاجُّوْنَ	مُحَاجِّيْنَ	مُحَاجِّيْنَ		مُحَاجُّوْنَ	مُحَاجِّيْنَ	مُحَاجِّيْنَ
۴	مُحَاجَّةٌ	مُحَاجَّةً	مُحَاجَّةٍ		مُحَاجَّةٌ	مُحَاجَّةً	مُحَاجَّةٍ
۵	مُحَاجَّتَانِ	مُحَاجَّتَيْنِ	مُحَاجَّتَيْنِ		مُحَاجَّتَانِ	مُحَاجَّتَيْنِ	مُحَاجَّتَيْنِ
۶	مُحَاجَّاتٌ	مُحَاجَّاتِ	مُحَاجَّاتٍ		مُحَاجَّاتٌ	مُحَاجَّاتِ	مُحَاجَّاتٍ

تصویر

صفحه ۷۲	۳	باب مفاعلهٔ مثال واوی (المُوَاعَدَهٔ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوَاعِدٌ	مُوَاعِداً	مُوَاعِدٍ		مُوَاعَدٌ	مُوَاعَداً	مُوَاعَدٍ
۲	مُوَاعِدَانِ	مُوَاعِدَيْنِ	مُوَاعِدَيْنِ		مُوَاعَدَانِ	مُوَاعَدَيْنِ	مُوَاعَدَيْنِ
۳	مُوَاعِدُوْنَ	مُوَاعِدِيْنَ	مُوَاعِدِيْنَ		مُوَاعَدُوْنَ	مُوَاعَدِيْنَ	مُوَاعَدِيْنَ
۴	مُوَاعِدَةٌ	مُوَاعِدَةً	مُوَاعِدَةٍ		مُوَاعَدَةٌ	مُوَاعَدَةً	مُوَاعَدَةٍ
۵	مُوَاعِدَتَانِ	مُوَاعِدَتَيْنِ	مُوَاعِدَتَيْنِ		مُوَاعَدَتَانِ	مُوَاعَدَتَيْنِ	مُوَاعَدَتَيْنِ
۶	مُوَاعِدَاتٌ	مُوَاعِدَاتِ	مُوَاعِدَاتِ		مُوَاعَدَاتٌ	مُوَاعَدَاتِ	مُوَاعَدَاتِ

صفحه ۷۲	۴	باب مفاعلهٔ مثال یایی (المُیَاسَرَهٔ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُیَاسِرٌ	مُیَاسِراً	مُیَاسِرٍ		مُیَاسَرٌ	مُیَاسَراً	مُیَاسَرٍ
۲	مُیَاسِرَانِ	مُیَاسِرَيْنِ	مُیَاسِرَيْنِ		مُیَاسَرَانِ	مُیَاسَرَيْنِ	مُیَاسَرَيْنِ
۳	مُیَاسِرُوْنَ	مُیَاسِرِيْنَ	مُیَاسِرِيْنَ		مُیَاسَرُوْنَ	مُیَاسَرِيْنَ	مُیَاسَرِيْنَ
۴	مُیَاسِرَةٌ	مُیَاسِرَةً	مُیَاسِرَةٍ		مُیَاسَرَةٌ	مُیَاسَرَةً	مُیَاسَرَةٍ
۵	مُیَاسِرَتَانِ	مُیَاسِرَتَيْنِ	مُیَاسِرَتَيْنِ		مُیَاسَرَتَانِ	مُیَاسَرَتَيْنِ	مُیَاسَرَتَيْنِ
۶	مُیَاسِرَاتٌ	مُیَاسِرَاتِ	مُیَاسِرَاتِ		مُیَاسَرَاتٌ	مُیَاسَرَاتِ	مُیَاسَرَاتِ

تصویر

صفحه ۷۳	۵	باب مفاعلهٔ اجوف واوی (المُخَاوَفَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخَاوِفٌ	مُخَاوِفاً	مُخَاوِفٍ		مُخَاوَفٌ	مُخَاوَفاً	مُخَاوَفٍ
۲	مُخَاوِفَانِ	مُخَاوِفَيْنِ	مُخَاوِفَيْنِ		مُخَاوَفَانِ	مُخَاوَفَيْنِ	مُخَاوَفَيْنِ
۳	مُخَاوِفُوْنَ	مُخَاوِفِيْنَ	مُخَاوِفِيْنَ		مُخَاوَفُوْنَ	مُخَاوَفِيْنَ	مُخَاوَفِيْنَ
۴	مُخَاوِفَةٌ	مُخَاوِفَةً	مُخَاوِفَةٍ		مُخَاوَفَةٌ	مُخَاوَفَةً	مُخَاوَفَةٍ
۵	مُخَاوِفَتَانِ	مُخَاوِفَتَيْنِ	مُخَاوِفَتَيْنِ		مُخَاوَفَتَانِ	مُخَاوَفَتَيْنِ	مُخَاوَفَتَيْنِ
۶	مُخَاوِفَاتٌ	مُخَاوِفَاتِ	مُخَاوِفَاتٍ		مُخَاوَفَاتٌ	مُخَاوَفَاتِ	مُخَاوَفَاتٍ

صفحه ۷۳	۶	باب مفاعلهٔ اجوف یایی (المُبَايَعَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُبَايِعٌ	مُبَايِعاً	مُبَايِعٍ		مُبَايَعٌ	مُبَايَعاً	مُبَايَعٍ
۲	مُبَايِعَانِ	مُبَايِعَيْنِ	مُبَايِعَيْنِ		مُبَايَعَانِ	مُبَايَعَيْنِ	مُبَايَعَيْنِ
۳	مُبَايِعُوْنَ	مُبَايِعِيْنَ	مُبَايِعِيْنَ		مُبَايَعُوْنَ	مُبَايَعِيْنَ	مُبَايَعِيْنَ
۴	مُبَايِعَةٌ	مُبَايِعَةً	مُبَايِعَةٍ		مُبَايَعَةٌ	مُبَايَعَةً	مُبَايَعَةٍ
۵	مُبَايِعَتَانِ	مُبَايِعَتَيْنِ	مُبَايِعَتَيْنِ		مُبَايَعَتَانِ	مُبَايَعَتَيْنِ	مُبَايَعَتَيْنِ
۶	مُبَايِعَاتٌ	مُبَايِعَاتِ	مُبَايِعَاتٍ		مُبَايَعَاتٌ	مُبَايَعَاتِ	مُبَايَعَاتٍ

تصویر

صفحه ۷۴	۷ (۱) باب مفاعلۀ ناقص واوی (المُدَاعَاۃُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَاعٍ	مُدَاعِياً	مُدَاعٍ	مُدَاعىً	مُدَاعىً	مُدَاعىً
۲	مُدَاعِيَانِ	مُدَاعِيَيْنِ	مُدَاعِيَيْنِ	مُدَاعَيَانِ	مُدَاعَيَيْنِ	مُدَاعَيَيْنِ
۳	مُدَاعُوْنَ	مُدَاعِيْنَ	مُدَاعِيْنَ	مُدَاعَوْنَ	مُدَاعَيْنَ	مُدَاعَيْنَ
۴	مُدَاعِيَةٌ	مُدَاعِيَةً	مُدَاعِيَةٍ	مُدَاعَاةٌ	مُدَاعَاةً	مُدَاعَاةٍ
۵	مُدَاعِيَتَانِ	مُدَاعِيَتَيْنِ	مُدَاعِيَتَيْنِ	مُدَاعَاتَانِ	مُدَاعَاتَيْنِ	مُدَاعَاتَيْنِ
۶	مُدَاعِيَاتٌ	مُدَاعِيَاتِ	مُدَاعِيَاتٍ	مُدَاعَيَاتٌ	مُدَاعَيَاتِ	مُدَاعَيَاتٍ

صفحه ۷۴	۷ (۲) باب مفاعلۀ ناقص واوی (المُدَاعَاۃُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُدَاعِي	الـمُدَاعِيَ	الـمُدَاعِي	الـمُدَاعىٰ	الـمُدَاعىٰ	الـمُدَاعىٰ
۲	الـمُدَاعِيَانِ	الـمُدَاعِيَيْنِ	الـمُدَاعِيَيْنِ	الـمُدَاعَيَانِ	الـمُدَاعَيَيْنِ	الـمُدَاعَيَيْنِ
۳	الـمُدَاعُوْنَ	الـمُدَاعِيْنَ	الـمُدَاعِيْنَ	الـمُدَاعَوْنَ	الـمُدَاعَيْنَ	الـمُدَاعَيْنَ
۴	الـمُدَاعِيَةُ	الـمُدَاعِيَةَ	الـمُدَاعِيَةِ	الـمُدَاعَاةُ	الـمُدَاعَاةَ	الـمُدَاعَاةِ
۵	الـمُدَاعِيَتَانِ	الـمُدَاعِيَتَيْنِ	الـمُدَاعِيَتَيْنِ	الـمُدَاعَاتَانِ	الـمُدَاعَاتَيْنِ	الـمُدَاعَاتَيْنِ
۶	الـمُدَاعِيَاتُ	الـمُدَاعِيَاتِ	الـمُدَاعِيَاتِ	الـمُدَاعَيَاتُ	الـمُدَاعَيَاتِ	الـمُدَاعَيَاتِ

تصویر

صفحه ۷۵	۸(۱) باب مفاعلهٔ ناقص یایی (المُرَامَاةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرَامٍ	مُرَامِياً	مُرَامٍ	مُرَامىً	مُرَامىً	مُرَامىً
۲	مُرَامِيَانِ	مُرَامِيَيْنِ	مُرَامِيَيْنِ	مُرَامَيَانِ	مُرَامَيَيْنِ	مُرَامَيَيْنِ
۳	مُرَامُوْنَ	مُرَامِيْنَ	مُرَامِيْنَ	مُرَامَوْنَ	مُرَامَيْنَ	مُرَامَيْنَ
۴	مُرَامِيَةٌ	مُرَامِيَةً	مُرَامِيَةٍ	مُرَامَاةٌ	مُرَامَاةً	مُرَامَاةٍ
۵	مُرَامِيَتَانِ	مُرَامِيَتَيْنِ	مُرَامِيَتَيْنِ	مُرَامَاتَانِ	مُرَامَاتَيْنِ	مُرَامَاتَيْنِ
۶	مُرَامِيَاتٌ	مُرَامِيَاتِ	مُرَامِيَاتِ	مُرَامَيَاتٌ	مُرَامَيَاتِ	مُرَامَيَاتِ

صفحه ۷۵	۸(۲) باب مفاعلهٔ ناقص یایی (المُرَامَاةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُرَامِي	الـمُرَامِىَ	الـمُرَامِي	الـمُرَامىٰ	الـمُرَامىٰ	الـمُرَامىٰ
۲	الـمُرَامِيَانِ	الـمُرَامِيَيْنِ	الـمُرَامِيَيْنِ	الـمُرَامَيَانِ	الـمُرَامَيَيْنِ	الـمُرَامَيَيْنِ
۳	الـمُرَامُوْنَ	الـمُرَامِيْنَ	الـمُرَامِيْنَ	الـمُرَامَوْنَ	الـمُرَامَيْنَ	الـمُرَامَيْنَ
۴	الـمُرَامِيَةُ	الـمُرَامِيَةَ	الـمُرَامِيَةِ	الـمُرَامَاةُ	الـمُرَامَاةَ	الـمُرَامَاةِ
۵	الـمُرَامِيَتَانِ	الـمُرَامِيَتَيْنِ	الـمُرَامِيَتَيْنِ	الـمُرَامَاتَانِ	الـمُرَامَاتَيْنِ	الـمُرَامَاتَيْنِ
۶	الـمُرَامِيَاتُ	الـمُرَامِيَاتِ	الـمُرَامِيَاتِ	الـمُرَامَيَاتُ	الـمُرَامَيَاتِ	الـمُرَامَيَاتِ

تصویر

صفحه ۷۶	۹(۱) باب مفاعله لفیف مفروق (المُوَالَاةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوَالٍ	مُوَالِياً	مُوَالٍ	مُوَالًى	مُوَالًى	مُوَالًى
۲	مُوَالِيَانِ	مُوَالِيَيْنِ	مُوَالِيَيْنِ	مُوَالَيَانِ	مُوَالَيَيْنِ	مُوَالَيَيْنِ
۳	مُوَالُوْنَ	مُوَالِيْنَ	مُوَالِيْنَ	مُوَالَوْنَ	مُوَالَيْنَ	مُوَالَيْنَ
۴	مُوَالِيَةٌ	مُوَالِيَةً	مُوَالِيَةٍ	مُوَالَاةٌ	مُوَالَاةً	مُوَالَاةٍ
۵	مُوَالِيَتَانِ	مُوَالِيَتَيْنِ	مُوَالِيَتَيْنِ	مُوَالَاتَانِ	مُوَالَاتَيْنِ	مُوَالَاتَيْنِ
۶	مُوَالِيَاتٌ	مُوَالِيَاتِ	مُوَالِيَاتِ	مُوَالَيَاتٌ	مُوَالَيَاتِ	مُوَالَيَاتِ

صفحه ۷۶	۹(۲) باب مفاعلهٔ لفیف مفروق (المُوَالَاةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُوَالِي	الـمُوَالِيَ	الـمُوَالِي	الـمُوَالَى	الـمُوَالَى	الـمُوَالَى
۲	الـمُوَالِيَانِ	الـمُوَالِيَيْنِ	الـمُوَالِيَيْنِ	الـمُوَالَيَانِ	الـمُوَالَيَيْنِ	الـمُوَالَيَيْنِ
۳	الـمُوَالُوْنَ	الـمُوَالِيْنَ	الـمُوَالِيْنَ	الـمُوَالَوْنَ	الـمُوَالَيْنَ	الـمُوَالَيْنَ
۴	الـمُوَالِيَةُ	الـمُوَالِيَةَ	الـمُوَالِيَةِ	الـمُوَالَاةُ	الـمُوَالَاةَ	الـمُوَالَاةِ
۵	الـمُوَالِيَتَانِ	الـمُوَالِيَتَيْنِ	الـمُوَالِيَتَيْنِ	الـمُوَالَاتَانِ	الـمُوَالَاتَيْنِ	الـمُوَالَاتَيْنِ
۶	الـمُوَالِيَاتُ	الـمُوَالِيَاتِ	الـمُوَالِيَاتِ	الـمُوَالَيَاتُ	الـمُوَالَيَاتِ	الـمُوَالَيَاتِ

تصویر

صفحه ۷۷	۱۰ (۱) باب مفاعله لفیف مقرون (المُقَاوَاةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَاوٍ	مُقَاوِياً	مُقَاوٍ	مُقَاوىً	مُقَاوىً	مُقَاوىً
۲	مُقَاوِيَانِ	مُقَاوِيَيْنِ	مُقَاوِيَيْنِ	مُقَاوَيَانِ	مُقَاوَيَيْنِ	مُقَاوَيَيْنِ
۳	مُقَاوُوْنَ	مُقَاوِيْنَ	مُقَاوِيْنَ	مُقَاوَوْنَ	مُقَاوَيْنَ	مُقَاوَيْنَ
۴	مُقَاوِيَةٌ	مُقَاوِيَةً	مُقَاوِيَةٍ	مُقَاوَاةٌ	مُقَاوَاةً	مُقَاوَاةٍ
۵	مُقَاوِيَتَانِ	مُقَاوِيَتَيْنِ	مُقَاوِيَتَيْنِ	مُقَاوَاتَانِ	مُقَاوَاتَيْنِ	مُقَاوَاتَيْنِ
۶	مُقَاوِيَاتٌ	مُقَاوِيَاتِ	مُقَاوِيَاتِ	مُقَاوَيَاتٌ	مُقَاوَيَاتِ	مُقَاوَيَاتِ

صفحه ۷۷	۱۰ (۲) باب مفاعلهٔ لفیف مقرون (المُقَاوَاةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقَاوِي	الـمُقَاوِيَ	الـمُقَاوِي	الـمُقَاوىٰ	الـمُقَاوىٰ	الـمُقَاوىٰ
۲	الـمُقَاوِيَانِ	الـمُقَاوِيَيْنِ	الـمُقَاوِيَيْنِ	الـمُقَاوَيَانِ	الـمُقَاوَيَيْنِ	الـمُقَاوَيَيْنِ
۳	الـمُقَاوُوْنَ	الـمُقَاوِيْنَ	الـمُقَاوِيْنَ	الـمُقَاوَوْنَ	الـمُقَاوَيْنَ	الـمُقَاوَيْنَ
۴	الـمُقَاوِيَةُ	الـمُقَاوِيَةَ	الـمُقَاوِيَةِ	الـمُقَاوَاةُ	الـمُقَاوَاةَ	الـمُقَاوَاةِ
۵	الـمُقَاوِيَتَانِ	الـمُقَاوِيَتَيْنِ	الـمُقَاوِيَتَيْنِ	الـمُقَاوَاتَانِ	الـمُقَاوَاتَيْنِ	الـمُقَاوَاتَيْنِ
۶	الـمُقَاوِيَاتُ	الـمُقَاوِيَاتِ	الـمُقَاوِيَاتِ	الـمُقَاوَيَاتُ	الـمُقَاوَيَاتِ	الـمُقَاوَيَاتِ

تصویر



صفحه ۷۸	۱۱	باب مفاعله مهموزالفاء (المُؤَانَسَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُؤَانِسٌ	مُؤَانِساً	مُؤَانِسٍ		مُؤَانَسٌ	مُؤَانَساً	مُؤَانَسٍ
۲	مُؤَانِسَانِ	مُؤَانِسَيْنِ	مُؤَانِسَيْنِ		مُؤَانَسَانِ	مُؤَانَسَيْنِ	مُؤَانَسَيْنِ
۳	مُؤَانِسُوْنَ	مُؤَانِسِيْنَ	مُؤَانِسِيْنَ		مُؤَانَسُوْنَ	مُؤَانَسِيْنَ	مُؤَانَسِيْنَ
۴	مُؤَانِسَةٌ	مُؤَانِسَةً	مُؤَانِسَةٍ		مُؤَانَسَةٌ	مُؤَانَسَةً	مُؤَانَسَةٍ
۵	مُؤَانِسَتَانِ	مُؤَانِسَتَيْنِ	مُؤَانِسَتَيْنِ		مُؤَانَسَتَانِ	مُؤَانَسَتَيْنِ	مُؤَانَسَتَيْنِ
۶	مُؤَانِسَاتٌ	مُؤَانِسَاتِ	مُؤَانِسَاتٍ		مُؤَانَسَاتٌ	مُؤَانَسَاتِ	مُؤَانَسَاتٍ



صفحه ۷۸	۱۲	باب مفاعلهٔ مهموزالعین (المُسَاءَلَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسَائِلٌ	مُسَائِلاً	مُسَائِلٍ		مُسَاءَلٌ	مُسَاءَلاً	مُسَاءَلٍ
۲	مُسَائِلَانِ	مُسَائِلَيْنِ	مُسَائِلَيْنِ		مُسَاءَلَانِ	مُسَاءَلَيْنِ	مُسَاءَلَيْنِ
۳	مُسَائِلُوْنَ	مُسَائِلِيْنَ	مُسَائِلِيْنَ		مُسَاءَلُوْنَ	مُسَاءَلِيْنَ	مُسَاءَلِيْنَ
۴	مُسَائِلَةٌ	مُسَائِلَةً	مُسَائِلَةٍ		مُسَاءَلَةٌ	مُسَاءَلَةً	مُسَاءَلَةٍ
۵	مُسَائِلَتَانِ	مُسَائِلَتَيْنِ	مُسَائِلَتَيْنِ		مُسَاءَلَتَانِ	مُسَاءَلَتَيْنِ	مُسَاءَلَتَيْنِ
۶	مُسَائِلَاتٌ	مُسَائِلَاتِ	مُسَائِلَاتٍ		مُسَاءَلَاتٌ	مُسَاءَلَاتِ	مُسَاءَلَاتٍ

تصویر

صفحه ۷۹	۱۳ (۱) باب مفاعله مهموزاللام (المُقَارَأَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَارِئٌ	مُقَارِئاً	مُقَارِئٍ	مُقَارَأٌ	مُقَارَءاً	مُقَارَإٍ
۲	مُقَارِئَانِ	مُقَارِئَيْنِ	مُقَارِئَيْنِ	مُقَارَأَانِ	مُقَارَأَيْنِ	مُقَارَأَيْنِ
۳	مُقَارِئُوْنَ	مُقَارِئِيْنَ	مُقَارِئِيْنَ	مُقَارَؤُوْنَ	مُقَارَئِيْنَ	مُقَارَئِيْنَ
۴	مُقَارِئَةٌ	مُقَارِئَةً	مُقَارِئَةٍ	مُقَارَأَةٌ	مُقَارَأَةً	مُقَارَأَةٍ
۵	مُقَارِئَتَانِ	مُقَارِئَتَيْنِ	مُقَارِئَتَيْنِ	مُقَارَأَتَانِ	مُقَارَأَتَيْنِ	مُقَارَأَتَيْنِ
۶	مُقَارِئَاتٌ	مُقَارِئَاتِ	مُقَارِئَاتِ	مُقَارَءَاتٌ	مُقَارَءَاتِ	مُقَارَءَاتِ

صفحه ۷۹	۱۳ (۲) باب مفاعله مهموزاللام (المُقَارَأَة) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَارٍ	مُقَارِياً	مُقَارٍ	مُقَارىً	مُقَارىً	مُقَارىً
۲	مُقَارِيَانِ	مُقَارِيَيْنِ	مُقَارِيَيْنِ	مُقَارَيَانِ	مُقَارَيَيْنِ	مُقَارَيَيْنِ
۳	مُقَارُوْنَ	مُقَارِيْنَ	مُقَارِيْنَ	مُقَارَوْنَ	مُقَارَيْنَ	مُقَارَيْنَ
۴	مُقَارِيَةٌ	مُقَارِيَةً	مُقَارِيَةٍ	مُقَارَاةٌ	مُقَارَاةً	مُقَارَاةٍ
۵	مُقَارِيَتَانِ	مُقَارِيَتَيْنِ	مُقَارِيَتَيْنِ	مُقَارَاتَانِ	مُقَارَاتَيْنِ	مُقَارَاتَيْنِ
۶	مُقَارِيَاتٌ	مُقَارِيَاتِ	مُقَارِيَاتِ	مُقَارَيَاتٌ	مُقَارَيَاتِ	مُقَارَيَاتِ

تصویر

صفحه ۸۰	۱۳ (۳) باب مفاعله مهموزاللام (المُقَارَأة) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقَارِي	الـمُقَارِىَ	الـمُقَارِي	الـمُقَارَىٰ	الـمُقَارَىٰ	الـمُقَارَىٰ
۲	الـمُقَارِيَانِ	الـمُقَارِيَيْنِ	الـمُقَارِيَيْنِ	الـمُقَارَيَانِ	الـمُقَارَيَيْنِ	الـمُقَارَيَيْنِ
۳	الـمُقَارُوْنَ	الـمُقَارِيْنَ	الـمُقَارِيْنَ	الـمُقَارَوْنَ	الـمُقَارَيْنَ	الـمُقَارَيْنَ
۴	الـمُقَارِيَةُ	الـمُقَارِيَةَ	الـمُقَارِيَةِ	الـمُقَارَاةُ	الـمُقَارَاةَ	الـمُقَارَاةِ
۵	الـمُقَارِيَتَانِ	الـمُقَارِيَتَيْنِ	الـمُقَارِيَتَيْنِ	الـمُقَارَاتَانِ	الـمُقَارَاتَيْنِ	الـمُقَارَاتَيْنِ
۶	الـمُقَارِيَاتُ	الـمُقَارِيَاتِ	الـمُقَارِيَاتِ	الـمُقَارَيَاتُ	الـمُقَارَيَاتِ	الـمُقَارَيَاتِ

تصویر



صفحه ۸۱	۱	باب إفتعال سالم (الإجْتِهَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُجْتَهِدٌ	مُجْتَهِداً	مُجْتَهِدٍ		مُجْتَهَدٌ	مُجْتَهَداً	مُجْتَهَدٍ
۲	مُجْتَهِدَانِ	مُجْتَهِدَيْنِ	مُجْتَهِدَيْنِ		مُجْتَهَدَانِ	مُجْتَهَدَيْنِ	مُجْتَهَدَيْنِ
۳	مُجْتَهِدُوْنَ	مُجْتَهِدِيْنَ	مُجْتَهِدِيْنَ		مُجْتَهَدُوْنَ	مُجْتَهَدِيْنَ	مُجْتَهَدِيْنَ
۴	مُجْتَهِدَةٌ	مُجْتَهِدَةً	مُجْتَهِدَةٍ		مُجْتَهَدَةٌ	مُجْتَهَدَةً	مُجْتَهَدَةٍ
۵	مُجْتَهِدَتَانِ	مُجْتَهِدَتَيْنِ	مُجْتَهِدَتَيْنِ		مُجْتَهَدَتَانِ	مُجْتَهَدَتَيْنِ	مُجْتَهَدَتَيْنِ
۶	مُجْتَهِدَاتٌ	مُجْتَهِدَاتِ	مُجْتَهِدَاتِ		مُجْتَهَدَاتٌ	مُجْتَهَدَاتِ	مُجْتَهَدَاتِ

صفحه ۸۱	۲	باب إفتعال مضاعف (الإمْتِدَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُمْتَدٌّ	مُمْتَدّاً	مُمْتَدٍّ		مُمْتَدٌّ بِهِ	مُمْتَدّاً بِهِ	مُمْتَدٍّ بِهِ
۲	مُمْتَدَّانِ	مُمْتَدَّيْنِ	مُمْتَدَّيْنِ		مُمْتَدٌّ بِهِمَا	مُمْتَدّاً بِهِمَا	مُمْتَدٍّ بِهِمَا
۳	مُمْتَدُّوْنَ	مُمْتَدِّيْنَ	مُمْتَدِّيْنَ		مُمْتَدٌّ بِهِمْ	مُمْتَدّاً بِهِمْ	مُمْتَدٍّ بِهِمْ
۴	مُمْتَدَّةٌ	مُمْتَدَّةً	مُمْتَدَّةٍ		مُمْتَدٌّ بِهَا	مُمْتَدّاً بِهَا	مُمْتَدٍّ بِهَا
۵	مُمْتَدَّتَانِ	مُمْتَدَّتَيْنِ	مُمْتَدَّتَيْنِ		مُمْتَدٌّ بِهِمَا	مُمْتَدّاً بِهِمَا	مُمْتَدٍّ بِهِمَا
۶	مُمْتَدَّاتٌ	مُمْتَدَّاتِ	مُمْتَدَّاتِ		مُمْتَدٌّ بِهِنَّ	مُمْتَدّاً بِهِنَّ	مُمْتَدٍّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۸۲	۳	باب إفتعال مثال واوی (الإتِّعَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَّعِدٌ	مُتَّعِداً	مُتَّعِدٍ		مُتَّعَدٌ	مُتَّعَداً	مُتَّعَدٍ
۲	مُتَّعِدَانِ	مُتَّعِدَيْنِ	مُتَّعِدَيْنِ		مُتَّعَدَانِ	مُتَّعَدَيْنِ	مُتَّعَدَيْنِ
۳	مُتَّعِدُوْنَ	مُتَّعِدِيْنَ	مُتَّعِدِيْنَ		مُتَّعَدُوْنَ	مُتَّعَدِيْنَ	مُتَّعَدِيْنَ
۴	مُتَّعِدَةٌ	مُتَّعِدَةً	مُتَّعِدَةٍ		مُتَّعَدَةٌ	مُتَّعَدَةً	مُتَّعَدَةٍ
۵	مُتَّعِدَتَانِ	مُتَّعِدَتَيْنِ	مُتَّعِدَتَيْنِ		مُتَّعَدَتَانِ	مُتَّعَدَتَيْنِ	مُتَّعَدَتَيْنِ
۶	مُتَّعِدَاتٌ	مُتَّعِدَاتِ	مُتَّعِدَاتِ		مُتَّعَدَاتٌ	مُتَّعَدَاتِ	مُتَّعَدَاتِ

صفحه ۸۲	۴	باب إفتعال مثال یایی (الإتِّسَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَّسِرٌ	مُتَّسِراً	مُتَّسِرٍ		مُتَّسَرٌ	مُتَّسَراً	مُتَّسَرٍ
۲	مُتَّسِرَانِ	مُتَّسِرَيْنِ	مُتَّسِرَيْنِ		مُتَّسَرَانِ	مُتَّسَرَيْنِ	مُتَّسَرَيْنِ
۳	مُتَّسِرُوْنَ	مُتَّسِرِيْنَ	مُتَّسِرِيْنَ		مُتَّسَرُوْنَ	مُتَّسَرِيْنَ	مُتَّسَرِيْنَ
۴	مُتَّسِرَةٌ	مُتَّسِرَةً	مُتَّسِرَةٍ		مُتَّسَرَةٌ	مُتَّسَرَةً	مُتَّسَرَةٍ
۵	مُتَّسِرَتَانِ	مُتَّسِرَتَيْنِ	مُتَّسِرَتَيْنِ		مُتَّسَرَتَانِ	مُتَّسَرَتَيْنِ	مُتَّسَرَتَيْنِ
۶	مُتَّسِرَاتٌ	مُتَّسِرَاتِ	مُتَّسِرَاتِ		مُتَّسَرَاتٌ	مُتَّسَرَاتِ	مُتَّسَرَاتِ

تصویر

صفحه ۸۳	۵	باب إفتعال اجوف واوی (الإعْتِيَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُعْتَادٌ	مُعْتَاداً	مُعْتَادٍ		مُعْتَادٌ	مُعْتَاداً	مُعْتَادٍ
۲	مُعْتَادَانِ	مُعْتَادَيْنِ	مُعْتَادَيْنِ		مُعْتَادَانِ	مُعْتَادَيْنِ	مُعْتَادَيْنِ
۳	مُعْتَادُوْنَ	مُعْتَادِيْنَ	مُعْتَادِيْنَ		مُعْتَادُوْنَ	مُعْتَادِيْنَ	مُعْتَادِيْنَ
۴	مُعْتَادَةٌ	مُعْتَادَةً	مُعْتَادَةٍ		مُعْتَادَةٌ	مُعْتَادَةً	مُعْتَادَةٍ
۵	مُعْتَادَتَانِ	مُعْتَادَتَيْنِ	مُعْتَادَتَيْنِ		مُعْتَادَتَانِ	مُعْتَادَتَيْنِ	مُعْتَادَتَيْنِ
۶	مُعْتَادَاتٌ	مُعْتَادَاتِ	مُعْتَادَاتِ		مُعْتَادَاتٌ	مُعْتَادَاتِ	مُعْتَادَاتِ

صفحه ۸۳	۶	باب إفتعال اجوف یایی (الإبْتِيَاع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُبْتَاعٌ	مُبْتَاعاً	مُبْتَاعٍ		مُبْتَاعٌ	مُبْتَاعاً	مُبْتَاعٍ
۲	مُبْتَاعَانِ	مُبْتَاعَيْنِ	مُبْتَاعَيْنِ		مُبْتَاعَانِ	مُبْتَاعَيْنِ	مُبْتَاعَيْنِ
۳	مُبْتَاعُوْنَ	مُبْتَاعِيْنَ	مُبْتَاعِيْنَ		مُبْتَاعُوْنَ	مُبْتَاعِيْنَ	مُبْتَاعِيْنَ
۴	مُبْتَاعَةٌ	مُبْتَاعَةً	مُبْتَاعَةٍ		مُبْتَاعَةٌ	مُبْتَاعَةً	مُبْتَاعَةٍ
۵	مُبْتَاعَتَانِ	مُبْتَاعَتَيْنِ	مُبْتَاعَتَيْنِ		مُبْتَاعَتَانِ	مُبْتَاعَتَيْنِ	مُبْتَاعَتَيْنِ
۶	مُبْتَاعَاتٌ	مُبْتَاعَاتِ	مُبْتَاعَاتِ		مُبْتَاعَاتٌ	مُبْتَاعَاتِ	مُبْتَاعَاتِ

تصویر

صفحه ۸۴	۷ (۱) باب إفتعال ناقص واوی (الإدِّعَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَّعٍ	مُدَّعِياً	مُدَّعٍ	مُدَّعىً	مُدَّعىً	مُدَّعىً
۲	مُدَّعِيَانِ	مُدَّعِيَيْنِ	مُدَّعِيَيْنِ	مُدَّعَيَانِ	مُدَّعَيَيْنِ	مُدَّعَيَيْنِ
۳	مُدَّعُوْنَ	مُدَّعِيْنَ	مُدَّعِيْنَ	مُدَّعَوْنَ	مُدَّعَيْنَ	مُدَّعَيْنَ
۴	مُدَّعِيَةٌ	مُدَّعِيَةً	مُدَّعِيَةٍ	مُدَّعَاةٌ	مُدَّعَاةً	مُدَّعَاةٍ
۵	مُدَّعِيَتَانِ	مُدَّعِيَتَيْنِ	مُدَّعِيَتَيْنِ	مُدَّعَاتَانِ	مُدَّعَاتَيْنِ	مُدَّعَاتَيْنِ
۶	مُدَّعِيَاتٌ	مُدَّعِيَاتِ	مُدَّعِيَاتٍ	مُدَّعَيَاتٌ	مُدَّعَيَاتِ	مُدَّعَيَاتٍ

صفحه ۸۴	۷ (۲) باب إفتعال ناقص واوی (الإدِّعَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُدَّعِي	الـمُدَّعِيَ	الـمُدَّعِي	الـمُدَّعىٰ	الـمُدَّعىٰ	الـمُدَّعىٰ
۲	الـمُدَّعِيَانِ	الـمُدَّعِيَيْنِ	الـمُدَّعِيَيْنِ	الـمُدَّعَيَانِ	الـمُدَّعَيَيْنِ	الـمُدَّعَيَيْنِ
۳	الـمُدَّعُوْنَ	الـمُدَّعِيْنَ	الـمُدَّعِيْنَ	الـمُدَّعَوْنَ	الـمُدَّعَيْنَ	الـمُدَّعَيْنَ
۴	الـمُدَّعِيَةُ	الـمُدَّعِيَةَ	الـمُدَّعِيَةِ	الـمُدَّعَاةُ	الـمُدَّعَاةَ	الـمُدَّعَاةِ
۵	الـمُدَّعِيَتَانِ	الـمُدَّعِيَتَيْنِ	الـمُدَّعِيَتَيْنِ	الـمُدَّعَاتَانِ	الـمُدَّعَاتَيْنِ	الـمُدَّعَاتَيْنِ
۶	الـمُدَّعِيَاتُ	الـمُدَّعِيَاتِ	الـمُدَّعِيَاتِ	الـمُدَّعَيَاتُ	الـمُدَّعَيَاتِ	الـمُدَّعَيَاتِ

تصویر

صفحه ۸۵	۸(۱) باب إفتعال ناقص يايى (الإرْتِمَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرْتَمٍ	مُرْتَمياً	مُرْتَمٍ	مُرْتَمىً	مُرْتَمىً	مُرْتَمىً
۲	مُرْتَمِيَانِ	مُرْتَمِيَيْنِ	مُرْتَمِيَيْنِ	مُرْتَمَيَانِ	مُرْتَمَيَيْنِ	مُرْتَمَيَيْنِ
۳	مُرْتَمُوْنَ	مُرْتَمِيْنَ	مُرْتَمِيْنَ	مُرْتَمَوْنَ	مُرْتَمَيْنَ	مُرْتَمَيْنَ
۴	مُرْتَمِيَةٌ	مُرْتَمِيَةً	مُرْتَمِيَةٍ	مُرْتَمَاةٌ	مُرْتَمَاةً	مُرْتَمَاةٍ
۵	مُرْتَمِيَتَانِ	مُرْتَمِيَتَيْنِ	مُرْتَمِيَتَيْنِ	مُرْتَمَاتَانِ	مُرْتَمَاتَيْنِ	مُرْتَمَاتَيْنِ
۶	مُرْتَمِيَاتٌ	مُرْتَمِيَاتِ	مُرْتَمِيَاتِ	مُرْتَمَيَاتٌ	مُرْتَمَيَاتِ	مُرْتَمَيَاتِ

صفحه ۸۵	۸(۲) باب إفتعال ناقص يايى (الإرْتِمَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	اَلْمُرْتَمِي	اَلْمُرْتَمِىَ	اَلْمُرْتَمِي	اَلْمُرْتَمىٰ	اَلْمُرْتَمىٰ	اَلْمُرْتَمىٰ
۲	اَلْمُرْتَمِيَانِ	اَلْمُرْتَمِيَيْنِ	اَلْمُرْتَمِيَيْنِ	اَلْمُرْتَمَيَانِ	اَلْمُرْتَمَيَيْنِ	اَلْمُرْتَمَيَيْنِ
۳	اَلْمُرْتَمُوْنَ	اَلْمُرْتَمِيْنَ	اَلْمُرْتَمِيْنَ	اَلْمُرْتَمَوْنَ	اَلْمُرْتَمَيْنَ	اَلْمُرْتَمَيْنَ
۴	اَلْمُرْتَمِيَةُ	اَلْمُرْتَمِيَةَ	اَلْمُرْتَمِيَةِ	اَلْمُرْتَمَاةُ	اَلْمُرْتَمَاةَ	اَلْمُرْتَمَاةِ
۵	اَلْمُرْتَمِيَتَانِ	اَلْمُرْتَمِيَتَيْنِ	اَلْمُرْتَمِيَتَيْنِ	اَلْمُرْتَمَاتَانِ	اَلْمُرْتَمَاتَيْنِ	اَلْمُرْتَمَاتَيْنِ
۶	اَلْمُرْتَمِيَاتُ	اَلْمُرْتَمِيَاتِ	اَلْمُرْتَمِيَاتِ	اَلْمُرْتَمَيَاتُ	اَلْمُرْتَمَيَاتِ	اَلْمُرْتَمَيَاتِ

تصویر

صفحه ۸۶	۹(۱) باب إفتعال لفيف مفروق (الإتِّقَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَّقٍ	مُتَّقِياً	مُتَّقٍ	مُتَّقًى	مُتَّقًى	مُتَّقًى
۲	مُتَّقِيَانِ	مُتَّقِيَيْنِ	مُتَّقِيَيْنِ	مُتَّقَيَانِ	مُتَّقَيَيْنِ	مُتَّقَيَيْنِ
۳	مُتَّقُوْنَ	مُتَّقِيْنَ	مُتَّقِيْنَ	مُتَّقَوْنَ	مُتَّقَيْنَ	مُتَّقَيْنَ
۴	مُتَّقِيَةٌ	مُتَّقِيَةً	مُتَّقِيَةٍ	مُتَّقَاةٌ	مُتَّقَاةً	مُتَّقَاةٍ
۵	مُتَّقِيَتَانِ	مُتَّقِيَتَيْنِ	مُتَّقِيَتَيْنِ	مُتَّقَاتَانِ	مُتَّقَاتَيْنِ	مُتَّقَاتَيْنِ
۶	مُتَّقِيَاتٌ	مُتَّقِيَاتِ	مُتَّقِيَاتٍ	مُتَّقَيَاتٌ	مُتَّقَيَاتِ	مُتَّقَيَاتٍ

صفحه ۸۶	۹(۲) باب إفتعال لفيف مفروق (الإتِّقَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُتَّقِي	الـمُتَّقِيَ	الـمُتَّقِي	الـمُتَّقَىٰ	الـمُتَّقَىٰ	الـمُتَّقَىٰ
۲	الـمُتَّقِيَانِ	الـمُتَّقِيَيْنِ	الـمُتَّقِيَيْنِ	الـمُتَّقَيَانِ	الـمُتَّقَيَيْنِ	الـمُتَّقَيَيْنِ
۳	الـمُتَّقُوْنَ	الـمُتَّقِيْنَ	الـمُتَّقِيْنَ	الـمُتَّقَوْنَ	الـمُتَّقَيْنَ	الـمُتَّقَيْنَ
۴	الـمُتَّقِيَةُ	الـمُتَّقِيَةَ	الـمُتَّقِيَةِ	الـمُتَّقَاةُ	الـمُتَّقَاةَ	الـمُتَّقَاةِ
۵	الـمُتَّقِيَتَانِ	الـمُتَّقِيَتَيْنِ	الـمُتَّقِيَتَيْنِ	الـمُتَّقَاتَانِ	الـمُتَّقَاتَيْنِ	الـمُتَّقَاتَيْنِ
۶	الـمُتَّقِيَاتُ	الـمُتَّقِيَاتِ	الـمُتَّقِيَاتِ	الـمُتَّقَيَاتُ	الـمُتَّقَيَاتِ	الـمُتَّقَيَاتِ

تصویر



صفحه ۸۷	۱۰ (۱) باب إفتعال لفيف مقرون (الإشْوَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُشْتَوٍ	مُشْتَوِياً	مُشْتَوٍ	مُشْتَوىً بِهِ	مُشْتَوىً بِهِ	مُشْتَوىً بِهِ
۲	مُشْتَوِيَانِ	مُشْتَوِيَيْنِ	مُشْتَوِيَيْنِ	مُشْتَوىً بِهِمَا	مُشْتَوىً بِهِمَا	مُشْتَوىً بِهِمَا
۳	مُشْتَوُوْنَ	مُشْتَوِيْنَ	مُشْتَوِيْنَ	مُشْتَوىً بِهِمْ	مُشْتَوىً بِهِمْ	مُشْتَوىً بِهِمْ
۴	مُشْتَوِيَةٌ	مُشْتَوِيَةً	مُشْتَوِيَةٍ	مُشْتَوىً بِهَا	مُشْتَوىً بِهَا	مُشْتَوىً بِهَا
۵	مُشْتَوِيَتَانِ	مُشْتَوِيَتَيْنِ	مُشْتَوِيَتَيْنِ	مُشْتَوىً بِهِمَا	مُشْتَوىً بِهِمَا	مُشْتَوىً بِهِمَا
۶	مُشْتَوِيَاتٌ	مُشْتَوِيَاتٍ	مُشْتَوِيَاتٍ	مُشْتَوىً بِهِنَّ	مُشْتَوىً بِهِنَّ	مُشْتَوىً بِهِنَّ

صفحه ۸۷	۱۰ (۲) باب إفتعال لفيف مقرون (الإشْوَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف ولام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُشْتَوِي	الْمُشْتَوِيَ	الْمُشْتَوِي	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِ
۲	الْمُشْتَوِيَانِ	الْمُشْتَوِيَيْنِ	الْمُشْتَوِيَيْنِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا
۳	الْمُشْتَوُوْنَ	الْمُشْتَوِيْنَ	الْمُشْتَوِيْنَ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمْ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمْ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمْ
۴	الْمُشْتَوِيَةُ	الْمُشْتَوِيَةَ	الْمُشْتَوِيَةِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهَا
۵	الْمُشْتَوِيَتَانِ	الْمُشْتَوِيَتَيْنِ	الْمُشْتَوِيَتَيْنِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا
۶	الْمُشْتَوِيَاتُ	الْمُشْتَوِيَاتِ	الْمُشْتَوِيَاتِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِنَّ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِنَّ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۸۸	۱۱	باب إفتعال مهموزالفاء (الإيْتِمَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُؤْتَمِرٌ	مُؤْتَمِراً	مُؤْتَمِرٍ		مُؤْتَمَرٌ بِهِ	مُؤْتَمَراً بِهِ	مُؤْتَمَرٍ بِهِ
۲	مُؤْتَمِرَانِ	مُؤْتَمِرَيْنِ	مُؤْتَمِرَيْنِ		مُؤْتَمَرٌ بِهِمَا	مُؤْتَمَراً بِهِمَا	مُؤْتَمَرٍ بِهِمَا
۳	مُؤْتَمِرُوْنَ	مُؤْتَمِرِيْنَ	مُؤْتَمِرِيْنَ		مُؤْتَمَرٌ بِهِمْ	مُؤْتَمَراً بِهِمْ	مُؤْتَمَرٍ بِهِمْ
۴	مُؤْتَمِرَةٌ	مُؤْتَمِرَةً	مُؤْتَمِرَةٍ		مُؤْتَمَرٌ بِهَا	مُؤْتَمَراً بِهَا	مُؤْتَمَرٍ بِهَا
۵	مُؤْتَمِرَتَانِ	مُؤْتَمِرَتَيْنِ	مُؤْتَمِرَتَيْنِ		مُؤْتَمَرٌ بِهِمَا	مُؤْتَمَراً بِهِمَا	مُؤْتَمَرٍ بِهِمَا
۶	مُؤْتَمِرَاتٌ	مُؤْتَمِرَاتٍ	مُؤْتَمِرَاتٍ		مُؤْتَمَرٌ بِهِنَّ	مُؤْتَمَراً بِهِنَّ	مُؤْتَمَرٍ بِهِنَّ

صفحه ۸۸	۱۲	باب إفتعال مهموزالعين (الإجْتِئَاف) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُجْتَئِفٌ	مُجْتَئِفاً	مُجْتَئِفٍ		مُجْتَأَفٌ	مُجْتَأَفاً	مُجْتَأَفٍ
۲	مُجْتَئِفَانِ	مُجْتَئِفَيْنِ	مُجْتَئِفَيْنِ		مُجْتَأَفَانِ	مُجْتَأَفَيْنِ	مُجْتَأَفَيْنِ
۳	مُجْتَئِفُوْنَ	مُجْتَئِفِيْنَ	مُجْتَئِفِيْنَ		مُجْتَأَفُوْنَ	مُجْتَأَفِيْنَ	مُجْتَأَفِيْنَ
۴	مُجْتَئِفَةٌ	مُجْتَئِفَةً	مُجْتَئِفَةٍ		مُجْتَأَفَةٌ	مُجْتَأَفَةً	مُجْتَأَفَةٍ
۵	مُجْتَئِفَتَانِ	مُجْتَئِفَتَيْنِ	مُجْتَئِفَتَيْنِ		مُجْتَأَفَتَانِ	مُجْتَأَفَتَيْنِ	مُجْتَأَفَتَيْنِ
۶	مُجْتَئِفَاتٌ	مُجْتَئِفَاتٍ	مُجْتَئِفَاتٍ		مُجْتَأَفَاتٌ	مُجْتَأَفَاتٍ	مُجْتَأَفَاتٍ

تصویر

صفحه ۸۹	۱۳ (۱) باب إفتعال مهموزاللام (الإقْتِرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْتَرِئٌ	مُقْتَرِئاً	مُقْتَرِئٍ	مُقْتَرَأٌ	مُقْتَرَءاً	مُقْتَرَإٍ
۲	مُقْتَرِئَانِ	مُقْتَرِئَيْنِ	مُقْتَرِئَيْنِ	مُقْتَرَأَانِ	مُقْتَرَأَيْنِ	مُقْتَرَأَيْنِ
۳	مُقْتَرِئُوْنَ	مُقْتَرِئِيْنَ	مُقْتَرِئِيْنَ	مُقْتَرَؤُوْنَ	مُقْتَرَئِيْنَ	مُقْتَرَئِيْنَ
۴	مُقْتَرِئَةٌ	مُقْتَرِئَةً	مُقْتَرِئَةٍ	مُقْتَرَأَةٌ	مُقْتَرَأَةً	مُقْتَرَأَةٍ
۵	مُقْتَرِئَتَانِ	مُقْتَرِئَتَيْنِ	مُقْتَرِئَتَيْنِ	مُقْتَرَأَتَانِ	مُقْتَرَأَتَيْنِ	مُقْتَرَأَتَيْنِ
۶	مُقْتَرِئَاتٌ	مُقْتَرِئَاتِ	مُقْتَرِئَاتِ	مُقْتَرَءَاتٌ	مُقْتَرَءَاتِ	مُقْتَرَءَاتِ

صفحه ۸۹	۱۳ (۲) باب إفتعال مهموزاللام (الإقْتِرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْتَرٍ	مُقْتَرِياً	مُقْتَرٍ	مُقْتَرىً	مُقْتَرىً	مُقْتَرىً
۲	مُقْتَرِيَانِ	مُقْتَرِيَيْنِ	مُقْتَرِيَيْنِ	مُقْتَرَيَانِ	مُقْتَرَيَيْنِ	مُقْتَرَيَيْنِ
۳	مُقْتَرُوْنَ	مُقْتَرِيْنَ	مُقْتَرِيْنَ	مُقْتَرَوْنَ	مُقْتَرَيْنَ	مُقْتَرَيْنَ
۴	مُقْتَرِيَةٌ	مُقْتَرِيَةً	مُقْتَرِيَةٍ	مُقْتَرَاةٌ	مُقْتَرَاةً	مُقْتَرَاةٍ
۵	مُقْتَرِيَتَانِ	مُقْتَرِيَتَيْنِ	مُقْتَرِيَتَيْنِ	مُقْتَرَاتَانِ	مُقْتَرَاتَيْنِ	مُقْتَرَاتَيْنِ
۶	مُقْتَرِيَاتٌ	مُقْتَرِيَاتِ	مُقْتَرِيَاتِ	مُقْتَرَيَاتٌ	مُقْتَرَيَاتِ	مُقْتَرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۹۰	۱۳ (۳) باب إفتعال مهموزاللام (الإفْتِرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُفْتَرِي	الـمُفْتَرِيَ	الـمُفْتَرِي	الـمُفْتَرىٰ	الـمُفْتَرىٰ	الـمُفْتَرىٰ
۲	الـمُفْتَرِيَانِ	الـمُفْتَرِيَيْنِ	الـمُفْتَرِيَيْنِ	الـمُفْتَرَيَانِ	الـمُفْتَرَيَيْنِ	الـمُفْتَرَيَيْنِ
۳	الـمُفْتَرُوْنَ	الـمُفْتَرِيْنَ	الـمُفْتَرِيْنَ	الـمُفْتَرَوْنَ	الـمُفْتَرَيْنَ	الـمُفْتَرَيْنَ
۴	الـمُفْتَرِيَةُ	الـمُفْتَرِيَةَ	الـمُفْتَرِيَةِ	الـمُفْتَرَاةُ	الـمُفْتَرَاةَ	الـمُفْتَرَاةِ
۵	الـمُفْتَرِيَتَانِ	الـمُفْتَرِيَتَيْنِ	الـمُفْتَرِيَتَيْنِ	الـمُفْتَرَاتَانِ	الـمُفْتَرَاتَيْنِ	الـمُفْتَرَاتَيْنِ
۶	الـمُفْتَرِيَاتُ	الـمُفْتَرِيَاتِ	الـمُفْتَرِيَاتِ	الـمُفْتَرَيَاتُ	الـمُفْتَرَيَاتِ	الـمُفْتَرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۹۱	۱۴ (۱) باب إفتعال قاعده دوم خصوصی (الإظْطِلَام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُظْطَلِمٌ	مُظْطَلِماً	مُظْطَلِمٍ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُ	مُظْطَلَماً مِنْهُ	مُظْطَلَمٍ مِنْهُ
۲	مُظْطَلِمَانِ	مُظْطَلِمَيْنِ	مُظْطَلِمَيْنِ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُمَا	مُظْطَلَماً مِنْهُمَا	مُظْطَلَمٍ مِنْهُمَا
۳	مُظْطَلِمُوْنَ	مُظْطَلِمِيْنَ	مُظْطَلِمِيْنَ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُمْ	مُظْطَلَماً مِنْهُمْ	مُظْطَلَمٍ مِنْهُمْ
۴	مُظْطَلِمَةٌ	مُظْطَلِمَةً	مُظْطَلِمَةٍ	مُظْطَلَمٌ مِنْهَا	مُظْطَلَماً مِنْهَا	مُظْطَلَمٍ مِنْهَا
۵	مُظْطَلِمَتَانِ	مُظْطَلِمَتَيْنِ	مُظْطَلِمَتَيْنِ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُمَا	مُظْطَلَماً مِنْهُمَا	مُظْطَلَمٍ مِنْهُمَا
۶	مُظْطَلِمَاتٌ	مُظْطَلِمَاتٍ	مُظْطَلِمَاتٍ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُنَّ	مُظْطَلَماً مِنْهُنَّ	مُظْطَلَمٍ مِنْهُنَّ

صفحه ۹۱	۱۴ (۲) باب إفتعال قاعده دوم خصوصی (الإظْلَام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُظْلِمٌ	مُظْلِماً	مُظْلِمٍ	مُظْلَمٌ مِنْهُ	مُظْلَماً مِنْهُ	مُظْلَمٍ مِنْهُ
۲	مُظْلِمَانِ	مُظْلِمَيْنِ	مُظْلِمَيْنِ	مُظْلَمٌ مِنْهُمَا	مُظْلَماً مِنْهُمَا	مُظْلَمٍ مِنْهُمَا
۳	مُظْلِمُوْنَ	مُظْلِمِيْنَ	مُظْلِمِيْنَ	مُظْلَمٌ مِنْهُمْ	مُظْلَماً مِنْهُمْ	مُظْلَمٍ مِنْهُمْ
۴	مُظْلِمَةٌ	مُظْلِمَةً	مُظْلِمَةٍ	مُظْلَمٌ مِنْهَا	مُظْلَماً مِنْهَا	مُظْلَمٍ مِنْهَا
۵	مُظْلِمَتَانِ	مُظْلِمَتَيْنِ	مُظْلِمَتَيْنِ	مُظْلَمٌ مِنْهُمَا	مُظْلَماً مِنْهُمَا	مُظْلَمٍ مِنْهُمَا
۶	مُظْلِمَاتٌ	مُظْلِمَاتٍ	مُظْلِمَاتٍ	مُظْلَمٌ مِنْهُنَّ	مُظْلَماً مِنْهُنَّ	مُظْلَمٍ مِنْهُنَّ

تصویر

صفحه ۹۲	۱۴ (۳) باب إفتعال قاعده دوم خصوصی (الإطِّلَام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُطَّلِمٌ	مُطَّلِماً	مُطَّلِمٍ	مُطَّلَمٌ مِنْهُ	مُطَّلَماً مِنْهُ	مُطَّلَمٍ مِنْهُ
۲	مُطَّلِمَانِ	مُطَّلِمَيْنِ	مُطَّلِمَيْنِ	مُطَّلَمٌ مِنْهُمَا	مُطَّلَماً مِنْهُمَا	مُطَّلَمٍ مِنْهُمَا
۳	مُطَّلِمُوْنَ	مُطَّلِمِيْنَ	مُطَّلِمِيْنَ	مُطَّلَمٌ مِنْهُمْ	مُطَّلَماً مِنْهُمْ	مُطَّلَمٍ مِنْهُمْ
۴	مُطَّلِمَةٌ	مُطَّلِمَةً	مُطَّلِمَةٍ	مُطَّلَمٌ مِنْهَا	مُطَّلَماً مِنْهَا	مُطَّلَمٍ مِنْهَا
۵	مُطَّلِمَتَانِ	مُطَّلِمَتَيْنِ	مُطَّلِمَتَيْنِ	مُطَّلَمٌ مِنْهُمَا	مُطَّلَماً مِنْهُمَا	مُطَّلَمٍ مِنْهُمَا
۶	مُطَّلِمَاتٌ	مُطَّلِمَاتٍ	مُطَّلِمَاتٍ	مُطَّلَمٌ مِنْهُنَّ	مُطَّلَماً مِنْهُنَّ	مُطَّلَمٍ مِنْهُنَّ

صفحه ۹۲	۱۵ (۱) باب إفتعال قاعده سوم خصوصی (الإذْدِكَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُذْدَكِرٌ	مُذْدَكِراً	مُذْدَكِرٍ	مُذْدَكَرٌ	مُذْدَكَراً	مُذْدَكَرٍ
۲	مُذْدَكِرَانِ	مُذْدَكِرَيْنِ	مُذْدَكِرَيْنِ	مُذْدَكَرَانِ	مُذْدَكَرَيْنِ	مُذْدَكَرَيْنِ
۳	مُذْدَكِرُوْنَ	مُذْدَكِرِيْنَ	مُذْدَكِرِيْنَ	مُذْدَكَرُوْنَ	مُذْدَكَرِيْنَ	مُذْدَكَرِيْنَ
۴	مُذْدَكِرَةٌ	مُذْدَكِرَةً	مُذْدَكِرَةٍ	مُذْدَكَرَةٌ	مُذْدَكَرَةً	مُذْدَكَرَةٍ
۵	مُذْدَكِرَتَانِ	مُذْدَكِرَتَيْنِ	مُذْدَكِرَتَيْنِ	مُذْدَكَرَتَانِ	مُذْدَكَرَتَيْنِ	مُذْدَكَرَتَيْنِ
۶	مُذْدَكِرَاتٌ	مُذْدَكِرَاتٍ	مُذْدَكِرَاتٍ	مُذْدَكَرَاتٌ	مُذْدَكَرَاتٍ	مُذْدَكَرَاتٍ

تصویر

صفحه ۹۳	باب إفتعال قاعده سوم خصوصی (الإدِّكَار) اسم فاعل و مفعول ۱۵ (۲)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُذَّكِرٌ	مُذَّكِراً	مُذَّكِرٍ	مُذَّكَرٌ	مُذَّكَراً	مُذَّكَرٍ
۲	مُذَّكِرَانِ	مُذَّكِرَيْنِ	مُذَّكِرَيْنِ	مُذَّكَرَانِ	مُذَّكَرَيْنِ	مُذَّكَرَيْنِ
۳	مُذَّكِرُوْنَ	مُذَّكِرِيْنَ	مُذَّكِرِيْنَ	مُذَّكَرُوْنَ	مُذَّكَرِيْنَ	مُذَّكَرِيْنَ
۴	مُذَّكِرَةٌ	مُذَّكِرَةً	مُذَّكِرَةٍ	مُذَّكَرَةٌ	مُذَّكَرَةً	مُذَّكَرَةٍ
۵	مُذَّكِرَتَانِ	مُذَّكِرَتَيْنِ	مُذَّكِرَتَيْنِ	مُذَّكَرَتَانِ	مُذَّكَرَتَيْنِ	مُذَّكَرَتَيْنِ
۶	مُذَّكِرَاتٌ	مُذَّكِرَاتِ	مُذَّكِرَاتٍ	مُذَّكَرَاتٌ	مُذَّكَرَاتِ	مُذَّكَرَاتٍ

صفحه ۹۳	باب إفتعال قاعده سوم خصوصی (الإدِّكَار) اسم فاعل و مفعول ۱۵ (۳)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَّكِرٌ	مُدَّكِراً	مُدَّكِرٍ	مُدَّكَرٌ	مُدَّكَراً	مُدَّكَرٍ
۲	مُدَّكِرَانِ	مُدَّكِرَيْنِ	مُدَّكِرَيْنِ	مُدَّكَرَانِ	مُدَّكَرَيْنِ	مُدَّكَرَيْنِ
۳	مُدَّكِرُوْنَ	مُدَّكِرِيْنَ	مُدَّكِرِيْنَ	مُدَّكَرُوْنَ	مُدَّكَرِيْنَ	مُدَّكَرِيْنَ
۴	مُدَّكِرَةٌ	مُدَّكِرَةً	مُدَّكِرَةٍ	مُدَّكَرَةٌ	مُدَّكَرَةً	مُدَّكَرَةٍ
۵	مُدَّكِرَتَانِ	مُدَّكِرَتَيْنِ	مُدَّكِرَتَيْنِ	مُدَّكَرَتَانِ	مُدَّكَرَتَيْنِ	مُدَّكَرَتَيْنِ
۶	مُدَّكِرَاتٌ	مُدَّكِرَاتِ	مُدَّكِرَاتٍ	مُدَّكَرَاتٌ	مُدَّكَرَاتِ	مُدَّكَرَاتٍ

تصویر

صفحه ۹۴	۱۶ (۱) باب إفتعال قاعده چهارم خصوصی (الإئتِنَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُئْتَئِرٌ	مُئْتَئِراً	مُئْتَئِرٍ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُ	مُئْتَأَراً مِنْهُ	مُئْتَأَرٍ مِنْهُ
۲	مُئْتَئِرَانِ	مُئْتَئِرَيْنِ	مُئْتَئِرَيْنِ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُمَا	مُئْتَأَراً مِنْهُمَا	مُئْتَأَرٍ مِنْهُمَا
۳	مُئْتَئِرُوْنَ	مُئْتَئِرِيْنَ	مُئْتَئِرِيْنَ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُمْ	مُئْتَأَراً مِنْهُمْ	مُئْتَأَرٍ مِنْهُمْ
۴	مُئْتَئِرَةٌ	مُئْتَئِرَةً	مُئْتَئِرَةٍ	مُئْتَأَرٌ مِنْهَا	مُئْتَأَراً مِنْهَا	مُئْتَأَرٍ مِنْهَا
۵	مُئْتَئِرَتَانِ	مُئْتَئِرَتَيْنِ	مُئْتَئِرَتَيْنِ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُمَا	مُئْتَأَراً مِنْهُمَا	مُئْتَأَرٍ مِنْهُمَا
۶	مُئْتَئِرَاتٌ	مُئْتَئِرَاتٍ	مُئْتَئِرَاتٍ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُنَّ	مُئْتَأَراً مِنْهُنَّ	مُئْتَأَرٍ مِنْهُنَّ

صفحه ۹۴	۱۶ (۲) باب إفتعال قاعده چهارم خصوصی (الإئتِنَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُئَبِّرٌ	مُئَبِّراً	مُئَبِّرٍ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُ	مُئَبَّأَراً مِنْهُ	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُ
۲	مُئَبِّرَانِ	مُئَبِّرَيْنِ	مُئَبِّرَيْنِ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُمَا	مُئَبَّأَراً مِنْهُمَا	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُمَا
۳	مُئَبِّرُوْنَ	مُئَبِّرِيْنَ	مُئَبِّرِيْنَ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُمْ	مُئَبَّأَراً مِنْهُمْ	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُمْ
۴	مُئَبِّرَةٌ	مُئَبِّرَةً	مُئَبِّرَةٍ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهَا	مُئَبَّأَراً مِنْهَا	مُئَبَّأَرٍ مِنْهَا
۵	مُئَبِّرَتَانِ	مُئَبِّرَتَيْنِ	مُئَبِّرَتَيْنِ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُمَا	مُئَبَّأَراً مِنْهُمَا	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُمَا
۶	مُئَبِّرَاتٌ	مُئَبِّرَاتٍ	مُئَبِّرَاتٍ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُنَّ	مُئَبَّأَراً مِنْهُنَّ	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُنَّ

تصویر



صفحه ۹۵	۱۶ (۳) باب إفتعال قاعده چهارم خصوصی (الإتِّئَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَّئِرٌ	مُتَّئِراً	مُتَّئِرٍ	مُتَّأَرٌ مِنْهُ	مُتَّأَراً مِنْهُ	مُتَّأَرٍ مِنْهُ
۲	مُتَّئِرَانِ	مُتَّئِرَيْنِ	مُتَّئِرَيْنِ	مُتَّأَرٌ مِنْهُمَا	مُتَّأَراً مِنْهُمَا	مُتَّأَرٍ مِنْهُمَا
۳	مُتَّئِرُوْنَ	مُتَّئِرِيْنَ	مُتَّئِرِيْنَ	مُتَّأَرٌ مِنْهُمْ	مُتَّأَراً مِنْهُمْ	مُتَّأَرٍ مِنْهُمْ
۴	مُتَّئِرَةٌ	مُتَّئِرَةً	مُتَّئِرَةٍ	مُتَّأَرٌ مِنْهَا	مُتَّأَراً مِنْهَا	مُتَّأَرٍ مِنْهَا
۵	مُتَّئِرَتَانِ	مُتَّئِرَتَيْنِ	مُتَّئِرَتَيْنِ	مُتَّأَرٌ مِنْهُمَا	مُتَّأَراً مِنْهُمَا	مُتَّأَرٍ مِنْهُمَا
۶	مُتَّئِرَاتٌ	مُتَّئِرَاتٍ	مُتَّئِرَاتٍ	مُتَّأَرٌ مِنْهُنَّ	مُتَّأَراً مِنْهُنَّ	مُتَّأَرٍ مِنْهُنَّ

صفحه ۹۵	۱۷ (۱) باب إفتعال قاعده پنجم خصوصی (الإخْتِصَام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخْتَصِمٌ	مُخْتَصِماً	مُخْتَصِمٍ	مُخْتَصَمٌ	مُخْتَصَماً	مُخْتَصَمٍ
۲	مُخْتَصِمَانِ	مُخْتَصِمَيْنِ	مُخْتَصِمَيْنِ	مُخْتَصَمَانِ	مُخْتَصَمَيْنِ	مُخْتَصَمَيْنِ
۳	مُخْتَصِمُوْنَ	مُخْتَصِمِيْنَ	مُخْتَصِمِيْنَ	مُخْتَصَمُوْنَ	مُخْتَصَمِيْنَ	مُخْتَصَمِيْنَ
۴	مُخْتَصِمَةٌ	مُخْتَصِمَةً	مُخْتَصِمَةٍ	مُخْتَصَمَةٌ	مُخْتَصَمَةً	مُخْتَصَمَةٍ
۵	مُخْتَصِمَتَانِ	مُخْتَصِمَتَيْنِ	مُخْتَصِمَتَيْنِ	مُخْتَصَمَتَانِ	مُخْتَصَمَتَيْنِ	مُخْتَصَمَتَيْنِ
۶	مُخْتَصِمَاتٌ	مُخْتَصِمَاتٍ	مُخْتَصِمَاتٍ	مُخْتَصَمَاتٌ	مُخْتَصَمَاتٍ	مُخْتَصَمَاتٍ

تصویر

صفحه ۹۶	۱۷ (۲) باب إفتعال قاعده پنجم خصوصی (الخَصّام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخَصِّمٌ	مُخَصِّماً	مُخَصِّمٍ	مُخَصَّمٌ بِهِ	مُخَصَّماً بِهِ	مُخَصَّمٍ بِهِ
۲	مُخَصِّمَانِ	مُخَصِّمَيْنِ	مُخَصِّمَيْنِ	مُخَصَّمٌ بِهِمَا	مُخَصَّماً بِهِمَا	مُخَصَّمٍ بِهِمَا
۳	مُخَصِّمُوْنَ	مُخَصِّمِيْنَ	مُخَصِّمِيْنَ	مُخَصَّمٌ بِهِمْ	مُخَصَّماً بِهِمْ	مُخَصَّمٍ بِهِمْ
۴	مُخَصِّمَةٌ	مُخَصِّمَةً	مُخَصِّمَةٍ	مُخَصَّمٌ بِهَا	مُخَصَّماً بِهَا	مُخَصَّمٍ بِهَا
۵	مُخَصِّمَتَانِ	مُخَصِّمَتَيْنِ	مُخَصِّمَتَيْنِ	مُخَصَّمٌ بِهِمَا	مُخَصَّماً بِهِمَا	مُخَصَّمٍ بِهِمَا
۶	مُخَصِّمَاتٌ	مُخَصِّمَاتِ	مُخَصِّمَاتٍ	مُخَصَّمٌ بِهِنَّ	مُخَصَّماً بِهِنَّ	مُخَصَّمٍ بِهِنَّ

صفحه ۹۶	۱۷ (۳) باب إفتعال قاعده پنجم خصوصی (الخِصّام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخِصِّمٌ	مُخِصِّماً	مُخِصِّمٍ	مُخَصَّمٌ بِهِ	مُخَصَّماً بِهِ	مُخَصَّمٍ بِهِ
۲	مُخِصِّمَانِ	مُخِصِّمَيْنِ	مُخِصِّمَيْنِ	مُخَصَّمٌ بِهِمَا	مُخَصَّماً بِهِمَا	مُخَصَّمٍ بِهِمَا
۳	مُخِصِّمُوْنَ	مُخِصِّمِيْنَ	مُخِصِّمِيْنَ	مُخَصَّمٌ بِهِمْ	مُخَصَّماً بِهِمْ	مُخَصَّمٍ بِهِمْ
۴	مُخِصِّمَةٌ	مُخِصِّمَةً	مُخِصِّمَةٍ	مُخَصَّمٌ بِهَا	مُخَصَّماً بِهَا	مُخَصَّمٍ بِهَا
۵	مُخِصِّمَتَانِ	مُخِصِّمَتَيْنِ	مُخِصِّمَتَيْنِ	مُخَصَّمٌ بِهِمَا	مُخَصَّماً بِهِمَا	مُخَصَّمٍ بِهِمَا
۶	مُخِصِّمَاتٌ	مُخِصِّمَاتِ	مُخِصِّمَاتٍ	مُخَصَّمٌ بِهِنَّ	مُخَصَّماً بِهِنَّ	مُخَصَّمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۹۷	۱	باب إنفعال سالم (الإنْصِرَاف) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْصَرِفٌ	مُنْصَرِفاً	مُنْصَرِفٍ		مُنْصَرَفٌ بِهِ	مُنْصَرَفاً بِهِ	مُنْصَرَفٍ بِهِ
۲	مُنْصَرِفَانِ	مُنْصَرِفَيْنِ	مُنْصَرِفَيْنِ		مُنْصَرَفٌ بِهِمَا	مُنْصَرَفاً بِهِمَا	مُنْصَرَفٍ بِهِمَا
۳	مُنْصَرِفُوْنَ	مُنْصَرِفِيْنَ	مُنْصَرِفِيْنَ		مُنْصَرَفٌ بِهِمْ	مُنْصَرَفاً بِهِمْ	مُنْصَرَفٍ بِهِمْ
۴	مُنْصَرِفَةٌ	مُنْصَرِفَةً	مُنْصَرِفَةٍ		مُنْصَرَفٌ بِهَا	مُنْصَرَفاً بِهَا	مُنْصَرَفٍ بِهَا
۵	مُنْصَرِفَتَانِ	مُنْصَرِفَتَيْنِ	مُنْصَرِفَتَيْنِ		مُنْصَرَفٌ بِهِمَا	مُنْصَرَفاً بِهِمَا	مُنْصَرَفٍ بِهِمَا
۶	مُنْصَرِفَاتٌ	مُنْصَرِفَاتٍ	مُنْصَرِفَاتٍ		مُنْصَرَفٌ بِهِنَّ	مُنْصَرَفاً بِهِنَّ	مُنْصَرَفٍ بِهِنَّ

صفحه ۹۷	۲	باب إنفعال مضاعف (الإنْضِمَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْضَمٌّ	مُنْضَمّاً	مُنْضَمٍّ		مُنْضَمٌّ بِهِ	مُنْضَمّاً بِهِ	مُنْضَمٍّ بِهِ
۲	مُنْضَمَّانِ	مُنْضَمَّيْنِ	مُنْضَمَّيْنِ		مُنْضَمٌّ بِهِمَا	مُنْضَمّاً بِهِمَا	مُنْضَمٍّ بِهِمَا
۳	مُنْضَمُّوْنَ	مُنْضَمِّيْنَ	مُنْضَمِّيْنَ		مُنْضَمٌّ بِهِمْ	مُنْضَمّاً بِهِمْ	مُنْضَمٍّ بِهِمْ
۴	مُنْضَمَّةٌ	مُنْضَمَّةً	مُنْضَمَّةٍ		مُنْضَمٌّ بِهَا	مُنْضَمّاً بِهَا	مُنْضَمٍّ بِهَا
۵	مُنْضَمَّتَانِ	مُنْضَمَّتَيْنِ	مُنْضَمَّتَيْنِ		مُنْضَمٌّ بِهِمَا	مُنْضَمّاً بِهِمَا	مُنْضَمٍّ بِهِمَا
۶	مُنْضَمَّاتٌ	مُنْضَمَّاتٍ	مُنْضَمَّاتٍ		مُنْضَمٌّ بِهِنَّ	مُنْضَمّاً بِهِنَّ	مُنْضَمٍّ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۹۸	۳	باب إنفعال اجوف واوی (الإنْقِيَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْقَادٌ	مُنْقَاداً	مُنْقَادٍ	مُنْقَادٌ بِهِ	مُنْقَاداً بِهِ	مُنْقَادٍ بِهِ
۲	مُنْقَادَانِ	مُنْقَادَيْنِ	مُنْقَادَيْنِ	مُنْقَادٌ بِهِمَا	مُنْقَاداً بِهِمَا	مُنْقَادٍ بِهِمَا
۳	مُنْقَادُوْنَ	مُنْقَادِيْنَ	مُنْقَادِيْنَ	مُنْقَادٌ بِهِمْ	مُنْقَاداً بِهِمْ	مُنْقَادٍ بِهِمْ
۴	مُنْقَادَةٌ	مُنْقَادَةً	مُنْقَادَةٍ	مُنْقَادٌ بِهَا	مُنْقَاداً بِهَا	مُنْقَادٍ بِهَا
۵	مُنْقَادَتَانِ	مُنْقَادَتَيْنِ	مُنْقَادَتَيْنِ	مُنْقَادٌ بِهِمَا	مُنْقَاداً بِهِمَا	مُنْقَادٍ بِهِمَا
۶	مُنْقَادَاتٌ	مُنْقَادَاتٍ	مُنْقَادَاتٍ	مُنْقَادٌ بِهِنَّ	مُنْقَاداً بِهِنَّ	مُنْقَادٍ بِهِنَّ

صفحه ۹۸	۴	باب إنفعال اجوف یایی (الإنْبِيَاع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْبَاعٌ	مُنْبَاعاً	مُنْبَاعٍ	مُنْبَاعٌ بِهِ	مُنْبَاعاً بِهِ	مُنْبَاعٍ بِهِ
۲	مُنْبَاعَانِ	مُنْبَاعَيْنِ	مُنْبَاعَيْنِ	مُنْبَاعٌ بِهِمَا	مُنْبَاعاً بِهِمَا	مُنْبَاعٍ بِهِمَا
۳	مُنْبَاعُوْنَ	مُنْبَاعِيْنَ	مُنْبَاعِيْنَ	مُنْبَاعٌ بِهِمْ	مُنْبَاعاً بِهِمْ	مُنْبَاعٍ بِهِمْ
۴	مُنْبَاعَةٌ	مُنْبَاعَةً	مُنْبَاعَةٍ	مُنْبَاعٌ بِهَا	مُنْبَاعاً بِهَا	مُنْبَاعٍ بِهَا
۵	مُنْبَاعَتَانِ	مُنْبَاعَتَيْنِ	مُنْبَاعَتَيْنِ	مُنْبَاعٌ بِهِمَا	مُنْبَاعاً بِهِمَا	مُنْبَاعٍ بِهِمَا
۶	مُنْبَاعَاتٌ	مُنْبَاعَاتٍ	مُنْبَاعَاتٍ	مُنْبَاعٌ بِهِنَّ	مُنْبَاعاً بِهِنَّ	مُنْبَاعٍ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۹۹	۵(۱) باب إنفعال ناقص واوی (الإنْدِعَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْدَعٍ	مُنْدَعِياً	مُنْدَعٍ	مُنْدَعىً بِهِ	مُنْدَعىً بِهِ	مُنْدَعىً بِهِ
۲	مُنْدَعِيَانِ	مُنْدَعِيَيْنِ	مُنْدَعِيَيْنِ	مُنْدَعىً بِهِمَا	مُنْدَعىً بِهِمَا	مُنْدَعىً بِهِمَا
۳	مُنْدَعُوْنَ	مُنْدَعِيْنَ	مُنْدَعِيْنَ	مُنْدَعىً بِهِمْ	مُنْدَعىً بِهِمْ	مُنْدَعىً بِهِمْ
۴	مُنْدَعِيَةٌ	مُنْدَعِيَةً	مُنْدَعِيَةٍ	مُنْدَعىً بِهَا	مُنْدَعىً بِهَا	مُنْدَعىً بِهَا
۵	مُنْدَعِيَتَانِ	مُنْدَعِيَتَيْنِ	مُنْدَعِيَتَيْنِ	مُنْدَعىً بِهِمَا	مُنْدَعىً بِهِمَا	مُنْدَعىً بِهِمَا
۶	مُنْدَعِيَاتٌ	مُنْدَعِيَاتِ	مُنْدَعِيَاتٍ	مُنْدَعىً بِهِنَّ	مُنْدَعىً بِهِنَّ	مُنْدَعىً بِهِنَّ

صفحه ۹۹	۵(۲) باب إنفعال ناقص واوی (الإنْدِعَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُنْدَعِي	الـمُنْدَعِيَ	الـمُنْدَعِي	الـمُنْدَعىً بِهِ	الـمُنْدَعىً بِهِ	الـمُنْدَعىً بِهِ
۲	الـمُنْدَعِيَانِ	الـمُنْدَعِيَيْنِ	الـمُنْدَعِيَيْنِ	الـمُنْدَعىً بِهِمَا	الـمُنْدَعىً بِهِمَا	الـمُنْدَعىً بِهِمَا
۳	الـمُنْدَعُوْنَ	الـمُنْدَعِيْنَ	الـمُنْدَعِيْنَ	الـمُنْدَعىً بِهِمْ	الـمُنْدَعىً بِهِمْ	الـمُنْدَعىً بِهِمْ
۴	الـمُنْدَعِيَةُ	الـمُنْدَعِيَةً	الـمُنْدَعِيَةِ	الـمُنْدَعىً بِهَا	الـمُنْدَعىً بِهَا	الـمُنْدَعىً بِهَا
۵	الـمُنْدَعِيَتَانِ	الـمُنْدَعِيَتَيْنِ	الـمُنْدَعِيَتَيْنِ	الـمُنْدَعىً بِهِمَا	الـمُنْدَعىً بِهِمَا	الـمُنْدَعىً بِهِمَا
۶	الـمُنْدَعِيَاتُ	الـمُنْدَعِيَاتِ	الـمُنْدَعِيَاتِ	الـمُنْدَعىً بِهِنَّ	الـمُنْدَعىً بِهِنَّ	الـمُنْدَعىً بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۰	۶ (۱) باب إنفعال ناقص یایی (الإنْحِنَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْحَنٍ	مُنْحَنِياً	مُنْحَنٍ	مُنْحَنًى بِهِ	مُنْحَنًى بِهِ	مُنْحَنًى بِهِ
۲	مُنْحَنِيَانِ	مُنْحَنِيَيْنِ	مُنْحَنِيَيْنِ	مُنْحَنًى بِهِمَا	مُنْحَنًى بِهِمَا	مُنْحَنًى بِهِمَا
۳	مُنْحَنُوْنَ	مُنْحَنِيْنَ	مُنْحَنِيْنَ	مُنْحَنًى بِهِمْ	مُنْحَنًى بِهِمْ	مُنْحَنًى بِهِمْ
۴	مُنْحَنِيَةٌ	مُنْحَنِيَةً	مُنْحَنِيَةٍ	مُنْحَنًى بِهَا	مُنْحَنًى بِهَا	مُنْحَنًى بِهَا
۵	مُنْحَنِيَتَانِ	مُنْحَنِيَتَيْنِ	مُنْحَنِيَتَيْنِ	مُنْحَنًى بِهِمَا	مُنْحَنًى بِهِمَا	مُنْحَنًى بِهِمَا
۶	مُنْحَنِيَاتٌ	مُنْحَنِيَاتٍ	مُنْحَنِيَاتٍ	مُنْحَنًى بِهِنَّ	مُنْحَنًى بِهِنَّ	مُنْحَنًى بِهِنَّ

صفحه ۱۰۰	۶ (۲) باب إنفعال ناقص یایی (الإنْحِنَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُنْحَنِي	الْمُنْحَنِيَ	الْمُنْحَنِي	الْمُنْحَنَى بِهِ	الْمُنْحَنَى بِهِ	الْمُنْحَنَى بِهِ
۲	الْمُنْحَنِيَانِ	الْمُنْحَنِيَيْنِ	الْمُنْحَنِيَيْنِ	الْمُنْحَنَى بِهِمَا	الْمُنْحَنَى بِهِمَا	الْمُنْحَنَى بِهِمَا
۳	الْمُنْحَنُوْنَ	الْمُنْحَنِيْنَ	الْمُنْحَنِيْنَ	الْمُنْحَنَى بِهِمْ	الْمُنْحَنَى بِهِمْ	الْمُنْحَنَى بِهِمْ
۴	الْمُنْحَنِيَةُ	الْمُنْحَنِيَةَ	الْمُنْحَنِيَةِ	الْمُنْحَنَى بِهَا	الْمُنْحَنَى بِهَا	الْمُنْحَنَى بِهَا
۵	الْمُنْحَنِيَتَانِ	الْمُنْحَنِيَتَيْنِ	الْمُنْحَنِيَتَيْنِ	الْمُنْحَنَى بِهِمَا	الْمُنْحَنَى بِهِمَا	الْمُنْحَنَى بِهِمَا
۶	الْمُنْحَنِيَاتُ	الْمُنْحَنِيَاتِ	الْمُنْحَنِيَاتِ	الْمُنْحَنَى بِهِنَّ	الْمُنْحَنَى بِهِنَّ	الْمُنْحَنَى بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۱	۷ (۱) باب إنفعال لفيف مقرون (الإنْشِوَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْشَوٍ	مُنْشَوِياً	مُنْشَوٍ	مُنْشَوىً بِهِ	مُنْشَوىً بِهِ	مُنْشَوىً بِهِ
۲	مُنْشَوِيَانِ	مُنْشَوِيَيْنِ	مُنْشَوِيَيْنِ	مُنْشَوىً بِهِمَا	مُنْشَوىً بِهِمَا	مُنْشَوىً بِهِمَا
۳	مُنْشَوُوْنَ	مُنْشَوِيْنَ	مُنْشَوِيْنَ	مُنْشَوىً بِهِمْ	مُنْشَوىً بِهِمْ	مُنْشَوىً بِهِمْ
۴	مُنْشَوِيَةٌ	مُنْشَوِيَةً	مُنْشَوِيَةٍ	مُنْشَوىً بِهَا	مُنْشَوىً بِهَا	مُنْشَوىً بِهَا
۵	مُنْشَوِيَتَانِ	مُنْشَوِيَتَيْنِ	مُنْشَوِيَتَيْنِ	مُنْشَوىً بِهِمَا	مُنْشَوىً بِهِمَا	مُنْشَوىً بِهِمَا
۶	مُنْشَوِيَاتٌ	مُنْشَوِيَاتِ	مُنْشَوِيَاتٍ	مُنْشَوىً بِهِنَّ	مُنْشَوىً بِهِنَّ	مُنْشَوىً بِهِنَّ

صفحه ۱۰۱	۷ (۲) باب إنفعال لفيف مقرون (الإنْشِوَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُنْشَوِي	الـمُنْشَوِىَ	الـمُنْشَوِي	الـمُنْشَوىٰ بِهِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِ
۲	الـمُنْشَوِيَانِ	الـمُنْشَوِيَيْنِ	الـمُنْشَوِيَيْنِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا
۳	الـمُنْشَوُوْنَ	الـمُنْشَوِيْنَ	الـمُنْشَوِيْنَ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمْ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمْ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمْ
۴	الـمُنْشَوِيَةُ	الـمُنْشَوِيَةَ	الـمُنْشَوِيَةِ	الـمُنْشَوىٰ بِهَا	الـمُنْشَوىٰ بِهَا	الـمُنْشَوىٰ بِهَا
۵	الـمُنْشَوِيَتَانِ	الـمُنْشَوِيَتَيْنِ	الـمُنْشَوِيَتَيْنِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا
۶	الـمُنْشَوِيَاتُ	الـمُنْشَوِيَاتِ	الـمُنْشَوِيَاتِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِنَّ	الـمُنْشَوىٰ بِهِنَّ	الـمُنْشَوىٰ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۰۲	۸	باب إنفعال مهموز العين (الإنْجِئَاث) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْجَئِثٌ	مُنْجَئِثاً	مُنْجَئِثٍ		مُنْجَأَثٌ بِهِ	مُنْجَأَثاً بِهِ	مُنْجَأَثٍ بِهِ
۲	مُنْجَئِثَانِ	مُنْجَئِثَيْنِ	مُنْجَئِثَيْنِ		مُنْجَأَثٌ بِهِمَا	مُنْجَأَثاً بِهِمَا	مُنْجَأَثٍ بِهِمَا
۳	مُنْجَئِثُوْنَ	مُنْجَئِثِيْنَ	مُنْجَئِثِيْنَ		مُنْجَأَثٌ بِهِمْ	مُنْجَأَثاً بِهِمْ	مُنْجَأَثٍ بِهِمْ
۴	مُنْجَئِثَةٌ	مُنْجَئِثَةً	مُنْجَئِثَةٍ		مُنْجَأَثٌ بِهَا	مُنْجَأَثاً بِهَا	مُنْجَأَثٍ بِهَا
۵	مُنْجَئِثَتَانِ	مُنْجَئِثَتَيْنِ	مُنْجَئِثَتَيْنِ		مُنْجَأَثٌ بِهِمَا	مُنْجَأَثاً بِهِمَا	مُنْجَأَثٍ بِهِمَا
۶	مُنْجَئِثَاتٌ	مُنْجَئِثَاتٍ	مُنْجَئِثَاتٍ		مُنْجَأَثٌ بِهِنَّ	مُنْجَأَثاً بِهِنَّ	مُنْجَأَثٍ بِهِنَّ



صفحه ۱۰۲	۹(۱)	باب إنفعال مهموز اللام (الإنْخِسَاء) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْخَسِئٌ	مُنْخَسِئاً	مُنْخَسِئٍ		مُنْخَسَأٌ بِهِ	مُنْخَسَأً بِهِ	مُنْخَسَإٍ بِهِ
۲	مُنْخَسِئَانِ	مُنْخَسِئَيْنِ	مُنْخَسِئَيْنِ		مُنْخَسَأٌ بِهِمَا	مُنْخَسَأً بِهِمَا	مُنْخَسَإٍ بِهِمَا
۳	مُنْخَسِئُوْنَ	مُنْخَسِئِيْنَ	مُنْخَسِئِيْنَ		مُنْخَسَأٌ بِهِمْ	مُنْخَسَأً بِهِمْ	مُنْخَسَإٍ بِهِمْ
۴	مُنْخَسِئَةٌ	مُنْخَسِئَةً	مُنْخَسِئَةٍ		مُنْخَسَأٌ بِهَا	مُنْخَسَأً بِهَا	مُنْخَسَإٍ بِهَا
۵	مُنْخَسِئَتَانِ	مُنْخَسِئَتَيْنِ	مُنْخَسِئَتَيْنِ		مُنْخَسَأٌ بِهِمَا	مُنْخَسَأً بِهِمَا	مُنْخَسَإٍ بِهِمَا
۶	مُنْخَسِئَاتٌ	مُنْخَسِئَاتٍ	مُنْخَسِئَاتٍ		مُنْخَسَأٌ بِهِنَّ	مُنْخَسَأً بِهِنَّ	مُنْخَسَإٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۳	۹(۲) باب إنفعال مهموز اللام (الإنْخِسَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْخَسٍ	مُنْخَسِياً	مُنْخَسٍ		مُنْخَسىً بِهِ	مُنْخَسىً بِهِ	مُنْخَسىً بِهِ
۲	مُنْخَسِيَانِ	مُنْخَسِيَيْنِ	مُنْخَسِيَيْنِ		مُنْخَسىً بِهِمَا	مُنْخَسىً بِهِمَا	مُنْخَسىً بِهِمَا
۳	مُنْخَسُوْنَ	مُنْخَسِيْنَ	مُنْخَسِيْنَ		مُنْخَسىً بِهِمْ	مُنْخَسىً بِهِمْ	مُنْخَسىً بِهِمْ
۴	مُنْخَسِيَةٌ	مُنْخَسِيَةً	مُنْخَسِيَةٍ		مُنْخَسىً بِهَا	مُنْخَسىً بِهَا	مُنْخَسىً بِهَا
۵	مُنْخَسِيَتَانِ	مُنْخَسِيَتَيْنِ	مُنْخَسِيَتَيْنِ		مُنْخَسىً بِهِمَا	مُنْخَسىً بِهِمَا	مُنْخَسىً بِهِمَا
۶	مُنْخَسِيَاتٌ	مُنْخَسِيَاتٍ	مُنْخَسِيَاتٍ		مُنْخَسىً بِهِنَّ	مُنْخَسىً بِهِنَّ	مُنْخَسىً بِهِنَّ

صفحه ۱۰۳	۹(۳) باب إنفعال مهموز اللام (الإنْخِسَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُنْخَسِي	الْمُنْخَسِىَ	الْمُنْخَسِي		الْمُنْخَسىٰ بِهِ	الْمُنْخَسىٰ بِهِ	الْمُنْخَسىٰ بِهِ
۲	الْمُنْخَسِيَانِ	الْمُنْخَسِيَيْنِ	الْمُنْخَسِيَيْنِ		الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا	الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا	الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا
۳	الْمُنْخَسُوْنَ	الْمُنْخَسِيْنَ	الْمُنْخَسِيْنَ		الْمُنْخَسىٰ بِهِمْ	الْمُنْخَسىٰ بِهِمْ	الْمُنْخَسىٰ بِهِمْ
۴	الْمُنْخَسِيَةُ	الْمُنْخَسِيَةَ	الْمُنْخَسِيَةِ		الْمُنْخَسىٰ بِهَا	الْمُنْخَسىٰ بِهَا	الْمُنْخَسىٰ بِهَا
۵	الْمُنْخَسِيَتَانِ	الْمُنْخَسِيَتَيْنِ	الْمُنْخَسِيَتَيْنِ		الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا	الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا	الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا
۶	الْمُنْخَسِيَاتُ	الْمُنْخَسِيَاتِ	الْمُنْخَسِيَاتِ		الْمُنْخَسىٰ بِهِنَّ	الْمُنْخَسىٰ بِهِنَّ	الْمُنْخَسىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۴	۱	باب تفعّل سالم (التّعَجُّل) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَعَجِّلٌ	مُتَعَجِّلاً	مُتَعَجِّلٍ		مُتَعَجَّلٌ	مُتَعَجَّلاً	مُتَعَجَّلٍ
۲	مُتَعَجِّلَانِ	مُتَعَجِّلَيْنِ	مُتَعَجِّلَيْنِ		مُتَعَجَّلَانِ	مُتَعَجَّلَيْنِ	مُتَعَجَّلَيْنِ
۳	مُتَعَجِّلُوْنَ	مُتَعَجِّلِيْنَ	مُتَعَجِّلِيْنَ		مُتَعَجَّلُوْنَ	مُتَعَجَّلِيْنَ	مُتَعَجَّلِيْنَ
۴	مُتَعَجِّلَةٌ	مُتَعَجِّلَةً	مُتَعَجِّلَةٍ		مُتَعَجَّلَةٌ	مُتَعَجَّلَةً	مُتَعَجَّلَةٍ
۵	مُتَعَجِّلَتَانِ	مُتَعَجِّلَتَيْنِ	مُتَعَجِّلَتَيْنِ		مُتَعَجَّلَتَانِ	مُتَعَجَّلَتَيْنِ	مُتَعَجَّلَتَيْنِ
۶	مُتَعَجِّلَاتٌ	مُتَعَجِّلَاتِ	مُتَعَجِّلَاتٍ		مُتَعَجَّلَاتٌ	مُتَعَجَّلَاتِ	مُتَعَجَّلَاتٍ

صفحه ۱۰۴	۲	باب تفعّل مضاعف (التّكَرُّر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَكَرِّرٌ	مُتَكَرِّراً	مُتَكَرِّرٍ		مُتَكَرَّرٌ بِهِ	مُتَكَرَّراً بِهِ	مُتَكَرَّرٍ بِهِ
۲	مُتَكَرِّرَانِ	مُتَكَرِّرَيْنِ	مُتَكَرِّرَيْنِ		مُتَكَرَّرٌ بِهِمَا	مُتَكَرَّراً بِهِمَا	مُتَكَرَّرٍ بِهِمَا
۳	مُتَكَرِّرُوْنَ	مُتَكَرِّرِيْنَ	مُتَكَرِّرِيْنَ		مُتَكَرَّرٌ بِهِمْ	مُتَكَرَّراً بِهِمْ	مُتَكَرَّرٍ بِهِمْ
۴	مُتَكَرِّرَةٌ	مُتَكَرِّرَةً	مُتَكَرِّرَةٍ		مُتَكَرَّرٌ بِهَا	مُتَكَرَّراً بِهَا	مُتَكَرَّرٍ بِهَا
۵	مُتَكَرِّرَتَانِ	مُتَكَرِّرَتَيْنِ	مُتَكَرِّرَتَيْنِ		مُتَكَرَّرٌ بِهِمَا	مُتَكَرَّراً بِهِمَا	مُتَكَرَّرٍ بِهِمَا
۶	مُتَكَرِّرَاتٌ	مُتَكَرِّرَاتِ	مُتَكَرِّرَاتٍ		مُتَكَرَّرٌ بِهِنَّ	مُتَكَرَّراً بِهِنَّ	مُتَكَرَّرٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۵	۳	باب تفعّل مثال واوی (التّوَعُّد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَوَعِّدٌ	مُتَوَعِّداً	مُتَوَعِّدٍ		مُتَوَعَّدٌ	مُتَوَعَّداً	مُتَوَعَّدٍ
۲	مُتَوَعِّدَانِ	مُتَوَعِّدَيْنِ	مُتَوَعِّدَيْنِ		مُتَوَعَّدَانِ	مُتَوَعَّدَيْنِ	مُتَوَعَّدَيْنِ
۳	مُتَوَعِّدُوْنَ	مُتَوَعِّدِيْنَ	مُتَوَعِّدِيْنَ		مُتَوَعَّدُوْنَ	مُتَوَعَّدِيْنَ	مُتَوَعَّدِيْنَ
۴	مُتَوَعِّدَةٌ	مُتَوَعِّدَةً	مُتَوَعِّدَةٍ		مُتَوَعَّدَةٌ	مُتَوَعَّدَةً	مُتَوَعَّدَةٍ
۵	مُتَوَعِّدَتَانِ	مُتَوَعِّدَتَيْنِ	مُتَوَعِّدَتَيْنِ		مُتَوَعَّدَتَانِ	مُتَوَعَّدَتَيْنِ	مُتَوَعَّدَتَيْنِ
۶	مُتَوَعِّدَاتٌ	مُتَوَعِّدَاتٍ	مُتَوَعِّدَاتٍ		مُتَوَعَّدَاتٌ	مُتَوَعَّدَاتٍ	مُتَوَعَّدَاتٍ

صفحه ۱۰۵	۴	باب تفعّل مثال یایی (التّیَسُّر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَيَسِّرٌ	مُتَيَسِّراً	مُتَيَسِّرٍ		مُتَيَسَّرٌ بِهِ	مُتَيَسَّراً بِهِ	مُتَيَسَّرٍ بِهِ
۲	مُتَيَسِّرَانِ	مُتَيَسِّرَيْنِ	مُتَيَسِّرَيْنِ		مُتَيَسَّرٌ بِهِمَا	مُتَيَسَّراً بِهِمَا	مُتَيَسَّرٍ بِهِمَا
۳	مُتَيَسِّرُوْنَ	مُتَيَسِّرِيْنَ	مُتَيَسِّرِيْنَ		مُتَيَسَّرٌ بِهِمْ	مُتَيَسَّراً بِهِمْ	مُتَيَسَّرٍ بِهِمْ
۴	مُتَيَسِّرَةٌ	مُتَيَسِّرَةً	مُتَيَسِّرَةٍ		مُتَيَسَّرٌ بِهَا	مُتَيَسَّراً بِهَا	مُتَيَسَّرٍ بِهَا
۵	مُتَيَسِّرَتَانِ	مُتَيَسِّرَتَيْنِ	مُتَيَسِّرَتَيْنِ		مُتَيَسَّرٌ بِهِمَا	مُتَيَسَّراً بِهِمَا	مُتَيَسَّرٍ بِهِمَا
۶	مُتَيَسِّرَاتٌ	مُتَيَسِّرَاتٍ	مُتَيَسِّرَاتٍ		مُتَيَسَّرٌ بِهِنَّ	مُتَيَسَّراً بِهِنَّ	مُتَيَسَّرٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۶	۵	باب تفعّل اجوف واوی (التّخَوّف) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَخَوِّفٌ	مُتَخَوِّفاً	مُتَخَوِّفٍ		مُتَخَوَّفٌ	مُتَخَوَّفاً	مُتَخَوَّفٍ
۲	مُتَخَوِّفَانِ	مُتَخَوِّفَيْنِ	مُتَخَوِّفَيْنِ		مُتَخَوَّفَانِ	مُتَخَوَّفَيْنِ	مُتَخَوَّفَيْنِ
۳	مُتَخَوِّفُوْنَ	مُتَخَوِّفِيْنَ	مُتَخَوِّفِيْنَ		مُتَخَوَّفُوْنَ	مُتَخَوَّفِيْنَ	مُتَخَوَّفِيْنَ
۴	مُتَخَوِّفَةٌ	مُتَخَوِّفَةً	مُتَخَوِّفَةٍ		مُتَخَوَّفَةٌ	مُتَخَوَّفَةً	مُتَخَوَّفَةٍ
۵	مُتَخَوِّفَتَانِ	مُتَخَوِّفَتَيْنِ	مُتَخَوِّفَتَيْنِ		مُتَخَوَّفَتَانِ	مُتَخَوَّفَتَيْنِ	مُتَخَوَّفَتَيْنِ
۶	مُتَخَوِّفَاتٌ	مُتَخَوِّفَاتٍ	مُتَخَوِّفَاتٍ		مُتَخَوَّفَاتٌ	مُتَخَوَّفَاتٍ	مُتَخَوَّفَاتٍ

صفحه ۱۰۶	۶	باب تفعّل اجوف یایی (التّهَیّب) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَهَيِّبٌ	مُتَهَيِّباً	مُتَهَيِّبٍ		مُتَهَيَّبٌ	مُتَهَيَّباً	مُتَهَيَّبٍ
۲	مُتَهَيِّبَانِ	مُتَهَيِّبَيْنِ	مُتَهَيِّبَيْنِ		مُتَهَيَّبَانِ	مُتَهَيَّبَيْنِ	مُتَهَيَّبَيْنِ
۳	مُتَهَيِّبُوْنَ	مُتَهَيِّبِيْنَ	مُتَهَيِّبِيْنَ		مُتَهَيَّبُوْنَ	مُتَهَيَّبِيْنَ	مُتَهَيَّبِيْنَ
۴	مُتَهَيِّبَةٌ	مُتَهَيِّبَةً	مُتَهَيِّبَةٍ		مُتَهَيَّبَةٌ	مُتَهَيَّبَةً	مُتَهَيَّبَةٍ
۵	مُتَهَيِّبَتَانِ	مُتَهَيِّبَتَيْنِ	مُتَهَيِّبَتَيْنِ		مُتَهَيَّبَتَانِ	مُتَهَيَّبَتَيْنِ	مُتَهَيَّبَتَيْنِ
۶	مُتَهَيِّبَاتٌ	مُتَهَيِّبَاتٍ	مُتَهَيِّبَاتٍ		مُتَهَيَّبَاتٌ	مُتَهَيَّبَاتٍ	مُتَهَيَّبَاتٍ

تصویر

صفحه ۱۰۷	۷ (۱) باب تفعّل ناقص واوی (التّدَعّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَدَعٍّ	مُتَدَعِّياً	مُتَدَعٍّ	مُتَدَعّىً بِهِ	مُتَدَعّىً بِهِ	مُتَدَعّىً بِهِ
۲	مُتَدَعِّيَانِ	مُتَدَعِّيَيْنِ	مُتَدَعِّيَيْنِ	مُتَدَعّىً بِهِمَا	مُتَدَعّىً بِهِمَا	مُتَدَعّىً بِهِمَا
۳	مُتَدَعُّوْنَ	مُتَدَعِّيْنَ	مُتَدَعِّيْنَ	مُتَدَعّىً بِهِمْ	مُتَدَعّىً بِهِمْ	مُتَدَعّىً بِهِمْ
۴	مُتَدَعِّيَةٌ	مُتَدَعِّيَةً	مُتَدَعِّيَةٍ	مُتَدَعّىً بِهَا	مُتَدَعّىً بِهَا	مُتَدَعّىً بِهَا
۵	مُتَدَعِّيَتَانِ	مُتَدَعِّيَتَيْنِ	مُتَدَعِّيَتَيْنِ	مُتَدَعّىً بِهِمَا	مُتَدَعّىً بِهِمَا	مُتَدَعّىً بِهِمَا
۶	مُتَدَعِّيَاتٌ	مُتَدَعِّيَاتٍ	مُتَدَعِّيَاتٍ	مُتَدَعّىً بِهِنَّ	مُتَدَعّىً بِهِنَّ	مُتَدَعّىً بِهِنَّ

صفحه ۱۰۷	۷ (۲) باب تفعّل ناقص واوی (التّدَعّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَدَعِّي	الْمُتَدَعِّيَ	الْمُتَدَعِّي	الْمُتَدَعّىً بِهِ	الْمُتَدَعّىً بِهِ	الْمُتَدَعّىً بِهِ
۲	الْمُتَدَعِّيَانِ	الْمُتَدَعِّيَيْنِ	الْمُتَدَعِّيَيْنِ	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا
۳	الْمُتَدَعُّوْنَ	الْمُتَدَعِّيْنَ	الْمُتَدَعِّيْنَ	الْمُتَدَعّىً بِهِمْ	الْمُتَدَعّىً بِهِمْ	الْمُتَدَعّىً بِهِمْ
۴	الْمُتَدَعِّيَةُ	الْمُتَدَعِّيَةَ	الْمُتَدَعِّيَةِ	الْمُتَدَعّىً بِهَا	الْمُتَدَعّىً بِهَا	الْمُتَدَعّىً بِهَا
۵	الْمُتَدَعِّيَتَانِ	الْمُتَدَعِّيَتَيْنِ	الْمُتَدَعِّيَتَيْنِ	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا
۶	الْمُتَدَعِّيَاتُ	الْمُتَدَعِّيَاتِ	الْمُتَدَعِّيَاتِ	الْمُتَدَعّىً بِهِنَّ	الْمُتَدَعّىً بِهِنَّ	الْمُتَدَعّىً بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۰۸	۸(۱) باب تفعّل ناقص یایی (التّخَشّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَخَشِّ	مُتَخَشِّياً	مُتَخَشِّ	مُتَخَشّىً	مُتَخَشّىً	مُتَخَشّىً
۲	مُتَخَشِّيَانِ	مُتَخَشِّيَيْنِ	مُتَخَشِّيَيْنِ	مُتَخَشَّيَانِ	مُتَخَشَّيَيْنِ	مُتَخَشَّيَيْنِ
۳	مُتَخَشُّوْنَ	مُتَخَشِّيْنَ	مُتَخَشِّيْنَ	مُتَخَشَّوْنَ	مُتَخَشَّيْنَ	مُتَخَشَّيْنَ
۴	مُتَخَشِّيَةٌ	مُتَخَشِّيَةً	مُتَخَشِّيَةٍ	مُتَخَشَّاةٌ	مُتَخَشَّاةً	مُتَخَشَّاةٍ
۵	مُتَخَشِّيَتَانِ	مُتَخَشِّيَتَيْنِ	مُتَخَشِّيَتَيْنِ	مُتَخَشَّاتَانِ	مُتَخَشَّاتَيْنِ	مُتَخَشَّاتَيْنِ
۶	مُتَخَشِّيَاتٌ	مُتَخَشِّيَاتٍ	مُتَخَشِّيَاتٍ	مُتَخَشَّيَاتٌ	مُتَخَشَّيَاتٍ	مُتَخَشَّيَاتٍ



صفحه ۱۰۸	۸(۲) باب تفعّل ناقص واوی (التّخَشّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَخَشِّي	الْمُتَخَشِّىَ	الْمُتَخَشِّي	الْمُتَخَشَّىٰ	الْمُتَخَشَّىٰ	الْمُتَخَشَّىٰ
۲	الْمُتَخَشِّيَانِ	الْمُتَخَشِّيَيْنِ	الْمُتَخَشِّيَيْنِ	الْمُتَخَشَّيَانِ	الْمُتَخَشَّيَيْنِ	الْمُتَخَشَّيَيْنِ
۳	الْمُتَخَشُّوْنَ	الْمُتَخَشِّيْنَ	الْمُتَخَشِّيْنَ	الْمُتَخَشَّوْنَ	الْمُتَخَشَّيْنَ	الْمُتَخَشَّيْنَ
۴	الْمُتَخَشِّيَةُ	الْمُتَخَشِّيَةَ	الْمُتَخَشِّيَةِ	الْمُتَخَشَّاةُ	الْمُتَخَشَّاةَ	الْمُتَخَشَّاةِ
۵	الْمُتَخَشِّيَتَانِ	الْمُتَخَشِّيَتَيْنِ	الْمُتَخَشِّيَتَيْنِ	الْمُتَخَشَّاتَانِ	الْمُتَخَشَّاتَيْنِ	الْمُتَخَشَّاتَيْنِ
۶	الْمُتَخَشِّيَاتُ	الْمُتَخَشِّيَاتِ	الْمُتَخَشِّيَاتِ	الْمُتَخَشَّيَاتُ	الْمُتَخَشَّيَاتِ	الْمُتَخَشَّيَاتِ

تصویر



صفحه ۱۰۹	۹(۱) باب تفعّل لفیف مفروق (التّوَجّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَوَجٍّ	مُتَوَجِّياً	مُتَوَجٍّ	مُتَوَجّىً بِهِ	مُتَوَجّىً بِهِ	مُتَوَجّىً بِهِ
۲	مُتَوَجِّيَانِ	مُتَوَجِّيَيْنِ	مُتَوَجِّيَيْنِ	مُتَوَجّىً بِهِمَا	مُتَوَجّىً بِهِمَا	مُتَوَجّىً بِهِمَا
۳	مُتَوَجُّوْنَ	مُتَوَجِّيْنَ	مُتَوَجِّيْنَ	مُتَوَجّىً بِهِمْ	مُتَوَجّىً بِهِمْ	مُتَوَجّىً بِهِمْ
۴	مُتَوَجِّيَةٌ	مُتَوَجِّيَةً	مُتَوَجِّيَةٍ	مُتَوَجّىً بِهَا	مُتَوَجّىً بِهَا	مُتَوَجّىً بِهَا
۵	مُتَوَجِّيَتَانِ	مُتَوَجِّيَتَيْنِ	مُتَوَجِّيَتَيْنِ	مُتَوَجّىً بِهِمَا	مُتَوَجّىً بِهِمَا	مُتَوَجّىً بِهِمَا
۶	مُتَوَجِّيَاتٌ	مُتَوَجِّيَاتٍ	مُتَوَجِّيَاتٍ	مُتَوَجّىً بِهِنَّ	مُتَوَجّىً بِهِنَّ	مُتَوَجّىً بِهِنَّ



صفحه ۱۰۹	۹(۲) باب تفعّل لفیف مفروق (التّوَجّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَوَجِّي	الْمُتَوَجِّيَ	الْمُتَوَجِّي	الْمُتَوَجّىٰ بِهِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِ
۲	الْمُتَوَجِّيَانِ	الْمُتَوَجِّيَيْنِ	الْمُتَوَجِّيَيْنِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا
۳	الْمُتَوَجُّوْنَ	الْمُتَوَجِّيْنَ	الْمُتَوَجِّيْنَ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمْ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمْ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمْ
۴	الْمُتَوَجِّيَةُ	الْمُتَوَجِّيَةَ	الْمُتَوَجِّيَةِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهَا
۵	الْمُتَوَجِّيَتَانِ	الْمُتَوَجِّيَتَيْنِ	الْمُتَوَجِّيَتَيْنِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا
۶	الْمُتَوَجِّيَاتُ	الْمُتَوَجِّيَاتِ	الْمُتَوَجِّيَاتِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِنَّ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِنَّ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۱۰	۱۰ (۱) باب تفعّل لفیف مقرون (التّقَوِّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَوِّ	مُتَقَوِّياً	مُتَقَوٍّ	مُتَقَوّىً بِهِ	مُتَقَوّىً بِهِ	مُتَقَوّىً بِهِ
۲	مُتَقَوِّيَانِ	مُتَقَوِّيَيْنِ	مُتَقَوِّيَيْنِ	مُتَقَوّىً بِهِمَا	مُتَقَوّىً بِهِمَا	مُتَقَوّىً بِهِمَا
۳	مُتَقَوُّوْنَ	مُتَقَوِّيْنَ	مُتَقَوِّيْنَ	مُتَقَوّىً بِهِمْ	مُتَقَوّىً بِهِمْ	مُتَقَوّىً بِهِمْ
۴	مُتَقَوِّيَةٌ	مُتَقَوِّيَةً	مُتَقَوِّيَةٍ	مُتَقَوّىً بِهَا	مُتَقَوّىً بِهَا	مُتَقَوّىً بِهَا
۵	مُتَقَوِّيَتَانِ	مُتَقَوِّيَتَيْنِ	مُتَقَوِّيَتَيْنِ	مُتَقَوّىً بِهِمَا	مُتَقَوّىً بِهِمَا	مُتَقَوّىً بِهِمَا
۶	مُتَقَوِّيَاتٌ	مُتَقَوِّيَاتٍ	مُتَقَوِّيَاتٍ	مُتَقَوّىً بِهِنَّ	مُتَقَوّىً بِهِنَّ	مُتَقَوّىً بِهِنَّ

صفحه ۱۱۰	۱۰ (۲) باب تفعّل لفیف مقرون (التّقَوِّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَقَوِّي	الْمُتَقَوِّيَ	الْمُتَقَوِّي	الْمُتَقَوّىٰ بِهِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِ
۲	الْمُتَقَوِّيَانِ	الْمُتَقَوِّيَيْنِ	الْمُتَقَوِّيَيْنِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا
۳	الْمُتَقَوُّوْنَ	الْمُتَقَوِّيْنَ	الْمُتَقَوِّيْنَ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمْ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمْ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمْ
۴	الْمُتَقَوِّيَةُ	الْمُتَقَوِّيَةَ	الْمُتَقَوِّيَةِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهَا
۵	الْمُتَقَوِّيَتَانِ	الْمُتَقَوِّيَتَيْنِ	الْمُتَقَوِّيَتَيْنِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا
۶	الْمُتَقَوِّيَاتُ	الْمُتَقَوِّيَاتِ	الْمُتَقَوِّيَاتِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِنَّ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِنَّ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۱۱	۱۱	باب تفعّل مهموزالفاء (التَّأَزُّر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَأَزِّرٌ	مُتَأَزِّراً	مُتَأَزِّرٍ		مُتَأَزَّرٌ	مُتَأَزَّراً	مُتَأَزَّرٍ
۲	مُتَأَزِّرَانِ	مُتَأَزِّرَيْنِ	مُتَأَزِّرَيْنِ		مُتَأَزَّرَانِ	مُتَأَزَّرَيْنِ	مُتَأَزَّرَيْنِ
۳	مُتَأَزِّرُوْنَ	مُتَأَزِّرِيْنَ	مُتَأَزِّرِيْنَ		مُتَأَزَّرُوْنَ	مُتَأَزَّرِيْنَ	مُتَأَزَّرِيْنَ
۴	مُتَأَزِّرَةٌ	مُتَأَزِّرَةً	مُتَأَزِّرَةٍ		مُتَأَزَّرَةٌ	مُتَأَزَّرَةً	مُتَأَزَّرَةٍ
۵	مُتَأَزِّرَتَانِ	مُتَأَزِّرَتَيْنِ	مُتَأَزِّرَتَيْنِ		مُتَأَزَّرَتَانِ	مُتَأَزَّرَتَيْنِ	مُتَأَزَّرَتَيْنِ
۶	مُتَأَزِّرَاتٌ	مُتَأَزِّرَاتٍ	مُتَأَزِّرَاتٍ		مُتَأَزَّرَاتٌ	مُتَأَزَّرَاتٍ	مُتَأَزَّرَاتٍ

صفحه ۱۱۱	۱۲	باب تفعّل مهموزالعین (التَّلَؤُم) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَلَئِّمٌ	مُتَلَئِّماً	مُتَلَئِّمٍ		مُتَلَأَّمٌ	مُتَلَأَّماً	مُتَلَأَّمٍ
۲	مُتَلَئِّمَانِ	مُتَلَئِّمَيْنِ	مُتَلَئِّمَيْنِ		مُتَلَأَّمَانِ	مُتَلَأَّمَيْنِ	مُتَلَأَّمَيْنِ
۳	مُتَلَئِّمُوْنَ	مُتَلَئِّمِيْنَ	مُتَلَئِّمِيْنَ		مُتَلَأَّمُوْنَ	مُتَلَأَّمِيْنَ	مُتَلَأَّمِيْنَ
۴	مُتَلَئِّمَةٌ	مُتَلَئِّمَةً	مُتَلَئِّمَةٍ		مُتَلَأَّمَةٌ	مُتَلَأَّمَةً	مُتَلَأَّمَةٍ
۵	مُتَلَئِّمَتَانِ	مُتَلَئِّمَتَيْنِ	مُتَلَئِّمَتَيْنِ		مُتَلَأَّمَتَانِ	مُتَلَأَّمَتَيْنِ	مُتَلَأَّمَتَيْنِ
۶	مُتَلَئِّمَاتٌ	مُتَلَئِّمَاتٍ	مُتَلَئِّمَاتٍ		مُتَلَأَّمَاتٌ	مُتَلَأَّمَاتٍ	مُتَلَأَّمَاتٍ

تصویر

صفحه ۱۱۲	۱۳ (۱) باب تفعّل مهموزاللام (التّقرّؤ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَرِّئٌ	مُتَقَرِّئاً	مُتَقَرِّئٍ	مُتَقَرَّأٌ	مُتَقَرَّءاً	مُتَقَرَّإٍ
۲	مُتَقَرِّئَانِ	مُتَقَرِّئَيْنِ	مُتَقَرِّئَيْنِ	مُتَقَرَّأَانِ	مُتَقَرَّأَيْنِ	مُتَقَرَّأَيْنِ
۳	مُتَقَرِّئُوْنَ	مُتَقَرِّئِيْنَ	مُتَقَرِّئِيْنَ	مُتَقَرَّؤُوْنَ	مُتَقَرَّئِيْنَ	مُتَقَرَّئِيْنَ
۴	مُتَقَرِّئَةٌ	مُتَقَرِّئَةً	مُتَقَرِّئَةٍ	مُتَقَرَّأَةٌ	مُتَقَرَّأَةً	مُتَقَرَّأَةٍ
۵	مُتَقَرِّئَتَانِ	مُتَقَرِّئَتَيْنِ	مُتَقَرِّئَتَيْنِ	مُتَقَرَّأَتَانِ	مُتَقَرَّأَتَيْنِ	مُتَقَرَّأَتَيْنِ
۶	مُتَقَرِّئَاتٌ	مُتَقَرِّئَاتِ	مُتَقَرِّئَاتِ	مُتَقَرَّءَاتٌ	مُتَقَرَّءَاتِ	مُتَقَرَّءَاتِ

صفحه ۱۱۲	۱۳ (۲) باب تفعّل مهموزاللام (التّقرّؤ) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَرِّ	مُتَقَرِّياً	مُتَقَرٍّ	مُتَقَرّىً	مُتَقَرّىً	مُتَقَرّىً
۲	مُتَقَرِّيَانِ	مُتَقَرِّيَيْنِ	مُتَقَرِّيَيْنِ	مُتَقَرَّيَانِ	مُتَقَرَّيَيْنِ	مُتَقَرَّيَيْنِ
۳	مُتَقَرُّوْنَ	مُتَقَرِّيْنَ	مُتَقَرِّيْنَ	مُتَقَرَّوْنَ	مُتَقَرَّيْنَ	مُتَقَرَّيْنَ
۴	مُتَقَرِّيَةٌ	مُتَقَرِّيَةً	مُتَقَرِّيَةٍ	مُتَقَرَّاةٌ	مُتَقَرَّاةً	مُتَقَرَّاةٍ
۵	مُتَقَرِّيَتَانِ	مُتَقَرِّيَتَيْنِ	مُتَقَرِّيَتَيْنِ	مُتَقَرَّاتَانِ	مُتَقَرَّاتَيْنِ	مُتَقَرَّاتَيْنِ
۶	مُتَقَرِّيَاتٌ	مُتَقَرِّيَاتِ	مُتَقَرِّيَاتِ	مُتَقَرَّيَاتٌ	مُتَقَرَّيَاتِ	مُتَقَرَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۱۳	۱۳ (۳) باب تفعّل مهموزاللام (التَّقَرُّؤ) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُتَقَرِّي	الـمُتَقَرِّيَ	الـمُتَقَرِّي	الـمُتَقَرًّىٰ	الـمُتَقَرًّىٰ	الـمُتَقَرًّىٰ
۲	الـمُتَقَرِّيَانِ	الـمُتَقَرِّيَيْنِ	الـمُتَقَرِّيَيْنِ	الـمُتَقَرَّيَانِ	الـمُتَقَرَّيَيْنِ	الـمُتَقَرَّيَيْنِ
۳	الـمُتَقَرُّوْنَ	الـمُتَقَرِّيْنَ	الـمُتَقَرِّيْنَ	الـمُتَقَرَّوْنَ	الـمُتَقَرَّيْنَ	الـمُتَقَرَّيْنَ
۴	الـمُتَقَرِّيَةُ	الـمُتَقَرِّيَةَ	الـمُتَقَرِّيَةِ	الـمُتَقَرَّاةُ	الـمُتَقَرَّاةَ	الـمُتَقَرَّاةِ
۵	الـمُتَقَرِّيَتَانِ	الـمُتَقَرِّيَتَيْنِ	الـمُتَقَرِّيَتَيْنِ	الـمُتَقَرَّاتَانِ	الـمُتَقَرَّاتَيْنِ	الـمُتَقَرَّاتَيْنِ
۶	الـمُتَقَرِّيَاتُ	الـمُتَقَرِّيَاتِ	الـمُتَقَرِّيَاتِ	الـمُتَقَرَّيَاتُ	الـمُتَقَرَّيَاتِ	الـمُتَقَرَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۱۴	۱۴ (۱) باب تفعّل قاعده دوم خصوصی (التّذكّر) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَذَكِّرٌ	مُتَذَكِّراً	مُتَذَكِّرٍ	مُتَذَكَّرٌ	مُتَذَكَّراً	مُتَذَكَّرٍ
۲	مُتَذَكِّرَانِ	مُتَذَكِّرَيْنِ	مُتَذَكِّرَيْنِ	مُتَذَكَّرَانِ	مُتَذَكَّرَيْنِ	مُتَذَكَّرَيْنِ
۳	مُتَذَكِّرُوْنَ	مُتَذَكِّرِيْنَ	مُتَذَكِّرِيْنَ	مُتَذَكَّرُوْنَ	مُتَذَكَّرِيْنَ	مُتَذَكَّرِيْنَ
۴	مُتَذَكِّرَةٌ	مُتَذَكِّرَةً	مُتَذَكِّرَةٍ	مُتَذَكَّرَةٌ	مُتَذَكَّرَةً	مُتَذَكَّرَةٍ
۵	مُتَذَكِّرَتَانِ	مُتَذَكِّرَتَيْنِ	مُتَذَكِّرَتَيْنِ	مُتَذَكَّرَتَانِ	مُتَذَكَّرَتَيْنِ	مُتَذَكَّرَتَيْنِ
۶	مُتَذَكِّرَاتٌ	مُتَذَكِّرَاتِ	مُتَذَكِّرَاتِ	مُتَذَكَّرَاتٌ	مُتَذَكَّرَاتِ	مُتَذَكَّرَاتِ

صفحه ۱۱۴	۱۴ (۲) باب تفعّل قاعده دوم خصوصی (الإِذّكَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُذَّكِّرٌ	مُذَّكِّراً	مُذَّكِّرٍ	مُذَّكَّرٌ	مُذَّكَّراً	مُذَّكَّرٍ
۲	مُذَّكِّرَانِ	مُذَّكِّرَيْنِ	مُذَّكِّرَيْنِ	مُذَّكَّرَانِ	مُذَّكَّرَيْنِ	مُذَّكَّرَيْنِ
۳	مُذَّكِّرُوْنَ	مُذَّكِّرِيْنَ	مُذَّكِّرِيْنَ	مُذَّكَّرُوْنَ	مُذَّكَّرِيْنَ	مُذَّكَّرِيْنَ
۴	مُذَّكِّرَةٌ	مُذَّكِّرَةً	مُذَّكِّرَةٍ	مُذَّكَّرَةٌ	مُذَّكَّرَةً	مُذَّكَّرَةٍ
۵	مُذَّكِّرَتَانِ	مُذَّكِّرَتَيْنِ	مُذَّكِّرَتَيْنِ	مُذَّكَّرَتَانِ	مُذَّكَّرَتَيْنِ	مُذَّكَّرَتَيْنِ
۶	مُذَّكِّرَاتٌ	مُذَّكِّرَاتِ	مُذَّكِّرَاتِ	مُذَّكَّرَاتٌ	مُذَّكَّرَاتِ	مُذَّكَّرَاتِ

تصویر

صفحه ۱۱۵	۱۵(۱) باب تفعّل قاعده سوم خصوصی (التّمَطُّط ← التّمَطّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَمَطِّ	مُتَمَطِّاً	مُتَمَطِّ	مُتَمَطّیً	مُتَمَطّیً	مُتَمَطّیً
۲	مُتَمَطِّيَانِ	مُتَمَطِّيَيْنِ	مُتَمَطِّيَيْنِ	مُتَمَطَّيَانِ	مُتَمَطِّيَيْنِ	مُتَمَطِّيَيْنِ
۳	مُتَمَطُّوْنَ	مُتَمَطِّيْنَ	مُتَمَطِّيْنَ	مُتَمَطَّوْنَ	مُتَمَطِّيْنَ	مُتَمَطِّيْنَ
۴	مُتَمَطِّيَةٌ	مُتَمَطِّيَةً	مُتَمَطِّيَةٍ	مُتَمَطَّاةٌ	مُتَمَطَّاةً	مُتَمَطَّاةٍ
۵	مُتَمَطِّيَتَانِ	مُتَمَطِّيَتَيْنِ	مُتَمَطِّيَتَيْنِ	مُتَمَطَّيَتَانِ	مُتَمَطِّيَتَيْنِ	مُتَمَطِّيَتَيْنِ
۶	مُتَمَطِّيَاتٌ	مُتَمَطِّيَاتِ	مُتَمَطِّيَاتِ	مُتَمَطَّيَاتٌ	مُتَمَطِّيَاتِ	مُتَمَطِّيَاتِ

صفحه ۱۱۵	۱۵(۲) باب تفعّل قاعده سوم خصوصی (التّمَطُّط ← التّمَطّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُتَمَطِّي	المُتَمَطِّیَ	المُتَمَطِّي	المُتَمَطَّیٰ	المُتَمَطَّیٰ	المُتَمَطَّیٰ
۲	المُتَمَطِّيَانِ	المُتَمَطِّيَيْنِ	المُتَمَطِّيَيْنِ	المُتَمَطَّيَانِ	المُتَمَطَّيَيْنِ	المُتَمَطَّيَيْنِ
۳	المُتَمَطُّوْنَ	المُتَمَطِّيْنَ	المُتَمَطِّيْنَ	المُتَمَطَّوْنَ	المُتَمَطَّيْنَ	المُتَمَطَّيْنَ
۴	المُتَمَطِّيَةُ	المُتَمَطِّيَةَ	المُتَمَطِّيَةِ	المُتَمَطَّاةُ	المُتَمَطَّاةَ	المُتَمَطَّاةِ
۵	المُتَمَطِّيَتَانِ	المُتَمَطِّيَتَيْنِ	المُتَمَطِّيَتَيْنِ	المُتَمَطَّيَتَانِ	المُتَمَطَّيَتَيْنِ	المُتَمَطَّيَتَيْنِ
۶	المُتَمَطِّيَاتُ	المُتَمَطِّيَاتِ	المُتَمَطِّيَاتِ	المُتَمَطَّيَاتُ	المُتَمَطَّيَاتِ	المُتَمَطَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۱۶	۱	باب تفاعل سالم (التّعَامُل) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَعَامِلٌ	مُتَعَامِلاً	مُتَعَامِلٍ		مُتَعَامَلٌ بِهِ	مُتَعَامَلاً بِهِ	مُتَعَامَلٍ بِهِ
۲	مُتَعَامِلَانِ	مُتَعَامِلَيْنِ	مُتَعَامِلَيْنِ		مُتَعَامَلٌ بِهِمَا	مُتَعَامَلاً بِهِمَا	مُتَعَامَلٍ بِهِمَا
۳	مُتَعَامِلُوْنَ	مُتَعَامِلِيْنَ	مُتَعَامِلِيْنَ		مُتَعَامَلٌ بِهِمْ	مُتَعَامَلاً بِهِمْ	مُتَعَامَلٍ بِهِمْ
۴	مُتَعَامِلَةٌ	مُتَعَامِلَةً	مُتَعَامِلَةٍ		مُتَعَامَلٌ بِهَا	مُتَعَامَلاً بِهَا	مُتَعَامَلٍ بِهَا
۵	مُتَعَامِلَتَانِ	مُتَعَامِلَتَيْنِ	مُتَعَامِلَتَيْنِ		مُتَعَامَلٌ بِهِمَا	مُتَعَامَلاً بِهِمَا	مُتَعَامَلٍ بِهِمَا
۶	مُتَعَامِلَاتٌ	مُتَعَامِلَاتِ	مُتَعَامِلَاتٍ		مُتَعَامَلٌ بِهِنَّ	مُتَعَامَلاً بِهِنَّ	مُتَعَامَلٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۱۶	۲	باب تفاعل مضاعف (التّضَادُّ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَضَادٌّ	مُتَضَادّاً	مُتَضَادٍّ		مُتَضَادٌّ بِهِ	مُتَضَادّاً بِهِ	مُتَضَادٍّ بِهِ
۲	مُتَضَادَّانِ	مُتَضَادَّيْنِ	مُتَضَادَّيْنِ		مُتَضَادٌّ بِهِمَا	مُتَضَادّاً بِهِمَا	مُتَضَادٍّ بِهِمَا
۳	مُتَضَادُّوْنَ	مُتَضَادِّيْنَ	مُتَضَادِّيْنَ		مُتَضَادٌّ بِهِمْ	مُتَضَادّاً بِهِمْ	مُتَضَادٍّ بِهِمْ
۴	مُتَضَادَّةٌ	مُتَضَادَّةً	مُتَضَادَّةٍ		مُتَضَادٌّ بِهَا	مُتَضَادّاً بِهَا	مُتَضَادٍّ بِهَا
۵	مُتَضَادَّتَانِ	مُتَضَادَّتَيْنِ	مُتَضَادَّتَيْنِ		مُتَضَادٌّ بِهِمَا	مُتَضَادّاً بِهِمَا	مُتَضَادٍّ بِهِمَا
۶	مُتَضَادَّاتٌ	مُتَضَادَّاتِ	مُتَضَادَّاتٍ		مُتَضَادٌّ بِهِنَّ	مُتَضَادّاً بِهِنَّ	مُتَضَادٍّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۱۷	۳	باب تفاعل مثال واوی (التَّوَاعُد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَوَاعِدٌ	مُتَوَاعِداً	مُتَوَاعِدٍ		مُتَوَاعَدٌ بِهِ	مُتَوَاعَداً بِهِ	مُتَوَاعَدٍ بِهِ
۲	مُتَوَاعِدَانِ	مُتَوَاعِدَيْنِ	مُتَوَاعِدَيْنِ		مُتَوَاعَدٌ بِهِمَا	مُتَوَاعَداً بِهِمَا	مُتَوَاعَدٍ بِهِمَا
۳	مُتَوَاعِدُوْنَ	مُتَوَاعِدِيْنَ	مُتَوَاعِدِيْنَ		مُتَوَاعَدٌ بِهِمْ	مُتَوَاعَداً بِهِمْ	مُتَوَاعَدٍ بِهِمْ
۴	مُتَوَاعِدَةٌ	مُتَوَاعِدَةً	مُتَوَاعِدَةٍ		مُتَوَاعَدٌ بِهَا	مُتَوَاعَداً بِهَا	مُتَوَاعَدٍ بِهَا
۵	مُتَوَاعِدَتَانِ	مُتَوَاعِدَتَيْنِ	مُتَوَاعِدَتَيْنِ		مُتَوَاعَدٌ بِهِمَا	مُتَوَاعَداً بِهِمَا	مُتَوَاعَدٍ بِهِمَا
۶	مُتَوَاعِدَاتٌ	مُتَوَاعِدَاتٍ	مُتَوَاعِدَاتٍ		مُتَوَاعَدٌ بِهِنَّ	مُتَوَاعَداً بِهِنَّ	مُتَوَاعَدٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۱۷	۴	باب تفاعل مثال یایی (التَّیَاسُر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَيَاسِرٌ	مُتَيَاسِراً	مُتَيَاسِرٍ		مُتَيَاسَرٌ	مُتَيَاسَراً	مُتَيَاسَرٍ
۲	مُتَيَاسِرَانِ	مُتَيَاسِرَيْنِ	مُتَيَاسِرَيْنِ		مُتَيَاسَرَانِ	مُتَيَاسَرَيْنِ	مُتَيَاسَرَيْنِ
۳	مُتَيَاسِرُوْنَ	مُتَيَاسِرِيْنَ	مُتَيَاسِرِيْنَ		مُتَيَاسَرُوْنَ	مُتَيَاسَرِيْنَ	مُتَيَاسَرِيْنَ
۴	مُتَيَاسِرَةٌ	مُتَيَاسِرَةً	مُتَيَاسِرَةٍ		مُتَيَاسَرَةٌ	مُتَيَاسَرَةً	مُتَيَاسَرَةٍ
۵	مُتَيَاسِرَتَانِ	مُتَيَاسِرَتَيْنِ	مُتَيَاسِرَتَيْنِ		مُتَيَاسَرَتَانِ	مُتَيَاسَرَتَيْنِ	مُتَيَاسَرَتَيْنِ
۶	مُتَيَاسِرَاتٌ	مُتَيَاسِرَاتٍ	مُتَيَاسِرَاتٍ		مُتَيَاسَرَاتٌ	مُتَيَاسَرَاتٍ	مُتَيَاسَرَاتٍ

صفحه ۱۱۸	۵	باب تفاعل اجوف واوی (التَّقَاوُل) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَاوِلٌ	مُتَقَاوِلاً	مُتَقَاوِلٍ		مُتَقَاوَلٌ بِهِ	مُتَقَاوَلاً بِهِ	مُتَقَاوَلٍ بِهِ
۲	مُتَقَاوِلَانِ	مُتَقَاوِلَيْنِ	مُتَقَاوِلَيْنِ		مُتَقَاوَلٌ بِهِمَا	مُتَقَاوَلاً بِهِمَا	مُتَقَاوَلٍ بِهِمَا
۳	مُتَقَاوِلُوْنَ	مُتَقَاوِلِيْنَ	مُتَقَاوِلِيْنَ		مُتَقَاوَلٌ بِهِمْ	مُتَقَاوَلاً بِهِمْ	مُتَقَاوَلٍ بِهِمْ
۴	مُتَقَاوِلَةٌ	مُتَقَاوِلَةً	مُتَقَاوِلَةٍ		مُتَقَاوَلٌ بِهَا	مُتَقَاوَلاً بِهَا	مُتَقَاوَلٍ بِهَا
۵	مُتَقَاوِلَتَانِ	مُتَقَاوِلَتَيْنِ	مُتَقَاوِلَتَيْنِ		مُتَقَاوَلٌ بِهِمَا	مُتَقَاوَلاً بِهِمَا	مُتَقَاوَلٍ بِهِمَا
۶	مُتَقَاوِلَاتٌ	مُتَقَاوِلَاتٍ	مُتَقَاوِلَاتٍ		مُتَقَاوَلٌ بِهِنَّ	مُتَقَاوَلاً بِهِنَّ	مُتَقَاوَلٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۱۸	۶	باب تفاعل اجوف یایی (التَّبَایُع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَبَايِعٌ	مُتَبَايِعاً	مُتَبَايِعٍ		مُتَبَايَعٌ بِهِ	مُتَبَايَعاً بِهِ	مُتَبَايَعٍ بِهِ
۲	مُتَبَايِعَانِ	مُتَبَايِعَيْنِ	مُتَبَايِعَيْنِ		مُتَبَايَعٌ بِهِمَا	مُتَبَايَعاً بِهِمَا	مُتَبَايَعٍ بِهِمَا
۳	مُتَبَايِعُوْنَ	مُتَبَايِعِيْنَ	مُتَبَايِعِيْنَ		مُتَبَايَعٌ بِهِمْ	مُتَبَايَعاً بِهِمْ	مُتَبَايَعٍ بِهِمْ
۴	مُتَبَايِعَةٌ	مُتَبَايِعَةً	مُتَبَايِعَةٍ		مُتَبَايَعٌ بِهَا	مُتَبَايَعاً بِهَا	مُتَبَايَعٍ بِهَا
۵	مُتَبَايِعَتَانِ	مُتَبَايِعَتَيْنِ	مُتَبَايِعَتَيْنِ		مُتَبَايَعٌ بِهِمَا	مُتَبَايَعاً بِهِمَا	مُتَبَايَعٍ بِهِمَا
۶	مُتَبَايِعَاتٌ	مُتَبَايِعَاتٍ	مُتَبَايِعَاتٍ		مُتَبَايَعٌ بِهِنَّ	مُتَبَايَعاً بِهِنَّ	مُتَبَايَعٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۱۹	۷ (۱) باب تفاعل ناقص واوی (التّدَاعِی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَدَاعٍ	مُتَدَاعِياً	مُتَدَاعٍ	مُتَدَاعًى بِهِ	مُتَدَاعًى بِهِ	مُتَدَاعًى بِهِ
۲	مُتَدَاعِيَانِ	مُتَدَاعِيَيْنِ	مُتَدَاعِيَيْنِ	مُتَدَاعًى بِهِمَا	مُتَدَاعًى بِهِمَا	مُتَدَاعًى بِهِمَا
۳	مُتَدَاعُوْنَ	مُتَدَاعِيْنَ	مُتَدَاعِيْنَ	مُتَدَاعًى بِهِمْ	مُتَدَاعًى بِهِمْ	مُتَدَاعًى بِهِمْ
۴	مُتَدَاعِيَةٌ	مُتَدَاعِيَةً	مُتَدَاعِيَةٍ	مُتَدَاعًى بِهَا	مُتَدَاعًى بِهَا	مُتَدَاعًى بِهَا
۵	مُتَدَاعِيَتَانِ	مُتَدَاعِيَتَيْنِ	مُتَدَاعِيَتَيْنِ	مُتَدَاعًى بِهِمَا	مُتَدَاعًى بِهِمَا	مُتَدَاعًى بِهِمَا
۶	مُتَدَاعِيَاتٌ	مُتَدَاعِيَاتِ	مُتَدَاعِيَاتِ	مُتَدَاعًى بِهِنَّ	مُتَدَاعًى بِهِنَّ	مُتَدَاعًى بِهِنَّ

صفحه ۱۱۹	۷ (۲) باب تفاعل ناقص واوی (التّدَاعِی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَدَاعِي	الْمُتَدَاعِيَ	الْمُتَدَاعِي	الْمُتَدَاعًى بِهِ	الْمُتَدَاعًى بِهِ	الْمُتَدَاعًى بِهِ
۲	الْمُتَدَاعِيَانِ	الْمُتَدَاعِيَيْنِ	الْمُتَدَاعِيَيْنِ	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا
۳	الْمُتَدَاعُوْنَ	الْمُتَدَاعِيْنَ	الْمُتَدَاعِيْنَ	الْمُتَدَاعًى بِهِمْ	الْمُتَدَاعًى بِهِمْ	الْمُتَدَاعًى بِهِمْ
۴	الْمُتَدَاعِيَةُ	الْمُتَدَاعِيَةَ	الْمُتَدَاعِيَةِ	الْمُتَدَاعًى بِهَا	الْمُتَدَاعًى بِهَا	الْمُتَدَاعًى بِهَا
۵	الْمُتَدَاعِيَتَانِ	الْمُتَدَاعِيَتَيْنِ	الْمُتَدَاعِيَتَيْنِ	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا
۶	الْمُتَدَاعِيَاتُ	الْمُتَدَاعِيَاتِ	الْمُتَدَاعِيَاتِ	الْمُتَدَاعًى بِهِنَّ	الْمُتَدَاعًى بِهِنَّ	الْمُتَدَاعًى بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۲۰	۸ (۱)	باب تفاعل ناقص یایی (التَّرَامِی) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَرَامٍ	مُتَرَامِياً	مُتَرَامٍ		مُتَرَامًى بِهِ	مُتَرَامًى بِهِ	مُتَرَامًى بِهِ
۲	مُتَرَامِيَانِ	مُتَرَامِيَيْنِ	مُتَرَامِيَيْنِ		مُتَرَامًى بِهِمَا	مُتَرَامًى بِهِمَا	مُتَرَامًى بِهِمَا
۳	مُتَرَامُوْنَ	مُتَرَامِيْنَ	مُتَرَامِيْنَ		مُتَرَامًى بِهِمْ	مُتَرَامًى بِهِمْ	مُتَرَامًى بِهِمْ
۴	مُتَرَامِيَةٌ	مُتَرَامِيَةً	مُتَرَامِيَةٍ		مُتَرَامًى بِهَا	مُتَرَامًى بِهَا	مُتَرَامًى بِهَا
۵	مُتَرَامِيَتَانِ	مُتَرَامِيَتَيْنِ	مُتَرَامِيَتَيْنِ		مُتَرَامًى بِهِمَا	مُتَرَامًى بِهِمَا	مُتَرَامًى بِهِمَا
۶	مُتَرَامِيَاتٌ	مُتَرَامِيَاتٍ	مُتَرَامِيَاتٍ		مُتَرَامًى بِهِنَّ	مُتَرَامًى بِهِنَّ	مُتَرَامًى بِهِنَّ



صفحه ۱۲۰	۸ (۲)	باب تفاعل ناقص یایی (التَّرَامِی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَرَامِي	الْمُتَرَامِيَ	الْمُتَرَامِي		الْمُتَرَامَى بِهِ	الْمُتَرَامَى بِهِ	الْمُتَرَامَى بِهِ
۲	الْمُتَرَامِيَانِ	الْمُتَرَامِيَيْنِ	الْمُتَرَامِيَيْنِ		الْمُتَرَامَى بِهِمَا	الْمُتَرَامَى بِهِمَا	الْمُتَرَامَى بِهِمَا
۳	الْمُتَرَامُوْنَ	الْمُتَرَامِيْنَ	الْمُتَرَامِيْنَ		الْمُتَرَامَى بِهِمْ	الْمُتَرَامَى بِهِمْ	الْمُتَرَامَى بِهِمْ
۴	الْمُتَرَامِيَةُ	الْمُتَرَامِيَةَ	الْمُتَرَامِيَةِ		الْمُتَرَامَى بِهَا	الْمُتَرَامَى بِهَا	الْمُتَرَامَى بِهَا
۵	الْمُتَرَامِيَتَانِ	الْمُتَرَامِيَتَيْنِ	الْمُتَرَامِيَتَيْنِ		الْمُتَرَامَى بِهِمَا	الْمُتَرَامَى بِهِمَا	الْمُتَرَامَى بِهِمَا
۶	الْمُتَرَامِيَاتُ	الْمُتَرَامِيَاتِ	الْمُتَرَامِيَاتِ		الْمُتَرَامَى بِهِنَّ	الْمُتَرَامَى بِهِنَّ	الْمُتَرَامَى بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۱	۹(۱) باب تفاعل لفیف مفروق (التّوَالِی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَوَالٍ	مُتَوَالِياً	مُتَوَالٍ	مُتَوَالًى بِهِ	مُتَوَالًى بِهِ	مُتَوَالًى بِهِ
۲	مُتَوَالِيَانِ	مُتَوَالِيَيْنِ	مُتَوَالِيَيْنِ	مُتَوَالًى بِهِمَا	مُتَوَالًى بِهِمَا	مُتَوَالًى بِهِمَا
۳	مُتَوَالُوْنَ	مُتَوَالِيْنَ	مُتَوَالِيْنَ	مُتَوَالًى بِهِمْ	مُتَوَالًى بِهِمْ	مُتَوَالًى بِهِمْ
۴	مُتَوَالِيَةٌ	مُتَوَالِيَةً	مُتَوَالِيَةٍ	مُتَوَالًى بِهَا	مُتَوَالًى بِهَا	مُتَوَالًى بِهَا
۵	مُتَوَالِيَتَانِ	مُتَوَالِيَتَيْنِ	مُتَوَالِيَتَيْنِ	مُتَوَالًى بِهِمَا	مُتَوَالًى بِهِمَا	مُتَوَالًى بِهِمَا
۶	مُتَوَالِيَاتٌ	مُتَوَالِيَاتٍ	مُتَوَالِيَاتٍ	مُتَوَالًى بِهِنَّ	مُتَوَالًى بِهِنَّ	مُتَوَالًى بِهِنَّ

صفحه ۱۲۱	۹(۲) باب تفاعل لفیف مفروق (التّوَالِی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَوَالِي	الْمُتَوَالِيَ	الْمُتَوَالِي	الْمُتَوَالًى بِهِ	الْمُتَوَالًى بِهِ	الْمُتَوَالًى بِهِ
۲	الْمُتَوَالِيَانِ	الْمُتَوَالِيَيْنِ	الْمُتَوَالِيَيْنِ	الْمُتَوَالًى بِهِمَا	الْمُتَوَالًى بِهِمَا	الْمُتَوَالًى بِهِمَا
۳	الْمُتَوَالُوْنَ	الْمُتَوَالِيْنَ	الْمُتَوَالِيْنَ	الْمُتَوَالًى بِهِمْ	الْمُتَوَالًى بِهِمْ	الْمُتَوَالًى بِهِمْ
۴	الْمُتَوَالِيَةُ	الْمُتَوَالِيَةَ	الْمُتَوَالِيَةِ	الْمُتَوَالًى بِهَا	الْمُتَوَالًى بِهَا	الْمُتَوَالًى بِهَا
۵	الْمُتَوَالِيَتَانِ	الْمُتَوَالِيَتَيْنِ	الْمُتَوَالِيَتَيْنِ	الْمُتَوَالًى بِهِمَا	الْمُتَوَالًى بِهِمَا	الْمُتَوَالًى بِهِمَا
۶	الْمُتَوَالِيَاتُ	الْمُتَوَالِيَاتِ	الْمُتَوَالِيَاتِ	الْمُتَوَالًى بِهِنَّ	الْمُتَوَالًى بِهِنَّ	الْمُتَوَالًى بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۲	۱۰ (۱) باب تفاعل لفیف مقرون (التَّقَاوِی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَاوٍ	مُتَقَاوِياً	مُتَقَاوٍ	مُتَقَاوًى بِهِ	مُتَقَاوًى بِهِ	مُتَقَاوًى بِهِ
۲	مُتَقَاوِيَانِ	مُتَقَاوِيَيْنِ	مُتَقَاوِيَيْنِ	مُتَقَاوًى بِهِمَا	مُتَقَاوًى بِهِمَا	مُتَقَاوًى بِهِمَا
۳	مُتَقَاوُوْنَ	مُتَقَاوِيْنَ	مُتَقَاوِيْنَ	مُتَقَاوًى بِهِمْ	مُتَقَاوًى بِهِمْ	مُتَقَاوًى بِهِمْ
۴	مُتَقَاوِيَةٌ	مُتَقَاوِيَةً	مُتَقَاوِيَةٍ	مُتَقَاوًى بِهَا	مُتَقَاوًى بِهَا	مُتَقَاوًى بِهَا
۵	مُتَقَاوِيَتَانِ	مُتَقَاوِيَتَيْنِ	مُتَقَاوِيَتَيْنِ	مُتَقَاوًى بِهِمَا	مُتَقَاوًى بِهِمَا	مُتَقَاوًى بِهِمَا
۶	مُتَقَاوِيَاتٌ	مُتَقَاوِيَاتٍ	مُتَقَاوِيَاتٍ	مُتَقَاوًى بِهِنَّ	مُتَقَاوًى بِهِنَّ	مُتَقَاوًى بِهِنَّ

صفحه ۱۲۲	۱۰ (۲) باب تفاعل لفیف مقرون (التَّقَاوِی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَقَاوِي	الْمُتَقَاوِيَ	الْمُتَقَاوِي	الْمُتَقَاوًى بِهِ	الْمُتَقَاوًى بِهِ	الْمُتَقَاوًى بِهِ
۲	الْمُتَقَاوِيَانِ	الْمُتَقَاوِيَيْنِ	الْمُتَقَاوِيَيْنِ	الْمُتَقَاوًى بِهِمَا	الْمُتَقَاوًى بِهِمَا	الْمُتَقَاوًى بِهِمَا
۳	الْمُتَقَاوُوْنَ	الْمُتَقَاوِيْنَ	الْمُتَقَاوِيْنَ	الْمُتَقَاوًى بِهِمْ	الْمُتَقَاوًى بِهِمْ	الْمُتَقَاوًى بِهِمْ
۴	الْمُتَقَاوِيَةُ	الْمُتَقَاوِيَةَ	الْمُتَقَاوِيَةِ	الْمُتَقَاوًى بِهَا	الْمُتَقَاوًى بِهَا	الْمُتَقَاوًى بِهَا
۵	الْمُتَقَاوِيَتَانِ	الْمُتَقَاوِيَتَيْنِ	الْمُتَقَاوِيَتَيْنِ	الْمُتَقَاوًى بِهِمَا	الْمُتَقَاوًى بِهِمَا	الْمُتَقَاوًى بِهِمَا
۶	الْمُتَقَاوِيَاتُ	الْمُتَقَاوِيَاتِ	الْمُتَقَاوِيَاتِ	الْمُتَقَاوًى بِهِنَّ	الْمُتَقَاوًى بِهِنَّ	الْمُتَقَاوًى بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۲۳	۱۱	باب تفاعل مهموزالفاء (التَّأَامُر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَأَامِرٌ	مُتَأَامِراً	مُتَأَامِرٍ		مُتَأَامَرٌ بِهِ	مُتَأَامَراً بِهِ	مُتَأَامَرٍ بِهِ
۲	مُتَأَامِرَانِ	مُتَأَامِرَيْنِ	مُتَأَامِرَيْنِ		مُتَأَامَرٌ بِهِمَا	مُتَأَامَراً بِهِمَا	مُتَأَامَرٍ بِهِمَا
۳	مُتَأَامِرُوْنَ	مُتَأَامِرِيْنَ	مُتَأَامِرِيْنَ		مُتَأَامَرٌ بِهِمْ	مُتَأَامَراً بِهِمْ	مُتَأَامَرٍ بِهِمْ
۴	مُتَأَامِرَةٌ	مُتَأَامِرَةً	مُتَأَامِرَةٍ		مُتَأَامَرٌ بِهَا	مُتَأَامَراً بِهَا	مُتَأَامَرٍ بِهَا
۵	مُتَأَامِرَتَانِ	مُتَأَامِرَتَيْنِ	مُتَأَامِرَتَيْنِ		مُتَأَامَرٌ بِهِمَا	مُتَأَامَراً بِهِمَا	مُتَأَامَرٍ بِهِمَا
۶	مُتَأَامِرَاتٌ	مُتَأَامِرَاتِ	مُتَأَامِرَاتٍ		مُتَأَامَرٌ بِهِنَّ	مُتَأَامَراً بِهِنَّ	مُتَأَامَرٍ بِهِنَّ



صفحه ۱۲۳	۱۲	باب تفاعل مهموزالعین (التَّسَاؤُل) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَسَائِلٌ	مُتَسَائِلاً	مُتَسَائِلٍ		مُتَسَاءَلٌ بِهِ	مُتَسَاءَلاً بِهِ	مُتَسَاءَلٍ بِهِ
۲	مُتَسَائِلَانِ	مُتَسَائِلَيْنِ	مُتَسَائِلَيْنِ		مُتَسَاءَلٌ بِهِمَا	مُتَسَاءَلاً بِهِمَا	مُتَسَاءَلٍ بِهِمَا
۳	مُتَسَائِلُوْنَ	مُتَسَائِلِيْنَ	مُتَسَائِلِيْنَ		مُتَسَاءَلٌ بِهِمْ	مُتَسَاءَلاً بِهِمْ	مُتَسَاءَلٍ بِهِمْ
۴	مُتَسَائِلَةٌ	مُتَسَائِلَةً	مُتَسَائِلَةٍ		مُتَسَاءَلٌ بِهَا	مُتَسَاءَلاً بِهَا	مُتَسَاءَلٍ بِهَا
۵	مُتَسَائِلَتَانِ	مُتَسَائِلَتَيْنِ	مُتَسَائِلَتَيْنِ		مُتَسَاءَلٌ بِهِمَا	مُتَسَاءَلاً بِهِمَا	مُتَسَاءَلٍ بِهِمَا
۶	مُتَسَائِلَاتٌ	مُتَسَائِلَاتِ	مُتَسَائِلَاتٍ		مُتَسَاءَلٌ بِهِنَّ	مُتَسَاءَلاً بِهِنَّ	مُتَسَاءَلٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۴	۱۳ (۱) باب تفاعل مهموزاللام (التّخَاسُؤ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَخَاسِئٌ	مُتَخَاسِئاً	مُتَخَاسِئٍ	مُتَخَاسَأٌ بِهِ	مُتَخَاسَئاً بِهِ	مُتَخَاسَإٍ بِهِ
۲	مُتَخَاسِئَانِ	مُتَخَاسِئَيْنِ	مُتَخَاسِئَيْنِ	مُتَخَاسَأٌ بِهِمَا	مُتَخَاسَئاً بِهِمَا	مُتَخَاسَإٍ بِهِمَا
۳	مُتَخَاسِئُوْنَ	مُتَخَاسِئِيْنَ	مُتَخَاسِئِيْنَ	مُتَخَاسَأٌ بِهِمْ	مُتَخَاسَئاً بِهِمْ	مُتَخَاسَإٍ بِهِمْ
۴	مُتَخَاسِئَةٌ	مُتَخَاسِئَةً	مُتَخَاسِئَةٍ	مُتَخَاسَأٌ بِهَا	مُتَخَاسَئاً بِهَا	مُتَخَاسَإٍ بِهَا
۵	مُتَخَاسِئَتَانِ	مُتَخَاسِئَتَيْنِ	مُتَخَاسِئَتَيْنِ	مُتَخَاسَأٌ بِهِمَا	مُتَخَاسَئاً بِهِمَا	مُتَخَاسَإٍ بِهِمَا
۶	مُتَخَاسِئَاتٌ	مُتَخَاسِئَاتٍ	مُتَخَاسِئَاتٍ	مُتَخَاسَأٌ بِهِنَّ	مُتَخَاسَئاً بِهِنَّ	مُتَخَاسَإٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۲۴	۱۳ (۲) باب تفاعل مهموزاللام (التّخَاسُؤ) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَخَاسِ	مُتَخَاسِياً	مُتَخَاسٍ	مُتَخَاسَىً بِهِ	مُتَخَاسَىً بِهِ	مُتَخَاسَىً بِهِ
۲	مُتَخَاسِيَانِ	مُتَخَاسِيَيْنِ	مُتَخَاسِيَيْنِ	مُتَخَاسَىً بِهِمَا	مُتَخَاسَىً بِهِمَا	مُتَخَاسَىً بِهِمَا
۳	مُتَخَاسُوْنَ	مُتَخَاسِيْنَ	مُتَخَاسِيْنَ	مُتَخَاسَىً بِهِمْ	مُتَخَاسَىً بِهِمْ	مُتَخَاسَىً بِهِمْ
۴	مُتَخَاسِيَةٌ	مُتَخَاسِيَةً	مُتَخَاسِيَةٍ	مُتَخَاسَىً بِهَا	مُتَخَاسَىً بِهَا	مُتَخَاسَىً بِهَا
۵	مُتَخَاسِيَتَانِ	مُتَخَاسِيَتَيْنِ	مُتَخَاسِيَتَيْنِ	مُتَخَاسَىً بِهِمَا	مُتَخَاسَىً بِهِمَا	مُتَخَاسَىً بِهِمَا
۶	مُتَخَاسِيَاتٌ	مُتَخَاسِيَاتٍ	مُتَخَاسِيَاتٍ	مُتَخَاسَىً بِهِنَّ	مُتَخَاسَىً بِهِنَّ	مُتَخَاسَىً بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۵	۱۳ (۳) باب تفاعل مهموزاللام (التَّخَاسُؤ) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَخَاسِي	الْمُتَخَاسِيَ	الْمُتَخَاسِي		الْمُتَخَاسَىٰ بِهِ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِ
۲	الْمُتَخَاسِيَانِ	الْمُتَخَاسِيَيْنِ	الْمُتَخَاسِيَيْنِ		الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا
۳	الْمُتَخَاسُوْنَ	الْمُتَخَاسِيْنَ	الْمُتَخَاسِيْنَ		الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمْ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمْ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمْ
۴	الْمُتَخَاسِيَةُ	الْمُتَخَاسِيَةَ	الْمُتَخَاسِيَةِ		الْمُتَخَاسَىٰ بِهَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهَا
۵	الْمُتَخَاسِيَتَانِ	الْمُتَخَاسِيَتَيْنِ	الْمُتَخَاسِيَتَيْنِ		الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا
۶	الْمُتَخَاسِيَاتُ	الْمُتَخَاسِيَاتِ	الْمُتَخَاسِيَاتِ		الْمُتَخَاسَىٰ بِهِنَّ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِنَّ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۶	۱۴ (۱) باب تفاعل قاعده دوم خصوصی (التّدَارُک) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَدَارِکٌ	مُتَدَارِکاً	مُتَدَارِکٍ	مُتَدَارَکٌ	مُتَدَارَکاً	مُتَدَارَکٍ
۲	مُتَدَارِکَانِ	مُتَدَارِکَیْنِ	مُتَدَارِکَیْنِ	مُتَدَارَکَانِ	مُتَدَارَکَیْنِ	مُتَدَارَکَیْنِ
۳	مُتَدَارِکُوْنَ	مُتَدَارِکِیْنَ	مُتَدَارِکِیْنَ	مُتَدَارَکُوْنَ	مُتَدَارَکِیْنَ	مُتَدَارَکِیْنَ
۴	مُتَدَارِکَةٌ	مُتَدَارِکَةً	مُتَدَارِکَةٍ	مُتَدَارَکَةٌ	مُتَدَارَکَةً	مُتَدَارَکَةٍ
۵	مُتَدَارِکَتَانِ	مُتَدَارِکَتَیْنِ	مُتَدَارِکَتَیْنِ	مُتَدَارَکَتَانِ	مُتَدَارَکَتَیْنِ	مُتَدَارَکَتَیْنِ
۶	مُتَدَارِکَاتٌ	مُتَدَارِکَاتِ	مُتَدَارِکَاتِ	مُتَدَارَکَاتٌ	مُتَدَارَکَاتِ	مُتَدَارَکَاتِ

صفحه ۱۲۶	۱۴ (۲) باب تفاعل قاعده دوم خصوصی (الإدّارُک) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَّارِکٌ	مُدَّارِکاً	مُدَّارِکٍ	مُدَّارَکٌ	مُدَّارَکاً	مُدَّارَکٍ
۲	مُدَّارِکَانِ	مُدَّارِکَیْنِ	مُدَّارِکَیْنِ	مُدَّارَکَانِ	مُدَّارَکَیْنِ	مُدَّارَکَیْنِ
۳	مُدَّارِکُوْنَ	مُدَّارِکِیْنَ	مُدَّارِکِیْنَ	مُدَّارَکُوْنَ	مُدَّارَکِیْنَ	مُدَّارَکِیْنَ
۴	مُدَّارِکَةٌ	مُدَّارِکَةً	مُدَّارِکَةٍ	مُدَّارَکَةٌ	مُدَّارَکَةً	مُدَّارَکَةٍ
۵	مُدَّارِکَتَانِ	مُدَّارِکَتَیْنِ	مُدَّارِکَتَیْنِ	مُدَّارَکَتَانِ	مُدَّارَکَتَیْنِ	مُدَّارَکَتَیْنِ
۶	مُدَّارِکَاتٌ	مُدَّارِکَاتِ	مُدَّارِکَاتِ	مُدَّارَکَاتٌ	مُدَّارَکَاتِ	مُدَّارَکَاتِ

تصویر

صفحه ۱۲۷	۱(۱) باب إفعلال (الإحْمِرَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُحْمَرٌّ	مُحْمَرّاً	مُحْمَرٍّ	مُحْمَرٌّ بِهِ	مُحْمَرّاً بِهِ	مُحْمَرٍّ بِهِ
۲	مُحْمَرَّانِ	مُحْمَرَّيْنِ	مُحْمَرَّيْنِ	مُحْمَرٌّ بِهِمَا	مُحْمَرّاً بِهِمَا	مُحْمَرٍّ بِهِمَا
۳	مُحْمَرُّوْنَ	مُحْمَرِّيْنَ	مُحْمَرِّيْنَ	مُحْمَرٌّ بِهِمْ	مُحْمَرّاً بِهِمْ	مُحْمَرٍّ بِهِمْ
۴	مُحْمَرَّةٌ	مُحْمَرَّةً	مُحْمَرَّةٍ	مُحْمَرٌّ بِهَا	مُحْمَرّاً بِهَا	مُحْمَرٍّ بِهَا
۵	مُحْمَرَّتَانِ	مُحْمَرَّتَيْنِ	مُحْمَرَّتَيْنِ	مُحْمَرٌّ بِهِمَا	مُحْمَرّاً بِهِمَا	مُحْمَرٍّ بِهِمَا
۶	مُحْمَرَّاتٌ	مُحْمَرَّاتٍ	مُحْمَرَّاتٍ	مُحْمَرٌّ بِهِنَّ	مُحْمَرّاً بِهِنَّ	مُحْمَرٍّ بِهِنَّ

صفحه ۱۲۷	۱(۲) باب إفعلال (الإحْمِرَار) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُحْمَرُّ	الـمُحْمَرَّ	الـمُحْمَرِّ	الـمُحْمَرُّ بِهِ	الـمُحْمَرَّ بِهِ	الـمُحْمَرِّ بِهِ
۲	الـمُحْمَرَّانِ	الـمُحْمَرَّيْنِ	الـمُحْمَرَّيْنِ	الـمُحْمَرُّ بِهِمَا	الـمُحْمَرَّ بِهِمَا	الـمُحْمَرِّ بِهِمَا
۳	الـمُحْمَرُّوْنَ	الـمُحْمَرِّيْنَ	الـمُحْمَرِّيْنَ	الـمُحْمَرُّ بِهِمْ	الـمُحْمَرَّ بِهِمْ	الـمُحْمَرِّ بِهِمْ
۴	الـمُحْمَرَّةُ	الـمُحْمَرَّةَ	الـمُحْمَرَّةِ	الـمُحْمَرُّ بِهَا	الـمُحْمَرَّ بِهَا	الـمُحْمَرِّ بِهَا
۵	الـمُحْمَرَّتَانِ	الـمُحْمَرَّتَيْنِ	الـمُحْمَرَّتَيْنِ	الـمُحْمَرُّ بِهِمَا	الـمُحْمَرَّ بِهِمَا	الـمُحْمَرِّ بِهِمَا
۶	الـمُحْمَرَّاتُ	الـمُحْمَرَّاتِ	الـمُحْمَرَّاتِ	الـمُحْمَرُّ بِهِنَّ	الـمُحْمَرَّ بِهِنَّ	الـمُحْمَرِّ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۲۸	۱	باب إستفعال سالم (الإسْتِغْفَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَغْفِرٌ	مُسْتَغْفِراً	مُسْتَغْفِرٍ		مُسْتَغْفَرٌ	مُسْتَغْفَراً	مُسْتَغْفَرٍ
۲	مُسْتَغْفِرَانِ	مُسْتَغْفِرَيْنِ	مُسْتَغْفِرَيْنِ		مُسْتَغْفَرَانِ	مُسْتَغْفَرَيْنِ	مُسْتَغْفَرَيْنِ
۳	مُسْتَغْفِرُوْنَ	مُسْتَغْفِرِيْنَ	مُسْتَغْفِرِيْنَ		مُسْتَغْفَرُوْنَ	مُسْتَغْفَرِيْنَ	مُسْتَغْفَرِيْنَ
۴	مُسْتَغْفِرَةٌ	مُسْتَغْفِرَةً	مُسْتَغْفِرَةٍ		مُسْتَغْفَرَةٌ	مُسْتَغْفَرَةً	مُسْتَغْفَرَةٍ
۵	مُسْتَغْفِرَتَانِ	مُسْتَغْفِرَتَيْنِ	مُسْتَغْفِرَتَيْنِ		مُسْتَغْفَرَتَانِ	مُسْتَغْفَرَتَيْنِ	مُسْتَغْفَرَتَيْنِ
۶	مُسْتَغْفِرَاتٌ	مُسْتَغْفِرَاتٍ	مُسْتَغْفِرَاتٍ		مُسْتَغْفَرَاتٌ	مُسْتَغْفَرَاتٍ	مُسْتَغْفَرَاتٍ



صفحه ۱۲۸	۲	باب إستفعال مضاعف (الإسْتِمْدَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَمِدٌّ	مُسْتَمِدّاً	مُسْتَمِدٍّ		مُسْتَمَدٌّ	مُسْتَمَدّاً	مُسْتَمَدٍّ
۲	مُسْتَمِدَّانِ	مُسْتَمِدَّيْنِ	مُسْتَمِدَّيْنِ		مُسْتَمَدَّانِ	مُسْتَمَدَّيْنِ	مُسْتَمَدَّيْنِ
۳	مُسْتَمِدُّوْنَ	مُسْتَمِدِّيْنَ	مُسْتَمِدِّيْنَ		مُسْتَمَدُّوْنَ	مُسْتَمَدِّيْنَ	مُسْتَمَدِّيْنَ
۴	مُسْتَمِدَّةٌ	مُسْتَمِدَّةً	مُسْتَمِدَّةٍ		مُسْتَمَدَّةٌ	مُسْتَمَدَّةً	مُسْتَمَدَّةٍ
۵	مُسْتَمِدَّتَانِ	مُسْتَمِدَّتَيْنِ	مُسْتَمِدَّتَيْنِ		مُسْتَمَدَّتَانِ	مُسْتَمَدَّتَيْنِ	مُسْتَمَدَّتَيْنِ
۶	مُسْتَمِدَّاتٌ	مُسْتَمِدَّاتٍ	مُسْتَمِدَّاتٍ		مُسْتَمَدَّاتٌ	مُسْتَمَدَّاتٍ	مُسْتَمَدَّاتٍ

تصویر

صفحه ۱۳۹	۳	باب إستفعال مثال واوی (الإسْتِيْضَاع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَوْضِعٌ	مُسْتَوْضِعاً	مُسْتَوْضِعٍ	مُسْتَوْضَعٌ	مُسْتَوْضَعاً	مُسْتَوْضَعٍ
۲	مُسْتَوْضِعَانِ	مُسْتَوْضِعَيْنِ	مُسْتَوْضِعَيْنِ	مُسْتَوْضَعَانِ	مُسْتَوْضَعَيْنِ	مُسْتَوْضَعَيْنِ
۳	مُسْتَوْضِعُوْنَ	مُسْتَوْضِعِيْنَ	مُسْتَوْضِعِيْنَ	مُسْتَوْضَعُوْنَ	مُسْتَوْضَعِيْنَ	مُسْتَوْضَعِيْنَ
۴	مُسْتَوْضِعَةٌ	مُسْتَوْضِعَةً	مُسْتَوْضِعَةٍ	مُسْتَوْضَعَةٌ	مُسْتَوْضَعَةً	مُسْتَوْضَعَةٍ
۵	مُسْتَوْضِعَتَانِ	مُسْتَوْضِعَتَيْنِ	مُسْتَوْضِعَتَيْنِ	مُسْتَوْضَعَتَانِ	مُسْتَوْضَعَتَيْنِ	مُسْتَوْضَعَتَيْنِ
۶	مُسْتَوْضِعَاتٌ	مُسْتَوْضِعَاتِ	مُسْتَوْضِعَاتٍ	مُسْتَوْضَعَاتٌ	مُسْتَوْضَعَاتِ	مُسْتَوْضَعَاتٍ

صفحه ۱۲۹	۴	باب إستفعال مثال یایی (الإسْتِيْسَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَيْسِرٌ	مُسْتَيْسِراً	مُسْتَيْسِرٍ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِ	مُسْتَيْسَراً بِهِ	مُسْتَيْسَرٍ بِهِ
۲	مُسْتَيْسِرَانِ	مُسْتَيْسِرَيْنِ	مُسْتَيْسِرَيْنِ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِمَا	مُسْتَيْسَراً بِهِمَا	مُسْتَيْسَرٍ بِهِمَا
۳	مُسْتَيْسِرُوْنَ	مُسْتَيْسِرِيْنَ	مُسْتَيْسِرِيْنَ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِمْ	مُسْتَيْسَراً بِهِمْ	مُسْتَيْسَرٍ بِهِمْ
۴	مُسْتَيْسِرَةٌ	مُسْتَيْسِرَةً	مُسْتَيْسِرَةٍ	مُسْتَيْسَرٌ بِهَا	مُسْتَيْسَراً بِهَا	مُسْتَيْسَرٍ بِهَا
۵	مُسْتَيْسِرَتَانِ	مُسْتَيْسِرَتَيْنِ	مُسْتَيْسِرَتَيْنِ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِمَا	مُسْتَيْسَراً بِهِمَا	مُسْتَيْسَرٍ بِهِمَا
۶	مُسْتَيْسِرَاتٌ	مُسْتَيْسِرَاتِ	مُسْتَيْسِرَاتٍ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِنَّ	مُسْتَيْسَراً بِهِنَّ	مُسْتَيْسَرٍ بِهِنَّ

مثال

مثال واوی

تصویر

صفحه ۱۳۰	۵	باب إستفعال اجوف واوی (الإسْتِقَامَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَقِيْمٌ	مُسْتَقِيْماً	مُسْتَقِيْمٍ		مُسْتَقَامٌ بِهِ	مُسْتَقَاماً بِهِ	مُسْتَقَامٍ بِهِ
۲	مُسْتَقِيْمَانِ	مُسْتَقِيْمَيْنِ	مُسْتَقِيْمَيْنِ		مُسْتَقَامٌ بِهِمَا	مُسْتَقَاماً بِهِمَا	مُسْتَقَامٍ بِهِمَا
۳	مُسْتَقِيْمُوْنَ	مُسْتَقِيْمِيْنَ	مُسْتَقِيْمِيْنَ		مُسْتَقَامٌ بِهِمْ	مُسْتَقَاماً بِهِمْ	مُسْتَقَامٍ بِهِمْ
۴	مُسْتَقِيْمَةٌ	مُسْتَقِيْمَةً	مُسْتَقِيْمَةٍ		مُسْتَقَامٌ بِهَا	مُسْتَقَاماً بِهَا	مُسْتَقَامٍ بِهَا
۵	مُسْتَقِيْمَتَانِ	مُسْتَقِيْمَتَيْنِ	مُسْتَقِيْمَتَيْنِ		مُسْتَقَامٌ بِهِمَا	مُسْتَقَاماً بِهِمَا	مُسْتَقَامٍ بِهِمَا
۶	مُسْتَقِيْمَاتٌ	مُسْتَقِيْمَاتِ	مُسْتَقِيْمَاتٍ		مُسْتَقَامٌ بِهِنَّ	مُسْتَقَاماً بِهِنَّ	مُسْتَقَامٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۳۰	۶	باب إستفعال اجوف یایی (الإسْتِبَاعَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَبِيْعٌ	مُسْتَبِيْعاً	مُسْتَبِيْعٍ		مُسْتَبَاعٌ	مُسْتَبَاعاً	مُسْتَبَاعٍ
۲	مُسْتَبِيْعَانِ	مُسْتَبِيْعَيْنِ	مُسْتَبِيْعَيْنِ		مُسْتَبَاعَانِ	مُسْتَبَاعَيْنِ	مُسْتَبَاعَيْنِ
۳	مُسْتَبِيْعُوْنَ	مُسْتَبِيْعِيْنَ	مُسْتَبِيْعِيْنَ		مُسْتَبَاعُوْنَ	مُسْتَبَاعِيْنَ	مُسْتَبَاعِيْنَ
۴	مُسْتَبِيْعَةٌ	مُسْتَبِيْعَةً	مُسْتَبِيْعَةٍ		مُسْتَبَاعَةٌ	مُسْتَبَاعَةً	مُسْتَبَاعَةٍ
۵	مُسْتَبِيْعَتَانِ	مُسْتَبِيْعَتَيْنِ	مُسْتَبِيْعَتَيْنِ		مُسْتَبَاعَتَانِ	مُسْتَبَاعَتَيْنِ	مُسْتَبَاعَتَيْنِ
۶	مُسْتَبِيْعَاتٌ	مُسْتَبِيْعَاتِ	مُسْتَبِيْعَاتٍ		مُسْتَبَاعَاتٌ	مُسْتَبَاعَاتِ	مُسْتَبَاعَاتٍ

تصویر



صفحه ۱۳۱	۷ (۱) باب إستفعال ناقص واوی (الإسْتِدْعَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَدْعٍ	مُسْتَدْعِياً	مُسْتَدْعٍ	مُسْتَدْعىً	مُسْتَدْعىً	مُسْتَدْعىً
۲	مُسْتَدْعِيَانِ	مُسْتَدْعِيَيْنِ	مُسْتَدْعِيَيْنِ	مُسْتَدْعَيَانِ	مُسْتَدْعَيَيْنِ	مُسْتَدْعَيَيْنِ
۳	مُسْتَدْعُوْنَ	مُسْتَدْعِيْنَ	مُسْتَدْعِيْنَ	مُسْتَدْعَوْنَ	مُسْتَدْعَيْنَ	مُسْتَدْعَيْنَ
۴	مُسْتَدْعِيَةٌ	مُسْتَدْعِيَةً	مُسْتَدْعِيَةٍ	مُسْتَدْعَاةٌ	مُسْتَدْعَاةً	مُسْتَدْعَاةٍ
۵	مُسْتَدْعِيَتَانِ	مُسْتَدْعِيَتَيْنِ	مُسْتَدْعِيَتَيْنِ	مُسْتَدْعَاتَانِ	مُسْتَدْعَاتَيْنِ	مُسْتَدْعَاتَيْنِ
۶	مُسْتَدْعِيَاتٌ	مُسْتَدْعِيَاتِ	مُسْتَدْعِيَاتِ	مُسْتَدْعَيَاتٌ	مُسْتَدْعَيَاتِ	مُسْتَدْعَيَاتِ



صفحه ۱۳۱	۷ (۲) باب إستفعال ناقص واوی (الإسْتِدْعَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف ولام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُسْتَدْعِي	الـمُسْتَدْعِىَ	الـمُسْتَدْعِي	الـمُسْتَدْعىٰ	الـمُسْتَدْعىٰ	الـمُسْتَدْعىٰ
۲	الـمُسْتَدْعِيَانِ	الـمُسْتَدْعِيَيْنِ	الـمُسْتَدْعِيَيْنِ	الـمُسْتَدْعَيَانِ	الـمُسْتَدْعَيَيْنِ	الـمُسْتَدْعَيَيْنِ
۳	الـمُسْتَدْعُوْنَ	الـمُسْتَدْعِيْنَ	الـمُسْتَدْعِيْنَ	الـمُسْتَدْعَوْنَ	الـمُسْتَدْعَيْنَ	الـمُسْتَدْعَيْنَ
۴	الـمُسْتَدْعِيَةُ	الـمُسْتَدْعِيَةَ	الـمُسْتَدْعِيَةِ	الـمُسْتَدْعَاةٌ	الـمُسْتَدْعَاةً	الـمُسْتَدْعَاةٍ
۵	الـمُسْتَدْعِيَتَانِ	الـمُسْتَدْعِيَتَيْنِ	الـمُسْتَدْعِيَتَيْنِ	الـمُسْتَدْعَاتَانِ	الـمُسْتَدْعَاتَيْنِ	الـمُسْتَدْعَاتَيْنِ
۶	الـمُسْتَدْعِيَاتُ	الـمُسْتَدْعِيَاتِ	الـمُسْتَدْعِيَاتِ	الـمُسْتَدْعَيَاتٌ	الـمُسْتَدْعَيَاتِ	الـمُسْتَدْعَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۲	۸(۱) باب إستفعال ناقص يايى (الإسْتِرْعَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَرْعٍ	مُسْتَرْعِياً	مُسْتَرْعٍ	مُسْتَرْعىً	مُسْتَرْعىً	مُسْتَرْعىً
۲	مُسْتَرْعِيَانِ	مُسْتَرْعِيَيْنِ	مُسْتَرْعِيَيْنِ	مُسْتَرْعَيَانِ	مُسْتَرْعَيَيْنِ	مُسْتَرْعَيَيْنِ
۳	مُسْتَرْعُوْنَ	مُسْتَرْعِيْنَ	مُسْتَرْعِيْنَ	مُسْتَرْعَوْنَ	مُسْتَرْعَيْنَ	مُسْتَرْعَيْنَ
۴	مُسْتَرْعِيَةٌ	مُسْتَرْعِيَةً	مُسْتَرْعِيَةٍ	مُسْتَرْعَاةٌ	مُسْتَرْعَاةً	مُسْتَرْعَاةٍ
۵	مُسْتَرْعِيَتَانِ	مُسْتَرْعِيَتَيْنِ	مُسْتَرْعِيَتَيْنِ	مُسْتَرْعَاتَانِ	مُسْتَرْعَاتَيْنِ	مُسْتَرْعَاتَيْنِ
۶	مُسْتَرْعِيَاتٌ	مُسْتَرْعِيَاتِ	مُسْتَرْعِيَاتِ	مُسْتَرْعَيَاتٌ	مُسْتَرْعَيَاتِ	مُسْتَرْعَيَاتِ

صفحه ۱۳۲	۸(۲) باب إستفعال ناقص يايى (الإسْتِرْعَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَرْعِي	الْمُسْتَرْعِيَ	الْمُسْتَرْعِي	الْمُسْتَرْعىٰ	الْمُسْتَرْعىٰ	الْمُسْتَرْعىٰ
۲	الْمُسْتَرْعِيَانِ	الْمُسْتَرْعِيَيْنِ	الْمُسْتَرْعِيَيْنِ	الْمُسْتَرْعَيَانِ	الْمُسْتَرْعَيَيْنِ	الْمُسْتَرْعَيَيْنِ
۳	الْمُسْتَرْعُوْنَ	الْمُسْتَرْعِيْنَ	الْمُسْتَرْعِيْنَ	الْمُسْتَرْعَوْنَ	الْمُسْتَرْعَيْنَ	الْمُسْتَرْعَيْنَ
۴	الْمُسْتَرْعِيَةُ	الْمُسْتَرْعِيَةَ	الْمُسْتَرْعِيَةِ	الْمُسْتَرْعَاةُ	الْمُسْتَرْعَاةَ	الْمُسْتَرْعَاةِ
۵	الْمُسْتَرْعِيَتَانِ	الْمُسْتَرْعِيَتَيْنِ	الْمُسْتَرْعِيَتَيْنِ	الْمُسْتَرْعَاتَانِ	الْمُسْتَرْعَاتَيْنِ	الْمُسْتَرْعَاتَيْنِ
۶	الْمُسْتَرْعِيَاتُ	الْمُسْتَرْعِيَاتِ	الْمُسْتَرْعِيَاتِ	الْمُسْتَرْعَيَاتُ	الْمُسْتَرْعَيَاتِ	الْمُسْتَرْعَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۳	۹(۱) باب إستفعال لفیف مفروق (الإسْتِیْلَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَوْلٍ	مُسْتَوْلِياً	مُسْتَوْلٍ	مُسْتَوْلًى بِهِ	مُسْتَوْلًى بِهِ	مُسْتَوْلًى بِهِ
۲	مُسْتَوْلِيَانِ	مُسْتَوْلِيَيْنِ	مُسْتَوْلِيَيْنِ	مُسْتَوْلًى بِهِمَا	مُسْتَوْلًى بِهِمَا	مُسْتَوْلًى بِهِمَا
۳	مُسْتَوْلُوْنَ	مُسْتَوْلِيْنَ	مُسْتَوْلِيْنَ	مُسْتَوْلًى بِهِمْ	مُسْتَوْلًى بِهِمْ	مُسْتَوْلًى بِهِمْ
۴	مُسْتَوْلِيَةٌ	مُسْتَوْلِيَةً	مُسْتَوْلِيَةٍ	مُسْتَوْلًى بِهَا	مُسْتَوْلًى بِهَا	مُسْتَوْلًى بِهَا
۵	مُسْتَوْلِيَتَانِ	مُسْتَوْلِيَتَيْنِ	مُسْتَوْلِيَتَيْنِ	مُسْتَوْلًى بِهِمَا	مُسْتَوْلًى بِهِمَا	مُسْتَوْلًى بِهِمَا
۶	مُسْتَوْلِيَاتٌ	مُسْتَوْلِيَاتٍ	مُسْتَوْلِيَاتٍ	مُسْتَوْلًى بِهِنَّ	مُسْتَوْلًى بِهِنَّ	مُسْتَوْلًى بِهِنَّ

صفحه ۱۳۳	۹(۲) باب إستفعال لفیف مفروق (الإسْتِیْلَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَوْلِي	الْمُسْتَوْلِيَ	الْمُسْتَوْلِي	الْمُسْتَوْلًى بِهِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِ
۲	الْمُسْتَوْلِيَانِ	الْمُسْتَوْلِيَيْنِ	الْمُسْتَوْلِيَيْنِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا
۳	الْمُسْتَوْلُوْنَ	الْمُسْتَوْلِيْنَ	الْمُسْتَوْلِيْنَ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمْ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمْ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمْ
۴	الْمُسْتَوْلِيَةُ	الْمُسْتَوْلِيَةَ	الْمُسْتَوْلِيَةِ	الْمُسْتَوْلًى بِهَا	الْمُسْتَوْلًى بِهَا	الْمُسْتَوْلًى بِهَا
۵	الْمُسْتَوْلِيَتَانِ	الْمُسْتَوْلِيَتَيْنِ	الْمُسْتَوْلِيَتَيْنِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا
۶	الْمُسْتَوْلِيَاتُ	الْمُسْتَوْلِيَاتِ	الْمُسْتَوْلِيَاتِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِنَّ	الْمُسْتَوْلًى بِهِنَّ	الْمُسْتَوْلًى بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۳۴	۱۰ (۱) باب إستفعال لفيف مقرون (الإسْتِلْوَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَلْوٍ	مُسْتَلْوِياً	مُسْتَلْوٍ	مُسْتَلْوىً بِهِ	مُسْتَلْوىً بِهِ	مُسْتَلْوىً بِهِ
۲	مُسْتَلْوِيَانِ	مُسْتَلْوِيَيْنِ	مُسْتَلْوِيَيْنِ	مُسْتَلْوىً بِهِمَا	مُسْتَلْوىً بِهِمَا	مُسْتَلْوىً بِهِمَا
۳	مُسْتَلْوُوْنَ	مُسْتَلْوِيْنَ	مُسْتَلْوِيْنَ	مُسْتَلْوىً بِهِمْ	مُسْتَلْوىً بِهِمْ	مُسْتَلْوىً بِهِمْ
۴	مُسْتَلْوِيَةٌ	مُسْتَلْوِيَةً	مُسْتَلْوِيَةٍ	مُسْتَلْوىً بِهَا	مُسْتَلْوىً بِهَا	مُسْتَلْوىً بِهَا
۵	مُسْتَلْوِيَتَانِ	مُسْتَلْوِيَتَيْنِ	مُسْتَلْوِيَتَيْنِ	مُسْتَلْوىً بِهِمَا	مُسْتَلْوىً بِهِمَا	مُسْتَلْوىً بِهِمَا
۶	مُسْتَلْوِيَاتٌ	مُسْتَلْوِيَاتٍ	مُسْتَلْوِيَاتٍ	مُسْتَلْوىً بِهِنَّ	مُسْتَلْوىً بِهِنَّ	مُسْتَلْوىً بِهِنَّ

صفحه ۱۳۴	۱۰ (۲) باب إستفعال لفيف مقرون (الإسْتِلْوَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُسْتَلْوِي	المُسْتَلْوِيَ	المُسْتَلْوِي	المُسْتَلْوىً بِهِ	المُسْتَلْوىً بِهِ	المُسْتَلْوىً بِهِ
۲	المُسْتَلْوِيَانِ	المُسْتَلْوِيَيْنِ	المُسْتَلْوِيَيْنِ	المُسْتَلْوىً بِهِمَا	المُسْتَلْوىً بِهِمَا	المُسْتَلْوىً بِهِمَا
۳	المُسْتَلْوُوْنَ	المُسْتَلْوِيْنَ	المُسْتَلْوِيْنَ	المُسْتَلْوىً بِهِمْ	المُسْتَلْوىً بِهِمْ	المُسْتَلْوىً بِهِمْ
۴	المُسْتَلْوِيَةُ	المُسْتَلْوِيَةَ	المُسْتَلْوِيَةِ	المُسْتَلْوىً بِهَا	المُسْتَلْوىً بِهَا	المُسْتَلْوىً بِهَا
۵	المُسْتَلْوِيَتَانِ	المُسْتَلْوِيَتَيْنِ	المُسْتَلْوِيَتَيْنِ	المُسْتَلْوىً بِهِمَا	المُسْتَلْوىً بِهِمَا	المُسْتَلْوىً بِهِمَا
۶	المُسْتَلْوِيَاتُ	المُسْتَلْوِيَاتِ	المُسْتَلْوِيَاتِ	المُسْتَلْوىً بِهِنَّ	المُسْتَلْوىً بِهِنَّ	المُسْتَلْوىً بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۳۵	۱۱ (۱) باب إستفعال مورد اول استثنایی (الإستِحیَاء) اسم فاعل و مفعول، حالت اول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَحْيٍ	مُسْتَحْيِياً	مُسْتَحْيٍ	مُسْتَحْيىً	مُسْتَحْيىً	مُسْتَحْيىً
۲	مُسْتَحْيِيَانِ	مُسْتَحْيِيَيْنِ	مُسْتَحْيِيَيْنِ	مُسْتَحْيَيَانِ	مُسْتَحْيَيَيْنِ	مُسْتَحْيَيَيْنِ
۳	مُسْتَحْيُوْنَ	مُسْتَحْيِيْنَ	مُسْتَحْيِيْنَ	مُسْتَحْيَوْنَ	مُسْتَحْيَيْنَ	مُسْتَحْيَيْنَ
۴	مُسْتَحْيِيَةٌ	مُسْتَحْيِيَةً	مُسْتَحْيِيَةٍ	مُسْتَحْيَاةٌ	مُسْتَحْيَاةً	مُسْتَحْيَاةٍ
۵	مُسْتَحْيِيَتَانِ	مُسْتَحْيِيَتَيْنِ	مُسْتَحْيِيَتَيْنِ	مُسْتَحْيَاتَانِ	مُسْتَحْيَاتَيْنِ	مُسْتَحْيَاتَيْنِ
۶	مُسْتَحْيِيَاتٌ	مُسْتَحْيِيَاتِ	مُسْتَحْيِيَاتِ	مُسْتَحْيَيَاتٌ	مُسْتَحْيَيَاتِ	مُسْتَحْيَيَاتِ

صفحه ۱۳۵	۱۱ (۲) باب إستفعال مورد اول استثنایی (الإستِحیَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)، حالت اول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَحْيِي	الْمُسْتَحْيِيَ	الْمُسْتَحْيِي	الْمُسْتَحْيىٰ	الْمُسْتَحْيىٰ	الْمُسْتَحْيىٰ
۲	الْمُسْتَحْيِيَانِ	الْمُسْتَحْيِيَيْنِ	الْمُسْتَحْيِيَيْنِ	الْمُسْتَحْيَيَانِ	الْمُسْتَحْيَيَيْنِ	الْمُسْتَحْيَيَيْنِ
۳	الْمُسْتَحْيُوْنَ	الْمُسْتَحْيِيْنَ	الْمُسْتَحْيِيْنَ	الْمُسْتَحْيَوْنَ	الْمُسْتَحْيَيْنَ	الْمُسْتَحْيَيْنَ
۴	الْمُسْتَحْيِيَةُ	الْمُسْتَحْيِيَةَ	الْمُسْتَحْيِيَةِ	الْمُسْتَحْيَاةُ	الْمُسْتَحْيَاةَ	الْمُسْتَحْيَاةِ
۵	الْمُسْتَحْيِيَتَانِ	الْمُسْتَحْيِيَتَيْنِ	الْمُسْتَحْيِيَتَيْنِ	الْمُسْتَحْيَاتَانِ	الْمُسْتَحْيَاتَيْنِ	الْمُسْتَحْيَاتَيْنِ
۶	الْمُسْتَحْيِيَاتُ	الْمُسْتَحْيِيَاتِ	الْمُسْتَحْيِيَاتِ	الْمُسْتَحْيَيَاتُ	الْمُسْتَحْيَيَاتِ	الْمُسْتَحْيَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۶	۱۱ (۳)	باب إستفعال مورد اول استثنایی (الإستِحيَاء) اسم فاعل و مفعول، حالت دوم				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَحٍ	مُسْتَحِياً	مُسْتَحٍ	مُسْتَحًى	مُسْتَحًى	مُسْتَحًى
۲	مُسْتَحِيَانِ	مُسْتَحِيَيْنِ	مُسْتَحِيَيْنِ	مُسْتَحَيَانِ	مُسْتَحَيَيْنِ	مُسْتَحَيَيْنِ
۳	مُسْتَحُوْنَ	مُسْتَحِيْنَ	مُسْتَحِيْنَ	مُسْتَحَوْنَ	مُسْتَحَيْنَ	مُسْتَحَيْنَ
۴	مُسْتَحِيَةٌ	مُسْتَحِيَةً	مُسْتَحِيَةٍ	مُسْتَحَاةٌ	مُسْتَحَاةً	مُسْتَحَاةٍ
۵	مُسْتَحِيَتَانِ	مُسْتَحِيَتَيْنِ	مُسْتَحِيَتَيْنِ	مُسْتَحَاتَانِ	مُسْتَحَاتَيْنِ	مُسْتَحَاتَيْنِ
۶	مُسْتَحِيَاتٌ	مُسْتَحِيَاتِ	مُسْتَحِيَاتِ	مُسْتَحَيَاتٌ	مُسْتَحَيَاتِ	مُسْتَحَيَاتِ

صفحه ۱۳۶	۱۱ (۴)	باب إستفعال مورد اول استثنایی (الإستِحيَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)، حالت دوم				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَحِي	الْمُسْتَحِيَ	الْمُسْتَحِي	الْمُسْتَحًى	الْمُسْتَحًى	الْمُسْتَحًى
۲	الْمُسْتَحِيَانِ	الْمُسْتَحِيَيْنِ	الْمُسْتَحِيَيْنِ	الْمُسْتَحَيَانِ	الْمُسْتَحَيَيْنِ	الْمُسْتَحَيَيْنِ
۳	الْمُسْتَحُوْنَ	الْمُسْتَحِيْنَ	الْمُسْتَحِيْنَ	الْمُسْتَحَوْنَ	الْمُسْتَحَيْنَ	الْمُسْتَحَيْنَ
۴	الْمُسْتَحِيَةُ	الْمُسْتَحِيَةَ	الْمُسْتَحِيَةِ	الْمُسْتَحَاةُ	الْمُسْتَحَاةَ	الْمُسْتَحَاةِ
۵	الْمُسْتَحِيَتَانِ	الْمُسْتَحِيَتَيْنِ	الْمُسْتَحِيَتَيْنِ	الْمُسْتَحَاتَانِ	الْمُسْتَحَاتَيْنِ	الْمُسْتَحَاتَيْنِ
۶	الْمُسْتَحِيَاتُ	الْمُسْتَحِيَاتِ	الْمُسْتَحِيَاتِ	الْمُسْتَحَيَاتُ	الْمُسْتَحَيَاتِ	الْمُسْتَحَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۷	۱۲	باب إستفعال مهموزالفاء (الإسْتِئْمَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَأْمِرٌ	مُسْتَأْمِراً	مُسْتَأْمِرٍ		مُسْتَأْمَرٌ	مُسْتَأْمَراً	مُسْتَأْمَرٍ
۲	مُسْتَأْمِرَانِ	مُسْتَأْمِرَيْنِ	مُسْتَأْمِرَيْنِ		مُسْتَأْمَرَانِ	مُسْتَأْمَرَيْنِ	مُسْتَأْمَرَيْنِ
۳	مُسْتَأْمِرُوْنَ	مُسْتَأْمِرِيْنَ	مُسْتَأْمِرِيْنَ		مُسْتَأْمَرُوْنَ	مُسْتَأْمَرِيْنَ	مُسْتَأْمَرِيْنَ
۴	مُسْتَأْمِرَةٌ	مُسْتَأْمِرَةً	مُسْتَأْمِرَةٍ		مُسْتَأْمَرَةٌ	مُسْتَأْمَرَةً	مُسْتَأْمَرَةٍ
۵	مُسْتَأْمِرَتَانِ	مُسْتَأْمِرَتَيْنِ	مُسْتَأْمِرَتَيْنِ		مُسْتَأْمَرَتَانِ	مُسْتَأْمَرَتَيْنِ	مُسْتَأْمَرَتَيْنِ
۶	مُسْتَأْمِرَاتٌ	مُسْتَأْمِرَاتِ	مُسْتَأْمِرَاتِ		مُسْتَأْمَرَاتٌ	مُسْتَأْمَرَاتِ	مُسْتَأْمَرَاتِ

صفحه ۱۳۷	۱۳	باب إستفعال مهموزالعين (الإسْتِلْأَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَلْئِمٌ	مُسْتَلْئِماً	مُسْتَلْئِمٍ		مُسْتَلْأَمٌ	مُسْتَلْأَماً	مُسْتَلْأَمٍ
۲	مُسْتَلْئِمَانِ	مُسْتَلْئِمَيْنِ	مُسْتَلْئِمَيْنِ		مُسْتَلْأَمَانِ	مُسْتَلْأَمَيْنِ	مُسْتَلْأَمَيْنِ
۳	مُسْتَلْئِمُوْنَ	مُسْتَلْئِمِيْنَ	مُسْتَلْئِمِيْنَ		مُسْتَلْأَمُوْنَ	مُسْتَلْأَمِيْنَ	مُسْتَلْأَمِيْنَ
۴	مُسْتَلْئِمَةٌ	مُسْتَلْئِمَةً	مُسْتَلْئِمَةٍ		مُسْتَلْأَمَةٌ	مُسْتَلْأَمَةً	مُسْتَلْأَمَةٍ
۵	مُسْتَلْئِمَتَانِ	مُسْتَلْئِمَتَيْنِ	مُسْتَلْئِمَتَيْنِ		مُسْتَلْأَمَتَانِ	مُسْتَلْأَمَتَيْنِ	مُسْتَلْأَمَتَيْنِ
۶	مُسْتَلْئِمَاتٌ	مُسْتَلْئِمَاتِ	مُسْتَلْئِمَاتِ		مُسْتَلْأَمَاتٌ	مُسْتَلْأَمَاتِ	مُسْتَلْأَمَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۸	۱۴ (۱) باب إستفعال مهموزاللام (الإسْتِقْرَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَقْرِئٌ	مُسْتَقْرِئاً	مُسْتَقْرِئٍ	مُسْتَقْرَأٌ	مُسْتَقْرَءاً	مُسْتَقْرَإٍ
۲	مُسْتَقْرِئَانِ	مُسْتَقْرِئَيْنِ	مُسْتَقْرِئَيْنِ	مُسْتَقْرَأَانِ	مُسْتَقْرَأَيْنِ	مُسْتَقْرَأَيْنِ
۳	مُسْتَقْرِئُوْنَ	مُسْتَقْرِئِيْنَ	مُسْتَقْرِئِيْنَ	مُسْتَقْرَؤُوْنَ	مُسْتَقْرَئِيْنَ	مُسْتَقْرَئِيْنَ
۴	مُسْتَقْرِئَةٌ	مُسْتَقْرِئَةً	مُسْتَقْرِئَةٍ	مُسْتَقْرَأَةٌ	مُسْتَقْرَأَةً	مُسْتَقْرَأَةٍ
۵	مُسْتَقْرِئَتَانِ	مُسْتَقْرِئَتَيْنِ	مُسْتَقْرِئَتَيْنِ	مُسْتَقْرَأَتَانِ	مُسْتَقْرَأَتَيْنِ	مُسْتَقْرَأَتَيْنِ
۶	مُسْتَقْرِئَاتٌ	مُسْتَقْرِئَاتِ	مُسْتَقْرِئَاتِ	مُسْتَقْرَءَاتٌ	مُسْتَقْرَءَاتِ	مُسْتَقْرَءَاتِ

صفحه ۱۳۸	۱۴ (۲) باب إستفعال مهموزاللام (الإسْتِقْرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَقْرٍ	مُسْتَقْرِياً	مُسْتَقْرٍ	مُسْتَقْرىً	مُسْتَقْرىً	مُسْتَقْرىً
۲	مُسْتَقْرِيَانِ	مُسْتَقْرِيَيْنِ	مُسْتَقْرِيَيْنِ	مُسْتَقْرَيَانِ	مُسْتَقْرَيَيْنِ	مُسْتَقْرَيَيْنِ
۳	مُسْتَقْرُوْنَ	مُسْتَقْرِيْنَ	مُسْتَقْرِيْنَ	مُسْتَقْرَوْنَ	مُسْتَقْرَيْنَ	مُسْتَقْرَيْنَ
۴	مُسْتَقْرِيَةٌ	مُسْتَقْرِيَةً	مُسْتَقْرِيَةٍ	مُسْتَقْرَاةٌ	مُسْتَقْرَاةً	مُسْتَقْرَاةٍ
۵	مُسْتَقْرِيَتَانِ	مُسْتَقْرِيَتَيْنِ	مُسْتَقْرِيَتَيْنِ	مُسْتَقْرَاتَانِ	مُسْتَقْرَاتَيْنِ	مُسْتَقْرَاتَيْنِ
۶	مُسْتَقْرِيَاتٌ	مُسْتَقْرِيَاتِ	مُسْتَقْرِيَاتِ	مُسْتَقْرَيَاتٌ	مُسْتَقْرَيَاتِ	مُسْتَقْرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۹	۱۴ (۳)	باب إستفعال مهموزاللام (الإستِقْراء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُسْـتَقْرِي	الـمُسْـتَقْرِىَ	الـمُسْـتَقْرِي		الـمُسْـتَقْرىٰ	الـمُسْـتَقْرىٰ	الـمُسْـتَقْرىٰ
۲	الـمُسْـتَقْرِيَانِ	الـمُسْـتَقْرِيَيْنِ	الـمُسْـتَقْرِيَيْنِ		الـمُسْـتَقْرَيَانِ	الـمُسْـتَقْرَيَيْنِ	الـمُسْـتَقْرَيَيْنِ
۳	الـمُسْـتَقْرُوْنَ	الـمُسْـتَقْرِيْنَ	الـمُسْـتَقْرِيْنَ		الـمُسْـتَقْرَوْنَ	الـمُسْـتَقْرَيْنَ	الـمُسْـتَقْرَيْنَ
۴	الـمُسْـتَقْرِيَةُ	الـمُسْـتَقْرِيَةَ	الـمُسْـتَقْرِيَةِ		الـمُسْـتَقْرَاةُ	الـمُسْـتَقْرَاةَ	الـمُسْـتَقْرَاةِ
۵	الـمُسْـتَقْرِيَتَانِ	الـمُسْـتَقْرِيَتَيْنِ	الـمُسْـتَقْرِيَتَيْنِ		الـمُسْـتَقْرَاتَانِ	الـمُسْـتَقْرَاتَيْنِ	الـمُسْـتَقْرَاتَيْنِ
۶	الـمُسْـتَقْرِيَاتُ	الـمُسْـتَقْرِيَاتِ	الـمُسْـتَقْرِيَاتِ		الـمُسْـتَقْرَيَاتُ	الـمُسْـتَقْرَيَاتِ	الـمُسْـتَقْرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۴۰	۱۵(۱) باب إستفعال مورد دوم استثنایی (الإسْتِطَاعَةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَطِيْعٌ	مُسْتَطِيْعاً	مُسْتَطِيْعٍ	مُسْتَطَاعٌ	مُسْتَطَاعاً	مُسْتَطَاعٍ
۲	مُسْتَطِيْعَانِ	مُسْتَطِيْعَيْنِ	مُسْتَطِيْعَيْنِ	مُسْتَطَاعَانِ	مُسْتَطَاعَيْنِ	مُسْتَطَاعَيْنِ
۳	مُسْتَطِيْعُوْنَ	مُسْتَطِيْعِيْنَ	مُسْتَطِيْعِيْنَ	مُسْتَطَاعُوْنَ	مُسْتَطَاعِيْنَ	مُسْتَطَاعِيْنَ
۴	مُسْتَطِيْعَةٌ	مُسْتَطِيْعَةً	مُسْتَطِيْعَةٍ	مُسْتَطَاعَةٌ	مُسْتَطَاعَةً	مُسْتَطَاعَةٍ
۵	مُسْتَطِيْعَتَانِ	مُسْتَطِيْعَتَيْنِ	مُسْتَطِيْعَتَيْنِ	مُسْتَطَاعَتَانِ	مُسْتَطَاعَتَيْنِ	مُسْتَطَاعَتَيْنِ
۶	مُسْتَطِيْعَاتٌ	مُسْتَطِيْعَاتِ	مُسْتَطِيْعَاتٍ	مُسْتَطَاعَاتٌ	مُسْتَطَاعَاتِ	مُسْتَطَاعَاتٍ

صفحه ۱۴۰	۱۵(۲) باب إستفعال مورد دوم استثنایی (الإسْطَاعَةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْطِيْعٌ	مُسْطِيْعاً	مُسْطِيْعٍ	مُسْطَاعٌ	مُسْطَاعاً	مُسْطَاعٍ
۲	مُسْطِيْعَانِ	مُسْطِيْعَيْنِ	مُسْطِيْعَيْنِ	مُسْطَاعَانِ	مُسْطَاعَيْنِ	مُسْطَاعَيْنِ
۳	مُسْطِيْعُوْنَ	مُسْطِيْعِيْنَ	مُسْطِيْعِيْنَ	مُسْطَاعُوْنَ	مُسْطَاعِيْنَ	مُسْطَاعِيْنَ
۴	مُسْطِيْعَةٌ	مُسْطِيْعَةً	مُسْطِيْعَةٍ	مُسْطَاعَةٌ	مُسْطَاعَةً	مُسْطَاعَةٍ
۵	مُسْطِيْعَتَانِ	مُسْطِيْعَتَيْنِ	مُسْطِيْعَتَيْنِ	مُسْطَاعَتَانِ	مُسْطَاعَتَيْنِ	مُسْطَاعَتَيْنِ
۶	مُسْطِيْعَاتٌ	مُسْطِيْعَاتِ	مُسْطِيْعَاتٍ	مُسْطَاعَاتٌ	مُسْطَاعَاتِ	مُسْطَاعَاتٍ

تصویر



صفحه ۱۴۱	۱ (۱)	باب إفعيلال (الإحْمِيْرَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُحْمَارٌّ	مُحْمَارّاً	مُحْمَارٍّ		مُحْمَارٌّ بِهِ	مُحْمَارّاً بِهِ	مُحْمَارٍّ بِهِ
۲	مُحْمَارَّانِ	مُحْمَارَّيْنِ	مُحْمَارَّيْنِ		مُحْمَارٌّ بِهِمَا	مُحْمَارّاً بِهِمَا	مُحْمَارٍّ بِهِمَا
۳	مُحْمَارُّوْنَ	مُحْمَارِّيْنَ	مُحْمَارِّيْنَ		مُحْمَارٌّ بِهِمْ	مُحْمَارّاً بِهِمْ	مُحْمَارٍّ بِهِمْ
۴	مُحْمَارَّةٌ	مُحْمَارَّةً	مُحْمَارَّةٍ		مُحْمَارٌّ بِهَا	مُحْمَارّاً بِهَا	مُحْمَارٍّ بِهَا
۵	مُحْمَارَّتَانِ	مُحْمَارَّتَيْنِ	مُحْمَارَّتَيْنِ		مُحْمَارٌّ بِهِمَا	مُحْمَارّاً بِهِمَا	مُحْمَارٍّ بِهِمَا
۶	مُحْمَارَّاتٌ	مُحْمَارَّاتِ	مُحْمَارَّاتِ		مُحْمَارٌّ بِهِنَّ	مُحْمَارّاً بِهِنَّ	مُحْمَارٍّ بِهِنَّ



صفحه ۱۴۱	۱ (۲)	باب إفعيلال (الإحْمِيْرَار) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُـحْمَارُّ	الـمُـحْمَارَّ	الـمُـحْمَارِّ		الـمُـحْمَارُّ بِهِ	الـمُـحْمَارَّ بِهِ	الـمُـحْمَارِّ بِهِ
۲	الـمُـحْمَارَّانِ	الـمُـحْمَارَّيْنِ	الـمُـحْمَارَّيْنِ		الـمُـحْمَارُّ بِهِمَا	الـمُـحْمَارَّ بِهِمَا	الـمُـحْمَارِّ بِهِمَا
۳	الـمُـحْمَارُّوْنَ	الـمُـحْمَارِّيْنَ	الـمُـحْمَارِّيْنَ		الـمُـحْمَارُّ بِهِمْ	الـمُـحْمَارَّ بِهِمْ	الـمُـحْمَارِّ بِهِمْ
۴	الـمُـحْمَارَّةُ	الـمُـحْمَارَّةَ	الـمُـحْمَارَّةِ		الـمُـحْمَارُّ بِهَا	الـمُـحْمَارَّ بِهَا	الـمُـحْمَارِّ بِهَا
۵	الـمُـحْمَارَّتَانِ	الـمُـحْمَارَّتَيْنِ	الـمُـحْمَارَّتَيْنِ		الـمُـحْمَارُّ بِهِمَا	الـمُـحْمَارَّ بِهِمَا	الـمُـحْمَارِّ بِهِمَا
۶	الـمُـحْمَارَّاتُ	الـمُـحْمَارَّاتِ	الـمُـحْمَارَّاتِ		الـمُـحْمَارُّ بِهِنَّ	الـمُـحْمَارَّ بِهِنَّ	الـمُـحْمَارِّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۴۲	۱(۱) باب فعللة (الزَلْزَلَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُزَلْزِلٌ	مُزَلْزِلاً	مُزَلْزِلٍ	مُزَلْزَلٌ	مُزَلْزَلاً	مُزَلْزَلٍ
۲	مُزَلْزِلَانِ	مُزَلْزِلَيْنِ	مُزَلْزِلَيْنِ	مُزَلْزَلَانِ	مُزَلْزَلَيْنِ	مُزَلْزَلَيْنِ
۳	مُزَلْزِلُوْنَ	مُزَلْزِلِيْنَ	مُزَلْزِلِيْنَ	مُزَلْزَلُوْنَ	مُزَلْزَلِيْنَ	مُزَلْزَلِيْنَ
۴	مُزَلْزِلَةٌ	مُزَلْزِلَةً	مُزَلْزِلَةٍ	مُزَلْزَلَةٌ	مُزَلْزَلَةً	مُزَلْزَلَةٍ
۵	مُزَلْزِلَتَانِ	مُزَلْزِلَتَيْنِ	مُزَلْزِلَتَيْنِ	مُزَلْزَلَتَانِ	مُزَلْزَلَتَيْنِ	مُزَلْزَلَتَيْنِ
۶	مُزَلْزِلَاتٌ	مُزَلْزِلَاتِ	مُزَلْزِلَاتٍ	مُزَلْزَلَاتٌ	مُزَلْزَلَاتِ	مُزَلْزَلَاتٍ

صفحه ۱۴۲	۱(۲) باب فعللة (الزَلْزَلَة) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُزَلْزِلُ	المُزَلْزِلَ	المُزَلْزِلِ	المُزَلْزَلُ	المُزَلْزَلَ	المُزَلْزَلِ
۲	المُزَلْزِلَانِ	المُزَلْزِلَيْنِ	المُزَلْزِلَيْنِ	المُزَلْزَلَانِ	المُزَلْزَلَيْنِ	المُزَلْزَلَيْنِ
۳	المُزَلْزِلُوْنَ	المُزَلْزِلِيْنَ	المُزَلْزِلِيْنَ	المُزَلْزَلُوْنَ	المُزَلْزَلِيْنَ	المُزَلْزَلِيْنَ
۴	المُزَلْزِلَةُ	المُزَلْزِلَةَ	المُزَلْزِلَةِ	المُزَلْزَلَةُ	المُزَلْزَلَةَ	المُزَلْزَلَةِ
۵	المُزَلْزِلَتَانِ	المُزَلْزِلَتَيْنِ	المُزَلْزِلَتَيْنِ	المُزَلْزَلَتَانِ	المُزَلْزَلَتَيْنِ	المُزَلْزَلَتَيْنِ
۶	المُزَلْزِلَاتُ	المُزَلْزِلَاتِ	المُزَلْزِلَاتِ	المُزَلْزَلَاتُ	المُزَلْزَلَاتِ	المُزَلْزَلَاتِ

تصویر



صفحه ۱۴۳	۱ (۱)	باب تفعلل (التَّدَحْرُج) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَدَحْرِجٌ	مُتَدَحْرِجاً	مُتَدَحْرِجٍ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِ	مُتَدَحْرَجاً بِهِ	مُتَدَحْرَجٍ بِهِ
۲	مُتَدَحْرِجَانِ	مُتَدَحْرِجَيْنِ	مُتَدَحْرِجَيْنِ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِمَا	مُتَدَحْرَجاً بِهِمَا	مُتَدَحْرَجٍ بِهِمَا
۳	مُتَدَحْرِجُوْنَ	مُتَدَحْرِجِيْنَ	مُتَدَحْرِجِيْنَ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِمْ	مُتَدَحْرَجاً بِهِمْ	مُتَدَحْرَجٍ بِهِمْ
۴	مُتَدَحْرِجَةٌ	مُتَدَحْرِجَةً	مُتَدَحْرِجَةٍ		مُتَدَحْرَجٌ بِهَا	مُتَدَحْرَجاً بِهَا	مُتَدَحْرَجٍ بِهَا
۵	مُتَدَحْرِجَتَانِ	مُتَدَحْرِجَتَيْنِ	مُتَدَحْرِجَتَيْنِ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِمَا	مُتَدَحْرَجاً بِهِمَا	مُتَدَحْرَجٍ بِهِمَا
۶	مُتَدَحْرِجَاتٌ	مُتَدَحْرِجَاتٍ	مُتَدَحْرِجَاتٍ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِنَّ	مُتَدَحْرَجاً بِهِنَّ	مُتَدَحْرَجٍ بِهِنَّ



صفحه ۱۴۳	۱ (۲)	باب تفعلل (التَّدَحْرُج) اسم فاعل و مفعول (با الف ولام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُتَدَحْرِجُ	المُتَدَحْرِجَ	المُتَدَحْرِجِ		المُتَدَحْرَجٌ بِهِ	المُتَدَحْرَجاً بِهِ	المُتَدَحْرَجٍ بِهِ
۲	المُتَدَحْرِجَانِ	المُتَدَحْرِجَيْنِ	المُتَدَحْرِجَيْنِ		المُتَدَحْرَجٌ بِهِمَا	المُتَدَحْرَجاً بِهِمَا	المُتَدَحْرَجٍ بِهِمَا
۳	المُتَدَحْرِجُوْنَ	المُتَدَحْرِجِيْنَ	المُتَدَحْرِجِيْنَ		المُتَدَحْرَجٌ بِهِمْ	المُتَدَحْرَجاً بِهِمْ	المُتَدَحْرَجٍ بِهِمْ
۴	المُتَدَحْرِجَةُ	المُتَدَحْرِجَةَ	المُتَدَحْرِجَةِ		المُتَدَحْرَجٌ بِهَا	المُتَدَحْرَجاً بِهَا	المُتَدَحْرَجٍ بِهَا
۵	المُتَدَحْرِجَتَانِ	المُتَدَحْرِجَتَيْنِ	المُتَدَحْرِجَتَيْنِ		المُتَدَحْرَجٌ بِهِمَا	المُتَدَحْرَجاً بِهِمَا	المُتَدَحْرَجٍ بِهِمَا
۶	المُتَدَحْرِجَاتُ	المُتَدَحْرِجَاتِ	المُتَدَحْرِجَاتِ		المُتَدَحْرَجٌ بِهِنَّ	المُتَدَحْرَجاً بِهِنَّ	المُتَدَحْرَجٍ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۴۴	۱ (۱)	باب إفعنلال (الإحْرِنْجَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُحْرَنْجِمٌ	مُحْرَنْجِماً	مُحْرَنْجِمٍ	مُحْرَنْجَمٌ بِهِ	مُحْرَنْجَماً بِهِ	مُحْرَنْجَمٍ بِهِ
۲	مُحْرَنْجِمَانِ	مُحْرَنْجِمَيْنِ	مُحْرَنْجِمَيْنِ	مُحْرَنْجَمٌ بِهِمَا	مُحْرَنْجَماً بِهِمَا	مُحْرَنْجَمٍ بِهِمَا
۳	مُحْرَنْجِمُوْنَ	مُحْرَنْجِمِيْنَ	مُحْرَنْجِمِيْنَ	مُحْرَنْجَمٌ بِهِمْ	مُحْرَنْجَماً بِهِمْ	مُحْرَنْجَمٍ بِهِمْ
۴	مُحْرَنْجِمَةٌ	مُحْرَنْجِمَةً	مُحْرَنْجِمَةٍ	مُحْرَنْجَمٌ بِهَا	مُحْرَنْجَماً بِهَا	مُحْرَنْجَمٍ بِهَا
۵	مُحْرَنْجِمَتَانِ	مُحْرَنْجِمَتَيْنِ	مُحْرَنْجِمَتَيْنِ	مُحْرَنْجَمٌ بِهِمَا	مُحْرَنْجَماً بِهِمَا	مُحْرَنْجَمٍ بِهِمَا
۶	مُحْرَنْجِمَاتٌ	مُحْرَنْجِمَاتِ	مُحْرَنْجِمَاتِ	مُحْرَنْجَمٌ بِهِنَّ	مُحْرَنْجَماً بِهِنَّ	مُحْرَنْجَمٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۴۴	۱ (۲)	باب إفعنلال (الإحْرِنْجَام) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُحْرَنْجِمُ	الْمُحْرَنْجِمَ	الْمُحْرَنْجِمِ	الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِ	الْمُحْرَنْجَماً بِهِ	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِ
۲	الْمُحْرَنْجِمَانِ	الْمُحْرَنْجِمَيْنِ	الْمُحْرَنْجِمَيْنِ	الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِمَا	الْمُحْرَنْجَماً بِهِمَا	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِمَا
۳	الْمُحْرَنْجِمُوْنَ	الْمُحْرَنْجِمِيْنَ	الْمُحْرَنْجِمِيْنَ	الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِمْ	الْمُحْرَنْجَماً بِهِمْ	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِمْ
۴	الْمُحْرَنْجِمَةُ	الْمُحْرَنْجِمَةَ	الْمُحْرَنْجِمَةِ	الْمُحْرَنْجَمٌ بِهَا	الْمُحْرَنْجَماً بِهَا	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهَا
۵	الْمُحْرَنْجِمَتَانِ	الْمُحْرَنْجِمَتَيْنِ	الْمُحْرَنْجِمَتَيْنِ	الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِمَا	الْمُحْرَنْجَماً بِهِمَا	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِمَا
۶	الْمُحْرَنْجِمَاتُ	الْمُحْرَنْجِمَاتِ	الْمُحْرَنْجِمَاتِ	الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِنَّ	الْمُحْرَنْجَماً بِهِنَّ	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۴۵	۱ (۱)	باب إفعلّال (الإقْشِعْرَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْشَعِرٌّ	مُقْشَعِرّاً	مُقْشَعِرٍّ	مُقْشَعَرٌّ بِهِ	مُقْشَعَرّاً بِهِ	مُقْشَعَرٍّ بِهِ
۲	مُقْشَعِرَّانِ	مُقْشَعِرَّيْنِ	مُقْشَعِرَّيْنِ	مُقْشَعَرٌّ بِهِمَا	مُقْشَعَرّاً بِهِمَا	مُقْشَعَرٍّ بِهِمَا
۳	مُقْشَعِرُّوْنَ	مُقْشَعِرِّيْنَ	مُقْشَعِرِّيْنَ	مُقْشَعَرٌّ بِهِمْ	مُقْشَعَرّاً بِهِمْ	مُقْشَعَرٍّ بِهِمْ
۴	مُقْشَعِرَّةٌ	مُقْشَعِرَّةً	مُقْشَعِرَّةٍ	مُقْشَعَرٌّ بِهَا	مُقْشَعَرّاً بِهَا	مُقْشَعَرٍّ بِهَا
۵	مُقْشَعِرَّتَانِ	مُقْشَعِرَّتَيْنِ	مُقْشَعِرَّتَيْنِ	مُقْشَعَرٌّ بِهِمَا	مُقْشَعَرّاً بِهِمَا	مُقْشَعَرٍّ بِهِمَا
۶	مُقْشَعِرَّاتٌ	مُقْشَعِرَّاتِ	مُقْشَعِرَّاتِ	مُقْشَعَرٌّ بِهِنَّ	مُقْشَعَرّاً بِهِنَّ	مُقْشَعَرٍّ بِهِنَّ



صفحه ۱۴۵	۱ (۲)	باب إفعلّال (الإقْشِعْرَار) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقْشَعِرُّ	الـمُقْشَعِرَّ	الـمُقْشَعِرِّ	الـمُقْشَعَرٌّ بِهِ	الـمُقْشَعَرّاً بِهِ	الـمُقْشَعَرٍّ بِهِ
۲	الـمُقْشَعِرَّانِ	الـمُقْشَعِرَّيْنِ	الـمُقْشَعِرَّيْنِ	الـمُقْشَعَرٌّ بِهِمَا	الـمُقْشَعَرّاً بِهِمَا	الـمُقْشَعَرٍّ بِهِمَا
۳	الـمُقْشَعِرُّوْنَ	الـمُقْشَعِرِّيْنَ	الـمُقْشَعِرِّيْنَ	الـمُقْشَعَرٌّ بِهِمْ	الـمُقْشَعَرّاً بِهِمْ	الـمُقْشَعَرٍّ بِهِمْ
۴	الـمُقْشَعِرَّةُ	الـمُقْشَعِرَّةَ	الـمُقْشَعِرَّةِ	الـمُقْشَعَرٌّ بِهَا	الـمُقْشَعَرّاً بِهَا	الـمُقْشَعَرٍّ بِهَا
۵	الـمُقْشَعِرَّتَانِ	الـمُقْشَعِرَّتَيْنِ	الـمُقْشَعِرَّتَيْنِ	الـمُقْشَعَرٌّ بِهِمَا	الـمُقْشَعَرّاً بِهِمَا	الـمُقْشَعَرٍّ بِهِمَا
۶	الـمُقْشَعِرَّاتُ	الـمُقْشَعِرَّاتِ	الـمُقْشَعِرَّاتِ	الـمُقْشَعَرٌّ بِهِنَّ	الـمُقْشَعَرّاً بِهِنَّ	الـمُقْشَعَرٍّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۴۶	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إتَّسَرَ	لا يَتَّسِرُ	اَنْ يَتَّسِرَ	لا يَتَّسِرْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إتَّسَرَا	لا يَتَّسِرَانِ	اَنْ يَتَّسِرَا	لا يَتَّسِرَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إتَّسَرُوْا	لا يَتَّسِرُوْنَ	اَنْ يَتَّسِرُوْا	لا يَتَّسِرُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إتَّسَرَتْ	لا تَتَّسِرُ	اَنْ تَتَّسِرَ	لا تَتَّسِرْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إتَّسَرَتَا	لا تَتَّسِرَانِ	اَنْ تَتَّسِرَا	لا تَتَّسِرَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إتَّسَرْنَ	لا يَتَّسِرْنَ	اَنْ يَتَّسِرْنَ	لا يَتَّسِرْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إتَّسَرْتَ	لا تَتَّسِرُ	اَنْ تَتَّسِرَ	لا تَتَّسِرْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إتَّسَرْتُمَا	لا تَتَّسِرَانِ	اَنْ تَتَّسِرَا	لا تَتَّسِرَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إتَّسَرْتُمْ	لا تَتَّسِرُوْنَ	اَنْ تَتَّسِرُوْا	لا تَتَّسِرُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إتَّسَرْتِ	لا تَتَّسِرِيْنَ	اَنْ تَتَّسِرِي	لا تَتَّسِرِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إتَّسَرْتُمَا	لا تَتَّسِرَانِ	اَنْ تَتَّسِرَا	لا تَتَّسِرَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إتَّسَرْتُنَّ	لا تَتَّسِرْنَ	اَنْ تَتَّسِرْنَ	لا تَتَّسِرْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إتَّسَرْتُ	لا أَتَّسِرُ	اَنْ أَتَّسِرَ	لا أَتَّسِرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	ما إتَّسَرْنَا	لا نَتَّسِرُ	اَنْ نَتَّسِرَ	لا نَتَّسِرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۴۷	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَّسِرَنَّ	لِيُتَّسَرَنَّ	لِيَتَّسِرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَّسِرَانِّ	لِيُتَّسَرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَّسِرُنَّ	لِيُتَّسَرُنَّ		غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَّسِرَنَّ	لِتُتَّسَرَنَّ	لِتَتَّسِرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَّسِرَانِّ	لِتُتَّسَرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَّسِرْنَانِّ	لِيُتَّسَرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِتَّسِرَنَّ	لِتُتَّسَرَنَّ	إِتَّسِرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِتَّسِرَانِّ	لِتُتَّسَرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِتَّسِرُنَّ	لِتُتَّسَرُنَّ	إِتَّسِرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِتَّسِرِنَّ	لِتُتَّسَرِنَّ	إِتَّسِرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِتَّسِرَانِّ	لِتُتَّسَرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِتَّسِرْنَانِّ	لِتُتَّسَرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَّسِرَنَّ	لِأُتَّسَرَنَّ	لِأَتَّسِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَّسِرَنَّ	لِنُتَّسَرَنَّ	لِنَتَّسِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

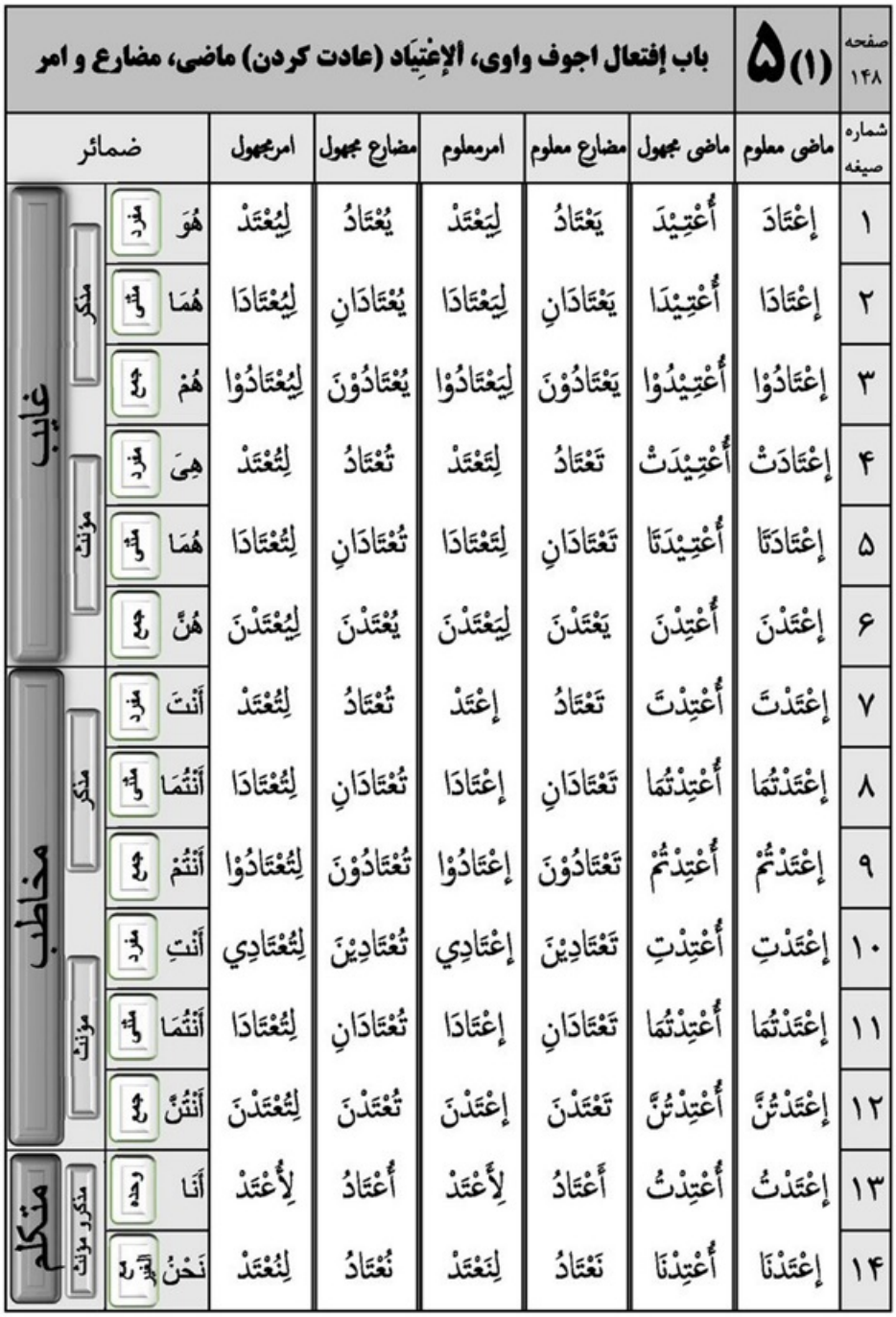

صفحه ۱۴۸	۵ (۱) باب إفتعال اجوف واوی، اَلإعْتِیَاد (عادت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إعْتَادَ	أُعْتِيْدَ	يَعْتَادُ	لِيَعْتَدْ	يُعْتَادُ	لِيُعْتَدْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إعْتَادَا	أُعْتِيْدَا	يَعْتَادَانِ	لِيَعْتَادَا	يُعْتَادَانِ	لِيُعْتَادَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إعْتَادُوْا	أُعْتِيْدُوْا	يَعْتَادُوْنَ	لِيَعْتَادُوْا	يُعْتَادُوْنَ	لِيُعْتَادُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إعْتَادَتْ	أُعْتِيْدَتْ	تَعْتَادُ	لِتَعْتَدْ	تُعْتَادُ	لِتُعْتَدْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إعْتَادَتَا	أُعْتِيْدَتَا	تَعْتَادَانِ	لِتَعْتَادَا	تُعْتَادَانِ	لِتُعْتَادَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إعْتَدْنَ	أُعْتِدْنَ	يَعْتَدْنَ	لِيَعْتَدْنَ	يُعْتَدْنَ	لِيُعْتَدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إعْتَدْتَ	أُعْتِدْتَ	تَعْتَادُ	إعْتَدْ	تُعْتَادُ	لِتُعْتَدْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إعْتَدْتُمَا	أُعْتِدْتُمَا	تَعْتَادَانِ	إعْتَادَا	تُعْتَادَانِ	لِتُعْتَادَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إعْتَدْتُمْ	أُعْتِدْتُمْ	تَعْتَادُوْنَ	إعْتَادُوْا	تُعْتَادُوْنَ	لِتُعْتَادُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إعْتَدْتِ	أُعْتِدْتِ	تَعْتَادِيْنَ	إعْتَادِي	تُعْتَادِيْنَ	لِتُعْتَادِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إعْتَدْتُمَا	أُعْتِدْتُمَا	تَعْتَادَانِ	إعْتَادَا	تُعْتَادَانِ	لِتُعْتَادَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إعْتَدْتُنَّ	أُعْتِدْتُنَّ	تَعْتَدْنَ	إعْتَدْنَ	تُعْتَدْنَ	لِتُعْتَدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إعْتَدْتُ	أُعْتِدْتُ	أَعْتَادُ	لِأَعْتَدْ	أُعْتَادُ	لِأُعْتَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إعْتَدْنَا	أُعْتِدْنَا	نَعْتَادُ	لِنَعْتَدْ	نُعْتَادُ	لِنُعْتَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۴۹	۵ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إعْتَادَ	لا يَعْتَادُ	اَنْ يَعْتَادَ	لا يَعْتَدْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إعْتَادَا	لا يَعْتَادَانِ	اَنْ يَعْتَادَا	لا يَعْتَادَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إعْتَادُوْا	لا يَعْتَادُوْنَ	اَنْ يَعْتَادُوْا	لا يَعْتَادُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إعْتَادَتْ	لا تَعْتَادُ	اَنْ تَعْتَادَ	لا تَعْتَدْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إعْتَادَتَا	لا تَعْتَادَانِ	اَنْ تَعْتَادَا	لا تَعْتَادَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إعْتَدْنَ	لا يَعْتَدْنَ	اَنْ يَعْتَدْنَ	لا يَعْتَدْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إعْتَدْتَ	لا تَعْتَادُ	اَنْ تَعْتَادَ	لا تَعْتَدْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إعْتَدْتُمَا	لا تَعْتَادَانِ	اَنْ تَعْتَادَا	لا تَعْتَادَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إعْتَدْتُمْ	لا تَعْتَادُوْنَ	اَنْ تَعْتَادُوْا	لا تَعْتَادُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إعْتَدْتِ	لا تَعْتَادِيْنَ	اَنْ تَعْتَادِي	لا تَعْتَادِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إعْتَدْتُمَا	لا تَعْتَادَانِ	اَنْ تَعْتَادَا	لا تَعْتَادَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إعْتَدْتُنَّ	لا تَعْتَدْنَ	اَنْ تَعْتَدْنَ	لا تَعْتَدْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إعْتَدْتُ	لا أَعْتَادُ	اَنْ أَعْتَادَ	لا أَعْتَدْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إعْتَدْنَا	لا نَعْتَادُ	اَنْ نَعْتَادَ	لا نَعْتَدْ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

مثال یایی

تصویر



صفحه ۱۵۰	نون تأکید ۵ (۳)				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تأکید ثقیلة	امرمجهول بانون تأکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تأکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَعْتَدَنَّ	لِيُعْتَدَنَّ	لِيَعْتَدَنْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	لِيَعْتَادَانِّ	لِيُعْتَادَانِّ			هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	لِيَعْتَادُنَّ	لِيُعْتَادُنَّ	لِيَعْتَادُنْ		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	لِتَعْتَدَنَّ	لِتُعْتَدَنَّ	لِتَعْتَدَنْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	لِتَعْتَادَانِّ	لِتُعْتَادَانِّ			هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	لِيَعْتَدْنَانِّ	لِيُعْتَدْنَانِّ			هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	إِعْتَدَنَّ	لِتُعْتَدَنَّ	إِعْتَدَنْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	إِعْتَادَانِّ	لِتُعْتَادَانِّ			أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	إِعْتَادُنَّ	لِتُعْتَادُنَّ	إِعْتَادُنْ		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	إِعْتَادِنَّ	لِتُعْتَادِنَّ	إِعْتَادِنْ		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	إِعْتَادَانِّ	لِتُعْتَادَانِّ			أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	إِعْتَدْنَانِّ	لِتُعْتَدْنَانِّ			أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	لِأَعْتَدَنَّ	لِأُعْتَدَنَّ	لِأَعْتَدَنْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	لِنَعْتَدَنَّ	لِنُعْتَدَنَّ	لِنَعْتَدَنْ		نَحْنُ (للجمع، مذکر و مؤنث)

ص: ۱۵۰

تصویر

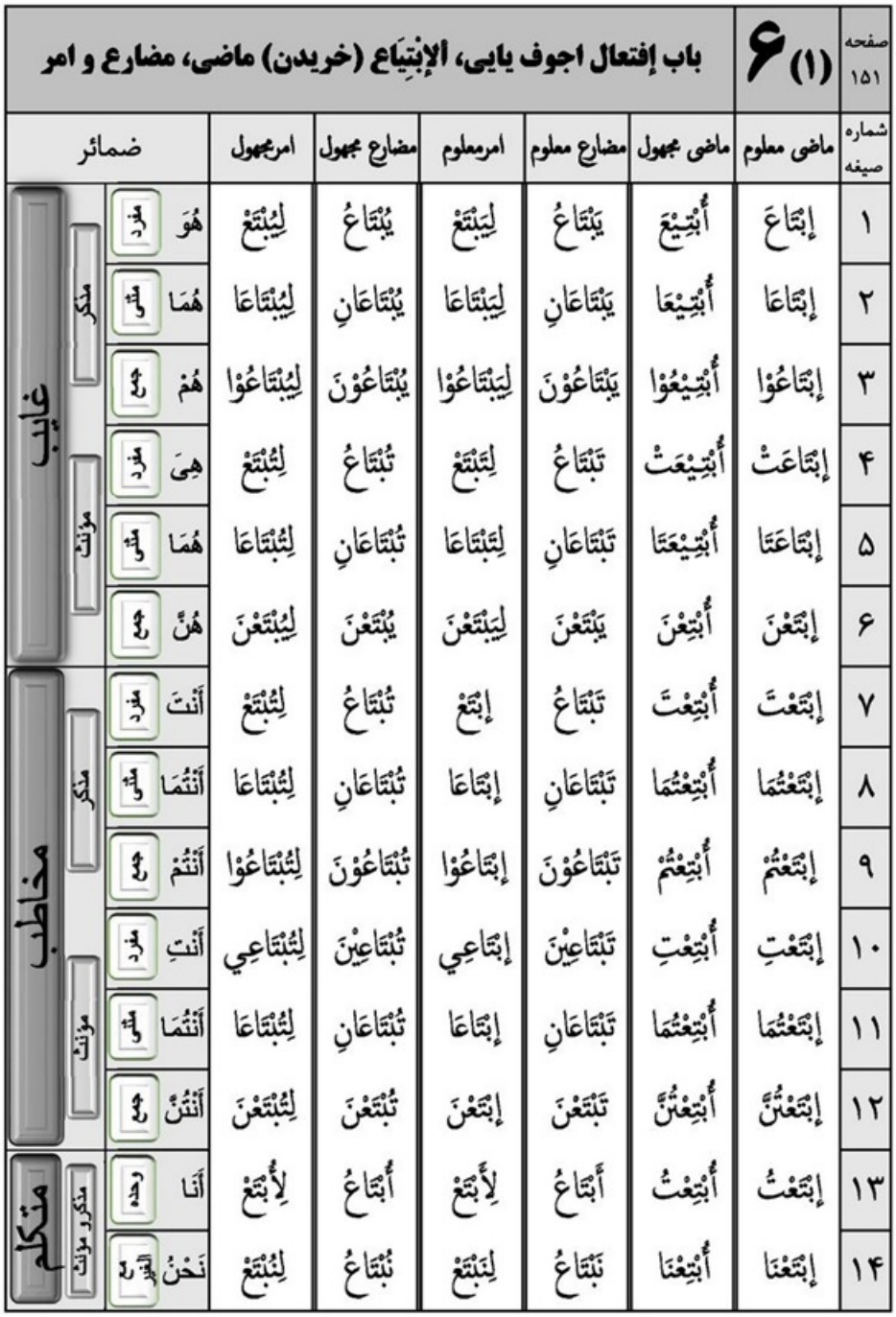

صفحه ۱۵۱	۶ (۱) باب إفتعال اجوف يايى، الإبْتِيَاع (خريدن) ماضى، مضارع و امر						
شماره صيغه	ماضى معلوم	ماضى مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إبْتَاعَ	أُبْتِيْعَ	يَبْتَاعُ	لِيَبْتَعْ	يُبْتَاعُ	لِيُبْتَعْ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	إبْتَاعَا	أُبْتِيْعَا	يَبْتَاعَانِ	لِيَبْتَاعَا	يُبْتَاعَانِ	لِيُبْتَاعَا	غايب — مذكر — مثنى — هُمَا
۳	إبْتَاعُوْا	أُبْتِيْعُوْا	يَبْتَاعُوْنَ	لِيَبْتَاعُوْا	يُبْتَاعُوْنَ	لِيُبْتَاعُوْا	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	إبْتَاعَتْ	أُبْتِيْعَتْ	تَبْتَاعُ	لِتَبْتَعْ	تُبْتَاعُ	لِتُبْتَعْ	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إبْتَاعَتَا	أُبْتِيْعَتَا	تَبْتَاعَانِ	لِتَبْتَاعَا	تُبْتَاعَانِ	لِتُبْتَاعَا	غايب — مؤنث — مثنى — هُمَا
۶	إبْتَعْنَ	أُبْتِعْنَ	يَبْتَعْنَ	لِيَبْتَعْنَ	يُبْتَعْنَ	لِيُبْتَعْنَ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إبْتَعْتَ	أُبْتِعْتَ	تَبْتَاعُ	إبْتَعْ	تُبْتَاعُ	لِتُبْتَعْ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	إبْتَعْتُمَا	أُبْتِعْتُمَا	تَبْتَاعَانِ	إبْتَاعَا	تُبْتَاعَانِ	لِتُبْتَاعَا	مخاطب — مذكر — مثنى — أَنْتُمَا
۹	إبْتَعْتُمْ	أُبْتِعْتُمْ	تَبْتَاعُوْنَ	إبْتَاعُوْا	تُبْتَاعُوْنَ	لِتُبْتَاعُوْا	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إبْتَعْتِ	أُبْتِعْتِ	تَبْتَاعِيْنَ	إبْتَاعِي	تُبْتَاعِيْنَ	لِتُبْتَاعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إبْتَعْتُمَا	أُبْتِعْتُمَا	تَبْتَاعَانِ	إبْتَاعَا	تُبْتَاعَانِ	لِتُبْتَاعَا	مخاطب — مؤنث — مثنى — أَنْتُمَا
۱۲	إبْتَعْتُنَّ	أُبْتِعْتُنَّ	تَبْتَعْنَ	إبْتَعْنَ	تُبْتَعْنَ	لِتُبْتَعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إبْتَعْتُ	أُبْتِعْتُ	أَبْتَاعُ	لِأَبْتَعْ	أُبْتَاعُ	لِأُبْتَعْ	متكلم — مذكر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	إبْتَعْنَا	أُبْتِعْنَا	نَبْتَاعُ	لِنَبْتَعْ	نُبْتَاعُ	لِنُبْتَعْ	متكلم — مذكر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۵۲	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إبْتَاعَ	لا يَبْتَاعُ	أنْ يَبْتَاعَ	لا يَبْتَعْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إبْتَاعَا	لا يَبْتَاعَانِ	أنْ يَبْتَاعَا	لا يَبْتَاعَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إبْتَاعُوْا	لا يَبْتَاعُوْنَ	أنْ يَبْتَاعُوْا	لا يَبْتَاعُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إبْتَاعَتْ	لا تَبْتَاعُ	أنْ تَبْتَاعَ	لا تَبْتَعْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إبْتَاعَتَا	لا تَبْتَاعَانِ	أنْ تَبْتَاعَا	لا تَبْتَاعَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إبْتَعْنَ	لا يَبْتَعْنَ	أنْ يَبْتَعْنَ	لا يَبْتَعْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إبْتَعْتَ	لا تَبْتَاعُ	أنْ تَبْتَاعَ	لا تَبْتَعْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إبْتَعْتُمَا	لا تَبْتَاعَانِ	أنْ تَبْتَاعَا	لا تَبْتَاعَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إبْتَعْتُمْ	لا تَبْتَاعُوْنَ	أنْ تَبْتَاعُوْا	لا تَبْتَاعُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إبْتَعْتِ	لا تَبْتَاعِيْنَ	أنْ تَبْتَاعِي	لا تَبْتَاعِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إبْتَعْتُمَا	لا تَبْتَاعَانِ	أنْ تَبْتَاعَا	لا تَبْتَاعَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إبْتَعْتُنَّ	لا تَبْتَعْنَ	أنْ تَبْتَعْنَ	لا تَبْتَعْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إبْتَعْتُ	لا أَبْتَاعُ	أنْ أَبْتَاعَ	لا أَبْتَعْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إبْتَعْنَا	لا نَبْتَاعُ	أنْ نَبْتَاعَ	لا نَبْتَعْ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۵۳	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَبْتَعَنَّ	لِيُبْتَعَنَّ	لِيَبْتَعَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَبْتَاعَانِّ	لِيُبْتَاعَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَبْتَاعُنَّ	لِيُبْتَاعُنَّ	لِيَبْتَاعُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَبْتَعَنَّ	لِتُبْتَعَنَّ	لِتَبْتَعَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَبْتَاعَانِّ	لِتُبْتَاعَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَبْتَعْنَانِّ	لِيُبْتَعْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِبْتَعَنَّ	لِتُبْتَعَنَّ	إِبْتَعَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِبْتَاعَانِّ	لِتُبْتَاعَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِبْتَاعُنَّ	لِتُبْتَاعُنَّ	إِبْتَاعُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِبْتَاعِنَّ	لِتُبْتَاعِنَّ	إِبْتَاعِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِبْتَاعَانِّ	لِتُبْتَاعَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِبْتَعْنَانِّ	لِتُبْتَعْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَبْتَعَنَّ	لِأُبْتَعَنَّ	لِأَبْتَعَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَبْتَعَنَّ	لِنُبْتَعَنَّ	لِنَبْتَعَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

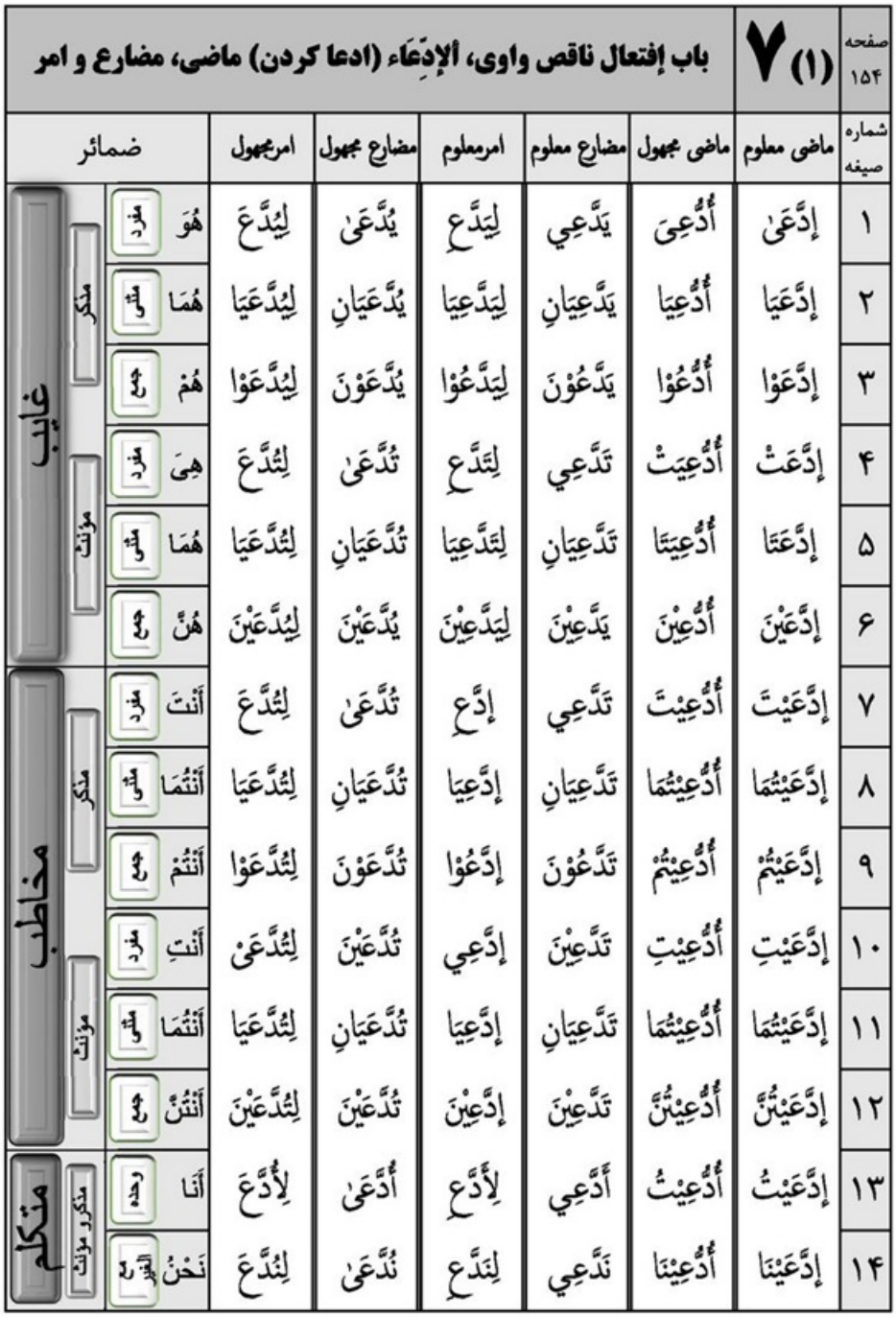

صفحه ۱۵۴	(۱) ۷ باب إفتعال ناقص واوی، ألإدِّعَاء (ادعا کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِدَّعَىٰ	أُدُّعِيَ	يَدَّعِي	لِيَدَّعِ	يُدَّعَىٰ	لِيُدَّعَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِدَّعَيَا	أُدُّعِيَا	يَدَّعِيَانِ	لِيَدَّعِيَا	يُدَّعَيَانِ	لِيُدَّعَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِدَّعَوْا	أُدُّعُوْا	يَدَّعُوْنَ	لِيَدَّعُوْا	يُدَّعَوْنَ	لِيُدَّعَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِدَّعَتْ	أُدُّعِيَتْ	تَدَّعِي	لِتَدَّعِ	تُدَّعَىٰ	لِتُدَّعَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِدَّعَتَا	أُدُّعِيَتَا	تَدَّعِيَانِ	لِتَدَّعِيَا	تُدَّعَيَانِ	لِتُدَّعَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِدَّعَيْنَ	أُدُّعِيْنَ	يَدَّعِيْنَ	لِيَدَّعِيْنَ	يُدَّعَيْنَ	لِيُدَّعَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِدَّعَيْتَ	أُدُّعِيْتَ	تَدَّعِي	إِدَّعِ	تُدَّعَىٰ	لِتُدَّعَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِدَّعَيْتُمَا	أُدُّعِيْتُمَا	تَدَّعِيَانِ	إِدَّعِيَا	تُدَّعَيَانِ	لِتُدَّعَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِدَّعَيْتُمْ	أُدُّعِيْتُمْ	تَدَّعُوْنَ	إِدَّعُوْا	تُدَّعَوْنَ	لِتُدَّعَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِدَّعَيْتِ	أُدُّعِيْتِ	تَدَّعِيْنَ	إِدَّعِي	تُدَّعَيْنَ	لِتُدَّعَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِدَّعَيْتُمَا	أُدُّعِيْتُمَا	تَدَّعِيَانِ	إِدَّعِيَا	تُدَّعَيَانِ	لِتُدَّعَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِدَّعَيْتُنَّ	أُدُّعِيْتُنَّ	تَدَّعِيْنَ	إِدَّعِيْنَ	تُدَّعَيْنَ	لِتُدَّعَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِدَّعَيْتُ	أُدُّعِيْتُ	أَدَّعِي	لِأَدَّعِ	أُدَّعَىٰ	لِأُدَّعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إِدَّعَيْنَا	أُدُّعِيْنَا	نَدَّعِي	لِنَدَّعِ	نُدَّعَىٰ	لِنُدَّعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

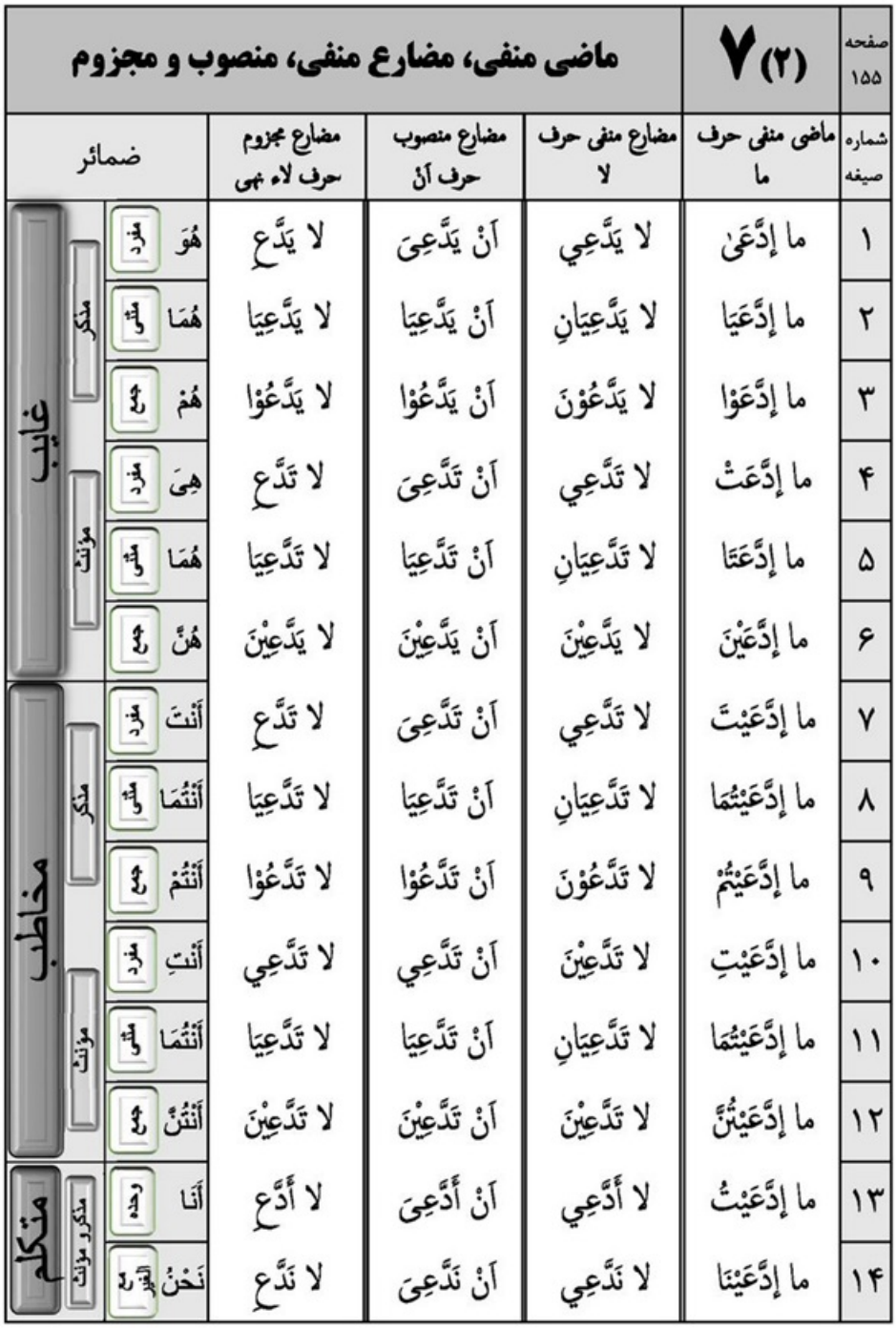

صفحه ۱۵۵	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إدَّعَىٰ	لا يَدَّعِي	اَنْ يَدَّعِيَ	لا يَدَّعِ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما إدَّعَيَا	لا يَدَّعِيَانِ	اَنْ يَدَّعِيَا	لا يَدَّعِيَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما إدَّعَوْا	لا يَدَّعُوْنَ	اَنْ يَدَّعُوْا	لا يَدَّعُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما إدَّعَتْ	لا تَدَّعِي	اَنْ تَدَّعِيَ	لا تَدَّعِ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما إدَّعَتَا	لا تَدَّعِيَانِ	اَنْ تَدَّعِيَا	لا تَدَّعِيَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما إدَّعَيْنَ	لا يَدَّعِيْنَ	اَنْ يَدَّعِيْنَ	لا يَدَّعِيْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما إدَّعَيْتَ	لا تَدَّعِي	اَنْ تَدَّعِيَ	لا تَدَّعِ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما إدَّعَيْتُمَا	لا تَدَّعِيَانِ	اَنْ تَدَّعِيَا	لا تَدَّعِيَا		أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما إدَّعَيْتُمْ	لا تَدَّعُوْنَ	اَنْ تَدَّعُوْا	لا تَدَّعُوْا		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما إدَّعَيْتِ	لا تَدَّعِيْنَ	اَنْ تَدَّعِي	لا تَدَّعِي		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما إدَّعَيْتُمَا	لا تَدَّعِيَانِ	اَنْ تَدَّعِيَا	لا تَدَّعِيَا		أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما إدَّعَيْتُنَّ	لا تَدَّعِيْنَ	اَنْ تَدَّعِيْنَ	لا تَدَّعِيْنَ		أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما إدَّعَيْتُ	لا أَدَّعِي	اَنْ أَدَّعِيَ	لا أَدَّعِ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما إدَّعَيْنَا	لا نَدَّعِي	اَنْ نَدَّعِيَ	لا نَدَّعِ		نَحْنُ (غیر وحده)

تصویر



صفحه ۱۵۶	نون تأکید ۷ (۳)				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَدَّعِيَنَّ	لِيُدَّعَيَنَّ	لِيَدَّعِيَنْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	لِيَدَّعِيَانِّ	لِيُدَّعَيَانِّ			هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	لِيَدَّعُنَّ	لِيُدَّعَوُنَّ	لِيَدَّعُنْ		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	لِتَدَّعِيَنَّ	لِتُدَّعَيَنَّ	لِتَدَّعِيَنْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	لِتَدَّعِيَانِّ	لِتُدَّعَيَانِّ			هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	لِيَدَّعِيْنَانِّ	لِيُدَّعَيْنَانِّ			هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	إِدَّعِيَنَّ	لِتُدَّعَيَنَّ	إِدَّعِيَنْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	إِدَّعِيَانِّ	لِتُدَّعَيَانِّ			أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	إِدَّعُنَّ	لِتُدَّعَوُنَّ	إِدَّعُنْ		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	إِدَّعِنَّ	لِتُدَّعَيِنَّ	إِدَّعِنْ		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	إِدَّعِيَانِّ	لِتُدَّعَيَانِّ			أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	إِدَّعِيْنَانِّ	لِتُدَّعَيْنَانِّ			أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	لِأُدَّعِيَنَّ	لِأُدَّعَيَنَّ	لِأُدَّعِيَنْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	لِنَدَّعِيَنَّ	لِنُدَّعَيَنَّ	لِنَدَّعِيَنْ		نَحْنُ (مع الغیر، مذکر و مؤنث)

ص: ۱۵۶

تصویر

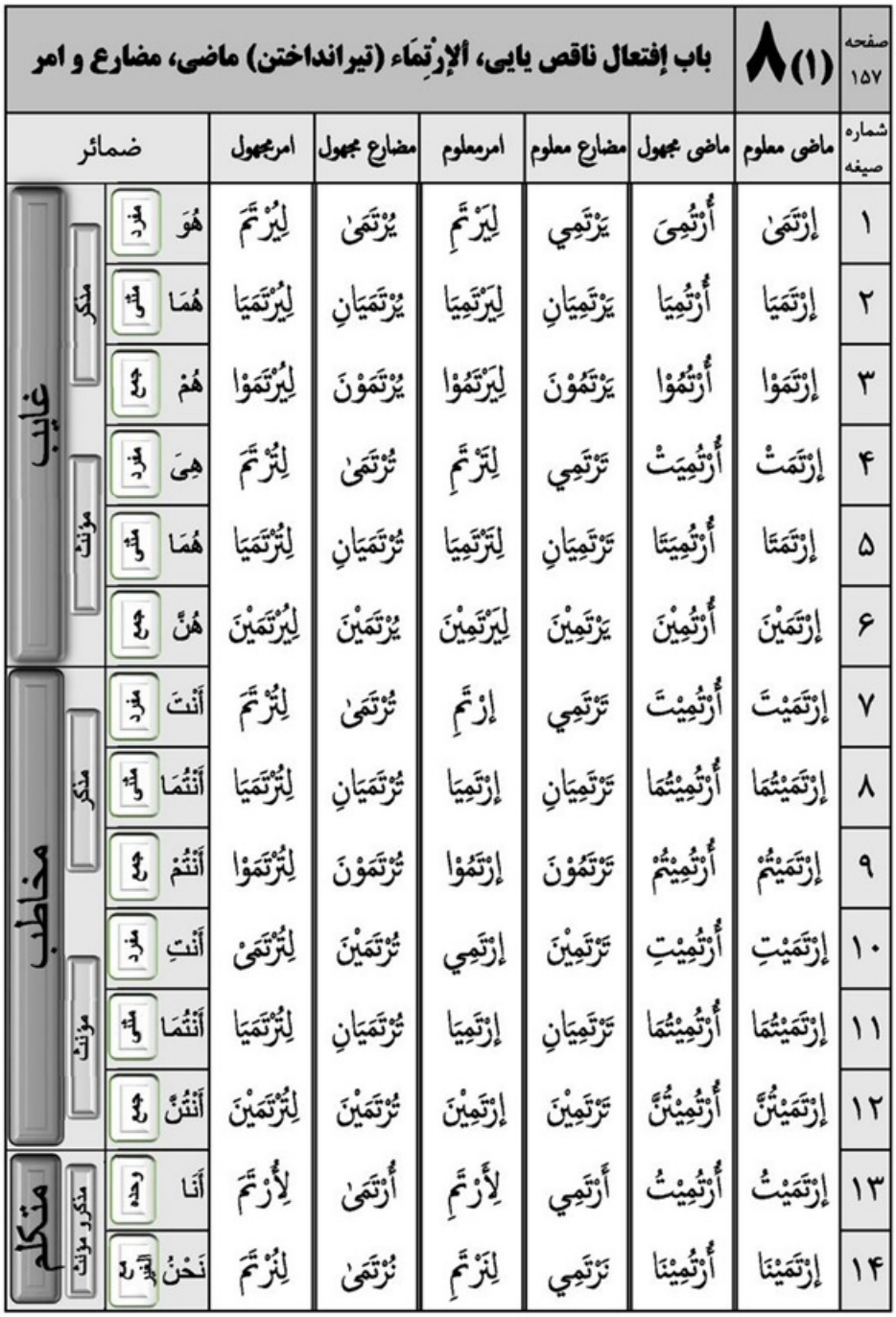

صفحه ۱۵۷	۸ (۱)	باب إفتعال ناقص يايى، ألإرْتِمَاء (تيرانداختن) ماضى، مضارع و امر					
شماره صيغه	ماضى معلوم	ماضى مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إرْتَمَىٰ	أُرْتُمِيَ	يَرْتَمِي	لِيَرْتَمِ	يُرْتَمَىٰ	لِيُرْتَمَ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	إرْتَمَيَا	أُرْتُمِيَا	يَرْتَمِيَانِ	لِيَرْتَمِيَا	يُرْتَمَيَانِ	لِيُرْتَمَيَا	غايب — مذكر — مثنى — هُمَا
۳	إرْتَمَوْا	أُرْتُمُوْا	يَرْتَمُوْنَ	لِيَرْتَمُوْا	يُرْتَمَوْنَ	لِيُرْتَمَوْا	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	إرْتَمَتْ	أُرْتُمِيَتْ	تَرْتَمِي	لِتَرْتَمِ	تُرْتَمَىٰ	لِتُرْتَمَ	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إرْتَمَتَا	أُرْتُمِيَتَا	تَرْتَمِيَانِ	لِتَرْتَمِيَا	تُرْتَمَيَانِ	لِتُرْتَمَيَا	غايب — مؤنث — مثنى — هُمَا
۶	إرْتَمَيْنَ	أُرْتُمِيْنَ	يَرْتَمِيْنَ	لِيَرْتَمِيْنَ	يُرْتَمَيْنَ	لِيُرْتَمَيْنَ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إرْتَمَيْتَ	أُرْتُمِيْتَ	تَرْتَمِي	إرْتَمِ	تُرْتَمَىٰ	لِتُرْتَمَ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	إرْتَمَيْتُمَا	أُرْتُمِيْتُمَا	تَرْتَمِيَانِ	إرْتَمِيَا	تُرْتَمَيَانِ	لِتُرْتَمَيَا	مخاطب — مذكر — مثنى — أَنْتُمَا
۹	إرْتَمَيْتُمْ	أُرْتُمِيْتُمْ	تَرْتَمُوْنَ	إرْتَمُوْا	تُرْتَمَوْنَ	لِتُرْتَمَوْا	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إرْتَمَيْتِ	أُرْتُمِيْتِ	تَرْتَمِيْنَ	إرْتَمِي	تُرْتَمَيْنَ	لِتُرْتَمَيْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إرْتَمَيْتُمَا	أُرْتُمِيْتُمَا	تَرْتَمِيَانِ	إرْتَمِيَا	تُرْتَمَيَانِ	لِتُرْتَمَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنى — أَنْتُمَا
۱۲	إرْتَمَيْتُنَّ	أُرْتُمِيْتُنَّ	تَرْتَمِيْنَ	إرْتَمِيْنَ	تُرْتَمَيْنَ	لِتُرْتَمَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إرْتَمَيْتُ	أُرْتُمِيْتُ	أَرْتَمِي	لِأَرْتَمِ	أُرْتَمَىٰ	لِأُرْتَمَ	متكلم — مذكر و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	إرْتَمَيْنَا	أُرْتُمِيْنَا	نَرْتَمِي	لِنَرْتَمِ	نُرْتَمَىٰ	لِنُرْتَمَ	متكلم — مذكر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۵۸	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إرْتَمَىٰ	لا يَرْتَمِي	اَنْ يَرْتَمِيَ	لا يَرْتَمِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إرْتَمَيَا	لا يَرْتَمِيَانِ	اَنْ يَرْتَمِيَا	لا يَرْتَمِيَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إرْتَمَوْا	لا يَرْتَمُوْنَ	اَنْ يَرْتَمُوْا	لا يَرْتَمُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إرْتَمَتْ	لا تَرْتَمِي	اَنْ تَرْتَمِيَ	لا تَرْتَمِ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إرْتَمَتَا	لا تَرْتَمِيَانِ	اَنْ تَرْتَمِيَا	لا تَرْتَمِيَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إرْتَمَيْنَ	لا يَرْتَمِيْنَ	اَنْ يَرْتَمِيْنَ	لا يَرْتَمِيْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إرْتَمَيْتَ	لا تَرْتَمِي	اَنْ تَرْتَمِيَ	لا تَرْتَمِ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إرْتَمَيْتُمَا	لا تَرْتَمِيَانِ	اَنْ تَرْتَمِيَا	لا تَرْتَمِيَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إرْتَمَيْتُمْ	لا تَرْتَمُوْنَ	اَنْ تَرْتَمُوْا	لا تَرْتَمُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إرْتَمَيْتِ	لا تَرْتَمِيْنَ	اَنْ تَرْتَمِيَ	لا تَرْتَمِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إرْتَمَيْتُمَا	لا تَرْتَمِيَانِ	اَنْ تَرْتَمِيَا	لا تَرْتَمِيَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إرْتَمَيْتُنَّ	لا تَرْتَمِيْنَ	اَنْ تَرْتَمِيْنَ	لا تَرْتَمِيْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إرْتَمَيْتُ	لا أَرْتَمِي	اَنْ أَرْتَمِيَ	لا أَرْتَمِ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إرْتَمَيْنَا	لا نَرْتَمِي	اَنْ نَرْتَمِيَ	لا نَرْتَمِ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر

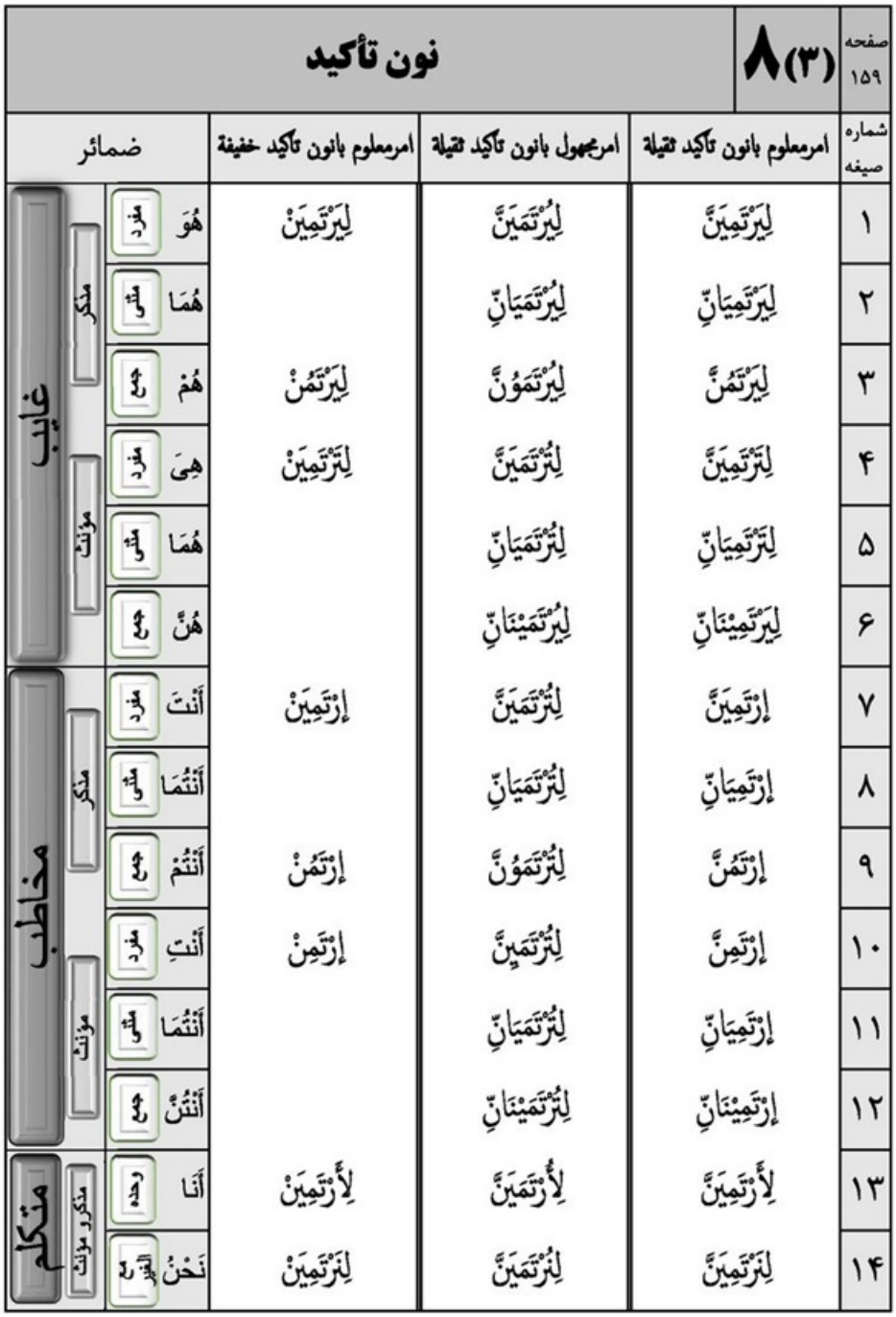

صفحه ۱۵۹	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَرْتَمِيَنَّ	لِيُرْتَمَيَنَّ	لِيَرْتَمِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَرْتَمِيَانِّ	لِيُرْتَمَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَرْتَمُنَّ	لِيُرْتَمَوُنَّ	لِيَرْتَمُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَرْتَمِيَنَّ	لِتُرْتَمَيَنَّ	لِتَرْتَمِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَرْتَمِيَانِّ	لِتُرْتَمَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَرْتَمِيْنَانِّ	لِيُرْتَمَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِرْتَمِيَنَّ	لِتُرْتَمَيَنَّ	إِرْتَمِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِرْتَمِيَانِّ	لِتُرْتَمَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِرْتَمُنَّ	لِتُرْتَمَوُنَّ	إِرْتَمُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِرْتَمِنَّ	لِتُرْتَمَيِنَّ	إِرْتَمِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِرْتَمِيَانِّ	لِتُرْتَمَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِرْتَمِيْنَانِّ	لِتُرْتَمَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَرْتَمِيَنَّ	لِأُرْتَمَيَنَّ	لِأَرْتَمِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَرْتَمِيَنَّ	لِنُرْتَمَيَنَّ	لِنَرْتَمِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

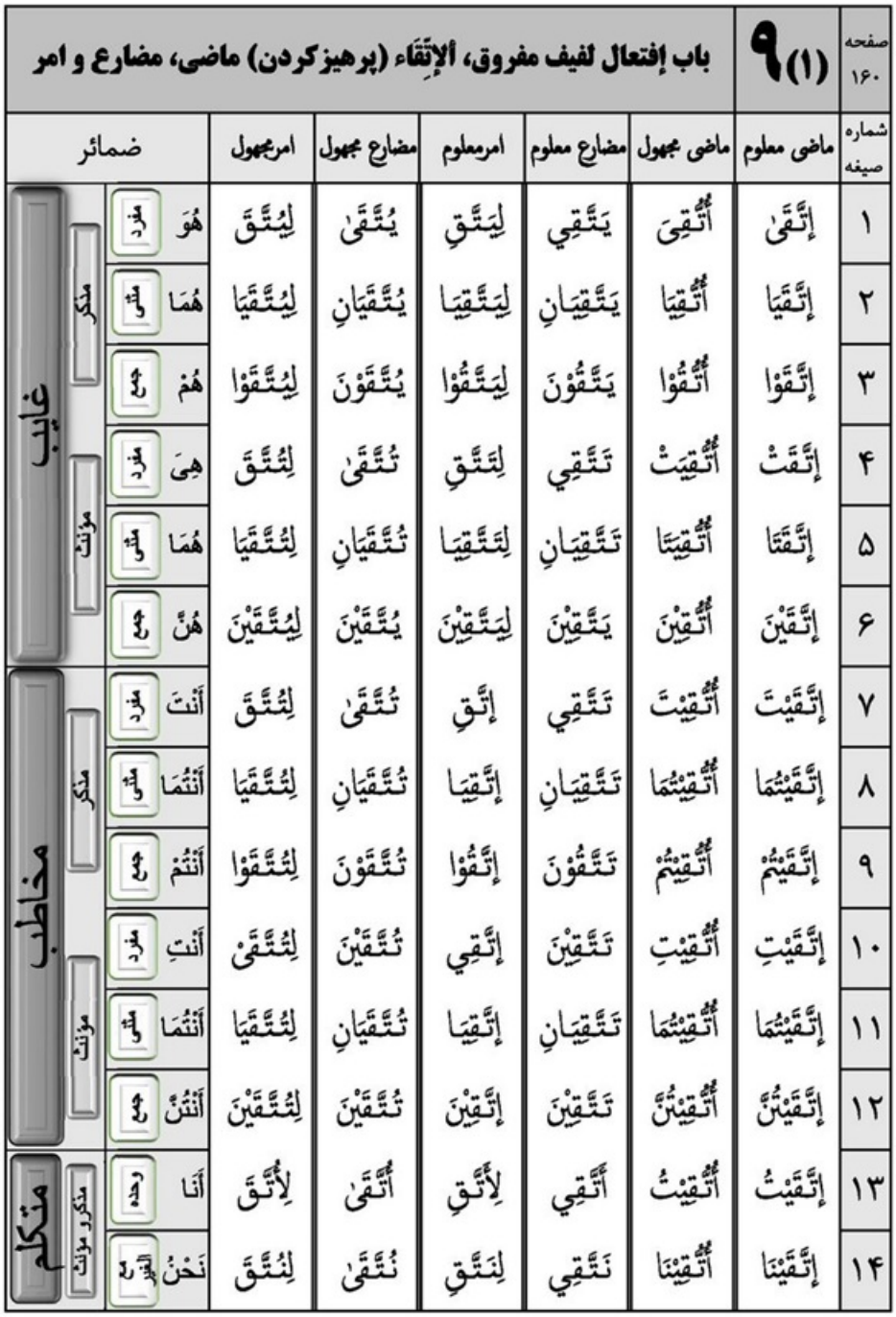

صفحه ۱۶۰	۹(۱) باب إفتعال لفيف مفروق، ألإتِّقَاء (پرهیزکردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِتَّقَىٰ	أُتُّقِيَ	يَتَّقِي	لِيَتَّقِ	يُتَّقَىٰ	لِيُتَّقَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِتَّقَيَا	أُتُّقِيَا	يَتَّقِيَانِ	لِيَتَّقِيَا	يُتَّقَيَانِ	لِيُتَّقَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِتَّقَوْا	أُتُّقُوْا	يَتَّقُوْنَ	لِيَتَّقُوْا	يُتَّقَوْنَ	لِيُتَّقَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِتَّقَتْ	أُتُّقِيَتْ	تَتَّقِي	لِتَتَّقِ	تُتَّقَىٰ	لِتُتَّقَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِتَّقَتَا	أُتُّقِيَتَا	تَتَّقِيَانِ	لِتَتَّقِيَا	تُتَّقَيَانِ	لِتُتَّقَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِتَّقَيْنَ	أُتُّقِيْنَ	يَتَّقِيْنَ	لِيَتَّقِيْنَ	يُتَّقَيْنَ	لِيُتَّقَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِتَّقَيْتَ	أُتُّقِيْتَ	تَتَّقِي	إِتَّقِ	تُتَّقَىٰ	لِتُتَّقَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِتَّقَيْتُمَا	أُتُّقِيْتُمَا	تَتَّقِيَانِ	إِتَّقِيَا	تُتَّقَيَانِ	لِتُتَّقَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِتَّقَيْتُمْ	أُتُّقِيْتُمْ	تَتَّقُوْنَ	إِتَّقُوْا	تُتَّقَوْنَ	لِتُتَّقَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِتَّقَيْتِ	أُتُّقِيْتِ	تَتَّقِيْنَ	إِتَّقِي	تُتَّقَيْنَ	لِتُتَّقَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِتَّقَيْتُمَا	أُتُّقِيْتُمَا	تَتَّقِيَانِ	إِتَّقِيَا	تُتَّقَيَانِ	لِتُتَّقَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِتَّقَيْتُنَّ	أُتُّقِيْتُنَّ	تَتَّقِيْنَ	إِتَّقِيْنَ	تُتَّقَيْنَ	لِتُتَّقَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِتَّقَيْتُ	أُتُّقِيْتُ	أَتَّقِي	لِأَتَّقِ	أُتَّقَىٰ	لِأُتَّقَ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	إِتَّقَيْنَا	أُتُّقِيْنَا	نَتَّقِي	لِنَتَّقِ	نُتَّقَىٰ	لِنُتَّقَ	متکلم — مذکر و مؤنث — تثنیه و جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۶۱	۹(۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهي				
۱	ما إتَّقَىٰ	لا يَتَّقِي	اَنْ يَتَّقِيَ	لا يَتَّقِ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما إتَّقَيَا	لا يَتَّقِيَانِ	اَنْ يَتَّقِيَا	لا يَتَّقِيَا			مثنی	هُمَا
۳	ما إتَّقَوْا	لا يَتَّقُوْنَ	اَنْ يَتَّقُوْا	لا يَتَّقُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما إتَّقَتْ	لا تَتَّقِي	اَنْ تَتَّقِيَ	لا تَتَّقِ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما إتَّقَتَا	لا تَتَّقِيَانِ	اَنْ تَتَّقِيَا	لا تَتَّقِيَا			مثنی	هُمَا
۶	ما إتَّقَيْنَ	لا يَتَّقِيْنَ	اَنْ يَتَّقِيْنَ	لا يَتَّقِيْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما إتَّقَيْتَ	لا تَتَّقِي	اَنْ تَتَّقِيَ	لا تَتَّقِ	مخاطب	مذکر	مفرد	أَنْتَ
۸	ما إتَّقَيْتُمَا	لا تَتَّقِيَانِ	اَنْ تَتَّقِيَا	لا تَتَّقِيَا			مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما إتَّقَيْتُمْ	لا تَتَّقُوْنَ	اَنْ تَتَّقُوْا	لا تَتَّقُوْا			جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما إتَّقَيْتِ	لا تَتَّقِيْنَ	اَنْ تَتَّقِي	لا تَتَّقِي		مؤنث	مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما إتَّقَيْتُمَا	لا تَتَّقِيَانِ	اَنْ تَتَّقِيَا	لا تَتَّقِيَا			مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما إتَّقَيْتُنَّ	لا تَتَّقِيْنَ	اَنْ تَتَّقِيْنَ	لا تَتَّقِيْنَ			جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما إتَّقَيْتُ	لا أَتَّقِي	اَنْ أَتَّقِيَ	لا أَتَّقِ	متکلم	مذکر و مؤنث	وحده	أَنَا
۱۴	ما إتَّقَيْنَا	لا نَتَّقِي	اَنْ نَتَّقِيَ	لا نَتَّقِ			الغیر	نَحْنُ

اجوف

اجوف واوی

تصویر



صفحه ۱۶۲	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَّقِيَنَّ	لِيُتَّقَيَنَّ	لِيَتَّقِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَّقِيَانِّ	لِيُتَّقَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَّقُنَّ	لِيُتَّقَوُنَّ	لِيَتَّقُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَّقِيَنَّ	لِتُتَّقَيَنَّ	لِتَتَّقِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَّقِيَانِّ	لِتُتَّقَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَّقِيْنَانِّ	لِيُتَّقَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِتَّقِيَنَّ	لِتُتَّقَيَنَّ	إِتَّقِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِتَّقِيَانِّ	لِتُتَّقَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِتَّقُنَّ	لِتُتَّقَوُنَّ	إِتَّقُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِتَّقِنَّ	لِتُتَّقَيِنَّ	إِتَّقِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِتَّقِيَانِّ	لِتُتَّقَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِتَّقِيْنَانِّ	لِتُتَّقَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَّقِيَنَّ	لِأُتَّقَيَنَّ	لِأَتَّقِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَّقِيَنَّ	لِنُتَّقَيَنَّ	لِنَتَّقِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۱۶۲

تصویر

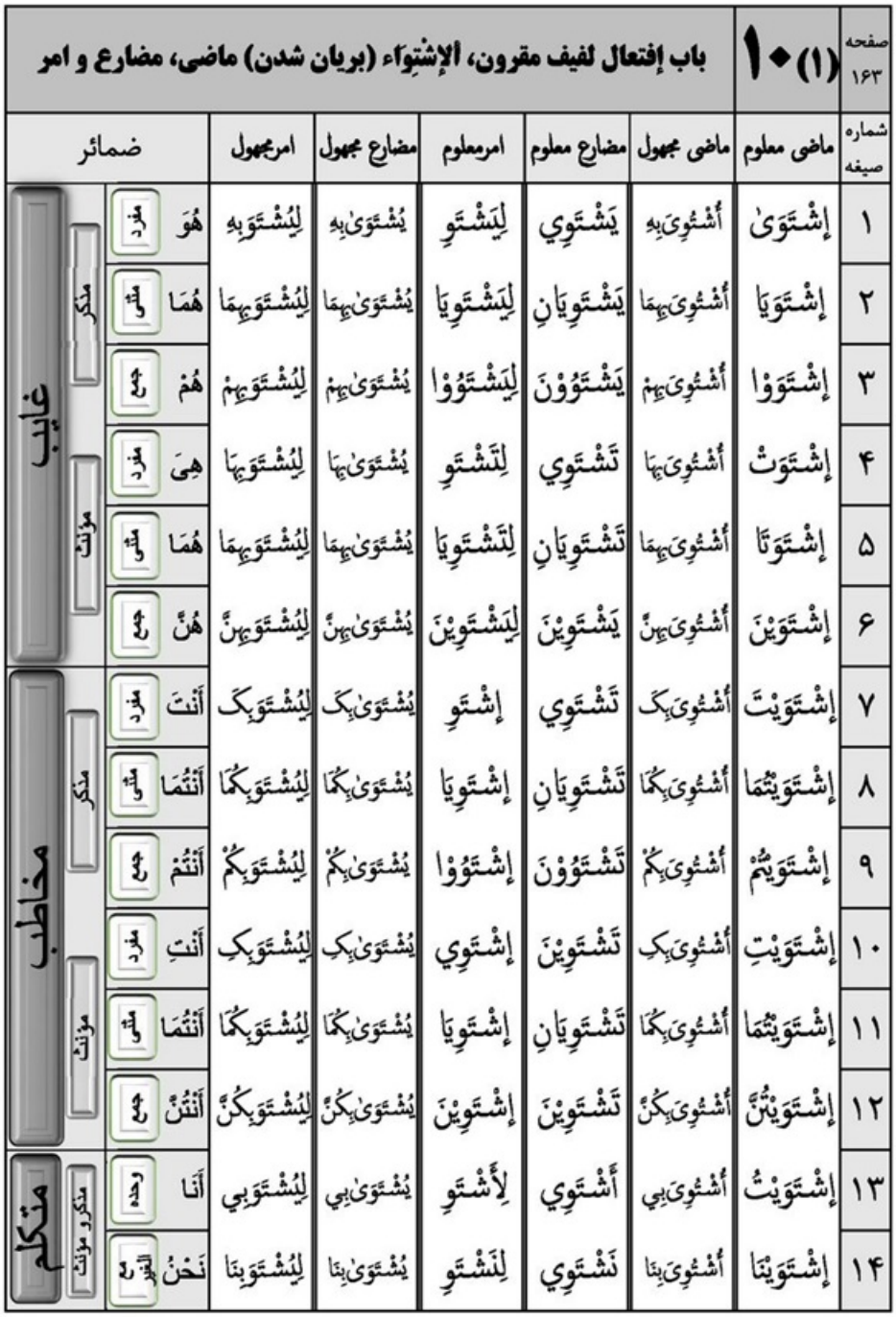

صفحه ۱۶۳	(۱) ۱۰ باب إفتعال لفيف مقرون، الإشْتِوَاء (بريان شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِشْتَوَىٰ	أُشْتُوِيَ بِهِ	يَشْتَوِي	لِيَشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِهِ	لِيُشْتَوَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِشْتَوَيَا	أُشْتُوِيَ بِهِمَا	يَشْتَوِيَانِ	لِيَشْتَوِيَا	يُشْتَوَيَانِ بِهِمَا	لِيُشْتَوَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِشْتَوَوْا	أُشْتُوِيَ بِهِمْ	يَشْتَوُوْنَ	لِيَشْتَوُوْا	يُشْتَوَيْنَ بِهِمْ	لِيُشْتَوَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِشْتَوَتْ	أُشْتُوِيَ بِهَا	تَشْتَوِي	لِتَشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِهَا	لِيُشْتَوَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِشْتَوَتَا	أُشْتُوِيَ بِهِمَا	تَشْتَوِيَانِ	لِتَشْتَوِيَا	يُشْتَوَيَانِ بِهِمَا	لِيُشْتَوَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِشْتَوَيْنَ	أُشْتُوِيَ بِهِنَّ	يَشْتَوِيْنَ	لِيَشْتَوِيْنَ	يُشْتَوَيْنَ بِهِنَّ	لِيُشْتَوَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِشْتَوَيْتَ	أُشْتُوِيَ بِكَ	تَشْتَوِي	إِشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِكَ	لِيُشْتَوَ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِشْتَوَيْتُمَا	أُشْتُوِيَ بِكُمَا	تَشْتَوِيَانِ	إِشْتَوِيَا	يُشْتَوَيَانِ بِكُمَا	لِيُشْتَوَ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِشْتَوَيْتُمْ	أُشْتُوِيَ بِكُمْ	تَشْتَوُوْنَ	إِشْتَوُوْا	يُشْتَوَيْنَ بِكُمْ	لِيُشْتَوَ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِشْتَوَيْتِ	أُشْتُوِيَ بِكِ	تَشْتَوِيْنَ	إِشْتَوِي	يُشْتَوَىٰ بِكِ	لِيُشْتَوَ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِشْتَوَيْتُمَا	أُشْتُوِيَ بِكُمَا	تَشْتَوِيَانِ	إِشْتَوِيَا	يُشْتَوَيَانِ بِكُمَا	لِيُشْتَوَ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِشْتَوَيْتُنَّ	أُشْتُوِيَ بِكُنَّ	تَشْتَوِيْنَ	إِشْتَوِيْنَ	يُشْتَوَيْنَ بِكُنَّ	لِيُشْتَوَ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِشْتَوَيْتُ	أُشْتُوِيَ بِي	أَشْتَوِي	لِأَشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِي	لِيُشْتَوَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إِشْتَوَيْنَا	أُشْتُوِيَ بِنَا	نَشْتَوِي	لِنَشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِنَا	لِيُشْتَوَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۶۴	۱۰ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما إشْتَوَىٰ	لا يَشْتَوِي	اَنْ يَشْتَوِيَ	لا يَشْتَوِ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما إشْتَوَيَا	لا يَشْتَوِيَانِ	اَنْ يَشْتَوِيَا	لا يَشْتَوِيَا			مثنی	هُمَا
۳	ما إشْتَوَوْا	لا يَشْتَوُوْنَ	اَنْ يَشْتَوُوْا	لا يَشْتَوُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما إشْتَوَتْ	لا تَشْتَوِي	اَنْ تَشْتَوِيَ	لا تَشْتَوِ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما إشْتَوَتَا	لا تَشْتَوِيَانِ	اَنْ تَشْتَوِيَا	لا تَشْتَوِيَا			مثنی	هُمَا
۶	ما إشْتَوَيْنَ	لا يَشْتَوِيْنَ	اَنْ يَشْتَوِيْنَ	لا يَشْتَوِيْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما إشْتَوَيْتَ	لا تَشْتَوِي	اَنْ تَشْتَوِيَ	لا تَشْتَوِ	مخاطب	مذکر	مفرد	أَنْتَ
۸	ما إشْتَوَيْتُمَا	لا تَشْتَوِيَانِ	اَنْ تَشْتَوِيَا	لا تَشْتَوِيَا			مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما إشْتَوَيْتُمْ	لا تَشْتَوُوْنَ	اَنْ تَشْتَوُوْا	لا تَشْتَوُوْا			جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما إشْتَوَيْتِ	لا تَشْتَوِيْنَ	اَنْ تَشْتَوِيَ	لا تَشْتَوِي		مؤنث	مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما إشْتَوَيْتُمَا	لا تَشْتَوِيَانِ	اَنْ تَشْتَوِيَا	لا تَشْتَوِيَا			مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما إشْتَوَيْتُنَّ	لا تَشْتَوِيْنَ	اَنْ تَشْتَوِيْنَ	لا تَشْتَوِيْنَ			جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما إشْتَوَيْتُ	لا أَشْتَوِي	اَنْ أَشْتَوِيَ	لا أَشْتَوِ	متکلم	مذکر و مؤنث	واحد	أَنَا
۱۴	ما إشْتَوَيْنَا	لا نَشْتَوِي	اَنْ نَشْتَوِيَ	لا نَشْتَوِ			جمع	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۶۵	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِ	لِيَشْتَوِيَنْ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	لِيَشْتَوِيَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِمَا		غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	لِيَشْتَوُنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِمْ	لِيَشْتَوُنْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	لِتَشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهَا	لِتَشْتَوِيَنْ	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	لِتَشْتَوِيَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِمَا		غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	لِيَشْتَوِيْنَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِنَّ		غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	إِشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكَ	إِشْتَوِيَنْ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	إِشْتَوِيَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	إِشْتَوُنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكُمْ	إِشْتَوُنْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	إِشْتَوِنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكِ	إِشْتَوِنْ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	إِشْتَوِيَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	إِشْتَوِيْنَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِي	لِأَشْتَوِيَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	لِنَشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِنَا	لِنَشْتَوِيَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

ص: ۱۶۵

تصویر



صفحه ۱۶۶	۱۱ (۱) باب إفتعال مهموز الفاء، اَلاِئْتِمَار (زیاد کردن نسل) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	اِئْتَمَرَ	أُوْتُمِرَ بِهِ	يَأْتَمِرُ	لِيَأْتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِهِ	لِيُؤْتَمَرْ بِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	اِئْتَمَرَا	أُوْتُمِرَ بِهِمَا	يَأْتَمِرَانِ	لِيَأْتَمِرَا	يُؤْتَمَرُ بِهِمَا	لِيُؤْتَمَرْ بِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	اِئْتَمَرُوْا	أُوْتُمِرَ بِهِمْ	يَأْتَمِرُوْنَ	لِيَأْتَمِرُوْا	يُؤْتَمَرُ بِهِمْ	لِيُؤْتَمَرْ بِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	اِئْتَمَرَتْ	أُوْتُمِرَ بِهَا	تَأْتَمِرُ	لِتَأْتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِهَا	لِيُؤْتَمَرْ بِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	اِئْتَمَرَتَا	أُوْتُمِرَ بِهِمَا	تَأْتَمِرَانِ	لِتَأْتَمِرَا	يُؤْتَمَرُ بِهِمَا	لِيُؤْتَمَرْ بِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	اِئْتَمَرْنَ	أُوْتُمِرَ بِهِنَّ	يَأْتَمِرْنَ	لِيَأْتَمِرْنَ	يُؤْتَمَرُ بِهِنَّ	لِيُؤْتَمَرْ بِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	اِئْتَمَرْتَ	أُوْتُمِرَ بِكَ	تَأْتَمِرُ	اِئْتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِكَ	لِيُؤْتَمَرْ بِكَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	اِئْتَمَرْتُمَا	أُوْتُمِرَ بِكُمَا	تَأْتَمِرَانِ	اِئْتَمِرَا	يُؤْتَمَرُ بِكُمَا	لِيُؤْتَمَرْ بِكُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	اِئْتَمَرْتُمْ	أُوْتُمِرَ بِكُمْ	تَأْتَمِرُوْنَ	اِئْتَمِرُوْا	يُؤْتَمَرُ بِكُمْ	لِيُؤْتَمَرْ بِكُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	اِئْتَمَرْتِ	أُوْتُمِرَ بِكِ	تَأْتَمِرِيْنَ	اِئْتَمِرِي	يُؤْتَمَرُ بِكِ	لِيُؤْتَمَرْ بِكِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	اِئْتَمَرْتُمَا	أُوْتُمِرَ بِكُمَا	تَأْتَمِرَانِ	اِئْتَمِرَا	يُؤْتَمَرُ بِكُمَا	لِيُؤْتَمَرْ بِكُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	اِئْتَمَرْتُنَّ	أُوْتُمِرَ بِكُنَّ	تَأْتَمِرْنَ	اِئْتَمِرْنَ	يُؤْتَمَرُ بِكُنَّ	لِيُؤْتَمَرْ بِكُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	اِئْتَمَرْتُ	أُوْتُمِرَ بِي	آتَمِرُ	لِآتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِي	لِيُؤْتَمَرْ بِي	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	اِئْتَمَرْنَا	أُوْتُمِرَ بِنَا	نَأْتَمِرُ	لِنَأْتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِنَا	لِيُؤْتَمَرْ بِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

صفحه ۱۶۷	۱۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما اِیْتَمَرَ	لا یَأْتَمِرُ	اَنْ یَأْتَمِرَ	لا یَأْتَمِرْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما اِیْتَمَرَا	لا یَأْتَمِرَانِ	اَنْ یَأْتَمِرَا	لا یَأْتَمِرَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما اِیْتَمَرُوْا	لا یَأْتَمِرُوْنَ	اَنْ یَأْتَمِرُوْا	لا یَأْتَمِرُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما اِیْتَمَرَتْ	لا تَأْتَمِرُ	اَنْ تَأْتَمِرَ	لا تَأْتَمِرْ		هِیَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما اِیْتَمَرَتَا	لا تَأْتَمِرَانِ	اَنْ تَأْتَمِرَا	لا تَأْتَمِرَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما اِیْتَمَرْنَ	لا یَأْتَمِرْنَ	اَنْ یَأْتَمِرْنَ	لا یَأْتَمِرْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما اِیْتَمَرْتَ	لا تَأْتَمِرُ	اَنْ تَأْتَمِرَ	لا تَأْتَمِرْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما اِیْتَمَرْتُمَا	لا تَأْتَمِرَانِ	اَنْ تَأْتَمِرَا	لا تَأْتَمِرَا		اَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما اِیْتَمَرْتُمْ	لا تَأْتَمِرُوْنَ	اَنْ تَأْتَمِرُوْا	لا تَأْتَمِرُوْا		اَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما اِیْتَمَرْتِ	لا تَأْتَمِرِیْنَ	اَنْ تَأْتَمِرِي	لا تَأْتَمِرِي		اَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما اِیْتَمَرْتُمَا	لا تَأْتَمِرَانِ	اَنْ تَأْتَمِرَا	لا تَأْتَمِرَا		اَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما اِیْتَمَرْتُنَّ	لا تَأْتَمِرْنَ	اَنْ تَأْتَمِرْنَ	لا تَأْتَمِرْنَ		اَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما اِیْتَمَرْتُ	لا آتَمِرُ	اَنْ آتَمِرَ	لا آتَمِرْ	متکلم	اَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما اِیْتَمَرْنَا	لا نَأْتَمِرُ	اَنْ نَأْتَمِرَ	لا نَأْتَمِرْ		نَحْنُ (اَلغیر، مع)

تصویر



صفحه ۱۶۸	نون تأکید (۳) ۱۱			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَأْتُمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِ	لِيَأْتُمِرَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَأْتُمِرَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَأْتُمِرُنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِمْ	لِيَأْتُمِرُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَأْتُمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهَا	لِتَأْتُمِرَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَأْتُمِرَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَأْتُمِرْنَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	اِئْتَمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكَ	اِئْتَمِرَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	اِئْتَمِرَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	اِئْتَمِرُنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكُمْ	اِئْتَمِرُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	اِئْتَمِرِنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكِ	اِئْتَمِرِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	اِئْتَمِرَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	اِئْتَمِرْنَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِآتَمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِي	لِآتَمِرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مفرد / أَنَا
۱۴	لِنَأْتَمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِنَا	لِنَأْتَمِرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع / نَحْنُ

ص: ۱۶۸

تصویر

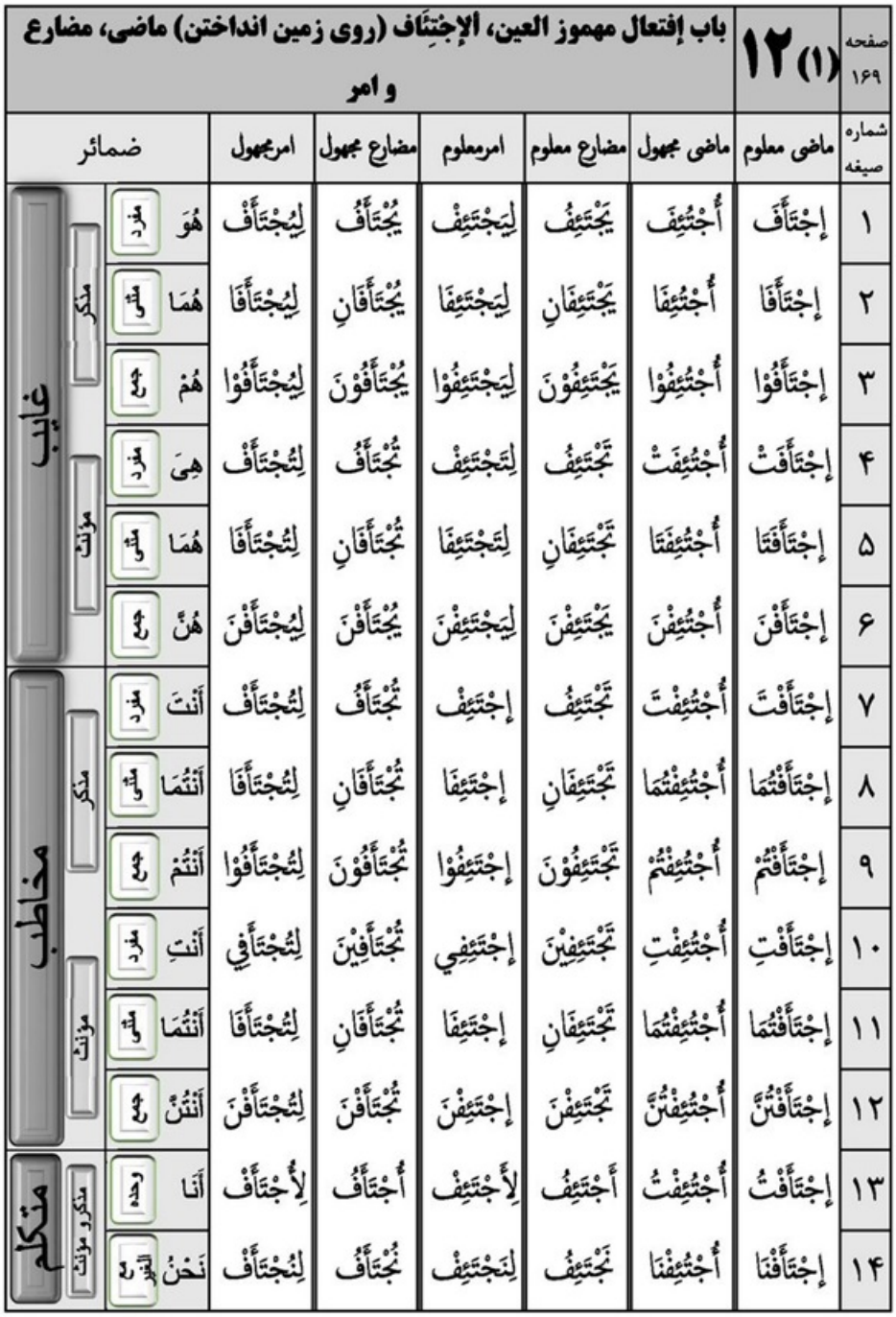

صفحه ۱۶۹	۱۲ (۱) باب إفتعال مهموز العين، الإجْتِئَاف (روی زمین انداختن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إجْتَأَفَ	أُجْتُئِفَ	يَجْتَئِفُ	لِيَجْتَئِفْ	يُجْتَأَفُ	لِيُجْتَأَفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إجْتَأَفَا	أُجْتُئِفَا	يَجْتَئِفَانِ	لِيَجْتَئِفَا	يُجْتَأَفَانِ	لِيُجْتَأَفَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إجْتَأَفُوْا	أُجْتُئِفُوْا	يَجْتَئِفُوْنَ	لِيَجْتَئِفُوْا	يُجْتَأَفُوْنَ	لِيُجْتَأَفُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إجْتَأَفَتْ	أُجْتُئِفَتْ	تَجْتَئِفُ	لِتَجْتَئِفْ	تُجْتَأَفُ	لِتُجْتَأَفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إجْتَأَفَتَا	أُجْتُئِفَتَا	تَجْتَئِفَانِ	لِتَجْتَئِفَا	تُجْتَأَفَانِ	لِتُجْتَأَفَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إجْتَأَفْنَ	أُجْتُئِفْنَ	يَجْتَئِفْنَ	لِيَجْتَئِفْنَ	يُجْتَأَفْنَ	لِيُجْتَأَفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إجْتَأَفْتَ	أُجْتُئِفْتَ	تَجْتَئِفُ	إجْتَئِفْ	تُجْتَأَفُ	لِتُجْتَأَفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إجْتَأَفْتُمَا	أُجْتُئِفْتُمَا	تَجْتَئِفَانِ	إجْتَئِفَا	تُجْتَأَفَانِ	لِتُجْتَأَفَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إجْتَأَفْتُمْ	أُجْتُئِفْتُمْ	تَجْتَئِفُوْنَ	إجْتَئِفُوْا	تُجْتَأَفُوْنَ	لِتُجْتَأَفُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إجْتَأَفْتِ	أُجْتُئِفْتِ	تَجْتَئِفِيْنَ	إجْتَئِفِي	تُجْتَأَفِيْنَ	لِتُجْتَأَفِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إجْتَأَفْتُمَا	أُجْتُئِفْتُمَا	تَجْتَئِفَانِ	إجْتَئِفَا	تُجْتَأَفَانِ	لِتُجْتَأَفَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إجْتَأَفْتُنَّ	أُجْتُئِفْتُنَّ	تَجْتَئِفْنَ	إجْتَئِفْنَ	تُجْتَأَفْنَ	لِتُجْتَأَفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إجْتَأَفْتُ	أُجْتُئِفْتُ	أَجْتَئِفُ	لِأَجْتَئِفْ	أُجْتَأَفُ	لِأُجْتَأَفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إجْتَأَفْنَا	أُجْتُئِفْنَا	نَجْتَئِفُ	لِنَجْتَئِفْ	نُجْتَأَفُ	لِنُجْتَأَفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

اجوف یایی

تصویر



صفحه ۱۷۰	۱۲ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إجْتَأَفَ	لا يَجْتَئِفُ	اَنْ يَجْتَئِفَ	لا يَجْتَئِفْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إجْتَأَفَا	لا يَجْتَئِفَانِ	اَنْ يَجْتَئِفَا	لا يَجْتَئِفَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إجْتَأَفُوْا	لا يَجْتَئِفُوْنَ	اَنْ يَجْتَئِفُوْا	لا يَجْتَئِفُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إجْتَأَفَتْ	لا تَجْتَئِفُ	اَنْ تَجْتَئِفَ	لا تَجْتَئِفْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إجْتَأَفَتَا	لا تَجْتَئِفَانِ	اَنْ تَجْتَئِفَا	لا تَجْتَئِفَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إجْتَأَفْنَ	لا يَجْتَئِفْنَ	اَنْ يَجْتَئِفْنَ	لا يَجْتَئِفْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إجْتَأَفْتَ	لا تَجْتَئِفُ	اَنْ تَجْتَئِفَ	لا تَجْتَئِفْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إجْتَأَفْتُمَا	لا تَجْتَئِفَانِ	اَنْ تَجْتَئِفَا	لا تَجْتَئِفَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إجْتَأَفْتُمْ	لا تَجْتَئِفُوْنَ	اَنْ تَجْتَئِفُوْا	لا تَجْتَئِفُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إجْتَأَفْتِ	لا تَجْتَئِفِيْنَ	اَنْ تَجْتَئِفِي	لا تَجْتَئِفِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إجْتَأَفْتُمَا	لا تَجْتَئِفَانِ	اَنْ تَجْتَئِفَا	لا تَجْتَئِفَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إجْتَأَفْتُنَّ	لا تَجْتَئِفْنَ	اَنْ تَجْتَئِفْنَ	لا تَجْتَئِفْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إجْتَأَفْتُ	لا أَجْتَئِفُ	اَنْ أَجْتَئِفَ	لا أَجْتَئِفْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	ما إجْتَأَفْنَا	لا نَجْتَئِفُ	اَنْ نَجْتَئِفَ	لا نَجْتَئِفْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۷۱	۱۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَجْتَئِفَنَّ	لِيُجْتَأَفَنَّ	لِيَجْتَئِفَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَجْتَئِفَانِّ	لِيُجْتَأَفَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَجْتَئِفُنَّ	لِيُجْتَأَفُنَّ	لِيَجْتَئِفُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَجْتَئِفَنَّ	لِتُجْتَأَفَنَّ	لِتَجْتَئِفَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَجْتَئِفَانِّ	لِتُجْتَأَفَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَجْتَئِفْنَانِّ	لِيُجْتَأَفْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِجْتَئِفَنَّ	لِتُجْتَأَفَنَّ	إِجْتَئِفَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِجْتَئِفَانِّ	لِتُجْتَأَفَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِجْتَئِفُنَّ	لِتُجْتَأَفُنَّ	إِجْتَئِفُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِجْتَئِفِنَّ	لِتُجْتَأَفِنَّ	إِجْتَئِفِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِجْتَئِفَانِّ	لِتُجْتَأَفَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِجْتَئِفْنَانِّ	لِتُجْتَأَفْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَجْتَئِفَنَّ	لِأُجْتَأَفَنَّ	لِأَجْتَئِفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَجْتَئِفَنَّ	لِنُجْتَأَفَنَّ	لِنَجْتَئِفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۷۲	۱۳ (۱) باب إفتعال مهموز اللام، الإقْتِرَاء (به خواندن وادار کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إقْتَرَأَ	أُقْتُرِئَ	يَقْتَرِئُ	لِيَقْتَرِئْ	يُقْتَرَأُ	لِيُقْتَرَأْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إقْتَرَأَا	أُقْتُرِأَا	يَقْتَرِأَانِ	لِيَقْتَرِأَا	يُقْتَرَأَانِ	لِيُقْتَرَأَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إقْتَرَؤُوْا	أُقْتُرِؤُوْا	يَقْتَرِؤُوْنَ	لِيَقْتَرِؤُوْا	يُقْتَرَؤُوْنَ	لِيُقْتَرَؤُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إقْتَرَأَتْ	أُقْتُرِأَتْ	تَقْتَرِئُ	لِتَقْتَرِئْ	تُقْتَرَأُ	لِتُقْتَرَأْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إقْتَرَأَتَا	أُقْتُرِأَتَا	تَقْتَرِأَانِ	لِتَقْتَرِأَا	تُقْتَرَأَانِ	لِتُقْتَرَأَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إقْتَرَأْنَ	أُقْتُرِئْنَ	يَقْتَرِئْنَ	لِيَقْتَرِئْنَ	يُقْتَرَأْنَ	لِيُقْتَرَأْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إقْتَرَأْتَ	أُقْتُرِئْتَ	تَقْتَرِئُ	إقْتَرِئْ	تُقْتَرَأُ	لِتُقْتَرَأْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إقْتَرَأْتُمَا	أُقْتُرِئْتُمَا	تَقْتَرِأَانِ	إقْتَرِأَا	تُقْتَرَأَانِ	لِتُقْتَرَأَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إقْتَرَأْتُمْ	أُقْتُرِئْتُمْ	تَقْتَرِؤُوْنَ	إقْتَرِؤُوْا	تُقْتَرَؤُوْنَ	لِتُقْتَرَؤُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إقْتَرَأْتِ	أُقْتُرِئْتِ	تَقْتَرِئِيْنَ	إقْتَرِئِي	تُقْتَرَئِيْنَ	لِتُقْتَرَئِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إقْتَرَأْتُمَا	أُقْتُرِئْتُمَا	تَقْتَرِأَانِ	إقْتَرِأَا	تُقْتَرَأَانِ	لِتُقْتَرَأَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إقْتَرَأْتُنَّ	أُقْتُرِئْتُنَّ	تَقْتَرِئْنَ	إقْتَرِئْنَ	تُقْتَرَأْنَ	لِتُقْتَرَأْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إقْتَرَأْتُ	أُقْتُرِئْتُ	أَقْتَرِئُ	لِأَقْتَرِئْ	أُقْتَرَأُ	لِأُقْتَرَأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	إقْتَرَأْنَا	أُقْتُرِئْنَا	نَقْتَرِئُ	لِنَقْتَرِئْ	نُقْتَرَأُ	لِنُقْتَرَأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۷۳	۱۳ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إقْتَرَأَ	لا يَقْتَرِئُ	اَنْ يَقْتَرِئَ	لا يَقْتَرِئْ	غایب — مفرد مذکر — هُوَ
۲	ما إقْتَرَأَا	لا يَقْتَرِأَانِ	اَنْ يَقْتَرِأَا	لا يَقْتَرِأَا	غایب — مثنی مذکر — هُمَا
۳	ما إقْتَرَؤُوْا	لا يَقْتَرِؤُوْنَ	اَنْ يَقْتَرِؤُوْا	لا يَقْتَرِؤُوْا	غایب — جمع مذکر — هُمْ
۴	ما إقْتَرَأَتْ	لا تَقْتَرِئُ	اَنْ تَقْتَرِئَ	لا تَقْتَرِئْ	غایب — مفرد مؤنث — هِيَ
۵	ما إقْتَرَأَتَا	لا تَقْتَرِأَانِ	اَنْ تَقْتَرِأَا	لا تَقْتَرِأَا	غایب — مثنی مؤنث — هُمَا
۶	ما إقْتَرَأْنَ	لا يَقْتَرِئْنَ	اَنْ يَقْتَرِئْنَ	لا يَقْتَرِئْنَ	غایب — جمع مؤنث — هُنَّ
۷	ما إقْتَرَأْتَ	لا تَقْتَرِئُ	اَنْ تَقْتَرِئَ	لا تَقْتَرِئْ	مخاطب — مفرد مذکر — أَنْتَ
۸	ما إقْتَرَأْتُمَا	لا تَقْتَرِأَانِ	اَنْ تَقْتَرِأَا	لا تَقْتَرِأَا	مخاطب — مثنی مذکر — أَنْتُمَا
۹	ما إقْتَرَأْتُمْ	لا تَقْتَرِؤُوْنَ	اَنْ تَقْتَرِؤُوْا	لا تَقْتَرِؤُوْا	مخاطب — جمع مذکر — أَنْتُمْ
۱۰	ما إقْتَرَأْتِ	لا تَقْتَرِئِيْنَ	اَنْ تَقْتَرِئِي	لا تَقْتَرِئِي	مخاطب — مفرد مؤنث — أَنْتِ
۱۱	ما إقْتَرَأْتُمَا	لا تَقْتَرِأَانِ	اَنْ تَقْتَرِأَا	لا تَقْتَرِأَا	مخاطب — مثنی مؤنث — أَنْتُمَا
۱۲	ما إقْتَرَأْتُنَّ	لا تَقْتَرِئْنَ	اَنْ تَقْتَرِئْنَ	لا تَقْتَرِئْنَ	مخاطب — جمع مؤنث — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إقْتَرَأْتُ	لا أَقْتَرِئُ	اَنْ أَقْتَرِئَ	لا أَقْتَرِئْ	متکلم — وحده مذکر و مؤنث — أَنَا
۱۴	ما إقْتَرَأْنَا	لا نَقْتَرِئُ	اَنْ نَقْتَرِئَ	لا نَقْتَرِئْ	متکلم — مع الغیر مذکر و مؤنث — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۷۴	۱۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَقْتَرِأَنَّ	لِيُقْتَرَأَنَّ	لِيَقْتَرِأَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَقْتَرِأَانِّ	لِيُقْتَرَأَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَقْتَرِؤُنَّ	لِيُقْتَرَؤُنَّ	لِيَقْتَرِؤُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَقْتَرِأَنَّ	لِتُقْتَرَأَنَّ	لِتَقْتَرِأَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَقْتَرِأَانِّ	لِتُقْتَرَأَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَقْتَرِئْنَانِّ	لِيُقْتَرَأْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِقْتَرِأَنَّ	لِتُقْتَرَأَنَّ	إِقْتَرِأَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِقْتَرِأَانِّ	لِتُقْتَرَأَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِقْتَرِؤُنَّ	لِتُقْتَرَؤُنَّ	إِقْتَرِؤُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِقْتَرِئِنَّ	لِتُقْتَرَئِنَّ	إِقْتَرِئِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِقْتَرِأَانِّ	لِتُقْتَرَأَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِقْتَرِئْنَانِّ	لِتُقْتَرَأْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَقْتَرِأَنَّ	لِأُقْتَرَأَنَّ	لِأَقْتَرِأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد / أَنَا
۱۴	لِنَقْتَرِأَنَّ	لِنُقْتَرَأَنَّ	لِنَقْتَرِأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد / نَحْنُ

ص: ۱۷۴

تصویر

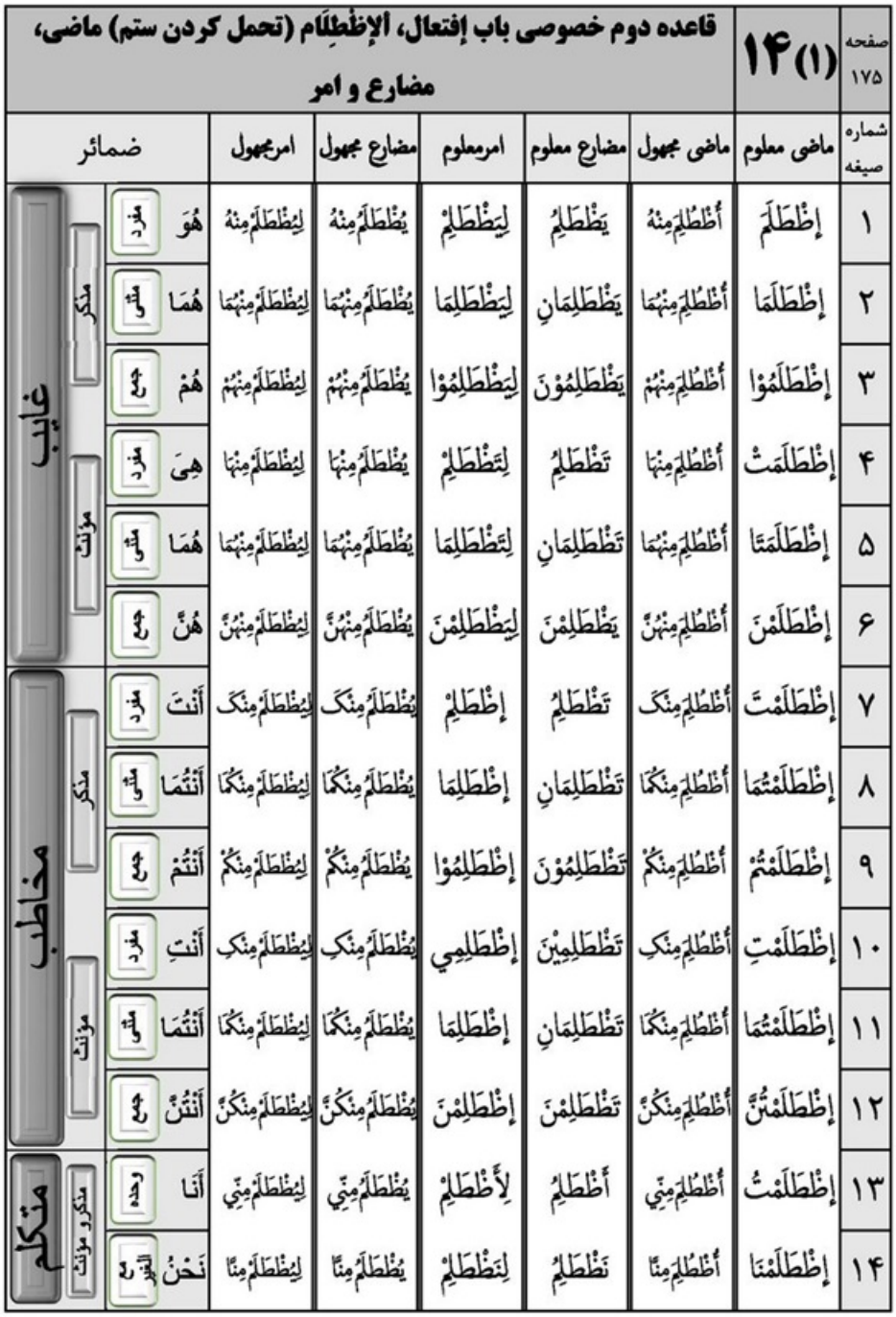

صفحه ۱۷۵	قاعده دوم خصوصی باب إفتعال، الإظْطِلَام (تحمل کردن ستم) ماضی، مضارع و امر						۱۴ (۱)
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إظْطَلَمَ	أُظْطُلِمَ مِنْهُ	يَظْطَلِمُ	لِيَظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنْهُ	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	إظْطَلَمَا	أُظْطُلِمَ مِنْهُمَا	يَظْطَلِمَانِ	لِيَظْطَلِمَا	يُظْطَلَمُ مِنْهُمَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُمَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	إظْطَلَمُوْا	أُظْطُلِمَ مِنْهُمْ	يَظْطَلِمُوْنَ	لِيَظْطَلِمُوْا	يُظْطَلَمُ مِنْهُمْ	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُمْ	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	إظْطَلَمَتْ	أُظْطُلِمَ مِنْهَا	تَظْطَلِمُ	لِتَظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنْهَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْهَا	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	إظْطَلَمَتَا	أُظْطُلِمَ مِنْهُمَا	تَظْطَلِمَانِ	لِتَظْطَلِمَا	يُظْطَلَمُ مِنْهُمَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُمَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	إظْطَلَمْنَ	أُظْطُلِمَ مِنْهُنَّ	يَظْطَلِمْنَ	لِيَظْطَلِمْنَ	يُظْطَلَمُ مِنْهُنَّ	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُنَّ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	إظْطَلَمْتَ	أُظْطُلِمَ مِنْكَ	تَظْطَلِمُ	إظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنْكَ	لِيُظْطَلَمْ مِنْكَ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	إظْطَلَمْتُمَا	أُظْطُلِمَ مِنْكُمَا	تَظْطَلِمَانِ	إظْطَلِمَا	يُظْطَلَمُ مِنْكُمَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْكُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	إظْطَلَمْتُمْ	أُظْطُلِمَ مِنْكُمْ	تَظْطَلِمُوْنَ	إظْطَلِمُوْا	يُظْطَلَمُ مِنْكُمْ	لِيُظْطَلَمْ مِنْكُمْ	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	إظْطَلَمْتِ	أُظْطُلِمَ مِنْكِ	تَظْطَلِمِيْنَ	إظْطَلِمِي	يُظْطَلَمُ مِنْكِ	لِيُظْطَلَمْ مِنْكِ	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	إظْطَلَمْتُمَا	أُظْطُلِمَ مِنْكُمَا	تَظْطَلِمَانِ	إظْطَلِمَا	يُظْطَلَمُ مِنْكُمَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْكُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	إظْطَلَمْتُنَّ	أُظْطُلِمَ مِنْكُنَّ	تَظْطَلِمْنَ	إظْطَلِمْنَ	يُظْطَلَمُ مِنْكُنَّ	لِيُظْطَلَمْ مِنْكُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	إظْطَلَمْتُ	أُظْطُلِمَ مِنِّي	أَظْطَلِمُ	لِأَظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنِّي	لِيُظْطَلَمْ مِنِّي	متکلم، مذکر و مؤنث، مفرد، أَنَا
۱۴	إظْطَلَمْنَا	أُظْطُلِمَ مِنَّا	نَظْطَلِمُ	لِنَظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنَّا	لِيُظْطَلَمْ مِنَّا	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر

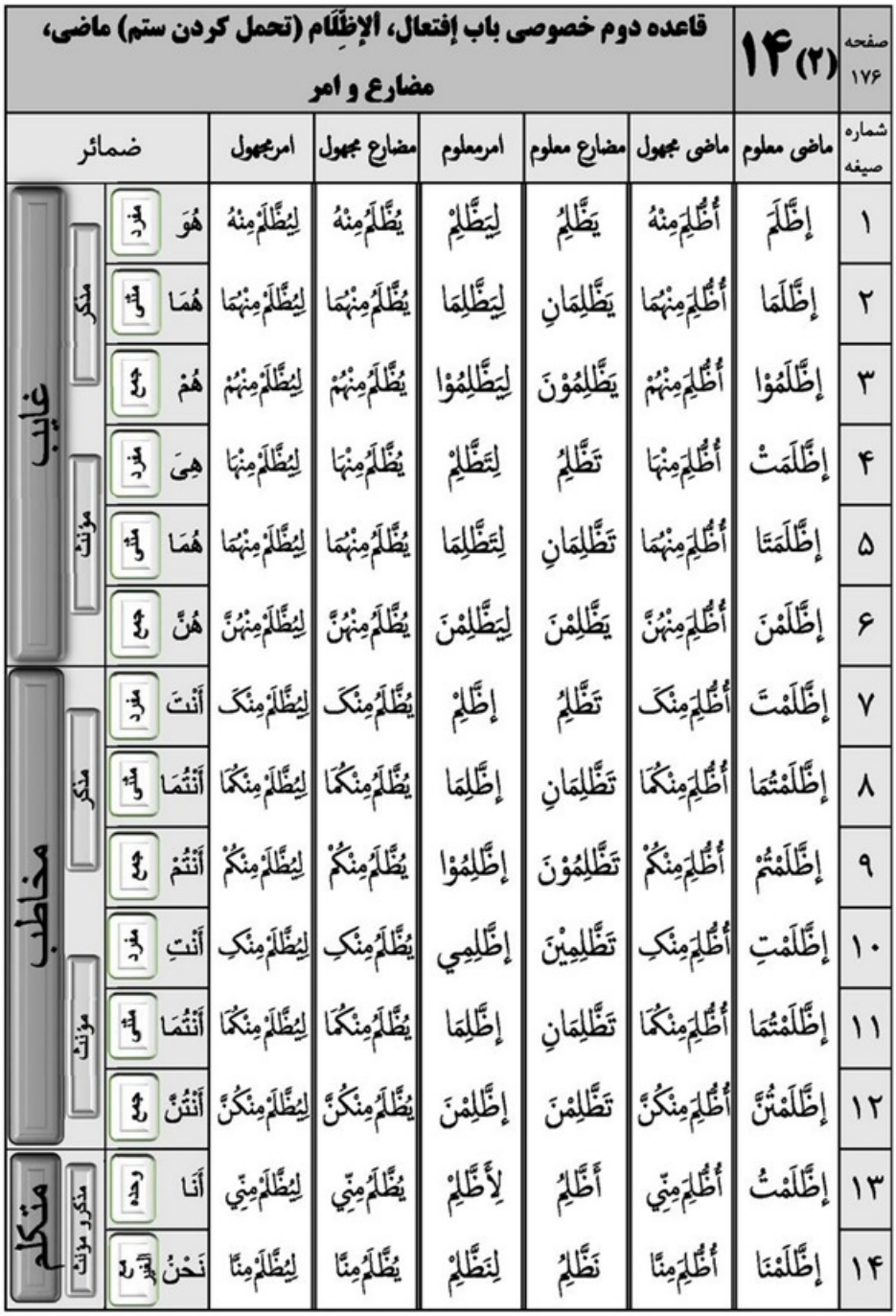

صفحه ۱۷۶	۱۴ (۲)	قاعده دوم خصوصی باب إفتعال، الإظْلَام (تحمل کردن ستم) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إظْلَمَ	أُظْلِمَ مِنْهُ	يَظْلِمُ	لِيَظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنْهُ	لِيُظْلَمْ مِنْهُ	غایب مذکر	هُوَ مفرد
۲	إظْلَمَا	أُظْلِمَ مِنْهُمَا	يَظْلِمَانِ	لِيَظْلِمَا	يُظْلَمُ مِنْهُمَا	لِيُظْلَمْ مِنْهُمَا		هُمَا مثنی
۳	إظْلَمُوْا	أُظْلِمَ مِنْهُمْ	يَظْلِمُوْنَ	لِيَظْلِمُوْا	يُظْلَمُ مِنْهُمْ	لِيُظْلَمْ مِنْهُمْ		هُمْ جمع
۴	إظْلَمَتْ	أُظْلِمَ مِنْهَا	تَظْلِمُ	لِتَظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنْهَا	لِيُظْلَمْ مِنْهَا	غایب مؤنث	هِيَ مفرد
۵	إظْلَمَتَا	أُظْلِمَ مِنْهُمَا	تَظْلِمَانِ	لِتَظْلِمَا	يُظْلَمُ مِنْهُمَا	لِيُظْلَمْ مِنْهُمَا		هُمَا مثنی
۶	إظْلَمْنَ	أُظْلِمَ مِنْهُنَّ	يَظْلِمْنَ	لِيَظْلِمْنَ	يُظْلَمُ مِنْهُنَّ	لِيُظْلَمْ مِنْهُنَّ		هُنَّ جمع
۷	إظْلَمْتَ	أُظْلِمَ مِنْكَ	تَظْلِمُ	إظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنْكَ	لِيُظْلَمْ مِنْكَ	مخاطب مذکر	أَنْتَ مفرد
۸	إظْلَمْتُمَا	أُظْلِمَ مِنْكُمَا	تَظْلِمَانِ	إظْلِمَا	يُظْلَمُ مِنْكُمَا	لِيُظْلَمْ مِنْكُمَا		أَنْتُمَا مثنی
۹	إظْلَمْتُمْ	أُظْلِمَ مِنْكُمْ	تَظْلِمُوْنَ	إظْلِمُوْا	يُظْلَمُ مِنْكُمْ	لِيُظْلَمْ مِنْكُمْ		أَنْتُمْ جمع
۱۰	إظْلَمْتِ	أُظْلِمَ مِنْكِ	تَظْلِمِيْنَ	إظْلِمِي	يُظْلَمُ مِنْكِ	لِيُظْلَمْ مِنْكِ	مؤنث	أَنْتِ مفرد
۱۱	إظْلَمْتُمَا	أُظْلِمَ مِنْكُمَا	تَظْلِمَانِ	إظْلِمَا	يُظْلَمُ مِنْكُمَا	لِيُظْلَمْ مِنْكُمَا		أَنْتُمَا مثنی
۱۲	إظْلَمْتُنَّ	أُظْلِمَ مِنْكُنَّ	تَظْلِمْنَ	إظْلِمْنَ	يُظْلَمُ مِنْكُنَّ	لِيُظْلَمْ مِنْكُنَّ		أَنْتُنَّ جمع
۱۳	إظْلَمْتُ	أُظْلِمَ مِنِّي	أَظْلِمُ	لِأَظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنِّي	لِيُظْلَمْ مِنِّي	متکلم مذکر و مؤنث	أَنَا وحده
۱۴	إظْلَمْنَا	أُظْلِمَ مِنَّا	نَظْلِمُ	لِنَظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنَّا	لِيُظْلَمْ مِنَّا		نَحْنُ مع الغیر

تصویر

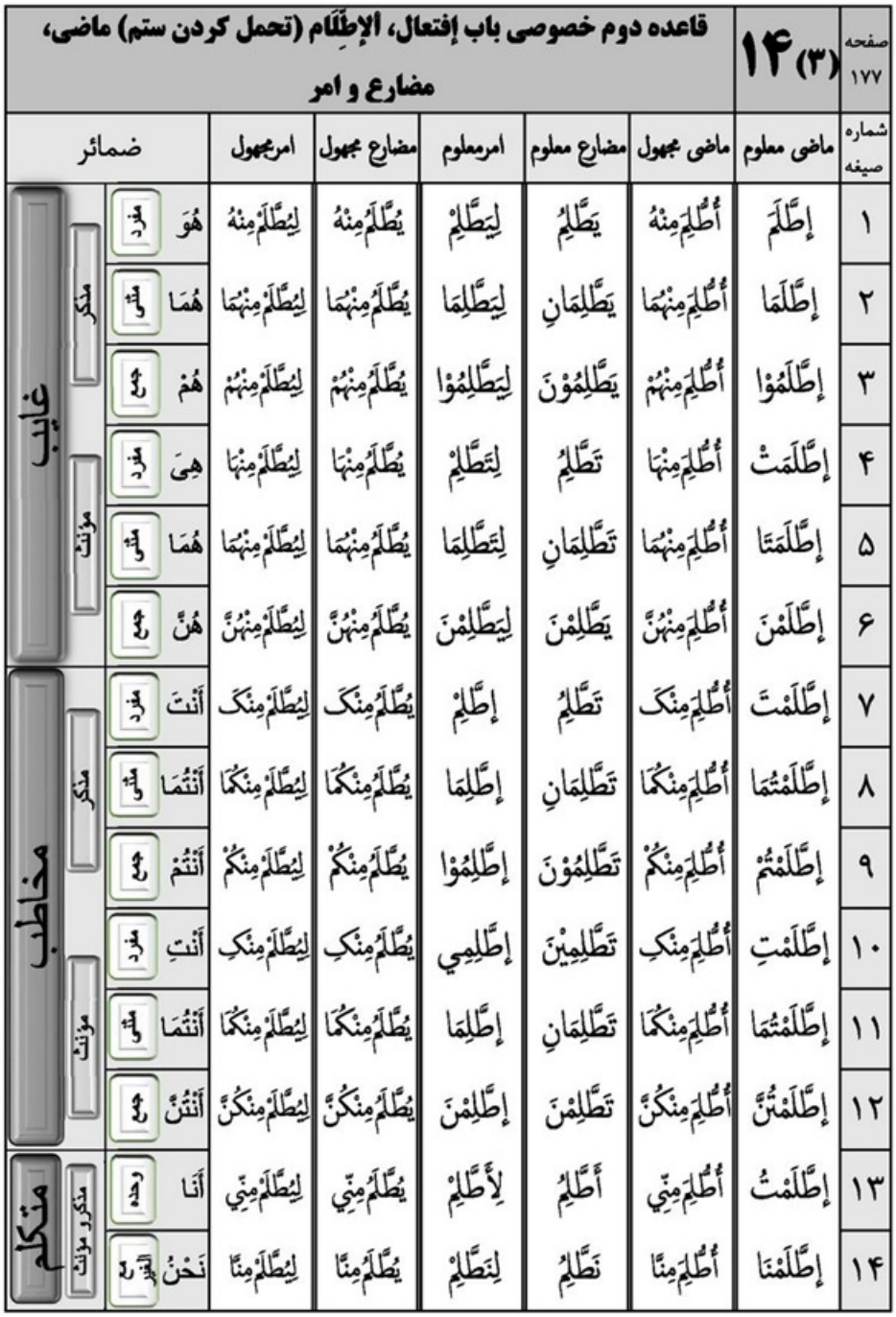

صفحه ۱۷۷	۱۴ (۳)	قاعده دوم خصوصی باب إفتعال، الإطِّلَام (تحمل کردن ستم) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إطَّلَمَ	أُطُّلِمَ مِنْهُ	يَطَّلِمُ	لِيَطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنْهُ	لِيُطَّلَمْ مِنْهُ	هُوَ (مفرد)	غایب — مذکر
۲	إطَّلَمَا	أُطُّلِمَ مِنْهُمَا	يَطَّلِمَانِ	لِيَطَّلِمَا	يُطَّلَمُ مِنْهُمَا	لِيُطَّلَمْ مِنْهُمَا	هُمَا (مثنی)	
۳	إطَّلَمُوْا	أُطُّلِمَ مِنْهُمْ	يَطَّلِمُوْنَ	لِيَطَّلِمُوْا	يُطَّلَمُ مِنْهُمْ	لِيُطَّلَمْ مِنْهُمْ	هُمْ (جمع)	
۴	إطَّلَمَتْ	أُطُّلِمَ مِنْهَا	تَطَّلِمُ	لِتَطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنْهَا	لِيُطَّلَمْ مِنْهَا	هِيَ (مفرد)	غایب — مؤنث
۵	إطَّلَمَتَا	أُطُّلِمَ مِنْهُمَا	تَطَّلِمَانِ	لِتَطَّلِمَا	يُطَّلَمُ مِنْهُمَا	لِيُطَّلَمْ مِنْهُمَا	هُمَا (مثنی)	
۶	إطَّلَمْنَ	أُطُّلِمَ مِنْهُنَّ	يَطَّلِمْنَ	لِيَطَّلِمْنَ	يُطَّلَمُ مِنْهُنَّ	لِيُطَّلَمْ مِنْهُنَّ	هُنَّ (جمع)	
۷	إطَّلَمْتَ	أُطُّلِمَ مِنْكَ	تَطَّلِمُ	إطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنْكَ	لِيُطَّلَمْ مِنْكَ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب — مذکر
۸	إطَّلَمْتُمَا	أُطُّلِمَ مِنْكُمَا	تَطَّلِمَانِ	إطَّلِمَا	يُطَّلَمُ مِنْكُمَا	لِيُطَّلَمْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	إطَّلَمْتُمْ	أُطُّلِمَ مِنْكُمْ	تَطَّلِمُوْنَ	إطَّلِمُوْا	يُطَّلَمُ مِنْكُمْ	لِيُطَّلَمْ مِنْكُمْ	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	إطَّلَمْتِ	أُطُّلِمَ مِنْكِ	تَطَّلِمِيْنَ	إطَّلِمِي	يُطَّلَمُ مِنْكِ	لِيُطَّلَمْ مِنْكِ	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب — مؤنث
۱۱	إطَّلَمْتُمَا	أُطُّلِمَ مِنْكُمَا	تَطَّلِمَانِ	إطَّلِمَا	يُطَّلَمُ مِنْكُمَا	لِيُطَّلَمْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	إطَّلَمْتُنَّ	أُطُّلِمَ مِنْكُنَّ	تَطَّلِمْنَ	إطَّلِمْنَ	يُطَّلَمُ مِنْكُنَّ	لِيُطَّلَمْ مِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	إطَّلَمْتُ	أُطُّلِمَ مِنِّي	أَطَّلِمُ	لِأَطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنِّي	لِيُطَّلَمْ مِنِّي	أَنَا (واحد)	متکلم — مذکر و مؤنث
۱۴	إطَّلَمْنَا	أُطُّلِمَ مِنَّا	نَطَّلِمُ	لِنَطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنَّا	لِيُطَّلَمْ مِنَّا	نَحْنُ (تثنیه و جمع)	

ناقص

ناقص واوی

تصویر

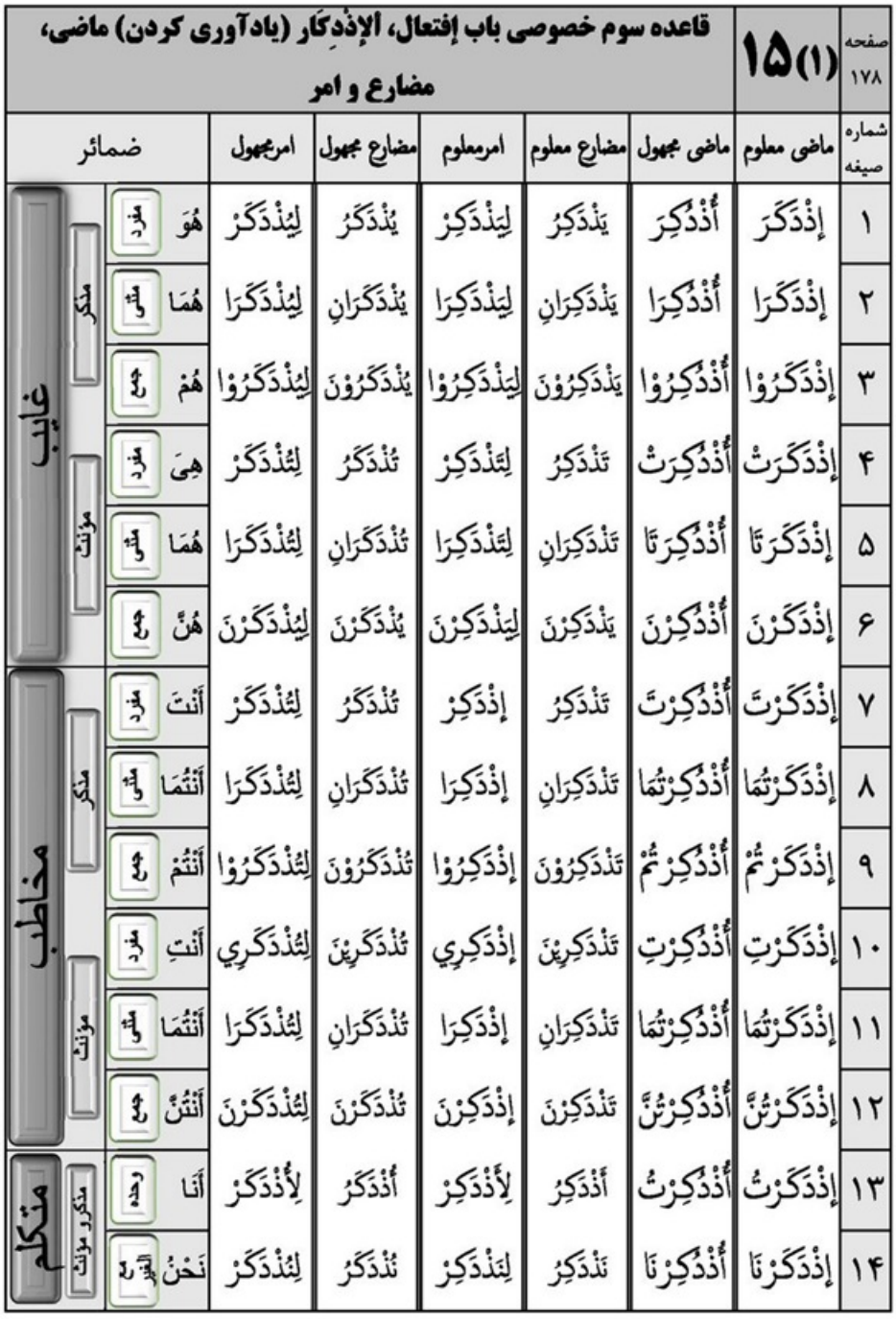

صفحه ۱۷۸	۱۵(۱)	قاعده سوم خصوصی باب إفتعال، اَلإذْدِکَار (یادآوری کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِذْدَكَرَ	أُذْدُكِرَ	يَذْدَكِرُ	لِيَذْدَكِرْ	يُذْدَكَرُ	لِيُذْدَكَرْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إِذْدَكَرَا	أُذْدُكِرَا	يَذْدَكِرَانِ	لِيَذْدَكِرَا	يُذْدَكَرَانِ	لِيُذْدَكَرَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إِذْدَكَرُوْا	أُذْدُكِرُوْا	يَذْدَكِرُوْنَ	لِيَذْدَكِرُوْا	يُذْدَكَرُوْنَ	لِيُذْدَكَرُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إِذْدَكَرَتْ	أُذْدُكِرَتْ	تَذْدَكِرُ	لِتَذْدَكِرْ	تُذْدَكَرُ	لِتُذْدَكَرْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إِذْدَكَرَتَا	أُذْدُكِرَتَا	تَذْدَكِرَانِ	لِتَذْدَكِرَا	تُذْدَكَرَانِ	لِتُذْدَكَرَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إِذْدَكَرْنَ	أُذْدُكِرْنَ	يَذْدَكِرْنَ	لِيَذْدَكِرْنَ	يُذْدَكَرْنَ	لِيُذْدَكَرْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِذْدَكَرْتَ	أُذْدُكِرْتَ	تَذْدَكِرُ	إِذْدَكِرْ	تُذْدَكَرُ	لِتُذْدَكَرْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِذْدَكَرْتُمَا	أُذْدُكِرْتُمَا	تَذْدَكِرَانِ	إِذْدَكِرَا	تُذْدَكَرَانِ	لِتُذْدَكَرَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِذْدَكَرْتُمْ	أُذْدُكِرْتُمْ	تَذْدَكِرُوْنَ	إِذْدَكِرُوْا	تُذْدَكَرُوْنَ	لِتُذْدَكَرُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِذْدَكَرْتِ	أُذْدُكِرْتِ	تَذْدَكِرِيْنَ	إِذْدَكِرِي	تُذْدَكَرِيْنَ	لِتُذْدَكَرِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِذْدَكَرْتُمَا	أُذْدُكِرْتُمَا	تَذْدَكِرَانِ	إِذْدَكِرَا	تُذْدَكَرَانِ	لِتُذْدَكَرَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِذْدَكَرْتُنَّ	أُذْدُكِرْتُنَّ	تَذْدَكِرْنَ	إِذْدَكِرْنَ	تُذْدَكَرْنَ	لِتُذْدَكَرْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إِذْدَكَرْتُ	أُذْدُكِرْتُ	أَذْدَكِرُ	لِأَذْدَكِرْ	أُذْدَكَرُ	لِأُذْدَكَرْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إِذْدَكَرْنَا	أُذْدُكِرْنَا	نَذْدَكِرُ	لِنَذْدَكِرْ	نُذْدَكَرُ	لِنُذْدَكَرْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

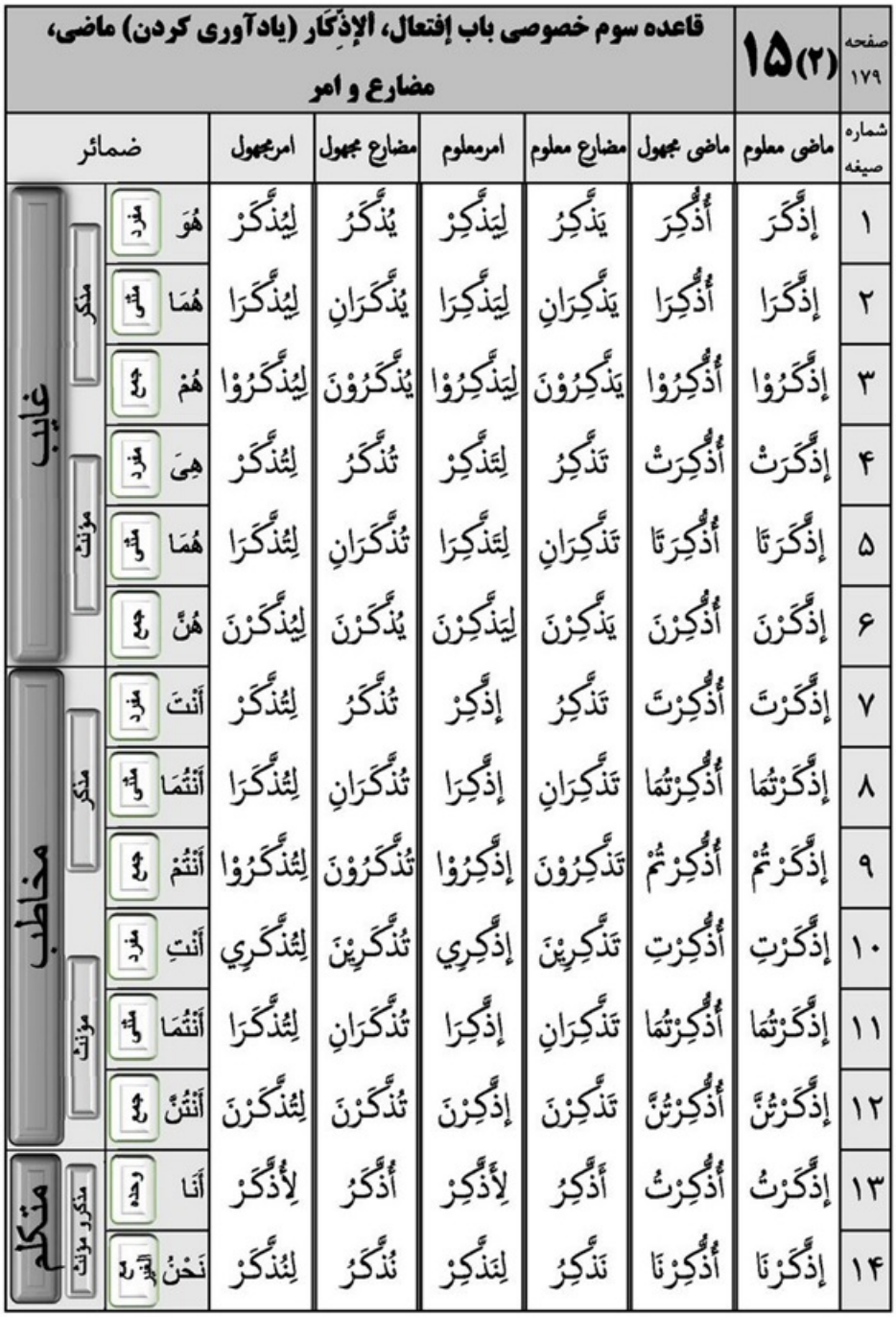

صفحه ۱۷۹	۱۵(۲)	قاعده سوم خصوصی باب إفتعال، اَلإذْکَار (یادآوری کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إذَّكَرَ	أُذُّكِرَ	يَذَّكِرُ	لِيَذَّكِرْ	يُذَّكَرُ	لِيُذَّكَرْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	إذَّكَرَا	أُذُّكِرَا	يَذَّكِرَانِ	لِيَذَّكِرَا	يُذَّكَرَانِ	لِيُذَّكَرَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	إذَّكَرُوْا	أُذُّكِرُوْا	يَذَّكِرُوْنَ	لِيَذَّكِرُوْا	يُذَّكَرُوْنَ	لِيُذَّكَرُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	إذَّكَرَتْ	أُذُّكِرَتْ	تَذَّكِرُ	لِتَذَّكِرْ	تُذَّكَرُ	لِتُذَّكَرْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	إذَّكَرَتَا	أُذُّكِرَتَا	تَذَّكِرَانِ	لِتَذَّكِرَا	تُذَّكَرَانِ	لِتُذَّكَرَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	إذَّكَرْنَ	أُذُّكِرْنَ	يَذَّكِرْنَ	لِيَذَّكِرْنَ	يُذَّكَرْنَ	لِيُذَّكَرْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	إذَّكَرْتَ	أُذُّكِرْتَ	تَذَّكِرُ	إذَّكِرْ	تُذَّكَرُ	لِتُذَّكَرْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	إذَّكَرْتُمَا	أُذُّكِرْتُمَا	تَذَّكِرَانِ	إذَّكِرَا	تُذَّكَرَانِ	لِتُذَّكَرَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	إذَّكَرْتُمْ	أُذُّكِرْتُمْ	تَذَّكِرُوْنَ	إذَّكِرُوْا	تُذَّكَرُوْنَ	لِتُذَّكَرُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	إذَّكَرْتِ	أُذُّكِرْتِ	تَذَّكِرِيْنَ	إذَّكِرِي	تُذَّكَرِيْنَ	لِتُذَّكَرِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	إذَّكَرْتُمَا	أُذُّكِرْتُمَا	تَذَّكِرَانِ	إذَّكِرَا	تُذَّكَرَانِ	لِتُذَّكَرَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	إذَّكَرْتُنَّ	أُذُّكِرْتُنَّ	تَذَّكِرْنَ	إذَّكِرْنَ	تُذَّكَرْنَ	لِتُذَّكَرْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	إذَّكَرْتُ	أُذُّكِرْتُ	أَذَّكِرُ	لِأَذَّكِرْ	أُذَّكَرُ	لِأُذَّكَرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	إذَّكَرْنَا	أُذُّكِرْنَا	نَذَّكِرُ	لِنَذَّكِرْ	نُذَّكَرُ	لِنُذَّكَرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۸۰	۱۵ (۳)	قاعده سوم خصوصی باب إفتعال، اَلإدِّکَار (یادآوری کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِدَّ كَرَ	أُدُّ كِرَ	يَدَّكِرُ	لِيَدَّكِرْ	يُدَّكَرُ	لِيُدَّكَرْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	إِدَّ كَرَا	أُدُّ كِرَا	يَدَّكِرَانِ	لِيَدَّكِرَا	يُدَّكَرَانِ	لِيُدَّكَرَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	إِدَّ كَرُوْا	أُدُّ كِرُوْا	يَدَّكِرُوْنَ	لِيَدَّكِرُوْا	يُدَّكَرُوْنَ	لِيُدَّكَرُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	إِدَّ كَرَتْ	أُدُّ كِرَتْ	تَدَّكِرُ	لِتَدَّكِرْ	تُدَّكَرُ	لِتُدَّكَرْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	إِدَّ كَرَتَا	أُدُّ كِرَتَا	تَدَّكِرَانِ	لِتَدَّكِرَا	تُدَّكَرَانِ	لِتُدَّكَرَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	إِدَّ كَرْنَ	أُدُّ كِرْنَ	يَدَّكِرْنَ	لِيَدَّكِرْنَ	يُدَّكَرْنَ	لِيُدَّكَرْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	إِدَّ كَرْتَ	أُدُّ كِرْتَ	تَدَّكِرُ	إِدَّكِرْ	تُدَّكَرُ	لِتُدَّكَرْ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	إِدَّ كَرْتُمَا	أُدُّ كِرْتُمَا	تَدَّكِرَانِ	إِدَّكِرَا	تُدَّكَرَانِ	لِتُدَّكَرَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	إِدَّ كَرْتُمْ	أُدُّ كِرْتُمْ	تَدَّكِرُوْنَ	إِدَّكِرُوْا	تُدَّكَرُوْنَ	لِتُدَّكَرُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	إِدَّ كَرْتِ	أُدُّ كِرْتِ	تَدَّكِرِيْنَ	إِدَّكِرِي	تُدَّكَرِيْنَ	لِتُدَّكَرِي	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	إِدَّ كَرْتُمَا	أُدُّ كِرْتُمَا	تَدَّكِرَانِ	إِدَّكِرَا	تُدَّكَرَانِ	لِتُدَّكَرَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	إِدَّ كَرْتُنَّ	أُدُّ كِرْتُنَّ	تَدَّكِرْنَ	إِدَّكِرْنَ	تُدَّكَرْنَ	لِتُدَّكَرْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	إِدَّ كَرْتُ	أُدُّ كِرْتُ	أَدَّكِرُ	لِأَدَّكِرْ	أُدَّكَرُ	لِأُدَّكَرْ	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده
۱۴	إِدَّ كَرْنَا	أُدُّ كِرْنَا	نَدَّكِرُ	لِنَدَّكِرْ	نُدَّكَرُ	لِنُدَّكَرْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر

تصویر



صفحه ۱۸۱	قاعده چهارم خصوصی باب إفتعال، الإئتِنَار (خونخواهی کردن) ماضی، مضارع و امر							
	۱۶ (۱)							
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِئْتَأَرَ	أُئْتُئِرَ مِنْهُ	يَئْتَئِرُ	لِيَئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنْهُ	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُ	هُوَ	غایب مذکر مفرد
۲	إِئْتَأَرَا	أُئْتُئِرَ مِنْهُمَا	يَئْتَئِرَانِ	لِيَئْتَئِرَا	يُئْتَأَرُ مِنْهُمَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُمَا	هُمَا	غایب مذکر مثنی
۳	إِئْتَأَرُوْا	أُئْتُئِرَ مِنْهُمْ	يَئْتَئِرُوْنَ	لِيَئْتَئِرُوْا	يُئْتَأَرُ مِنْهُمْ	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُمْ	هُمْ	غایب مذکر جمع
۴	إِئْتَأَرَتْ	أُئْتُئِرَ مِنْهَا	تَئْتَئِرُ	لِتَئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنْهَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْهَا	هِيَ	غایب مؤنث مفرد
۵	إِئْتَأَرَتَا	أُئْتُئِرَ مِنْهُمَا	تَئْتَئِرَانِ	لِتَئْتَئِرَا	يُئْتَأَرُ مِنْهُمَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُمَا	هُمَا	غایب مؤنث مثنی
۶	إِئْتَأَرْنَ	أُئْتُئِرَ مِنْهُنَّ	يَئْتَئِرْنَ	لِيَئْتَئِرْنَ	يُئْتَأَرُ مِنْهُنَّ	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُنَّ	هُنَّ	غایب مؤنث جمع
۷	إِئْتَأَرْتَ	أُئْتُئِرَ مِنْكَ	تَئْتَئِرُ	إِئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنْكَ	لِيُئْتَأَرْ مِنْكَ	أَنْتَ	مخاطب مذکر مفرد
۸	إِئْتَأَرْتُمَا	أُئْتُئِرَ مِنْكُمَا	تَئْتَئِرَانِ	إِئْتَئِرَا	يُئْتَأَرُ مِنْكُمَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب مذکر مثنی
۹	إِئْتَأَرْتُمْ	أُئْتُئِرَ مِنْكُمْ	تَئْتَئِرُوْنَ	إِئْتَئِرُوْا	يُئْتَأَرُ مِنْكُمْ	لِيُئْتَأَرْ مِنْكُمْ	أَنْتُمْ	مخاطب مذکر جمع
۱۰	إِئْتَأَرْتِ	أُئْتُئِرَ مِنْكِ	تَئْتَئِرِيْنَ	إِئْتَئِرِي	يُئْتَأَرُ مِنْكِ	لِيُئْتَأَرْ مِنْكِ	أَنْتِ	مخاطب مؤنث مفرد
۱۱	إِئْتَأَرْتُمَا	أُئْتُئِرَ مِنْكُمَا	تَئْتَئِرَانِ	إِئْتَئِرَا	يُئْتَأَرُ مِنْكُمَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب مؤنث مثنی
۱۲	إِئْتَأَرْتُنَّ	أُئْتُئِرَ مِنْكُنَّ	تَئْتَئِرْنَ	إِئْتَئِرْنَ	يُئْتَأَرُ مِنْكُنَّ	لِيُئْتَأَرْ مِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ	مخاطب مؤنث جمع
۱۳	إِئْتَأَرْتُ	أُئْتُئِرَ مِنِّي	أَئْتَئِرُ	لِأَئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنِّي	لِيُئْتَأَرْ مِنِّي	أَنَا	متکلم وحده مذکر و مؤنث
۱۴	إِئْتَأَرْنَا	أُئْتُئِرَ مِنَّا	نَئْتَئِرُ	لِنَئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنَّا	لِيُئْتَأَرْ مِنَّا	نَحْنُ	متکلم مع الغیر مذکر و مؤنث

تصویر

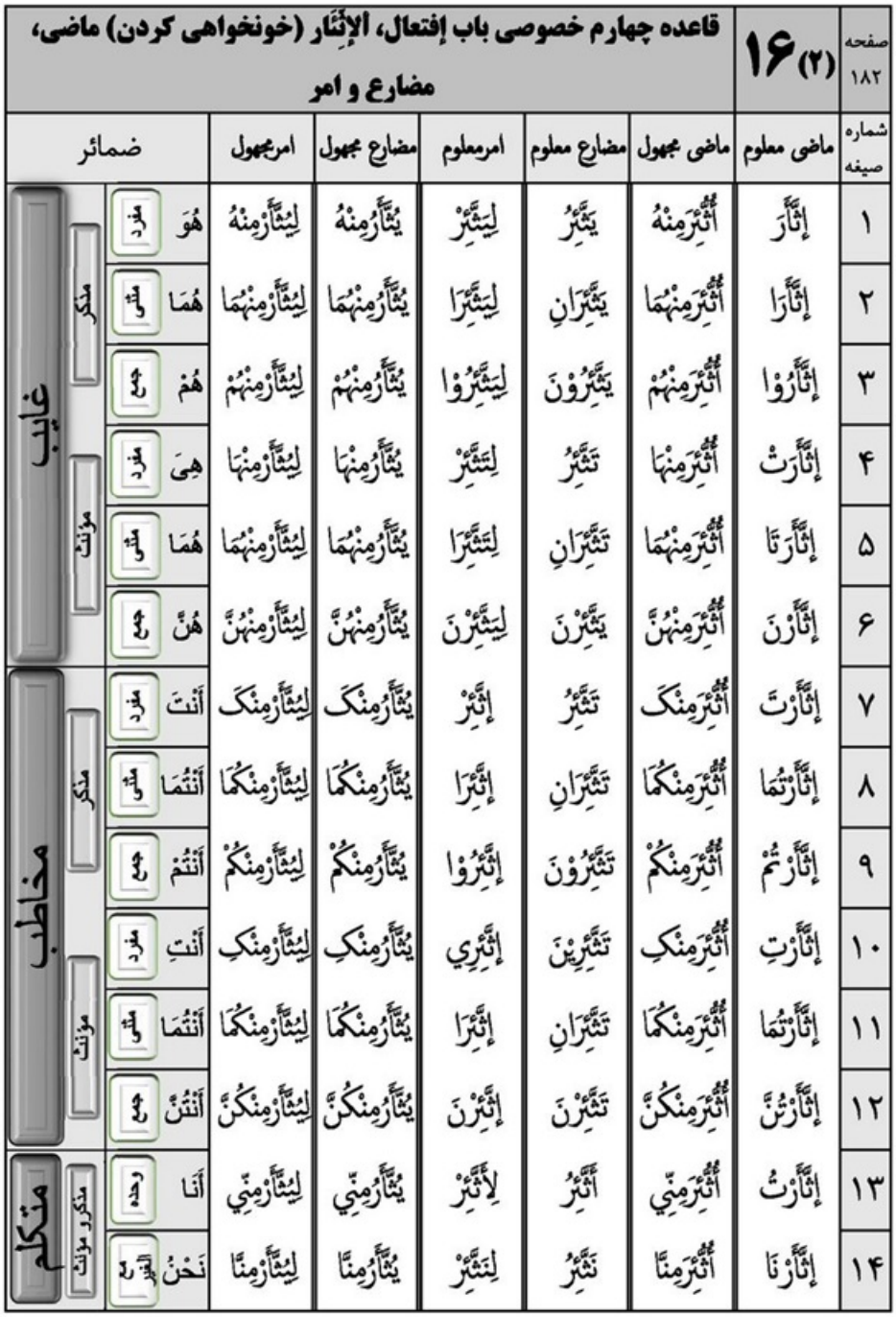

صفحه ۱۸۲	۱۶ (۲)	قاعده چهارم خصوصی باب إفتعال، الإثَار (خونخواهی کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِثَّارَ	أُثْئِرَمِنْهُ	يَثَّئِرُ	لِيَثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنْهُ	لِيُثَّأَرْمِنْهُ	هُوَ	غایب مذکر مفرد
۲	إِثَّارَا	أُثْئِرَمِنْهُمَا	يَثَّئِرَانِ	لِيَثَّئِرَا	يُثَّأَرُمِنْهُمَا	لِيُثَّأَرْمِنْهُمَا	هُمَا مثنی	
۳	إِثَّارُوْا	أُثْئِرَمِنْهُمْ	يَثَّئِرُوْنَ	لِيَثَّئِرُوْا	يُثَّأَرُمِنْهُمْ	لِيُثَّأَرْمِنْهُمْ	هُمْ جمع	
۴	إِثَّارَتْ	أُثْئِرَمِنْهَا	تَثَّئِرُ	لِتَثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنْهَا	لِيُثَّأَرْمِنْهَا	هِيَ مفرد	غایب مؤنث
۵	إِثَّارَتَا	أُثْئِرَمِنْهُمَا	تَثَّئِرَانِ	لِتَثَّئِرَا	يُثَّأَرُمِنْهُمَا	لِيُثَّأَرْمِنْهُمَا	هُمَا مثنی	
۶	إِثَّأَرْنَ	أُثْئِرَمِنْهُنَّ	يَثَّئِرْنَ	لِيَثَّئِرْنَ	يُثَّأَرُمِنْهُنَّ	لِيُثَّأَرْمِنْهُنَّ	هُنَّ جمع	
۷	إِثَّأَرْتَ	أُثْئِرَمِنْكَ	تَثَّئِرُ	إِثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنْكَ	لِيُثَّأَرْمِنْكَ	أَنْتَ	مخاطب مذکر مفرد
۸	إِثَّأَرْتُمَا	أُثْئِرَمِنْكُمَا	تَثَّئِرَانِ	إِثَّئِرَا	يُثَّأَرُمِنْكُمَا	لِيُثَّأَرْمِنْكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۹	إِثَّأَرْتُمْ	أُثْئِرَمِنْكُمْ	تَثَّئِرُوْنَ	إِثَّئِرُوْا	يُثَّأَرُمِنْكُمْ	لِيُثَّأَرْمِنْكُمْ	أَنْتُمْ جمع	
۱۰	إِثَّأَرْتِ	أُثْئِرَمِنْكِ	تَثَّئِرِيْنَ	إِثَّئِرِي	يُثَّأَرُمِنْكِ	لِيُثَّأَرْمِنْكِ	أَنْتِ	مخاطب مؤنث مفرد
۱۱	إِثَّأَرْتُمَا	أُثْئِرَمِنْكُمَا	تَثَّئِرَانِ	إِثَّئِرَا	يُثَّأَرُمِنْكُمَا	لِيُثَّأَرْمِنْكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۱۲	إِثَّأَرْتُنَّ	أُثْئِرَمِنْكُنَّ	تَثَّئِرْنَ	إِثَّئِرْنَ	يُثَّأَرُمِنْكُنَّ	لِيُثَّأَرْمِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ جمع	
۱۳	إِثَّأَرْتُ	أُثْئِرَمِنِّي	أَثَّئِرُ	لِأَثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنِّي	لِيُثَّأَرْمِنِّي	أَنَا	متکلم مذکر و مؤنث واحد
۱۴	إِثَّأَرْنَا	أُثْئِرَمِنَّا	نَثَّئِرُ	لِنَثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنَّا	لِيُثَّأَرْمِنَّا	نَحْنُ	جمع

تصویر

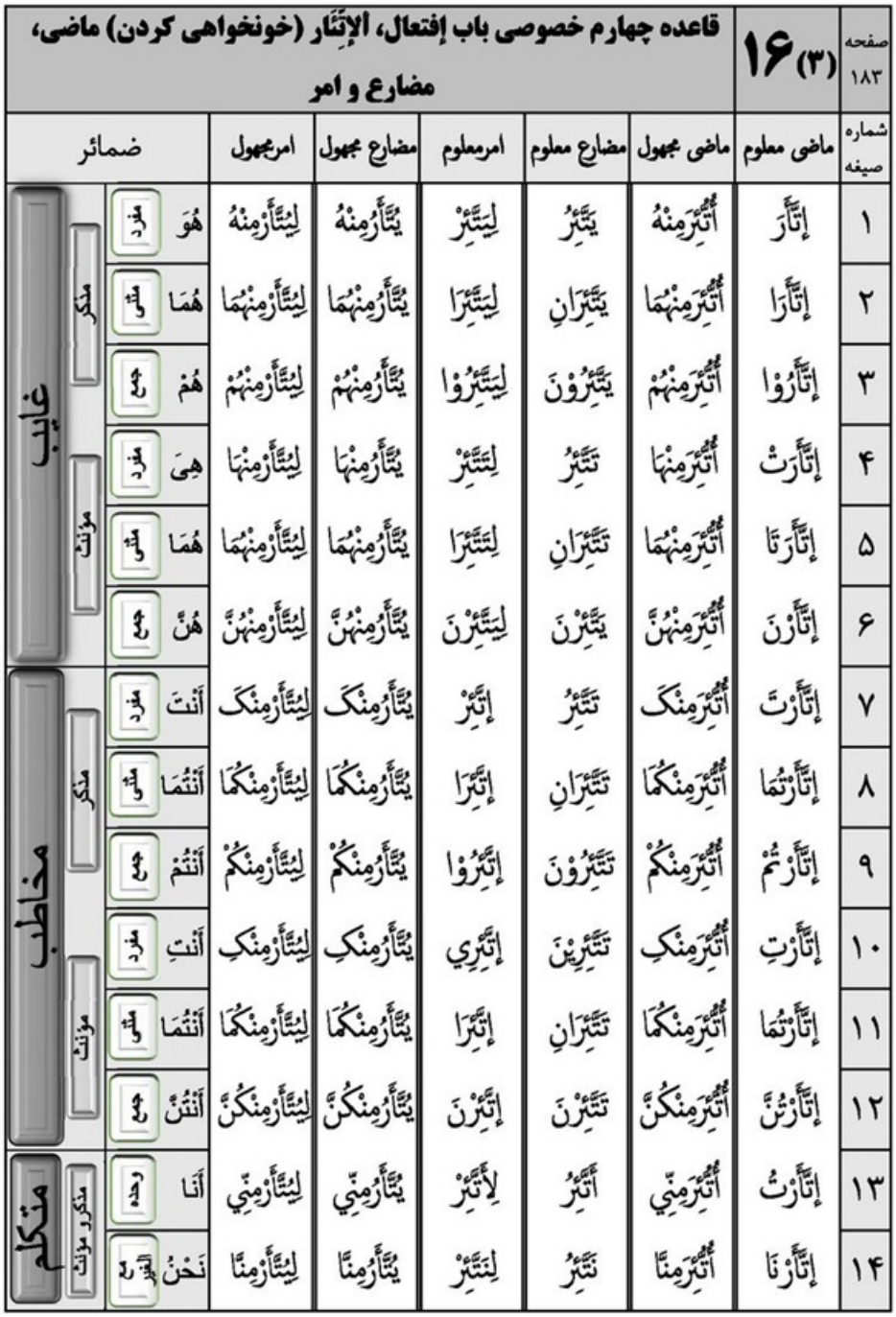

صفحه ۱۸۳	۱۶ (۳)	قاعده چهارم خصوصی باب إفتعال، الإتّئار (خونخواهی کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إتَّأَرَ	أُتُّئِرَ مِنْهُ	يَتَّئِرُ	لِيَتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنْهُ	لِيُتَّأَرْ مِنْهُ	هُوَ	غایب مذکر مفرد
۲	إتَّأَرَا	أُتُّئِرَ مِنْهُمَا	يَتَّئِرَانِ	لِيَتَّئِرَا	يُتَّأَرُ مِنْهُمَا	لِيُتَّأَرْ مِنْهُمَا	هُمَا	غایب مذکر مثنی
۳	إتَّأَرُوْا	أُتُّئِرَ مِنْهُمْ	يَتَّئِرُوْنَ	لِيَتَّئِرُوْا	يُتَّأَرُ مِنْهُمْ	لِيُتَّأَرْ مِنْهُمْ	هُمْ	غایب مذکر جمع
۴	إتَّأَرَتْ	أُتُّئِرَ مِنْهَا	تَتَّئِرُ	لِتَتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنْهَا	لِيُتَّأَرْ مِنْهَا	هِيَ	غایب مؤنث مفرد
۵	إتَّأَرَتَا	أُتُّئِرَ مِنْهُمَا	تَتَّئِرَانِ	لِتَتَّئِرَا	يُتَّأَرُ مِنْهُمَا	لِيُتَّأَرْ مِنْهُمَا	هُمَا	غایب مؤنث مثنی
۶	إتَّأَرْنَ	أُتُّئِرَ مِنْهُنَّ	يَتَّئِرْنَ	لِيَتَّئِرْنَ	يُتَّأَرُ مِنْهُنَّ	لِيُتَّأَرْ مِنْهُنَّ	هُنَّ	غایب مؤنث جمع
۷	إتَّأَرْتَ	أُتُّئِرَ مِنْكَ	تَتَّئِرُ	إتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنْكَ	لِيُتَّأَرْ مِنْكَ	أَنْتَ	مخاطب مذکر مفرد
۸	إتَّأَرْتُمَا	أُتُّئِرَ مِنْكُمَا	تَتَّئِرَانِ	إتَّئِرَا	يُتَّأَرُ مِنْكُمَا	لِيُتَّأَرْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب مذکر مثنی
۹	إتَّأَرْتُمْ	أُتُّئِرَ مِنْكُمْ	تَتَّئِرُوْنَ	إتَّئِرُوْا	يُتَّأَرُ مِنْكُمْ	لِيُتَّأَرْ مِنْكُمْ	أَنْتُمْ	مخاطب مذکر جمع
۱۰	إتَّأَرْتِ	أُتُّئِرَ مِنْكِ	تَتَّئِرِيْنَ	إتَّئِرِي	يُتَّأَرُ مِنْكِ	لِيُتَّأَرْ مِنْكِ	أَنْتِ	مخاطب مؤنث مفرد
۱۱	إتَّأَرْتُمَا	أُتُّئِرَ مِنْكُمَا	تَتَّئِرَانِ	إتَّئِرَا	يُتَّأَرُ مِنْكُمَا	لِيُتَّأَرْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب مؤنث مثنی
۱۲	إتَّأَرْتُنَّ	أُتُّئِرَ مِنْكُنَّ	تَتَّئِرْنَ	إتَّئِرْنَ	يُتَّأَرُ مِنْكُنَّ	لِيُتَّأَرْ مِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ	مخاطب مؤنث جمع
۱۳	إتَّأَرْتُ	أُتُّئِرَ مِنِّي	أَتَّئِرُ	لِأَتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنِّي	لِيُتَّأَرْ مِنِّي	أَنَا	متکلم مذکر و مؤنث مفرد
۱۴	إتَّأَرْنَا	أُتُّئِرَ مِنَّا	نَتَّئِرُ	لِنَتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنَّا	لِيُتَّأَرْ مِنَّا	نَحْنُ	متکلم مذکر و مؤنث جمع

تصویر

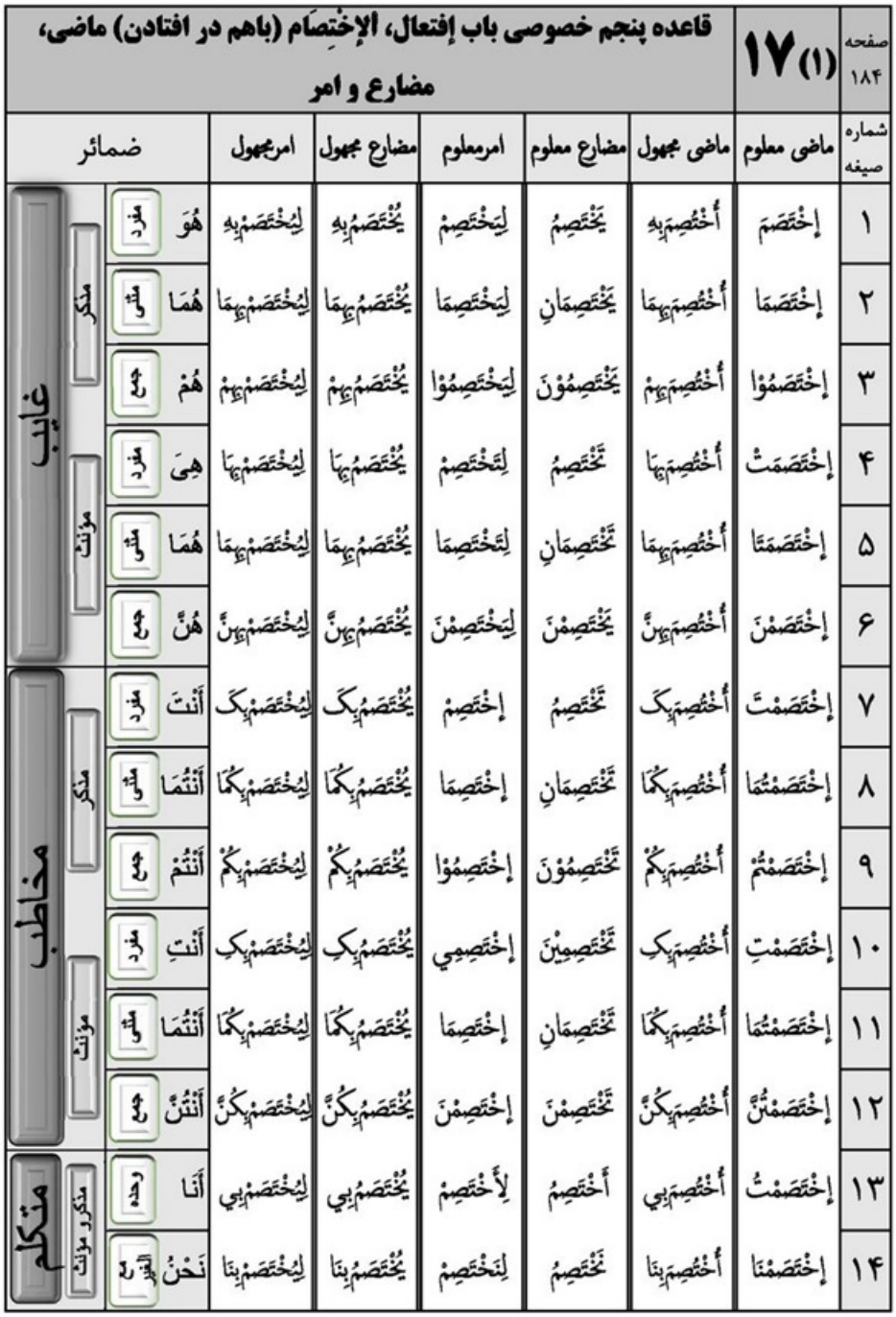

صفحه ۱۸۴	۱۷ (۱)	قاعده پنجم خصوصی باب إفتعال، الإختِصَام (باهم در افتادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إخْتَصَمَ	أُخْتُصِمَ بِهِ	يَخْتَصِمُ	لِيَخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِهِ	لِيُخْتَصَمْ بِهِ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	إخْتَصَمَا	أُخْتُصِمَ بِهِمَا	يَخْتَصِمَانِ	لِيَخْتَصِمَا	يُخْتَصَمُ بِهِمَا	لِيُخْتَصَمْ بِهِمَا	غایب مذکر مثنی	هُمَا
۳	إخْتَصَمُوْا	أُخْتُصِمَ بِهِمْ	يَخْتَصِمُوْنَ	لِيَخْتَصِمُوْا	يُخْتَصَمُ بِهِمْ	لِيُخْتَصَمْ بِهِمْ	غایب مذکر جمع	هُمْ
۴	إخْتَصَمَتْ	أُخْتُصِمَ بِهَا	تَخْتَصِمُ	لِتَخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِهَا	لِيُخْتَصَمْ بِهَا	غایب مؤنث مفرد	هِيَ
۵	إخْتَصَمَتَا	أُخْتُصِمَ بِهِمَا	تَخْتَصِمَانِ	لِتَخْتَصِمَا	يُخْتَصَمُ بِهِمَا	لِيُخْتَصَمْ بِهِمَا	غایب مؤنث مثنی	هُمَا
۶	إخْتَصَمْنَ	أُخْتُصِمَ بِهِنَّ	يَخْتَصِمْنَ	لِيَخْتَصِمْنَ	يُخْتَصَمُ بِهِنَّ	لِيُخْتَصَمْ بِهِنَّ	غایب مؤنث جمع	هُنَّ
۷	إخْتَصَمْتَ	أُخْتُصِمَ بِكَ	تَخْتَصِمُ	إخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِكَ	لِيُخْتَصَمْ بِكَ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	إخْتَصَمْتُمَا	أُخْتُصِمَ بِكُمَا	تَخْتَصِمَانِ	إخْتَصِمَا	يُخْتَصَمُ بِكُمَا	لِيُخْتَصَمْ بِكُمَا	مخاطب مذکر مثنی	أَنْتُمَا
۹	إخْتَصَمْتُمْ	أُخْتُصِمَ بِكُمْ	تَخْتَصِمُوْنَ	إخْتَصِمُوْا	يُخْتَصَمُ بِكُمْ	لِيُخْتَصَمْ بِكُمْ	مخاطب مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	إخْتَصَمْتِ	أُخْتُصِمَ بِكِ	تَخْتَصِمِيْنَ	إخْتَصِمِي	يُخْتَصَمُ بِكِ	لِيُخْتَصَمْ بِكِ	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	إخْتَصَمْتُمَا	أُخْتُصِمَ بِكُمَا	تَخْتَصِمَانِ	إخْتَصِمَا	يُخْتَصَمُ بِكُمَا	لِيُخْتَصَمْ بِكُمَا	مخاطب مؤنث مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	إخْتَصَمْتُنَّ	أُخْتُصِمَ بِكُنَّ	تَخْتَصِمْنَ	إخْتَصِمْنَ	يُخْتَصَمُ بِكُنَّ	لِيُخْتَصَمْ بِكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	إخْتَصَمْتُ	أُخْتُصِمَ بِي	أَخْتَصِمُ	لِأَخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِي	لِيُخْتَصَمْ بِي	متکلم مذکر و مؤنث وحده	أَنَا
۱۴	إخْتَصَمْنَا	أُخْتُصِمَ بِنَا	نَخْتَصِمُ	لِنَخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِنَا	لِيُخْتَصَمْ بِنَا	متکلم مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

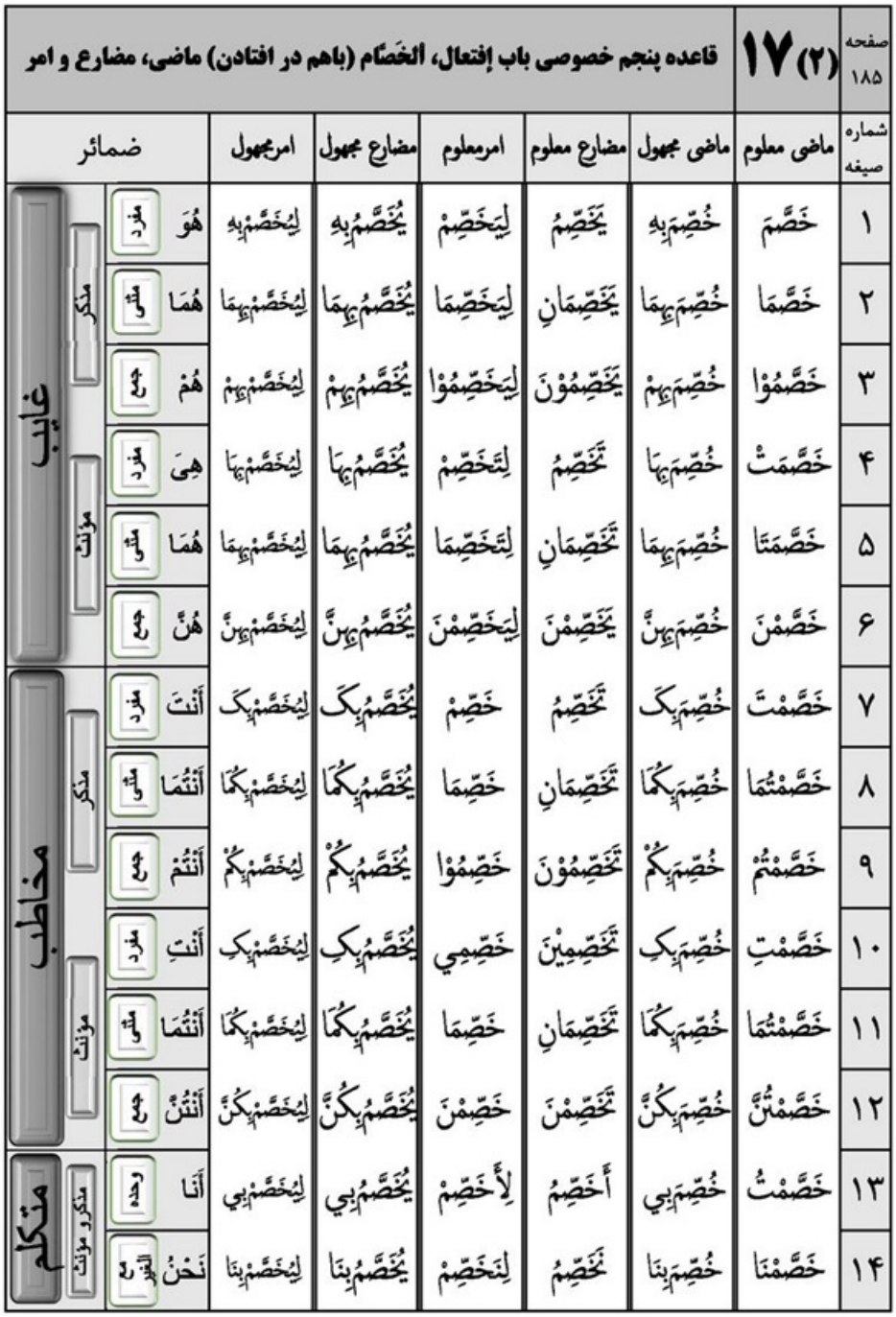

صفحه ۱۸۵	(۲) ۱۷ قاعده پنجم خصوصی باب إفتعال، اَلخَصّام (باهم در افتادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	خَصَّمَ	خُصِّمَ بِهِ	يَخَصِّمُ	لِيَخَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِهِ	لِيُخَصَّمْ بِهِ	غایب مذکر مفرد هُوَ
۲	خَصَّمَا	خُصِّمَ بِهِمَا	يَخَصِّمَانِ	لِيَخَصِّمَا	يُخَصَّمُ بِهِمَا	لِيُخَصَّمْ بِهِمَا	غایب مذکر مثنی هُمَا
۳	خَصَّمُوْا	خُصِّمَ بِهِمْ	يَخَصِّمُوْنَ	لِيَخَصِّمُوْا	يُخَصَّمُ بِهِمْ	لِيُخَصَّمْ بِهِمْ	غایب مذکر جمع هُمْ
۴	خَصَّمَتْ	خُصِّمَ بِهَا	تَخَصِّمُ	لِتَخَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِهَا	لِيُخَصَّمْ بِهَا	غایب مؤنث مفرد هِيَ
۵	خَصَّمَتَا	خُصِّمَ بِهِمَا	تَخَصِّمَانِ	لِتَخَصِّمَا	يُخَصَّمُ بِهِمَا	لِيُخَصَّمْ بِهِمَا	غایب مؤنث مثنی هُمَا
۶	خَصَّمْنَ	خُصِّمَ بِهِنَّ	يَخَصِّمْنَ	لِيَخَصِّمْنَ	يُخَصَّمُ بِهِنَّ	لِيُخَصَّمْ بِهِنَّ	غایب مؤنث جمع هُنَّ
۷	خَصَّمْتَ	خُصِّمَ بِكَ	تَخَصِّمُ	خَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِكَ	لِيُخَصَّمْ بِكَ	مخاطب مذکر مفرد أَنْتَ
۸	خَصَّمْتُمَا	خُصِّمَ بِكُمَا	تَخَصِّمَانِ	خَصِّمَا	يُخَصَّمُ بِكُمَا	لِيُخَصَّمْ بِكُمَا	مخاطب مذکر مثنی أَنْتُمَا
۹	خَصَّمْتُمْ	خُصِّمَ بِكُمْ	تَخَصِّمُوْنَ	خَصِّمُوْا	يُخَصَّمُ بِكُمْ	لِيُخَصَّمْ بِكُمْ	مخاطب مذکر جمع أَنْتُمْ
۱۰	خَصَّمْتِ	خُصِّمَ بِكِ	تَخَصِّمِيْنَ	خَصِّمِي	يُخَصَّمُ بِكِ	لِيُخَصَّمْ بِكِ	مخاطب مؤنث مفرد أَنْتِ
۱۱	خَصَّمْتُمَا	خُصِّمَ بِكُمَا	تَخَصِّمَانِ	خَصِّمَا	يُخَصَّمُ بِكُمَا	لِيُخَصَّمْ بِكُمَا	مخاطب مؤنث مثنی أَنْتُمَا
۱۲	خَصَّمْتُنَّ	خُصِّمَ بِكُنَّ	تَخَصِّمْنَ	خَصِّمْنَ	يُخَصَّمُ بِكُنَّ	لِيُخَصَّمْ بِكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع أَنْتُنَّ
۱۳	خَصَّمْتُ	خُصِّمَ بِي	أَخَصِّمُ	لِأَخَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِي	لِيُخَصَّمْ بِي	متکلم مذکر و مؤنث واحد أَنَا
۱۴	خَصَّمْنَا	خُصِّمَ بِنَا	نَخَصِّمُ	لِنَخَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِنَا	لِيُخَصَّمْ بِنَا	متکلم مذکر و مؤنث غیر واحد نَحْنُ

تصویر

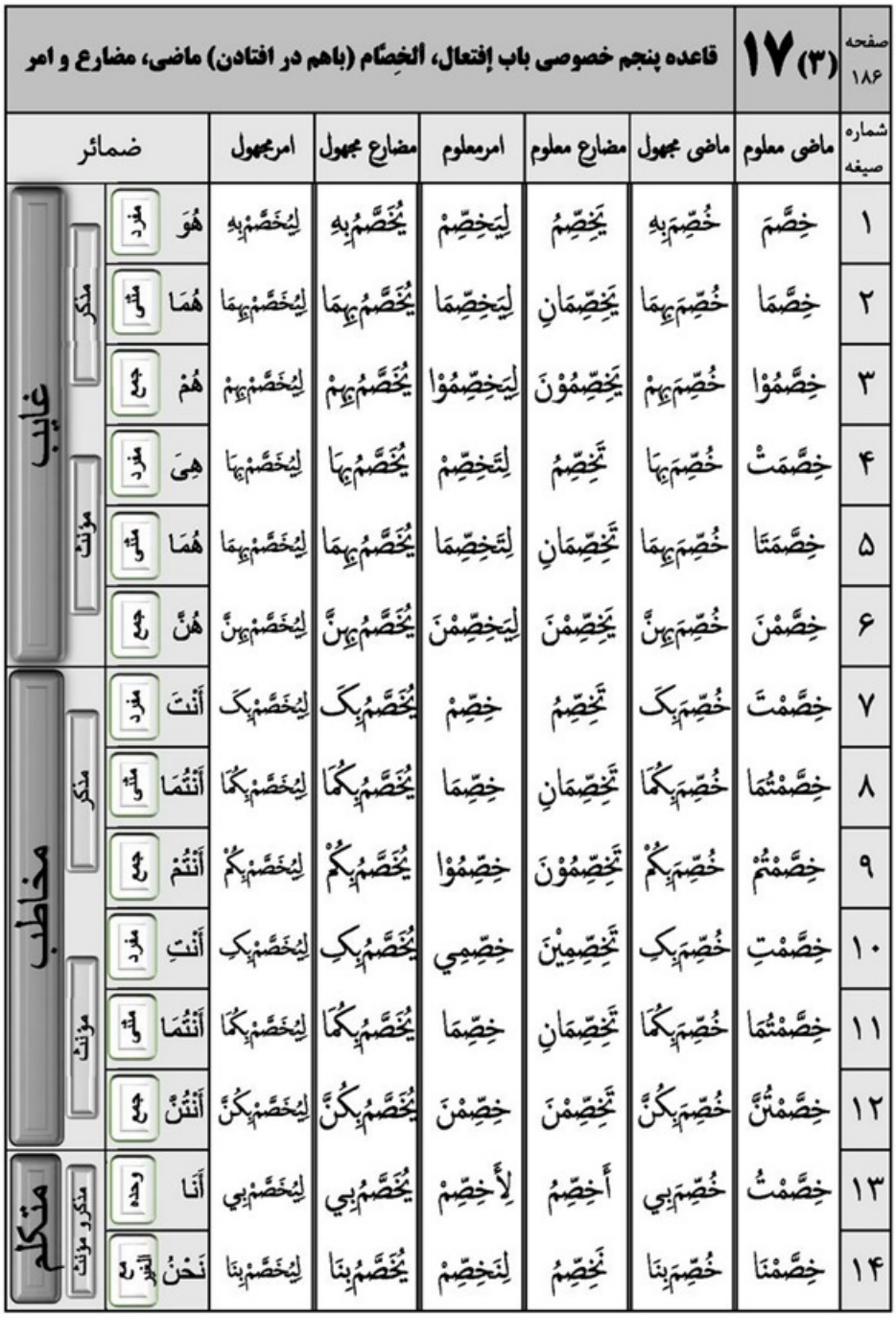

صفحه ۱۸۶	(۳) ۱۷ قاعده پنجم خصوصی باب إفتعال، اَلخِصَّام (باهم در افتادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	خِصَّمَ	خُصِّمَ بِهِ	يَخِصِّمُ	لِيَخِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِهِ	لِيُخَصَّمْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	خِصَّمَا	خُصِّمَ بِهِمَا	يَخِصِّمَانِ	لِيَخِصِّمَا	يُخَصَّمُ بِهِمَا	لِيُخَصَّمْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	خِصَّمُوْا	خُصِّمَ بِهِمْ	يَخِصِّمُوْنَ	لِيَخِصِّمُوْا	يُخَصَّمُ بِهِمْ	لِيُخَصَّمْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	خِصَّمَتْ	خُصِّمَ بِهَا	تَخِصِّمُ	لِتَخِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِهَا	لِيُخَصَّمْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	خِصَّمَتَا	خُصِّمَ بِهِمَا	تَخِصِّمَانِ	لِتَخِصِّمَا	يُخَصَّمُ بِهِمَا	لِيُخَصَّمْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	خِصَّمْنَ	خُصِّمَ بِهِنَّ	يَخِصِّمْنَ	لِيَخِصِّمْنَ	يُخَصَّمُ بِهِنَّ	لِيُخَصَّمْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	خِصَّمْتَ	خُصِّمَ بِكَ	تَخِصِّمُ	خِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِكَ	لِيُخَصَّمْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	خِصَّمْتُمَا	خُصِّمَ بِكُمَا	تَخِصِّمَانِ	خِصِّمَا	يُخَصَّمُ بِكُمَا	لِيُخَصَّمْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	خِصَّمْتُمْ	خُصِّمَ بِكُمْ	تَخِصِّمُوْنَ	خِصِّمُوْا	يُخَصَّمُ بِكُمْ	لِيُخَصَّمْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	خِصَّمْتِ	خُصِّمَ بِكِ	تَخِصِّمِيْنَ	خِصِّمِي	يُخَصَّمُ بِكِ	لِيُخَصَّمْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	خِصَّمْتُمَا	خُصِّمَ بِكُمَا	تَخِصِّمَانِ	خِصِّمَا	يُخَصَّمُ بِكُمَا	لِيُخَصَّمْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	خِصَّمْتُنَّ	خُصِّمَ بِكُنَّ	تَخِصِّمْنَ	خِصِّمْنَ	يُخَصَّمُ بِكُنَّ	لِيُخَصَّمْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	خِصَّمْتُ	خُصِّمَ بِي	أَخِصِّمُ	لِأَخِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِي	لِيُخَصَّمْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	خِصَّمْنَا	خُصِّمَ بِنَا	نَخِصِّمُ	لِنَخِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِنَا	لِيُخَصَّمْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

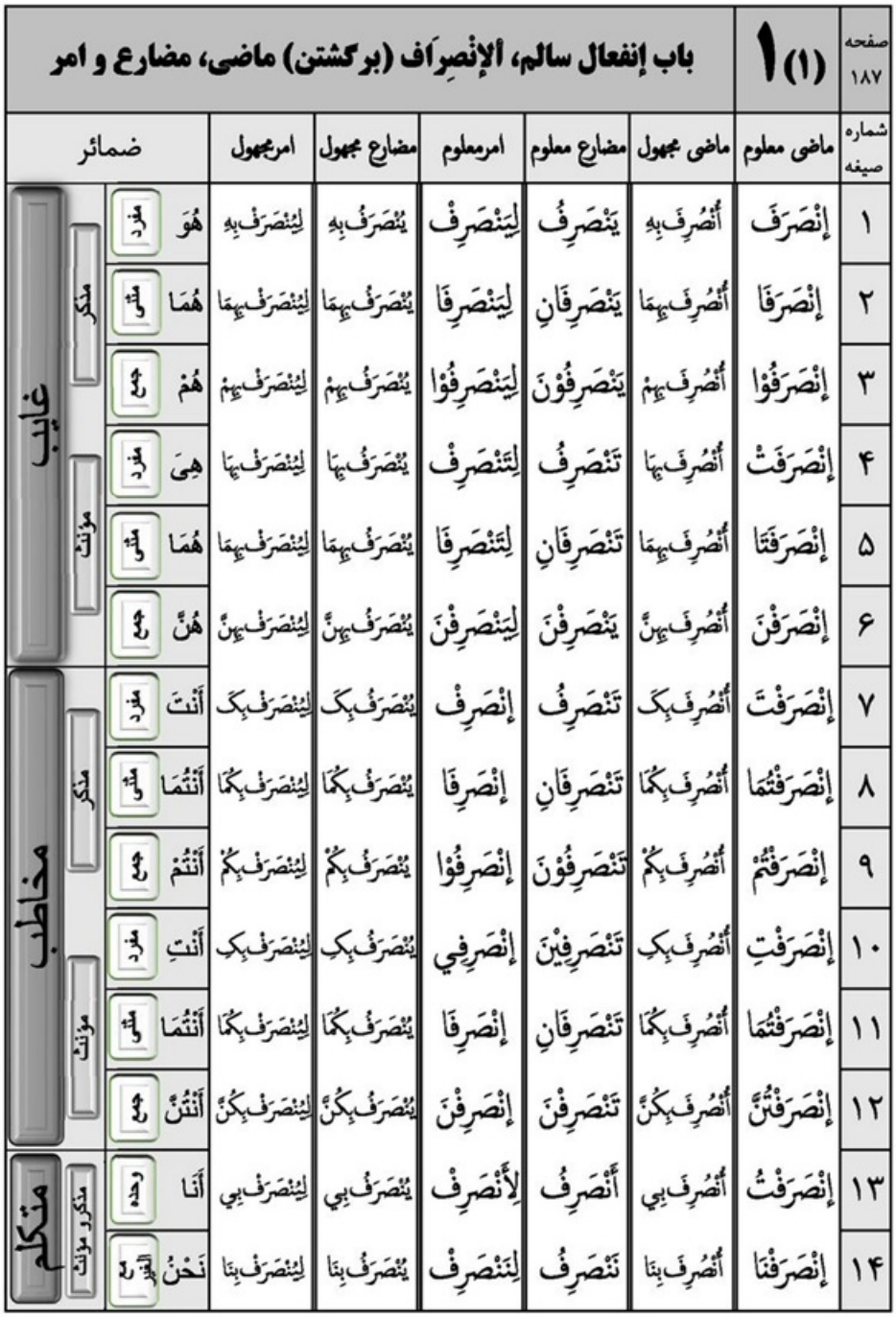

صفحه ۱۸۷	(۱) ۱ باب إنفعال سالم، اَلإنْصِرَاف (برگشتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْصَرَفَ	أُنْصُرِفَ بِهِ	يَنْصَرِفُ	لِيَنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِهِ	لِيُنْصَرَفْ بِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إنْصَرَفَا	أُنْصُرِفَ بِهِمَا	يَنْصَرِفَانِ	لِيَنْصَرِفَا	يُنْصَرَفُ بِهِمَا	لِيُنْصَرَفْ بِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إنْصَرَفُوْا	أُنْصُرِفَ بِهِمْ	يَنْصَرِفُوْنَ	لِيَنْصَرِفُوْا	يُنْصَرَفُ بِهِمْ	لِيُنْصَرَفْ بِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إنْصَرَفَتْ	أُنْصُرِفَ بِهَا	تَنْصَرِفُ	لِتَنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِهَا	لِيُنْصَرَفْ بِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إنْصَرَفَتَا	أُنْصُرِفَ بِهِمَا	تَنْصَرِفَانِ	لِتَنْصَرِفَا	يُنْصَرَفُ بِهِمَا	لِيُنْصَرَفْ بِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إنْصَرَفْنَ	أُنْصُرِفَ بِهِنَّ	يَنْصَرِفْنَ	لِيَنْصَرِفْنَ	يُنْصَرَفُ بِهِنَّ	لِيُنْصَرَفْ بِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إنْصَرَفْتَ	أُنْصُرِفَ بِكَ	تَنْصَرِفُ	إنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِكَ	لِيُنْصَرَفْ بِكَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إنْصَرَفْتُمَا	أُنْصُرِفَ بِكُمَا	تَنْصَرِفَانِ	إنْصَرِفَا	يُنْصَرَفُ بِكُمَا	لِيُنْصَرَفْ بِكُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إنْصَرَفْتُمْ	أُنْصُرِفَ بِكُمْ	تَنْصَرِفُوْنَ	إنْصَرِفُوْا	يُنْصَرَفُ بِكُمْ	لِيُنْصَرَفْ بِكُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إنْصَرَفْتِ	أُنْصُرِفَ بِكِ	تَنْصَرِفِيْنَ	إنْصَرِفِي	يُنْصَرَفُ بِكِ	لِيُنْصَرَفْ بِكِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إنْصَرَفْتُمَا	أُنْصُرِفَ بِكُمَا	تَنْصَرِفَانِ	إنْصَرِفَا	يُنْصَرَفُ بِكُمَا	لِيُنْصَرَفْ بِكُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إنْصَرَفْتُنَّ	أُنْصُرِفَ بِكُنَّ	تَنْصَرِفْنَ	إنْصَرِفْنَ	يُنْصَرَفُ بِكُنَّ	لِيُنْصَرَفْ بِكُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إنْصَرَفْتُ	أُنْصُرِفَ بِي	أَنْصَرِفُ	لِأَنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِي	لِيُنْصَرَفْ بِي	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إنْصَرَفْنَا	أُنْصُرِفَ بِنَا	نَنْصَرِفُ	لِنَنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِنَا	لِيُنْصَرَفْ بِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۸۸	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إنْصَرَفَ	لا يَنْصَرِفُ	اَنْ يَنْصَرِفَ	لا يَنْصَرِفْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما إنْصَرَفَا	لا يَنْصَرِفَانِ	اَنْ يَنْصَرِفَا	لا يَنْصَرِفَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما إنْصَرَفُوْا	لا يَنْصَرِفُوْنَ	اَنْ يَنْصَرِفُوْا	لا يَنْصَرِفُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما إنْصَرَفَتْ	لا تَنْصَرِفُ	اَنْ تَنْصَرِفَ	لا تَنْصَرِفْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما إنْصَرَفَتَا	لا تَنْصَرِفَانِ	اَنْ تَنْصَرِفَا	لا تَنْصَرِفَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما إنْصَرَفْنَ	لا يَنْصَرِفْنَ	اَنْ يَنْصَرِفْنَ	لا يَنْصَرِفْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما إنْصَرَفْتَ	لا تَنْصَرِفُ	اَنْ تَنْصَرِفَ	لا تَنْصَرِفْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما إنْصَرَفْتُمَا	لا تَنْصَرِفَانِ	اَنْ تَنْصَرِفَا	لا تَنْصَرِفَا		أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما إنْصَرَفْتُمْ	لا تَنْصَرِفُوْنَ	اَنْ تَنْصَرِفُوْا	لا تَنْصَرِفُوْا		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما إنْصَرَفْتِ	لا تَنْصَرِفِيْنَ	اَنْ تَنْصَرِفِي	لا تَنْصَرِفِي		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما إنْصَرَفْتُمَا	لا تَنْصَرِفَانِ	اَنْ تَنْصَرِفَا	لا تَنْصَرِفَا		أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما إنْصَرَفْتُنَّ	لا تَنْصَرِفْنَ	اَنْ تَنْصَرِفْنَ	لا تَنْصَرِفْنَ		أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما إنْصَرَفْتُ	لا أَنْصَرِفُ	اَنْ أَنْصَرِفَ	لا أَنْصَرِفْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما إنْصَرَفْنَا	لا نَنْصَرِفُ	اَنْ نَنْصَرِفَ	لا نَنْصَرِفْ		نَحْنُ (غیر وحده)

تصویر



صفحه ۱۸۹	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِ	لِيَنْصَرِفَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَنْصَرِفَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَنْصَرِفُنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِمْ	لِيَنْصَرِفُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهَا	لِتَنْصَرِفَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَنْصَرِفَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَنْصَرِفْنَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكَ	إِنْصَرِفَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِنْصَرِفَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِنْصَرِفُنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكُمْ	إِنْصَرِفُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِنْصَرِفِنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكِ	إِنْصَرِفِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِنْصَرِفَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِنْصَرِفْنَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِي	لِأَنْصَرِفَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِنَا	لِنَنْصَرِفَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

ناقص یایی

تصویر



صفحه ۱۹۰	۲ (۱) باب إنفعال مضاعف، اَلإِنْضِمَام (جمع شدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر
۱	إِنْضَمَّ	أُنْضُمَّ بِهِ	يَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِهِ	اَنْ يَنْضَمَّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إِنْضَمَّا	أُنْضُمَّ بِهِمَا	يَنْضَمَّانِ	يُنْضَمُّ بِهِمَا	اَنْ يَنْضَمَّا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إِنْضَمُّوْا	أُنْضُمَّ بِهِمْ	يَنْضَمُّوْنَ	يُنْضَمُّ بِهِمْ	اَنْ يَنْضَمُّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إِنْضَمَّتْ	أُنْضُمَّ بِهَا	تَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِهَا	اَنْ تَنْضَمَّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إِنْضَمَّتَا	أُنْضُمَّ بِهِمَا	تَنْضَمَّانِ	يُنْضَمُّ بِهِمَا	اَنْ تَنْضَمَّا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إِنْضَمَمْنَ	أُنْضُمَّ بِهِنَّ	يَنْضَمِمْنَ	يُنْضَمُّ بِهِنَّ	اَنْ يَنْضَمِمْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِنْضَمَمْتَ	أُنْضُمَّ بِكَ	تَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِكَ	اَنْ تَنْضَمَّ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِنْضَمَمْتُمَا	أُنْضُمَّ بِكُمَا	تَنْضَمَّانِ	يُنْضَمُّ بِكُمَا	اَنْ تَنْضَمَّا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِنْضَمَمْتُمْ	أُنْضُمَّ بِكُمْ	تَنْضَمُّوْنَ	يُنْضَمُّ بِكُمْ	اَنْ تَنْضَمُّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِنْضَمَمْتِ	أُنْضُمَّ بِكِ	تَنْضَمِّيْنَ	يُنْضَمُّ بِكِ	اَنْ تَنْضَمِّي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِنْضَمَمْتُمَا	أُنْضُمَّ بِكُمَا	تَنْضَمَّانِ	يُنْضَمُّ بِكُمَا	اَنْ تَنْضَمَّا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِنْضَمَمْتُنَّ	أُنْضُمَّ بِكُنَّ	تَنْضَمِمْنَ	يُنْضَمُّ بِكُنَّ	اَنْ تَنْضَمِمْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إِنْضَمَمْتُ	أُنْضُمَّ بِي	أَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِي	اَنْ أَنْضَمَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إِنْضَمَمْنَا	أُنْضُمَّ بِنَا	نَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِنَا	اَنْ نَنْضَمَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / تثنیه و جمع / نَحْنُ

تصویر

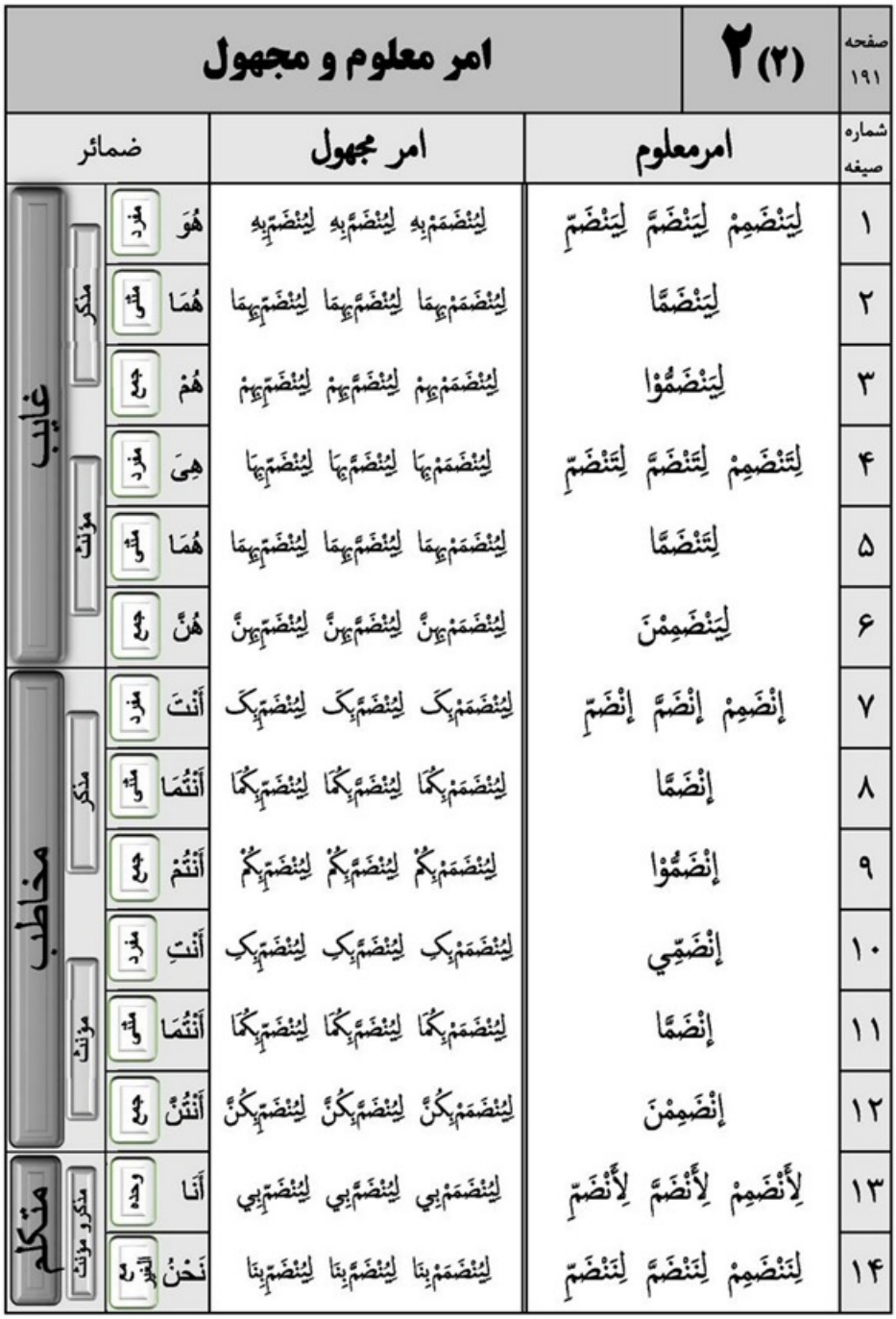

صفحه ۱۹۱	۲ (۲) امر معلوم و مجهول		
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	لِيَنْضَمِمْ لِيَنْضَمَّ لِيَنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِهِ لِيُنْضَمَّ بِهِ لِيُنْضَمَّ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْضَمَّا	لِيُنْضَمَمْ بِهِمَا لِيُنْضَمَّ بِهِمَا لِيُنْضَمَّ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْضَمُّوْا	لِيُنْضَمَمْ بِهِمْ لِيُنْضَمَّ بِهِمْ لِيُنْضَمَّ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْضَمِمْ لِتَنْضَمَّ لِتَنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِهَا لِيُنْضَمَّ بِهَا لِيُنْضَمَّ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْضَمَّا	لِيُنْضَمَمْ بِهِمَا لِيُنْضَمَّ بِهِمَا لِيُنْضَمَّ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْضَمِمْنَ	لِيُنْضَمَمْ بِهِنَّ لِيُنْضَمَّ بِهِنَّ لِيُنْضَمَّ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْضَمِمْ إِنْضَمَّ إِنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِكَ لِيُنْضَمَّ بِكَ لِيُنْضَمَّ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْضَمَّا	لِيُنْضَمَمْ بِكُمَا لِيُنْضَمَّ بِكُمَا لِيُنْضَمَّ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْضَمُّوْا	لِيُنْضَمَمْ بِكُمْ لِيُنْضَمَّ بِكُمْ لِيُنْضَمَّ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْضَمِّي	لِيُنْضَمَمْ بِكِ لِيُنْضَمَّ بِكِ لِيُنْضَمَّ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْضَمَّا	لِيُنْضَمَمْ بِكُمَا لِيُنْضَمَّ بِكُمَا لِيُنْضَمَّ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْضَمِمْنَ	لِيُنْضَمَمْ بِكُنَّ لِيُنْضَمَّ بِكُنَّ لِيُنْضَمَّ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْضَمِمْ لِأَنْضَمَّ لِأَنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِي لِيُنْضَمَّ بِي لِيُنْضَمَّ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْضَمِمْ لِنَنْضَمَّ لِنَنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِنَا لِيُنْضَمَّ بِنَا لِيُنْضَمَّ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۹۲	۲ (۳) مضارع مجهول			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يُنْضَمِمْ لَمْ يُنْضَمَّ لَمْ يُنْضَمِّ	لا يُنْضَمِمْ لا يُنْضَمَّ لا يُنْضَمِّ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	لَمْ يُنْضَمَّا	لا يُنْضَمَّا	هُمَا (مثنی)	
۳	لَمْ يُنْضَمُّوْا	لا يُنْضَمُّوْا	هُمْ (جمع)	
۴	لَمْ تُنْضَمِمْ لَمْ تُنْضَمَّ لَمْ تُنْضَمِّ	لا تُنْضَمِمْ لا تُنْضَمَّ لا تُنْضَمِّ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	لَمْ تُنْضَمَّا	لا تُنْضَمَّا	هُمَا (مثنی)	
۶	لَمْ يُنْضَمِمْنَ	لا يُنْضَمِمْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	لَمْ تُنْضَمِمْ لَمْ تُنْضَمَّ لَمْ تُنْضَمِّ	لا تُنْضَمِمْ لا تُنْضَمَّ لا تُنْضَمِّ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	لَمْ تُنْضَمَّا	لا تُنْضَمَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	لَمْ تُنْضَمُّوْا	لا تُنْضَمُّوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	لَمْ تُنْضَمِّي	لا تُنْضَمِّي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	لَمْ تُنْضَمَّا	لا تُنْضَمَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	لَمْ تُنْضَمِمْنَ	لا تُنْضَمِمْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	لَمْ أُنْضَمِمْ لَمْ أُنْضَمَّ لَمْ أُنْضَمِّ	لا أُنْضَمِمْ لا أُنْضَمَّ لا أُنْضَمِّ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	لَمْ نُنْضَمِمْ لَمْ نُنْضَمَّ لَمْ نُنْضَمِّ	لا نُنْضَمِمْ لا نُنْضَمَّ لا نُنْضَمِّ	نَحْنُ (مع الغیر)	

تصویر



صفحه ۱۹۳	نون تأکید ۲ (۴)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِ	لِيَنْضَمَّنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَنْضَمَّانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَنْضَمُّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِمْ	لِيَنْضَمُّنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهَا	لِتَنْضَمَّنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَنْضَمَّانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَنْضَمِمْنَانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكَ	إِنْضَمَّنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِنْضَمَّانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِنْضَمُّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكُمْ	إِنْضَمُّنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِنْضَمِّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكِ	إِنْضَمِّنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِنْضَمَّانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِنْضَمِمْنَانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِي	لِأَنْضَمَّنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِنَا	لِنَنْضَمَّنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

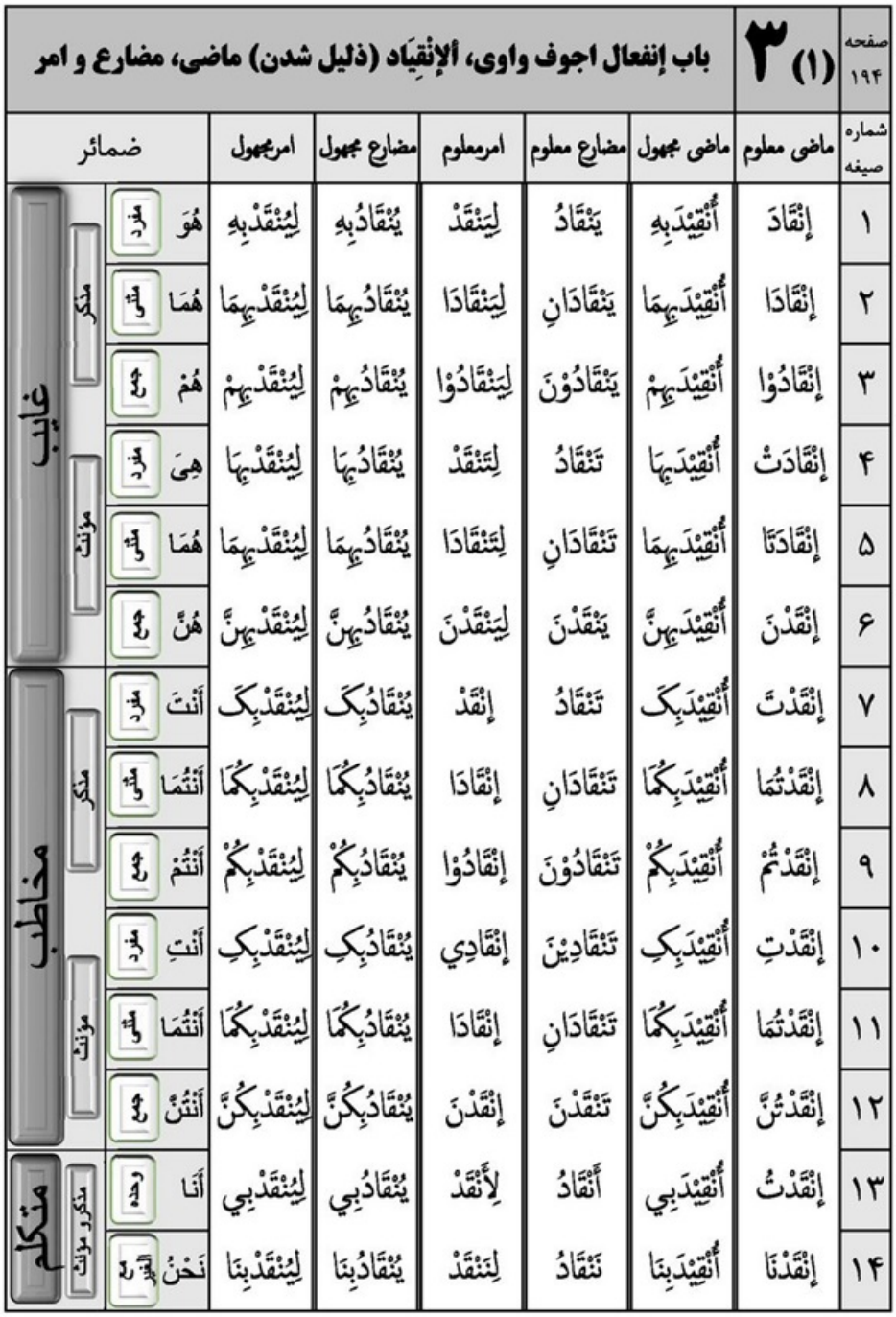

صفحه ۱۹۴	(۱) ۳ باب إنفعال اجوف واوی، ألإنْقِيَاد (ذلیل شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْقَادَ	أُنْقِيْدَ بِهِ	يَنْقَادُ	لِيَنْقَدْ	يُنْقَادُ بِهِ	لِيُنْقَدْ بِهِ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	إنْقَادَا	أُنْقِيْدَ بِهِمَا	يَنْقَادَانِ	لِيَنْقَادَا	يُنْقَادُ بِهِمَا	لِيُنْقَدْ بِهِمَا	مذکر: مثنی: هُمَا
۳	إنْقَادُوْا	أُنْقِيْدَ بِهِمْ	يَنْقَادُوْنَ	لِيَنْقَادُوْا	يُنْقَادُ بِهِمْ	لِيُنْقَدْ بِهِمْ	مذکر: جمع: هُمْ
۴	إنْقَادَتْ	أُنْقِيْدَ بِهَا	تَنْقَادُ	لِتَنْقَدْ	يُنْقَادُ بِهَا	لِيُنْقَدْ بِهَا	مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	إنْقَادَتَا	أُنْقِيْدَ بِهِمَا	تَنْقَادَانِ	لِتَنْقَادَا	يُنْقَادُ بِهِمَا	لِيُنْقَدْ بِهِمَا	مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	إنْقَدْنَ	أُنْقِيْدَ بِهِنَّ	يَنْقَدْنَ	لِيَنْقَدْنَ	يُنْقَادُ بِهِنَّ	لِيُنْقَدْ بِهِنَّ	مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	إنْقَدْتَ	أُنْقِيْدَ بِكَ	تَنْقَادُ	إنْقَدْ	يُنْقَادُ بِكَ	لِيُنْقَدْ بِكَ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	إنْقَدْتُمَا	أُنْقِيْدَ بِكُمَا	تَنْقَادَانِ	إنْقَادَا	يُنْقَادُ بِكُمَا	لِيُنْقَدْ بِكُمَا	مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	إنْقَدْتُمْ	أُنْقِيْدَ بِكُمْ	تَنْقَادُوْنَ	إنْقَادُوْا	يُنْقَادُ بِكُمْ	لِيُنْقَدْ بِكُمْ	مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	إنْقَدْتِ	أُنْقِيْدَ بِكِ	تَنْقَادِيْنَ	إنْقَادِي	يُنْقَادُ بِكِ	لِيُنْقَدْ بِكِ	مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	إنْقَدْتُمَا	أُنْقِيْدَ بِكُمَا	تَنْقَادَانِ	إنْقَادَا	يُنْقَادُ بِكُمَا	لِيُنْقَدْ بِكُمَا	مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	إنْقَدْتُنَّ	أُنْقِيْدَ بِكُنَّ	تَنْقَدْنَ	إنْقَدْنَ	يُنْقَادُ بِكُنَّ	لِيُنْقَدْ بِكُنَّ	مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	إنْقَدْتُ	أُنْقِيْدَ بِي	أَنْقَادُ	لِأَنْقَدْ	يُنْقَادُ بِي	لِيُنْقَدْ بِي	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	إنْقَدْنَا	أُنْقِيْدَ بِنَا	نَنْقَادُ	لِنَنْقَدْ	يُنْقَادُ بِنَا	لِيُنْقَدْ بِنَا	مذکر و مؤنث: غیر وحده: نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۹۵	۳ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أن	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إنْقَادَ	لا يَنْقَادُ	أنْ يَنْقَادَ	لا يَنْقَدْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	ما إنْقَادَا	لا يَنْقَادَانِ	أنْ يَنْقَادَا	لا يَنْقَادَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	ما إنْقَادُوْا	لا يَنْقَادُوْنَ	أنْ يَنْقَادُوْا	لا يَنْقَادُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	ما إنْقَادَتْ	لا تَنْقَادُ	أنْ تَنْقَادَ	لا تَنْقَدْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	ما إنْقَادَتَا	لا تَنْقَادَانِ	أنْ تَنْقَادَا	لا تَنْقَادَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	ما إنْقَدْنَ	لا يَنْقَدْنَ	أنْ يَنْقَدْنَ	لا يَنْقَدْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	ما إنْقَدْتَ	لا تَنْقَادُ	أنْ تَنْقَادَ	لا تَنْقَدْ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	ما إنْقَدْتُمَا	لا تَنْقَادَانِ	أنْ تَنْقَادَا	لا تَنْقَادَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	ما إنْقَدْتُمْ	لا تَنْقَادُوْنَ	أنْ تَنْقَادُوْا	لا تَنْقَادُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	ما إنْقَدْتِ	لا تَنْقَادِيْنَ	أنْ تَنْقَادِي	لا تَنْقَادِي	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما إنْقَدْتُمَا	لا تَنْقَادَانِ	أنْ تَنْقَادَا	لا تَنْقَادَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	ما إنْقَدْتُنَّ	لا تَنْقَدْنَ	أنْ تَنْقَدْنَ	لا تَنْقَدْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما إنْقَدْتُ	لا أَنْقَادُ	أنْ أَنْقَادَ	لا أَنْقَدْ	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد
۱۴	ما إنْقَدْنَا	لا نَنْقَادُ	أنْ نَنْقَادَ	لا نَنْقَدْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع

تصویر

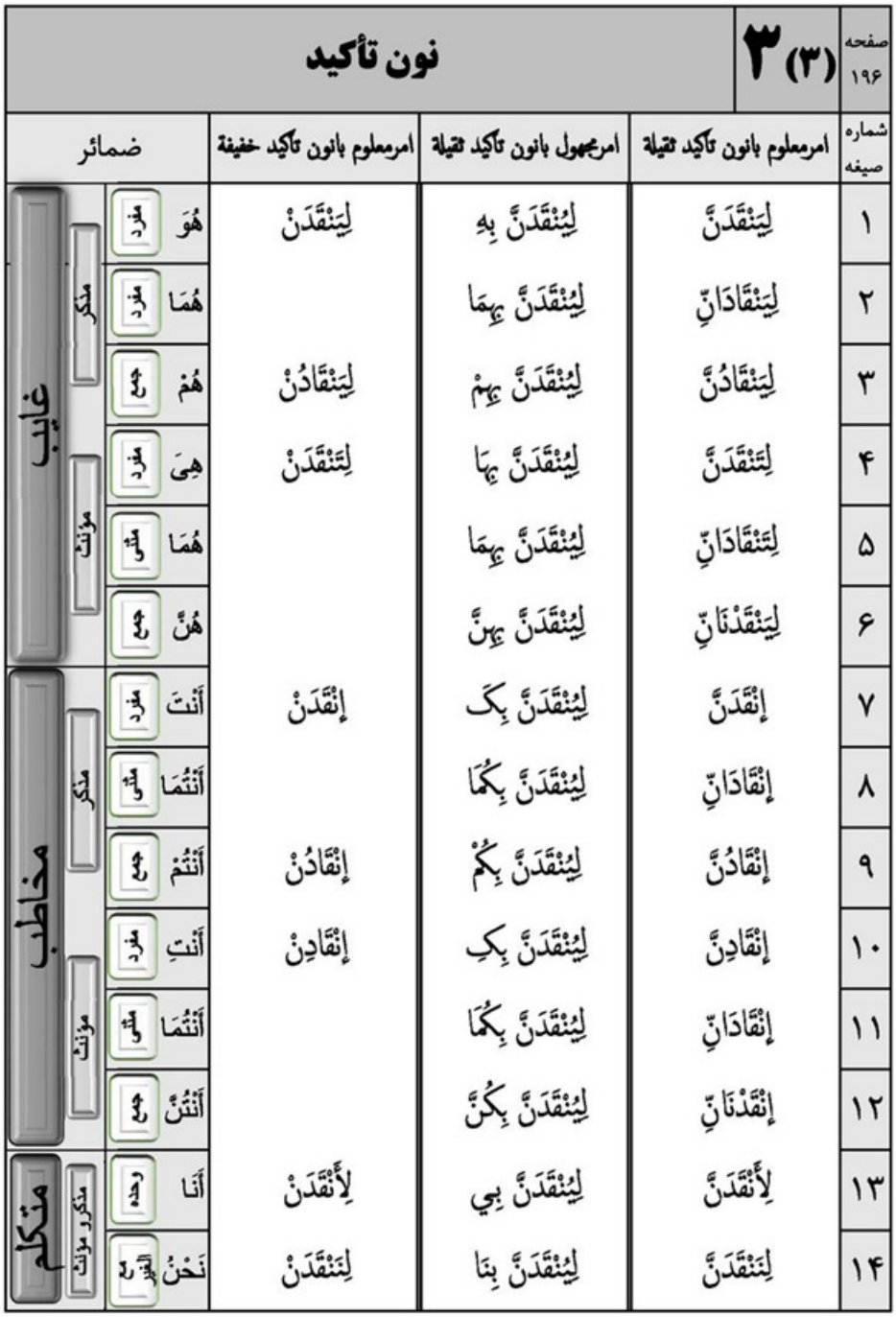

صفحه ۱۹۶	نون تأکید (۳) ۳			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِ	لِيَنْقَدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْقَادَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْقَادُنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِمْ	لِيَنْقَادُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهَا	لِتَنْقَدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْقَادَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْقَدْنَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكَ	إِنْقَدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْقَادَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْقَادُنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكُمْ	إِنْقَادُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْقَادِنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكِ	إِنْقَادِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْقَادَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْقَدْنَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِي	لِأَنْقَدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِنَا	لِنَنْقَدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

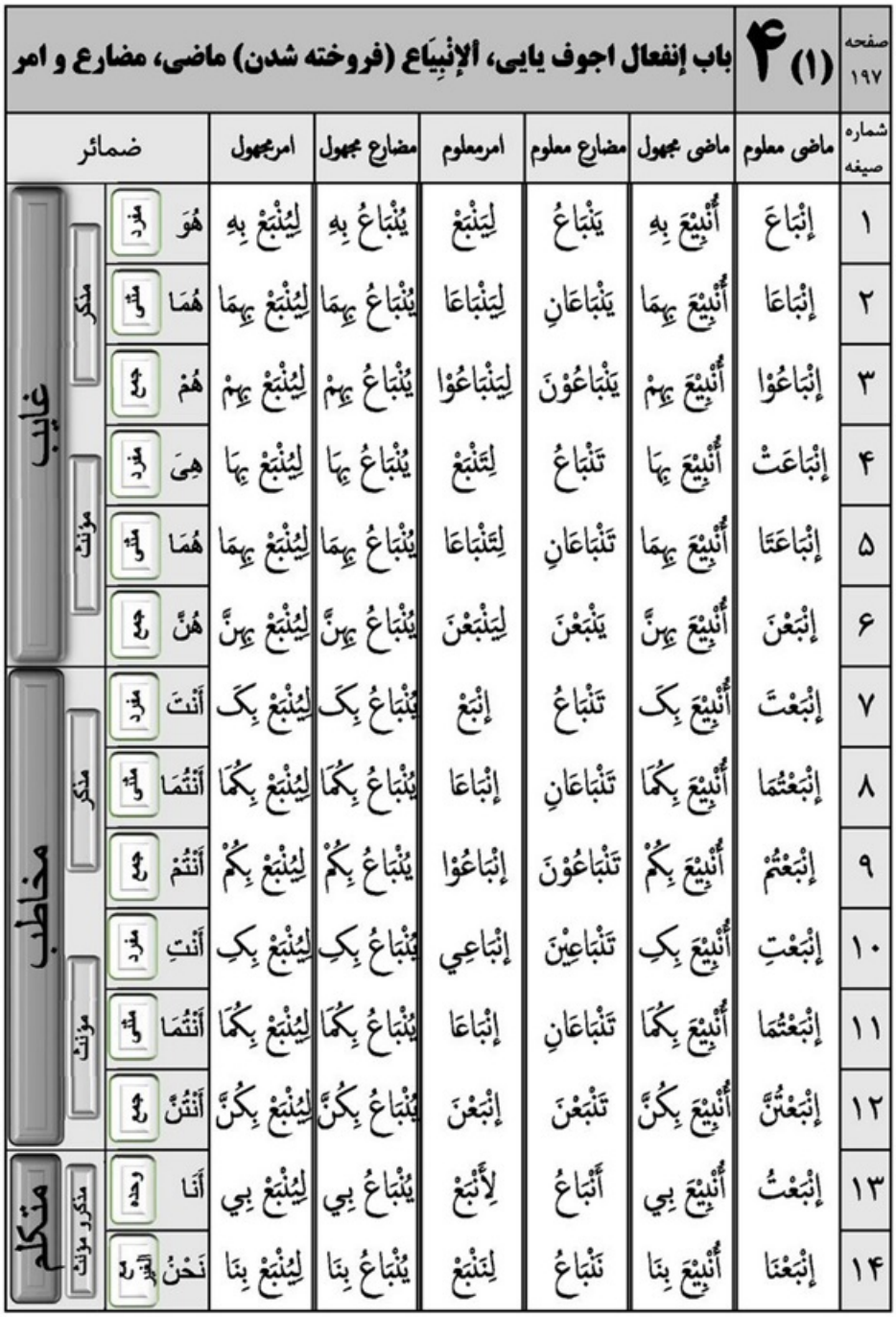

صفحه ۱۹۷	(۱) ۴	باب إنفعال اجوف یایی، ألإنْبِیَاع (فروخته شدن) ماضی، مضارع و امر							
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر		
۱	إنْبَاعَ	أُنْبِيْعَ بِهِ	يَنْبَاعُ	لِيَنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِهِ	لِيُنْبَعْ بِهِ	هُوَ	مفرد	غایب
۲	إنْبَاعَا	أُنْبِيْعَ بِهِمَا	يَنْبَاعَانِ	لِيَنْبَاعَا	يُنْبَاعُ بِهِمَا	لِيُنْبَعْ بِهِمَا	هُمَا	مثنی	غایب
۳	إنْبَاعُوْا	أُنْبِيْعَ بِهِمْ	يَنْبَاعُوْنَ	لِيَنْبَاعُوْا	يُنْبَاعُ بِهِمْ	لِيُنْبَعْ بِهِمْ	هُمْ	جمع	غایب
۴	إنْبَاعَتْ	أُنْبِيْعَ بِهَا	تَنْبَاعُ	لِتَنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِهَا	لِيُنْبَعْ بِهَا	هِيَ	مفرد	غایب
۵	إنْبَاعَتَا	أُنْبِيْعَ بِهِمَا	تَنْبَاعَانِ	لِتَنْبَاعَا	يُنْبَاعُ بِهِمَا	لِيُنْبَعْ بِهِمَا	هُمَا	مثنی	غایب
۶	إنْبَعْنَ	أُنْبِيْعَ بِهِنَّ	يَنْبَعْنَ	لِيَنْبَعْنَ	يُنْبَاعُ بِهِنَّ	لِيُنْبَعْ بِهِنَّ	هُنَّ	جمع	غایب
۷	إنْبَعْتَ	أُنْبِيْعَ بِكَ	تَنْبَاعُ	إنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِكَ	لِيُنْبَعْ بِكَ	أَنْتَ	مفرد	مخاطب
۸	إنْبَعْتُمَا	أُنْبِيْعَ بِكُمَا	تَنْبَاعَانِ	إنْبَاعَا	يُنْبَاعُ بِكُمَا	لِيُنْبَعْ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مثنی	مخاطب
۹	إنْبَعْتُمْ	أُنْبِيْعَ بِكُمْ	تَنْبَاعُوْنَ	إنْبَاعُوْا	يُنْبَاعُ بِكُمْ	لِيُنْبَعْ بِكُمْ	أَنْتُمْ	جمع	مخاطب
۱۰	إنْبَعْتِ	أُنْبِيْعَ بِكِ	تَنْبَاعِيْنَ	إنْبَاعِي	يُنْبَاعُ بِكِ	لِيُنْبَعْ بِكِ	أَنْتِ	مفرد	مخاطب
۱۱	إنْبَعْتُمَا	أُنْبِيْعَ بِكُمَا	تَنْبَاعَانِ	إنْبَاعَا	يُنْبَاعُ بِكُمَا	لِيُنْبَعْ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مثنی	مخاطب
۱۲	إنْبَعْتُنَّ	أُنْبِيْعَ بِكُنَّ	تَنْبَعْنَ	إنْبَعْنَ	يُنْبَاعُ بِكُنَّ	لِيُنْبَعْ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ	جمع	مخاطب
۱۳	إنْبَعْتُ	أُنْبِيْعَ بِي	أَنْبَاعُ	لِأَنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِي	لِيُنْبَعْ بِي	أَنَا	وحده	متکلم
۱۴	إنْبَعْنَا	أُنْبِيْعَ بِنَا	نَنْبَاعُ	لِنَنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِنَا	لِيُنْبَعْ بِنَا	نَحْنُ	مع الغیر	متکلم

ص: ۱۹۷

تصویر

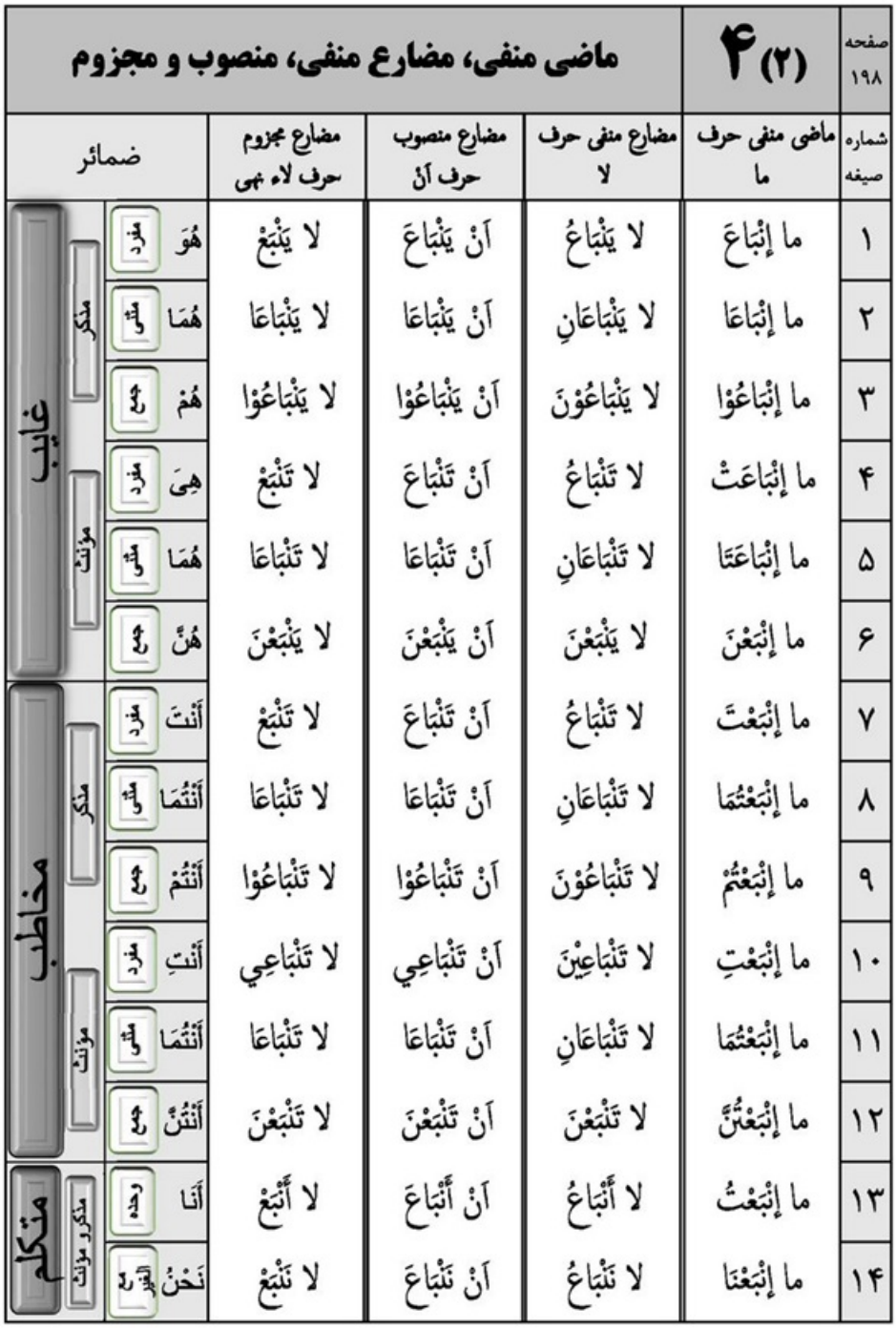

صفحه ۱۹۸	۴ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إنْبَاعَ	لا يَنْبَاعُ	أنْ يَنْبَاعَ	لا يَنْبَعْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	ما إنْبَاعَا	لا يَنْبَاعَانِ	أنْ يَنْبَاعَا	لا يَنْبَاعَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	ما إنْبَاعُوْا	لا يَنْبَاعُوْنَ	أنْ يَنْبَاعُوْا	لا يَنْبَاعُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	ما إنْبَاعَتْ	لا تَنْبَاعُ	أنْ تَنْبَاعَ	لا تَنْبَعْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	ما إنْبَاعَتَا	لا تَنْبَاعَانِ	أنْ تَنْبَاعَا	لا تَنْبَاعَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	ما إنْبَعْنَ	لا يَنْبَعْنَ	أنْ يَنْبَعْنَ	لا يَنْبَعْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	ما إنْبَعْتَ	لا تَنْبَاعُ	أنْ تَنْبَاعَ	لا تَنْبَعْ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	ما إنْبَعْتُمَا	لا تَنْبَاعَانِ	أنْ تَنْبَاعَا	لا تَنْبَاعَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	ما إنْبَعْتُمْ	لا تَنْبَاعُوْنَ	أنْ تَنْبَاعُوْا	لا تَنْبَاعُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	ما إنْبَعْتِ	لا تَنْبَاعِيْنَ	أنْ تَنْبَاعِي	لا تَنْبَاعِي	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما إنْبَعْتُمَا	لا تَنْبَاعَانِ	أنْ تَنْبَاعَا	لا تَنْبَاعَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	ما إنْبَعْتُنَّ	لا تَنْبَعْنَ	أنْ تَنْبَعْنَ	لا تَنْبَعْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما إنْبَعْتُ	لا أَنْبَاعُ	أنْ أَنْبَاعَ	لا أَنْبَعْ	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد
۱۴	ما إنْبَعْنَا	لا نَنْبَاعُ	أنْ نَنْبَاعَ	لا نَنْبَعْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد

تصویر



صفحه ۱۹۹	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِ	لِيَنْبَعَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْبَاعَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْبَاعُنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِمْ	لِيَنْبَاعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهَا	لِتَنْبَعَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْبَاعَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْبَعْنَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكَ	إِنْبَعَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْبَاعَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْبَاعُنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكُمْ	إِنْبَاعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْبَاعِنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكِ	إِنْبَاعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْبَاعَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْبَعْنَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِي	لِأَنْبَعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِنَا	لِنَنْبَعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

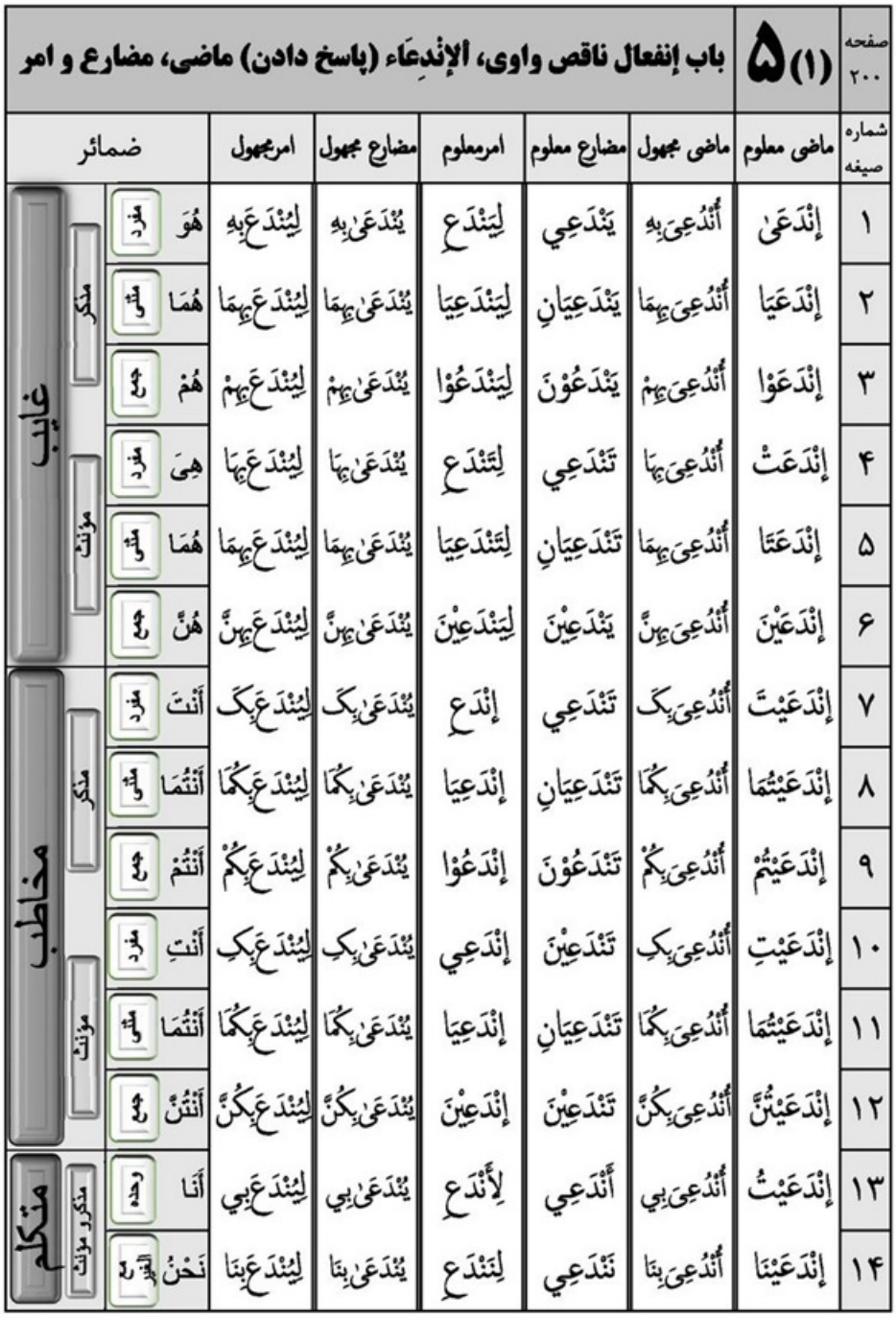

صفحه ۲۰۰	(۱) ۵ باب إنفعال ناقص واوی، اَلإنْدِعَاء (پاسخ دادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْدَعَىٰ	أُنْدُعِيَ بِهِ	يَنْدَعِي	لِيَنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِهِ	لِيُنْدَعَ بِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إنْدَعَيَا	أُنْدُعِيَ بِهِمَا	يَنْدَعِيَانِ	لِيَنْدَعِيَا	يُنْدَعَىٰ بِهِمَا	لِيُنْدَعَ بِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إنْدَعَوْا	أُنْدُعِيَ بِهِمْ	يَنْدَعُوْنَ	لِيَنْدَعُوْا	يُنْدَعَىٰ بِهِمْ	لِيُنْدَعَ بِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إنْدَعَتْ	أُنْدُعِيَ بِهَا	تَنْدَعِي	لِتَنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِهَا	لِيُنْدَعَ بِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إنْدَعَتَا	أُنْدُعِيَ بِهِمَا	تَنْدَعِيَانِ	لِتَنْدَعِيَا	يُنْدَعَىٰ بِهِمَا	لِيُنْدَعَ بِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إنْدَعَيْنَ	أُنْدُعِيَ بِهِنَّ	يَنْدَعِيْنَ	لِيَنْدَعِيْنَ	يُنْدَعَىٰ بِهِنَّ	لِيُنْدَعَ بِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إنْدَعَيْتَ	أُنْدُعِيَ بِكَ	تَنْدَعِي	إنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِكَ	لِيُنْدَعَ بِكَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إنْدَعَيْتُمَا	أُنْدُعِيَ بِكُمَا	تَنْدَعِيَانِ	إنْدَعِيَا	يُنْدَعَىٰ بِكُمَا	لِيُنْدَعَ بِكُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إنْدَعَيْتُمْ	أُنْدُعِيَ بِكُمْ	تَنْدَعُوْنَ	إنْدَعُوْا	يُنْدَعَىٰ بِكُمْ	لِيُنْدَعَ بِكُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إنْدَعَيْتِ	أُنْدُعِيَ بِكِ	تَنْدَعِيْنَ	إنْدَعِي	يُنْدَعَىٰ بِكِ	لِيُنْدَعَ بِكِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إنْدَعَيْتُمَا	أُنْدُعِيَ بِكُمَا	تَنْدَعِيَانِ	إنْدَعِيَا	يُنْدَعَىٰ بِكُمَا	لِيُنْدَعَ بِكُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إنْدَعَيْتُنَّ	أُنْدُعِيَ بِكُنَّ	تَنْدَعِيْنَ	إنْدَعِيْنَ	يُنْدَعَىٰ بِكُنَّ	لِيُنْدَعَ بِكُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إنْدَعَيْتُ	أُنْدُعِيَ بِي	أَنْدَعِي	لِأَنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِي	لِيُنْدَعَ بِي	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إنْدَعَيْنَا	أُنْدُعِيَ بِنَا	نَنْدَعِي	لِنَنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِنَا	لِيُنْدَعَ بِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۱	۵ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أن	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما إنْدَعَىٰ	لا يَنْدَعِي	اَنْ يَنْدَعِيَ	لا يَنْدَعِ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما إنْدَعَيَا	لا يَنْدَعِيَانِ	اَنْ يَنْدَعِيَا	لا يَنْدَعِيَا			مثنی	هُمَا
۳	ما إنْدَعَوْا	لا يَنْدَعُوْنَ	اَنْ يَنْدَعُوْا	لا يَنْدَعُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما إنْدَعَتْ	لا تَنْدَعِي	اَنْ تَنْدَعِيَ	لا تَنْدَعِ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما إنْدَعَتَا	لا تَنْدَعِيَانِ	اَنْ تَنْدَعِيَا	لا تَنْدَعِيَا			مثنی	هُمَا
۶	ما إنْدَعَيْنَ	لا يَنْدَعِيْنَ	اَنْ يَنْدَعِيْنَ	لا يَنْدَعِيْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما إنْدَعَيْتَ	لا تَنْدَعِي	اَنْ تَنْدَعِيَ	لا تَنْدَعِ	مخاطب	مذکر	مفرد	أَنْتَ
۸	ما إنْدَعَيْتُمَا	لا تَنْدَعِيَانِ	اَنْ تَنْدَعِيَا	لا تَنْدَعِيَا			مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما إنْدَعَيْتُمْ	لا تَنْدَعُوْنَ	اَنْ تَنْدَعُوْا	لا تَنْدَعُوْا			جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْدَعَيْتِ	لا تَنْدَعِيْنَ	اَنْ تَنْدَعِيَ	لا تَنْدَعِي		مؤنث	مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما إنْدَعَيْتُمَا	لا تَنْدَعِيَانِ	اَنْ تَنْدَعِيَا	لا تَنْدَعِيَا			مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْدَعَيْتُنَّ	لا تَنْدَعِيْنَ	اَنْ تَنْدَعِيْنَ	لا تَنْدَعِيْنَ			جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْدَعَيْتُ	لا أَنْدَعِي	اَنْ أَنْدَعِيَ	لا أَنْدَعِ	متکلم	مذکر و مؤنث	واحد	أَنَا
۱۴	ما إنْدَعَيْنَا	لا نَنْدَعِي	اَنْ نَنْدَعِيَ	لا نَنْدَعِ			جمع	نَحْنُ

ص: ۲۰۱

لفیف

لفیف مفروق

تصویر

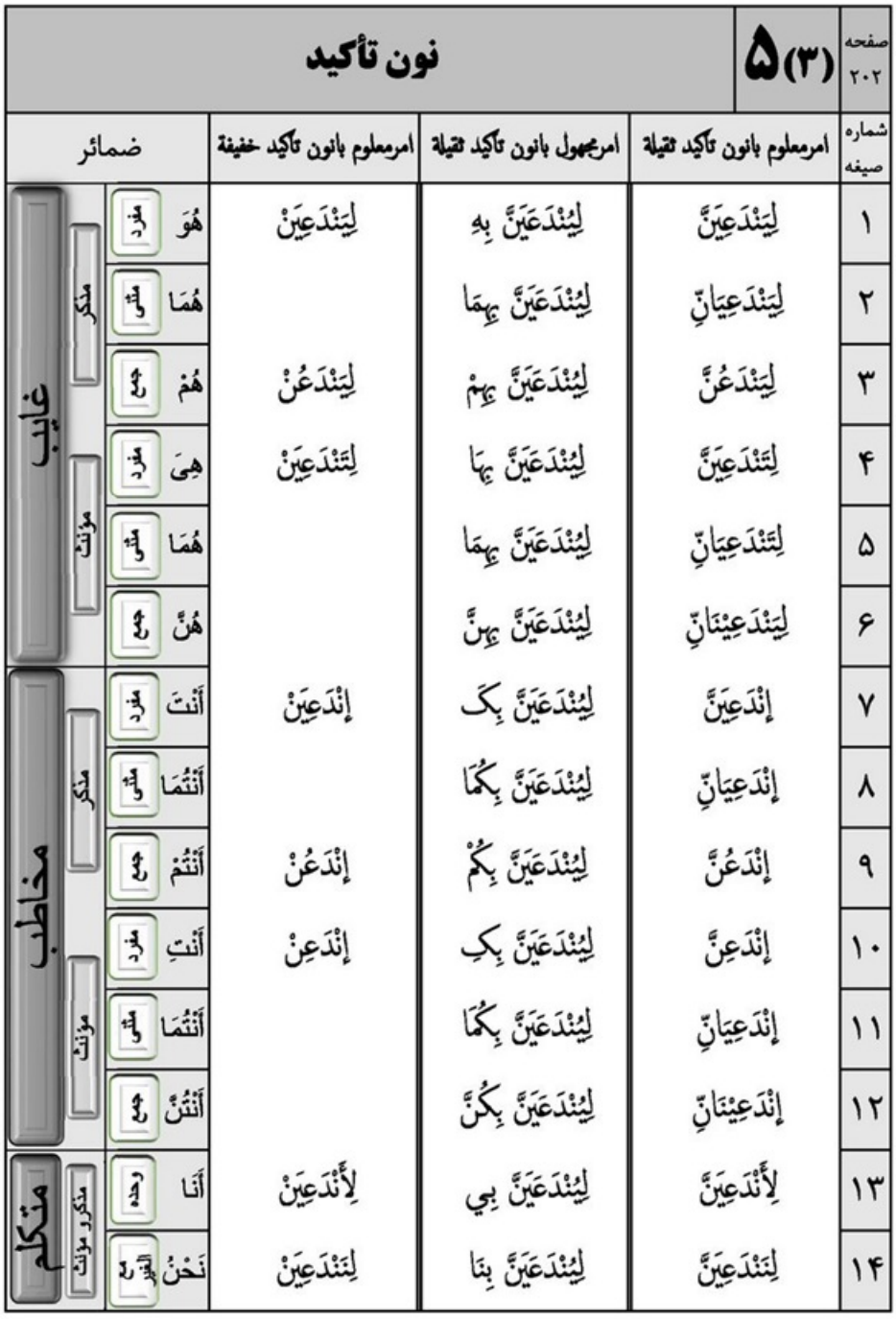

صفحه ۲۰۲	۵ (۳)	نون تأکید		
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تأکید ثقیلة	امرمجهول بانون تأکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تأکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِ	لِيَنْدَعِيَنْ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	لِيَنْدَعِيَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِمَا		غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	لِيَنْدَعُنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِمْ	لِيَنْدَعُنْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	لِتَنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهَا	لِتَنْدَعِيَنْ	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	لِتَنْدَعِيَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِمَا		غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	لِيَنْدَعِيْنَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِنَّ		غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	إِنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكَ	إِنْدَعِيَنْ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	إِنْدَعِيَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	إِنْدَعُنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكُمْ	إِنْدَعُنْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	إِنْدَعِنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكِ	إِنْدَعِنْ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	إِنْدَعِيَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	إِنْدَعِيْنَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِي	لِأَنْدَعِيَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	لِنَنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِنَا	لِنَنْدَعِيَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

تصویر

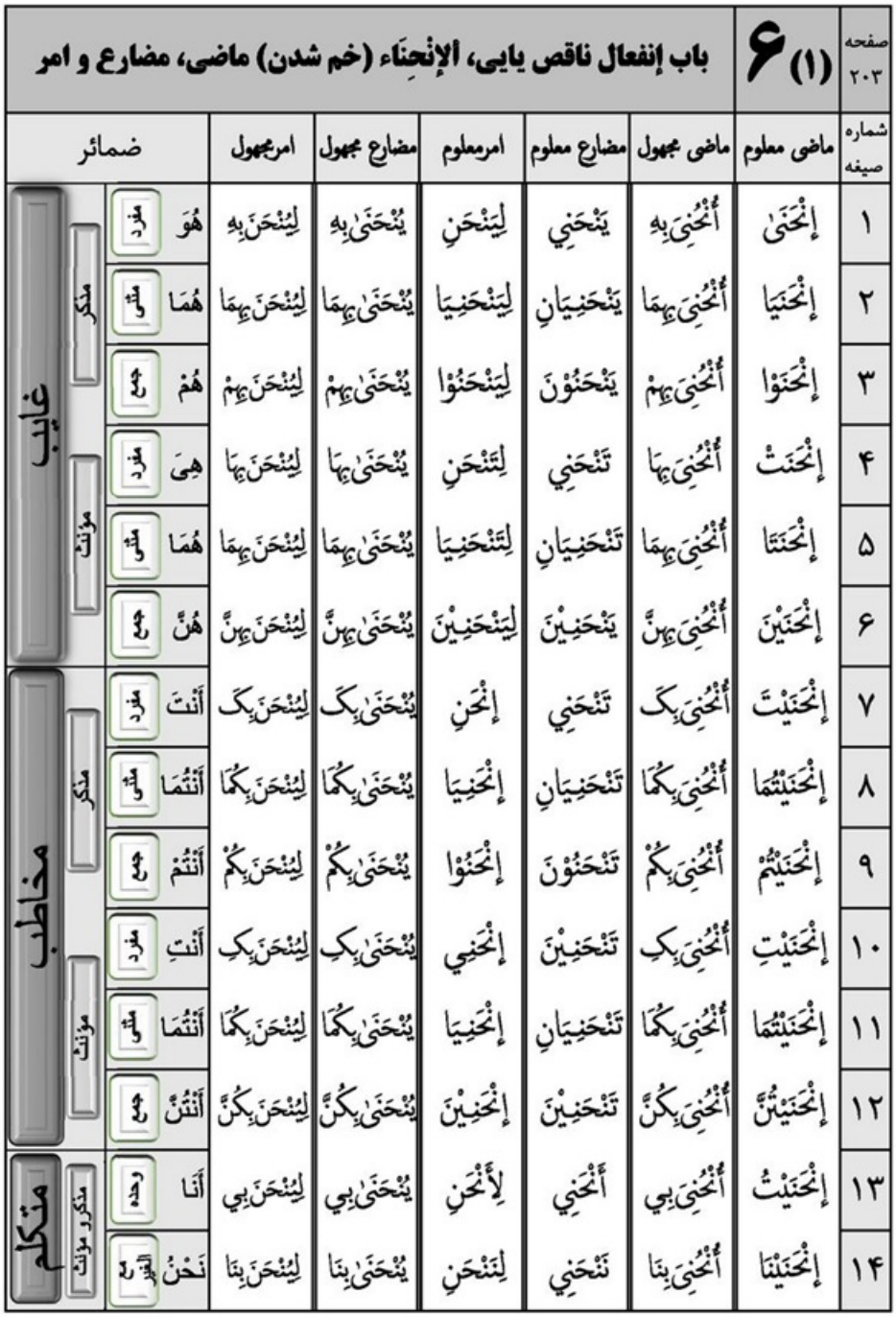

صفحه ۲۰۳	(۱) ۶ باب إنفعال ناقص يايى، الإنْحِنَاء (خم شدن) ماضى، مضارع و امر						
شماره صيغه	ماضى معلوم	ماضى مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْحَنَىٰ	أُنْحُنِيَ بِهِ	يَنْحَنِي	لِيَنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِهِ	لِيُنْحَنَ بِهِ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	إنْحَنَيَا	أُنْحُنِيَ بِهِمَا	يَنْحَنِيَانِ	لِيَنْحَنِيَا	يُنْحَنَىٰ بِهِمَا	لِيُنْحَنَ بِهِمَا	غايب — مذكر — مثنى — هُمَا
۳	إنْحَنَوْا	أُنْحُنِيَ بِهِمْ	يَنْحَنُوْنَ	لِيَنْحَنُوْا	يُنْحَنَىٰ بِهِمْ	لِيُنْحَنَ بِهِمْ	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	إنْحَنَتْ	أُنْحُنِيَ بِهَا	تَنْحَنِي	لِتَنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِهَا	لِيُنْحَنَ بِهَا	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إنْحَنَتَا	أُنْحُنِيَ بِهِمَا	تَنْحَنِيَانِ	لِتَنْحَنِيَا	يُنْحَنَىٰ بِهِمَا	لِيُنْحَنَ بِهِمَا	غايب — مؤنث — مثنى — هُمَا
۶	إنْحَنَيْنَ	أُنْحُنِيَ بِهِنَّ	يَنْحَنِيْنَ	لِيَنْحَنِيْنَ	يُنْحَنَىٰ بِهِنَّ	لِيُنْحَنَ بِهِنَّ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إنْحَنَيْتَ	أُنْحُنِيَ بِكَ	تَنْحَنِي	إنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِكَ	لِيُنْحَنَ بِكَ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	إنْحَنَيْتُمَا	أُنْحُنِيَ بِكُمَا	تَنْحَنِيَانِ	إنْحَنِيَا	يُنْحَنَىٰ بِكُمَا	لِيُنْحَنَ بِكُمَا	مخاطب — مذكر — مثنى — أَنْتُمَا
۹	إنْحَنَيْتُمْ	أُنْحُنِيَ بِكُمْ	تَنْحَنُوْنَ	إنْحَنُوْا	يُنْحَنَىٰ بِكُمْ	لِيُنْحَنَ بِكُمْ	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إنْحَنَيْتِ	أُنْحُنِيَ بِكِ	تَنْحَنِيْنَ	إنْحَنِي	يُنْحَنَىٰ بِكِ	لِيُنْحَنَ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إنْحَنَيْتُمَا	أُنْحُنِيَ بِكُمَا	تَنْحَنِيَانِ	إنْحَنِيَا	يُنْحَنَىٰ بِكُمَا	لِيُنْحَنَ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنى — أَنْتُمَا
۱۲	إنْحَنَيْتُنَّ	أُنْحُنِيَ بِكُنَّ	تَنْحَنِيْنَ	إنْحَنِيْنَ	يُنْحَنَىٰ بِكُنَّ	لِيُنْحَنَ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إنْحَنَيْتُ	أُنْحُنِيَ بِي	أَنْحَنِي	لِأَنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِي	لِيُنْحَنَ بِي	متكلم — مذكر و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	إنْحَنَيْنَا	أُنْحُنِيَ بِنَا	نَنْحَنِي	لِنَنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِنَا	لِيُنْحَنَ بِنَا	متكلم — مذكر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۴	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْحَنَىٰ	لا يَنْحَنِي	اَنْ يَنْحَنِيَ	لا يَنْحَنِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إنْحَنَيَا	لا يَنْحَنِيَانِ	اَنْ يَنْحَنِيَا	لا يَنْحَنِيَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إنْحَنَوْا	لا يَنْحَنُوْنَ	اَنْ يَنْحَنُوْا	لا يَنْحَنُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إنْحَنَتْ	لا تَنْحَنِي	اَنْ تَنْحَنِيَ	لا تَنْحَنِ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إنْحَنَتَا	لا تَنْحَنِيَانِ	اَنْ تَنْحَنِيَا	لا تَنْحَنِيَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إنْحَنَيْنَ	لا يَنْحَنِيْنَ	اَنْ يَنْحَنِيْنَ	لا يَنْحَنِيْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إنْحَنَيْتَ	لا تَنْحَنِي	اَنْ تَنْحَنِيَ	لا تَنْحَنِ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إنْحَنَيْتُمَا	لا تَنْحَنِيَانِ	اَنْ تَنْحَنِيَا	لا تَنْحَنِيَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إنْحَنَيْتُمْ	لا تَنْحَنُوْنَ	اَنْ تَنْحَنُوْا	لا تَنْحَنُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْحَنَيْتِ	لا تَنْحَنِيْنَ	اَنْ تَنْحَنِي	لا تَنْحَنِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إنْحَنَيْتُمَا	لا تَنْحَنِيَانِ	اَنْ تَنْحَنِيَا	لا تَنْحَنِيَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْحَنَيْتُنَّ	لا تَنْحَنِيْنَ	اَنْ تَنْحَنِيْنَ	لا تَنْحَنِيْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْحَنَيْتُ	لا أَنْحَنِي	اَنْ أَنْحَنِيَ	لا أَنْحَنِ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	ما إنْحَنَيْنَا	لا نَنْحَنِي	اَنْ نَنْحَنِيَ	لا نَنْحَنِ	متکلم، مذکر و مؤنث، تثنیه و جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۵	۶ (۳) نون تأکید			ضمائر		
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة			
۱	لِيَنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِ	لِيَنْحَنِيَنْ	غایب	مذکر	هُوَ (مفرد)
۲	لِيَنْحَنِيَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِمَا				هُمَا (مثنی)
۳	لِيَنْحَنُنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِمْ	لِيَنْحَنُنْ			هُمْ (جمع)
۴	لِتَنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهَا	لِتَنْحَنِيَنْ		مؤنث	هِيَ (مفرد)
۵	لِتَنْحَنِيَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِمَا				هُمَا (مثنی)
۶	لِيَنْحَنِيْنَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِنَّ				هُنَّ (جمع)
۷	إِنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكَ	إِنْحَنِيَنْ	مخاطب	مذکر	أَنْتَ (مفرد)
۸	إِنْحَنِيَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكُمَا				أَنْتُمَا (مثنی)
۹	إِنْحَنُنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكُمْ	إِنْحَنُنْ			أَنْتُمْ (جمع)
۱۰	إِنْحَنِنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكِ	إِنْحَنِنْ		مؤنث	أَنْتِ (مفرد)
۱۱	إِنْحَنِيَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكُمَا				أَنْتُمَا (مثنی)
۱۲	إِنْحَنِيْنَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكُنَّ				أَنْتُنَّ (جمع)
۱۳	لِأَنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِي	لِأَنْحَنِيَنْ	متکلم	مذکر و مؤنث	أَنَا (وحده)
۱۴	لِنَنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِنَا	لِنَنْحَنِيَنْ			نَحْنُ (مع الغیر)

ص: ۲۰۵

تصویر

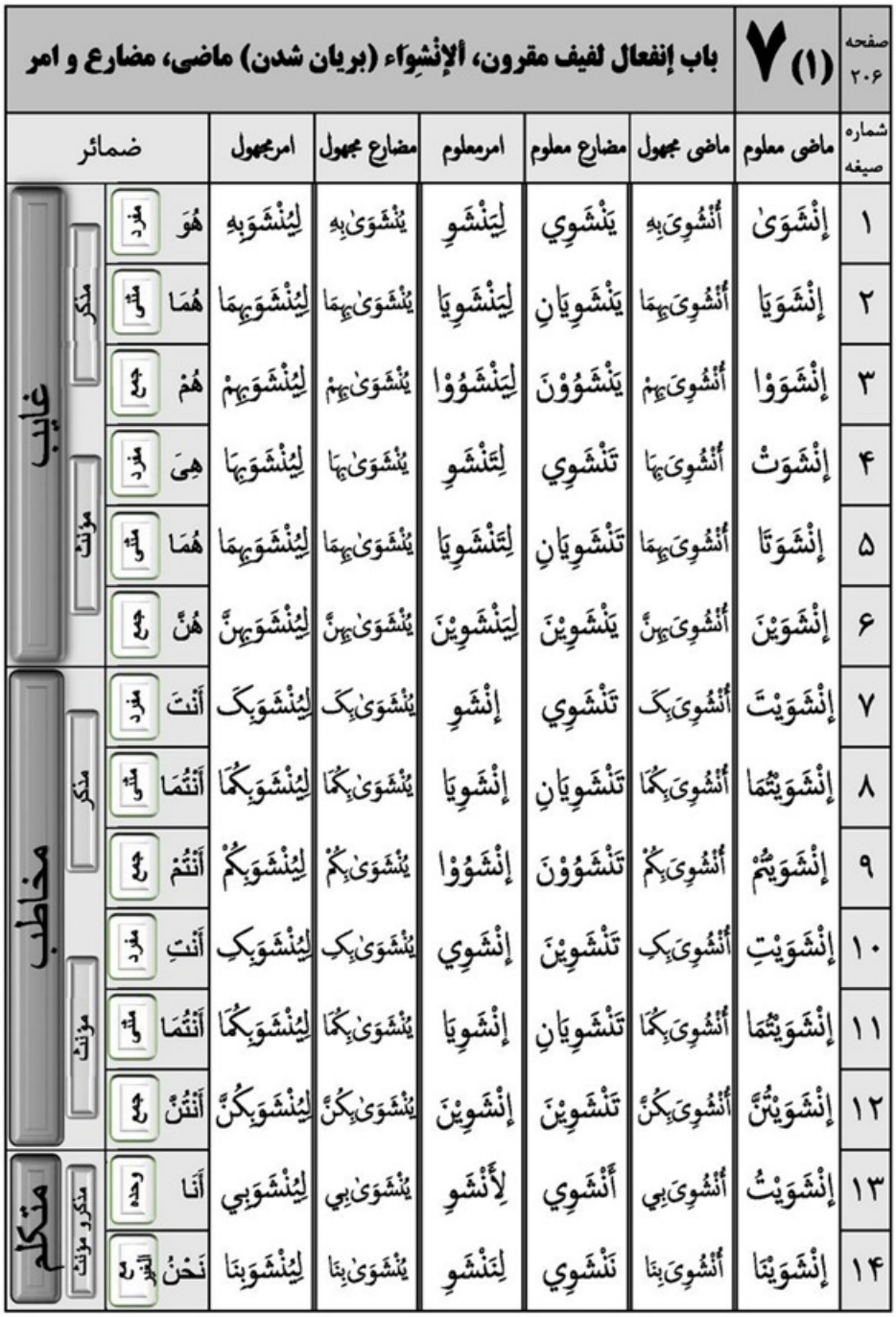

صفحه ۲۰۶	(۱) ۷ باب إنفعال لفيف مقرون، ألإنْشِوَاء (بريان شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِنْشَوَىٰ	أُنْشُوِيَ بِهِ	يَنْشَوِي	لِيَنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِهِ	لِيُنْشَوَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِنْشَوَيَا	أُنْشُوِيَ بِهِمَا	يَنْشَوِيَانِ	لِيَنْشَوِيَا	يُنْشَوَىٰ بِهِمَا	لِيُنْشَوَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِنْشَوَوْا	أُنْشُوِيَ بِهِمْ	يَنْشَوُوْنَ	لِيَنْشَوُوْا	يُنْشَوَىٰ بِهِمْ	لِيُنْشَوَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِنْشَوَتْ	أُنْشُوِيَ بِهَا	تَنْشَوِي	لِتَنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِهَا	لِيُنْشَوَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِنْشَوَتَا	أُنْشُوِيَ بِهِمَا	تَنْشَوِيَانِ	لِتَنْشَوِيَا	يُنْشَوَىٰ بِهِمَا	لِيُنْشَوَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِنْشَوَيْنَ	أُنْشُوِيَ بِهِنَّ	يَنْشَوِيْنَ	لِيَنْشَوِيْنَ	يُنْشَوَىٰ بِهِنَّ	لِيُنْشَوَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْشَوَيْتَ	أُنْشُوِيَ بِكَ	تَنْشَوِي	إِنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِكَ	لِيُنْشَوَ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْشَوَيْتُمَا	أُنْشُوِيَ بِكُمَا	تَنْشَوِيَانِ	إِنْشَوِيَا	يُنْشَوَىٰ بِكُمَا	لِيُنْشَوَ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْشَوَيْتُمْ	أُنْشُوِيَ بِكُمْ	تَنْشَوُوْنَ	إِنْشَوُوْا	يُنْشَوَىٰ بِكُمْ	لِيُنْشَوَ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْشَوَيْتِ	أُنْشُوِيَ بِكِ	تَنْشَوِيْنَ	إِنْشَوِي	يُنْشَوَىٰ بِكِ	لِيُنْشَوَ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْشَوَيْتُمَا	أُنْشُوِيَ بِكُمَا	تَنْشَوِيَانِ	إِنْشَوِيَا	يُنْشَوَىٰ بِكُمَا	لِيُنْشَوَ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْشَوَيْتُنَّ	أُنْشُوِيَ بِكُنَّ	تَنْشَوِيْنَ	إِنْشَوِيْنَ	يُنْشَوَىٰ بِكُنَّ	لِيُنْشَوَ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِنْشَوَيْتُ	أُنْشُوِيَ بِي	أَنْشَوِي	لِأَنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِي	لِيُنْشَوَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	إِنْشَوَيْنَا	أُنْشُوِيَ بِنَا	نَنْشَوِي	لِنَنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِنَا	لِيُنْشَوَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۷	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْشَوَىٰ	لا يَنْشَوِي	اَنْ يَنْشَوِيَ	لا يَنْشَوِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما إنْشَوَيَا	لا يَنْشَوِيَانِ	اَنْ يَنْشَوِيَا	لا يَنْشَوِيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما إنْشَوَوْا	لا يَنْشَوُوْنَ	اَنْ يَنْشَوُوْا	لا يَنْشَوُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما إنْشَوَتْ	لا تَنْشَوِي	اَنْ تَنْشَوِيَ	لا تَنْشَوِ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما إنْشَوَتَا	لا تَنْشَوِيَانِ	اَنْ تَنْشَوِيَا	لا تَنْشَوِيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما إنْشَوَيْنَ	لا يَنْشَوِيْنَ	اَنْ يَنْشَوِيْنَ	لا يَنْشَوِيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما إنْشَوَيْتَ	لا تَنْشَوِي	اَنْ تَنْشَوِيَ	لا تَنْشَوِ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما إنْشَوَيْتُمَا	لا تَنْشَوِيَانِ	اَنْ تَنْشَوِيَا	لا تَنْشَوِيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما إنْشَوَيْتُمْ	لا تَنْشَوُوْنَ	اَنْ تَنْشَوُوْا	لا تَنْشَوُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْشَوَيْتِ	لا تَنْشَوِيْنَ	اَنْ تَنْشَوِي	لا تَنْشَوِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما إنْشَوَيْتُمَا	لا تَنْشَوِيَانِ	اَنْ تَنْشَوِيَا	لا تَنْشَوِيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْشَوَيْتُنَّ	لا تَنْشَوِيْنَ	اَنْ تَنْشَوِيْنَ	لا تَنْشَوِيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْشَوَيْتُ	لا أَنْشَوِي	اَنْ أَنْشَوِيَ	لا أَنْشَوِ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	ما إنْشَوَيْنَا	لا نَنْشَوِي	اَنْ نَنْشَوِيَ	لا نَنْشَوِ	متکلم — مذکر و مؤنث — تثنیه و جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۸	نون تأکید ۷ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِ	لِيَنْشَوِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْشَوِيَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْشَوُنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِمْ	لِيَنْشَوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهَا	لِتَنْشَوِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْشَوِيَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْشَوِينَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكَ	إِنْشَوِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْشَوِيَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْشَوُنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكُمْ	إِنْشَوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْشَوِنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكِ	إِنْشَوِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْشَوِيَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْشَوِينَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِي	لِأَنْشَوِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِنَا	لِنَنْشَوِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

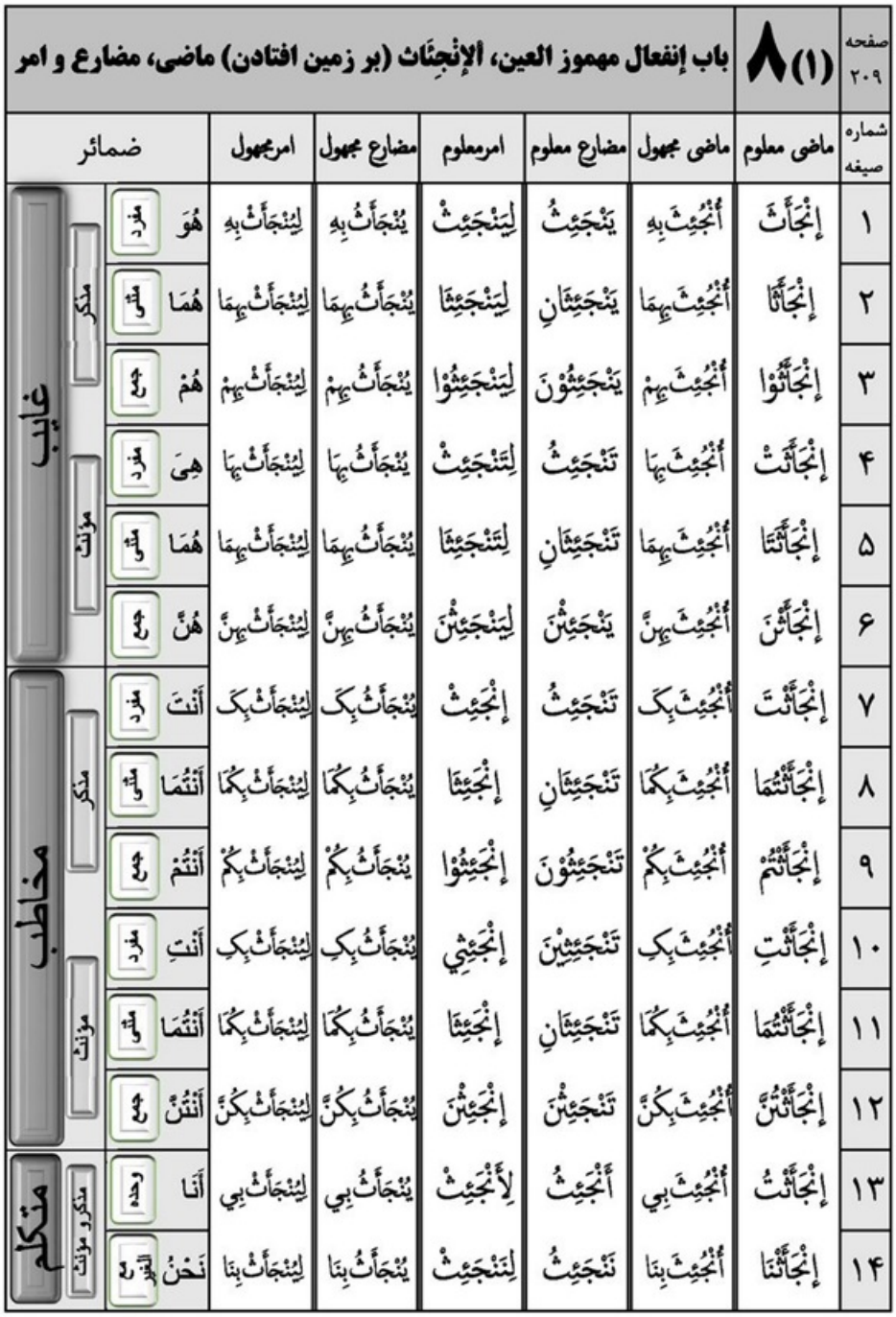

صفحه ۲۰۹	باب إنفعال مهموز العين، الإنْجِئَاث (بر زمين افتادن) ماضی، مضارع و امر (۱) ۸						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِنْجَأَتْ	أُنْجِئَتْ بِهِ	يَنْجَئِثُ	لِيَنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِهِ	لِيُنْجَأَثْ بِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إِنْجَأَتَا	أُنْجِئَتْ بِهِمَا	يَنْجَئِثَانِ	لِيَنْجَئِثَا	يُنْجَأَثُ بِهِمَا	لِيُنْجَأَثْ بِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إِنْجَأَثُوْا	أُنْجِئَتْ بِهِمْ	يَنْجَئِثُوْنَ	لِيَنْجَئِثُوْا	يُنْجَأَثُ بِهِمْ	لِيُنْجَأَثْ بِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إِنْجَأَتْ	أُنْجِئَتْ بِهَا	تَنْجَئِثُ	لِتَنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِهَا	لِيُنْجَأَثْ بِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إِنْجَأَتَا	أُنْجِئَتْ بِهِمَا	تَنْجَئِثَانِ	لِتَنْجَئِثَا	يُنْجَأَثُ بِهِمَا	لِيُنْجَأَثْ بِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إِنْجَأَثْنَ	أُنْجِئَتْ بِهِنَّ	يَنْجَئِثْنَ	لِيَنْجَئِثْنَ	يُنْجَأَثُ بِهِنَّ	لِيُنْجَأَثْ بِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِنْجَأَثْتَ	أُنْجِئَتْ بِكَ	تَنْجَئِثُ	إِنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِكَ	لِيُنْجَأَثْ بِكَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِنْجَأَثْتُمَا	أُنْجِئَتْ بِكُمَا	تَنْجَئِثَانِ	إِنْجَئِثَا	يُنْجَأَثُ بِكُمَا	لِيُنْجَأَثْ بِكُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِنْجَأَثْتُمْ	أُنْجِئَتْ بِكُمْ	تَنْجَئِثُوْنَ	إِنْجَئِثُوْا	يُنْجَأَثُ بِكُمْ	لِيُنْجَأَثْ بِكُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِنْجَأَثْتِ	أُنْجِئَتْ بِكِ	تَنْجَئِثِيْنَ	إِنْجَئِثِي	يُنْجَأَثُ بِكِ	لِيُنْجَأَثْ بِكِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِنْجَأَثْتُمَا	أُنْجِئَتْ بِكُمَا	تَنْجَئِثَانِ	إِنْجَئِثَا	يُنْجَأَثُ بِكُمَا	لِيُنْجَأَثْ بِكُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِنْجَأَثْتُنَّ	أُنْجِئَتْ بِكُنَّ	تَنْجَئِثْنَ	إِنْجَئِثْنَ	يُنْجَأَثُ بِكُنَّ	لِيُنْجَأَثْ بِكُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إِنْجَأَثْتُ	أُنْجِئَتْ بِي	أَنْجَئِثُ	لِأَنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِي	لِيُنْجَأَثْ بِي	متکلم / مذکر و مؤنث / مفرد / أَنَا
۱۴	إِنْجَأَثْنَا	أُنْجِئَتْ بِنَا	نَنْجَئِثُ	لِنَنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِنَا	لِيُنْجَأَثْ بِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۰	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْجَأَّتْ	لا يَنْجَئِثُ	اَنْ يَنْجَئِثَ	لا يَنْجَئِثْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إنْجَأَّتَا	لا يَنْجَئِثَانِ	اَنْ يَنْجَئِثَا	لا يَنْجَئِثَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إنْجَأَّتُوْا	لا يَنْجَئِثُوْنَ	اَنْ يَنْجَئِثُوْا	لا يَنْجَئِثُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إنْجَأَّتْ	لا تَنْجَئِثُ	اَنْ تَنْجَئِثَ	لا تَنْجَئِثْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إنْجَأَّتَتَا	لا تَنْجَئِثَانِ	اَنْ تَنْجَئِثَا	لا تَنْجَئِثَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إنْجَأَّتْنَ	لا يَنْجَئِثْنَ	اَنْ يَنْجَئِثْنَ	لا يَنْجَئِثْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إنْجَأَّتْ	لا تَنْجَئِثُ	اَنْ تَنْجَئِثَ	لا تَنْجَئِثْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إنْجَأَّتُمَا	لا تَنْجَئِثَانِ	اَنْ تَنْجَئِثَا	لا تَنْجَئِثَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إنْجَأَّتُمْ	لا تَنْجَئِثُوْنَ	اَنْ تَنْجَئِثُوْا	لا تَنْجَئِثُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْجَأَّتِ	لا تَنْجَئِثِيْنَ	اَنْ تَنْجَئِثِي	لا تَنْجَئِثِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إنْجَأَّتُمَا	لا تَنْجَئِثَانِ	اَنْ تَنْجَئِثَا	لا تَنْجَئِثَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْجَأَّتُنَّ	لا تَنْجَئِثْنَ	اَنْ تَنْجَئِثْنَ	لا تَنْجَئِثْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْجَأَّتُ	لا أَنْجَئِثُ	اَنْ أَنْجَئِثَ	لا أَنْجَئِثْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إنْجَأَّتْنَا	لا نَنْجَئِثُ	اَنْ نَنْجَئِثَ	لا نَنْجَئِثْ	متکلم، مذکر و مؤنث، تثنیه و جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۱	۸ (۳)	نون تأکید		
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْجَيِنَّ	لِيُنْجَأَنَّ بِهِ	لِيَنْجَيِنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْجَيِانِّ	لِيُنْجَأَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْجَيُنَّ	لِيُنْجَأَنَّ بِهِمْ	لِيَنْجَيُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْجَيِنَّ	لِيُنْجَأَنَّ بِهَا	لِتَنْجَيِنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْجَيِانِّ	لِيُنْجَأَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْجَيْنَانِّ	لِيُنْجَأَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْجَيِنَّ	لِيُنْجَأَنَّ بِكَ	إِنْجَيِنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْجَيِانِّ	لِيُنْجَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْجَيُنَّ	لِيُنْجَأَنَّ بِكُمْ	إِنْجَيُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْجَيِنَّ	لِيُنْجَأَنَّ بِكِ	إِنْجَيِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْجَيِانِّ	لِيُنْجَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْجَيْنَانِّ	لِيُنْجَأَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْجَيِنَّ	لِيُنْجَأَنَّ بِي	لِأَنْجَيِنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْجَيِنَّ	لِيُنْجَأَنَّ بِنَا	لِنَنْجَيِنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

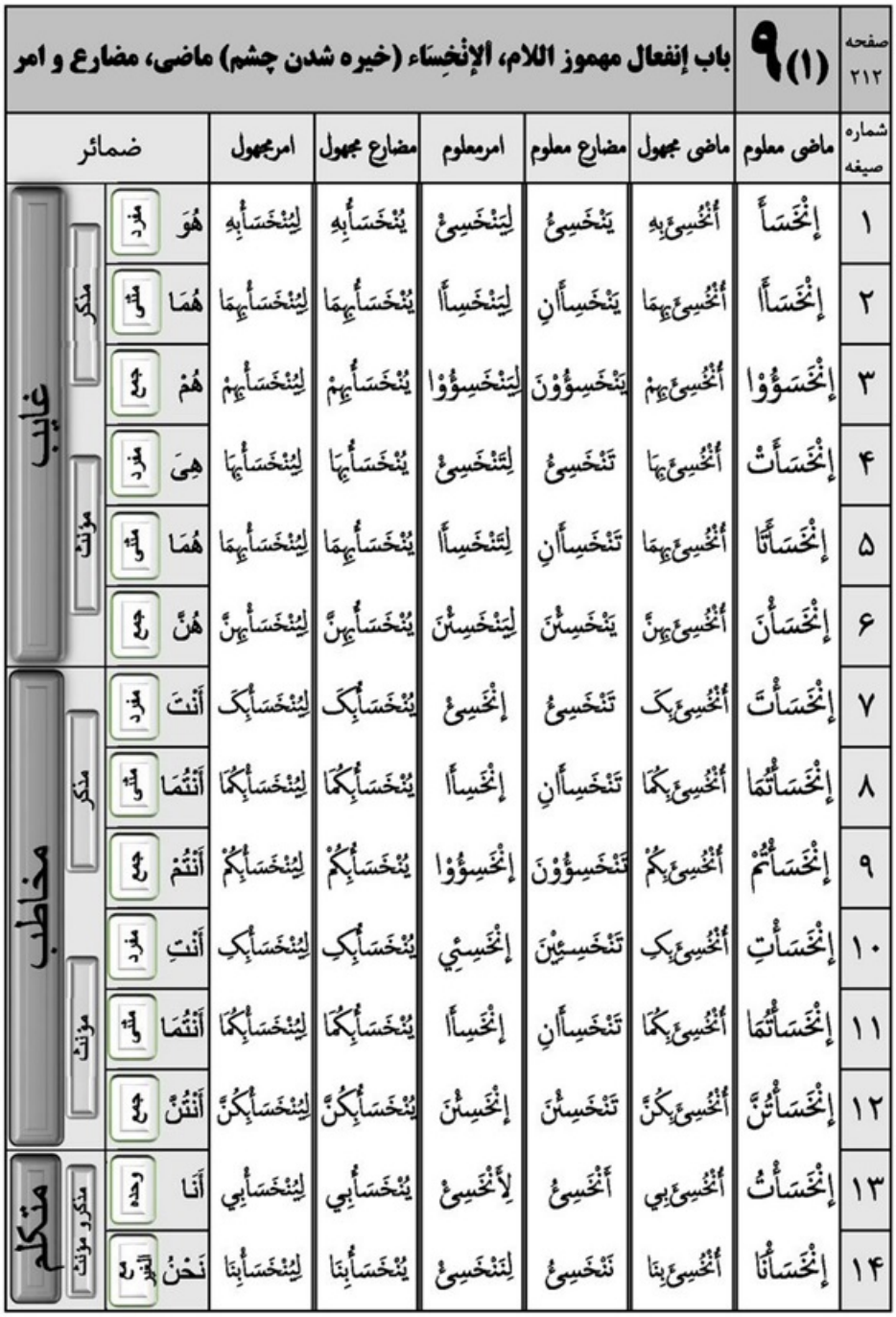

صفحه ۲۱۲	۹ (۱) باب إنفعال مهموز اللام، الإنْخِسَاء (خیره شدن چشم) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْخَسَأَ	أُنْخُسِئَ بِهِ	يَنْخَسِئُ	لِيَنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِهِ	لِيُنْخَسَأْ بِهِ	غایب مذکر مفرد هُوَ
۲	إنْخَسَأَا	أُنْخُسِئَ بِهِمَا	يَنْخَسِئَانِ	لِيَنْخَسِئَا	يُنْخَسَأُ بِهِمَا	لِيُنْخَسَأْ بِهِمَا	غایب مذکر مثنی هُمَا
۳	إنْخَسَؤُوْا	أُنْخُسِئَ بِهِمْ	يَنْخَسِئُوْنَ	لِيَنْخَسِئُوْا	يُنْخَسَأُ بِهِمْ	لِيُنْخَسَأْ بِهِمْ	غایب مذکر جمع هُمْ
۴	إنْخَسَأَتْ	أُنْخُسِئَ بِهَا	تَنْخَسِئُ	لِتَنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِهَا	لِيُنْخَسَأْ بِهَا	غایب مؤنث مفرد هِيَ
۵	إنْخَسَأَتَا	أُنْخُسِئَ بِهِمَا	تَنْخَسِئَانِ	لِتَنْخَسِئَا	يُنْخَسَأُ بِهِمَا	لِيُنْخَسَأْ بِهِمَا	غایب مؤنث مثنی هُمَا
۶	إنْخَسَأْنَ	أُنْخُسِئَ بِهِنَّ	يَنْخَسِئْنَ	لِيَنْخَسِئْنَ	يُنْخَسَأُ بِهِنَّ	لِيُنْخَسَأْ بِهِنَّ	غایب مؤنث جمع هُنَّ
۷	إنْخَسَأْتَ	أُنْخُسِئَ بِكَ	تَنْخَسِئُ	إنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِكَ	لِيُنْخَسَأْ بِكَ	مخاطب مذکر مفرد أَنْتَ
۸	إنْخَسَأْتُمَا	أُنْخُسِئَ بِكُمَا	تَنْخَسِئَانِ	إنْخَسِئَا	يُنْخَسَأُ بِكُمَا	لِيُنْخَسَأْ بِكُمَا	مخاطب مذکر مثنی أَنْتُمَا
۹	إنْخَسَأْتُمْ	أُنْخُسِئَ بِكُمْ	تَنْخَسِئُوْنَ	إنْخَسِئُوْا	يُنْخَسَأُ بِكُمْ	لِيُنْخَسَأْ بِكُمْ	مخاطب مذکر جمع أَنْتُمْ
۱۰	إنْخَسَأْتِ	أُنْخُسِئَ بِكِ	تَنْخَسِئِيْنَ	إنْخَسِئِي	يُنْخَسَأُ بِكِ	لِيُنْخَسَأْ بِكِ	مخاطب مؤنث مفرد أَنْتِ
۱۱	إنْخَسَأْتُمَا	أُنْخُسِئَ بِكُمَا	تَنْخَسِئَانِ	إنْخَسِئَا	يُنْخَسَأُ بِكُمَا	لِيُنْخَسَأْ بِكُمَا	مخاطب مؤنث مثنی أَنْتُمَا
۱۲	إنْخَسَأْتُنَّ	أُنْخُسِئَ بِكُنَّ	تَنْخَسِئْنَ	إنْخَسِئْنَ	يُنْخَسَأُ بِكُنَّ	لِيُنْخَسَأْ بِكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع أَنْتُنَّ
۱۳	إنْخَسَأْتُ	أُنْخُسِئَ بِي	أَنْخَسِئُ	لِأَنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِي	لِيُنْخَسَأْ بِي	متکلم مذکر و مؤنث وحده أَنَا
۱۴	إنْخَسَأْنَا	أُنْخُسِئَ بِنَا	نَنْخَسِئُ	لِنَنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِنَا	لِيُنْخَسَأْ بِنَا	متکلم مذکر و مؤنث مع الغیر نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۳	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْخَسَأَ	لا يَنْخَسِئُ	اَنْ يَنْخَسِئَ	لا يَنْخَسِئْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إنْخَسَأَا	لا يَنْخَسِئَانِ	اَنْ يَنْخَسِئَا	لا يَنْخَسِئَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إنْخَسَؤُوْا	لا يَنْخَسِؤُوْنَ	اَنْ يَنْخَسِؤُوْا	لا يَنْخَسِؤُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إنْخَسَأَتْ	لا تَنْخَسِئُ	اَنْ تَنْخَسِئَ	لا تَنْخَسِئْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إنْخَسَأَتَا	لا تَنْخَسِئَانِ	اَنْ تَنْخَسِئَا	لا تَنْخَسِئَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إنْخَسَأْنَ	لا يَنْخَسِئْنَ	اَنْ يَنْخَسِئْنَ	لا يَنْخَسِئْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إنْخَسَأْتَ	لا تَنْخَسِئُ	اَنْ تَنْخَسِئَ	لا تَنْخَسِئْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إنْخَسَأْتُمَا	لا تَنْخَسِئَانِ	اَنْ تَنْخَسِئَا	لا تَنْخَسِئَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إنْخَسَأْتُمْ	لا تَنْخَسِؤُوْنَ	اَنْ تَنْخَسِؤُوْا	لا تَنْخَسِؤُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْخَسَأْتِ	لا تَنْخَسِئِيْنَ	اَنْ تَنْخَسِئِي	لا تَنْخَسِئِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إنْخَسَأْتُمَا	لا تَنْخَسِئَانِ	اَنْ تَنْخَسِئَا	لا تَنْخَسِئَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْخَسَأْتُنَّ	لا تَنْخَسِئْنَ	اَنْ تَنْخَسِئْنَ	لا تَنْخَسِئْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْخَسَأْتُ	لا أَنْخَسِئُ	اَنْ أَنْخَسِئَ	لا أَنْخَسِئْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إنْخَسَأْنَا	لا نَنْخَسِئُ	اَنْ نَنْخَسِئَ	لا نَنْخَسِئْ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

تصویر

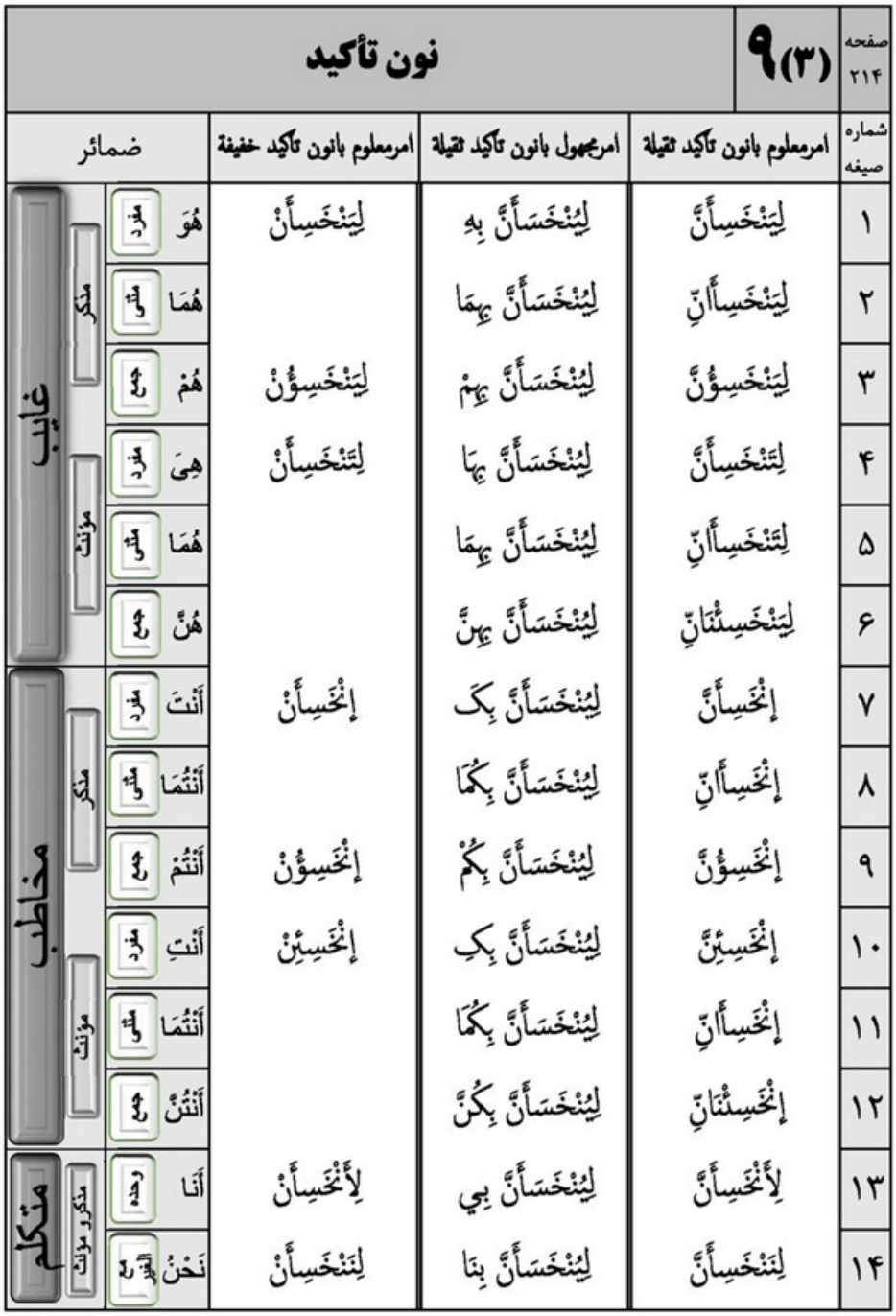

صفحه ۲۱۴	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تأکید ثقیلة	امرمجهول بانون تأکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تأکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِ	لِيَنْخَسِأَنْ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	لِيَنْخَسِأَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِمَا		غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	لِيَنْخَسِؤُنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِمْ	لِيَنْخَسِؤُنْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	لِتَنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهَا	لِتَنْخَسِأَنْ	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	لِتَنْخَسِأَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِمَا		غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	لِيَنْخَسِئْنَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِنَّ		غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	إِنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكَ	إِنْخَسِأَنْ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	إِنْخَسِأَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	إِنْخَسِؤُنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكُمْ	إِنْخَسِؤُنْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	إِنْخَسِئِنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكِ	إِنْخَسِئِنْ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	إِنْخَسِأَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	إِنْخَسِئْنَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكُنَّ		مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِي	لِأَنْخَسِأَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	لِنَنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِنَا	لِنَنْخَسِأَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۵	(۱) ۱ باب تفعّل سالم، اَلتَّعَجُّل (سرعت کرفتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَعَجَّلَ	تُعُجِّلَ	يَتَعَجَّلُ	لِيَتَعَجَّلْ	يُتَعَجَّلُ	لِيُتَعَجَّلْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَعَجَّلَا	تُعُجِّلَا	يَتَعَجَّلَانِ	لِيَتَعَجَّلَا	يُتَعَجَّلَانِ	لِيُتَعَجَّلَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَعَجَّلُوْا	تُعُجِّلُوْا	يَتَعَجَّلُوْنَ	لِيَتَعَجَّلُوْا	يُتَعَجَّلُوْنَ	لِيُتَعَجَّلُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَعَجَّلَتْ	تُعُجِّلَتْ	تَتَعَجَّلُ	لِتَتَعَجَّلْ	تُتَعَجَّلُ	لِتُتَعَجَّلْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَعَجَّلَتَا	تُعُجِّلَتَا	تَتَعَجَّلَانِ	لِتَتَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَعَجَّلْنَ	تُعُجِّلْنَ	يَتَعَجَّلْنَ	لِيَتَعَجَّلْنَ	يُتَعَجَّلْنَ	لِيُتَعَجَّلْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَجَّلْتَ	تُعُجِّلْتَ	تَتَعَجَّلُ	تَعَجَّلْ	تُتَعَجَّلُ	لِتُتَعَجَّلْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَجَّلْتُمَا	تُعُجِّلْتُمَا	تَتَعَجَّلَانِ	تَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَجَّلْتُمْ	تُعُجِّلْتُمْ	تَتَعَجَّلُوْنَ	تَعَجَّلُوْا	تُتَعَجَّلُوْنَ	لِتُتَعَجَّلُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَجَّلْتِ	تُعُجِّلْتِ	تَتَعَجَّلِيْنَ	تَعَجَّلِي	تُتَعَجَّلِيْنَ	لِتُتَعَجَّلِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَجَّلْتُمَا	تُعُجِّلْتُمَا	تَتَعَجَّلَانِ	تَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَجَّلْتُنَّ	تُعُجِّلْتُنَّ	تَتَعَجَّلْنَ	تَعَجَّلْنَ	تُتَعَجَّلْنَ	لِتُتَعَجَّلْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَعَجَّلْتُ	تُعُجِّلْتُ	أَتَعَجَّلُ	لِأَتَعَجَّلْ	أُتَعَجَّلُ	لِأُتَعَجَّلْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَعَجَّلْنَا	تُعُجِّلْنَا	نَتَعَجَّلُ	لِنَتَعَجَّلْ	نُتَعَجَّلُ	لِنُتَعَجَّلْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۶	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَعَجَّلَ	لا يَتَعَجَّلُ	اَنْ يَتَعَجَّلَ	لا يَتَعَجَّلْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	ما تَعَجَّلَا	لا يَتَعَجَّلَانِ	اَنْ يَتَعَجَّلَا	لا يَتَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۳	ما تَعَجَّلُوْا	لا يَتَعَجَّلُوْنَ	اَنْ يَتَعَجَّلُوْا	لا يَتَعَجَّلُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	ما تَعَجَّلَتْ	لا تَتَعَجَّلُ	اَنْ تَتَعَجَّلَ	لا تَتَعَجَّلْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	ما تَعَجَّلَتَا	لا تَتَعَجَّلَانِ	اَنْ تَتَعَجَّلَا	لا تَتَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۶	ما تَعَجَّلْنَ	لا يَتَعَجَّلْنَ	اَنْ يَتَعَجَّلْنَ	لا يَتَعَجَّلْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	ما تَعَجَّلْتَ	لا تَتَعَجَّلُ	اَنْ تَتَعَجَّلَ	لا تَتَعَجَّلْ	اَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	ما تَعَجَّلْتُمَا	لا تَتَعَجَّلَانِ	اَنْ تَتَعَجَّلَا	لا تَتَعَجَّلَا	اَنْتُمَا (مثنی)	
۹	ما تَعَجَّلْتُمْ	لا تَتَعَجَّلُوْنَ	اَنْ تَتَعَجَّلُوْا	لا تَتَعَجَّلُوْا	اَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	ما تَعَجَّلْتِ	لا تَتَعَجَّلِيْنَ	اَنْ تَتَعَجَّلِي	لا تَتَعَجَّلِي	اَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	ما تَعَجَّلْتُمَا	لا تَتَعَجَّلَانِ	اَنْ تَتَعَجَّلَا	لا تَتَعَجَّلَا	اَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	ما تَعَجَّلْتُنَّ	لا تَتَعَجَّلْنَ	اَنْ تَتَعَجَّلْنَ	لا تَتَعَجَّلْنَ	اَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	ما تَعَجَّلْتُ	لا اَتَعَجَّلُ	اَنْ اَتَعَجَّلَ	لا اَتَعَجَّلْ	اَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَعَجَّلْنَا	لا نَتَعَجَّلُ	اَنْ نَتَعَجَّلَ	لا نَتَعَجَّلْ	نَحْنُ (غیر مفرد)	

ص: ۲۱۶

تصویر



صفحه ۲۱۷	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَعَجَّلَنَّ	لِيُتَعَجَّلَنَّ	لِيَتَعَجَّلَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَعَجَّلَانِّ	لِيُتَعَجَّلَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَعَجَّلُنَّ	لِيُتَعَجَّلُنَّ	لِيَتَعَجَّلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَعَجَّلَنَّ	لِتُتَعَجَّلَنَّ	لِتَتَعَجَّلَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَعَجَّلْنَانِّ	لِيُتَعَجَّلْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَجَّلَنَّ	لِتُتَعَجَّلَنَّ	تَعَجَّلَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَجَّلُنَّ	لِتُتَعَجَّلُنَّ	تَعَجَّلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَجَّلِنَّ	لِتُتَعَجَّلِنَّ	تَعَجَّلِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَجَّلْنَانِّ	لِتُتَعَجَّلْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَعَجَّلَنَّ	لِأُتَعَجَّلَنَّ	لِأَتَعَجَّلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَعَجَّلَنَّ	لِنُتَعَجَّلَنَّ	لِنَتَعَجَّلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۸	(۱) ۲ قاعده اول خصوصی باب تفعّل، التَّعَجُّل (سرعت گرفتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَعَجَّلَ	تُعُجِّلَ	يَتَعَجَّلُ	لِيَتَعَجَّلْ	يُتَعَجَّلُ	لِيُتَعَجَّلْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَعَجَّلَا	تُعُجِّلَا	يَتَعَجَّلَانِ	لِيَتَعَجَّلَا	يُتَعَجَّلَانِ	لِيُتَعَجَّلَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَعَجَّلُوْا	تُعُجِّلُوْا	يَتَعَجَّلُوْنَ	لِيَتَعَجَّلُوْا	يُتَعَجَّلُوْنَ	لِيُتَعَجَّلُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَعَجَّلَتْ	تُعُجِّلَتْ	تَعَجَّلُ	لِتَعَجَّلْ	تُتَعَجَّلُ	لِتُتَعَجَّلْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَعَجَّلَتَا	تُعُجِّلَتَا	تَعَجَّلَانِ	لِتَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَعَجَّلْنَ	تُعُجِّلْنَ	يَتَعَجَّلْنَ	لِيَتَعَجَّلْنَ	يُتَعَجَّلْنَ	لِيُتَعَجَّلْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَجَّلْتَ	تُعُجِّلْتَ	تَعَجَّلُ	تَعَجَّلْ	تُتَعَجَّلُ	لِتُتَعَجَّلْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَجَّلْتُمَا	تُعُجِّلْتُمَا	تَعَجَّلَانِ	تَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَجَّلْتُمْ	تُعُجِّلْتُمْ	تَعَجَّلُوْنَ	تَعَجَّلُوْا	تُتَعَجَّلُوْنَ	لِتُتَعَجَّلُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَجَّلْتِ	تُعُجِّلْتِ	تَعَجَّلِيْنَ	تَعَجَّلِي	تُتَعَجَّلِيْنَ	لِتُتَعَجَّلِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَجَّلْتُمَا	تُعُجِّلْتُمَا	تَعَجَّلَانِ	تَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَجَّلْتُنَّ	تُعُجِّلْتُنَّ	تَعَجَّلْنَ	تَعَجَّلْنَ	تُتَعَجَّلْنَ	لِتُتَعَجَّلْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَعَجَّلْتُ	تُعُجِّلْتُ	أَتَعَجَّلُ	لِأَتَعَجَّلْ	أُتَعَجَّلُ	لِأُتَعَجَّلْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَعَجَّلْنَا	تُعُجِّلْنَا	نَتَعَجَّلُ	لِنَتَعَجَّلْ	نُتَعَجَّلُ	لِنُتَعَجَّلْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۹	۲ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَعَجَّلَ	لا يَتَعَجَّلُ	اَنْ يَتَعَجَّلَ	لا يَتَعَجَّلْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	ما تَعَجَّلَا	لا يَتَعَجَّلَانِ	اَنْ يَتَعَجَّلَا	لا يَتَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۳	ما تَعَجَّلُوْا	لا يَتَعَجَّلُوْنَ	اَنْ يَتَعَجَّلُوْا	لا يَتَعَجَّلُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	ما تَعَجَّلَتْ	لا تَعَجَّلُ	اَنْ تَعَجَّلَ	لا تَعَجَّلْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	ما تَعَجَّلَتَا	لا تَعَجَّلَانِ	اَنْ تَعَجَّلَا	لا تَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۶	ما تَعَجَّلْنَ	لا يَتَعَجَّلْنَ	اَنْ يَتَعَجَّلْنَ	لا يَتَعَجَّلْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	ما تَعَجَّلْتَ	لا تَعَجَّلُ	اَنْ تَعَجَّلَ	لا تَعَجَّلْ	اَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	ما تَعَجَّلْتُمَا	لا تَعَجَّلَانِ	اَنْ تَعَجَّلَا	لا تَعَجَّلَا	اَنْتُمَا (مثنی)	
۹	ما تَعَجَّلْتُمْ	لا تَعَجَّلُوْنَ	اَنْ تَعَجَّلُوْا	لا تَعَجَّلُوْا	اَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	ما تَعَجَّلْتِ	لا تَعَجَّلِيْنَ	اَنْ تَعَجَّلِي	لا تَعَجَّلِي	اَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	ما تَعَجَّلْتُمَا	لا تَعَجَّلَانِ	اَنْ تَعَجَّلَا	لا تَعَجَّلَا	اَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	ما تَعَجَّلْتُنَّ	لا تَعَجَّلْنَ	اَنْ تَعَجَّلْنَ	لا تَعَجَّلْنَ	اَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	ما تَعَجَّلْتُ	لا أَتَعَجَّلُ	اَنْ أَتَعَجَّلَ	لا أَتَعَجَّلْ	اَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَعَجَّلْنَا	لا نَتَعَجَّلُ	اَنْ نَتَعَجَّلَ	لا نَتَعَجَّلْ	نَحْنُ (غیر وحد)	

تصویر



صفحه ۲۲۰	۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَعَجَّلَنَّ	لِيُتَعَجَّلَنَّ	لِيَتَعَجَّلَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَعَجَّلَانِّ	لِيُتَعَجَّلَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَعَجَّلُنَّ	لِيُتَعَجَّلُنَّ	لِيَتَعَجَّلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَعَجَّلَنَّ	لِتُتَعَجَّلَنَّ	لِتَعَجَّلَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَعَجَّلْنَانِّ	لِيُتَعَجَّلْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَجَّلَنَّ	لِتُتَعَجَّلَنَّ	تَعَجَّلَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَجَّلُنَّ	لِتُتَعَجَّلُنَّ	تَعَجَّلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَجَّلِنَّ	لِتُتَعَجَّلِنَّ	تَعَجَّلِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَجَّلْنَانِّ	لِتُتَعَجَّلْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَعَجَّلَنَّ	لِأُتَعَجَّلَنَّ	لِأَتَعَجَّلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَعَجَّلَنَّ	لِنُتَعَجَّلَنَّ	لِنَتَعَجَّلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۲۱	۳ (۱)	باب تفعّل مضاعف، اَلتَّكَرُّر (تکرار شدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر	
۱	تَكَرَّرَ	تُكُرِّرَ بِهِ	يَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِهِ	اَنْ يَتَكَرَّرَ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	تَكَرَّرَا	تُكُرِّرَ بِهِمَا	يَتَكَرَّرَانِ	يُتَكَرَّرُ بِهِمَا	اَنْ يَتَكَرَّرَا	غایب مذکر مثنی	هُمَا
۳	تَكَرَّرُوْا	تُكُرِّرَ بِهِمْ	يَتَكَرَّرُوْنَ	يُتَكَرَّرُ بِهِمْ	اَنْ يَتَكَرَّرُوْا	غایب مذکر جمع	هُمْ
۴	تَكَرَّرَتْ	تُكُرِّرَ بِهَا	تَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِهَا	اَنْ تَتَكَرَّرَ	غایب مؤنث مفرد	هِيَ
۵	تَكَرَّرَتَا	تُكُرِّرَ بِهِمَا	تَتَكَرَّرَانِ	يُتَكَرَّرُ بِهِمَا	اَنْ تَتَكَرَّرَا	غایب مؤنث مثنی	هُمَا
۶	تَكَرَّرْنَ	تُكُرِّرَ بِهِنَّ	يَتَكَرَّرْنَ	يُتَكَرَّرُ بِهِنَّ	اَنْ يَتَكَرَّرْنَ	غایب مؤنث جمع	هُنَّ
۷	تَكَرَّرْتَ	تُكُرِّرَ بِكَ	تَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِكَ	اَنْ تَتَكَرَّرَ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	تَكَرَّرْتُمَا	تُكُرِّرَ بِكُمَا	تَتَكَرَّرَانِ	يُتَكَرَّرُ بِكُمَا	اَنْ تَتَكَرَّرَا	مخاطب مذکر مثنی	أَنْتُمَا
۹	تَكَرَّرْتُمْ	تُكُرِّرَ بِكُمْ	تَتَكَرَّرُوْنَ	يُتَكَرَّرُ بِكُمْ	اَنْ تَتَكَرَّرُوْا	مخاطب مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَكَرَّرْتِ	تُكُرِّرَ بِكِ	تَتَكَرَّرِيْنَ	يُتَكَرَّرُ بِكِ	اَنْ تَتَكَرَّرِي	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَكَرَّرْتُمَا	تُكُرِّرَ بِكُمَا	تَتَكَرَّرَانِ	يُتَكَرَّرُ بِكُمَا	اَنْ تَتَكَرَّرَا	مخاطب مؤنث مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	تَكَرَّرْتُنَّ	تُكُرِّرَ بِكُنَّ	تَتَكَرَّرْنَ	يُتَكَرَّرُ بِكُنَّ	اَنْ تَتَكَرَّرْنَ	مخاطب مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	تَكَرَّرْتُ	تُكُرِّرَ بِي	أَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِي	اَنْ أَتَكَرَّرَ	متکلم مذکر و مؤنث واحد	أَنَا
۱۴	تَكَرَّرْنَا	تُكُرِّرَ بِنَا	نَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِنَا	اَنْ نَتَكَرَّرَ	متکلم مذکر و مؤنث جمع	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۲۲	۳ (۲) امر معلوم و مجهول		
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	لِيَتَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَكَرَّرَا	لِيُتَكَرَّرْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَكَرَّرُوْا	لِيُتَكَرَّرْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَكَرَّرَا	لِيُتَكَرَّرْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَكَرَّرْنَ	لِيُتَكَرَّرْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَكَرَّرَا	لِيُتَكَرَّرْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَكَرَّرُوْا	لِيُتَكَرَّرْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَكَرَّرِي	لِيُتَكَرَّرْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَكَرَّرَا	لِيُتَكَرَّرْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَكَرَّرْنَ	لِيُتَكَرَّرْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۲۲۲

مهموز

مهموز الفاء

تصویر



صفحه ۲۲۳	۳ (۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَتَكَرَّرْ	لا يَتَكَرَّرْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	لَمْ يَتَكَرَّرَا	لا يَتَكَرَّرَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	لَمْ يَتَكَرَّرُوْا	لا يَتَكَرَّرُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	لَمْ تَتَكَرَّرْ	لا تَتَكَرَّرْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	لَمْ تَتَكَرَّرَا	لا تَتَكَرَّرَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	لَمْ يَتَكَرَّرْنَ	لا يَتَكَرَّرْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	لَمْ تَتَكَرَّرْ	لا تَتَكَرَّرْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	لَمْ تَتَكَرَّرَا	لا تَتَكَرَّرَا		أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	لَمْ تَتَكَرَّرُوْا	لا تَتَكَرَّرُوْا		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	لَمْ تَتَكَرَّرِي	لا تَتَكَرَّرِي		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	لَمْ تَتَكَرَّرَا	لا تَتَكَرَّرَا		أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	لَمْ تَتَكَرَّرْنَ	لا تَتَكَرَّرْنَ		أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	لَمْ أَتَكَرَّرْ	لا أَتَكَرَّرْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	لَمْ نَتَكَرَّرْ	لا نَتَكَرَّرْ		نَحْنُ (مع الغیر، مذکر و مؤنث)

تصویر



صفحه ۲۲۴	۳ (۴) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِ	لِيَتَكَرَّرَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَكَرَّرَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَكَرَّرُنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِمْ	لِيَتَكَرَّرُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهَا	لِتَتَكَرَّرَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَكَرَّرَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَكَرَّرْنَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكَ	تَكَرَّرَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَكَرَّرَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَكَرَّرُنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكُمْ	تَكَرَّرُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَكَرَّرِنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكِ	تَكَرَّرِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَكَرَّرَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَكَرَّرْنَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُتَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِي	لِأُتَكَرَّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِنَا	لِنَتَكَرَّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

ص: ۲۲۴

تصویر

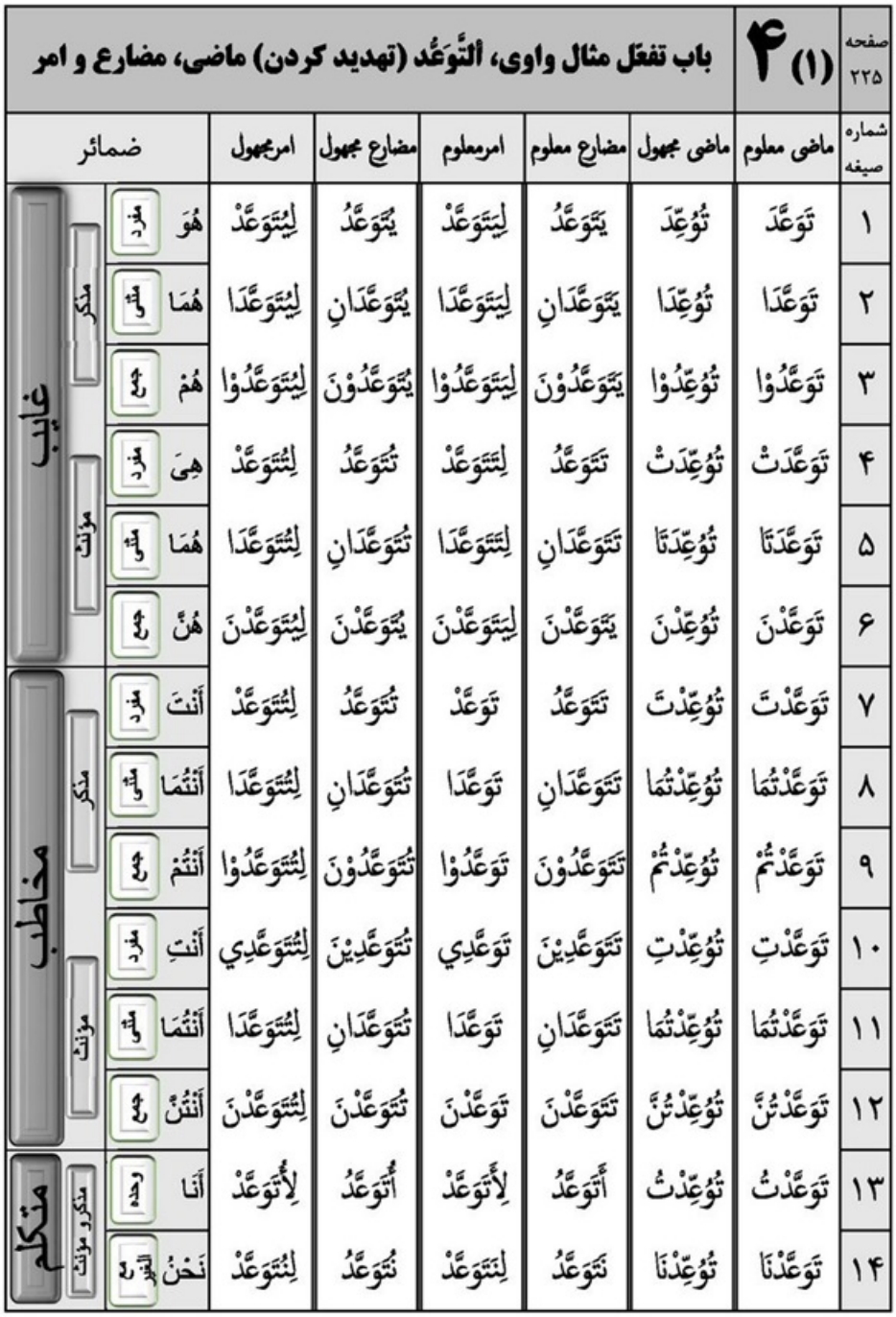

صفحه ۲۲۵	۴ (۱) باب تفعّل مثال واوی، اَلتَّوَعُّد (تهدید کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَوَعَّدَ	تُوُعِّدَ	يَتَوَعَّدُ	لِيَتَوَعَّدْ	يُتَوَعَّدُ	لِيُتَوَعَّدْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	تَوَعَّدَا	تُوُعِّدَا	يَتَوَعَّدَانِ	لِيَتَوَعَّدَا	يُتَوَعَّدَانِ	لِيُتَوَعَّدَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	تَوَعَّدُوْا	تُوُعِّدُوْا	يَتَوَعَّدُوْنَ	لِيَتَوَعَّدُوْا	يُتَوَعَّدُوْنَ	لِيُتَوَعَّدُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	تَوَعَّدَتْ	تُوُعِّدَتْ	تَتَوَعَّدُ	لِتَتَوَعَّدْ	تُتَوَعَّدُ	لِتُتَوَعَّدْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	تَوَعَّدَتَا	تُوُعِّدَتَا	تَتَوَعَّدَانِ	لِتَتَوَعَّدَا	تُتَوَعَّدَانِ	لِتُتَوَعَّدَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	تَوَعَّدْنَ	تُوُعِّدْنَ	يَتَوَعَّدْنَ	لِيَتَوَعَّدْنَ	يُتَوَعَّدْنَ	لِيُتَوَعَّدْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَوَعَّدْتَ	تُوُعِّدْتَ	تَتَوَعَّدُ	تَوَعَّدْ	تُتَوَعَّدُ	لِتُتَوَعَّدْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَوَعَّدْتُمَا	تُوُعِّدْتُمَا	تَتَوَعَّدَانِ	تَوَعَّدَا	تُتَوَعَّدَانِ	لِتُتَوَعَّدَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَوَعَّدْتُمْ	تُوُعِّدْتُمْ	تَتَوَعَّدُوْنَ	تَوَعَّدُوْا	تُتَوَعَّدُوْنَ	لِتُتَوَعَّدُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَوَعَّدْتِ	تُوُعِّدْتِ	تَتَوَعَّدِيْنَ	تَوَعَّدِي	تُتَوَعَّدِيْنَ	لِتُتَوَعَّدِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَوَعَّدْتُمَا	تُوُعِّدْتُمَا	تَتَوَعَّدَانِ	تَوَعَّدَا	تُتَوَعَّدَانِ	لِتُتَوَعَّدَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَوَعَّدْتُنَّ	تُوُعِّدْتُنَّ	تَتَوَعَّدْنَ	تَوَعَّدْنَ	تُتَوَعَّدْنَ	لِتُتَوَعَّدْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	تَوَعَّدْتُ	تُوُعِّدْتُ	أَتَوَعَّدُ	لِأَتَوَعَّدْ	أُتَوَعَّدُ	لِأُتَوَعَّدْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	تَوَعَّدْنَا	تُوُعِّدْنَا	نَتَوَعَّدُ	لِنَتَوَعَّدْ	نُتَوَعَّدُ	لِنُتَوَعَّدْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۲۶	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما تَوَعَّدَ	لا يَتَوَعَّدُ	اَنْ يَتَوَعَّدَ	لا يَتَوَعَّدْ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما تَوَعَّدَا	لا يَتَوَعَّدَانِ	اَنْ يَتَوَعَّدَا	لا يَتَوَعَّدَا			مثنی	هُمَا
۳	ما تَوَعَّدُوْا	لا يَتَوَعَّدُوْنَ	اَنْ يَتَوَعَّدُوْا	لا يَتَوَعَّدُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما تَوَعَّدَتْ	لا تَتَوَعَّدُ	اَنْ تَتَوَعَّدَ	لا تَتَوَعَّدْ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما تَوَعَّدَتَا	لا تَتَوَعَّدَانِ	اَنْ تَتَوَعَّدَا	لا تَتَوَعَّدَا			مثنی	هُمَا
۶	ما تَوَعَّدْنَ	لا يَتَوَعَّدْنَ	اَنْ يَتَوَعَّدْنَ	لا يَتَوَعَّدْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما تَوَعَّدْتَ	لا تَتَوَعَّدُ	اَنْ تَتَوَعَّدَ	لا تَتَوَعَّدْ	مخاطب	مذکر	مفرد	اَنْتَ
۸	ما تَوَعَّدْتُمَا	لا تَتَوَعَّدَانِ	اَنْ تَتَوَعَّدَا	لا تَتَوَعَّدَا			مثنی	اَنْتُمَا
۹	ما تَوَعَّدْتُمْ	لا تَتَوَعَّدُوْنَ	اَنْ تَتَوَعَّدُوْا	لا تَتَوَعَّدُوْا			جمع	اَنْتُمْ
۱۰	ما تَوَعَّدْتِ	لا تَتَوَعَّدِيْنَ	اَنْ تَتَوَعَّدِي	لا تَتَوَعَّدِي		مؤنث	مفرد	اَنْتِ
۱۱	ما تَوَعَّدْتُمَا	لا تَتَوَعَّدَانِ	اَنْ تَتَوَعَّدَا	لا تَتَوَعَّدَا			مثنی	اَنْتُمَا
۱۲	ما تَوَعَّدْتُنَّ	لا تَتَوَعَّدْنَ	اَنْ تَتَوَعَّدْنَ	لا تَتَوَعَّدْنَ			جمع	اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَوَعَّدْتُ	لا أَتَوَعَّدُ	اَنْ أَتَوَعَّدَ	لا أَتَوَعَّدْ	متکلم	مذکر و مؤنث	وحده	اَنَا
۱۴	ما تَوَعَّدْنَا	لا نَتَوَعَّدُ	اَنْ نَتَوَعَّدَ	لا نَتَوَعَّدْ			مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۲۷	۴ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَوَعَّدَنَّ	لِيُتَوَعَّدَنَّ	لِيَتَوَعَّدَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَوَعَّدَانِّ	لِيُتَوَعَّدَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَوَعَّدُنَّ	لِيُتَوَعَّدُنَّ	لِيَتَوَعَّدُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَوَعَّدَنَّ	لِتُتَوَعَّدَنَّ	لِتَتَوَعَّدَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَوَعَّدَانِّ	لِتُتَوَعَّدَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَوَعَّدْنَانِّ	لِيُتَوَعَّدْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَوَعَّدَنَّ	لِتُتَوَعَّدَنَّ	تَوَعَّدَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَوَعَّدَانِّ	لِتُتَوَعَّدَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَوَعَّدُنَّ	لِتُتَوَعَّدُنَّ	تَوَعَّدُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَوَعَّدِنَّ	لِتُتَوَعَّدِنَّ	تَوَعَّدِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَوَعَّدَانِّ	لِتُتَوَعَّدَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَوَعَّدْنَانِّ	لِتُتَوَعَّدْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَوَعَّدَنَّ	لِأُتَوَعَّدَنَّ	لِأَتَوَعَّدَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَوَعَّدَنَّ	لِنُتَوَعَّدَنَّ	لِنَتَوَعَّدَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

ص: ۲۲۷

تصویر



صفحه ۲۲۸	۵ (۱) باب تفعّل مثال یایی، اَلتَّیَسُّر (آماده شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَیَسَّرَ	تُیُسِّرَبِهِ	یَتَیَسَّرُ	لِیَتَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِهِ	لِیُتَیَسَّرْبِهِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	تَیَسَّرَا	تُیُسِّرَبِهِمَا	یَتَیَسَّرَانِ	لِیَتَیَسَّرَا	یُتَیَسَّرُبِهِمَا	لِیُتَیَسَّرْبِهِمَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	تَیَسَّرُوْا	تُیُسِّرَبِهِمْ	یَتَیَسَّرُوْنَ	لِیَتَیَسَّرُوْا	یُتَیَسَّرُبِهِمْ	لِیُتَیَسَّرْبِهِمْ	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	تَیَسَّرَتْ	تُیُسِّرَبِهَا	تَتَیَسَّرُ	لِتَتَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِهَا	لِیُتَیَسَّرْبِهَا	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	تَیَسَّرَتَا	تُیُسِّرَبِهِمَا	تَتَیَسَّرَانِ	لِتَتَیَسَّرَا	یُتَیَسَّرُبِهِمَا	لِیُتَیَسَّرْبِهِمَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	تَیَسَّرْنَ	تُیُسِّرَبِهِنَّ	یَتَیَسَّرْنَ	لِیَتَیَسَّرْنَ	یُتَیَسَّرُبِهِنَّ	لِیُتَیَسَّرْبِهِنَّ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	تَیَسَّرْتَ	تُیُسِّرَبِکَ	تَتَیَسَّرُ	تَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِکَ	لِیُتَیَسَّرْبِکَ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	تَیَسَّرْتُمَا	تُیُسِّرَبِکُمَا	تَتَیَسَّرَانِ	تَیَسَّرَا	یُتَیَسَّرُبِکُمَا	لِیُتَیَسَّرْبِکُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	تَیَسَّرْتُمْ	تُیُسِّرَبِکُمْ	تَتَیَسَّرُوْنَ	تَیَسَّرُوْا	یُتَیَسَّرُبِکُمْ	لِیُتَیَسَّرْبِکُمْ	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	تَیَسَّرْتِ	تُیُسِّرَبِکِ	تَتَیَسَّرِیْنَ	تَیَسَّرِي	یُتَیَسَّرُبِکِ	لِیُتَیَسَّرْبِکِ	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	تَیَسَّرْتُمَا	تُیُسِّرَبِکُمَا	تَتَیَسَّرَانِ	تَیَسَّرَا	یُتَیَسَّرُبِکُمَا	لِیُتَیَسَّرْبِکُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	تَیَسَّرْتُنَّ	تُیُسِّرَبِکُنَّ	تَتَیَسَّرْنَ	تَیَسَّرْنَ	یُتَیَسَّرُبِکُنَّ	لِیُتَیَسَّرْبِکُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	تَیَسَّرْتُ	تُیُسِّرَبِي	أَتَیَسَّرُ	لِأَتَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِي	لِیُتَیَسَّرْبِي	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	تَیَسَّرْنَا	تُیُسِّرَبِنَا	نَتَیَسَّرُ	لِنَتَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِنَا	لِیُتَیَسَّرْبِنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۲۹	۵ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			ضمائر		
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی			
۱	ما تَيَسَّرَ	لا يَتَيَسَّرُ	اَنْ يَتَيَسَّرَ	لا يَتَيَسَّرْ	هُوَ	مفرد	غایب — مذکر
۲	ما تَيَسَّرَا	لا يَتَيَسَّرَانِ	اَنْ يَتَيَسَّرَا	لا يَتَيَسَّرَا	هُمَا	مثنی	
۳	ما تَيَسَّرُوْا	لا يَتَيَسَّرُوْنَ	اَنْ يَتَيَسَّرُوْا	لا يَتَيَسَّرُوْا	هُمْ	جمع	
۴	ما تَيَسَّرَتْ	لا تَتَيَسَّرُ	اَنْ تَتَيَسَّرَ	لا تَتَيَسَّرْ	هِيَ	مفرد	غایب — مؤنث
۵	ما تَيَسَّرَتَا	لا تَتَيَسَّرَانِ	اَنْ تَتَيَسَّرَا	لا تَتَيَسَّرَا	هُمَا	مثنی	
۶	ما تَيَسَّرْنَ	لا يَتَيَسَّرْنَ	اَنْ يَتَيَسَّرْنَ	لا يَتَيَسَّرْنَ	هُنَّ	جمع	
۷	ما تَيَسَّرْتَ	لا تَتَيَسَّرُ	اَنْ تَتَيَسَّرَ	لا تَتَيَسَّرْ	اَنْتَ	مفرد	مخاطب — مذکر
۸	ما تَيَسَّرْتُمَا	لا تَتَيَسَّرَانِ	اَنْ تَتَيَسَّرَا	لا تَتَيَسَّرَا	اَنْتُمَا	مثنی	
۹	ما تَيَسَّرْتُمْ	لا تَتَيَسَّرُوْنَ	اَنْ تَتَيَسَّرُوْا	لا تَتَيَسَّرُوْا	اَنْتُمْ	جمع	
۱۰	ما تَيَسَّرْتِ	لا تَتَيَسَّرِيْنَ	اَنْ تَتَيَسَّرِي	لا تَتَيَسَّرِي	اَنْتِ	مفرد	مخاطب — مؤنث
۱۱	ما تَيَسَّرْتُمَا	لا تَتَيَسَّرَانِ	اَنْ تَتَيَسَّرَا	لا تَتَيَسَّرَا	اَنْتُمَا	مثنی	
۱۲	ما تَيَسَّرْتُنَّ	لا تَتَيَسَّرْنَ	اَنْ تَتَيَسَّرْنَ	لا تَتَيَسَّرْنَ	اَنْتُنَّ	جمع	
۱۳	ما تَيَسَّرْتُ	لا اَتَيَسَّرُ	اَنْ اَتَيَسَّرَ	لا اَتَيَسَّرْ	اَنَا	وحده	متکلم — مذکر و مؤنث
۱۴	ما تَيَسَّرْنَا	لا نَتَيَسَّرُ	اَنْ نَتَيَسَّرَ	لا نَتَيَسَّرْ	نَحْنُ	جمع	

تصویر



صفحه ۲۳۰	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِ	لِيَتَيَسَّرَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَيَسَّرَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَيَسَّرُنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِمْ	لِيَتَيَسَّرُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهَا	لِتَتَيَسَّرَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَيَسَّرَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَيَسَّرْنَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكَ	تَيَسَّرَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَيَسَّرَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَيَسَّرُنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكُمْ	تَيَسَّرُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَيَسَّرِنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكِ	تَيَسَّرِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَيَسَّرَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَيَسَّرْنَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِي	لِأَتَيَسَّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِنَا	لِنَتَيَسَّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

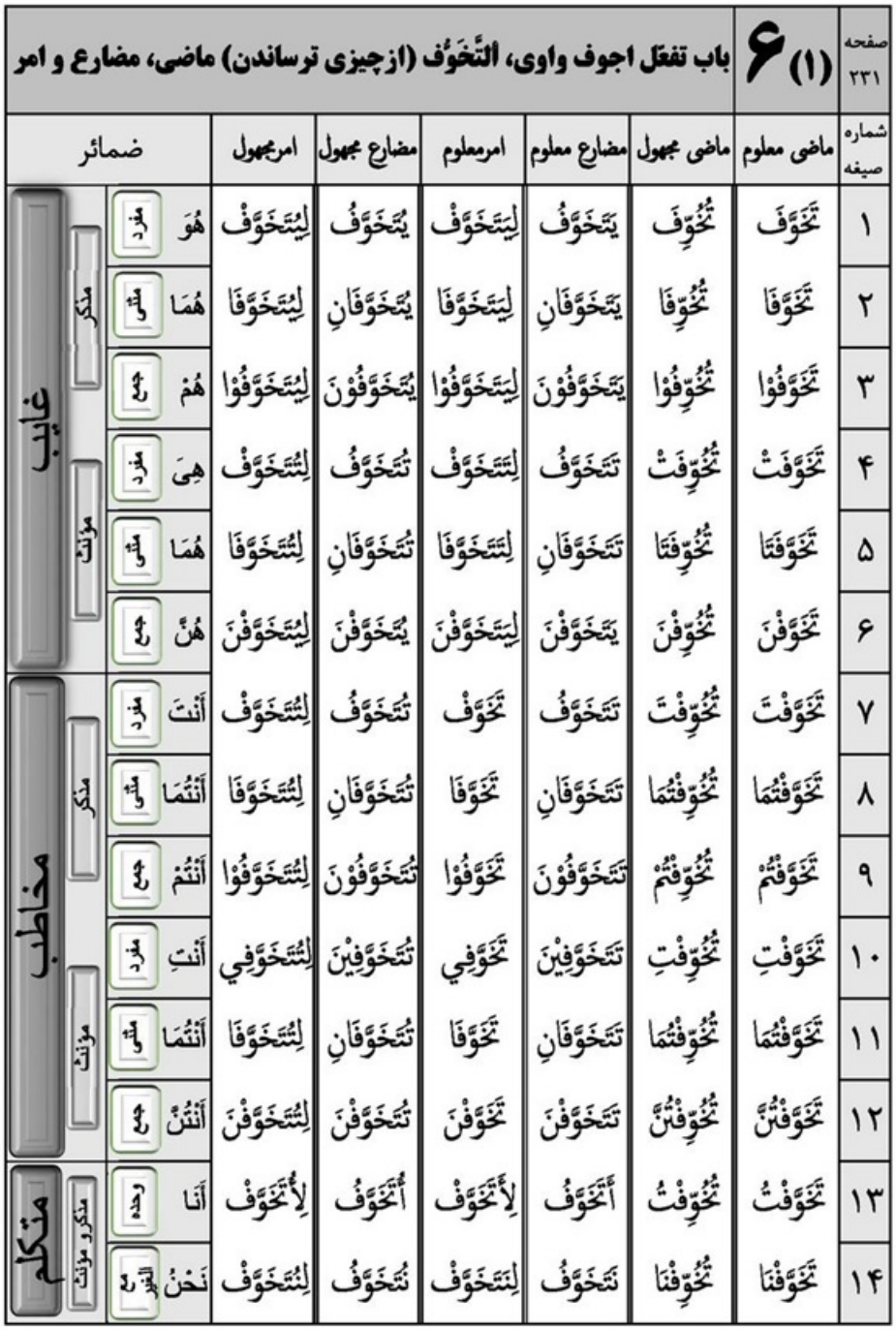

صفحه ۲۳۱	(۱) ۶ باب تفعّل اجوف واوی، اَلتَّخَوُّف (ازچیزی ترساندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَخَوَّفَ	تُخُوِّفَ	يَتَخَوَّفُ	لِيَتَخَوَّفْ	يُتَخَوَّفُ	لِيُتَخَوَّفْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	تَخَوَّفَا	تُخُوِّفَا	يَتَخَوَّفَانِ	لِيَتَخَوَّفَا	يُتَخَوَّفَانِ	لِيُتَخَوَّفَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	تَخَوَّفُوْا	تُخُوِّفُوْا	يَتَخَوَّفُوْنَ	لِيَتَخَوَّفُوْا	يُتَخَوَّفُوْنَ	لِيُتَخَوَّفُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	تَخَوَّفَتْ	تُخُوِّفَتْ	تَتَخَوَّفُ	لِتَتَخَوَّفْ	تُتَخَوَّفُ	لِتُتَخَوَّفْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	تَخَوَّفَتَا	تُخُوِّفَتَا	تَتَخَوَّفَانِ	لِتَتَخَوَّفَا	تُتَخَوَّفَانِ	لِتُتَخَوَّفَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	تَخَوَّفْنَ	تُخُوِّفْنَ	يَتَخَوَّفْنَ	لِيَتَخَوَّفْنَ	يُتَخَوَّفْنَ	لِيُتَخَوَّفْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	تَخَوَّفْتَ	تُخُوِّفْتَ	تَتَخَوَّفُ	تَخَوَّفْ	تُتَخَوَّفُ	لِتُتَخَوَّفْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	تَخَوَّفْتُمَا	تُخُوِّفْتُمَا	تَتَخَوَّفَانِ	تَخَوَّفَا	تُتَخَوَّفَانِ	لِتُتَخَوَّفَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	تَخَوَّفْتُمْ	تُخُوِّفْتُمْ	تَتَخَوَّفُوْنَ	تَخَوَّفُوْا	تُتَخَوَّفُوْنَ	لِتُتَخَوَّفُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	تَخَوَّفْتِ	تُخُوِّفْتِ	تَتَخَوَّفِيْنَ	تَخَوَّفِي	تُتَخَوَّفِيْنَ	لِتُتَخَوَّفِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	تَخَوَّفْتُمَا	تُخُوِّفْتُمَا	تَتَخَوَّفَانِ	تَخَوَّفَا	تُتَخَوَّفَانِ	لِتُتَخَوَّفَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	تَخَوَّفْتُنَّ	تُخُوِّفْتُنَّ	تَتَخَوَّفْنَ	تَخَوَّفْنَ	تُتَخَوَّفْنَ	لِتُتَخَوَّفْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	تَخَوَّفْتُ	تُخُوِّفْتُ	أَتَخَوَّفُ	لِأَتَخَوَّفْ	أُتَخَوَّفُ	لِأُتَخَوَّفْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	تَخَوَّفْنَا	تُخُوِّفْنَا	نَتَخَوَّفُ	لِنَتَخَوَّفْ	نُتَخَوَّفُ	لِنُتَخَوَّفْ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۳۲	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَخَوَّفَ	لا يَتَخَوَّفُ	اَنْ يَتَخَوَّفَ	لا يَتَخَوَّفْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما تَخَوَّفَا	لا يَتَخَوَّفَانِ	اَنْ يَتَخَوَّفَا	لا يَتَخَوَّفَا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما تَخَوَّفُوْا	لا يَتَخَوَّفُوْنَ	اَنْ يَتَخَوَّفُوْا	لا يَتَخَوَّفُوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما تَخَوَّفَتْ	لا تَتَخَوَّفُ	اَنْ تَتَخَوَّفَ	لا تَتَخَوَّفْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما تَخَوَّفَتَا	لا تَتَخَوَّفَانِ	اَنْ تَتَخَوَّفَا	لا تَتَخَوَّفَا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما تَخَوَّفْنَ	لا يَتَخَوَّفْنَ	اَنْ يَتَخَوَّفْنَ	لا يَتَخَوَّفْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما تَخَوَّفْتَ	لا تَتَخَوَّفُ	اَنْ تَتَخَوَّفَ	لا تَتَخَوَّفْ	مخاطب / مذکر / مفرد	اَنْتَ
۸	ما تَخَوَّفْتُمَا	لا تَتَخَوَّفَانِ	اَنْ تَتَخَوَّفَا	لا تَتَخَوَّفَا	مخاطب / مذکر / مثنی	اَنْتُمَا
۹	ما تَخَوَّفْتُمْ	لا تَتَخَوَّفُوْنَ	اَنْ تَتَخَوَّفُوْا	لا تَتَخَوَّفُوْا	مخاطب / مذکر / جمع	اَنْتُمْ
۱۰	ما تَخَوَّفْتِ	لا تَتَخَوَّفِيْنَ	اَنْ تَتَخَوَّفِي	لا تَتَخَوَّفِي	مخاطب / مؤنث / مفرد	اَنْتِ
۱۱	ما تَخَوَّفْتُمَا	لا تَتَخَوَّفَانِ	اَنْ تَتَخَوَّفَا	لا تَتَخَوَّفَا	مخاطب / مؤنث / مثنی	اَنْتُمَا
۱۲	ما تَخَوَّفْتُنَّ	لا تَتَخَوَّفْنَ	اَنْ تَتَخَوَّفْنَ	لا تَتَخَوَّفْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَخَوَّفْتُ	لا اَتَخَوَّفُ	اَنْ اَتَخَوَّفَ	لا اَتَخَوَّفْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد	اَنَا
۱۴	ما تَخَوَّفْنَا	لا نَتَخَوَّفُ	اَنْ نَتَخَوَّفَ	لا نَتَخَوَّفْ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۳۳	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَخَوَّفَنَّ	لِيُتَخَوَّفَنَّ	لِيَتَخَوَّفَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَخَوَّفَانِّ	لِيُتَخَوَّفَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَخَوَّفُنَّ	لِيُتَخَوَّفُنَّ	لِيَتَخَوَّفُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَخَوَّفَنَّ	لِتُتَخَوَّفَنَّ	لِتَتَخَوَّفَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَخَوَّفَانِّ	لِتُتَخَوَّفَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَخَوَّفْنَانِّ	لِيُتَخَوَّفْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَخَوَّفَنَّ	لِتُتَخَوَّفَنَّ	تَخَوَّفَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَخَوَّفَانِّ	لِتُتَخَوَّفَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَخَوَّفُنَّ	لِتُتَخَوَّفُنَّ	تَخَوَّفُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَخَوَّفِنَّ	لِتُتَخَوَّفِنَّ	تَخَوَّفِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَخَوَّفَانِّ	لِتُتَخَوَّفَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَخَوَّفْنَانِّ	لِتُتَخَوَّفْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَخَوَّفَنَّ	لِأُتَخَوَّفَنَّ	لِأَتَخَوَّفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَخَوَّفَنَّ	لِنُتَخَوَّفَنَّ	لِنَتَخَوَّفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

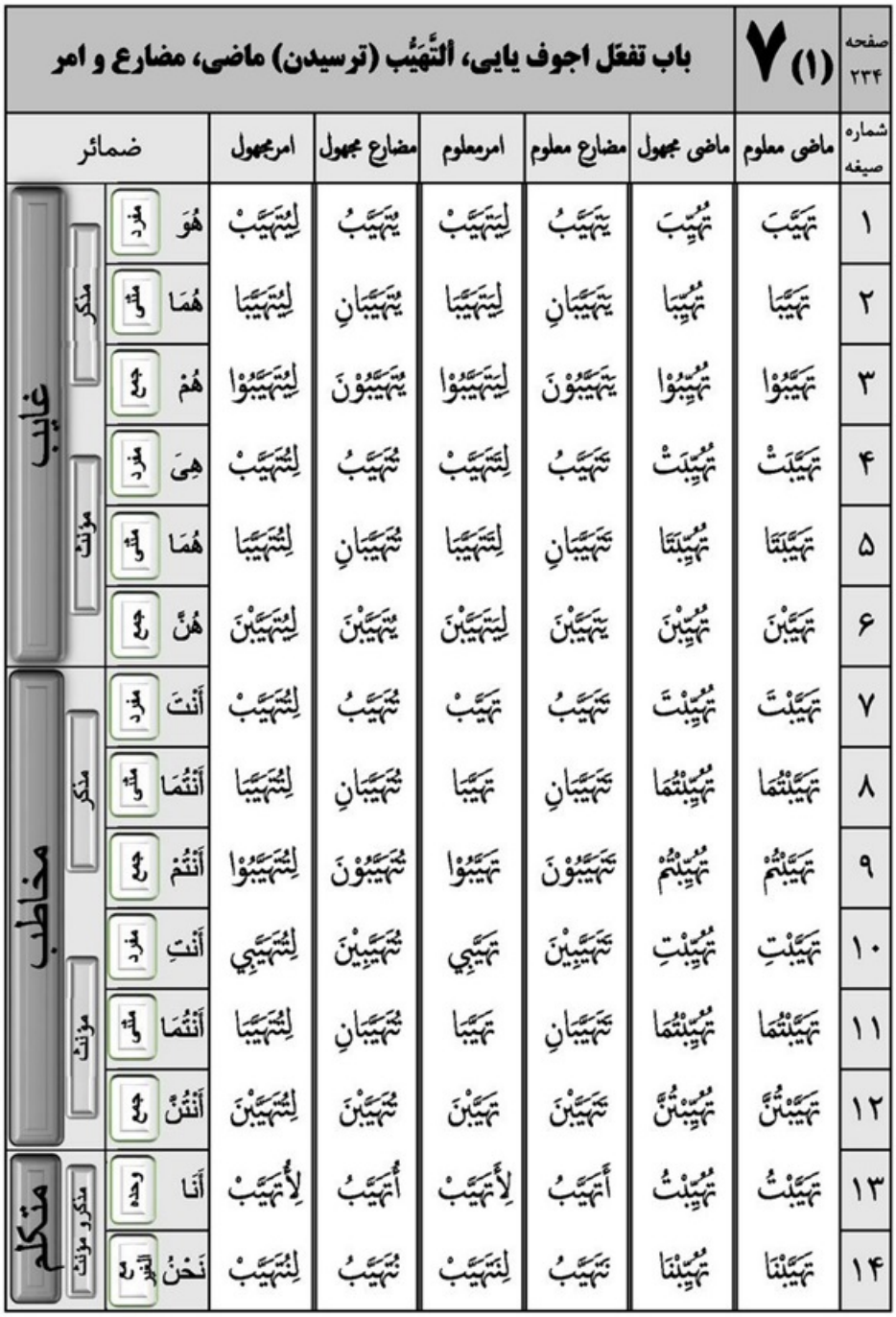

صفحه ۲۳۴	(۱) ۷ باب تفعّل اجوف یایی، اَلتَّهَیُّب (ترسیدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَهَیَّبَ	تُهُیِّبَ	یَتَهَیَّبُ	لِیَتَهَیَّبْ	یُتَهَیَّبُ	لِیُتَهَیَّبْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	تَهَیَّبَا	تُهُیِّبَا	یَتَهَیَّبَانِ	لِیَتَهَیَّبَا	یُتَهَیَّبَانِ	لِیُتَهَیَّبَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	تَهَیَّبُوْا	تُهُیِّبُوْا	یَتَهَیَّبُوْنَ	لِیَتَهَیَّبُوْا	یُتَهَیَّبُوْنَ	لِیُتَهَیَّبُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	تَهَیَّبَتْ	تُهُیِّبَتْ	تَتَهَیَّبُ	لِتَتَهَیَّبْ	تُتَهَیَّبُ	لِتُتَهَیَّبْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	تَهَیَّبَتَا	تُهُیِّبَتَا	تَتَهَیَّبَانِ	لِتَتَهَیَّبَا	تُتَهَیَّبَانِ	لِتُتَهَیَّبَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	تَهَیَّبْنَ	تُهُیِّبْنَ	یَتَهَیَّبْنَ	لِیَتَهَیَّبْنَ	یُتَهَیَّبْنَ	لِیُتَهَیَّبْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	تَهَیَّبْتَ	تُهُیِّبْتَ	تَتَهَیَّبُ	تَهَیَّبْ	تُتَهَیَّبُ	لِتُتَهَیَّبْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	تَهَیَّبْتُمَا	تُهُیِّبْتُمَا	تَتَهَیَّبَانِ	تَهَیَّبَا	تُتَهَیَّبَانِ	لِتُتَهَیَّبَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	تَهَیَّبْتُمْ	تُهُیِّبْتُمْ	تَتَهَیَّبُوْنَ	تَهَیَّبُوْا	تُتَهَیَّبُوْنَ	لِتُتَهَیَّبُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	تَهَیَّبْتِ	تُهُیِّبْتِ	تَتَهَیَّبِیْنَ	تَهَیَّبِي	تُتَهَیَّبِیْنَ	لِتُتَهَیَّبِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	تَهَیَّبْتُمَا	تُهُیِّبْتُمَا	تَتَهَیَّبَانِ	تَهَیَّبَا	تُتَهَیَّبَانِ	لِتُتَهَیَّبَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	تَهَیَّبْتُنَّ	تُهُیِّبْتُنَّ	تَتَهَیَّبْنَ	تَهَیَّبْنَ	تُتَهَیَّبْنَ	لِتُتَهَیَّبْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	تَهَیَّبْتُ	تُهُیِّبْتُ	أَتَهَیَّبُ	لِأَتَهَیَّبْ	أُتَهَیَّبُ	لِأُتَهَیَّبْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	تَهَیَّبْنَا	تُهُیِّبْنَا	نَتَهَیَّبُ	لِنَتَهَیَّبْ	نُتَهَیَّبُ	لِنُتَهَیَّبْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۳۵	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَهَيَّبَ	لا يَتَهَيَّبُ	اَنْ يَتَهَيَّبَ	لا يَتَهَيَّبْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما تَهَيَّبَا	لا يَتَهَيَّبَانِ	اَنْ يَتَهَيَّبَا	لا يَتَهَيَّبَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما تَهَيَّبُوْا	لا يَتَهَيَّبُوْنَ	اَنْ يَتَهَيَّبُوْا	لا يَتَهَيَّبُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما تَهَيَّبَتْ	لا تَتَهَيَّبُ	اَنْ تَتَهَيَّبَ	لا تَتَهَيَّبْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما تَهَيَّبَتَا	لا تَتَهَيَّبَانِ	اَنْ تَتَهَيَّبَا	لا تَتَهَيَّبَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما تَهَيَّبْنَ	لا يَتَهَيَّبْنَ	اَنْ يَتَهَيَّبْنَ	لا يَتَهَيَّبْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما تَهَيَّبْتَ	لا تَتَهَيَّبُ	اَنْ تَتَهَيَّبَ	لا تَتَهَيَّبْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما تَهَيَّبْتُمَا	لا تَتَهَيَّبَانِ	اَنْ تَتَهَيَّبَا	لا تَتَهَيَّبَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما تَهَيَّبْتُمْ	لا تَتَهَيَّبُوْنَ	اَنْ تَتَهَيَّبُوْا	لا تَتَهَيَّبُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما تَهَيَّبْتِ	لا تَتَهَيَّبِيْنَ	اَنْ تَتَهَيَّبِي	لا تَتَهَيَّبِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما تَهَيَّبْتُمَا	لا تَتَهَيَّبَانِ	اَنْ تَتَهَيَّبَا	لا تَتَهَيَّبَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما تَهَيَّبْتُنَّ	لا تَتَهَيَّبْنَ	اَنْ تَتَهَيَّبْنَ	لا تَتَهَيَّبْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَهَيَّبْتُ	لا أَتَهَيَّبُ	اَنْ أَتَهَيَّبَ	لا أَتَهَيَّبْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما تَهَيَّبْنَا	لا نَتَهَيَّبُ	اَنْ نَتَهَيَّبَ	لا نَتَهَيَّبْ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر

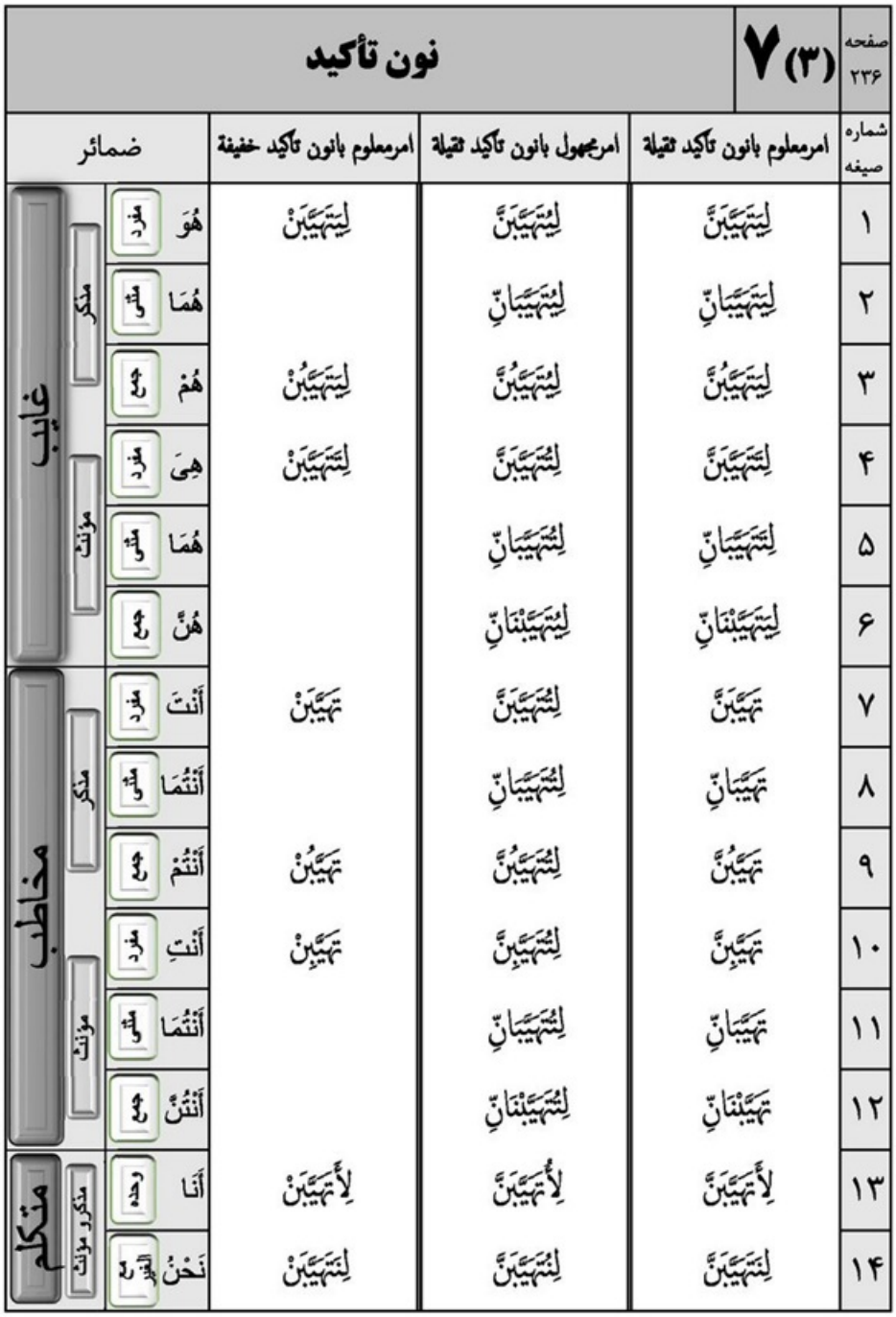

صفحه ۲۳۶	نون تأکید ۷ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَهَيَّبَنَّ	لِيُتَهَيَّبَنَّ	لِيَتَهَيَّبَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَهَيَّبَانِّ	لِيُتَهَيَّبَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَهَيَّبُنَّ	لِيُتَهَيَّبُنَّ	لِيَتَهَيَّبُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَهَيَّبَنَّ	لِتُتَهَيَّبَنَّ	لِتَتَهَيَّبَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَهَيَّبَانِّ	لِتُتَهَيَّبَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَهَيَّبْنَانِّ	لِيُتَهَيَّبْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَهَيَّبَنَّ	لِتُتَهَيَّبَنَّ	تَهَيَّبَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَهَيَّبَانِّ	لِتُتَهَيَّبَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَهَيَّبُنَّ	لِتُتَهَيَّبُنَّ	تَهَيَّبُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَهَيَّبِنَّ	لِتُتَهَيَّبِنَّ	تَهَيَّبِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَهَيَّبَانِّ	لِتُتَهَيَّبَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَهَيَّبْنَانِّ	لِتُتَهَيَّبْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَهَيَّبَنَّ	لِأُتَهَيَّبَنَّ	لِأَتَهَيَّبَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَهَيَّبَنَّ	لِنُتَهَيَّبَنَّ	لِنَتَهَيَّبَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

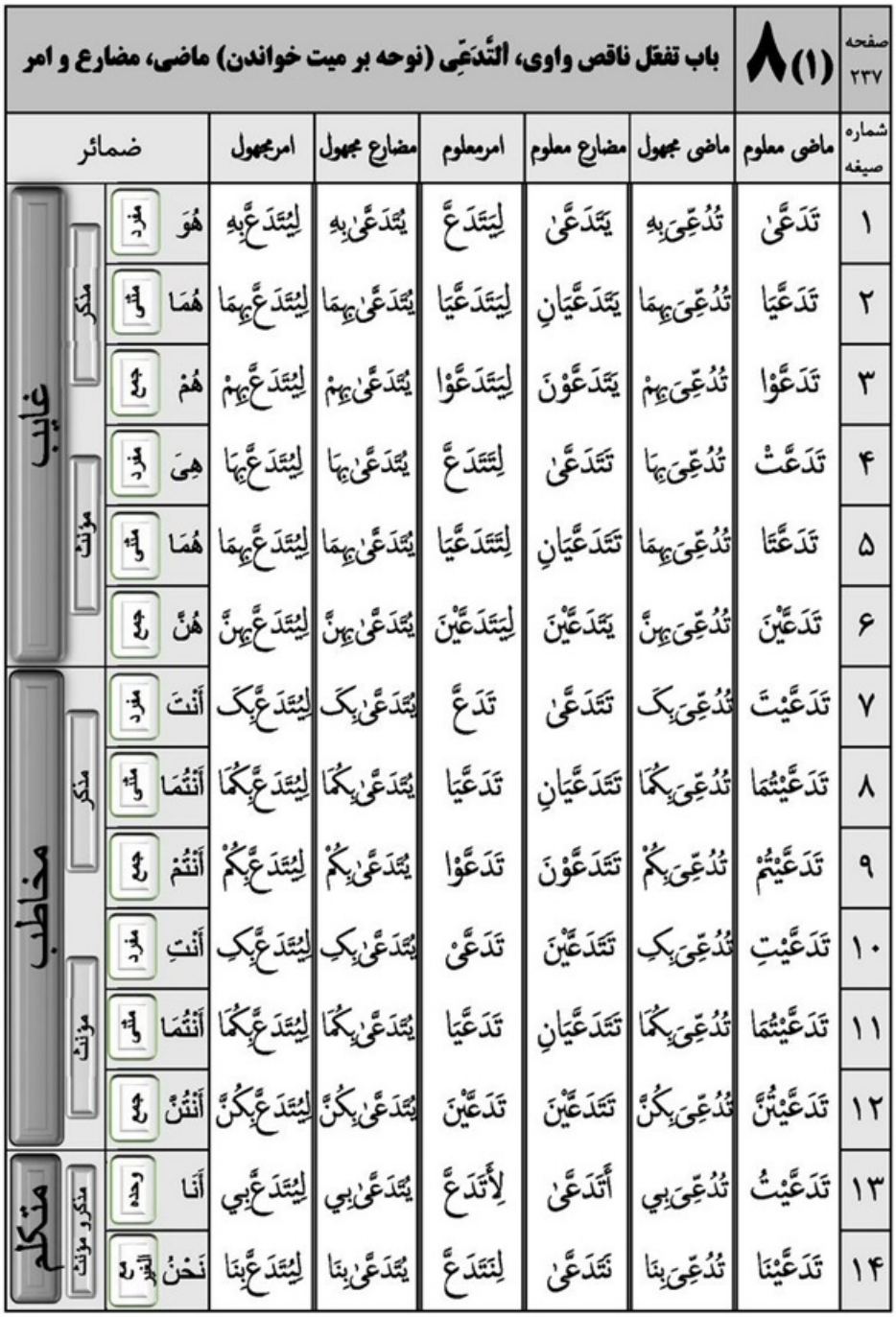

صفحه ۲۳۷	۸ (۱)	باب تفعّل ناقص واوی، التَّدَعّی (نوحه بر میت خواندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَدَعَّىٰ	تُدُعِّيَ بِهِ	يَتَدَعَّىٰ	لِيَتَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِهِ	لِيُتَدَعَّ بِهِ	هُوَ	غایب — مذکر — مفرد
۲	تَدَعَّيَا	تُدُعِّيَ بِهِمَا	يَتَدَعَّيَانِ	لِيَتَدَعَّيَا	يُتَدَعَّىٰ بِهِمَا	لِيُتَدَعَّ بِهِمَا	هُمَا	غایب — مذکر — مثنی
۳	تَدَعَّوْا	تُدُعِّيَ بِهِمْ	يَتَدَعَّوْنَ	لِيَتَدَعَّوْا	يُتَدَعَّىٰ بِهِمْ	لِيُتَدَعَّ بِهِمْ	هُمْ	غایب — مذکر — جمع
۴	تَدَعَّتْ	تُدُعِّيَ بِهَا	تَتَدَعَّىٰ	لِتَتَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِهَا	لِيُتَدَعَّ بِهَا	هِيَ	غایب — مؤنث — مفرد
۵	تَدَعَّتَا	تُدُعِّيَ بِهِمَا	تَتَدَعَّيَانِ	لِتَتَدَعَّيَا	يُتَدَعَّىٰ بِهِمَا	لِيُتَدَعَّ بِهِمَا	هُمَا	غایب — مؤنث — مثنی
۶	تَدَعَّيْنَ	تُدُعِّيَ بِهِنَّ	يَتَدَعَّيْنَ	لِيَتَدَعَّيْنَ	يُتَدَعَّىٰ بِهِنَّ	لِيُتَدَعَّ بِهِنَّ	هُنَّ	غایب — مؤنث — جمع
۷	تَدَعَّيْتَ	تُدُعِّيَ بِكَ	تَتَدَعَّىٰ	تَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِكَ	لِيُتَدَعَّ بِكَ	أَنْتَ	مخاطب — مذکر — مفرد
۸	تَدَعَّيْتُمَا	تُدُعِّيَ بِكُمَا	تَتَدَعَّيَانِ	تَدَعَّيَا	يُتَدَعَّىٰ بِكُمَا	لِيُتَدَعَّ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی
۹	تَدَعَّيْتُمْ	تُدُعِّيَ بِكُمْ	تَتَدَعَّوْنَ	تَدَعَّوْا	يُتَدَعَّىٰ بِكُمْ	لِيُتَدَعَّ بِكُمْ	أَنْتُمْ	مخاطب — مذکر — جمع
۱۰	تَدَعَّيْتِ	تُدُعِّيَ بِكِ	تَتَدَعَّيْنَ	تَدَعَّىٰ	يُتَدَعَّىٰ بِكِ	لِيُتَدَعَّ بِكِ	أَنْتِ	مخاطب — مؤنث — مفرد
۱۱	تَدَعَّيْتُمَا	تُدُعِّيَ بِكُمَا	تَتَدَعَّيَانِ	تَدَعَّيَا	يُتَدَعَّىٰ بِكُمَا	لِيُتَدَعَّ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی
۱۲	تَدَعَّيْتُنَّ	تُدُعِّيَ بِكُنَّ	تَتَدَعَّيْنَ	تَدَعَّيْنَ	يُتَدَعَّىٰ بِكُنَّ	لِيُتَدَعَّ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع
۱۳	تَدَعَّيْتُ	تُدُعِّيَ بِي	أَتَدَعَّىٰ	لِأَتَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِي	لِيُتَدَعَّ بِي	أَنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده
۱۴	تَدَعَّيْنَا	تُدُعِّيَ بِنَا	نَتَدَعَّىٰ	لِنَتَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِنَا	لِيُتَدَعَّ بِنَا	نَحْنُ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر

تصویر

صفحه ۲۳۸	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَدَعَّیٰ	لا یَتَدَعَّیٰ	اَنْ یَتَدَعَّیٰ	لا یَتَدَعَّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما تَدَعَّیَا	لا یَتَدَعَّیَانِ	اَنْ یَتَدَعَّیَا	لا یَتَدَعَّیَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما تَدَعَّوْا	لا یَتَدَعَّوْنَ	اَنْ یَتَدَعَّوْا	لا یَتَدَعَّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما تَدَعَّتْ	لا تَتَدَعَّیٰ	اَنْ تَتَدَعَّیٰ	لا تَتَدَعَّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِیَ
۵	ما تَدَعَّتَا	لا تَتَدَعَّیَانِ	اَنْ تَتَدَعَّیَا	لا تَتَدَعَّیَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما تَدَعَّیْنَ	لا یَتَدَعَّیْنَ	اَنْ یَتَدَعَّیْنَ	لا یَتَدَعَّیْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما تَدَعَّیْتَ	لا تَتَدَعَّیٰ	اَنْ تَتَدَعَّیٰ	لا تَتَدَعَّ	مخاطب / مذکر / مفرد / اَنْتَ
۸	ما تَدَعَّیْتُمَا	لا تَتَدَعَّیَانِ	اَنْ تَتَدَعَّیَا	لا تَتَدَعَّیَا	مخاطب / مذکر / مثنی / اَنْتُمَا
۹	ما تَدَعَّیْتُمْ	لا تَتَدَعَّوْنَ	اَنْ تَتَدَعَّوْا	لا تَتَدَعَّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / اَنْتُمْ
۱۰	ما تَدَعَّیْتِ	لا تَتَدَعَّیْنَ	اَنْ تَتَدَعَّیْ	لا تَتَدَعَّیْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / اَنْتِ
۱۱	ما تَدَعَّیْتُمَا	لا تَتَدَعَّیَانِ	اَنْ تَتَدَعَّیَا	لا تَتَدَعَّیَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / اَنْتُمَا
۱۲	ما تَدَعَّیْتُنَّ	لا تَتَدَعَّیْنَ	اَنْ تَتَدَعَّیْنَ	لا تَتَدَعَّیْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَدَعَّیْتُ	لا اَتَدَعَّیٰ	اَنْ اَتَدَعَّیٰ	لا اَتَدَعَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد / اَنَا
۱۴	ما تَدَعَّیْنَا	لا نَتَدَعَّیٰ	اَنْ نَتَدَعَّیٰ	لا نَتَدَعَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۳۹	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِ	لِيَتَدَعَّيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَدَعَّيَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَدَعَّوُنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَدَعَّوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهَا	لِتَتَدَعَّيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَدَعَّيَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَدَعَّيْنَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكَ	تَدَعَّيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَعَّيَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَعَّوُنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكُمْ	تَدَعَّوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَعَّيِنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكِ	تَدَعَّيِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَعَّيَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَعَّيْنَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِي	لِأَتَدَعَّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِنَا	لِنَتَدَعَّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

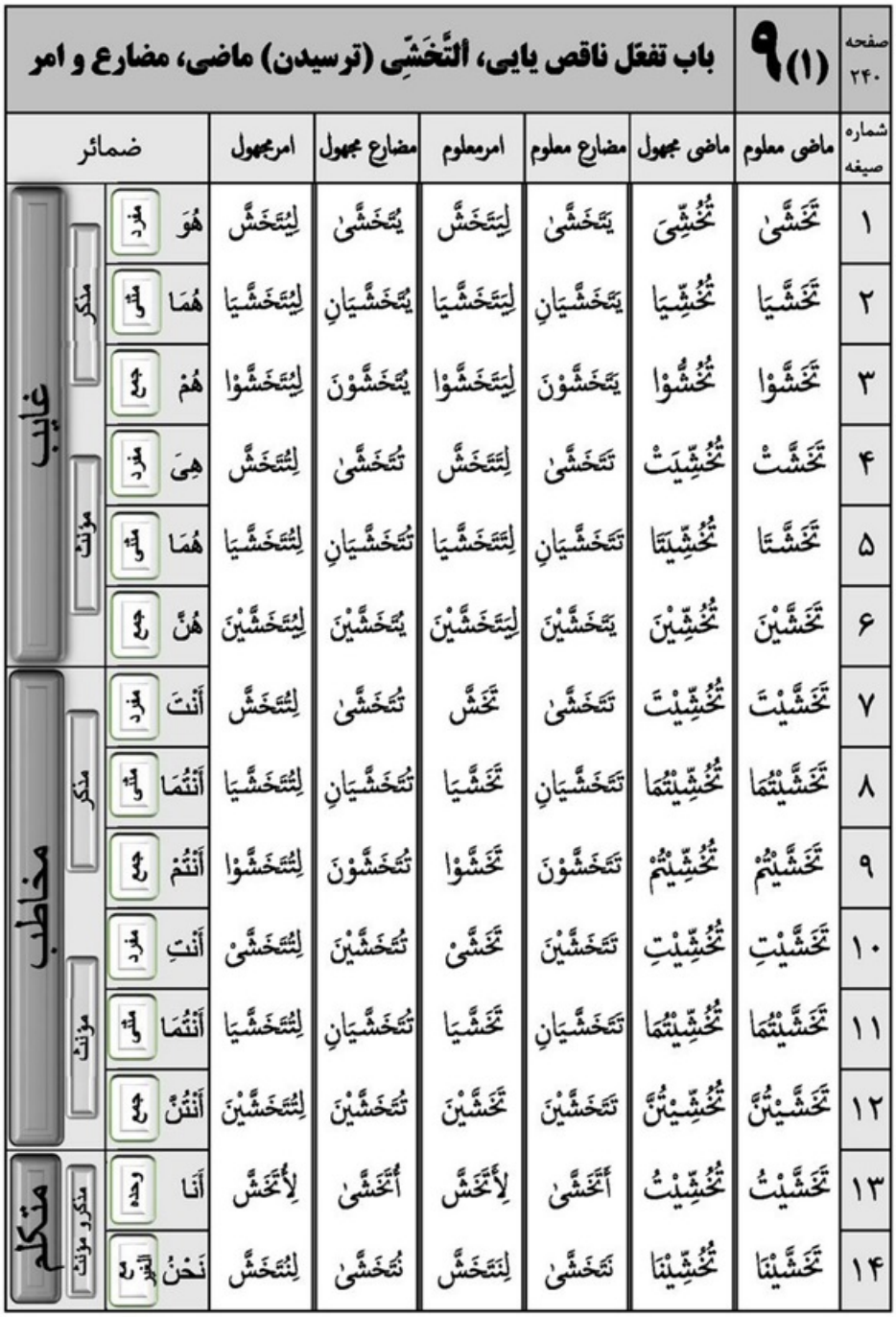

صفحه ۲۴۰	(۱)۹ باب تفعّل ناقص یایی، اَلتَّخَشّی (ترسیدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَخَشَّیٰ	تُخُشِّیَ	یَتَخَشَّیٰ	لِیَتَخَشَّ	یُتَخَشَّیٰ	لِیُتَخَشَّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	تَخَشَّیَا	تُخُشِّیَا	یَتَخَشَّیَانِ	لِیَتَخَشَّیَا	یُتَخَشَّیَانِ	لِیُتَخَشَّیَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	تَخَشَّوْا	تُخُشُّوْا	یَتَخَشَّوْنَ	لِیَتَخَشَّوْا	یُتَخَشَّوْنَ	لِیُتَخَشَّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	تَخَشَّتْ	تُخُشِّیَتْ	تَتَخَشَّیٰ	لِتَتَخَشَّ	تُتَخَشَّیٰ	لِتُتَخَشَّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِیَ
۵	تَخَشَّتَا	تُخُشِّیَتَا	تَتَخَشَّیَانِ	لِتَتَخَشَّیَا	تُتَخَشَّیَانِ	لِتُتَخَشَّیَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	تَخَشَّیْنَ	تُخُشِّیْنَ	یَتَخَشَّیْنَ	لِیَتَخَشَّیْنَ	یُتَخَشَّیْنَ	لِیُتَخَشَّیْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَخَشَّیْتَ	تُخُشِّیْتَ	تَتَخَشَّیٰ	تَخَشَّ	تُتَخَشَّیٰ	لِتُتَخَشَّ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَخَشَّیْتُمَا	تُخُشِّیْتُمَا	تَتَخَشَّیَانِ	تَخَشَّیَا	تُتَخَشَّیَانِ	لِتُتَخَشَّیَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَخَشَّیْتُمْ	تُخُشِّیْتُمْ	تَتَخَشَّوْنَ	تَخَشَّوْا	تُتَخَشَّوْنَ	لِتُتَخَشَّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَخَشَّیْتِ	تُخُشِّیْتِ	تَتَخَشَّیْنَ	تَخَشَّیْ	تُتَخَشَّیْنَ	لِتُتَخَشَّیْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَخَشَّیْتُمَا	تُخُشِّیْتُمَا	تَتَخَشَّیَانِ	تَخَشَّیَا	تُتَخَشَّیَانِ	لِتُتَخَشَّیَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَخَشَّیْتُنَّ	تُخُشِّیْتُنَّ	تَتَخَشَّیْنَ	تَخَشَّیْنَ	تُتَخَشَّیْنَ	لِتُتَخَشَّیْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	تَخَشَّیْتُ	تُخُشِّیْتُ	أَتَخَشَّیٰ	لِأَتَخَشَّ	أُتَخَشَّیٰ	لِأُتَخَشَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	تَخَشَّیْنَا	تُخُشِّیْنَا	نَتَخَشَّیٰ	لِنَتَخَشَّ	نُتَخَشَّیٰ	لِنُتَخَشَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

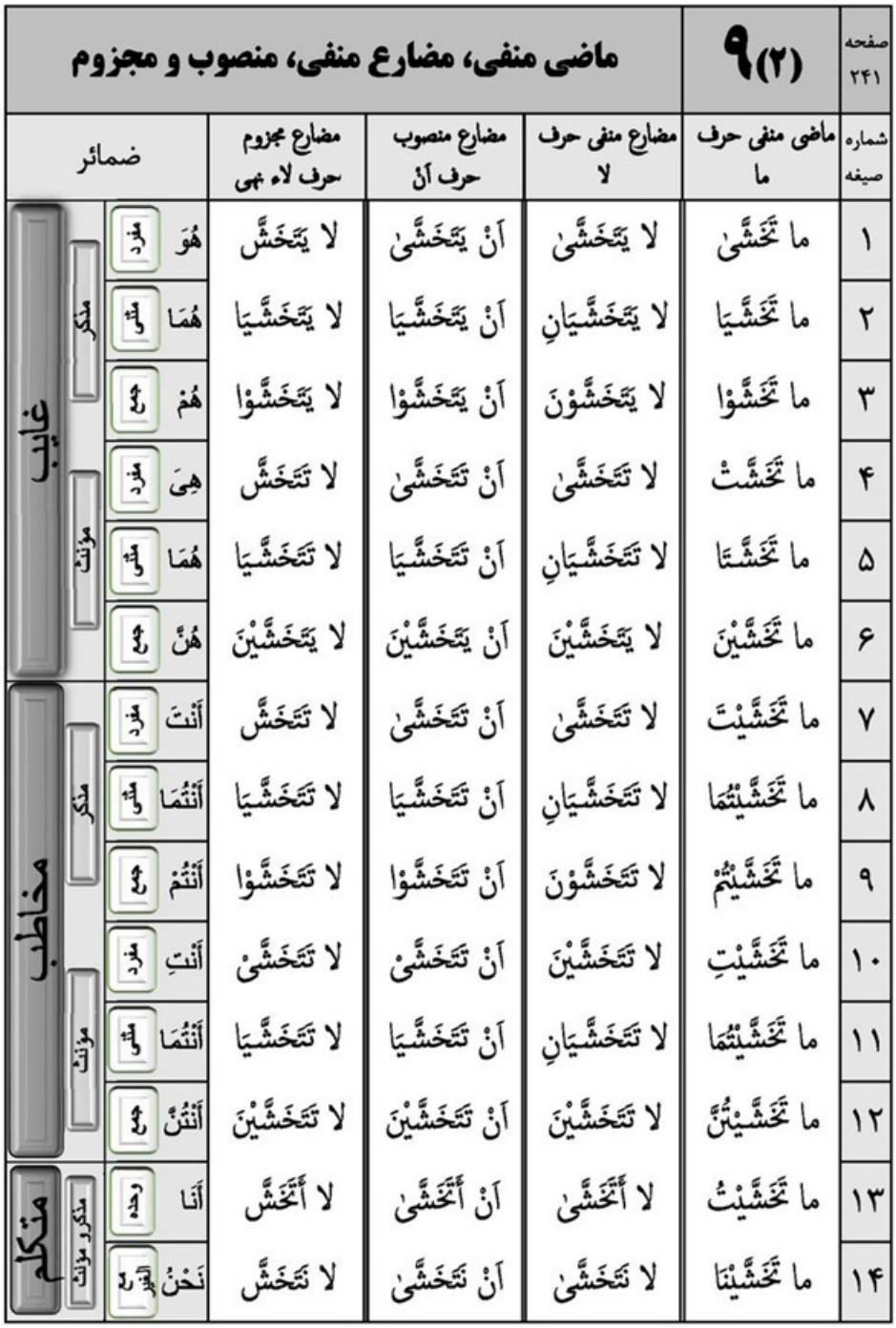

صفحه ۲۴۱	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَخَشَّىٰ	لا يَتَخَشَّىٰ	اَنْ يَتَخَشَّىٰ	لا يَتَخَشَّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما تَخَشَّيَا	لا يَتَخَشَّيَانِ	اَنْ يَتَخَشَّيَا	لا يَتَخَشَّيَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما تَخَشَّوْا	لا يَتَخَشَّوْنَ	اَنْ يَتَخَشَّوْا	لا يَتَخَشَّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما تَخَشَّتْ	لا تَتَخَشَّىٰ	اَنْ تَتَخَشَّىٰ	لا تَتَخَشَّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما تَخَشَّتَا	لا تَتَخَشَّيَانِ	اَنْ تَتَخَشَّيَا	لا تَتَخَشَّيَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما تَخَشَّيْنَ	لا يَتَخَشَّيْنَ	اَنْ يَتَخَشَّيْنَ	لا يَتَخَشَّيْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما تَخَشَّيْتَ	لا تَتَخَشَّىٰ	اَنْ تَتَخَشَّىٰ	لا تَتَخَشَّ	مخاطب / مذکر / مفرد / اَنْتَ
۸	ما تَخَشَّيْتُمَا	لا تَتَخَشَّيَانِ	اَنْ تَتَخَشَّيَا	لا تَتَخَشَّيَا	مخاطب / مذکر / مثنی / اَنْتُمَا
۹	ما تَخَشَّيْتُمْ	لا تَتَخَشَّوْنَ	اَنْ تَتَخَشَّوْا	لا تَتَخَشَّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / اَنْتُمْ
۱۰	ما تَخَشَّيْتِ	لا تَتَخَشَّيْنَ	اَنْ تَتَخَشَّيْ	لا تَتَخَشَّيْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / اَنْتِ
۱۱	ما تَخَشَّيْتُمَا	لا تَتَخَشَّيَانِ	اَنْ تَتَخَشَّيَا	لا تَتَخَشَّيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / اَنْتُمَا
۱۲	ما تَخَشَّيْتُنَّ	لا تَتَخَشَّيْنَ	اَنْ تَتَخَشَّيْنَ	لا تَتَخَشَّيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَخَشَّيْتُ	لا أَتَخَشَّىٰ	اَنْ أَتَخَشَّىٰ	لا أَتَخَشَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / اَنَا
۱۴	ما تَخَشَّيْنَا	لا نَتَخَشَّىٰ	اَنْ نَتَخَشَّىٰ	لا نَتَخَشَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / تثنیه و جمع / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴۲	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَخَشَّيَنَّ	لِيُتَخَشَّيَنَّ	لِيَتَخَشَّيَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَخَشَّيَانِّ	لِيُتَخَشَّيَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَخَشَّوُنَّ	لِيُتَخَشَّوُنَّ	لِيَتَخَشَّوُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَخَشَّيَنَّ	لِتُتَخَشَّيَنَّ	لِتَتَخَشَّيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَخَشَّيَانِّ	لِتُتَخَشَّيَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَخَشَّيْنَانِّ	لِيُتَخَشَّيْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَخَشَّيَنَّ	لِتُتَخَشَّيَنَّ	تَخَشَّيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَخَشَّيَانِّ	لِتُتَخَشَّيَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَخَشَّوُنَّ	لِتُتَخَشَّوُنَّ	تَخَشَّوُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَخَشَّيِنَّ	لِتُتَخَشَّيِنَّ	تَخَشَّيِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَخَشَّيَانِّ	لِتُتَخَشَّيَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَخَشَّيْنَانِّ	لِتُتَخَشَّيْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَخَشَّيَنَّ	لِأُتَخَشَّيَنَّ	لِأَتَخَشَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَخَشَّيَنَّ	لِنُتَخَشَّيَنَّ	لِنَتَخَشَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴۳	(۱) ◆ ۱۰ باب تفعّل لفیف مفروق، اَلتَّوَجّی (سست شدن پا) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَوَجّیٰ	تُوُجِّیَ بِهِ	یَتَوَجّیٰ	لِیَتَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِهِ	لِیُتَوَجَّ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَوَجَّیَا	تُوُجِّیَ بِهِمَا	یَتَوَجَّیَانِ	لِیَتَوَجَّیَا	یُتَوَجّیٰ بِهِمَا	لِیُتَوَجَّ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَوَجَّوْا	تُوُجِّیَ بِهِمْ	یَتَوَجَّوْنَ	لِیَتَوَجَّوْا	یُتَوَجّیٰ بِهِمْ	لِیُتَوَجَّ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَوَجَّتْ	تُوُجِّیَ بِهَا	تَتَوَجّیٰ	لِتَتَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِهَا	لِیُتَوَجَّ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَوَجَّتَا	تُوُجِّیَ بِهِمَا	تَتَوَجَّیَانِ	لِتَتَوَجَّیَا	یُتَوَجّیٰ بِهِمَا	لِیُتَوَجَّ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَوَجَّیْنَ	تُوُجِّیَ بِهِنَّ	یَتَوَجَّیْنَ	لِیَتَوَجَّیْنَ	یُتَوَجّیٰ بِهِنَّ	لِیُتَوَجَّ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَوَجَّیْتَ	تُوُجِّیَ بِکَ	تَتَوَجّیٰ	تَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِکَ	لِیُتَوَجَّ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَوَجَّیْتُمَا	تُوُجِّیَ بِکُمَا	تَتَوَجَّیَانِ	تَوَجَّیَا	یُتَوَجّیٰ بِکُمَا	لِیُتَوَجَّ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَوَجَّیْتُمْ	تُوُجِّیَ بِکُمْ	تَتَوَجَّوْنَ	تَوَجَّوْا	یُتَوَجّیٰ بِکُمْ	لِیُتَوَجَّ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَوَجَّیْتِ	تُوُجِّیَ بِکِ	تَتَوَجَّیْنَ	تَوَجّیْ	یُتَوَجّیٰ بِکِ	لِیُتَوَجَّ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَوَجَّیْتُمَا	تُوُجِّیَ بِکُمَا	تَتَوَجَّیَانِ	تَوَجَّیَا	یُتَوَجّیٰ بِکُمَا	لِیُتَوَجَّ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَوَجَّیْتُنَّ	تُوُجِّیَ بِکُنَّ	تَتَوَجَّیْنَ	تَوَجَّیْنَ	یُتَوَجّیٰ بِکُنَّ	لِیُتَوَجَّ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَوَجَّیْتُ	تُوُجِّیَ بِي	أَتَوَجّیٰ	لِأَتَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِي	لِیُتَوَجَّ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	تَوَجَّیْنَا	تُوُجِّیَ بِنَا	نَتَوَجّیٰ	لِنَتَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِنَا	لِیُتَوَجَّ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۴۴	۱۰ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَوَجَّىٰ	لا يَتَوَجَّىٰ	اَنْ يَتَوَجَّىٰ	لا يَتَوَجَّ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما تَوَجَّيَا	لا يَتَوَجَّيَانِ	اَنْ يَتَوَجَّيَا	لا يَتَوَجَّيَا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما تَوَجَّوْا	لا يَتَوَجَّوْنَ	اَنْ يَتَوَجَّوْا	لا يَتَوَجَّوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما تَوَجَّتْ	لا تَتَوَجَّىٰ	اَنْ تَتَوَجَّىٰ	لا تَتَوَجَّ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما تَوَجَّتَا	لا تَتَوَجَّيَانِ	اَنْ تَتَوَجَّيَا	لا تَتَوَجَّيَا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما تَوَجَّيْنَ	لا يَتَوَجَّيْنَ	اَنْ يَتَوَجَّيْنَ	لا يَتَوَجَّيْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما تَوَجَّيْتَ	لا تَتَوَجَّىٰ	اَنْ تَتَوَجَّىٰ	لا تَتَوَجَّ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	ما تَوَجَّيْتُمَا	لا تَتَوَجَّيَانِ	اَنْ تَتَوَجَّيَا	لا تَتَوَجَّيَا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما تَوَجَّيْتُمْ	لا تَتَوَجَّوْنَ	اَنْ تَتَوَجَّوْا	لا تَتَوَجَّوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما تَوَجَّيْتِ	لا تَتَوَجَّيْنَ	اَنْ تَتَوَجَّيْ	لا تَتَوَجَّيْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما تَوَجَّيْتُمَا	لا تَتَوَجَّيَانِ	اَنْ تَتَوَجَّيَا	لا تَتَوَجَّيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما تَوَجَّيْتُنَّ	لا تَتَوَجَّيْنَ	اَنْ تَتَوَجَّيْنَ	لا تَتَوَجَّيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَوَجَّيْتُ	لا أَتَوَجَّىٰ	اَنْ أَتَوَجَّىٰ	لا أَتَوَجَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	ما تَوَجَّيْنَا	لا نَتَوَجَّىٰ	اَنْ نَتَوَجَّىٰ	لا نَتَوَجَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴۵	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِ	لِيَتَوَجَّيَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَوَجَّيَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَوَجَّوُنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَوَجَّوُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهَا	لِتَتَوَجَّيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَوَجَّيَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَوَجَّيْنَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكَ	تَوَجَّيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَوَجَّيَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَوَجَّوُنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكُمْ	تَوَجَّوُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَوَجِّينَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكِ	تَوَجِّينْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَوَجَّيَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَوَجَّيْنَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِي	لِأَتَوَجَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِنَا	لِنَتَوَجَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

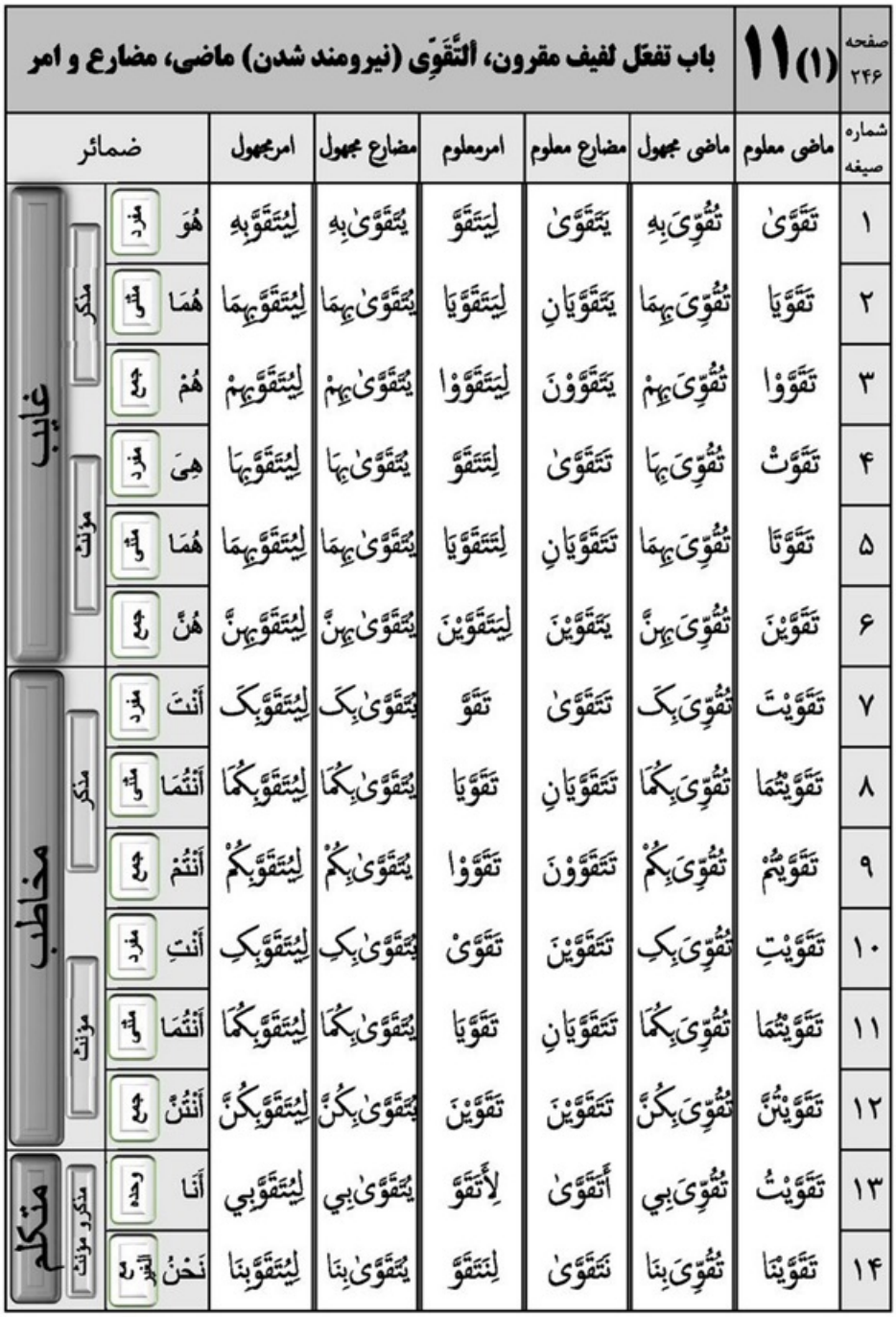

صفحه ۲۴۶	۱۱ (۱) باب تفعّل لفیف مقرون، اَلتَّقَوِّی (نیرومند شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَقَوَّیٰ	تُقُوِّیَ بِهِ	یَتَقَوَّیٰ	لِیَتَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِهِ	لِیُتَقَوَّ بِهِ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	تَقَوَّیَا	تُقُوِّیَ بِهِمَا	یَتَقَوَّیَانِ	لِیَتَقَوَّیَا	یُتَقَوَّیٰ بِهِمَا	لِیُتَقَوَّ بِهِمَا	غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	تَقَوَّوْا	تُقُوِّیَ بِهِمْ	یَتَقَوَّوْنَ	لِیَتَقَوَّوْا	یُتَقَوَّیٰ بِهِمْ	لِیُتَقَوَّ بِهِمْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	تَقَوَّتْ	تُقُوِّیَ بِهَا	تَتَقَوَّیٰ	لِتَتَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِهَا	لِیُتَقَوَّ بِهَا	غایب: مؤنث: مفرد: هِیَ
۵	تَقَوَّتَا	تُقُوِّیَ بِهِمَا	تَتَقَوَّیَانِ	لِتَتَقَوَّیَا	یُتَقَوَّیٰ بِهِمَا	لِیُتَقَوَّ بِهِمَا	غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	تَقَوَّیْنَ	تُقُوِّیَ بِهِنَّ	یَتَقَوَّیْنَ	لِیَتَقَوَّیْنَ	یُتَقَوَّیٰ بِهِنَّ	لِیُتَقَوَّ بِهِنَّ	غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	تَقَوَّیْتَ	تُقُوِّیَ بِکَ	تَتَقَوَّیٰ	تَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِکَ	لِیُتَقَوَّ بِکَ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	تَقَوَّیْتُمَا	تُقُوِّیَ بِکُمَا	تَتَقَوَّیَانِ	تَقَوَّیَا	یُتَقَوَّیٰ بِکُمَا	لِیُتَقَوَّ بِکُمَا	مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	تَقَوَّیْتُمْ	تُقُوِّیَ بِکُمْ	تَتَقَوَّوْنَ	تَقَوَّوْا	یُتَقَوَّیٰ بِکُمْ	لِیُتَقَوَّ بِکُمْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	تَقَوَّیْتِ	تُقُوِّیَ بِکِ	تَتَقَوَّیْنَ	تَقَوَّیْ	یُتَقَوَّیٰ بِکِ	لِیُتَقَوَّ بِکِ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	تَقَوَّیْتُمَا	تُقُوِّیَ بِکُمَا	تَتَقَوَّیَانِ	تَقَوَّیَا	یُتَقَوَّیٰ بِکُمَا	لِیُتَقَوَّ بِکُمَا	مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	تَقَوَّیْتُنَّ	تُقُوِّیَ بِکُنَّ	تَتَقَوَّیْنَ	تَقَوَّیْنَ	یُتَقَوَّیٰ بِکُنَّ	لِیُتَقَوَّ بِکُنَّ	مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	تَقَوَّیْتُ	تُقُوِّیَ بِي	أَتَقَوَّیٰ	لِأَتَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِي	لِیُتَقَوَّ بِي	متکلم: مذکر و مؤنث: مفرد: أَنَا
۱۴	تَقَوَّیْنَا	تُقُوِّیَ بِنَا	نَتَقَوَّیٰ	لِنَتَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِنَا	لِیُتَقَوَّ بِنَا	متکلم: مذکر و مؤنث: جمع: نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴۷	۱۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَقَوَّیٰ	لا یَتَقَوَّیٰ	اَنْ یَتَقَوَّیٰ	لا یَتَقَوَّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما تَقَوَّیَا	لا یَتَقَوَّیَانِ	اَنْ یَتَقَوَّیَا	لا یَتَقَوَّیَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما تَقَوَّوْا	لا یَتَقَوَّوْنَ	اَنْ یَتَقَوَّوْا	لا یَتَقَوَّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما تَقَوَّتْ	لا تَتَقَوَّیٰ	اَنْ تَتَقَوَّیٰ	لا تَتَقَوَّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِیَ
۵	ما تَقَوَّتَا	لا تَتَقَوَّیَانِ	اَنْ تَتَقَوَّیَا	لا تَتَقَوَّیَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما تَقَوَّیْنَ	لا یَتَقَوَّیْنَ	اَنْ یَتَقَوَّیْنَ	لا یَتَقَوَّیْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما تَقَوَّیْتَ	لا تَتَقَوَّیٰ	اَنْ تَتَقَوَّیٰ	لا تَتَقَوَّ	مخاطب / مذکر / مفرد / اَنْتَ
۸	ما تَقَوَّیْتُمَا	لا تَتَقَوَّیَانِ	اَنْ تَتَقَوَّیَا	لا تَتَقَوَّیَا	مخاطب / مذکر / مثنی / اَنْتُمَا
۹	ما تَقَوَّیْتُمْ	لا تَتَقَوَّوْنَ	اَنْ تَتَقَوَّوْا	لا تَتَقَوَّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / اَنْتُمْ
۱۰	ما تَقَوَّیْتِ	لا تَتَقَوَّیْنَ	اَنْ تَتَقَوَّیْ	لا تَتَقَوَّیْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / اَنْتِ
۱۱	ما تَقَوَّیْتُمَا	لا تَتَقَوَّیَانِ	اَنْ تَتَقَوَّیَا	لا تَتَقَوَّیَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / اَنْتُمَا
۱۲	ما تَقَوَّیْتُنَّ	لا تَتَقَوَّیْنَ	اَنْ تَتَقَوَّیْنَ	لا تَتَقَوَّیْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَقَوَّیْتُ	لا اَتَقَوَّیٰ	اَنْ اَتَقَوَّیٰ	لا اَتَقَوَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / اَنَا
۱۴	ما تَقَوَّیْنَا	لا نَتَقَوَّیٰ	اَنْ نَتَقَوَّیٰ	لا نَتَقَوَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر وحده / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴۸	نون تأکید (۳) ۱۱				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَتَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِ	لِيَتَقَوَّيَنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَتَقَوَّيَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَتَقَوَّوُنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَقَوَّوُنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَتَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهَا	لِتَتَقَوَّيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَتَقَوَّيَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَتَقَوَّيْنَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	تَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكَ	تَقَوَّيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	تَقَوَّيَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	تَقَوَّوُنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكُمْ	تَقَوَّوُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَقَوَّيِنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكِ	تَقَوَّيِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَقَوَّيَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	تَقَوَّيْنَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِي	لِأَتَقَوَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنَتَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِنَا	لِنَتَقَوَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

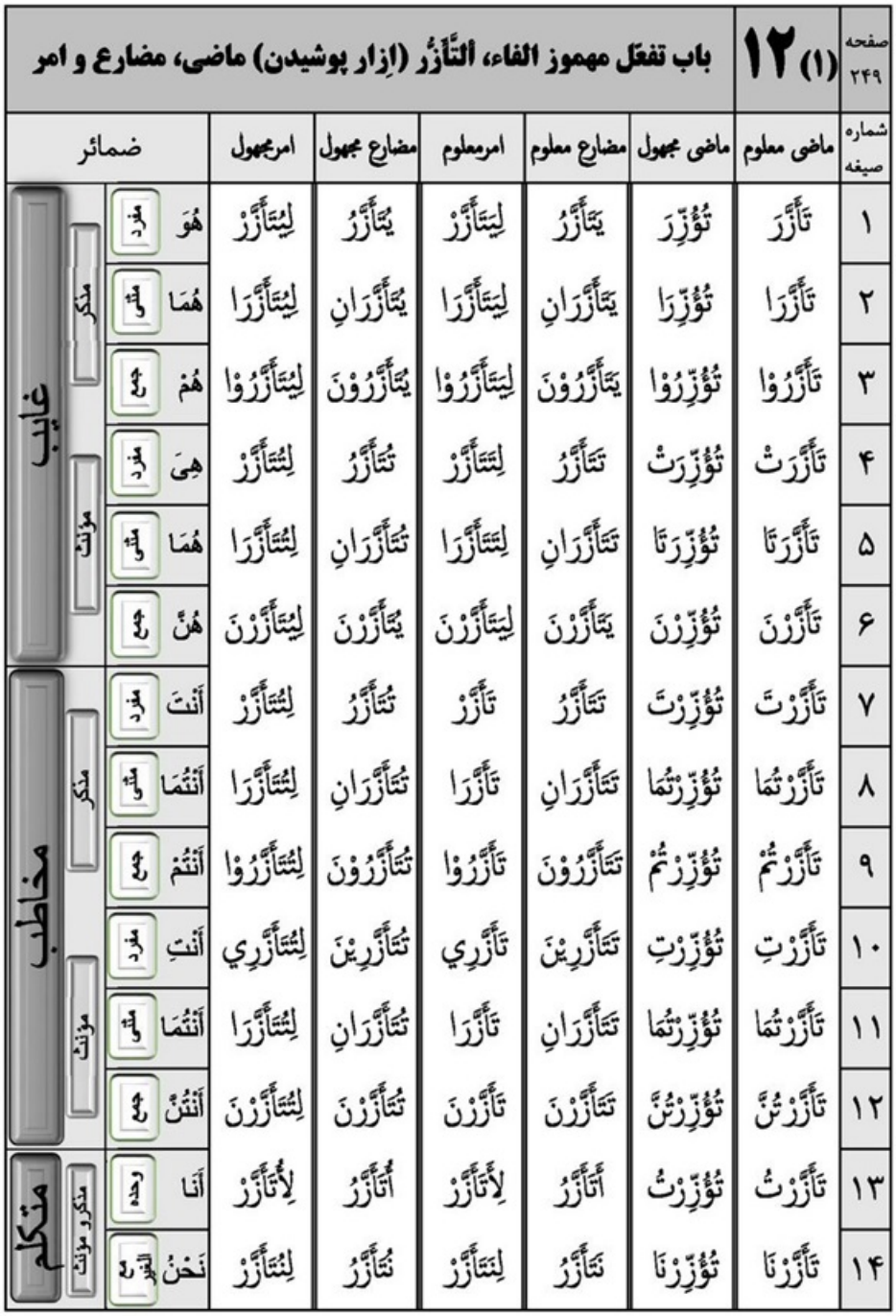

صفحه ۲۴۹	۱۲ (۱)	باب تفعّل مهموز الفاء، اَلتَّأَزُّر (اِزار پوشیدن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَأَزَّرَ	تُؤُزِّرَ	يَتَأَزَّرُ	لِيَتَأَزَّرْ	يُتَأَزَّرُ	لِيُتَأَزَّرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَأَزَّرَا	تُؤُزِّرَا	يَتَأَزَّرَانِ	لِيَتَأَزَّرَا	يُتَأَزَّرَانِ	لِيُتَأَزَّرَا	غایب — مذکر — تثنیه — هُمَا
۳	تَأَزَّرُوْا	تُؤُزِّرُوْا	يَتَأَزَّرُوْنَ	لِيَتَأَزَّرُوْا	يُتَأَزَّرُوْنَ	لِيُتَأَزَّرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَأَزَّرَتْ	تُؤُزِّرَتْ	تَتَأَزَّرُ	لِتَتَأَزَّرْ	تُتَأَزَّرُ	لِتُتَأَزَّرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَأَزَّرَتَا	تُؤُزِّرَتَا	تَتَأَزَّرَانِ	لِتَتَأَزَّرَا	تُتَأَزَّرَانِ	لِتُتَأَزَّرَا	غایب — مؤنث — تثنیه — هُمَا
۶	تَأَزَّرْنَ	تُؤُزِّرْنَ	يَتَأَزَّرْنَ	لِيَتَأَزَّرْنَ	يُتَأَزَّرْنَ	لِيُتَأَزَّرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَأَزَّرْتَ	تُؤُزِّرْتَ	تَتَأَزَّرُ	تَأَزَّرْ	تُتَأَزَّرُ	لِتُتَأَزَّرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَأَزَّرْتُمَا	تُؤُزِّرْتُمَا	تَتَأَزَّرَانِ	تَأَزَّرَا	تُتَأَزَّرَانِ	لِتُتَأَزَّرَا	مخاطب — مذکر — تثنیه — أَنْتُمَا
۹	تَأَزَّرْتُمْ	تُؤُزِّرْتُمْ	تَتَأَزَّرُوْنَ	تَأَزَّرُوْا	تُتَأَزَّرُوْنَ	لِتُتَأَزَّرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَأَزَّرْتِ	تُؤُزِّرْتِ	تَتَأَزَّرِيْنَ	تَأَزَّرِي	تُتَأَزَّرِيْنَ	لِتُتَأَزَّرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَأَزَّرْتُمَا	تُؤُزِّرْتُمَا	تَتَأَزَّرَانِ	تَأَزَّرَا	تُتَأَزَّرَانِ	لِتُتَأَزَّرَا	مخاطب — مؤنث — تثنیه — أَنْتُمَا
۱۲	تَأَزَّرْتُنَّ	تُؤُزِّرْتُنَّ	تَتَأَزَّرْنَ	تَأَزَّرْنَ	تُتَأَزَّرْنَ	لِتُتَأَزَّرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَأَزَّرْتُ	تُؤُزِّرْتُ	أَتَأَزَّرُ	لِأَتَأَزَّرْ	أُتَأَزَّرُ	لِأُتَأَزَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَأَزَّرْنَا	تُؤُزِّرْنَا	نَتَأَزَّرُ	لِنَتَأَزَّرْ	نُتَأَزَّرُ	لِنُتَأَزَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۵۰	۱۲ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَأَزَّرَ	لا يَتَأَزَّرُ	اَنْ يَتَأَزَّرَ	لا يَتَأَزَّرْ	غایب	هُوَ (مفرد مذکر)
۲	ما تَأَزَّرَا	لا يَتَأَزَّرَانِ	اَنْ يَتَأَزَّرَا	لا يَتَأَزَّرَا		هُمَا (مثنی مذکر)
۳	ما تَأَزَّرُوْا	لا يَتَأَزَّرُوْنَ	اَنْ يَتَأَزَّرُوْا	لا يَتَأَزَّرُوْا		هُمْ (جمع مذکر)
۴	ما تَأَزَّرَتْ	لا تَتَأَزَّرُ	اَنْ تَتَأَزَّرَ	لا تَتَأَزَّرْ		هِيَ (مفرد مؤنث)
۵	ما تَأَزَّرَتَا	لا تَتَأَزَّرَانِ	اَنْ تَتَأَزَّرَا	لا تَتَأَزَّرَا		هُمَا (مثنی مؤنث)
۶	ما تَأَزَّرْنَ	لا يَتَأَزَّرْنَ	اَنْ يَتَأَزَّرْنَ	لا يَتَأَزَّرْنَ		هُنَّ (جمع مؤنث)
۷	ما تَأَزَّرْتَ	لا تَتَأَزَّرُ	اَنْ تَتَأَزَّرَ	لا تَتَأَزَّرْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد مذکر)
۸	ما تَأَزَّرْتُمَا	لا تَتَأَزَّرَانِ	اَنْ تَتَأَزَّرَا	لا تَتَأَزَّرَا		اَنْتُمَا (مثنی مذکر)
۹	ما تَأَزَّرْتُمْ	لا تَتَأَزَّرُوْنَ	اَنْ تَتَأَزَّرُوْا	لا تَتَأَزَّرُوْا		اَنْتُمْ (جمع مذکر)
۱۰	ما تَأَزَّرْتِ	لا تَتَأَزَّرِيْنَ	اَنْ تَتَأَزَّرِي	لا تَتَأَزَّرِي		اَنْتِ (مفرد مؤنث)
۱۱	ما تَأَزَّرْتُمَا	لا تَتَأَزَّرَانِ	اَنْ تَتَأَزَّرَا	لا تَتَأَزَّرَا		اَنْتُمَا (مثنی مؤنث)
۱۲	ما تَأَزَّرْتُنَّ	لا تَتَأَزَّرْنَ	اَنْ تَتَأَزَّرْنَ	لا تَتَأَزَّرْنَ		اَنْتُنَّ (جمع مؤنث)
۱۳	ما تَأَزَّرْتُ	لا أَتَأَزَّرُ	اَنْ أَتَأَزَّرَ	لا أَتَأَزَّرْ	متکلم	اَنَا (واحد مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَأَزَّرْنَا	لا نَتَأَزَّرُ	اَنْ نَتَأَزَّرَ	لا نَتَأَزَّرْ		نَحْنُ (جمع مذکر و مؤنث)

تصویر



صفحه ۲۵۱	۱۲ (۳) نون تأکید				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَتَأَزَّرَنَّ	لِيُتَأَزَّرَنَّ	لِيَتَأَزَّرَنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَتَأَزَّرَانِّ	لِيُتَأَزَّرَانِّ		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَتَأَزَّرُنَّ	لِيُتَأَزَّرُنَّ	لِيَتَأَزَّرُنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَتَأَزَّرَنَّ	لِتُتَأَزَّرَنَّ	لِتَتَأَزَّرَنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَتَأَزَّرَانِّ	لِتُتَأَزَّرَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَتَأَزَّرْنَانِّ	لِيُتَأَزَّرْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	تَأَزَّرَنَّ	لِتُتَأَزَّرَنَّ	تَأَزَّرَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	تَأَزَّرَانِّ	لِتُتَأَزَّرَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	تَأَزَّرُنَّ	لِتُتَأَزَّرُنَّ	تَأَزَّرُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَأَزَّرِنَّ	لِتُتَأَزَّرِنَّ	تَأَزَّرِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَأَزَّرَانِّ	لِتُتَأَزَّرَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	تَأَزَّرْنَانِّ	لِتُتَأَزَّرْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَأَزَّرَنَّ	لِأُتَأَزَّرَنَّ	لِأَتَأَزَّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنَتَأَزَّرَنَّ	لِنُتَأَزَّرَنَّ	لِنَتَأَزَّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

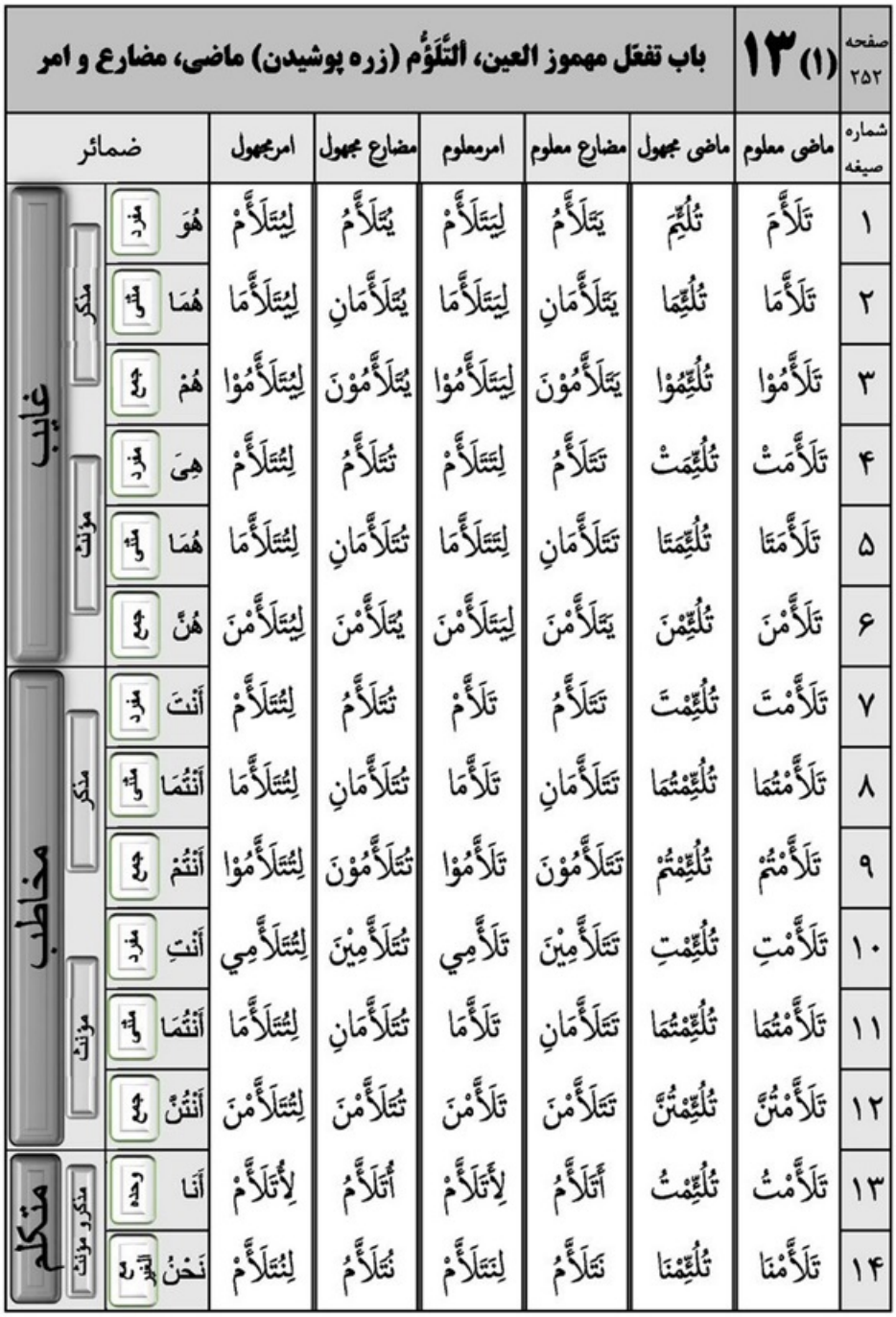

صفحه ۲۵۲	۱۳ (۱) باب تفعّل مهموز العين، اَلتَّلَؤُّم (زره پوشيدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صيغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَلَأَّمَ	تُلُئِّمَ	يَتَلَأَّمُ	لِيَتَلَأَّمْ	يُتَلَأَّمُ	لِيُتَلَأَّمْ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	تَلَأَّمَا	تُلُئِّمَا	يَتَلَأَّمَانِ	لِيَتَلَأَّمَا	يُتَلَأَّمَانِ	لِيُتَلَأَّمَا	غايب — مذكر — مثنی — هُمَا
۳	تَلَأَّمُوْا	تُلُئِّمُوْا	يَتَلَأَّمُوْنَ	لِيَتَلَأَّمُوْا	يُتَلَأَّمُوْنَ	لِيُتَلَأَّمُوْا	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	تَلَأَّمَتْ	تُلُئِّمَتْ	تَتَلَأَّمُ	لِتَتَلَأَّمْ	تُتَلَأَّمُ	لِتُتَلَأَّمْ	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَلَأَّمَتَا	تُلُئِّمَتَا	تَتَلَأَّمَانِ	لِتَتَلَأَّمَا	تُتَلَأَّمَانِ	لِتُتَلَأَّمَا	غايب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَلَأَّمْنَ	تُلُئِّمْنَ	يَتَلَأَّمْنَ	لِيَتَلَأَّمْنَ	يُتَلَأَّمْنَ	لِيُتَلَأَّمْنَ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَلَأَّمْتَ	تُلُئِّمْتَ	تَتَلَأَّمُ	تَلَأَّمْ	تُتَلَأَّمُ	لِتُتَلَأَّمْ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَلَأَّمْتُمَا	تُلُئِّمْتُمَا	تَتَلَأَّمَانِ	تَلَأَّمَا	تُتَلَأَّمَانِ	لِتُتَلَأَّمَا	مخاطب — مذكر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَلَأَّمْتُمْ	تُلُئِّمْتُمْ	تَتَلَأَّمُوْنَ	تَلَأَّمُوْا	تُتَلَأَّمُوْنَ	لِتُتَلَأَّمُوْا	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَلَأَّمْتِ	تُلُئِّمْتِ	تَتَلَأَّمِيْنَ	تَلَأَّمِي	تُتَلَأَّمِيْنَ	لِتُتَلَأَّمِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَلَأَّمْتُمَا	تُلُئِّمْتُمَا	تَتَلَأَّمَانِ	تَلَأَّمَا	تُتَلَأَّمَانِ	لِتُتَلَأَّمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَلَأَّمْتُنَّ	تُلُئِّمْتُنَّ	تَتَلَأَّمْنَ	تَلَأَّمْنَ	تُتَلَأَّمْنَ	لِتُتَلَأَّمْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَلَأَّمْتُ	تُلُئِّمْتُ	أَتَلَأَّمُ	لِأَتَلَأَّمْ	أُتَلَأَّمُ	لِأُتَلَأَّمْ	متكلم — مذكر و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	تَلَأَّمْنَا	تُلُئِّمْنَا	نَتَلَأَّمُ	لِنَتَلَأَّمْ	نُتَلَأَّمُ	لِنُتَلَأَّمْ	متكلم — مذكر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

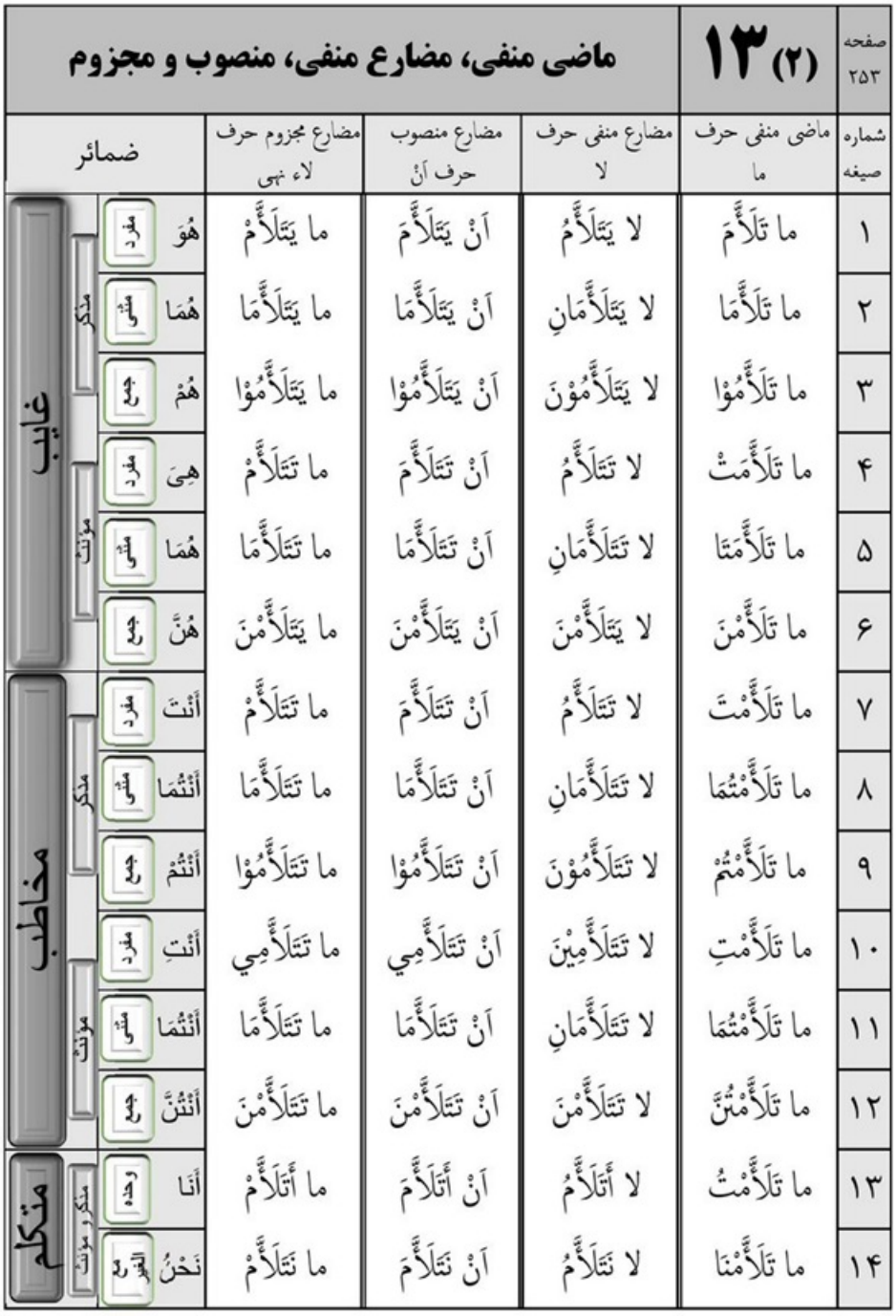

صفحه ۲۵۳	۱۳ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَلَأَّمَ	لا يَتَلَأَّمُ	اَنْ يَتَلَأَّمَ	ما يَتَلَأَّمْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما تَلَأَّمَا	لا يَتَلَأَّمَانِ	اَنْ يَتَلَأَّمَا	ما يَتَلَأَّمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما تَلَأَّمُوْا	لا يَتَلَأَّمُوْنَ	اَنْ يَتَلَأَّمُوْا	ما يَتَلَأَّمُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما تَلَأَّمَتْ	لا تَتَلَأَّمُ	اَنْ تَتَلَأَّمَ	ما تَتَلَأَّمْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما تَلَأَّمَتَا	لا تَتَلَأَّمَانِ	اَنْ تَتَلَأَّمَا	ما تَتَلَأَّمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما تَلَأَّمْنَ	لا يَتَلَأَّمْنَ	اَنْ يَتَلَأَّمْنَ	ما يَتَلَأَّمْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما تَلَأَّمْتَ	لا تَتَلَأَّمُ	اَنْ تَتَلَأَّمَ	ما تَتَلَأَّمْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	ما تَلَأَّمْتُمَا	لا تَتَلَأَّمَانِ	اَنْ تَتَلَأَّمَا	ما تَتَلَأَّمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	ما تَلَأَّمْتُمْ	لا تَتَلَأَّمُوْنَ	اَنْ تَتَلَأَّمُوْا	ما تَتَلَأَّمُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	ما تَلَأَّمْتِ	لا تَتَلَأَّمِيْنَ	اَنْ تَتَلَأَّمِي	ما تَتَلَأَّمِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	ما تَلَأَّمْتُمَا	لا تَتَلَأَّمَانِ	اَنْ تَتَلَأَّمَا	ما تَتَلَأَّمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	ما تَلَأَّمْتُنَّ	لا تَتَلَأَّمْنَ	اَنْ تَتَلَأَّمْنَ	ما تَتَلَأَّمْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَلَأَّمْتُ	لا أَتَلَأَّمُ	اَنْ أَتَلَأَّمَ	ما أَتَلَأَّمْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد / أَنَا
۱۴	ما تَلَأَّمْنَا	لا نَتَلَأَّمُ	اَنْ نَتَلَأَّمَ	ما نَتَلَأَّمْ	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۵۴	۱۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَلَأَّمَنَّ	لِيُتَلَأَّمَنَّ	لِيَتَلَأَّمَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَلَأَّمَانِّ	لِيُتَلَأَّمَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَلَأَّمُنَّ	لِيُتَلَأَّمُنَّ	لِيَتَلَأَّمُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَلَأَّمَنَّ	لِتُتَلَأَّمَنَّ	لِتَتَلَأَّمَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَلَأَّمَانِّ	لِتُتَلَأَّمَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَلَأَّمْنَانِّ	لِيُتَلَأَّمْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَلَأَّمَنَّ	لِتُتَلَأَّمَنَّ	تَلَأَّمَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَلَأَّمَانِّ	لِتُتَلَأَّمَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَلَأَّمُنَّ	لِتُتَلَأَّمُنَّ	تَلَأَّمُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَلَأَّمِنَّ	لِتُتَلَأَّمِنَّ	تَلَأَّمِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَلَأَّمَانِّ	لِتُتَلَأَّمَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَلَأَّمْنَانِّ	لِتُتَلَأَّمْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَلَأَّمَنَّ	لِأُتَلَأَّمَنَّ	لِأَتَلَأَّمَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَلَأَّمَنَّ	لِنُتَلَأَّمَنَّ	لِنَتَلَأَّمَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

ص: ۲۵۴

تصویر

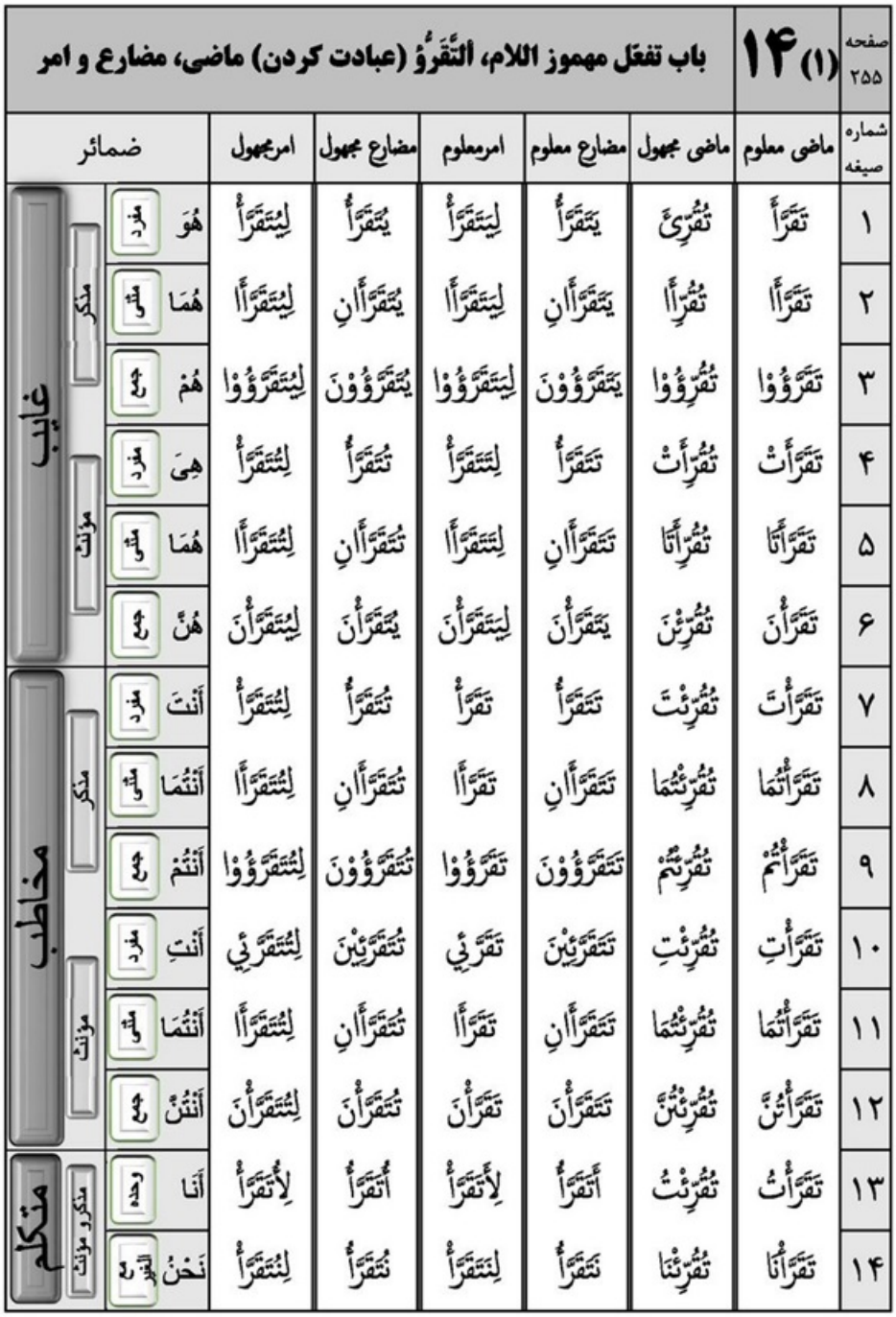

صفحه ۲۵۵	۱۴ (۱) باب تفعّل مهموز اللام، اَلتَّقَرُّؤ (عبادت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَقَرَّأَ	تُقُرِّئَ	يَتَقَرَّأُ	لِيَتَقَرَّأْ	يُتَقَرَّأُ	لِيُتَقَرَّأْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَقَرَّأَا	تُقُرِّأَا	يَتَقَرَّأَانِ	لِيَتَقَرَّأَا	يُتَقَرَّأَانِ	لِيُتَقَرَّأَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَقَرَّؤُوْا	تُقُرِّؤُوْا	يَتَقَرَّؤُوْنَ	لِيَتَقَرَّؤُوْا	يُتَقَرَّؤُوْنَ	لِيُتَقَرَّؤُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَقَرَّأَتْ	تُقُرِّأَتْ	تَتَقَرَّأُ	لِتَتَقَرَّأْ	تُتَقَرَّأُ	لِتُتَقَرَّأْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَقَرَّأَتَا	تُقُرِّأَتَا	تَتَقَرَّأَانِ	لِتَتَقَرَّأَا	تُتَقَرَّأَانِ	لِتُتَقَرَّأَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَقَرَّأْنَ	تُقُرِّئْنَ	يَتَقَرَّأْنَ	لِيَتَقَرَّأْنَ	يُتَقَرَّأْنَ	لِيُتَقَرَّأْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَقَرَّأْتَ	تُقُرِّئْتَ	تَتَقَرَّأُ	تَقَرَّأْ	تُتَقَرَّأُ	لِتُتَقَرَّأْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَقَرَّأْتُمَا	تُقُرِّئْتُمَا	تَتَقَرَّأَانِ	تَقَرَّأَا	تُتَقَرَّأَانِ	لِتُتَقَرَّأَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَقَرَّأْتُمْ	تُقُرِّئْتُمْ	تَتَقَرَّؤُوْنَ	تَقَرَّؤُوْا	تُتَقَرَّؤُوْنَ	لِتُتَقَرَّؤُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَقَرَّأْتِ	تُقُرِّئْتِ	تَتَقَرَّئِيْنَ	تَقَرَّئِي	تُتَقَرَّئِيْنَ	لِتُتَقَرَّئِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَقَرَّأْتُمَا	تُقُرِّئْتُمَا	تَتَقَرَّأَانِ	تَقَرَّأَا	تُتَقَرَّأَانِ	لِتُتَقَرَّأَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَقَرَّأْتُنَّ	تُقُرِّئْتُنَّ	تَتَقَرَّأْنَ	تَقَرَّأْنَ	تُتَقَرَّأْنَ	لِتُتَقَرَّأْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَقَرَّأْتُ	تُقُرِّئْتُ	أَتَقَرَّأُ	لِأَتَقَرَّأْ	أُتَقَرَّأُ	لِأُتَقَرَّأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَقَرَّأْنَا	تُقُرِّئْنَا	نَتَقَرَّأُ	لِنَتَقَرَّأْ	نُتَقَرَّأُ	لِنُتَقَرَّأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۵۶	۱۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر		
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی			
۱	ما تَقَرَّأَ	لا يَتَقَرَّأُ	اَنْ يَتَقَرَّأَ	لا يَتَقَرَّأْ	هُوَ	مفرد	غایب: مذکر
۲	ما تَقَرَّأَا	لا يَتَقَرَّأَانِ	اَنْ يَتَقَرَّأَا	لا يَتَقَرَّأَا	هُمَا	مثنی	
۳	ما تَقَرَّؤُوْا	لا يَتَقَرَّؤُوْنَ	اَنْ يَتَقَرَّؤُوْا	لا يَتَقَرَّؤُوْا	هُمْ	جمع	
۴	ما تَقَرَّأَتْ	لا تَتَقَرَّأُ	اَنْ تَتَقَرَّأَ	لا تَتَقَرَّأْ	هِيَ	مفرد	غایب: مؤنث
۵	ما تَقَرَّأَتَا	لا تَتَقَرَّأَانِ	اَنْ تَتَقَرَّأَا	لا تَتَقَرَّأَا	هُمَا	مثنی	
۶	ما تَقَرَّأْنَ	لا يَتَقَرَّأْنَ	اَنْ يَتَقَرَّأْنَ	لا يَتَقَرَّأْنَ	هُنَّ	جمع	
۷	ما تَقَرَّأْتَ	لا تَتَقَرَّأُ	اَنْ تَتَقَرَّأَ	لا تَتَقَرَّأْ	أَنْتَ	مفرد	مخاطب: مذکر
۸	ما تَقَرَّأْتُمَا	لا تَتَقَرَّأَانِ	اَنْ تَتَقَرَّأَا	لا تَتَقَرَّأَا	أَنْتُمَا	مثنی	
۹	ما تَقَرَّأْتُمْ	لا تَتَقَرَّؤُوْنَ	اَنْ تَتَقَرَّؤُوْا	لا تَتَقَرَّؤُوْا	أَنْتُمْ	جمع	
۱۰	ما تَقَرَّأْتِ	لا تَتَقَرَّئِيْنَ	اَنْ تَتَقَرَّئِي	لا تَتَقَرَّئِي	أَنْتِ	مفرد	مخاطب: مؤنث
۱۱	ما تَقَرَّأْتُمَا	لا تَتَقَرَّأَانِ	اَنْ تَتَقَرَّأَا	لا تَتَقَرَّأَا	أَنْتُمَا	مثنی	
۱۲	ما تَقَرَّأْتُنَّ	لا تَتَقَرَّأْنَ	اَنْ تَتَقَرَّأْنَ	لا تَتَقَرَّأْنَ	أَنْتُنَّ	جمع	
۱۳	ما تَقَرَّأْتُ	لا أَتَقَرَّأُ	اَنْ أَتَقَرَّأَ	لا أَتَقَرَّأْ	أَنَا	واحد	متکلم: مذکر و مؤنث
۱۴	ما تَقَرَّأْنَا	لا نَتَقَرَّأُ	اَنْ نَتَقَرَّأَ	لا نَتَقَرَّأْ	نَحْنُ	جمع	

ص: ۲۵۶

تصویر



صفحه ۲۵۷	۱۴ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَقَرَّأَنَّ	لِيُتَقَرَّأَنَّ	لِيَتَقَرَّأَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَقَرَّأَانِّ	لِيُتَقَرَّأَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَقَرَّؤُنَّ	لِيُتَقَرَّؤُنَّ	لِيَتَقَرَّؤُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَقَرَّأَنَّ	لِتُتَقَرَّأَنَّ	لِتَتَقَرَّأَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَقَرَّأَانِّ	لِتُتَقَرَّأَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَقَرَّأْنَانِّ	لِيُتَقَرَّأْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَقَرَّأَنَّ	لِتُتَقَرَّأَنَّ	تَقَرَّأَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَقَرَّأَانِّ	لِتُتَقَرَّأَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَقَرَّؤُنَّ	لِتُتَقَرَّؤُنَّ	تَقَرَّؤُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَقَرَّئِنَّ	لِتُتَقَرَّئِنَّ	تَقَرَّئِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَقَرَّأَانِّ	لِتُتَقَرَّأَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَقَرَّأْنَانِّ	لِتُتَقَرَّأْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَقَرَّأَنَّ	لِأُتَقَرَّأَنَّ	لِأَتَقَرَّأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَقَرَّأَنَّ	لِنُتَقَرَّأَنَّ	لِنَتَقَرَّأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

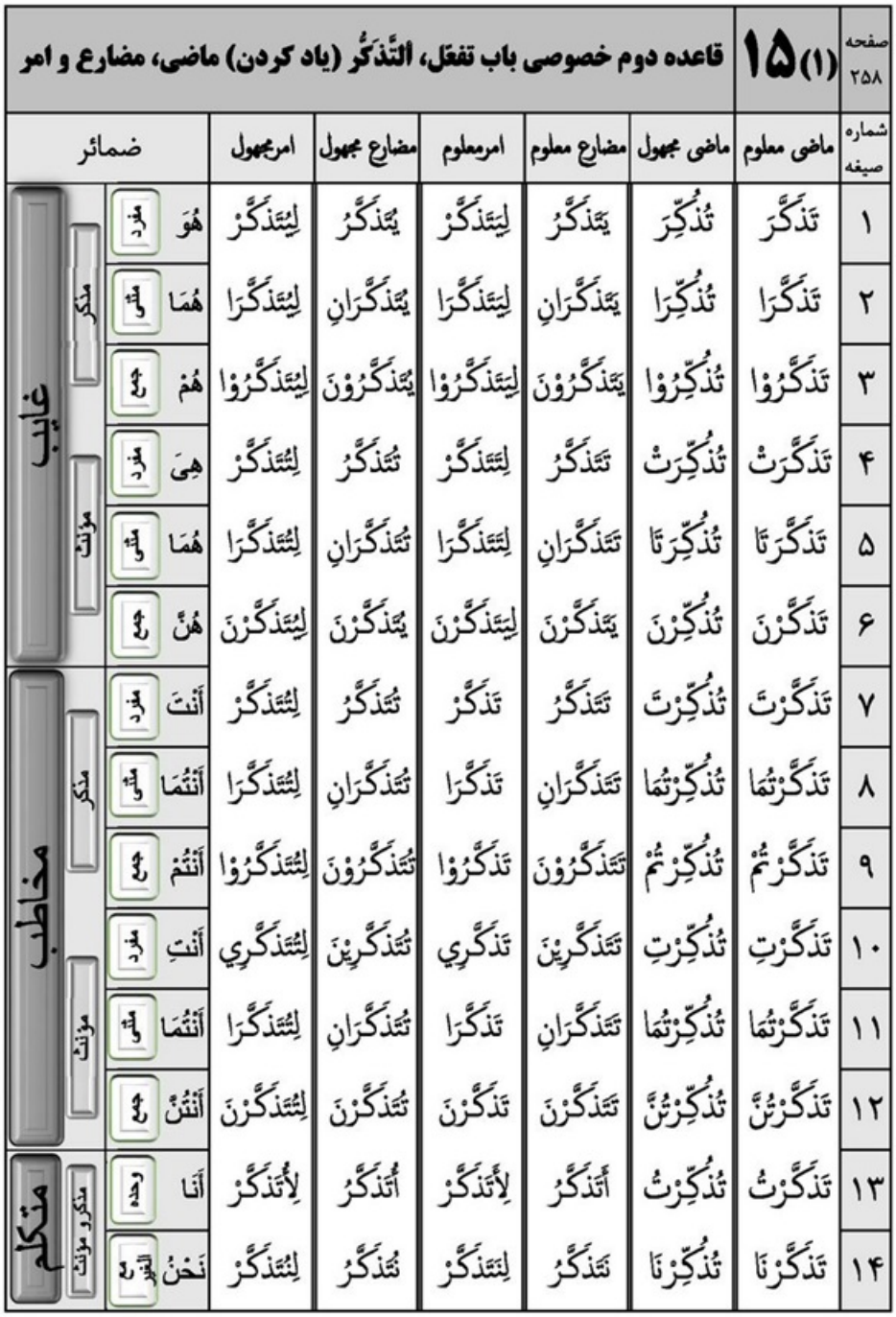

صفحه ۲۵۸	۱۵ (۱) قاعده دوم خصوصی باب تفعّل، اَلتَّذَکُّر (یاد کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَذَکَّرَ	تُذُکِّرَ	یَتَذَکَّرُ	لِیَتَذَکَّرْ	یُتَذَکَّرُ	لِیُتَذَکَّرْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	تَذَکَّرَا	تُذُکِّرَا	یَتَذَکَّرَانِ	لِیَتَذَکَّرَا	یُتَذَکَّرَانِ	لِیُتَذَکَّرَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	تَذَکَّرُوْا	تُذُکِّرُوْا	یَتَذَکَّرُوْنَ	لِیَتَذَکَّرُوْا	یُتَذَکَّرُوْنَ	لِیُتَذَکَّرُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	تَذَکَّرَتْ	تُذُکِّرَتْ	تَتَذَکَّرُ	لِتَتَذَکَّرْ	تُتَذَکَّرُ	لِتُتَذَکَّرْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	تَذَکَّرَتَا	تُذُکِّرَتَا	تَتَذَکَّرَانِ	لِتَتَذَکَّرَا	تُتَذَکَّرَانِ	لِتُتَذَکَّرَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	تَذَکَّرْنَ	تُذُکِّرْنَ	یَتَذَکَّرْنَ	لِیَتَذَکَّرْنَ	یُتَذَکَّرْنَ	لِیُتَذَکَّرْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	تَذَکَّرْتَ	تُذُکِّرْتَ	تَتَذَکَّرُ	تَذَکَّرْ	تُتَذَکَّرُ	لِتُتَذَکَّرْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	تَذَکَّرْتُمَا	تُذُکِّرْتُمَا	تَتَذَکَّرَانِ	تَذَکَّرَا	تُتَذَکَّرَانِ	لِتُتَذَکَّرَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	تَذَکَّرْتُمْ	تُذُکِّرْتُمْ	تَتَذَکَّرُوْنَ	تَذَکَّرُوْا	تُتَذَکَّرُوْنَ	لِتُتَذَکَّرُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	تَذَکَّرْتِ	تُذُکِّرْتِ	تَتَذَکَّرِیْنَ	تَذَکَّرِي	تُتَذَکَّرِیْنَ	لِتُتَذَکَّرِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	تَذَکَّرْتُمَا	تُذُکِّرْتُمَا	تَتَذَکَّرَانِ	تَذَکَّرَا	تُتَذَکَّرَانِ	لِتُتَذَکَّرَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	تَذَکَّرْتُنَّ	تُذُکِّرْتُنَّ	تَتَذَکَّرْنَ	تَذَکَّرْنَ	تُتَذَکَّرْنَ	لِتُتَذَکَّرْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	تَذَکَّرْتُ	تُذُکِّرْتُ	أَتَذَکَّرُ	لِأَتَذَکَّرْ	أُتَذَکَّرُ	لِأُتَذَکَّرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	تَذَکَّرْنَا	تُذُکِّرْنَا	نَتَذَکَّرُ	لِنَتَذَکَّرْ	نُتَذَکَّرُ	لِنُتَذَکَّرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر

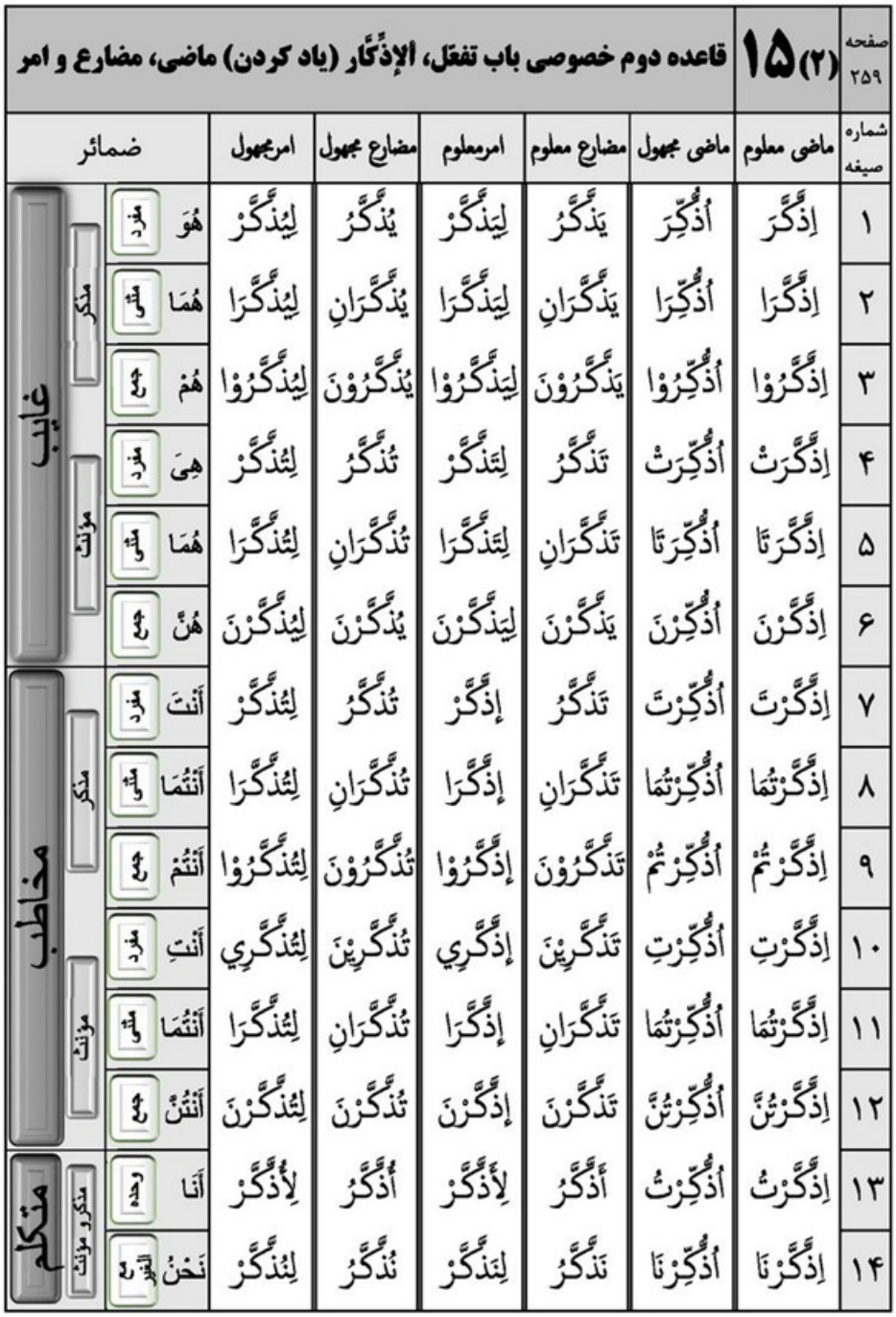

صفحه ۲۵۹	۱۵ (۲) قاعده دوم خصوصی باب تفعّل، اَلإذِّكَار (یاد کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	اِذَّكَرَ	اُذُّكِرَ	يَذَّكَّرُ	لِيَذَّكَّرْ	يُذَّكَّرُ	لِيُذَّكَّرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	اِذَّكَرَا	اُذُّكِرَا	يَذَّكَّرَانِ	لِيَذَّكَّرَا	يُذَّكَّرَانِ	لِيُذَّكَّرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	اِذَّكَرُوْا	اُذُّكِرُوْا	يَذَّكَّرُوْنَ	لِيَذَّكَّرُوْا	يُذَّكَّرُوْنَ	لِيُذَّكَّرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	اِذَّكَرَتْ	اُذُّكِرَتْ	تَذَّكَّرُ	لِتَذَّكَّرْ	تُذَّكَّرُ	لِتُذَّكَّرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	اِذَّكَرَتَا	اُذُّكِرَتَا	تَذَّكَّرَانِ	لِتَذَّكَّرَا	تُذَّكَّرَانِ	لِتُذَّكَّرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	اِذَّكَرْنَ	اُذُّكِرْنَ	يَذَّكَّرْنَ	لِيَذَّكَّرْنَ	يُذَّكَّرْنَ	لِيُذَّكَّرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	اِذَّكَرْتَ	اُذُّكِرْتَ	تَذَّكَّرُ	إِذَّكَّرْ	تُذَّكَّرُ	لِتُذَّكَّرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	اِذَّكَرْتُمَا	اُذُّكِرْتُمَا	تَذَّكَّرَانِ	إِذَّكَّرَا	تُذَّكَّرَانِ	لِتُذَّكَّرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	اِذَّكَرْتُمْ	اُذُّكِرْتُمْ	تَذَّكَّرُوْنَ	إِذَّكَّرُوْا	تُذَّكَّرُوْنَ	لِتُذَّكَّرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	اِذَّكَرْتِ	اُذُّكِرْتِ	تَذَّكَّرِيْنَ	إِذَّكَّرِي	تُذَّكَّرِيْنَ	لِتُذَّكَّرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	اِذَّكَرْتُمَا	اُذُّكِرْتُمَا	تَذَّكَّرَانِ	إِذَّكَّرَا	تُذَّكَّرَانِ	لِتُذَّكَّرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	اِذَّكَرْتُنَّ	اُذُّكِرْتُنَّ	تَذَّكَّرْنَ	إِذَّكَّرْنَ	تُذَّكَّرْنَ	لِتُذَّكَّرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	اِذَّكَرْتُ	اُذُّكِرْتُ	أَذَّكَّرُ	لِأَذَّكَّرْ	أُذَّكَّرُ	لِأُذَّكَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	اِذَّكَرْنَا	اُذُّكِرْنَا	نَذَّكَّرُ	لِنَذَّكَّرْ	نُذَّكَّرُ	لِنُذَّكَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

ص: ۲۵۹

تصویر



صفحه ۲۶۰	۱۶ (۱) قاعده سوم خصوصی باب تفعّل، التَّمَطِّی (طولانی شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَمَطَّیٰ	تُمُطِّیَ بِهِ	یَتَمَطَّیٰ	لِیَتَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِهِ	لِیُتَمَطَّ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَمَطَّیَا	تُمُطِّیَ بِهِمَا	یَتَمَطَّیَانِ	لِیَتَمَطَّیَا	یُتَمَطَّیٰ بِهِمَا	لِیُتَمَطَّ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَمَطَّوْا	تُمُطِّیَ بِهِمْ	یَتَمَطَّوْنَ	لِیَتَمَطَّوْا	یُتَمَطَّیٰ بِهِمْ	لِیُتَمَطَّ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَمَطَّتْ	تُمُطِّیَ بِهَا	تَتَمَطَّیٰ	لِتَتَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِهَا	لِیُتَمَطَّ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَمَطَّتَا	تُمُطِّیَ بِهِمَا	تَتَمَطَّیَانِ	لِتَتَمَطَّیَا	یُتَمَطَّیٰ بِهِمَا	لِیُتَمَطَّ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَمَطَّیْنَ	تُمُطِّیَ بِهِنَّ	یَتَمَطَّیْنَ	لِیَتَمَطَّیْنَ	یُتَمَطَّیٰ بِهِنَّ	لِیُتَمَطَّ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَمَطَّیْتَ	تُمُطِّیَ بِکَ	تَتَمَطَّیٰ	تَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِکَ	لِیُتَمَطَّ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَمَطَّیْتُمَا	تُمُطِّیَ بِکُمَا	تَتَمَطَّیَانِ	تَمَطَّیَا	یُتَمَطَّیٰ بِکُمَا	لِیُتَمَطَّ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَمَطَّیْتُمْ	تُمُطِّیَ بِکُمْ	تَتَمَطَّوْنَ	تَمَطَّوْا	یُتَمَطَّیٰ بِکُمْ	لِیُتَمَطَّ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَمَطَّیْتِ	تُمُطِّیَ بِکِ	تَتَمَطَّیْنَ	تَمَطَّیْ	یُتَمَطَّیٰ بِکِ	لِیُتَمَطَّ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَمَطَّیْتُمَا	تُمُطِّیَ بِکُمَا	تَتَمَطَّیَانِ	تَمَطَّیَا	یُتَمَطَّیٰ بِکُمَا	لِیُتَمَطَّ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَمَطَّیْتُنَّ	تُمُطِّیَ بِکُنَّ	تَتَمَطَّیْنَ	تَمَطَّیْنَ	یُتَمَطَّیٰ بِکُنَّ	لِیُتَمَطَّ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَمَطَّیْتُ	تُمُطِّیَ بِي	أَتَمَطَّیٰ	لِأَتَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِي	لِیُتَمَطَّ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَمَطَّیْنَا	تُمُطِّیَ بِنَا	نَتَمَطَّیٰ	لِنَتَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِنَا	لِیُتَمَطَّ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

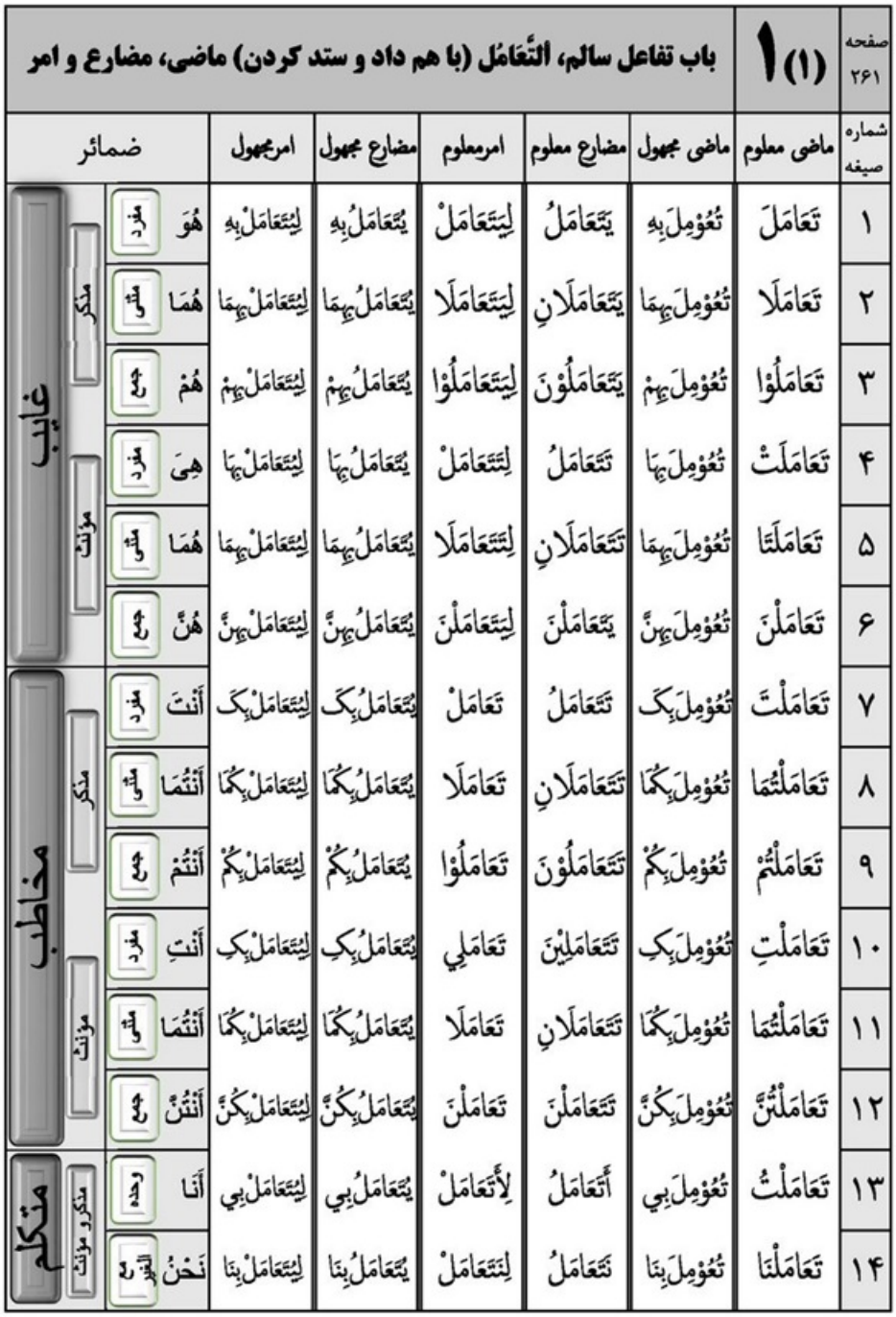

صفحه ۲۶۱	(۱) ۱ باب تفاعل سالم، التَّعَامُل (با هم داد و ستد کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَعَامَلَ	تُعُوْمِلَ بِهِ	يَتَعَامَلُ	لِيَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِهِ	لِيُتَعَامَلْ بِهِ	غایب مذکر مفرد هُوَ
۲	تَعَامَلَا	تُعُوْمِلَ بِهِمَا	يَتَعَامَلَانِ	لِيَتَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِهِمَا	لِيُتَعَامَلْ بِهِمَا	غایب مذکر تثنیه هُمَا
۳	تَعَامَلُوْا	تُعُوْمِلَ بِهِمْ	يَتَعَامَلُوْنَ	لِيَتَعَامَلُوْا	يُتَعَامَلُ بِهِمْ	لِيُتَعَامَلْ بِهِمْ	غایب مذکر جمع هُمْ
۴	تَعَامَلَتْ	تُعُوْمِلَ بِهَا	تَتَعَامَلُ	لِتَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِهَا	لِيُتَعَامَلْ بِهَا	غایب مؤنث مفرد هِيَ
۵	تَعَامَلَتَا	تُعُوْمِلَ بِهِمَا	تَتَعَامَلَانِ	لِتَتَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِهِمَا	لِيُتَعَامَلْ بِهِمَا	غایب مؤنث تثنیه هُمَا
۶	تَعَامَلْنَ	تُعُوْمِلَ بِهِنَّ	يَتَعَامَلْنَ	لِيَتَعَامَلْنَ	يُتَعَامَلُ بِهِنَّ	لِيُتَعَامَلْ بِهِنَّ	غایب مؤنث جمع هُنَّ
۷	تَعَامَلْتَ	تُعُوْمِلَ بِكَ	تَتَعَامَلُ	تَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِكَ	لِيُتَعَامَلْ بِكَ	مخاطب مذکر مفرد أَنْتَ
۸	تَعَامَلْتُمَا	تُعُوْمِلَ بِكُمَا	تَتَعَامَلَانِ	تَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِكُمَا	لِيُتَعَامَلْ بِكُمَا	مخاطب مذکر تثنیه أَنْتُمَا
۹	تَعَامَلْتُمْ	تُعُوْمِلَ بِكُمْ	تَتَعَامَلُوْنَ	تَعَامَلُوْا	يُتَعَامَلُ بِكُمْ	لِيُتَعَامَلْ بِكُمْ	مخاطب مذکر جمع أَنْتُمْ
۱۰	تَعَامَلْتِ	تُعُوْمِلَ بِكِ	تَتَعَامَلِيْنَ	تَعَامَلِي	يُتَعَامَلُ بِكِ	لِيُتَعَامَلْ بِكِ	مخاطب مؤنث مفرد أَنْتِ
۱۱	تَعَامَلْتُمَا	تُعُوْمِلَ بِكُمَا	تَتَعَامَلَانِ	تَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِكُمَا	لِيُتَعَامَلْ بِكُمَا	مخاطب مؤنث تثنیه أَنْتُمَا
۱۲	تَعَامَلْتُنَّ	تُعُوْمِلَ بِكُنَّ	تَتَعَامَلْنَ	تَعَامَلْنَ	يُتَعَامَلُ بِكُنَّ	لِيُتَعَامَلْ بِكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع أَنْتُنَّ
۱۳	تَعَامَلْتُ	تُعُوْمِلَ بِي	أَتَعَامَلُ	لِأَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِي	لِيُتَعَامَلْ بِي	متکلم مذکر و مؤنث واحد أَنَا
۱۴	تَعَامَلْنَا	تُعُوْمِلَ بِنَا	نَتَعَامَلُ	لِنَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِنَا	لِيُتَعَامَلْ بِنَا	متکلم مذکر و مؤنث جمع نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۶۲	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَعَامَلَ	لا يَتَعَامَلُ	اَنْ يَتَعَامَلَ	لا يَتَعَامَلْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما تَعَامَلَا	لا يَتَعَامَلَانِ	اَنْ يَتَعَامَلَا	لا يَتَعَامَلَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما تَعَامَلُوْا	لا يَتَعَامَلُوْنَ	اَنْ يَتَعَامَلُوْا	لا يَتَعَامَلُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما تَعَامَلَتْ	لا تَتَعَامَلُ	اَنْ تَتَعَامَلَ	لا تَتَعَامَلْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما تَعَامَلَتَا	لا تَتَعَامَلَانِ	اَنْ تَتَعَامَلَا	لا تَتَعَامَلَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما تَعَامَلْنَ	لا يَتَعَامَلْنَ	اَنْ يَتَعَامَلْنَ	لا يَتَعَامَلْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما تَعَامَلْتَ	لا تَتَعَامَلُ	اَنْ تَتَعَامَلَ	لا تَتَعَامَلْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما تَعَامَلْتُمَا	لا تَتَعَامَلَانِ	اَنْ تَتَعَامَلَا	لا تَتَعَامَلَا		اَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما تَعَامَلْتُمْ	لا تَتَعَامَلُوْنَ	اَنْ تَتَعَامَلُوْا	لا تَتَعَامَلُوْا		اَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما تَعَامَلْتِ	لا تَتَعَامَلِيْنَ	اَنْ تَتَعَامَلِي	لا تَتَعَامَلِي		اَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما تَعَامَلْتُمَا	لا تَتَعَامَلَانِ	اَنْ تَتَعَامَلَا	لا تَتَعَامَلَا		اَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما تَعَامَلْتُنَّ	لا تَتَعَامَلْنَ	اَنْ تَتَعَامَلْنَ	لا تَتَعَامَلْنَ		اَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما تَعَامَلْتُ	لا اَتَعَامَلُ	اَنْ اَتَعَامَلَ	لا اَتَعَامَلْ	متکلم	اَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَعَامَلْنَا	لا نَتَعَامَلُ	اَنْ نَتَعَامَلَ	لا نَتَعَامَلْ		نَحْنُ (جمع)

تصویر



صفحه ۲۶۳	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تأکید ثقیلة	امرمجهول بانون تأکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تأکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِ	لِيَتَعَامَلَنْ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	لِيَتَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمَا		غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	لِيَتَعَامَلُنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمْ	لِيَتَعَامَلُنْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	لِتَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهَا	لِتَتَعَامَلَنْ	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	لِتَتَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمَا		غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	لِيَتَعَامَلْنَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِنَّ		غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	تَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكَ	تَعَامَلَنْ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	تَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	تَعَامَلُنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمْ	تَعَامَلُنْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	تَعَامَلِنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكِ	تَعَامَلِنْ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	تَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	تَعَامَلْنَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُنَّ		مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِي	لِأَتَعَامَلَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	لِنَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِنَا	لِنَتَعَامَلَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

تصویر

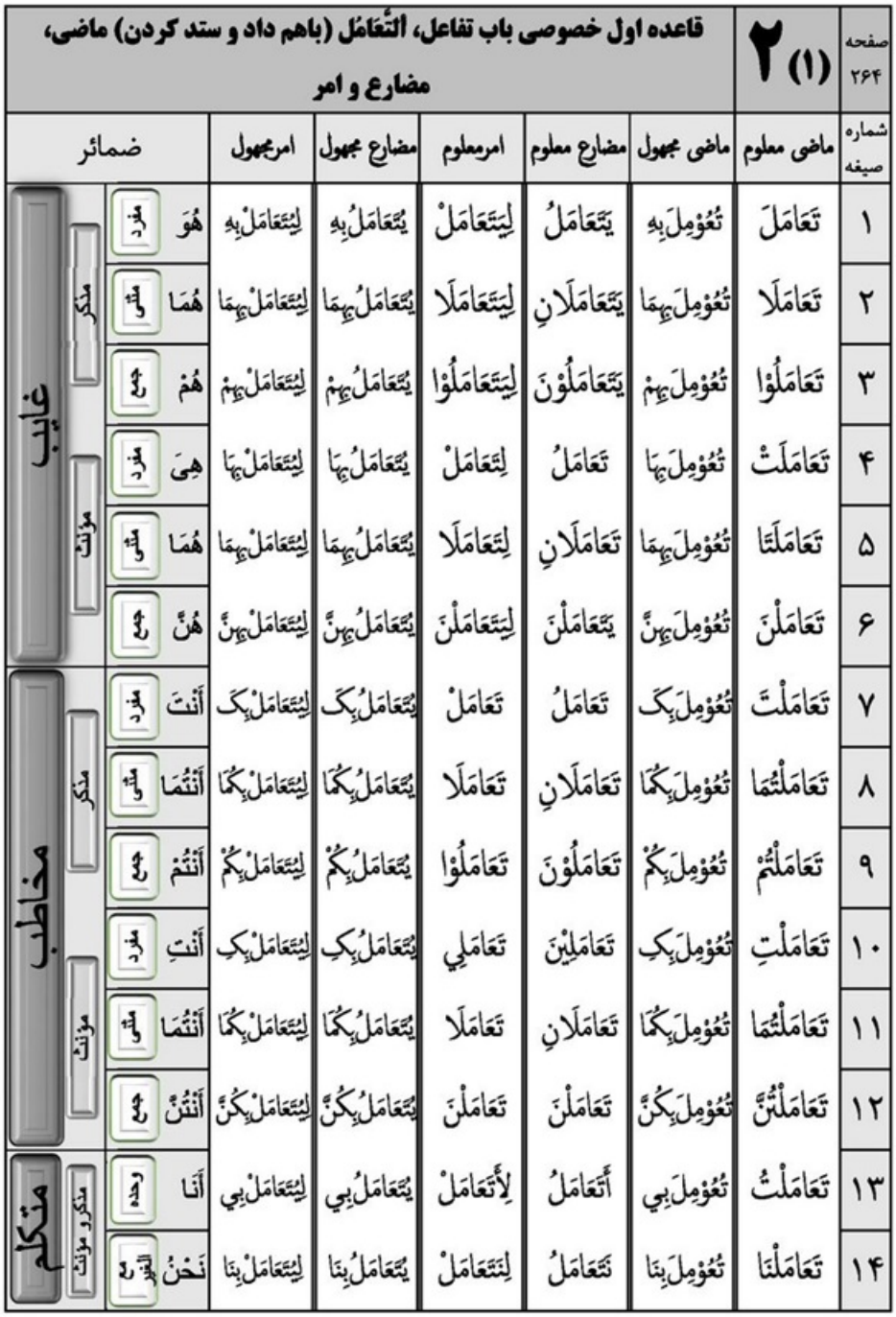

صفحه ۲۶۴	۲ (۱)	قاعده اول خصوصی باب تفاعل، اَلتَّعَامُل (باهم داد و ستد کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَعَامَلَ	تُعُوْمِلَ بِهِ	يَتَعَامَلُ	لِيَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِهِ	لِيُتَعَامَلْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَعَامَلَا	تُعُوْمِلَ بِهِمَا	يَتَعَامَلَانِ	لِيَتَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِهِمَا	لِيُتَعَامَلْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَعَامَلُوْا	تُعُوْمِلَ بِهِمْ	يَتَعَامَلُوْنَ	لِيَتَعَامَلُوْا	يُتَعَامَلُ بِهِمْ	لِيُتَعَامَلْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَعَامَلَتْ	تُعُوْمِلَ بِهَا	تَعَامَلُ	لِتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِهَا	لِيُتَعَامَلْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَعَامَلَتَا	تُعُوْمِلَ بِهِمَا	تَعَامَلَانِ	لِتَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِهِمَا	لِيُتَعَامَلْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَعَامَلْنَ	تُعُوْمِلَ بِهِنَّ	يَتَعَامَلْنَ	لِيَتَعَامَلْنَ	يُتَعَامَلُ بِهِنَّ	لِيُتَعَامَلْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَامَلْتَ	تُعُوْمِلَ بِكَ	تَعَامَلُ	تَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِكَ	لِيُتَعَامَلْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَامَلْتُمَا	تُعُوْمِلَ بِكُمَا	تَعَامَلَانِ	تَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِكُمَا	لِيُتَعَامَلْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَامَلْتُمْ	تُعُوْمِلَ بِكُمْ	تَعَامَلُوْنَ	تَعَامَلُوْا	يُتَعَامَلُ بِكُمْ	لِيُتَعَامَلْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَامَلْتِ	تُعُوْمِلَ بِكِ	تَعَامَلِيْنَ	تَعَامَلِي	يُتَعَامَلُ بِكِ	لِيُتَعَامَلْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَامَلْتُمَا	تُعُوْمِلَ بِكُمَا	تَعَامَلَانِ	تَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِكُمَا	لِيُتَعَامَلْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَامَلْتُنَّ	تُعُوْمِلَ بِكُنَّ	تَعَامَلْنَ	تَعَامَلْنَ	يُتَعَامَلُ بِكُنَّ	لِيُتَعَامَلْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَعَامَلْتُ	تُعُوْمِلَ بِي	أَتَعَامَلُ	لِأَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِي	لِيُتَعَامَلْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَعَامَلْنَا	تُعُوْمِلَ بِنَا	نَتَعَامَلُ	لِنَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِنَا	لِيُتَعَامَلْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۶۵	۲ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَعَامَلَ	لا يَتَعَامَلُ	اَنْ يَتَعَامَلَ	لا يَتَعَامَلْ	غایب	هُوَ (مفرد مذکر)
۲	ما تَعَامَلَا	لا يَتَعَامَلَانِ	اَنْ يَتَعَامَلَا	لا يَتَعَامَلَا		هُمَا (مثنی مذکر)
۳	ما تَعَامَلُوْا	لا يَتَعَامَلُوْنَ	اَنْ يَتَعَامَلُوْا	لا يَتَعَامَلُوْا		هُمْ (جمع مذکر)
۴	ما تَعَامَلَتْ	لا تَعَامَلُ	اَنْ تَعَامَلَ	لا تَعَامَلْ		هِيَ (مفرد مؤنث)
۵	ما تَعَامَلَتَا	لا تَعَامَلَانِ	اَنْ تَعَامَلَا	لا تَعَامَلَا		هُمَا (مثنی مؤنث)
۶	ما تَعَامَلْنَ	لا يَتَعَامَلْنَ	اَنْ يَتَعَامَلْنَ	لا يَتَعَامَلْنَ		هُنَّ (جمع مؤنث)
۷	ما تَعَامَلْتَ	لا تَعَامَلُ	اَنْ تَعَامَلَ	لا تَعَامَلْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد مذکر)
۸	ما تَعَامَلْتُمَا	لا تَعَامَلَانِ	اَنْ تَعَامَلَا	لا تَعَامَلَا		أَنْتُمَا (مثنی مذکر)
۹	ما تَعَامَلْتُمْ	لا تَعَامَلُوْنَ	اَنْ تَعَامَلُوْا	لا تَعَامَلُوْا		أَنْتُمْ (جمع مذکر)
۱۰	ما تَعَامَلْتِ	لا تَعَامَلِيْنَ	اَنْ تَعَامَلِي	لا تَعَامَلِي		أَنْتِ (مفرد مؤنث)
۱۱	ما تَعَامَلْتُمَا	لا تَعَامَلَانِ	اَنْ تَعَامَلَا	لا تَعَامَلَا		أَنْتُمَا (مثنی مؤنث)
۱۲	ما تَعَامَلْتُنَّ	لا تَعَامَلْنَ	اَنْ تَعَامَلْنَ	لا تَعَامَلْنَ		أَنْتُنَّ (جمع مؤنث)
۱۳	ما تَعَامَلْتُ	لا أَتَعَامَلُ	اَنْ أَتَعَامَلَ	لا أَتَعَامَلْ	متکلم	أَنَا (وحده مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَعَامَلْنَا	لا نَتَعَامَلُ	اَنْ نَتَعَامَلَ	لا نَتَعَامَلْ		نَحْنُ (جمع مذکر و مؤنث)

تصویر



صفحه ۲۶۶	نون تأکید ۲ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِ	لِيَتَعَامَلَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَعَامَلُنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمْ	لِيَتَعَامَلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهَا	لِتَعَامَلَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَعَامَلْنَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكَ	تَعَامَلَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَامَلُنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمْ	تَعَامَلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَامَلِنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكِ	تَعَامَلِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَامَلْنَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِي	لِأَتَعَامَلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِنَا	لِنَتَعَامَلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۲۶۶

تصویر



صفحه ۲۶۷	۳ (۱)	باب تفاعل مضاعف، التَّضَادُ (مخالفت کردن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب				
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر
۱	تَضَادَّ	تُضُوْدَّ بِهِ	يَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِهِ	اَنْ يَتَضَادَّ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	تَضَادَّا	تُضُوْدَّ بِهِمَا	يَتَضَادَّانِ	يُتَضَادُّ بِهِمَا	اَنْ يَتَضَادَّا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	تَضَادُّوْا	تُضُوْدَّ بِهِمْ	يَتَضَادُّوْنَ	يُتَضَادُّ بِهِمْ	اَنْ يَتَضَادُّوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	تَضَادَّتْ	تُضُوْدَّ بِهَا	تَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِهَا	اَنْ تَتَضَادَّ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	تَضَادَّتَا	تُضُوْدَّ بِهِمَا	تَتَضَادَّانِ	يُتَضَادُّ بِهِمَا	اَنْ تَتَضَادَّا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	تَضَادَدْنَ	تُضُوْدَّ بِهِنَّ	يَتَضَادَدْنَ	يُتَضَادُّ بِهِنَّ	اَنْ يَتَضَادَدْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	تَضَادَدْتَ	تُضُوْدَّ بِكَ	تَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِكَ	اَنْ تَتَضَادَّ	مخاطب، مذکر، مفرد، اَنْتَ
۸	تَضَادَدْتُمَا	تُضُوْدَّ بِكُمَا	تَتَضَادَّانِ	يُتَضَادُّ بِكُمَا	اَنْ تَتَضَادَّا	مخاطب، مذکر، مثنی، اَنْتُمَا
۹	تَضَادَدْتُمْ	تُضُوْدَّ بِكُمْ	تَتَضَادُّوْنَ	يُتَضَادُّ بِكُمْ	اَنْ تَتَضَادُّوْا	مخاطب، مذکر، جمع، اَنْتُمْ
۱۰	تَضَادَدْتِ	تُضُوْدَّ بِكِ	تَتَضَادِّيْنَ	يُتَضَادُّ بِكِ	اَنْ تَتَضَادِّي	مخاطب، مؤنث، مفرد، اَنْتِ
۱۱	تَضَادَدْتُمَا	تُضُوْدَّ بِكُمَا	تَتَضَادَّانِ	يُتَضَادُّ بِكُمَا	اَنْ تَتَضَادَّا	مخاطب، مؤنث، مثنی، اَنْتُمَا
۱۲	تَضَادَدْتُنَّ	تُضُوْدَّ بِكُنَّ	تَتَضَادَدْنَ	يُتَضَادُّ بِكُنَّ	اَنْ تَتَضَادَدْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، اَنْتُنَّ
۱۳	تَضَادَدْتُ	تُضُوْدَّ بِي	أَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِي	اَنْ أَتَضَادَّ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، اَنَا
۱۴	تَضَادَدْنَا	تُضُوْدَّ بِنَا	نَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِنَا	اَنْ نَتَضَادَّ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۶۸	۳ (۲) امر معلوم و مجهول			
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر	
۱	لِيَتَضَادَدْ لِيَتَضَادَّ لِيَتَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِهِ لِيُتَضَادَّبِهِ لِيُتَضَادِّبِهِ	هُوَ مفرد	غایب مذکر
۲	لِيَتَضَادَّا	لِيُتَضَادَدْبِهِمَا لِيُتَضَادَّبِهِمَا لِيُتَضَادِّبِهِمَا	هُمَا مثنی	
۳	لِيَتَضَادُّوْا	لِيُتَضَادَدْبِهِمْ لِيُتَضَادَّبِهِمْ لِيُتَضَادِّبِهِمْ	هُمْ جمع	
۴	لِتَتَضَادَدْ لِتَتَضَادَّ لِتَتَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِهَا لِيُتَضَادَّبِهَا لِيُتَضَادِّبِهَا	هِيَ مفرد	غایب مؤنث
۵	لِتَتَضَادَّا	لِيُتَضَادَدْبِهِمَا لِيُتَضَادَّبِهِمَا لِيُتَضَادِّبِهِمَا	هُمَا مثنی	
۶	لِيَتَضَادَدْنَ	لِيُتَضَادَدْبِهِنَّ لِيُتَضَادَّبِهِنَّ لِيُتَضَادِّبِهِنَّ	هُنَّ جمع	
۷	تَضَادَدْ تَضَادَّ تَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِكَ لِيُتَضَادَّبِكَ لِيُتَضَادِّبِكَ	أَنْتَ مفرد	مخاطب مذکر
۸	تَضَادَّا	لِيُتَضَادَدْبِكُمَا لِيُتَضَادَّبِكُمَا لِيُتَضَادِّبِكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۹	تَضَادُّوْا	لِيُتَضَادَدْبِكُمْ لِيُتَضَادَّبِكُمْ لِيُتَضَادِّبِكُمْ	أَنْتُمْ جمع	
۱۰	تَضَادِّي	لِيُتَضَادَدْبِكِ لِيُتَضَادَّبِكِ لِيُتَضَادِّبِكِ	أَنْتِ مفرد	مخاطب مؤنث
۱۱	تَضَادَّا	لِيُتَضَادَدْبِكُمَا لِيُتَضَادَّبِكُمَا لِيُتَضَادِّبِكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۱۲	تَضَادَدْنَ	لِيُتَضَادَدْبِكُنَّ لِيُتَضَادَّبِكُنَّ لِيُتَضَادِّبِكُنَّ	أَنْتُنَّ جمع	
۱۳	لِأَتَضَادَدْ لِأَتَضَادَّ لِأَتَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِي لِيُتَضَادَّبِي لِيُتَضَادِّبِي	أَنَا واحد	متکلم مذکر و مؤنث
۱۴	لِنَتَضَادَدْ لِنَتَضَادَّ لِنَتَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِنَا لِيُتَضَادَّبِنَا لِيُتَضَادِّبِنَا	نَحْنُ مع الغیر	

تصویر



صفحه ۲۶۹	۳ (۳)	مضارع مجزوم		
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَتَضَادَدْ لَمْ يَتَضَادَّ لَمْ يَتَضَادِّ	لا يَتَضَادَدْ لا يَتَضَادَّ لا يَتَضَادِّ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	لَمْ يَتَضَادَّا	لا يَتَضَادَّا	هُمَا (مثنی)	
۳	لَمْ يَتَضَادُّوْا	لا يَتَضَادُّوْا	هُمْ (جمع)	
۴	لَمْ تَتَضَادَدْ لَمْ تَتَضَادَّ لَمْ تَتَضَادِّ	لا تَتَضَادَدْ لا تَتَضَادَّ لا تَتَضَادِّ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	لَمْ تَتَضَادَّا	لا تَتَضَادَّا	هُمَا (مثنی)	
۶	لَمْ يَتَضَادَدْنَ	لا يَتَضَادَدْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	لَمْ تَتَضَادَدْ لَمْ تَتَضَادَّ لَمْ تَتَضَادِّ	لا تَتَضَادَدْ لا تَتَضَادَّ لا تَتَضَادِّ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	لَمْ تَتَضَادَّا	لا تَتَضَادَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	لَمْ تَتَضَادُّوْا	لا تَتَضَادُّوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	لَمْ تَتَضَادِّي	لا تَتَضَادِّي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	لَمْ تَتَضَادَّا	لا تَتَضَادَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	لَمْ تَتَضَادَدْنَ	لا تَتَضَادَدْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	لَمْ أَتَضَادَدْ لَمْ أَتَضَادَّ لَمْ أَتَضَادِّ	لا أَتَضَادَدْ لا أَتَضَادَّ لا أَتَضَادِّ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	لَمْ نَتَضَادَدْ لَمْ نَتَضَادَّ لَمْ نَتَضَادِّ	لا نَتَضَادَدْ لا نَتَضَادَّ لا نَتَضَادِّ	نَحْنُ (مع الغیر)	

ص: ۲۶۹

تصویر



صفحه ۲۷۰	۳ (۴) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِ	لِيَتَضَادَّنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَضَادَّانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَضَادُّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِمْ	لِيَتَضَادُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهَا	لِتَتَضَادَّنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَضَادَّانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَضَادَدْنَانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكَ	تَضَادَّنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَضَادَّانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَضَادُّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكُمْ	تَضَادُّنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَضَادِّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكِ	تَضَادِّنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَضَادَّانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَضَادَدْنَانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِي	لِأَتَضَادَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِنَا	لِنَتَضَادَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

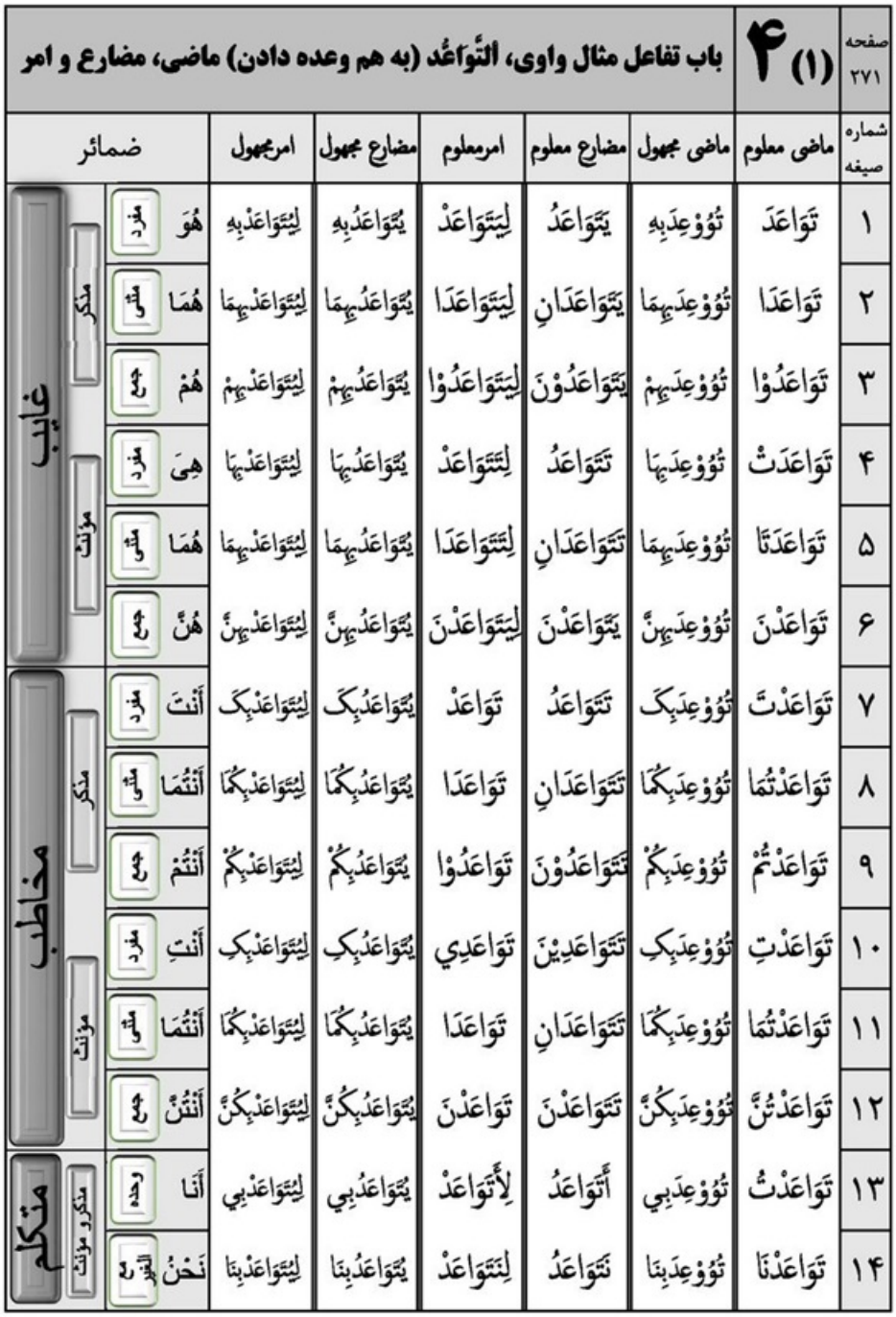

صفحه ۲۷۱	۴ (۱) باب تفاعل مثال واوی، اَلتَّوَاعُد (به هم وعده دادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَوَاعَدَ	تُوُوْعِدَبِهِ	يَتَوَاعَدُ	لِيَتَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِهِ	لِيُتَوَاعَدْبِهِ	غایب مذکر مفرد هُوَ
۲	تَوَاعَدَا	تُوُوْعِدَبِهِمَا	يَتَوَاعَدَانِ	لِيَتَوَاعَدَا	يُتَوَاعَدُبِهِمَا	لِيُتَوَاعَدْبِهِمَا	غایب مذکر مثنی هُمَا
۳	تَوَاعَدُوْا	تُوُوْعِدَبِهِمْ	يَتَوَاعَدُوْنَ	لِيَتَوَاعَدُوْا	يُتَوَاعَدُبِهِمْ	لِيُتَوَاعَدْبِهِمْ	غایب مذکر جمع هُمْ
۴	تَوَاعَدَتْ	تُوُوْعِدَبِهَا	تَتَوَاعَدُ	لِتَتَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِهَا	لِيُتَوَاعَدْبِهَا	غایب مؤنث مفرد هِيَ
۵	تَوَاعَدَتَا	تُوُوْعِدَبِهِمَا	تَتَوَاعَدَانِ	لِتَتَوَاعَدَا	يُتَوَاعَدُبِهِمَا	لِيُتَوَاعَدْبِهِمَا	غایب مؤنث مثنی هُمَا
۶	تَوَاعَدْنَ	تُوُوْعِدَبِهِنَّ	يَتَوَاعَدْنَ	لِيَتَوَاعَدْنَ	يُتَوَاعَدُبِهِنَّ	لِيُتَوَاعَدْبِهِنَّ	غایب مؤنث جمع هُنَّ
۷	تَوَاعَدْتَ	تُوُوْعِدَبِكَ	تَتَوَاعَدُ	تَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِكَ	لِيُتَوَاعَدْبِكَ	مخاطب مذکر مفرد أَنْتَ
۸	تَوَاعَدْتُمَا	تُوُوْعِدَبِكُمَا	تَتَوَاعَدَانِ	تَوَاعَدَا	يُتَوَاعَدُبِكُمَا	لِيُتَوَاعَدْبِكُمَا	مخاطب مذکر مثنی أَنْتُمَا
۹	تَوَاعَدْتُمْ	تُوُوْعِدَبِكُمْ	تَتَوَاعَدُوْنَ	تَوَاعَدُوْا	يُتَوَاعَدُبِكُمْ	لِيُتَوَاعَدْبِكُمْ	مخاطب مذکر جمع أَنْتُمْ
۱۰	تَوَاعَدْتِ	تُوُوْعِدَبِكِ	تَتَوَاعَدِيْنَ	تَوَاعَدِي	يُتَوَاعَدُبِكِ	لِيُتَوَاعَدْبِكِ	مخاطب مؤنث مفرد أَنْتِ
۱۱	تَوَاعَدْتُمَا	تُوُوْعِدَبِكُمَا	تَتَوَاعَدَانِ	تَوَاعَدَا	يُتَوَاعَدُبِكُمَا	لِيُتَوَاعَدْبِكُمَا	مخاطب مؤنث مثنی أَنْتُمَا
۱۲	تَوَاعَدْتُنَّ	تُوُوْعِدَبِكُنَّ	تَتَوَاعَدْنَ	تَوَاعَدْنَ	يُتَوَاعَدُبِكُنَّ	لِيُتَوَاعَدْبِكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع أَنْتُنَّ
۱۳	تَوَاعَدْتُ	تُوُوْعِدَبِي	أَتَوَاعَدُ	لِأَتَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِي	لِيُتَوَاعَدْبِي	متکلم مذکر و مؤنث واحد أَنَا
۱۴	تَوَاعَدْنَا	تُوُوْعِدَبِنَا	نَتَوَاعَدُ	لِنَتَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِنَا	لِيُتَوَاعَدْبِنَا	متکلم مذکر و مؤنث جمع نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۷۲	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما تَوَاعَدَ	لا يَتَوَاعَدُ	اَنْ يَتَوَاعَدَ	اَنْ يَتَوَاعَدْ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما تَوَاعَدَا	لا يَتَوَاعَدَانِ	اَنْ يَتَوَاعَدَا	اَنْ يَتَوَاعَدَا			مثنی	هُمَا
۳	ما تَوَاعَدُوْا	لا يَتَوَاعَدُوْنَ	اَنْ يَتَوَاعَدُوْا	اَنْ يَتَوَاعَدُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما تَوَاعَدَتْ	لا تَتَوَاعَدُ	اَنْ تَتَوَاعَدَ	اَنْ تَتَوَاعَدْ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما تَوَاعَدَتَا	لا تَتَوَاعَدَانِ	اَنْ تَتَوَاعَدَا	اَنْ تَتَوَاعَدَا			مثنی	هُمَا
۶	ما تَوَاعَدْنَ	لا يَتَوَاعَدْنَ	اَنْ يَتَوَاعَدْنَ	اَنْ يَتَوَاعَدْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما تَوَاعَدْتَ	لا تَتَوَاعَدُ	اَنْ تَتَوَاعَدَ	اَنْ تَتَوَاعَدْ	مخاطب	مذکر	مفرد	اَنْتَ
۸	ما تَوَاعَدْتُمَا	لا تَتَوَاعَدَانِ	اَنْ تَتَوَاعَدَا	اَنْ تَتَوَاعَدَا			مثنی	اَنْتُمَا
۹	ما تَوَاعَدْتُمْ	لا تَتَوَاعَدُوْنَ	اَنْ تَتَوَاعَدُوْا	اَنْ تَتَوَاعَدُوْا			جمع	اَنْتُمْ
۱۰	ما تَوَاعَدْتِ	لا تَتَوَاعَدِيْنَ	اَنْ تَتَوَاعَدِي	اَنْ تَتَوَاعَدِي		مؤنث	مفرد	اَنْتِ
۱۱	ما تَوَاعَدْتُمَا	لا تَتَوَاعَدَانِ	اَنْ تَتَوَاعَدَا	اَنْ تَتَوَاعَدَا			مثنی	اَنْتُمَا
۱۲	ما تَوَاعَدْتُنَّ	لا تَتَوَاعَدْنَ	اَنْ تَتَوَاعَدْنَ	اَنْ تَتَوَاعَدْنَ			جمع	اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَوَاعَدْتُ	لا أَتَوَاعَدُ	اَنْ أَتَوَاعَدَ	اَنْ أَتَوَاعَدْ	متکلم	مذکر و مؤنث	واحد	اَنَا
۱۴	ما تَوَاعَدْنَا	لا نَتَوَاعَدُ	اَنْ نَتَوَاعَدَ	اَنْ نَتَوَاعَدْ			جمع	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۳	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِ	لِيَتَوَاعَدَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَوَاعَدَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَوَاعَدُنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِمْ	لِيَتَوَاعَدُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهَا	لِتَتَوَاعَدَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَوَاعَدَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَوَاعَدْنَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكَ	تَوَاعَدَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَوَاعَدَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَوَاعَدُنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكُمْ	تَوَاعَدُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَوَاعَدِنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكِ	تَوَاعَدِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَوَاعَدَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَوَاعَدْنَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِي	لِأَتَوَاعَدَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِنَا	لِنَتَوَاعَدَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۴	۵ (۱) باب تفاعل مثال یایی، اَلتَّیَاسُر (آسان گرفتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَیَاسَرَ	تُیُوْسِرَ	یَتَیَاسَرُ	لِیَتَیَاسَرْ	یُتَیَاسَرُ	لِیُتَیَاسَرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَیَاسَرَا	تُیُوْسِرَا	یَتَیَاسَرَانِ	لِیَتَیَاسَرَا	یُتَیَاسَرَانِ	لِیُتَیَاسَرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَیَاسَرُوْا	تُیُوْسِرُوْا	یَتَیَاسَرُوْنَ	لِیَتَیَاسَرُوْا	یُتَیَاسَرُوْنَ	لِیُتَیَاسَرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَیَاسَرَتْ	تُیُوْسِرَتْ	تَتَیَاسَرُ	لِتَتَیَاسَرْ	تُتَیَاسَرُ	لِتُتَیَاسَرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَیَاسَرَتَا	تُیُوْسِرَتَا	تَتَیَاسَرَانِ	لِتَتَیَاسَرَا	تُتَیَاسَرَانِ	لِتُتَیَاسَرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَیَاسَرْنَ	تُیُوْسِرْنَ	یَتَیَاسَرْنَ	لِیَتَیَاسَرْنَ	یُتَیَاسَرْنَ	لِیُتَیَاسَرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَیَاسَرْتَ	تُیُوْسِرْتَ	تَتَیَاسَرُ	تَیَاسَرْ	تُتَیَاسَرُ	لِتُتَیَاسَرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَیَاسَرْتُمَا	تُیُوْسِرْتُمَا	تَتَیَاسَرَانِ	تَیَاسَرَا	تُتَیَاسَرَانِ	لِتُتَیَاسَرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَیَاسَرْتُمْ	تُیُوْسِرْتُمْ	تَتَیَاسَرُوْنَ	تَیَاسَرُوْا	تُتَیَاسَرُوْنَ	لِتُتَیَاسَرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَیَاسَرْتِ	تُیُوْسِرْتِ	تَتَیَاسَرِیْنَ	تَیَاسَرِي	تُتَیَاسَرِیْنَ	لِتُتَیَاسَرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَیَاسَرْتُمَا	تُیُوْسِرْتُمَا	تَتَیَاسَرَانِ	تَیَاسَرَا	تُتَیَاسَرَانِ	لِتُتَیَاسَرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَیَاسَرْتُنَّ	تُیُوْسِرْتُنَّ	تَتَیَاسَرْنَ	تَیَاسَرْنَ	تُتَیَاسَرْنَ	لِتُتَیَاسَرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَیَاسَرْتُ	تُیُوْسِرْتُ	أَتَیَاسَرُ	لِأَتَیَاسَرْ	أُتَیَاسَرُ	لِأُتَیَاسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَیَاسَرْنَا	تُیُوْسِرْنَا	نَتَیَاسَرُ	لِنَتَیَاسَرْ	نُتَیَاسَرُ	لِنُتَیَاسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۷۵	۵ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما تَيَاسَرَ	لا يَتَيَاسَرُ	اَنْ يَتَيَاسَرَ	لا يَتَيَاسَرْ	هُوَ	مفرد	مذکر	غایب
۲	ما تَيَاسَرَا	لا يَتَيَاسَرَانِ	اَنْ يَتَيَاسَرَا	لا يَتَيَاسَرَا	هُمَا	مثنی		
۳	ما تَيَاسَرُوْا	لا يَتَيَاسَرُوْنَ	اَنْ يَتَيَاسَرُوْا	لا يَتَيَاسَرُوْا	هُمْ	جمع		
۴	ما تَيَاسَرَتْ	لا تَتَيَاسَرُ	اَنْ تَتَيَاسَرَ	لا تَتَيَاسَرْ	هِيَ	مفرد	مؤنث	
۵	ما تَيَاسَرَتَا	لا تَتَيَاسَرَانِ	اَنْ تَتَيَاسَرَا	لا تَتَيَاسَرَا	هُمَا	مثنی		
۶	ما تَيَاسَرْنَ	لا يَتَيَاسَرْنَ	اَنْ يَتَيَاسَرْنَ	لا يَتَيَاسَرْنَ	هُنَّ	جمع		
۷	ما تَيَاسَرْتَ	لا تَتَيَاسَرُ	اَنْ تَتَيَاسَرَ	لا تَتَيَاسَرْ	اَنْتَ	مفرد	مذکر	مخاطب
۸	ما تَيَاسَرْتُمَا	لا تَتَيَاسَرَانِ	اَنْ تَتَيَاسَرَا	لا تَتَيَاسَرَا	اَنْتُمَا	مثنی		
۹	ما تَيَاسَرْتُمْ	لا تَتَيَاسَرُوْنَ	اَنْ تَتَيَاسَرُوْا	لا تَتَيَاسَرُوْا	اَنْتُمْ	جمع		
۱۰	ما تَيَاسَرْتِ	لا تَتَيَاسَرِيْنَ	اَنْ تَتَيَاسَرِي	لا تَتَيَاسَرِي	اَنْتِ	مفرد	مؤنث	
۱۱	ما تَيَاسَرْتُمَا	لا تَتَيَاسَرَانِ	اَنْ تَتَيَاسَرَا	لا تَتَيَاسَرَا	اَنْتُمَا	مثنی		
۱۲	ما تَيَاسَرْتُنَّ	لا تَتَيَاسَرْنَ	اَنْ تَتَيَاسَرْنَ	لا تَتَيَاسَرْنَ	اَنْتُنَّ	جمع		
۱۳	ما تَيَاسَرْتُ	لا اَتَيَاسَرُ	اَنْ اَتَيَاسَرَ	لا اَتَيَاسَرْ	اَنَا	وحده	مذکر و مؤنث	متکلم
۱۴	ما تَيَاسَرْنَا	لا نَتَيَاسَرُ	اَنْ نَتَيَاسَرَ	لا نَتَيَاسَرْ	نَحْنُ	جمع		

تصویر



صفحه ۲۷۶	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَيَاسَرَنَّ	لِيُتَيَاسَرَنَّ	لِيَتَيَاسَرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَيَاسَرَانِّ	لِيُتَيَاسَرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَيَاسَرُنَّ	لِيُتَيَاسَرُنَّ	لِيَتَيَاسَرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَيَاسَرَنَّ	لِتُتَيَاسَرَنَّ	لِتَتَيَاسَرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَيَاسَرَانِّ	لِتُتَيَاسَرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَيَاسَرْنَانِّ	لِيُتَيَاسَرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَيَاسَرَنَّ	لِتُتَيَاسَرَنَّ	تَيَاسَرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَيَاسَرَانِّ	لِتُتَيَاسَرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَيَاسَرُنَّ	لِتُتَيَاسَرُنَّ	تَيَاسَرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَيَاسَرِنَّ	لِتُتَيَاسَرِنَّ	تَيَاسَرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَيَاسَرَانِّ	لِتُتَيَاسَرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَيَاسَرْنَانِّ	لِتُتَيَاسَرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَيَاسَرَنَّ	لِأُتَيَاسَرَنَّ	لِأَتَيَاسَرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَيَاسَرَنَّ	لِنُتَيَاسَرَنَّ	لِنَتَيَاسَرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۷	(۱) ۶ باب تفاعل اجوف واوی، التَّقَاوُل (کفت و شنود کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَقَاوَلَ	تُقُوْوِلَ بِهِ	يَتَقَاوَلُ	لِيَتَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِهِ	لِيُتَقَاوَلْ بِهِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	تَقَاوَلَا	تُقُوْوِلَ بِهِمَا	يَتَقَاوَلَانِ	لِيَتَقَاوَلَا	يُتَقَاوَلُ بِهِمَا	لِيُتَقَاوَلْ بِهِمَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	تَقَاوَلُوْا	تُقُوْوِلَ بِهِمْ	يَتَقَاوَلُوْنَ	لِيَتَقَاوَلُوْا	يُتَقَاوَلُ بِهِمْ	لِيُتَقَاوَلْ بِهِمْ	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	تَقَاوَلَتْ	تُقُوْوِلَ بِهَا	تَتَقَاوَلُ	لِتَتَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِهَا	لِيُتَقَاوَلْ بِهَا	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	تَقَاوَلَتَا	تُقُوْوِلَ بِهِمَا	تَتَقَاوَلَانِ	لِتَتَقَاوَلَا	يُتَقَاوَلُ بِهِمَا	لِيُتَقَاوَلْ بِهِمَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	تَقَاوَلْنَ	تُقُوْوِلَ بِهِنَّ	يَتَقَاوَلْنَ	لِيَتَقَاوَلْنَ	يُتَقَاوَلُ بِهِنَّ	لِيُتَقَاوَلْ بِهِنَّ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	تَقَاوَلْتَ	تُقُوْوِلَ بِكَ	تَتَقَاوَلُ	تَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِكَ	لِيُتَقَاوَلْ بِكَ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	تَقَاوَلْتُمَا	تُقُوْوِلَ بِكُمَا	تَتَقَاوَلَانِ	تَقَاوَلَا	يُتَقَاوَلُ بِكُمَا	لِيُتَقَاوَلْ بِكُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	تَقَاوَلْتُمْ	تُقُوْوِلَ بِكُمْ	تَتَقَاوَلُوْنَ	تَقَاوَلُوْا	يُتَقَاوَلُ بِكُمْ	لِيُتَقَاوَلْ بِكُمْ	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	تَقَاوَلْتِ	تُقُوْوِلَ بِكِ	تَتَقَاوَلِيْنَ	تَقَاوَلِي	يُتَقَاوَلُ بِكِ	لِيُتَقَاوَلْ بِكِ	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	تَقَاوَلْتُمَا	تُقُوْوِلَ بِكُمَا	تَتَقَاوَلَانِ	تَقَاوَلَا	يُتَقَاوَلُ بِكُمَا	لِيُتَقَاوَلْ بِكُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	تَقَاوَلْتُنَّ	تُقُوْوِلَ بِكُنَّ	تَتَقَاوَلْنَ	تَقَاوَلْنَ	يُتَقَاوَلُ بِكُنَّ	لِيُتَقَاوَلْ بِكُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	تَقَاوَلْتُ	تُقُوْوِلَ بِي	أَتَقَاوَلُ	لِأَتَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِي	لِيُتَقَاوَلْ بِي	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	تَقَاوَلْنَا	تُقُوْوِلَ بِنَا	نَتَقَاوَلُ	لِنَتَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِنَا	لِيُتَقَاوَلْ بِنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۸	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَقَاوَلَ	لا يَتَقَاوَلُ	اَنْ يَتَقَاوَلَ	لا يَتَقَاوَلْ	غایب	هُوَ (مفرد مذکر)
۲	ما تَقَاوَلَا	لا يَتَقَاوَلَانِ	اَنْ يَتَقَاوَلَا	لا يَتَقَاوَلَا		هُمَا (مثنی مذکر)
۳	ما تَقَاوَلُوْا	لا يَتَقَاوَلُوْنَ	اَنْ يَتَقَاوَلُوْا	لا يَتَقَاوَلُوْا		هُمْ (جمع مذکر)
۴	ما تَقَاوَلَتْ	لا تَتَقَاوَلُ	اَنْ تَتَقَاوَلَ	لا تَتَقَاوَلْ		هِيَ (مفرد مؤنث)
۵	ما تَقَاوَلَتَا	لا تَتَقَاوَلَانِ	اَنْ تَتَقَاوَلَا	لا تَتَقَاوَلَا		هُمَا (مثنی مؤنث)
۶	ما تَقَاوَلْنَ	لا يَتَقَاوَلْنَ	اَنْ يَتَقَاوَلْنَ	لا يَتَقَاوَلْنَ		هُنَّ (جمع مؤنث)
۷	ما تَقَاوَلْتَ	لا تَتَقَاوَلُ	اَنْ تَتَقَاوَلَ	لا تَتَقَاوَلْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد مذکر)
۸	ما تَقَاوَلْتُمَا	لا تَتَقَاوَلَانِ	اَنْ تَتَقَاوَلَا	لا تَتَقَاوَلَا		اَنْتُمَا (مثنی مذکر)
۹	ما تَقَاوَلْتُمْ	لا تَتَقَاوَلُوْنَ	اَنْ تَتَقَاوَلُوْا	لا تَتَقَاوَلُوْا		اَنْتُمْ (جمع مذکر)
۱۰	ما تَقَاوَلْتِ	لا تَتَقَاوَلِيْنَ	اَنْ تَتَقَاوَلِي	لا تَتَقَاوَلِي		اَنْتِ (مفرد مؤنث)
۱۱	ما تَقَاوَلْتُمَا	لا تَتَقَاوَلَانِ	اَنْ تَتَقَاوَلَا	لا تَتَقَاوَلَا		اَنْتُمَا (مثنی مؤنث)
۱۲	ما تَقَاوَلْتُنَّ	لا تَتَقَاوَلْنَ	اَنْ تَتَقَاوَلْنَ	لا تَتَقَاوَلْنَ		اَنْتُنَّ (جمع مؤنث)
۱۳	ما تَقَاوَلْتُ	لا اَتَقَاوَلُ	اَنْ اَتَقَاوَلَ	لا اَتَقَاوَلْ	متکلم	اَنَا (وحده مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَقَاوَلْنَا	لا نَتَقَاوَلُ	اَنْ نَتَقَاوَلَ	لا نَتَقَاوَلْ		نَحْنُ (جمع مذکر و مؤنث)

انواع فعل (از جهت حروف اصلی)

تصویر



صفحه ۲۷۹	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تأکید ثقیلة	امرمجهول بانون تأکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تأکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِ	لِيَتَقَاوَلَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَقَاوَلَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَقَاوَلُنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِمْ	لِيَتَقَاوَلُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهَا	لِتَتَقَاوَلَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَقَاوَلَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَقَاوَلْنَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكَ	تَقَاوَلَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَقَاوَلَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَقَاوَلُنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكُمْ	تَقَاوَلُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَقَاوَلِنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكِ	تَقَاوَلِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَقَاوَلَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَقَاوَلْنَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِي	لِأَتَقَاوَلَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِنَا	لِنَتَقَاوَلَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

ص: ۲۷۹

تصویر

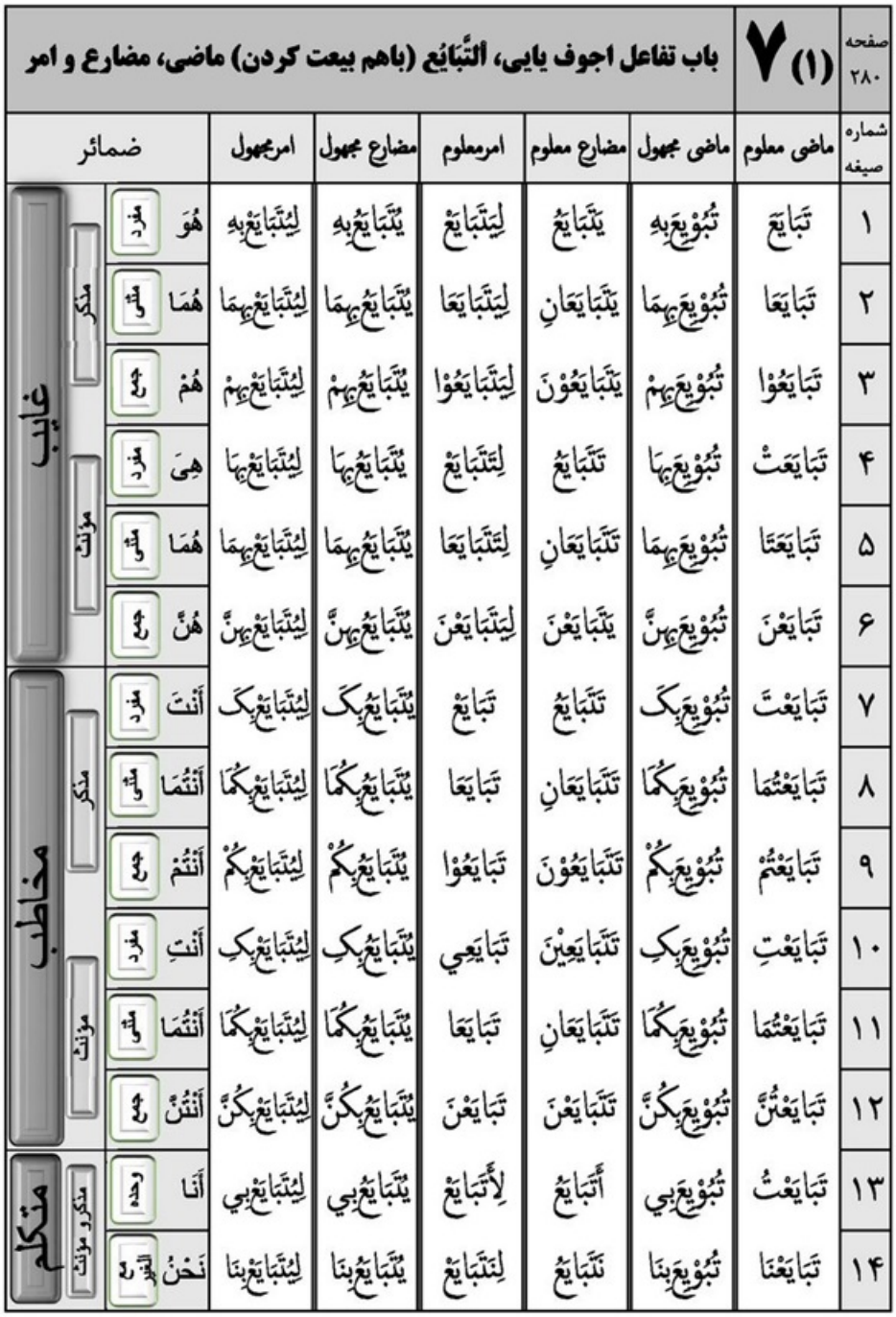

صفحه ۲۸۰	(۱) ۷ باب تفاعل اجوف یایی، اَلتَّبَایُع (باهم بیعت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَبَایَعَ	تُبُوْیِعَ بِهِ	یَتَبَایَعُ	لِیَتَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِهِ	لِیُتَبَایَعْ بِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	تَبَایَعَا	تُبُوْیِعَ بِهِمَا	یَتَبَایَعَانِ	لِیَتَبَایَعَا	یُتَبَایَعُ بِهِمَا	لِیُتَبَایَعْ بِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	تَبَایَعُوْا	تُبُوْیِعَ بِهِمْ	یَتَبَایَعُوْنَ	لِیَتَبَایَعُوْا	یُتَبَایَعُ بِهِمْ	لِیُتَبَایَعْ بِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	تَبَایَعَتْ	تُبُوْیِعَ بِهَا	تَتَبَایَعُ	لِتَتَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِهَا	لِیُتَبَایَعْ بِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِیَ
۵	تَبَایَعَتَا	تُبُوْیِعَ بِهِمَا	تَتَبَایَعَانِ	لِتَتَبَایَعَا	یُتَبَایَعُ بِهِمَا	لِیُتَبَایَعْ بِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	تَبَایَعْنَ	تُبُوْیِعَ بِهِنَّ	یَتَبَایَعْنَ	لِیَتَبَایَعْنَ	یُتَبَایَعُ بِهِنَّ	لِیُتَبَایَعْ بِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَبَایَعْتَ	تُبُوْیِعَ بِکَ	تَتَبَایَعُ	تَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِکَ	لِیُتَبَایَعْ بِکَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَبَایَعْتُمَا	تُبُوْیِعَ بِکُمَا	تَتَبَایَعَانِ	تَبَایَعَا	یُتَبَایَعُ بِکُمَا	لِیُتَبَایَعْ بِکُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَبَایَعْتُمْ	تُبُوْیِعَ بِکُمْ	تَتَبَایَعُوْنَ	تَبَایَعُوْا	یُتَبَایَعُ بِکُمْ	لِیُتَبَایَعْ بِکُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَبَایَعْتِ	تُبُوْیِعَ بِکِ	تَتَبَایَعِیْنَ	تَبَایَعِي	یُتَبَایَعُ بِکِ	لِیُتَبَایَعْ بِکِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَبَایَعْتُمَا	تُبُوْیِعَ بِکُمَا	تَتَبَایَعَانِ	تَبَایَعَا	یُتَبَایَعُ بِکُمَا	لِیُتَبَایَعْ بِکُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَبَایَعْتُنَّ	تُبُوْیِعَ بِکُنَّ	تَتَبَایَعْنَ	تَبَایَعْنَ	یُتَبَایَعُ بِکُنَّ	لِیُتَبَایَعْ بِکُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	تَبَایَعْتُ	تُبُوْیِعَ بِي	أَتَبَایَعُ	لِأَتَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِي	لِیُتَبَایَعْ بِي	متکلم / مذکر و مؤنث / مفرد / أَنَا
۱۴	تَبَایَعْنَا	تُبُوْیِعَ بِنَا	نَتَبَایَعُ	لِنَتَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِنَا	لِیُتَبَایَعْ بِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع / نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۸۱	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهي	ضمائر	
۱	ما تَبَايَعَ	لا يَتَبَايَعُ	اَنْ يَتَبَايَعَ	لا يَتَبَايَعْ	هُوَ	غايب، مذكر، مفرد
۲	ما تَبَايَعَا	لا يَتَبَايَعَانِ	اَنْ يَتَبَايَعَا	لا يَتَبَايَعَا	هُمَا	غايب، مذكر، مثنى
۳	ما تَبَايَعُوْا	لا يَتَبَايَعُوْنَ	اَنْ يَتَبَايَعُوْا	لا يَتَبَايَعُوْا	هُمْ	غايب، مذكر، جمع
۴	ما تَبَايَعَتْ	لا تَتَبَايَعُ	اَنْ تَتَبَايَعَ	لا تَتَبَايَعْ	هِيَ	غايب، مؤنث، مفرد
۵	ما تَبَايَعَتَا	لا تَتَبَايَعَانِ	اَنْ تَتَبَايَعَا	لا تَتَبَايَعَا	هُمَا	غايب، مؤنث، مثنى
۶	ما تَبَايَعْنَ	لا يَتَبَايَعْنَ	اَنْ يَتَبَايَعْنَ	لا يَتَبَايَعْنَ	هُنَّ	غايب، مؤنث، جمع
۷	ما تَبَايَعْتَ	لا تَتَبَايَعُ	اَنْ تَتَبَايَعَ	لا تَتَبَايَعْ	اَنْتَ	مخاطب، مذكر، مفرد
۸	ما تَبَايَعْتُمَا	لا تَتَبَايَعَانِ	اَنْ تَتَبَايَعَا	لا تَتَبَايَعَا	اَنْتُمَا	مخاطب، مذكر، مثنى
۹	ما تَبَايَعْتُمْ	لا تَتَبَايَعُوْنَ	اَنْ تَتَبَايَعُوْا	لا تَتَبَايَعُوْا	اَنْتُمْ	مخاطب، مذكر، جمع
۱۰	ما تَبَايَعْتِ	لا تَتَبَايَعِيْنَ	اَنْ تَتَبَايَعِي	لا تَتَبَايَعِي	اَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما تَبَايَعْتُمَا	لا تَتَبَايَعَانِ	اَنْ تَتَبَايَعَا	لا تَتَبَايَعَا	اَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنى
۱۲	ما تَبَايَعْتُنَّ	لا تَتَبَايَعْنَ	اَنْ تَتَبَايَعْنَ	لا تَتَبَايَعْنَ	اَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما تَبَايَعْتُ	لا اَتَبَايَعُ	اَنْ اَتَبَايَعَ	لا اَتَبَايَعْ	اَنَا	متكلم، وحده
۱۴	ما تَبَايَعْنَا	لا نَتَبَايَعُ	اَنْ نَتَبَايَعَ	لا نَتَبَايَعْ	نَحْنُ	متكلم، مع الغير

تصویر

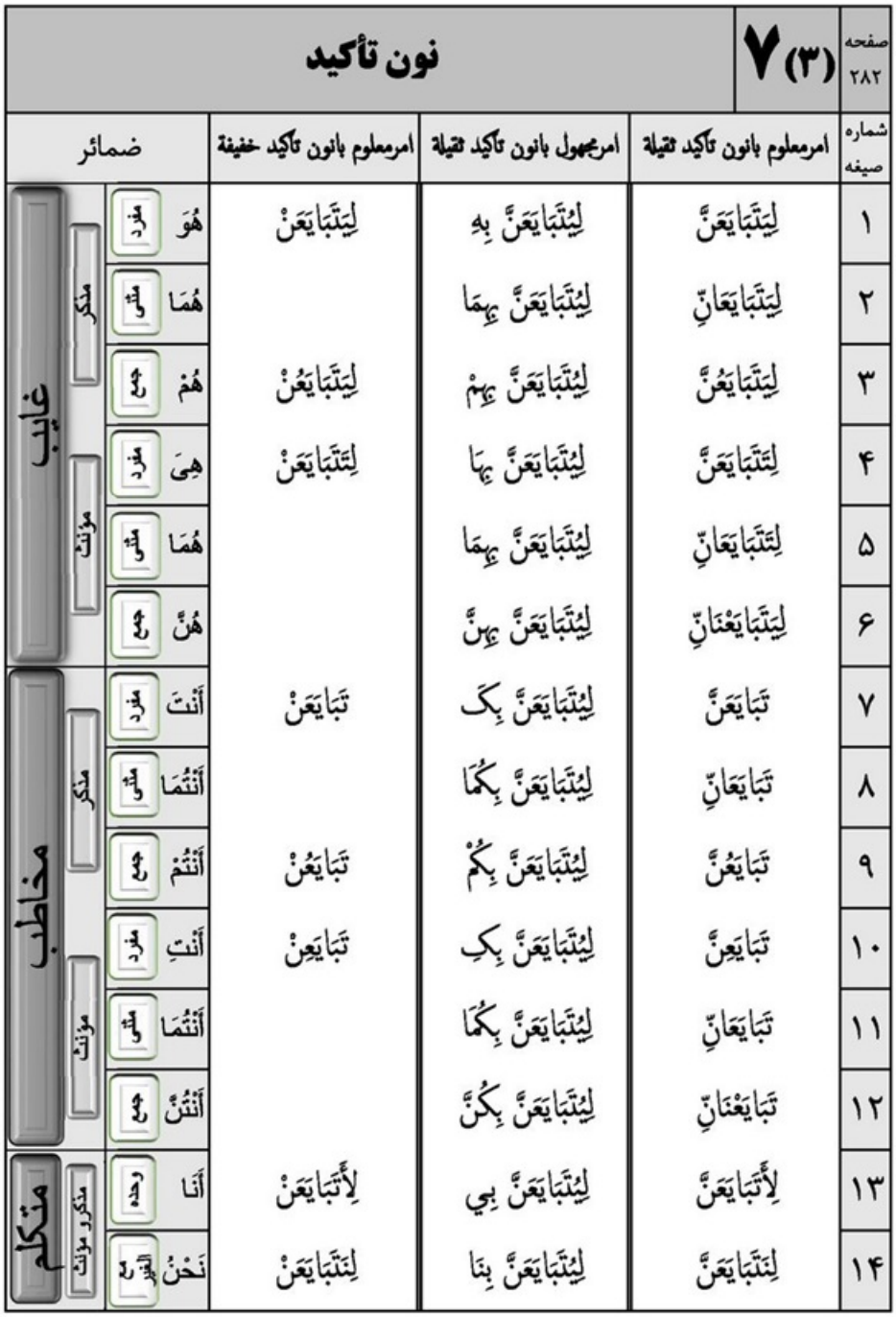

صفحه ۲۸۲	نون تأکید (۳) ۷				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَتَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِ	لِيَتَبَايَعَنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَتَبَايَعَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَتَبَايَعُنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِمْ	لِيَتَبَايَعُنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَتَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهَا	لِتَتَبَايَعَنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَتَبَايَعَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَتَبَايَعْنَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	تَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكَ	تَبَايَعَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	تَبَايَعَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	تَبَايَعُنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكُمْ	تَبَايَعُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَبَايَعِنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكِ	تَبَايَعِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَبَايَعَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	تَبَايَعْنَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِي	لِأَتَبَايَعَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنَتَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِنَا	لِنَتَبَايَعَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

ص: ۲۸۲

تصویر

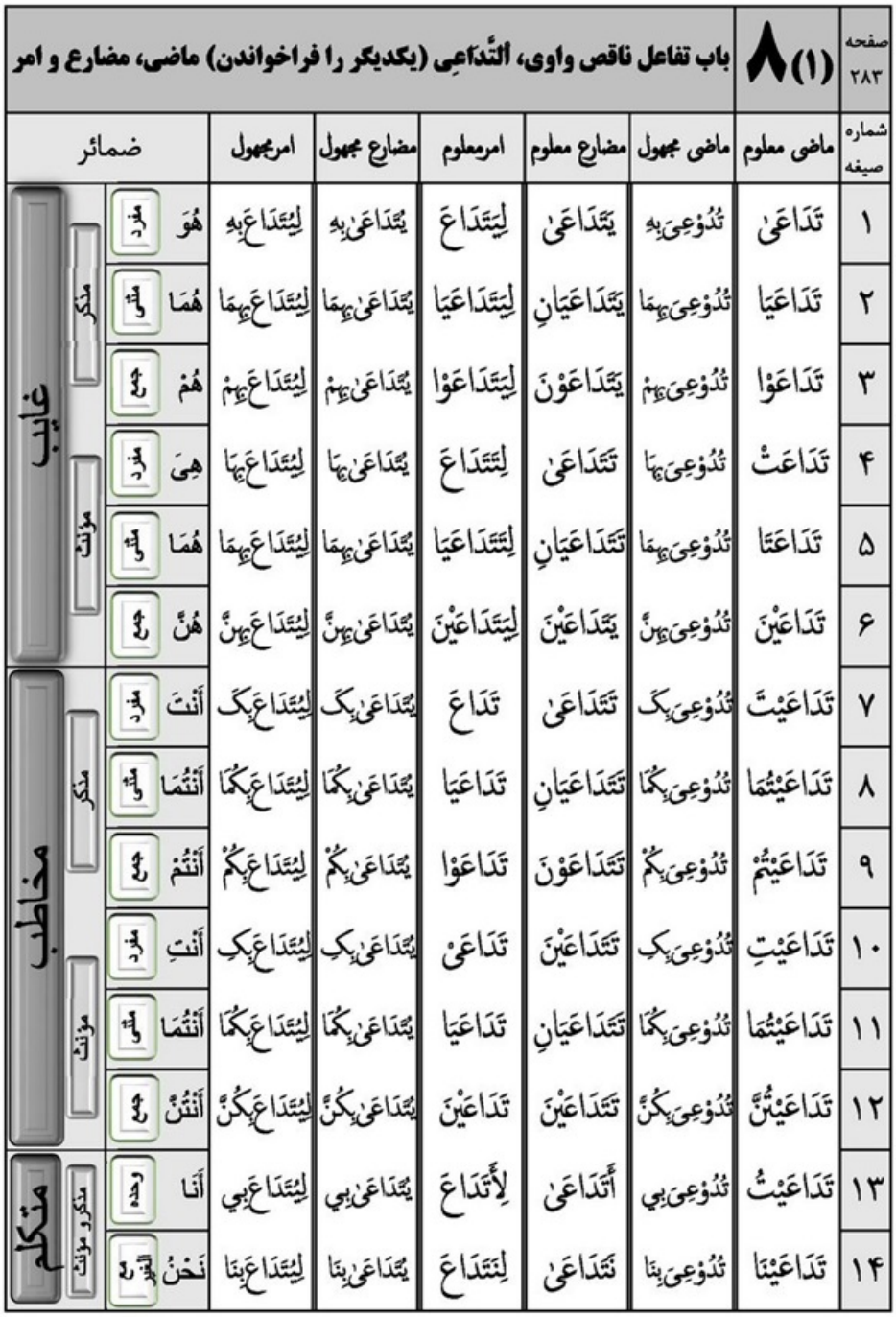

صفحه ۲۸۳	۸ (۱)	باب تفاعل ناقص واوی، اَلتَّدَاعِی (یکدیگر را فراخواندن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَدَاعَیٰ	تُدُوْعِیَ بِهٖ	یَتَدَاعَیٰ	لِیَتَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِهٖ	لِیُتَدَاعَ بِهٖ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَدَاعَیَا	تُدُوْعِیَ بِهِمَا	یَتَدَاعَیَانِ	لِیَتَدَاعَیَا	یُتَدَاعَیٰ بِهِمَا	لِیُتَدَاعَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَدَاعَوْا	تُدُوْعِیَ بِهِمْ	یَتَدَاعَوْنَ	لِیَتَدَاعَوْا	یُتَدَاعَیٰ بِهِمْ	لِیُتَدَاعَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَدَاعَتْ	تُدُوْعِیَ بِهَا	تَتَدَاعَیٰ	لِتَتَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِهَا	لِیُتَدَاعَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَدَاعَتَا	تُدُوْعِیَ بِهِمَا	تَتَدَاعَیَانِ	لِتَتَدَاعَیَا	یُتَدَاعَیٰ بِهِمَا	لِیُتَدَاعَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَدَاعَیْنَ	تُدُوْعِیَ بِهِنَّ	یَتَدَاعَیْنَ	لِیَتَدَاعَیْنَ	یُتَدَاعَیٰ بِهِنَّ	لِیُتَدَاعَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَاعَیْتَ	تُدُوْعِیَ بِکَ	تَتَدَاعَیٰ	تَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِکَ	لِیُتَدَاعَ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَاعَیْتُمَا	تُدُوْعِیَ بِکُمَا	تَتَدَاعَیَانِ	تَدَاعَیَا	یُتَدَاعَیٰ بِکُمَا	لِیُتَدَاعَ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَاعَیْتُمْ	تُدُوْعِیَ بِکُمْ	تَتَدَاعَوْنَ	تَدَاعَوْا	یُتَدَاعَیٰ بِکُمْ	لِیُتَدَاعَ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَاعَیْتِ	تُدُوْعِیَ بِکِ	تَتَدَاعَیْنَ	تَدَاعَیْ	یُتَدَاعَیٰ بِکِ	لِیُتَدَاعَ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَاعَیْتُمَا	تُدُوْعِیَ بِکُمَا	تَتَدَاعَیَانِ	تَدَاعَیَا	یُتَدَاعَیٰ بِکُمَا	لِیُتَدَاعَ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَاعَیْتُنَّ	تُدُوْعِیَ بِکُنَّ	تَتَدَاعَیْنَ	تَدَاعَیْنَ	یُتَدَاعَیٰ بِکُنَّ	لِیُتَدَاعَ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَدَاعَیْتُ	تُدُوْعِیَ بِیْ	أَتَدَاعَیٰ	لِأَتَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِیْ	لِیُتَدَاعَ بِیْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَدَاعَیْنَا	تُدُوْعِیَ بِنَا	نَتَدَاعَیٰ	لِنَتَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِنَا	لِیُتَدَاعَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۴	۸ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَدَاعَیٰ	لا یَتَدَاعَیٰ	اَنْ یَتَدَاعَیٰ	لا یَتَدَاعَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما تَدَاعَیَا	لا یَتَدَاعَیَانِ	اَنْ یَتَدَاعَیَا	لا یَتَدَاعَیَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما تَدَاعَوْا	لا یَتَدَاعَوْنَ	اَنْ یَتَدَاعَوْا	لا یَتَدَاعَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما تَدَاعَتْ	لا تَتَدَاعَیٰ	اَنْ تَتَدَاعَیٰ	لا تَتَدَاعَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	ما تَدَاعَتَا	لا تَتَدَاعَیَانِ	اَنْ تَتَدَاعَیَا	لا تَتَدَاعَیَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما تَدَاعَیْنَ	لا یَتَدَاعَیْنَ	اَنْ یَتَدَاعَیْنَ	لا یَتَدَاعَیْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما تَدَاعَیْتَ	لا تَتَدَاعَیٰ	اَنْ تَتَدَاعَیٰ	لا تَتَدَاعَ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما تَدَاعَیْتُمَا	لا تَتَدَاعَیَانِ	اَنْ تَتَدَاعَیَا	لا تَتَدَاعَیَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما تَدَاعَیْتُمْ	لا تَتَدَاعَوْنَ	اَنْ تَتَدَاعَوْا	لا تَتَدَاعَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما تَدَاعَیْتِ	لا تَتَدَاعَیْنَ	اَنْ تَتَدَاعَیْ	لا تَتَدَاعَیْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما تَدَاعَیْتُمَا	لا تَتَدَاعَیَانِ	اَنْ تَتَدَاعَیَا	لا تَتَدَاعَیَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما تَدَاعَیْتُنَّ	لا تَتَدَاعَیْنَ	اَنْ تَتَدَاعَیْنَ	لا تَتَدَاعَیْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَدَاعَیْتُ	لا اَتَدَاعَیٰ	اَنْ اَتَدَاعَیٰ	لا اَتَدَاعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — اَنَا
۱۴	ما تَدَاعَیْنَا	لا نَتَدَاعَیٰ	اَنْ نَتَدَاعَیٰ	لا نَتَدَاعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۵	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِ	لِيَتَدَاعَيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَدَاعَيَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَدَاعَوُنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَدَاعَوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهَا	لِتَتَدَاعَيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَدَاعَيَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَدَاعَيْنَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكَ	تَدَاعَيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَاعَيَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَاعَوُنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكُمْ	تَدَاعَوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَاعِيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكِ	تَدَاعِيَنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَاعَيَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَاعَيْنَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِي	لِأَتَدَاعَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِنَا	لِنَتَدَاعَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۲۸۵

تصویر

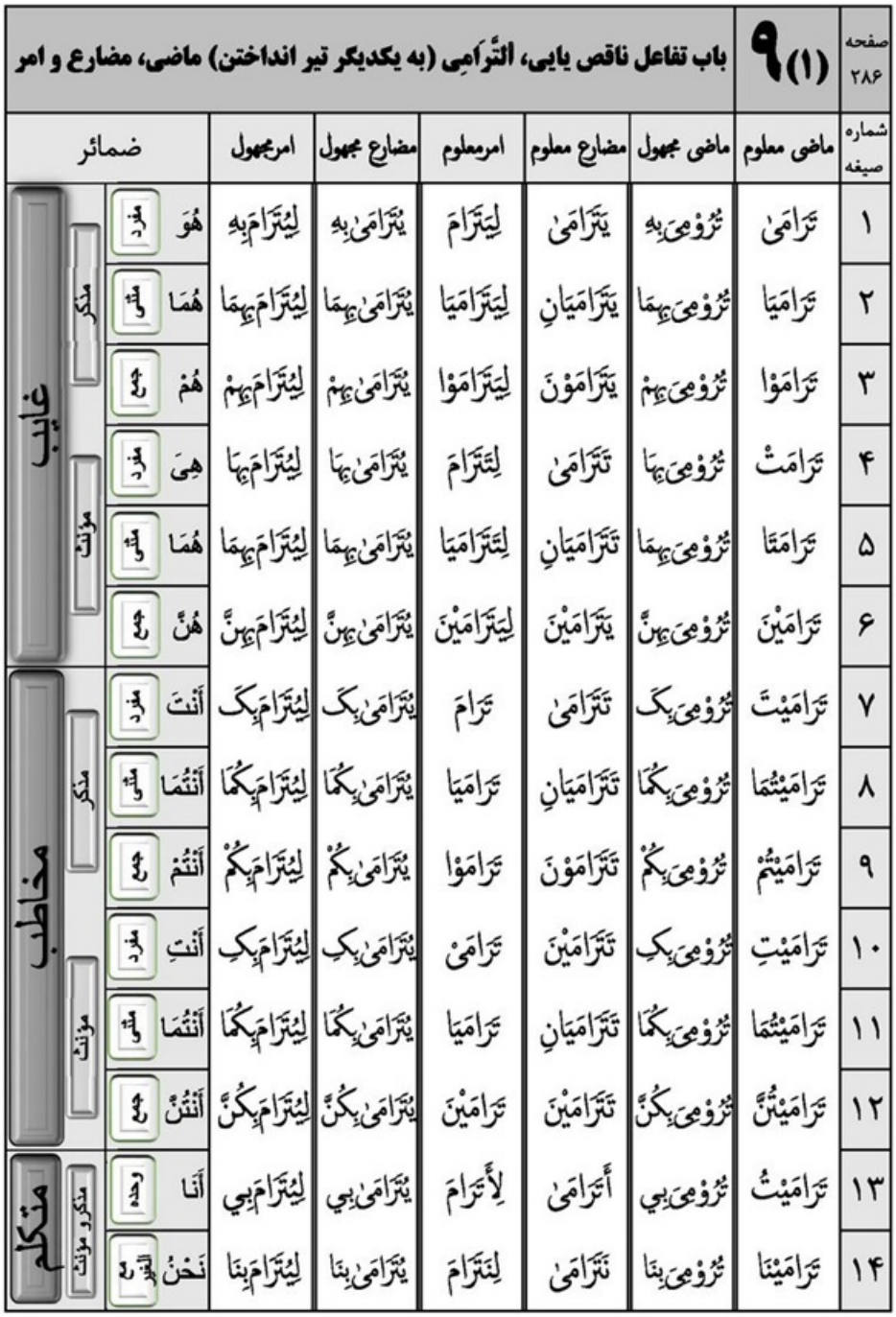

صفحه ۲۸۶	باب تفاعل ناقص یایی، التَّرامِی (به یکدیگر تیر انداختن) ماضی، مضارع و امر							
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَرامَیٰ	تُرُوْمِیَ بِهِ	یَتَرامَیٰ	لِیَتَرَامَ	یُتَرامَیٰ بِهِ	لِیُتَرَامَ بِهِ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	تَرامَیَا	تُرُوْمِیَ بِهِمَا	یَتَرَامَیَانِ	لِیَتَرَامَیَا	یُتَرَامَیٰ بِهِمَا	لِیُتَرَامَ بِهِمَا	مذکر تثنیه	هُمَا
۳	تَرَامَوْا	تُرُوْمِیَ بِهِمْ	یَتَرَامَوْنَ	لِیَتَرَامَوْا	یُتَرَامَیٰ بِهِمْ	لِیُتَرَامَ بِهِمْ	مذکر جمع	هُمْ
۴	تَرَامَتْ	تُرُوْمِیَ بِهَا	تَتَرَامَیٰ	لِتَتَرَامَ	یُتَرَامَیٰ بِهَا	لِیُتَرَامَ بِهَا	مؤنث مفرد	هِیَ
۵	تَرَامَتَا	تُرُوْمِیَ بِهِمَا	تَتَرَامَیَانِ	لِتَتَرَامَیَا	یُتَرَامَیٰ بِهِمَا	لِیُتَرَامَ بِهِمَا	مؤنث تثنیه	هُمَا
۶	تَرَامَیْنَ	تُرُوْمِیَ بِهِنَّ	یَتَرَامَیْنَ	لِیَتَرَامَیْنَ	یُتَرَامَیٰ بِهِنَّ	لِیُتَرَامَ بِهِنَّ	مؤنث جمع	هُنَّ
۷	تَرَامَیْتَ	تُرُوْمِیَ بِکَ	تَتَرَامَیٰ	تَرَامَ	یُتَرَامَیٰ بِکَ	لِیُتَرَامَ بِکَ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	تَرَامَیْتُمَا	تُرُوْمِیَ بِکُمَا	تَتَرَامَیَانِ	تَرَامَیَا	یُتَرَامَیٰ بِکُمَا	لِیُتَرَامَ بِکُمَا	مذکر تثنیه	أَنْتُمَا
۹	تَرَامَیْتُمْ	تُرُوْمِیَ بِکُمْ	تَتَرَامَوْنَ	تَرَامَوْا	یُتَرَامَیٰ بِکُمْ	لِیُتَرَامَ بِکُمْ	مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَرَامَیْتِ	تُرُوْمِیَ بِکِ	تَتَرَامَیْنَ	تَرَامَیْ	یُتَرَامَیٰ بِکِ	لِیُتَرَامَ بِکِ	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَرَامَیْتُمَا	تُرُوْمِیَ بِکُمَا	تَتَرَامَیَانِ	تَرَامَیَا	یُتَرَامَیٰ بِکُمَا	لِیُتَرَامَ بِکُمَا	مؤنث تثنیه	أَنْتُمَا
۱۲	تَرَامَیْتُنَّ	تُرُوْمِیَ بِکُنَّ	تَتَرَامَیْنَ	تَرَامَیْنَ	یُتَرَامَیٰ بِکُنَّ	لِیُتَرَامَ بِکُنَّ	مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	تَرَامَیْتُ	تُرُوْمِیَ بِي	أَتَرَامَیٰ	لِأَتَرَامَ	یُتَرَامَیٰ بِي	لِیُتَرَامَ بِي	متکلم مذکر و مؤنث وحده	أَنَا
۱۴	تَرَامَیْنَا	تُرُوْمِیَ بِنَا	نَتَرَامَیٰ	لِنَتَرَامَ	یُتَرَامَیٰ بِنَا	لِیُتَرَامَ بِنَا	مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۷	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَرامَىٰ	لا يَتَرامَىٰ	اَنْ يَتَرامَىٰ	لا يَتَرامَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما تَرامَيا	لا يَتَرامَيانِ	اَنْ يَتَرامَيا	لا يَتَرامَيا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما تَرامَوْا	لا يَتَرامَوْنَ	اَنْ يَتَرامَوْا	لا يَتَرامَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما تَرامَتْ	لا تَتَرامَىٰ	اَنْ تَتَرامَىٰ	لا تَتَرامَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما تَرامَتا	لا تَتَرامَيانِ	اَنْ تَتَرامَيا	لا تَتَرامَيا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما تَرامَيْنَ	لا يَتَرامَيْنَ	اَنْ يَتَرامَيْنَ	لا يَتَرامَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما تَرامَيْتَ	لا تَتَرامَىٰ	اَنْ تَتَرامَىٰ	لا تَتَرامَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما تَرامَيْتُما	لا تَتَرامَيانِ	اَنْ تَتَرامَيا	لا تَتَرامَيا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُما
۹	ما تَرامَيْتُمْ	لا تَتَرامَوْنَ	اَنْ تَتَرامَوْا	لا تَتَرامَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما تَرامَيْتِ	لا تَتَرامَيْنَ	اَنْ تَتَرامَيْ	لا تَتَرامَيْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما تَرامَيْتُما	لا تَتَرامَيانِ	اَنْ تَتَرامَيا	لا تَتَرامَيا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُما
۱۲	ما تَرامَيْتُنَّ	لا تَتَرامَيْنَ	اَنْ تَتَرامَيْنَ	لا تَتَرامَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَرامَيْتُ	لا أَتَرامَىٰ	اَنْ أَتَرامَىٰ	لا أَتَرامَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنا
۱۴	ما تَرامَيْنا	لا نَتَرامَىٰ	اَنْ نَتَرامَىٰ	لا نَتَرامَ	متکلم — مذکر و مؤنث — تثنیه و جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۸	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِ	لِيَتَرَامَيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَرَامَيَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَرَامُوُنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَرَامُوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهَا	لِتَتَرَامَيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَرَامَيَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَرَامَيْنَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكَ	تَرَامَيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَرَامَيَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَرَامُوُنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكُمْ	تَرَامُوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَرَامِيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكِ	تَرَامِيَنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَرَامَيَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَرَامَيْنَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِي	لِأَتَرَامَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِنَا	لِنَتَرَامَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۹	(۱) ◆ ۱۰ باب تفاعل لفیف مفروق، اَلتَّوَالِی (در پی هم آمدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَوَالَیٰ	تُوُوْلِیَ بِهِ	یَتَوَالَیٰ	لِیَتَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِهِ	لِیُتَوَالَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَوَالَیَا	تُوُوْلِیَ بِهِمَا	یَتَوَالَیَانِ	لِیَتَوَالَیَا	یُتَوَالَیٰ بِهِمَا	لِیُتَوَالَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَوَالَوْا	تُوُوْلِیَ بِهِمْ	یَتَوَالَوْنَ	لِیَتَوَالَوْا	یُتَوَالَیٰ بِهِمْ	لِیُتَوَالَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَوَالَتْ	تُوُوْلِیَ بِهَا	تَتَوَالَیٰ	لِتَتَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِهَا	لِیُتَوَالَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَوَالَتَا	تُوُوْلِیَ بِهِمَا	تَتَوَالَیَانِ	لِتَتَوَالَیَا	یُتَوَالَیٰ بِهِمَا	لِیُتَوَالَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَوَالَیْنَ	تُوُوْلِیَ بِهِنَّ	یَتَوَالَیْنَ	لِیَتَوَالَیْنَ	یُتَوَالَیٰ بِهِنَّ	لِیُتَوَالَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَوَالَیْتَ	تُوُوْلِیَ بِکَ	تَتَوَالَیٰ	تَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِکَ	لِیُتَوَالَ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَوَالَیْتُمَا	تُوُوْلِیَ بِکُمَا	تَتَوَالَیَانِ	تَوَالَیَا	یُتَوَالَیٰ بِکُمَا	لِیُتَوَالَ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَوَالَیْتُمْ	تُوُوْلِیَ بِکُمْ	تَتَوَالَوْنَ	تَوَالَوْا	یُتَوَالَیٰ بِکُمْ	لِیُتَوَالَ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَوَالَیْتِ	تُوُوْلِیَ بِکِ	تَتَوَالَیْنَ	تَوَالَیْ	یُتَوَالَیٰ بِکِ	لِیُتَوَالَ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَوَالَیْتُمَا	تُوُوْلِیَ بِکُمَا	تَتَوَالَیَانِ	تَوَالَیَا	یُتَوَالَیٰ بِکُمَا	لِیُتَوَالَ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَوَالَیْتُنَّ	تُوُوْلِیَ بِکُنَّ	تَتَوَالَیْنَ	تَوَالَیْنَ	یُتَوَالَیٰ بِکُنَّ	لِیُتَوَالَ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَوَالَیْتُ	تُوُوْلِیَ بِي	أَتَوَالَیٰ	لِأَتَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِي	لِیُتَوَالَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَوَالَیْنَا	تُوُوْلِیَ بِنَا	نَتَوَالَیٰ	لِنَتَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِنَا	لِیُتَوَالَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۹۰	۱۰ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَوالَىٰ	لا يَتَوالَىٰ	اَنْ يَتَوالَىٰ	لا يَتَوالَ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما تَوالَيا	لا يَتَوالَيانِ	اَنْ يَتَوالَيا	لا يَتَوالَيا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما تَوالَوْا	لا يَتَوالَوْنَ	اَنْ يَتَوالَوْا	لا يَتَوالَوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما تَوالَتْ	لا تَتَوالَىٰ	اَنْ تَتَوالَىٰ	لا تَتَوالَ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما تَوالَتا	لا تَتَوالَيانِ	اَنْ تَتَوالَيا	لا تَتَوالَيا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما تَوالَيْنَ	لا يَتَوالَيْنَ	اَنْ يَتَوالَيْنَ	لا يَتَوالَيْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما تَوالَيْتَ	لا تَتَوالَىٰ	اَنْ تَتَوالَىٰ	لا تَتَوالَ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	ما تَوالَيْتُما	لا تَتَوالَيانِ	اَنْ تَتَوالَيا	لا تَتَوالَيا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُما
۹	ما تَوالَيْتُمْ	لا تَتَوالَوْنَ	اَنْ تَتَوالَوْا	لا تَتَوالَوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما تَوالَيْتِ	لا تَتَوالَيْنَ	اَنْ تَتَوالَىٰ	لا تَتَوالَىٰ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما تَوالَيْتُما	لا تَتَوالَيانِ	اَنْ تَتَوالَيا	لا تَتَوالَيا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُما
۱۲	ما تَوالَيْتُنَّ	لا تَتَوالَيْنَ	اَنْ تَتَوالَيْنَ	لا تَتَوالَيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَوالَيْتُ	لا أَتَوالَىٰ	اَنْ أَتَوالَىٰ	لا أَتَوالَ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد	أَنَا
۱۴	ما تَوالَيْنا	لا نَتَوالَىٰ	اَنْ نَتَوالَىٰ	لا نَتَوالَ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۹۱	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِ	لِيَتَوَالَيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَوَالَيَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَوَالَوُنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَوَالَوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهَا	لِتَتَوَالَيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَوَالَيَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَوَالَيْنَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكَ	تَوَالَيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَوَالَيَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَوَالَوُنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكُمْ	تَوَالَوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَوَالِيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكِ	تَوَالِيْنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَوَالَيَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَوَالَيْنَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِي	لِأَتَوَالَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِنَا	لِنَتَوَالَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۹۲	۱۱ (۱) باب تفاعل لفیف مقرون، اَلتَّقَاوِی (افزوده شدن شریکان) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَقَاوَیٰ	تُقُوْوِیَ بِهِ	یَتَقَاوَیٰ	لِیَتَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِهِ	لِیُتَقَاوَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَقَاوَیَا	تُقُوْوِیَ بِهِمَا	یَتَقَاوَیَانِ	لِیَتَقَاوَیَا	یُتَقَاوَیٰ بِهِمَا	لِیُتَقَاوَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَقَاوَوْا	تُقُوْوِیَ بِهِمْ	یَتَقَاوَوْنَ	لِیَتَقَاوَوْا	یُتَقَاوَیٰ بِهِمْ	لِیُتَقَاوَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَقَاوَتْ	تُقُوْوِیَ بِهَا	تَتَقَاوَیٰ	لِتَتَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِهَا	لِیُتَقَاوَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَقَاوَتَا	تُقُوْوِیَ بِهِمَا	تَتَقَاوَیَانِ	لِتَتَقَاوَیَا	یُتَقَاوَیٰ بِهِمَا	لِیُتَقَاوَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَقَاوَیْنَ	تُقُوْوِیَ بِهِنَّ	یَتَقَاوَیْنَ	لِیَتَقَاوَیْنَ	یُتَقَاوَیٰ بِهِنَّ	لِیُتَقَاوَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَقَاوَیْتَ	تُقُوْوِیَ بِکَ	تَتَقَاوَیٰ	تَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِکَ	لِیُتَقَاوَ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَقَاوَیْتُمَا	تُقُوْوِیَ بِکُمَا	تَتَقَاوَیَانِ	تَقَاوَیَا	یُتَقَاوَیٰ بِکُمَا	لِیُتَقَاوَ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَقَاوَیْتُمْ	تُقُوْوِیَ بِکُمْ	تَتَقَاوَوْنَ	تَقَاوَوْا	یُتَقَاوَیٰ بِکُمْ	لِیُتَقَاوَ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَقَاوَیْتِ	تُقُوْوِیَ بِکِ	تَتَقَاوَیْنَ	تَقَاوَیْ	یُتَقَاوَیٰ بِکِ	لِیُتَقَاوَ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَقَاوَیْتُمَا	تُقُوْوِیَ بِکُمَا	تَتَقَاوَیَانِ	تَقَاوَیَا	یُتَقَاوَیٰ بِکُمَا	لِیُتَقَاوَ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَقَاوَیْتُنَّ	تُقُوْوِیَ بِکُنَّ	تَتَقَاوَیْنَ	تَقَاوَیْنَ	یُتَقَاوَیٰ بِکُنَّ	لِیُتَقَاوَ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَقَاوَیْتُ	تُقُوْوِیَ بِي	أَتَقَاوَیٰ	لِأَتَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِي	لِیُتَقَاوَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَقَاوَیْنَا	تُقُوْوِیَ بِنَا	نَتَقَاوَیٰ	لِنَتَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِنَا	لِیُتَقَاوَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

ص: ۲۹۲

تصویر

صفحه ۲۹۳	۱۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَقَاوَىٰ	لا يَتَقَاوَىٰ	اَنْ يَتَقَاوَىٰ	لا يَتَقَاوَ	غایب	هُوَ (مفرد)
۲	ما تَقَاوَيَا	لا يَتَقَاوَيَانِ	اَنْ يَتَقَاوَيَا	لا يَتَقَاوَيَا		هُمَا (مثنی) مذکر
۳	ما تَقَاوَوْا	لا يَتَقَاوَوْنَ	اَنْ يَتَقَاوَوْا	لا يَتَقَاوَوْا		هُمْ (جمع)
۴	ما تَقَاوَتْ	لا تَتَقَاوَىٰ	اَنْ تَتَقَاوَىٰ	لا تَتَقَاوَ		هِيَ (مفرد)
۵	ما تَقَاوَتَا	لا تَتَقَاوَيَانِ	اَنْ تَتَقَاوَيَا	لا تَتَقَاوَيَا		هُمَا (مثنی) مؤنث
۶	ما تَقَاوَيْنَ	لا يَتَقَاوَيْنَ	اَنْ يَتَقَاوَيْنَ	لا يَتَقَاوَيْنَ		هُنَّ (جمع)
۷	ما تَقَاوَيْتَ	لا تَتَقَاوَىٰ	اَنْ تَتَقَاوَىٰ	لا تَتَقَاوَ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد)
۸	ما تَقَاوَيْتُمَا	لا تَتَقَاوَيَانِ	اَنْ تَتَقَاوَيَا	لا تَتَقَاوَيَا		اَنْتُمَا (مثنی) مذکر
۹	ما تَقَاوَيْتُمْ	لا تَتَقَاوَوْنَ	اَنْ تَتَقَاوَوْا	لا تَتَقَاوَوْا		اَنْتُمْ (جمع)
۱۰	ما تَقَاوَيْتِ	لا تَتَقَاوَيْنَ	اَنْ تَتَقَاوَيْ	لا تَتَقَاوَيْ		اَنْتِ (مفرد)
۱۱	ما تَقَاوَيْتُمَا	لا تَتَقَاوَيَانِ	اَنْ تَتَقَاوَيَا	لا تَتَقَاوَيَا		اَنْتُمَا (مثنی) مؤنث
۱۲	ما تَقَاوَيْتُنَّ	لا تَتَقَاوَيْنَ	اَنْ تَتَقَاوَيْنَ	لا تَتَقَاوَيْنَ		اَنْتُنَّ (جمع)
۱۳	ما تَقَاوَيْتُ	لا أَتَقَاوَىٰ	اَنْ أَتَقَاوَىٰ	لا أَتَقَاوَ	متکلم	اَنَا (وحده) مذکر و مؤنث
۱۴	ما تَقَاوَيْنَا	لا نَتَقَاوَىٰ	اَنْ نَتَقَاوَىٰ	لا نَتَقَاوَ		نَحْنُ (جمع)

تصویر



صفحه ۲۹۴	۱۱ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِ	لِيَتَقَاوَيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَقَاوَيَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَقَاوُوُنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَقَاوُوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهَا	لِتَتَقَاوَيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَقَاوَيَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَقَاوَيْنَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكَ	تَقَاوَيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَقَاوَيَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَقَاوُوُنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكُمْ	تَقَاوُوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَقَاوَيِنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكِ	تَقَاوَيِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَقَاوَيَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَقَاوَيْنَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِي	لِأَتَقَاوَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِنَا	لِنَتَقَاوَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

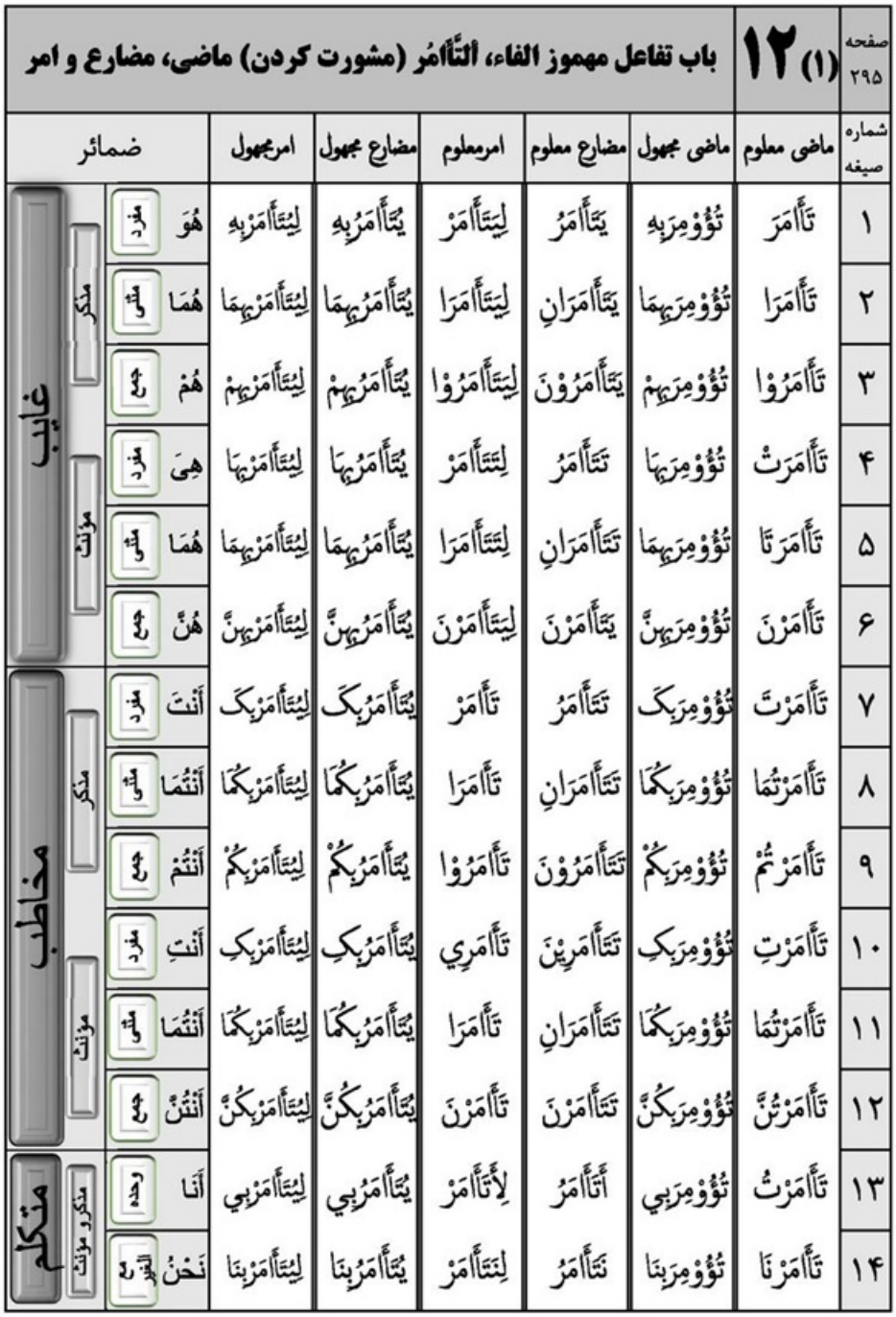

صفحه ۲۹۵	۱۲ (۱) باب تفاعل مهموز الفاء، اَلتَّأَامُر (مشورت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَأَامَرَ	تُؤُوْمِرَبِهِ	يَتَأَامَرُ	لِيَتَأَامَرْ	يُتَأَامَرُبِهِ	لِيُتَأَامَرْبِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَأَامَرَا	تُؤُوْمِرَبِهِمَا	يَتَأَامَرَانِ	لِيَتَأَامَرَا	يُتَأَامَرُبِهِمَا	لِيُتَأَامَرْبِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَأَامَرُوْا	تُؤُوْمِرَبِهِمْ	يَتَأَامَرُوْنَ	لِيَتَأَامَرُوْا	يُتَأَامَرُبِهِمْ	لِيُتَأَامَرْبِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَأَامَرَتْ	تُؤُوْمِرَبِهَا	تَتَأَامَرُ	لِتَتَأَامَرْ	يُتَأَامَرُبِهَا	لِيُتَأَامَرْبِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَأَامَرَتَا	تُؤُوْمِرَبِهِمَا	تَتَأَامَرَانِ	لِتَتَأَامَرَا	يُتَأَامَرُبِهِمَا	لِيُتَأَامَرْبِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَأَامَرْنَ	تُؤُوْمِرَبِهِنَّ	يَتَأَامَرْنَ	لِيَتَأَامَرْنَ	يُتَأَامَرُبِهِنَّ	لِيُتَأَامَرْبِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَأَامَرْتَ	تُؤُوْمِرَبِكَ	تَتَأَامَرُ	تَأَامَرْ	يُتَأَامَرُبِكَ	لِيُتَأَامَرْبِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَأَامَرْتُمَا	تُؤُوْمِرَبِكُمَا	تَتَأَامَرَانِ	تَأَامَرَا	يُتَأَامَرُبِكُمَا	لِيُتَأَامَرْبِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَأَامَرْتُمْ	تُؤُوْمِرَبِكُمْ	تَتَأَامَرُوْنَ	تَأَامَرُوْا	يُتَأَامَرُبِكُمْ	لِيُتَأَامَرْبِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَأَامَرْتِ	تُؤُوْمِرَبِكِ	تَتَأَامَرِيْنَ	تَأَامَرِي	يُتَأَامَرُبِكِ	لِيُتَأَامَرْبِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَأَامَرْتُمَا	تُؤُوْمِرَبِكُمَا	تَتَأَامَرَانِ	تَأَامَرَا	يُتَأَامَرُبِكُمَا	لِيُتَأَامَرْبِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَأَامَرْتُنَّ	تُؤُوْمِرَبِكُنَّ	تَتَأَامَرْنَ	تَأَامَرْنَ	يُتَأَامَرُبِكُنَّ	لِيُتَأَامَرْبِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَأَامَرْتُ	تُؤُوْمِرَبِي	أَتَأَامَرُ	لِأَتَأَامَرْ	يُتَأَامَرُبِي	لِيُتَأَامَرْبِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَأَامَرْنَا	تُؤُوْمِرَبِنَا	نَتَأَامَرُ	لِنَتَأَامَرْ	يُتَأَامَرُبِنَا	لِيُتَأَامَرْبِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه:ایرجی محمد علی

عنوان قراردادی:تصریف الأفعال العربیه لطلاب العلوم الإسلامیه

عنوان و نام پدیدآور:تصریف الأفعال العربیه لطلاب العلوم الإسلامیه / محمد علی ایرجی

ناشر: دیجیتالی / مرکز تحقیقات یارانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۹

تعداد جلد:۳ج

موضوع: صرف - دستور زبان عربی

موضوع:زبان عربی -- صرف

ص: ۱

اشاره

تصویر

تصريف الأفعال العربيةِ

لطلابِ العلوم الإسلاميةِ

٢

تهيّةُ و تأليف:

محمّد علی ایرجی

۰۹۱۳۵۴۴۷۵۵۶

با مجوّز رسمی از وزارت فرهنگ و إرشاد اسلامی

کلیّةُ حقوق برای نگارندهٔ محفوظ است.

تصویر

بسم الله الرحمن الرحيم



السلام على الحسين
وعلى علي ابن الحسين
وعلى أولاد الحسين
وعلى أصحاب الحسين

تصوير

تقدیم به

محضر نورانی

حجةُ اللّٰه الکُبری

بقیةُ اللّٰه العُظمی

کلمةُ اللّٰه العُلیا

امام زمان عجّل الله تعالی فرجهُ الشّریف

فهرست مطالب

تصویر

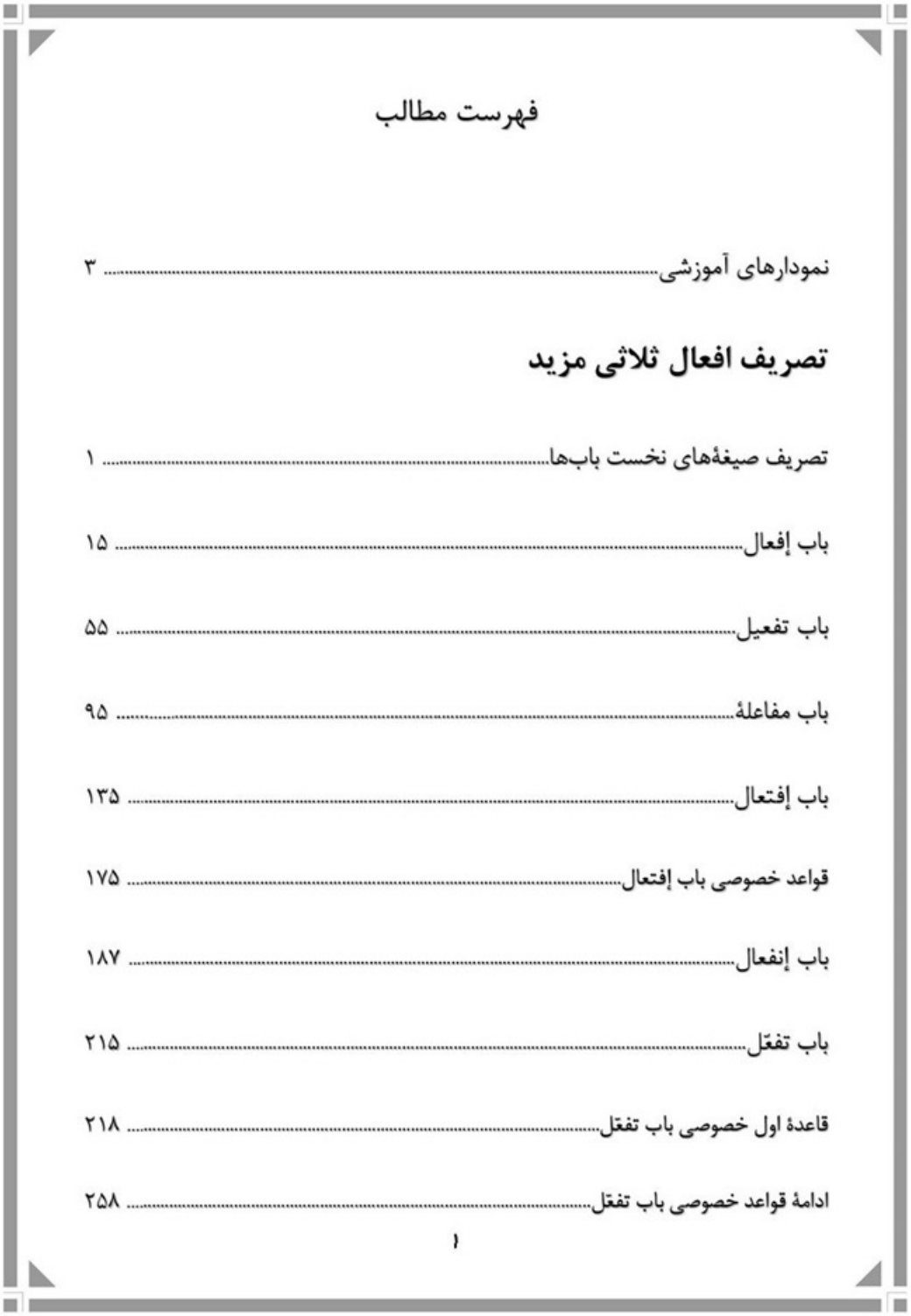

فهرست مطالب

نمودارهای آموزشی..... ۳

تصریف افعال ثلاثی مزید

تصریف صیغه‌های نخست باب‌ها..... ۱

باب إفعال..... ۱۵

باب تفعیل..... ۵۵

باب مفاعلهٔ..... ۹۵

باب إفتعال..... ۱۳۵

قواعد خصوصی باب إفتعال..... ۱۷۵

باب إنفعال..... ۱۸۷

باب تفعّل..... ۲۱۵

قاعدهٔ اول خصوصی باب تفعّل..... ۲۱۸

ادامهٔ قواعد خصوصی باب تفعّل..... ۲۵۸

۱

ص: ۱

تصویر

باب تفاعل..... ۲۶۱

قاعدهٔ اول خصوصی باب تفاعل..... ۲۶۴

ادامهٔ قواعد خصوصی باب تفاعل..... ۳۰۴

باب إفعلال..... ۳۰۶

باب إستفعال..... ۳۱۰

مورد اول استثنایی باب إستفعال..... ۳۴۱

مورد دوم استثنایی باب إستفعال..... ۳۵۳

باب إفعیلال..... ۳۵۵

تصریف افعال رباعی مجرد و مزید

باب فعللهٔ..... ۳۵۹

باب تفعلل..... ۳۶۲

باب إفعنلال..... ۳۶۵

باب إفعلّال..... ۳۶۸

مضاعف ثلاثی مزید

تصویر

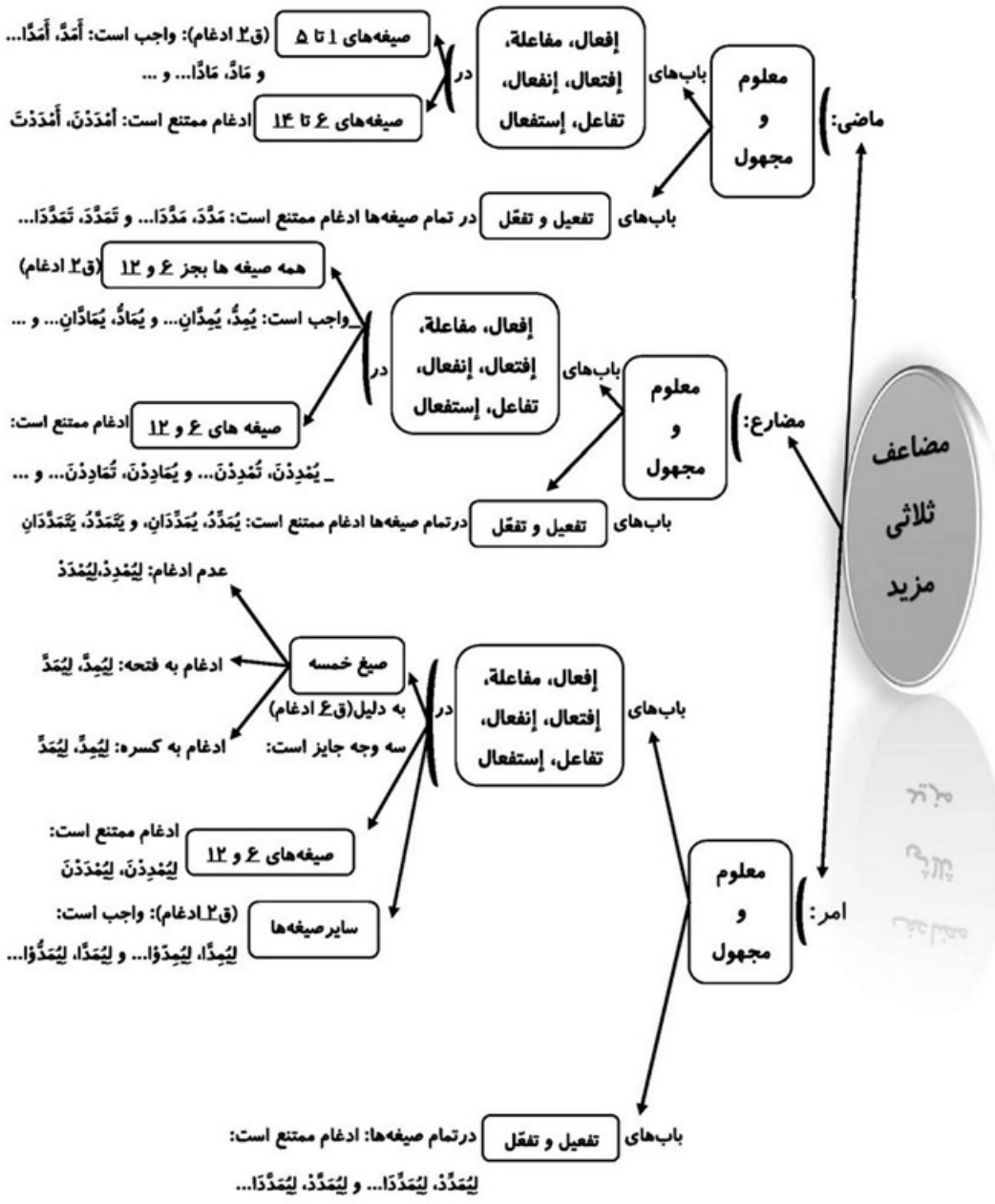

مثال ثلاثی مزید

تصویر

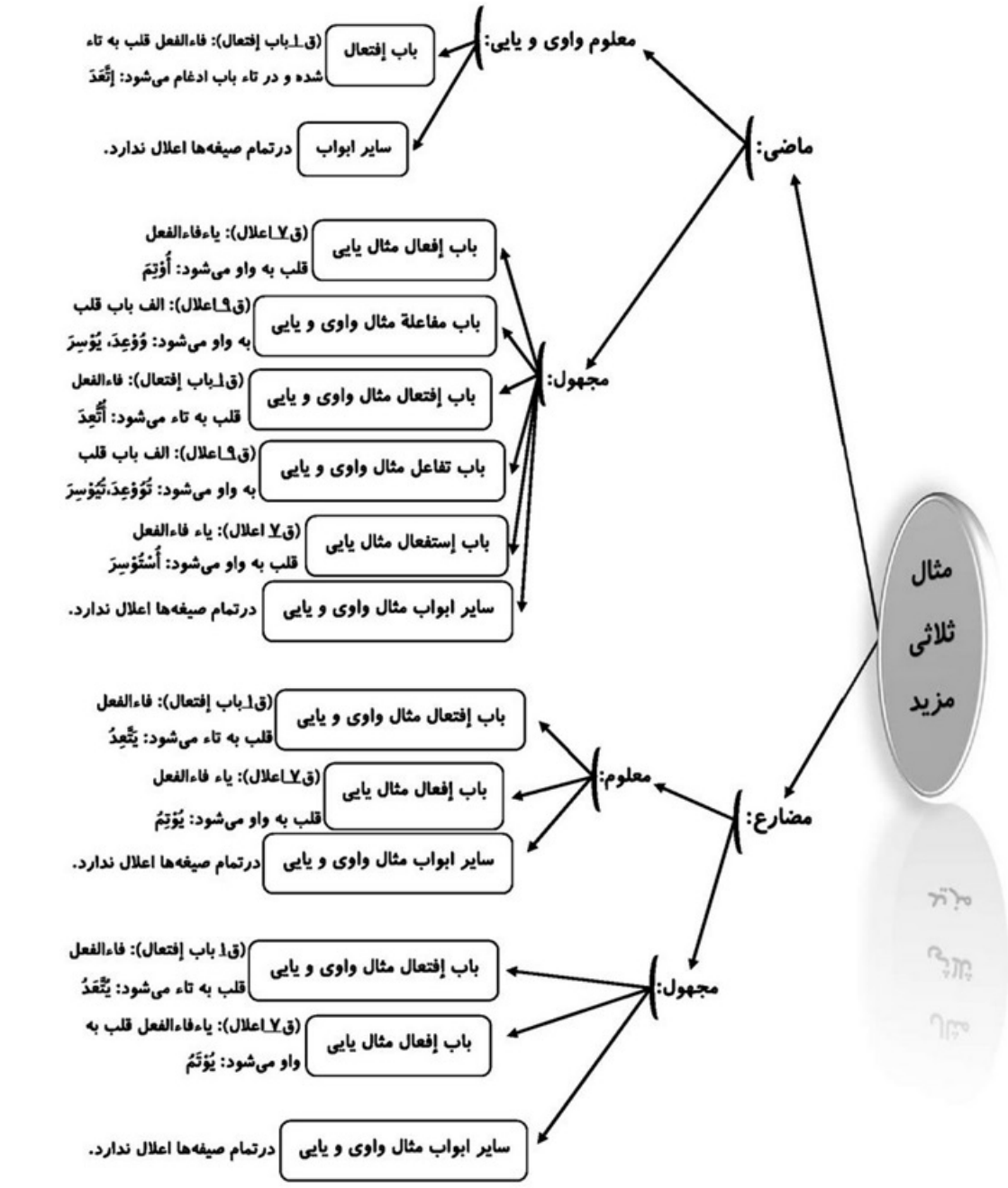

تصویر

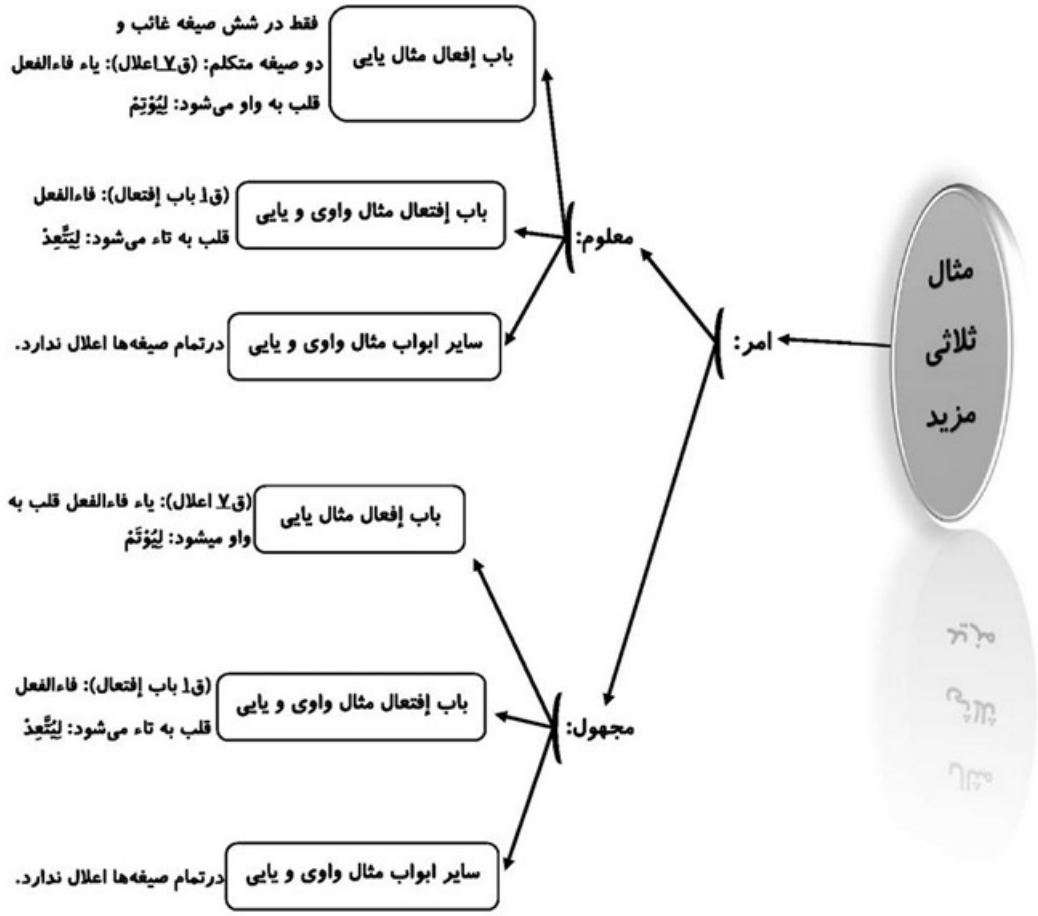
مثال ثلاثی مزید
امر:
معلوم:
باب إفعال مثال یایی
فقط در شش صیغه غائب و دو صیغه متکلم: (ق۷ اعلال): یاء فاءالفعل قلب به واو می‌شود: لِیُوْتِمْ
باب إفتعال مثال واوی و یایی
(ق۱ باب إفتعال): فاءالفعل قلب به تاء می‌شود: لِیَتَّعِدْ
سایر ابواب مثال واوی و یایی
درتمام صیغه‌ها اعلال ندارد.
مجهول:
باب إفعال مثال یایی
(ق۷ اعلال): یاء فاءالفعل قلب به واو میشود: لِیُوْتَمْ
باب إفتعال مثال واوی و یایی
(ق۱ باب إفتعال): فاءالفعل قلب به تاء می‌شود: لِیُتَّعِدْ
سایر ابواب مثال واوی و یایی
درتمام صیغه‌ها اعلال ندارد.

اجوف ثلاثی مزید

تصویر

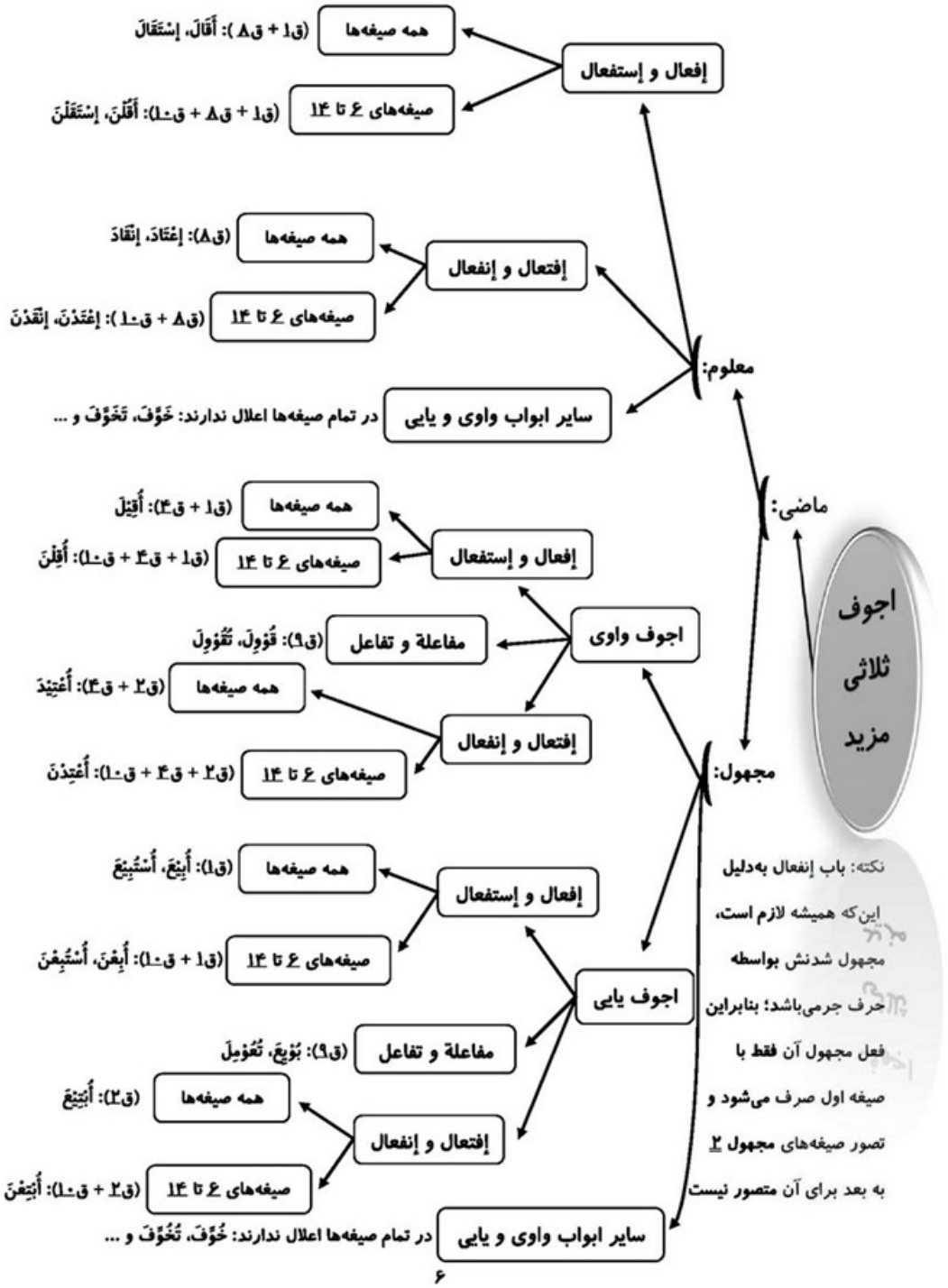

ص: ۶

تصویر


اجوف ثلاثی مزید
مضارع:
معلوم:
إفعال و إستفعال
اجوف واوی
همه صیغه‌ها (ق۱ + ق۴): يُقِيْلُ، يَسْتَقِيْلُ
صیغه‌های ع و ۱۲ (ق۱ + ق۴ +ق۰ل): يُقِلْنَ، يَسْتَقِلْنَ
اجوف واوی
همه صیغه‌ها (ق۱): يُبِيْعُ، يَسْتَبِيْعُ
صیغه‌های ع و ۱۲ (ق۱ + ق۰ل): يُبِعْنَ، يَسْتَبِعْنَ
إفتعال و إنفعال
همه صیغه‌ها (ق۸): يَعْتَادُ، يَنْقَادُ
صیغه‌های ع و ۱۲ (ق۸ + ق۰ل): يَعْتَدْنَ، تَنْقَدْنَ
سایر ابواب واوی و یایی درتمامی صیغه‌ها اعلال ندارد: يُخَوِّفُ، يَتَخَوَّفُ
مجهول:
إفعال و إستفعال
همه صیغه‌ها (ق۱ + ق۸): يُقَالُ، يُسْتَقَالُ
صیغه‌های ع و ۱۲ (ق۱ + ق۸ + ق۰ل): يُقَلْنَ، يُسْتَقَلْنَ
إفتعال و إنفعال
همه صیغه‌ها (ق۸): يُعْتَادُ، يُنْقَادُ بِهِ
صیغه‌های ع و ۱۲ (ق۸ + ق۰ل): يُعْتَدْنَ
سایر ابواب واوی و یایی درتمام صیغه‌ها اعلال ندارند: يُخَوَّفُ، يُتَخَوَّفُ
معلوم:
إفعال و إستفعال
اجوف واوی
صیغ خمسه و ع و ۱۲ (ق۱ + ق۴ +ق۰ل): لِيُقِلْ، أَقِلْ
سایر صیغه‌ها (ق۱ + ق۴): لِيُقِيْلَا، لِيُقِيْلُوْا ...
اجوف یایی
صیغ خمسه و ع و ۱۲ (ق۱ + ق۰ل): لِيُبِعْ، أَبِعْ
سایر صیغه‌ها (ق۱): لِيُبِيْعَا، لِيُبِيْعُوْا ...
إفتعال و إنفعال
همه صیغه‌ها (ق۸): لِيَعْتَادَا، لِيَعْتَادُوْا ...
صیغ خمسه و ع و ۱۲ (ق۸ + ق۰ل): لِيَعْتَدْ، إعْتَدْ
سایر ابواب واوی و یایی در تمام صیغه‌ها اعلال ندارند: لِيُخَوِّفْ، لِيَتَخَوَّفْ
مجهول:
إفعال و إستفعال
همه صیغه‌ها (ق۱ + ق۸): لِيُقَالَا، لِيُقَالُوْا...
صیغ خمسه و ع و ۱۲ (ق۱ + ق۸ + ق۰ل): لِيُقَلْ، لِتُقَلْ
إفتعال و إنفعال
همه صیغه‌ها (ق۸): لِيُعْتَادَا، لِيُعْتَادُوْا
صیغ خمسه و ع و ۱۲ (ق۸ + ق۰ل): لِيُعْتَدْ، لِتُعْتَدْ
سایر ابواب واوی و یایی در تمام صیغه‌ها اعلال ندارند: لِيُخَوَّفْ، لِيَتَخَوَّفْ
امر:

۷

ص: ۷

ناقص و لفیف ثلاثی مزید

تصویر

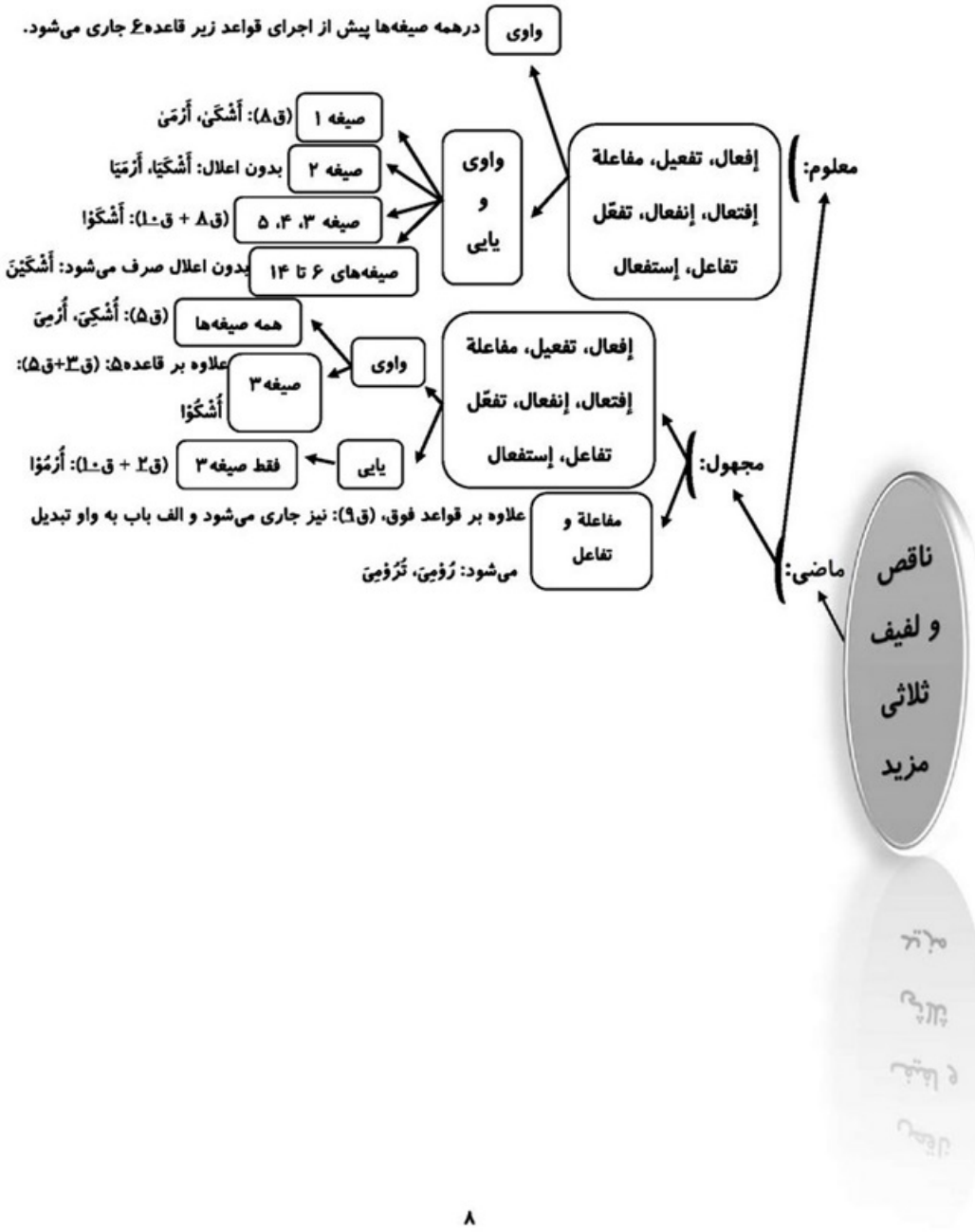

ص: ۸

تصویر

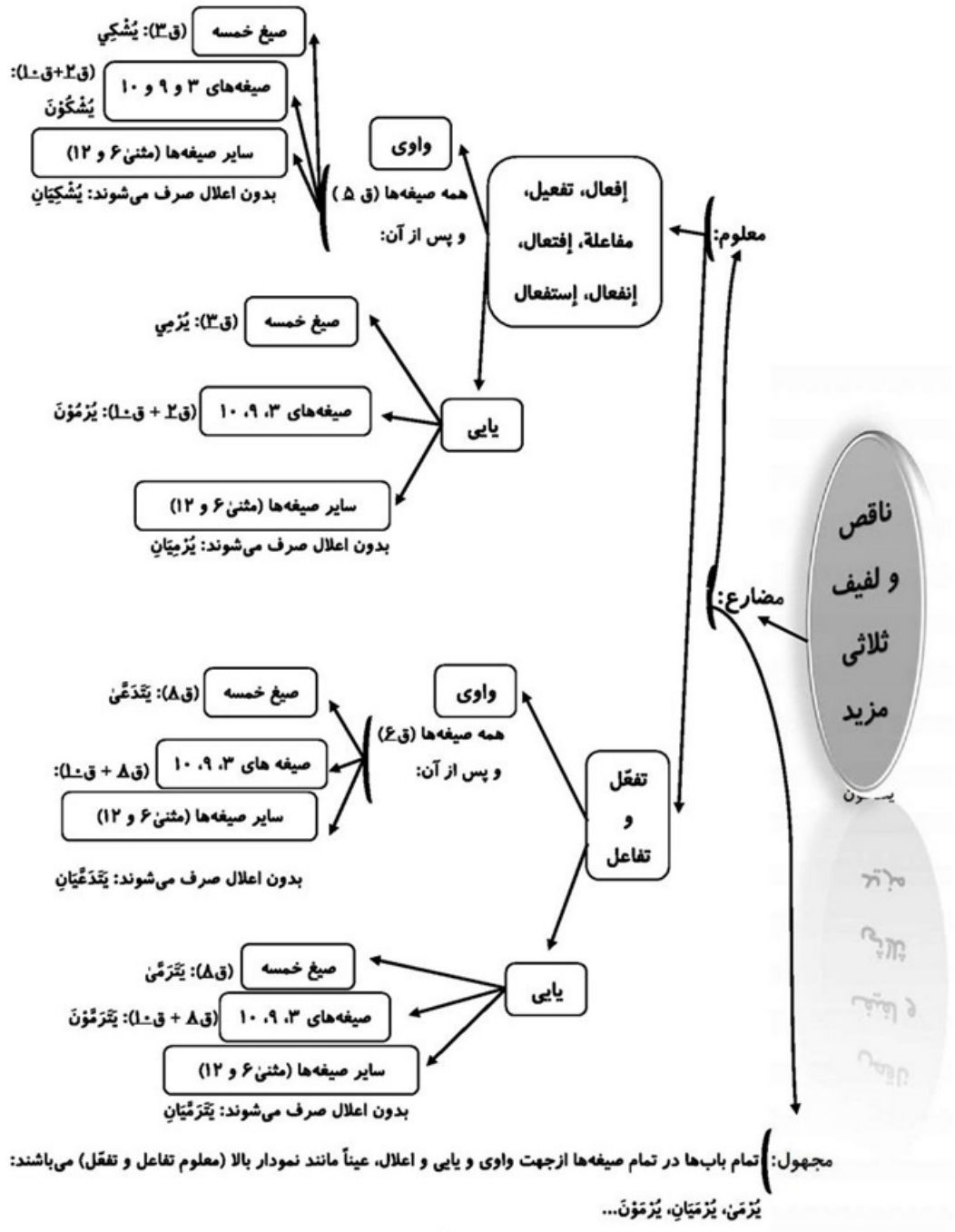
ناقص و لفیف ثلاثی مزید
مضارع:
معلوم:
إفعال، تفعیل، مفاعلة، إفتعال، إنفعال، إستفعال
واوی
همه صیغه‌ها (ق ۵) و پس از آن:
صیغ خمسه (ق۳): يُشْكِي
صیغه‌های ۳ و ۹ و ۱۰ (ق۲+ق۱): يُشْكُوْنَ
سایر صیغه‌ها (مثنیٰ۶ و ۱۲) بدون اعلال صرف می‌شوند: يُشْكِيَانِ
یایی
صیغ خمسه (ق۳): يَرْمِي
صیغه‌های ۳، ۹، ۱۰ (ق۲ + ق۱): يَرْمُوْنَ
سایر صیغه‌ها (مثنیٰ۶ و ۱۲) بدون اعلال صرف می‌شوند: يَرْمِيَانِ
تفعّل و تفاعل
واوی
همه صیغه‌ها (ق۶) و پس از آن:
صیغ خمسه (ق۸): يَتَدَعَّىٰ
صیغه های ۳، ۹، ۱۰ (ق۸ + ق۱): يَتَدَعَّوْنَ
سایر صیغه‌ها (مثنیٰ۶ و ۱۲) بدون اعلال صرف می‌شوند: يَتَدَعَّيَانِ
یایی
صیغ خمسه (ق۸): يَتَرَمَّىٰ
صیغه‌های ۳، ۹، ۱۰ (ق۸ + ق۱): يَتَرَمَّوْنَ
سایر صیغه‌ها (مثنیٰ۶ و ۱۲) بدون اعلال صرف می‌شوند: يَتَرَمَّيَانِ
مجهول: تمام باب‌ها در تمام صیغه‌ها ازجهت واوی و یایی و اعلال، عیناً مانند نمودار بالا (معلوم تفاعل و تفعّل) می‌باشند:
يُرْمَىٰ، يُرْمَيَانِ، يُرْمَوْنَ...

۹

ص: ۹

تصویر


ناقص و لفیف ثلاثی مزید
امر:
معلوم
در تمام صیغه‌ها از جهت واوی و یایی و اعلال مانند مضارع معلوم خود است:
لِیَشْکِ، لِیَشْکِیَا، لِیَشْکُوْا...
مجهول
درتمام صیغه‌ها از جهت واوی و یایی و اعلال مانند مضارع مجهول خود است:
لِیُشْکَ، لِیُشْکَیَا، لِیُشْکَوْا...
علاوه بر این در صیغ خمسه لام الفعل بخاطر جزم حذف می‌شود.
(قاعده خصوصی ناقص و لفیف)

۱۰

ص: ۱۰

مهموز ثلاثی مزید

تصویر

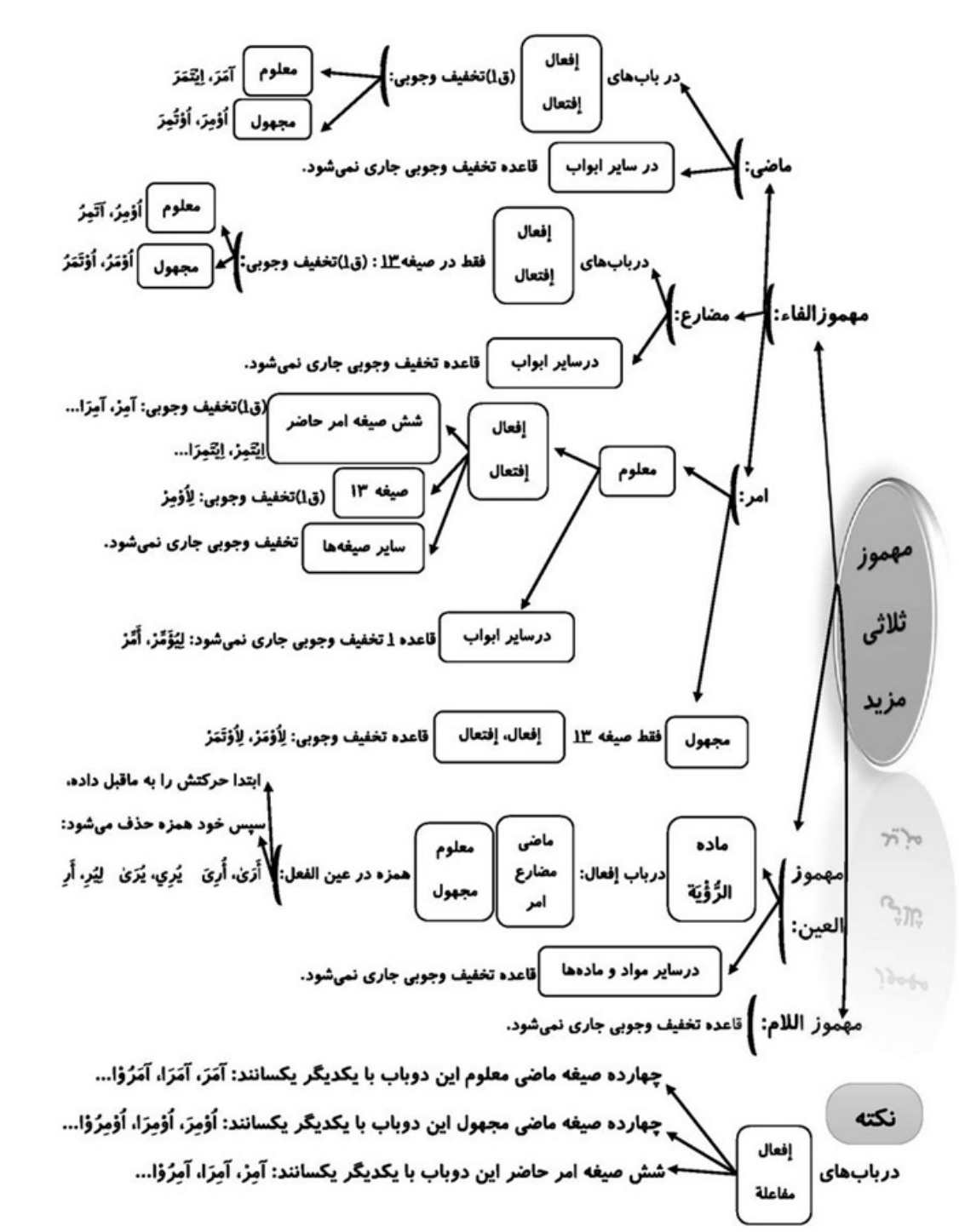

ص: ۱۱

تغییرات اعلالی در مصادر معتل ثلاثی مزید

تصویر

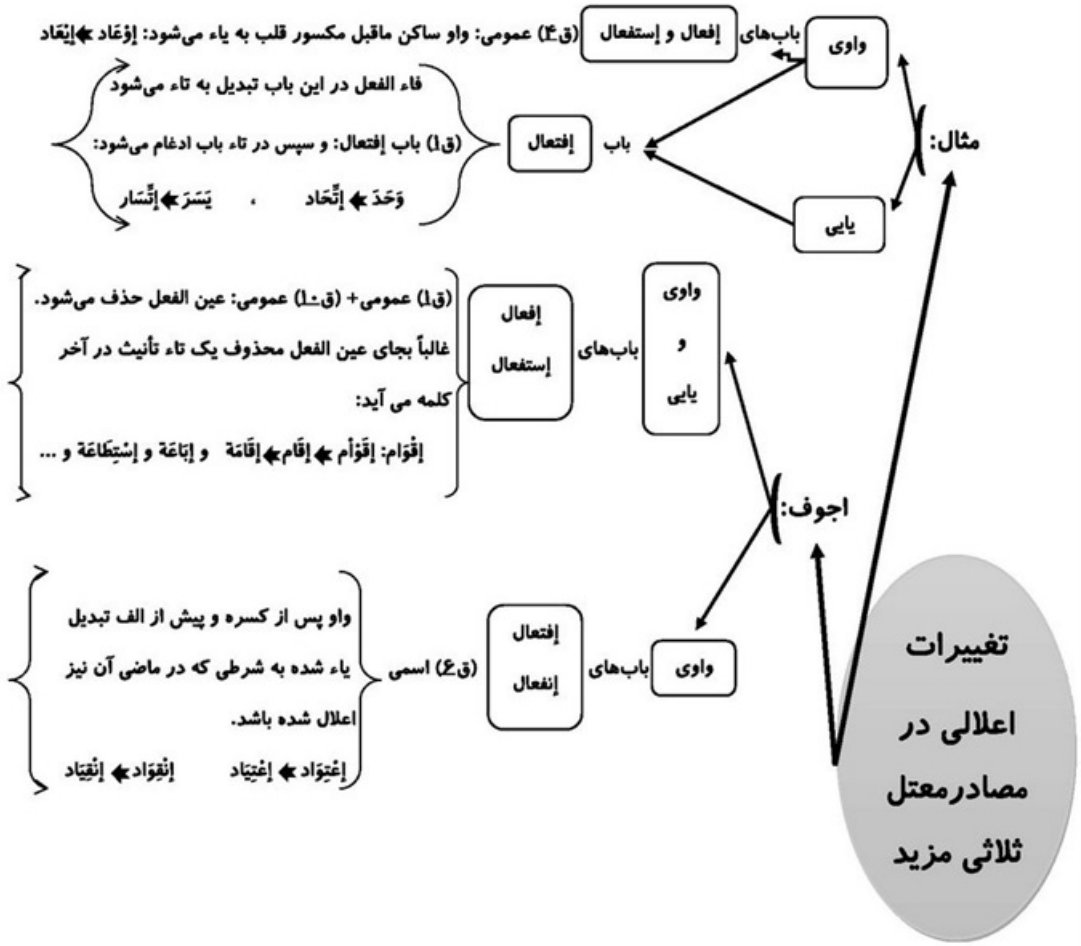

تصویر

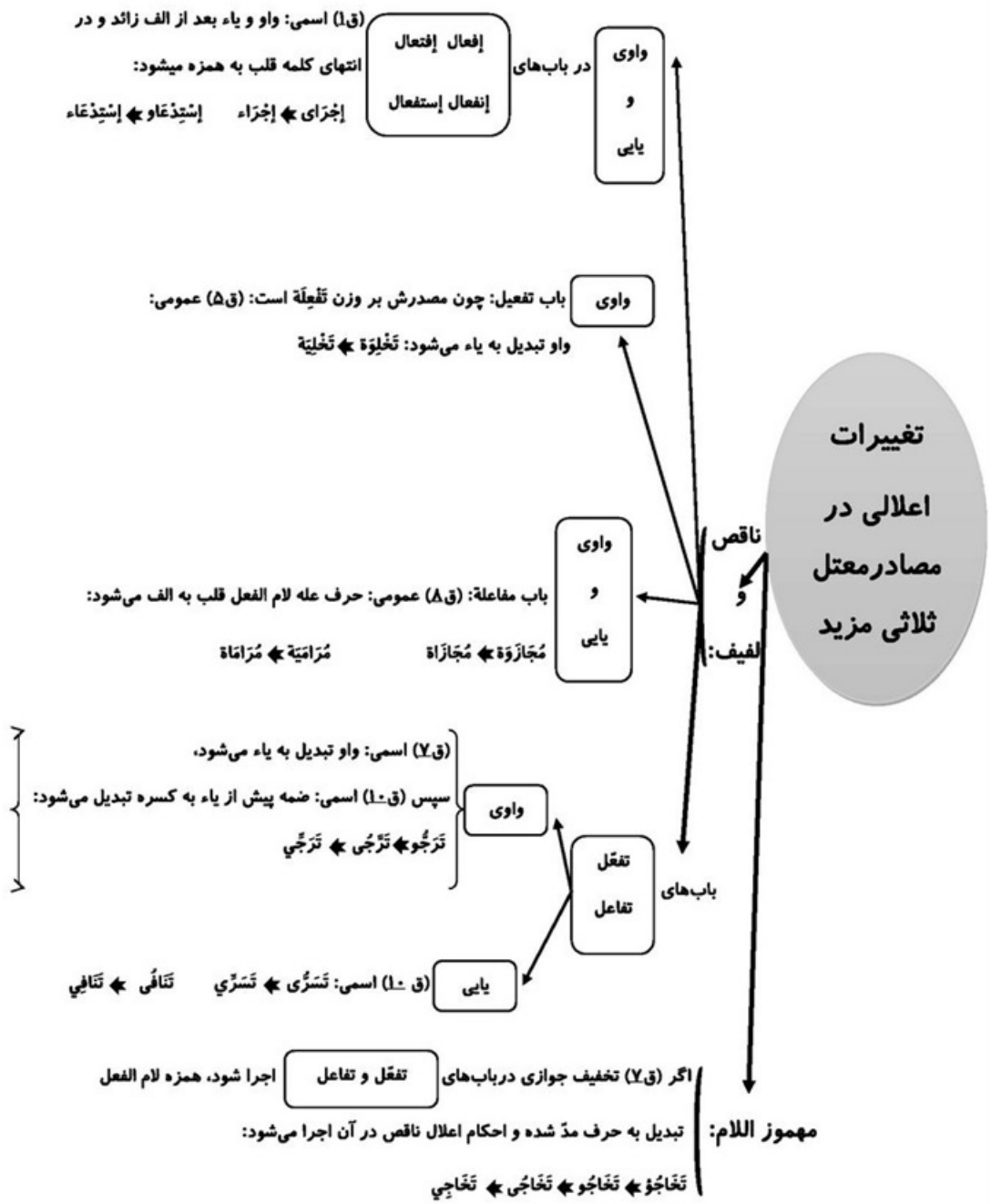
تغییرات اعلالی در مصادرمعتل ثلاثی مزید
ناقص و لفیف:
واوی و یایی
باب مفاعلة: (ق۸) عمومی: حرف علّه لام الفعل قلب به الف می‌شود:
مُجَازَوَة ← مُجَازَاة
مُرَامَيَة ← مُرَامَاة
واوی
باب تفعیل: چون مصدرش بر وزن تَفْعِلَة است: (ق۵) عمومی:
واو تبدیل به یاء می‌شود: تَخْلِوَة ← تَخْلِيَة
واوی و یایی
در باب‌های
إفعال إفتعال
إنفعال إستفعال
(ق۱) اسمی: واو و یاء بعد از الف زائد و در انتهای کلمه قلب به همزه میشود:
إجْرَای ← إجْرَاء
إسْتِدْعَاو ← إسْتِدْعَاء
باب‌های
تفعّل تفاعل
واوی
(ق۷) اسمی: واو تبدیل به یاء می‌شود،
سپس (ق۱۰) اسمی: ضمه پیش از یاء به کسره تبدیل می‌شود:
تَرَجُّو ← تَرَجِّی ← تَرَجِّي
یایی
(ق ۱۰) اسمی: تَسَرُّی ← تَسَرِّي
تَنَافُی ← تَنَافِي
مهموز اللام:
اگر (ق۷) تخفیف جوازی درباب‌های تفعّل و تفاعل اجرا شود، همزه لام الفعل
تبدیل به حرف مدّ شده و احکام اعلال ناقص در آن اجرا می‌شود:
تَخَاجُؤ ← تَخَاجُو ← تَخَاجِی ← تَخَاجِي

۱۳

قواعد خصوصی باب إفتعال

تصویر

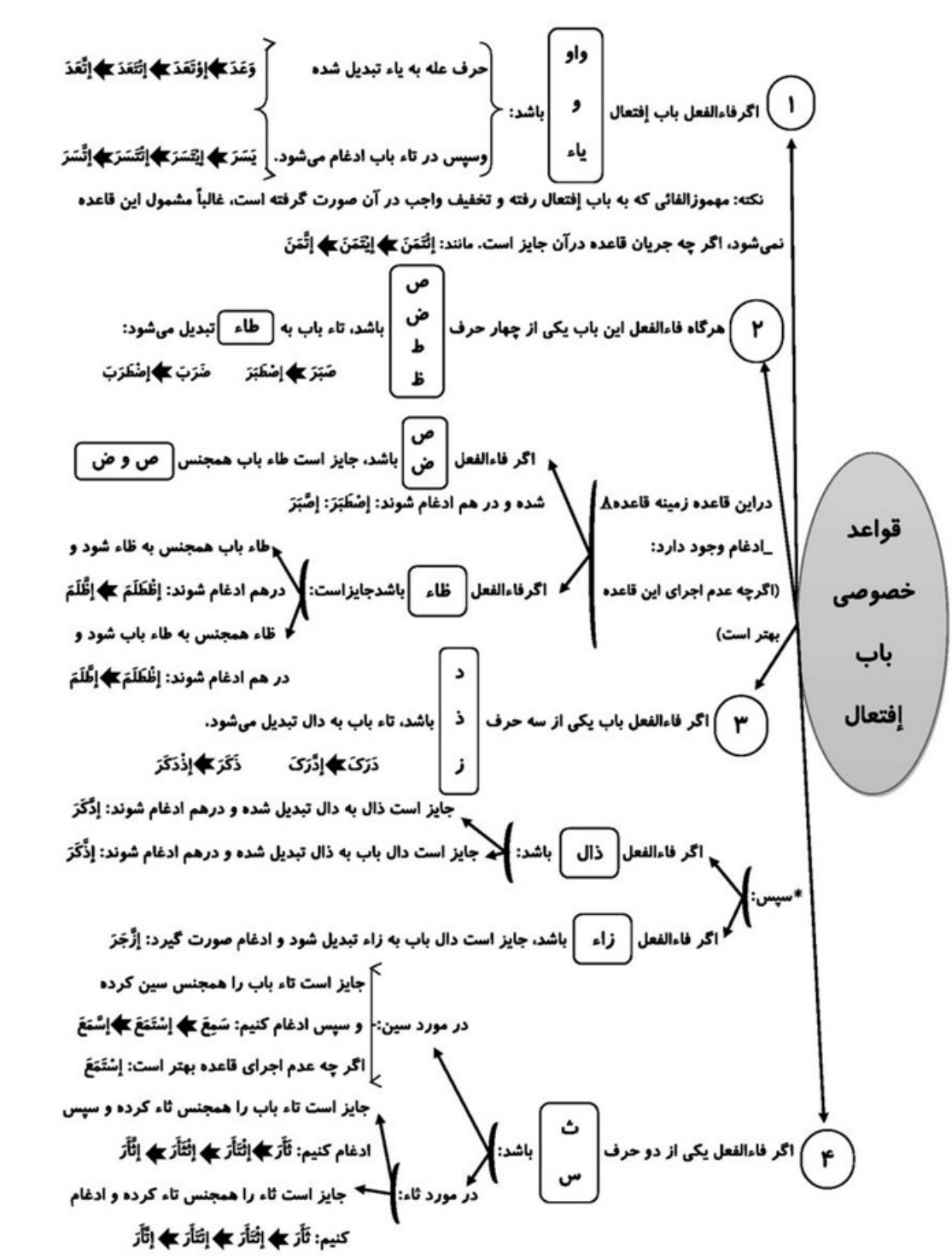

۱۴

ص: ۱۴

تصویر

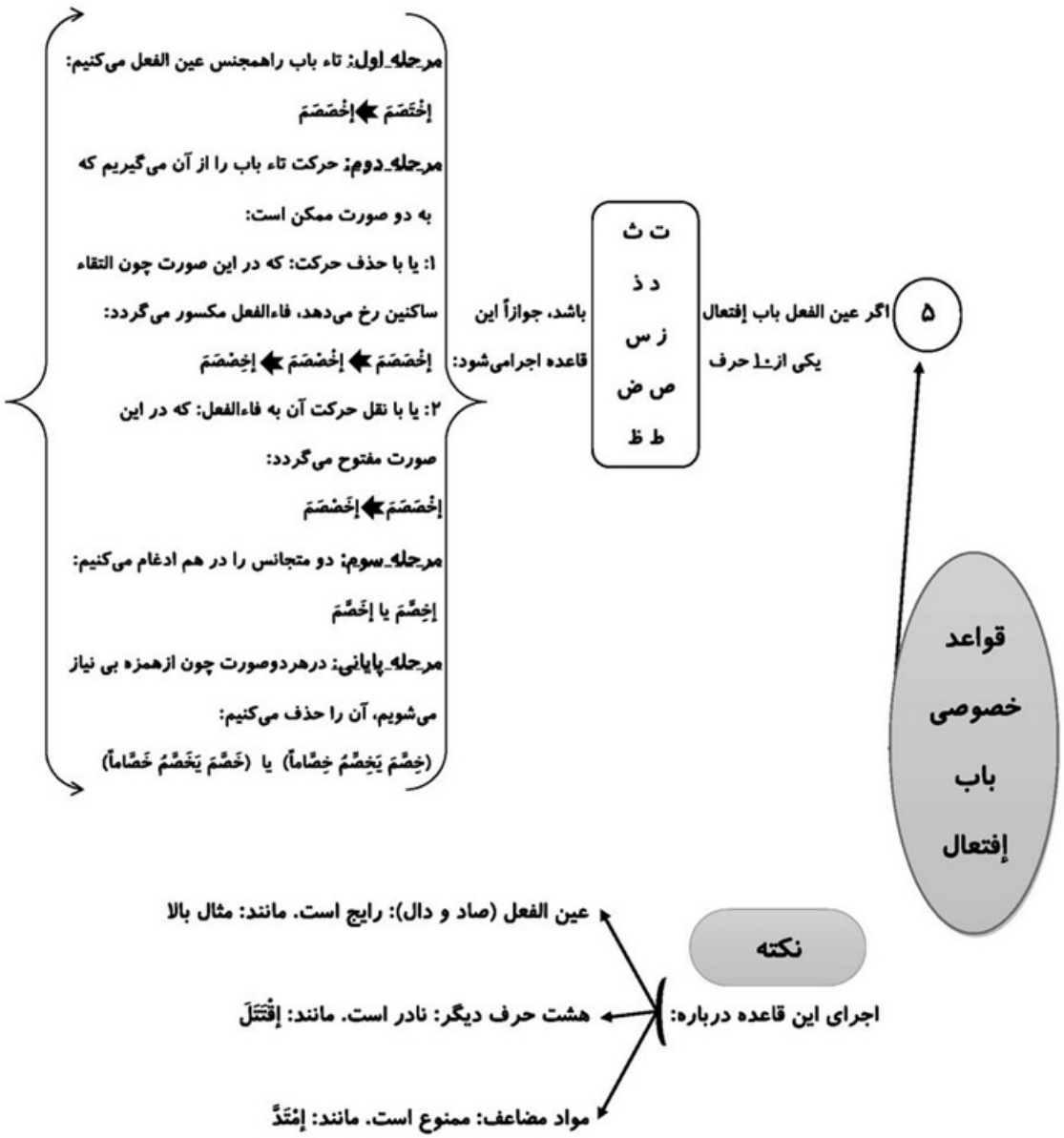
قواعد خصوصی باب إفتعال
۵
اگر عین الفعل باب إفتعال یکی از ۱۰ حرف
ت ث د ذ ز س ص ض ط ظ
باشد، جوازاً این قاعده اجرامی‌شود:
مرحله اول: تاء باب راهمجنس عین الفعل می‌کنیم:
إخْتَصَمَ ← إخْصَمَ
مرحله دوم: حرکت تاء باب را از آن می‌گیریم که به دو صورت ممکن است:
۱: یا با حذف حرکت: که در این صورت چون التقاء ساکنین رخ می‌دهد، فاءالفعل مکسور می‌گردد:
إخْصَمَ ← إخْصْمَ ← إخِصْمَ
۲: یا با نقل حرکت آن به فاءالفعل: که در این صورت مفتوح می‌گردد:
إخْصَمَ ← إخَصْمَ
مرحله سوم: دو متجانس را در هم ادغام می‌کنیم:
إخِصَّمَ یا إخَصَّمَ
مرحله پایانی: درهردوصورت چون ازهمزه بی نیاز می‌شویم، آن را حذف می‌کنیم:
(خِصَّمَ یَخِصِّمُ خِصَّاماً) یا (خَصَّمَ یَخَصِّمُ خَصَّاماً)
نکته
اجرای این قاعده درباره:
عین الفعل (صاد و دال): رایج است. مانند: مثال بالا
هشت حرف دیگر: نادر است. مانند: إقْتَتَلَ
مواد مضاعف: ممنوع است. مانند: إمْتَدَّ

ص: ۱۵

قواعد خصوصی باب تفعّل

تصویر

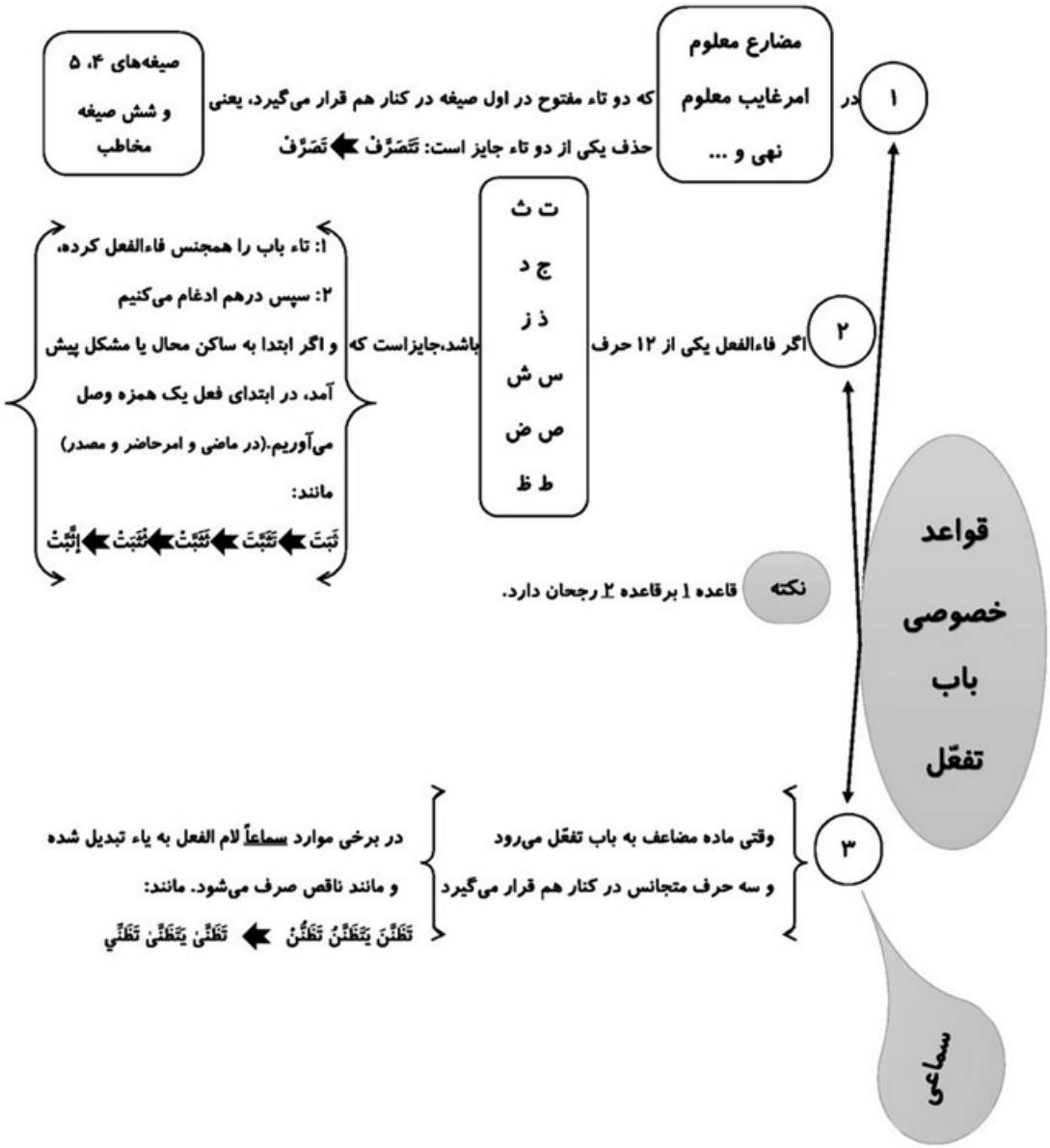

ص: ۱۶

قواعد خصوصی باب تفاعل

تصویر



قاعده ۱ و قاعده ۲ مذکور در باب تفعّل با همه ویژگی‌ها در باب تفاعل نیز جاری می‌شود و جریان آن‌ها جوازی است.

قاعده ۱ تَتَظَاهَرَ ← تَضَاهَرْ

قاعده ۲ ثَقُلَ ← تَثَاقَلَ ← ثَثَاقَلَ ← ثْثَاقَلَ ← إثَّاقَلَ

۱۷

ص: ۱۷

صفحه۲	تصریف صیغهٔ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید مضاعف						
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَمَدَّ	يُمِدُّ	أَمْدِدْ أَمِدَّ أَمِدِّ	إمْدَاداً	مُمِدٌّ	مُمَدٌّ	أُمِدَّ	يُمَدُّ
مَدَّدَ	يُمَدِّدُ	مَدِّدْ	تَمْدِيْداً	مُمَدِّدٌ	مُمَدَّدٌ	مُدِّدَ	يُمَدَّدُ
حَاجَّ	يُحَاجُّ	حَاجِجْ حَاجَّ حَاجِّ	مُحَاجَّةً	مُحَاجٌّ	مُحَاجٌّ	حُوْجَّ	يُحَاجُّ
إمْتَدَّ	يَمْتَدُّ	إمْتَدِدْ إمْتَدَّ إمْتَدِّ	إمْتِدَاداً	مُمْتَدٌّ	مُمْتَدٌّبِهِ	أُمْتُدَّبِهِ	يُمْتَدُّبِهِ
إنْضَمَّ	يَنْضَمُّ	إنْضَمِمْ إنْضَمَّ إنْضَمِّ	إنْضِمَاماً	مُنْضَمٌّ	مُنْضَمٌّبِهِ	أُنْضُمَّبِهِ	يُنْضَمُّبِهِ
تَكَرَّرَ	يَتَكَرَّرُ	تَكَرَّرْ	تَكَرُّراً	مُتَكَرِّرٌ	مُتَكَرَّرٌبِهِ	تُكُرِّرَبِهِ	يُتَكَرَّرُبِهِ
تَضَادَّ	يَتَضَادُّ	تَضَادَدْ تَضَادَّ تَضَادِّ	تَضَادُّ	مُتَضَادٌّ	مُتَضَادٌّبِهِ	تُضُوْدَّبِهِ	يُتَضَادُّبِهِ
إسْتَمَدَّ	يَسْتَمِدُّ	إسْتَمْدِدْ إسْتَمِدَّ إسْتَمِدِّ	إسْتِمْدَاداً	مُسْتَمِدٌّ	مُسْتَمَدٌّ	أُسْتُمِدَّ	يُسْتَمَدُّ

تصریف صیغهٔ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید مثال واوی							صفحه۳
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَوْعَدَ	يُوْعِدُ	أَوْعِدْ	إيْعَاداً	مُوْعِدٌ	مُوْعَدٌ	أُوْعِدَ	يُوْعَدُ
وَضَّعَ	يُوَضِّعُ	وَضِّعْ	تَوْضِيْعاً	مُوَضِّعٌ	مُوَضَّعٌ	وُضِّعَ	يُوَضَّعُ
وَاعَدَ	يُوَاعِدُ	وَاعِدْ	مُوَاعَدَةً	مُوَاعِدٌ	مُوَاعَدٌ	وُوْعِدَ	يُوَاعَدُ
إتَّعَدَ	يَتَّعِدُ	إتَّعِدْ	إتِّعَاداً	مُتَّعِدٌ	مُتَّعَدٌ	أُتُّعِدَ	يُتَّعَدُ
تَوَعَّدَ	يَتَوَعَّدُ	تَوَعَّدْ	تَوَعُّداً	مُتَوَعِّدٌ	مُتَوَعَّدٌ	تُوُعِّدَ	يُتَوَعَّدُ
تَوَاعَدَ	يَتَوَاعَدُ	تَوَاعَدْ	تَوَاعُداً	مُتَوَاعِدٌ	مُتَوَاعَدٌبِهِ	تُوُوْعِدَبِهِ	يُتَوَاعَدُبِهِ
إسْتَوْضَعَ	يَسْتَوْضِعُ	إسْتَوْضِعْ	إسْتِيْضَاعاً	مُسْتَوْضِعٌ	مُسْتَوْضَعٌ	أُسْتُوْضِعَ	يُسْتَوْضَعُ

تصریف صیغهٔ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید مثال یایی							صفحه۴
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَيْتَمَ	يُوْتِمُ	أَيْتِمْ	إيْتَاماً	مُوْتِمٌ	مُوْتَمٌ بِهِ	أُوْتِمَ بِهِ	يُوْتَمُ بِهِ
يَسَّرَ	يُيَسِّرُ	يَسِّرْ	تَيْسِيْراً	مُيَسِّرٌ	مُيَسَّرٌ	يُسِّرَ	يُيَسَّرُ
يَاسَرَ	يُيَاسِرُ	يَاسِرْ	مُيَاسَرَةً	مُيَاسِرٌ	مُيَاسَرٌ	يُوْسِرَ	يُيَاسَرُ
إتَّسَرَ	يَتَّسِرُ	إتَّسِرْ	إتِّساراً	مُتَّسِرٌ	مُتَّسَرٌ	أُتُّسِرَ	يُتَّسَرُ
تَيَسَّرَ	يَتَيَسَّرُ	تَيَسَّرْ	تَيَسُّراً	مُتَيَسِّرٌ	مُتَيَسَّرٌ بِهِ	تُيُسِّرَ بِهِ	يُتَيَسَّرُ بِهِ
تَيَاسَرَ	يَتَيَاسَرُ	تَيَاسَرْ	تَيَاسُراً	مُتَيَاسِرٌ	مُتَيَاسَرٌ	تُيُوْسِرَ	يُتَيَاسَرُ
إسْتَيْسَرَ	يَسْتَيْسِرُ	إسْتَيْسِرْ	إسْتِيْسَاراً	مُسْتَيْسِرٌ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِ	أُسْتُوْسِرَ بِهِ	يُسْتَيْسَرُ بِهِ

تصویر

تصریف صیغۀهای نخست ابواب ثلاثی مزید اجوف واوی							صفحه۵
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَخَافَ	يُخِيْفُ	أَخِفْ	إخَافَةً	مُخِيْفٌ	مُخَافٌ	أُخِيْفَ	يُخَافُ
خَوَّفَ	يُخَوِّفُ	خَوِّفْ	تَخْوِيْفاً	مُخَوِّفٌ	مُخَوَّفٌ	خُوِّفَ	يُخَوَّفُ
خَاوَفَ	يُخَاوِفُ	خَاوِفْ	مُخَاوَفَةً	مُخَاوِفٌ	مُخَاوَفٌ	خُوْوِفَ	يُخَاوَفُ
إعْتَادَ	يَعْتَادُ	إعْتَدْ	إعْتِيَاداً	مُعْتَادٌ	مُعْتَادٌ	أُعْتِيْدَ	يُعْتَادُ
إنْقَادَ	يَنْقَادُ	إنْقَدْ	إنْقِيَاداً	مُنْقَادٌ	مُنْقَادٌبِهِ	أُنْقِيْدَبِهِ	يُنْقَادُبِهِ
تَخَوَّفَ	يَتَخَوَّفُ	تَخَوَّفْ	تَخَوُّفاً	مُتَخَوِّفٌ	مُتَخَوَّفٌ	تُخُوِّفَ	يُتَخَوَّفُ
تَقَاوَلَ	يَتَقَاوَلُ	تَقَاوَلْ	تَقَاوُلاً	مُتَقَاوِلٌ	مُتَقَاوَلٌبِهِ	تُقُوْوِلَبِهِ	يُتَقَاوَلُبِهِ
إسْتَقَامَ	يَسْتَقِيْمُ	إسْتَقِمْ	إسْتِقَامَةً	مُسْتَقِيْمٌ	مُسْتَقَامٌ	أُسْتُقِيْمَ	يُسْتَقَامُ

صفحه۶	تصریف صیغهٔ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید اجوف یایی						
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَبَاعَ	يُبِيْعُ	أَبِعْ	إبَاعَةً	مُبِيْعٌ	مُبَاعٌ	أُبِيْعَ	يُبَاعُ
هَيَّبَ	يُهَيِّبُ	هَيِّبْ	تَهْيِيْباً	مُهَيِّبٌ	مُهَيَّبٌ	هُيِّبَ	يُهَيَّبُ
بَايَعَ	يُبَايِعُ	بَايِعْ	مُبَايَعَةً	مُبَايِعٌ	مُبَايَعٌ	بُوْيِعَ	يُبَايَعُ
إبْتَاعَ	يَبْتَاعُ	إبْتَعْ	إبْتِيَاعاً	مُبْتَاعٌ	مُبْتَاعٌ	أُبْتِيْعَ	يُبْتَاعُ
إنْبَاعَ	يَنْبَاعُ	إنْبَعْ	إنْبِيَاعاً	مُنْبَاعٌ	مُنْبَاعٌ‌بِهِ	أُنْبِيْعَ‌بِهِ	يُنْبَاعُ‌بِهِ
تَهَيَّبَ	يَتَهَيَّبُ	تَهَيَّبْ	تَهَيُّباً	مُتَهَيِّبٌ	مُتَهَيَّبٌ	تُهُيِّبَ	يُتَهَيَّبُ
تَبَايَعَ	يَتَبَايَعُ	تَبَايَعْ	تَبَايُعاً	مُتَبَايِعٌ	مُتَبَايَعٌ‌بِهِ	تُبُوْيِعَ‌بِهِ	يُتَبَايَعُ‌بِهِ
إسْتَبَاعَ	يَسْتَبِيْعُ	إسْتَبِعْ	إسْتِبَاعَةً	مُسْتَبِيْعٌ	مُسْتَبَاعٌ	أُسْتُبِيْعَ	يُسْتَبَاعُ

تصریف صیغۂ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید ناقص واوی							صفحه۷
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَرْضَىٰ	يُرْضِي	أَرْضِ	إِرْضَاءَ	مُرْضِي	مُرْضَىٰ	أُرْضِيَ	يُرْضَىٰ
دَعَّىٰ	يُدَعِّي	دَعِّ	تَدْعِيَةً	مُدَعِّي	مُدَعَّىٰ	دُعِّيَ	يُدَعَّىٰ
دَاعَىٰ	يُدَاعِي	دَاعِ	مُدَاعَاةً	مُدَاعِي	مُدَاعَىٰ	دُوْعِيَ	يُدَاعَىٰ
إِدَّعَىٰ	يَدَّعِي	إِدَّعِ	إِدِّعَاءً	مُدَّعِي	مُدَّعَىٰ	أُدُّعِيَ	يُدَّعَىٰ
إِنْدَعَىٰ	يَنْدَعِي	إِنْدَعِ	إِنْدِعَاءً	مُنْدَعِي	مُنْدَعَىٰ بِهِ	أُنْدُعِيَ بِهِ	يُنْدَعَىٰ بِهِ
تَدَعَّىٰ	يَتَدَعَّىٰ	تَدَعَّ	تَدَعِّياً	مُتَدَعِّي	مُتَدَعَّىٰ بِهِ	تُدُعِّيَ بِهِ	يُتَدَعَّىٰ بِهِ
تَدَاعَىٰ	يَتَدَاعَىٰ	تَدَاعَ	تَدَاعِياً	مُتَدَاعِي	مُتَدَاعَىٰ بِهِ	تُدُوْعِيَ بِهِ	يُتَدَاعَىٰ بِهِ
إِسْتَدْعَىٰ	يَسْتَدْعِي	إِسْتَدْعِ	إِسْتِدْعَاءً	مُسْتَدْعِي	مُسْتَدْعَىٰ	أُسْتُدْعِيَ	يُسْتَدْعَىٰ

تصویر

تصریف صیغۂ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید ناقص یایی							صفحه۸
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امر معلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَرْمَىٰ	يُرْمِي	أَرْمِ	إِرْمَاءً	مُرْمِي	مُرْمَىٰ	أُرْمِيَ	يُرْمَىٰ
خَشَّىٰ	يُخَشِّي	خَشِّ	تَخْشِيَةً	مُخَشِّي	مُخَشَّىٰ	خُشِّيَ	يُخَشَّىٰ
رَامَىٰ	يُرَامِي	رَامِ	مُرَامَاةً	مُرَامِي	مُرَامَىٰ	رُوْمِيَ	يُرَامَىٰ
إِرْتَمَىٰ	يَرْتَمِي	إِرْتَمِ	إِرْتِمَاءً	مُرْتَمِي	مُرْتَمَىٰ	أُرْتُمِيَ	يُرْتَمَىٰ
إِنْحَنَىٰ	يَنْحَنِي	إِنْحَنِ	إِنْحِنَاءً	مُنْحَنِي	مُنْحَنَىٰ بِهِ	أُنْحُنِيَ بِهِ	يُنْحَنَىٰ بِهِ
تَخَشَّىٰ	يَتَخَشَّىٰ	تَخَشَّ	تَخَشِّياً	مُتَخَشِّي	مُتَخَشَّىٰ	تُخُشِّيَ	يُتَخَشَّىٰ
تَرَامَىٰ	يَتَرَامَىٰ	تَرَامَ	تَرَامِياً	مُتَرَامِي	مُتَرَامَىٰ بِهِ	تُرُوْمِيَ بِهِ	يُتَرَامَىٰ بِهِ
إِسْتَرْعَىٰ	يَسْتَرْعِي	إِسْتَرْعِ	إِسْتِرْعَاءً	مُسْتَرْعِي	مُسْتَرْعَىٰ	أُسْتُرْعِيَ	يُسْتَرْعَىٰ

تصریف صیغۂ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید لفیف مفروق							صفحه۹
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَوْلَىٰ	يُوْلِي	أَوْلِ	إيْلَاءً	مُوْلِي	مُوْلَىٰ	أُوْلِيَ	يُوْلَىٰ
وَقَّىٰ	يُوَقِّي	وَقِّ	تَوْقِيَةً	مُوَقِّي	مُوَقَّىٰ	وُقِّيَ	يُوَقَّىٰ
وَالَىٰ	يُوَالِي	وَالِ	مُوَالاةً	مُوَالِي	مُوَالَىٰ	وُوْلِيَ	يُوَالَىٰ
إتَّقَىٰ	يَتَّقِي	إتَّقِ	إتِّقَاءً	مُتَّقِي	مُتَّقَىٰ	أُتُّقِيَ	يُتَّقَىٰ
تَوَجَّىٰ	يَتَوَجَّىٰ	تَوَجَّ	تَوَجِّياً	مُتَوَجِّي	مُتَوَجَّىٰ بِهِ	تُوُجِّيَ بِهِ	يُتَوَجَّىٰ بِهِ
تَوَالَىٰ	يَتَوَالَىٰ	تَوَالَ	تَوَالِياً	مُتَوَالِي	مُتَوَالَىٰ بِهِ	تُوُوْلِيَ بِهِ	يُتَوَالَىٰ بِهِ
إسْتَوْلَىٰ	يَسْتَوْلِي	إسْتَوْلِ	إسْتِيْلَاءً	مُسْتَوْلِي	مُسْتَوْلَىٰ بِهِ	أُسْتُوْلِيَ بِهِ	يُسْتَوْلَىٰ بِهِ

تصویر

تصریف صیغۂ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید لفیف مقرون							صفحه ۱۰
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امر معلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَشْوَىٰ	يُشْوِي	أَشْوِ	إِشْوَاءً	مُشْوِي	مُشْوَىٰ	أُشْوِيَ	يُشْوَىٰ
قَوَّىٰ	يُقَوِّي	قَوِّ	تَقْوِيَةً	مُقَوِّي	مُقَوَّىٰ	قُوِّيَ	يُقَوَّىٰ
قَاوَىٰ	يُقَاوِي	قَاوِ	مُقَاوَاةً	مُقَاوِي	مُقَاوَىٰ	قُوْوِيَ	يُقَاوَىٰ
إِشْتَوَىٰ	يَشْتَوِي	إِشْتَوِ	إِشْتِوَاءً	مُشْتَوِي	مُشْتَوَىٰ بِهِ	أُشْتُوِيَ بِهِ	يُشْتَوَىٰ بِهِ
إِنْشَوَىٰ	يَنْشَوِي	إِنْشَوِ	إِنْشِوَاءً	مُنْشَوِي	مُنْشَوَىٰ بِهِ	أُنْشُوِيَ بِهِ	يُنْشَوَىٰ بِهِ
تَقَوَّىٰ	يَتَقَوَّىٰ	تَقَوَّ	تَقَوِّياً	مُتَقَوِّي	مُتَقَوَّىٰ بِهِ	تُقُوِّيَ بِهِ	يُتَقَوَّىٰ بِهِ
تَقَاوَىٰ	يَتَقَاوَىٰ	تَقَاوَ	تَقَاوِياً	مُتَقَاوِي	مُتَقَاوَىٰ بِهِ	تُقُوْوِيَ بِهِ	يُتَقَاوَىٰ بِهِ
إِسْتَلْوَىٰ	يَسْتَلْوِي	إِسْتَلْوِ	إِسْتِلْوَاءً	مُسْتَلْوِي	مُسْتَلْوَىٰ بِهِ	أُسْتُلْوِيَ بِهِ	يُسْتَلْوَىٰ بِهِ

تصویر

تصریف صیغۀهای نخست ابواب ثلاثی مزید مهموز الفاء							صفحه ۱۱
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
آمَرَ	يُؤْمِرُ	آمِرْ	اِيْمَاراً	مُؤْمِرٌ	مُؤْمَرٌ	اُوْمِرَ	يُؤْمَرُ
أَمَّرَ	يُؤَمِّرُ	أَمِّرْ	تَأْمِيْراً	مُؤَمِّرٌ	مُؤَمَّرٌ	أُمِّرَ	يُؤَمَّرُ
أَانَسَ	يُؤَانِسُ	أَانِسْ	مُؤَانَسَةً	مُؤَانِسٌ	مُؤَانَسٌ	أُوْنِسَ	يُؤَانَسُ
إِتَّمَرَ	يَأْتَمِرُ	إِتَّمِرْ	إِتِّمَاراً	مُؤْتَمِرٌ	مُؤْتَمَرٌ	أُتُّمِرَ	يُؤْتَمَرُ
تَأَمَّرَ	يَتَأَمَّرُ	تَأَمَّرْ	تَأَمُّراً	مُتَأَمِّرٌ	مُتَأَمَّرٌ	تُؤُمِّرَ	يُتَأَمَّرُ
تَأَامَرَ	يَتَأَامَرُ	تَأَامَرْ	تَأَامُراً	مُتَأَامِرٌ	مُتَأَامَرٌ بِهِ	تُؤُوْمِرَ بِهِ	يُتَأَامَرُ بِهِ
إِسْتَأْمَرَ	يَسْتَأْمِرُ	إِسْتَأْمِرْ	إِسْتِئْمَاراً	مُسْتَأْمِرٌ	مُسْتَأْمَرٌ	أُسْتُؤْمِرَ	يُسْتَأْمَرُ

تصویر

صفحه ۱۲	تصریف صیغه‌های نخست ابواب ثلاثی مزید مهموز العین						
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امر معلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَسْأَلَ	يُسْئِلُ	أَسْئِلْ	إِسْأَالاً	مُسْئِلٌ	مُسْأَلٌ	أُسْئِلَ	يُسْأَلُ
لَأَّمَ	يُلَئِّمُ	لَئِّمْ	تَلْئِيماً	مُلَئِّمٌ	مُلَأَّمٌ	لُئِّمَ	يُلَأَّمُ
سَاءَلَ	يُسَائِلُ	سَائِلْ	مُسَاءَلَةً	مُسَائِلٌ	مُسَاءَلٌ	سُوْئِلَ	يُسَاءَلُ
إِجْتَأَفَ	يَجْتَئِفُ	إِجْتَئِفْ	إِجْتِئَافاً	مُجْتَئِفٌ	مُجْتَأَفٌ	أُجْتُئِفَ	يُجْتَأَفُ
إِنْجَأَثَ	يَنْجَئِثُ	إِنْجَئِثْ	إِنْجِئَاثاً	مُنْجَئِثٌ	مُنْجَأَثٌ بِهِ	أُنْجُئِثَ بِهِ	يُنْجَأَثُ بِهِ
تَلَأَّمَ	يَتَلَأَّمُ	تَلَأَّمْ	تَلَؤُّماً	مُتَلَئِّمٌ	مُتَلَأَّمٌ	تُلُئِّمَ	يُتَلَأَّمُ
تَسَاءَلَ	يَتَسَاءَلُ	تَسَاءَلْ	تَسَاؤُلاً	مُتَسَائِلٌ	مُتَسَاءَلٌ بِهِ	تُسُوْئِلَ بِهِ	يُتَسَاءَلُ بِهِ
إِسْتَلْأَمَ	يَسْتَلْئِمُ	إِسْتَلْئِمْ	إِسْتِلْأَاماً	مُسْتَلْئِمٌ	مُسْتَلْأَمٌ	أُسْتُلْئِمَ	يُسْتَلْأَمُ

تصویر

صفحه۱۳	تصریف صیغۂ‌های نخست ابواب ثلاثی مزید مهموز اللام						
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
أَقْرَأَ	يُقْرِئُ	أَقْرِئْ	إِقْرَاءَ	مُقْرِئٌ	مُقْرَأٌ	أُقْرِئَ	يُقْرَأُ
قَرَّأَ	يُقَرِّئُ	قَرِّئْ	تَقْرِئَةً	مُقَرِّئٌ	مُقَرَّأٌ	قُرِّئَ	يُقَرَّأُ
قَارَأَ	يُقَارِئُ	قَارِئْ	مُقَارَأَةً	مُقَارِئٌ	مُقَارَأٌ	قُوْرِئَ	يُقَارَأُ
إِقْتَرَأَ	يَقْتَرِئُ	إِقْتَرِئْ	إِقْتِرَاءً	مُقْتَرِئٌ	مُقْتَرَأٌ	أُقْتُرِئَ	يُقْتَرَأُ
إِنْخَسَأَ	يَنْخَسِئُ	إِنْخَسِئْ	إِنْخِسَاءً	مُنْخَسِئٌ	مُنْخَسَأٌ بِهِ	أُنْخُسِئَ بِهِ	يُنْخَسَأُ بِهِ
تَقَرَّأَ	يَتَقَرَّأُ	تَقَرَّأْ	تَقَرُّؤً	مُتَقَرِّئٌ	مُتَقَرَّأٌ	تُقُرِّئَ	يُتَقَرَّأُ
تَخَاسَأَ	يَتَخَاسَأُ	تَخَاسَأْ	تَخَاسُؤً	مُتَخَاسِئٌ	مُتَخَاسَأٌ بِهِ	تُخُوْسِئَ بِهِ	يُتَخَاسَأُ بِهِ
إِسْتَقْرَأَ	يَسْتَقْرِئُ	إِسْتَقْرِئْ	إِسْتِقْرَاءً	مُسْتَقْرِئٌ	مُسْتَقْرَأٌ	أُسْتُقْرِئَ	يُسْتَقْرَأُ

صفحه۱۴	تصریف صیغۀ‌های نخست ابواب رباعی مجرد و مزید						
ماضی معلوم	مضارع معلوم	امرمعلوم	مصدر	اسم فاعل	اسم مفعول	ماضی مجهول	مضارع مجهول
زَلْزَلَ	يُزَلْزِلُ	زَلْزِلْ	زَلْزَلَةً	مُزَلْزِلٌ	مُزَلْزَلٌ	زُلْزِلَ	يُزَلْزَلُ
تَدَحْرَجَ	يَتَدَحْرَجُ	تَدَحْرَجْ	تَدَحْرُجاً	مُتَدَحْرِجٌ	مُتَدَحْرَجٌبِهِ	تُدُحْرِجَبِهِ	يُتَدَحْرَجُبِهِ
إحْرَنْجَمَ	يَحْرَنْجِمُ	إحْرَنْجِمْ	إحْرِنْجَاماً	مُحْرَنْجِمٌ	مُحْرَنْجَمٌبِهِ	أُحْرُنْجِمَبِهِ	يُحْرَنْجَمُبِهِ
إقْشَعَرَّ	يَقْشَعِرُّ	إقْشَعْرِرْ إقْشَعِرَّ إقْشَعِرِّ	إقْشِعْرَاراً	مُقْشَعِرٌّ	مُقْشَعَرٌّبِهِ	أُقْشُعِرَّبِهِ	يُقْشَعَرُّبِهِ

تصویر

باب إفعال

تصویر

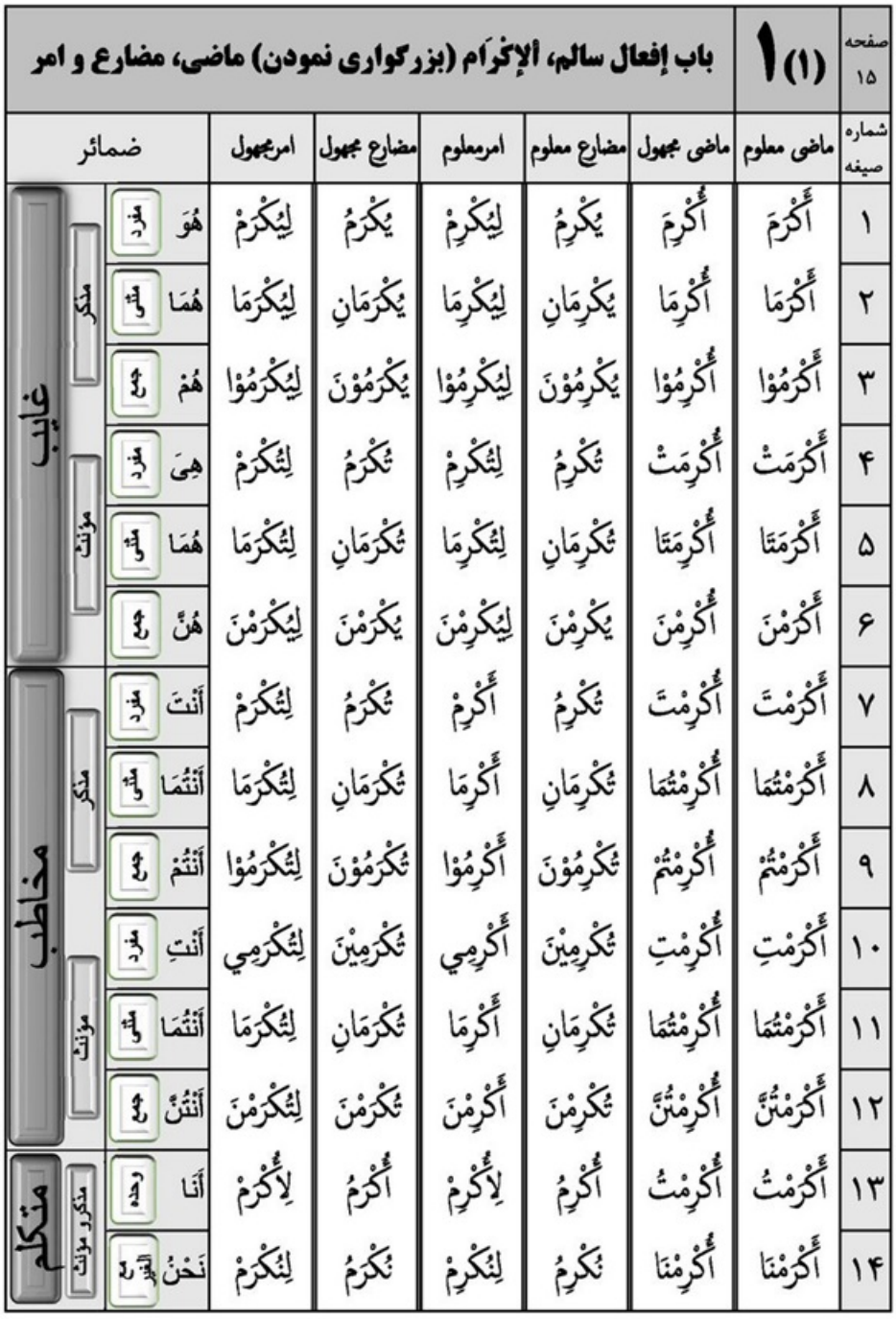

صفحه ۱۵	(۱) ۱ باب إفعال سالم، الإكْرَام (بزرگواری نمودن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَكْرَمَ	أُكْرِمَ	يُكْرِمُ	لِيُكْرِمْ	يُكْرَمُ	لِيُكْرَمْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	أَكْرَمَا	أُكْرِمَا	يُكْرِمَانِ	لِيُكْرِمَا	يُكْرَمَانِ	لِيُكْرَمَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	أَكْرَمُوْا	أُكْرِمُوْا	يُكْرِمُوْنَ	لِيُكْرِمُوْا	يُكْرَمُوْنَ	لِيُكْرَمُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	أَكْرَمَتْ	أُكْرِمَتْ	تُكْرِمُ	لِتُكْرِمْ	تُكْرَمُ	لِتُكْرَمْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	أَكْرَمَتَا	أُكْرِمَتَا	تُكْرِمَانِ	لِتُكْرِمَا	تُكْرَمَانِ	لِتُكْرَمَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	أَكْرَمْنَ	أُكْرِمْنَ	يُكْرِمْنَ	لِيُكْرِمْنَ	يُكْرَمْنَ	لِيُكْرَمْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	أَكْرَمْتَ	أُكْرِمْتَ	تُكْرِمُ	أَكْرِمْ	تُكْرَمُ	لِتُكْرَمْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	أَكْرَمْتُمَا	أُكْرِمْتُمَا	تُكْرِمَانِ	أَكْرِمَا	تُكْرَمَانِ	لِتُكْرَمَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	أَكْرَمْتُمْ	أُكْرِمْتُمْ	تُكْرِمُوْنَ	أَكْرِمُوْا	تُكْرَمُوْنَ	لِتُكْرَمُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	أَكْرَمْتِ	أُكْرِمْتِ	تُكْرِمِيْنَ	أَكْرِمِي	تُكْرَمِيْنَ	لِتُكْرَمِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	أَكْرَمْتُمَا	أُكْرِمْتُمَا	تُكْرِمَانِ	أَكْرِمَا	تُكْرَمَانِ	لِتُكْرَمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	أَكْرَمْتُنَّ	أُكْرِمْتُنَّ	تُكْرِمْنَ	أَكْرِمْنَ	تُكْرَمْنَ	لِتُكْرَمْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	أَكْرَمْتُ	أُكْرِمْتُ	أُكْرِمُ	لِأُكْرِمْ	أُكْرَمُ	لِأُكْرَمْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	أَكْرَمْنَا	أُكْرِمْنَا	نُكْرِمُ	لِنُكْرِمْ	نُكْرَمُ	لِنُكْرَمْ	متکلم، مذکر و مؤنث، الغیر وحده، نَحْنُ

ص: ۱۵

تصویر

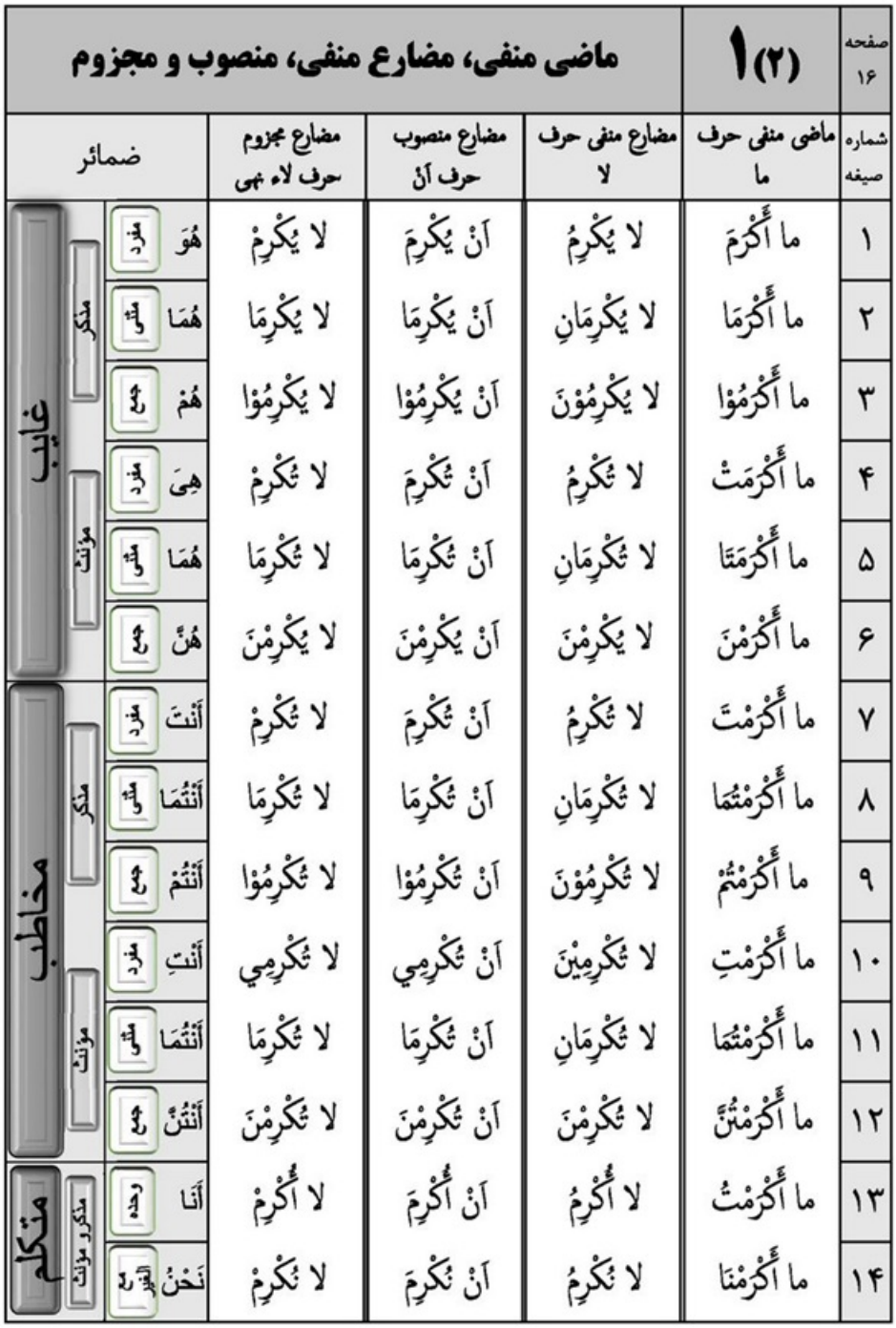

صفحه ۱۶	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما أَكْرَمَ	لا يُكْرِمُ	اَنْ يُكْرِمَ	لا يُكْرِمْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	ما أَكْرَمَا	لا يُكْرِمَانِ	اَنْ يُكْرِمَا	لا يُكْرِمَا	هُمَا (مثنی)	
۳	ما أَكْرَمُوْا	لا يُكْرِمُوْنَ	اَنْ يُكْرِمُوْا	لا يُكْرِمُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	ما أَكْرَمَتْ	لا تُكْرِمُ	اَنْ تُكْرِمَ	لا تُكْرِمْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	ما أَكْرَمَتَا	لا تُكْرِمَانِ	اَنْ تُكْرِمَا	لا تُكْرِمَا	هُمَا (مثنی)	
۶	ما أَكْرَمْنَ	لا يُكْرِمْنَ	اَنْ يُكْرِمْنَ	لا يُكْرِمْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	ما أَكْرَمْتَ	لا تُكْرِمُ	اَنْ تُكْرِمَ	لا تُكْرِمْ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	ما أَكْرَمْتُمَا	لا تُكْرِمَانِ	اَنْ تُكْرِمَا	لا تُكْرِمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	ما أَكْرَمْتُمْ	لا تُكْرِمُوْنَ	اَنْ تُكْرِمُوْا	لا تُكْرِمُوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	ما أَكْرَمْتِ	لا تُكْرِمِيْنَ	اَنْ تُكْرِمِي	لا تُكْرِمِي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	ما أَكْرَمْتُمَا	لا تُكْرِمَانِ	اَنْ تُكْرِمَا	لا تُكْرِمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	ما أَكْرَمْتُنَّ	لا تُكْرِمْنَ	اَنْ تُكْرِمْنَ	لا تُكْرِمْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	ما أَكْرَمْتُ	لا أُكْرِمُ	اَنْ أُكْرِمَ	لا أُكْرِمْ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	ما أَكْرَمْنَا	لا نُكْرِمُ	اَنْ نُكْرِمَ	لا نُكْرِمْ	نَحْنُ (الغير)	

تصویر



صفحه ۱۷	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُكْرِمَنَّ	لِيُكْرَمَنَّ	لِيُكْرِمَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُكْرِمَانِّ	لِيُكْرَمَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُكْرِمُنَّ	لِيُكْرَمُنَّ	لِيُكْرِمُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُكْرِمَنَّ	لِتُكْرَمَنَّ	لِتُكْرِمَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُكْرِمَانِّ	لِتُكْرَمَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُكْرِمْنَانِّ	لِيُكْرَمْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَكْرِمَنَّ	لِتُكْرَمَنَّ	أَكْرِمَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَكْرِمَانِّ	لِتُكْرَمَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَكْرِمُنَّ	لِتُكْرَمُنَّ	أَكْرِمُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَكْرِمِنَّ	لِتُكْرَمِنَّ	أَكْرِمِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَكْرِمَانِّ	لِتُكْرَمَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَكْرِمْنَانِّ	لِتُكْرَمْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُكْرِمَنَّ	لِأُكْرَمَنَّ	لِأُكْرِمَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُكْرِمَنَّ	لِنُكْرَمَنَّ	لِنُكْرِمَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

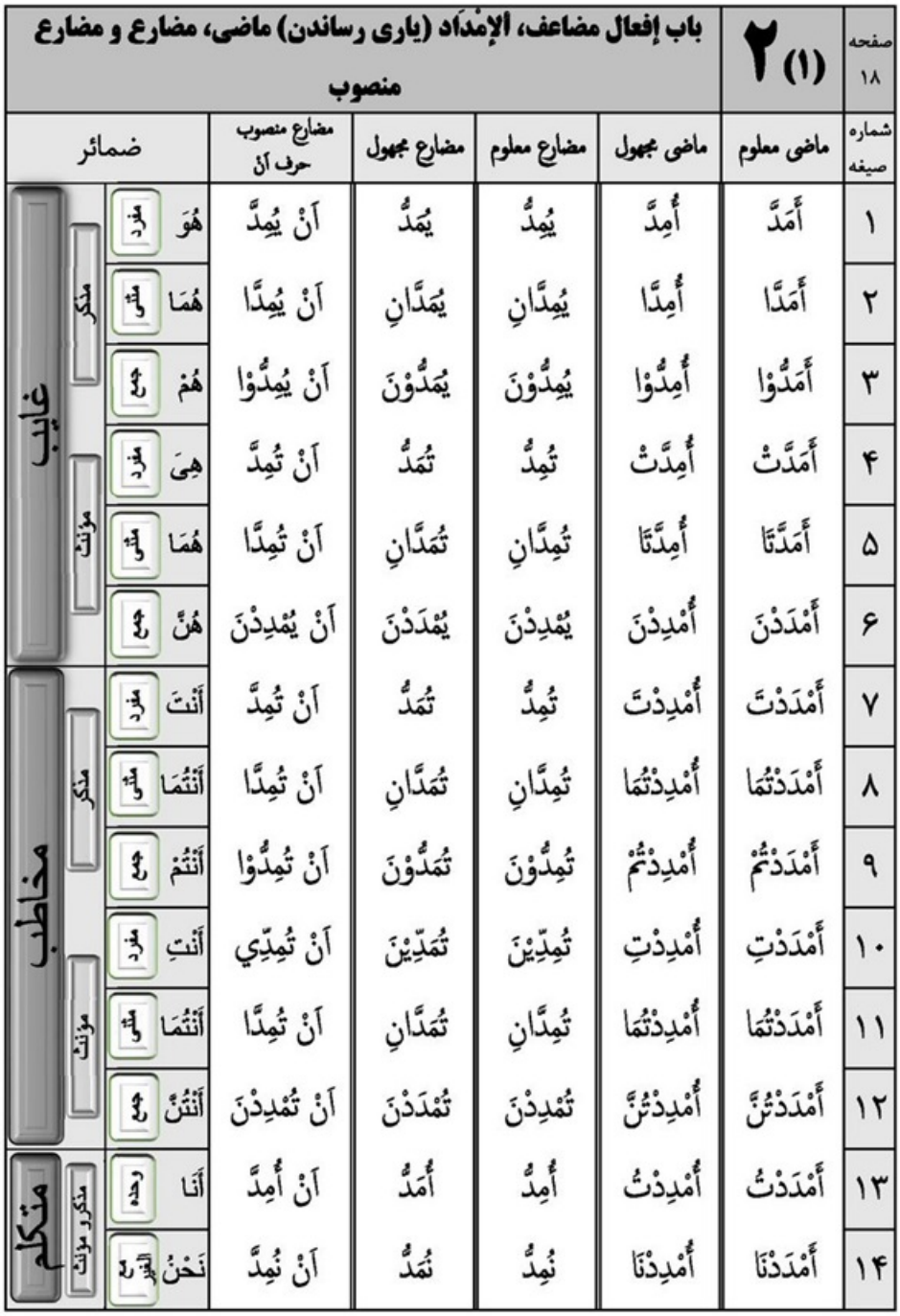

صفحه ۱۸	۲ (۱)	باب إفعال مضاعف، الإمْدَاد (یاری رساندن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب				
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر
۱	أَمَدَّ	أُمِدَّ	يُمِدُّ	يُمَدُّ	اَنْ يُمِدَّ	غایب مذکر مفرد هُوَ
۲	أَمَدَّا	أُمِدَّا	يُمِدَّانِ	يُمَدَّانِ	اَنْ يُمِدَّا	غایب مذکر مثنی هُمَا
۳	أَمَدُّوْا	أُمِدُّوْا	يُمِدُّوْنَ	يُمَدُّوْنَ	اَنْ يُمِدُّوْا	غایب مذکر جمع هُمْ
۴	أَمَدَّتْ	أُمِدَّتْ	تُمِدُّ	تُمَدُّ	اَنْ تُمِدَّ	غایب مؤنث مفرد هِيَ
۵	أَمَدَّتَا	أُمِدَّتَا	تُمِدَّانِ	تُمَدَّانِ	اَنْ تُمِدَّا	غایب مؤنث مثنی هُمَا
۶	أَمْدَدْنَ	أُمْدِدْنَ	يُمْدِدْنَ	يُمْدَدْنَ	اَنْ يُمْدِدْنَ	غایب مؤنث جمع هُنَّ
۷	أَمْدَدْتَ	أُمْدِدْتَ	تُمِدُّ	تُمَدُّ	اَنْ تُمِدَّ	مخاطب مذکر مفرد أَنْتَ
۸	أَمْدَدْتُمَا	أُمْدِدْتُمَا	تُمِدَّانِ	تُمَدَّانِ	اَنْ تُمِدَّا	مخاطب مذکر مثنی أَنْتُمَا
۹	أَمْدَدْتُمْ	أُمْدِدْتُمْ	تُمِدُّوْنَ	تُمَدُّوْنَ	اَنْ تُمِدُّوْا	مخاطب مذکر جمع أَنْتُمْ
۱۰	أَمْدَدْتِ	أُمْدِدْتِ	تُمِدِّيْنَ	تُمَدِّيْنَ	اَنْ تُمِدِّي	مخاطب مؤنث مفرد أَنْتِ
۱۱	أَمْدَدْتُمَا	أُمْدِدْتُمَا	تُمِدَّانِ	تُمَدَّانِ	اَنْ تُمِدَّا	مخاطب مؤنث مثنی أَنْتُمَا
۱۲	أَمْدَدْتُنَّ	أُمْدِدْتُنَّ	تُمْدِدْنَ	تُمْدَدْنَ	اَنْ تُمْدِدْنَ	مخاطب مؤنث جمع أَنْتُنَّ
۱۳	أَمْدَدْتُ	أُمْدِدْتُ	أُمِدُّ	أُمَدُّ	اَنْ أُمِدَّ	متکلم مذکر و مؤنث واحد أَنَا
۱۴	أَمْدَدْنَا	أُمْدِدْنَا	نُمِدُّ	نُمَدُّ	اَنْ نُمِدَّ	متکلم مذکر و مؤنث غیر واحد نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۹	۲ (۲) امر معلوم و مجهول		
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	لِيُمْدِدْ لِيُمِدَّ لِيُمِدِّ	لِيُمْدَدْ لِيُمَدَّ لِيُمَدِّ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُمِدَّا	لِيُمَدَّا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُمِدُّوْا	لِيُمَدُّوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُمْدِدْ لِتُمِدَّ لِتُمِدِّ	لِتُمْدَدْ لِتُمَدَّ لِتُمَدِّ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُمِدَّا	لِتُمَدَّا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُمْدِدْنَ	لِيُمْدَدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَمْدِدْ أَمِدَّ أَمِدِّ	لِتُمْدَدْ لِتُمَدَّ لِتُمَدِّ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَمِدَّا	لِتُمَدَّا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَمِدُّوْا	لِتُمَدُّوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَمِدِّي	لِتُمَدِّي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَمِدَّا	لِتُمَدَّا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَمْدِدْنَ	لِتُمْدَدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُمْدِدْ لِأُمِدَّ لِأُمِدِّ	لِأُمْدَدْ لِأُمَدَّ لِأُمَدِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	لِنُمْدِدْ لِنُمِدَّ لِنُمِدِّ	لِنُمْدَدْ لِنُمَدَّ لِنُمَدِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰	۲ (۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يُمْدِدْ لَمْ يُمِدَّ لَمْ يُمِدِّ	لا يُمْدِدْ لا يُمِدَّ لا يُمِدِّ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ	
۲	لَمْ يُمِدَّا	لا يُمِدَّا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا	
۳	لَمْ يُمِدُّوْا	لا يُمِدُّوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ	
۴	لَمْ تُمْدِدْ لَمْ تُمِدَّ لَمْ تُمِدِّ	لا تُمْدِدْ لا تُمِدَّ لا تُمِدِّ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ	
۵	لَمْ تُمِدَّا	لا تُمِدَّا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا	
۶	لَمْ يُمْدِدْنَ	لا يُمْدِدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ	
۷	لَمْ تُمْدِدْ لَمْ تُمِدَّ لَمْ تُمِدِّ	لا تُمْدِدْ لا تُمِدَّ لا تُمِدِّ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ	
۸	لَمْ تُمِدَّا	لا تُمِدَّا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا	
۹	لَمْ تُمِدُّوْا	لا تُمِدُّوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ	
۱۰	لَمْ تُمِدِّي	لا تُمِدِّي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ	
۱۱	لَمْ تُمِدَّا	لا تُمِدَّا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا	
۱۲	لَمْ تُمْدِدْنَ	لا تُمْدِدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ	
۱۳	لَمْ أُمْدِدْ لَمْ أُمِدَّ لَمْ أُمِدِّ	لا أُمْدِدْ لا أُمِدَّ لا أُمِدِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا	
۱۴	لَمْ نُمْدِدْ لَمْ نُمِدَّ لَمْ نُمِدِّ	لا نُمْدِدْ لا نُمِدَّ لا نُمِدِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ	

تصویر



صفحه ۲۱	۲ (۴) نون تأکید				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيُمِدَّنَّ	لِيُمَدَّنَّ	لِيُمِدَّنْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	لِيُمِدَّانِّ	لِيُمَدَّانِّ			هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	لِيُمِدُّنَّ	لِيُمَدُّنَّ	لِيُمِدُّنْ		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	لِتُمِدَّنَّ	لِتُمَدَّنَّ	لِتُمِدَّنْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	لِتُمِدَّانِّ	لِتُمَدَّانِّ			هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	لِيُمْدِدْنَانِّ	لِيُمْدَدْنَانِّ			هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	أَمِدَّنَّ	لِتُمَدَّنَّ	أَمِدَّنْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	أَمِدَّانِّ	لِتُمَدَّانِّ			أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	أَمِدُّنَّ	لِتُمَدُّنَّ	أَمِدُّنْ		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	أَمِدِّنَّ	لِتُمَدِّنَّ	أَمِدِّنْ		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	أَمِدَّانِّ	لِتُمَدَّانِّ			أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	أَمْدِدْنَانِّ	لِتُمْدَدْنَانِّ			أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	لِأُمِدَّنَّ	لِأُمَدَّنَّ	لِأُمِدَّنْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	لِنُمِدَّنَّ	لِنُمَدَّنَّ	لِنُمِدَّنْ		نَحْنُ (مع الغیر، مذکر و مؤنث)

تصویر



صفحه ۲۲	(۱) ۳ باب إفعال مثال واوی، اَلإِيْعَاد (وعده دادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَوْعَدَ	أُوْعِدَ	يُوْعِدُ	لِيُوْعِدْ	يُوْعَدُ	لِيُوْعَدْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَوْعَدَا	أُوْعِدَا	يُوْعِدَانِ	لِيُوْعِدَا	يُوْعَدَانِ	لِيُوْعَدَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَوْعَدُوْا	أُوْعِدُوْا	يُوْعِدُوْنَ	لِيُوْعِدُوْا	يُوْعَدُوْنَ	لِيُوْعَدُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَوْعَدَتْ	أُوْعِدَتْ	تُوْعِدُ	لِتُوْعِدْ	تُوْعَدُ	لِتُوْعَدْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَوْعَدَتَا	أُوْعِدَتَا	تُوْعِدَانِ	لِتُوْعِدَا	تُوْعَدَانِ	لِتُوْعَدَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَوْعَدْنَ	أُوْعِدْنَ	يُوْعِدْنَ	لِيُوْعِدْنَ	يُوْعَدْنَ	لِيُوْعَدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَوْعَدْتَ	أُوْعِدْتَ	تُوْعِدُ	أَوْعِدْ	تُوْعَدُ	لِتُوْعَدْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَوْعَدْتُمَا	أُوْعِدْتُمَا	تُوْعِدَانِ	أَوْعِدَا	تُوْعَدَانِ	لِتُوْعَدَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَوْعَدْتُمْ	أُوْعِدْتُمْ	تُوْعِدُوْنَ	أَوْعِدُوْا	تُوْعَدُوْنَ	لِتُوْعَدُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَوْعَدْتِ	أُوْعِدْتِ	تُوْعِدِيْنَ	أَوْعِدِي	تُوْعَدِيْنَ	لِتُوْعَدِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَوْعَدْتُمَا	أُوْعِدْتُمَا	تُوْعِدَانِ	أَوْعِدَا	تُوْعَدَانِ	لِتُوْعَدَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَوْعَدْتُنَّ	أُوْعِدْتُنَّ	تُوْعِدْنَ	أَوْعِدْنَ	تُوْعَدْنَ	لِتُوْعَدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَوْعَدْتُ	أُوْعِدْتُ	أُوْعِدُ	لِأُوْعِدْ	أُوْعَدُ	لِأُوْعَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَوْعَدْنَا	أُوْعِدْنَا	نُوْعِدُ	لِنُوْعِدْ	نُوْعَدُ	لِنُوْعَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۳	۳ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما أَوْعَدَ	لا يُوْعِدُ	اَنْ يُوْعِدَ	لا يُوْعِدْ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما أَوْعَدَا	لا يُوْعِدَانِ	اَنْ يُوْعِدَا	لا يُوْعِدَا			مثنی	هُمَا
۳	ما أَوْعَدُوْا	لا يُوْعِدُوْنَ	اَنْ يُوْعِدُوْا	لا يُوْعِدُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما أَوْعَدَتْ	لا تُوْعِدُ	اَنْ تُوْعِدَ	لا تُوْعِدْ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما أَوْعَدَتَا	لا تُوْعِدَانِ	اَنْ تُوْعِدَا	لا تُوْعِدَا			مثنی	هُمَا
۶	ما أَوْعَدْنَ	لا يُوْعِدْنَ	اَنْ يُوْعِدْنَ	لا يُوْعِدْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما أَوْعَدْتَ	لا تُوْعِدُ	اَنْ تُوْعِدَ	لا تُوْعِدْ	مخاطب	مذکر	مفرد	أَنْتَ
۸	ما أَوْعَدْتُمَا	لا تُوْعِدَانِ	اَنْ تُوْعِدَا	لا تُوْعِدَا			مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما أَوْعَدْتُمْ	لا تُوْعِدُوْنَ	اَنْ تُوْعِدُوْا	لا تُوْعِدُوْا			جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما أَوْعَدْتِ	لا تُوْعِدِيْنَ	اَنْ تُوْعِدِي	لا تُوْعِدِي		مؤنث	مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما أَوْعَدْتُمَا	لا تُوْعِدَانِ	اَنْ تُوْعِدَا	لا تُوْعِدَا			مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما أَوْعَدْتُنَّ	لا تُوْعِدْنَ	اَنْ تُوْعِدْنَ	لا تُوْعِدْنَ			جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما أَوْعَدْتُ	لا أُوْعِدُ	اَنْ أُوْعِدَ	لا أُوْعِدْ	متکلم	مذکر مؤنث	واحد	أَنَا
۱۴	ما أَوْعَدْنَا	لا نُوْعِدُ	اَنْ نُوْعِدَ	لا نُوْعِدْ			غیر واحد	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴	نون تأکید ۳ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُوْعِدَنَّ	لِيُوْعَدَنَّ	لِيُوْعِدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُوْعِدَانِّ	لِيُوْعَدَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُوْعِدُنَّ	لِيُوْعَدُنَّ	لِيُوْعِدُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُوْعِدَنَّ	لِتُوْعَدَنَّ	لِتُوْعِدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُوْعِدَانِّ	لِتُوْعَدَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُوْعِدْنَانِّ	لِيُوْعَدْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَوْعِدَنَّ	لِتُوْعَدَنَّ	أَوْعِدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَوْعِدَانِّ	لِتُوْعَدَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَوْعِدُنَّ	لِتُوْعَدُنَّ	أَوْعِدُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَوْعِدِنَّ	لِتُوْعَدِنَّ	أَوْعِدِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَوْعِدَانِّ	لِتُوْعَدَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَوْعِدْنَانِّ	لِتُوْعَدْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُوْعِدَنَّ	لِأُوْعَدَنَّ	لِأُوْعِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُوْعِدَنَّ	لِنُوْعَدَنَّ	لِنُوْعِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۵	۴ (۱) باب إفعال مثال یایی، الإیْتَام (یتیم شدن بچه اش) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَيْتَمَ	أُوْتِمَ بِهِ	يُوْتِمُ	لِيُوْتِمْ	يُوْتَمُ بِهِ	لِيُوْتَمْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَيْتَمَا	أُوْتِمَ بِهِمَا	يُوْتِمَانِ	لِيُوْتِمَا	يُوْتَمُ بِهِمَا	لِيُوْتَمْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَيْتَمُوْا	أُوْتِمَ بِهِمْ	يُوْتِمُوْنَ	لِيُوْتِمُوْا	يُوْتَمُ بِهِمْ	لِيُوْتَمْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَيْتَمَتْ	أُوْتِمَ بِهَا	تُوْتِمُ	لِتُوْتِمْ	يُوْتَمُ بِهَا	لِيُوْتَمْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَيْتَمَتَا	أُوْتِمَ بِهِمَا	تُوْتِمَانِ	لِتُوْتِمَا	يُوْتَمُ بِهِمَا	لِيُوْتَمْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَيْتَمْنَ	أُوْتِمَ بِهِنَّ	يُوْتِمْنَ	لِيُوْتِمْنَ	يُوْتَمُ بِهِنَّ	لِيُوْتَمْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَيْتَمْتَ	أُوْتِمَ بِكَ	تُوْتِمُ	أَيْتِمْ	يُوْتَمُ بِكَ	لِيُوْتَمْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَيْتَمْتُمَا	أُوْتِمَ بِكُمَا	تُوْتِمَانِ	أَيْتِمَا	يُوْتَمُ بِكُمَا	لِيُوْتَمْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَيْتَمْتُمْ	أُوْتِمَ بِكُمْ	تُوْتِمُوْنَ	أَيْتِمُوْا	يُوْتَمُ بِكُمْ	لِيُوْتَمْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَيْتَمْتِ	أُوْتِمَ بِكِ	تُوْتِمِيْنَ	أَيْتِمِي	يُوْتَمُ بِكِ	لِيُوْتَمْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَيْتَمْتُمَا	أُوْتِمَ بِكُمَا	تُوْتِمَانِ	أَيْتِمَا	يُوْتَمُ بِكُمَا	لِيُوْتَمْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَيْتَمْتُنَّ	أُوْتِمَ بِكُنَّ	تُوْتِمْنَ	أَيْتِمْنَ	يُوْتَمُ بِكُنَّ	لِيُوْتَمْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَيْتَمْتُ	أُوْتِمَ بِي	أُوْتِمُ	لِأُوْتِمْ	يُوْتَمُ بِي	لِيُوْتَمْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَيْتَمْنَا	أُوْتِمَ بِنَا	نُوْتِمُ	لِنُوْتِمْ	يُوْتَمُ بِنَا	لِيُوْتَمْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۶	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما أَيَّمَ	لا يُوْتِمُ	اَنْ يُوْتِمَ	لا يُوْتِمْ	هُوَ	مفرد	مذکر	غایب
۲	ما أَيْتَمَا	لا يُوْتِمَانِ	اَنْ يُوْتِمَا	لا يُوْتِمَا	هُمَا	مثنی		
۳	ما أَيْتَمُوْا	لا يُوْتِمُوْنَ	اَنْ يُوْتِمُوْا	لا يُوْتِمُوْا	هُمْ	جمع		
۴	ما أَيْتَمَتْ	لا تُوْتِمُ	اَنْ تُوْتِمَ	لا تُوْتِمْ	هِيَ	مفرد	مؤنث	
۵	ما أَيْتَمَتَا	لا تُوْتِمَانِ	اَنْ تُوْتِمَا	لا تُوْتِمَا	هُمَا	مثنی		
۶	ما أَيْتَمْنَ	لا يُوْتِمْنَ	اَنْ يُوْتِمْنَ	لا يُوْتِمْنَ	هُنَّ	جمع		
۷	ما أَيْتَمْتَ	لا تُوْتِمُ	اَنْ تُوْتِمَ	لا تُوْتِمْ	أَنْتَ	مفرد	مذکر	مخاطب
۸	ما أَيْتَمْتُمَا	لا تُوْتِمَانِ	اَنْ تُوْتِمَا	لا تُوْتِمَا	أَنْتُمَا	مثنی		
۹	ما أَيْتَمْتُمْ	لا تُوْتِمُوْنَ	اَنْ تُوْتِمُوْا	لا تُوْتِمُوْا	أَنْتُمْ	جمع		
۱۰	ما أَيْتَمْتِ	لا تُوْتِمِيْنَ	اَنْ تُوْتِمِي	لا تُوْتِمِي	أَنْتِ	مفرد	مؤنث	
۱۱	ما أَيْتَمْتُمَا	لا تُوْتِمَانِ	اَنْ تُوْتِمَا	لا تُوْتِمَا	أَنْتُمَا	مثنی		
۱۲	ما أَيْتَمْتُنَّ	لا تُوْتِمْنَ	اَنْ تُوْتِمْنَ	لا تُوْتِمْنَ	أَنْتُنَّ	جمع		
۱۳	ما أَيْتَمْتُ	لا أُوْتِمُ	اَنْ أُوْتِمَ	لا أُوْتِمْ	أَنَا	واحد	مذکر و مؤنث	متکلم
۱۴	ما أَيْتَمْنَا	لا نُوْتِمُ	اَنْ نُوْتِمَ	لا نُوْتِمْ	نَحْنُ	غیر واحد		

تصویر



صفحه ۲۷	۴ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُوْتِمَنَّ	لِيُوْتَمَنَّ بِهِ	لِيُوْتِمَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُوْتِمَانِّ	لِيُوْتَمَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُوْتِمُنَّ	لِيُوْتَمَنَّ بِهِمْ	لِيُوْتِمُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُوْتِمَنَّ	لِيُوْتَمَنَّ بِهَا	لِتُوْتِمَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُوْتِمَانِّ	لِيُوْتَمَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُوْتِمْنَانِّ	لِيُوْتَمَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَيْتِمَنَّ	لِيُوْتَمَنَّ بِكَ	أَيْتِمَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَيْتِمَانِّ	لِيُوْتَمَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَيْتِمُنَّ	لِيُوْتَمَنَّ بِكُمْ	أَيْتِمُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَيْتِمِنَّ	لِيُوْتَمَنَّ بِكِ	أَيْتِمِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَيْتِمَانِّ	لِيُوْتَمَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَيْتِمْنَانِّ	لِيُوْتَمَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُوْتِمَنَّ	لِيُوْتَمَنَّ بِي	لِأُوْتِمَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُوْتِمَنَّ	لِيُوْتَمَنَّ بِنَا	لِنُوْتِمَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

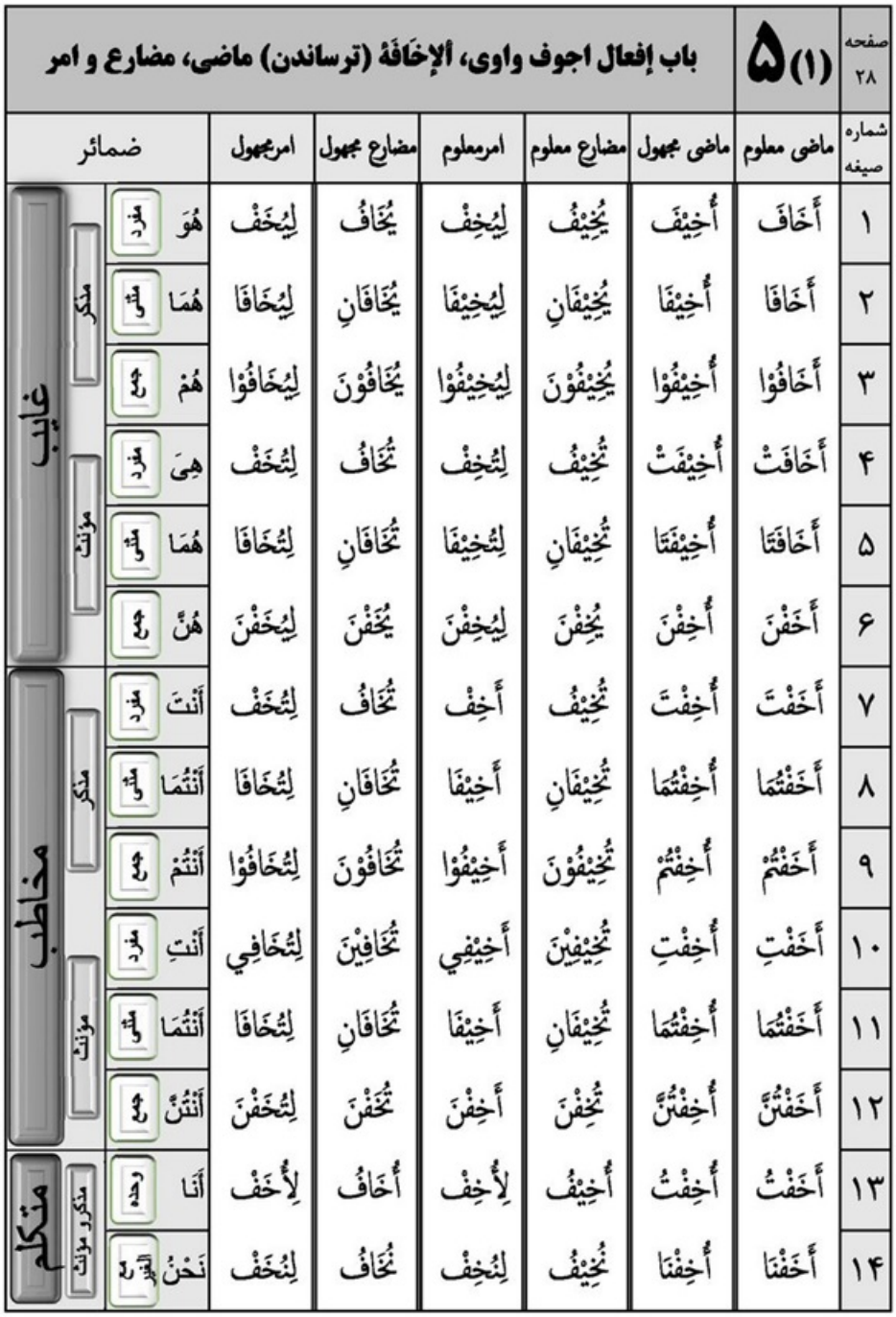

صفحه ۲۸	۵ (۱) باب إفعال اجوف واوی، ألإخَافَةُ (ترساندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَخَافَ	أُخِيْفَ	يُخِيْفُ	لِيُخِفْ	يُخَافُ	لِيُخَفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَخَافَا	أُخِيْفَا	يُخِيْفَانِ	لِيُخِيْفَا	يُخَافَانِ	لِيُخَافَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَخَافُوْا	أُخِيْفُوْا	يُخِيْفُوْنَ	لِيُخِيْفُوْا	يُخَافُوْنَ	لِيُخَافُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَخَافَتْ	أُخِيْفَتْ	تُخِيْفُ	لِتُخِفْ	تُخَافُ	لِتُخَفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَخَافَتَا	أُخِيْفَتَا	تُخِيْفَانِ	لِتُخِيْفَا	تُخَافَانِ	لِتُخَافَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَخَفْنَ	أُخِفْنَ	يُخِفْنَ	لِيُخِفْنَ	يُخَفْنَ	لِيُخَفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَخَفْتَ	أُخِفْتَ	تُخِيْفُ	أَخِفْ	تُخَافُ	لِتُخَفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَخَفْتُمَا	أُخِفْتُمَا	تُخِيْفَانِ	أَخِيْفَا	تُخَافَانِ	لِتُخَافَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَخَفْتُمْ	أُخِفْتُمْ	تُخِيْفُوْنَ	أَخِيْفُوْا	تُخَافُوْنَ	لِتُخَافُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَخَفْتِ	أُخِفْتِ	تُخِيْفِيْنَ	أَخِيْفِي	تُخَافِيْنَ	لِتُخَافِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَخَفْتُمَا	أُخِفْتُمَا	تُخِيْفَانِ	أَخِيْفَا	تُخَافَانِ	لِتُخَافَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَخَفْتُنَّ	أُخِفْتُنَّ	تُخِفْنَ	أَخِفْنَ	تُخَفْنَ	لِتُخَفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَخَفْتُ	أُخِفْتُ	أُخِيْفُ	لِأُخِفْ	أُخَافُ	لِأُخَفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَخَفْنَا	أُخِفْنَا	نُخِيْفُ	لِنُخِفْ	نُخَافُ	لِنُخَفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

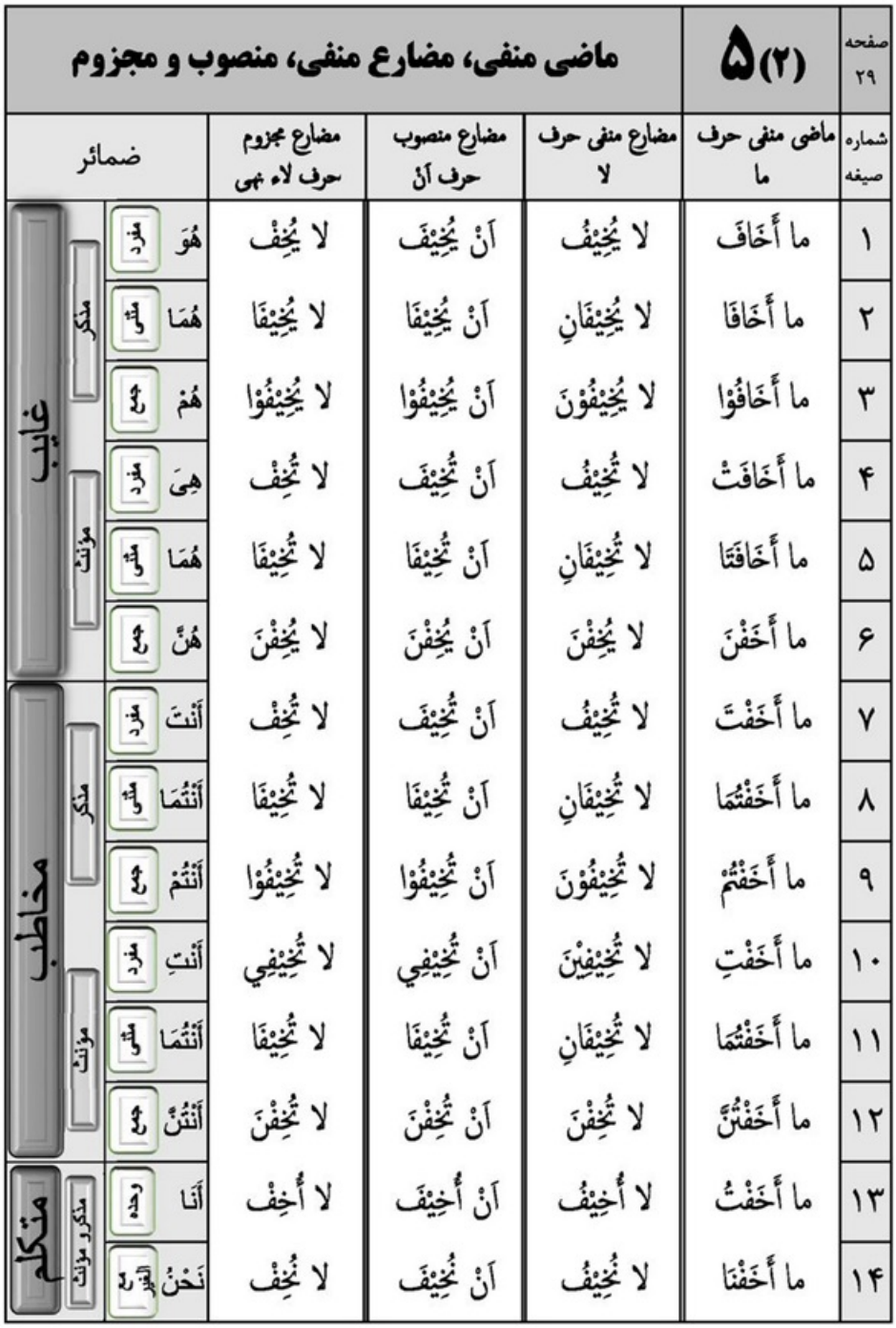

صفحه ۲۹	۵ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما أَخَافَ	لا يُخِيْفُ	اَنْ يُخِيْفَ	لا يُخِفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما أَخَافَا	لا يُخِيْفَانِ	اَنْ يُخِيْفَا	لا يُخِيْفَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما أَخَافُوْا	لا يُخِيْفُوْنَ	اَنْ يُخِيْفُوْا	لا يُخِيْفُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما أَخَافَتْ	لا تُخِيْفُ	اَنْ تُخِيْفَ	لا تُخِفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما أَخَافَتَا	لا تُخِيْفَانِ	اَنْ تُخِيْفَا	لا تُخِيْفَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما أَخَفْنَ	لا يُخِفْنَ	اَنْ يُخِفْنَ	لا يُخِفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما أَخَفْتَ	لا تُخِيْفُ	اَنْ تُخِيْفَ	لا تُخِفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما أَخَفْتُمَا	لا تُخِيْفَانِ	اَنْ تُخِيْفَا	لا تُخِيْفَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما أَخَفْتُمْ	لا تُخِيْفُوْنَ	اَنْ تُخِيْفُوْا	لا تُخِيْفُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما أَخَفْتِ	لا تُخِيْفِيْنَ	اَنْ تُخِيْفِي	لا تُخِيْفِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما أَخَفْتُمَا	لا تُخِيْفَانِ	اَنْ تُخِيْفَا	لا تُخِيْفَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما أَخَفْتُنَّ	لا تُخِفْنَ	اَنْ تُخِفْنَ	لا تُخِفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما أَخَفْتُ	لا أُخِيْفُ	اَنْ أُخِيْفَ	لا أُخِفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	ما أَخَفْنَا	لا نُخِيْفُ	اَنْ نُخِيْفَ	لا نُخِفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۰	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُخِيْفَنَّ	لِيُخَفَنَّ	لِيُخِيْفَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُخِيْفَانِّ	لِيُخَافَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُخِيْفُنَّ	لِيُخَافُنَّ	لِيُخِيْفُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُخِيْفَنَّ	لِتُخَفَنَّ	لِتُخِيْفَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُخِيْفَانِّ	لِتُخَافَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُخِفْنَانِّ	لِيُخَفْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَخِيْفَنَّ	لِتُخَفَنَّ	أَخِيْفَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَخِيْفَانِّ	لِتُخَافَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَخِيْفُنَّ	لِتُخَافُنَّ	أَخِيْفُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَخِيْفِنَّ	لِتُخَافِنَّ	أَخِيْفِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَخِيْفَانِّ	لِتُخَافَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَخِفْنَانِّ	لِتُخَفْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُخِيْفَنَّ	لِأُخَفَنَّ	لِأُخِيْفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُخِيْفَنَّ	لِنُخَفَنَّ	لِنُخِيْفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

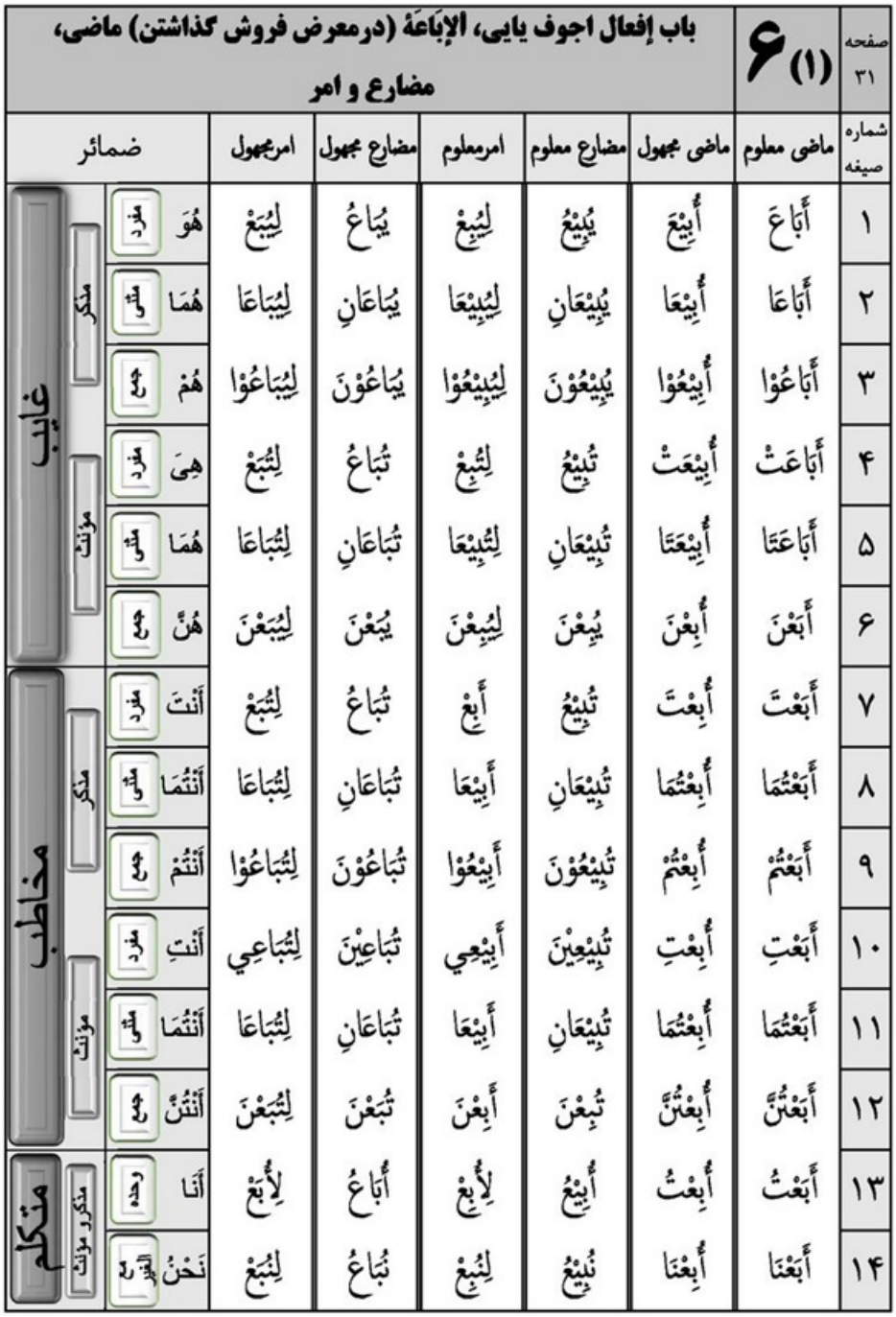

صفحه ۳۱	۶ (۱)	باب إفعال اجوف یایی، الإبَاعَة (درمعرض فروش گذاشتن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَبَاعَ	أُبِيْعَ	يُبِيْعُ	لِيُبِعْ	يُبَاعُ	لِيُبَعْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَبَاعَا	أُبِيْعَا	يُبِيْعَانِ	لِيُبِيْعَا	يُبَاعَانِ	لِيُبَاعَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَبَاعُوْا	أُبِيْعُوْا	يُبِيْعُوْنَ	لِيُبِيْعُوْا	يُبَاعُوْنَ	لِيُبَاعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَبَاعَتْ	أُبِيْعَتْ	تُبِيْعُ	لِتُبِعْ	تُبَاعُ	لِتُبَعْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَبَاعَتَا	أُبِيْعَتَا	تُبِيْعَانِ	لِتُبِيْعَا	تُبَاعَانِ	لِتُبَاعَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَبَعْنَ	أُبِعْنَ	يُبِعْنَ	لِيُبِعْنَ	يُبَعْنَ	لِيُبَعْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَبَعْتَ	أُبِعْتَ	تُبِيْعُ	أَبِعْ	تُبَاعُ	لِتُبَعْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَبَعْتُمَا	أُبِعْتُمَا	تُبِيْعَانِ	أَبِيْعَا	تُبَاعَانِ	لِتُبَاعَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَبَعْتُمْ	أُبِعْتُمْ	تُبِيْعُوْنَ	أَبِيْعُوْا	تُبَاعُوْنَ	لِتُبَاعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَبَعْتِ	أُبِعْتِ	تُبِيْعِيْنَ	أَبِيْعِي	تُبَاعِيْنَ	لِتُبَاعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَبَعْتُمَا	أُبِعْتُمَا	تُبِيْعَانِ	أَبِيْعَا	تُبَاعَانِ	لِتُبَاعَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَبَعْتُنَّ	أُبِعْتُنَّ	تُبِعْنَ	أَبِعْنَ	تُبَعْنَ	لِتُبَعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَبَعْتُ	أُبِعْتُ	أُبِيْعُ	لِأُبِعْ	أُبَاعُ	لِأُبَعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَبَعْنَا	أُبِعْنَا	نُبِيْعُ	لِنُبِعْ	نُبَاعُ	لِنُبَعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۲	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما أَبَاعَ	لا يُبِيْعُ	اَنْ يُبِيْعَ	لا يُبِعْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما أَبَاعَا	لا يُبِيْعَانِ	اَنْ يُبِيْعَا	لا يُبِيْعَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما أَبَاعُوْا	لا يُبِيْعُوْنَ	اَنْ يُبِيْعُوْا	لا يُبِيْعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما أَبَاعَتْ	لا تُبِيْعُ	اَنْ تُبِيْعَ	لا تُبِعْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما أَبَاعَتَا	لا تُبِيْعَانِ	اَنْ تُبِيْعَا	لا تُبِيْعَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما أَبَعْنَ	لا يُبِعْنَ	اَنْ يُبِعْنَ	لا يُبِعْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما أَبَعْتَ	لا تُبِيْعُ	اَنْ تُبِيْعَ	لا تُبِعْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما أَبَعْتُمَا	لا تُبِيْعَانِ	اَنْ تُبِيْعَا	لا تُبِيْعَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما أَبَعْتُمْ	لا تُبِيْعُوْنَ	اَنْ تُبِيْعُوْا	لا تُبِيْعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما أَبَعْتِ	لا تُبِيْعِيْنَ	اَنْ تُبِيْعِي	لا تُبِيْعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما أَبَعْتُمَا	لا تُبِيْعَانِ	اَنْ تُبِيْعَا	لا تُبِيْعَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما أَبَعْتُنَّ	لا تُبِعْنَ	اَنْ تُبِعْنَ	لا تُبِعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما أَبَعْتُ	لا أُبِيْعُ	اَنْ أُبِيْعَ	لا أُبِعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	ما أَبَعْنَا	لا نُبِيْعُ	اَنْ نُبِيْعَ	لا نُبِعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۳	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُبْيِعَنَّ	لِيُبَعَنَّ	لِيُبْيِعَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُبْيِعَانِّ	لِيُبَاعَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُبْيِعُنَّ	لِيُبَاعُنَّ	لِيُبْيِعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُبْيِعَنَّ	لِتُبَعَنَّ	لِتُبْيِعَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُبْيِعَانِّ	لِتُبَاعَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُبْعْنَانِّ	لِيُبَعْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَبِيْعَنَّ	لِتُبَعَنَّ	أَبِيْعَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَبِيْعَانِّ	لِتُبَاعَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَبِيْعُنَّ	لِتُبَاعُنَّ	أَبِيْعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَبِيْعِنَّ	لِتُبَاعِنَّ	أَبِيْعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَبِيْعَانِّ	لِتُبَاعَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَبِعْنَانِّ	لِتُبَعْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُبِيْعَنَّ	لِأُبَعَنَّ	لِأُبِيْعَنْ	متکلم — متکلم وحده — أَنَا
۱۴	لِنُبِيْعَنَّ	لِنُبَعَنَّ	لِنُبِيْعَنْ	متکلم — متکلم مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

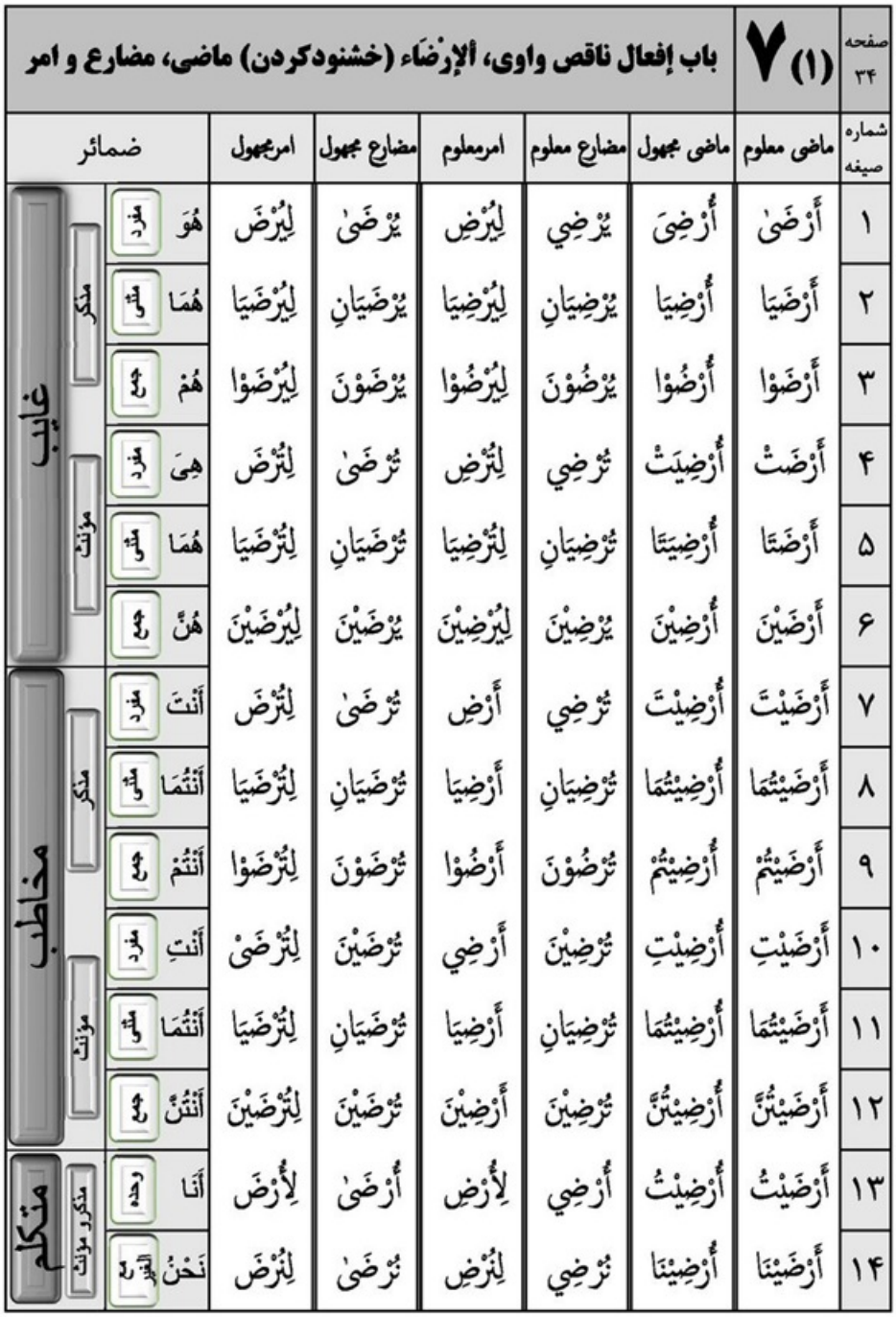

صفحه ۳۴	(۱) ۷ باب إفعال ناقص واوی، ألإرْضَاء (خشنودکردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَرْضَىٰ	أُرْضِيَ	يُرْضِي	لِيُرْضِ	يُرْضَىٰ	لِيُرْضَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَرْضَيَا	أُرْضِيَا	يُرْضِيَانِ	لِيُرْضِيَا	يُرْضَيَانِ	لِيُرْضَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَرْضَوْا	أُرْضُوْا	يُرْضُوْنَ	لِيُرْضُوْا	يُرْضَوْنَ	لِيُرْضَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَرْضَتْ	أُرْضِيَتْ	تُرْضِي	لِتُرْضِ	تُرْضَىٰ	لِتُرْضَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَرْضَتَا	أُرْضِيَتَا	تُرْضِيَانِ	لِتُرْضِيَا	تُرْضَيَانِ	لِتُرْضَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَرْضَيْنَ	أُرْضِيْنَ	يُرْضِيْنَ	لِيُرْضِيْنَ	يُرْضَيْنَ	لِيُرْضَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَرْضَيْتَ	أُرْضِيْتَ	تُرْضِي	أَرْضِ	تُرْضَىٰ	لِتُرْضَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَرْضَيْتُمَا	أُرْضِيْتُمَا	تُرْضِيَانِ	أَرْضِيَا	تُرْضَيَانِ	لِتُرْضَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَرْضَيْتُمْ	أُرْضِيْتُمْ	تُرْضُوْنَ	أَرْضُوْا	تُرْضَوْنَ	لِتُرْضَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَرْضَيْتِ	أُرْضِيْتِ	تُرْضِيْنَ	أَرْضِي	تُرْضَيْنَ	لِتُرْضَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَرْضَيْتُمَا	أُرْضِيْتُمَا	تُرْضِيَانِ	أَرْضِيَا	تُرْضَيَانِ	لِتُرْضَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَرْضَيْتُنَّ	أُرْضِيْتُنَّ	تُرْضِيْنَ	أَرْضِيْنَ	تُرْضَيْنَ	لِتُرْضَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَرْضَيْتُ	أُرْضِيْتُ	أُرْضِي	لِأُرْضِ	أُرْضَىٰ	لِأُرْضَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَرْضَيْنَا	أُرْضِيْنَا	نُرْضِي	لِنُرْضِ	نُرْضَىٰ	لِنُرْضَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۳۵	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما أَرْضَىٰ	لا يُرْضِي	اَنْ يُرْضِيَ	لا يُرْضِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما أَرْضَيَا	لا يُرْضِيَانِ	اَنْ يُرْضِيَا	لا يُرْضِيَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما أَرْضَوْا	لا يُرْضُوْنَ	اَنْ يُرْضُوْا	لا يُرْضُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما أَرْضَتْ	لا تُرْضِي	اَنْ تُرْضِيَ	لا تُرْضِ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما أَرْضَتَا	لا تُرْضِيَانِ	اَنْ تُرْضِيَا	لا تُرْضِيَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما أَرْضَيْنَ	لا يُرْضِيْنَ	اَنْ يُرْضِيْنَ	لا يُرْضِيْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما أَرْضَيْتَ	لا تُرْضِي	اَنْ تُرْضِيَ	لا تُرْضِ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما أَرْضَيْتُمَا	لا تُرْضِيَانِ	اَنْ تُرْضِيَا	لا تُرْضِيَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما أَرْضَيْتُمْ	لا تُرْضُوْنَ	اَنْ تُرْضُوْا	لا تُرْضُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما أَرْضَيْتِ	لا تُرْضِيْنَ	اَنْ تُرْضِيَ	لا تُرْضِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما أَرْضَيْتُمَا	لا تُرْضِيَانِ	اَنْ تُرْضِيَا	لا تُرْضِيَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما أَرْضَيْتُنَّ	لا تُرْضِيْنَ	اَنْ تُرْضِيْنَ	لا تُرْضِيْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما أَرْضَيْتُ	لا أُرْضِي	اَنْ أُرْضِيَ	لا أُرْضِ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما أَرْضَيْنَا	لا نُرْضِي	اَنْ نُرْضِيَ	لا نُرْضِ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۶	نون تأکید ۷ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُرْضِيَنَّ	لِيُرْضَيَنَّ	لِيُرْضِيَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيُرْضِيَانِّ	لِيُرْضَيَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيُرْضُنَّ	لِيُرْضَوُنَّ	لِيُرْضُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتُرْضِيَنَّ	لِتُرْضَيَنَّ	لِتُرْضِيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتُرْضِيَانِّ	لِتُرْضَيَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيُرْضِيْنَانِّ	لِيُرْضَيْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	أَرْضِيَنَّ	لِتُرْضَيَنَّ	أَرْضِيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	أَرْضِيَانِّ	لِتُرْضَيَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	أَرْضُنَّ	لِتُرْضَوُنَّ	أَرْضُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	أَرْضِنَّ	لِتُرْضَيِنَّ	أَرْضِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	أَرْضِيَانِّ	لِتُرْضَيَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	أَرْضِيْنَانِّ	لِتُرْضَيْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُرْضِيَنَّ	لِأُرْضَيَنَّ	لِأُرْضِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنُرْضِيَنَّ	لِنُرْضَيَنَّ	لِنُرْضِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

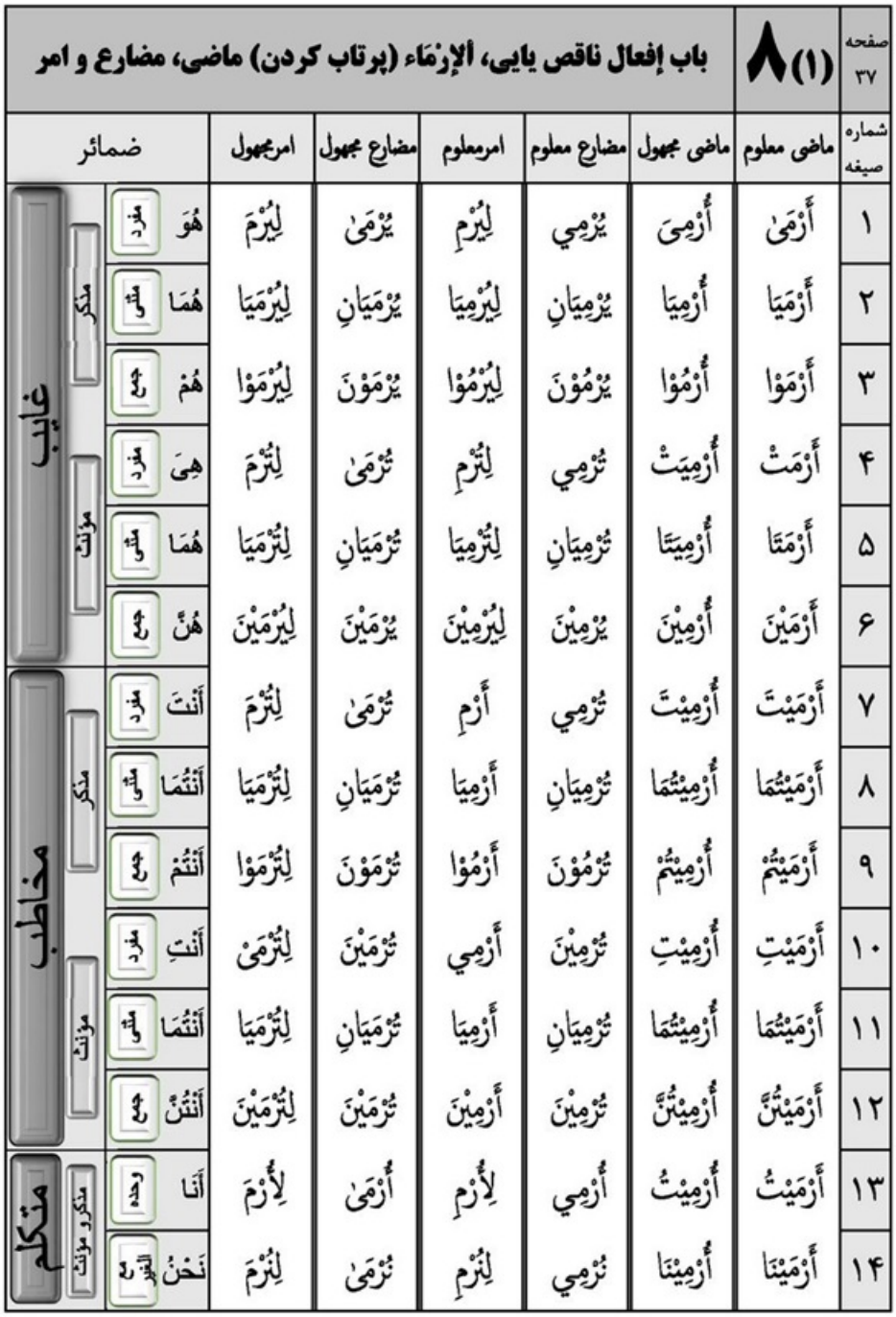

صفحه ۳۷	۸ (۱)	باب إفعال ناقص یایی، اَلإِرْمَاء (پرتاب کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَرْمَىٰ	أُرْمِيَ	يُرْمِي	لِيُرْمِ	يُرْمَىٰ	لِيُرْمَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَرْمَيَا	أُرْمِيَا	يُرْمِيَانِ	لِيُرْمِيَا	يُرْمَيَانِ	لِيُرْمَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَرْمَوْا	أُرْمُوْا	يُرْمُوْنَ	لِيُرْمُوْا	يُرْمَوْنَ	لِيُرْمَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَرْمَتْ	أُرْمِيَتْ	تُرْمِي	لِتُرْمِ	تُرْمَىٰ	لِتُرْمَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَرْمَتَا	أُرْمِيَتَا	تُرْمِيَانِ	لِتُرْمِيَا	تُرْمَيَانِ	لِتُرْمَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَرْمَيْنَ	أُرْمِيْنَ	يُرْمِيْنَ	لِيُرْمِيْنَ	يُرْمَيْنَ	لِيُرْمَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَرْمَيْتَ	أُرْمِيْتَ	تُرْمِي	أَرْمِ	تُرْمَىٰ	لِتُرْمَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَرْمَيْتُمَا	أُرْمِيْتُمَا	تُرْمِيَانِ	أَرْمِيَا	تُرْمَيَانِ	لِتُرْمَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَرْمَيْتُمْ	أُرْمِيْتُمْ	تُرْمُوْنَ	أَرْمُوْا	تُرْمَوْنَ	لِتُرْمَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَرْمَيْتِ	أُرْمِيْتِ	تُرْمِيْنَ	أَرْمِي	تُرْمَيْنَ	لِتُرْمَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَرْمَيْتُمَا	أُرْمِيْتُمَا	تُرْمِيَانِ	أَرْمِيَا	تُرْمَيَانِ	لِتُرْمَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَرْمَيْتُنَّ	أُرْمِيْتُنَّ	تُرْمِيْنَ	أَرْمِيْنَ	تُرْمَيْنَ	لِتُرْمَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَرْمَيْتُ	أُرْمِيْتُ	أُرْمِي	لِأُرْمِ	أُرْمَىٰ	لِأُرْمَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَرْمَيْنَا	أُرْمِيْنَا	نُرْمِي	لِنُرْمِ	نُرْمَىٰ	لِنُرْمَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۳۸	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما أَرْمَىٰ	لا يُرْمِي	اَنْ يُرْمِيَ	لا يُرْمِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما أَرْمَيَا	لا يُرْمِيَانِ	اَنْ يُرْمِيَا	لا يُرْمِيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما أَرْمَوْا	لا يُرْمُوْنَ	اَنْ يُرْمُوْا	لا يُرْمُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما أَرْمَتْ	لا تُرْمِي	اَنْ تُرْمِيَ	لا تُرْمِ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما أَرْمَتَا	لا تُرْمِيَانِ	اَنْ تُرْمِيَا	لا تُرْمِيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما أَرْمَيْنَ	لا يُرْمِيْنَ	اَنْ يُرْمِيْنَ	لا يُرْمِيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما أَرْمَيْتَ	لا تُرْمِي	اَنْ تُرْمِيَ	لا تُرْمِ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما أَرْمَيْتُمَا	لا تُرْمِيَانِ	اَنْ تُرْمِيَا	لا تُرْمِيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما أَرْمَيْتُمْ	لا تُرْمُوْنَ	اَنْ تُرْمُوْا	لا تُرْمُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما أَرْمَيْتِ	لا تُرْمِيْنَ	اَنْ تُرْمِي	لا تُرْمِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما أَرْمَيْتُمَا	لا تُرْمِيَانِ	اَنْ تُرْمِيَا	لا تُرْمِيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما أَرْمَيْتُنَّ	لا تُرْمِيْنَ	اَنْ تُرْمِيْنَ	لا تُرْمِيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما أَرْمَيْتُ	لا أُرْمِي	اَنْ أُرْمِيَ	لا أُرْمِ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	ما أَرْمَيْنَا	لا نُرْمِي	اَنْ نُرْمِيَ	لا نُرْمِ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

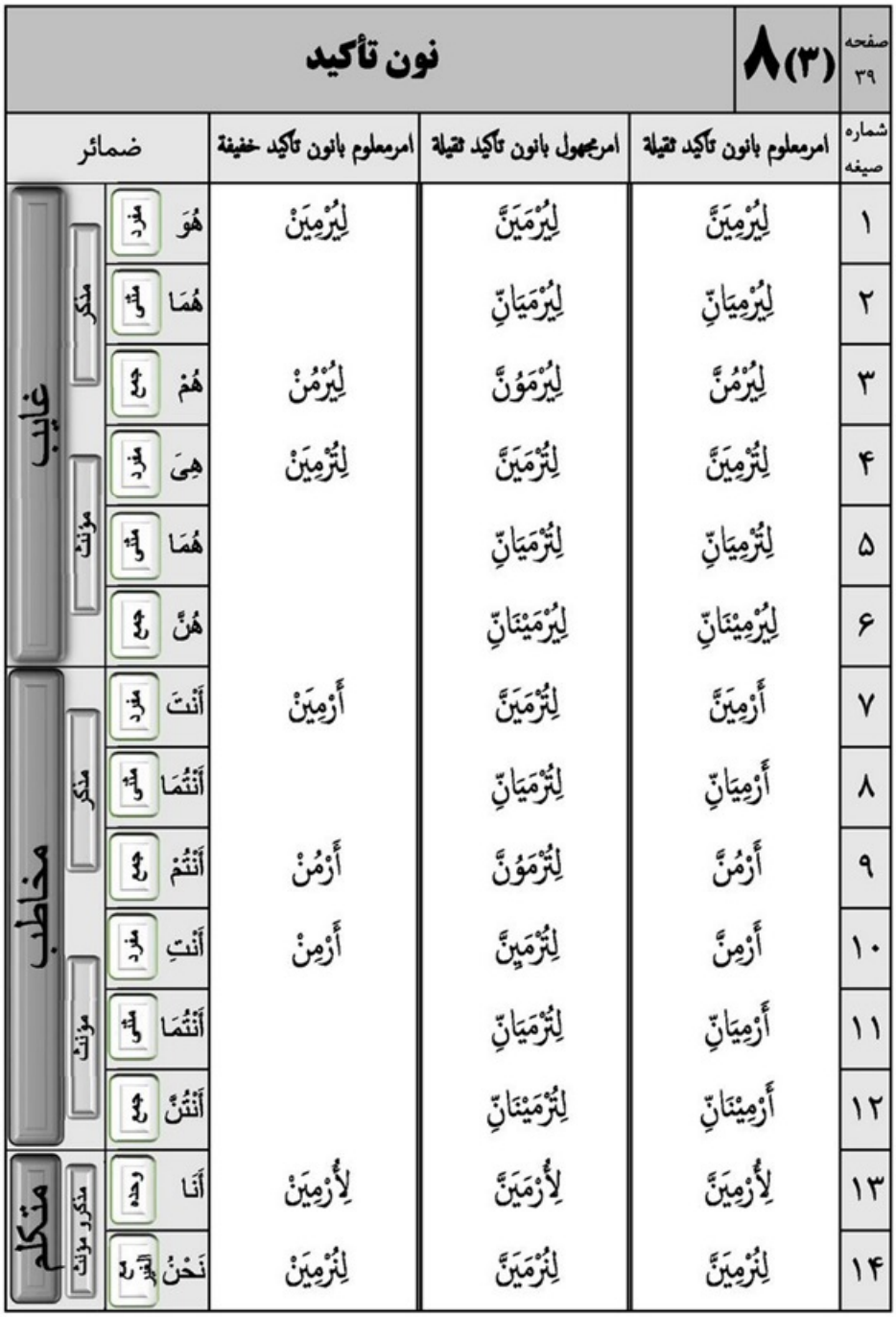

صفحه ۳۹	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُرْمِيَنَّ	لِيُرْمَيَنَّ	لِيُرْمِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُرْمِيَانِّ	لِيُرْمَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُرْمُنَّ	لِيُرْمَوُنَّ	لِيُرْمُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُرْمِيَنَّ	لِتُرْمَيَنَّ	لِتُرْمِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُرْمِيَانِّ	لِتُرْمَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُرْمِيْنَانِّ	لِيُرْمَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَرْمِيَنَّ	لِتُرْمَيَنَّ	أَرْمِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَرْمِيَانِّ	لِتُرْمَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَرْمُنَّ	لِتُرْمَوُنَّ	أَرْمُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَرْمِنَّ	لِتُرْمَيِنَّ	أَرْمِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَرْمِيَانِّ	لِتُرْمَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَرْمِيْنَانِّ	لِتُرْمَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُرْمِيَنَّ	لِأُرْمَيَنَّ	لِأُرْمِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُرْمِيَنَّ	لِنُرْمَيَنَّ	لِنُرْمِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

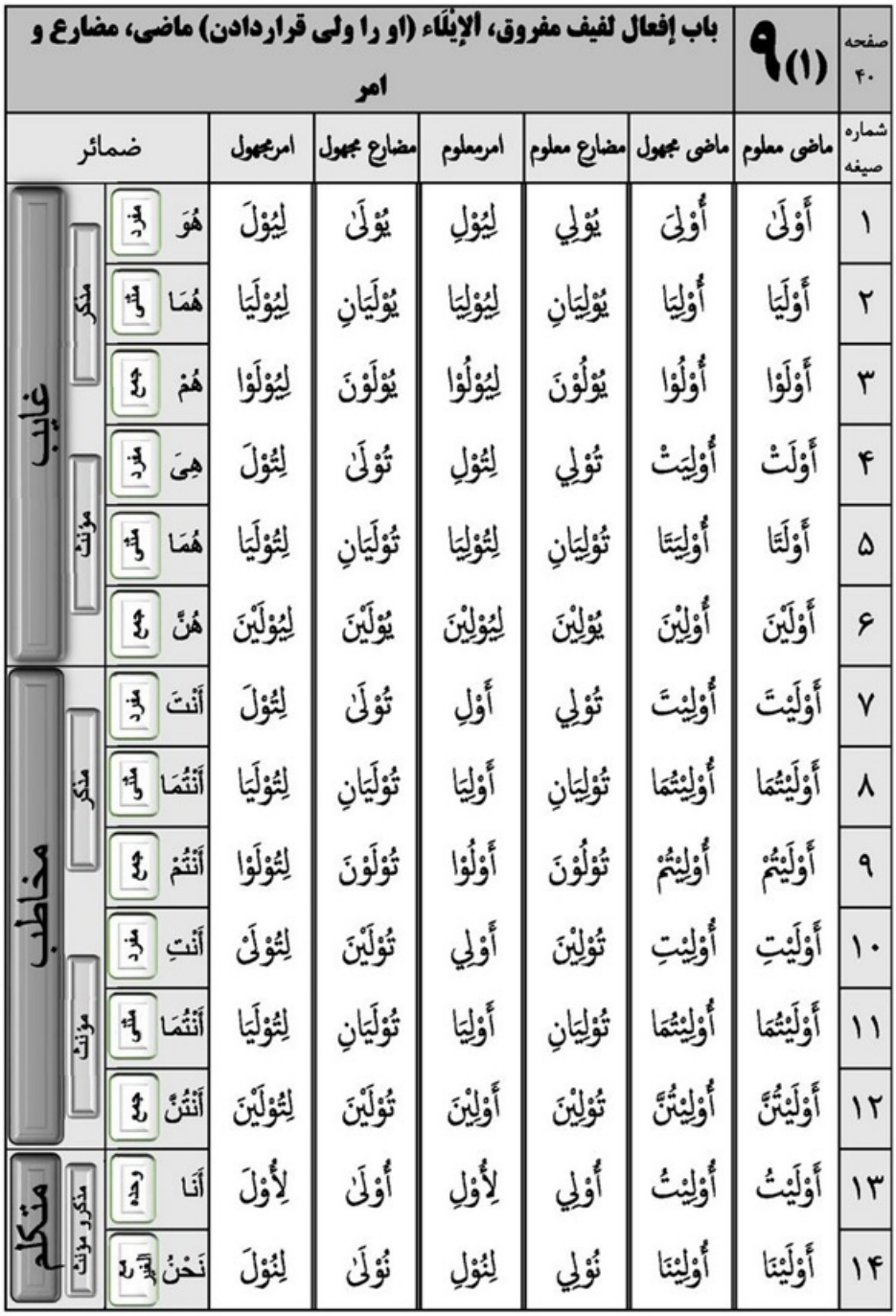

صفحه ۴۰	۹(۱) باب إفعال لفیف مفروق، الإیْلَاء (او را ولی قراردادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَوْلَىٰ	أُوْلِيَ	يُوْلِي	لِيُوْلِ	يُوْلَىٰ	لِيُوْلَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَوْلَيَا	أُوْلِيَا	يُوْلِيَانِ	لِيُوْلِيَا	يُوْلَيَانِ	لِيُوْلَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَوْلَوْا	أُوْلُوْا	يُوْلُوْنَ	لِيُوْلُوْا	يُوْلَوْنَ	لِيُوْلَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَوْلَتْ	أُوْلِيَتْ	تُوْلِي	لِتُوْلِ	تُوْلَىٰ	لِتُوْلَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَوْلَتَا	أُوْلِيَتَا	تُوْلِيَانِ	لِتُوْلِيَا	تُوْلَيَانِ	لِتُوْلَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَوْلَيْنَ	أُوْلِيْنَ	يُوْلِيْنَ	لِيُوْلِيْنَ	يُوْلَيْنَ	لِيُوْلَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَوْلَيْتَ	أُوْلِيْتَ	تُوْلِي	أَوْلِ	تُوْلَىٰ	لِتُوْلَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَوْلَيْتُمَا	أُوْلِيْتُمَا	تُوْلِيَانِ	أَوْلِيَا	تُوْلَيَانِ	لِتُوْلَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَوْلَيْتُمْ	أُوْلِيْتُمْ	تُوْلُوْنَ	أَوْلُوْا	تُوْلَوْنَ	لِتُوْلَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَوْلَيْتِ	أُوْلِيْتِ	تُوْلِيْنَ	أَوْلِي	تُوْلَيْنَ	لِتُوْلَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَوْلَيْتُمَا	أُوْلِيْتُمَا	تُوْلِيَانِ	أَوْلِيَا	تُوْلَيَانِ	لِتُوْلَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَوْلَيْتُنَّ	أُوْلِيْتُنَّ	تُوْلِيْنَ	أَوْلِيْنَ	تُوْلَيْنَ	لِتُوْلَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَوْلَيْتُ	أُوْلِيْتُ	أُوْلِي	لِأُوْلِ	أُوْلَىٰ	لِأُوْلَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَوْلَيْنَا	أُوْلِيْنَا	نُوْلِي	لِنُوْلِ	نُوْلَىٰ	لِنُوْلَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

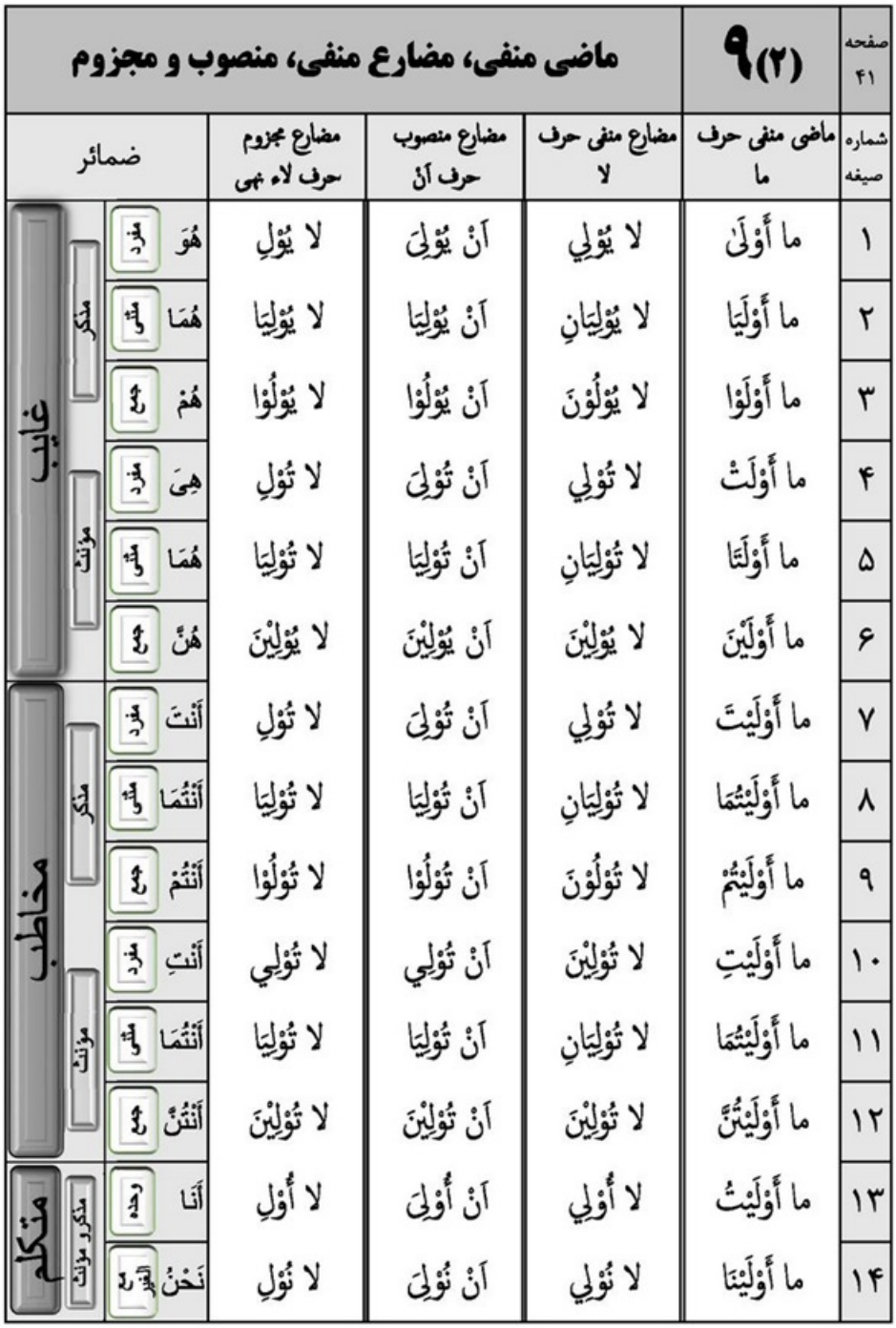

صفحه ۴۱	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما أَوْلَى	لا يُوْلِي	اَنْ يُوْلِيَ	لا يُوْلِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما أَوْلَيَا	لا يُوْلِيَانِ	اَنْ يُوْلِيَا	لا يُوْلِيَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما أَوْلَوْا	لا يُوْلُوْنَ	اَنْ يُوْلُوْا	لا يُوْلُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما أَوْلَتْ	لا تُوْلِي	اَنْ تُوْلِيَ	لا تُوْلِ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما أَوْلَتَا	لا تُوْلِيَانِ	اَنْ تُوْلِيَا	لا تُوْلِيَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما أَوْلَيْنَ	لا يُوْلِيْنَ	اَنْ يُوْلِيْنَ	لا يُوْلِيْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما أَوْلَيْتَ	لا تُوْلِي	اَنْ تُوْلِيَ	لا تُوْلِ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	ما أَوْلَيْتُمَا	لا تُوْلِيَانِ	اَنْ تُوْلِيَا	لا تُوْلِيَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	ما أَوْلَيْتُمْ	لا تُوْلُوْنَ	اَنْ تُوْلُوْا	لا تُوْلُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	ما أَوْلَيْتِ	لا تُوْلِيْنَ	اَنْ تُوْلِي	لا تُوْلِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	ما أَوْلَيْتُمَا	لا تُوْلِيَانِ	اَنْ تُوْلِيَا	لا تُوْلِيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	ما أَوْلَيْتُنَّ	لا تُوْلِيْنَ	اَنْ تُوْلِيْنَ	لا تُوْلِيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	ما أَوْلَيْتُ	لا أُوْلِي	اَنْ أُوْلِيَ	لا أُوْلِ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد / أَنَا
۱۴	ما أَوْلَيْنَا	لا نُوْلِي	اَنْ نُوْلِيَ	لا نُوْلِ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۴۲	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُوْلِيَنَّ	لِيُوْلَيَنَّ	لِيُوْلِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُوْلِيَانِّ	لِيُوْلَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُوْلُنَّ	لِيُوْلَوُنَّ	لِيُوْلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُوْلِيَنَّ	لِتُوْلَيَنَّ	لِتُوْلِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُوْلِيَانِّ	لِتُوْلَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُوْلِيْنَانِّ	لِيُوْلَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَوْلِيَنَّ	لِتُوْلَيَنَّ	أَوْلِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَوْلِيَانِّ	لِتُوْلَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَوْلُنَّ	لِتُوْلَوُنَّ	أَوْلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَوْلِيْنَّ	لِتُوْلَيِنَّ	أَوْلِيْنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَوْلِيَانِّ	لِتُوْلَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَوْلِيْنَانِّ	لِتُوْلَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُوْلِيَنَّ	لِأُوْلَيَنَّ	لِأُوْلِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُوْلِيَنَّ	لِنُوْلَيَنَّ	لِنُوْلِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

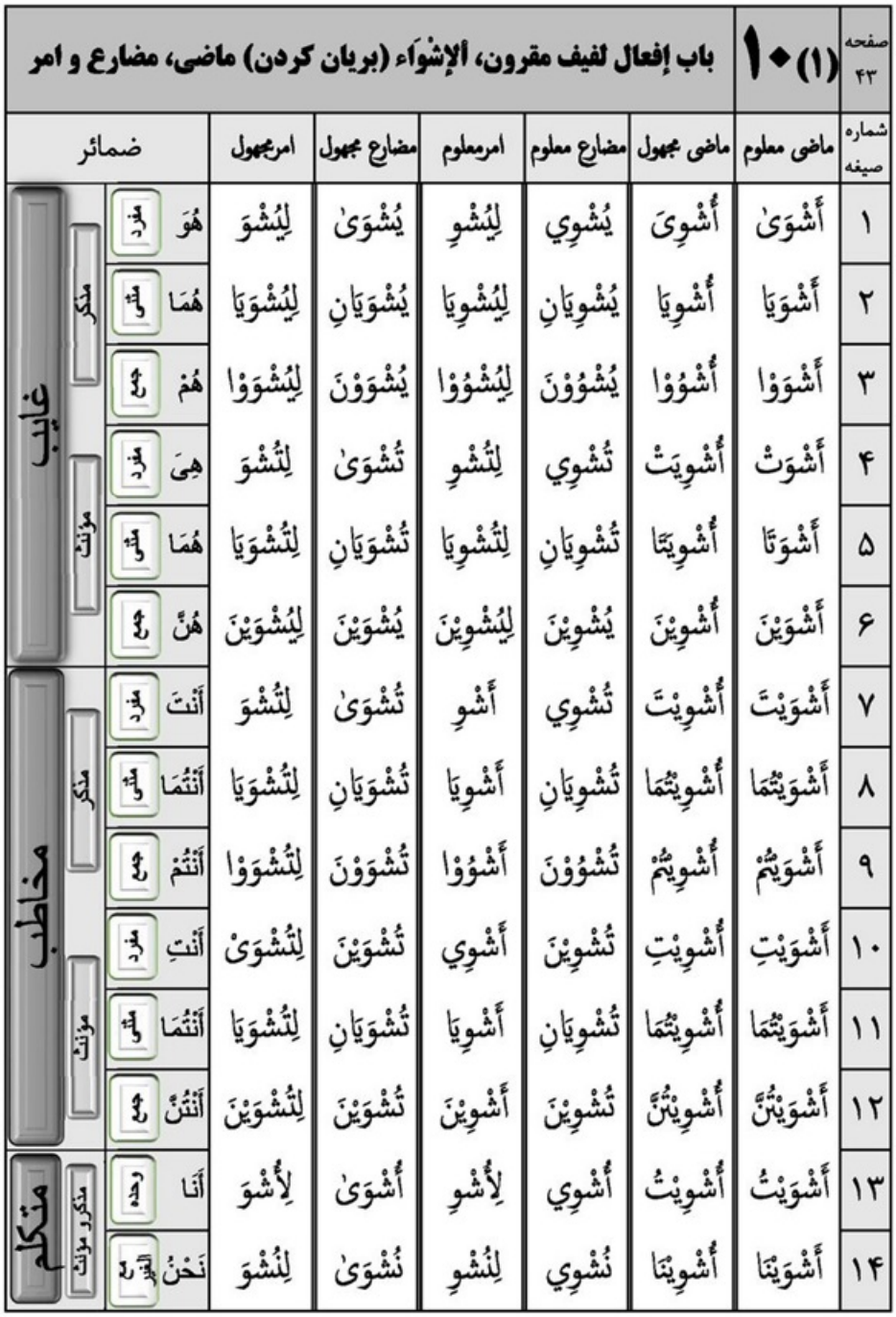

صفحه ۴۳	(۱) ۱۰ باب إفعال لفيف مقرون، ألإشْوَاء (بریان کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَشْوَىٰ	أُشْوِىَ	يُشْوِي	لِيُشْوِ	يُشْوَىٰ	لِيُشْوَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَشْوَيَا	أُشْوِيَا	يُشْوِيَانِ	لِيُشْوِيَا	يُشْوَيَانِ	لِيُشْوَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَشْوَوْا	أُشْوُوْا	يُشْوُوْنَ	لِيُشْوُوْا	يُشْوَوْنَ	لِيُشْوَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَشْوَتْ	أُشْوِيَتْ	تُشْوِي	لِتُشْوِ	تُشْوَىٰ	لِتُشْوَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَشْوَتَا	أُشْوِيَتَا	تُشْوِيَانِ	لِتُشْوِيَا	تُشْوَيَانِ	لِتُشْوَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَشْوَيْنَ	أُشْوِيْنَ	يُشْوِيْنَ	لِيُشْوِيْنَ	يُشْوَيْنَ	لِيُشْوَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَشْوَيْتَ	أُشْوِيْتَ	تُشْوِي	أَشْوِ	تُشْوَىٰ	لِتُشْوَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَشْوَيْتُمَا	أُشْوِيْتُمَا	تُشْوِيَانِ	أَشْوِيَا	تُشْوَيَانِ	لِتُشْوَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَشْوَيْتُمْ	أُشْوِيْتُمْ	تُشْوُوْنَ	أَشْوُوْا	تُشْوَوْنَ	لِتُشْوَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَشْوَيْتِ	أُشْوِيْتِ	تُشْوِيْنَ	أَشْوِي	تُشْوَيْنَ	لِتُشْوَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَشْوَيْتُمَا	أُشْوِيْتُمَا	تُشْوِيَانِ	أَشْوِيَا	تُشْوَيَانِ	لِتُشْوَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَشْوَيْتُنَّ	أُشْوِيْتُنَّ	تُشْوِيْنَ	أَشْوِيْنَ	تُشْوَيْنَ	لِتُشْوَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَشْوَيْتُ	أُشْوِيْتُ	أُشْوِي	لِأُشْوِ	أُشْوَىٰ	لِأُشْوَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَشْوَيْنَا	أُشْوِيْنَا	نُشْوِي	لِنُشْوِ	نُشْوَىٰ	لِنُشْوَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۴۴	۱۰ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما أَشْوَىٰ	لا يُشْوِي	اَنْ يُشْوِيَ	لا يُشْوِ	غایب	هُوَ (مفرد)
۲	ما أَشْوَيَا	لا يُشْوِيَانِ	اَنْ يُشْوِيَا	لا يُشْوِيَا		هُمَا (مثنی) مذکر
۳	ما أَشْوَوْا	لا يُشْوُوْنَ	اَنْ يُشْوُوْا	لا يُشْوُوْا		هُمْ (جمع)
۴	ما أَشْوَتْ	لا تُشْوِي	اَنْ تُشْوِيَ	لا تُشْوِ		هِيَ (مفرد)
۵	ما أَشْوَتَا	لا تُشْوِيَانِ	اَنْ تُشْوِيَا	لا تُشْوِيَا		هُمَا (مثنی) مؤنث
۶	ما أَشْوَيْنَ	لا يُشْوِيْنَ	اَنْ يُشْوِيْنَ	لا يُشْوِيْنَ		هُنَّ (جمع)
۷	ما أَشْوَيْتَ	لا تُشْوِي	اَنْ تُشْوِيَ	لا تُشْوِ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد)
۸	ما أَشْوَيْتُمَا	لا تُشْوِيَانِ	اَنْ تُشْوِيَا	لا تُشْوِيَا		أَنْتُمَا (مثنی) مذکر
۹	ما أَشْوَيْتُمْ	لا تُشْوُوْنَ	اَنْ تُشْوُوْا	لا تُشْوُوْا		أَنْتُمْ (جمع)
۱۰	ما أَشْوَيْتِ	لا تُشْوِيْنَ	اَنْ تُشْوِيَ	لا تُشْوِي		أَنْتِ (مفرد)
۱۱	ما أَشْوَيْتُمَا	لا تُشْوِيَانِ	اَنْ تُشْوِيَا	لا تُشْوِيَا		أَنْتُمَا (مثنی) مؤنث
۱۲	ما أَشْوَيْتُنَّ	لا تُشْوِيْنَ	اَنْ تُشْوِيْنَ	لا تُشْوِيْنَ		أَنْتُنَّ (جمع)
۱۳	ما أَشْوَيْتُ	لا أُشْوِي	اَنْ أُشْوِيَ	لا أُشْوِ	متکلم	أَنَا (وحده) مذکر و مؤنث
۱۴	ما أَشْوَيْنَا	لا نُشْوِي	اَنْ نُشْوِيَ	لا نُشْوِ		نَحْنُ (مع الغیر)

تصویر



صفحه ۴۵	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُشْوِيَنَّ	لِيُشْوَيَنَّ	لِيُشْوِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُشْوِيَانِّ	لِيُشْوَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُشْوُنَّ	لِيُشْوَوُنَّ	لِيُشْوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُشْوِيَنَّ	لِتُشْوَيَنَّ	لِتُشْوِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُشْوِيَانِّ	لِتُشْوَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُشْوِيْنَانِّ	لِيُشْوَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَشْوِيَنَّ	لِتُشْوَيَنَّ	أَشْوِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَشْوِيَانِّ	لِتُشْوَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَشْوُنَّ	لِتُشْوَوُنَّ	أَشْوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَشْوِنَّ	لِتُشْوَيِنَّ	أَشْوِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَشْوِيَانِّ	لِتُشْوَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَشْوِيْنَانِّ	لِتُشْوَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُشْوِيَنَّ	لِأُشْوَيَنَّ	لِأُشْوِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُشْوِيَنَّ	لِنُشْوَيَنَّ	لِنُشْوِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

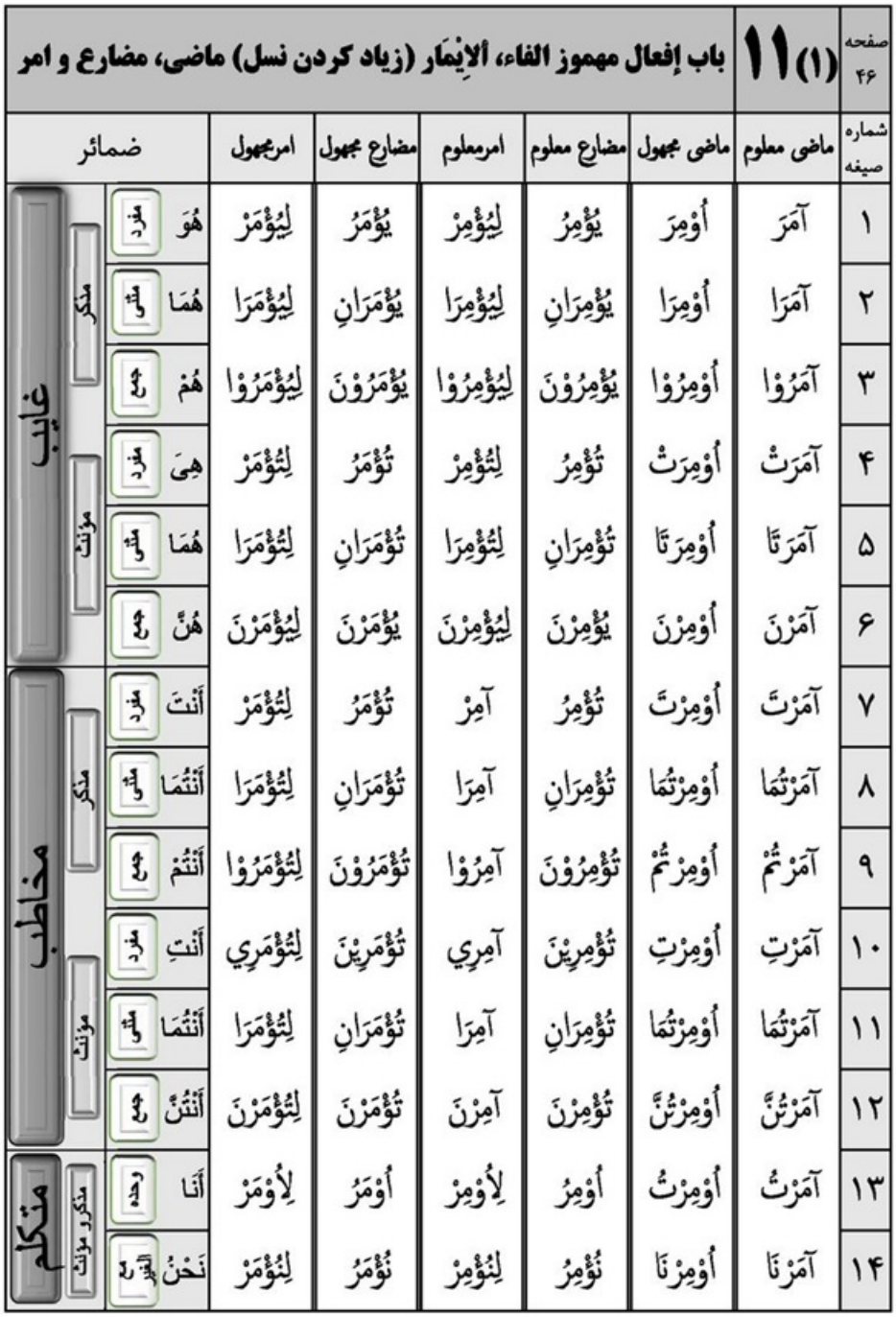

صفحه ۴۶	۱۱ (۱) باب إفعال مهموز الفاء، ألإيْمَار (زياد كردن نسل) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	آمَرَ	أُوْمِرَ	يُؤْمِرُ	لِيُؤْمِرْ	يُؤْمَرُ	لِيُؤْمَرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	آمَرَا	أُوْمِرَا	يُؤْمِرَانِ	لِيُؤْمِرَا	يُؤْمَرَانِ	لِيُؤْمَرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	آمَرُوْا	أُوْمِرُوْا	يُؤْمِرُوْنَ	لِيُؤْمِرُوْا	يُؤْمَرُوْنَ	لِيُؤْمَرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	آمَرَتْ	أُوْمِرَتْ	تُؤْمِرُ	لِتُؤْمِرْ	تُؤْمَرُ	لِتُؤْمَرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	آمَرَتَا	أُوْمِرَتَا	تُؤْمِرَانِ	لِتُؤْمِرَا	تُؤْمَرَانِ	لِتُؤْمَرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	آمَرْنَ	أُوْمِرْنَ	يُؤْمِرْنَ	لِيُؤْمِرْنَ	يُؤْمَرْنَ	لِيُؤْمَرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	آمَرْتَ	أُوْمِرْتَ	تُؤْمِرُ	آمِرْ	تُؤْمَرُ	لِتُؤْمَرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	آمَرْتُمَا	أُوْمِرْتُمَا	تُؤْمِرَانِ	آمِرَا	تُؤْمَرَانِ	لِتُؤْمَرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	آمَرْتُمْ	أُوْمِرْتُمْ	تُؤْمِرُوْنَ	آمِرُوْا	تُؤْمَرُوْنَ	لِتُؤْمَرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	آمَرْتِ	أُوْمِرْتِ	تُؤْمِرِيْنَ	آمِرِي	تُؤْمَرِيْنَ	لِتُؤْمَرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	آمَرْتُمَا	أُوْمِرْتُمَا	تُؤْمِرَانِ	آمِرَا	تُؤْمَرَانِ	لِتُؤْمَرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	آمَرْتُنَّ	أُوْمِرْتُنَّ	تُؤْمِرْنَ	آمِرْنَ	تُؤْمَرْنَ	لِتُؤْمَرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	آمَرْتُ	أُوْمِرْتُ	أُوْمِرُ	لِأُوْمِرْ	أُوْمَرُ	لِأُوْمَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	آمَرْنَا	أُوْمِرْنَا	نُؤْمِرُ	لِنُؤْمِرْ	نُؤْمَرُ	لِنُؤْمَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۴۷	۱۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما آمَرَ	لا یُؤْمِرُ	اَنْ یُؤْمِرَ	لا یُؤْمِرْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما آمَرَا	لا یُؤْمِرَانِ	اَنْ یُؤْمِرَا	لا یُؤْمِرَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما آمَرُوْا	لا یُؤْمِرُوْنَ	اَنْ یُؤْمِرُوْا	لا یُؤْمِرُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما آمَرَتْ	لا تُؤْمِرُ	اَنْ تُؤْمِرَ	لا تُؤْمِرْ		هِیَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما آمَرَتَا	لا تُؤْمِرَانِ	اَنْ تُؤْمِرَا	لا تُؤْمِرَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما آمَرْنَ	لا یُؤْمِرْنَ	اَنْ یُؤْمِرْنَ	لا یُؤْمِرْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما آمَرْتَ	لا تُؤْمِرُ	اَنْ تُؤْمِرَ	لا تُؤْمِرْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما آمَرْتُمَا	لا تُؤْمِرَانِ	اَنْ تُؤْمِرَا	لا تُؤْمِرَا		اَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما آمَرْتُمْ	لا تُؤْمِرُوْنَ	اَنْ تُؤْمِرُوْا	لا تُؤْمِرُوْا		اَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما آمَرْتِ	لا تُؤْمِرِیْنَ	اَنْ تُؤْمِرِي	لا تُؤْمِرِي		اَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما آمَرْتُمَا	لا تُؤْمِرَانِ	اَنْ تُؤْمِرَا	لا تُؤْمِرَا		اَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما آمَرْتُنَّ	لا تُؤْمِرْنَ	اَنْ تُؤْمِرْنَ	لا تُؤْمِرْنَ		اَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما آمَرْتُ	لا اُؤْمِرُ	اَنْ اُؤْمِرَ	لا اُؤْمِرْ	متکلم	اَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما آمَرْنَا	لا نُؤْمِرُ	اَنْ نُؤْمِرَ	لا نُؤْمِرْ		نَحْنُ (غیر وحده)

تصویر



صفحه ۴۸	نون تأکید ۱۱(۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُؤْمِرَنَّ	لِيُؤْمَرَنَّ	لِيُؤْمِرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُؤْمِرَانِّ	لِيُؤْمَرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُؤْمِرُنَّ	لِيُؤْمَرُنَّ	لِيُؤْمِرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُؤْمِرَنَّ	لِتُؤْمَرَنَّ	لِتُؤْمِرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُؤْمِرَانِّ	لِتُؤْمَرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُؤْمِرْنَانِّ	لِيُؤْمَرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	آمِرَنَّ	لِتُؤْمَرَنَّ	آمِرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	آمِرَانِّ	لِتُؤْمَرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	آمِرُنَّ	لِتُؤْمَرُنَّ	آمِرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	آمِرِنَّ	لِتُؤْمَرِنَّ	آمِرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	آمِرَانِّ	لِتُؤْمَرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	آمِرْنَانِّ	لِتُؤْمَرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُوْمِرَنَّ	لِأُوْمَرَنَّ	لِأُوْمِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُؤْمِرَنَّ	لِنُؤْمَرَنَّ	لِنُؤْمِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

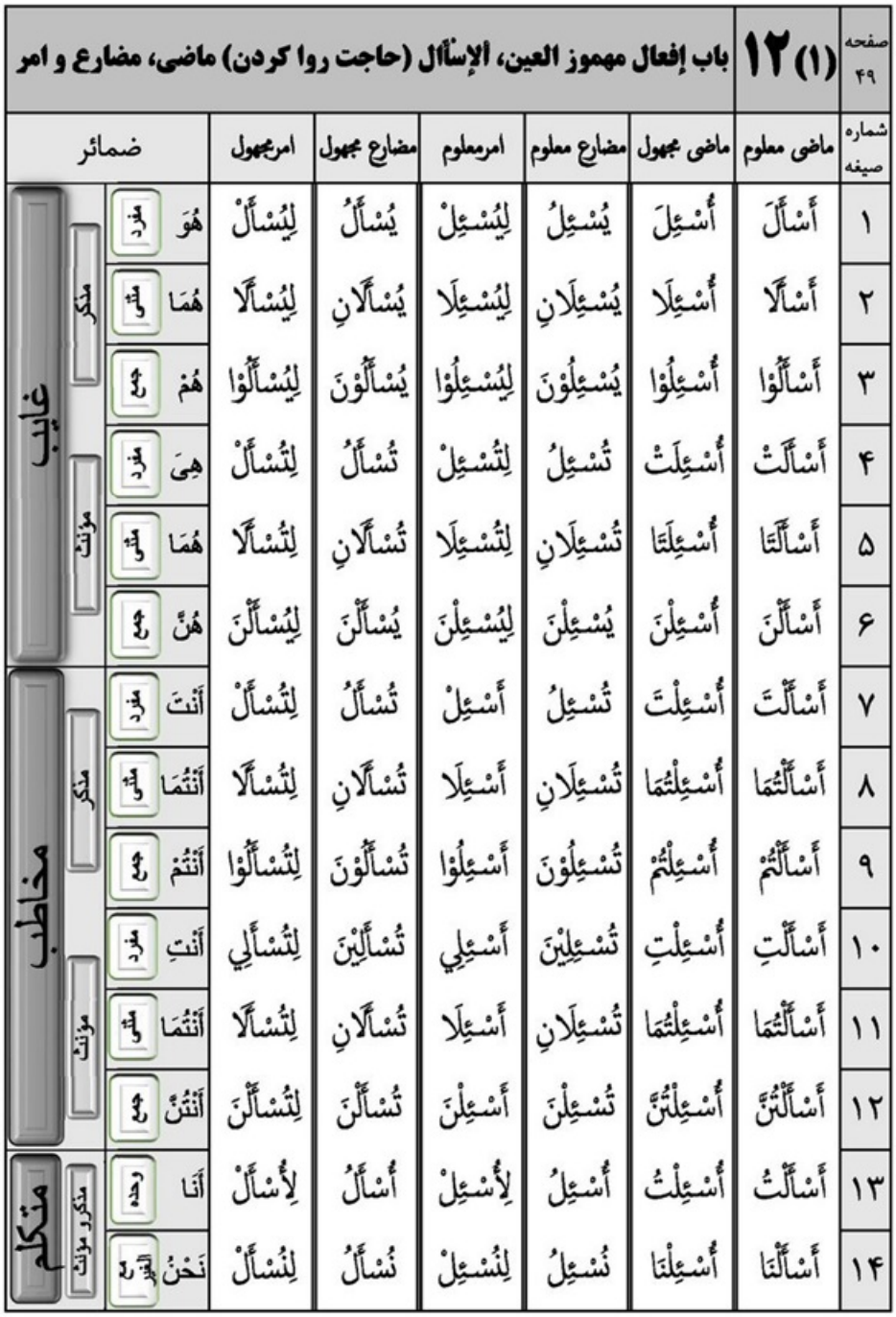

صفحه ۴۹	(۱) ۱۲ باب إفعال مهموز العين، الإسْأال (حاجت روا کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَسْأَلَ	أُسْئِلَ	يُسْئِلُ	لِيُسْئِلْ	يُسْأَلُ	لِيُسْأَلْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَسْأَلَا	أُسْئِلَا	يُسْئِلَانِ	لِيُسْئِلَا	يُسْأَلَانِ	لِيُسْأَلَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَسْأَلُوْا	أُسْئِلُوْا	يُسْئِلُوْنَ	لِيُسْئِلُوْا	يُسْأَلُوْنَ	لِيُسْأَلُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَسْأَلَتْ	أُسْئِلَتْ	تُسْئِلُ	لِتُسْئِلْ	تُسْأَلُ	لِتُسْأَلْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَسْأَلَتَا	أُسْئِلَتَا	تُسْئِلَانِ	لِتُسْئِلَا	تُسْأَلَانِ	لِتُسْأَلَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَسْأَلْنَ	أُسْئِلْنَ	يُسْئِلْنَ	لِيُسْئِلْنَ	يُسْأَلْنَ	لِيُسْأَلْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَسْأَلْتَ	أُسْئِلْتَ	تُسْئِلُ	أَسْئِلْ	تُسْأَلُ	لِتُسْأَلْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَسْأَلْتُمَا	أُسْئِلْتُمَا	تُسْئِلَانِ	أَسْئِلَا	تُسْأَلَانِ	لِتُسْأَلَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَسْأَلْتُمْ	أُسْئِلْتُمْ	تُسْئِلُوْنَ	أَسْئِلُوْا	تُسْأَلُوْنَ	لِتُسْأَلُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَسْأَلْتِ	أُسْئِلْتِ	تُسْئِلِيْنَ	أَسْئِلِي	تُسْأَلِيْنَ	لِتُسْأَلِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَسْأَلْتُمَا	أُسْئِلْتُمَا	تُسْئِلَانِ	أَسْئِلَا	تُسْأَلَانِ	لِتُسْأَلَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَسْأَلْتُنَّ	أُسْئِلْتُنَّ	تُسْئِلْنَ	أَسْئِلْنَ	تُسْأَلْنَ	لِتُسْأَلْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَسْأَلْتُ	أُسْئِلْتُ	أُسْئِلُ	لِأُسْئِلْ	أُسْأَلُ	لِأُسْأَلْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَسْأَلْنَا	أُسْئِلْنَا	نُسْئِلُ	لِنُسْئِلْ	نُسْأَلُ	لِنُسْأَلْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

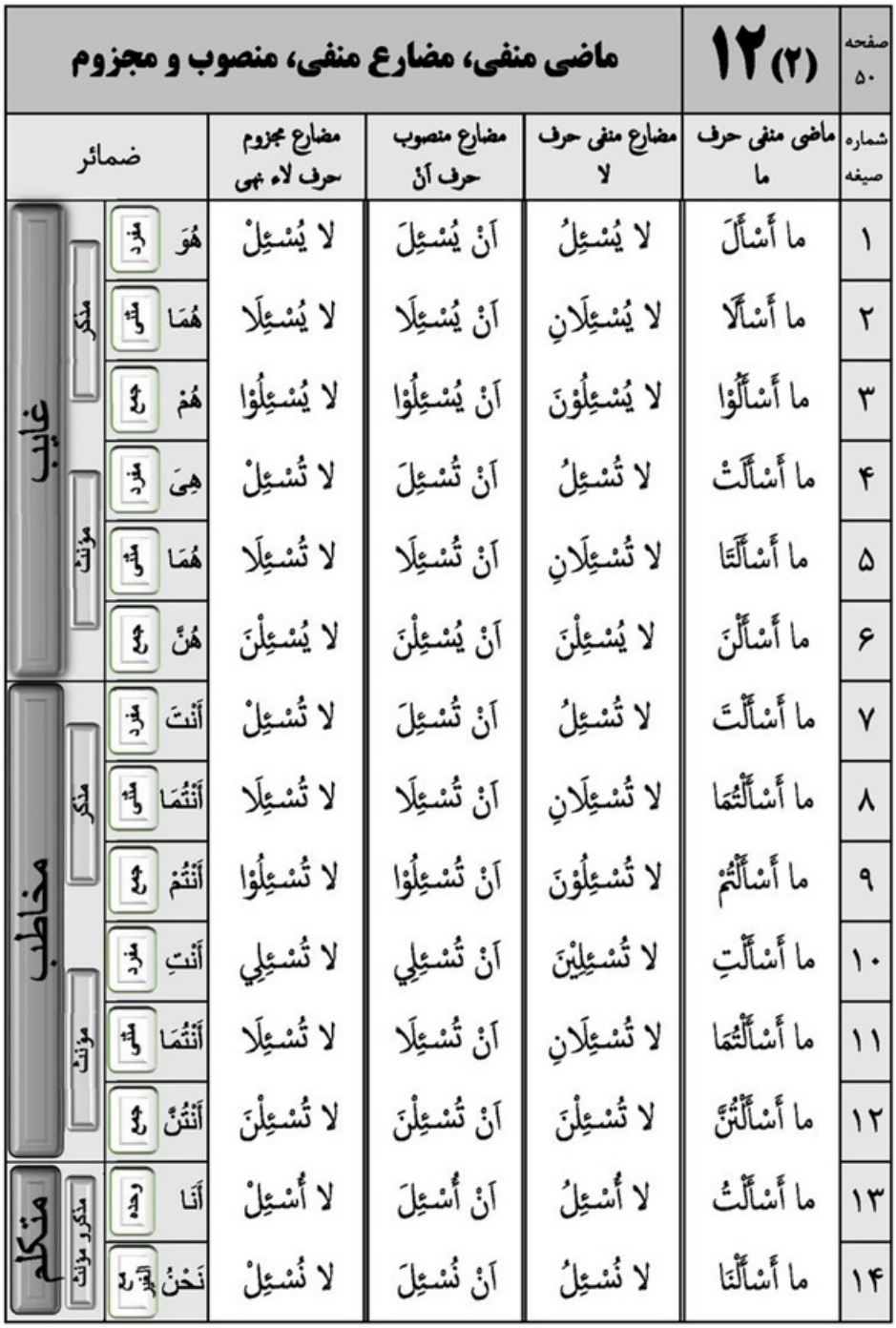

صفحه ۵۰	۱۲ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما أَسْأَلَ	لا يُسْئِلُ	اَنْ يُسْئِلَ	لا يُسْئِلْ	هُوَ	مفرد	مذکر	غایب
۲	ما أَسْأَلَا	لا يُسْئِلَانِ	اَنْ يُسْئِلَا	لا يُسْئِلَا	هُمَا	مثنی		
۳	ما أَسْأَلُوْا	لا يُسْئِلُوْنَ	اَنْ يُسْئِلُوْا	لا يُسْئِلُوْا	هُمْ	جمع		
۴	ما أَسْأَلَتْ	لا تُسْئِلُ	اَنْ تُسْئِلَ	لا تُسْئِلْ	هِيَ	مفرد	مؤنث	
۵	ما أَسْأَلَتَا	لا تُسْئِلَانِ	اَنْ تُسْئِلَا	لا تُسْئِلَا	هُمَا	مثنی		
۶	ما أَسْأَلْنَ	لا يُسْئِلْنَ	اَنْ يُسْئِلْنَ	لا يُسْئِلْنَ	هُنَّ	جمع		
۷	ما أَسْأَلْتَ	لا تُسْئِلُ	اَنْ تُسْئِلَ	لا تُسْئِلْ	أَنْتَ	مفرد	مذکر	مخاطب
۸	ما أَسْأَلْتُمَا	لا تُسْئِلَانِ	اَنْ تُسْئِلَا	لا تُسْئِلَا	أَنْتُمَا	مثنی		
۹	ما أَسْأَلْتُمْ	لا تُسْئِلُوْنَ	اَنْ تُسْئِلُوْا	لا تُسْئِلُوْا	أَنْتُمْ	جمع		
۱۰	ما أَسْأَلْتِ	لا تُسْئِلِيْنَ	اَنْ تُسْئِلِي	لا تُسْئِلِي	أَنْتِ	مفرد	مؤنث	
۱۱	ما أَسْأَلْتُمَا	لا تُسْئِلَانِ	اَنْ تُسْئِلَا	لا تُسْئِلَا	أَنْتُمَا	مثنی		
۱۲	ما أَسْأَلْتُنَّ	لا تُسْئِلْنَ	اَنْ تُسْئِلْنَ	لا تُسْئِلْنَ	أَنْتُنَّ	جمع		
۱۳	ما أَسْأَلْتُ	لا أُسْئِلُ	اَنْ أُسْئِلَ	لا أُسْئِلْ	أَنَا	وحده	مذکر و مؤنث	متکلم
۱۴	ما أَسْأَلْنَا	لا نُسْئِلُ	اَنْ نُسْئِلَ	لا نُسْئِلْ	نَحْنُ	غیر وحده		

تصویر



صفحه ۵۱	۱۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُسْـئِلَنَّ	لِيُسْأَلَنَّ	لِيُسْـئِلَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُسْـئِلَانِّ	لِيُسْأَلَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُسْـئِلُنَّ	لِيُسْأَلُنَّ	لِيُسْـئِلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُسْـئِلَنَّ	لِتُسْأَلَنَّ	لِتُسْـئِلَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُسْـئِلَانِّ	لِتُسْأَلَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُسْـئِلْنَانِّ	لِيُسْأَلْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَسْـئِلَنَّ	لِتُسْأَلَنَّ	أَسْـئِلَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَسْـئِلَانِّ	لِتُسْأَلَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَسْـئِلُنَّ	لِتُسْأَلُنَّ	أَسْـئِلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَسْـئِلِنَّ	لِتُسْأَلِنَّ	أَسْـئِلِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَسْـئِلَانِّ	لِتُسْأَلَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَسْـئِلْنَانِّ	لِتُسْأَلْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُسْـئِلَنَّ	لِأُسْأَلَنَّ	لِأُسْـئِلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُسْـئِلَنَّ	لِنُسْأَلَنَّ	لِنُسْـئِلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

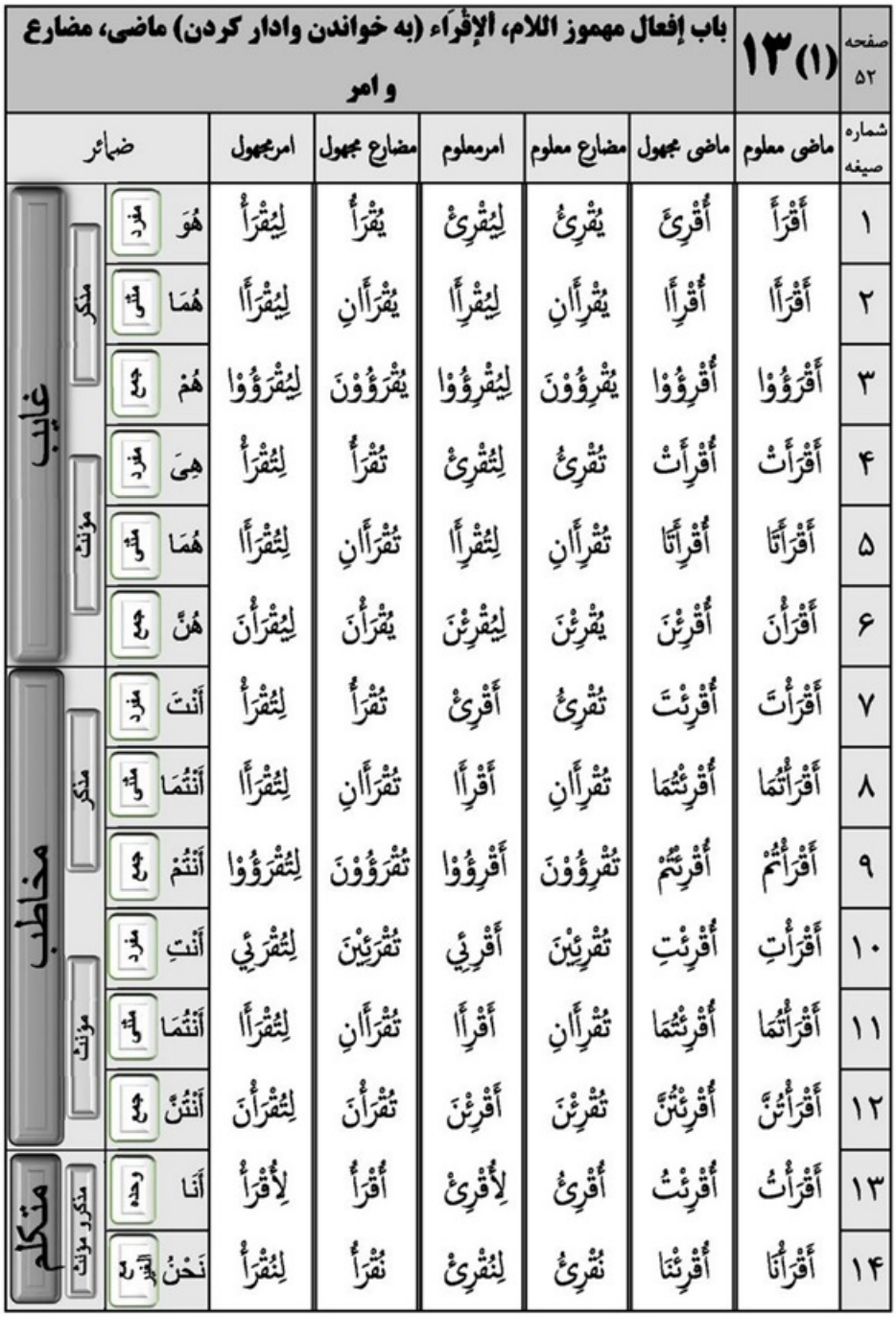

صفحه ۵۲	۱۳ (۱)	باب إفعال مهموز اللام، الإقْرَاء (به خواندن وادار کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَقْرَأَ	أُقْرِئَ	يُقْرِئُ	لِيُقْرِئْ	يُقْرَأُ	لِيُقْرَأْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَقْرَأَا	أُقْرِأَا	يُقْرِئَانِ	لِيُقْرِئَا	يُقْرَأَانِ	لِيُقْرَأَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَقْرَؤُوْا	أُقْرِؤُوْا	يُقْرِؤُوْنَ	لِيُقْرِؤُوْا	يُقْرَؤُوْنَ	لِيُقْرَؤُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَقْرَأَتْ	أُقْرِأَتْ	تُقْرِئُ	لِتُقْرِئْ	تُقْرَأُ	لِتُقْرَأْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَقْرَأَتَا	أُقْرِأَتَا	تُقْرِئَانِ	لِتُقْرِئَا	تُقْرَأَانِ	لِتُقْرَأَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَقْرَأْنَ	أُقْرِئْنَ	يُقْرِئْنَ	لِيُقْرِئْنَ	يُقْرَأْنَ	لِيُقْرَأْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَقْرَأْتَ	أُقْرِئْتَ	تُقْرِئُ	أَقْرِئْ	تُقْرَأُ	لِتُقْرَأْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَقْرَأْتُمَا	أُقْرِئْتُمَا	تُقْرِئَانِ	أَقْرِئَا	تُقْرَأَانِ	لِتُقْرَأَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَقْرَأْتُمْ	أُقْرِئْتُمْ	تُقْرِؤُوْنَ	أَقْرِؤُوْا	تُقْرَؤُوْنَ	لِتُقْرَؤُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَقْرَأْتِ	أُقْرِئْتِ	تُقْرِئِيْنَ	أَقْرِئِي	تُقْرَئِيْنَ	لِتُقْرَئِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَقْرَأْتُمَا	أُقْرِئْتُمَا	تُقْرِئَانِ	أَقْرِئَا	تُقْرَأَانِ	لِتُقْرَأَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَقْرَأْتُنَّ	أُقْرِئْتُنَّ	تُقْرِئْنَ	أَقْرِئْنَ	تُقْرَأْنَ	لِتُقْرَأْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَقْرَأْتُ	أُقْرِئْتُ	أُقْرِئُ	لِأُقْرِئْ	أُقْرَأُ	لِأُقْرَأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَقْرَأْنَا	أُقْرِئْنَا	نُقْرِئُ	لِنُقْرِئْ	نُقْرَأُ	لِنُقْرَأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

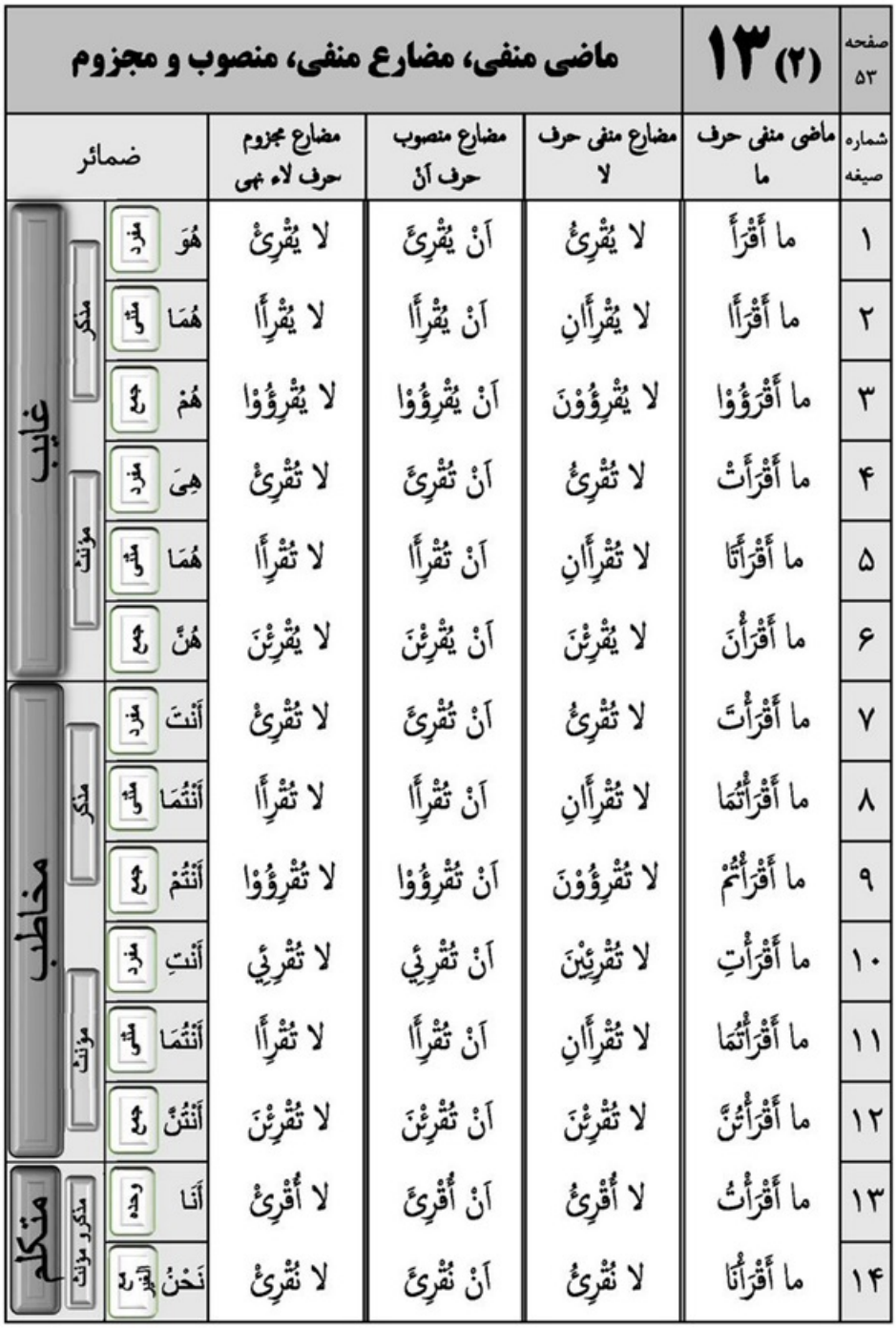

صفحه ۵۳	۱۳ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم					
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما أَقْرَأَ	لا يُقْرِئُ	اَنْ يُقْرِئَ	لا يُقْرِئْ	غایب	هُوَ (مفرد)
۲	ما أَقْرَأَا	لا يُقْرِأَانِ	اَنْ يُقْرِأَا	لا يُقْرِأَا		هُمَا (مثنی)
۳	ما أَقْرَؤُوْا	لا يُقْرِؤُوْنَ	اَنْ يُقْرِؤُوْا	لا يُقْرِؤُوْا		هُمْ (جمع)
۴	ما أَقْرَأَتْ	لا تُقْرِئُ	اَنْ تُقْرِئَ	لا تُقْرِئْ		هِيَ (مفرد)
۵	ما أَقْرَأَتَا	لا تُقْرِأَانِ	اَنْ تُقْرِأَا	لا تُقْرِأَا		هُمَا (مثنی)
۶	ما أَقْرَأْنَ	لا يُقْرِئْنَ	اَنْ يُقْرِئْنَ	لا يُقْرِئْنَ		هُنَّ (جمع)
۷	ما أَقْرَأْتَ	لا تُقْرِئُ	اَنْ تُقْرِئَ	لا تُقْرِئْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد)
۸	ما أَقْرَأْتُمَا	لا تُقْرِأَانِ	اَنْ تُقْرِأَا	لا تُقْرِأَا		أَنْتُمَا (مثنی)
۹	ما أَقْرَأْتُمْ	لا تُقْرِؤُوْنَ	اَنْ تُقْرِؤُوْا	لا تُقْرِؤُوْا		أَنْتُمْ (جمع)
۱۰	ما أَقْرَأْتِ	لا تُقْرِئِيْنَ	اَنْ تُقْرِئِي	لا تُقْرِئِي		أَنْتِ (مفرد)
۱۱	ما أَقْرَأْتُمَا	لا تُقْرِأَانِ	اَنْ تُقْرِأَا	لا تُقْرِأَا		أَنْتُمَا (مثنی)
۱۲	ما أَقْرَأْتُنَّ	لا تُقْرِئْنَ	اَنْ تُقْرِئْنَ	لا تُقْرِئْنَ		أَنْتُنَّ (جمع)
۱۳	ما أَقْرَأْتُ	لا أُقْرِئُ	اَنْ أُقْرِئَ	لا أُقْرِئْ	متکلم	أَنَا (وحده)
۱۴	ما أَقْرَأْنَا	لا نُقْرِئُ	اَنْ نُقْرِئَ	لا نُقْرِئْ		نَحْنُ (مع الغیر)

ص: ۵۳

تصویر



صفحه ۵۴	۱۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُقْرَأَنَّ	لِيُقْرَأَنَّ	لِيُقْرَأَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُقْرَأَانِّ	لِيُقْرَأَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُقْرَؤُنَّ	لِيُقْرَؤُنَّ	لِيُقْرَؤُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُقْرَأَنَّ	لِتُقْرَأَنَّ	لِتُقْرَأَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُقْرَأَانِّ	لِتُقْرَأَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُقْرَئْنَانِّ	لِيُقْرَأْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَقْرَأَنَّ	لِتُقْرَأَنَّ	أَقْرَأَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَقْرَأَانِّ	لِتُقْرَأَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَقْرَؤُنَّ	لِتُقْرَؤُنَّ	أَقْرَؤُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَقْرَئِنَّ	لِتُقْرَئِنَّ	أَقْرَئِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَقْرَأَانِّ	لِتُقْرَأَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَقْرَئْنَانِّ	لِتُقْرَأْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُقْرَأَنَّ	لِأُقْرَأَنَّ	لِأُقْرَأَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُقْرَأَنَّ	لِنُقْرَأَنَّ	لِنُقْرَأَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

باب تفعیل

تصویر

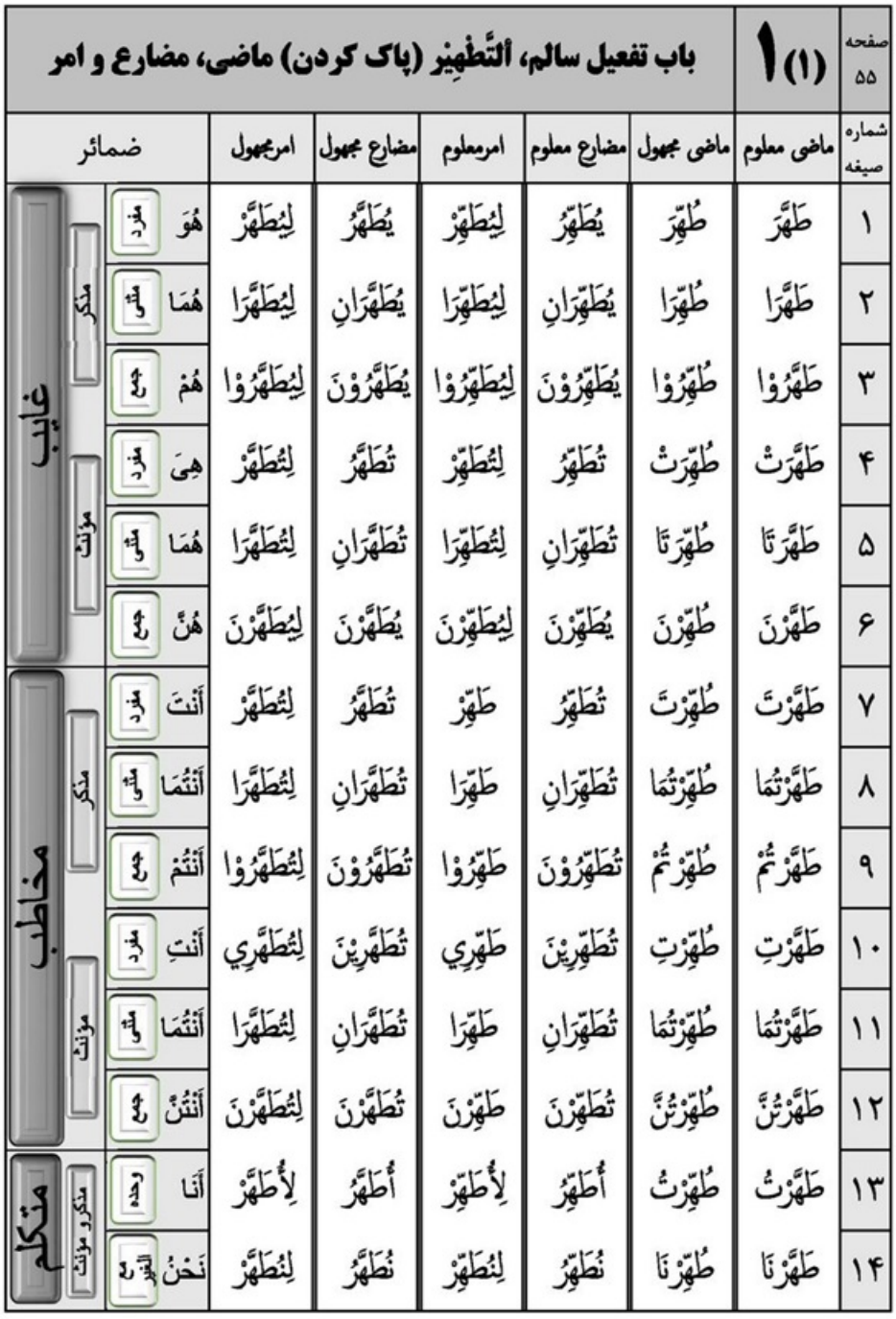

صفحه ۵۵	(۱) ۱	باب تفعیل سالم، اَلتَّطْهِیر (پاک کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	طَهَّرَ	طُهِّرَ	یُطَهِّرُ	لِیُطَهِّرْ	یُطَهَّرُ	لِیُطَهَّرْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	طَهَّرَا	طُهِّرَا	یُطَهِّرَانِ	لِیُطَهِّرَا	یُطَهَّرَانِ	لِیُطَهَّرَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	طَهَّرُوْا	طُهِّرُوْا	یُطَهِّرُوْنَ	لِیُطَهِّرُوْا	یُطَهَّرُوْنَ	لِیُطَهَّرُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	طَهَّرَتْ	طُهِّرَتْ	تُطَهِّرُ	لِتُطَهِّرْ	تُطَهَّرُ	لِتُطَهَّرْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	طَهَّرَتَا	طُهِّرَتَا	تُطَهِّرَانِ	لِتُطَهِّرَا	تُطَهَّرَانِ	لِتُطَهَّرَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	طَهَّرْنَ	طُهِّرْنَ	یُطَهِّرْنَ	لِیُطَهِّرْنَ	یُطَهَّرْنَ	لِیُطَهَّرْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	طَهَّرْتَ	طُهِّرْتَ	تُطَهِّرُ	طَهِّرْ	تُطَهَّرُ	لِتُطَهَّرْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	طَهَّرْتُمَا	طُهِّرْتُمَا	تُطَهِّرَانِ	طَهِّرَا	تُطَهَّرَانِ	لِتُطَهَّرَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	طَهَّرْتُمْ	طُهِّرْتُمْ	تُطَهِّرُوْنَ	طَهِّرُوْا	تُطَهَّرُوْنَ	لِتُطَهَّرُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	طَهَّرْتِ	طُهِّرْتِ	تُطَهِّرِیْنَ	طَهِّرِي	تُطَهَّرِیْنَ	لِتُطَهَّرِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	طَهَّرْتُمَا	طُهِّرْتُمَا	تُطَهِّرَانِ	طَهِّرَا	تُطَهَّرَانِ	لِتُطَهَّرَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	طَهَّرْتُنَّ	طُهِّرْتُنَّ	تُطَهِّرْنَ	طَهِّرْنَ	تُطَهَّرْنَ	لِتُطَهَّرْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	طَهَّرْتُ	طُهِّرْتُ	أُطَهِّرُ	لِأُطَهِّرْ	أُطَهَّرُ	لِأُطَهَّرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	طَهَّرْنَا	طُهِّرْنَا	نُطَهِّرُ	لِنُطَهِّرْ	نُطَهَّرُ	لِنُطَهَّرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

ص: ۵۵

تصویر



صفحه ۵۶	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما طَهَّرَ	لا يُطَهِّرُ	اَنْ يُطَهِّرَ	لا يُطَهِّرْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما طَهَّرَا	لا يُطَهِّرَانِ	اَنْ يُطَهِّرَا	لا يُطَهِّرَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما طَهَّرُوْا	لا يُطَهِّرُوْنَ	اَنْ يُطَهِّرُوْا	لا يُطَهِّرُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما طَهَّرَتْ	لا تُطَهِّرُ	اَنْ تُطَهِّرَ	لا تُطَهِّرْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما طَهَّرَتَا	لا تُطَهِّرَانِ	اَنْ تُطَهِّرَا	لا تُطَهِّرَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما طَهَّرْنَ	لا يُطَهِّرْنَ	اَنْ يُطَهِّرْنَ	لا يُطَهِّرْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما طَهَّرْتَ	لا تُطَهِّرُ	اَنْ تُطَهِّرَ	لا تُطَهِّرْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما طَهَّرْتُمَا	لا تُطَهِّرَانِ	اَنْ تُطَهِّرَا	لا تُطَهِّرَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما طَهَّرْتُمْ	لا تُطَهِّرُوْنَ	اَنْ تُطَهِّرُوْا	لا تُطَهِّرُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما طَهَّرْتِ	لا تُطَهِّرِيْنَ	اَنْ تُطَهِّرِي	لا تُطَهِّرِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما طَهَّرْتُمَا	لا تُطَهِّرَانِ	اَنْ تُطَهِّرَا	لا تُطَهِّرَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما طَهَّرْتُنَّ	لا تُطَهِّرْنَ	اَنْ تُطَهِّرْنَ	لا تُطَهِّرْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما طَهَّرْتُ	لا أُطَهِّرُ	اَنْ أُطَهِّرَ	لا أُطَهِّرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	ما طَهَّرْنَا	لا نُطَهِّرُ	اَنْ نُطَهِّرَ	لا نُطَهِّرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۵۷	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُطَهِّرَنَّ	لِيُطَهَّرَنَّ	لِيُطَهِّرَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيُطَهِّرَانِّ	لِيُطَهَّرَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيُطَهِّرُنَّ	لِيُطَهَّرُنَّ	لِيُطَهِّرُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتُطَهِّرَنَّ	لِتُطَهَّرَنَّ	لِتُطَهِّرَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتُطَهِّرَانِّ	لِتُطَهَّرَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيُطَهِّرْنَانِّ	لِيُطَهَّرْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	طَهِّرَنَّ	لِتُطَهَّرَنَّ	طَهِّرَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	طَهِّرَانِّ	لِتُطَهَّرَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	طَهِّرُنَّ	لِتُطَهَّرُنَّ	طَهِّرُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	طَهِّرِنَّ	لِتُطَهَّرِنَّ	طَهِّرِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	طَهِّرَانِّ	لِتُطَهَّرَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	طَهِّرْنَانِّ	لِتُطَهَّرْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُطَهِّرَنَّ	لِأُطَهَّرَنَّ	لِأُطَهِّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنُطَهِّرَنَّ	لِنُطَهَّرَنَّ	لِنُطَهِّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

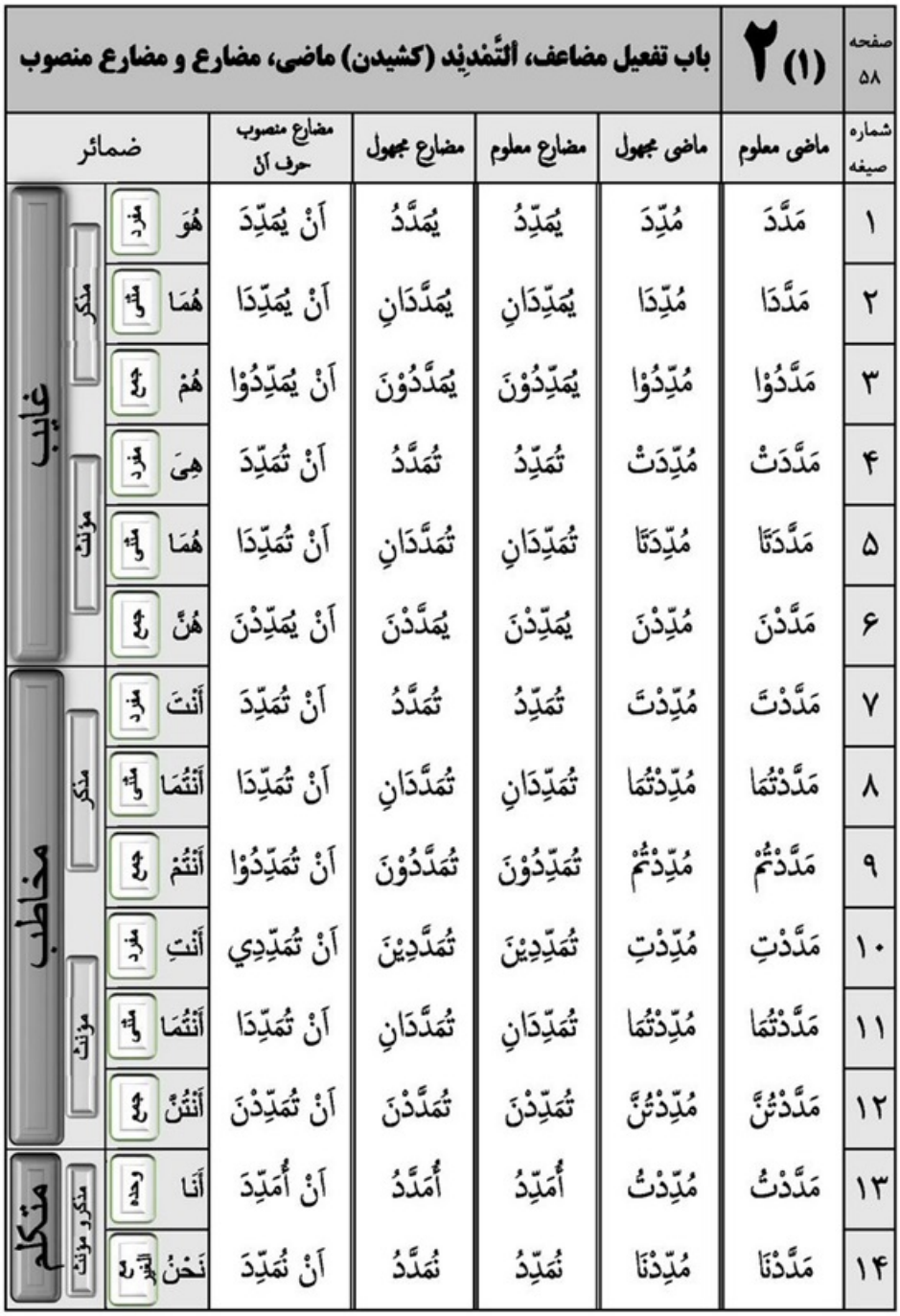

صفحه ۵۸	باب تفعیل مضاعف، اَلتَّمْدِیْد (کشیدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر
۱	مَدَّدَ	مُدِّدَ	یُمَدِّدُ	یُمَدَّدُ	اَنْ یُمَدِّدَ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	مَدَّدَا	مُدِّدَا	یُمَدِّدَانِ	یُمَدَّدَانِ	اَنْ یُمَدِّدَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	مَدَّدُوْا	مُدِّدُوْا	یُمَدِّدُوْنَ	یُمَدَّدُوْنَ	اَنْ یُمَدِّدُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	مَدَّدَتْ	مُدِّدَتْ	تُمَدِّدُ	تُمَدَّدُ	اَنْ تُمَدِّدَ	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	مَدَّدَتَا	مُدِّدَتَا	تُمَدِّدَانِ	تُمَدَّدَانِ	اَنْ تُمَدِّدَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	مَدَّدْنَ	مُدِّدْنَ	یُمَدِّدْنَ	یُمَدَّدْنَ	اَنْ یُمَدِّدْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	مَدَّدْتَ	مُدِّدْتَ	تُمَدِّدُ	تُمَدَّدُ	اَنْ تُمَدِّدَ	مخاطب، مذکر، مفرد، اَنْتَ
۸	مَدَّدْتُمَا	مُدِّدْتُمَا	تُمَدِّدَانِ	تُمَدَّدَانِ	اَنْ تُمَدِّدَا	مخاطب، مذکر، مثنی، اَنْتُمَا
۹	مَدَّدْتُمْ	مُدِّدْتُمْ	تُمَدِّدُوْنَ	تُمَدَّدُوْنَ	اَنْ تُمَدِّدُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، اَنْتُمْ
۱۰	مَدَّدْتِ	مُدِّدْتِ	تُمَدِّدِیْنَ	تُمَدَّدِیْنَ	اَنْ تُمَدِّدِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، اَنْتِ
۱۱	مَدَّدْتُمَا	مُدِّدْتُمَا	تُمَدِّدَانِ	تُمَدَّدَانِ	اَنْ تُمَدِّدَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، اَنْتُمَا
۱۲	مَدَّدْتُنَّ	مُدِّدْتُنَّ	تُمَدِّدْنَ	تُمَدَّدْنَ	اَنْ تُمَدِّدْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، اَنْتُنَّ
۱۳	مَدَّدْتُ	مُدِّدْتُ	أُمَدِّدُ	أُمَدَّدُ	اَنْ أُمَدِّدَ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، اَنَا
۱۴	مَدَّدْنَا	مُدِّدْنَا	نُمَدِّدُ	نُمَدَّدُ	اَنْ نُمَدِّدَ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر

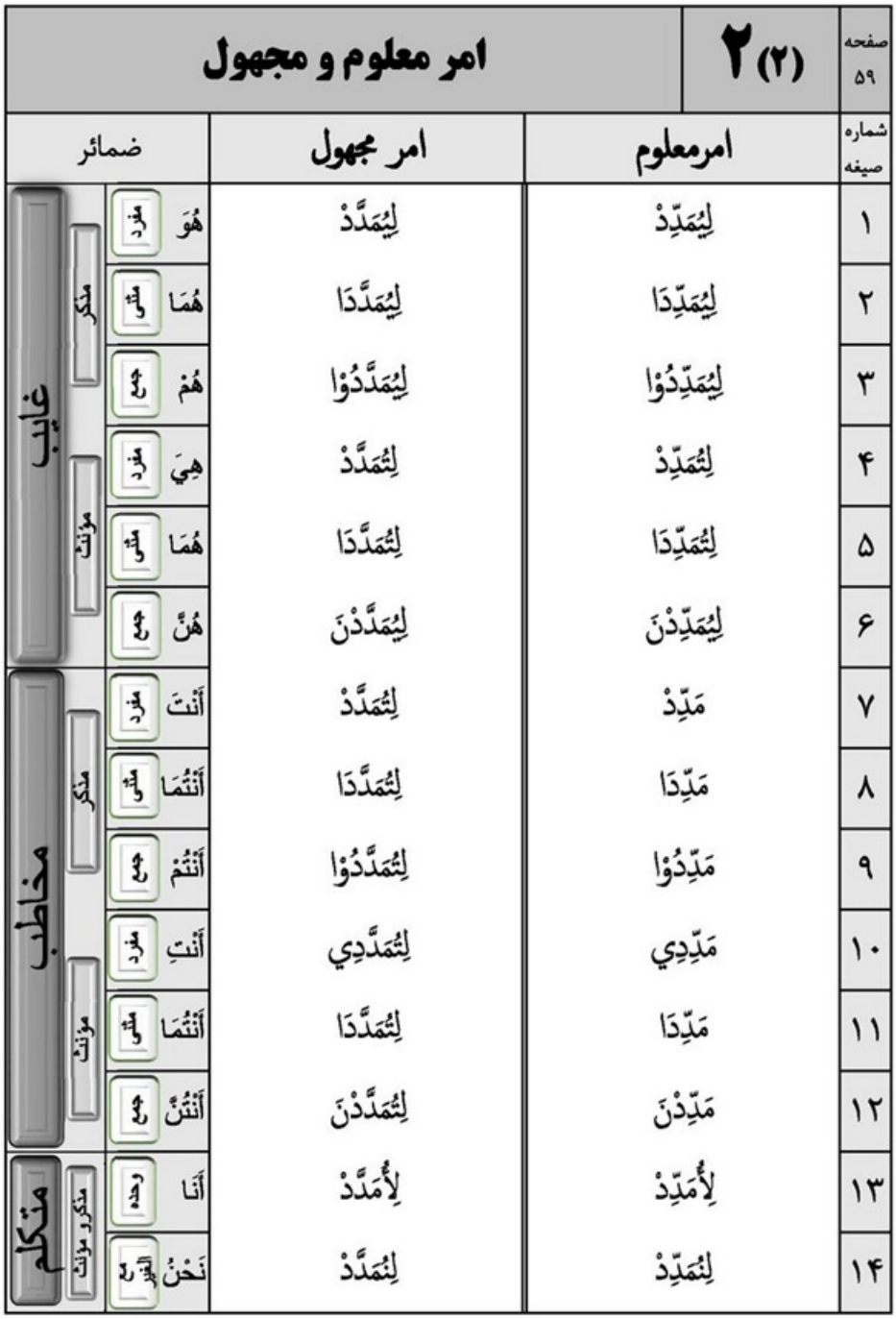

صفحه ۵۹	۲ (۲) امر معلوم و مجهول			
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر	
۱	لِيُمَدِّدْ	لِيُمَدَّدْ	غایب	هُوَ مفرد مذکر
۲	لِيُمَدِّدَا	لِيُمَدَّدَا		هُمَا مثنی مذکر
۳	لِيُمَدِّدُوْا	لِيُمَدَّدُوْا		هُمْ جمع مذکر
۴	لِتُمَدِّدْ	لِتُمَدَّدْ		هِيَ مفرد مؤنث
۵	لِتُمَدِّدَا	لِتُمَدَّدَا		هُمَا مثنی مؤنث
۶	لِيُمَدِّدْنَ	لِيُمَدَّدْنَ		هُنَّ جمع مؤنث
۷	مَدِّدْ	لِتُمَدَّدْ	مخاطب	أَنْتَ مفرد مذکر
۸	مَدِّدَا	لِتُمَدَّدَا		أَنْتُمَا مثنی مذکر
۹	مَدِّدُوْا	لِتُمَدَّدُوْا		أَنْتُمْ جمع مذکر
۱۰	مَدِّدِي	لِتُمَدَّدِي		أَنْتِ مفرد مؤنث
۱۱	مَدِّدَا	لِتُمَدَّدَا		أَنْتُمَا مثنی مؤنث
۱۲	مَدِّدْنَ	لِتُمَدَّدْنَ		أَنْتُنَّ جمع مؤنث
۱۳	لِأُمَدِّدْ	لِأُمَدَّدْ	متکلم مذکر و مؤنث	أَنَا وحده
۱۴	لِنُمَدِّدْ	لِنُمَدَّدْ		نَحْنُ مع الغیر

تصویر

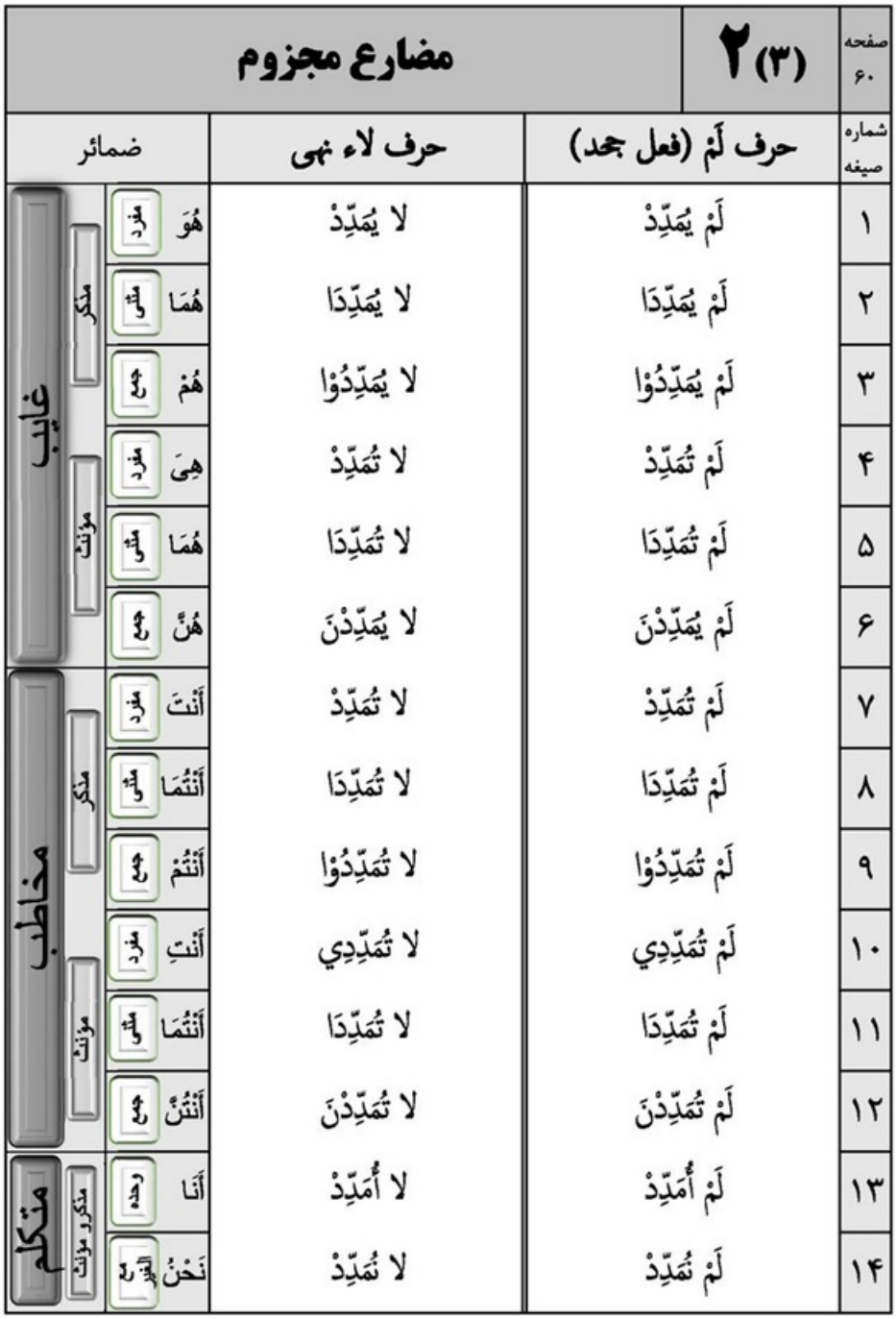

صفحه ۶۰	۲ (۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يُمَدِّدْ	لا يُمَدِّدْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	لَمْ يُمَدِّدَا	لا يُمَدِّدَا	هُمَا (مثنی)	
۳	لَمْ يُمَدِّدُوْا	لا يُمَدِّدُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	لَمْ تُمَدِّدْ	لا تُمَدِّدْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	لَمْ تُمَدِّدَا	لا تُمَدِّدَا	هُمَا (مثنی)	
۶	لَمْ يُمَدِّدْنَ	لا يُمَدِّدْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	لَمْ تُمَدِّدْ	لا تُمَدِّدْ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	لَمْ تُمَدِّدَا	لا تُمَدِّدَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	لَمْ تُمَدِّدُوْا	لا تُمَدِّدُوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	لَمْ تُمَدِّدِي	لا تُمَدِّدِي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	لَمْ تُمَدِّدَا	لا تُمَدِّدَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	لَمْ تُمَدِّدْنَ	لا تُمَدِّدْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	لَمْ أُمَدِّدْ	لا أُمَدِّدْ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	لَمْ نُمَدِّدْ	لا نُمَدِّدْ	نَحْنُ (مع الغیر)	

تصویر



صفحه ۶۱	۲ (۴) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُمَدِّدَنَّ	لِيُمَدَّدَنَّ	لِيُمَدِّدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُمَدِّدَانِّ	لِيُمَدَّدَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُمَدِّدُنَّ	لِيُمَدَّدُنَّ	لِيُمَدِّدُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُمَدِّدَنَّ	لِتُمَدَّدَنَّ	لِتُمَدِّدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُمَدِّدَانِّ	لِتُمَدَّدَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُمَدِّدْنَانِّ	لِيُمَدَّدْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	مَدِّدَنَّ	لِتُمَدَّدَنَّ	مَدِّدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	مَدِّدَانِّ	لِتُمَدَّدَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	مَدِّدُنَّ	لِتُمَدَّدُنَّ	مَدِّدُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	مَدِّدِنَّ	لِتُمَدَّدِنَّ	مَدِّدِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	مَدِّدَانِّ	لِتُمَدَّدَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	مَدِّدْنَانِّ	لِتُمَدَّدْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُمَدِّدَنَّ	لِأُمَدَّدَنَّ	لِأُمَدِّدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُمَدِّدَنَّ	لِنُمَدَّدَنَّ	لِنُمَدِّدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

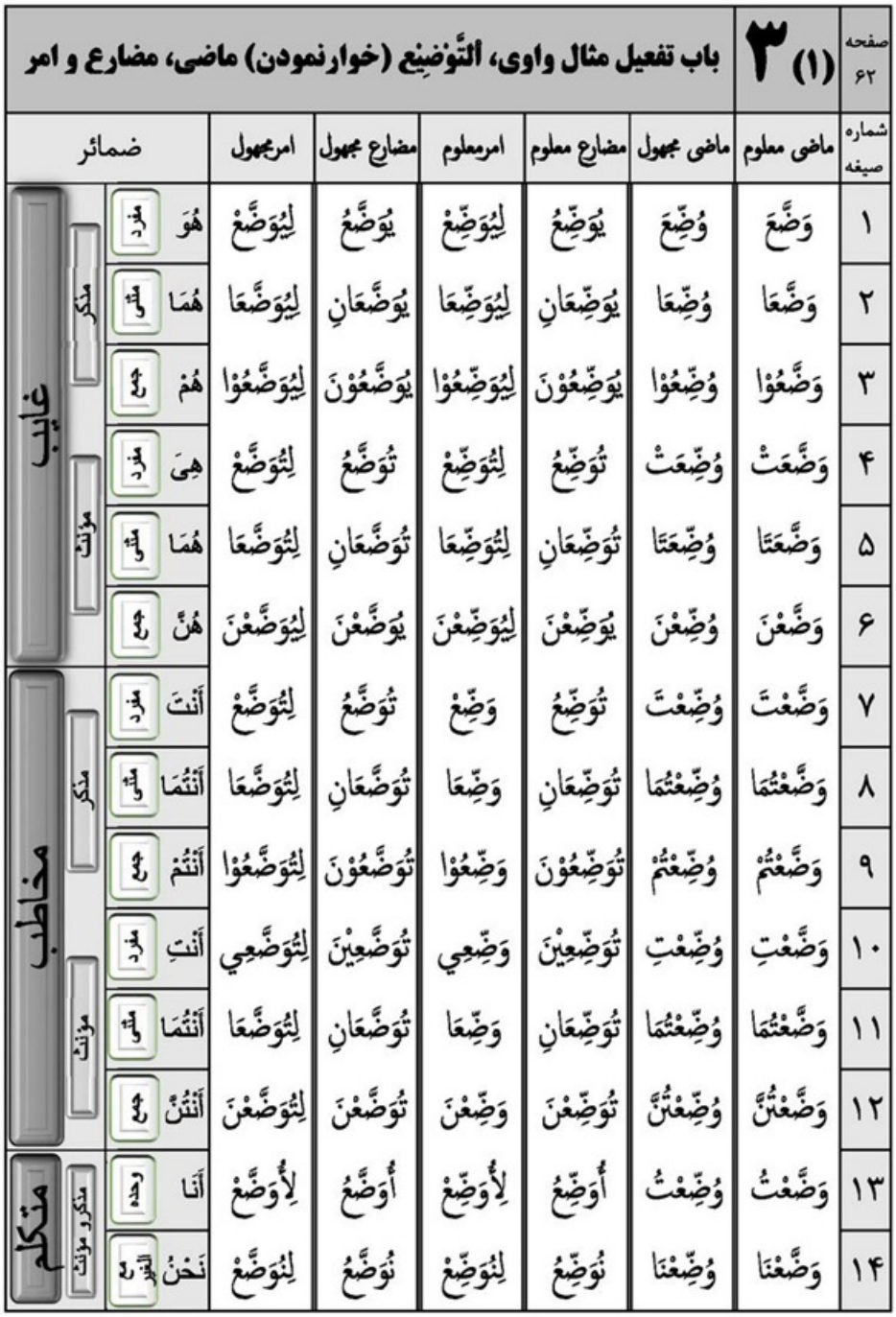

صفحه ۶۲	(۱) ۳ باب تفعیل مثال واوی، اَلتَّوَضِیع (خوارنمودن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	وَضَّعَ	وُضِّعَ	يُوَضِّعُ	لِيُوَضِّعْ	يُوَضَّعُ	لِيُوَضَّعْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	وَضَّعَا	وُضِّعَا	يُوَضِّعَانِ	لِيُوَضِّعَا	يُوَضَّعَانِ	لِيُوَضَّعَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	وَضَّعُوْا	وُضِّعُوْا	يُوَضِّعُوْنَ	لِيُوَضِّعُوْا	يُوَضَّعُوْنَ	لِيُوَضَّعُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	وَضَّعَتْ	وُضِّعَتْ	تُوَضِّعُ	لِتُوَضِّعْ	تُوَضَّعُ	لِتُوَضَّعْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	وَضَّعَتَا	وُضِّعَتَا	تُوَضِّعَانِ	لِتُوَضِّعَا	تُوَضَّعَانِ	لِتُوَضَّعَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	وَضَّعْنَ	وُضِّعْنَ	يُوَضِّعْنَ	لِيُوَضِّعْنَ	يُوَضَّعْنَ	لِيُوَضَّعْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	وَضَّعْتَ	وُضِّعْتَ	تُوَضِّعُ	وَضِّعْ	تُوَضَّعُ	لِتُوَضَّعْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	وَضَّعْتُمَا	وُضِّعْتُمَا	تُوَضِّعَانِ	وَضِّعَا	تُوَضَّعَانِ	لِتُوَضَّعَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	وَضَّعْتُمْ	وُضِّعْتُمْ	تُوَضِّعُوْنَ	وَضِّعُوْا	تُوَضَّعُوْنَ	لِتُوَضَّعُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	وَضَّعْتِ	وُضِّعْتِ	تُوَضِّعِيْنَ	وَضِّعِي	تُوَضَّعِيْنَ	لِتُوَضَّعِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	وَضَّعْتُمَا	وُضِّعْتُمَا	تُوَضِّعَانِ	وَضِّعَا	تُوَضَّعَانِ	لِتُوَضَّعَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	وَضَّعْتُنَّ	وُضِّعْتُنَّ	تُوَضِّعْنَ	وَضِّعْنَ	تُوَضَّعْنَ	لِتُوَضَّعْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	وَضَّعْتُ	وُضِّعْتُ	أُوَضِّعُ	لِأُوَضِّعْ	أُوَضَّعُ	لِأُوَضَّعْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	وَضَّعْنَا	وُضِّعْنَا	نُوَضِّعُ	لِنُوَضِّعْ	نُوَضَّعُ	لِنُوَضَّعْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۶۳	۳ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم					
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما وَضَّعَ	لا يُوَضِّعُ	اَنْ يُوَضِّعَ	لا يُوَضِّعْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	ما وَضَّعَا	لا يُوَضِّعَانِ	اَنْ يُوَضِّعَا	لا يُوَضِّعَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	ما وَضَّعُوْا	لا يُوَضِّعُوْنَ	اَنْ يُوَضِّعُوْا	لا يُوَضِّعُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	ما وَضَّعَتْ	لا تُوَضِّعُ	اَنْ تُوَضِّعَ	لا تُوَضِّعْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	ما وَضَّعَتَا	لا تُوَضِّعَانِ	اَنْ تُوَضِّعَا	لا تُوَضِّعَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	ما وَضَّعْنَ	لا يُوَضِّعْنَ	اَنْ يُوَضِّعْنَ	لا يُوَضِّعْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	ما وَضَّعْتَ	لا تُوَضِّعُ	اَنْ تُوَضِّعَ	لا تُوَضِّعْ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	ما وَضَّعْتُمَا	لا تُوَضِّعَانِ	اَنْ تُوَضِّعَا	لا تُوَضِّعَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	ما وَضَّعْتُمْ	لا تُوَضِّعُوْنَ	اَنْ تُوَضِّعُوْا	لا تُوَضِّعُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	ما وَضَّعْتِ	لا تُوَضِّعِيْنَ	اَنْ تُوَضِّعِي	لا تُوَضِّعِي	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما وَضَّعْتُمَا	لا تُوَضِّعَانِ	اَنْ تُوَضِّعَا	لا تُوَضِّعَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	ما وَضَّعْتُنَّ	لا تُوَضِّعْنَ	اَنْ تُوَضِّعْنَ	لا تُوَضِّعْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما وَضَّعْتُ	لا أُوَضِّعُ	اَنْ أُوَضِّعَ	لا أُوَضِّعْ	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده
۱۴	ما وَضَّعْنَا	لا نُوَضِّعُ	اَنْ نُوَضِّعَ	لا نُوَضِّعْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر

تصویر



صفحه ۶۴	نون تأکید (۳) ۳			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُوَضِّعَنَّ	لِيُوَضَّعَنَّ	لِيُوَضِّعَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُوَضِّعَانِّ	لِيُوَضَّعَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُوَضِّعُنَّ	لِيُوَضَّعُنَّ	لِيُوَضِّعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُوَضِّعَنَّ	لِتُوَضَّعَنَّ	لِتُوَضِّعَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُوَضِّعَانِّ	لِتُوَضَّعَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُوَضِّعْنَانِّ	لِيُوَضَّعْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	وَضِّعَنَّ	لِتُوَضَّعَنَّ	وَضِّعَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	وَضِّعَانِّ	لِتُوَضَّعَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	وَضِّعُنَّ	لِتُوَضَّعُنَّ	وَضِّعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	وَضِّعِنَّ	لِتُوَضَّعِنَّ	وَضِّعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	وَضِّعَانِّ	لِتُوَضَّعَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	وَضِّعْنَانِّ	لِتُوَضَّعْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُوَضِّعَنَّ	لِأُوَضَّعَنَّ	لِأُوَضِّعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُوَضِّعَنَّ	لِنُوَضَّعَنَّ	لِنُوَضِّعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۶۴

تصویر



صفحه ۶۵	۴ (۱) باب تفعیل مثال یایی، اَلتَّیسِیر (آسان کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	يَسَّرَ	يُسِّرَ	يُيَسِّرُ	لِيُيَسِّرْ	يُيَسَّرُ	لِيُيَسَّرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	يَسَّرَا	يُسِّرَا	يُيَسِّرَانِ	لِيُيَسِّرَا	يُيَسَّرَانِ	لِيُيَسَّرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	يَسَّرُوْا	يُسِّرُوْا	يُيَسِّرُوْنَ	لِيُيَسِّرُوْا	يُيَسَّرُوْنَ	لِيُيَسَّرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	يَسَّرَتْ	يُسِّرَتْ	تُيَسِّرُ	لِتُيَسِّرْ	تُيَسَّرُ	لِتُيَسَّرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	يَسَّرَتَا	يُسِّرَتَا	تُيَسِّرَانِ	لِتُيَسِّرَا	تُيَسَّرَانِ	لِتُيَسَّرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	يَسَّرْنَ	يُسِّرْنَ	يُيَسِّرْنَ	لِيُيَسِّرْنَ	يُيَسَّرْنَ	لِيُيَسَّرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	يَسَّرْتَ	يُسِّرْتَ	تُيَسِّرُ	يَسِّرْ	تُيَسَّرُ	لِتُيَسَّرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	يَسَّرْتُمَا	يُسِّرْتُمَا	تُيَسِّرَانِ	يَسِّرَا	تُيَسَّرَانِ	لِتُيَسَّرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	يَسَّرْتُمْ	يُسِّرْتُمْ	تُيَسِّرُوْنَ	يَسِّرُوْا	تُيَسَّرُوْنَ	لِتُيَسَّرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	يَسَّرْتِ	يُسِّرْتِ	تُيَسِّرِيْنَ	يَسِّرِي	تُيَسَّرِيْنَ	لِتُيَسَّرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	يَسَّرْتُمَا	يُسِّرْتُمَا	تُيَسِّرَانِ	يَسِّرَا	تُيَسَّرَانِ	لِتُيَسَّرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	يَسَّرْتُنَّ	يُسِّرْتُنَّ	تُيَسِّرْنَ	يَسِّرْنَ	تُيَسَّرْنَ	لِتُيَسَّرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	يَسَّرْتُ	يُسِّرْتُ	أُيَسِّرُ	لِأُيَسِّرْ	أُيَسَّرُ	لِأُيَسَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	يَسَّرْنَا	يُسِّرْنَا	نُيَسِّرُ	لِنُيَسِّرْ	نُيَسَّرُ	لِنُيَسَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۶۶	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما يَسَّرَ	لا يُيَسِّرُ	اَنْ يُيَسِّرَ	لا يُيَسِّرْ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما يَسَّرَا	لا يُيَسِّرَانِ	اَنْ يُيَسِّرَا	لا يُيَسِّرَا			مثنی	هُمَا
۳	ما يَسَّرُوْا	لا يُيَسِّرُوْنَ	اَنْ يُيَسِّرُوْا	لا يُيَسِّرُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما يَسَّرَتْ	لا تُيَسِّرُ	اَنْ تُيَسِّرَ	لا تُيَسِّرْ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما يَسَّرَتَا	لا تُيَسِّرَانِ	اَنْ تُيَسِّرَا	لا تُيَسِّرَا			مثنی	هُمَا
۶	ما يَسَّرْنَ	لا يُيَسِّرْنَ	اَنْ يُيَسِّرْنَ	لا يُيَسِّرْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما يَسَّرْتَ	لا تُيَسِّرُ	اَنْ تُيَسِّرَ	لا تُيَسِّرْ	مخاطب	مذکر	مفرد	اَنْتَ
۸	ما يَسَّرْتُمَا	لا تُيَسِّرَانِ	اَنْ تُيَسِّرَا	لا تُيَسِّرَا			مثنی	اَنْتُمَا
۹	ما يَسَّرْتُمْ	لا تُيَسِّرُوْنَ	اَنْ تُيَسِّرُوْا	لا تُيَسِّرُوْا			جمع	اَنْتُمْ
۱۰	ما يَسَّرْتِ	لا تُيَسِّرِيْنَ	اَنْ تُيَسِّرِي	لا تُيَسِّرِي		مؤنث	مفرد	اَنْتِ
۱۱	ما يَسَّرْتُمَا	لا تُيَسِّرَانِ	اَنْ تُيَسِّرَا	لا تُيَسِّرَا			مثنی	اَنْتُمَا
۱۲	ما يَسَّرْتُنَّ	لا تُيَسِّرْنَ	اَنْ تُيَسِّرْنَ	لا تُيَسِّرْنَ			جمع	اَنْتُنَّ
۱۳	ما يَسَّرْتُ	لا اُيَسِّرُ	اَنْ اُيَسِّرَ	لا اُيَسِّرْ	متکلم	مذکر و مؤنث	واحد	اَنَا
۱۴	ما يَسَّرْنَا	لا نُيَسِّرُ	اَنْ نُيَسِّرَ	لا نُيَسِّرْ			جمع	نَحْنُ

ص: ۶۶

تصویر



صفحه ۶۷	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُيَسِّرَنَّ	لِيُيَسَّرَنَّ	لِيُيَسِّرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُيَسِّرَانِّ	لِيُيَسَّرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُيَسِّرُنَّ	لِيُيَسَّرُنَّ	لِيُيَسِّرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُيَسِّرَنَّ	لِتُيَسَّرَنَّ	لِتُيَسِّرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُيَسِّرَانِّ	لِتُيَسَّرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُيَسِّرْنَانِّ	لِيُيَسَّرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	يَسِّرَنَّ	لِتُيَسَّرَنَّ	يَسِّرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	يَسِّرَانِّ	لِتُيَسَّرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	يَسِّرُنَّ	لِتُيَسَّرُنَّ	يَسِّرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	يَسِّرِنَّ	لِتُيَسَّرِنَّ	يَسِّرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	يَسِّرَانِّ	لِتُيَسَّرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	يَسِّرْنَانِّ	لِتُيَسَّرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُيَسِّرَنَّ	لِأُيَسَّرَنَّ	لِأُيَسِّرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُيَسِّرَنَّ	لِنُيَسَّرَنَّ	لِنُيَسِّرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

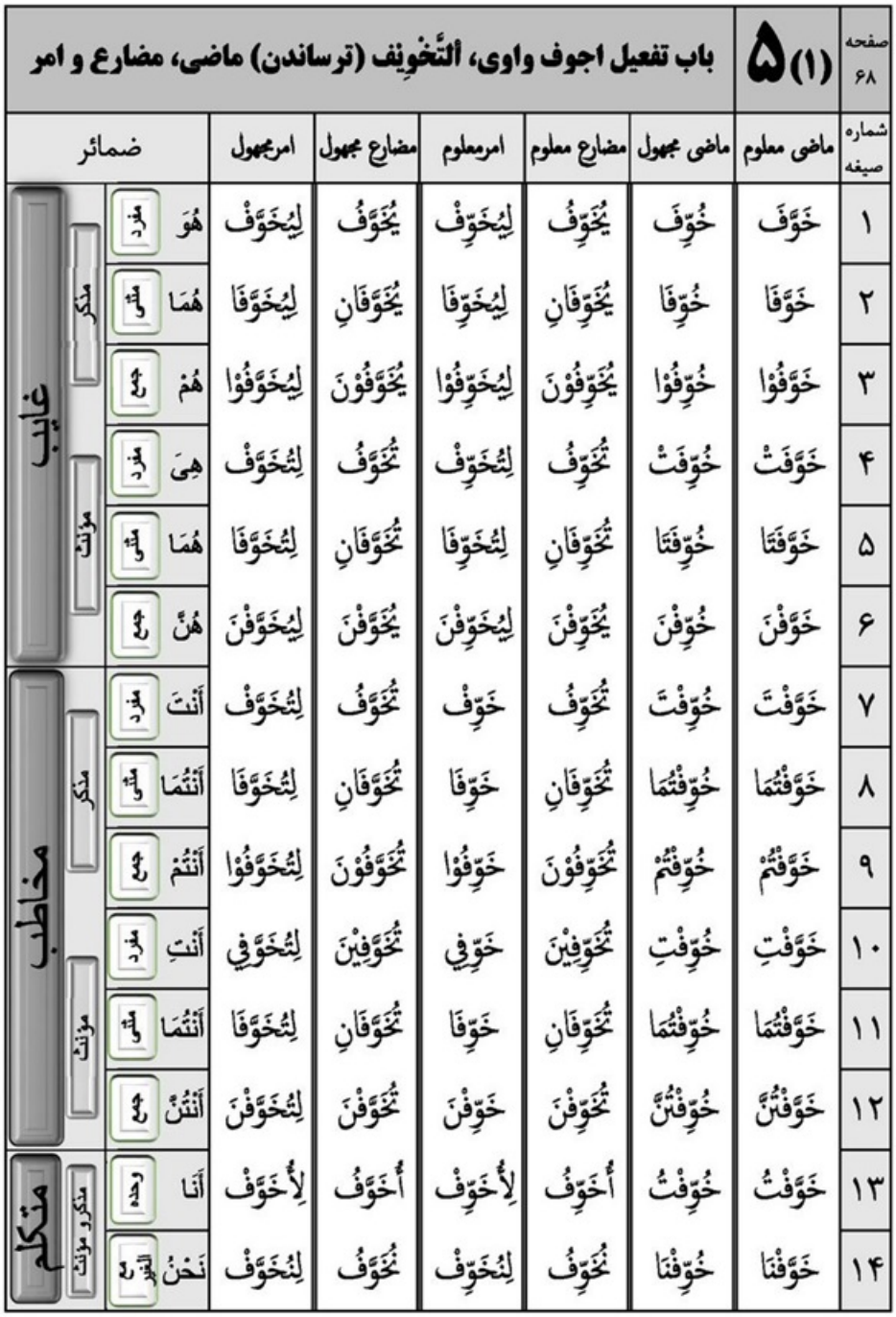

صفحه ۶۸	۵ (۱) باب تفعیل اجوف واوی، اَلتَّخْوِیف (ترساندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	خَوَّفَ	خُوِّفَ	يُخَوِّفُ	لِيُخَوِّفْ	يُخَوَّفُ	لِيُخَوَّفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	خَوَّفَا	خُوِّفَا	يُخَوِّفَانِ	لِيُخَوِّفَا	يُخَوَّفَانِ	لِيُخَوَّفَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	خَوَّفُوْا	خُوِّفُوْا	يُخَوِّفُوْنَ	لِيُخَوِّفُوْا	يُخَوَّفُوْنَ	لِيُخَوَّفُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	خَوَّفَتْ	خُوِّفَتْ	تُخَوِّفُ	لِتُخَوِّفْ	تُخَوَّفُ	لِتُخَوَّفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	خَوَّفَتَا	خُوِّفَتَا	تُخَوِّفَانِ	لِتُخَوِّفَا	تُخَوَّفَانِ	لِتُخَوَّفَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	خَوَّفْنَ	خُوِّفْنَ	يُخَوِّفْنَ	لِيُخَوِّفْنَ	يُخَوَّفْنَ	لِيُخَوَّفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	خَوَّفْتَ	خُوِّفْتَ	تُخَوِّفُ	خَوِّفْ	تُخَوَّفُ	لِتُخَوَّفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	خَوَّفْتُمَا	خُوِّفْتُمَا	تُخَوِّفَانِ	خَوِّفَا	تُخَوَّفَانِ	لِتُخَوَّفَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	خَوَّفْتُمْ	خُوِّفْتُمْ	تُخَوِّفُوْنَ	خَوِّفُوْا	تُخَوَّفُوْنَ	لِتُخَوَّفُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	خَوَّفْتِ	خُوِّفْتِ	تُخَوِّفِيْنَ	خَوِّفِي	تُخَوَّفِيْنَ	لِتُخَوَّفِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	خَوَّفْتُمَا	خُوِّفْتُمَا	تُخَوِّفَانِ	خَوِّفَا	تُخَوَّفَانِ	لِتُخَوَّفَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	خَوَّفْتُنَّ	خُوِّفْتُنَّ	تُخَوِّفْنَ	خَوِّفْنَ	تُخَوَّفْنَ	لِتُخَوَّفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	خَوَّفْتُ	خُوِّفْتُ	أُخَوِّفُ	لِأُخَوِّفْ	أُخَوَّفُ	لِأُخَوَّفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	خَوَّفْنَا	خُوِّفْنَا	نُخَوِّفُ	لِنُخَوِّفْ	نُخَوَّفُ	لِنُخَوَّفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر

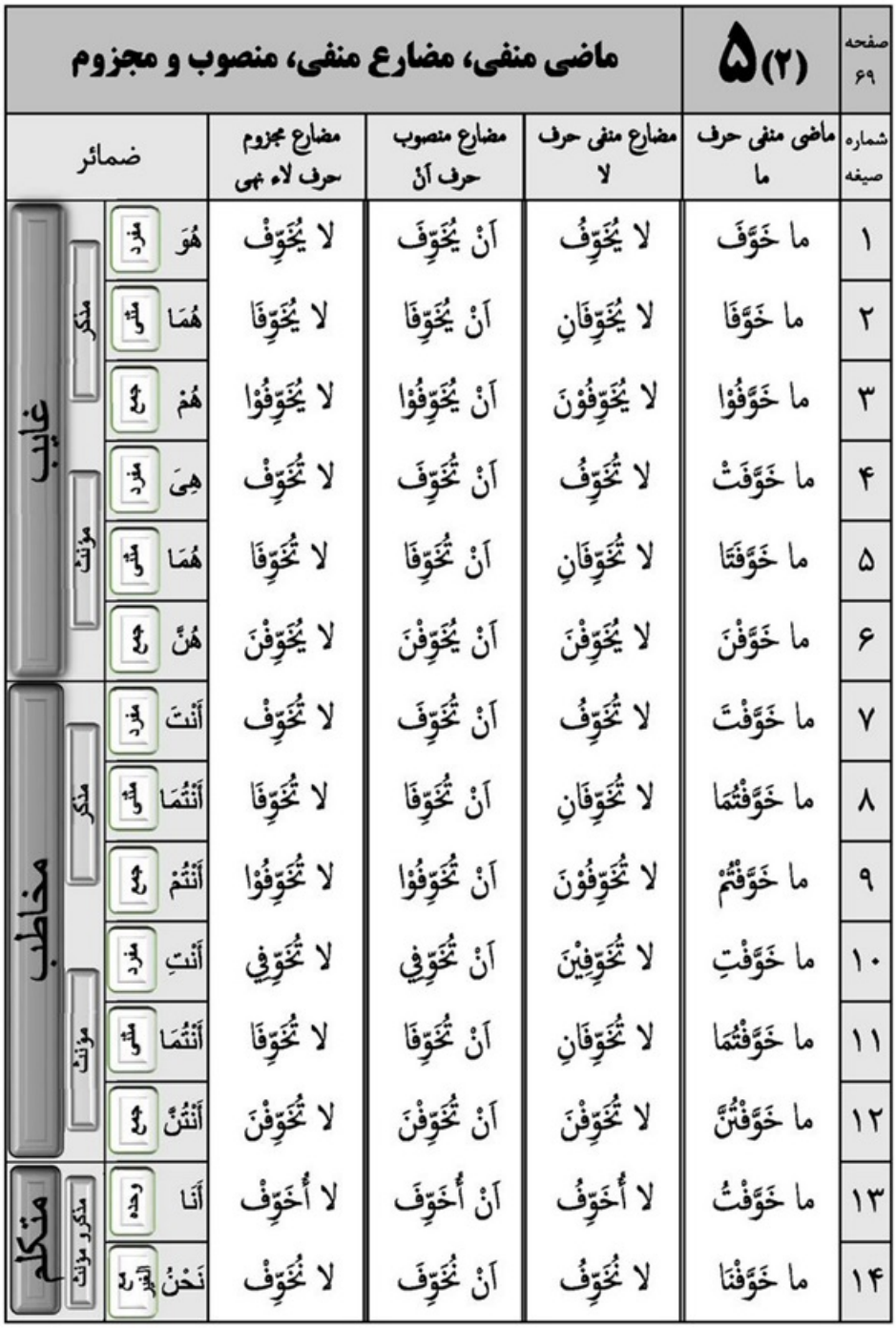

صفحه ۶۹	۵ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما خَوَّفَ	لا يُخَوِّفُ	اَنْ يُخَوِّفَ	لا يُخَوِّفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما خَوَّفَا	لا يُخَوِّفَانِ	اَنْ يُخَوِّفَا	لا يُخَوِّفَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما خَوَّفُوْا	لا يُخَوِّفُوْنَ	اَنْ يُخَوِّفُوْا	لا يُخَوِّفُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما خَوَّفَتْ	لا تُخَوِّفُ	اَنْ تُخَوِّفَ	لا تُخَوِّفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما خَوَّفَتَا	لا تُخَوِّفَانِ	اَنْ تُخَوِّفَا	لا تُخَوِّفَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما خَوَّفْنَ	لا يُخَوِّفْنَ	اَنْ يُخَوِّفْنَ	لا يُخَوِّفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما خَوَّفْتَ	لا تُخَوِّفُ	اَنْ تُخَوِّفَ	لا تُخَوِّفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما خَوَّفْتُمَا	لا تُخَوِّفَانِ	اَنْ تُخَوِّفَا	لا تُخَوِّفَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما خَوَّفْتُمْ	لا تُخَوِّفُوْنَ	اَنْ تُخَوِّفُوْا	لا تُخَوِّفُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما خَوَّفْتِ	لا تُخَوِّفِيْنَ	اَنْ تُخَوِّفِي	لا تُخَوِّفِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما خَوَّفْتُمَا	لا تُخَوِّفَانِ	اَنْ تُخَوِّفَا	لا تُخَوِّفَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما خَوَّفْتُنَّ	لا تُخَوِّفْنَ	اَنْ تُخَوِّفْنَ	لا تُخَوِّفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما خَوَّفْتُ	لا أُخَوِّفُ	اَنْ أُخَوِّفَ	لا أُخَوِّفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — اَنَا
۱۴	ما خَوَّفْنَا	لا نُخَوِّفُ	اَنْ نُخَوِّفَ	لا نُخَوِّفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۷۰	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُخَوِّفَنَّ	لِيُخَوَّفَنَّ	لِيُخَوِّفَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُخَوِّفَانِّ	لِيُخَوَّفَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُخَوِّفُنَّ	لِيُخَوَّفُنَّ	لِيُخَوِّفُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُخَوِّفَنَّ	لِتُخَوَّفَنَّ	لِتُخَوِّفَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُخَوِّفَانِّ	لِتُخَوَّفَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُخَوِّفْنَانِّ	لِيُخَوَّفْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	خَوِّفَنَّ	لِتُخَوَّفَنَّ	خَوِّفَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	خَوِّفَانِّ	لِتُخَوَّفَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	خَوِّفُنَّ	لِتُخَوَّفُنَّ	خَوِّفُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	خَوِّفِنَّ	لِتُخَوَّفِنَّ	خَوِّفِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	خَوِّفَانِّ	لِتُخَوَّفَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	خَوِّفْنَانِّ	لِتُخَوَّفْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُخَوِّفَنَّ	لِأُخَوَّفَنَّ	لِأُخَوِّفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُخَوِّفَنَّ	لِنُخَوَّفَنَّ	لِنُخَوِّفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

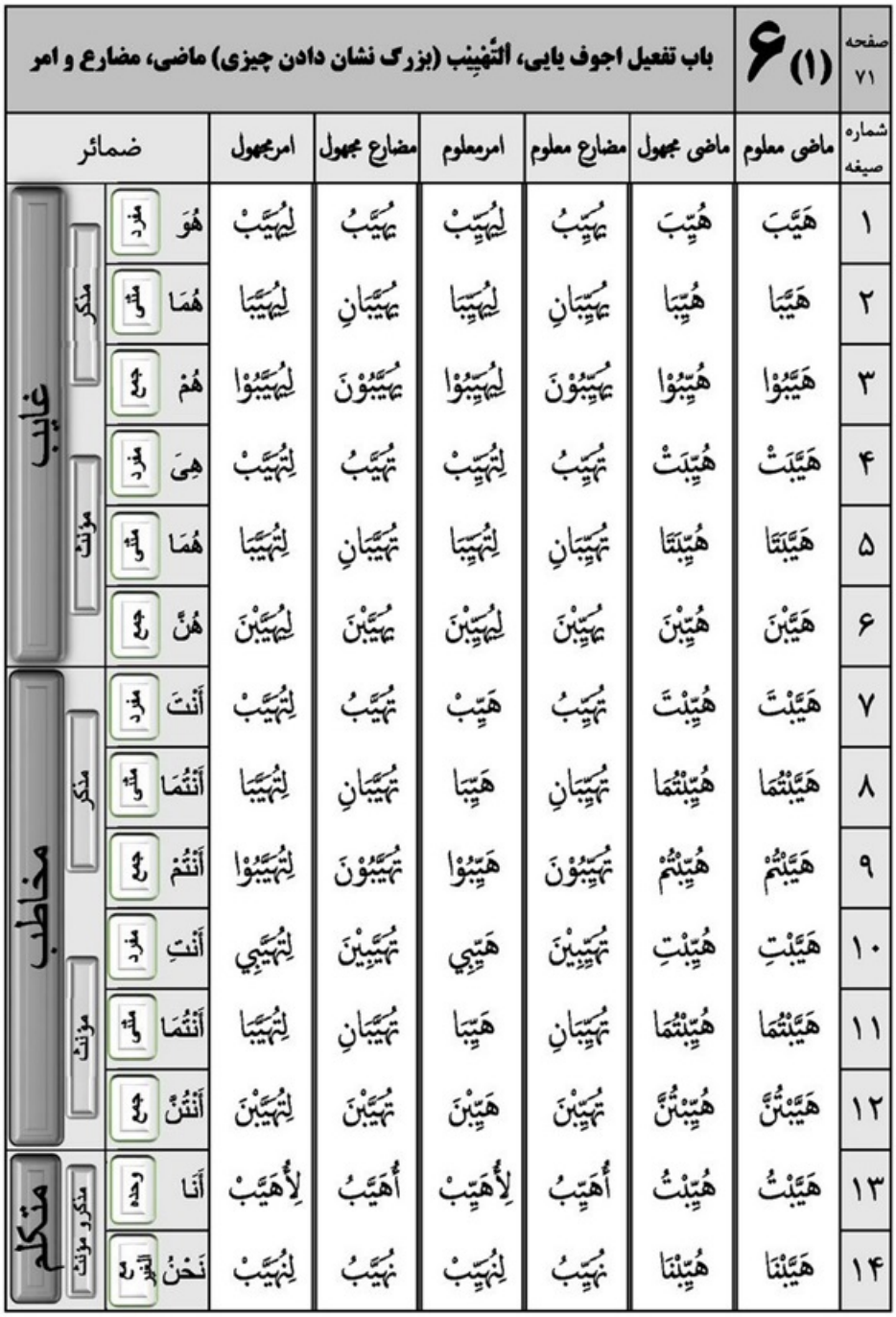

صفحه ۷۱	(۱) ۶ باب تفعیل اجوف یایی، اَلتَّهْیِیب (بزرگ نشان دادن چیزی) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	هَیَّبَ	هُیِّبَ	یُهَیِّبُ	لِیُهَیِّبْ	یُهَیَّبُ	لِیُهَیَّبْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	هَیَّبَا	هُیِّبَا	یُهَیِّبَانِ	لِیُهَیِّبَا	یُهَیَّبَانِ	لِیُهَیَّبَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	هَیَّبُوْا	هُیِّبُوْا	یُهَیِّبُوْنَ	لِیُهَیِّبُوْا	یُهَیَّبُوْنَ	لِیُهَیَّبُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	هَیَّبَتْ	هُیِّبَتْ	تُهَیِّبُ	لِتُهَیِّبْ	تُهَیَّبُ	لِتُهَیَّبْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	هَیَّبَتَا	هُیِّبَتَا	تُهَیِّبَانِ	لِتُهَیِّبَا	تُهَیَّبَانِ	لِتُهَیَّبَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	هَیَّبْنَ	هُیِّبْنَ	یُهَیِّبْنَ	لِیُهَیِّبْنَ	یُهَیَّبْنَ	لِیُهَیَّبْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	هَیَّبْتَ	هُیِّبْتَ	تُهَیِّبُ	هَیِّبْ	تُهَیَّبُ	لِتُهَیَّبْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	هَیَّبْتُمَا	هُیِّبْتُمَا	تُهَیِّبَانِ	هَیِّبَا	تُهَیَّبَانِ	لِتُهَیَّبَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	هَیَّبْتُمْ	هُیِّبْتُمْ	تُهَیِّبُوْنَ	هَیِّبُوْا	تُهَیَّبُوْنَ	لِتُهَیَّبُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	هَیَّبْتِ	هُیِّبْتِ	تُهَیِّبِیْنَ	هَیِّبِي	تُهَیَّبِیْنَ	لِتُهَیَّبِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	هَیَّبْتُمَا	هُیِّبْتُمَا	تُهَیِّبَانِ	هَیِّبَا	تُهَیَّبَانِ	لِتُهَیَّبَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	هَیَّبْتُنَّ	هُیِّبْتُنَّ	تُهَیِّبْنَ	هَیِّبْنَ	تُهَیَّبْنَ	لِتُهَیَّبْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	هَیَّبْتُ	هُیِّبْتُ	أُهَیِّبُ	لِأُهَیِّبْ	أُهَیَّبُ	لِأُهَیَّبْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	هَیَّبْنَا	هُیِّبْنَا	نُهَیِّبُ	لِنُهَیِّبْ	نُهَیَّبُ	لِنُهَیَّبْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

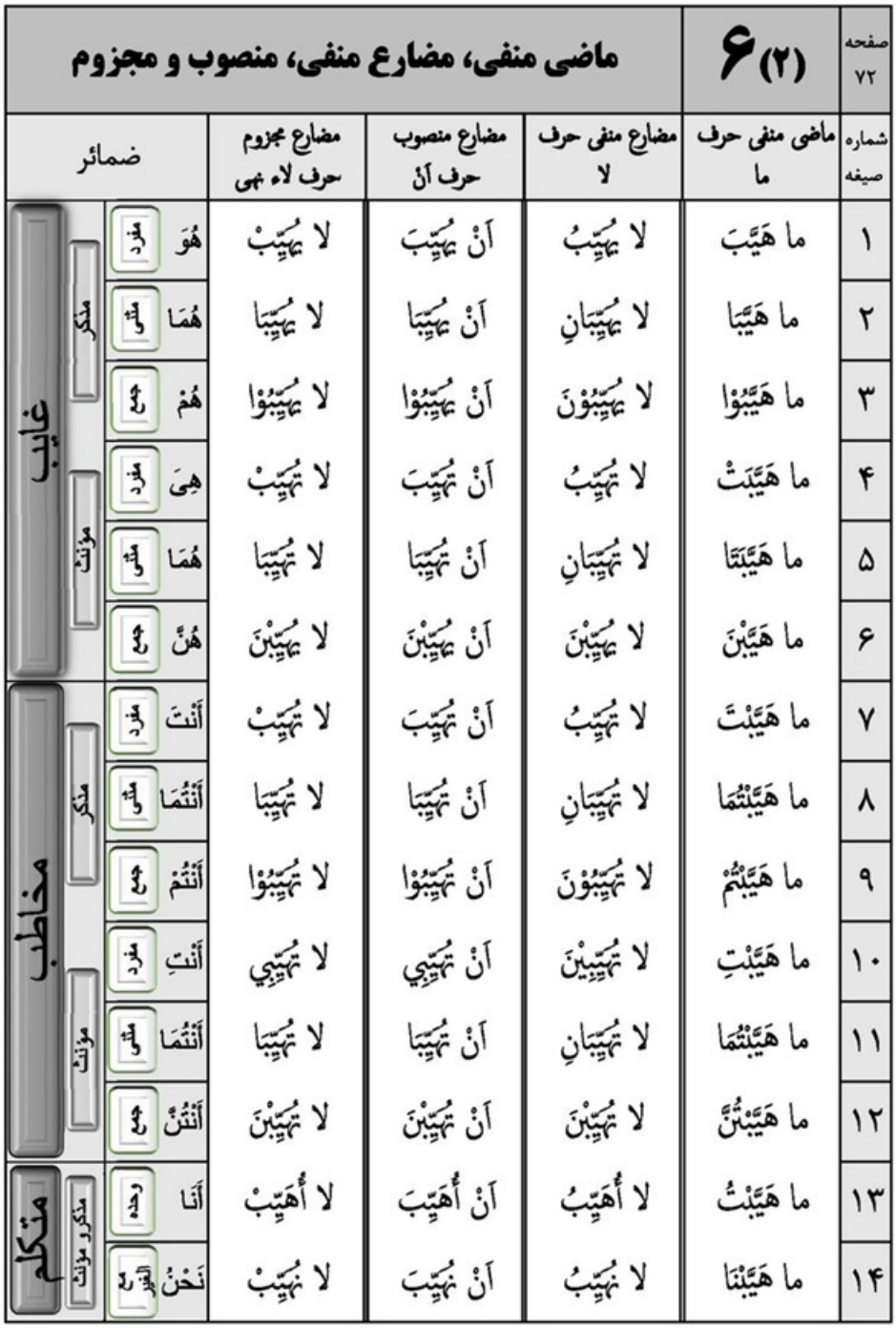

صفحه ۷۲	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما هَيَّبَ	لا يُهَيِّبُ	اَنْ يُهَيِّبَ	لا يُهَيِّبْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	ما هَيَّبَا	لا يُهَيِّبَانِ	اَنْ يُهَيِّبَا	لا يُهَيِّبَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	ما هَيَّبُوْا	لا يُهَيِّبُوْنَ	اَنْ يُهَيِّبُوْا	لا يُهَيِّبُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	ما هَيَّبَتْ	لا تُهَيِّبُ	اَنْ تُهَيِّبَ	لا تُهَيِّبْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	ما هَيَّبَتَا	لا تُهَيِّبَانِ	اَنْ تُهَيِّبَا	لا تُهَيِّبَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	ما هَيَّبْنَ	لا يُهَيِّبْنَ	اَنْ يُهَيِّبْنَ	لا يُهَيِّبْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	ما هَيَّبْتَ	لا تُهَيِّبُ	اَنْ تُهَيِّبَ	لا تُهَيِّبْ	اَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	ما هَيَّبْتُمَا	لا تُهَيِّبَانِ	اَنْ تُهَيِّبَا	لا تُهَيِّبَا	اَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	ما هَيَّبْتُمْ	لا تُهَيِّبُوْنَ	اَنْ تُهَيِّبُوْا	لا تُهَيِّبُوْا	اَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	ما هَيَّبْتِ	لا تُهَيِّبِيْنَ	اَنْ تُهَيِّبِي	لا تُهَيِّبِي	اَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما هَيَّبْتُمَا	لا تُهَيِّبَانِ	اَنْ تُهَيِّبَا	لا تُهَيِّبَا	اَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	ما هَيَّبْتُنَّ	لا تُهَيِّبْنَ	اَنْ تُهَيِّبْنَ	لا تُهَيِّبْنَ	اَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما هَيَّبْتُ	لا اُهَيِّبُ	اَنْ اُهَيِّبَ	لا اُهَيِّبْ	اَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده
۱۴	ما هَيَّبْنَا	لا نُهَيِّبُ	اَنْ نُهَيِّبَ	لا نُهَيِّبْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر

تصویر

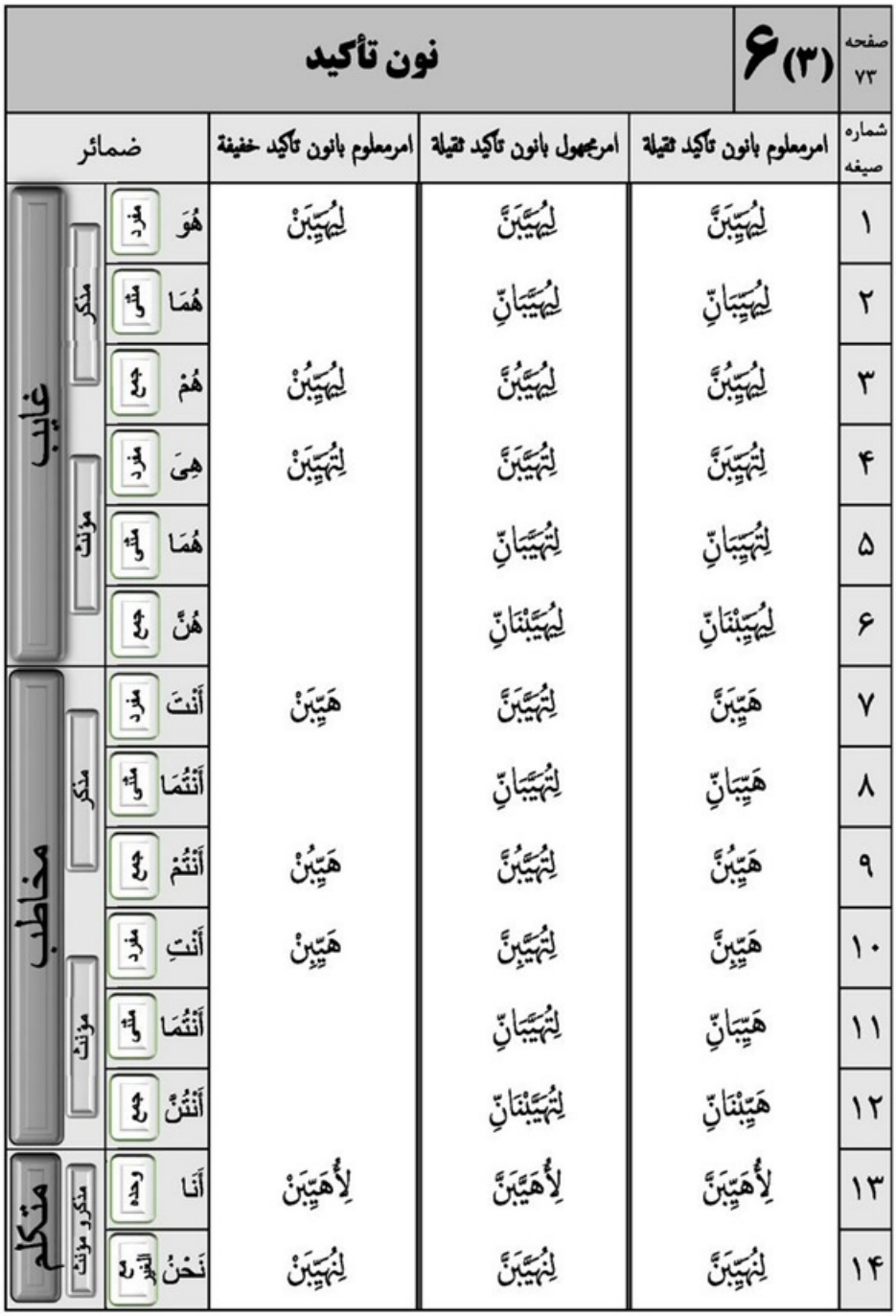

صفحه ۷۳	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لَيُهَيِّبَنَّ	لَيُهَيَّبَنَّ	لَيُهَيِّبَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لَيُهَيِّبَانِّ	لَيُهَيَّبَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لَيُهَيِّبُنَّ	لَيُهَيَّبُنَّ	لَيُهَيِّبُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُهَيِّبَنَّ	لِتُهَيَّبَنَّ	لِتُهَيِّبَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُهَيِّبَانِّ	لِتُهَيَّبَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لَيُهَيِّبْنَانِّ	لَيُهَيَّبْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	هَيِّبَنَّ	لِتُهَيَّبَنَّ	هَيِّبَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	هَيِّبَانِّ	لِتُهَيَّبَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	هَيِّبُنَّ	لِتُهَيَّبُنَّ	هَيِّبُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	هَيِّبِنَّ	لِتُهَيَّبِنَّ	هَيِّبِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	هَيِّبَانِّ	لِتُهَيَّبَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	هَيِّبْنَانِّ	لِتُهَيَّبْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُهَيِّبَنَّ	لِأُهَيَّبَنَّ	لِأُهَيِّبَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُهَيِّبَنَّ	لِنُهَيَّبَنَّ	لِنُهَيِّبَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

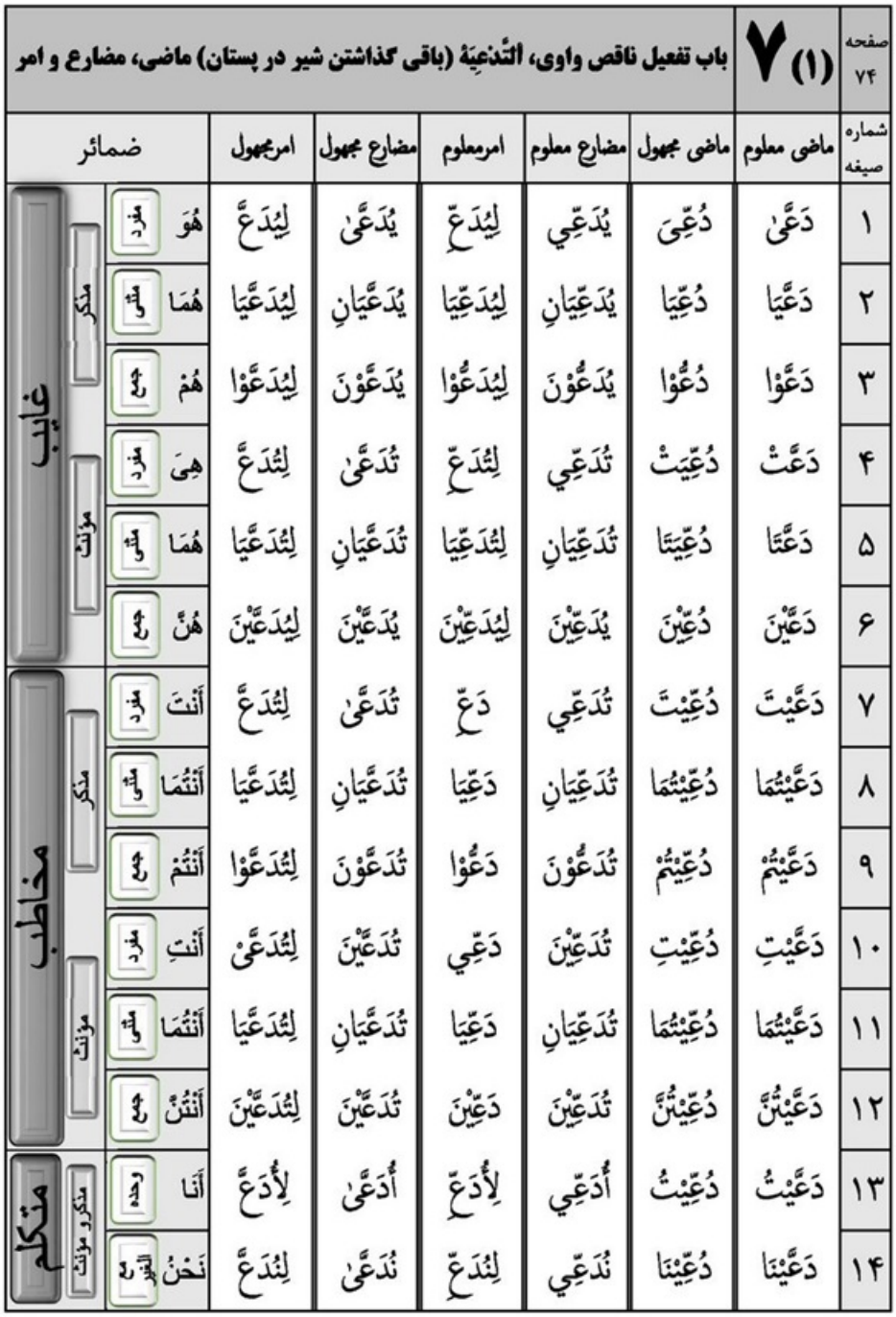

صفحه ۷۴	باب تفعیل ناقص واوی، التَّذعِیَة (باقی گذاشتن شیر در پستان) ماضی، مضارع و امر (۱) ۷						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	دَعَّیٰ	دُعِّیَ	یُدَعِّي	لِیُدَعِّ	یُدَعَّیٰ	لِیُدَعَّ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	دَعَّیَا	دُعِّیَا	یُدَعِّیَانِ	لِیُدَعِّیَا	یُدَعَّیَانِ	لِیُدَعَّیَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	دَعَّوْا	دُعُّوْا	یُدَعُّوْنَ	لِیُدَعُّوْا	یُدَعَّوْنَ	لِیُدَعَّوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	دَعَّتْ	دُعِّیَتْ	تُدَعِّي	لِتُدَعِّ	تُدَعَّیٰ	لِتُدَعَّ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	دَعَّتَا	دُعِّیَتَا	تُدَعِّیَانِ	لِتُدَعِّیَا	تُدَعَّیَانِ	لِتُدَعَّیَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	دَعَّیْنَ	دُعِّیْنَ	یُدَعِّیْنَ	لِیُدَعِّیْنَ	یُدَعَّیْنَ	لِیُدَعَّیْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	دَعَّیْتَ	دُعِّیْتَ	تُدَعِّي	دَعِّ	تُدَعَّیٰ	لِتُدَعَّ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	دَعَّیْتُمَا	دُعِّیْتُمَا	تُدَعِّیَانِ	دَعِّیَا	تُدَعَّیَانِ	لِتُدَعَّیَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	دَعَّیْتُمْ	دُعِّیْتُمْ	تُدَعُّوْنَ	دَعُّوْا	تُدَعَّوْنَ	لِتُدَعَّوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	دَعَّیْتِ	دُعِّیْتِ	تُدَعِّیْنَ	دَعِّي	تُدَعَّیْنَ	لِتُدَعَّیْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	دَعَّیْتُمَا	دُعِّیْتُمَا	تُدَعِّیَانِ	دَعِّیَا	تُدَعَّیَانِ	لِتُدَعَّیَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	دَعَّیْتُنَّ	دُعِّیْتُنَّ	تُدَعِّیْنَ	دَعِّیْنَ	تُدَعَّیْنَ	لِتُدَعَّیْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	دَعَّیْتُ	دُعِّیْتُ	أُدَعِّي	لِأُدَعِّ	أُدَعَّیٰ	لِأُدَعَّ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	دَعَّیْنَا	دُعِّیْنَا	نُدَعِّي	لِنُدَعِّ	نُدَعَّیٰ	لِنُدَعَّ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

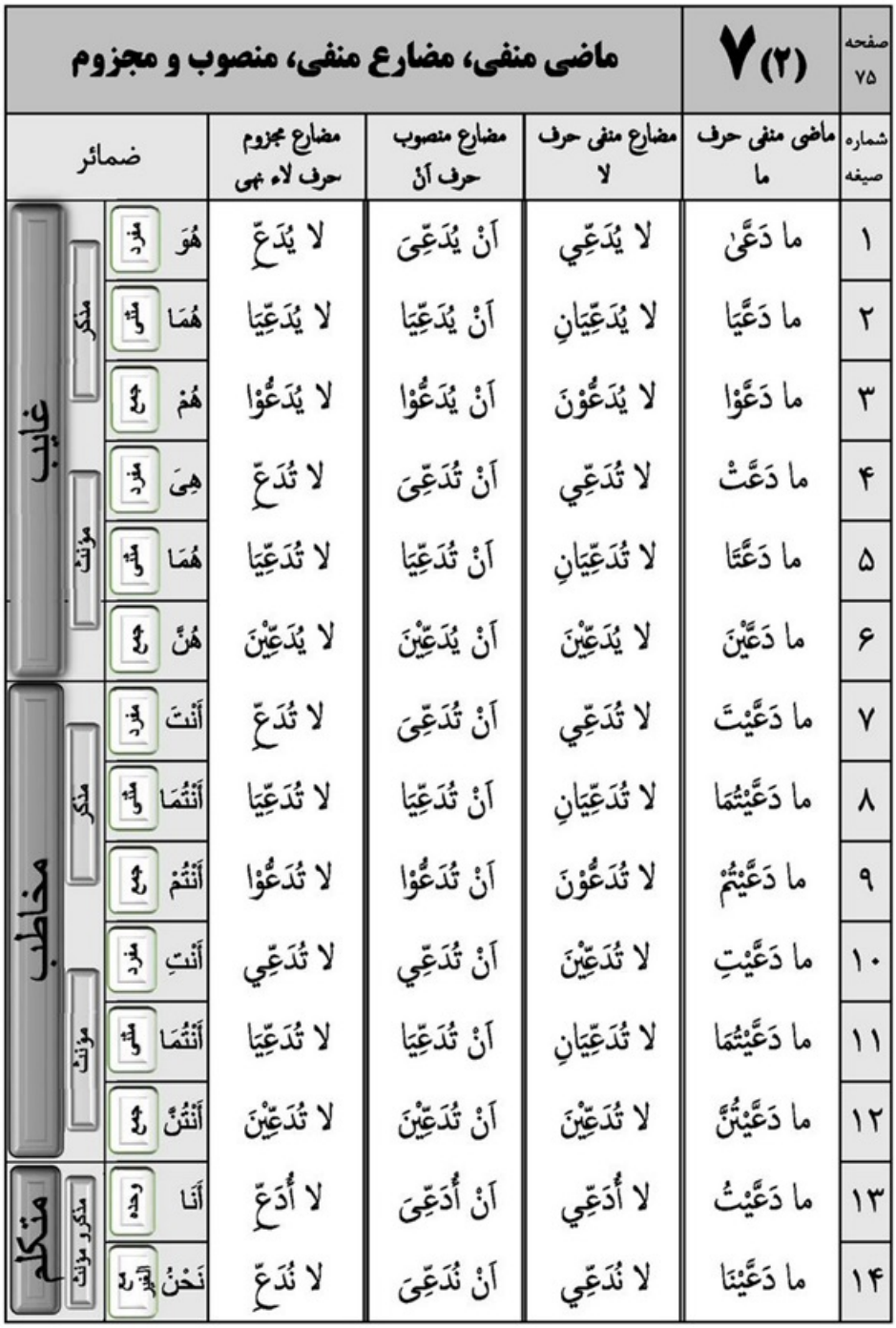

صفحه ۷۵	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما دَعَّیٰ	لا یُدَعِّي	اَنْ یُدَعِّیَ	لا یُدَعِّ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما دَعَّیَا	لا یُدَعِّیَانِ	اَنْ یُدَعِّیَا	لا یُدَعِّیَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما دَعَّوْا	لا یُدَعُّوْنَ	اَنْ یُدَعُّوْا	لا یُدَعُّوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما دَعَّتْ	لا تُدَعِّي	اَنْ تُدَعِّیَ	لا تُدَعِّ	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	ما دَعَّتَا	لا تُدَعِّیَانِ	اَنْ تُدَعِّیَا	لا تُدَعِّیَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما دَعَّیْنَ	لا یُدَعِّیْنَ	اَنْ یُدَعِّیْنَ	لا یُدَعِّیْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما دَعَّیْتَ	لا تُدَعِّي	اَنْ تُدَعِّیَ	لا تُدَعِّ	مخاطب، مذکر، مفرد، اَنْتَ
۸	ما دَعَّیْتُمَا	لا تُدَعِّیَانِ	اَنْ تُدَعِّیَا	لا تُدَعِّیَا	مخاطب، مذکر، مثنی، اَنْتُمَا
۹	ما دَعَّیْتُمْ	لا تُدَعُّوْنَ	اَنْ تُدَعُّوْا	لا تُدَعُّوْا	مخاطب، مذکر، جمع، اَنْتُمْ
۱۰	ما دَعَّیْتِ	لا تُدَعِّیْنَ	اَنْ تُدَعِّي	لا تُدَعِّي	مخاطب، مؤنث، مفرد، اَنْتِ
۱۱	ما دَعَّیْتُمَا	لا تُدَعِّیَانِ	اَنْ تُدَعِّیَا	لا تُدَعِّیَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، اَنْتُمَا
۱۲	ما دَعَّیْتُنَّ	لا تُدَعِّیْنَ	اَنْ تُدَعِّیْنَ	لا تُدَعِّیْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، اَنْتُنَّ
۱۳	ما دَعَّیْتُ	لا اُدَعِّي	اَنْ اُدَعِّیَ	لا اُدَعِّ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، اَنَا
۱۴	ما دَعَّیْنَا	لا نُدَعِّي	اَنْ نُدَعِّیَ	لا نُدَعِّ	متکلم، مذکر و مؤنث، تثنیه و جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۷۶	نون تأکید ۷ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُدَعِّيَنَّ	لِيُدَعَّيَنَّ	لِيُدَعِّيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُدَعِّيَانِّ	لِيُدَعَّيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُدَعُّنَّ	لِيُدَعَّوُنَّ	لِيُدَعُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُدَعِّيَنَّ	لِتُدَعَّيَنَّ	لِتُدَعِّيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُدَعِّيَانِّ	لِتُدَعَّيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُدَعِّيْنَانِّ	لِيُدَعَّيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	دَعِّيَنَّ	لِتُدَعَّيَنَّ	دَعِّيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	دَعِّيَانِّ	لِتُدَعَّيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	دَعُّنَّ	لِتُدَعَّوُنَّ	دَعُّنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	دَعِّيَنَّ	لِتُدَعَّيِنَّ	دَعِّيْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	دَعِّيَانِّ	لِتُدَعَّيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	دَعِّيْنَانِّ	لِتُدَعَّيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُدَعِّيَنَّ	لِأُدَعَّيَنَّ	لِأُدَعِّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُدَعِّيَنَّ	لِنُدَعَّيَنَّ	لِنُدَعِّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

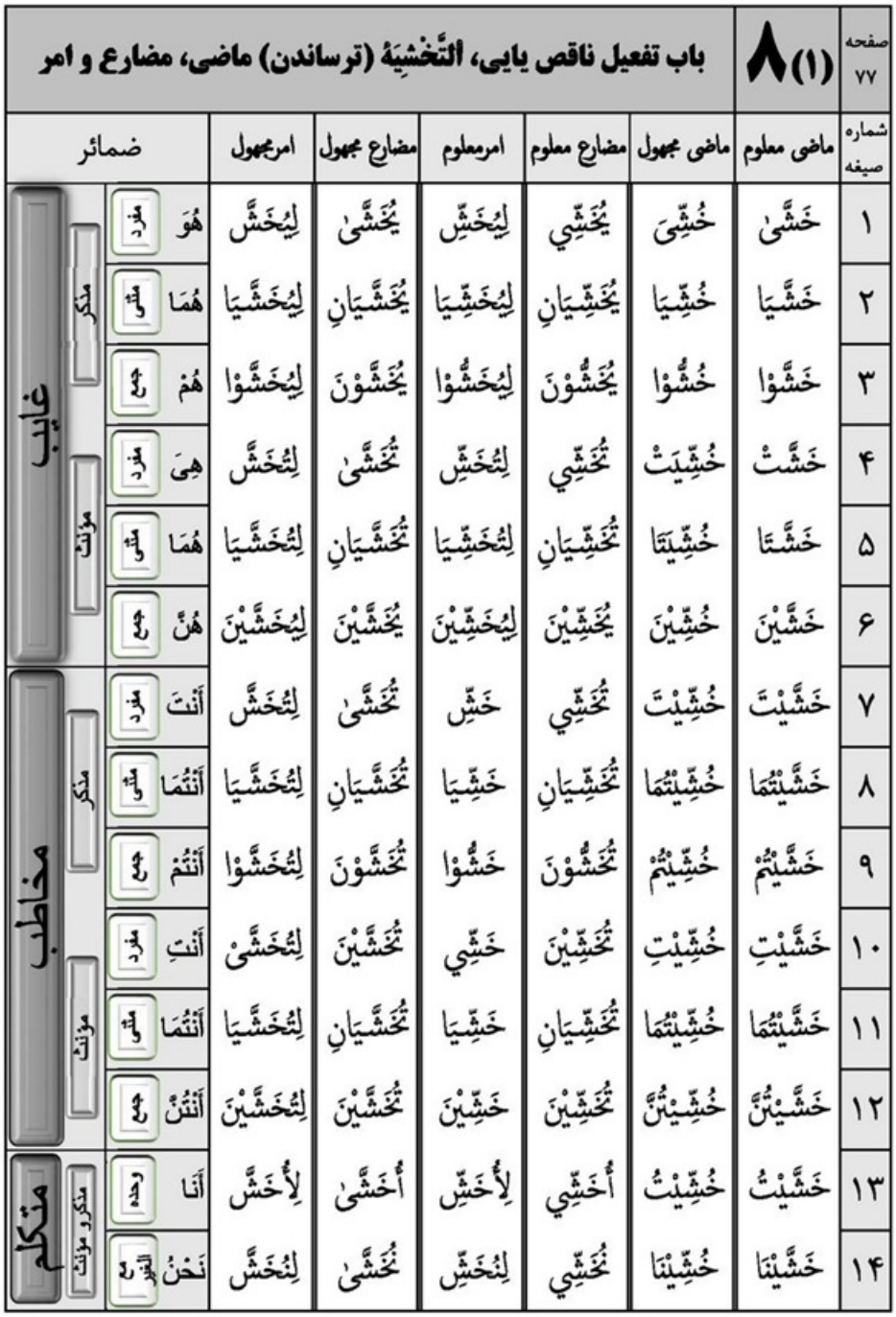

صفحه ۷۷	۸ (۱)	باب تفعیل ناقص یایی، اَلتَّخْشِیَة (ترساندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	خَشَّىٰ	خُشِّيَ	يُخَشِّي	لِيُخَشِّ	يُخَشَّىٰ	لِيُخَشَّ	هُوَ	غایب — مذکر — مفرد
۲	خَشَّيَا	خُشِّيَا	يُخَشِّيَانِ	لِيُخَشِّيَا	يُخَشَّيَانِ	لِيُخَشَّيَا	هُمَا	غایب — مذکر — مثنی
۳	خَشَّوْا	خُشُّوْا	يُخَشُّوْنَ	لِيُخَشُّوْا	يُخَشَّوْنَ	لِيُخَشَّوْا	هُمْ	غایب — مذکر — جمع
۴	خَشَّتْ	خُشِّيَتْ	تُخَشِّي	لِتُخَشِّ	تُخَشَّىٰ	لِتُخَشَّ	هِيَ	غایب — مؤنث — مفرد
۵	خَشَّتَا	خُشِّيَتَا	تُخَشِّيَانِ	لِتُخَشِّيَا	تُخَشَّيَانِ	لِتُخَشَّيَا	هُمَا	غایب — مؤنث — مثنی
۶	خَشَّيْنَ	خُشِّيْنَ	يُخَشِّيْنَ	لِيُخَشِّيْنَ	يُخَشَّيْنَ	لِيُخَشَّيْنَ	هُنَّ	غایب — مؤنث — جمع
۷	خَشَّيْتَ	خُشِّيْتَ	تُخَشِّي	خَشِّ	تُخَشَّىٰ	لِتُخَشَّ	أَنْتَ	مخاطب — مذکر — مفرد
۸	خَشَّيْتُمَا	خُشِّيْتُمَا	تُخَشِّيَانِ	خَشِّيَا	تُخَشَّيَانِ	لِتُخَشَّيَا	أَنْتُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی
۹	خَشَّيْتُمْ	خُشِّيْتُمْ	تُخَشُّوْنَ	خَشُّوْا	تُخَشَّوْنَ	لِتُخَشَّوْا	أَنْتُمْ	مخاطب — مذکر — جمع
۱۰	خَشَّيْتِ	خُشِّيْتِ	تُخَشِّيْنَ	خَشِّي	تُخَشَّيْنَ	لِتُخَشَّىٰ	أَنْتِ	مخاطب — مؤنث — مفرد
۱۱	خَشَّيْتُمَا	خُشِّيْتُمَا	تُخَشِّيَانِ	خَشِّيَا	تُخَشَّيَانِ	لِتُخَشَّيَا	أَنْتُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی
۱۲	خَشَّيْتُنَّ	خُشِّيْتُنَّ	تُخَشِّيْنَ	خَشِّيْنَ	تُخَشَّيْنَ	لِتُخَشَّيْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع
۱۳	خَشَّيْتُ	خُشِّيْتُ	أُخَشِّي	لِأُخَشِّ	أُخَشَّىٰ	لِأُخَشَّ	أَنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد
۱۴	خَشَّيْنَا	خُشِّيْنَا	نُخَشِّي	لِنُخَشِّ	نُخَشَّىٰ	لِنُخَشَّ	نَحْنُ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع

تصویر

صفحه ۷۸	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما خَشَّىٰ	لا يُخَشِّي	اَنْ يُخَشِّيَ	لا يُخَشِّ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما خَشَّيَا	لا يُخَشِّيَانِ	اَنْ يُخَشِّيَا	لا يُخَشِّيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما خَشَّوْا	لا يُخَشُّوْنَ	اَنْ يُخَشُّوْا	لا يُخَشُّوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما خَشَّتْ	لا تُخَشِّي	اَنْ تُخَشِّيَ	لا تُخَشِّ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما خَشَّتَا	لا تُخَشِّيَانِ	اَنْ تُخَشِّيَا	لا تُخَشِّيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما خَشَّيْنَ	لا يُخَشِّيْنَ	اَنْ يُخَشِّيْنَ	لا يُخَشِّيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما خَشَّيْتَ	لا تُخَشِّي	اَنْ تُخَشِّيَ	لا تُخَشِّ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما خَشَّيْتُمَا	لا تُخَشِّيَانِ	اَنْ تُخَشِّيَا	لا تُخَشِّيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما خَشَّيْتُمْ	لا تُخَشُّوْنَ	اَنْ تُخَشُّوْا	لا تُخَشُّوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما خَشَّيْتِ	لا تُخَشِّيْنَ	اَنْ تُخَشِّي	لا تُخَشِّي	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما خَشَّيْتُمَا	لا تُخَشِّيَانِ	اَنْ تُخَشِّيَا	لا تُخَشِّيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما خَشَّيْتُنَّ	لا تُخَشِّيْنَ	اَنْ تُخَشِّيْنَ	لا تُخَشِّيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما خَشَّيْتُ	لا اُخَشِّي	اَنْ اُخَشِّيَ	لا اُخَشِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — اَنَا
۱۴	ما خَشَّيْنَا	لا نُخَشِّي	اَنْ نُخَشِّيَ	لا نُخَشِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۷۹	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُخَشِّيَنَّ	لِيُخَشَّيَنَّ	لِيُخَشِّيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُخَشِّيَانِّ	لِيُخَشَّيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُخَشُّنَّ	لِيُخَشَّوُنَّ	لِيُخَشُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُخَشِّيَنَّ	لِتُخَشَّيَنَّ	لِتُخَشِّيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُخَشِّيَانِّ	لِتُخَشَّيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُخَشِّيْنَانِّ	لِيُخَشَّيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	خَشِّيَنَّ	لِتُخَشَّيَنَّ	خَشِّيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	خَشِّيَانِّ	لِتُخَشَّيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	خَشُّنَّ	لِتُخَشَّوُنَّ	خَشُّنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	خَشِّنَّ	لِتُخَشَّيِنَّ	خَشِّنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	خَشِّيَانِّ	لِتُخَشَّيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	خَشِّيْنَانِّ	لِتُخَشَّيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُخَشِّيَنَّ	لِأُخَشَّيَنَّ	لِأُخَشِّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُخَشِّيَنَّ	لِنُخَشَّيَنَّ	لِنُخَشِّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

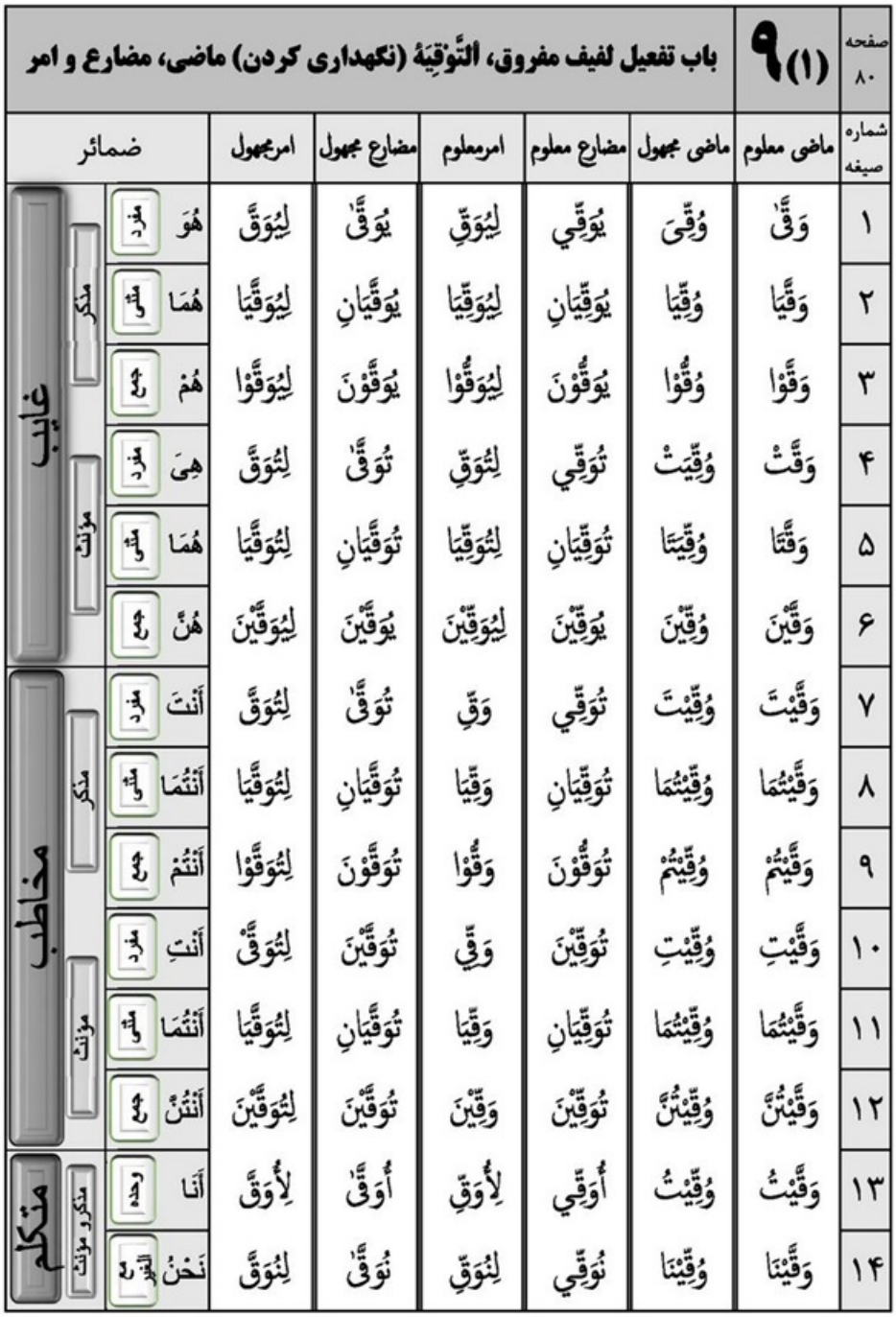

صفحه ۸۰	۹ (۱) باب تفعیل لفیف مفروق، اَلتَّوْقِیَةُ (نگهداری کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	وَقَّیٰ	وُقِّیَ	یُوَقِّي	لِیُوَقِّ	یُوَقّٰی	لِیُوَقَّ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	وَقَّیَا	وُقِّیَا	یُوَقِّیَانِ	لِیُوَقِّیَا	یُوَقَّیَانِ	لِیُوَقَّیَا	غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	وَقَّوْا	وُقُّوْا	یُوَقُّوْنَ	لِیُوَقُّوْا	یُوَقَّوْنَ	لِیُوَقَّوْا	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	وَقَّتْ	وُقِّیَتْ	تُوَقِّي	لِتُوَقِّ	تُوَقّٰی	لِتُوَقَّ	غایب: مؤنث: مفرد: هِیَ
۵	وَقَّتَا	وُقِّیَتَا	تُوَقِّیَانِ	لِتُوَقِّیَا	تُوَقَّیَانِ	لِتُوَقَّیَا	غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	وَقَّیْنَ	وُقِّیْنَ	یُوَقِّیْنَ	لِیُوَقِّیْنَ	یُوَقَّیْنَ	لِیُوَقَّیْنَ	غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	وَقَّیْتَ	وُقِّیْتَ	تُوَقِّي	وَقِّ	تُوَقّٰی	لِتُوَقَّ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	وَقَّیْتُمَا	وُقِّیْتُمَا	تُوَقِّیَانِ	وَقِّیَا	تُوَقَّیَانِ	لِتُوَقَّیَا	مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	وَقَّیْتُمْ	وُقِّیْتُمْ	تُوَقُّوْنَ	وَقُّوْا	تُوَقَّوْنَ	لِتُوَقَّوْا	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	وَقَّیْتِ	وُقِّیْتِ	تُوَقِّیْنَ	وَقِّي	تُوَقَّیْنَ	لِتُوَقّٰی	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	وَقَّیْتُمَا	وُقِّیْتُمَا	تُوَقِّیَانِ	وَقِّیَا	تُوَقَّیَانِ	لِتُوَقَّیَا	مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	وَقَّیْتُنَّ	وُقِّیْتُنَّ	تُوَقِّیْنَ	وَقِّیْنَ	تُوَقَّیْنَ	لِتُوَقَّیْنَ	مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	وَقَّیْتُ	وُقِّیْتُ	أُوَقِّي	لِأُوَقِّ	أُوَقّٰی	لِأُوَقَّ	متکلم: مذکر و مؤنث: واحد: أَنَا
۱۴	وَقَّیْنَا	وُقِّیْنَا	نُوَقِّي	لِنُوَقِّ	نُوَقّٰی	لِنُوَقَّ	متکلم: مذکر و مؤنث: غیر واحد: نَحْنُ

تصویر

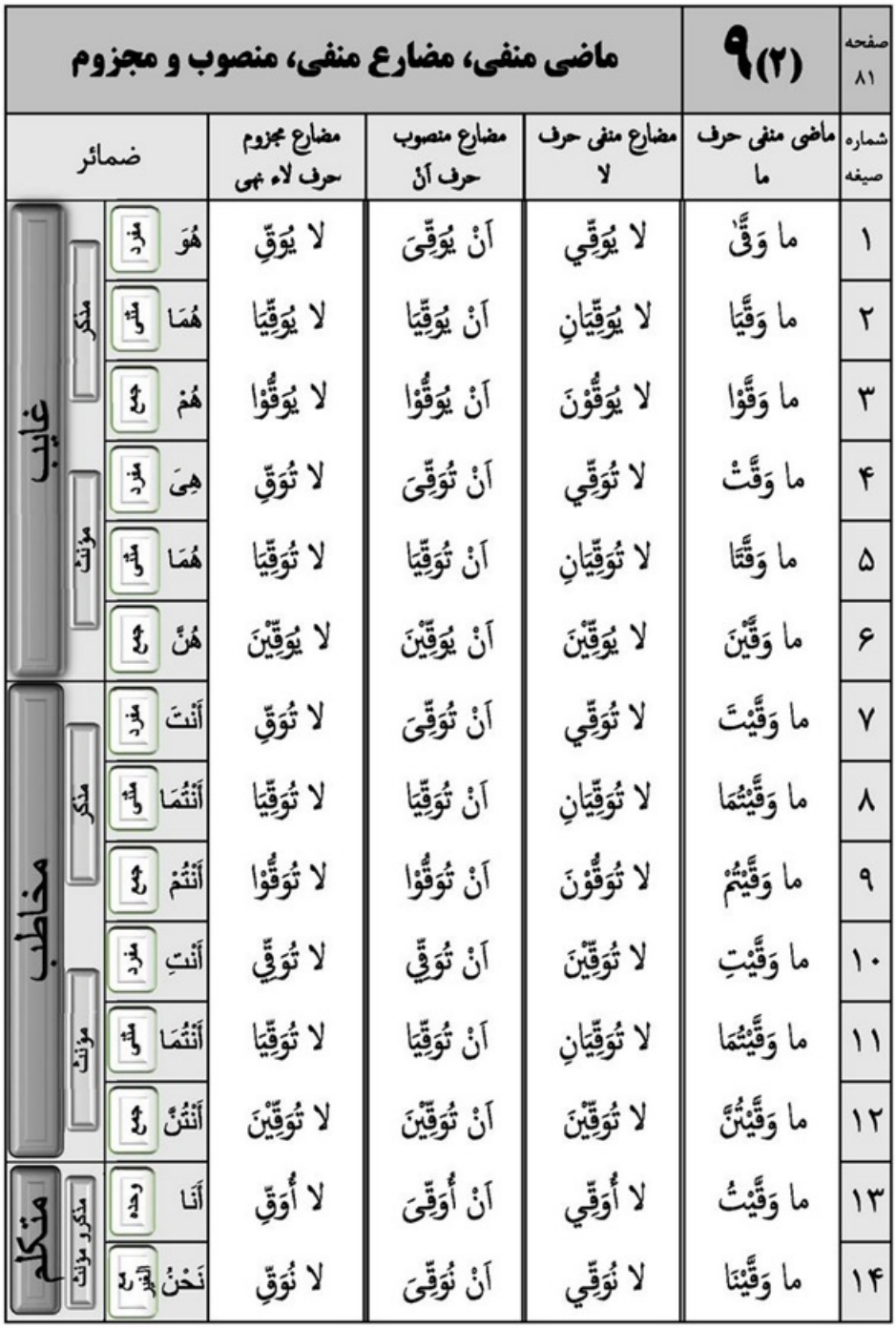

صفحه ۸۱	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما وَقَّیٰ	لا یُوَقِّي	اَنْ یُوَقِّیَ	لا یُوَقِّ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما وَقَّیَا	لا یُوَقِّیَانِ	اَنْ یُوَقِّیَا	لا یُوَقِّیَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما وَقَّوْا	لا یُوَقُّوْنَ	اَنْ یُوَقُّوْا	لا یُوَقُّوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما وَقَّتْ	لا تُوَقِّي	اَنْ تُوَقِّیَ	لا تُوَقِّ	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	ما وَقَّتَا	لا تُوَقِّیَانِ	اَنْ تُوَقِّیَا	لا تُوَقِّیَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما وَقَّیْنَ	لا یُوَقِّیْنَ	اَنْ یُوَقِّیْنَ	لا یُوَقِّیْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما وَقَّیْتَ	لا تُوَقِّي	اَنْ تُوَقِّیَ	لا تُوَقِّ	مخاطب، مذکر، مفرد، اَنْتَ
۸	ما وَقَّیْتُمَا	لا تُوَقِّیَانِ	اَنْ تُوَقِّیَا	لا تُوَقِّیَا	مخاطب، مذکر، مثنی، اَنْتُمَا
۹	ما وَقَّیْتُمْ	لا تُوَقُّوْنَ	اَنْ تُوَقُّوْا	لا تُوَقُّوْا	مخاطب، مذکر، جمع، اَنْتُمْ
۱۰	ما وَقَّیْتِ	لا تُوَقِّیْنَ	اَنْ تُوَقِّي	لا تُوَقِّ	مخاطب، مؤنث، مفرد، اَنْتِ
۱۱	ما وَقَّیْتُمَا	لا تُوَقِّیَانِ	اَنْ تُوَقِّیَا	لا تُوَقِّیَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، اَنْتُمَا
۱۲	ما وَقَّیْتُنَّ	لا تُوَقِّیْنَ	اَنْ تُوَقِّیْنَ	لا تُوَقِّیْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، اَنْتُنَّ
۱۳	ما وَقَّیْتُ	لا اُوَقِّي	اَنْ اُوَقِّیَ	لا اُوَقِّ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، اَنَا
۱۴	ما وَقَّیْنَا	لا نُوَقِّي	اَنْ نُوَقِّیَ	لا نُوَقِّ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر وحده، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۸۲	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُوَقِّيَنَّ	لِيُوَقَّيَنَّ	لِيُوَقِّيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُوَقِّيَانِّ	لِيُوَقَّيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُوَقُّنَّ	لِيُوَقَّوُنَّ	لِيُوَقُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُوَقِّيَنَّ	لِتُوَقَّيَنَّ	لِتُوَقِّيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُوَقِّيَانِّ	لِتُوَقَّيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُوَقِّيْنَانِّ	لِيُوَقَّيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	وَقِّيَنَّ	لِتُوَقَّيَنَّ	وَقِّيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	وَقِّيَانِّ	لِتُوَقَّيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	وَقُّنَّ	لِتُوَقَّوُنَّ	وَقُّنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	وَقِّيَنَّ	لِتُوَقَّيِنَّ	وَقِّيْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	وَقِّيَانِّ	لِتُوَقَّيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	وَقِّيْنَانِّ	لِتُوَقَّيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُوَقِّيَنَّ	لِأُوَقَّيَنَّ	لِأُوَقِّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُوَقِّيَنَّ	لِنُوَقَّيَنَّ	لِنُوَقِّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

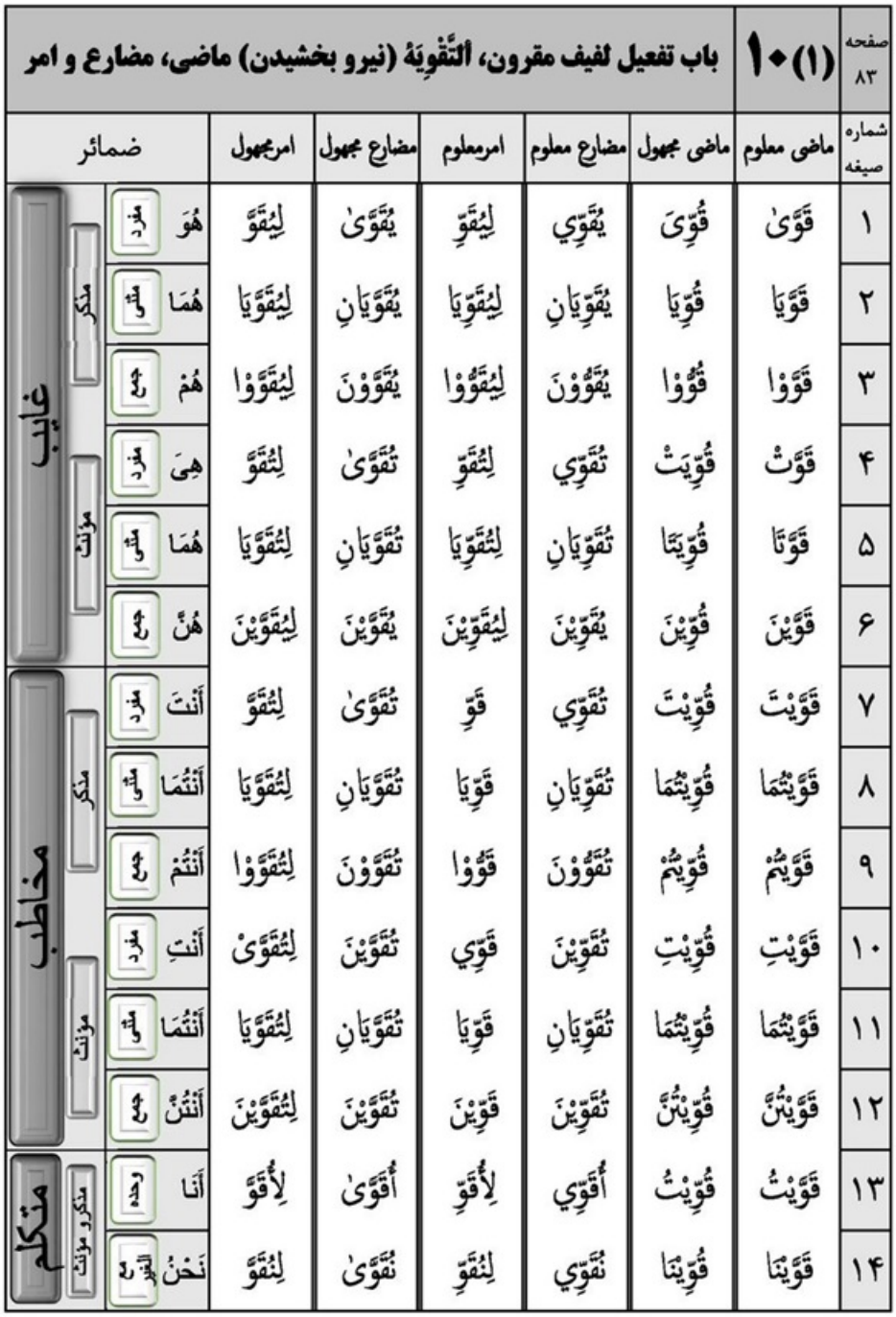

صفحه ۸۳	(۱)۱۰ باب تفعیل لفیف مقرون، اَلتَّقْوِیَهُ (نیرو بخشیدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	قَوَّیٰ	قُوِّیَ	یُقَوِّي	لِیُقَوِّ	یُقَوَّیٰ	لِیُقَوَّ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	قَوَّیَا	قُوِّیَا	یُقَوِّیَانِ	لِیُقَوِّیَا	یُقَوَّیَانِ	لِیُقَوَّیَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	قَوَّوْا	قُوُّوْا	یُقَوُّوْنَ	لِیُقَوُّوْا	یُقَوَّوْنَ	لِیُقَوَّوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	قَوَّتْ	قُوِّیَتْ	تُقَوِّي	لِتُقَوِّ	تُقَوَّیٰ	لِتُقَوَّ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	قَوَّتَا	قُوِّیَتَا	تُقَوِّیَانِ	لِتُقَوِّیَا	تُقَوَّیَانِ	لِتُقَوَّیَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	قَوَّیْنَ	قُوِّیْنَ	یُقَوِّیْنَ	لِیُقَوِّیْنَ	یُقَوَّیْنَ	لِیُقَوَّیْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	قَوَّیْتَ	قُوِّیْتَ	تُقَوِّي	قَوِّ	تُقَوَّیٰ	لِتُقَوَّ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	قَوَّیْتُمَا	قُوِّیْتُمَا	تُقَوِّیَانِ	قَوِّیَا	تُقَوَّیَانِ	لِتُقَوَّیَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	قَوَّیْتُمْ	قُوِّیْتُمْ	تُقَوُّوْنَ	قَوُّوْا	تُقَوَّوْنَ	لِتُقَوَّوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	قَوَّیْتِ	قُوِّیْتِ	تُقَوِّیْنَ	قَوِّي	تُقَوَّیْنَ	لِتُقَوَّیْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	قَوَّیْتُمَا	قُوِّیْتُمَا	تُقَوِّیَانِ	قَوِّیَا	تُقَوَّیَانِ	لِتُقَوَّیَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	قَوَّیْتُنَّ	قُوِّیْتُنَّ	تُقَوِّیْنَ	قَوِّیْنَ	تُقَوَّیْنَ	لِتُقَوَّیْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	قَوَّیْتُ	قُوِّیْتُ	أُقَوِّي	لِأُقَوِّ	أُقَوَّیٰ	لِأُقَوَّ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	قَوَّیْنَا	قُوِّیْنَا	نُقَوِّي	لِنُقَوِّ	نُقَوَّیٰ	لِنُقَوَّ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۸۴	۱۰ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما قَوَّىٰ	لا يُقَوِّي	اَنْ يُقَوِّيَ	لا يُقَوِّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما قَوَّيَا	لا يُقَوِّيَانِ	اَنْ يُقَوِّيَا	لا يُقَوِّيَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما قَوَّوْا	لا يُقَوُّوْنَ	اَنْ يُقَوُّوْا	لا يُقَوُّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما قَوَّتْ	لا تُقَوِّي	اَنْ تُقَوِّيَ	لا تُقَوِّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما قَوَّتَا	لا تُقَوِّيَانِ	اَنْ تُقَوِّيَا	لا تُقَوِّيَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما قَوَّيْنَ	لا يُقَوِّيْنَ	اَنْ يُقَوِّيْنَ	لا يُقَوِّيْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما قَوَّيْتَ	لا تُقَوِّي	اَنْ تُقَوِّيَ	لا تُقَوِّ	مخاطب / مذکر / مفرد / اَنْتَ
۸	ما قَوَّيْتُمَا	لا تُقَوِّيَانِ	اَنْ تُقَوِّيَا	لا تُقَوِّيَا	مخاطب / مذکر / مثنی / اَنْتُمَا
۹	ما قَوَّيْتُمْ	لا تُقَوُّوْنَ	اَنْ تُقَوُّوْا	لا تُقَوُّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / اَنْتُمْ
۱۰	ما قَوَّيْتِ	لا تُقَوِّيْنَ	اَنْ تُقَوِّي	لا تُقَوِّي	مخاطب / مؤنث / مفرد / اَنْتِ
۱۱	ما قَوَّيْتُمَا	لا تُقَوِّيَانِ	اَنْ تُقَوِّيَا	لا تُقَوِّيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / اَنْتُمَا
۱۲	ما قَوَّيْتُنَّ	لا تُقَوِّيْنَ	اَنْ تُقَوِّيْنَ	لا تُقَوِّيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / اَنْتُنَّ
۱۳	ما قَوَّيْتُ	لا اُقَوِّي	اَنْ اُقَوِّيَ	لا اُقَوِّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / اَنَا
۱۴	ما قَوَّيْنَا	لا نُقَوِّي	اَنْ نُقَوِّيَ	لا نُقَوِّ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر وحده / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۸۵	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُقَوِّيَنَّ	لِيُقَوَّيَنَّ	لِيُقَوِّيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُقَوِّيَانِّ	لِيُقَوَّيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُقَوُّنَّ	لِيُقَوَّوُنَّ	لِيُقَوُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُقَوِّيَنَّ	لِتُقَوَّيَنَّ	لِتُقَوِّيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُقَوِّيَانِّ	لِتُقَوَّيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُقَوِّيْنَانِّ	لِيُقَوَّيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	قَوِّيَنَّ	لِتُقَوَّيَنَّ	قَوِّيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	قَوِّيَانِّ	لِتُقَوَّيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	قَوُّنَّ	لِتُقَوَّوُنَّ	قَوُّنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	قَوِّنَّ	لِتُقَوَّيِنَّ	قَوِّنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	قَوِّيَانِّ	لِتُقَوَّيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	قَوِّيْنَانِّ	لِتُقَوَّيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُقَوِّيَنَّ	لِأُقَوَّيَنَّ	لِأُقَوِّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُقَوِّيَنَّ	لِنُقَوَّيَنَّ	لِنُقَوِّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۸۵

تصویر



صفحه ۸۶	(۱) ۱۱ باب تفعیل مهموز الفاء، اَلتَّأْمِیر (فرمانروا قرار دادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَمَّرَ	أُمِّرَ	يُأَمِّرُ	لِيُأَمِّرْ	يُأَمَّرُ	لِيُأَمَّرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَمَّرَا	أُمِّرَا	يُأَمِّرَانِ	لِيُأَمِّرَا	يُأَمَّرَانِ	لِيُأَمَّرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَمَّرُوْا	أُمِّرُوْا	يُأَمِّرُوْنَ	لِيُأَمِّرُوْا	يُأَمَّرُوْنَ	لِيُأَمَّرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَمَّرَتْ	أُمِّرَتْ	تُأَمِّرُ	لِتُأَمِّرْ	تُأَمَّرُ	لِتُأَمَّرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	أَمَّرَتَا	أُمِّرَتَا	تُأَمِّرَانِ	لِتُأَمِّرَا	تُأَمَّرَانِ	لِتُأَمَّرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَمَّرْنَ	أُمِّرْنَ	يُأَمِّرْنَ	لِيُأَمِّرْنَ	يُأَمَّرْنَ	لِيُأَمَّرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَمَّرْتَ	أُمِّرْتَ	تُأَمِّرُ	أَمِّرْ	تُأَمَّرُ	لِتُأَمَّرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَمَّرْتُمَا	أُمِّرْتُمَا	تُأَمِّرَانِ	أَمِّرَا	تُأَمَّرَانِ	لِتُأَمَّرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَمَّرْتُمْ	أُمِّرْتُمْ	تُأَمِّرُوْنَ	أَمِّرُوْا	تُأَمَّرُوْنَ	لِتُأَمَّرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَمَّرْتِ	أُمِّرْتِ	تُأَمِّرِيْنَ	أَمِّرِي	تُأَمَّرِيْنَ	لِتُأَمَّرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَمَّرْتُمَا	أُمِّرْتُمَا	تُأَمِّرَانِ	أَمِّرَا	تُأَمَّرَانِ	لِتُأَمَّرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَمَّرْتُنَّ	أُمِّرْتُنَّ	تُأَمِّرْنَ	أَمِّرْنَ	تُأَمَّرْنَ	لِتُأَمَّرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَمَّرْتُ	أُمِّرْتُ	أُأَمِّرُ	لِأُأَمِّرْ	أُأَمَّرُ	لِأُأَمَّرْ	متکلم — متکلم و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	أَمَّرْنَا	أُمِّرْنَا	نُأَمِّرُ	لِنُأَمِّرْ	نُأَمَّرُ	لِنُأَمَّرْ	متکلم — متکلم و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۸۷	۱۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما أَمَّرَ	لا يُأَمِّرُ	اَنْ يُأَمِّرَ	لا يُأَمِّرْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما أَمَّرَا	لا يُأَمِّرَانِ	اَنْ يُأَمِّرَا	لا يُأَمِّرَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما أَمَّرُوْا	لا يُأَمِّرُوْنَ	اَنْ يُأَمِّرُوْا	لا يُأَمِّرُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما أَمَّرَتْ	لا تُأَمِّرُ	اَنْ تُأَمِّرَ	لا تُأَمِّرْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما أَمَّرَتَا	لا تُأَمِّرَانِ	اَنْ تُأَمِّرَا	لا تُأَمِّرَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما أَمَّرْنَ	لا يُأَمِّرْنَ	اَنْ يُأَمِّرْنَ	لا يُأَمِّرْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما أَمَّرْتَ	لا تُأَمِّرُ	اَنْ تُأَمِّرَ	لا تُأَمِّرْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما أَمَّرْتُمَا	لا تُأَمِّرَانِ	اَنْ تُأَمِّرَا	لا تُأَمِّرَا		أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما أَمَّرْتُمْ	لا تُأَمِّرُوْنَ	اَنْ تُأَمِّرُوْا	لا تُأَمِّرُوْا		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما أَمَّرْتِ	لا تُأَمِّرِيْنَ	اَنْ تُأَمِّرِي	لا تُأَمِّرِي		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما أَمَّرْتُمَا	لا تُأَمِّرَانِ	اَنْ تُأَمِّرَا	لا تُأَمِّرَا		أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما أَمَّرْتُنَّ	لا تُأَمِّرْنَ	اَنْ تُأَمِّرْنَ	لا تُأَمِّرْنَ		أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما أَمَّرْتُ	لا أُأَمِّرُ	اَنْ أُأَمِّرَ	لا أُأَمِّرْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما أَمَّرْنَا	لا نُأَمِّرُ	اَنْ نُأَمِّرَ	لا نُأَمِّرْ		نَحْنُ (مع الغیر)

تصویر



صفحه ۸۸	۱۱ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُأَمِّرَنَّ	لِيُأَمَّرَنَّ	لِيُأَمِّرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُأَمِّرَانِّ	لِيُأَمَّرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُأَمِّرُنَّ	لِيُأَمَّرُنَّ	لِيُأَمِّرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُأَمِّرَنَّ	لِتُأَمَّرَنَّ	لِتُأَمِّرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُأَمِّرَانِّ	لِتُأَمَّرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُأَمِّرْنَانِّ	لِيُأَمَّرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَمِّرَنَّ	لِتُأَمَّرَنَّ	أَمِّرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَمِّرَانِّ	لِتُأَمَّرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَمِّرُنَّ	لِتُأَمَّرُنَّ	أَمِّرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَمِّرِنَّ	لِتُأَمَّرِنَّ	أَمِّرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَمِّرَانِّ	لِتُأَمَّرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَمِّرْنَانِّ	لِتُأَمَّرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُأَمِّرَنَّ	لِأُأَمَّرَنَّ	لِأُأَمِّرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُأَمِّرَنَّ	لِنُأَمَّرَنَّ	لِنُأَمِّرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۸۹	(۱) ۱۲ باب تفعیل مهموز العین، التَّلْئِیم (نسبت پستی دادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	لَأَّمَ	لُئِّمَ	يُلَئِّمُ	لِيُلَئِّمْ	يُلَأَّمُ	لِيُلَأَّمْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لَأَّمَا	لُئِّمَا	يُلَئِّمَانِ	لِيُلَئِّمَا	يُلَأَّمَانِ	لِيُلَأَّمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لَأَّمُوْا	لُئِّمُوْا	يُلَئِّمُوْنَ	لِيُلَئِّمُوْا	يُلَأَّمُوْنَ	لِيُلَأَّمُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لَأَّمَتْ	لُئِّمَتْ	تُلَئِّمُ	لِتُلَئِّمْ	تُلَأَّمُ	لِتُلَأَّمْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لَأَّمَتَا	لُئِّمَتَا	تُلَئِّمَانِ	لِتُلَئِّمَا	تُلَأَّمَانِ	لِتُلَأَّمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لَأَّمْنَ	لُئِّمْنَ	يُلَئِّمْنَ	لِيُلَئِّمْنَ	يُلَأَّمْنَ	لِيُلَأَّمْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	لَأَّمْتَ	لُئِّمْتَ	تُلَئِّمُ	لَئِّمْ	تُلَأَّمُ	لِتُلَأَّمْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	لَأَّمْتُمَا	لُئِّمْتُمَا	تُلَئِّمَانِ	لَئِّمَا	تُلَأَّمَانِ	لِتُلَأَّمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	لَأَّمْتُمْ	لُئِّمْتُمْ	تُلَئِّمُوْنَ	لَئِّمُوْا	تُلَأَّمُوْنَ	لِتُلَأَّمُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	لَأَّمْتِ	لُئِّمْتِ	تُلَئِّمِيْنَ	لَئِّمِي	تُلَأَّمِيْنَ	لِتُلَأَّمِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	لَأَّمْتُمَا	لُئِّمْتُمَا	تُلَئِّمَانِ	لَئِّمَا	تُلَأَّمَانِ	لِتُلَأَّمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	لَأَّمْتُنَّ	لُئِّمْتُنَّ	تُلَئِّمْنَ	لَئِّمْنَ	تُلَأَّمْنَ	لِتُلَأَّمْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لَأَّمْتُ	لُئِّمْتُ	أُلَئِّمُ	لِأُلَئِّمْ	أُلَأَّمُ	لِأُلَأَّمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لَأَّمْنَا	لُئِّمْنَا	نُلَئِّمُ	لِنُلَئِّمْ	نُلَأَّمُ	لِنُلَأَّمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۹۰	۱۲ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما لَأَمَ	لا يُلَئِّمُ	اَنْ يُلَئِّمَ	لا يُلَئِّمْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما لَأَمَا	لا يُلَئِّمَانِ	اَنْ يُلَئِّمَا	لا يُلَئِّمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما لَأَمُوْا	لا يُلَئِّمُوْنَ	اَنْ يُلَئِّمُوْا	لا يُلَئِّمُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما لَأَمَتْ	لا تُلَئِّمُ	اَنْ تُلَئِّمَ	لا تُلَئِّمْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما لَأَمَتَا	لا تُلَئِّمَانِ	اَنْ تُلَئِّمَا	لا تُلَئِّمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما لَأَمْنَ	لا يُلَئِّمْنَ	اَنْ يُلَئِّمْنَ	لا يُلَئِّمْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما لَأَمْتَ	لا تُلَئِّمُ	اَنْ تُلَئِّمَ	لا تُلَئِّمْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما لَأَمْتُمَا	لا تُلَئِّمَانِ	اَنْ تُلَئِّمَا	لا تُلَئِّمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما لَأَمْتُمْ	لا تُلَئِّمُوْنَ	اَنْ تُلَئِّمُوْا	لا تُلَئِّمُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما لَأَمْتِ	لا تُلَئِّمِيْنَ	اَنْ تُلَئِّمِي	لا تُلَئِّمِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما لَأَمْتُمَا	لا تُلَئِّمَانِ	اَنْ تُلَئِّمَا	لا تُلَئِّمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما لَأَمْتُنَّ	لا تُلَئِّمْنَ	اَنْ تُلَئِّمْنَ	لا تُلَئِّمْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما لَأَمْتُ	لا أُلَئِّمُ	اَنْ أُلَئِّمَ	لا أُلَئِّمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	ما لَأَمْنَا	لا نُلَئِّمُ	اَنْ نُلَئِّمَ	لا نُلَئِّمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۹۱	۱۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُلَاَّمَنَّ	لِيُلَاَّمَنَّ	لِيُلَمَّنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُلَمَّانِّ	لِيُلَاَّمَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُلَمُّنَّ	لِيُلَاَّمُنَّ	لِيُلَمُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُلَمَّنَّ	لِتُلَاَّمَنَّ	لِتُلَمَّنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُلَمَّانِّ	لِتُلَاَّمَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُلَمْنَانِّ	لِيُلَاَّمْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	لَتُّمَنَّ	لِتُلَاَّمَنَّ	لَتُّمَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	لَتُّمَانِّ	لِتُلَاَّمَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	لَتُّمُنَّ	لِتُلَاَّمُنَّ	لَتُّمُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	لَتُّمِنَّ	لِتُلَاَّمِنَّ	لَتُّمِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	لَتُّمَانِّ	لِتُلَاَّمَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	لَتُّمْنَانِّ	لِتُلَاَّمْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُلَمَّنَّ	لِأُلَاَّمَنَّ	لِأُلَمَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُلَمَّنَّ	لِنُلَاَّمَنَّ	لِنُلَمَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

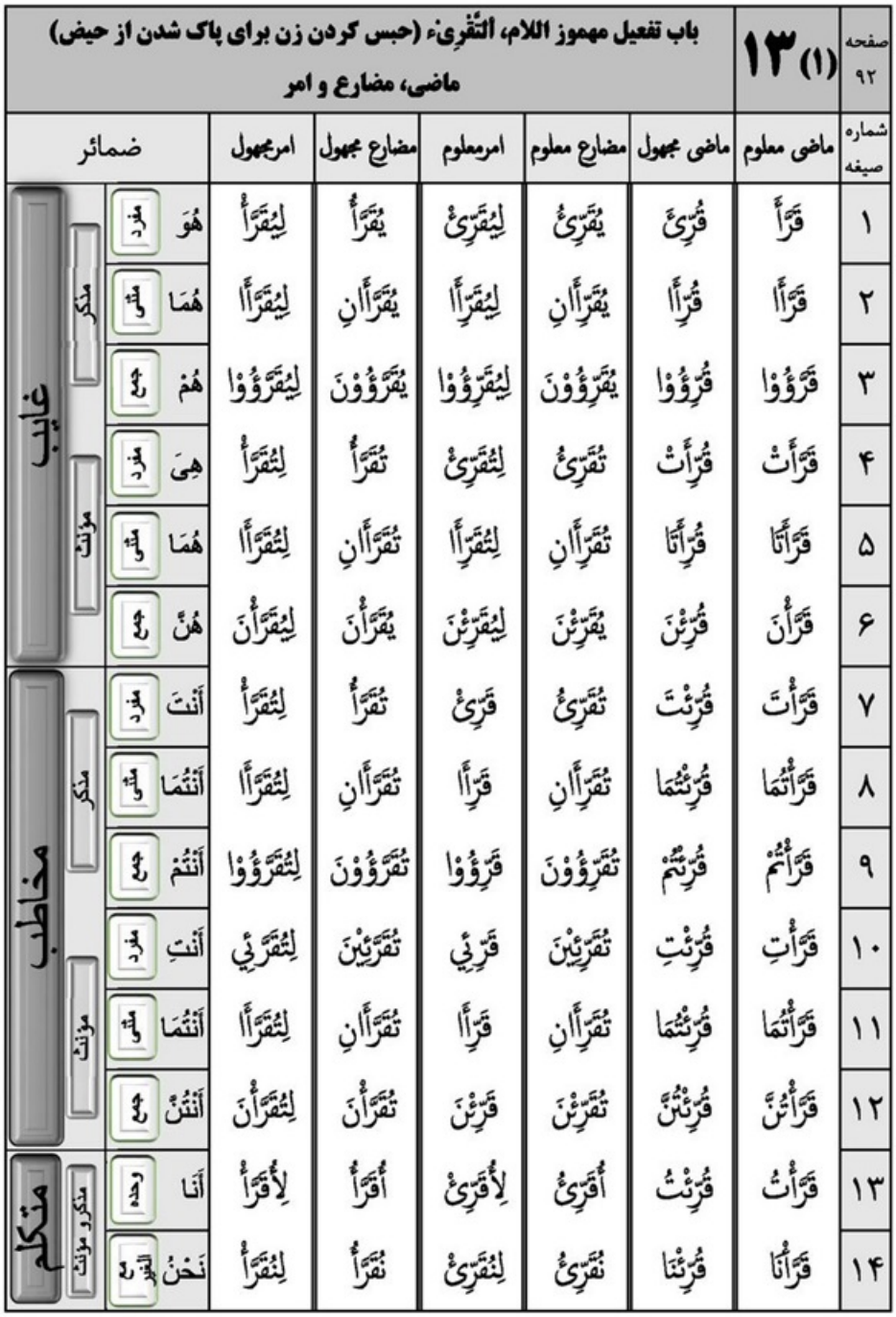

صفحه ۹۲	۱۳ (۱)	باب تفعیل مهموز اللام، اَلتَّقْرِیء (حبس کردن زن برای پاک شدن از حیض) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	قَرَّأَ	قُرِّیَ	یُقَرِّیُ	لِیُقَرِّیْ	یُقَرَّأُ	لِیُقَرَّأْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	قَرَّأَا	قُرِّأَا	یُقَرِّأَانِ	لِیُقَرِّأَا	یُقَرَّأَانِ	لِیُقَرَّأَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	قَرَّؤُوْا	قُرِّؤُوْا	یُقَرِّؤُوْنَ	لِیُقَرِّؤُوْا	یُقَرَّؤُوْنَ	لِیُقَرَّؤُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	قَرَّأَتْ	قُرِّأَتْ	تُقَرِّیُ	لِتُقَرِّیْ	تُقَرَّأُ	لِتُقَرَّأْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	قَرَّأَتَا	قُرِّأَتَا	تُقَرِّأَانِ	لِتُقَرِّأَا	تُقَرَّأَانِ	لِتُقَرَّأَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	قَرَّأْنَ	قُرِّئْنَ	یُقَرِّئْنَ	لِیُقَرِّئْنَ	یُقَرَّأْنَ	لِیُقَرَّأْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	قَرَّأْتَ	قُرِّئْتَ	تُقَرِّیُ	قَرِّیْ	تُقَرَّأُ	لِتُقَرَّأْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	قَرَّأْتُمَا	قُرِّئْتُمَا	تُقَرِّأَانِ	قَرِّأَا	تُقَرَّأَانِ	لِتُقَرَّأَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	قَرَّأْتُمْ	قُرِّئْتُمْ	تُقَرِّؤُوْنَ	قَرِّؤُوْا	تُقَرَّؤُوْنَ	لِتُقَرَّؤُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	قَرَّأْتِ	قُرِّئْتِ	تُقَرِّئِیْنَ	قَرِّئِیْ	تُقَرَّئِیْنَ	لِتُقَرَّئِیْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	قَرَّأْتُمَا	قُرِّئْتُمَا	تُقَرِّأَانِ	قَرِّأَا	تُقَرَّأَانِ	لِتُقَرَّأَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	قَرَّأْتُنَّ	قُرِّئْتُنَّ	تُقَرِّئْنَ	قَرِّئْنَ	تُقَرَّأْنَ	لِتُقَرَّأْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	قَرَّأْتُ	قُرِّئْتُ	أُقَرِّیُ	لِأُقَرِّیْ	أُقَرَّأُ	لِأُقَرَّأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	قَرَّأْنَا	قُرِّئْنَا	نُقَرِّیُ	لِنُقَرِّیْ	نُقَرَّأُ	لِنُقَرَّأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۹۳	۱۳ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما قَرَأَ	لا يُقَرِّئُ	اَنْ يُقَرِّئَ	لا يُقَرِّئْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما قَرَأَا	لا يُقَرِّأَانِ	اَنْ يُقَرِّأَا	لا يُقَرِّأَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما قَرَؤُوْا	لا يُقَرِّؤُوْنَ	اَنْ يُقَرِّؤُوْا	لا يُقَرِّؤُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما قَرَأَتْ	لا تُقَرِّئُ	اَنْ تُقَرِّئَ	لا تُقَرِّئْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما قَرَأَتَا	لا تُقَرِّأَانِ	اَنْ تُقَرِّأَا	لا تُقَرِّأَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما قَرَأْنَ	لا يُقَرِّئْنَ	اَنْ يُقَرِّئْنَ	لا يُقَرِّئْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما قَرَأْتَ	لا تُقَرِّئُ	اَنْ تُقَرِّئَ	لا تُقَرِّئْ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما قَرَأْتُمَا	لا تُقَرِّأَانِ	اَنْ تُقَرِّأَا	لا تُقَرِّأَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما قَرَأْتُمْ	لا تُقَرِّؤُوْنَ	اَنْ تُقَرِّؤُوْا	لا تُقَرِّؤُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما قَرَأْتِ	لا تُقَرِّئِيْنَ	اَنْ تُقَرِّئِي	لا تُقَرِّئِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما قَرَأْتُمَا	لا تُقَرِّأَانِ	اَنْ تُقَرِّأَا	لا تُقَرِّأَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما قَرَأْتُنَّ	لا تُقَرِّئْنَ	اَنْ تُقَرِّئْنَ	لا تُقَرِّئْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما قَرَأْتُ	لا أُقَرِّئُ	اَنْ أُقَرِّئَ	لا أُقَرِّئْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — اَنَا
۱۴	ما قَرَأْنَا	لا نُقَرِّئُ	اَنْ نُقَرِّئَ	لا نُقَرِّئْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۹۴	۱۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُقَرَّأَنَّ	لِيُقَرَّأَنَّ	لِيُقَرَّأَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُقَرَّأَانِّ	لِيُقَرَّأَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُقَرِّؤُنَّ	لِيُقَرَّؤُنَّ	لِيُقَرِّؤُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُقَرَّأَنَّ	لِتُقَرَّأَنَّ	لِتُقَرَّأَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُقَرَّأَانِّ	لِتُقَرَّأَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُقَرِّئْنَانِّ	لِيُقَرَّأْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	قَرَّأَنَّ	لِتُقَرَّأَنَّ	قَرَّأَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	قَرَّأَانِّ	لِتُقَرَّأَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	قَرِّؤُنَّ	لِتُقَرَّؤُنَّ	قَرِّؤُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	قَرِّئِنَّ	لِتُقَرَّئِنَّ	قَرِّئِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	قَرَّأَانِّ	لِتُقَرَّأَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	قَرِّئْنَانِّ	لِتُقَرَّأْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُقَرَّأَنَّ	لِأُقَرَّأَنَّ	لِأُقَرَّأَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُقَرَّأَنَّ	لِنُقَرَّأَنَّ	لِنُقَرَّأَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

باب مفاعله

تصویر

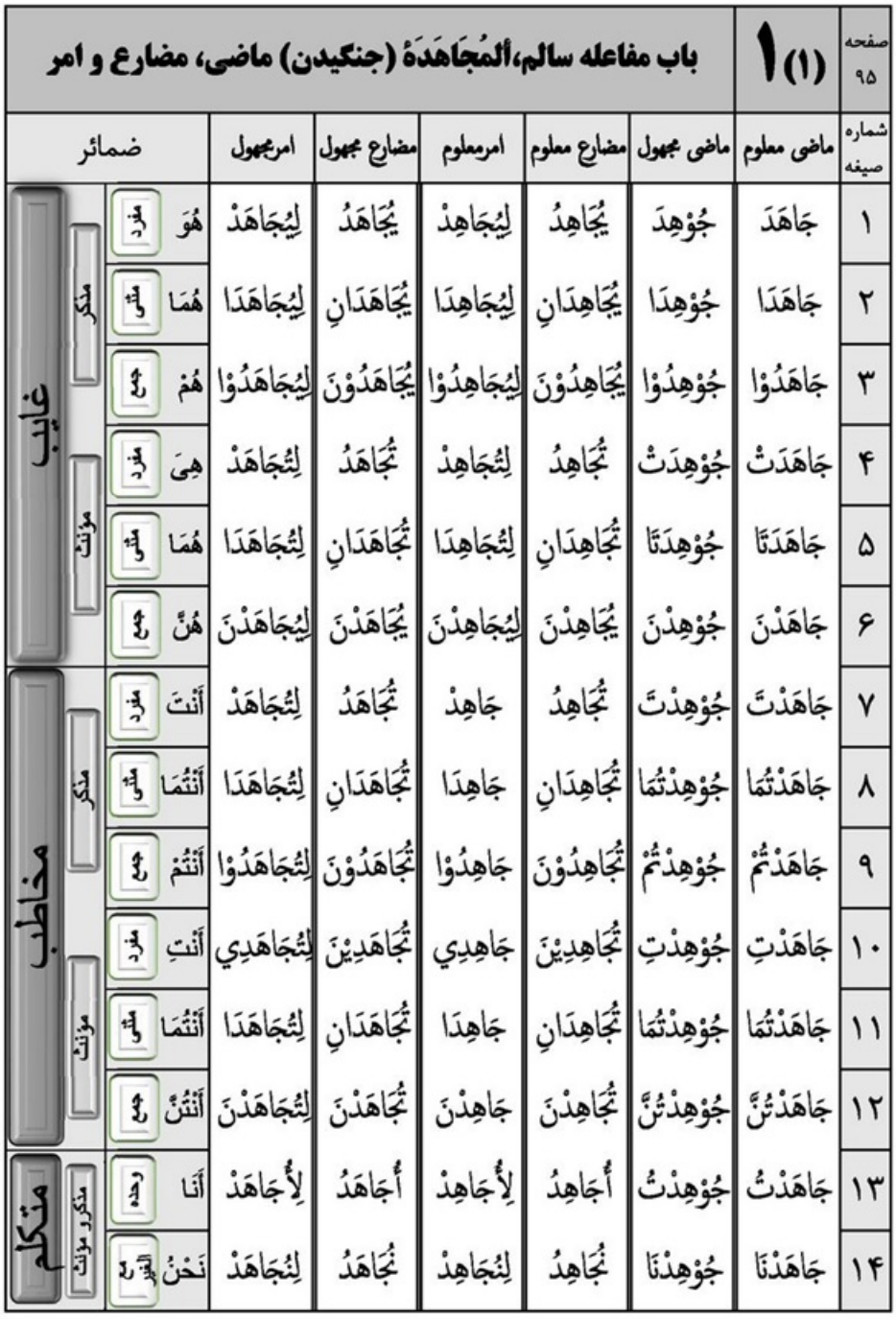

صفحه ۹۵	(۱) ۱	باب مفاعله سالم، اَلمُجَاهَدَةُ (جنگیدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	جَاهَدَ	جُوْهِدَ	يُجَاهِدُ	لِيُجَاهِدْ	يُجَاهَدُ	لِيُجَاهَدْ	غایب	هُوَ
۲	جَاهَدَا	جُوْهِدَا	يُجَاهِدَانِ	لِيُجَاهِدَا	يُجَاهَدَانِ	لِيُجَاهَدَا		هُمَا
۳	جَاهَدُوْا	جُوْهِدُوْا	يُجَاهِدُوْنَ	لِيُجَاهِدُوْا	يُجَاهَدُوْنَ	لِيُجَاهَدُوْا		هُمْ
۴	جَاهَدَتْ	جُوْهِدَتْ	تُجَاهِدُ	لِتُجَاهِدْ	تُجَاهَدُ	لِتُجَاهَدْ		هِيَ
۵	جَاهَدَتَا	جُوْهِدَتَا	تُجَاهِدَانِ	لِتُجَاهِدَا	تُجَاهَدَانِ	لِتُجَاهَدَا		هُمَا
۶	جَاهَدْنَ	جُوْهِدْنَ	يُجَاهِدْنَ	لِيُجَاهِدْنَ	يُجَاهَدْنَ	لِيُجَاهَدْنَ		هُنَّ
۷	جَاهَدْتَ	جُوْهِدْتَ	تُجَاهِدُ	جَاهِدْ	تُجَاهَدُ	لِتُجَاهَدْ	مخاطب	أَنْتَ
۸	جَاهَدْتُمَا	جُوْهِدْتُمَا	تُجَاهِدَانِ	جَاهِدَا	تُجَاهَدَانِ	لِتُجَاهَدَا		أَنْتُمَا
۹	جَاهَدْتُمْ	جُوْهِدْتُمْ	تُجَاهِدُوْنَ	جَاهِدُوْا	تُجَاهَدُوْنَ	لِتُجَاهَدُوْا		أَنْتُمْ
۱۰	جَاهَدْتِ	جُوْهِدْتِ	تُجَاهِدِيْنَ	جَاهِدِي	تُجَاهَدِيْنَ	لِتُجَاهَدِي		أَنْتِ
۱۱	جَاهَدْتُمَا	جُوْهِدْتُمَا	تُجَاهِدَانِ	جَاهِدَا	تُجَاهَدَانِ	لِتُجَاهَدَا		أَنْتُمَا
۱۲	جَاهَدْتُنَّ	جُوْهِدْتُنَّ	تُجَاهِدْنَ	جَاهِدْنَ	تُجَاهَدْنَ	لِتُجَاهَدْنَ		أَنْتُنَّ
۱۳	جَاهَدْتُ	جُوْهِدْتُ	أُجَاهِدُ	لِأُجَاهِدْ	أُجَاهَدُ	لِأُجَاهَدْ	متکلم	أَنَا
۱۴	جَاهَدْنَا	جُوْهِدْنَا	نُجَاهِدُ	لِنُجَاهِدْ	نُجَاهَدُ	لِنُجَاهَدْ		نَحْنُ

ص: ۹۵

تصویر

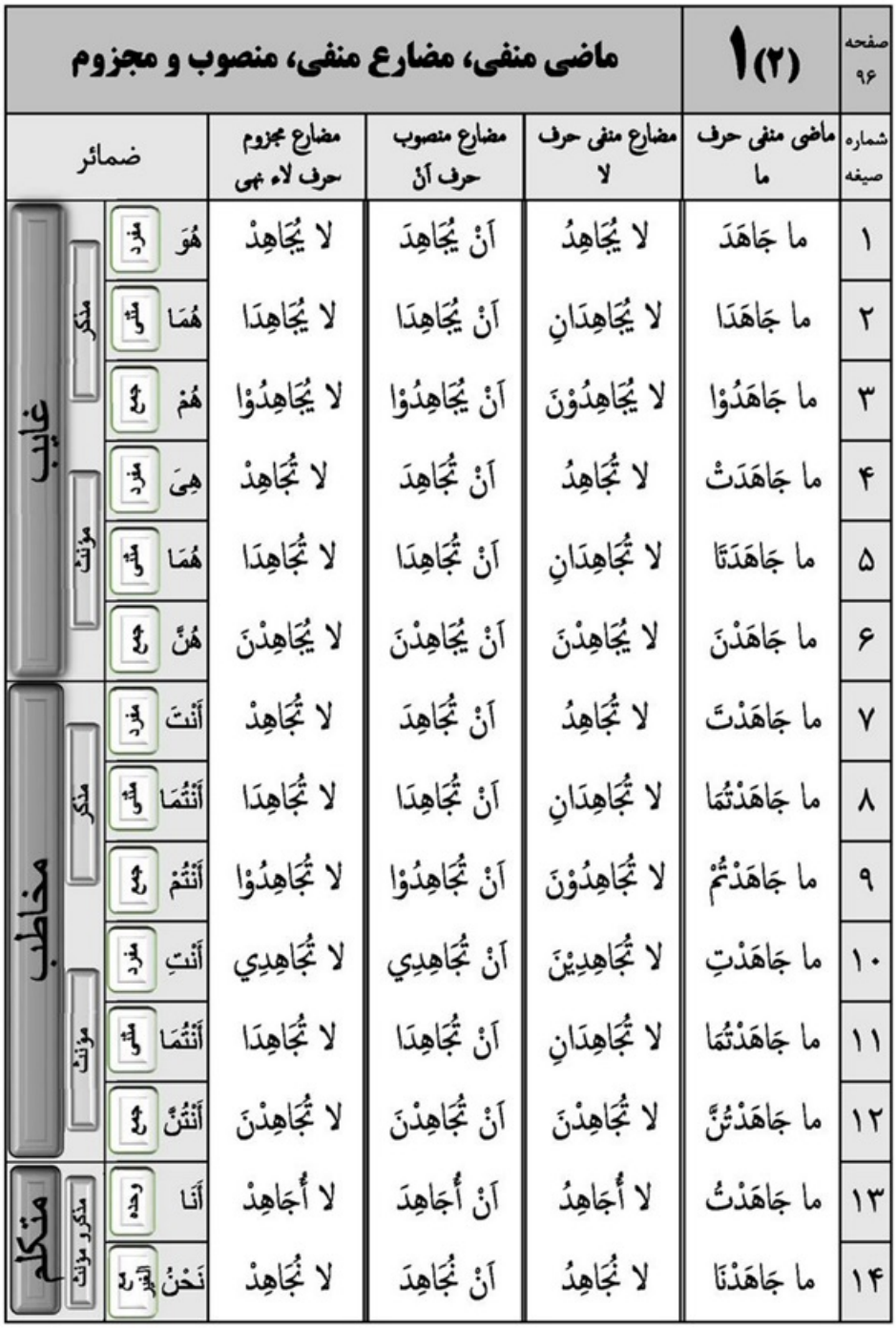

صفحه ۹۶	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما جَاهَدَ	لا يُجَاهِدُ	اَنْ يُجَاهِدَ	لا يُجَاهِدْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما جَاهَدَا	لا يُجَاهِدَانِ	اَنْ يُجَاهِدَا	لا يُجَاهِدَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما جَاهَدُوْا	لا يُجَاهِدُوْنَ	اَنْ يُجَاهِدُوْا	لا يُجَاهِدُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما جَاهَدَتْ	لا تُجَاهِدُ	اَنْ تُجَاهِدَ	لا تُجَاهِدْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما جَاهَدَتَا	لا تُجَاهِدَانِ	اَنْ تُجَاهِدَا	لا تُجَاهِدَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما جَاهَدْنَ	لا يُجَاهِدْنَ	اَنْ يُجَاهِدْنَ	لا يُجَاهِدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما جَاهَدْتَ	لا تُجَاهِدُ	اَنْ تُجَاهِدَ	لا تُجَاهِدْ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما جَاهَدْتُمَا	لا تُجَاهِدَانِ	اَنْ تُجَاهِدَا	لا تُجَاهِدَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما جَاهَدْتُمْ	لا تُجَاهِدُوْنَ	اَنْ تُجَاهِدُوْا	لا تُجَاهِدُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما جَاهَدْتِ	لا تُجَاهِدِيْنَ	اَنْ تُجَاهِدِي	لا تُجَاهِدِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما جَاهَدْتُمَا	لا تُجَاهِدَانِ	اَنْ تُجَاهِدَا	لا تُجَاهِدَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما جَاهَدْتُنَّ	لا تُجَاهِدْنَ	اَنْ تُجَاهِدْنَ	لا تُجَاهِدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما جَاهَدْتُ	لا اُجَاهِدُ	اَنْ اُجَاهِدَ	لا اُجَاهِدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — اَنَا
۱۴	ما جَاهَدْنَا	لا نُجَاهِدُ	اَنْ نُجَاهِدَ	لا نُجَاهِدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — تثنیه و جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۹۷	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُجَاهِدَنَّ	لِيُجَاهَدَنَّ	لِيُجَاهِدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُجَاهِدَانِّ	لِيُجَاهَدَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُجَاهِدُنَّ	لِيُجَاهَدُنَّ	لِيُجَاهِدُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُجَاهِدَنَّ	لِتُجَاهَدَنَّ	لِتُجَاهِدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُجَاهِدَانِّ	لِتُجَاهَدَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُجَاهِدْنَانِّ	لِيُجَاهَدْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	جَاهِدَنَّ	لِتُجَاهَدَنَّ	جَاهِدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	جَاهِدَانِّ	لِتُجَاهَدَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	جَاهِدُنَّ	لِتُجَاهَدُنَّ	جَاهِدُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	جَاهِدِنَّ	لِتُجَاهَدِنَّ	جَاهِدِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	جَاهِدَانِّ	لِتُجَاهَدَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	جَاهِدْنَانِّ	لِتُجَاهَدْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُجَاهِدَنَّ	لِأُجَاهَدَنَّ	لِأُجَاهِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُجَاهِدَنَّ	لِنُجَاهَدَنَّ	لِنُجَاهِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

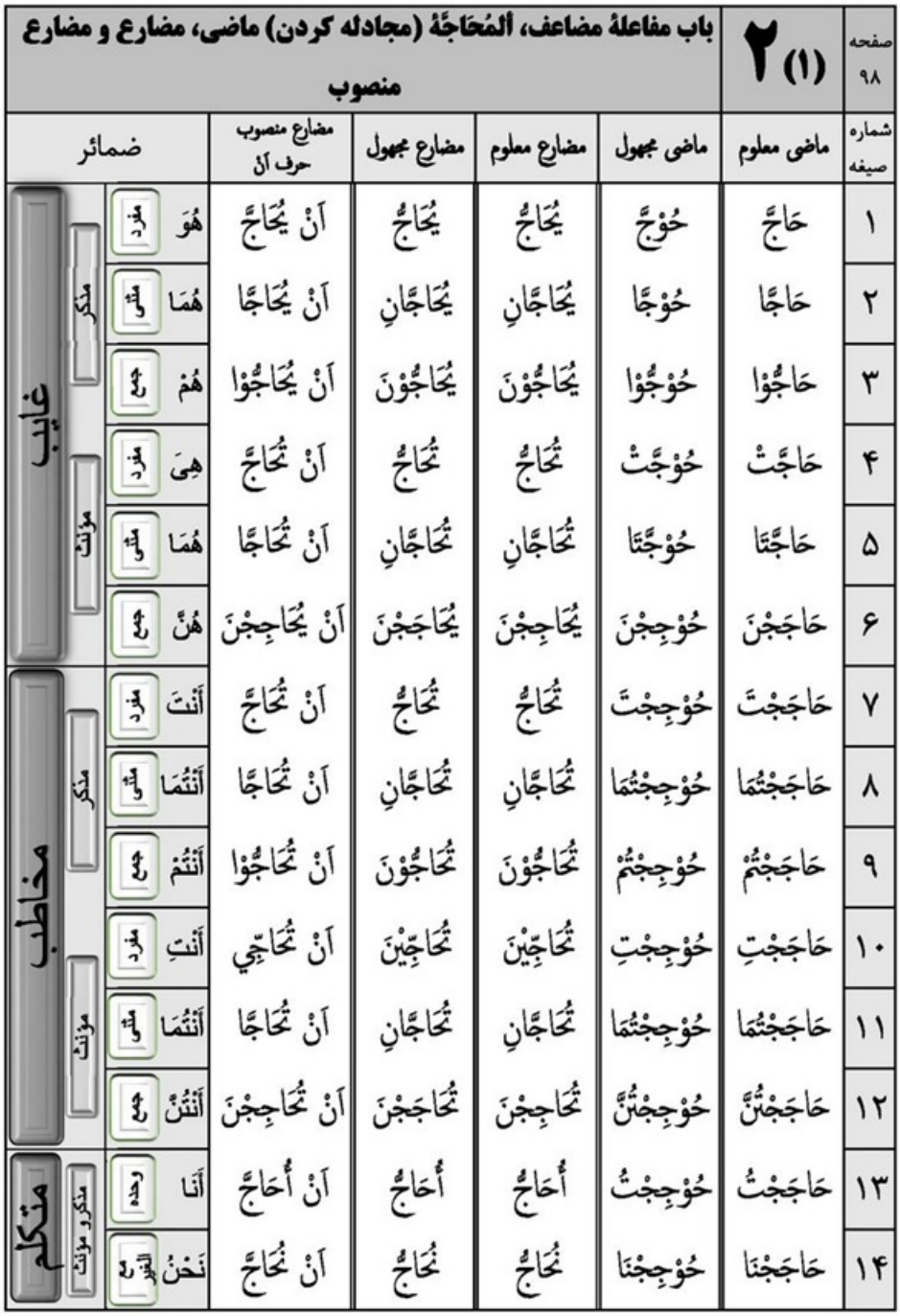

صفحه ۹۸	۲ (۱)	باب مفاعلهٔ مضاعف، اَلمُحَاجَّةُ (مجادله کردن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَن	ضمائر	
۱	حَاجَّ	حُوْجَّ	يُحَاجُّ	يُحَاجُّ	اَنْ يُحَاجَّ	هُوَ	غایب مذکر مفرد
۲	حَاجَّا	حُوْجَّا	يُحَاجَّانِ	يُحَاجَّانِ	اَنْ يُحَاجَّا	هُمَا	غایب مذکر مثنی
۳	حَاجُّوْا	حُوْجُّوْا	يُحَاجُّوْنَ	يُحَاجُّوْنَ	اَنْ يُحَاجُّوْا	هُمْ	غایب مذکر جمع
۴	حَاجَّتْ	حُوْجَّتْ	تُحَاجُّ	تُحَاجُّ	اَنْ تُحَاجَّ	هِيَ	غایب مؤنث مفرد
۵	حَاجَّتَا	حُوْجَّتَا	تُحَاجَّانِ	تُحَاجَّانِ	اَنْ تُحَاجَّا	هُمَا	غایب مؤنث مثنی
۶	حَاجَجْنَ	حُوْجِجْنَ	يُحَاجِجْنَ	يُحَاجَجْنَ	اَنْ يُحَاجِجْنَ	هُنَّ	غایب مؤنث جمع
۷	حَاجَجْتَ	حُوْجِجْتَ	تُحَاجُّ	تُحَاجُّ	اَنْ تُحَاجَّ	أَنْتَ	مخاطب مذکر مفرد
۸	حَاجَجْتُمَا	حُوْجِجْتُمَا	تُحَاجَّانِ	تُحَاجَّانِ	اَنْ تُحَاجَّا	أَنْتُمَا	مخاطب مذکر مثنی
۹	حَاجَجْتُمْ	حُوْجِجْتُمْ	تُحَاجُّوْنَ	تُحَاجُّوْنَ	اَنْ تُحَاجُّوْا	أَنْتُمْ	مخاطب مذکر جمع
۱۰	حَاجَجْتِ	حُوْجِجْتِ	تُحَاجِّيْنَ	تُحَاجِّيْنَ	اَنْ تُحَاجِّي	أَنْتِ	مخاطب مؤنث مفرد
۱۱	حَاجَجْتُمَا	حُوْجِجْتُمَا	تُحَاجَّانِ	تُحَاجَّانِ	اَنْ تُحَاجَّا	أَنْتُمَا	مخاطب مؤنث مثنی
۱۲	حَاجَجْتُنَّ	حُوْجِجْتُنَّ	تُحَاجِجْنَ	تُحَاجَجْنَ	اَنْ تُحَاجِجْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب مؤنث جمع
۱۳	حَاجَجْتُ	حُوْجِجْتُ	أُحَاجُّ	أُحَاجُّ	اَنْ أُحَاجَّ	أَنَا	متکلم مذکر و مؤنث واحد
۱۴	حَاجَجْنَا	حُوْجِجْنَا	نُحَاجُّ	نُحَاجُّ	اَنْ نُحَاجَّ	نَحْنُ	متکلم مذکر و مؤنث مع الغیر

تصویر



صفحه ۹۹	۲ (۲) امر معلوم و مجهول			
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر	
۱	لِيُحَاجِجْ لِيُحَاجَّ لِيُحَاجِّ	لِيُحَاجَجْ لِيُحَاجَّ لِيُحَاجِّ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيُحَاجَّا	لِيُحَاجَّا	مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيُحَاجُّوْا	لِيُحَاجُّوْا	مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتُحَاجِجْ لِتُحَاجَّ لِتُحَاجِّ	لِتُحَاجَجْ لِتُحَاجَّ لِتُحَاجِّ	مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتُحَاجَّا	لِتُحَاجَّا	مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيُحَاجِجْنَ	لِيُحَاجَجْنَ	مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	حَاجِجْ حَاجَّ حَاجِّ	لِتُحَاجَجْ لِتُحَاجَّ لِتُحَاجِّ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	حَاجَّا	لِتُحَاجَّا	مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	حَاجُّوْا	لِتُحَاجُّوْا	مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	حَاجِّي	لِتُحَاجِّي	مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	حَاجَّا	لِتُحَاجَّا	مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	حَاجِجْنَ	لِتُحَاجَجْنَ	مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُحَاجِجْ لِأُحَاجَّ لِأُحَاجِّ	لِأُحَاجَجْ لِأُحَاجَّ لِأُحَاجِّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنُحَاجِجْ لِنُحَاجَّ لِنُحَاجِّ	لِنُحَاجَجْ لِنُحَاجَّ لِنُحَاجِّ	مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

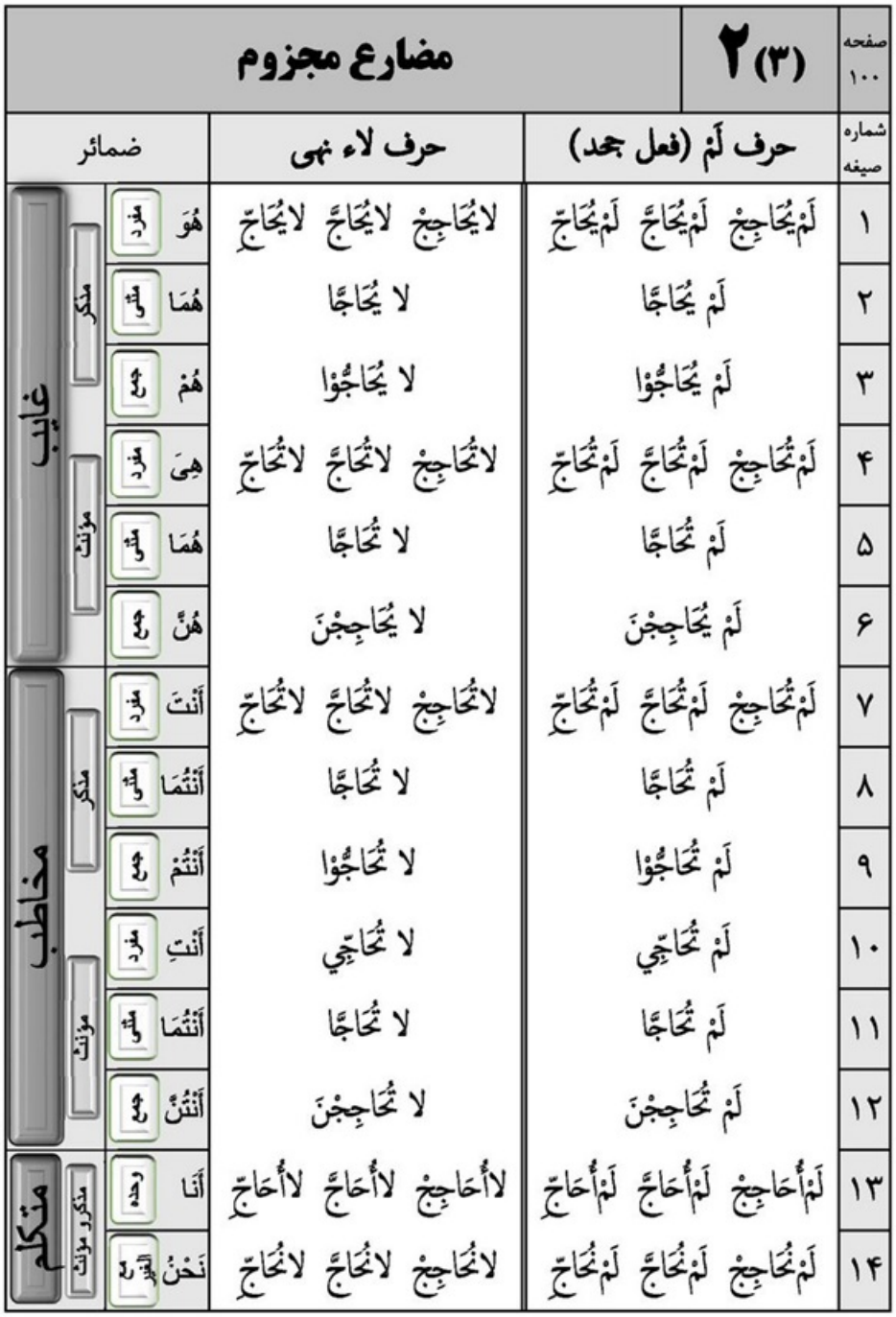

صفحه ۱۰۰	۲ (۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يُحَاجِجْ لَمْ يُحَاجَّ لَمْ يُحَاجِّ	لايُحَاجِجْ لايُحَاجَّ لايُحَاجِّ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	لَمْ يُحَاجَّا	لا يُحَاجَّا	هُمَا (مثنی)	
۳	لَمْ يُحَاجُّوْا	لا يُحَاجُّوْا	هُمْ (جمع)	
۴	لَمْ تُحَاجِجْ لَمْ تُحَاجَّ لَمْ تُحَاجِّ	لاتُحَاجِجْ لاتُحَاجَّ لاتُحَاجِّ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	لَمْ تُحَاجَّا	لا تُحَاجَّا	هُمَا (مثنی)	
۶	لَمْ يُحَاجِجْنَ	لا يُحَاجِجْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	لَمْ تُحَاجِجْ لَمْ تُحَاجَّ لَمْ تُحَاجِّ	لاتُحَاجِجْ لاتُحَاجَّ لاتُحَاجِّ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	لَمْ تُحَاجَّا	لا تُحَاجَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	لَمْ تُحَاجُّوْا	لا تُحَاجُّوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	لَمْ تُحَاجِّي	لا تُحَاجِّي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	لَمْ تُحَاجَّا	لا تُحَاجَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	لَمْ تُحَاجِجْنَ	لا تُحَاجِجْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	لَمْ أُحَاجِجْ لَمْ أُحَاجَّ لَمْ أُحَاجِّ	لاأُحَاجِجْ لاأُحَاجَّ لاأُحَاجِّ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	لَمْ نُحَاجِجْ لَمْ نُحَاجَّ لَمْ نُحَاجِّ	لانُحَاجِجْ لانُحَاجَّ لانُحَاجِّ	نَحْنُ (مع الغیر)	

ص: ۱۰۰

تصویر



صفحه ۱۰۱	۲ (۴) نون تأکید				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيُحَاجَّنَّ	لِيُحَاجَّنَّ	لِيُحَاجَّنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيُحَاجَّانِّ	لِيُحَاجَّانِّ		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيُحَاجُّنَّ	لِيُحَاجُّنَّ	لِيُحَاجُّنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتُحَاجَّنَّ	لِتُحَاجَّنَّ	لِتُحَاجَّنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتُحَاجَّانِّ	لِتُحَاجَّانِّ		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيُحَاجِجْنَانِّ	لِيُحَاجَجْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	حَاجَّنَّ	لِتُحَاجَّنَّ	حَاجَّنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	حَاجَّانِّ	لِتُحَاجَّانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	حَاجُّنَّ	لِتُحَاجُّنَّ	حَاجُّنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	حَاجِّنَّ	لِتُحَاجِّنَّ	حَاجِّنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	حَاجَّانِّ	لِتُحَاجَّانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	حَاجِجْنَانِّ	لِتُحَاجَجْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُحَاجَّنَّ	لِأُحَاجَّنَّ	لِأُحَاجَّنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنُحَاجَّنَّ	لِنُحَاجَّنَّ	لِنُحَاجَّنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

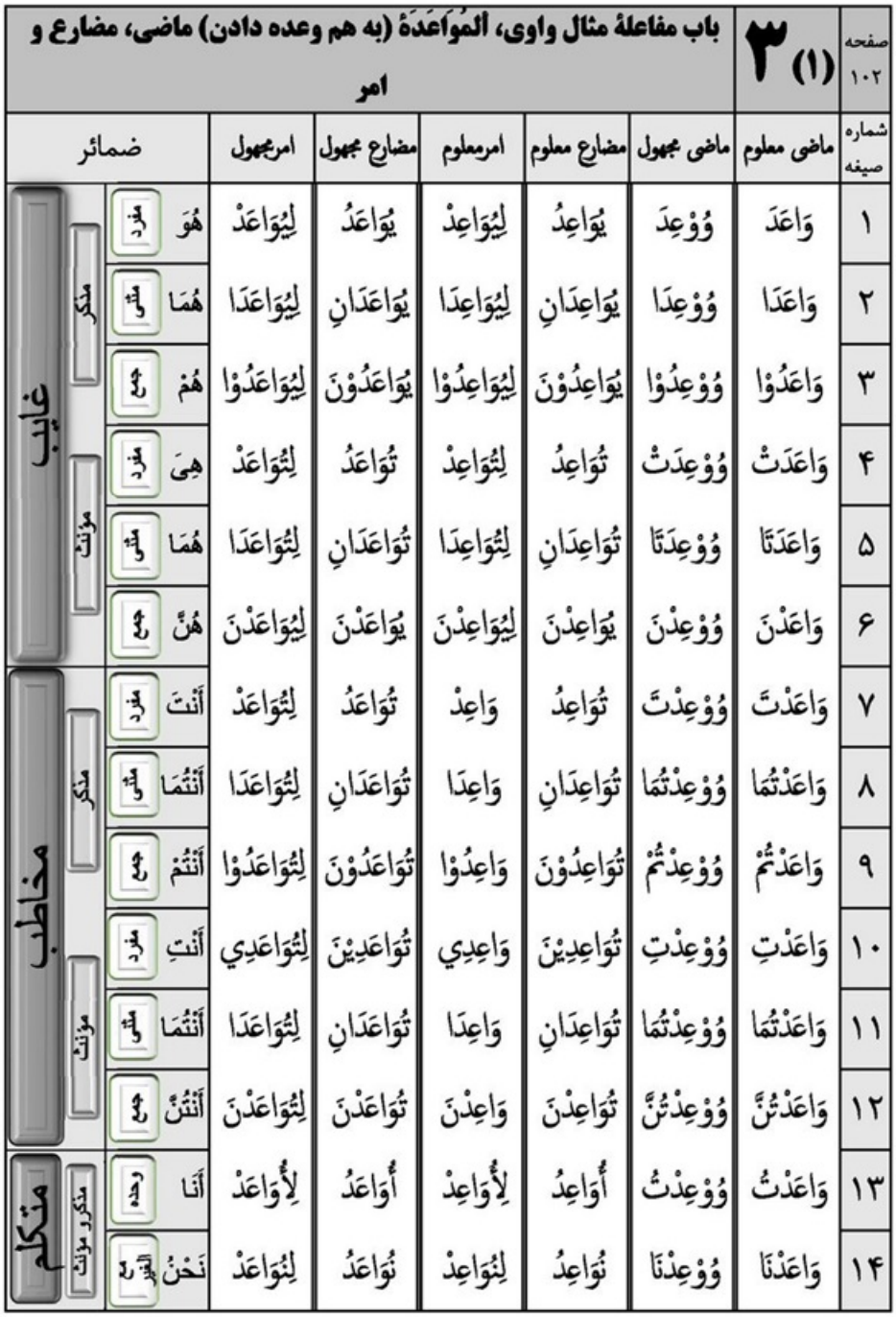

صفحه ۱۰۲	باب مفاعلهٔ مثال واوی، اَلمُوَاعَدَهٔ (به هم وعده دادن) ماضی، مضارع و امر ۳ (۱)						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	وَاعَدَ	وُوْعِدَ	يُوَاعِدُ	لِيُوَاعِدْ	يُوَاعَدُ	لِيُوَاعَدْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	وَاعَدَا	وُوْعِدَا	يُوَاعِدَانِ	لِيُوَاعِدَا	يُوَاعَدَانِ	لِيُوَاعَدَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	وَاعَدُوْا	وُوْعِدُوْا	يُوَاعِدُوْنَ	لِيُوَاعِدُوْا	يُوَاعَدُوْنَ	لِيُوَاعَدُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	وَاعَدَتْ	وُوْعِدَتْ	تُوَاعِدُ	لِتُوَاعِدْ	تُوَاعَدُ	لِتُوَاعَدْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	وَاعَدَتَا	وُوْعِدَتَا	تُوَاعِدَانِ	لِتُوَاعِدَا	تُوَاعَدَانِ	لِتُوَاعَدَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	وَاعَدْنَ	وُوْعِدْنَ	يُوَاعِدْنَ	لِيُوَاعِدْنَ	يُوَاعَدْنَ	لِيُوَاعَدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	وَاعَدْتَ	وُوْعِدْتَ	تُوَاعِدُ	وَاعِدْ	تُوَاعَدُ	لِتُوَاعَدْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	وَاعَدْتُمَا	وُوْعِدْتُمَا	تُوَاعِدَانِ	وَاعِدَا	تُوَاعَدَانِ	لِتُوَاعَدَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	وَاعَدْتُمْ	وُوْعِدْتُمْ	تُوَاعِدُوْنَ	وَاعِدُوْا	تُوَاعَدُوْنَ	لِتُوَاعَدُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	وَاعَدْتِ	وُوْعِدْتِ	تُوَاعِدِيْنَ	وَاعِدِي	تُوَاعَدِيْنَ	لِتُوَاعَدِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	وَاعَدْتُمَا	وُوْعِدْتُمَا	تُوَاعِدَانِ	وَاعِدَا	تُوَاعَدَانِ	لِتُوَاعَدَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	وَاعَدْتُنَّ	وُوْعِدْتُنَّ	تُوَاعِدْنَ	وَاعِدْنَ	تُوَاعَدْنَ	لِتُوَاعَدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	وَاعَدْتُ	وُوْعِدْتُ	أُوَاعِدُ	لِأُوَاعِدْ	أُوَاعَدُ	لِأُوَاعَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	وَاعَدْنَا	وُوْعِدْنَا	نُوَاعِدُ	لِنُوَاعِدْ	نُوَاعَدُ	لِنُوَاعَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر

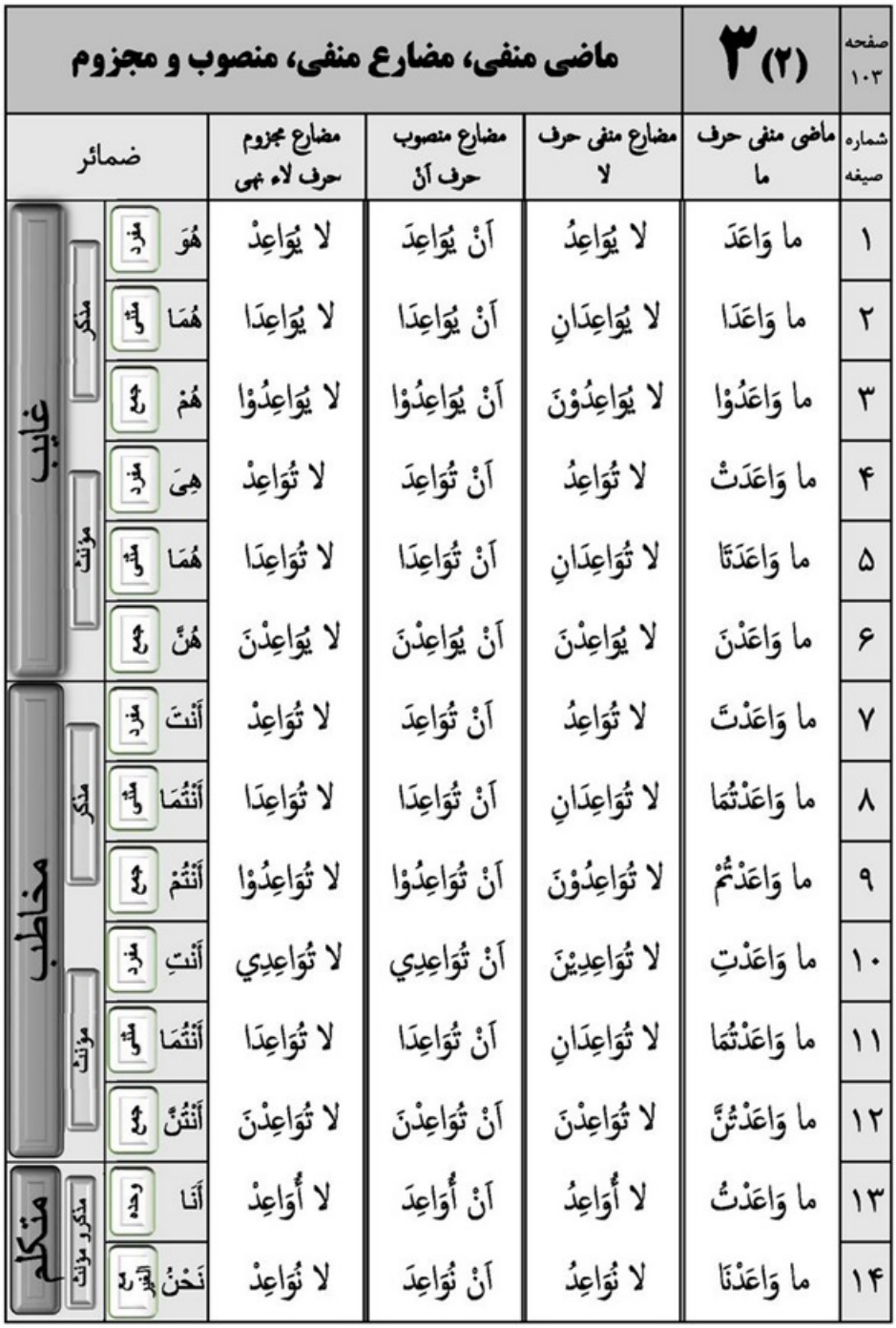

صفحه ۱۰۳	۳ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما وَاعَدَ	لا يُوَاعِدُ	اَنْ يُوَاعِدَ	لا يُوَاعِدْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما وَاعَدَا	لا يُوَاعِدَانِ	اَنْ يُوَاعِدَا	لا يُوَاعِدَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما وَاعَدُوْا	لا يُوَاعِدُوْنَ	اَنْ يُوَاعِدُوْا	لا يُوَاعِدُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما وَاعَدَتْ	لا تُوَاعِدُ	اَنْ تُوَاعِدَ	لا تُوَاعِدْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما وَاعَدَتَا	لا تُوَاعِدَانِ	اَنْ تُوَاعِدَا	لا تُوَاعِدَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما وَاعَدْنَ	لا يُوَاعِدْنَ	اَنْ يُوَاعِدْنَ	لا يُوَاعِدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما وَاعَدْتَ	لا تُوَاعِدُ	اَنْ تُوَاعِدَ	لا تُوَاعِدْ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما وَاعَدْتُمَا	لا تُوَاعِدَانِ	اَنْ تُوَاعِدَا	لا تُوَاعِدَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما وَاعَدْتُمْ	لا تُوَاعِدُوْنَ	اَنْ تُوَاعِدُوْا	لا تُوَاعِدُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما وَاعَدْتِ	لا تُوَاعِدِيْنَ	اَنْ تُوَاعِدِي	لا تُوَاعِدِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما وَاعَدْتُمَا	لا تُوَاعِدَانِ	اَنْ تُوَاعِدَا	لا تُوَاعِدَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما وَاعَدْتُنَّ	لا تُوَاعِدْنَ	اَنْ تُوَاعِدْنَ	لا تُوَاعِدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما وَاعَدْتُ	لا اُوَاعِدُ	اَنْ اُوَاعِدَ	لا اُوَاعِدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — اَنَا
۱۴	ما وَاعَدْنَا	لا نُوَاعِدُ	اَنْ نُوَاعِدَ	لا نُوَاعِدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۰۴	۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُوَاعِدَنَّ	لِيُوَاعَدَنَّ	لِيُوَاعِدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُوَاعِدَانِّ	لِيُوَاعَدَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُوَاعِدُنَّ	لِيُوَاعَدُنَّ	لِيُوَاعِدُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُوَاعِدَنَّ	لِتُوَاعَدَنَّ	لِتُوَاعِدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُوَاعِدَانِّ	لِتُوَاعَدَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُوَاعِدْنَانِّ	لِيُوَاعَدْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	وَاعِدَنَّ	لِتُوَاعَدَنَّ	وَاعِدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	وَاعِدَانِّ	لِتُوَاعَدَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	وَاعِدُنَّ	لِتُوَاعَدُنَّ	وَاعِدُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	وَاعِدِنَّ	لِتُوَاعَدِنَّ	وَاعِدِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	وَاعِدَانِّ	لِتُوَاعَدَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	وَاعِدْنَانِّ	لِتُوَاعَدْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُوَاعِدَنَّ	لِأُوَاعَدَنَّ	لِأُوَاعِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُوَاعِدَنَّ	لِنُوَاعَدَنَّ	لِنُوَاعِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۰۵	۴ (۱) باب مفاعلة مثال یایی، اَلمُیَاسَرَة (آسان گرفتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	يَاسَرَ	يُوْسِرَ	يُيَاسِرُ	لِيُيَاسِرْ	يُيَاسَرُ	لِيُيَاسَرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	يَاسَرَا	يُوْسِرَا	يُيَاسِرَانِ	لِيُيَاسِرَا	يُيَاسَرَانِ	لِيُيَاسَرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	يَاسَرُوْا	يُوْسِرُوْا	يُيَاسِرُوْنَ	لِيُيَاسِرُوْا	يُيَاسَرُوْنَ	لِيُيَاسَرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	يَاسَرَتْ	يُوْسِرَتْ	تُيَاسِرُ	لِتُيَاسِرْ	تُيَاسَرُ	لِتُيَاسَرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	يَاسَرَتَا	يُوْسِرَتَا	تُيَاسِرَانِ	لِتُيَاسِرَا	تُيَاسَرَانِ	لِتُيَاسَرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	يَاسَرْنَ	يُوْسِرْنَ	يُيَاسِرْنَ	لِيُيَاسِرْنَ	يُيَاسَرْنَ	لِيُيَاسَرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	يَاسَرْتَ	يُوْسِرْتَ	تُيَاسِرُ	يَاسِرْ	تُيَاسَرُ	لِتُيَاسَرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	يَاسَرْتُمَا	يُوْسِرْتُمَا	تُيَاسِرَانِ	يَاسِرَا	تُيَاسَرَانِ	لِتُيَاسَرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	يَاسَرْتُمْ	يُوْسِرْتُمْ	تُيَاسِرُوْنَ	يَاسِرُوْا	تُيَاسَرُوْنَ	لِتُيَاسَرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	يَاسَرْتِ	يُوْسِرْتِ	تُيَاسِرِيْنَ	يَاسِرِي	تُيَاسَرِيْنَ	لِتُيَاسَرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	يَاسَرْتُمَا	يُوْسِرْتُمَا	تُيَاسِرَانِ	يَاسِرَا	تُيَاسَرَانِ	لِتُيَاسَرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	يَاسَرْتُنَّ	يُوْسِرْتُنَّ	تُيَاسِرْنَ	يَاسِرْنَ	تُيَاسَرْنَ	لِتُيَاسَرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	يَاسَرْتُ	يُوْسِرْتُ	أُيَاسِرُ	لِأُيَاسِرْ	أُيَاسَرُ	لِأُيَاسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	يَاسَرْنَا	يُوْسِرْنَا	نُيَاسِرُ	لِنُيَاسِرْ	نُيَاسَرُ	لِنُيَاسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۰۶	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما يَاسَرَ	لا يُيَاسِرُ	اَنْ يُيَاسِرَ	لا يُيَاسِرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما يَاسَرَا	لا يُيَاسِرَانِ	اَنْ يُيَاسِرَا	لا يُيَاسِرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما يَاسَرُوْا	لا يُيَاسِرُوْنَ	اَنْ يُيَاسِرُوْا	لا يُيَاسِرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما يَاسَرَتْ	لا تُيَاسِرُ	اَنْ تُيَاسِرَ	لا تُيَاسِرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما يَاسَرَتَا	لا تُيَاسِرَانِ	اَنْ تُيَاسِرَا	لا تُيَاسِرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما يَاسَرْنَ	لا يُيَاسِرْنَ	اَنْ يُيَاسِرْنَ	لا يُيَاسِرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما يَاسَرْتَ	لا تُيَاسِرُ	اَنْ تُيَاسِرَ	لا تُيَاسِرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما يَاسَرْتُمَا	لا تُيَاسِرَانِ	اَنْ تُيَاسِرَا	لا تُيَاسِرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما يَاسَرْتُمْ	لا تُيَاسِرُوْنَ	اَنْ تُيَاسِرُوْا	لا تُيَاسِرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما يَاسَرْتِ	لا تُيَاسِرِيْنَ	اَنْ تُيَاسِرِي	لا تُيَاسِرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما يَاسَرْتُمَا	لا تُيَاسِرَانِ	اَنْ تُيَاسِرَا	لا تُيَاسِرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما يَاسَرْتُنَّ	لا تُيَاسِرْنَ	اَنْ تُيَاسِرْنَ	لا تُيَاسِرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما يَاسَرْتُ	لا اُيَاسِرُ	اَنْ اُيَاسِرَ	لا اُيَاسِرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — اَنَا
۱۴	ما يَاسَرْنَا	لا نُيَاسِرُ	اَنْ نُيَاسِرَ	لا نُيَاسِرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — تثنیه و جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۰۷	۴ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُبَاسِرَنَّ	لِيُبَاسَرَنَّ	لِيُبَاسِرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُبَاسِرَانِّ	لِيُبَاسَرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُبَاسِرُنَّ	لِيُبَاسَرُنَّ	لِيُبَاسِرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُبَاسِرَنَّ	لِتُبَاسَرَنَّ	لِتُبَاسِرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُبَاسِرَانِّ	لِتُبَاسَرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُبَاسِرْنَانِّ	لِيُبَاسَرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	يَاسِرَنَّ	لِتُبَاسَرَنَّ	يَاسِرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	يَاسِرَانِّ	لِتُبَاسَرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	يَاسِرُنَّ	لِتُبَاسَرُنَّ	يَاسِرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	يَاسِرِنَّ	لِتُبَاسَرِنَّ	يَاسِرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	يَاسِرَانِّ	لِتُبَاسَرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	يَاسِرْنَانِّ	لِتُبَاسَرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُيَاسِرَنَّ	لِأُيَاسَرَنَّ	لِأُيَاسِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُيَاسِرَنَّ	لِنُيَاسَرَنَّ	لِنُيَاسِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

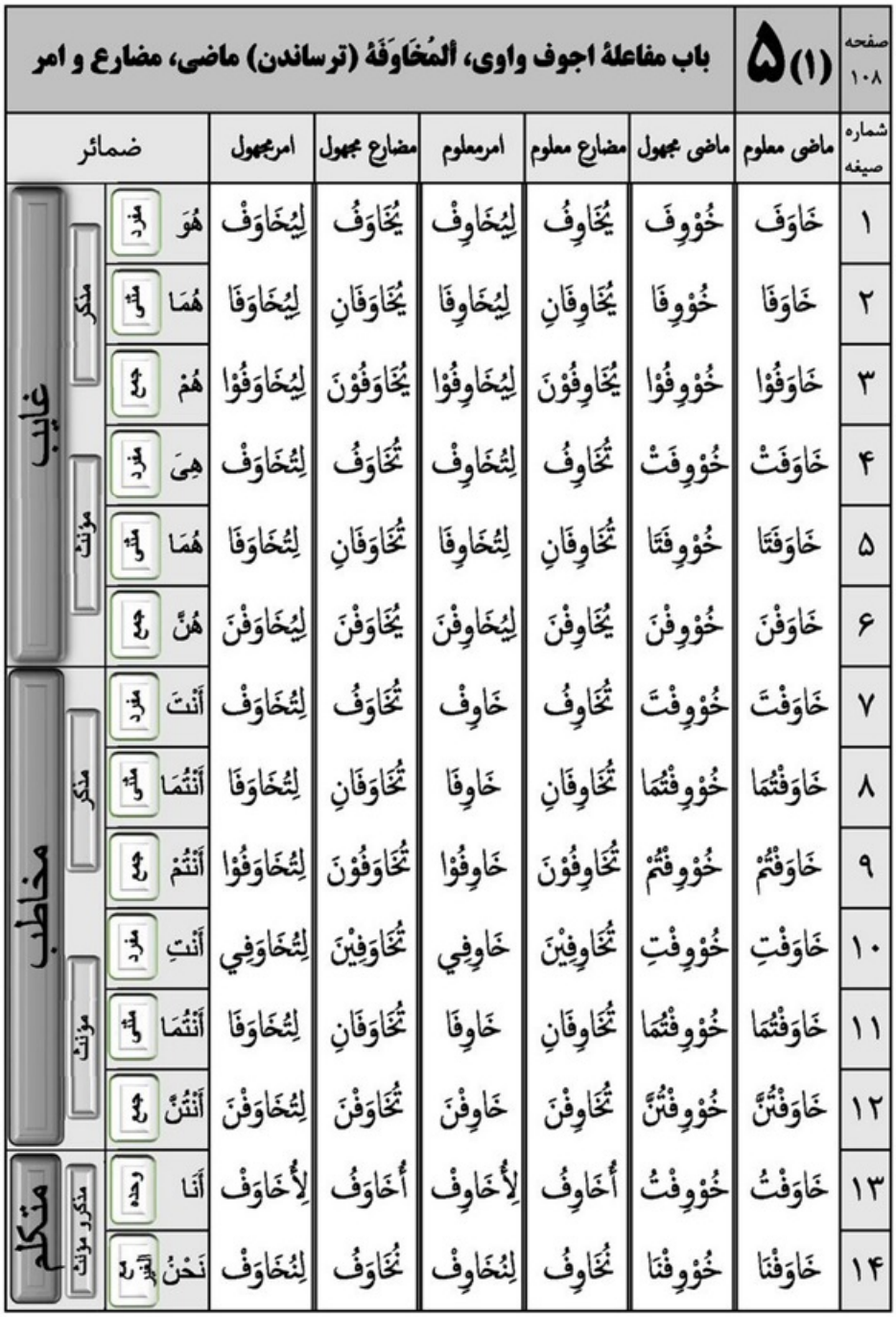

صفحه ۱۰۸	(۱) ۵ باب مفاعلهٔ اجوف واوی، اَلمُخَاوَفَهٔ (ترساندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	خَاوَفَ	خُوْوِفَ	يُخَاوِفُ	لِيُخَاوِفْ	يُخَاوَفُ	لِيُخَاوَفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	خَاوَفَا	خُوْوِفَا	يُخَاوِفَانِ	لِيُخَاوِفَا	يُخَاوَفَانِ	لِيُخَاوَفَا	غایب — مذکر — تثنیه — هُمَا
۳	خَاوَفُوْا	خُوْوِفُوْا	يُخَاوِفُوْنَ	لِيُخَاوِفُوْا	يُخَاوَفُوْنَ	لِيُخَاوَفُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	خَاوَفَتْ	خُوْوِفَتْ	تُخَاوِفُ	لِتُخَاوِفْ	تُخَاوَفُ	لِتُخَاوَفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	خَاوَفَتَا	خُوْوِفَتَا	تُخَاوِفَانِ	لِتُخَاوِفَا	تُخَاوَفَانِ	لِتُخَاوَفَا	غایب — مؤنث — تثنیه — هُمَا
۶	خَاوَفْنَ	خُوْوِفْنَ	يُخَاوِفْنَ	لِيُخَاوِفْنَ	يُخَاوَفْنَ	لِيُخَاوَفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	خَاوَفْتَ	خُوْوِفْتَ	تُخَاوِفُ	خَاوِفْ	تُخَاوَفُ	لِتُخَاوَفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	خَاوَفْتُمَا	خُوْوِفْتُمَا	تُخَاوِفَانِ	خَاوِفَا	تُخَاوَفَانِ	لِتُخَاوَفَا	مخاطب — مذکر — تثنیه — أَنْتُمَا
۹	خَاوَفْتُمْ	خُوْوِفْتُمْ	تُخَاوِفُوْنَ	خَاوِفُوْا	تُخَاوَفُوْنَ	لِتُخَاوَفُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	خَاوَفْتِ	خُوْوِفْتِ	تُخَاوِفِيْنَ	خَاوِفِي	تُخَاوَفِيْنَ	لِتُخَاوَفِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	خَاوَفْتُمَا	خُوْوِفْتُمَا	تُخَاوِفَانِ	خَاوِفَا	تُخَاوَفَانِ	لِتُخَاوَفَا	مخاطب — مؤنث — تثنیه — أَنْتُمَا
۱۲	خَاوَفْتُنَّ	خُوْوِفْتُنَّ	تُخَاوِفْنَ	خَاوِفْنَ	تُخَاوَفْنَ	لِتُخَاوَفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	خَاوَفْتُ	خُوْوِفْتُ	أُخَاوِفُ	لِأُخَاوِفْ	أُخَاوَفُ	لِأُخَاوَفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	خَاوَفْنَا	خُوْوِفْنَا	نُخَاوِفُ	لِنُخَاوِفْ	نُخَاوَفُ	لِنُخَاوَفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

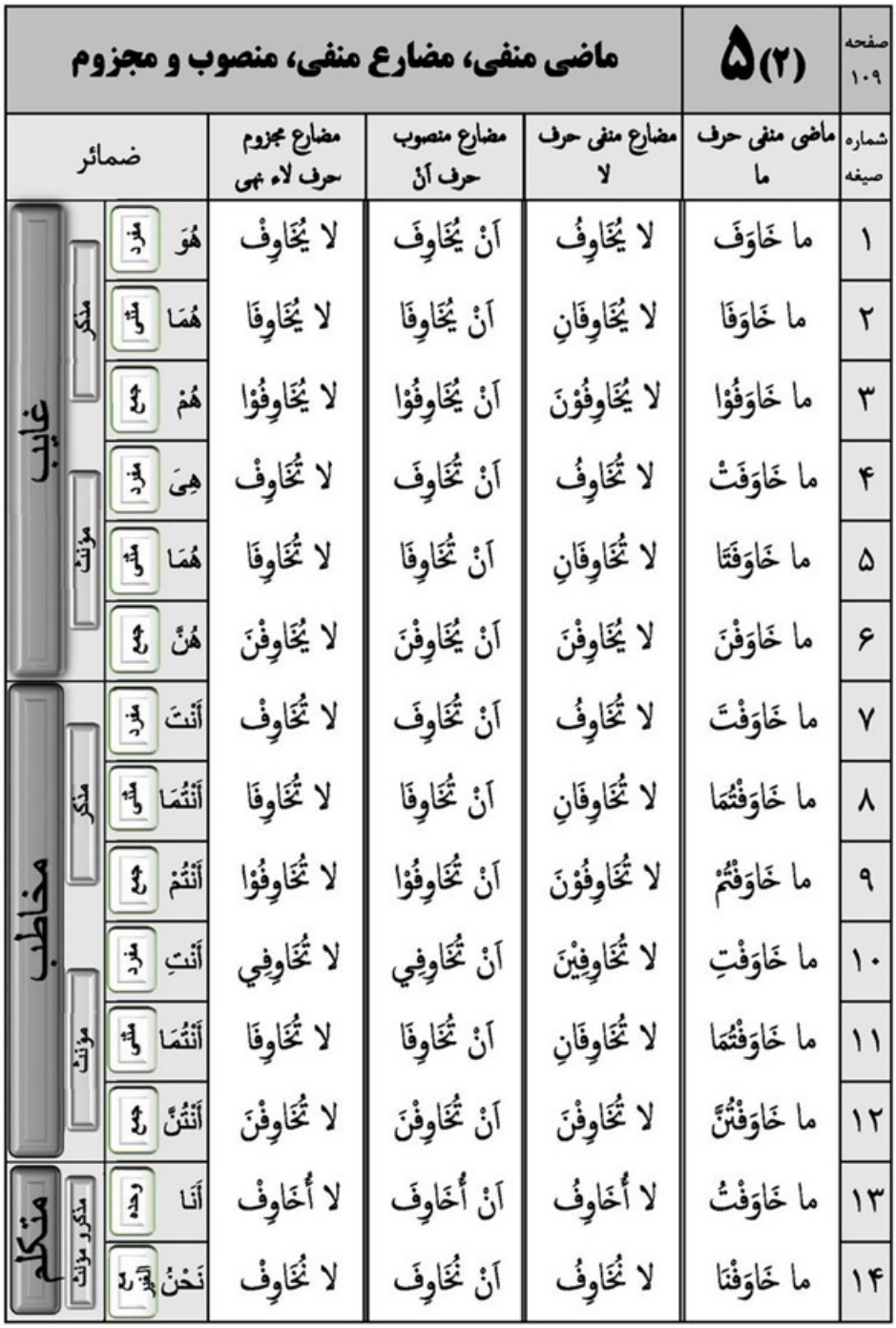

صفحه ۱۰۹	۵ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما خَاوَفَ	لا يُخَاوِفُ	اَنْ يُخَاوِفَ	لا يُخَاوِفْ	غایب	هُوَ — مفرد — مذکر
۲	ما خَاوَفَا	لا يُخَاوِفَانِ	اَنْ يُخَاوِفَا	لا يُخَاوِفَا		هُمَا — مثنی — مذکر
۳	ما خَاوَفُوْا	لا يُخَاوِفُوْنَ	اَنْ يُخَاوِفُوْا	لا يُخَاوِفُوْا		هُمْ — جمع — مذکر
۴	ما خَاوَفَتْ	لا تُخَاوِفُ	اَنْ تُخَاوِفَ	لا تُخَاوِفْ		هِيَ — مفرد — مؤنث
۵	ما خَاوَفَتَا	لا تُخَاوِفَانِ	اَنْ تُخَاوِفَا	لا تُخَاوِفَا		هُمَا — مثنی — مؤنث
۶	ما خَاوَفْنَ	لا يُخَاوِفْنَ	اَنْ يُخَاوِفْنَ	لا يُخَاوِفْنَ		هُنَّ — جمع — مؤنث
۷	ما خَاوَفْتَ	لا تُخَاوِفُ	اَنْ تُخَاوِفَ	لا تُخَاوِفْ	مخاطب	اَنْتَ — مفرد — مذکر
۸	ما خَاوَفْتُمَا	لا تُخَاوِفَانِ	اَنْ تُخَاوِفَا	لا تُخَاوِفَا		اَنْتُمَا — مثنی — مذکر
۹	ما خَاوَفْتُمْ	لا تُخَاوِفُوْنَ	اَنْ تُخَاوِفُوْا	لا تُخَاوِفُوْا		اَنْتُمْ — جمع — مذکر
۱۰	ما خَاوَفْتِ	لا تُخَاوِفِيْنَ	اَنْ تُخَاوِفِي	لا تُخَاوِفِي		اَنْتِ — مفرد — مؤنث
۱۱	ما خَاوَفْتُمَا	لا تُخَاوِفَانِ	اَنْ تُخَاوِفَا	لا تُخَاوِفَا		اَنْتُمَا — مثنی — مؤنث
۱۲	ما خَاوَفْتُنَّ	لا تُخَاوِفْنَ	اَنْ تُخَاوِفْنَ	لا تُخَاوِفْنَ		اَنْتُنَّ — جمع — مؤنث
۱۳	ما خَاوَفْتُ	لا اُخَاوِفُ	اَنْ اُخَاوِفَ	لا اُخَاوِفْ	متکلم	اَنَا — وحده — مذکر و مؤنث
۱۴	ما خَاوَفْنَا	لا نُخَاوِفُ	اَنْ نُخَاوِفَ	لا نُخَاوِفْ		نَحْنُ — جمع — مذکر و مؤنث

تصویر



صفحه ۱۱۰	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تأکید ثقیلة	امرمجهول بانون تأکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تأکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُخَاوِفَنَّ	لِيُخَاوَفَنَّ	لِيُخَاوِفَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُخَاوِفَانِّ	لِيُخَاوَفَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُخَاوِفُنَّ	لِيُخَاوَفُنَّ	لِيُخَاوِفُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُخَاوِفَنَّ	لِتُخَاوَفَنَّ	لِتُخَاوِفَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُخَاوِفَانِّ	لِتُخَاوَفَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُخَاوِفْنَانِّ	لِيُخَاوَفْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	خَاوِفَنَّ	لِتُخَاوَفَنَّ	خَاوِفَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	خَاوِفَانِّ	لِتُخَاوَفَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	خَاوِفُنَّ	لِتُخَاوَفُنَّ	خَاوِفُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	خَاوِفِنَّ	لِتُخَاوَفِنَّ	خَاوِفِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	خَاوِفَانِّ	لِتُخَاوَفَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	خَاوِفْنَانِّ	لِتُخَاوَفْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُخَاوِفَنَّ	لِأُخَاوَفَنَّ	لِأُخَاوِفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُخَاوِفَنَّ	لِنُخَاوَفَنَّ	لِنُخَاوِفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۱۱۰

تصویر



صفحه ۱۱۱	۶ (۱) باب مفاعلهٔ اجوف یایی، اَلْمُبَایَعَهُ (پیمان فروش بستن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	بَایَعَ	بُوْیِعَ	یُبَایِعُ	لِیُبَایِعْ	یُبَایَعُ	لِیُبَایَعْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	بَایَعَا	بُوْیِعَا	یُبَایِعَانِ	لِیُبَایِعَا	یُبَایَعَانِ	لِیُبَایَعَا	غایب — مذکر — تثنیه — هُمَا
۳	بَایَعُوْا	بُوْیِعُوْا	یُبَایِعُوْنَ	لِیُبَایِعُوْا	یُبَایَعُوْنَ	لِیُبَایَعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	بَایَعَتْ	بُوْیِعَتْ	تُبَایِعُ	لِتُبَایِعْ	تُبَایَعُ	لِتُبَایَعْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	بَایَعَتَا	بُوْیِعَتَا	تُبَایِعَانِ	لِتُبَایِعَا	تُبَایَعَانِ	لِتُبَایَعَا	غایب — مؤنث — تثنیه — هُمَا
۶	بَایَعْنَ	بُوْیِعْنَ	یُبَایِعْنَ	لِیُبَایِعْنَ	یُبَایَعْنَ	لِیُبَایَعْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	بَایَعْتَ	بُوْیِعْتَ	تُبَایِعُ	بَایِعْ	تُبَایَعُ	لِتُبَایَعْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	بَایَعْتُمَا	بُوْیِعْتُمَا	تُبَایِعَانِ	بَایِعَا	تُبَایَعَانِ	لِتُبَایَعَا	مخاطب — مذکر — تثنیه — أَنْتُمَا
۹	بَایَعْتُمْ	بُوْیِعْتُمْ	تُبَایِعُوْنَ	بَایِعُوْا	تُبَایَعُوْنَ	لِتُبَایَعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	بَایَعْتِ	بُوْیِعْتِ	تُبَایِعِیْنَ	بَایِعِي	تُبَایَعِیْنَ	لِتُبَایَعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	بَایَعْتُمَا	بُوْیِعْتُمَا	تُبَایِعَانِ	بَایِعَا	تُبَایَعَانِ	لِتُبَایَعَا	مخاطب — مؤنث — تثنیه — أَنْتُمَا
۱۲	بَایَعْتُنَّ	بُوْیِعْتُنَّ	تُبَایِعْنَ	بَایِعْنَ	تُبَایَعْنَ	لِتُبَایَعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	بَایَعْتُ	بُوْیِعْتُ	أُبَایِعُ	لِأُبَایِعْ	أُبَایَعُ	لِأُبَایَعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	بَایَعْنَا	بُوْیِعْنَا	نُبَایِعُ	لِنُبَایِعْ	نُبَایَعُ	لِنُبَایَعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۱۱۲	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما بَایَعَ	لا یُبَایِعُ	اَنْ یُبَایِعَ	لا یُبَایِعْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما بَایَعَا	لا یُبَایِعَانِ	اَنْ یُبَایِعَا	لا یُبَایِعَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما بَایَعُوْا	لا یُبَایِعُوْنَ	اَنْ یُبَایِعُوْا	لا یُبَایِعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما بَایَعَتْ	لا تُبَایِعُ	اَنْ تُبَایِعَ	لا تُبَایِعْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	ما بَایَعَتَا	لا تُبَایِعَانِ	اَنْ تُبَایِعَا	لا تُبَایِعَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما بَایَعْنَ	لا یُبَایِعْنَ	اَنْ یُبَایِعْنَ	لا یُبَایِعْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما بَایَعْتَ	لا تُبَایِعُ	اَنْ تُبَایِعَ	لا تُبَایِعْ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما بَایَعْتُمَا	لا تُبَایِعَانِ	اَنْ تُبَایِعَا	لا تُبَایِعَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما بَایَعْتُمْ	لا تُبَایِعُوْنَ	اَنْ تُبَایِعُوْا	لا تُبَایِعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما بَایَعْتِ	لا تُبَایِعِیْنَ	اَنْ تُبَایِعِي	لا تُبَایِعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما بَایَعْتُمَا	لا تُبَایِعَانِ	اَنْ تُبَایِعَا	لا تُبَایِعَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما بَایَعْتُنَّ	لا تُبَایِعْنَ	اَنْ تُبَایِعْنَ	لا تُبَایِعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما بَایَعْتُ	لا اُبَایِعُ	اَنْ اُبَایِعَ	لا اُبَایِعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — اَنَا
۱۴	ما بَایَعْنَا	لا نُبَایِعُ	اَنْ نُبَایِعَ	لا نُبَایِعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۱۳	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُبَايِعَنَّ	لِيُبَايَعَنَّ	لِيُبَايِعَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُبَايِعَانِّ	لِيُبَايَعَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُبَايِعُنَّ	لِيُبَايَعُنَّ	لِيُبَايِعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُبَايِعَنَّ	لِتُبَايَعَنَّ	لِتُبَايِعَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُبَايِعَانِّ	لِتُبَايَعَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُبَايِعْنَانِّ	لِيُبَايَعْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	بَايِعَنَّ	لِتُبَايَعَنَّ	بَايِعَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	بَايِعَانِّ	لِتُبَايَعَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	بَايِعُنَّ	لِتُبَايَعُنَّ	بَايِعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	بَايِعِنَّ	لِتُبَايَعِنَّ	بَايِعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	بَايِعَانِّ	لِتُبَايَعَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	بَايِعْنَانِّ	لِتُبَايَعْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُبَايِعَنَّ	لِأُبَايَعَنَّ	لِأُبَايِعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُبَايِعَنَّ	لِنُبَايَعَنَّ	لِنُبَايِعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

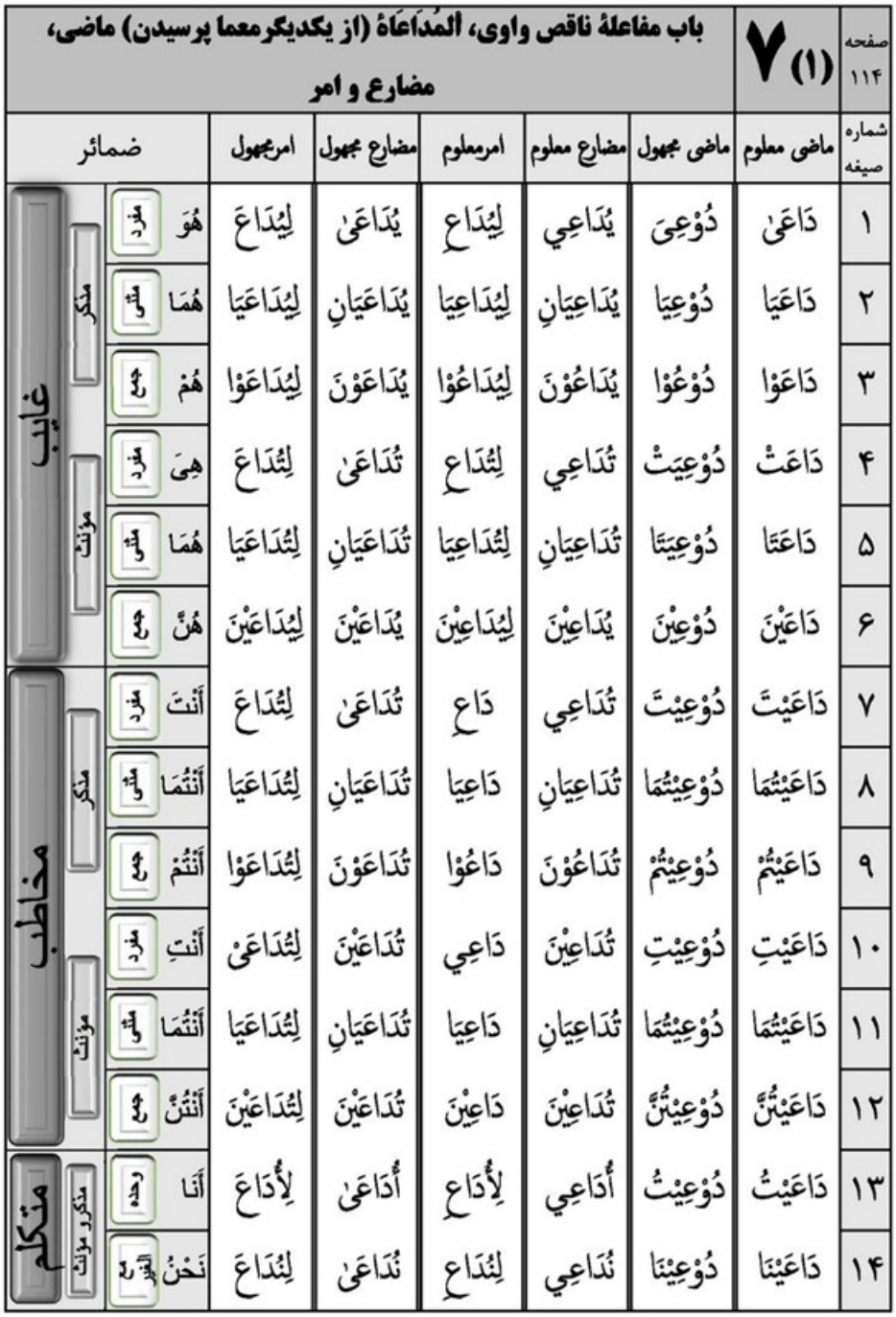

صفحه ۱۱۴	۷ (۱)	باب مفاعلة ناقص واوی، اَلمُدَاعَاة (از یکدیگرمعما پرسیدن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	دَاعَىٰ	دُوْعِىَ	يُدَاعِي	لِيُدَاعِ	يُدَاعَىٰ	لِيُدَاعَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	دَاعَيَا	دُوْعِيَا	يُدَاعِيَانِ	لِيُدَاعِيَا	يُدَاعَيَانِ	لِيُدَاعَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	دَاعَوْا	دُوْعُوْا	يُدَاعُوْنَ	لِيُدَاعُوْا	يُدَاعَوْنَ	لِيُدَاعَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	دَاعَتْ	دُوْعِيَتْ	تُدَاعِي	لِتُدَاعِ	تُدَاعَىٰ	لِتُدَاعَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	دَاعَتَا	دُوْعِيَتَا	تُدَاعِيَانِ	لِتُدَاعِيَا	تُدَاعَيَانِ	لِتُدَاعَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	دَاعَيْنَ	دُوْعِيْنَ	يُدَاعِيْنَ	لِيُدَاعِيْنَ	يُدَاعَيْنَ	لِيُدَاعَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	دَاعَيْتَ	دُوْعِيْتَ	تُدَاعِي	دَاعِ	تُدَاعَىٰ	لِتُدَاعَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	دَاعَيْتُمَا	دُوْعِيْتُمَا	تُدَاعِيَانِ	دَاعِيَا	تُدَاعَيَانِ	لِتُدَاعَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	دَاعَيْتُمْ	دُوْعِيْتُمْ	تُدَاعُوْنَ	دَاعُوْا	تُدَاعَوْنَ	لِتُدَاعَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	دَاعَيْتِ	دُوْعِيْتِ	تُدَاعِيْنَ	دَاعِي	تُدَاعَيْنَ	لِتُدَاعَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	دَاعَيْتُمَا	دُوْعِيْتُمَا	تُدَاعِيَانِ	دَاعِيَا	تُدَاعَيَانِ	لِتُدَاعَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	دَاعَيْتُنَّ	دُوْعِيْتُنَّ	تُدَاعِيْنَ	دَاعِيْنَ	تُدَاعَيْنَ	لِتُدَاعَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	دَاعَيْتُ	دُوْعِيْتُ	أُدَاعِي	لِأُدَاعِ	أُدَاعَىٰ	لِأُدَاعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	دَاعَيْنَا	دُوْعِيْنَا	نُدَاعِي	لِنُدَاعِ	نُدَاعَىٰ	لِنُدَاعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۱۱۵	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما دَاعَیٰ	لا یُدَاعِي	اَنْ یُدَاعِیَ	لا یُدَاعِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما دَاعَیَا	لا یُدَاعِیَانِ	اَنْ یُدَاعِیَا	لا یُدَاعِیَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما دَاعَوْا	لا یُدَاعُوْنَ	اَنْ یُدَاعُوْا	لا یُدَاعُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما دَاعَتْ	لا تُدَاعِي	اَنْ تُدَاعِیَ	لا تُدَاعِ	غایب / مؤنث / مفرد / هِیَ
۵	ما دَاعَتَا	لا تُدَاعِیَانِ	اَنْ تُدَاعِیَا	لا تُدَاعِیَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما دَاعَیْنَ	لا یُدَاعِیْنَ	اَنْ یُدَاعِیْنَ	لا یُدَاعِیْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما دَاعَیْتَ	لا تُدَاعِي	اَنْ تُدَاعِیَ	لا تُدَاعِ	مخاطب / مذکر / مفرد / اَنْتَ
۸	ما دَاعَیْتُمَا	لا تُدَاعِیَانِ	اَنْ تُدَاعِیَا	لا تُدَاعِیَا	مخاطب / مذکر / مثنی / اَنْتُمَا
۹	ما دَاعَیْتُمْ	لا تُدَاعُوْنَ	اَنْ تُدَاعُوْا	لا تُدَاعُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / اَنْتُمْ
۱۰	ما دَاعَیْتِ	لا تُدَاعِیْنَ	اَنْ تُدَاعِي	لا تُدَاعِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / اَنْتِ
۱۱	ما دَاعَیْتُمَا	لا تُدَاعِیَانِ	اَنْ تُدَاعِیَا	لا تُدَاعِیَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / اَنْتُمَا
۱۲	ما دَاعَیْتُنَّ	لا تُدَاعِیْنَ	اَنْ تُدَاعِیْنَ	لا تُدَاعِیْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / اَنْتُنَّ
۱۳	ما دَاعَیْتُ	لا اُدَاعِي	اَنْ اُدَاعِیَ	لا اُدَاعِ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / اَنَا
۱۴	ما دَاعَیْنَا	لا نُدَاعِي	اَنْ نُدَاعِیَ	لا نُدَاعِ	متکلم / مذکر و مؤنث / تثنیه و جمع / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۱۶	۷ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُدَاعِيَنَّ	لِيُدَاعَيَنَّ	لِيُدَاعِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُدَاعِيَانِّ	لِيُدَاعَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُدَاعُنَّ	لِيُدَاعَوُنَّ	لِيُدَاعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُدَاعِيَنَّ	لِتُدَاعَيَنَّ	لِتُدَاعِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُدَاعِيَانِّ	لِتُدَاعَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُدَاعِيْنَانِّ	لِيُدَاعَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	دَاعِيَنَّ	لِتُدَاعَيَنَّ	دَاعِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	دَاعِيَانِّ	لِتُدَاعَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	دَاعُنَّ	لِتُدَاعَوُنَّ	دَاعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	دَاعِنَّ	لِتُدَاعِيَنَّ	دَاعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	دَاعِيَانِّ	لِتُدَاعَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	دَاعِيْنَانِّ	لِتُدَاعَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُدَاعِيَنَّ	لِأُدَاعَيَنَّ	لِأُدَاعِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُدَاعِيَنَّ	لِنُدَاعَيَنَّ	لِنُدَاعِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۱۷	۸ (۱)	باب مفاعلة ناقص یایی، اَلمُرَامَاة (یکدیگر را تیر اندازی کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	رَامَىٰ	رُوْمِىَ	يُرَامِي	لِيُرَامِ	يُرَامَىٰ	لِيُرَامَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	رَامَيَا	رُوْمِيَا	يُرَامِيَانِ	لِيُرَامِيَا	يُرَامَيَانِ	لِيُرَامَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	رَامَوْا	رُوْمُوْا	يُرَامُوْنَ	لِيُرَامُوْا	يُرَامَوْنَ	لِيُرَامَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	رَامَتْ	رُوْمِيَتْ	تُرَامِي	لِتُرَامِ	تُرَامَىٰ	لِتُرَامَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	رَامَتَا	رُوْمِيَتَا	تُرَامِيَانِ	لِتُرَامِيَا	تُرَامَيَانِ	لِتُرَامَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	رَامَيْنَ	رُوْمِيْنَ	يُرَامِيْنَ	لِيُرَامِيْنَ	يُرَامَيْنَ	لِيُرَامَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	رَامَيْتَ	رُوْمِيْتَ	تُرَامِي	رَامِ	تُرَامَىٰ	لِتُرَامَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	رَامَيْتُمَا	رُوْمِيْتُمَا	تُرَامِيَانِ	رَامِيَا	تُرَامَيَانِ	لِتُرَامَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	رَامَيْتُمْ	رُوْمِيْتُمْ	تُرَامُوْنَ	رَامُوْا	تُرَامَوْنَ	لِتُرَامَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	رَامَيْتِ	رُوْمِيْتِ	تُرَامِيْنَ	رَامِي	تُرَامَيْنَ	لِتُرَامَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	رَامَيْتُمَا	رُوْمِيْتُمَا	تُرَامِيَانِ	رَامِيَا	تُرَامَيَانِ	لِتُرَامَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	رَامَيْتُنَّ	رُوْمِيْتُنَّ	تُرَامِيْنَ	رَامِيْنَ	تُرَامَيْنَ	لِتُرَامَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	رَامَيْتُ	رُوْمِيْتُ	أُرَامِي	لِأُرَامِ	أُرَامَىٰ	لِأُرَامَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	رَامَيْنَا	رُوْمِيْنَا	نُرَامِي	لِنُرَامِ	نُرَامَىٰ	لِنُرَامَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۱۸	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما رَامَىٰ	لا يُرَامِي	اَنْ يُرَامِيَ	لا يُرَامِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما رَامَيَا	لا يُرَامِيَانِ	اَنْ يُرَامِيَا	لا يُرَامِيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما رَامَوْا	لا يُرَامُوْنَ	اَنْ يُرَامُوْا	لا يُرَامُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما رَامَتْ	لا تُرَامِي	اَنْ تُرَامِيَ	لا تُرَامِ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما رَامَتَا	لا تُرَامِيَانِ	اَنْ تُرَامِيَا	لا تُرَامِيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما رَامَيْنَ	لا يُرَامِيْنَ	اَنْ يُرَامِيْنَ	لا يُرَامِيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما رَامَيْتَ	لا تُرَامِي	اَنْ تُرَامِيَ	لا تُرَامِ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما رَامَيْتُمَا	لا تُرَامِيَانِ	اَنْ تُرَامِيَا	لا تُرَامِيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما رَامَيْتُمْ	لا تُرَامُوْنَ	اَنْ تُرَامُوْا	لا تُرَامُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما رَامَيْتِ	لا تُرَامِيْنَ	اَنْ تُرَامِيَ	لا تُرَامِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما رَامَيْتُمَا	لا تُرَامِيَانِ	اَنْ تُرَامِيَا	لا تُرَامِيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما رَامَيْتُنَّ	لا تُرَامِيْنَ	اَنْ تُرَامِيْنَ	لا تُرَامِيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما رَامَيْتُ	لا أُرَامِي	اَنْ أُرَامِيَ	لا أُرَامِ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	ما رَامَيْنَا	لا نُرَامِي	اَنْ نُرَامِيَ	لا نُرَامِ	متکلم — مذکر و مؤنث — تثنیه و جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۱۹	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُرَامِيَنَّ	لِيُرَامَيَنَّ	لِيُرَامِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُرَامِيَانِّ	لِيُرَامَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُرَامُنَّ	لِيُرَامَوُنَّ	لِيُرَامُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُرَامِيَنَّ	لِتُرَامَيَنَّ	لِتُرَامِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُرَامِيَانِّ	لِتُرَامَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُرَامِيْنَانِّ	لِيُرَامَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	رَامِيَنَّ	لِتُرَامَيَنَّ	رَامِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	رَامِيَانِّ	لِتُرَامَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	رَامُنَّ	لِتُرَامَوُنَّ	رَامُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	رَامِنَّ	لِتُرَامَيِنَّ	رَامِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	رَامِيَانِّ	لِتُرَامَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	رَامِيْنَانِّ	لِتُرَامَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُرَامِيَنَّ	لِأُرَامَيَنَّ	لِأُرَامِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُرَامِيَنَّ	لِنُرَامَيَنَّ	لِنُرَامِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

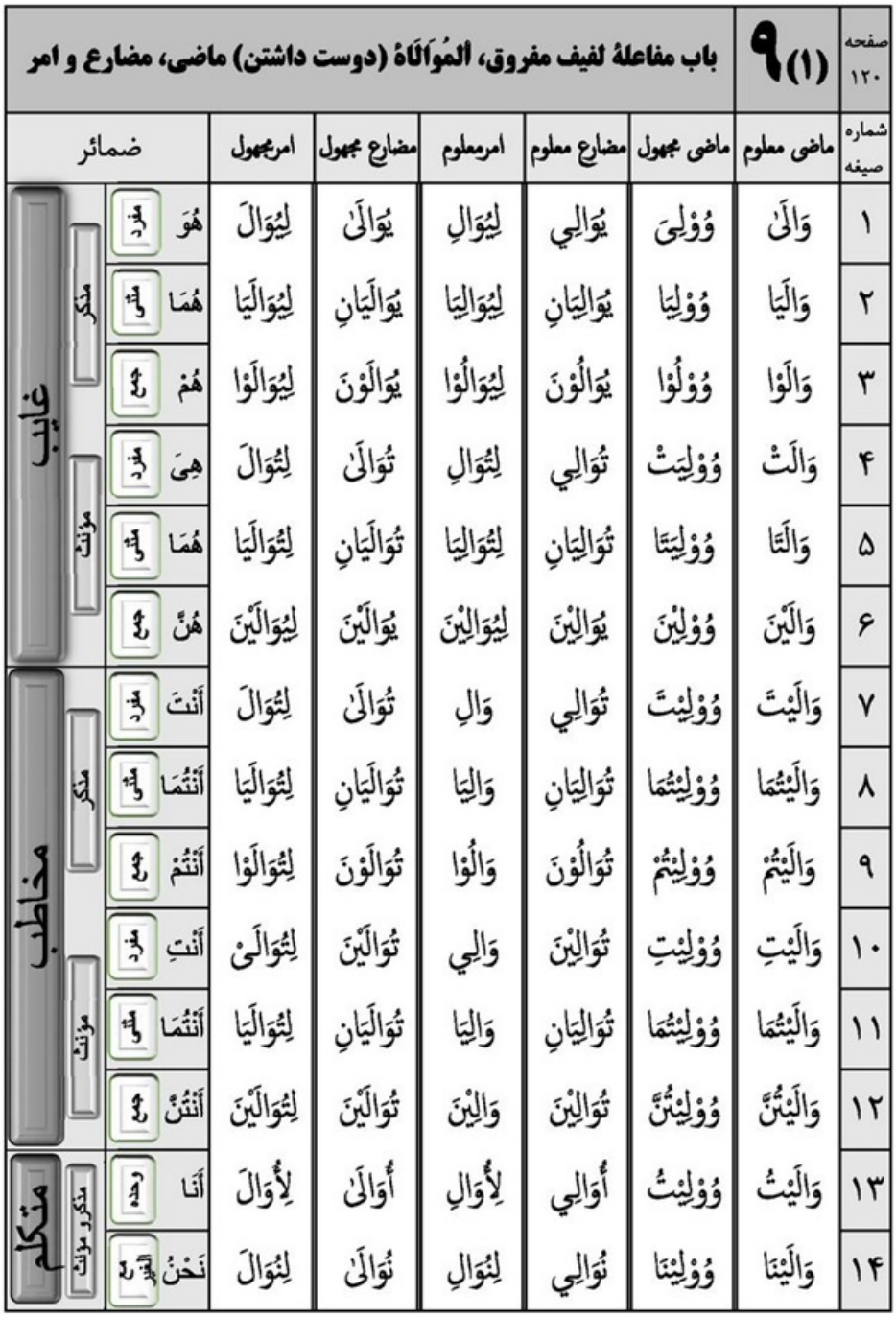

صفحه ۱۲۰	۹ (۱) باب مفاعلة لفيف مفروق، اَلمُوَالَاةُ (دوست داشتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	وَالَىٰ	وُوْلِيَ	يُوَالِي	لِيُوَالِ	يُوَالَىٰ	لِيُوَالَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	وَالَيَا	وُوْلِيَا	يُوَالِيَانِ	لِيُوَالِيَا	يُوَالَيَانِ	لِيُوَالَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	وَالَوْا	وُوْلُوْا	يُوَالُوْنَ	لِيُوَالُوْا	يُوَالَوْنَ	لِيُوَالَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	وَالَتْ	وُوْلِيَتْ	تُوَالِي	لِتُوَالِ	تُوَالَىٰ	لِتُوَالَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	وَالَتَا	وُوْلِيَتَا	تُوَالِيَانِ	لِتُوَالِيَا	تُوَالَيَانِ	لِتُوَالَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	وَالَيْنَ	وُوْلِيْنَ	يُوَالِيْنَ	لِيُوَالِيْنَ	يُوَالَيْنَ	لِيُوَالَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	وَالَيْتَ	وُوْلِيْتَ	تُوَالِي	وَالِ	تُوَالَىٰ	لِتُوَالَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	وَالَيْتُمَا	وُوْلِيْتُمَا	تُوَالِيَانِ	وَالِيَا	تُوَالَيَانِ	لِتُوَالَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	وَالَيْتُمْ	وُوْلِيْتُمْ	تُوَالُوْنَ	وَالُوْا	تُوَالَوْنَ	لِتُوَالَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	وَالَيْتِ	وُوْلِيْتِ	تُوَالِيْنَ	وَالِي	تُوَالَيْنَ	لِتُوَالَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	وَالَيْتُمَا	وُوْلِيْتُمَا	تُوَالِيَانِ	وَالِيَا	تُوَالَيَانِ	لِتُوَالَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	وَالَيْتُنَّ	وُوْلِيْتُنَّ	تُوَالِيْنَ	وَالِيْنَ	تُوَالَيْنَ	لِتُوَالَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	وَالَيْتُ	وُوْلِيْتُ	أُوَالِي	لِأُوَالِ	أُوَالَىٰ	لِأُوَالَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	وَالَيْنَا	وُوْلِيْنَا	نُوَالِي	لِنُوَالِ	نُوَالَىٰ	لِنُوَالَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۱۲۱	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما وَالَىٰ	لا يُوَالِي	اَنْ يُوَالِيَ	لا يُوَالِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما وَالَيَا	لا يُوَالِيَانِ	اَنْ يُوَالِيَا	لا يُوَالِيَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما وَالَوْا	لا يُوَالُوْنَ	اَنْ يُوَالُوْا	لا يُوَالُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما وَالَتْ	لا تُوَالِي	اَنْ تُوَالِيَ	لا تُوَالِ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما وَالَتَا	لا تُوَالِيَانِ	اَنْ تُوَالِيَا	لا تُوَالِيَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما وَالَيْنَ	لا يُوَالِيْنَ	اَنْ يُوَالِيْنَ	لا يُوَالِيْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما وَالَيْتَ	لا تُوَالِي	اَنْ تُوَالِيَ	لا تُوَالِ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما وَالَيْتُمَا	لا تُوَالِيَانِ	اَنْ تُوَالِيَا	لا تُوَالِيَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما وَالَيْتُمْ	لا تُوَالُوْنَ	اَنْ تُوَالُوْا	لا تُوَالُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما وَالَيْتِ	لا تُوَالِيْنَ	اَنْ تُوَالِيَ	لا تُوَالِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما وَالَيْتُمَا	لا تُوَالِيَانِ	اَنْ تُوَالِيَا	لا تُوَالِيَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما وَالَيْتُنَّ	لا تُوَالِيْنَ	اَنْ تُوَالِيْنَ	لا تُوَالِيْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما وَالَيْتُ	لا أُوَالِي	اَنْ أُوَالِيَ	لا أُوَالِ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما وَالَيْنَا	لا نُوَالِي	اَنْ نُوَالِيَ	لا نُوَالِ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۲۲	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُوَالِيَنَّ	لِيُوَالَيَنَّ	لِيُوَالِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُوَالِيَانِّ	لِيُوَالَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُوَالُنَّ	لِيُوَالَوُنَّ	لِيُوَالُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُوَالِيَنَّ	لِتُوَالَيَنَّ	لِتُوَالِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُوَالِيَانِّ	لِتُوَالَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُوَالِيْنَانِّ	لِيُوَالَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	وَالِيَنَّ	لِتُوَالَيَنَّ	وَالِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	وَالِيَانِّ	لِتُوَالَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	وَالُنَّ	لِتُوَالَوُنَّ	وَالُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	وَالِنَّ	لِتُوَالَيِنَّ	وَالِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	وَالِيَانِّ	لِتُوَالَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	وَالِيْنَانِّ	لِتُوَالَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُوَالِيَنَّ	لِأُوَالَيَنَّ	لِأُوَالِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُوَالِيَنَّ	لِنُوَالَيَنَّ	لِنُوَالِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۲۳	(۱) ۱۰ باب مفاعلة لفيف مقرون، اَلْمُقَاوَاةُ (قویتر بودن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	قَاوَىٰ	قُوْوِيَ	يُقَاوِي	لِيُقَاوِ	يُقَاوَىٰ	لِيُقَاوَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	قَاوَيَا	قُوْوِيَا	يُقَاوِيَانِ	لِيُقَاوِيَا	يُقَاوَيَانِ	لِيُقَاوَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	قَاوَوْا	قُوْوُوْا	يُقَاوُوْنَ	لِيُقَاوُوْا	يُقَاوَوْنَ	لِيُقَاوَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	قَاوَتْ	قُوْوِيَتْ	تُقَاوِي	لِتُقَاوِ	تُقَاوَىٰ	لِتُقَاوَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	قَاوَتَا	قُوْوِيَتَا	تُقَاوِيَانِ	لِتُقَاوِيَا	تُقَاوَيَانِ	لِتُقَاوَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	قَاوَيْنَ	قُوْوِيْنَ	يُقَاوِيْنَ	لِيُقَاوِيْنَ	يُقَاوَيْنَ	لِيُقَاوَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	قَاوَيْتَ	قُوْوِيْتَ	تُقَاوِي	قَاوِ	تُقَاوَىٰ	لِتُقَاوَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	قَاوَيْتُمَا	قُوْوِيْتُمَا	تُقَاوِيَانِ	قَاوِيَا	تُقَاوَيَانِ	لِتُقَاوَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	قَاوَيْتُمْ	قُوْوِيْتُمْ	تُقَاوُوْنَ	قَاوُوْا	تُقَاوَوْنَ	لِتُقَاوَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	قَاوَيْتِ	قُوْوِيْتِ	تُقَاوِيْنَ	قَاوِي	تُقَاوَيْنَ	لِتُقَاوَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	قَاوَيْتُمَا	قُوْوِيْتُمَا	تُقَاوِيَانِ	قَاوِيَا	تُقَاوَيَانِ	لِتُقَاوَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	قَاوَيْتُنَّ	قُوْوِيْتُنَّ	تُقَاوِيْنَ	قَاوِيْنَ	تُقَاوَيْنَ	لِتُقَاوَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	قَاوَيْتُ	قُوْوِيْتُ	أُقَاوِي	لِأُقَاوِ	أُقَاوَىٰ	لِأُقَاوَ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	قَاوَيْنَا	قُوْوِيْنَا	نُقَاوِي	لِنُقَاوِ	نُقَاوَىٰ	لِنُقَاوَ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۲۴	۱۰ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما قَاوَیٰ	لا یُقَاوِي	اَنْ یُقَاوِیَ	لا یُقَاوِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما قَاوَیَا	لا یُقَاوِیَانِ	اَنْ یُقَاوِیَا	لا یُقَاوِیَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما قَاوَوْا	لا یُقَاوُوْنَ	اَنْ یُقَاوُوْا	لا یُقَاوُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما قَاوَتْ	لا تُقَاوِي	اَنْ تُقَاوِیَ	لا تُقَاوِ	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	ما قَاوَتَا	لا تُقَاوِیَانِ	اَنْ تُقَاوِیَا	لا تُقَاوِیَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما قَاوَیْنَ	لا یُقَاوِیْنَ	اَنْ یُقَاوِیْنَ	لا یُقَاوِیْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما قَاوَیْتَ	لا تُقَاوِي	اَنْ تُقَاوِیَ	لا تُقَاوِ	مخاطب، مذکر، مفرد، اَنْتَ
۸	ما قَاوَیْتُمَا	لا تُقَاوِیَانِ	اَنْ تُقَاوِیَا	لا تُقَاوِیَا	مخاطب، مذکر، مثنی، اَنْتُمَا
۹	ما قَاوَیْتُمْ	لا تُقَاوُوْنَ	اَنْ تُقَاوُوْا	لا تُقَاوُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، اَنْتُمْ
۱۰	ما قَاوَیْتِ	لا تُقَاوِیْنَ	اَنْ تُقَاوِيَ	لا تُقَاوِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، اَنْتِ
۱۱	ما قَاوَیْتُمَا	لا تُقَاوِیَانِ	اَنْ تُقَاوِیَا	لا تُقَاوِیَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، اَنْتُمَا
۱۲	ما قَاوَیْتُنَّ	لا تُقَاوِیْنَ	اَنْ تُقَاوِیْنَ	لا تُقَاوِیْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، اَنْتُنَّ
۱۳	ما قَاوَیْتُ	لا اُقَاوِي	اَنْ اُقَاوِیَ	لا اُقَاوِ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، اَنَا
۱۴	ما قَاوَیْنَا	لا نُقَاوِي	اَنْ نُقَاوِیَ	لا نُقَاوِ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۲۵	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُقَاوِيَنَّ	لِيُقَاوَيَنَّ	لِيُقَاوِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُقَاوِيَانِّ	لِيُقَاوَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُقَاوُنَّ	لِيُقَاوَوُنَّ	لِيُقَاوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُقَاوِيَنَّ	لِتُقَاوَيَنَّ	لِتُقَاوِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُقَاوِيَانِّ	لِتُقَاوَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُقَاوِيْنَانِّ	لِيُقَاوَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	قَاوِيَنَّ	لِتُقَاوَيَنَّ	قَاوِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	قَاوِيَانِّ	لِتُقَاوَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	قَاوُنَّ	لِتُقَاوَوُنَّ	قَاوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	قَاوِنَّ	لِتُقَاوَيِنَّ	قَاوِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	قَاوِيَانِّ	لِتُقَاوَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	قَاوِيْنَانِّ	لِتُقَاوَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُقَاوِيَنَّ	لِأُقَاوَيَنَّ	لِأُقَاوِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُقَاوِيَنَّ	لِنُقَاوَيَنَّ	لِنُقَاوِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۱۲۵

تصویر

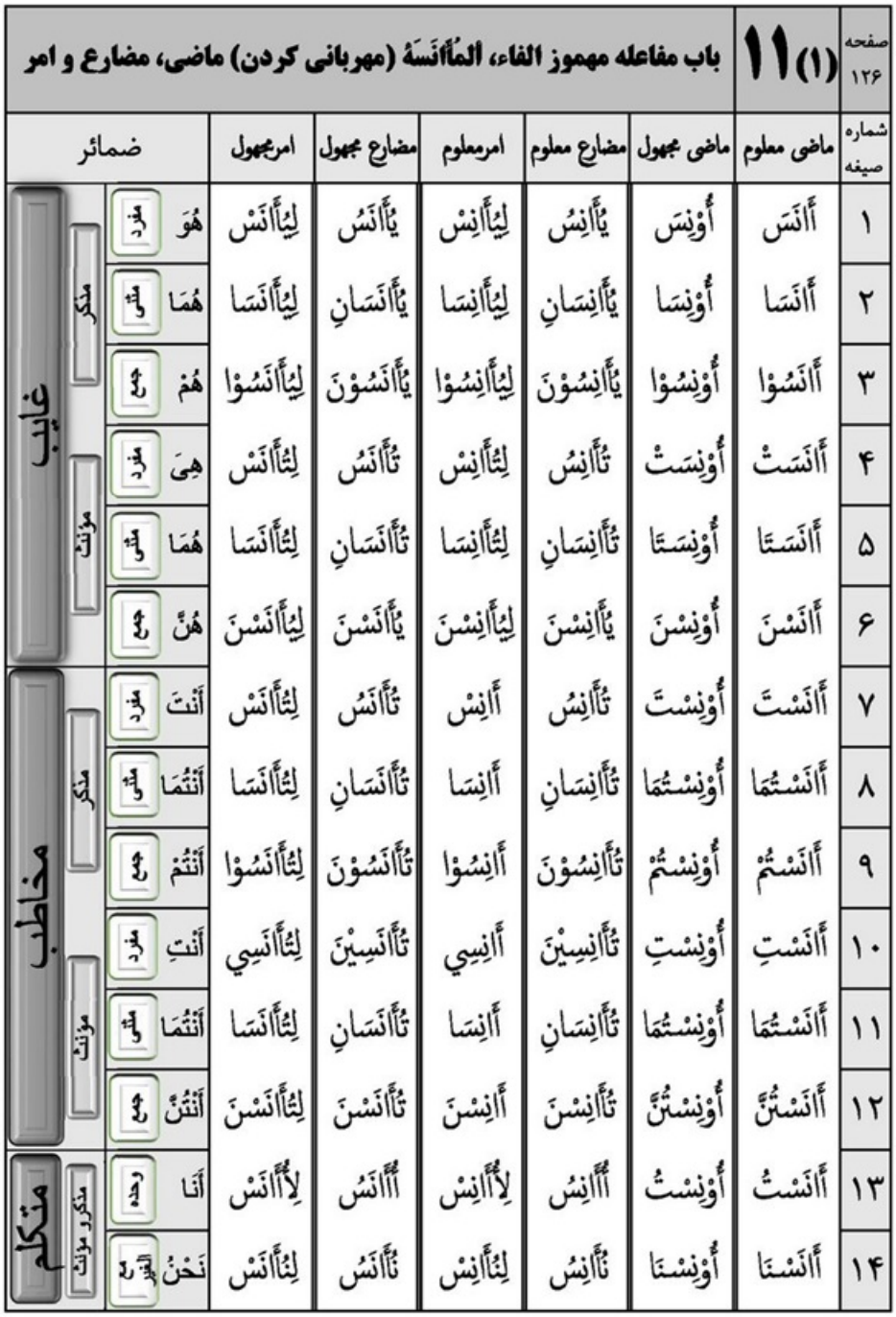

صفحه ۱۲۶	۱۱ (۱) باب مفاعله مهموز الفاء، المُؤانَسَة (مهربانی کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	أَانَسَ	أُوْنِسَ	يُؤَانِسُ	لِيُؤَانِسْ	يُؤَانَسُ	لِيُؤَانَسْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	أَانَسَا	أُوْنِسَا	يُؤَانِسَانِ	لِيُؤَانِسَا	يُؤَانَسَانِ	لِيُؤَانَسَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	أَانَسُوْا	أُوْنِسُوْا	يُؤَانِسُوْنَ	لِيُؤَانِسُوْا	يُؤَانَسُوْنَ	لِيُؤَانَسُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	أَانَسَتْ	أُوْنِسَتْ	تُؤَانِسُ	لِتُؤَانِسْ	تُؤَانَسُ	لِتُؤَانَسْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	أَانَسَتَا	أُوْنِسَتَا	تُؤَانِسَانِ	لِتُؤَانِسَا	تُؤَانَسَانِ	لِتُؤَانَسَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	أَانَسْنَ	أُوْنِسْنَ	يُؤَانِسْنَ	لِيُؤَانِسْنَ	يُؤَانَسْنَ	لِيُؤَانَسْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَانَسْتَ	أُوْنِسْتَ	تُؤَانِسُ	أَانِسْ	تُؤَانَسُ	لِتُؤَانَسْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَانَسْتُمَا	أُوْنِسْتُمَا	تُؤَانِسَانِ	أَانِسَا	تُؤَانَسَانِ	لِتُؤَانَسَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَانَسْتُمْ	أُوْنِسْتُمْ	تُؤَانِسُوْنَ	أَانِسُوْا	تُؤَانَسُوْنَ	لِتُؤَانَسُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَانَسْتِ	أُوْنِسْتِ	تُؤَانِسِيْنَ	أَانِسِي	تُؤَانَسِيْنَ	لِتُؤَانَسِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَانَسْتُمَا	أُوْنِسْتُمَا	تُؤَانِسَانِ	أَانِسَا	تُؤَانَسَانِ	لِتُؤَانَسَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَانَسْتُنَّ	أُوْنِسْتُنَّ	تُؤَانِسْنَ	أَانِسْنَ	تُؤَانَسْنَ	لِتُؤَانَسْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَانَسْتُ	أُوْنِسْتُ	أُؤَانِسُ	لِأُؤَانِسْ	أُؤَانَسُ	لِأُؤَانَسْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	أَانَسْنَا	أُوْنِسْنَا	نُؤَانِسُ	لِنُؤَانِسْ	نُؤَانَسُ	لِنُؤَانَسْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۱۲۶

تصویر

صفحه ۱۲۷	۱۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما أَانَسَ	لا يُؤَانِسُ	اَنْ يُؤَانِسَ	لا يُؤَانِسْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما أَانَسَا	لا يُؤَانِسَانِ	اَنْ يُؤَانِسَا	لا يُؤَانِسَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما أَانَسُوْا	لا يُؤَانِسُوْنَ	اَنْ يُؤَانِسُوْا	لا يُؤَانِسُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما أَانَسَتْ	لا تُؤَانِسُ	اَنْ تُؤَانِسَ	لا تُؤَانِسْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما أَانَسَتَا	لا تُؤَانِسَانِ	اَنْ تُؤَانِسَا	لا تُؤَانِسَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما أَانَسْنَ	لا يُؤَانِسْنَ	اَنْ يُؤَانِسْنَ	لا يُؤَانِسْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما أَانَسْتَ	لا تُؤَانِسُ	اَنْ تُؤَانِسَ	لا تُؤَانِسْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما أَانَسْتُمَا	لا تُؤَانِسَانِ	اَنْ تُؤَانِسَا	لا تُؤَانِسَا		أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما أَانَسْتُمْ	لا تُؤَانِسُوْنَ	اَنْ تُؤَانِسُوْا	لا تُؤَانِسُوْا		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما أَانَسْتِ	لا تُؤَانِسِيْنَ	اَنْ تُؤَانِسِي	لا تُؤَانِسِي		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما أَانَسْتُمَا	لا تُؤَانِسَانِ	اَنْ تُؤَانِسَا	لا تُؤَانِسَا		أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما أَانَسْتُنَّ	لا تُؤَانِسْنَ	اَنْ تُؤَانِسْنَ	لا تُؤَانِسْنَ		أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما أَانَسْتُ	لا أُؤَانِسُ	اَنْ أُؤَانِسَ	لا أُؤَانِسْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما أَانَسْنَا	لا نُؤَانِسُ	اَنْ نُؤَانِسَ	لا نُؤَانِسْ		نَحْنُ (جمع)

تصویر



صفحه ۱۲۸	۱۱ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُأَأْنِسَنَّ	لِيُأَأْنَسَنَّ	لِيُأَأْنِسَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُأَأْنِسَانِّ	لِيُأَأْنَسَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُأَأْنِسُنَّ	لِيُأَأْنَسُنَّ	لِيُأَأْنِسُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُأَأْنِسَنَّ	لِتُأَأْنَسَنَّ	لِتُأَأْنِسَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُأَأْنِسَانِّ	لِتُأَأْنَسَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُأَأْنِسْنَانِّ	لِيُأَأْنَسْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	أَأْنِسَنَّ	لِتُأَأْنَسَنَّ	أَأْنِسَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	أَأْنِسَانِّ	لِتُأَأْنَسَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	أَأْنِسُنَّ	لِتُأَأْنَسُنَّ	أَأْنِسُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	أَأْنِسِنَّ	لِتُأَأْنَسِنَّ	أَأْنِسِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	أَأْنِسَانِّ	لِتُأَأْنَسَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	أَأْنِسْنَانِّ	لِتُأَأْنَسْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُأَأْنِسَنَّ	لِأُأَأْنَسَنَّ	لِأُأَأْنِسَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنُأَأْنِسَنَّ	لِنُأَأْنَسَنَّ	لِنُأَأْنِسَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۱۲۸

تصویر



صفحه ۱۲۹	(۱) ۱۲	باب مفاعلهٔ مهموز العین، اَلمُسَاأَلَهُ (پرسیدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	سَاأَلَ	سُوْئِلَ	يُسَائِلُ	لِيُسَائِلْ	يُسَاأَلُ	لِيُسَاأَلْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	سَاأَلَا	سُوْئِلَا	يُسَائِلَانِ	لِيُسَائِلَا	يُسَاأَلَانِ	لِيُسَاأَلَا	هُمَا (مثنی)	
۳	سَاأَلُوْا	سُوْئِلُوْا	يُسَائِلُوْنَ	لِيُسَائِلُوْا	يُسَاأَلُوْنَ	لِيُسَاأَلُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	سَاأَلَتْ	سُوْئِلَتْ	تُسَائِلُ	لِتُسَائِلْ	تُسَاأَلُ	لِتُسَاأَلْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	سَاأَلَتَا	سُوْئِلَتَا	تُسَائِلَانِ	لِتُسَائِلَا	تُسَاأَلَانِ	لِتُسَاأَلَا	هُمَا (مثنی)	
۶	سَاأَلْنَ	سُوْئِلْنَ	يُسَائِلْنَ	لِيُسَائِلْنَ	يُسَاأَلْنَ	لِيُسَاأَلْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	سَاأَلْتَ	سُوْئِلْتَ	تُسَائِلُ	سَائِلْ	تُسَاأَلُ	لِتُسَاأَلْ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	سَاأَلْتُمَا	سُوْئِلْتُمَا	تُسَائِلَانِ	سَائِلَا	تُسَاأَلَانِ	لِتُسَاأَلَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	سَاأَلْتُمْ	سُوْئِلْتُمْ	تُسَائِلُوْنَ	سَائِلُوْا	تُسَاأَلُوْنَ	لِتُسَاأَلُوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	سَاأَلْتِ	سُوْئِلْتِ	تُسَائِلِيْنَ	سَائِلِي	تُسَاأَلِيْنَ	لِتُسَاأَلِي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	سَاأَلْتُمَا	سُوْئِلْتُمَا	تُسَائِلَانِ	سَائِلَا	تُسَاأَلَانِ	لِتُسَاأَلَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	سَاأَلْتُنَّ	سُوْئِلْتُنَّ	تُسَائِلْنَ	سَائِلْنَ	تُسَاأَلْنَ	لِتُسَاأَلْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	سَاأَلْتُ	سُوْئِلْتُ	أُسَائِلُ	لِأُسَائِلْ	أُسَاأَلُ	لِأُسَاأَلْ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	سَاأَلْنَا	سُوْئِلْنَا	نُسَائِلُ	لِنُسَائِلْ	نُسَاأَلُ	لِنُسَاأَلْ	نَحْنُ (مع الغیر)	

تصویر

صفحه ۱۳۰	۱۲ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما سَاَلَ	لا یُسَائِلُ	اَنْ یُسَائِلَ	لا یُسَائِلْ	هُوَ	مفرد	مذکر	غایب
۲	ما سَاَلَا	لا یُسَائِلَانِ	اَنْ یُسَائِلَا	لا یُسَائِلَا	هُمَا	مثنی		
۳	ما سَاَلُوْا	لا یُسَائِلُوْنَ	اَنْ یُسَائِلُوْا	لا یُسَائِلُوْا	هُمْ	جمع		
۴	ما سَاَلَتْ	لا تُسَائِلُ	اَنْ تُسَائِلَ	لا تُسَائِلْ	هِیَ	مفرد	مؤنث	
۵	ما سَاَلَتَا	لا تُسَائِلَانِ	اَنْ تُسَائِلَا	لا تُسَائِلَا	هُمَا	مثنی		
۶	ما سَاَلْنَ	لا یُسَائِلْنَ	اَنْ یُسَائِلْنَ	لا یُسَائِلْنَ	هُنَّ	جمع		
۷	ما سَاَلْتَ	لا تُسَائِلُ	اَنْ تُسَائِلَ	لا تُسَائِلْ	اَنْتَ	مفرد	مذکر	مخاطب
۸	ما سَاَلْتُمَا	لا تُسَائِلَانِ	اَنْ تُسَائِلَا	لا تُسَائِلَا	اَنْتُمَا	مثنی		
۹	ما سَاَلْتُمْ	لا تُسَائِلُوْنَ	اَنْ تُسَائِلُوْا	لا تُسَائِلُوْا	اَنْتُمْ	جمع		
۱۰	ما سَاَلْتِ	لا تُسَائِلِیْنَ	اَنْ تُسَائِلِي	لا تُسَائِلِي	اَنْتِ	مفرد	مؤنث	
۱۱	ما سَاَلْتُمَا	لا تُسَائِلَانِ	اَنْ تُسَائِلَا	لا تُسَائِلَا	اَنْتُمَا	مثنی		
۱۲	ما سَاَلْتُنَّ	لا تُسَائِلْنَ	اَنْ تُسَائِلْنَ	لا تُسَائِلْنَ	اَنْتُنَّ	جمع		
۱۳	ما سَاَلْتُ	لا اُسَائِلُ	اَنْ اُسَائِلَ	لا اُسَائِلْ	اَنَا	وحده	مذکر و مؤنث	متکلم
۱۴	ما سَاَلْنَا	لا نُسَائِلُ	اَنْ نُسَائِلَ	لا نُسَائِلْ	نَحْنُ	الغیر ع		

تصویر



صفحه ۱۳۱	نون تأکید ۱۲ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُسَائِلَنَّ	لِيُسَاأَلَنَّ	لِيُسَائِلَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيُسَائِلَانِّ	لِيُسَاأَلَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيُسَائِلُنَّ	لِيُسَاأَلُنَّ	لِيُسَائِلُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتُسَائِلَنَّ	لِتُسَاأَلَنَّ	لِتُسَائِلَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتُسَائِلَانِّ	لِتُسَاأَلَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيُسَائِلْنَانِّ	لِيُسَاأَلْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	سَائِلَنَّ	لِتُسَاأَلَنَّ	سَائِلَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	سَائِلَانِّ	لِتُسَاأَلَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	سَائِلُنَّ	لِتُسَاأَلُنَّ	سَائِلُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	سَائِلِنَّ	لِتُسَاأَلِنَّ	سَائِلِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	سَائِلَانِّ	لِتُسَاأَلَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	سَائِلْنَانِّ	لِتُسَاأَلْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُسَائِلَنَّ	لِأُسَاأَلَنَّ	لِأُسَائِلَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنُسَائِلَنَّ	لِنُسَاأَلَنَّ	لِنُسَائِلَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

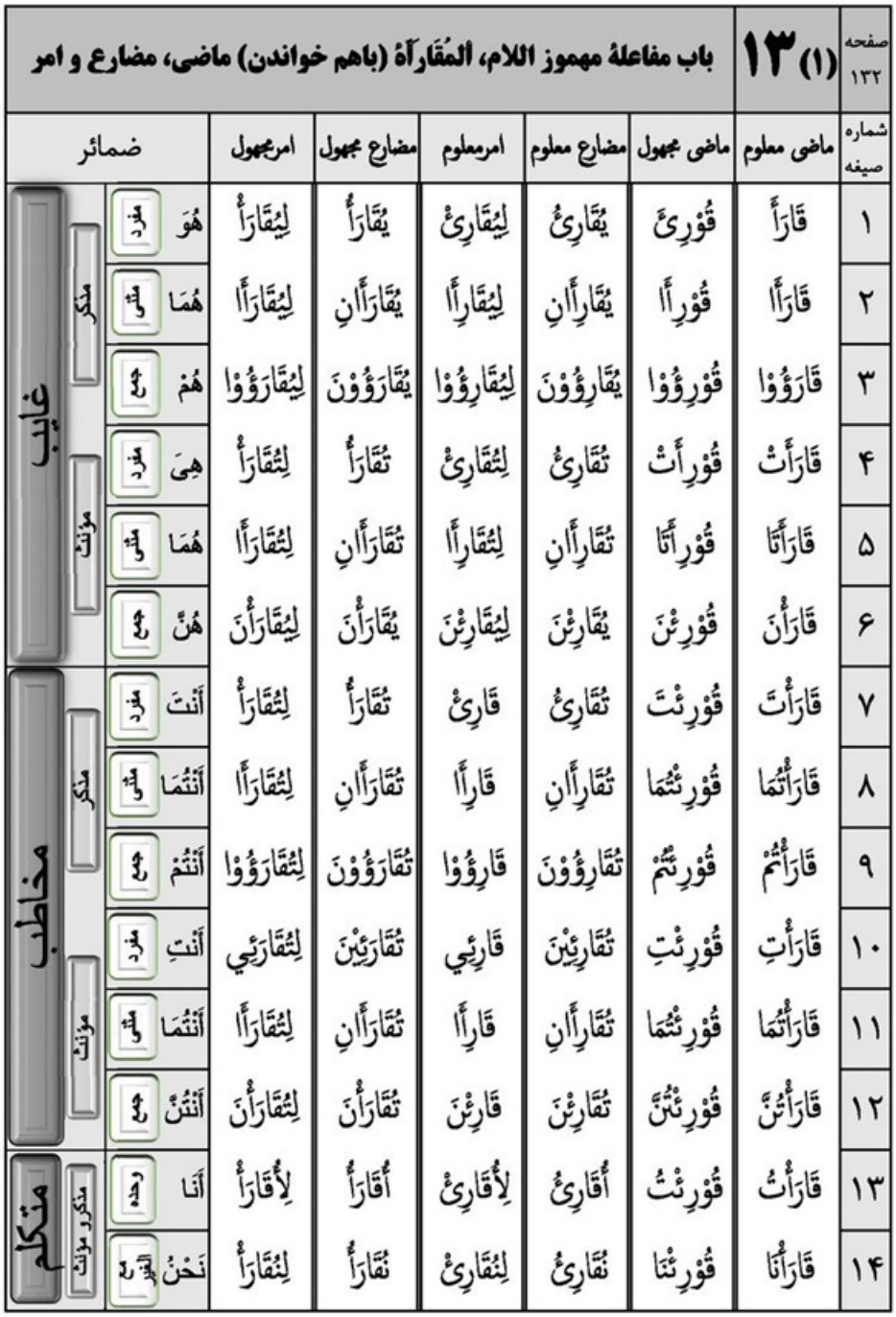

صفحه ۱۳۲	(۱) ۱۳ باب مفاعلهٔ مهموز اللام، اَلمُقَارَآةُ (باهم خواندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	قَارَأَ	قُوْرِئَ	يُقَارِئُ	لِيُقَارِئْ	يُقَارَأُ	لِيُقَارَأْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	قَارَأَا	قُوْرِأَا	يُقَارِأَانِ	لِيُقَارِأَا	يُقَارَأَانِ	لِيُقَارَأَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	قَارَؤُوْا	قُوْرِؤُوْا	يُقَارِؤُوْنَ	لِيُقَارِؤُوْا	يُقَارَؤُوْنَ	لِيُقَارَؤُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	قَارَأَتْ	قُوْرِأَتْ	تُقَارِئُ	لِتُقَارِئْ	تُقَارَأُ	لِتُقَارَأْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	قَارَأَتَا	قُوْرِأَتَا	تُقَارِأَانِ	لِتُقَارِأَا	تُقَارَأَانِ	لِتُقَارَأَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	قَارَأْنَ	قُوْرِئْنَ	يُقَارِئْنَ	لِيُقَارِئْنَ	يُقَارَأْنَ	لِيُقَارَأْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	قَارَأْتَ	قُوْرِئْتَ	تُقَارِئُ	قَارِئْ	تُقَارَأُ	لِتُقَارَأْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	قَارَأْتُمَا	قُوْرِئْتُمَا	تُقَارِأَانِ	قَارِأَا	تُقَارَأَانِ	لِتُقَارَأَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	قَارَأْتُمْ	قُوْرِئْتُمْ	تُقَارِؤُوْنَ	قَارِؤُوْا	تُقَارَؤُوْنَ	لِتُقَارَؤُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	قَارَأْتِ	قُوْرِئْتِ	تُقَارِئِيْنَ	قَارِئِي	تُقَارَئِيْنَ	لِتُقَارَئِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	قَارَأْتُمَا	قُوْرِئْتُمَا	تُقَارِأَانِ	قَارِأَا	تُقَارَأَانِ	لِتُقَارَأَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	قَارَأْتُنَّ	قُوْرِئْتُنَّ	تُقَارِئْنَ	قَارِئْنَ	تُقَارَأْنَ	لِتُقَارَأْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	قَارَأْتُ	قُوْرِئْتُ	أُقَارِئُ	لِأُقَارِئْ	أُقَارَأُ	لِأُقَارَأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	قَارَأْنَا	قُوْرِئْنَا	نُقَارِئُ	لِنُقَارِئْ	نُقَارَأُ	لِنُقَارَأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۱۳۳	۱۳ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما قَارَأَ	لا يُقَارِئُ	اَنْ يُقَارِئَ	لا يُقَارِئْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما قَارَأَا	لا يُقَارِأَانِ	اَنْ يُقَارِأَا	لا يُقَارِأَا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما قَارَؤُوْا	لا يُقَارِؤُوْنَ	اَنْ يُقَارِؤُوْا	لا يُقَارِؤُوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما قَارَأَتْ	لا تُقَارِئُ	اَنْ تُقَارِئَ	لا تُقَارِئْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما قَارَأَتَا	لا تُقَارِأَانِ	اَنْ تُقَارِأَا	لا تُقَارِأَا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما قَارَأْنَ	لا يُقَارِئْنَ	اَنْ يُقَارِئْنَ	لا يُقَارِئْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما قَارَأْتَ	لا تُقَارِئُ	اَنْ تُقَارِئَ	لا تُقَارِئْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	ما قَارَأْتُمَا	لا تُقَارِأَانِ	اَنْ تُقَارِأَا	لا تُقَارِأَا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما قَارَأْتُمْ	لا تُقَارِؤُوْنَ	اَنْ تُقَارِؤُوْا	لا تُقَارِؤُوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما قَارَأْتِ	لا تُقَارِئِيْنَ	اَنْ تُقَارِئِي	لا تُقَارِئِي	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما قَارَأْتُمَا	لا تُقَارِأَانِ	اَنْ تُقَارِأَا	لا تُقَارِأَا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما قَارَأْتُنَّ	لا تُقَارِئْنَ	اَنْ تُقَارِئْنَ	لا تُقَارِئْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما قَارَأْتُ	لا أُقَارِئُ	اَنْ أُقَارِئَ	لا أُقَارِئْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد	أَنَا
۱۴	ما قَارَأْنَا	لا نُقَارِئُ	اَنْ نُقَارِئَ	لا نُقَارِئْ	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۳۴	۱۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُقَارِأَنَّ	لِيُقَارَأَنَّ	لِيُقَارِأَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيُقَارِأَانِّ	لِيُقَارَأَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيُقَارِؤُنَّ	لِيُقَارَؤُنَّ	لِيُقَارِؤُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتُقَارِأَنَّ	لِتُقَارَأَنَّ	لِتُقَارِأَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتُقَارِأَانِّ	لِتُقَارَأَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيُقَارِئْنَانِّ	لِيُقَارَأْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	قَارِأَنَّ	لِتُقَارَأَنَّ	قَارِأَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	قَارِأَانِّ	لِتُقَارَأَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	قَارِؤُنَّ	لِتُقَارَؤُنَّ	قَارِؤُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	قَارِئِنَّ	لِتُقَارَئِنَّ	قَارِئِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	قَارِأَانِّ	لِتُقَارَأَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	قَارِئْنَانِّ	لِتُقَارَأْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُقَارِأَنَّ	لِأُقَارَأَنَّ	لِأُقَارِأَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	لِنُقَارِأَنَّ	لِنُقَارَأَنَّ	لِنُقَارِأَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

باب إفتعال

اشاره

تصویر

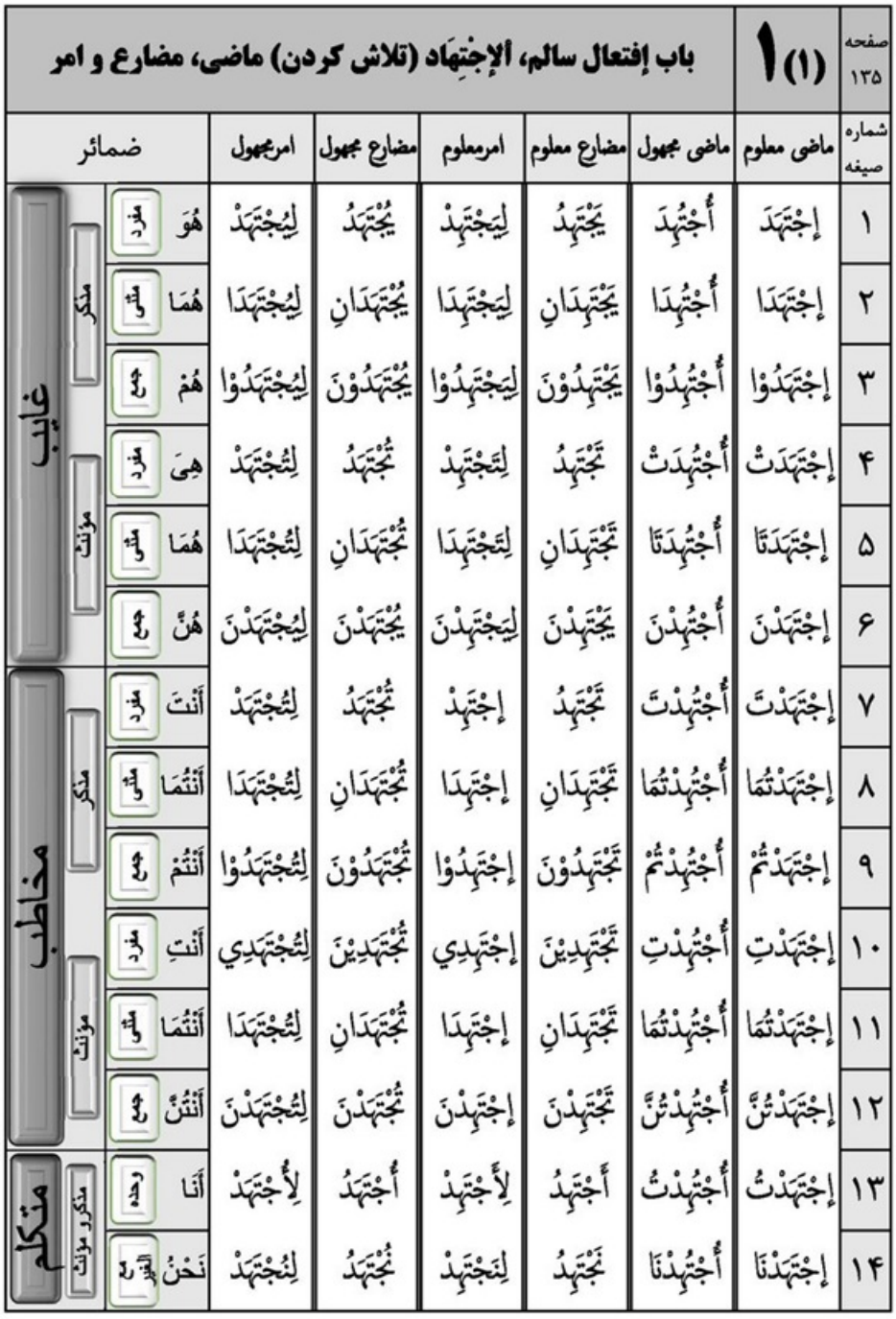

صفحه ۱۳۵	(۱) ۱	باب إفتعال سالم، الإجْتِهَاد (تلاش کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إجْتَهَدَ	أُجْتُهِدَ	يَجْتَهِدُ	لِيَجْتَهِدْ	يُجْتَهَدُ	لِيُجْتَهَدْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إجْتَهَدَا	أُجْتُهِدَا	يَجْتَهِدَانِ	لِيَجْتَهِدَا	يُجْتَهَدَانِ	لِيُجْتَهَدَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إجْتَهَدُوْا	أُجْتُهِدُوْا	يَجْتَهِدُوْنَ	لِيَجْتَهِدُوْا	يُجْتَهَدُوْنَ	لِيُجْتَهَدُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إجْتَهَدَتْ	أُجْتُهِدَتْ	تَجْتَهِدُ	لِتَجْتَهِدْ	تُجْتَهَدُ	لِتُجْتَهَدْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إجْتَهَدَتَا	أُجْتُهِدَتَا	تَجْتَهِدَانِ	لِتَجْتَهِدَا	تُجْتَهَدَانِ	لِتُجْتَهَدَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إجْتَهَدْنَ	أُجْتُهِدْنَ	يَجْتَهِدْنَ	لِيَجْتَهِدْنَ	يُجْتَهَدْنَ	لِيُجْتَهَدْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إجْتَهَدْتَ	أُجْتُهِدْتَ	تَجْتَهِدُ	إجْتَهِدْ	تُجْتَهَدُ	لِتُجْتَهَدْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إجْتَهَدْتُمَا	أُجْتُهِدْتُمَا	تَجْتَهِدَانِ	إجْتَهِدَا	تُجْتَهَدَانِ	لِتُجْتَهَدَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إجْتَهَدْتُمْ	أُجْتُهِدْتُمْ	تَجْتَهِدُوْنَ	إجْتَهِدُوْا	تُجْتَهَدُوْنَ	لِتُجْتَهَدُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إجْتَهَدْتِ	أُجْتُهِدْتِ	تَجْتَهِدِيْنَ	إجْتَهِدِي	تُجْتَهَدِيْنَ	لِتُجْتَهَدِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إجْتَهَدْتُمَا	أُجْتُهِدْتُمَا	تَجْتَهِدَانِ	إجْتَهِدَا	تُجْتَهَدَانِ	لِتُجْتَهَدَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إجْتَهَدْتُنَّ	أُجْتُهِدْتُنَّ	تَجْتَهِدْنَ	إجْتَهِدْنَ	تُجْتَهَدْنَ	لِتُجْتَهَدْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إجْتَهَدْتُ	أُجْتُهِدْتُ	أَجْتَهِدُ	لِأَجْتَهِدْ	أُجْتَهَدُ	لِأُجْتَهَدْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إجْتَهَدْنَا	أُجْتُهِدْنَا	نَجْتَهِدُ	لِنَجْتَهِدْ	نُجْتَهَدُ	لِنُجْتَهَدْ	متکلم / مذکر و مؤنث / الجمع / نَحْنُ

ص: ۱۳۵

تصویر

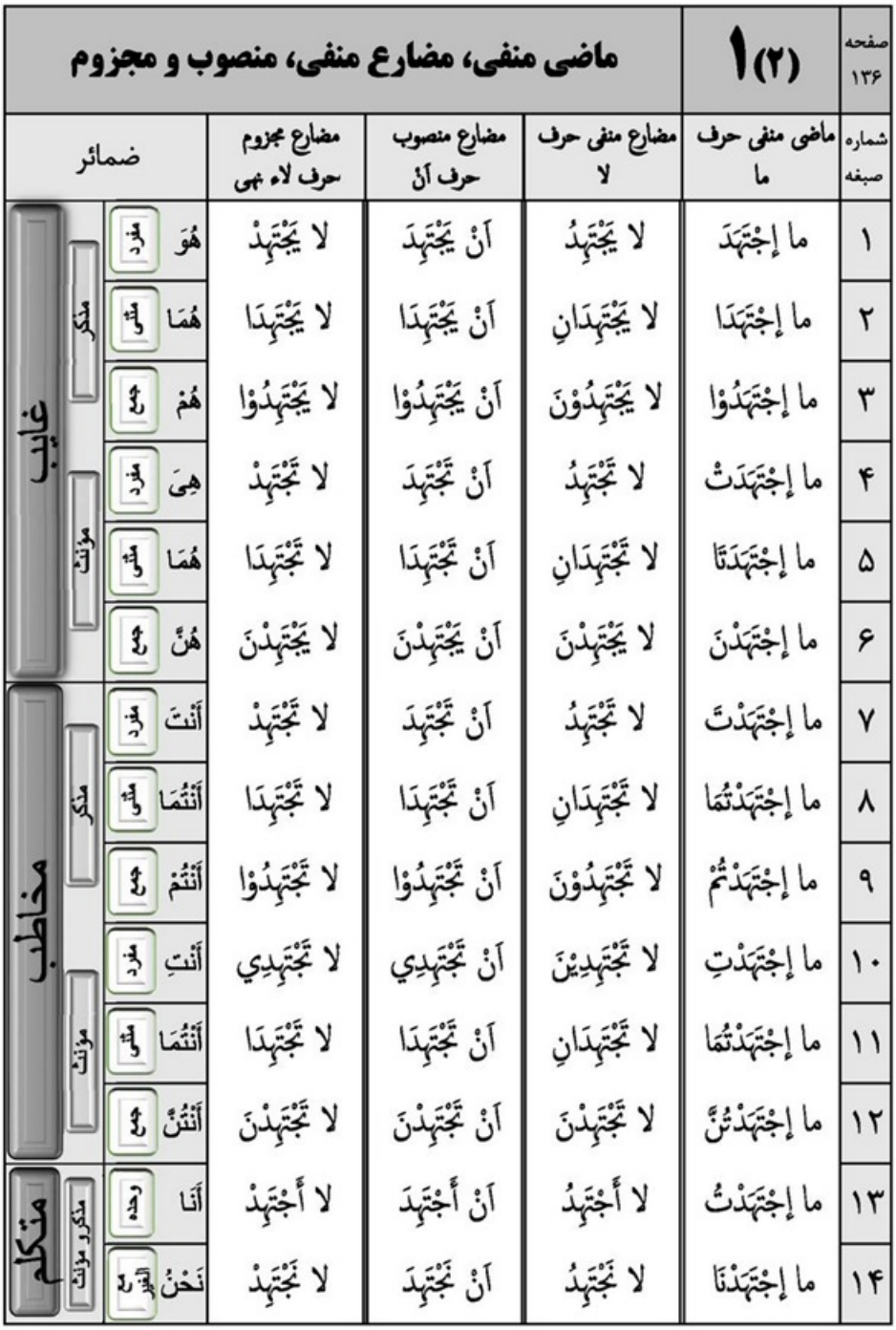

صفحه ۱۳۶	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إجْتَهَدَ	لا يَجْتَهِدُ	اَنْ يَجْتَهِدَ	لا يَجْتَهِدْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	ما إجْتَهَدَا	لا يَجْتَهِدَانِ	اَنْ يَجْتَهِدَا	لا يَجْتَهِدَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	ما إجْتَهَدُوْا	لا يَجْتَهِدُوْنَ	اَنْ يَجْتَهِدُوْا	لا يَجْتَهِدُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	ما إجْتَهَدَتْ	لا تَجْتَهِدُ	اَنْ تَجْتَهِدَ	لا تَجْتَهِدْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	ما إجْتَهَدَتَا	لا تَجْتَهِدَانِ	اَنْ تَجْتَهِدَا	لا تَجْتَهِدَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	ما إجْتَهَدْنَ	لا يَجْتَهِدْنَ	اَنْ يَجْتَهِدْنَ	لا يَجْتَهِدْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	ما إجْتَهَدْتَ	لا تَجْتَهِدُ	اَنْ تَجْتَهِدَ	لا تَجْتَهِدْ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	ما إجْتَهَدْتُمَا	لا تَجْتَهِدَانِ	اَنْ تَجْتَهِدَا	لا تَجْتَهِدَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	ما إجْتَهَدْتُمْ	لا تَجْتَهِدُوْنَ	اَنْ تَجْتَهِدُوْا	لا تَجْتَهِدُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	ما إجْتَهَدْتِ	لا تَجْتَهِدِيْنَ	اَنْ تَجْتَهِدِي	لا تَجْتَهِدِي	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما إجْتَهَدْتُمَا	لا تَجْتَهِدَانِ	اَنْ تَجْتَهِدَا	لا تَجْتَهِدَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	ما إجْتَهَدْتُنَّ	لا تَجْتَهِدْنَ	اَنْ تَجْتَهِدْنَ	لا تَجْتَهِدْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما إجْتَهَدْتُ	لا أَجْتَهِدُ	اَنْ أَجْتَهِدَ	لا أَجْتَهِدْ	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد
۱۴	ما إجْتَهَدْنَا	لا نَجْتَهِدُ	اَنْ نَجْتَهِدَ	لا نَجْتَهِدْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع

تصویر



صفحه ۱۳۷	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَجْتَهِدَنَّ	لِيُجْتَهَدَنَّ	لِيَجْتَهِدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَجْتَهِدَانِّ	لِيُجْتَهَدَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَجْتَهِدُنَّ	لِيُجْتَهَدُنَّ	لِيَجْتَهِدُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَجْتَهِدَنَّ	لِتُجْتَهَدَنَّ	لِتَجْتَهِدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَجْتَهِدَانِّ	لِتُجْتَهَدَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَجْتَهِدْنَانِّ	لِيُجْتَهَدْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِجْتَهِدَنَّ	لِتُجْتَهَدَنَّ	إِجْتَهِدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِجْتَهِدَانِّ	لِتُجْتَهَدَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِجْتَهِدُنَّ	لِتُجْتَهَدُنَّ	إِجْتَهِدُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِجْتَهِدِنَّ	لِتُجْتَهَدِنَّ	إِجْتَهِدِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِجْتَهِدَانِّ	لِتُجْتَهَدَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِجْتَهِدْنَانِّ	لِتُجْتَهَدْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَجْتَهِدَنَّ	لِأُجْتَهَدَنَّ	لِأَجْتَهِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَجْتَهِدَنَّ	لِنُجْتَهَدَنَّ	لِنَجْتَهِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۳۸	۲ (۱) باب إفتعال مضاعف، اَلإمْتِدَاد (طولانی شدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر
۱	إمْتَدَّ	أُمْتُدَّ بِهِ	يَمْتَدُّ	يُمْتَدُّ بِهِ	اَنْ يَمْتَدَّ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	إمْتَدَّا	أُمْتُدَّ بِهِمَا	يَمْتَدَّانِ	يُمْتَدُّ بِهِمَا	اَنْ يَمْتَدَّا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	إمْتَدُّوْا	أُمْتُدَّ بِهِمْ	يَمْتَدُّوْنَ	يُمْتَدُّ بِهِمْ	اَنْ يَمْتَدُّوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	إمْتَدَّتْ	أُمْتُدَّ بِهَا	تَمْتَدُّ	يُمْتَدُّ بِهَا	اَنْ تَمْتَدَّ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	إمْتَدَّتَا	أُمْتُدَّ بِهِمَا	تَمْتَدَّانِ	يُمْتَدُّ بِهِمَا	اَنْ تَمْتَدَّا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	إمْتَدَدْنَ	أُمْتُدَّ بِهِنَّ	يَمْتَدِدْنَ	يُمْتَدُّ بِهِنَّ	اَنْ يَمْتَدِدْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	إمْتَدَدْتَ	أُمْتُدَّ بِكَ	تَمْتَدُّ	يُمْتَدُّ بِكَ	اَنْ تَمْتَدَّ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	إمْتَدَدْتُمَا	أُمْتُدَّ بِكُمَا	تَمْتَدَّانِ	يُمْتَدُّ بِكُمَا	اَنْ تَمْتَدَّا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	إمْتَدَدْتُمْ	أُمْتُدَّ بِكُمْ	تَمْتَدُّوْنَ	يُمْتَدُّ بِكُمْ	اَنْ تَمْتَدُّوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	إمْتَدَدْتِ	أُمْتُدَّ بِكِ	تَمْتَدِّيْنَ	يُمْتَدُّ بِكِ	اَنْ تَمْتَدِّي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	إمْتَدَدْتُمَا	أُمْتُدَّ بِكُمَا	تَمْتَدَّانِ	يُمْتَدُّ بِكُمَا	اَنْ تَمْتَدَّا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	إمْتَدَدْتُنَّ	أُمْتُدَّ بِكُنَّ	تَمْتَدِدْنَ	يُمْتَدُّ بِكُنَّ	اَنْ تَمْتَدِدْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	إمْتَدَدْتُ	أُمْتُدَّ بِي	أَمْتَدُّ	يُمْتَدُّ بِي	اَنْ أَمْتَدَّ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	إمْتَدَدْنَا	أُمْتُدَّ بِنَا	نَمْتَدُّ	يُمْتَدُّ بِنَا	اَنْ نَمْتَدَّ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۳۹	۲ (۲) امر معلوم و مجهول			
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر	
۱	لِيَمْتَدِدْ لِيَمْتَدَّ لِيَمْتَدِّ	لِيُمْتَدَدْ بِهِ لِيُمْتَدَّ بِهِ لِيُمْتَدِّ بِهِ	هُوَ مفرد	غایب مذکر
۲	لِيَمْتَدَّا	لِيُمْتَدَدْ بِهِمَا لِيُمْتَدَّ بِهِمَا لِيُمْتَدِّ بِهِمَا	هُمَا مثنی	
۳	لِيَمْتَدُّوْا	لِيُمْتَدَدْ بِهِمْ لِيُمْتَدَّ بِهِمْ لِيُمْتَدِّ بِهِمْ	هُمْ جمع	
۴	لِتَمْتَدِدْ لِتَمْتَدَّ لِتَمْتَدِّ	لِيُمْتَدَدْ بِهَا لِيُمْتَدَّ بِهَا لِيُمْتَدِّ بِهَا	هِيَ مفرد	مؤنث
۵	لِتَمْتَدَّا	لِيُمْتَدَدْ بِهِمَا لِيُمْتَدَّ بِهِمَا لِيُمْتَدِّ بِهِمَا	هُمَا مثنی	
۶	لِيَمْتَدِدْنَ	لِيُمْتَدَدْ بِهِنَّ لِيُمْتَدَّ بِهِنَّ لِيُمْتَدِّ بِهِنَّ	هُنَّ جمع	
۷	إِمْتَدِدْ إِمْتَدَّ إِمْتَدِّ	لِيُمْتَدَدْ بِكَ لِيُمْتَدَّ بِكَ لِيُمْتَدِّ بِكَ	أَنْتَ مفرد	مخاطب مذکر
۸	إِمْتَدَّا	لِيُمْتَدَدْ بِكُمَا لِيُمْتَدَّ بِكُمَا لِيُمْتَدِّ بِكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۹	إِمْتَدُّوْا	لِيُمْتَدَدْ بِكُمْ لِيُمْتَدَّ بِكُمْ لِيُمْتَدِّ بِكُمْ	أَنْتُمْ جمع	
۱۰	إِمْتَدِّي	لِيُمْتَدَدْ بِكِ لِيُمْتَدَّ بِكِ لِيُمْتَدِّ بِكِ	أَنْتِ مفرد	مؤنث
۱۱	إِمْتَدَّا	لِيُمْتَدَدْ بِكُمَا لِيُمْتَدَّ بِكُمَا لِيُمْتَدِّ بِكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۱۲	إِمْتَدِدْنَ	لِيُمْتَدَدْ بِكُنَّ لِيُمْتَدَّ بِكُنَّ لِيُمْتَدِّ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ جمع	
۱۳	لِأَمْتَدِدْ لِأَمْتَدَّ لِأَمْتَدِّ	لِيُمْتَدَدْ بِي لِيُمْتَدَّ بِي لِيُمْتَدِّ بِي	أَنَا واحد	متکلم مذکر و مؤنث
۱۴	لِنَمْتَدِدْ لِنَمْتَدَّ لِنَمْتَدِّ	لِيُمْتَدَدْ بِنَا لِيُمْتَدَّ بِنَا لِيُمْتَدِّ بِنَا	نَحْنُ جمع	

تصویر



صفحه ۱۴۰	۲ (۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَمْتَدِدْ لَمْ يَمْتَدَّ لَمْ يَمْتَدِّ	لا يَمْتَدِدْ لا يَمْتَدَّ لا يَمْتَدِّ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	لَمْ يَمْتَدَّا	لا يَمْتَدَّا	غایب مذکر مثنی	هُمَا
۳	لَمْ يَمْتَدُّوْا	لا يَمْتَدُّوْا	غایب مذکر جمع	هُمْ
۴	لَمْ تَمْتَدِدْ لَمْ تَمْتَدَّ لَمْ تَمْتَدِّ	لا تَمْتَدِدْ لا تَمْتَدَّ لا تَمْتَدِّ	غایب مؤنث مفرد	هِيَ
۵	لَمْ تَمْتَدَّا	لا تَمْتَدَّا	غایب مؤنث مثنی	هُمَا
۶	لَمْ يَمْتَدِدْنَ	لا يَمْتَدِدْنَ	غایب مؤنث جمع	هُنَّ
۷	لَمْ تَمْتَدِدْ لَمْ تَمْتَدَّ لَمْ تَمْتَدِّ	لا تَمْتَدِدْ لا تَمْتَدَّ لا تَمْتَدِّ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	لَمْ تَمْتَدَّا	لا تَمْتَدَّا	مخاطب مذکر مثنی	أَنْتُمَا
۹	لَمْ تَمْتَدُّوْا	لا تَمْتَدُّوْا	مخاطب مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	لَمْ تَمْتَدِّي	لا تَمْتَدِّي	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	لَمْ تَمْتَدَّا	لا تَمْتَدَّا	مخاطب مؤنث مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	لَمْ تَمْتَدِدْنَ	لا تَمْتَدِدْنَ	مخاطب مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لَمْ أَمْتَدِدْ لَمْ أَمْتَدَّ لَمْ أَمْتَدِّ	لا أَمْتَدِدْ لا أَمْتَدَّ لا أَمْتَدِّ	متکلم مذکر و مؤنث وحده	أَنَا
۱۴	لَمْ نَمْتَدِدْ لَمْ نَمْتَدَّ لَمْ نَمْتَدِّ	لا نَمْتَدِدْ لا نَمْتَدَّ لا نَمْتَدِّ	متکلم مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۴۱	۲ (۴) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَمْتَدَّنَّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِهِ	لِيَمْتَدَّنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَمْتَدَّانِّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَمْتَدُّنَّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِهِمْ	لِيَمْتَدُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَمْتَدَّنَّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِهَا	لِتَمْتَدَّنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَمْتَدَّانِّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَمْتَدِدْنَانِّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِمْتَدَّنَّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِكَ	إِمْتَدَّنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِمْتَدَّانِّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِمْتَدُّنَّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِكُمْ	إِمْتَدُّنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِمْتَدِّنَّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِكِ	إِمْتَدِّنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِمْتَدَّانِّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِمْتَدِدْنَانِّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَمْتَدَّنَّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِي	لِأَمْتَدَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَمْتَدَّنَّ	لِيُمْتَدَّنَّ بِنَا	لِنَمْتَدَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

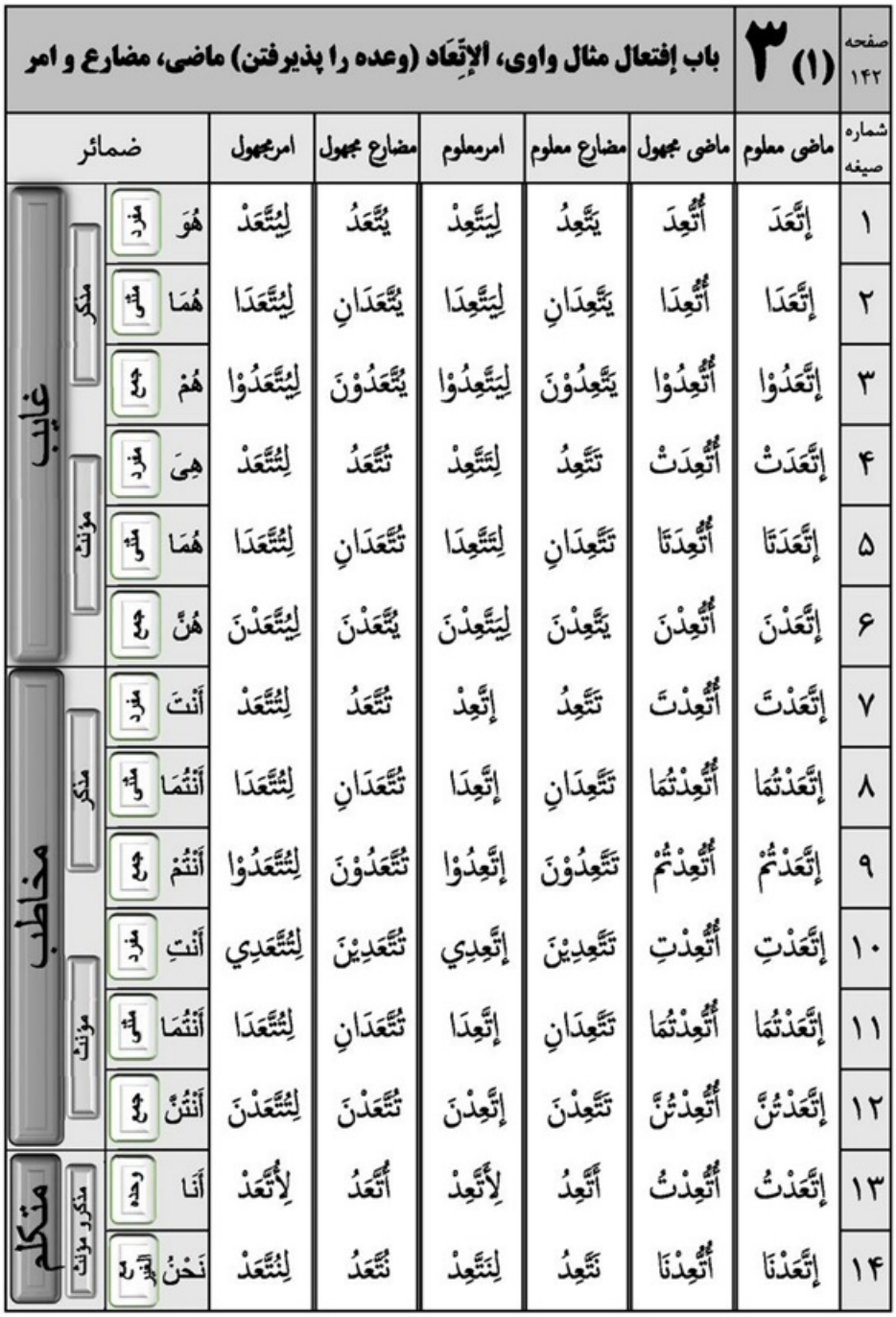

صفحه ۱۴۲	(۱) ۳ باب إفتعال مثال واوی، اَلإِتِّعَاد (وعده را پذیرفتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِتَّعَدَ	أُتُّعِدَ	يَتَّعِدُ	لِيَتَّعِدْ	يُتَّعَدُ	لِيُتَّعَدْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِتَّعَدَا	أُتُّعِدَا	يَتَّعِدَانِ	لِيَتَّعِدَا	يُتَّعَدَانِ	لِيُتَّعَدَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِتَّعَدُوْا	أُتُّعِدُوْا	يَتَّعِدُوْنَ	لِيَتَّعِدُوْا	يُتَّعَدُوْنَ	لِيُتَّعَدُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِتَّعَدَتْ	أُتُّعِدَتْ	تَتَّعِدُ	لِتَتَّعِدْ	تُتَّعَدُ	لِتُتَّعَدْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِتَّعَدَتَا	أُتُّعِدَتَا	تَتَّعِدَانِ	لِتَتَّعِدَا	تُتَّعَدَانِ	لِتُتَّعَدَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِتَّعَدْنَ	أُتُّعِدْنَ	يَتَّعِدْنَ	لِيَتَّعِدْنَ	يُتَّعَدْنَ	لِيُتَّعَدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِتَّعَدْتَ	أُتُّعِدْتَ	تَتَّعِدُ	إِتَّعِدْ	تُتَّعَدُ	لِتُتَّعَدْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِتَّعَدْتُمَا	أُتُّعِدْتُمَا	تَتَّعِدَانِ	إِتَّعِدَا	تُتَّعَدَانِ	لِتُتَّعَدَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِتَّعَدْتُمْ	أُتُّعِدْتُمْ	تَتَّعِدُوْنَ	إِتَّعِدُوْا	تُتَّعَدُوْنَ	لِتُتَّعَدُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِتَّعَدْتِ	أُتُّعِدْتِ	تَتَّعِدِيْنَ	إِتَّعِدِي	تُتَّعَدِيْنَ	لِتُتَّعَدِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِتَّعَدْتُمَا	أُتُّعِدْتُمَا	تَتَّعِدَانِ	إِتَّعِدَا	تُتَّعَدَانِ	لِتُتَّعَدَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِتَّعَدْتُنَّ	أُتُّعِدْتُنَّ	تَتَّعِدْنَ	إِتَّعِدْنَ	تُتَّعَدْنَ	لِتُتَّعَدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِتَّعَدْتُ	أُتُّعِدْتُ	أَتَّعِدُ	لِأَتَّعِدْ	أُتَّعَدُ	لِأُتَّعَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إِتَّعَدْنَا	أُتُّعِدْنَا	نَتَّعِدُ	لِنَتَّعِدْ	نُتَّعَدُ	لِنُتَّعَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۴۳	۳ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی،منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إتَّعَدَ	لا يَتَّعِدُ	اَنْ يَتَّعِدَ	لا يَتَّعِدْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	ما إتَّعَدَا	لا يَتَّعِدَانِ	اَنْ يَتَّعِدَا	لا يَتَّعِدَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	ما إتَّعَدُوْا	لا يَتَّعِدُوْنَ	اَنْ يَتَّعِدُوْا	لا يَتَّعِدُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	ما إتَّعَدَتْ	لا تَتَّعِدُ	اَنْ تَتَّعِدَ	لا تَتَّعِدْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	ما إتَّعَدَتَا	لا تَتَّعِدَانِ	اَنْ تَتَّعِدَا	لا تَتَّعِدَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	ما إتَّعَدْنَ	لا يَتَّعِدْنَ	اَنْ يَتَّعِدْنَ	لا يَتَّعِدْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	ما إتَّعَدْتَ	لا تَتَّعِدُ	اَنْ تَتَّعِدَ	لا تَتَّعِدْ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	ما إتَّعَدْتُمَا	لا تَتَّعِدَانِ	اَنْ تَتَّعِدَا	لا تَتَّعِدَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	ما إتَّعَدْتُمْ	لا تَتَّعِدُوْنَ	اَنْ تَتَّعِدُوْا	لا تَتَّعِدُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	ما إتَّعَدْتِ	لا تَتَّعِدِيْنَ	اَنْ تَتَّعِدِي	لا تَتَّعِدِي	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما إتَّعَدْتُمَا	لا تَتَّعِدَانِ	اَنْ تَتَّعِدَا	لا تَتَّعِدَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	ما إتَّعَدْتُنَّ	لا تَتَّعِدْنَ	اَنْ تَتَّعِدْنَ	لا تَتَّعِدْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما إتَّعَدْتُ	لا أَتَّعِدُ	اَنْ أَتَّعِدَ	لا أَتَّعِدْ	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده
۱۴	ما إتَّعَدْنَا	لا نَتَّعِدُ	اَنْ نَتَّعِدَ	لا نَتَّعِدْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر

تصویر



صفحه ۱۴۴	نون تأکید (۳) ۳			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَّعِدَنَّ	لِيُتَّعَدَنَّ	لِيَتَّعِدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَّعِدَانِّ	لِيُتَّعَدَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَّعِدُنَّ	لِيُتَّعَدُنَّ	لِيَتَّعِدُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَّعِدَنَّ	لِتُتَّعَدَنَّ	لِتَتَّعِدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَّعِدَانِّ	لِتُتَّعَدَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَّعِدْنَانِّ	لِيُتَّعَدْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِتَّعِدَنَّ	لِتُتَّعَدَنَّ	إِتَّعِدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِتَّعِدَانِّ	لِتُتَّعَدَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِتَّعِدُنَّ	لِتُتَّعَدُنَّ	إِتَّعِدُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِتَّعِدِنَّ	لِتُتَّعَدِنَّ	إِتَّعِدِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِتَّعِدَانِّ	لِتُتَّعَدَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِتَّعِدْنَانِّ	لِتُتَّعَدْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَّعِدَنَّ	لِأُتَّعَدَنَّ	لِأَتَّعِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَّعِدَنَّ	لِنُتَّعَدَنَّ	لِنَتَّعِدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

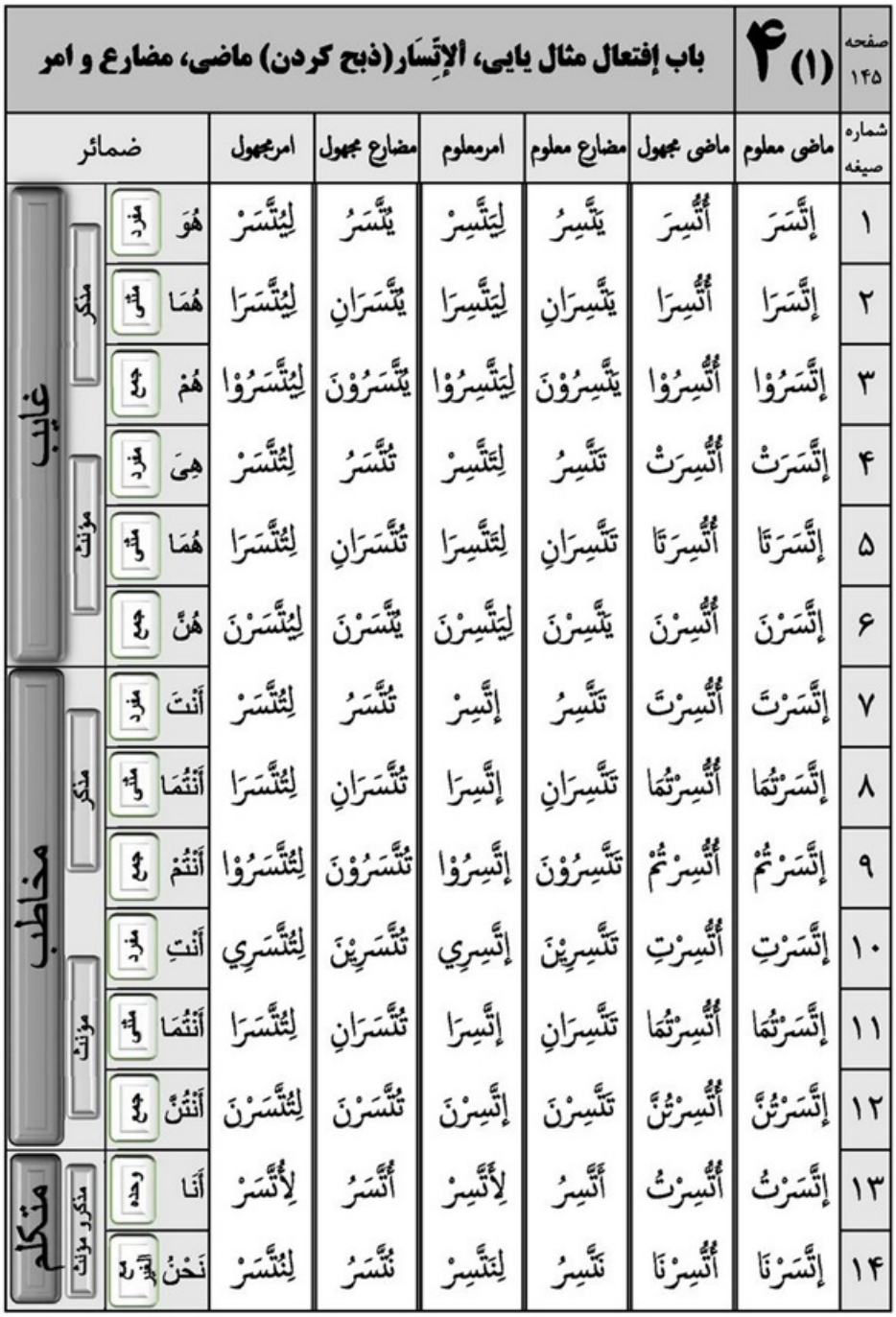

صفحه ۱۴۵	۴ (۱) باب إفتعال مثال یایی، اَلإِتِّسَار (ذبح کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِتَّسَرَ	أُتُّسِرَ	يَتَّسِرُ	لِيَتَّسِرْ	يُتَّسَرُ	لِيُتَّسَرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِتَّسَرَا	أُتُّسِرَا	يَتَّسِرَانِ	لِيَتَّسِرَا	يُتَّسَرَانِ	لِيُتَّسَرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِتَّسَرُوْا	أُتُّسِرُوْا	يَتَّسِرُوْنَ	لِيَتَّسِرُوْا	يُتَّسَرُوْنَ	لِيُتَّسَرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِتَّسَرَتْ	أُتُّسِرَتْ	تَتَّسِرُ	لِتَتَّسِرْ	تُتَّسَرُ	لِتُتَّسَرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِتَّسَرَتَا	أُتُّسِرَتَا	تَتَّسِرَانِ	لِتَتَّسِرَا	تُتَّسَرَانِ	لِتُتَّسَرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِتَّسَرْنَ	أُتُّسِرْنَ	يَتَّسِرْنَ	لِيَتَّسِرْنَ	يُتَّسَرْنَ	لِيُتَّسَرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِتَّسَرْتَ	أُتُّسِرْتَ	تَتَّسِرُ	إِتَّسِرْ	تُتَّسَرُ	لِتُتَّسَرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِتَّسَرْتُمَا	أُتُّسِرْتُمَا	تَتَّسِرَانِ	إِتَّسِرَا	تُتَّسَرَانِ	لِتُتَّسَرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِتَّسَرْتُمْ	أُتُّسِرْتُمْ	تَتَّسِرُوْنَ	إِتَّسِرُوْا	تُتَّسَرُوْنَ	لِتُتَّسَرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِتَّسَرْتِ	أُتُّسِرْتِ	تَتَّسِرِيْنَ	إِتَّسِرِي	تُتَّسَرِيْنَ	لِتُتَّسَرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِتَّسَرْتُمَا	أُتُّسِرْتُمَا	تَتَّسِرَانِ	إِتَّسِرَا	تُتَّسَرَانِ	لِتُتَّسَرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِتَّسَرْتُنَّ	أُتُّسِرْتُنَّ	تَتَّسِرْنَ	إِتَّسِرْنَ	تُتَّسَرْنَ	لِتُتَّسَرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِتَّسَرْتُ	أُتُّسِرْتُ	أَتَّسِرُ	لِأَتَّسِرْ	أُتَّسَرُ	لِأُتَّسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إِتَّسَرْنَا	أُتُّسِرْنَا	نَتَّسِرُ	لِنَتَّسِرْ	نُتَّسَرُ	لِنُتَّسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۴۶	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما إتَّسَرَ	لا يَتَّسِرُ	اَنْ يَتَّسِرَ	لا يَتَّسِرْ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما إتَّسَرَا	لا يَتَّسِرَانِ	اَنْ يَتَّسِرَا	لا يَتَّسِرَا			مثنی	هُمَا
۳	ما إتَّسَرُوْا	لا يَتَّسِرُوْنَ	اَنْ يَتَّسِرُوْا	لا يَتَّسِرُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما إتَّسَرَتْ	لا تَتَّسِرُ	اَنْ تَتَّسِرَ	لا تَتَّسِرْ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما إتَّسَرَتَا	لا تَتَّسِرَانِ	اَنْ تَتَّسِرَا	لا تَتَّسِرَا			مثنی	هُمَا
۶	ما إتَّسَرْنَ	لا يَتَّسِرْنَ	اَنْ يَتَّسِرْنَ	لا يَتَّسِرْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما إتَّسَرْتَ	لا تَتَّسِرُ	اَنْ تَتَّسِرَ	لا تَتَّسِرْ	مخاطب	مذکر	مفرد	أَنْتَ
۸	ما إتَّسَرْتُمَا	لا تَتَّسِرَانِ	اَنْ تَتَّسِرَا	لا تَتَّسِرَا			مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما إتَّسَرْتُمْ	لا تَتَّسِرُوْنَ	اَنْ تَتَّسِرُوْا	لا تَتَّسِرُوْا			جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما إتَّسَرْتِ	لا تَتَّسِرِيْنَ	اَنْ تَتَّسِرِي	لا تَتَّسِرِي		مؤنث	مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما إتَّسَرْتُمَا	لا تَتَّسِرَانِ	اَنْ تَتَّسِرَا	لا تَتَّسِرَا			مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما إتَّسَرْتُنَّ	لا تَتَّسِرْنَ	اَنْ تَتَّسِرْنَ	لا تَتَّسِرْنَ			جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما إتَّسَرْتُ	لا أَتَّسِرُ	اَنْ أَتَّسِرَ	لا أَتَّسِرْ	متکلم	مذکر و مؤنث	وحده	أَنَا
۱۴	ما إتَّسَرْنَا	لا نَتَّسِرُ	اَنْ نَتَّسِرَ	لا نَتَّسِرْ			مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۴۷	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَّسِرَنَّ	لِيُتَّسَرَنَّ	لِيَتَّسِرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَّسِرَانِّ	لِيُتَّسَرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَّسِرُنَّ	لِيُتَّسَرُنَّ		غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَّسِرَنَّ	لِتُتَّسَرَنَّ	لِتَتَّسِرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَّسِرَانِّ	لِتُتَّسَرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَّسِرْنَانِّ	لِيُتَّسَرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِتَّسِرَنَّ	لِتُتَّسَرَنَّ	إِتَّسِرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِتَّسِرَانِّ	لِتُتَّسَرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِتَّسِرُنَّ	لِتُتَّسَرُنَّ	إِتَّسِرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِتَّسِرِنَّ	لِتُتَّسَرِنَّ	إِتَّسِرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِتَّسِرَانِّ	لِتُتَّسَرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِتَّسِرْنَانِّ	لِتُتَّسَرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَّسِرَنَّ	لِأُتَّسَرَنَّ	لِأَتَّسِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَّسِرَنَّ	لِنُتَّسَرَنَّ	لِنَتَّسِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

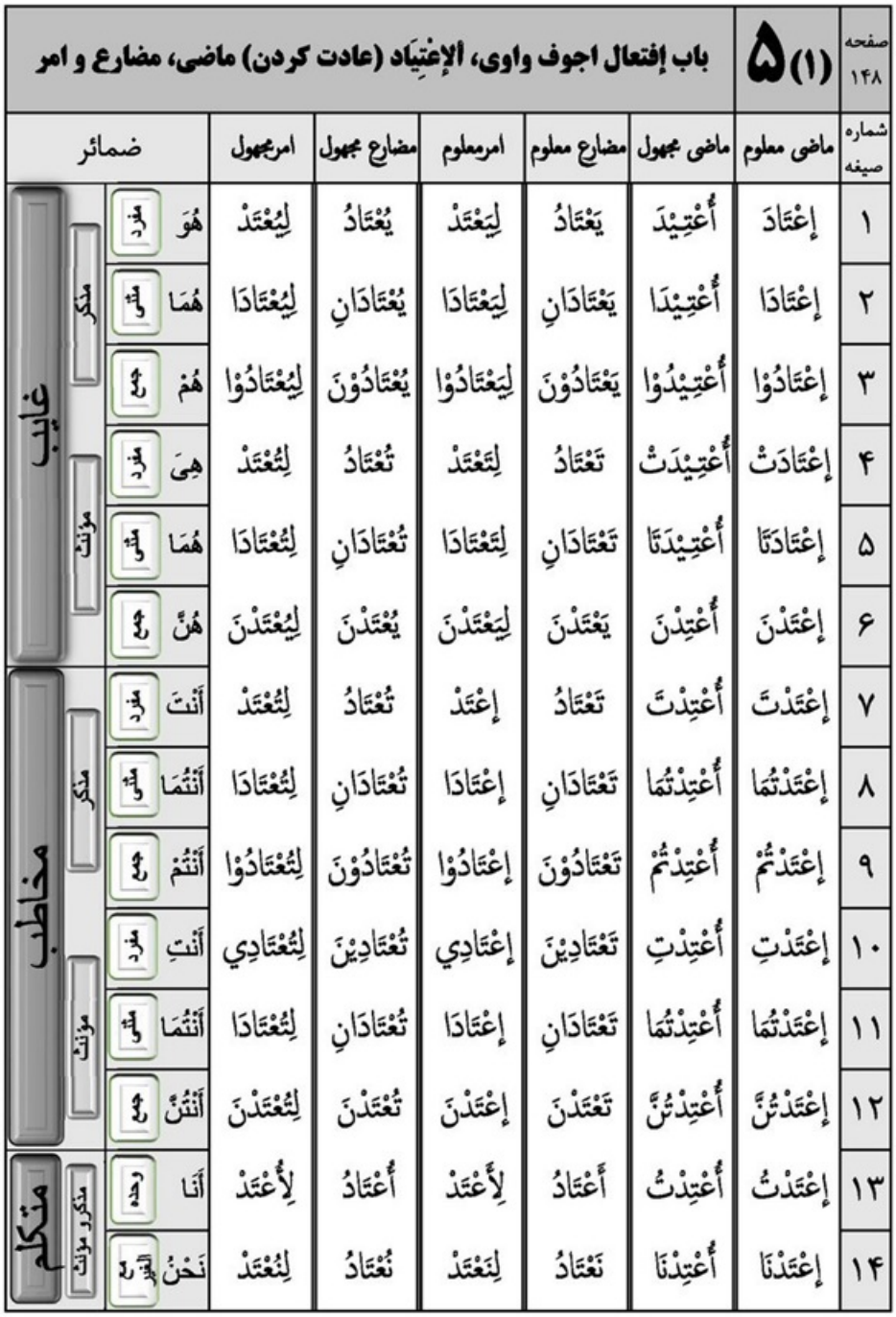

صفحه ۱۴۸	۵ (۱) باب إفتعال اجوف واوی، اَلإعْتِیَاد (عادت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إعْتَادَ	أُعْتِيْدَ	يَعْتَادُ	لِيَعْتَدْ	يُعْتَادُ	لِيُعْتَدْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إعْتَادَا	أُعْتِيْدَا	يَعْتَادَانِ	لِيَعْتَادَا	يُعْتَادَانِ	لِيُعْتَادَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إعْتَادُوْا	أُعْتِيْدُوْا	يَعْتَادُوْنَ	لِيَعْتَادُوْا	يُعْتَادُوْنَ	لِيُعْتَادُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إعْتَادَتْ	أُعْتِيْدَتْ	تَعْتَادُ	لِتَعْتَدْ	تُعْتَادُ	لِتُعْتَدْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إعْتَادَتَا	أُعْتِيْدَتَا	تَعْتَادَانِ	لِتَعْتَادَا	تُعْتَادَانِ	لِتُعْتَادَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إعْتَدْنَ	أُعْتِدْنَ	يَعْتَدْنَ	لِيَعْتَدْنَ	يُعْتَدْنَ	لِيُعْتَدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إعْتَدْتَ	أُعْتِدْتَ	تَعْتَادُ	إعْتَدْ	تُعْتَادُ	لِتُعْتَدْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إعْتَدْتُمَا	أُعْتِدْتُمَا	تَعْتَادَانِ	إعْتَادَا	تُعْتَادَانِ	لِتُعْتَادَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إعْتَدْتُمْ	أُعْتِدْتُمْ	تَعْتَادُوْنَ	إعْتَادُوْا	تُعْتَادُوْنَ	لِتُعْتَادُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إعْتَدْتِ	أُعْتِدْتِ	تَعْتَادِيْنَ	إعْتَادِي	تُعْتَادِيْنَ	لِتُعْتَادِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إعْتَدْتُمَا	أُعْتِدْتُمَا	تَعْتَادَانِ	إعْتَادَا	تُعْتَادَانِ	لِتُعْتَادَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إعْتَدْتُنَّ	أُعْتِدْتُنَّ	تَعْتَدْنَ	إعْتَدْنَ	تُعْتَدْنَ	لِتُعْتَدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إعْتَدْتُ	أُعْتِدْتُ	أَعْتَادُ	لِأَعْتَدْ	أُعْتَادُ	لِأُعْتَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	إعْتَدْنَا	أُعْتِدْنَا	نَعْتَادُ	لِنَعْتَدْ	نُعْتَادُ	لِنُعْتَدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۴۹	۵ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إعْتَادَ	لا يَعْتَادُ	اَنْ يَعْتَادَ	لا يَعْتَدْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إعْتَادَا	لا يَعْتَادَانِ	اَنْ يَعْتَادَا	لا يَعْتَادَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إعْتَادُوْا	لا يَعْتَادُوْنَ	اَنْ يَعْتَادُوْا	لا يَعْتَادُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إعْتَادَتْ	لا تَعْتَادُ	اَنْ تَعْتَادَ	لا تَعْتَدْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إعْتَادَتَا	لا تَعْتَادَانِ	اَنْ تَعْتَادَا	لا تَعْتَادَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إعْتَدْنَ	لا يَعْتَدْنَ	اَنْ يَعْتَدْنَ	لا يَعْتَدْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إعْتَدْتَ	لا تَعْتَادُ	اَنْ تَعْتَادَ	لا تَعْتَدْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إعْتَدْتُمَا	لا تَعْتَادَانِ	اَنْ تَعْتَادَا	لا تَعْتَادَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إعْتَدْتُمْ	لا تَعْتَادُوْنَ	اَنْ تَعْتَادُوْا	لا تَعْتَادُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إعْتَدْتِ	لا تَعْتَادِيْنَ	اَنْ تَعْتَادِي	لا تَعْتَادِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إعْتَدْتُمَا	لا تَعْتَادَانِ	اَنْ تَعْتَادَا	لا تَعْتَادَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إعْتَدْتُنَّ	لا تَعْتَدْنَ	اَنْ تَعْتَدْنَ	لا تَعْتَدْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إعْتَدْتُ	لا أَعْتَادُ	اَنْ أَعْتَادَ	لا أَعْتَدْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إعْتَدْنَا	لا نَعْتَادُ	اَنْ نَعْتَادَ	لا نَعْتَدْ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۵۰	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَعْتَدَنَّ	لِيُعْتَدَنَّ	لِيَعْتَدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَعْتَادَانِّ	لِيُعْتَادَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَعْتَادُنَّ	لِيُعْتَادُنَّ	لِيَعْتَادُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَعْتَدَنَّ	لِتُعْتَدَنَّ	لِتَعْتَدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَعْتَادَانِّ	لِتُعْتَادَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَعْتَدْنَانِّ	لِيُعْتَدْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إعْتَدَنَّ	لِتُعْتَدَنَّ	إعْتَدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إعْتَادَانِّ	لِتُعْتَادَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إعْتَادُنَّ	لِتُعْتَادُنَّ	إعْتَادُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إعْتَادِنَّ	لِتُعْتَادِنَّ	إعْتَادِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إعْتَادَانِّ	لِتُعْتَادَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إعْتَدْنَانِّ	لِتُعْتَدْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَعْتَدَنَّ	لِأُعْتَدَنَّ	لِأَعْتَدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَعْتَدَنَّ	لِنُعْتَدَنَّ	لِنَعْتَدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۱۵۰

تصویر

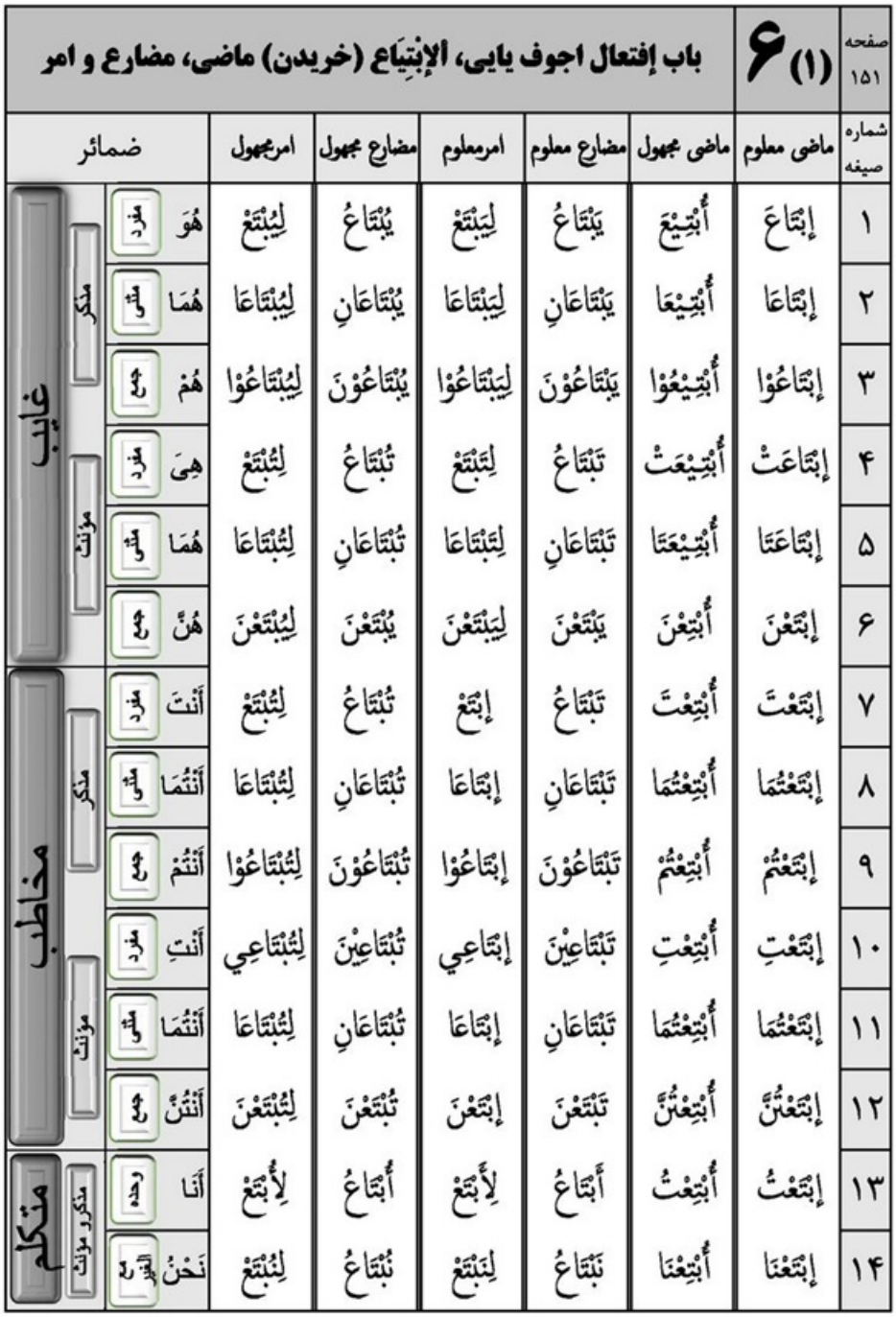

صفحه ۱۵۱	۶ (۱) باب إفتعال اجوف يايى، الإبْتِيَاع (خريدن) ماضى، مضارع و امر						
شماره صيغه	ماضى معلوم	ماضى مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إبْتَاعَ	أُبْتِيْعَ	يَبْتَاعُ	لِيَبْتَعْ	يُبْتَاعُ	لِيُبْتَعْ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	إبْتَاعَا	أُبْتِيْعَا	يَبْتَاعَانِ	لِيَبْتَاعَا	يُبْتَاعَانِ	لِيُبْتَاعَا	غايب — مذكر — مثنى — هُمَا
۳	إبْتَاعُوْا	أُبْتِيْعُوْا	يَبْتَاعُوْنَ	لِيَبْتَاعُوْا	يُبْتَاعُوْنَ	لِيُبْتَاعُوْا	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	إبْتَاعَتْ	أُبْتِيْعَتْ	تَبْتَاعُ	لِتَبْتَعْ	تُبْتَاعُ	لِتُبْتَعْ	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إبْتَاعَتَا	أُبْتِيْعَتَا	تَبْتَاعَانِ	لِتَبْتَاعَا	تُبْتَاعَانِ	لِتُبْتَاعَا	غايب — مؤنث — مثنى — هُمَا
۶	إبْتَعْنَ	أُبْتِعْنَ	يَبْتَعْنَ	لِيَبْتَعْنَ	يُبْتَعْنَ	لِيُبْتَعْنَ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إبْتَعْتَ	أُبْتِعْتَ	تَبْتَاعُ	إبْتَعْ	تُبْتَاعُ	لِتُبْتَعْ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	إبْتَعْتُمَا	أُبْتِعْتُمَا	تَبْتَاعَانِ	إبْتَاعَا	تُبْتَاعَانِ	لِتُبْتَاعَا	مخاطب — مذكر — مثنى — أَنْتُمَا
۹	إبْتَعْتُمْ	أُبْتِعْتُمْ	تَبْتَاعُوْنَ	إبْتَاعُوْا	تُبْتَاعُوْنَ	لِتُبْتَاعُوْا	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إبْتَعْتِ	أُبْتِعْتِ	تَبْتَاعِيْنَ	إبْتَاعِي	تُبْتَاعِيْنَ	لِتُبْتَاعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إبْتَعْتُمَا	أُبْتِعْتُمَا	تَبْتَاعَانِ	إبْتَاعَا	تُبْتَاعَانِ	لِتُبْتَاعَا	مخاطب — مؤنث — مثنى — أَنْتُمَا
۱۲	إبْتَعْتُنَّ	أُبْتِعْتُنَّ	تَبْتَعْنَ	إبْتَعْنَ	تُبْتَعْنَ	لِتُبْتَعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إبْتَعْتُ	أُبْتِعْتُ	أَبْتَاعُ	لِأَبْتَعْ	أُبْتَاعُ	لِأُبْتَعْ	متكلم — مذكر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إبْتَعْنَا	أُبْتِعْنَا	نَبْتَاعُ	لِنَبْتَعْ	نُبْتَاعُ	لِنُبْتَعْ	متكلم — مذكر و مؤنث — مع الغير — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۵۲	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إبْتَاعَ	لا يَبْتَاعُ	اَنْ يَبْتَاعَ	لا يَبْتَعْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إبْتَاعَا	لا يَبْتَاعَانِ	اَنْ يَبْتَاعَا	لا يَبْتَاعَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إبْتَاعُوْا	لا يَبْتَاعُوْنَ	اَنْ يَبْتَاعُوْا	لا يَبْتَاعُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إبْتَاعَتْ	لا تَبْتَاعُ	اَنْ تَبْتَاعَ	لا تَبْتَعْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إبْتَاعَتَا	لا تَبْتَاعَانِ	اَنْ تَبْتَاعَا	لا تَبْتَاعَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إبْتَعْنَ	لا يَبْتَعْنَ	اَنْ يَبْتَعْنَ	لا يَبْتَعْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إبْتَعْتَ	لا تَبْتَاعُ	اَنْ تَبْتَاعَ	لا تَبْتَعْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إبْتَعْتُمَا	لا تَبْتَاعَانِ	اَنْ تَبْتَاعَا	لا تَبْتَاعَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إبْتَعْتُمْ	لا تَبْتَاعُوْنَ	اَنْ تَبْتَاعُوْا	لا تَبْتَاعُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إبْتَعْتِ	لا تَبْتَاعِيْنَ	اَنْ تَبْتَاعِي	لا تَبْتَاعِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إبْتَعْتُمَا	لا تَبْتَاعَانِ	اَنْ تَبْتَاعَا	لا تَبْتَاعَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إبْتَعْتُنَّ	لا تَبْتَعْنَ	اَنْ تَبْتَعْنَ	لا تَبْتَعْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إبْتَعْتُ	لا أَبْتَاعُ	اَنْ أَبْتَاعَ	لا أَبْتَعْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إبْتَعْنَا	لا نَبْتَاعُ	اَنْ نَبْتَاعَ	لا نَبْتَعْ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۵۳	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَبْتَعَنَّ	لِيُبْتَعَنَّ	لِيَبْتَعَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَبْتَاعَانِّ	لِيُبْتَاعَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَبْتَاعُنَّ	لِيُبْتَاعُنَّ	لِيَبْتَاعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَبْتَعَنَّ	لِتُبْتَعَنَّ	لِتَبْتَعَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَبْتَاعَانِّ	لِتُبْتَاعَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَبْتَعْنَانِّ	لِيُبْتَعْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِبْتَعَنَّ	لِتُبْتَعَنَّ	إِبْتَعَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِبْتَاعَانِّ	لِتُبْتَاعَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِبْتَاعُنَّ	لِتُبْتَاعُنَّ	إِبْتَاعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِبْتَاعِنَّ	لِتُبْتَاعِنَّ	إِبْتَاعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِبْتَاعَانِّ	لِتُبْتَاعَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِبْتَعْنَانِّ	لِتُبْتَعْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَبْتَعَنَّ	لِأُبْتَعَنَّ	لِأَبْتَعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَبْتَعَنَّ	لِنُبْتَعَنَّ	لِنَبْتَعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

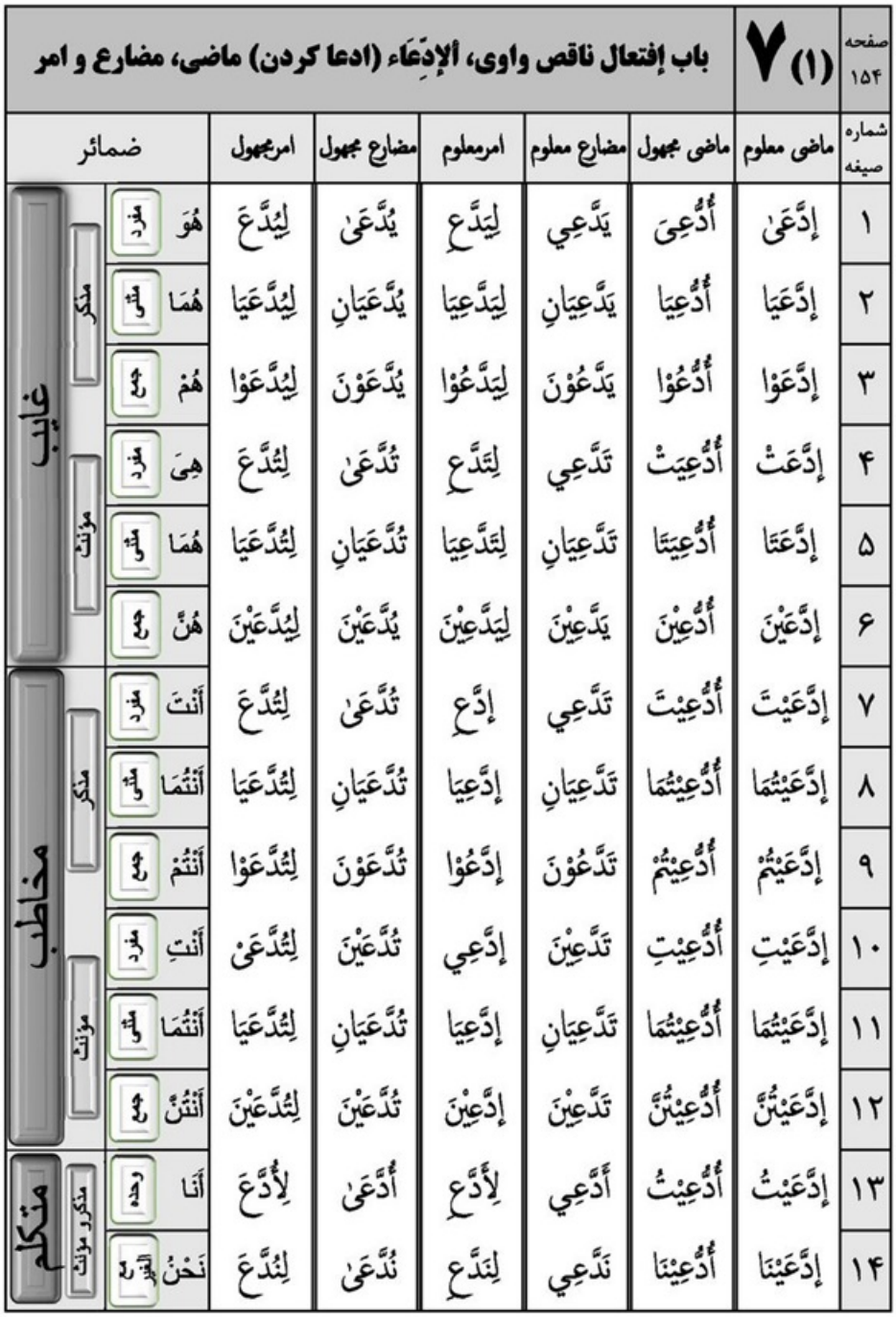

صفحه ۱۵۴	(۱) ۷ باب إفتعال ناقص واوی، ألإدِّعَاء (ادعا کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إدَّعَىٰ	أُدُّعِيَ	يَدَّعِي	لِيَدَّعِ	يُدَّعَىٰ	لِيُدَّعَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إدَّعَيَا	أُدُّعِيَا	يَدَّعِيَانِ	لِيَدَّعِيَا	يُدَّعَيَانِ	لِيُدَّعَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إدَّعَوْا	أُدُّعُوْا	يَدَّعُوْنَ	لِيَدَّعُوْا	يُدَّعَوْنَ	لِيُدَّعَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إدَّعَتْ	أُدُّعِيَتْ	تَدَّعِي	لِتَدَّعِ	تُدَّعَىٰ	لِتُدَّعَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إدَّعَتَا	أُدُّعِيَتَا	تَدَّعِيَانِ	لِتَدَّعِيَا	تُدَّعَيَانِ	لِتُدَّعَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إدَّعَيْنَ	أُدُّعِيْنَ	يَدَّعِيْنَ	لِيَدَّعِيْنَ	يُدَّعَيْنَ	لِيُدَّعَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إدَّعَيْتَ	أُدُّعِيْتَ	تَدَّعِي	إدَّعِ	تُدَّعَىٰ	لِتُدَّعَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنتَ
۸	إدَّعَيْتُمَا	أُدُّعِيْتُمَا	تَدَّعِيَانِ	إدَّعِيَا	تُدَّعَيَانِ	لِتُدَّعَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنتُمَا
۹	إدَّعَيْتُمْ	أُدُّعِيْتُمْ	تَدَّعُوْنَ	إدَّعُوْا	تُدَّعَوْنَ	لِتُدَّعَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنتُمْ
۱۰	إدَّعَيْتِ	أُدُّعِيْتِ	تَدَّعِيْنَ	إدَّعِي	تُدَّعَيْنَ	لِتُدَّعَيْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنتِ
۱۱	إدَّعَيْتُمَا	أُدُّعِيْتُمَا	تَدَّعِيَانِ	إدَّعِيَا	تُدَّعَيَانِ	لِتُدَّعَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنتُمَا
۱۲	إدَّعَيْتُنَّ	أُدُّعِيْتُنَّ	تَدَّعِيْنَ	إدَّعِيْنَ	تُدَّعَيْنَ	لِتُدَّعَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنتُنَّ
۱۳	إدَّعَيْتُ	أُدُّعِيْتُ	أَدَّعِي	لِأَدَّعِ	أُدَّعَىٰ	لِأُدَّعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إدَّعَيْنَا	أُدُّعِيْنَا	نَدَّعِي	لِنَدَّعِ	نُدَّعَىٰ	لِنُدَّعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

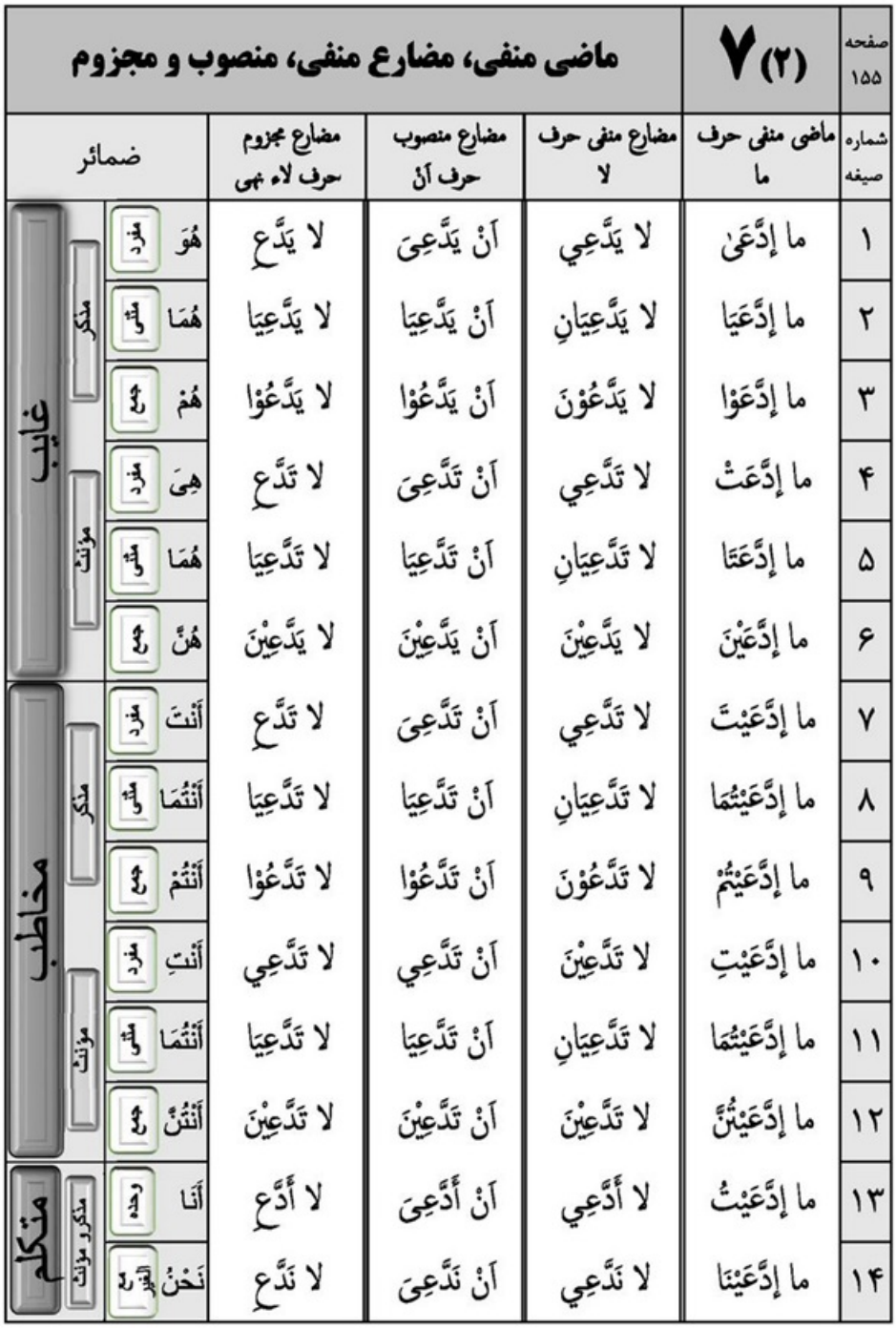

صفحه ۱۵۵	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إدَّعَىٰ	لا يَدَّعِي	اَنْ يَدَّعِيَ	لا يَدَّعِ	غایب	هُوَ — مفرد — مذکر
۲	ما إدَّعَيَا	لا يَدَّعِيَانِ	اَنْ يَدَّعِيَا	لا يَدَّعِيَا		هُمَا — مثنی — مذکر
۳	ما إدَّعَوْا	لا يَدَّعُوْنَ	اَنْ يَدَّعُوْا	لا يَدَّعُوْا		هُمْ — جمع — مذکر
۴	ما إدَّعَتْ	لا تَدَّعِي	اَنْ تَدَّعِيَ	لا تَدَّعِ		هِيَ — مفرد — مؤنث
۵	ما إدَّعَتَا	لا تَدَّعِيَانِ	اَنْ تَدَّعِيَا	لا تَدَّعِيَا		هُمَا — مثنی — مؤنث
۶	ما إدَّعَيْنَ	لا يَدَّعِيْنَ	اَنْ يَدَّعِيْنَ	لا يَدَّعِيْنَ		هُنَّ — جمع — مؤنث
۷	ما إدَّعَيْتَ	لا تَدَّعِي	اَنْ تَدَّعِيَ	لا تَدَّعِ	مخاطب	أَنْتَ — مفرد — مذکر
۸	ما إدَّعَيْتُمَا	لا تَدَّعِيَانِ	اَنْ تَدَّعِيَا	لا تَدَّعِيَا		أَنْتُمَا — مثنی — مذکر
۹	ما إدَّعَيْتُمْ	لا تَدَّعُوْنَ	اَنْ تَدَّعُوْا	لا تَدَّعُوْا		أَنْتُمْ — جمع — مذکر
۱۰	ما إدَّعَيْتِ	لا تَدَّعِيْنَ	اَنْ تَدَّعِي	لا تَدَّعِي		أَنْتِ — مفرد — مؤنث
۱۱	ما إدَّعَيْتُمَا	لا تَدَّعِيَانِ	اَنْ تَدَّعِيَا	لا تَدَّعِيَا		أَنْتُمَا — مثنی — مؤنث
۱۲	ما إدَّعَيْتُنَّ	لا تَدَّعِيْنَ	اَنْ تَدَّعِيْنَ	لا تَدَّعِيْنَ		أَنْتُنَّ — جمع — مؤنث
۱۳	ما إدَّعَيْتُ	لا أَدَّعِي	اَنْ أَدَّعِيَ	لا أَدَّعِ	متکلم	أَنَا — وحده — مذکر و مؤنث
۱۴	ما إدَّعَيْنَا	لا نَدَّعِي	اَنْ نَدَّعِيَ	لا نَدَّعِ		نَحْنُ — غیر وحده

تصویر



صفحه ۱۵۶	نون تأکید ۷ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَدَّعِيَنَّ	لِيُدَّعَيَنَّ	لِيَدَّعِيَنْ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	لِيَدَّعِيَانِّ	لِيُدَّعَيَانِّ		غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	لِيَدَّعُنَّ	لِيُدَّعَوُنَّ	لِيَدَّعُنْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	لِتَدَّعِيَنَّ	لِتُدَّعَيَنَّ	لِتَدَّعِيَنْ	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	لِتَدَّعِيَانِّ	لِتُدَّعَيَانِّ		غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	لِيَدَّعِيْنَانِّ	لِيُدَّعَيْنَانِّ		غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	إِدَّعِيَنَّ	لِتُدَّعَيَنَّ	إِدَّعِيَنْ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	إِدَّعِيَانِّ	لِتُدَّعَيَانِّ		مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	إِدَّعُنَّ	لِتُدَّعَوُنَّ	إِدَّعُنْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	إِدَّعِنَّ	لِتُدَّعَيِنَّ	إِدَّعِنْ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	إِدَّعِيَانِّ	لِتُدَّعَيَانِّ		مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	إِدَّعِيْنَانِّ	لِتُدَّعَيْنَانِّ		مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُدَّعِيَنَّ	لِأُدَّعَيَنَّ	لِأَدَّعِيَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	لِنَدَّعِيَنَّ	لِنُدَّعَيَنَّ	لِنَدَّعِيَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

ص: ۱۵۶

تصویر

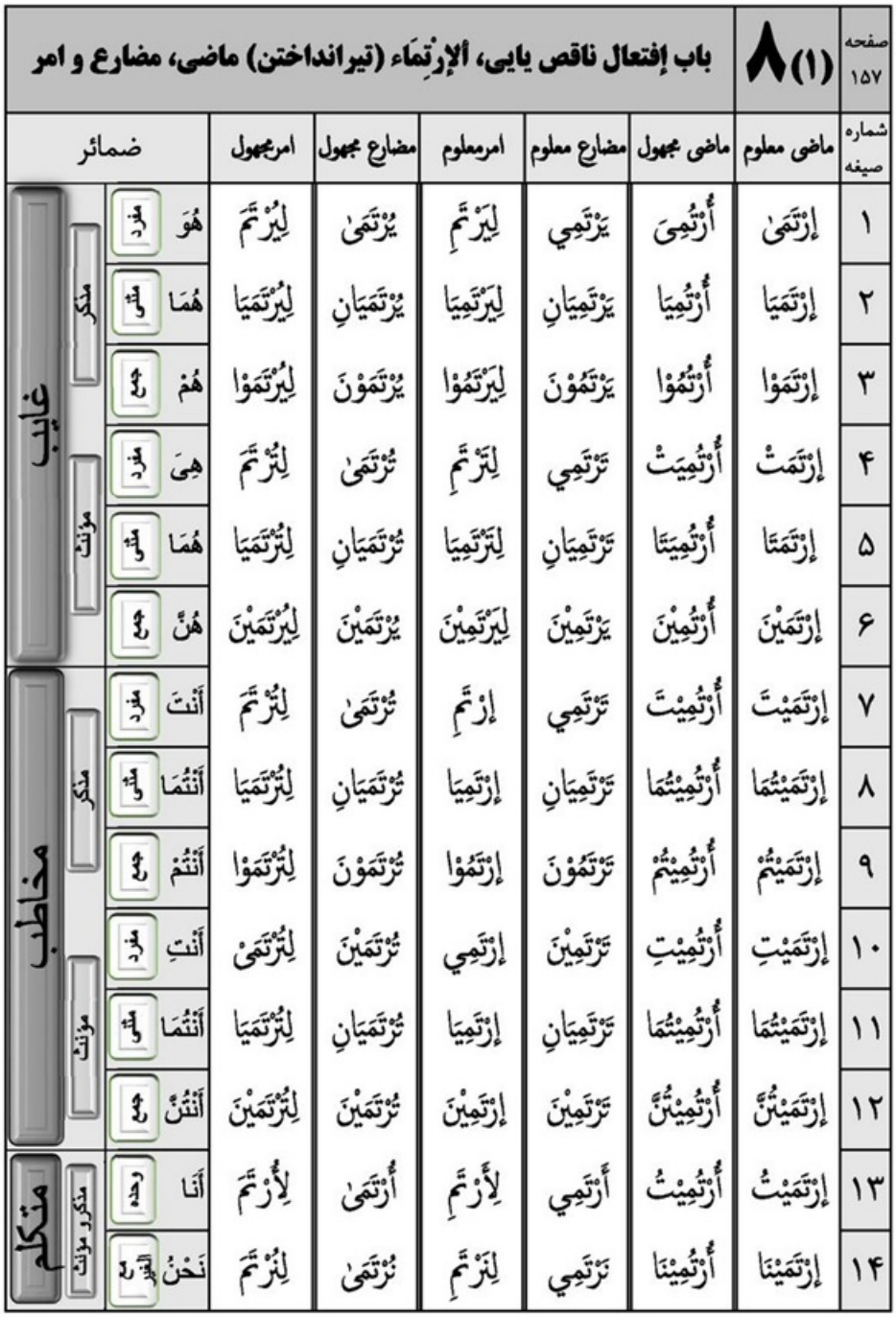

صفحه ۱۵۷	۸ (۱) باب إفتعال ناقص یایی، ألإرْتِمَاء (تیرانداختن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إرْتَمَىٰ	أُرْتُمِيَ	يَرْتَمِي	لِيَرْتَمِ	يُرْتَمَىٰ	لِيُرْتَمَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إرْتَمَيَا	أُرْتُمِيَا	يَرْتَمِيَانِ	لِيَرْتَمِيَا	يُرْتَمَيَانِ	لِيُرْتَمَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إرْتَمَوْا	أُرْتُمُوْا	يَرْتَمُوْنَ	لِيَرْتَمُوْا	يُرْتَمَوْنَ	لِيُرْتَمَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إرْتَمَتْ	أُرْتُمِيَتْ	تَرْتَمِي	لِتَرْتَمِ	تُرْتَمَىٰ	لِتُرْتَمَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إرْتَمَتَا	أُرْتُمِيَتَا	تَرْتَمِيَانِ	لِتَرْتَمِيَا	تُرْتَمَيَانِ	لِتُرْتَمَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إرْتَمَيْنَ	أُرْتُمِيْنَ	يَرْتَمِيْنَ	لِيَرْتَمِيْنَ	يُرْتَمَيْنَ	لِيُرْتَمَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إرْتَمَيْتَ	أُرْتُمِيْتَ	تَرْتَمِي	إرْتَمِ	تُرْتَمَىٰ	لِتُرْتَمَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إرْتَمَيْتُمَا	أُرْتُمِيْتُمَا	تَرْتَمِيَانِ	إرْتَمِيَا	تُرْتَمَيَانِ	لِتُرْتَمَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إرْتَمَيْتُمْ	أُرْتُمِيْتُمْ	تَرْتَمُوْنَ	إرْتَمُوْا	تُرْتَمَوْنَ	لِتُرْتَمَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إرْتَمَيْتِ	أُرْتُمِيْتِ	تَرْتَمِيْنَ	إرْتَمِي	تُرْتَمَيْنَ	لِتُرْتَمَيْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إرْتَمَيْتُمَا	أُرْتُمِيْتُمَا	تَرْتَمِيَانِ	إرْتَمِيَا	تُرْتَمَيَانِ	لِتُرْتَمَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إرْتَمَيْتُنَّ	أُرْتُمِيْتُنَّ	تَرْتَمِيْنَ	إرْتَمِيْنَ	تُرْتَمَيْنَ	لِتُرْتَمَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إرْتَمَيْتُ	أُرْتُمِيْتُ	أَرْتَمِي	لِأَرْتَمِ	أُرْتَمَىٰ	لِأُرْتَمَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إرْتَمَيْنَا	أُرْتُمِيْنَا	نَرْتَمِي	لِنَرْتَمِ	نُرْتَمَىٰ	لِنُرْتَمَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۵۸	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إرْتَمَىٰ	لا يَرْتَمِي	أنْ يَرْتَمِيَ	لا يَرْتَمِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إرْتَمَيَا	لا يَرْتَمِيَانِ	أنْ يَرْتَمِيَا	لا يَرْتَمِيَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إرْتَمَوْا	لا يَرْتَمُوْنَ	أنْ يَرْتَمُوْا	لا يَرْتَمُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إرْتَمَتْ	لا تَرْتَمِي	أنْ تَرْتَمِيَ	لا تَرْتَمِ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إرْتَمَتَا	لا تَرْتَمِيَانِ	أنْ تَرْتَمِيَا	لا تَرْتَمِيَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إرْتَمَيْنَ	لا يَرْتَمِيْنَ	أنْ يَرْتَمِيْنَ	لا يَرْتَمِيْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إرْتَمَيْتَ	لا تَرْتَمِي	أنْ تَرْتَمِيَ	لا تَرْتَمِ	مخاطب، مذکر، مفرد، أنْتَ
۸	ما إرْتَمَيْتُمَا	لا تَرْتَمِيَانِ	أنْ تَرْتَمِيَا	لا تَرْتَمِيَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أنْتُمَا
۹	ما إرْتَمَيْتُمْ	لا تَرْتَمُوْنَ	أنْ تَرْتَمُوْا	لا تَرْتَمُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أنْتُمْ
۱۰	ما إرْتَمَيْتِ	لا تَرْتَمِيْنَ	أنْ تَرْتَمِيَ	لا تَرْتَمِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أنْتِ
۱۱	ما إرْتَمَيْتُمَا	لا تَرْتَمِيَانِ	أنْ تَرْتَمِيَا	لا تَرْتَمِيَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أنْتُمَا
۱۲	ما إرْتَمَيْتُنَّ	لا تَرْتَمِيْنَ	أنْ تَرْتَمِيْنَ	لا تَرْتَمِيْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أنْتُنَّ
۱۳	ما إرْتَمَيْتُ	لا أَرْتَمِي	أنْ أَرْتَمِيَ	لا أَرْتَمِ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أنَا
۱۴	ما إرْتَمَيْنَا	لا نَرْتَمِي	أنْ نَرْتَمِيَ	لا نَرْتَمِ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر

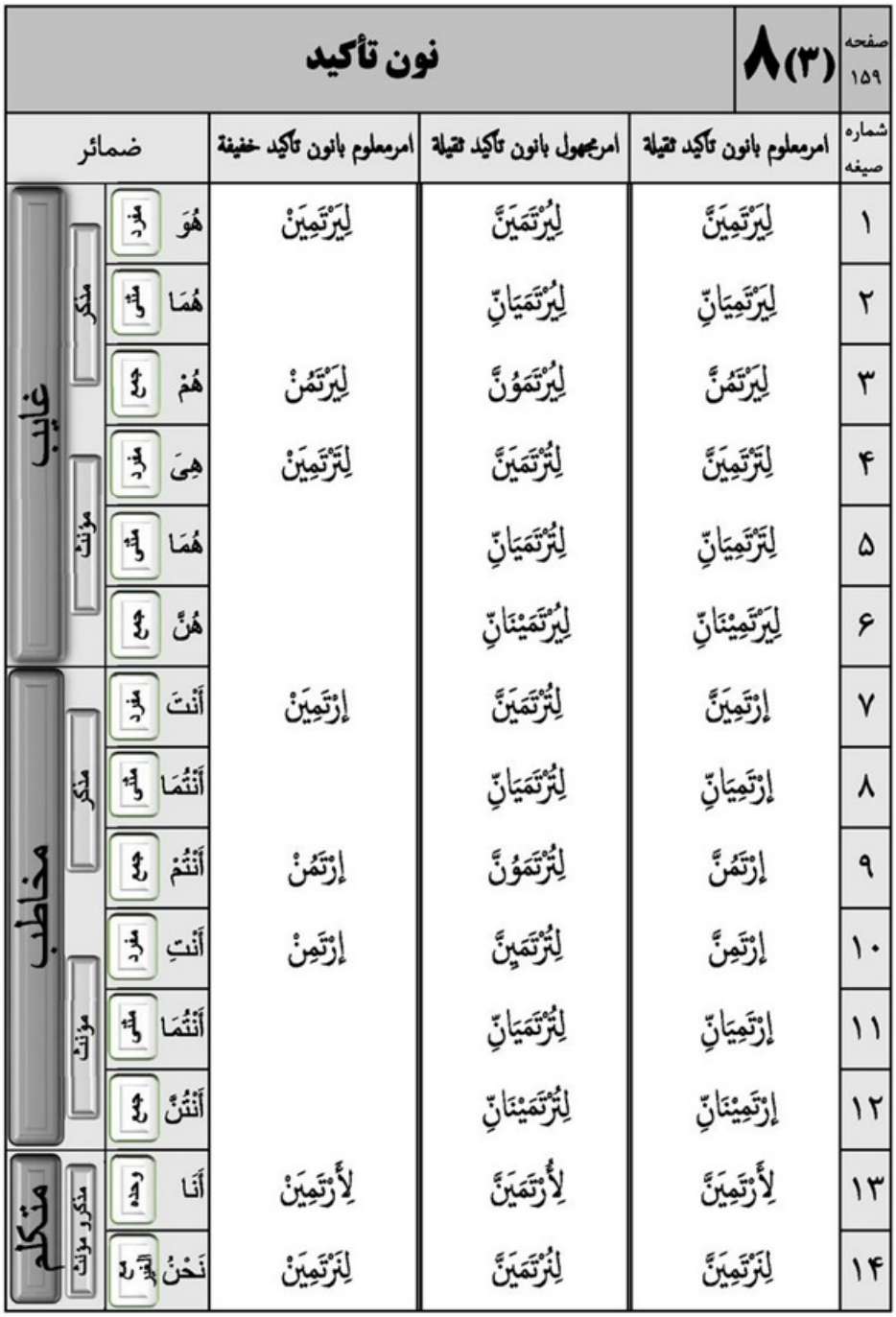

صفحه ۱۵۹	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَرْتَمِيَنَّ	لِيُرْتَمَيَنَّ	لِيَرْتَمِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَرْتَمِيَانِّ	لِيُرْتَمَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَرْتَمُنَّ	لِيُرْتَمَوُنَّ	لِيَرْتَمُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَرْتَمِيَنَّ	لِتُرْتَمَيَنَّ	لِتَرْتَمِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَرْتَمِيَانِّ	لِتُرْتَمَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَرْتَمِيْنَانِّ	لِيُرْتَمَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِرْتَمِيَنَّ	لِتُرْتَمَيَنَّ	إِرْتَمِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِرْتَمِيَانِّ	لِتُرْتَمَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِرْتَمُنَّ	لِتُرْتَمَوُنَّ	إِرْتَمُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِرْتَمِنَّ	لِتُرْتَمَيِنَّ	إِرْتَمِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِرْتَمِيَانِّ	لِتُرْتَمَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِرْتَمِيْنَانِّ	لِتُرْتَمَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَرْتَمِيَنَّ	لِأُرْتَمَيَنَّ	لِأَرْتَمِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَرْتَمِيَنَّ	لِنُرْتَمَيَنَّ	لِنَرْتَمِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

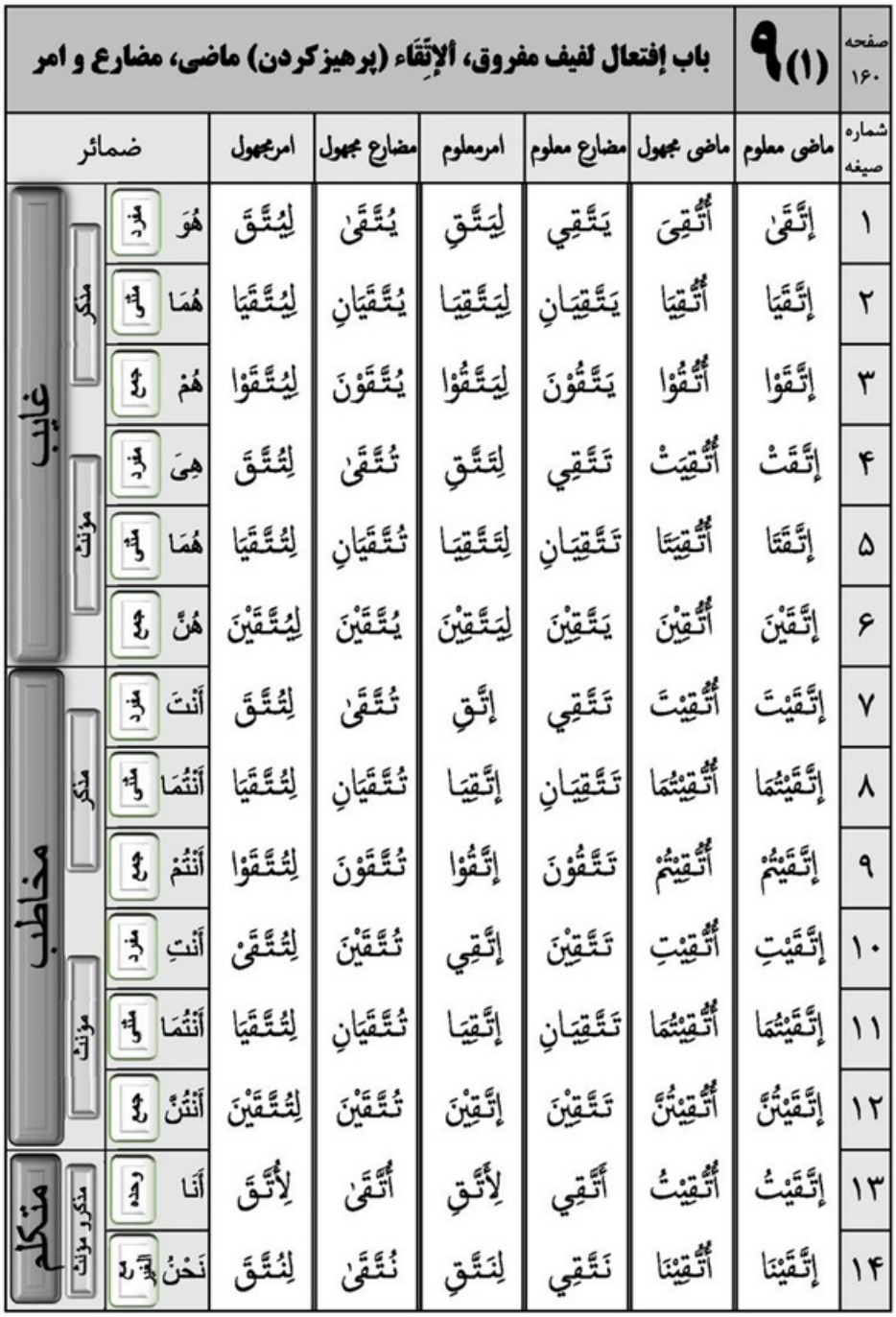

صفحه ۱۶۰	۹(۱) باب إفتعال لفيف مفروق، ألإتِّقَاء (پرهیزکردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إتَّقَىٰ	أُتُّقِيَ	يَتَّقِي	لِيَتَّقِ	يُتَّقَىٰ	لِيُتَّقَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إتَّقَيَا	أُتُّقِيَا	يَتَّقِيَانِ	لِيَتَّقِيَا	يُتَّقَيَانِ	لِيُتَّقَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إتَّقَوْا	أُتُّقُوْا	يَتَّقُوْنَ	لِيَتَّقُوْا	يُتَّقَوْنَ	لِيُتَّقَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إتَّقَتْ	أُتُّقِيَتْ	تَتَّقِي	لِتَتَّقِ	تُتَّقَىٰ	لِتُتَّقَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إتَّقَتَا	أُتُّقِيَتَا	تَتَّقِيَانِ	لِتَتَّقِيَا	تُتَّقَيَانِ	لِتُتَّقَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إتَّقَيْنَ	أُتُّقِيْنَ	يَتَّقِيْنَ	لِيَتَّقِيْنَ	يُتَّقَيْنَ	لِيُتَّقَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إتَّقَيْتَ	أُتُّقِيْتَ	تَتَّقِي	إتَّقِ	تُتَّقَىٰ	لِتُتَّقَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إتَّقَيْتُمَا	أُتُّقِيْتُمَا	تَتَّقِيَانِ	إتَّقِيَا	تُتَّقَيَانِ	لِتُتَّقَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إتَّقَيْتُمْ	أُتُّقِيْتُمْ	تَتَّقُوْنَ	إتَّقُوْا	تُتَّقَوْنَ	لِتُتَّقَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إتَّقَيْتِ	أُتُّقِيْتِ	تَتَّقِيْنَ	إتَّقِي	تُتَّقَيْنَ	لِتُتَّقَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إتَّقَيْتُمَا	أُتُّقِيْتُمَا	تَتَّقِيَانِ	إتَّقِيَا	تُتَّقَيَانِ	لِتُتَّقَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إتَّقَيْتُنَّ	أُتُّقِيْتُنَّ	تَتَّقِيْنَ	إتَّقِيْنَ	تُتَّقَيْنَ	لِتُتَّقَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إتَّقَيْتُ	أُتُّقِيْتُ	أَتَّقِي	لِأَتَّقِ	أُتَّقَىٰ	لِأُتَّقَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إتَّقَيْنَا	أُتُّقِيْنَا	نَتَّقِي	لِنَتَّقِ	نُتَّقَىٰ	لِنُتَّقَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۶۱	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهي	ضمائر
۱	ما إتَّقَىٰ	لا يَتَّقِي	اَنْ يَتَّقِيَ	لا يَتَّقِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما إتَّقَيَا	لا يَتَّقِيَانِ	اَنْ يَتَّقِيَا	لا يَتَّقِيَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما إتَّقَوْا	لا يَتَّقُوْنَ	اَنْ يَتَّقُوْا	لا يَتَّقُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما إتَّقَتْ	لا تَتَّقِي	اَنْ تَتَّقِيَ	لا تَتَّقِ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما إتَّقَتَا	لا تَتَّقِيَانِ	اَنْ تَتَّقِيَا	لا تَتَّقِيَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما إتَّقَيْنَ	لا يَتَّقِيْنَ	اَنْ يَتَّقِيْنَ	لا يَتَّقِيْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما إتَّقَيْتَ	لا تَتَّقِي	اَنْ تَتَّقِيَ	لا تَتَّقِ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	ما إتَّقَيْتُمَا	لا تَتَّقِيَانِ	اَنْ تَتَّقِيَا	لا تَتَّقِيَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	ما إتَّقَيْتُمْ	لا تَتَّقُوْنَ	اَنْ تَتَّقُوْا	لا تَتَّقُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	ما إتَّقَيْتِ	لا تَتَّقِيْنَ	اَنْ تَتَّقِي	لا تَتَّقِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	ما إتَّقَيْتُمَا	لا تَتَّقِيَانِ	اَنْ تَتَّقِيَا	لا تَتَّقِيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	ما إتَّقَيْتُنَّ	لا تَتَّقِيْنَ	اَنْ تَتَّقِيْنَ	لا تَتَّقِيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	ما إتَّقَيْتُ	لا أَتَّقِي	اَنْ أَتَّقِيَ	لا أَتَّقِ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	ما إتَّقَيْنَا	لا نَتَّقِي	اَنْ نَتَّقِيَ	لا نَتَّقِ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر وحده / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۶۲	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَّقِيَنَّ	لِيُتَّقَيَنَّ	لِيَتَّقِيَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَّقِيَانِّ	لِيُتَّقَيَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَّقُنَّ	لِيُتَّقَوُنَّ	لِيَتَّقُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَّقِيَنَّ	لِتُتَّقَيَنَّ	لِتَتَّقِيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَّقِيَانِّ	لِتُتَّقَيَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَّقِيْنَانِّ	لِيُتَّقَيْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِتَّقِيَنَّ	لِتُتَّقَيَنَّ	إِتَّقِيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِتَّقِيَانِّ	لِتُتَّقَيَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِتَّقُنَّ	لِتُتَّقَوُنَّ	إِتَّقُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِتَّقِنَّ	لِتُتَّقَيِنَّ	إِتَّقِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِتَّقِيَانِّ	لِتُتَّقَيَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِتَّقِيْنَانِّ	لِتُتَّقَيْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَّقِيَنَّ	لِأُتَّقَيَنَّ	لِأَتَّقِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَّقِيَنَّ	لِنُتَّقَيَنَّ	لِنَتَّقِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

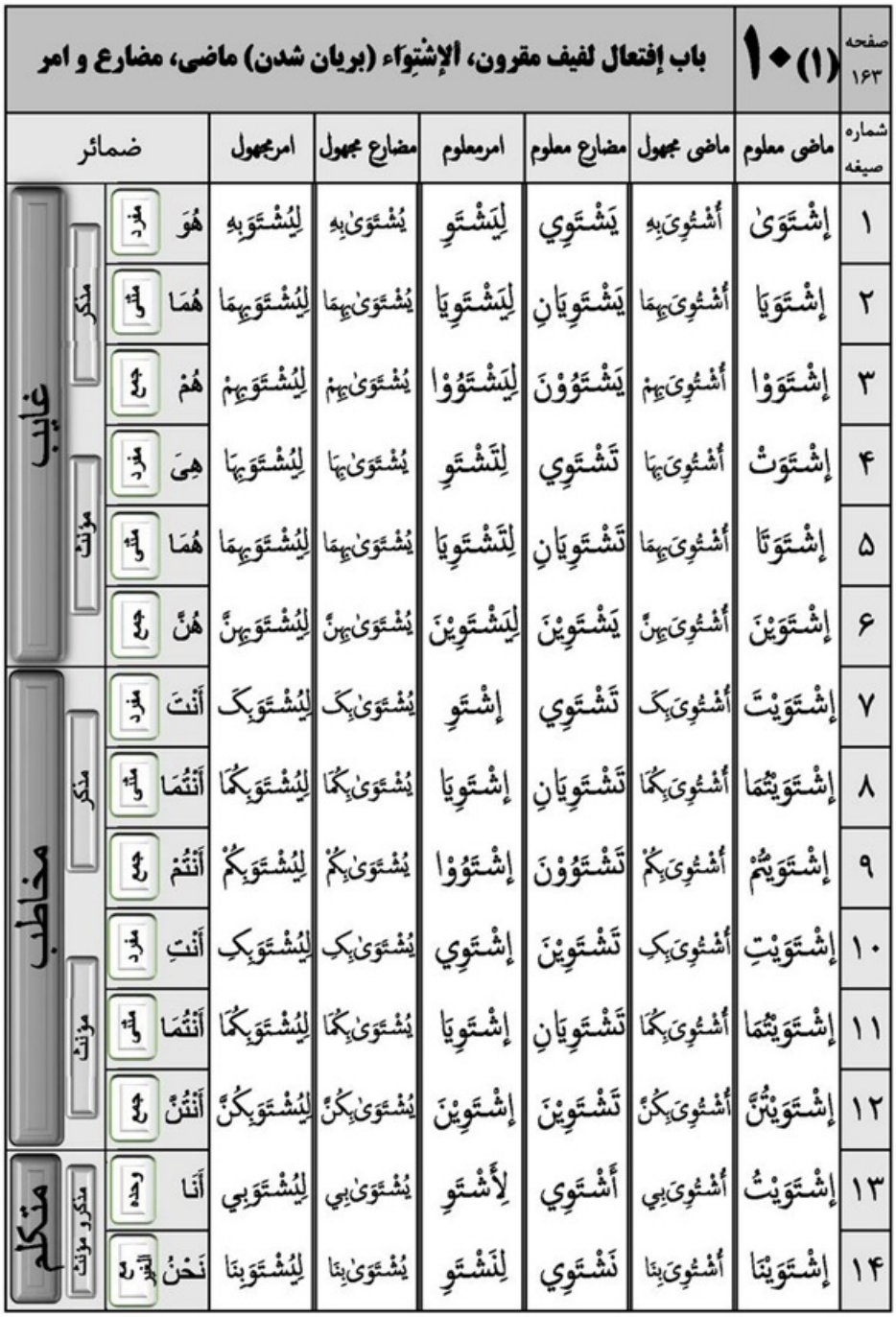

صفحه ۱۶۳	(۱) ۱۰ باب إفتعال لفيف مقرون، الإشْتِوَاء (بريان شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِشْتَوَىٰ	أُشْتُوِيَ بِهِ	يَشْتَوِي	لِيَشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِهِ	لِيُشْتَوَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِشْتَوَيَا	أُشْتُوِيَ بِهِمَا	يَشْتَوِيَانِ	لِيَشْتَوِيَا	يُشْتَوَيَانِ بِهِمَا	لِيُشْتَوَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِشْتَوَوْا	أُشْتُوِيَ بِهِمْ	يَشْتَوُوْنَ	لِيَشْتَوُوْا	يُشْتَوَيْنَ بِهِمْ	لِيُشْتَوَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِشْتَوَتْ	أُشْتُوِيَ بِهَا	تَشْتَوِي	لِتَشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِهَا	لِيُشْتَوَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِشْتَوَتَا	أُشْتُوِيَ بِهِمَا	تَشْتَوِيَانِ	لِتَشْتَوِيَا	يُشْتَوَيَانِ بِهِمَا	لِيُشْتَوَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِشْتَوَيْنَ	أُشْتُوِيَ بِهِنَّ	يَشْتَوِيْنَ	لِيَشْتَوِيْنَ	يُشْتَوَيْنَ بِهِنَّ	لِيُشْتَوَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِشْتَوَيْتَ	أُشْتُوِيَ بِكَ	تَشْتَوِي	إِشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِكَ	لِيُشْتَوَ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِشْتَوَيْتُمَا	أُشْتُوِيَ بِكُمَا	تَشْتَوِيَانِ	إِشْتَوِيَا	يُشْتَوَيَانِ بِكُمَا	لِيُشْتَوَ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِشْتَوَيْتُمْ	أُشْتُوِيَ بِكُمْ	تَشْتَوُوْنَ	إِشْتَوُوْا	يُشْتَوَيْنَ بِكُمْ	لِيُشْتَوَ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِشْتَوَيْتِ	أُشْتُوِيَ بِكِ	تَشْتَوِيْنَ	إِشْتَوِي	يُشْتَوَىٰ بِكِ	لِيُشْتَوَ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِشْتَوَيْتُمَا	أُشْتُوِيَ بِكُمَا	تَشْتَوِيَانِ	إِشْتَوِيَا	يُشْتَوَيَانِ بِكُمَا	لِيُشْتَوَ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِشْتَوَيْتُنَّ	أُشْتُوِيَ بِكُنَّ	تَشْتَوِيْنَ	إِشْتَوِيْنَ	يُشْتَوَيْنَ بِكُنَّ	لِيُشْتَوَ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِشْتَوَيْتُ	أُشْتُوِيَ بِي	أَشْتَوِي	لِأَشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِي	لِيُشْتَوَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إِشْتَوَيْنَا	أُشْتُوِيَ بِنَا	نَشْتَوِي	لِنَشْتَوِ	يُشْتَوَىٰ بِنَا	لِيُشْتَوَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۶۴	۱۰ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر		
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی			
۱	ما إشْتَوَىٰ	لا يَشْتَوِي	اَنْ يَشْتَوِيَ	لا يَشْتَوِ	غایب	مذکر	هُوَ (مفرد)
۲	ما إشْتَوَيَا	لا يَشْتَوِيَانِ	اَنْ يَشْتَوِيَا	لا يَشْتَوِيَا			هُمَا (مثنی)
۳	ما إشْتَوَوْا	لا يَشْتَوُوْنَ	اَنْ يَشْتَوُوْا	لا يَشْتَوُوْا			هُمْ (جمع)
۴	ما إشْتَوَتْ	لا تَشْتَوِي	اَنْ تَشْتَوِيَ	لا تَشْتَوِ		مؤنث	هِيَ (مفرد)
۵	ما إشْتَوَتَا	لا تَشْتَوِيَانِ	اَنْ تَشْتَوِيَا	لا تَشْتَوِيَا			هُمَا (مثنی)
۶	ما إشْتَوَيْنَ	لا يَشْتَوِيْنَ	اَنْ يَشْتَوِيْنَ	لا يَشْتَوِيْنَ			هُنَّ (جمع)
۷	ما إشْتَوَيْتَ	لا تَشْتَوِي	اَنْ تَشْتَوِيَ	لا تَشْتَوِ	مخاطب	مذکر	أَنْتَ (مفرد)
۸	ما إشْتَوَيْتُمَا	لا تَشْتَوِيَانِ	اَنْ تَشْتَوِيَا	لا تَشْتَوِيَا			أَنْتُمَا (مثنی)
۹	ما إشْتَوَيْتُمْ	لا تَشْتَوُوْنَ	اَنْ تَشْتَوُوْا	لا تَشْتَوُوْا			أَنْتُمْ (جمع)
۱۰	ما إشْتَوَيْتِ	لا تَشْتَوِيْنَ	اَنْ تَشْتَوِي	لا تَشْتَوِي		مؤنث	أَنْتِ (مفرد)
۱۱	ما إشْتَوَيْتُمَا	لا تَشْتَوِيَانِ	اَنْ تَشْتَوِيَا	لا تَشْتَوِيَا			أَنْتُمَا (مثنی)
۱۲	ما إشْتَوَيْتُنَّ	لا تَشْتَوِيْنَ	اَنْ تَشْتَوِيْنَ	لا تَشْتَوِيْنَ			أَنْتُنَّ (جمع)
۱۳	ما إشْتَوَيْتُ	لا أَشْتَوِي	اَنْ أَشْتَوِيَ	لا أَشْتَوِ	متکلم	مذکر و مؤنث	أَنَا (وحده)
۱۴	ما إشْتَوَيْنَا	لا نَشْتَوِي	اَنْ نَشْتَوِيَ	لا نَشْتَوِ			نَحْنُ (مع الغیر)

تصویر



صفحه ۱۶۵	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِ	لِيَشْتَوِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَشْتَوِيَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَشْتَوُنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِمْ	لِيَشْتَوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهَا	لِتَشْتَوِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَشْتَوِيَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَشْتَوِيْنَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكَ	إِشْتَوِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِشْتَوِيَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِشْتَوُنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكُمْ	إِشْتَوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِشْتَوِنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكِ	إِشْتَوِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِشْتَوِيَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِشْتَوِيْنَانِّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِي	لِأَشْتَوِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَشْتَوِيَنَّ	لِيُشْتَوَيَنَّ بِنَا	لِنَشْتَوِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر وحده — نَحْنُ

ص: ۱۶۵

تصویر



صفحه ۱۶۶	۱۱ (۱) باب إفتعال مهموز الفاء، اَلاِئْتِمَار (زیاد کردن نسل) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	اِئْتَمَرَ	أُوْتُمِرَ بِهِ	يَأْتَمِرُ	لِيَأْتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِهِ	لِيُؤْتَمَرْ بِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	اِئْتَمَرَا	أُوْتُمِرَ بِهِمَا	يَأْتَمِرَانِ	لِيَأْتَمِرَا	يُؤْتَمَرُ بِهِمَا	لِيُؤْتَمَرْ بِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	اِئْتَمَرُوْا	أُوْتُمِرَ بِهِمْ	يَأْتَمِرُوْنَ	لِيَأْتَمِرُوْا	يُؤْتَمَرُ بِهِمْ	لِيُؤْتَمَرْ بِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	اِئْتَمَرَتْ	أُوْتُمِرَ بِهَا	تَأْتَمِرُ	لِتَأْتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِهَا	لِيُؤْتَمَرْ بِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	اِئْتَمَرَتَا	أُوْتُمِرَ بِهِمَا	تَأْتَمِرَانِ	لِتَأْتَمِرَا	يُؤْتَمَرُ بِهِمَا	لِيُؤْتَمَرْ بِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	اِئْتَمَرْنَ	أُوْتُمِرَ بِهِنَّ	يَأْتَمِرْنَ	لِيَأْتَمِرْنَ	يُؤْتَمَرُ بِهِنَّ	لِيُؤْتَمَرْ بِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	اِئْتَمَرْتَ	أُوْتُمِرَ بِكَ	تَأْتَمِرُ	اِئْتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِكَ	لِيُؤْتَمَرْ بِكَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	اِئْتَمَرْتُمَا	أُوْتُمِرَ بِكُمَا	تَأْتَمِرَانِ	اِئْتَمِرَا	يُؤْتَمَرُ بِكُمَا	لِيُؤْتَمَرْ بِكُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	اِئْتَمَرْتُمْ	أُوْتُمِرَ بِكُمْ	تَأْتَمِرُوْنَ	اِئْتَمِرُوْا	يُؤْتَمَرُ بِكُمْ	لِيُؤْتَمَرْ بِكُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	اِئْتَمَرْتِ	أُوْتُمِرَ بِكِ	تَأْتَمِرِيْنَ	اِئْتَمِرِي	يُؤْتَمَرُ بِكِ	لِيُؤْتَمَرْ بِكِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	اِئْتَمَرْتُمَا	أُوْتُمِرَ بِكُمَا	تَأْتَمِرَانِ	اِئْتَمِرَا	يُؤْتَمَرُ بِكُمَا	لِيُؤْتَمَرْ بِكُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	اِئْتَمَرْتُنَّ	أُوْتُمِرَ بِكُنَّ	تَأْتَمِرْنَ	اِئْتَمِرْنَ	يُؤْتَمَرُ بِكُنَّ	لِيُؤْتَمَرْ بِكُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	اِئْتَمَرْتُ	أُوْتُمِرَ بِي	آتَمِرُ	لِآتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِي	لِيُؤْتَمَرْ بِي	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	اِئْتَمَرْنَا	أُوْتُمِرَ بِنَا	نَأْتَمِرُ	لِنَأْتَمِرْ	يُؤْتَمَرُ بِنَا	لِيُؤْتَمَرْ بِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

صفحه ۱۶۷	۱۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما اِیْتَمَرَ	لا یَأْتَمِرُ	اَنْ یَأْتَمِرَ	لا یَأْتَمِرْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما اِیْتَمَرَا	لا یَأْتَمِرَانِ	اَنْ یَأْتَمِرَا	لا یَأْتَمِرَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما اِیْتَمَرُوْا	لا یَأْتَمِرُوْنَ	اَنْ یَأْتَمِرُوْا	لا یَأْتَمِرُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما اِیْتَمَرَتْ	لا تَأْتَمِرُ	اَنْ تَأْتَمِرَ	لا تَأْتَمِرْ		هِیَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما اِیْتَمَرَتَا	لا تَأْتَمِرَانِ	اَنْ تَأْتَمِرَا	لا تَأْتَمِرَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما اِیْتَمَرْنَ	لا یَأْتَمِرْنَ	اَنْ یَأْتَمِرْنَ	لا یَأْتَمِرْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما اِیْتَمَرْتَ	لا تَأْتَمِرُ	اَنْ تَأْتَمِرَ	لا تَأْتَمِرْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما اِیْتَمَرْتُمَا	لا تَأْتَمِرَانِ	اَنْ تَأْتَمِرَا	لا تَأْتَمِرَا		اَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما اِیْتَمَرْتُمْ	لا تَأْتَمِرُوْنَ	اَنْ تَأْتَمِرُوْا	لا تَأْتَمِرُوْا		اَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما اِیْتَمَرْتِ	لا تَأْتَمِرِیْنَ	اَنْ تَأْتَمِرِي	لا تَأْتَمِرِي		اَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما اِیْتَمَرْتُمَا	لا تَأْتَمِرَانِ	اَنْ تَأْتَمِرَا	لا تَأْتَمِرَا		اَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما اِیْتَمَرْتُنَّ	لا تَأْتَمِرْنَ	اَنْ تَأْتَمِرْنَ	لا تَأْتَمِرْنَ		اَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما اِیْتَمَرْتُ	لا آتَمِرُ	اَنْ آتَمِرَ	لا آتَمِرْ	متکلم	اَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما اِیْتَمَرْنَا	لا نَأْتَمِرُ	اَنْ نَأْتَمِرَ	لا نَأْتَمِرْ		نَحْنُ (اَلغیر، مع)

تصویر



صفحه ۱۶۸	نون تأکید ۱۱ (۳)				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَأْتُمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِ	لِيَأْتُمِرَنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَأْتُمِرَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَأْتُمِرُنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِمْ	لِيَأْتُمِرُنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَأْتُمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهَا	لِتَأْتُمِرَنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَأْتُمِرَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَأْتُمِرْنَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	اِئْتَمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكَ	اِئْتَمِرَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	اِئْتَمِرَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	اِئْتَمِرُنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكُمْ	اِئْتَمِرُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	اِئْتَمِرِنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكِ	اِئْتَمِرِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	اِئْتَمِرَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	اِئْتَمِرْنَانِّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لَآتَمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِي	لَآتَمِرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لَنَأْتُمِرَنَّ	لِيُؤْتَمَرَنَّ بِنَا	لَنَأْتُمِرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

ص: ۱۶۸

تصویر

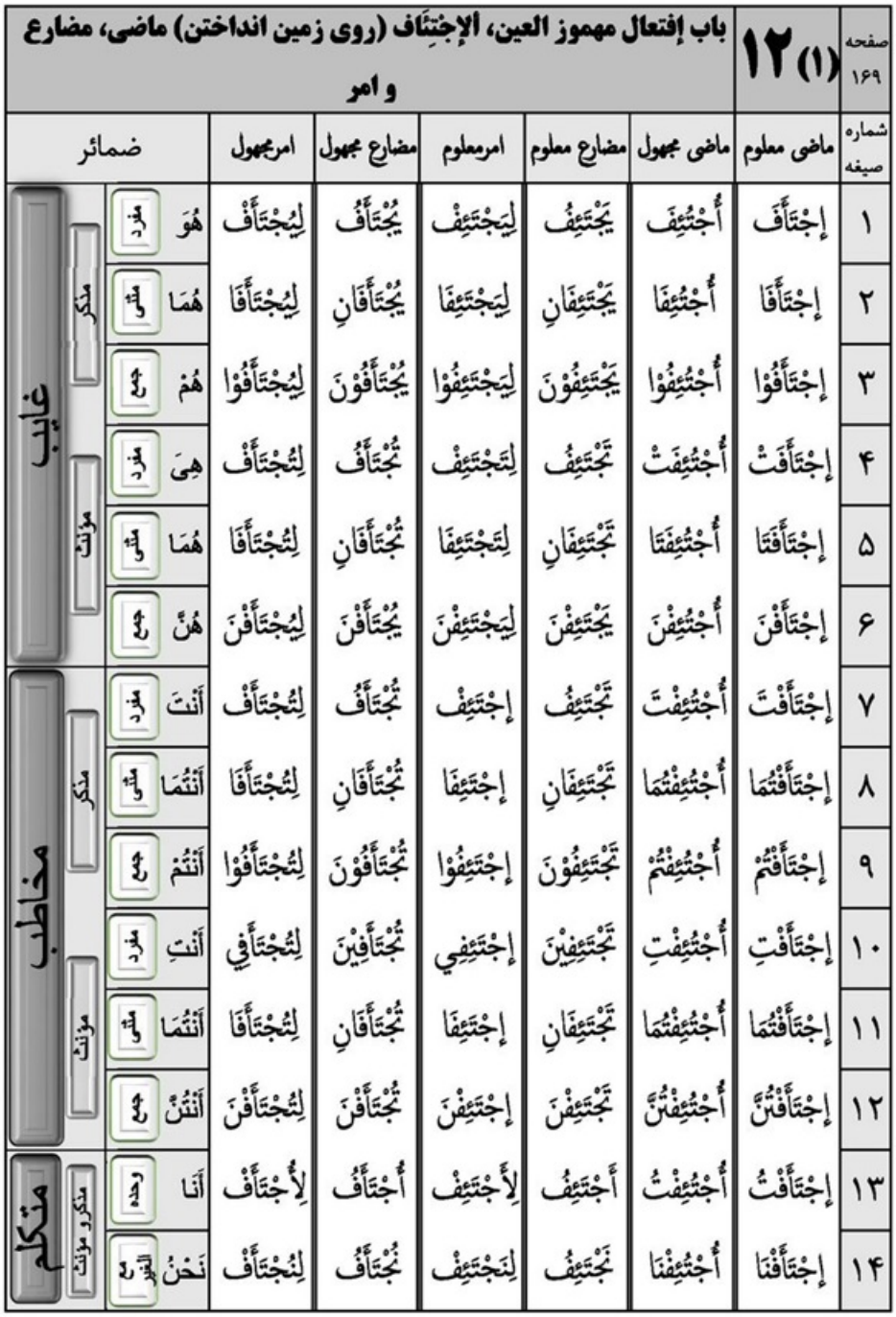

صفحه ۱۶۹	۱۲ (۱) باب إفتعال مهموز العين، الإجْتِئَاف (روی زمین انداختن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إجْتَأَفَ	أُجْتُئِفَ	يَجْتَئِفُ	لِيَجْتَئِفْ	يُجْتَأَفُ	لِيُجْتَأَفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إجْتَأَفَا	أُجْتُئِفَا	يَجْتَئِفَانِ	لِيَجْتَئِفَا	يُجْتَأَفَانِ	لِيُجْتَأَفَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إجْتَأَفُوْا	أُجْتُئِفُوْا	يَجْتَئِفُوْنَ	لِيَجْتَئِفُوْا	يُجْتَأَفُوْنَ	لِيُجْتَأَفُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إجْتَأَفَتْ	أُجْتُئِفَتْ	تَجْتَئِفُ	لِتَجْتَئِفْ	تُجْتَأَفُ	لِتُجْتَأَفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إجْتَأَفَتَا	أُجْتُئِفَتَا	تَجْتَئِفَانِ	لِتَجْتَئِفَا	تُجْتَأَفَانِ	لِتُجْتَأَفَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إجْتَأَفْنَ	أُجْتُئِفْنَ	يَجْتَئِفْنَ	لِيَجْتَئِفْنَ	يُجْتَأَفْنَ	لِيُجْتَأَفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إجْتَأَفْتَ	أُجْتُئِفْتَ	تَجْتَئِفُ	إجْتَئِفْ	تُجْتَأَفُ	لِتُجْتَأَفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إجْتَأَفْتُمَا	أُجْتُئِفْتُمَا	تَجْتَئِفَانِ	إجْتَئِفَا	تُجْتَأَفَانِ	لِتُجْتَأَفَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إجْتَأَفْتُمْ	أُجْتُئِفْتُمْ	تَجْتَئِفُوْنَ	إجْتَئِفُوْا	تُجْتَأَفُوْنَ	لِتُجْتَأَفُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إجْتَأَفْتِ	أُجْتُئِفْتِ	تَجْتَئِفِيْنَ	إجْتَئِفِي	تُجْتَأَفِيْنَ	لِتُجْتَأَفِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إجْتَأَفْتُمَا	أُجْتُئِفْتُمَا	تَجْتَئِفَانِ	إجْتَئِفَا	تُجْتَأَفَانِ	لِتُجْتَأَفَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إجْتَأَفْتُنَّ	أُجْتُئِفْتُنَّ	تَجْتَئِفْنَ	إجْتَئِفْنَ	تُجْتَأَفْنَ	لِتُجْتَأَفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إجْتَأَفْتُ	أُجْتُئِفْتُ	أَجْتَئِفُ	لِأَجْتَئِفْ	أُجْتَأَفُ	لِأُجْتَأَفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إجْتَأَفْنَا	أُجْتُئِفْنَا	نَجْتَئِفُ	لِنَجْتَئِفْ	نُجْتَأَفُ	لِنُجْتَأَفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۷۰	۱۲ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم					
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إجْتَأَفَ	لا يَجْتَئِفُ	اَنْ يَجْتَئِفَ	لا يَجْتَئِفْ	غایب	هُوَ (مفرد)
۲	ما إجْتَأَفَا	لا يَجْتَئِفَانِ	اَنْ يَجْتَئِفَا	لا يَجْتَئِفَا		هُمَا (مثنی) (مذکر)
۳	ما إجْتَأَفُوْا	لا يَجْتَئِفُوْنَ	اَنْ يَجْتَئِفُوْا	لا يَجْتَئِفُوْا		هُمْ (جمع) (مذکر)
۴	ما إجْتَأَفَتْ	لا تَجْتَئِفُ	اَنْ تَجْتَئِفَ	لا تَجْتَئِفْ		هِيَ (مفرد)
۵	ما إجْتَأَفَتَا	لا تَجْتَئِفَانِ	اَنْ تَجْتَئِفَا	لا تَجْتَئِفَا		هُمَا (مثنی) (مؤنث)
۶	ما إجْتَأَفْنَ	لا يَجْتَئِفْنَ	اَنْ يَجْتَئِفْنَ	لا يَجْتَئِفْنَ		هُنَّ (جمع) (مؤنث)
۷	ما إجْتَأَفْتَ	لا تَجْتَئِفُ	اَنْ تَجْتَئِفَ	لا تَجْتَئِفْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد)
۸	ما إجْتَأَفْتُمَا	لا تَجْتَئِفَانِ	اَنْ تَجْتَئِفَا	لا تَجْتَئِفَا		أَنْتُمَا (مثنی) (مذکر)
۹	ما إجْتَأَفْتُمْ	لا تَجْتَئِفُوْنَ	اَنْ تَجْتَئِفُوْا	لا تَجْتَئِفُوْا		أَنْتُمْ (جمع) (مذکر)
۱۰	ما إجْتَأَفْتِ	لا تَجْتَئِفِيْنَ	اَنْ تَجْتَئِفِي	لا تَجْتَئِفِي		أَنْتِ (مفرد)
۱۱	ما إجْتَأَفْتُمَا	لا تَجْتَئِفَانِ	اَنْ تَجْتَئِفَا	لا تَجْتَئِفَا		أَنْتُمَا (مثنی) (مؤنث)
۱۲	ما إجْتَأَفْتُنَّ	لا تَجْتَئِفْنَ	اَنْ تَجْتَئِفْنَ	لا تَجْتَئِفْنَ		أَنْتُنَّ (جمع) (مؤنث)
۱۳	ما إجْتَأَفْتُ	لا أَجْتَئِفُ	اَنْ أَجْتَئِفَ	لا أَجْتَئِفْ	متکلم	أَنَا (وحده) (مذکر و مؤنث)
۱۴	ما إجْتَأَفْنَا	لا نَجْتَئِفُ	اَنْ نَجْتَئِفَ	لا نَجْتَئِفْ		نَحْنُ (مع الغیر)

تصویر



صفحه ۱۷۱	۱۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَجْتَئِفَنَّ	لِيُجْتَأَفَنَّ	لِيَجْتَئِفَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَجْتَئِفَانِّ	لِيُجْتَأَفَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَجْتَئِفُنَّ	لِيُجْتَأَفُنَّ	لِيَجْتَئِفُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَجْتَئِفَنَّ	لِتُجْتَأَفَنَّ	لِتَجْتَئِفَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَجْتَئِفَانِّ	لِتُجْتَأَفَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَجْتَئِفْنَانِّ	لِيُجْتَأَفْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِجْتَئِفَنَّ	لِتُجْتَأَفَنَّ	إِجْتَئِفَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِجْتَئِفَانِّ	لِتُجْتَأَفَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِجْتَئِفُنَّ	لِتُجْتَأَفُنَّ	إِجْتَئِفُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِجْتَئِفِنَّ	لِتُجْتَأَفِنَّ	إِجْتَئِفِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِجْتَئِفَانِّ	لِتُجْتَأَفَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِجْتَئِفْنَانِّ	لِتُجْتَأَفْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَجْتَئِفَنَّ	لِأُجْتَأَفَنَّ	لِأَجْتَئِفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَجْتَئِفَنَّ	لِنُجْتَأَفَنَّ	لِنَجْتَئِفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۷۲	۱۳ (۱) باب إفتعال مهموز اللام، الإقْتِرَاء (به خواندن وادار کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إقْتَرَأَ	أُقْتُرِئَ	يَقْتَرِئُ	لِيَقْتَرِئْ	يُقْتَرَأُ	لِيُقْتَرَأْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إقْتَرَأَا	أُقْتُرِأَا	يَقْتَرِأَانِ	لِيَقْتَرِأَا	يُقْتَرَأَانِ	لِيُقْتَرَأَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إقْتَرَؤُوْا	أُقْتُرِؤُوْا	يَقْتَرِؤُوْنَ	لِيَقْتَرِؤُوْا	يُقْتَرَؤُوْنَ	لِيُقْتَرَؤُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إقْتَرَأَتْ	أُقْتُرِأَتْ	تَقْتَرِئُ	لِتَقْتَرِئْ	تُقْتَرَأُ	لِتُقْتَرَأْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إقْتَرَأَتَا	أُقْتُرِأَتَا	تَقْتَرِأَانِ	لِتَقْتَرِأَا	تُقْتَرَأَانِ	لِتُقْتَرَأَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إقْتَرَأْنَ	أُقْتُرِئْنَ	يَقْتَرِئْنَ	لِيَقْتَرِئْنَ	يُقْتَرَأْنَ	لِيُقْتَرَأْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إقْتَرَأْتَ	أُقْتُرِئْتَ	تَقْتَرِئُ	إقْتَرِئْ	تُقْتَرَأُ	لِتُقْتَرَأْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إقْتَرَأْتُمَا	أُقْتُرِئْتُمَا	تَقْتَرِأَانِ	إقْتَرِأَا	تُقْتَرَأَانِ	لِتُقْتَرَأَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إقْتَرَأْتُمْ	أُقْتُرِئْتُمْ	تَقْتَرِؤُوْنَ	إقْتَرِؤُوْا	تُقْتَرَؤُوْنَ	لِتُقْتَرَؤُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إقْتَرَأْتِ	أُقْتُرِئْتِ	تَقْتَرِئِيْنَ	إقْتَرِئِي	تُقْتَرَئِيْنَ	لِتُقْتَرَئِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إقْتَرَأْتُمَا	أُقْتُرِئْتُمَا	تَقْتَرِأَانِ	إقْتَرِأَا	تُقْتَرَأَانِ	لِتُقْتَرَأَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إقْتَرَأْتُنَّ	أُقْتُرِئْتُنَّ	تَقْتَرِئْنَ	إقْتَرِئْنَ	تُقْتَرَأْنَ	لِتُقْتَرَأْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إقْتَرَأْتُ	أُقْتُرِئْتُ	أَقْتَرِئُ	لِأَقْتَرِئْ	أُقْتَرَأُ	لِأُقْتَرَأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	إقْتَرَأْنَا	أُقْتُرِئْنَا	نَقْتَرِئُ	لِنَقْتَرِئْ	نُقْتَرَأُ	لِنُقْتَرَأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۱۷۳	۱۳ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إقْتَرَأَ	لا يَقْتَرِئُ	اَنْ يَقْتَرِئَ	لا يَقْتَرِئْ	غایب — مفرد مذکر — هُوَ
۲	ما إقْتَرَأَا	لا يَقْتَرِأَانِ	اَنْ يَقْتَرِأَا	لا يَقْتَرِأَا	غایب — مثنی مذکر — هُمَا
۳	ما إقْتَرَؤُوْا	لا يَقْتَرِؤُوْنَ	اَنْ يَقْتَرِؤُوْا	لا يَقْتَرِؤُوْا	غایب — جمع مذکر — هُمْ
۴	ما إقْتَرَأَتْ	لا تَقْتَرِئُ	اَنْ تَقْتَرِئَ	لا تَقْتَرِئْ	غایب — مفرد مؤنث — هِيَ
۵	ما إقْتَرَأَتَا	لا تَقْتَرِأَانِ	اَنْ تَقْتَرِأَا	لا تَقْتَرِأَا	غایب — مثنی مؤنث — هُمَا
۶	ما إقْتَرَأْنَ	لا يَقْتَرِئْنَ	اَنْ يَقْتَرِئْنَ	لا يَقْتَرِئْنَ	غایب — جمع مؤنث — هُنَّ
۷	ما إقْتَرَأْتَ	لا تَقْتَرِئُ	اَنْ تَقْتَرِئَ	لا تَقْتَرِئْ	مخاطب — مفرد مذکر — أَنْتَ
۸	ما إقْتَرَأْتُمَا	لا تَقْتَرِأَانِ	اَنْ تَقْتَرِأَا	لا تَقْتَرِأَا	مخاطب — مثنی مذکر — أَنْتُمَا
۹	ما إقْتَرَأْتُمْ	لا تَقْتَرِؤُوْنَ	اَنْ تَقْتَرِؤُوْا	لا تَقْتَرِؤُوْا	مخاطب — جمع مذکر — أَنْتُمْ
۱۰	ما إقْتَرَأْتِ	لا تَقْتَرِئِيْنَ	اَنْ تَقْتَرِئِي	لا تَقْتَرِئِي	مخاطب — مفرد مؤنث — أَنْتِ
۱۱	ما إقْتَرَأْتُمَا	لا تَقْتَرِأَانِ	اَنْ تَقْتَرِأَا	لا تَقْتَرِأَا	مخاطب — مثنی مؤنث — أَنْتُمَا
۱۲	ما إقْتَرَأْتُنَّ	لا تَقْتَرِئْنَ	اَنْ تَقْتَرِئْنَ	لا تَقْتَرِئْنَ	مخاطب — جمع مؤنث — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إقْتَرَأْتُ	لا أَقْتَرِئُ	اَنْ أَقْتَرِئَ	لا أَقْتَرِئْ	متکلم — وحده — مذکر و مؤنث — أَنَا
۱۴	ما إقْتَرَأْنَا	لا نَقْتَرِئُ	اَنْ نَقْتَرِئَ	لا نَقْتَرِئْ	متکلم — مع الغیر — مذکر و مؤنث — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۷۴	۱۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَقْتَرِأَنَّ	لِيُقْتَرَأَنَّ	لِيَقْتَرِأَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَقْتَرِأَانِّ	لِيُقْتَرَأَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَقْتَرِؤُنَّ	لِيُقْتَرَؤُنَّ	لِيَقْتَرِؤُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَقْتَرِأَنَّ	لِتُقْتَرَأَنَّ	لِتَقْتَرِأَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَقْتَرِأَانِّ	لِتُقْتَرَأَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَقْتَرِئْنَانِّ	لِيُقْتَرَأْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِقْتَرِأَنَّ	لِتُقْتَرَأَنَّ	إِقْتَرِأَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِقْتَرِأَانِّ	لِتُقْتَرَأَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِقْتَرِؤُنَّ	لِتُقْتَرَؤُنَّ	إِقْتَرِؤُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِقْتَرِئِنَّ	لِتُقْتَرَئِنَّ	إِقْتَرِئِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِقْتَرِأَانِّ	لِتُقْتَرَأَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِقْتَرِئْنَانِّ	لِتُقْتَرَأْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَقْتَرِأَنَّ	لِأُقْتَرَأَنَّ	لِأَقْتَرِأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد / أَنَا
۱۴	لِنَقْتَرِأَنَّ	لِنُقْتَرَأَنَّ	لِنَقْتَرِأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع / نَحْنُ

ص: ۱۷۴

قواعد خصوصی باب إفتعال

تصویر

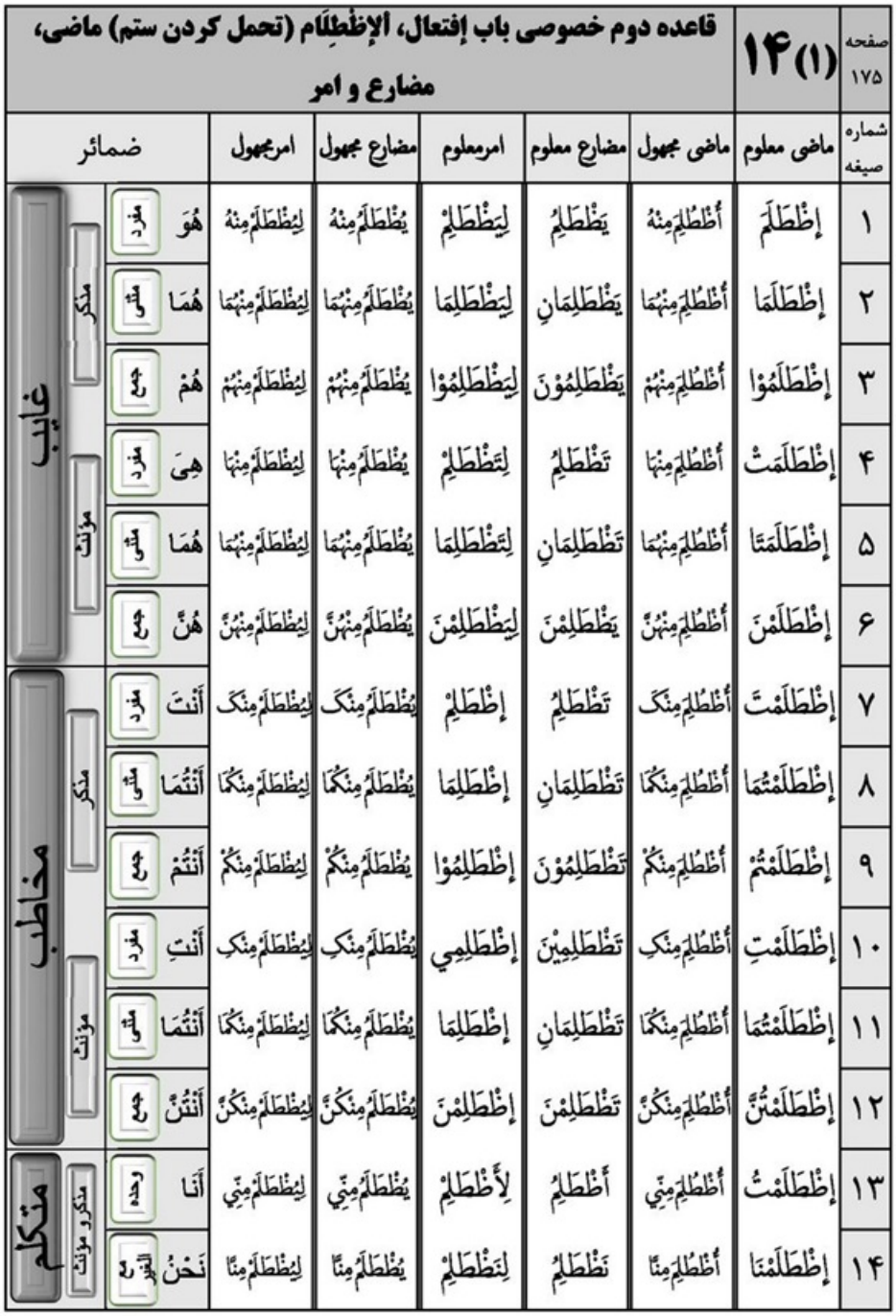

صفحه ۱۷۵	۱۴ (۱)	قاعده دوم خصوصی باب إفتعال، الإظْطِلَام (تحمل کردن ستم) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِظْطَلَمَ	أُظْطُلِمَ مِنْهُ	يَظْطَلِمُ	لِيَظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنْهُ	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	إِظْطَلَمَا	أُظْطُلِمَ مِنْهُمَا	يَظْطَلِمَانِ	لِيَظْطَلِمَا	يُظْطَلَمُ مِنْهُمَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُمَا	هُمَا (مثنی)	
۳	إِظْطَلَمُوْا	أُظْطُلِمَ مِنْهُمْ	يَظْطَلِمُوْنَ	لِيَظْطَلِمُوْا	يُظْطَلَمُ مِنْهُمْ	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُمْ	هُمْ (جمع)	
۴	إِظْطَلَمَتْ	أُظْطُلِمَ مِنْهَا	تَظْطَلِمُ	لِتَظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنْهَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْهَا	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	إِظْطَلَمَتَا	أُظْطُلِمَ مِنْهُمَا	تَظْطَلِمَانِ	لِتَظْطَلِمَا	يُظْطَلَمُ مِنْهُمَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُمَا	هُمَا (مثنی)	
۶	إِظْطَلَمْنَ	أُظْطُلِمَ مِنْهُنَّ	يَظْطَلِمْنَ	لِيَظْطَلِمْنَ	يُظْطَلَمُ مِنْهُنَّ	لِيُظْطَلَمْ مِنْهُنَّ	هُنَّ (جمع)	
۷	إِظْطَلَمْتَ	أُظْطُلِمَ مِنْكَ	تَظْطَلِمُ	إِظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنْكَ	لِيُظْطَلَمْ مِنْكَ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	إِظْطَلَمْتُمَا	أُظْطُلِمَ مِنْكُمَا	تَظْطَلِمَانِ	إِظْطَلِمَا	يُظْطَلَمُ مِنْكُمَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	إِظْطَلَمْتُمْ	أُظْطُلِمَ مِنْكُمْ	تَظْطَلِمُوْنَ	إِظْطَلِمُوْا	يُظْطَلَمُ مِنْكُمْ	لِيُظْطَلَمْ مِنْكُمْ	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	إِظْطَلَمْتِ	أُظْطُلِمَ مِنْكِ	تَظْطَلِمِيْنَ	إِظْطَلِمِي	يُظْطَلَمُ مِنْكِ	لِيُظْطَلَمْ مِنْكِ	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	إِظْطَلَمْتُمَا	أُظْطُلِمَ مِنْكُمَا	تَظْطَلِمَانِ	إِظْطَلِمَا	يُظْطَلَمُ مِنْكُمَا	لِيُظْطَلَمْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	إِظْطَلَمْتُنَّ	أُظْطُلِمَ مِنْكُنَّ	تَظْطَلِمْنَ	إِظْطَلِمْنَ	يُظْطَلَمُ مِنْكُنَّ	لِيُظْطَلَمْ مِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	إِظْطَلَمْتُ	أُظْطُلِمَ مِنِّي	أَظْطَلِمُ	لِأَظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنِّي	لِيُظْطَلَمْ مِنِّي	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	إِظْطَلَمْنَا	أُظْطُلِمَ مِنَّا	نَظْطَلِمُ	لِنَظْطَلِمْ	يُظْطَلَمُ مِنَّا	لِيُظْطَلَمْ مِنَّا	نَحْنُ (مع الغیر)	

ص: ۱۷۵

تصویر

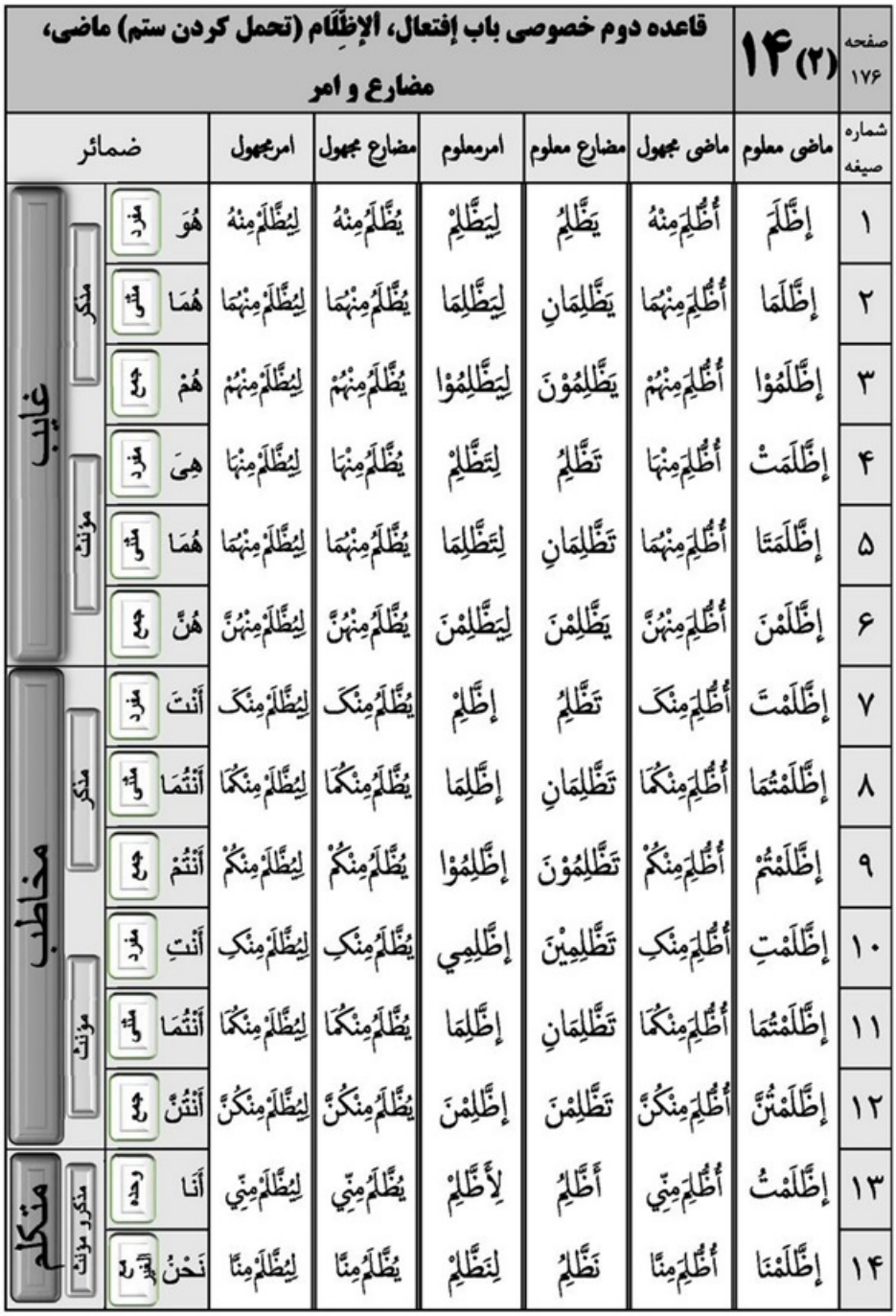

صفحه ۱۷۶	۱۴ (۲)	قاعده دوم خصوصی باب إفتعال، الإظْلَام (تحمل کردن ستم) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إظْلَمَ	أُظْلِمَ مِنْهُ	يَظْلِمُ	لِيَظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنْهُ	لِيُظْلَمْ مِنْهُ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	إظْلَمَا	أُظْلِمَ مِنْهُمَا	يَظْلِمَانِ	لِيَظْلِمَا	يُظْلَمُ مِنْهُمَا	لِيُظْلَمْ مِنْهُمَا	غایب مذکر مثنی	هُمَا
۳	إظْلَمُوْا	أُظْلِمَ مِنْهُمْ	يَظْلِمُوْنَ	لِيَظْلِمُوْا	يُظْلَمُ مِنْهُمْ	لِيُظْلَمْ مِنْهُمْ	غایب مذکر جمع	هُمْ
۴	إظْلَمَتْ	أُظْلِمَ مِنْهَا	تَظْلِمُ	لِتَظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنْهَا	لِيُظْلَمْ مِنْهَا	غایب مؤنث مفرد	هِيَ
۵	إظْلَمَتَا	أُظْلِمَ مِنْهُمَا	تَظْلِمَانِ	لِتَظْلِمَا	يُظْلَمُ مِنْهُمَا	لِيُظْلَمْ مِنْهُمَا	غایب مؤنث مثنی	هُمَا
۶	إظْلَمْنَ	أُظْلِمَ مِنْهُنَّ	يَظْلِمْنَ	لِيَظْلِمْنَ	يُظْلَمُ مِنْهُنَّ	لِيُظْلَمْ مِنْهُنَّ	غایب مؤنث جمع	هُنَّ
۷	إظْلَمْتَ	أُظْلِمَ مِنْكَ	تَظْلِمُ	إظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنْكَ	لِيُظْلَمْ مِنْكَ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	إظْلَمْتُمَا	أُظْلِمَ مِنْكُمَا	تَظْلِمَانِ	إظْلِمَا	يُظْلَمُ مِنْكُمَا	لِيُظْلَمْ مِنْكُمَا	مخاطب مذکر مثنی	أَنْتُمَا
۹	إظْلَمْتُمْ	أُظْلِمَ مِنْكُمْ	تَظْلِمُوْنَ	إظْلِمُوْا	يُظْلَمُ مِنْكُمْ	لِيُظْلَمْ مِنْكُمْ	مخاطب مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	إظْلَمْتِ	أُظْلِمَ مِنْكِ	تَظْلِمِيْنَ	إظْلِمِي	يُظْلَمُ مِنْكِ	لِيُظْلَمْ مِنْكِ	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	إظْلَمْتُمَا	أُظْلِمَ مِنْكُمَا	تَظْلِمَانِ	إظْلِمَا	يُظْلَمُ مِنْكُمَا	لِيُظْلَمْ مِنْكُمَا	مخاطب مؤنث مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	إظْلَمْتُنَّ	أُظْلِمَ مِنْكُنَّ	تَظْلِمْنَ	إظْلِمْنَ	يُظْلَمُ مِنْكُنَّ	لِيُظْلَمْ مِنْكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	إظْلَمْتُ	أُظْلِمَ مِنِّي	أَظْلِمُ	لِأَظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنِّي	لِيُظْلَمْ مِنِّي	متکلم مذکر و مؤنث واحد	أَنَا
۱۴	إظْلَمْنَا	أُظْلِمَ مِنَّا	نَظْلِمُ	لِنَظْلِمْ	يُظْلَمُ مِنَّا	لِيُظْلَمْ مِنَّا	متکلم مذکر و مؤنث جمع	نَحْنُ

تصویر

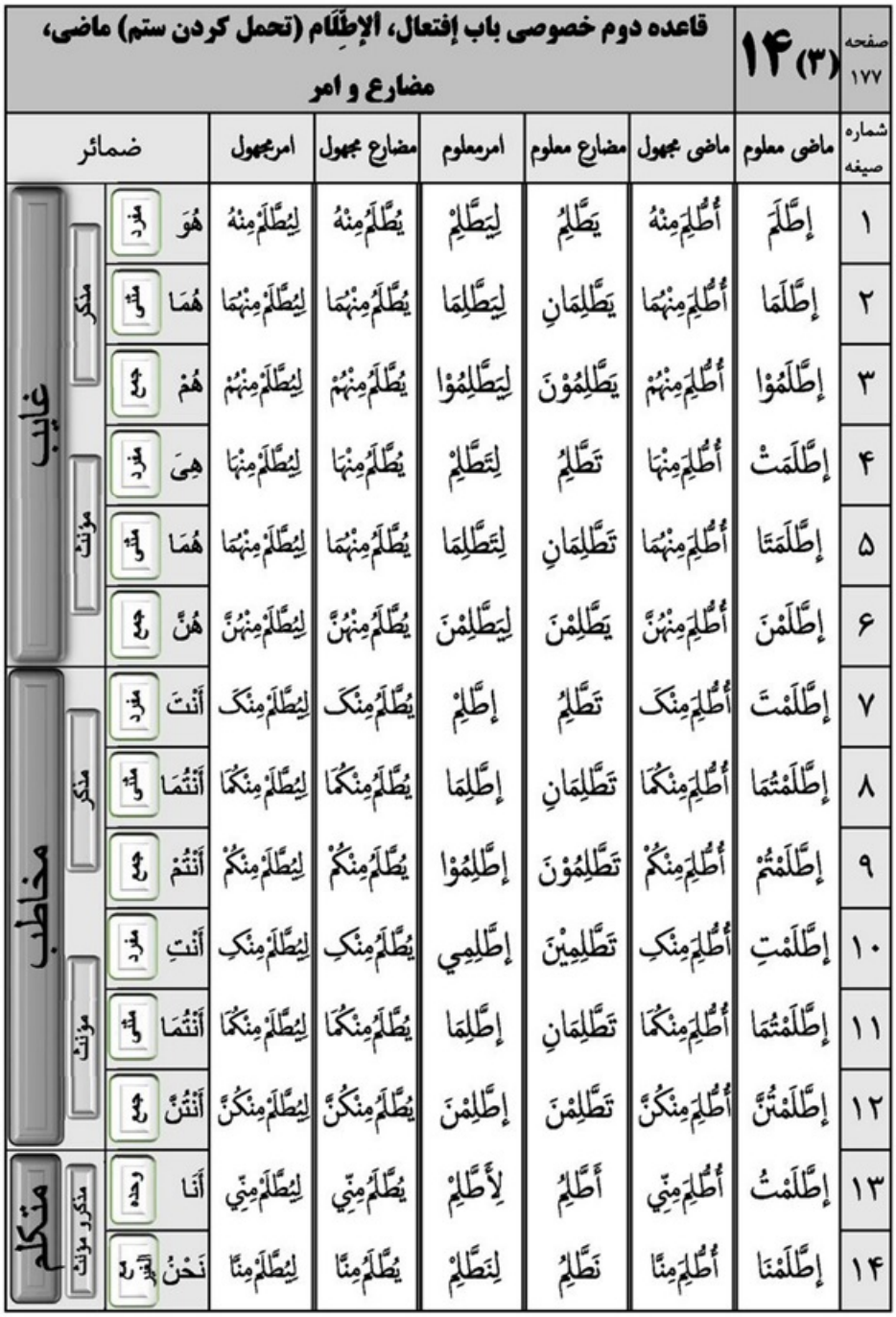

صفحه ۱۷۷	۱۴ (۳)	قاعده دوم خصوصی باب إفتعال، الإطِّلَام (تحمل کردن ستم) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إطَّلَمَ	أُطُّلِمَ مِنْهُ	يَطَّلِمُ	لِيَطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنْهُ	لِيُطَّلَمْ مِنْهُ	هُوَ (مفرد)	غایب — مذکر
۲	إطَّلَمَا	أُطُّلِمَ مِنْهُمَا	يَطَّلِمَانِ	لِيَطَّلِمَا	يُطَّلَمُ مِنْهُمَا	لِيُطَّلَمْ مِنْهُمَا	هُمَا (مثنی)	
۳	إطَّلَمُوْا	أُطُّلِمَ مِنْهُمْ	يَطَّلِمُوْنَ	لِيَطَّلِمُوْا	يُطَّلَمُ مِنْهُمْ	لِيُطَّلَمْ مِنْهُمْ	هُمْ (جمع)	
۴	إطَّلَمَتْ	أُطُّلِمَ مِنْهَا	تَطَّلِمُ	لِتَطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنْهَا	لِيُطَّلَمْ مِنْهَا	هِيَ (مفرد)	غایب — مؤنث
۵	إطَّلَمَتَا	أُطُّلِمَ مِنْهُمَا	تَطَّلِمَانِ	لِتَطَّلِمَا	يُطَّلَمُ مِنْهُمَا	لِيُطَّلَمْ مِنْهُمَا	هُمَا (مثنی)	
۶	إطَّلَمْنَ	أُطُّلِمَ مِنْهُنَّ	يَطَّلِمْنَ	لِيَطَّلِمْنَ	يُطَّلَمُ مِنْهُنَّ	لِيُطَّلَمْ مِنْهُنَّ	هُنَّ (جمع)	
۷	إطَّلَمْتَ	أُطُّلِمَ مِنْكَ	تَطَّلِمُ	إطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنْكَ	لِيُطَّلَمْ مِنْكَ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب — مذکر
۸	إطَّلَمْتُمَا	أُطُّلِمَ مِنْكُمَا	تَطَّلِمَانِ	إطَّلِمَا	يُطَّلَمُ مِنْكُمَا	لِيُطَّلَمْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	إطَّلَمْتُمْ	أُطُّلِمَ مِنْكُمْ	تَطَّلِمُوْنَ	إطَّلِمُوْا	يُطَّلَمُ مِنْكُمْ	لِيُطَّلَمْ مِنْكُمْ	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	إطَّلَمْتِ	أُطُّلِمَ مِنْكِ	تَطَّلِمِيْنَ	إطَّلِمِي	يُطَّلَمُ مِنْكِ	لِيُطَّلَمْ مِنْكِ	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب — مؤنث
۱۱	إطَّلَمْتُمَا	أُطُّلِمَ مِنْكُمَا	تَطَّلِمَانِ	إطَّلِمَا	يُطَّلَمُ مِنْكُمَا	لِيُطَّلَمْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	إطَّلَمْتُنَّ	أُطُّلِمَ مِنْكُنَّ	تَطَّلِمْنَ	إطَّلِمْنَ	يُطَّلَمُ مِنْكُنَّ	لِيُطَّلَمْ مِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	إطَّلَمْتُ	أُطُّلِمَ مِنِّي	أَطَّلِمُ	لِأَطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنِّي	لِيُطَّلَمْ مِنِّي	أَنَا (واحد)	متکلم — مذکر و مؤنث
۱۴	إطَّلَمْنَا	أُطُّلِمَ مِنَّا	نَطَّلِمُ	لِنَطَّلِمْ	يُطَّلَمُ مِنَّا	لِيُطَّلَمْ مِنَّا	نَحْنُ (تثنیه و جمع)	

تصویر

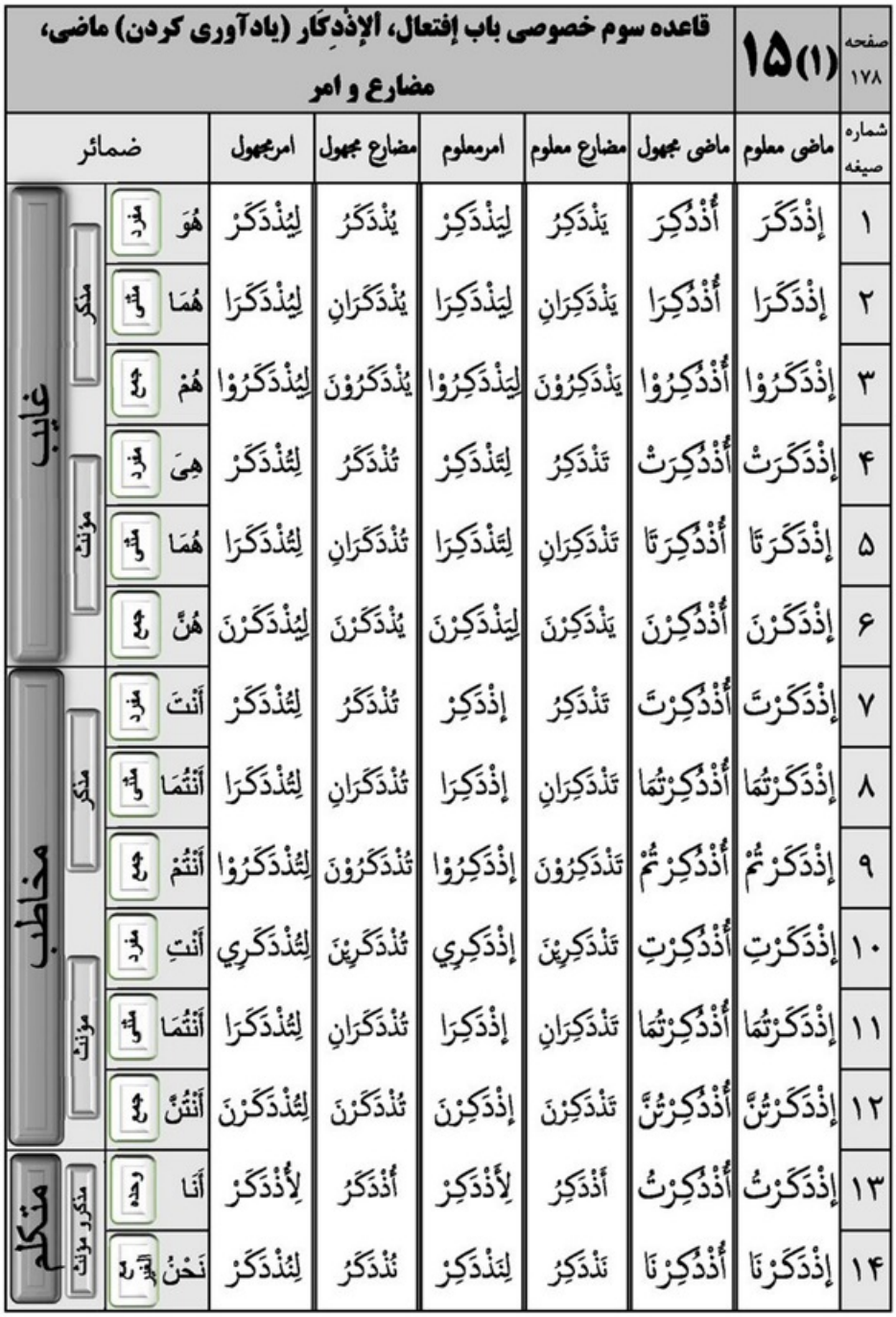

صفحه ۱۷۸	۱۵(۱)	قاعده سوم خصوصی باب إفتعال، اَلإذْدِکَار (یادآوری کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِذْدَكَرَ	أُذْدُكِرَ	يَذْدَكِرُ	لِيَذْدَكِرْ	يُذْدَكَرُ	لِيُذْدَكَرْ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	إِذْدَكَرَا	أُذْدُكِرَا	يَذْدَكِرَانِ	لِيَذْدَكِرَا	يُذْدَكَرَانِ	لِيُذْدَكَرَا	غایب مذکر مثنی	هُمَا
۳	إِذْدَكَرُوْا	أُذْدُكِرُوْا	يَذْدَكِرُوْنَ	لِيَذْدَكِرُوْا	يُذْدَكَرُوْنَ	لِيُذْدَكَرُوْا	غایب مذکر جمع	هُمْ
۴	إِذْدَكَرَتْ	أُذْدُكِرَتْ	تَذْدَكِرُ	لِتَذْدَكِرْ	تُذْدَكَرُ	لِتُذْدَكَرْ	غایب مؤنث مفرد	هِيَ
۵	إِذْدَكَرَتَا	أُذْدُكِرَتَا	تَذْدَكِرَانِ	لِتَذْدَكِرَا	تُذْدَكَرَانِ	لِتُذْدَكَرَا	غایب مؤنث مثنی	هُمَا
۶	إِذْدَكَرْنَ	أُذْدُكِرْنَ	يَذْدَكِرْنَ	لِيَذْدَكِرْنَ	يُذْدَكَرْنَ	لِيُذْدَكَرْنَ	غایب مؤنث جمع	هُنَّ
۷	إِذْدَكَرْتَ	أُذْدُكِرْتَ	تَذْدَكِرُ	إِذْدَكِرْ	تُذْدَكَرُ	لِتُذْدَكَرْ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	إِذْدَكَرْتُمَا	أُذْدُكِرْتُمَا	تَذْدَكِرَانِ	إِذْدَكِرَا	تُذْدَكَرَانِ	لِتُذْدَكَرَا	مخاطب مذکر مثنی	أَنْتُمَا
۹	إِذْدَكَرْتُمْ	أُذْدُكِرْتُمْ	تَذْدَكِرُوْنَ	إِذْدَكِرُوْا	تُذْدَكَرُوْنَ	لِتُذْدَكَرُوْا	مخاطب مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	إِذْدَكَرْتِ	أُذْدُكِرْتِ	تَذْدَكِرِيْنَ	إِذْدَكِرِي	تُذْدَكَرِيْنَ	لِتُذْدَكَرِي	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	إِذْدَكَرْتُمَا	أُذْدُكِرْتُمَا	تَذْدَكِرَانِ	إِذْدَكِرَا	تُذْدَكَرَانِ	لِتُذْدَكَرَا	مخاطب مؤنث مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	إِذْدَكَرْتُنَّ	أُذْدُكِرْتُنَّ	تَذْدَكِرْنَ	إِذْدَكِرْنَ	تُذْدَكَرْنَ	لِتُذْدَكَرْنَ	مخاطب مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	إِذْدَكَرْتُ	أُذْدُكِرْتُ	أَذْدَكِرُ	لِأَذْدَكِرْ	أُذْدَكَرُ	لِأُذْدَكَرْ	متکلم مذکر و مؤنث وحده	أَنَا
۱۴	إِذْدَكَرْنَا	أُذْدُكِرْنَا	نَذْدَكِرُ	لِنَذْدَكِرْ	نُذْدَكَرُ	لِنُذْدَكَرْ	متکلم مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

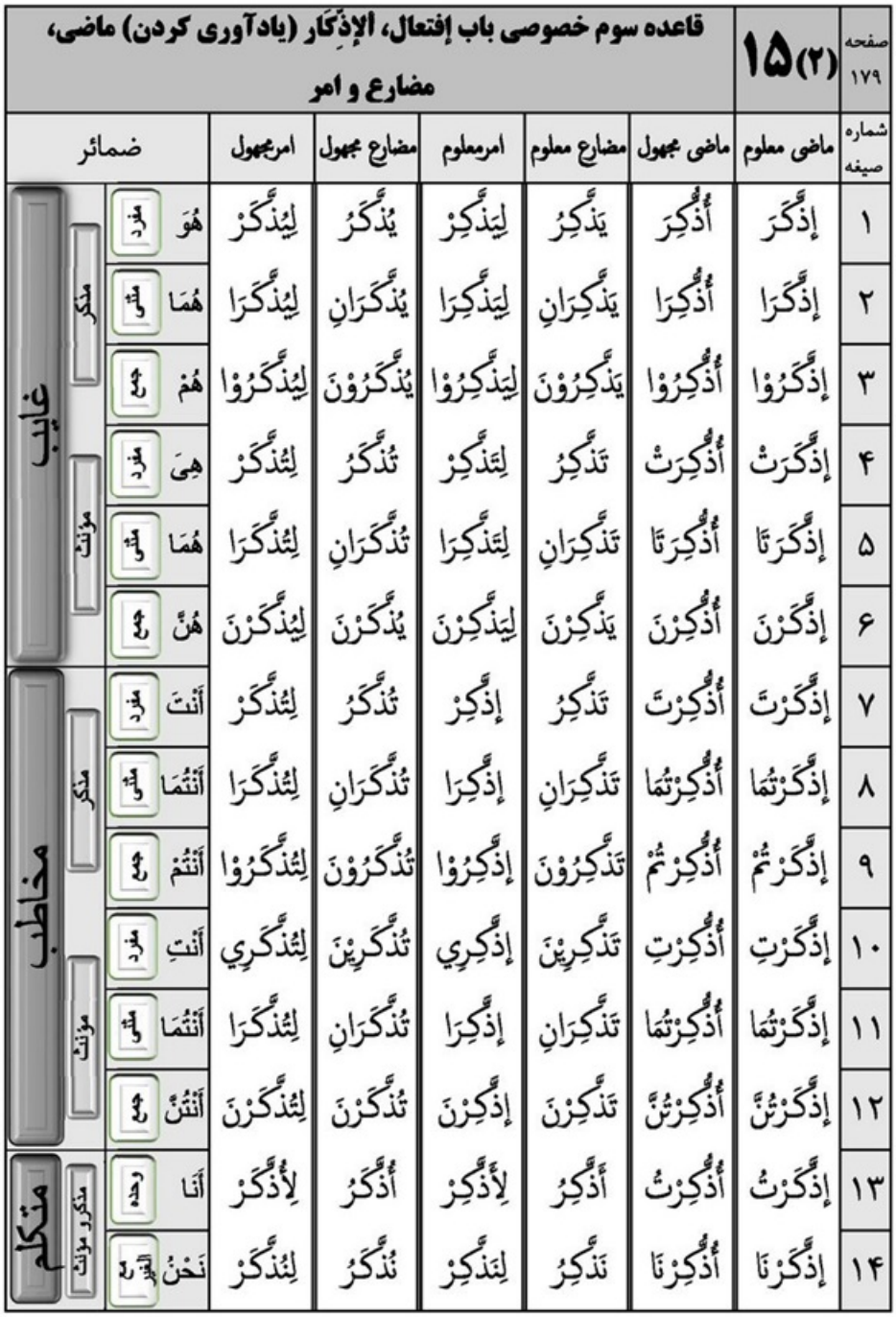

صفحه ۱۷۹	۱۵(۲)	قاعده سوم خصوصی باب إفتعال، اَلإذْکَار (یادآوری کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إذَّكَرَ	أُذُّكِرَ	يَذَّكِرُ	لِيَذَّكِرْ	يُذَّكَرُ	لِيُذَّكَرْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	إذَّكَرَا	أُذُّكِرَا	يَذَّكِرَانِ	لِيَذَّكِرَا	يُذَّكَرَانِ	لِيُذَّكَرَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	إذَّكَرُوْا	أُذُّكِرُوْا	يَذَّكِرُوْنَ	لِيَذَّكِرُوْا	يُذَّكَرُوْنَ	لِيُذَّكَرُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	إذَّكَرَتْ	أُذُّكِرَتْ	تَذَّكِرُ	لِتَذَّكِرْ	تُذَّكَرُ	لِتُذَّكَرْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	إذَّكَرَتَا	أُذُّكِرَتَا	تَذَّكِرَانِ	لِتَذَّكِرَا	تُذَّكَرَانِ	لِتُذَّكَرَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	إذَّكَرْنَ	أُذُّكِرْنَ	يَذَّكِرْنَ	لِيَذَّكِرْنَ	يُذَّكَرْنَ	لِيُذَّكَرْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	إذَّكَرْتَ	أُذُّكِرْتَ	تَذَّكِرُ	إذَّكِرْ	تُذَّكَرُ	لِتُذَّكَرْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	إذَّكَرْتُمَا	أُذُّكِرْتُمَا	تَذَّكِرَانِ	إذَّكِرَا	تُذَّكَرَانِ	لِتُذَّكَرَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	إذَّكَرْتُمْ	أُذُّكِرْتُمْ	تَذَّكِرُوْنَ	إذَّكِرُوْا	تُذَّكَرُوْنَ	لِتُذَّكَرُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	إذَّكَرْتِ	أُذُّكِرْتِ	تَذَّكِرِيْنَ	إذَّكِرِي	تُذَّكَرِيْنَ	لِتُذَّكَرِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	إذَّكَرْتُمَا	أُذُّكِرْتُمَا	تَذَّكِرَانِ	إذَّكِرَا	تُذَّكَرَانِ	لِتُذَّكَرَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	إذَّكَرْتُنَّ	أُذُّكِرْتُنَّ	تَذَّكِرْنَ	إذَّكِرْنَ	تُذَّكَرْنَ	لِتُذَّكَرْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	إذَّكَرْتُ	أُذُّكِرْتُ	أَذَّكِرُ	لِأَذَّكِرْ	أُذَّكَرُ	لِأُذَّكَرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	إذَّكَرْنَا	أُذُّكِرْنَا	نَذَّكِرُ	لِنَذَّكِرْ	نُذَّكَرُ	لِنُذَّكَرْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۸۰	۱۵ (۳)	قاعده سوم خصوصی باب إفتعال، اَلإدِّکَار (یادآوری کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِدَّ كَرَ	أُدُّ كِرَ	يَدَّكِرُ	لِيَدَّكِرْ	يُدَّكَرُ	لِيُدَّكَرْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	إِدَّ كَرَا	أُدُّ كِرَا	يَدَّكِرَانِ	لِيَدَّكِرَا	يُدَّكَرَانِ	لِيُدَّكَرَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	إِدَّ كَرُوْا	أُدُّ كِرُوْا	يَدَّكِرُوْنَ	لِيَدَّكِرُوْا	يُدَّكَرُوْنَ	لِيُدَّكَرُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	إِدَّ كَرَتْ	أُدُّ كِرَتْ	تَدَّكِرُ	لِتَدَّكِرْ	تُدَّكَرُ	لِتُدَّكَرْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	إِدَّ كَرَتَا	أُدُّ كِرَتَا	تَدَّكِرَانِ	لِتَدَّكِرَا	تُدَّكَرَانِ	لِتُدَّكَرَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	إِدَّ كَرْنَ	أُدُّ كِرْنَ	يَدَّكِرْنَ	لِيَدَّكِرْنَ	يُدَّكَرْنَ	لِيُدَّكَرْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	إِدَّ كَرْتَ	أُدُّ كِرْتَ	تَدَّكِرُ	إِدَّكِرْ	تُدَّكَرُ	لِتُدَّكَرْ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	إِدَّ كَرْتُمَا	أُدُّ كِرْتُمَا	تَدَّكِرَانِ	إِدَّكِرَا	تُدَّكَرَانِ	لِتُدَّكَرَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	إِدَّ كَرْتُمْ	أُدُّ كِرْتُمْ	تَدَّكِرُوْنَ	إِدَّكِرُوْا	تُدَّكَرُوْنَ	لِتُدَّكَرُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	إِدَّ كَرْتِ	أُدُّ كِرْتِ	تَدَّكِرِيْنَ	إِدَّكِرِي	تُدَّكَرِيْنَ	لِتُدَّكَرِي	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	إِدَّ كَرْتُمَا	أُدُّ كِرْتُمَا	تَدَّكِرَانِ	إِدَّكِرَا	تُدَّكَرَانِ	لِتُدَّكَرَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	إِدَّ كَرْتُنَّ	أُدُّ كِرْتُنَّ	تَدَّكِرْنَ	إِدَّكِرْنَ	تُدَّكَرْنَ	لِتُدَّكَرْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	إِدَّ كَرْتُ	أُدُّ كِرْتُ	أَدَّكِرُ	لِأَدَّكِرْ	أُدَّكَرُ	لِأُدَّكَرْ	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده
۱۴	إِدَّ كَرْنَا	أُدُّ كِرْنَا	نَدَّكِرُ	لِنَدَّكِرْ	نُدَّكَرُ	لِنُدَّكَرْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر

تصویر



صفحه ۱۸۱	۱۶ (۱)	قاعده چهارم خصوصی باب إفتعال، الإئتِنَار (خونخواهی کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِئْتَأَرَ	أُئْتُئِرَ مِنْهُ	يَئْتَئِرُ	لِيَئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنْهُ	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	إِئْتَأَرَا	أُئْتُئِرَ مِنْهُمَا	يَئْتَئِرَانِ	لِيَئْتَئِرَا	يُئْتَأَرُ مِنْهُمَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُمَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	إِئْتَأَرُوْا	أُئْتُئِرَ مِنْهُمْ	يَئْتَئِرُوْنَ	لِيَئْتَئِرُوْا	يُئْتَأَرُ مِنْهُمْ	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُمْ	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	إِئْتَأَرَتْ	أُئْتُئِرَ مِنْهَا	تَئْتَئِرُ	لِتَئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنْهَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْهَا	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	إِئْتَأَرَتَا	أُئْتُئِرَ مِنْهُمَا	تَئْتَئِرَانِ	لِتَئْتَئِرَا	يُئْتَأَرُ مِنْهُمَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُمَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	إِئْتَأَرْنَ	أُئْتُئِرَ مِنْهُنَّ	يَئْتَئِرْنَ	لِيَئْتَئِرْنَ	يُئْتَأَرُ مِنْهُنَّ	لِيُئْتَأَرْ مِنْهُنَّ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	إِئْتَأَرْتَ	أُئْتُئِرَ مِنْكَ	تَئْتَئِرُ	إِئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنْكَ	لِيُئْتَأَرْ مِنْكَ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	إِئْتَأَرْتُمَا	أُئْتُئِرَ مِنْكُمَا	تَئْتَئِرَانِ	إِئْتَئِرَا	يُئْتَأَرُ مِنْكُمَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	إِئْتَأَرْتُمْ	أُئْتُئِرَ مِنْكُمْ	تَئْتَئِرُوْنَ	إِئْتَئِرُوْا	يُئْتَأَرُ مِنْكُمْ	لِيُئْتَأَرْ مِنْكُمْ	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	إِئْتَأَرْتِ	أُئْتُئِرَ مِنْكِ	تَئْتَئِرِيْنَ	إِئْتَئِرِي	يُئْتَأَرُ مِنْكِ	لِيُئْتَأَرْ مِنْكِ	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	إِئْتَأَرْتُمَا	أُئْتُئِرَ مِنْكُمَا	تَئْتَئِرَانِ	إِئْتَئِرَا	يُئْتَأَرُ مِنْكُمَا	لِيُئْتَأَرْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	إِئْتَأَرْتُنَّ	أُئْتُئِرَ مِنْكُنَّ	تَئْتَئِرْنَ	إِئْتَئِرْنَ	يُئْتَأَرُ مِنْكُنَّ	لِيُئْتَأَرْ مِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	إِئْتَأَرْتُ	أُئْتُئِرَ مِنِّي	أَئْتَئِرُ	لِأَئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنِّي	لِيُئْتَأَرْ مِنِّي	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد
۱۴	إِئْتَأَرْنَا	أُئْتُئِرَ مِنَّا	نَئْتَئِرُ	لِنَئْتَئِرْ	يُئْتَأَرُ مِنَّا	لِيُئْتَأَرْ مِنَّا	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع

تصویر

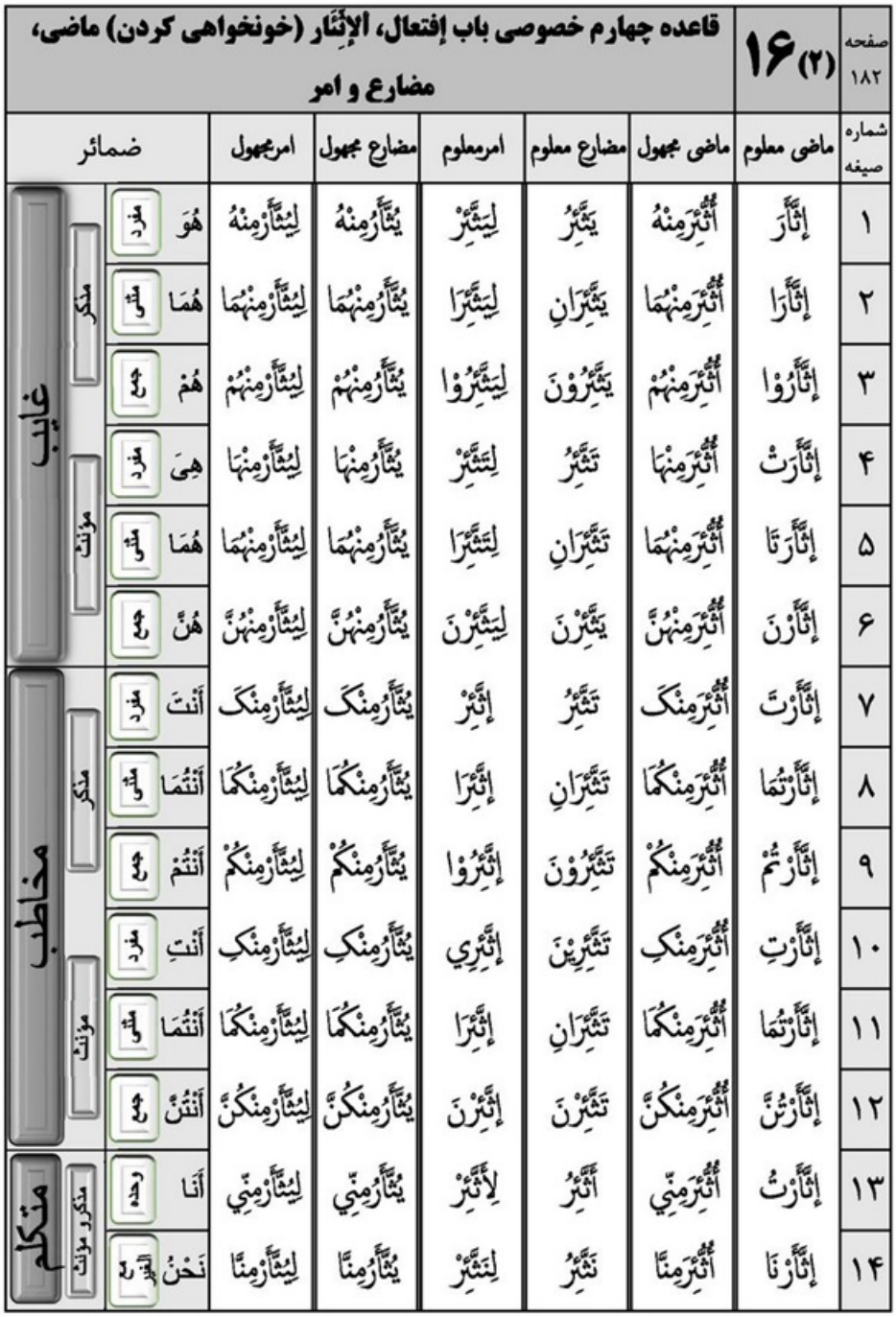

صفحه ۱۸۲	۱۶ (۲)	قاعده چهارم خصوصی باب إفتعال، الإثَّار (خونخواهی کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِثَّارَ	أُثْئِرَمِنْهُ	يَثَّئِرُ	لِيَثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنْهُ	لِيُثَّأَرْمِنْهُ	هُوَ	غایب مذکر مفرد
۲	إِثَّارَا	أُثْئِرَمِنْهُمَا	يَثَّئِرَانِ	لِيَثَّئِرَا	يُثَّأَرُمِنْهُمَا	لِيُثَّأَرْمِنْهُمَا	هُمَا مثنی	
۳	إِثَّارُوْا	أُثْئِرَمِنْهُمْ	يَثَّئِرُوْنَ	لِيَثَّئِرُوْا	يُثَّأَرُمِنْهُمْ	لِيُثَّأَرْمِنْهُمْ	هُمْ جمع	
۴	إِثَّارَتْ	أُثْئِرَمِنْهَا	تَثَّئِرُ	لِتَثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنْهَا	لِيُثَّأَرْمِنْهَا	هِيَ مفرد	غایب مؤنث
۵	إِثَّارَتَا	أُثْئِرَمِنْهُمَا	تَثَّئِرَانِ	لِتَثَّئِرَا	يُثَّأَرُمِنْهُمَا	لِيُثَّأَرْمِنْهُمَا	هُمَا مثنی	
۶	إِثَّأَرْنَ	أُثْئِرَمِنْهُنَّ	يَثَّئِرْنَ	لِيَثَّئِرْنَ	يُثَّأَرُمِنْهُنَّ	لِيُثَّأَرْمِنْهُنَّ	هُنَّ جمع	
۷	إِثَّأَرْتَ	أُثْئِرَمِنْكَ	تَثَّئِرُ	إِثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنْكَ	لِيُثَّأَرْمِنْكَ	أَنْتَ	مخاطب مذکر مفرد
۸	إِثَّأَرْتُمَا	أُثْئِرَمِنْكُمَا	تَثَّئِرَانِ	إِثَّئِرَا	يُثَّأَرُمِنْكُمَا	لِيُثَّأَرْمِنْكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۹	إِثَّأَرْتُمْ	أُثْئِرَمِنْكُمْ	تَثَّئِرُوْنَ	إِثَّئِرُوْا	يُثَّأَرُمِنْكُمْ	لِيُثَّأَرْمِنْكُمْ	أَنْتُمْ جمع	
۱۰	إِثَّأَرْتِ	أُثْئِرَمِنْكِ	تَثَّئِرِيْنَ	إِثَّئِرِي	يُثَّأَرُمِنْكِ	لِيُثَّأَرْمِنْكِ	أَنْتِ	مخاطب مؤنث مفرد
۱۱	إِثَّأَرْتُمَا	أُثْئِرَمِنْكُمَا	تَثَّئِرَانِ	إِثَّئِرَا	يُثَّأَرُمِنْكُمَا	لِيُثَّأَرْمِنْكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۱۲	إِثَّأَرْتُنَّ	أُثْئِرَمِنْكُنَّ	تَثَّئِرْنَ	إِثَّئِرْنَ	يُثَّأَرُمِنْكُنَّ	لِيُثَّأَرْمِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ جمع	
۱۳	إِثَّأَرْتُ	أُثْئِرَمِنِّي	أَثَّئِرُ	لِأَثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنِّي	لِيُثَّأَرْمِنِّي	أَنَا	متکلم مذکر و مؤنث وحده
۱۴	إِثَّأَرْنَا	أُثْئِرَمِنَّا	نَثَّئِرُ	لِنَثَّئِرْ	يُثَّأَرُمِنَّا	لِيُثَّأَرْمِنَّا	نَحْنُ	مع الغیر

تصویر

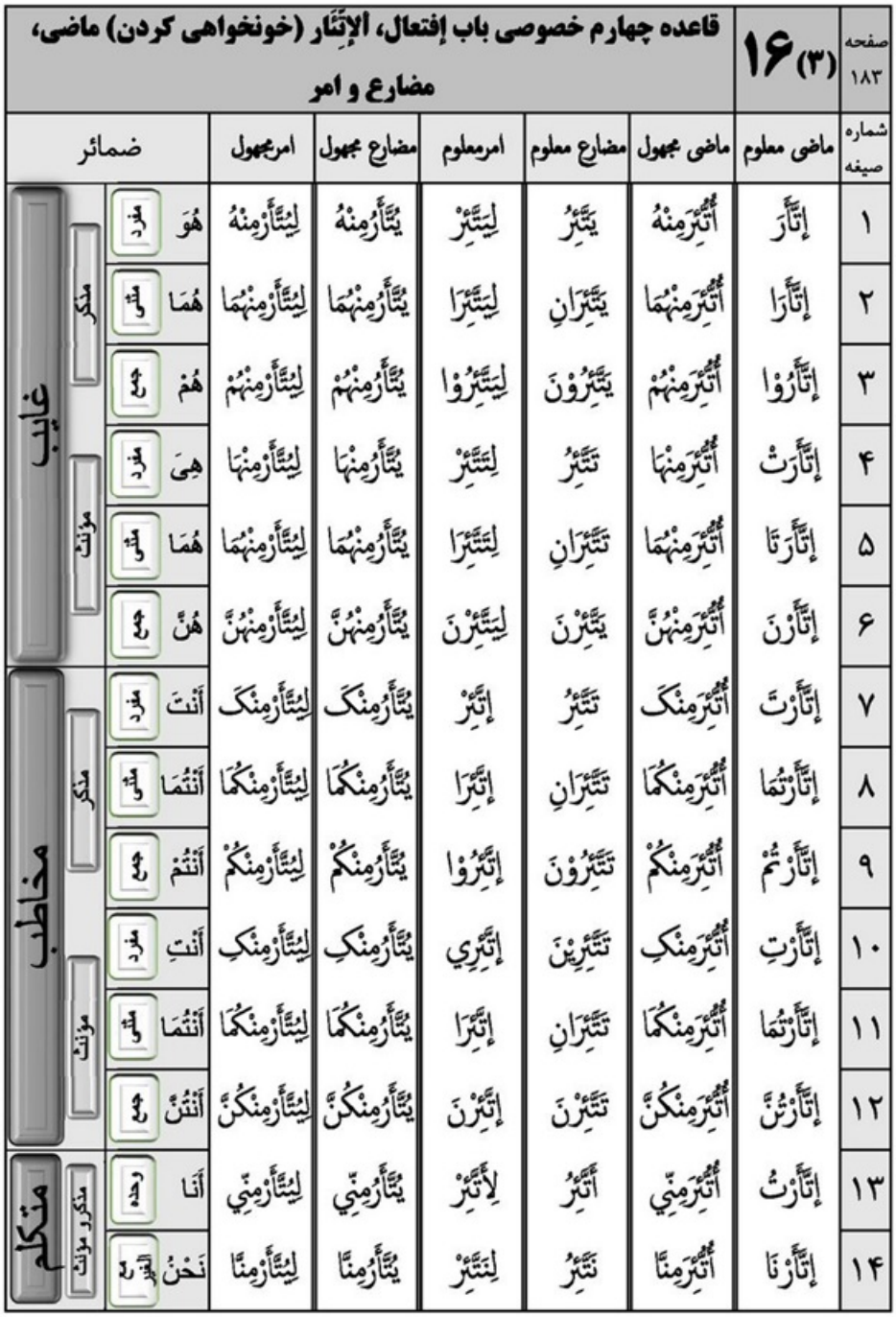

صفحه ۱۸۳	۱۶ (۳)	قاعده چهارم خصوصی باب إفتعال، الإتّئار (خونخواهی کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِتَّأَرَ	أُتُّئِرَ مِنْهُ	يَتَّئِرُ	لِيَتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنْهُ	لِيُتَّأَرْ مِنْهُ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	إِتَّأَرَا	أُتُّئِرَ مِنْهُمَا	يَتَّئِرَانِ	لِيَتَّئِرَا	يُتَّأَرُ مِنْهُمَا	لِيُتَّأَرْ مِنْهُمَا	هُمَا (مثنی)	
۳	إِتَّأَرُوْا	أُتُّئِرَ مِنْهُمْ	يَتَّئِرُوْنَ	لِيَتَّئِرُوْا	يُتَّأَرُ مِنْهُمْ	لِيُتَّأَرْ مِنْهُمْ	هُمْ (جمع)	
۴	إِتَّأَرَتْ	أُتُّئِرَ مِنْهَا	تَتَّئِرُ	لِتَتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنْهَا	لِيُتَّأَرْ مِنْهَا	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	إِتَّأَرَتَا	أُتُّئِرَ مِنْهُمَا	تَتَّئِرَانِ	لِتَتَّئِرَا	يُتَّأَرُ مِنْهُمَا	لِيُتَّأَرْ مِنْهُمَا	هُمَا (مثنی)	
۶	إِتَّأَرْنَ	أُتُّئِرَ مِنْهُنَّ	يَتَّئِرْنَ	لِيَتَّئِرْنَ	يُتَّأَرُ مِنْهُنَّ	لِيُتَّأَرْ مِنْهُنَّ	هُنَّ (جمع)	
۷	إِتَّأَرْتَ	أُتُّئِرَ مِنْكَ	تَتَّئِرُ	إِتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنْكَ	لِيُتَّأَرْ مِنْكَ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	إِتَّأَرْتُمَا	أُتُّئِرَ مِنْكُمَا	تَتَّئِرَانِ	إِتَّئِرَا	يُتَّأَرُ مِنْكُمَا	لِيُتَّأَرْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	إِتَّأَرْتُمْ	أُتُّئِرَ مِنْكُمْ	تَتَّئِرُوْنَ	إِتَّئِرُوْا	يُتَّأَرُ مِنْكُمْ	لِيُتَّأَرْ مِنْكُمْ	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	إِتَّأَرْتِ	أُتُّئِرَ مِنْكِ	تَتَّئِرِيْنَ	إِتَّئِرِي	يُتَّأَرُ مِنْكِ	لِيُتَّأَرْ مِنْكِ	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	إِتَّأَرْتُمَا	أُتُّئِرَ مِنْكُمَا	تَتَّئِرَانِ	إِتَّئِرَا	يُتَّأَرُ مِنْكُمَا	لِيُتَّأَرْ مِنْكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	إِتَّأَرْتُنَّ	أُتُّئِرَ مِنْكُنَّ	تَتَّئِرْنَ	إِتَّئِرْنَ	يُتَّأَرُ مِنْكُنَّ	لِيُتَّأَرْ مِنْكُنَّ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	إِتَّأَرْتُ	أُتُّئِرَ مِنِّي	أَتَّئِرُ	لِأَتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنِّي	لِيُتَّأَرْ مِنِّي	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	إِتَّأَرْنَا	أُتُّئِرَ مِنَّا	نَتَّئِرُ	لِنَتَّئِرْ	يُتَّأَرُ مِنَّا	لِيُتَّأَرْ مِنَّا	نَحْنُ (مع الغیر)	

تصویر

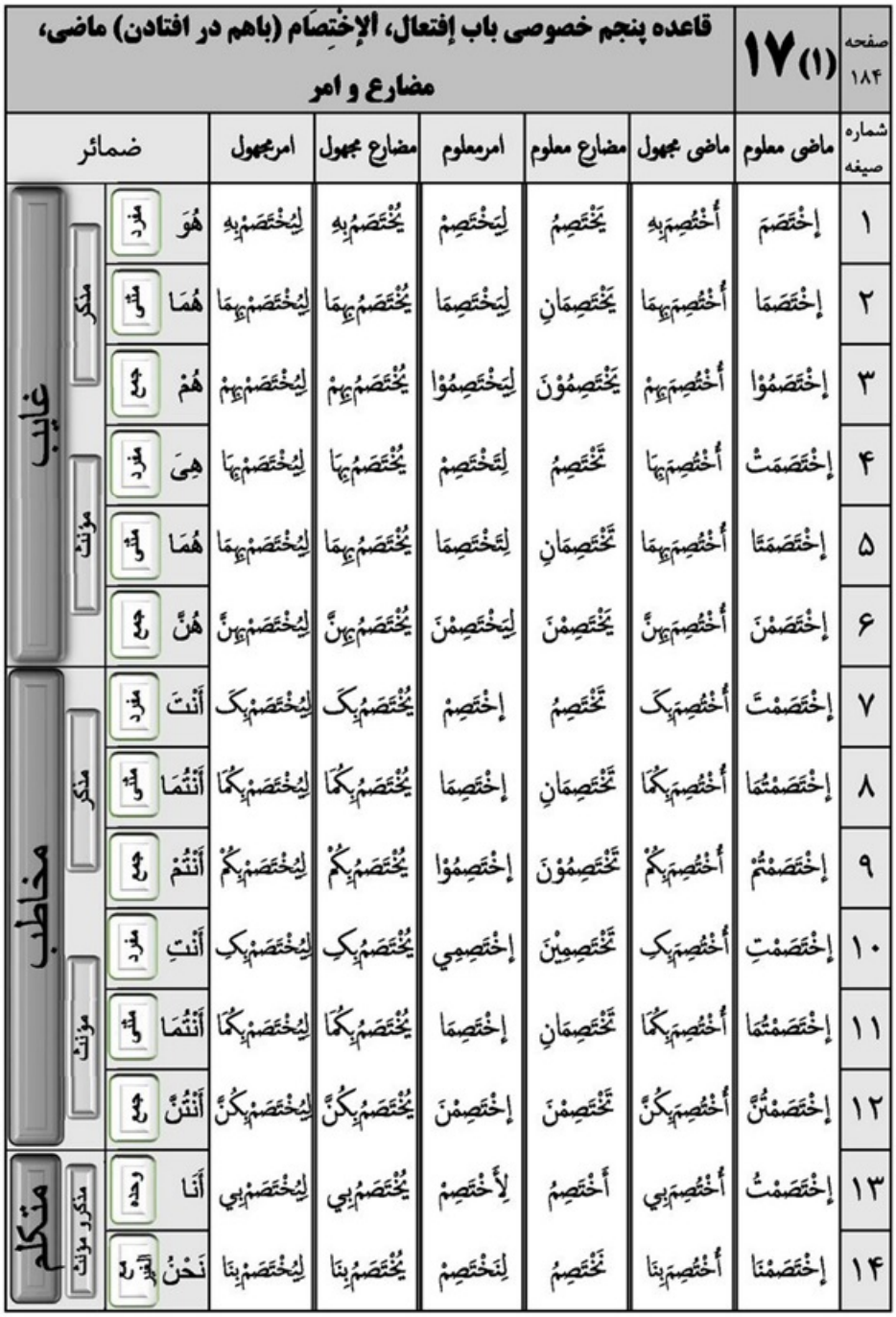

صفحه ۱۸۴	۱۷ (۱)	قاعده پنجم خصوصی باب إفتعال، الإختِصَام (باهم در افتادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إخْتَصَمَ	أُخْتُصِمَ بِهِ	يَخْتَصِمُ	لِيَخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِهِ	لِيُخْتَصَمْ بِهِ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	إخْتَصَمَا	أُخْتُصِمَ بِهِمَا	يَخْتَصِمَانِ	لِيَخْتَصِمَا	يُخْتَصَمُ بِهِمَا	لِيُخْتَصَمْ بِهِمَا	غایب مذکر مثنی	هُمَا
۳	إخْتَصَمُوْا	أُخْتُصِمَ بِهِمْ	يَخْتَصِمُوْنَ	لِيَخْتَصِمُوْا	يُخْتَصَمُ بِهِمْ	لِيُخْتَصَمْ بِهِمْ	غایب مذکر جمع	هُمْ
۴	إخْتَصَمَتْ	أُخْتُصِمَ بِهَا	تَخْتَصِمُ	لِتَخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِهَا	لِيُخْتَصَمْ بِهَا	غایب مؤنث مفرد	هِيَ
۵	إخْتَصَمَتَا	أُخْتُصِمَ بِهِمَا	تَخْتَصِمَانِ	لِتَخْتَصِمَا	يُخْتَصَمُ بِهِمَا	لِيُخْتَصَمْ بِهِمَا	غایب مؤنث مثنی	هُمَا
۶	إخْتَصَمْنَ	أُخْتُصِمَ بِهِنَّ	يَخْتَصِمْنَ	لِيَخْتَصِمْنَ	يُخْتَصَمُ بِهِنَّ	لِيُخْتَصَمْ بِهِنَّ	غایب مؤنث جمع	هُنَّ
۷	إخْتَصَمْتَ	أُخْتُصِمَ بِكَ	تَخْتَصِمُ	إخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِكَ	لِيُخْتَصَمْ بِكَ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	إخْتَصَمْتُمَا	أُخْتُصِمَ بِكُمَا	تَخْتَصِمَانِ	إخْتَصِمَا	يُخْتَصَمُ بِكُمَا	لِيُخْتَصَمْ بِكُمَا	مخاطب مذکر مثنی	أَنْتُمَا
۹	إخْتَصَمْتُمْ	أُخْتُصِمَ بِكُمْ	تَخْتَصِمُوْنَ	إخْتَصِمُوْا	يُخْتَصَمُ بِكُمْ	لِيُخْتَصَمْ بِكُمْ	مخاطب مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	إخْتَصَمْتِ	أُخْتُصِمَ بِكِ	تَخْتَصِمِيْنَ	إخْتَصِمِي	يُخْتَصَمُ بِكِ	لِيُخْتَصَمْ بِكِ	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	إخْتَصَمْتُمَا	أُخْتُصِمَ بِكُمَا	تَخْتَصِمَانِ	إخْتَصِمَا	يُخْتَصَمُ بِكُمَا	لِيُخْتَصَمْ بِكُمَا	مخاطب مؤنث مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	إخْتَصَمْتُنَّ	أُخْتُصِمَ بِكُنَّ	تَخْتَصِمْنَ	إخْتَصِمْنَ	يُخْتَصَمُ بِكُنَّ	لِيُخْتَصَمْ بِكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	إخْتَصَمْتُ	أُخْتُصِمَ بِي	أَخْتَصِمُ	لِأَخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِي	لِيُخْتَصَمْ بِي	متکلم مذکر و مؤنث وحده	أَنَا
۱۴	إخْتَصَمْنَا	أُخْتُصِمَ بِنَا	نَخْتَصِمُ	لِنَخْتَصِمْ	يُخْتَصَمُ بِنَا	لِيُخْتَصَمْ بِنَا	متکلم مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

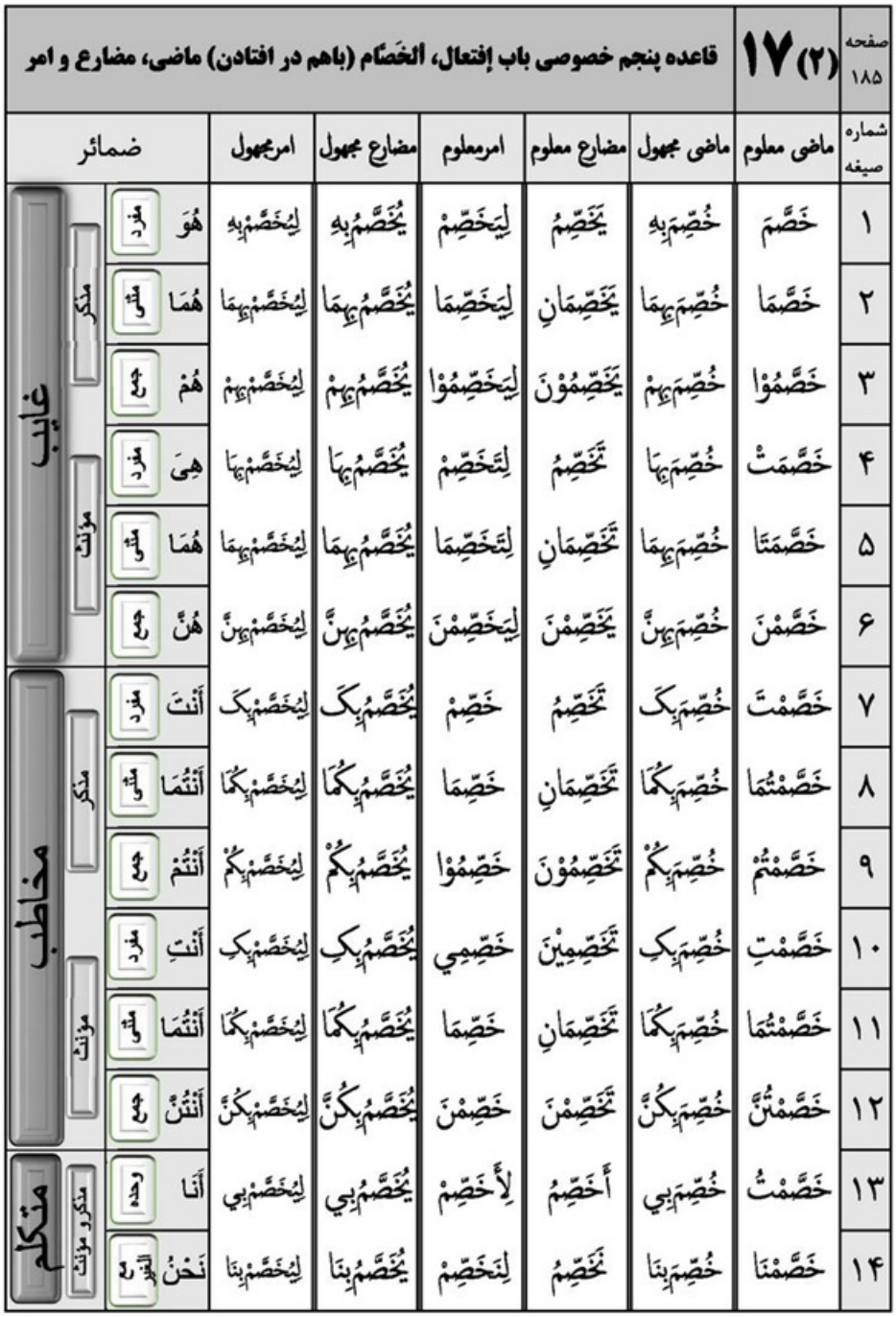

صفحه ۱۸۵	(۲) ۱۷ قاعده پنجم خصوصی باب إفتعال، اَلخَصّام (باهم در افتادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	خَصَّمَ	خُصِّمَ بِهِ	يَخَصِّمُ	لِيَخَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِهِ	لِيُخَصَّمْ بِهِ	غایب مذکر مفرد هُوَ
۲	خَصَّمَا	خُصِّمَ بِهِمَا	يَخَصِّمَانِ	لِيَخَصِّمَا	يُخَصَّمُ بِهِمَا	لِيُخَصَّمْ بِهِمَا	غایب مذکر مثنی هُمَا
۳	خَصَّمُوْا	خُصِّمَ بِهِمْ	يَخَصِّمُوْنَ	لِيَخَصِّمُوْا	يُخَصَّمُ بِهِمْ	لِيُخَصَّمْ بِهِمْ	غایب مذکر جمع هُمْ
۴	خَصَّمَتْ	خُصِّمَ بِهَا	تَخَصِّمُ	لِتَخَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِهَا	لِيُخَصَّمْ بِهَا	غایب مؤنث مفرد هِيَ
۵	خَصَّمَتَا	خُصِّمَ بِهِمَا	تَخَصِّمَانِ	لِتَخَصِّمَا	يُخَصَّمُ بِهِمَا	لِيُخَصَّمْ بِهِمَا	غایب مؤنث مثنی هُمَا
۶	خَصَّمْنَ	خُصِّمَ بِهِنَّ	يَخَصِّمْنَ	لِيَخَصِّمْنَ	يُخَصَّمُ بِهِنَّ	لِيُخَصَّمْ بِهِنَّ	غایب مؤنث جمع هُنَّ
۷	خَصَّمْتَ	خُصِّمَ بِكَ	تَخَصِّمُ	خَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِكَ	لِيُخَصَّمْ بِكَ	مخاطب مذکر مفرد أَنْتَ
۸	خَصَّمْتُمَا	خُصِّمَ بِكُمَا	تَخَصِّمَانِ	خَصِّمَا	يُخَصَّمُ بِكُمَا	لِيُخَصَّمْ بِكُمَا	مخاطب مذکر مثنی أَنْتُمَا
۹	خَصَّمْتُمْ	خُصِّمَ بِكُمْ	تَخَصِّمُوْنَ	خَصِّمُوْا	يُخَصَّمُ بِكُمْ	لِيُخَصَّمْ بِكُمْ	مخاطب مذکر جمع أَنْتُمْ
۱۰	خَصَّمْتِ	خُصِّمَ بِكِ	تَخَصِّمِيْنَ	خَصِّمِي	يُخَصَّمُ بِكِ	لِيُخَصَّمْ بِكِ	مخاطب مؤنث مفرد أَنْتِ
۱۱	خَصَّمْتُمَا	خُصِّمَ بِكُمَا	تَخَصِّمَانِ	خَصِّمَا	يُخَصَّمُ بِكُمَا	لِيُخَصَّمْ بِكُمَا	مخاطب مؤنث مثنی أَنْتُمَا
۱۲	خَصَّمْتُنَّ	خُصِّمَ بِكُنَّ	تَخَصِّمْنَ	خَصِّمْنَ	يُخَصَّمُ بِكُنَّ	لِيُخَصَّمْ بِكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع أَنْتُنَّ
۱۳	خَصَّمْتُ	خُصِّمَ بِي	أَخَصِّمُ	لِأَخَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِي	لِيُخَصَّمْ بِي	متکلم مذکر و مؤنث واحد أَنَا
۱۴	خَصَّمْنَا	خُصِّمَ بِنَا	نَخَصِّمُ	لِنَخَصِّمْ	يُخَصَّمُ بِنَا	لِيُخَصَّمْ بِنَا	متکلم مذکر و مؤنث غیر واحد نَحْنُ

تصویر

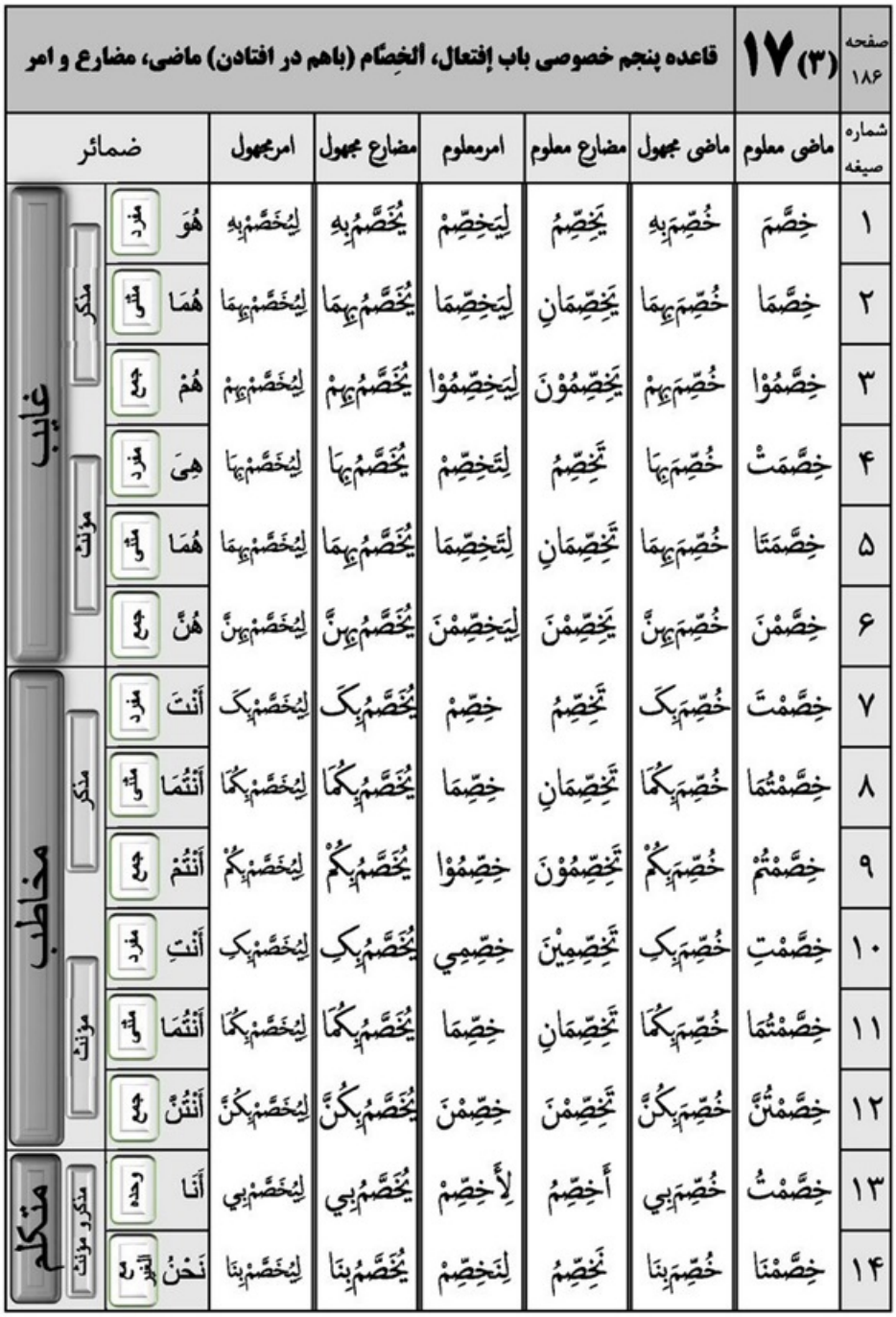

صفحه ۱۸۶	(۳) ۱۷ قاعده پنجم خصوصی باب إفتعال، اَلخِصَّام (باهم در افتادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	خِصَّمَ	خُصِّمَ بِهِ	يَخِصِّمُ	لِيَخِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِهِ	لِيُخَصَّمْ بِهِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	خِصَّمَا	خُصِّمَ بِهِمَا	يَخِصِّمَانِ	لِيَخِصِّمَا	يُخَصَّمُ بِهِمَا	لِيُخَصَّمْ بِهِمَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	خِصَّمُوْا	خُصِّمَ بِهِمْ	يَخِصِّمُوْنَ	لِيَخِصِّمُوْا	يُخَصَّمُ بِهِمْ	لِيُخَصَّمْ بِهِمْ	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	خِصَّمَتْ	خُصِّمَ بِهَا	تَخِصِّمُ	لِتَخِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِهَا	لِيُخَصَّمْ بِهَا	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	خِصَّمَتَا	خُصِّمَ بِهِمَا	تَخِصِّمَانِ	لِتَخِصِّمَا	يُخَصَّمُ بِهِمَا	لِيُخَصَّمْ بِهِمَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	خِصَّمْنَ	خُصِّمَ بِهِنَّ	يَخِصِّمْنَ	لِيَخِصِّمْنَ	يُخَصَّمُ بِهِنَّ	لِيُخَصَّمْ بِهِنَّ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	خِصَّمْتَ	خُصِّمَ بِكَ	تَخِصِّمُ	خِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِكَ	لِيُخَصَّمْ بِكَ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	خِصَّمْتُمَا	خُصِّمَ بِكُمَا	تَخِصِّمَانِ	خِصِّمَا	يُخَصَّمُ بِكُمَا	لِيُخَصَّمْ بِكُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	خِصَّمْتُمْ	خُصِّمَ بِكُمْ	تَخِصِّمُوْنَ	خِصِّمُوْا	يُخَصَّمُ بِكُمْ	لِيُخَصَّمْ بِكُمْ	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	خِصَّمْتِ	خُصِّمَ بِكِ	تَخِصِّمِيْنَ	خِصِّمِي	يُخَصَّمُ بِكِ	لِيُخَصَّمْ بِكِ	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	خِصَّمْتُمَا	خُصِّمَ بِكُمَا	تَخِصِّمَانِ	خِصِّمَا	يُخَصَّمُ بِكُمَا	لِيُخَصَّمْ بِكُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	خِصَّمْتُنَّ	خُصِّمَ بِكُنَّ	تَخِصِّمْنَ	خِصِّمْنَ	يُخَصَّمُ بِكُنَّ	لِيُخَصَّمْ بِكُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	خِصَّمْتُ	خُصِّمَ بِي	أَخِصِّمُ	لِأَخِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِي	لِيُخَصَّمْ بِي	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	خِصَّمْنَا	خُصِّمَ بِنَا	نَخِصِّمُ	لِنَخِصِّمْ	يُخَصَّمُ بِنَا	لِيُخَصَّمْ بِنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

باب إنفعال

تصویر

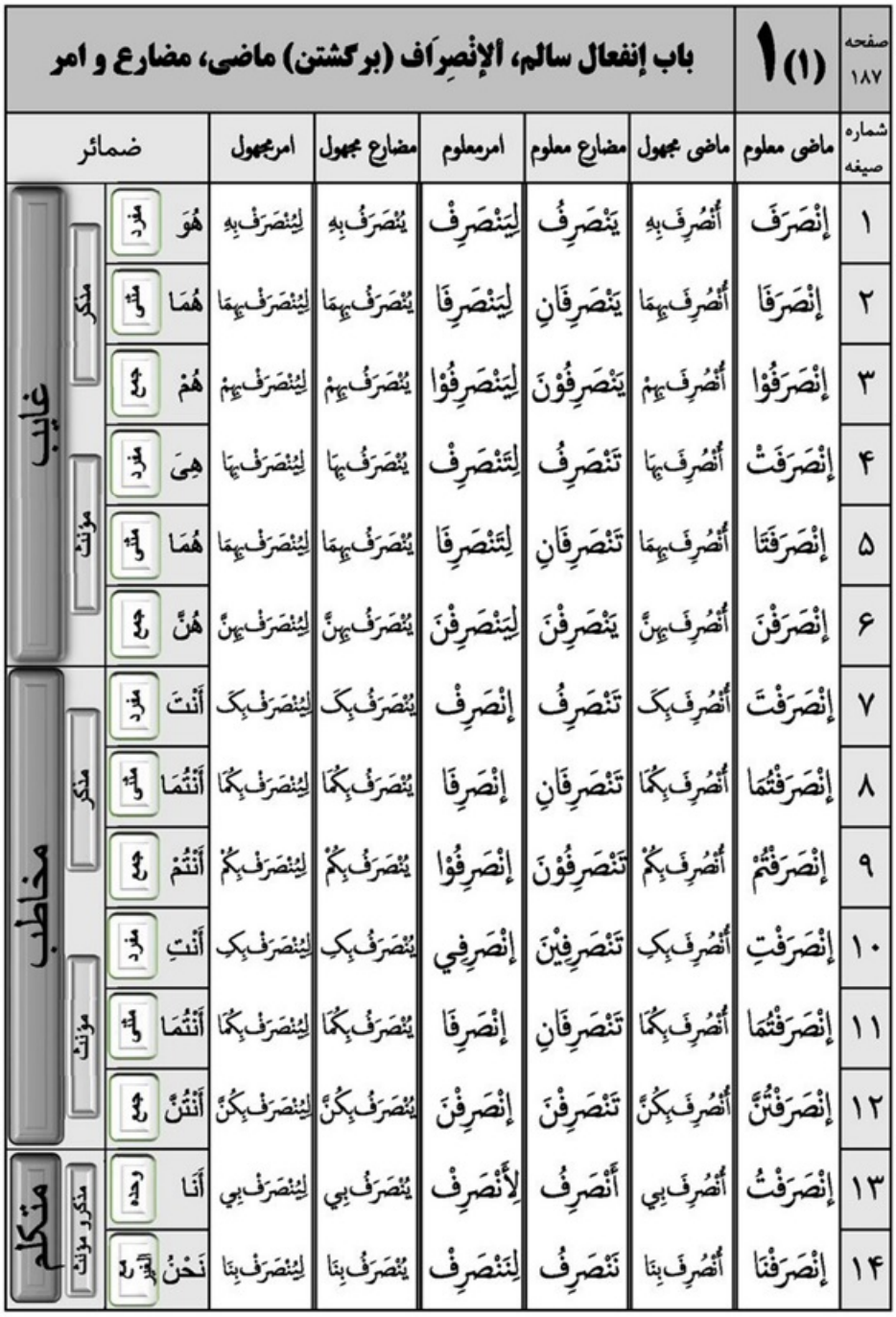

صفحه ۱۸۷	(۱) ۱ باب إنفعال سالم، اَلإنْصِرَاف (برگشتن) ماضی، مضارع و امر							
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إنْصَرَفَ	أُنْصُرِفَ بِهِ	يَنْصَرِفُ	لِيَنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِهِ	لِيُنْصَرَفْ بِهِ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	إنْصَرَفَا	أُنْصُرِفَ بِهِمَا	يَنْصَرِفَانِ	لِيَنْصَرِفَا	يُنْصَرَفُ بِهِمَا	لِيُنْصَرَفْ بِهِمَا	غایب مذکر مثنی	هُمَا
۳	إنْصَرَفُوْا	أُنْصُرِفَ بِهِمْ	يَنْصَرِفُوْنَ	لِيَنْصَرِفُوْا	يُنْصَرَفُ بِهِمْ	لِيُنْصَرَفْ بِهِمْ	غایب مذکر جمع	هُمْ
۴	إنْصَرَفَتْ	أُنْصُرِفَ بِهَا	تَنْصَرِفُ	لِتَنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِهَا	لِيُنْصَرَفْ بِهَا	غایب مؤنث مفرد	هِيَ
۵	إنْصَرَفَتَا	أُنْصُرِفَ بِهِمَا	تَنْصَرِفَانِ	لِتَنْصَرِفَا	يُنْصَرَفُ بِهِمَا	لِيُنْصَرَفْ بِهِمَا	غایب مؤنث مثنی	هُمَا
۶	إنْصَرَفْنَ	أُنْصُرِفَ بِهِنَّ	يَنْصَرِفْنَ	لِيَنْصَرِفْنَ	يُنْصَرَفُ بِهِنَّ	لِيُنْصَرَفْ بِهِنَّ	غایب مؤنث جمع	هُنَّ
۷	إنْصَرَفْتَ	أُنْصُرِفَ بِكَ	تَنْصَرِفُ	إنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِكَ	لِيُنْصَرَفْ بِكَ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	إنْصَرَفْتُمَا	أُنْصُرِفَ بِكُمَا	تَنْصَرِفَانِ	إنْصَرِفَا	يُنْصَرَفُ بِكُمَا	لِيُنْصَرَفْ بِكُمَا	مخاطب مذکر مثنی	أَنْتُمَا
۹	إنْصَرَفْتُمْ	أُنْصُرِفَ بِكُمْ	تَنْصَرِفُوْنَ	إنْصَرِفُوْا	يُنْصَرَفُ بِكُمْ	لِيُنْصَرَفْ بِكُمْ	مخاطب مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	إنْصَرَفْتِ	أُنْصُرِفَ بِكِ	تَنْصَرِفِيْنَ	إنْصَرِفِي	يُنْصَرَفُ بِكِ	لِيُنْصَرَفْ بِكِ	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	إنْصَرَفْتُمَا	أُنْصُرِفَ بِكُمَا	تَنْصَرِفَانِ	إنْصَرِفَا	يُنْصَرَفُ بِكُمَا	لِيُنْصَرَفْ بِكُمَا	مخاطب مؤنث مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	إنْصَرَفْتُنَّ	أُنْصُرِفَ بِكُنَّ	تَنْصَرِفْنَ	إنْصَرِفْنَ	يُنْصَرَفُ بِكُنَّ	لِيُنْصَرَفْ بِكُنَّ	مخاطب مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	إنْصَرَفْتُ	أُنْصُرِفَ بِي	أَنْصَرِفُ	لِأَنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِي	لِيُنْصَرَفْ بِي	متکلم مذکر و مؤنث وحده	أَنَا
۱۴	إنْصَرَفْنَا	أُنْصُرِفَ بِنَا	نَنْصَرِفُ	لِنَنْصَرِفْ	يُنْصَرَفُ بِنَا	لِيُنْصَرَفْ بِنَا	متکلم مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۸۸	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْصَرَفَ	لا يَنْصَرِفُ	اَنْ يَنْصَرِفَ	لا يَنْصَرِفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما إنْصَرَفَا	لا يَنْصَرِفَانِ	اَنْ يَنْصَرِفَا	لا يَنْصَرِفَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما إنْصَرَفُوْا	لا يَنْصَرِفُوْنَ	اَنْ يَنْصَرِفُوْا	لا يَنْصَرِفُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما إنْصَرَفَتْ	لا تَنْصَرِفُ	اَنْ تَنْصَرِفَ	لا تَنْصَرِفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما إنْصَرَفَتَا	لا تَنْصَرِفَانِ	اَنْ تَنْصَرِفَا	لا تَنْصَرِفَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما إنْصَرَفْنَ	لا يَنْصَرِفْنَ	اَنْ يَنْصَرِفْنَ	لا يَنْصَرِفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما إنْصَرَفْتَ	لا تَنْصَرِفُ	اَنْ تَنْصَرِفَ	لا تَنْصَرِفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما إنْصَرَفْتُمَا	لا تَنْصَرِفَانِ	اَنْ تَنْصَرِفَا	لا تَنْصَرِفَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما إنْصَرَفْتُمْ	لا تَنْصَرِفُوْنَ	اَنْ تَنْصَرِفُوْا	لا تَنْصَرِفُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْصَرَفْتِ	لا تَنْصَرِفِيْنَ	اَنْ تَنْصَرِفِي	لا تَنْصَرِفِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما إنْصَرَفْتُمَا	لا تَنْصَرِفَانِ	اَنْ تَنْصَرِفَا	لا تَنْصَرِفَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْصَرَفْتُنَّ	لا تَنْصَرِفْنَ	اَنْ تَنْصَرِفْنَ	لا تَنْصَرِفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْصَرَفْتُ	لا أَنْصَرِفُ	اَنْ أَنْصَرِفَ	لا أَنْصَرِفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	ما إنْصَرَفْنَا	لا نَنْصَرِفُ	اَنْ نَنْصَرِفَ	لا نَنْصَرِفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۸۹	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِ	لِيَنْصَرِفَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَنْصَرِفَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَنْصَرِفُنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِمْ	لِيَنْصَرِفُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهَا	لِتَنْصَرِفَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَنْصَرِفَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَنْصَرِفْنَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكَ	إِنْصَرِفَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِنْصَرِفَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِنْصَرِفُنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكُمْ	إِنْصَرِفُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِنْصَرِفِنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكِ	إِنْصَرِفِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِنْصَرِفَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِنْصَرِفْنَانِّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِي	لِأَنْصَرِفَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَنْصَرِفَنَّ	لِيُنْصَرَفَنَّ بِنَا	لِنَنْصَرِفَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۹۰	۲ (۱)	باب إنفعال مضاعف، الإنْضِمَام (جمع شدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر	
۱	إنْضَمَّ	أُنْضُمَّ بِهِ	يَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِهِ	اَنْ يَنْضَمَّ	هُوَ	غایب مذکر مفرد
۲	إنْضَمَّا	أُنْضُمَّ بِهِمَا	يَنْضَمَّانِ	يُنْضَمُّ بِهِمَا	اَنْ يَنْضَمَّا	هُمَا	غایب مذکر مثنی
۳	إنْضَمُّوْا	أُنْضُمَّ بِهِمْ	يَنْضَمُّوْنَ	يُنْضَمُّ بِهِمْ	اَنْ يَنْضَمُّوْا	هُمْ	غایب مذکر جمع
۴	إنْضَمَّتْ	أُنْضُمَّ بِهَا	تَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِهَا	اَنْ تَنْضَمَّ	هِيَ	غایب مؤنث مفرد
۵	إنْضَمَّتَا	أُنْضُمَّ بِهِمَا	تَنْضَمَّانِ	يُنْضَمُّ بِهِمَا	اَنْ تَنْضَمَّا	هُمَا	غایب مؤنث مثنی
۶	إنْضَمَمْنَ	أُنْضُمَّ بِهِنَّ	يَنْضَمِمْنَ	يُنْضَمُّ بِهِنَّ	اَنْ يَنْضَمِمْنَ	هُنَّ	غایب مؤنث جمع
۷	إنْضَمَمْتَ	أُنْضُمَّ بِكَ	تَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِكَ	اَنْ تَنْضَمَّ	أَنْتَ	مخاطب مذکر مفرد
۸	إنْضَمَمْتُمَا	أُنْضُمَّ بِكُمَا	تَنْضَمَّانِ	يُنْضَمُّ بِكُمَا	اَنْ تَنْضَمَّا	أَنْتُمَا	مخاطب مذکر مثنی
۹	إنْضَمَمْتُمْ	أُنْضُمَّ بِكُمْ	تَنْضَمُّوْنَ	يُنْضَمُّ بِكُمْ	اَنْ تَنْضَمُّوْا	أَنْتُمْ	مخاطب مذکر جمع
۱۰	إنْضَمَمْتِ	أُنْضُمَّ بِكِ	تَنْضَمِّيْنَ	يُنْضَمُّ بِكِ	اَنْ تَنْضَمِّي	أَنْتِ	مخاطب مؤنث مفرد
۱۱	إنْضَمَمْتُمَا	أُنْضُمَّ بِكُمَا	تَنْضَمَّانِ	يُنْضَمُّ بِكُمَا	اَنْ تَنْضَمَّا	أَنْتُمَا	مخاطب مؤنث مثنی
۱۲	إنْضَمَمْتُنَّ	أُنْضُمَّ بِكُنَّ	تَنْضَمِمْنَ	يُنْضَمُّ بِكُنَّ	اَنْ تَنْضَمِمْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب مؤنث جمع
۱۳	إنْضَمَمْتُ	أُنْضُمَّ بِي	أَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِي	اَنْ أَنْضَمَّ	أَنَا	متکلم مذکر و مؤنث واحد
۱۴	إنْضَمَمْنَا	أُنْضُمَّ بِنَا	نَنْضَمُّ	يُنْضَمُّ بِنَا	اَنْ نَنْضَمَّ	نَحْنُ	متکلم مذکر و مؤنث جمع

تصویر

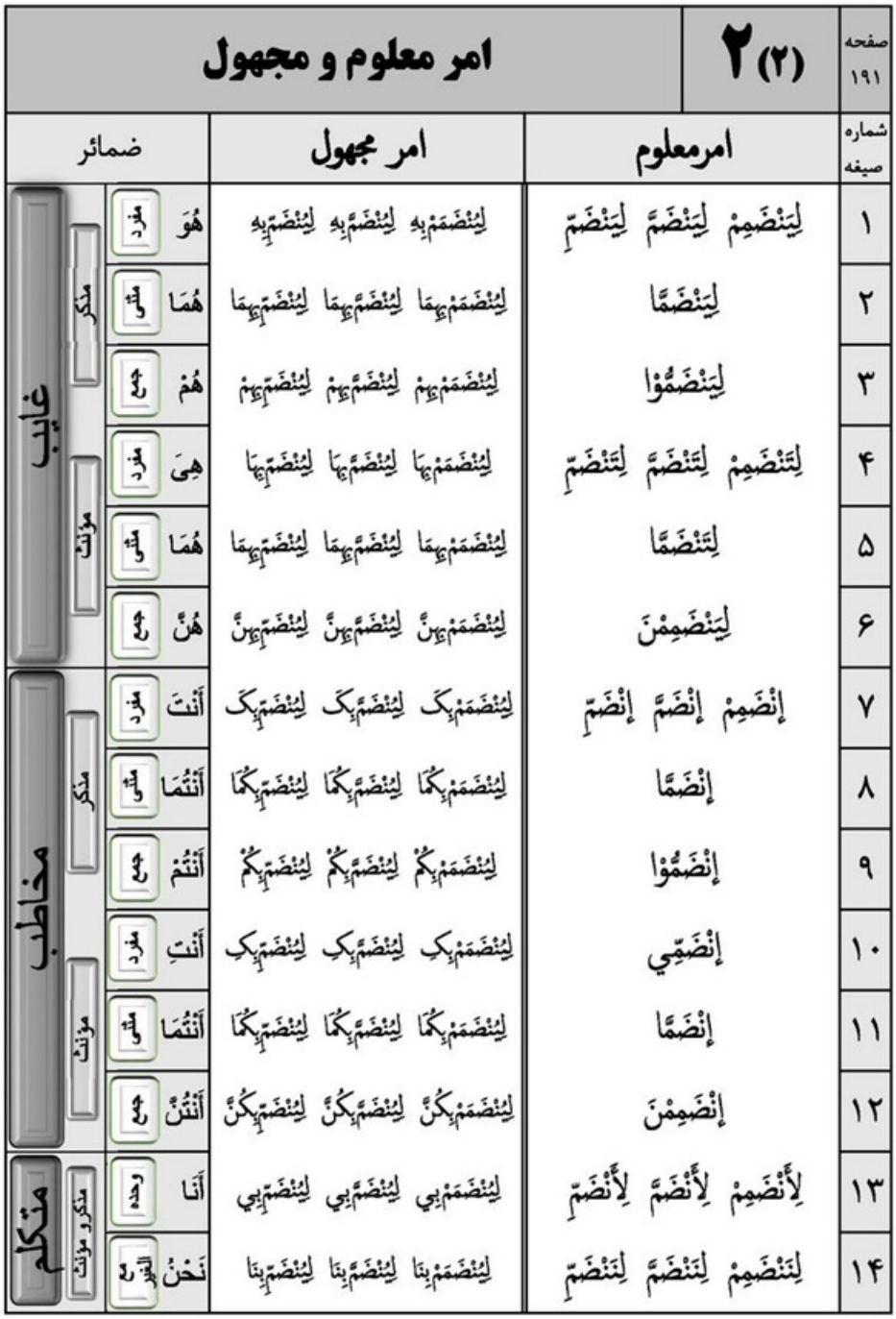

صفحه ۱۹۱	۲ (۲) امر معلوم و مجهول		
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	لِيَنْضَمِمْ لِيَنْضَمَّ لِيَنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِهِ لِيُنْضَمَّ بِهِ لِيُنْضَمَّ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْضَمَّا	لِيُنْضَمَمْ بِهِمَا لِيُنْضَمَّ بِهِمَا لِيُنْضَمَّ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْضَمُّوْا	لِيُنْضَمَمْ بِهِمْ لِيُنْضَمَّ بِهِمْ لِيُنْضَمَّ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْضَمِمْ لِتَنْضَمَّ لِتَنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِهَا لِيُنْضَمَّ بِهَا لِيُنْضَمَّ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْضَمَّا	لِيُنْضَمَمْ بِهِمَا لِيُنْضَمَّ بِهِمَا لِيُنْضَمَّ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْضَمِمْنَ	لِيُنْضَمَمْ بِهِنَّ لِيُنْضَمَّ بِهِنَّ لِيُنْضَمَّ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْضَمِمْ إِنْضَمَّ إِنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِكَ لِيُنْضَمَّ بِكَ لِيُنْضَمَّ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْضَمَّا	لِيُنْضَمَمْ بِكُمَا لِيُنْضَمَّ بِكُمَا لِيُنْضَمَّ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْضَمُّوْا	لِيُنْضَمَمْ بِكُمْ لِيُنْضَمَّ بِكُمْ لِيُنْضَمَّ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْضَمِّي	لِيُنْضَمَمْ بِكِ لِيُنْضَمَّ بِكِ لِيُنْضَمَّ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْضَمَّا	لِيُنْضَمَمْ بِكُمَا لِيُنْضَمَّ بِكُمَا لِيُنْضَمَّ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْضَمِمْنَ	لِيُنْضَمَمْ بِكُنَّ لِيُنْضَمَّ بِكُنَّ لِيُنْضَمَّ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْضَمِمْ لِأَنْضَمَّ لِأَنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِي لِيُنْضَمَّ بِي لِيُنْضَمَّ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْضَمِمْ لِنَنْضَمَّ لِنَنْضَمِّ	لِيُنْضَمَمْ بِنَا لِيُنْضَمَّ بِنَا لِيُنْضَمَّ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۹۲	۲ (۳) مضارع مجهول			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَنْضَمِمْ لَمْ يَنْضَمَّ لَمْ يَنْضَمَّ	لا يَنْضَمِمْ لا يَنْضَمَّ لا يَنْضَمَّ	غایب — مذکر — مفرد	هُوَ
۲	لَمْ يَنْضَمَّا	لا يَنْضَمَّا	غایب — مذکر — مثنی	هُمَا
۳	لَمْ يَنْضَمُّوْا	لا يَنْضَمُّوْا	غایب — مذکر — جمع	هُمْ
۴	لَمْ تَنْضَمِمْ لَمْ تَنْضَمَّ لَمْ تَنْضَمَّ	لا تَنْضَمِمْ لا تَنْضَمَّ لا تَنْضَمَّ	غایب — مؤنث — مفرد	هِيَ
۵	لَمْ تَنْضَمَّا	لا تَنْضَمَّا	غایب — مؤنث — مثنی	هُمَا
۶	لَمْ يَنْضَمِمْنَ	لا يَنْضَمِمْنَ	غایب — مؤنث — جمع	هُنَّ
۷	لَمْ تَنْضَمِمْ لَمْ تَنْضَمَّ لَمْ تَنْضَمَّ	لا تَنْضَمِمْ لا تَنْضَمَّ لا تَنْضَمَّ	مخاطب — مذکر — مفرد	أَنْتَ
۸	لَمْ تَنْضَمَّا	لا تَنْضَمَّا	مخاطب — مذکر — مثنی	أَنْتُمَا
۹	لَمْ تَنْضَمُّوْا	لا تَنْضَمُّوْا	مخاطب — مذکر — جمع	أَنْتُمْ
۱۰	لَمْ تَنْضَمِّي	لا تَنْضَمِّي	مخاطب — مؤنث — مفرد	أَنْتِ
۱۱	لَمْ تَنْضَمَّا	لا تَنْضَمَّا	مخاطب — مؤنث — مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	لَمْ تَنْضَمِمْنَ	لا تَنْضَمِمْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لَمْ أَنْضَمِمْ لَمْ أَنْضَمَّ لَمْ أَنْضَمَّ	لا أَنْضَمِمْ لا أَنْضَمَّ لا أَنْضَمَّ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده	أَنَا
۱۴	لَمْ نَنْضَمِمْ لَمْ نَنْضَمَّ لَمْ نَنْضَمَّ	لا نَنْضَمِمْ لا نَنْضَمَّ لا نَنْضَمَّ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر	نَحْنُ

ص: ۱۹۲

تصویر



صفحه ۱۹۳	نون تأکید ۲ (۴)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِ	لِيَنْضَمَّنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَنْضَمَّانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَنْضَمُّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِمْ	لِيَنْضَمُّنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهَا	لِتَنْضَمَّنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَنْضَمَّانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَنْضَمِمْنَانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكَ	إِنْضَمَّنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِنْضَمَّانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِنْضَمُّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكُمْ	إِنْضَمُّنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِنْضَمِّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكِ	إِنْضَمِّنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِنْضَمَّانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِنْضَمِمْنَانِّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِي	لِأَنْضَمَّنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَنْضَمَّنَّ	لِيُنْضَمَّنَّ بِنَا	لِنَنْضَمَّنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

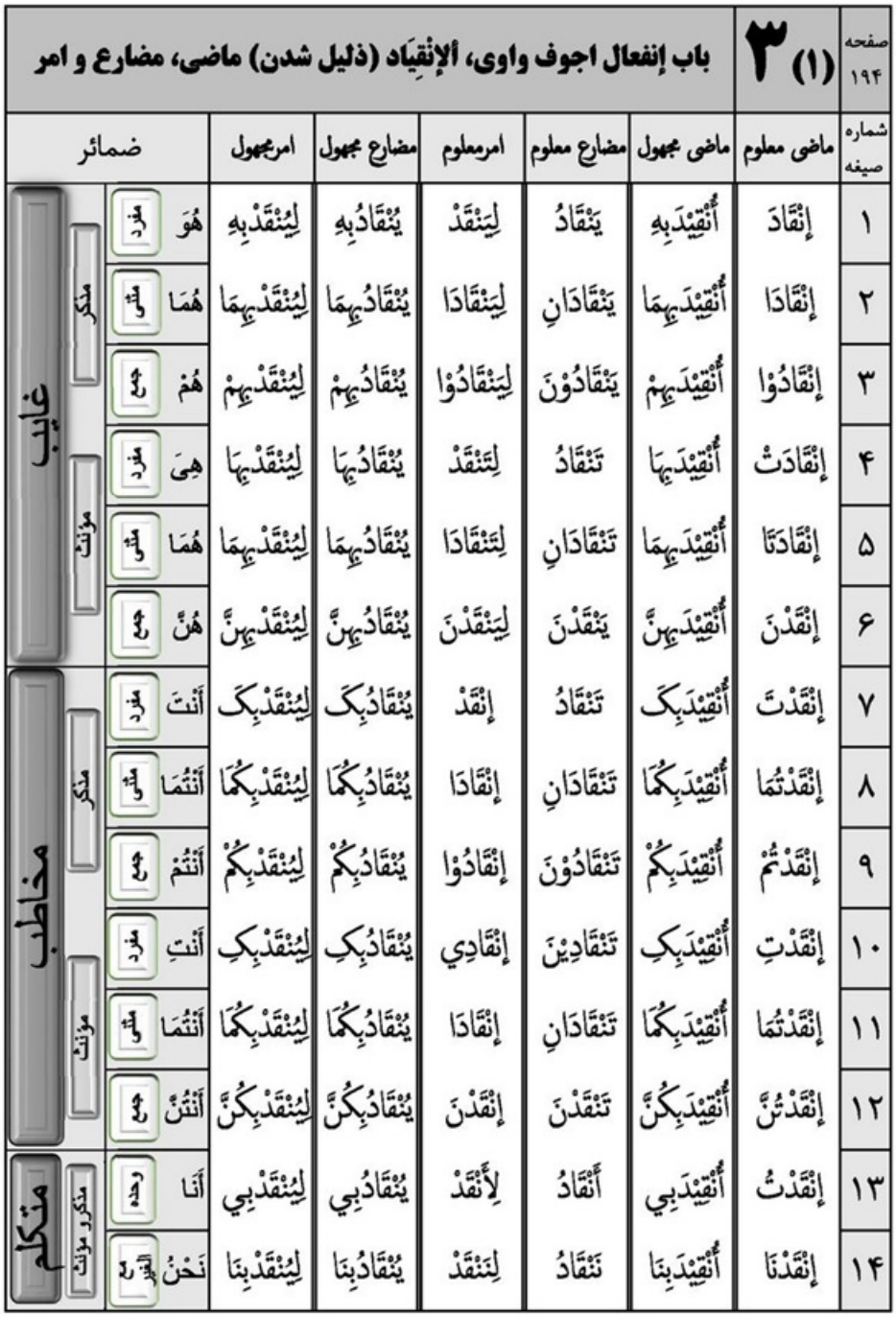

صفحه ۱۹۴	(۱) ۳ باب إنفعال اجوف واوی، ألإنْقِيَاد (ذلیل شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْقَادَ	أُنْقِيْدَ بِهِ	يَنْقَادُ	لِيَنْقَدْ	يُنْقَادُ بِهِ	لِيُنْقَدْ بِهِ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	إنْقَادَا	أُنْقِيْدَ بِهِمَا	يَنْقَادَانِ	لِيَنْقَادَا	يُنْقَادُ بِهِمَا	لِيُنْقَدْ بِهِمَا	غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	إنْقَادُوْا	أُنْقِيْدَ بِهِمْ	يَنْقَادُوْنَ	لِيَنْقَادُوْا	يُنْقَادُ بِهِمْ	لِيُنْقَدْ بِهِمْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	إنْقَادَتْ	أُنْقِيْدَ بِهَا	تَنْقَادُ	لِتَنْقَدْ	يُنْقَادُ بِهَا	لِيُنْقَدْ بِهَا	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	إنْقَادَتَا	أُنْقِيْدَ بِهِمَا	تَنْقَادَانِ	لِتَنْقَادَا	يُنْقَادُ بِهِمَا	لِيُنْقَدْ بِهِمَا	غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	إنْقَدْنَ	أُنْقِيْدَ بِهِنَّ	يَنْقَدْنَ	لِيَنْقَدْنَ	يُنْقَادُ بِهِنَّ	لِيُنْقَدْ بِهِنَّ	غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	إنْقَدْتَ	أُنْقِيْدَ بِكَ	تَنْقَادُ	إنْقَدْ	يُنْقَادُ بِكَ	لِيُنْقَدْ بِكَ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	إنْقَدْتُمَا	أُنْقِيْدَ بِكُمَا	تَنْقَادَانِ	إنْقَادَا	يُنْقَادُ بِكُمَا	لِيُنْقَدْ بِكُمَا	مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	إنْقَدْتُمْ	أُنْقِيْدَ بِكُمْ	تَنْقَادُوْنَ	إنْقَادُوْا	يُنْقَادُ بِكُمْ	لِيُنْقَدْ بِكُمْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	إنْقَدْتِ	أُنْقِيْدَ بِكِ	تَنْقَادِيْنَ	إنْقَادِي	يُنْقَادُ بِكِ	لِيُنْقَدْ بِكِ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	إنْقَدْتُمَا	أُنْقِيْدَ بِكُمَا	تَنْقَادَانِ	إنْقَادَا	يُنْقَادُ بِكُمَا	لِيُنْقَدْ بِكُمَا	مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	إنْقَدْتُنَّ	أُنْقِيْدَ بِكُنَّ	تَنْقَدْنَ	إنْقَدْنَ	يُنْقَادُ بِكُنَّ	لِيُنْقَدْ بِكُنَّ	مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	إنْقَدْتُ	أُنْقِيْدَ بِي	أَنْقَادُ	لِأَنْقَدْ	يُنْقَادُ بِي	لِيُنْقَدْ بِي	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	إنْقَدْنَا	أُنْقِيْدَ بِنَا	نَنْقَادُ	لِنَنْقَدْ	يُنْقَادُ بِنَا	لِيُنْقَدْ بِنَا	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

تصویر



صفحه ۱۹۵	۳ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أن	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما إنْقَادَ	لا يَنْقَادُ	أنْ يَنْقَادَ	لا يَنْقَدْ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما إنْقَادَا	لا يَنْقَادَانِ	أنْ يَنْقَادَا	لا يَنْقَادَا			مثنی	هُمَا
۳	ما إنْقَادُوْا	لا يَنْقَادُوْنَ	أنْ يَنْقَادُوْا	لا يَنْقَادُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما إنْقَادَتْ	لا تَنْقَادُ	أنْ تَنْقَادَ	لا تَنْقَدْ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما إنْقَادَتَا	لا تَنْقَادَانِ	أنْ تَنْقَادَا	لا تَنْقَادَا			مثنی	هُمَا
۶	ما إنْقَدْنَ	لا يَنْقَدْنَ	أنْ يَنْقَدْنَ	لا يَنْقَدْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما إنْقَدْتَ	لا تَنْقَادُ	أنْ تَنْقَادَ	لا تَنْقَدْ	مخاطب	مذکر	مفرد	أنْتَ
۸	ما إنْقَدْتُمَا	لا تَنْقَادَانِ	أنْ تَنْقَادَا	لا تَنْقَادَا			مثنی	أنْتُمَا
۹	ما إنْقَدْتُمْ	لا تَنْقَادُوْنَ	أنْ تَنْقَادُوْا	لا تَنْقَادُوْا			جمع	أنْتُمْ
۱۰	ما إنْقَدْتِ	لا تَنْقَادِيْنَ	أنْ تَنْقَادِي	لا تَنْقَادِي		مؤنث	مفرد	أنْتِ
۱۱	ما إنْقَدْتُمَا	لا تَنْقَادَانِ	أنْ تَنْقَادَا	لا تَنْقَادَا			مثنی	أنْتُمَا
۱۲	ما إنْقَدْتُنَّ	لا تَنْقَدْنَ	أنْ تَنْقَدْنَ	لا تَنْقَدْنَ			جمع	أنْتُنَّ
۱۳	ما إنْقَدْتُ	لا أَنْقَادُ	أنْ أَنْقَادَ	لا أَنْقَدْ	متکلم	مذکر و مؤنث	واحد	أنَا
۱۴	ما إنْقَدْنَا	لا نَنْقَادُ	أنْ نَنْقَادَ	لا نَنْقَدْ			جمع	نَحْنُ

ص: ۱۹۵

تصویر

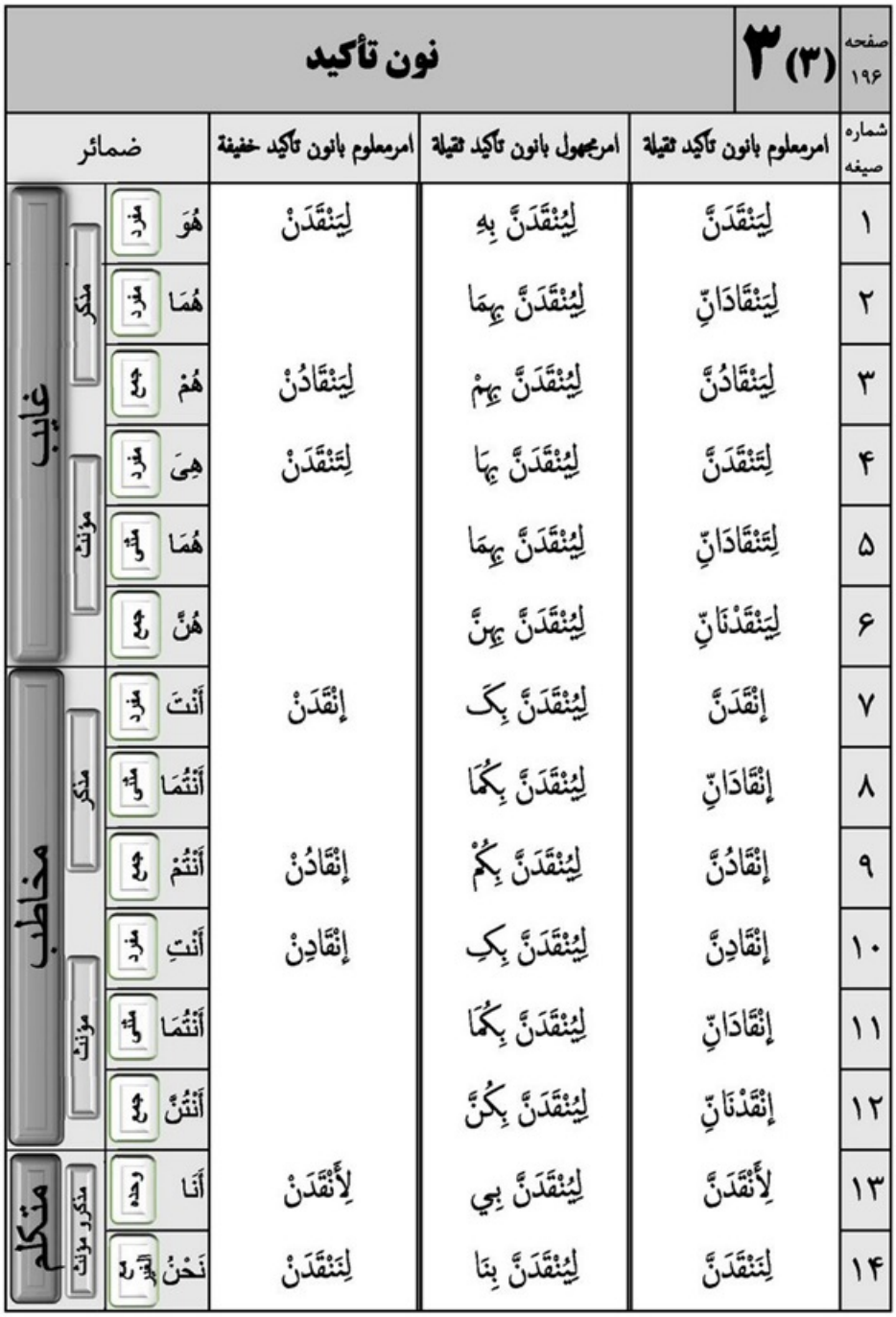

صفحه ۱۹۶	نون تأکید (۳) ۳			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِ	لِيَنْقَدَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْقَادَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْقَادُنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِمْ	لِيَنْقَادُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهَا	لِتَنْقَدَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْقَادَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْقَدْنَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكَ	إِنْقَدَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْقَادَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْقَادُنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكُمْ	إِنْقَادُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْقَادِنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكِ	إِنْقَادِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْقَادَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْقَدْنَانِّ	لِيُنْقَدَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِي	لِأَنْقَدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْقَدَنَّ	لِيُنْقَدَنَّ بِنَا	لِنَنْقَدَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

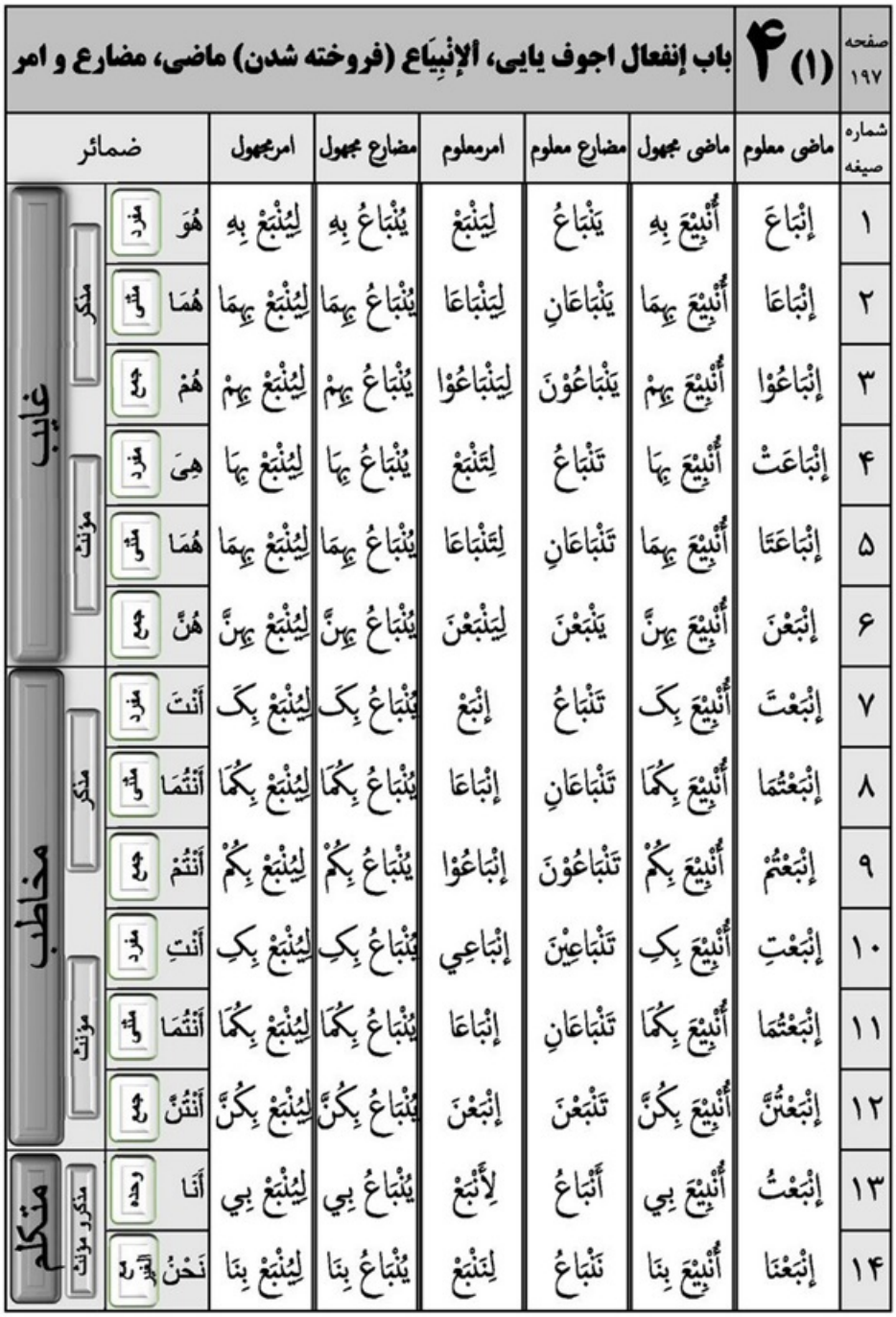

صفحه ۱۹۷	(۱) ۴ باب إنفعال اجوف يايى، اَلإنْبِيَاع (فروخته شدن) ماضى، مضارع و امر						
شماره صيغه	ماضى معلوم	ماضى مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْبَاعَ	أُنْبِيْعَ بِهِ	يَنْبَاعُ	لِيَنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِهِ	لِيُنْبَعْ بِهِ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	إنْبَاعَا	أُنْبِيْعَ بِهِمَا	يَنْبَاعَانِ	لِيَنْبَاعَا	يُنْبَاعُ بِهِمَا	لِيُنْبَعْ بِهِمَا	غايب — مذكر — مثنى — هُمَا
۳	إنْبَاعُوْا	أُنْبِيْعَ بِهِمْ	يَنْبَاعُوْنَ	لِيَنْبَاعُوْا	يُنْبَاعُ بِهِمْ	لِيُنْبَعْ بِهِمْ	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	إنْبَاعَتْ	أُنْبِيْعَ بِهَا	تَنْبَاعُ	لِتَنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِهَا	لِيُنْبَعْ بِهَا	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إنْبَاعَتَا	أُنْبِيْعَ بِهِمَا	تَنْبَاعَانِ	لِتَنْبَاعَا	يُنْبَاعُ بِهِمَا	لِيُنْبَعْ بِهِمَا	غايب — مؤنث — مثنى — هُمَا
۶	إنْبَعْنَ	أُنْبِيْعَ بِهِنَّ	يَنْبَعْنَ	لِيَنْبَعْنَ	يُنْبَاعُ بِهِنَّ	لِيُنْبَعْ بِهِنَّ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إنْبَعْتَ	أُنْبِيْعَ بِكَ	تَنْبَاعُ	إنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِكَ	لِيُنْبَعْ بِكَ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	إنْبَعْتُمَا	أُنْبِيْعَ بِكُمَا	تَنْبَاعَانِ	إنْبَاعَا	يُنْبَاعُ بِكُمَا	لِيُنْبَعْ بِكُمَا	مخاطب — مذكر — مثنى — أَنْتُمَا
۹	إنْبَعْتُمْ	أُنْبِيْعَ بِكُمْ	تَنْبَاعُوْنَ	إنْبَاعُوْا	يُنْبَاعُ بِكُمْ	لِيُنْبَعْ بِكُمْ	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إنْبَعْتِ	أُنْبِيْعَ بِكِ	تَنْبَاعِيْنَ	إنْبَاعِي	يُنْبَاعُ بِكِ	لِيُنْبَعْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إنْبَعْتُمَا	أُنْبِيْعَ بِكُمَا	تَنْبَاعَانِ	إنْبَاعَا	يُنْبَاعُ بِكُمَا	لِيُنْبَعْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنى — أَنْتُمَا
۱۲	إنْبَعْتُنَّ	أُنْبِيْعَ بِكُنَّ	تَنْبَعْنَ	إنْبَعْنَ	يُنْبَاعُ بِكُنَّ	لِيُنْبَعْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إنْبَعْتُ	أُنْبِيْعَ بِي	أَنْبَاعُ	لِأَنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِي	لِيُنْبَعْ بِي	متكلم — مذكر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إنْبَعْنَا	أُنْبِيْعَ بِنَا	نَنْبَاعُ	لِنَنْبَعْ	يُنْبَاعُ بِنَا	لِيُنْبَعْ بِنَا	متكلم — مذكر و مؤنث — مع الغير — نَحْنُ

تصویر

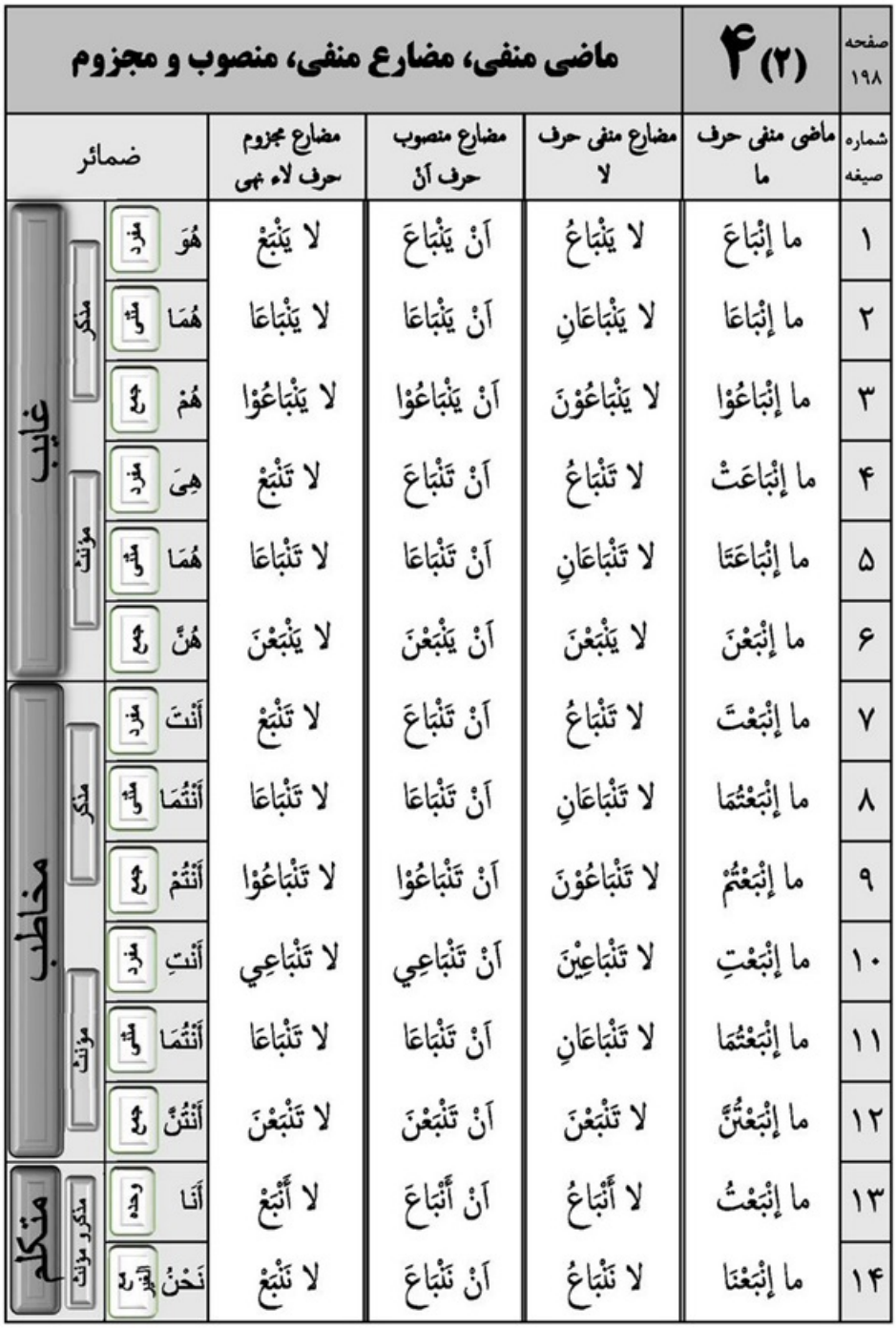

صفحه ۱۹۸	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم					
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إنْبَاعَ	لا يَنْبَاعُ	اَنْ يَنْبَاعَ	لا يَنْبَعْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما إنْبَاعَا	لا يَنْبَاعَانِ	اَنْ يَنْبَاعَا	لا يَنْبَاعَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما إنْبَاعُوْا	لا يَنْبَاعُوْنَ	اَنْ يَنْبَاعُوْا	لا يَنْبَاعُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما إنْبَاعَتْ	لا تَنْبَاعُ	اَنْ تَنْبَاعَ	لا تَنْبَعْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما إنْبَاعَتَا	لا تَنْبَاعَانِ	اَنْ تَنْبَاعَا	لا تَنْبَاعَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما إنْبَعْنَ	لا يَنْبَعْنَ	اَنْ يَنْبَعْنَ	لا يَنْبَعْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما إنْبَعْتَ	لا تَنْبَاعُ	اَنْ تَنْبَاعَ	لا تَنْبَعْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما إنْبَعْتُمَا	لا تَنْبَاعَانِ	اَنْ تَنْبَاعَا	لا تَنْبَاعَا		أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما إنْبَعْتُمْ	لا تَنْبَاعُوْنَ	اَنْ تَنْبَاعُوْا	لا تَنْبَاعُوْا		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما إنْبَعْتِ	لا تَنْبَاعِيْنَ	اَنْ تَنْبَاعِي	لا تَنْبَاعِي		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما إنْبَعْتُمَا	لا تَنْبَاعَانِ	اَنْ تَنْبَاعَا	لا تَنْبَاعَا		أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما إنْبَعْتُنَّ	لا تَنْبَعْنَ	اَنْ تَنْبَعْنَ	لا تَنْبَعْنَ		أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما إنْبَعْتُ	لا أَنْبَاعُ	اَنْ أَنْبَاعَ	لا أَنْبَعْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما إنْبَعْنَا	لا نَنْبَاعُ	اَنْ نَنْبَاعَ	لا نَنْبَعْ		نَحْنُ (غیر وحده)

تصویر



صفحه ۱۹۹	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِ	لِيَنْبَعَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْبَاعَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْبَاعُنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِمْ	لِيَنْبَاعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهَا	لِتَنْبَعَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْبَاعَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْبَعْنَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكَ	إِنْبَعَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْبَاعَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْبَاعُنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكُمْ	إِنْبَاعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْبَاعِنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكِ	إِنْبَاعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْبَاعَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْبَعْنَانِّ	لِيُنْبَعَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِي	لِأَنْبَعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْبَعَنَّ	لِيُنْبَعَنَّ بِنَا	لِنَنْبَعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

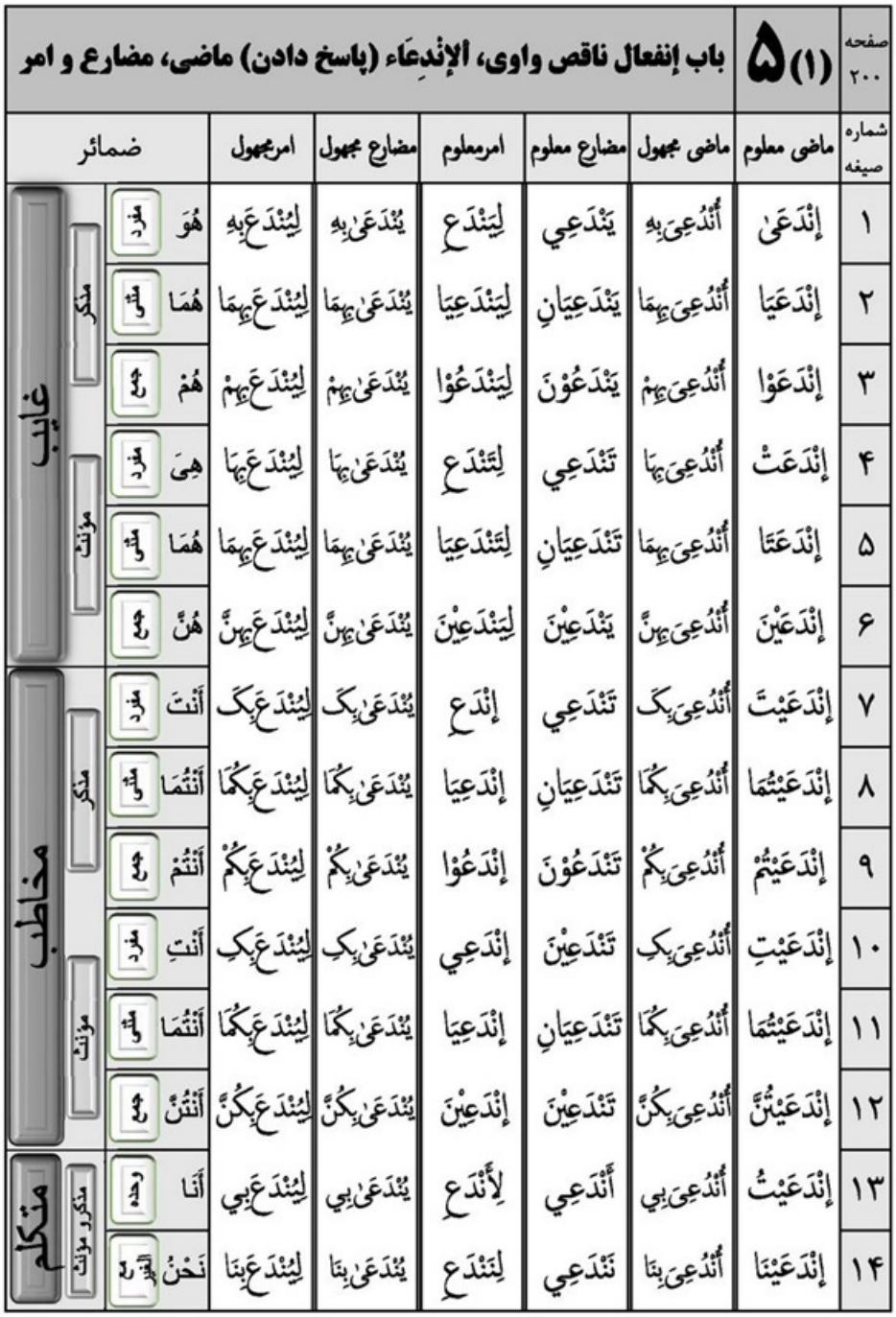

صفحه ۲۰۰	(۱) ۵ باب إنفعال ناقص واوی، اَلإنْدِعَاء (پاسخ دادن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْدَعَىٰ	أُنْدُعِيَ بِهِ	يَنْدَعِي	لِيَنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِهِ	لِيُنْدَعَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إنْدَعَيَا	أُنْدُعِيَ بِهِمَا	يَنْدَعِيَانِ	لِيَنْدَعِيَا	يُنْدَعَىٰ بِهِمَا	لِيُنْدَعَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إنْدَعَوْا	أُنْدُعِيَ بِهِمْ	يَنْدَعُوْنَ	لِيَنْدَعُوْا	يُنْدَعَىٰ بِهِمْ	لِيُنْدَعَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إنْدَعَتْ	أُنْدُعِيَ بِهَا	تَنْدَعِي	لِتَنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِهَا	لِيُنْدَعَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إنْدَعَتَا	أُنْدُعِيَ بِهِمَا	تَنْدَعِيَانِ	لِتَنْدَعِيَا	يُنْدَعَىٰ بِهِمَا	لِيُنْدَعَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إنْدَعَيْنَ	أُنْدُعِيَ بِهِنَّ	يَنْدَعِيْنَ	لِيَنْدَعِيْنَ	يُنْدَعَىٰ بِهِنَّ	لِيُنْدَعَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إنْدَعَيْتَ	أُنْدُعِيَ بِكَ	تَنْدَعِي	إنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِكَ	لِيُنْدَعَ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إنْدَعَيْتُمَا	أُنْدُعِيَ بِكُمَا	تَنْدَعِيَانِ	إنْدَعِيَا	يُنْدَعَىٰ بِكُمَا	لِيُنْدَعَ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إنْدَعَيْتُمْ	أُنْدُعِيَ بِكُمْ	تَنْدَعُوْنَ	إنْدَعُوْا	يُنْدَعَىٰ بِكُمْ	لِيُنْدَعَ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إنْدَعَيْتِ	أُنْدُعِيَ بِكِ	تَنْدَعِيْنَ	إنْدَعِي	يُنْدَعَىٰ بِكِ	لِيُنْدَعَ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إنْدَعَيْتُمَا	أُنْدُعِيَ بِكُمَا	تَنْدَعِيَانِ	إنْدَعِيَا	يُنْدَعَىٰ بِكُمَا	لِيُنْدَعَ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إنْدَعَيْتُنَّ	أُنْدُعِيَ بِكُنَّ	تَنْدَعِيْنَ	إنْدَعِيْنَ	يُنْدَعَىٰ بِكُنَّ	لِيُنْدَعَ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إنْدَعَيْتُ	أُنْدُعِيَ بِي	أَنْدَعِي	لِأَنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِي	لِيُنْدَعَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	إنْدَعَيْنَا	أُنْدُعِيَ بِنَا	نَنْدَعِي	لِنَنْدَعِ	يُنْدَعَىٰ بِنَا	لِيُنْدَعَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۱	۵ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أن	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما إنْدَعَىٰ	لا يَنْدَعِي	أنْ يَنْدَعِيَ	لا يَنْدَعِ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما إنْدَعَيَا	لا يَنْدَعِيَانِ	أنْ يَنْدَعِيَا	لا يَنْدَعِيَا			مثنی	هُمَا
۳	ما إنْدَعَوْا	لا يَنْدَعُوْنَ	أنْ يَنْدَعُوْا	لا يَنْدَعُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما إنْدَعَتْ	لا تَنْدَعِي	أنْ تَنْدَعِيَ	لا تَنْدَعِ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما إنْدَعَتَا	لا تَنْدَعِيَانِ	أنْ تَنْدَعِيَا	لا تَنْدَعِيَا			مثنی	هُمَا
۶	ما إنْدَعَيْنَ	لا يَنْدَعِيْنَ	أنْ يَنْدَعِيْنَ	لا يَنْدَعِيْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما إنْدَعَيْتَ	لا تَنْدَعِي	أنْ تَنْدَعِيَ	لا تَنْدَعِ	مخاطب	مذکر	مفرد	أَنْتَ
۸	ما إنْدَعَيْتُمَا	لا تَنْدَعِيَانِ	أنْ تَنْدَعِيَا	لا تَنْدَعِيَا			مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما إنْدَعَيْتُمْ	لا تَنْدَعُوْنَ	أنْ تَنْدَعُوْا	لا تَنْدَعُوْا			جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْدَعَيْتِ	لا تَنْدَعِيْنَ	أنْ تَنْدَعِي	لا تَنْدَعِي		مؤنث	مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما إنْدَعَيْتُمَا	لا تَنْدَعِيَانِ	أنْ تَنْدَعِيَا	لا تَنْدَعِيَا			مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْدَعَيْتُنَّ	لا تَنْدَعِيْنَ	أنْ تَنْدَعِيْنَ	لا تَنْدَعِيْنَ			جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْدَعَيْتُ	لا أَنْدَعِي	أنْ أَنْدَعِيَ	لا أَنْدَعِ	متکلم	مذکر و مؤنث	واحد	أَنَا
۱۴	ما إنْدَعَيْنَا	لا نَنْدَعِي	أنْ نَنْدَعِيَ	لا نَنْدَعِ			جمع	نَحْنُ

ص: ۲۰۱

تصویر

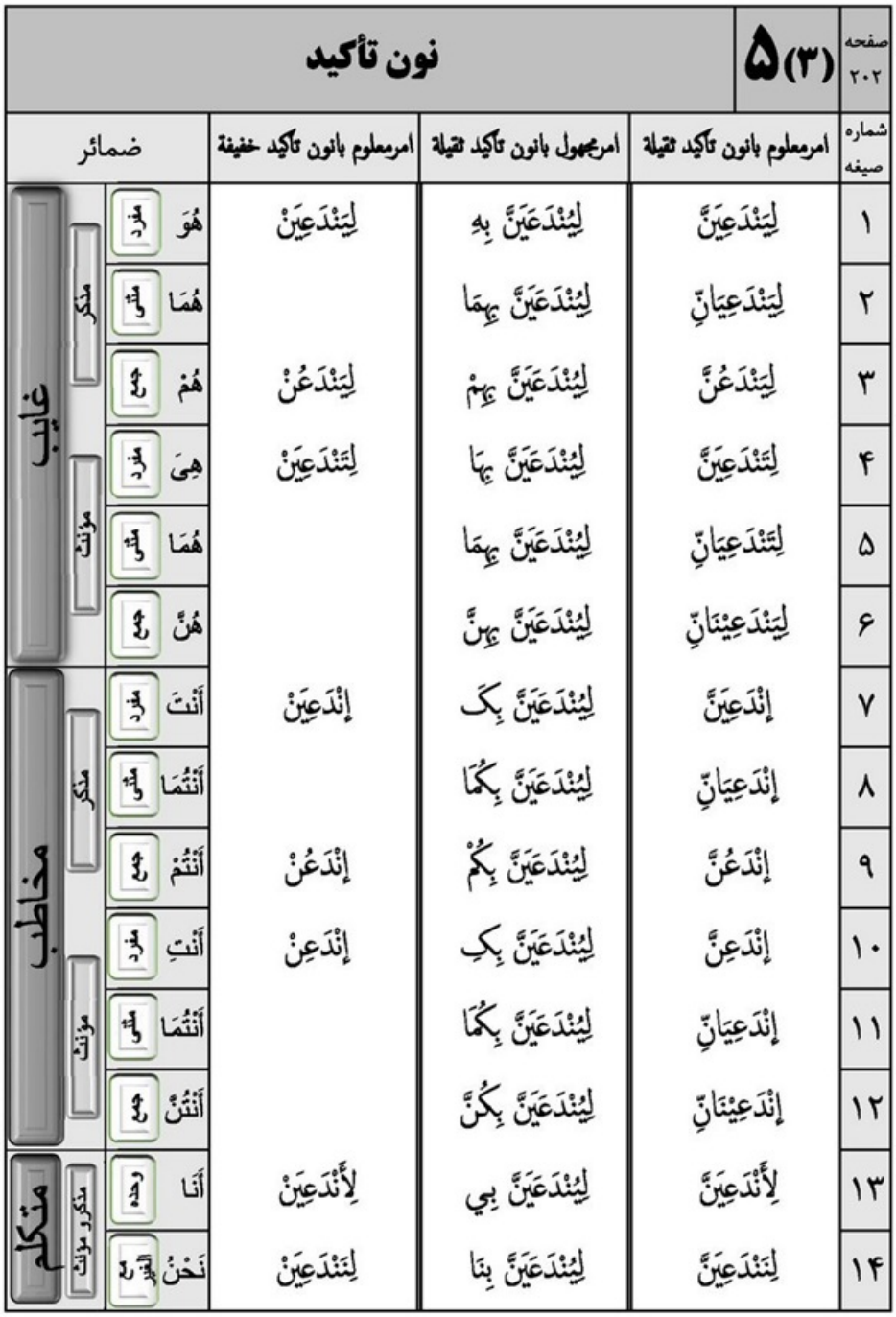

صفحه ۲۰۲	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِ	لِيَنْدَعِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْدَعِيَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْدَعُنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِمْ	لِيَنْدَعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهَا	لِتَنْدَعِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْدَعِيَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْدَعِيْنَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكَ	إِنْدَعِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْدَعِيَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْدَعُنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكُمْ	إِنْدَعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْدَعِنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكِ	إِنْدَعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْدَعِيَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْدَعِيْنَانِّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِي	لِأَنْدَعِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْدَعِيَنَّ	لِيُنْدَعَيَنَّ بِنَا	لِنَنْدَعِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

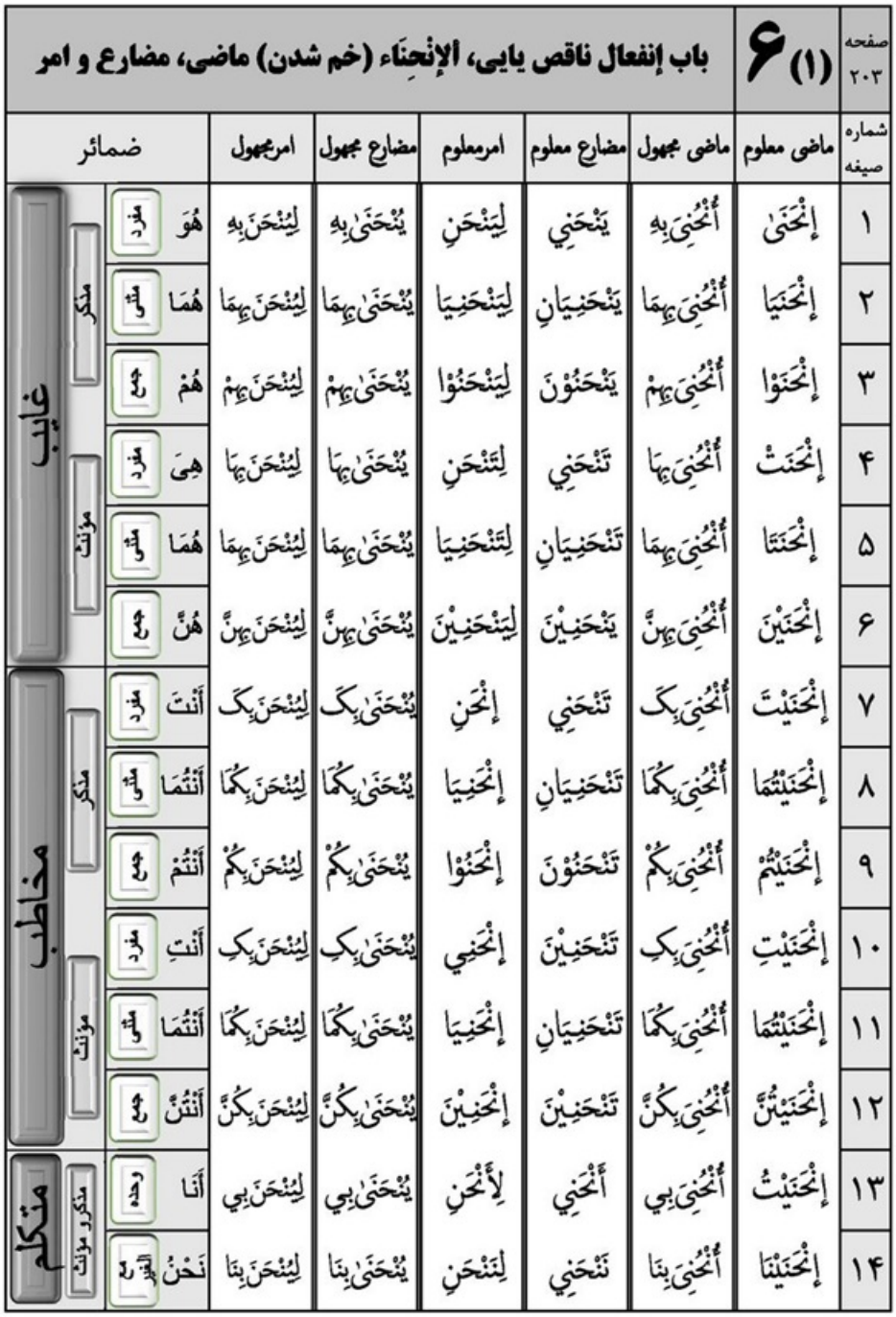

صفحه ۲۰۳	(۱) ۶ باب إنفعال ناقص يايى، الإنْحِنَاء (خم شدن) ماضى، مضارع و امر						
شماره صيغه	ماضى معلوم	ماضى مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْحَنَىٰ	أُنْحُنِيَ بِهِ	يَنْحَنِي	لِيَنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِهِ	لِيُنْحَنَ بِهِ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	إنْحَنَيَا	أُنْحُنِيَ بِهِمَا	يَنْحَنِيَانِ	لِيَنْحَنِيَا	يُنْحَنَىٰ بِهِمَا	لِيُنْحَنَ بِهِمَا	غايب — مذكر — مثنى — هُمَا
۳	إنْحَنَوْا	أُنْحُنِيَ بِهِمْ	يَنْحَنُوْنَ	لِيَنْحَنُوْا	يُنْحَنَىٰ بِهِمْ	لِيُنْحَنَ بِهِمْ	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	إنْحَنَتْ	أُنْحُنِيَ بِهَا	تَنْحَنِي	لِتَنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِهَا	لِيُنْحَنَ بِهَا	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إنْحَنَتَا	أُنْحُنِيَ بِهِمَا	تَنْحَنِيَانِ	لِتَنْحَنِيَا	يُنْحَنَىٰ بِهِمَا	لِيُنْحَنَ بِهِمَا	غايب — مؤنث — مثنى — هُمَا
۶	إنْحَنَيْنَ	أُنْحُنِيَ بِهِنَّ	يَنْحَنِيْنَ	لِيَنْحَنِيْنَ	يُنْحَنَىٰ بِهِنَّ	لِيُنْحَنَ بِهِنَّ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إنْحَنَيْتَ	أُنْحُنِيَ بِكَ	تَنْحَنِي	إنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِكَ	لِيُنْحَنَ بِكَ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	إنْحَنَيْتُمَا	أُنْحُنِيَ بِكُمَا	تَنْحَنِيَانِ	إنْحَنِيَا	يُنْحَنَىٰ بِكُمَا	لِيُنْحَنَ بِكُمَا	مخاطب — مذكر — مثنى — أَنْتُمَا
۹	إنْحَنَيْتُمْ	أُنْحُنِيَ بِكُمْ	تَنْحَنُوْنَ	إنْحَنُوْا	يُنْحَنَىٰ بِكُمْ	لِيُنْحَنَ بِكُمْ	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إنْحَنَيْتِ	أُنْحُنِيَ بِكِ	تَنْحَنِيْنَ	إنْحَنِي	يُنْحَنَىٰ بِكِ	لِيُنْحَنَ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إنْحَنَيْتُمَا	أُنْحُنِيَ بِكُمَا	تَنْحَنِيَانِ	إنْحَنِيَا	يُنْحَنَىٰ بِكُمَا	لِيُنْحَنَ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنى — أَنْتُمَا
۱۲	إنْحَنَيْتُنَّ	أُنْحُنِيَ بِكُنَّ	تَنْحَنِيْنَ	إنْحَنِيْنَ	يُنْحَنَىٰ بِكُنَّ	لِيُنْحَنَ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إنْحَنَيْتُ	أُنْحُنِيَ بِي	أَنْحَنِي	لِأَنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِي	لِيُنْحَنَ بِي	متكلم — مذكر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إنْحَنَيْنَا	أُنْحُنِيَ بِنَا	نَنْحَنِي	لِنَنْحَنِ	يُنْحَنَىٰ بِنَا	لِيُنْحَنَ بِنَا	متكلم — مذكر و مؤنث — مع الغير — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۴	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْحَنَىٰ	لا يَنْحَنِي	اَنْ يَنْحَنِيَ	لا يَنْحَنِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إنْحَنَيَا	لا يَنْحَنِيَانِ	اَنْ يَنْحَنِيَا	لا يَنْحَنِيَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إنْحَنَوْا	لا يَنْحَنُوْنَ	اَنْ يَنْحَنُوْا	لا يَنْحَنُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إنْحَنَتْ	لا تَنْحَنِي	اَنْ تَنْحَنِيَ	لا تَنْحَنِ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إنْحَنَتَا	لا تَنْحَنِيَانِ	اَنْ تَنْحَنِيَا	لا تَنْحَنِيَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إنْحَنَيْنَ	لا يَنْحَنِيْنَ	اَنْ يَنْحَنِيْنَ	لا يَنْحَنِيْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إنْحَنَيْتَ	لا تَنْحَنِي	اَنْ تَنْحَنِيَ	لا تَنْحَنِ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إنْحَنَيْتُمَا	لا تَنْحَنِيَانِ	اَنْ تَنْحَنِيَا	لا تَنْحَنِيَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إنْحَنَيْتُمْ	لا تَنْحَنُوْنَ	اَنْ تَنْحَنُوْا	لا تَنْحَنُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْحَنَيْتِ	لا تَنْحَنِيْنَ	اَنْ تَنْحَنِي	لا تَنْحَنِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إنْحَنَيْتُمَا	لا تَنْحَنِيَانِ	اَنْ تَنْحَنِيَا	لا تَنْحَنِيَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْحَنَيْتُنَّ	لا تَنْحَنِيْنَ	اَنْ تَنْحَنِيْنَ	لا تَنْحَنِيْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْحَنَيْتُ	لا أَنْحَنِي	اَنْ أَنْحَنِيَ	لا أَنْحَنِ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	ما إنْحَنَيْنَا	لا نَنْحَنِي	اَنْ نَنْحَنِيَ	لا نَنْحَنِ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر وحده، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۵	۶ (۳) نون تأکید				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِ	لِيَنْحَنِيَنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَنْحَنِيَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَنْحَنُنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِمْ	لِيَنْحَنُنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهَا	لِتَنْحَنِيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَنْحَنِيَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَنْحَنِيْنَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	إِنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكَ	إِنْحَنِيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	إِنْحَنِيَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	إِنْحَنُنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكُمْ	إِنْحَنُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	إِنْحَنِنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكِ	إِنْحَنِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	إِنْحَنِيَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	إِنْحَنِيْنَانِّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِي	لِأَنْحَنِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد	أَنَا
۱۴	لِنَنْحَنِيَنَّ	لِيُنْحَنَيَنَّ بِنَا	لِنَنْحَنِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد	نَحْنُ

تصویر

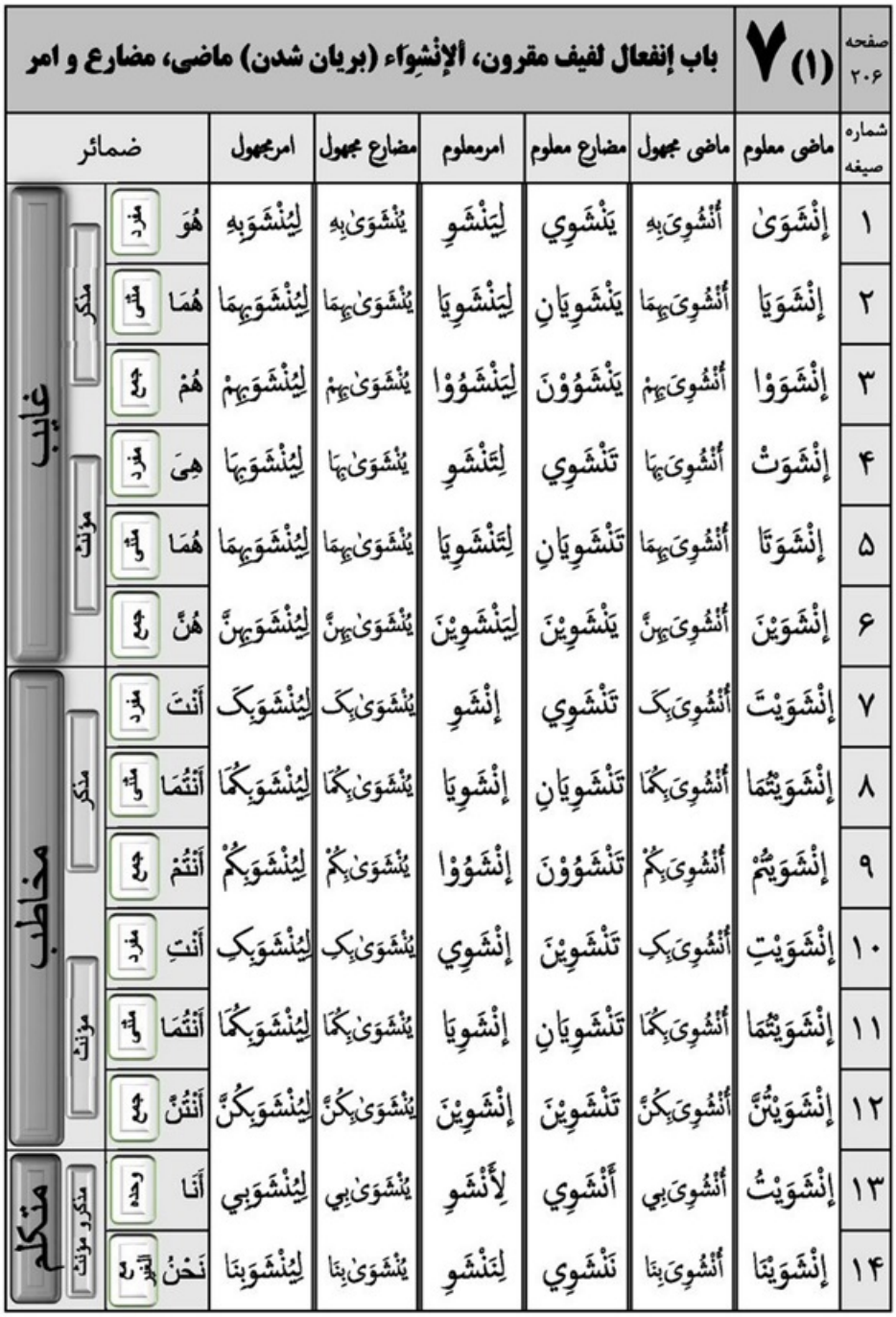

صفحه ۲۰۶	(۱) ۷	باب إنفعال لفیف مقرون، ألإنْشِوَاء (بریان شدن) ماضی، مضارع و امر							
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر		
۱	إنْشَوَىٰ	أُنْشُوِيَ بِهِ	يَنْشَوِي	لِيَنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِهِ	لِيُنْشَوَ بِهِ	هُوَ	مفرد	غایب — مذکر
۲	إنْشَوَيَا	أُنْشُوِيَ بِهِمَا	يَنْشَوِيَانِ	لِيَنْشَوِيَا	يُنْشَوَىٰ بِهِمَا	لِيُنْشَوَ بِهِمَا	هُمَا	مثنی	
۳	إنْشَوَوْا	أُنْشُوِيَ بِهِمْ	يَنْشَوُوْنَ	لِيَنْشَوُوْا	يُنْشَوَىٰ بِهِمْ	لِيُنْشَوَ بِهِمْ	هُمْ	جمع	
۴	إنْشَوَتْ	أُنْشُوِيَ بِهَا	تَنْشَوِي	لِتَنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِهَا	لِيُنْشَوَ بِهَا	هِيَ	مفرد	غایب — مؤنث
۵	إنْشَوَتَا	أُنْشُوِيَ بِهِمَا	تَنْشَوِيَانِ	لِتَنْشَوِيَا	يُنْشَوَىٰ بِهِمَا	لِيُنْشَوَ بِهِمَا	هُمَا	مثنی	
۶	إنْشَوَيْنَ	أُنْشُوِيَ بِهِنَّ	يَنْشَوِيْنَ	لِيَنْشَوِيْنَ	يُنْشَوَىٰ بِهِنَّ	لِيُنْشَوَ بِهِنَّ	هُنَّ	جمع	
۷	إنْشَوَيْتَ	أُنْشُوِيَ بِكَ	تَنْشَوِي	إنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِكَ	لِيُنْشَوَ بِكَ	أَنْتَ	مفرد	مخاطب — مذکر
۸	إنْشَوَيْتُمَا	أُنْشُوِيَ بِكُمَا	تَنْشَوِيَانِ	إنْشَوِيَا	يُنْشَوَىٰ بِكُمَا	لِيُنْشَوَ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مثنی	
۹	إنْشَوَيْتُمْ	أُنْشُوِيَ بِكُمْ	تَنْشَوُوْنَ	إنْشَوُوْا	يُنْشَوَىٰ بِكُمْ	لِيُنْشَوَ بِكُمْ	أَنْتُمْ	جمع	
۱۰	إنْشَوَيْتِ	أُنْشُوِيَ بِكِ	تَنْشَوِيْنَ	إنْشَوِي	يُنْشَوَىٰ بِكِ	لِيُنْشَوَ بِكِ	أَنْتِ	مفرد	مخاطب — مؤنث
۱۱	إنْشَوَيْتُمَا	أُنْشُوِيَ بِكُمَا	تَنْشَوِيَانِ	إنْشَوِيَا	يُنْشَوَىٰ بِكُمَا	لِيُنْشَوَ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مثنی	
۱۲	إنْشَوَيْتُنَّ	أُنْشُوِيَ بِكُنَّ	تَنْشَوِيْنَ	إنْشَوِيْنَ	يُنْشَوَىٰ بِكُنَّ	لِيُنْشَوَ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ	جمع	
۱۳	إنْشَوَيْتُ	أُنْشُوِيَ بِي	أَنْشَوِي	لِأَنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِي	لِيُنْشَوَ بِي	أَنَا	وحده	متکلم — مذکر و مؤنث
۱۴	إنْشَوَيْنَا	أُنْشُوِيَ بِنَا	نَنْشَوِي	لِنَنْشَوِ	يُنْشَوَىٰ بِنَا	لِيُنْشَوَ بِنَا	نَحْنُ	مع الغیر	

تصویر



صفحه ۲۰۷	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْشَوَىٰ	لا يَنْشَوِي	اَنْ يَنْشَوِيَ	لا يَنْشَوِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما إنْشَوَيَا	لا يَنْشَوِيَانِ	اَنْ يَنْشَوِيَا	لا يَنْشَوِيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما إنْشَوَوْا	لا يَنْشَوُوْنَ	اَنْ يَنْشَوُوْا	لا يَنْشَوُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما إنْشَوَتْ	لا تَنْشَوِي	اَنْ تَنْشَوِيَ	لا تَنْشَوِ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما إنْشَوَتَا	لا تَنْشَوِيَانِ	اَنْ تَنْشَوِيَا	لا تَنْشَوِيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما إنْشَوَيْنَ	لا يَنْشَوِيْنَ	اَنْ يَنْشَوِيْنَ	لا يَنْشَوِيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما إنْشَوَيْتَ	لا تَنْشَوِي	اَنْ تَنْشَوِيَ	لا تَنْشَوِ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما إنْشَوَيْتُمَا	لا تَنْشَوِيَانِ	اَنْ تَنْشَوِيَا	لا تَنْشَوِيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما إنْشَوَيْتُمْ	لا تَنْشَوُوْنَ	اَنْ تَنْشَوُوْا	لا تَنْشَوُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْشَوَيْتِ	لا تَنْشَوِيْنَ	اَنْ تَنْشَوِي	لا تَنْشَوِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما إنْشَوَيْتُمَا	لا تَنْشَوِيَانِ	اَنْ تَنْشَوِيَا	لا تَنْشَوِيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْشَوَيْتُنَّ	لا تَنْشَوِيْنَ	اَنْ تَنْشَوِيْنَ	لا تَنْشَوِيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْشَوَيْتُ	لا أَنْشَوِي	اَنْ أَنْشَوِيَ	لا أَنْشَوِ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	ما إنْشَوَيْنَا	لا نَنْشَوِي	اَنْ نَنْشَوِيَ	لا نَنْشَوِ	متکلم — مذکر و مؤنث — تکثیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۰۸	نون تأکید (۳) ۷				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِ	لِيَنْشَوِيَنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَنْشَوِيَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَنْشَوُنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِمْ	لِيَنْشَوُنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهَا	لِتَنْشَوِيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَنْشَوِيَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَنْشَوِينَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	إِنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكَ	إِنْشَوِيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	إِنْشَوِيَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	إِنْشَوُنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكُمْ	إِنْشَوُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	إِنْشَوِنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكِ	إِنْشَوِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	إِنْشَوِيَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	إِنْشَوِينَانِّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِي	لِأَنْشَوِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنَنْشَوِيَنَّ	لِيُنْشَوَيَنَّ بِنَا	لِنَنْشَوِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

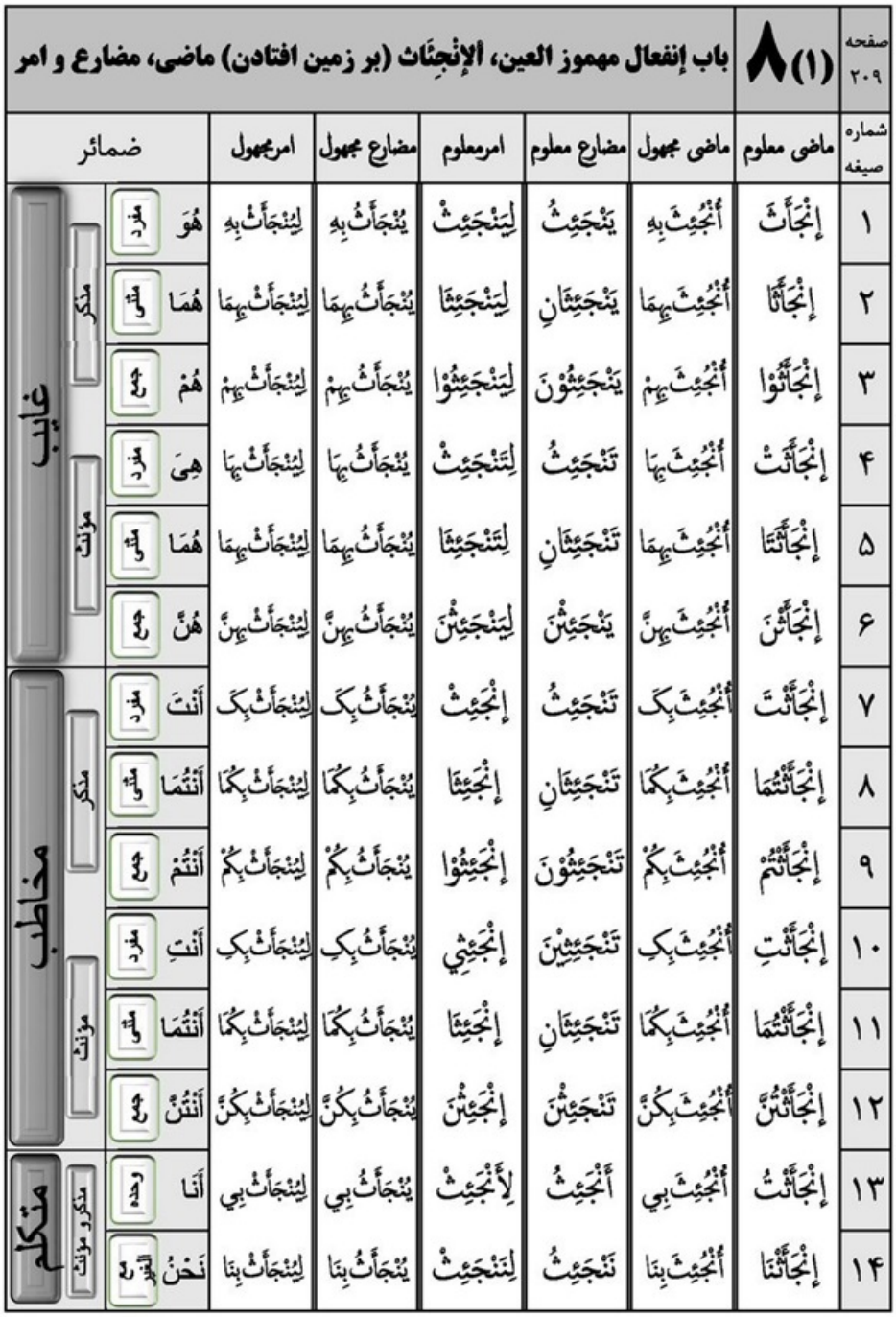

صفحه ۲۰۹	(۱) ۸ باب إنفعال مهموز العين، الإنْجِئَاث (بر زمين افتادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِنْجَأَتْ	أُنْجِئَتْ بِهِ	يَنْجَئِثُ	لِيَنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِهِ	لِيُنْجَأَثْ بِهِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	إِنْجَأَتَا	أُنْجِئَتْ بِهِمَا	يَنْجَئِثَانِ	لِيَنْجَئِثَا	يُنْجَأَثُ بِهِمَا	لِيُنْجَأَثْ بِهِمَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	إِنْجَأَثُوْا	أُنْجِئَتْ بِهِمْ	يَنْجَئِثُوْنَ	لِيَنْجَئِثُوْا	يُنْجَأَثُ بِهِمْ	لِيُنْجَأَثْ بِهِمْ	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	إِنْجَأَثَتْ	أُنْجِئَتْ بِهَا	تَنْجَئِثُ	لِتَنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِهَا	لِيُنْجَأَثْ بِهَا	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	إِنْجَأَثَتَا	أُنْجِئَتْ بِهِمَا	تَنْجَئِثَانِ	لِتَنْجَئِثَا	يُنْجَأَثُ بِهِمَا	لِيُنْجَأَثْ بِهِمَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	إِنْجَأَثْنَ	أُنْجِئَتْ بِهِنَّ	يَنْجَئِثْنَ	لِيَنْجَئِثْنَ	يُنْجَأَثُ بِهِنَّ	لِيُنْجَأَثْ بِهِنَّ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	إِنْجَأَثْتَ	أُنْجِئَتْ بِكَ	تَنْجَئِثُ	إِنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِكَ	لِيُنْجَأَثْ بِكَ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	إِنْجَأَثْتُمَا	أُنْجِئَتْ بِكُمَا	تَنْجَئِثَانِ	إِنْجَئِثَا	يُنْجَأَثُ بِكُمَا	لِيُنْجَأَثْ بِكُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	إِنْجَأَثْتُمْ	أُنْجِئَتْ بِكُمْ	تَنْجَئِثُوْنَ	إِنْجَئِثُوْا	يُنْجَأَثُ بِكُمْ	لِيُنْجَأَثْ بِكُمْ	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	إِنْجَأَثْتِ	أُنْجِئَتْ بِكِ	تَنْجَئِثِيْنَ	إِنْجَئِثِي	يُنْجَأَثُ بِكِ	لِيُنْجَأَثْ بِكِ	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	إِنْجَأَثْتُمَا	أُنْجِئَتْ بِكُمَا	تَنْجَئِثَانِ	إِنْجَئِثَا	يُنْجَأَثُ بِكُمَا	لِيُنْجَأَثْ بِكُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	إِنْجَأَثْتُنَّ	أُنْجِئَتْ بِكُنَّ	تَنْجَئِثْنَ	إِنْجَئِثْنَ	يُنْجَأَثُ بِكُنَّ	لِيُنْجَأَثْ بِكُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	إِنْجَأَثْتُ	أُنْجِئَتْ بِي	أَنْجَئِثُ	لِأَنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِي	لِيُنْجَأَثْ بِي	متکلم، مذکر و مؤنث، مفرد، أَنَا
۱۴	إِنْجَأَثْنَا	أُنْجِئَتْ بِنَا	نَنْجَئِثُ	لِنَنْجَئِثْ	يُنْجَأَثُ بِنَا	لِيُنْجَأَثْ بِنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۰	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْجَأَّتْ	لا يَنْجَئِثُ	اَنْ يَنْجَئِثَ	لا يَنْجَئِثْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إنْجَأَّتَا	لا يَنْجَئِثَانِ	اَنْ يَنْجَئِثَا	لا يَنْجَئِثَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إنْجَأَّتُوْا	لا يَنْجَئِثُوْنَ	اَنْ يَنْجَئِثُوْا	لا يَنْجَئِثُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إنْجَأَّتْ	لا تَنْجَئِثُ	اَنْ تَنْجَئِثَ	لا تَنْجَئِثْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إنْجَأَّتَتَا	لا تَنْجَئِثَانِ	اَنْ تَنْجَئِثَا	لا تَنْجَئِثَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إنْجَأَّتْنَ	لا يَنْجَئِثْنَ	اَنْ يَنْجَئِثْنَ	لا يَنْجَئِثْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إنْجَأَّتْ	لا تَنْجَئِثُ	اَنْ تَنْجَئِثَ	لا تَنْجَئِثْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إنْجَأَّتُمَا	لا تَنْجَئِثَانِ	اَنْ تَنْجَئِثَا	لا تَنْجَئِثَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إنْجَأَّتُمْ	لا تَنْجَئِثُوْنَ	اَنْ تَنْجَئِثُوْا	لا تَنْجَئِثُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْجَأَّتِ	لا تَنْجَئِثِيْنَ	اَنْ تَنْجَئِثِي	لا تَنْجَئِثِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إنْجَأَّتُمَا	لا تَنْجَئِثَانِ	اَنْ تَنْجَئِثَا	لا تَنْجَئِثَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْجَأَّتُنَّ	لا تَنْجَئِثْنَ	اَنْ تَنْجَئِثْنَ	لا تَنْجَئِثْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْجَأَّتُ	لا أَنْجَئِثُ	اَنْ أَنْجَئِثَ	لا أَنْجَئِثْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إنْجَأَّتْنَا	لا نَنْجَئِثُ	اَنْ نَنْجَئِثَ	لا نَنْجَئِثْ	متکلم، مذکر و مؤنث، تثنیه و جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۱	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لَيَنْجَيِنَّ	لَيُنْجَأَنَّ بِهِ	لَيَنْجَيِنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لَيَنْجَيَانِّ	لَيُنْجَأَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لَيَنْجَيُنَّ	لَيُنْجَأَنَّ بِهِمْ	لَيَنْجَيُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْجَيِنَّ	لَيُنْجَأَنَّ بِهَا	لَتَنْجَيِنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْجَيَانِّ	لَيُنْجَأَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لَيَنْجَيْنَانِّ	لَيُنْجَأَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْجَيِنَّ	لَيُنْجَأَنَّ بِكَ	إِنْجَيِنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْجَيَانِّ	لَيُنْجَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْجَيُنَّ	لَيُنْجَأَنَّ بِكُمْ	إِنْجَيُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْجَيِنَّ	لَيُنْجَأَنَّ بِكِ	إِنْجَيِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْجَيَانِّ	لَيُنْجَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْجَيْنَانِّ	لَيُنْجَأَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْجَيِنَّ	لَيُنْجَأَنَّ بِي	لِأَنْجَيِنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْجَيِنَّ	لَيُنْجَأَنَّ بِنَا	لِنَنْجَيِنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

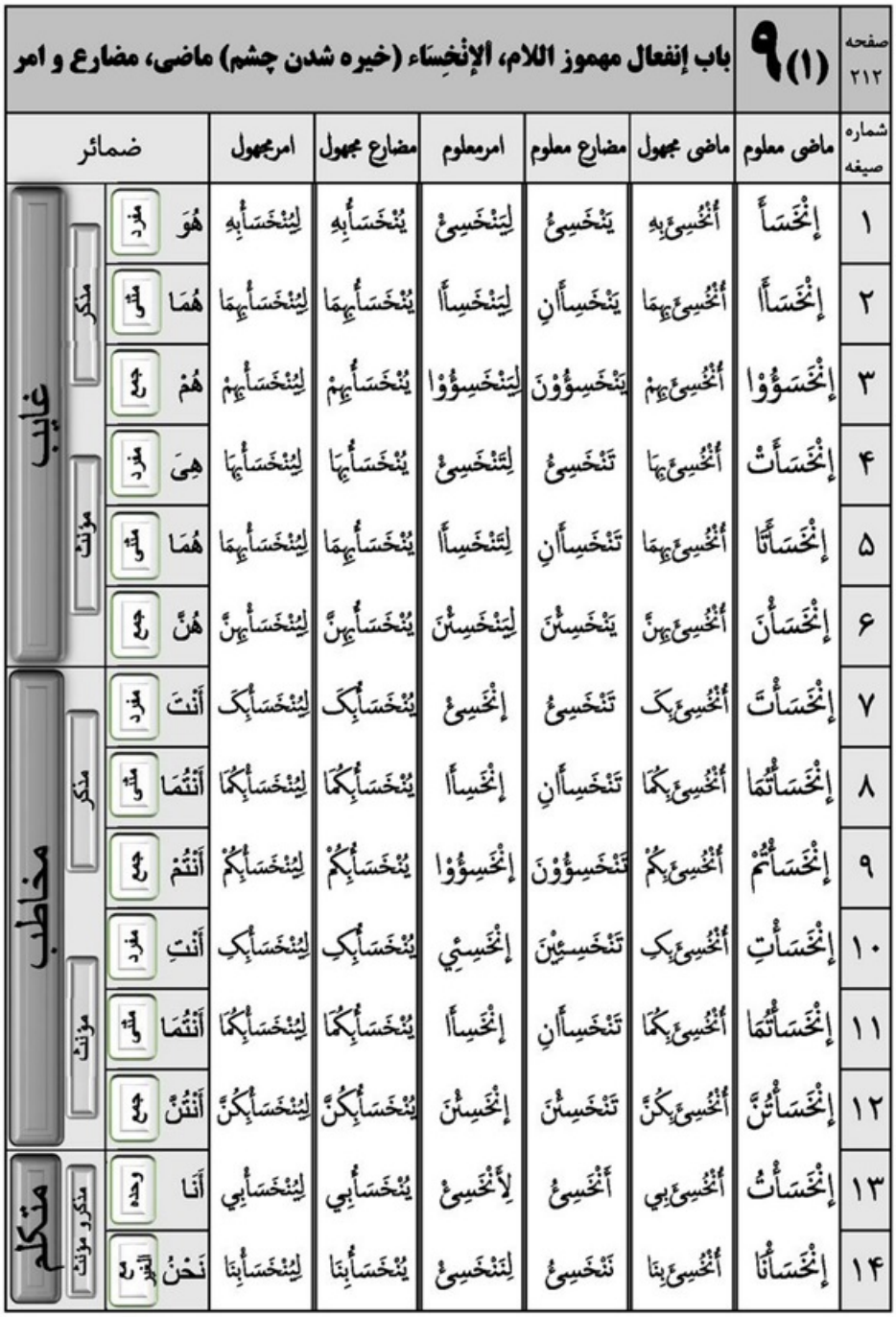

صفحه ۲۱۲	۹ (۱) باب إنفعال مهموز اللام، الإنْخِسَاء (خیره شدن چشم) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إنْخَسَأَ	أُنْخُسِئَ بِهِ	يَنْخَسِئُ	لِيَنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِهِ	لِيُنْخَسَأْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إنْخَسَأَا	أُنْخُسِئَ بِهِمَا	يَنْخَسِئَانِ	لِيَنْخَسِئَا	يُنْخَسَأُ بِهِمَا	لِيُنْخَسَأْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إنْخَسَؤُوْا	أُنْخُسِئَ بِهِمْ	يَنْخَسِئُوْنَ	لِيَنْخَسِئُوْا	يُنْخَسَأُ بِهِمْ	لِيُنْخَسَأْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إنْخَسَأَتْ	أُنْخُسِئَ بِهَا	تَنْخَسِئُ	لِتَنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِهَا	لِيُنْخَسَأْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إنْخَسَأَتَا	أُنْخُسِئَ بِهِمَا	تَنْخَسِئَانِ	لِتَنْخَسِئَا	يُنْخَسَأُ بِهِمَا	لِيُنْخَسَأْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إنْخَسَأْنَ	أُنْخُسِئَ بِهِنَّ	يَنْخَسِئْنَ	لِيَنْخَسِئْنَ	يُنْخَسَأُ بِهِنَّ	لِيُنْخَسَأْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إنْخَسَأْتَ	أُنْخُسِئَ بِكَ	تَنْخَسِئُ	إنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِكَ	لِيُنْخَسَأْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إنْخَسَأْتُمَا	أُنْخُسِئَ بِكُمَا	تَنْخَسِئَانِ	إنْخَسِئَا	يُنْخَسَأُ بِكُمَا	لِيُنْخَسَأْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إنْخَسَأْتُمْ	أُنْخُسِئَ بِكُمْ	تَنْخَسِئُوْنَ	إنْخَسِئُوْا	يُنْخَسَأُ بِكُمْ	لِيُنْخَسَأْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إنْخَسَأْتِ	أُنْخُسِئَ بِكِ	تَنْخَسِئِيْنَ	إنْخَسِئِي	يُنْخَسَأُ بِكِ	لِيُنْخَسَأْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إنْخَسَأْتُمَا	أُنْخُسِئَ بِكُمَا	تَنْخَسِئَانِ	إنْخَسِئَا	يُنْخَسَأُ بِكُمَا	لِيُنْخَسَأْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إنْخَسَأْتُنَّ	أُنْخُسِئَ بِكُنَّ	تَنْخَسِئْنَ	إنْخَسِئْنَ	يُنْخَسَأُ بِكُنَّ	لِيُنْخَسَأْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إنْخَسَأْتُ	أُنْخُسِئَ بِي	أَنْخَسِئُ	لِأَنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِي	لِيُنْخَسَأْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إنْخَسَأْنَا	أُنْخُسِئَ بِنَا	نَنْخَسِئُ	لِنَنْخَسِئْ	يُنْخَسَأُ بِنَا	لِيُنْخَسَأْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۱۳	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إنْخَسَأَ	لا يَنْخَسِئُ	اَنْ يَنْخَسِئَ	لا يَنْخَسِئْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إنْخَسَأَا	لا يَنْخَسِئَانِ	اَنْ يَنْخَسِئَا	لا يَنْخَسِئَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إنْخَسَؤُوْا	لا يَنْخَسِؤُوْنَ	اَنْ يَنْخَسِؤُوْا	لا يَنْخَسِؤُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إنْخَسَأَتْ	لا تَنْخَسِئُ	اَنْ تَنْخَسِئَ	لا تَنْخَسِئْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إنْخَسَأَتَا	لا تَنْخَسِئَانِ	اَنْ تَنْخَسِئَا	لا تَنْخَسِئَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إنْخَسَأْنَ	لا يَنْخَسِئْنَ	اَنْ يَنْخَسِئْنَ	لا يَنْخَسِئْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إنْخَسَأْتَ	لا تَنْخَسِئُ	اَنْ تَنْخَسِئَ	لا تَنْخَسِئْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إنْخَسَأْتُمَا	لا تَنْخَسِئَانِ	اَنْ تَنْخَسِئَا	لا تَنْخَسِئَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إنْخَسَأْتُمْ	لا تَنْخَسِؤُوْنَ	اَنْ تَنْخَسِؤُوْا	لا تَنْخَسِؤُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إنْخَسَأْتِ	لا تَنْخَسِئِيْنَ	اَنْ تَنْخَسِئِي	لا تَنْخَسِئِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إنْخَسَأْتُمَا	لا تَنْخَسِئَانِ	اَنْ تَنْخَسِئَا	لا تَنْخَسِئَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إنْخَسَأْتُنَّ	لا تَنْخَسِئْنَ	اَنْ تَنْخَسِئْنَ	لا تَنْخَسِئْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إنْخَسَأْتُ	لا أَنْخَسِئُ	اَنْ أَنْخَسِئَ	لا أَنْخَسِئْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما إنْخَسَأْنَا	لا نَنْخَسِئُ	اَنْ نَنْخَسِئَ	لا نَنْخَسِئْ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

تصویر

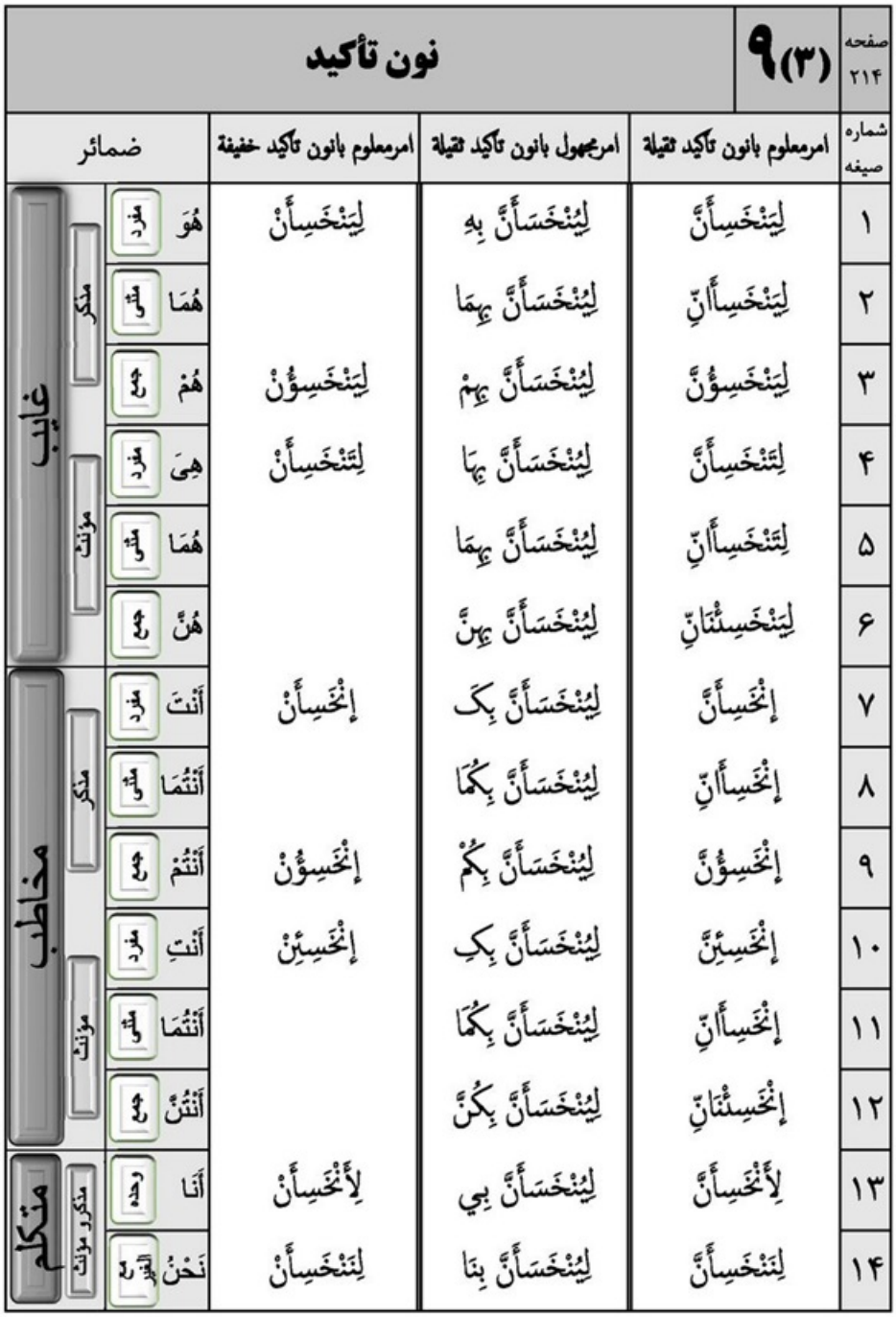

صفحه ۲۱۴	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِ	لِيَنْخَسِأَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَنْخَسِأَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَنْخَسِؤُنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِمْ	لِيَنْخَسِؤُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهَا	لِتَنْخَسِأَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَنْخَسِأَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَنْخَسِئْنَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكَ	إِنْخَسِأَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِنْخَسِأَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِنْخَسِؤُنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكُمْ	إِنْخَسِؤُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِنْخَسِئِنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكِ	إِنْخَسِئِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِنْخَسِأَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِنْخَسِئْنَانِّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِي	لِأَنْخَسِأَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَنْخَسِأَنَّ	لِيُنْخَسَأَنَّ بِنَا	لِنَنْخَسِأَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

باب تفعّل

اشاره

تصویر



صفحه ۲۱۵	(۱) ۱	باب تفعّل سالم، اَلتَّعَجُّل (سرعت کرفتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَعَجَّلَ	تُعُجِّلَ	يَتَعَجَّلُ	لِيَتَعَجَّلْ	يُتَعَجَّلُ	لِيُتَعَجَّلْ	هُوَ	غایب: مذکر، مفرد
۲	تَعَجَّلَا	تُعُجِّلَا	يَتَعَجَّلَانِ	لِيَتَعَجَّلَا	يُتَعَجَّلَانِ	لِيُتَعَجَّلَا	هُمَا	غایب: مذکر، مثنی
۳	تَعَجَّلُوْا	تُعُجِّلُوْا	يَتَعَجَّلُوْنَ	لِيَتَعَجَّلُوْا	يُتَعَجَّلُوْنَ	لِيُتَعَجَّلُوْا	هُمْ	غایب: مذکر، جمع
۴	تَعَجَّلَتْ	تُعُجِّلَتْ	تَتَعَجَّلُ	لِتَتَعَجَّلْ	تُتَعَجَّلُ	لِتُتَعَجَّلْ	هِيَ	غایب: مؤنث، مفرد
۵	تَعَجَّلَتَا	تُعُجِّلَتَا	تَتَعَجَّلَانِ	لِتَتَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	هُمَا	غایب: مؤنث، مثنی
۶	تَعَجَّلْنَ	تُعُجِّلْنَ	يَتَعَجَّلْنَ	لِيَتَعَجَّلْنَ	يُتَعَجَّلْنَ	لِيُتَعَجَّلْنَ	هُنَّ	غایب: مؤنث، جمع
۷	تَعَجَّلْتَ	تُعُجِّلْتَ	تَتَعَجَّلُ	تَعَجَّلْ	تُتَعَجَّلُ	لِتُتَعَجَّلْ	أَنْتَ	مخاطب: مذکر، مفرد
۸	تَعَجَّلْتُمَا	تُعُجِّلْتُمَا	تَتَعَجَّلَانِ	تَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	أَنْتُمَا	مخاطب: مذکر، مثنی
۹	تَعَجَّلْتُمْ	تُعُجِّلْتُمْ	تَتَعَجَّلُوْنَ	تَعَجَّلُوْا	تُتَعَجَّلُوْنَ	لِتُتَعَجَّلُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب: مذکر، جمع
۱۰	تَعَجَّلْتِ	تُعُجِّلْتِ	تَتَعَجَّلِيْنَ	تَعَجَّلِي	تُتَعَجَّلِيْنَ	لِتُتَعَجَّلِي	أَنْتِ	مخاطب: مؤنث، مفرد
۱۱	تَعَجَّلْتُمَا	تُعُجِّلْتُمَا	تَتَعَجَّلَانِ	تَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	أَنْتُمَا	مخاطب: مؤنث، مثنی
۱۲	تَعَجَّلْتُنَّ	تُعُجِّلْتُنَّ	تَتَعَجَّلْنَ	تَعَجَّلْنَ	تُتَعَجَّلْنَ	لِتُتَعَجَّلْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب: مؤنث، جمع
۱۳	تَعَجَّلْتُ	تُعُجِّلْتُ	أَتَعَجَّلُ	لِأَتَعَجَّلْ	أُتَعَجَّلُ	لِأُتَعَجَّلْ	أَنَا	متکلم: مذکر و مؤنث، وحده
۱۴	تَعَجَّلْنَا	تُعُجِّلْنَا	نَتَعَجَّلُ	لِنَتَعَجَّلْ	نُتَعَجَّلُ	لِنُتَعَجَّلْ	نَحْنُ	متکلم: مذکر و مؤنث، مع الغیر

ص: ۲۱۵

تصویر



صفحه ۲۱۶	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَعَجَّلَ	لا يَتَعَجَّلُ	اَنْ يَتَعَجَّلَ	لا يَتَعَجَّلْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	ما تَعَجَّلَا	لا يَتَعَجَّلَانِ	اَنْ يَتَعَجَّلَا	لا يَتَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۳	ما تَعَجَّلُوْا	لا يَتَعَجَّلُوْنَ	اَنْ يَتَعَجَّلُوْا	لا يَتَعَجَّلُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	ما تَعَجَّلَتْ	لا تَتَعَجَّلُ	اَنْ تَتَعَجَّلَ	لا تَتَعَجَّلْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	ما تَعَجَّلَتَا	لا تَتَعَجَّلَانِ	اَنْ تَتَعَجَّلَا	لا تَتَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۶	ما تَعَجَّلْنَ	لا يَتَعَجَّلْنَ	اَنْ يَتَعَجَّلْنَ	لا يَتَعَجَّلْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	ما تَعَجَّلْتَ	لا تَتَعَجَّلُ	اَنْ تَتَعَجَّلَ	لا تَتَعَجَّلْ	اَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	ما تَعَجَّلْتُمَا	لا تَتَعَجَّلَانِ	اَنْ تَتَعَجَّلَا	لا تَتَعَجَّلَا	اَنْتُمَا (مثنی)	
۹	ما تَعَجَّلْتُمْ	لا تَتَعَجَّلُوْنَ	اَنْ تَتَعَجَّلُوْا	لا تَتَعَجَّلُوْا	اَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	ما تَعَجَّلْتِ	لا تَتَعَجَّلِيْنَ	اَنْ تَتَعَجَّلِي	لا تَتَعَجَّلِي	اَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	ما تَعَجَّلْتُمَا	لا تَتَعَجَّلَانِ	اَنْ تَتَعَجَّلَا	لا تَتَعَجَّلَا	اَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	ما تَعَجَّلْتُنَّ	لا تَتَعَجَّلْنَ	اَنْ تَتَعَجَّلْنَ	لا تَتَعَجَّلْنَ	اَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	ما تَعَجَّلْتُ	لا اَتَعَجَّلُ	اَنْ اَتَعَجَّلَ	لا اَتَعَجَّلْ	اَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَعَجَّلْنَا	لا نَتَعَجَّلُ	اَنْ نَتَعَجَّلَ	لا نَتَعَجَّلْ	نَحْنُ (غیر مفرد)	

ص: ۲۱۶

تصویر



صفحه ۲۱۷	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَعَجَّلَنَّ	لِيُتَعَجَّلَنَّ	لِيَتَعَجَّلَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَعَجَّلَانِّ	لِيُتَعَجَّلَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَعَجَّلُنَّ	لِيُتَعَجَّلُنَّ	لِيَتَعَجَّلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَعَجَّلَنَّ	لِتُتَعَجَّلَنَّ	لِتَتَعَجَّلَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَعَجَّلْنَانِّ	لِيُتَعَجَّلْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَجَّلَنَّ	لِتُتَعَجَّلَنَّ	تَعَجَّلَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَجَّلُنَّ	لِتُتَعَجَّلُنَّ	تَعَجَّلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَجَّلِنَّ	لِتُتَعَجَّلِنَّ	تَعَجَّلِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَجَّلْنَانِّ	لِتُتَعَجَّلْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَعَجَّلَنَّ	لِأُتَعَجَّلَنَّ	لِأَتَعَجَّلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَعَجَّلَنَّ	لِنُتَعَجَّلَنَّ	لِنَتَعَجَّلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

قاعده اول خصوصی باب تفعّل

تصویر



صفحه ۲۱۸	۲ (۱)	قاعده اول خصوصی باب تفعّل، التَّعَجُّل (سرعت گرفتن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَعَجَّلَ	تُعُجِّلَ	يَتَعَجَّلُ	لِيَتَعَجَّلْ	يُتَعَجَّلُ	لِيُتَعَجَّلْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	تَعَجَّلَا	تُعُجِّلَا	يَتَعَجَّلَانِ	لِيَتَعَجَّلَا	يُتَعَجَّلَانِ	لِيُتَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۳	تَعَجَّلُوْا	تُعُجِّلُوْا	يَتَعَجَّلُوْنَ	لِيَتَعَجَّلُوْا	يُتَعَجَّلُوْنَ	لِيُتَعَجَّلُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	تَعَجَّلَتْ	تُعُجِّلَتْ	تَعَجَّلُ	لِتَعَجَّلْ	تُتَعَجَّلُ	لِتُتَعَجَّلْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	تَعَجَّلَتَا	تُعُجِّلَتَا	تَعَجَّلَانِ	لِتَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۶	تَعَجَّلْنَ	تُعُجِّلْنَ	يَتَعَجَّلْنَ	لِيَتَعَجَّلْنَ	يُتَعَجَّلْنَ	لِيُتَعَجَّلْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	تَعَجَّلْتَ	تُعُجِّلْتَ	تَعَجَّلُ	تَعَجَّلْ	تُتَعَجَّلُ	لِتُتَعَجَّلْ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	تَعَجَّلْتُمَا	تُعُجِّلْتُمَا	تَعَجَّلَانِ	تَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	تَعَجَّلْتُمْ	تُعُجِّلْتُمْ	تَعَجَّلُوْنَ	تَعَجَّلُوْا	تُتَعَجَّلُوْنَ	لِتُتَعَجَّلُوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	تَعَجَّلْتِ	تُعُجِّلْتِ	تَعَجَّلِيْنَ	تَعَجَّلِي	تُتَعَجَّلِيْنَ	لِتُتَعَجَّلِي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	تَعَجَّلْتُمَا	تُعُجِّلْتُمَا	تَعَجَّلَانِ	تَعَجَّلَا	تُتَعَجَّلَانِ	لِتُتَعَجَّلَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	تَعَجَّلْتُنَّ	تُعُجِّلْتُنَّ	تَعَجَّلْنَ	تَعَجَّلْنَ	تُتَعَجَّلْنَ	لِتُتَعَجَّلْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	تَعَجَّلْتُ	تُعُجِّلْتُ	أَتَعَجَّلُ	لِأَتَعَجَّلْ	أُتَعَجَّلُ	لِأُتَعَجَّلْ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	تَعَجَّلْنَا	تُعُجِّلْنَا	نَتَعَجَّلُ	لِنَتَعَجَّلْ	نُتَعَجَّلُ	لِنُتَعَجَّلْ	نَحْنُ (التعظیم)	

تصویر



صفحه ۲۱۹	۲ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَعَجَّلَ	لا يَتَعَجَّلُ	اَنْ يَتَعَجَّلَ	لا يَتَعَجَّلْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	ما تَعَجَّلَا	لا يَتَعَجَّلَانِ	اَنْ يَتَعَجَّلَا	لا يَتَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۳	ما تَعَجَّلُوْا	لا يَتَعَجَّلُوْنَ	اَنْ يَتَعَجَّلُوْا	لا يَتَعَجَّلُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	ما تَعَجَّلَتْ	لا تَعَجَّلُ	اَنْ تَعَجَّلَ	لا تَعَجَّلْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	ما تَعَجَّلَتَا	لا تَعَجَّلَانِ	اَنْ تَعَجَّلَا	لا تَعَجَّلَا	هُمَا (مثنی)	
۶	ما تَعَجَّلْنَ	لا يَتَعَجَّلْنَ	اَنْ يَتَعَجَّلْنَ	لا يَتَعَجَّلْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	ما تَعَجَّلْتَ	لا تَعَجَّلُ	اَنْ تَعَجَّلَ	لا تَعَجَّلْ	اَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	ما تَعَجَّلْتُمَا	لا تَعَجَّلَانِ	اَنْ تَعَجَّلَا	لا تَعَجَّلَا	اَنْتُمَا (مثنی)	
۹	ما تَعَجَّلْتُمْ	لا تَعَجَّلُوْنَ	اَنْ تَعَجَّلُوْا	لا تَعَجَّلُوْا	اَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	ما تَعَجَّلْتِ	لا تَعَجَّلِيْنَ	اَنْ تَعَجَّلِي	لا تَعَجَّلِي	اَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	ما تَعَجَّلْتُمَا	لا تَعَجَّلَانِ	اَنْ تَعَجَّلَا	لا تَعَجَّلَا	اَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	ما تَعَجَّلْتُنَّ	لا تَعَجَّلْنَ	اَنْ تَعَجَّلْنَ	لا تَعَجَّلْنَ	اَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	ما تَعَجَّلْتُ	لا أَتَعَجَّلُ	اَنْ أَتَعَجَّلَ	لا أَتَعَجَّلْ	اَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَعَجَّلْنَا	لا نَتَعَجَّلُ	اَنْ نَتَعَجَّلَ	لا نَتَعَجَّلْ	نَحْنُ (غیر وحد)	

تصویر



صفحه ۲۲۰	۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَعَجَّلَنَّ	لِيُتَعَجَّلَنَّ	لِيَتَعَجَّلَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَعَجَّلَانِّ	لِيُتَعَجَّلَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَعَجَّلُنَّ	لِيُتَعَجَّلُنَّ	لِيَتَعَجَّلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَعَجَّلَنَّ	لِتُتَعَجَّلَنَّ	لِتَعَجَّلَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَعَجَّلْنَانِّ	لِيُتَعَجَّلْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَجَّلَنَّ	لِتُتَعَجَّلَنَّ	تَعَجَّلَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَجَّلُنَّ	لِتُتَعَجَّلُنَّ	تَعَجَّلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَجَّلِنَّ	لِتُتَعَجَّلِنَّ	تَعَجَّلِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَجَّلَانِّ	لِتُتَعَجَّلَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَجَّلْنَانِّ	لِتُتَعَجَّلْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَعَجَّلَنَّ	لِأُتَعَجَّلَنَّ	لِأَتَعَجَّلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَعَجَّلَنَّ	لِنُتَعَجَّلَنَّ	لِنَتَعَجَّلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۲۱	۳ (۱) باب تفعّل مضاعف، اَلتَّكَرُّر (تکرار شدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر
۱	تَكَرَّرَ	تُكُرِّرَ بِهِ	يَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِهِ	اَنْ يَتَكَرَّرَ	غایب مذکر مفرد هُوَ
۲	تَكَرَّرَا	تُكُرِّرَ بِهِمَا	يَتَكَرَّرَانِ	يُتَكَرَّرُ بِهِمَا	اَنْ يَتَكَرَّرَا	غایب مذکر مثنی هُمَا
۳	تَكَرَّرُوْا	تُكُرِّرَ بِهِمْ	يَتَكَرَّرُوْنَ	يُتَكَرَّرُ بِهِمْ	اَنْ يَتَكَرَّرُوْا	غایب مذکر جمع هُمْ
۴	تَكَرَّرَتْ	تُكُرِّرَ بِهَا	تَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِهَا	اَنْ تَتَكَرَّرَ	غایب مؤنث مفرد هِيَ
۵	تَكَرَّرَتَا	تُكُرِّرَ بِهِمَا	تَتَكَرَّرَانِ	يُتَكَرَّرُ بِهِمَا	اَنْ تَتَكَرَّرَا	غایب مؤنث مثنی هُمَا
۶	تَكَرَّرْنَ	تُكُرِّرَ بِهِنَّ	يَتَكَرَّرْنَ	يُتَكَرَّرُ بِهِنَّ	اَنْ يَتَكَرَّرْنَ	غایب مؤنث جمع هُنَّ
۷	تَكَرَّرْتَ	تُكُرِّرَ بِكَ	تَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِكَ	اَنْ تَتَكَرَّرَ	مخاطب مذکر مفرد اَنْتَ
۸	تَكَرَّرْتُمَا	تُكُرِّرَ بِكُمَا	تَتَكَرَّرَانِ	يُتَكَرَّرُ بِكُمَا	اَنْ تَتَكَرَّرَا	مخاطب مذکر مثنی اَنْتُمَا
۹	تَكَرَّرْتُمْ	تُكُرِّرَ بِكُمْ	تَتَكَرَّرُوْنَ	يُتَكَرَّرُ بِكُمْ	اَنْ تَتَكَرَّرُوْا	مخاطب مذکر جمع اَنْتُمْ
۱۰	تَكَرَّرْتِ	تُكُرِّرَ بِكِ	تَتَكَرَّرِيْنَ	يُتَكَرَّرُ بِكِ	اَنْ تَتَكَرَّرِي	مخاطب مؤنث مفرد اَنْتِ
۱۱	تَكَرَّرْتُمَا	تُكُرِّرَ بِكُمَا	تَتَكَرَّرَانِ	يُتَكَرَّرُ بِكُمَا	اَنْ تَتَكَرَّرَا	مخاطب مؤنث مثنی اَنْتُمَا
۱۲	تَكَرَّرْتُنَّ	تُكُرِّرَ بِكُنَّ	تَتَكَرَّرْنَ	يُتَكَرَّرُ بِكُنَّ	اَنْ تَتَكَرَّرْنَ	مخاطب مؤنث جمع اَنْتُنَّ
۱۳	تَكَرَّرْتُ	تُكُرِّرَ بِي	أَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِي	اَنْ أَتَكَرَّرَ	متکلم مذکر و مؤنث واحد اَنَا
۱۴	تَكَرَّرْنَا	تُكُرِّرَ بِنَا	نَتَكَرَّرُ	يُتَكَرَّرُ بِنَا	اَنْ نَتَكَرَّرَ	متکلم مذکر و مؤنث جمع نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۲۲	۳ (۲) امر معلوم و مجهول			
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر	
۱	لِيَتَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِهِ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	لِيَتَكَرَّرَا	لِيُتَكَرَّرْ بِهِمَا	هُمَا (مثنی)	
۳	لِيَتَكَرَّرُوْا	لِيُتَكَرَّرْ بِهِمْ	هُمْ (جمع)	
۴	لِتَتَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِهَا	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	لِتَتَكَرَّرَا	لِيُتَكَرَّرْ بِهِمَا	هُمَا (مثنی)	
۶	لِيَتَكَرَّرْنَ	لِيُتَكَرَّرْ بِهِنَّ	هُنَّ (جمع)	
۷	تَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِكَ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	تَكَرَّرَا	لِيُتَكَرَّرْ بِكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	تَكَرَّرُوْا	لِيُتَكَرَّرْ بِكُمْ	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	تَكَرَّرِي	لِيُتَكَرَّرْ بِكِ	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	تَكَرَّرَا	لِيُتَكَرَّرْ بِكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	تَكَرَّرْنَ	لِيُتَكَرَّرْ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	لِأَتَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِي	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	لِنَتَكَرَّرْ	لِيُتَكَرَّرْ بِنَا	نَحْنُ (مع الغير)	

تصویر



صفحه ۲۲۳	۳ (۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَتَكَرَّرْ	لا يَتَكَرَّرْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	لَمْ يَتَكَرَّرَا	لا يَتَكَرَّرَا	هُمَا (مثنی)	
۳	لَمْ يَتَكَرَّرُوْا	لا يَتَكَرَّرُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	لَمْ تَتَكَرَّرْ	لا تَتَكَرَّرْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	لَمْ تَتَكَرَّرَا	لا تَتَكَرَّرَا	هُمَا (مثنی)	
۶	لَمْ يَتَكَرَّرْنَ	لا يَتَكَرَّرْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	لَمْ تَتَكَرَّرْ	لا تَتَكَرَّرْ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	لَمْ تَتَكَرَّرَا	لا تَتَكَرَّرَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	لَمْ تَتَكَرَّرُوْا	لا تَتَكَرَّرُوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	لَمْ تَتَكَرَّرِي	لا تَتَكَرَّرِي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	لَمْ تَتَكَرَّرَا	لا تَتَكَرَّرَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	لَمْ تَتَكَرَّرْنَ	لا تَتَكَرَّرْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	لَمْ أَتَكَرَّرْ	لا أَتَكَرَّرْ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	لَمْ نَتَكَرَّرْ	لا نَتَكَرَّرْ	نَحْنُ (مع الغیر)	

تصویر



صفحه ۲۲۴	نون تأکید ۳ (۴)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِ	لِيَتَكَرَّرَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَكَرَّرَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَكَرَّرُنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِمْ	لِيَتَكَرَّرُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهَا	لِتَتَكَرَّرَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَكَرَّرَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَكَرَّرْنَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكَ	تَكَرَّرَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَكَرَّرَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَكَرَّرُنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكُمْ	تَكَرَّرُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَكَرَّرِنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكِ	تَكَرَّرِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَكَرَّرَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَكَرَّرْنَانِّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِي	لِأَتَكَرَّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَكَرَّرَنَّ	لِيُتَكَرَّرَنَّ بِنَا	لِنَتَكَرَّرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

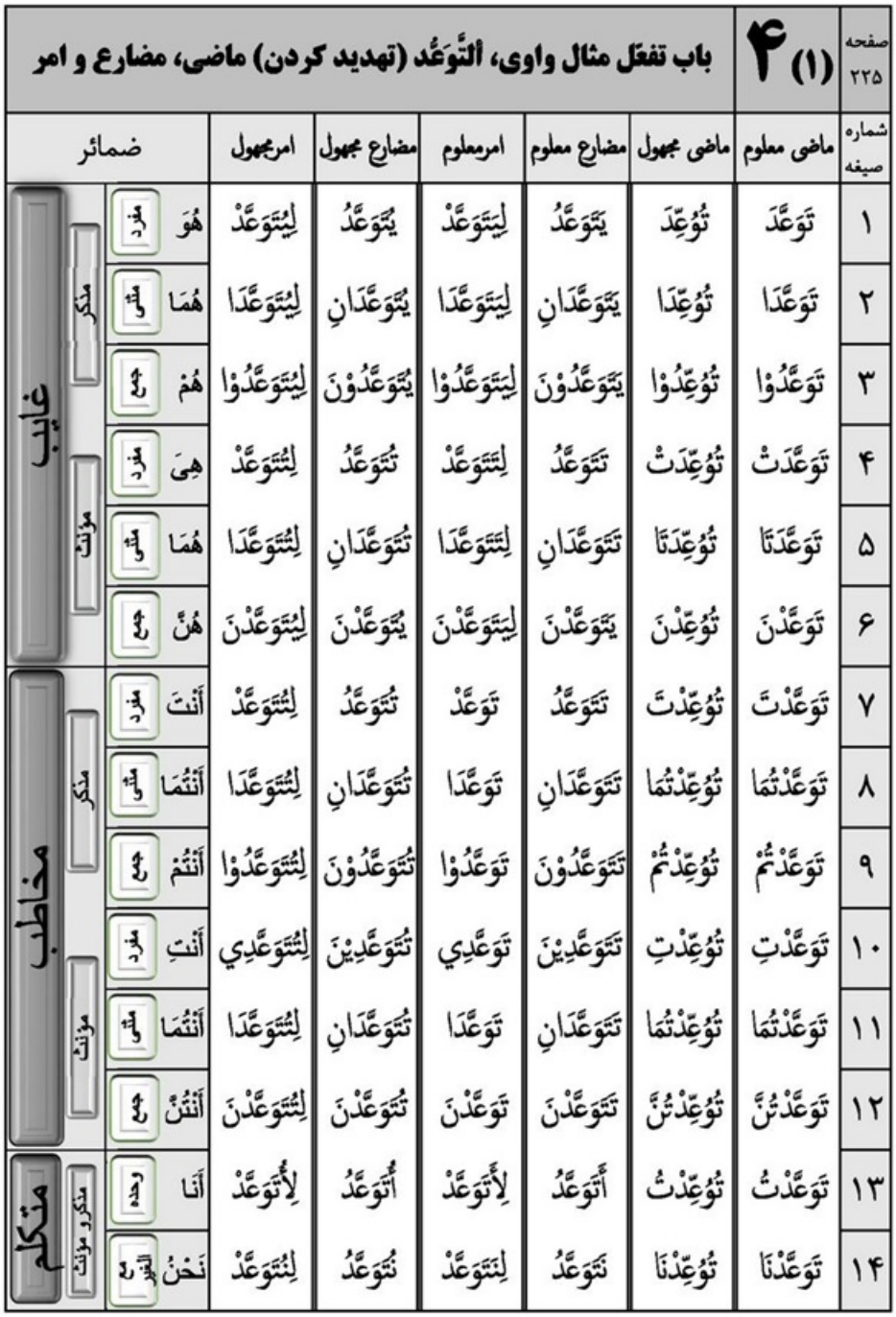

صفحه ۲۲۵	۴ (۱) باب تفعّل مثال واوی، اَلتَّوَعُّد (تهدید کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَوَعَّدَ	تُوُعِّدَ	يَتَوَعَّدُ	لِيَتَوَعَّدْ	يُتَوَعَّدُ	لِيُتَوَعَّدْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَوَعَّدَا	تُوُعِّدَا	يَتَوَعَّدَانِ	لِيَتَوَعَّدَا	يُتَوَعَّدَانِ	لِيُتَوَعَّدَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَوَعَّدُوْا	تُوُعِّدُوْا	يَتَوَعَّدُوْنَ	لِيَتَوَعَّدُوْا	يُتَوَعَّدُوْنَ	لِيُتَوَعَّدُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَوَعَّدَتْ	تُوُعِّدَتْ	تَتَوَعَّدُ	لِتَتَوَعَّدْ	تُتَوَعَّدُ	لِتُتَوَعَّدْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَوَعَّدَتَا	تُوُعِّدَتَا	تَتَوَعَّدَانِ	لِتَتَوَعَّدَا	تُتَوَعَّدَانِ	لِتُتَوَعَّدَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَوَعَّدْنَ	تُوُعِّدْنَ	يَتَوَعَّدْنَ	لِيَتَوَعَّدْنَ	يُتَوَعَّدْنَ	لِيُتَوَعَّدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَوَعَّدْتَ	تُوُعِّدْتَ	تَتَوَعَّدُ	تَوَعَّدْ	تُتَوَعَّدُ	لِتُتَوَعَّدْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَوَعَّدْتُمَا	تُوُعِّدْتُمَا	تَتَوَعَّدَانِ	تَوَعَّدَا	تُتَوَعَّدَانِ	لِتُتَوَعَّدَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَوَعَّدْتُمْ	تُوُعِّدْتُمْ	تَتَوَعَّدُوْنَ	تَوَعَّدُوْا	تُتَوَعَّدُوْنَ	لِتُتَوَعَّدُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَوَعَّدْتِ	تُوُعِّدْتِ	تَتَوَعَّدِيْنَ	تَوَعَّدِي	تُتَوَعَّدِيْنَ	لِتُتَوَعَّدِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَوَعَّدْتُمَا	تُوُعِّدْتُمَا	تَتَوَعَّدَانِ	تَوَعَّدَا	تُتَوَعَّدَانِ	لِتُتَوَعَّدَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَوَعَّدْتُنَّ	تُوُعِّدْتُنَّ	تَتَوَعَّدْنَ	تَوَعَّدْنَ	تُتَوَعَّدْنَ	لِتُتَوَعَّدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَوَعَّدْتُ	تُوُعِّدْتُ	أَتَوَعَّدُ	لِأَتَوَعَّدْ	أُتَوَعَّدُ	لِأُتَوَعَّدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَوَعَّدْنَا	تُوُعِّدْنَا	نَتَوَعَّدُ	لِنَتَوَعَّدْ	نُتَوَعَّدُ	لِنُتَوَعَّدْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۲۶	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی				
۱	ما تَوَعَّدَ	لا يَتَوَعَّدُ	اَنْ يَتَوَعَّدَ	لا يَتَوَعَّدْ	غایب	مذکر	مفرد	هُوَ
۲	ما تَوَعَّدَا	لا يَتَوَعَّدَانِ	اَنْ يَتَوَعَّدَا	لا يَتَوَعَّدَا			مثنی	هُمَا
۳	ما تَوَعَّدُوْا	لا يَتَوَعَّدُوْنَ	اَنْ يَتَوَعَّدُوْا	لا يَتَوَعَّدُوْا			جمع	هُمْ
۴	ما تَوَعَّدَتْ	لا تَتَوَعَّدُ	اَنْ تَتَوَعَّدَ	لا تَتَوَعَّدْ		مؤنث	مفرد	هِيَ
۵	ما تَوَعَّدَتَا	لا تَتَوَعَّدَانِ	اَنْ تَتَوَعَّدَا	لا تَتَوَعَّدَا			مثنی	هُمَا
۶	ما تَوَعَّدْنَ	لا يَتَوَعَّدْنَ	اَنْ يَتَوَعَّدْنَ	لا يَتَوَعَّدْنَ			جمع	هُنَّ
۷	ما تَوَعَّدْتَ	لا تَتَوَعَّدُ	اَنْ تَتَوَعَّدَ	لا تَتَوَعَّدْ	مخاطب	مذکر	مفرد	اَنْتَ
۸	ما تَوَعَّدْتُمَا	لا تَتَوَعَّدَانِ	اَنْ تَتَوَعَّدَا	لا تَتَوَعَّدَا			مثنی	اَنْتُمَا
۹	ما تَوَعَّدْتُمْ	لا تَتَوَعَّدُوْنَ	اَنْ تَتَوَعَّدُوْا	لا تَتَوَعَّدُوْا			جمع	اَنْتُمْ
۱۰	ما تَوَعَّدْتِ	لا تَتَوَعَّدِيْنَ	اَنْ تَتَوَعَّدِي	لا تَتَوَعَّدِي		مؤنث	مفرد	اَنْتِ
۱۱	ما تَوَعَّدْتُمَا	لا تَتَوَعَّدَانِ	اَنْ تَتَوَعَّدَا	لا تَتَوَعَّدَا			مثنی	اَنْتُمَا
۱۲	ما تَوَعَّدْتُنَّ	لا تَتَوَعَّدْنَ	اَنْ تَتَوَعَّدْنَ	لا تَتَوَعَّدْنَ			جمع	اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَوَعَّدْتُ	لا أَتَوَعَّدُ	اَنْ أَتَوَعَّدَ	لا أَتَوَعَّدْ	متکلم	مذکر و مؤنث	واحد	اَنَا
۱۴	ما تَوَعَّدْنَا	لا نَتَوَعَّدُ	اَنْ نَتَوَعَّدَ	لا نَتَوَعَّدْ			جمع	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۲۷	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَوَعَّدَنَّ	لِيُتَوَعَّدَنَّ	لِيَتَوَعَّدَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَوَعَّدَانِّ	لِيُتَوَعَّدَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَوَعَّدُنَّ	لِيُتَوَعَّدُنَّ	لِيَتَوَعَّدُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَوَعَّدَنَّ	لِتُتَوَعَّدَنَّ	لِتَتَوَعَّدَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَوَعَّدَانِّ	لِتُتَوَعَّدَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَوَعَّدْنَانِّ	لِيُتَوَعَّدْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَوَعَّدَنَّ	لِتُتَوَعَّدَنَّ	تَوَعَّدَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَوَعَّدَانِّ	لِتُتَوَعَّدَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَوَعَّدُنَّ	لِتُتَوَعَّدُنَّ	تَوَعَّدُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَوَعَّدِنَّ	لِتُتَوَعَّدِنَّ	تَوَعَّدِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَوَعَّدَانِّ	لِتُتَوَعَّدَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَوَعَّدْنَانِّ	لِتُتَوَعَّدْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَوَعَّدَنَّ	لِأُتَوَعَّدَنَّ	لِأَتَوَعَّدَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَوَعَّدَنَّ	لِنُتَوَعَّدَنَّ	لِنَتَوَعَّدَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

ص: ۲۲۷

تصویر



صفحه ۲۲۸	۵ (۱) باب تفعّل مثال یایی، اَلتَّیَسُّر (آماده شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَیَسَّرَ	تُیُسِّرَبِهِ	یَتَیَسَّرُ	لِیَتَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِهِ	لِیُتَیَسَّرْبِهِ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	تَیَسَّرَا	تُیُسِّرَبِهِمَا	یَتَیَسَّرَانِ	لِیَتَیَسَّرَا	یُتَیَسَّرُبِهِمَا	لِیُتَیَسَّرْبِهِمَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	تَیَسَّرُوْا	تُیُسِّرَبِهِمْ	یَتَیَسَّرُوْنَ	لِیَتَیَسَّرُوْا	یُتَیَسَّرُبِهِمْ	لِیُتَیَسَّرْبِهِمْ	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	تَیَسَّرَتْ	تُیُسِّرَبِهَا	تَتَیَسَّرُ	لِتَتَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِهَا	لِیُتَیَسَّرْبِهَا	غایب، مؤنث، مفرد، هِیَ
۵	تَیَسَّرَتَا	تُیُسِّرَبِهِمَا	تَتَیَسَّرَانِ	لِتَتَیَسَّرَا	یُتَیَسَّرُبِهِمَا	لِیُتَیَسَّرْبِهِمَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	تَیَسَّرْنَ	تُیُسِّرَبِهِنَّ	یَتَیَسَّرْنَ	لِیَتَیَسَّرْنَ	یُتَیَسَّرُبِهِنَّ	لِیُتَیَسَّرْبِهِنَّ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	تَیَسَّرْتَ	تُیُسِّرَبِکَ	تَتَیَسَّرُ	تَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِکَ	لِیُتَیَسَّرْبِکَ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	تَیَسَّرْتُمَا	تُیُسِّرَبِکُمَا	تَتَیَسَّرَانِ	تَیَسَّرَا	یُتَیَسَّرُبِکُمَا	لِیُتَیَسَّرْبِکُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	تَیَسَّرْتُمْ	تُیُسِّرَبِکُمْ	تَتَیَسَّرُوْنَ	تَیَسَّرُوْا	یُتَیَسَّرُبِکُمْ	لِیُتَیَسَّرْبِکُمْ	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	تَیَسَّرْتِ	تُیُسِّرَبِکِ	تَتَیَسَّرِیْنَ	تَیَسَّرِي	یُتَیَسَّرُبِکِ	لِیُتَیَسَّرْبِکِ	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	تَیَسَّرْتُمَا	تُیُسِّرَبِکُمَا	تَتَیَسَّرَانِ	تَیَسَّرَا	یُتَیَسَّرُبِکُمَا	لِیُتَیَسَّرْبِکُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	تَیَسَّرْتُنَّ	تُیُسِّرَبِکُنَّ	تَتَیَسَّرْنَ	تَیَسَّرْنَ	یُتَیَسَّرُبِکُنَّ	لِیُتَیَسَّرْبِکُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	تَیَسَّرْتُ	تُیُسِّرَبِي	أَتَیَسَّرُ	لِأَتَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِي	لِیُتَیَسَّرْبِي	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	تَیَسَّرْنَا	تُیُسِّرَبِنَا	نَتَیَسَّرُ	لِنَتَیَسَّرْ	یُتَیَسَّرُبِنَا	لِیُتَیَسَّرْبِنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۲۹	۵ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			ضمائر		
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی			
۱	ما تَيَسَّرَ	لا يَتَيَسَّرُ	اَنْ يَتَيَسَّرَ	لا يَتَيَسَّرْ	هُوَ	مفرد	غایب — مذکر
۲	ما تَيَسَّرَا	لا يَتَيَسَّرَانِ	اَنْ يَتَيَسَّرَا	لا يَتَيَسَّرَا	هُمَا	مثنی	
۳	ما تَيَسَّرُوْا	لا يَتَيَسَّرُوْنَ	اَنْ يَتَيَسَّرُوْا	لا يَتَيَسَّرُوْا	هُمْ	جمع	
۴	ما تَيَسَّرَتْ	لا تَتَيَسَّرُ	اَنْ تَتَيَسَّرَ	لا تَتَيَسَّرْ	هِيَ	مفرد	غایب — مؤنث
۵	ما تَيَسَّرَتَا	لا تَتَيَسَّرَانِ	اَنْ تَتَيَسَّرَا	لا تَتَيَسَّرَا	هُمَا	مثنی	
۶	ما تَيَسَّرْنَ	لا يَتَيَسَّرْنَ	اَنْ يَتَيَسَّرْنَ	لا يَتَيَسَّرْنَ	هُنَّ	جمع	
۷	ما تَيَسَّرْتَ	لا تَتَيَسَّرُ	اَنْ تَتَيَسَّرَ	لا تَتَيَسَّرْ	اَنْتَ	مفرد	مخاطب — مذکر
۸	ما تَيَسَّرْتُمَا	لا تَتَيَسَّرَانِ	اَنْ تَتَيَسَّرَا	لا تَتَيَسَّرَا	اَنْتُمَا	مثنی	
۹	ما تَيَسَّرْتُمْ	لا تَتَيَسَّرُوْنَ	اَنْ تَتَيَسَّرُوْا	لا تَتَيَسَّرُوْا	اَنْتُمْ	جمع	
۱۰	ما تَيَسَّرْتِ	لا تَتَيَسَّرِيْنَ	اَنْ تَتَيَسَّرِي	لا تَتَيَسَّرِي	اَنْتِ	مفرد	مخاطب — مؤنث
۱۱	ما تَيَسَّرْتُمَا	لا تَتَيَسَّرَانِ	اَنْ تَتَيَسَّرَا	لا تَتَيَسَّرَا	اَنْتُمَا	مثنی	
۱۲	ما تَيَسَّرْتُنَّ	لا تَتَيَسَّرْنَ	اَنْ تَتَيَسَّرْنَ	لا تَتَيَسَّرْنَ	اَنْتُنَّ	جمع	
۱۳	ما تَيَسَّرْتُ	لا اَتَيَسَّرُ	اَنْ اَتَيَسَّرَ	لا اَتَيَسَّرْ	اَنَا	وحده	متکلم — مذکر و مؤنث
۱۴	ما تَيَسَّرْنَا	لا نَتَيَسَّرُ	اَنْ نَتَيَسَّرَ	لا نَتَيَسَّرْ	نَحْنُ	جمع	

تصویر



صفحه ۲۳۰	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِ	لِيَتَيَسَّرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَيَسَّرَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَيَسَّرُنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِمْ	لِيَتَيَسَّرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهَا	لِتَتَيَسَّرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَيَسَّرَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَيَسَّرْنَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكَ	تَيَسَّرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَيَسَّرَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَيَسَّرُنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكُمْ	تَيَسَّرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَيَسَّرِنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكِ	تَيَسَّرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَيَسَّرَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَيَسَّرْنَانِّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِي	لِأَتَيَسَّرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَيَسَّرَنَّ	لِيُتَيَسَّرَنَّ بِنَا	لِنَتَيَسَّرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

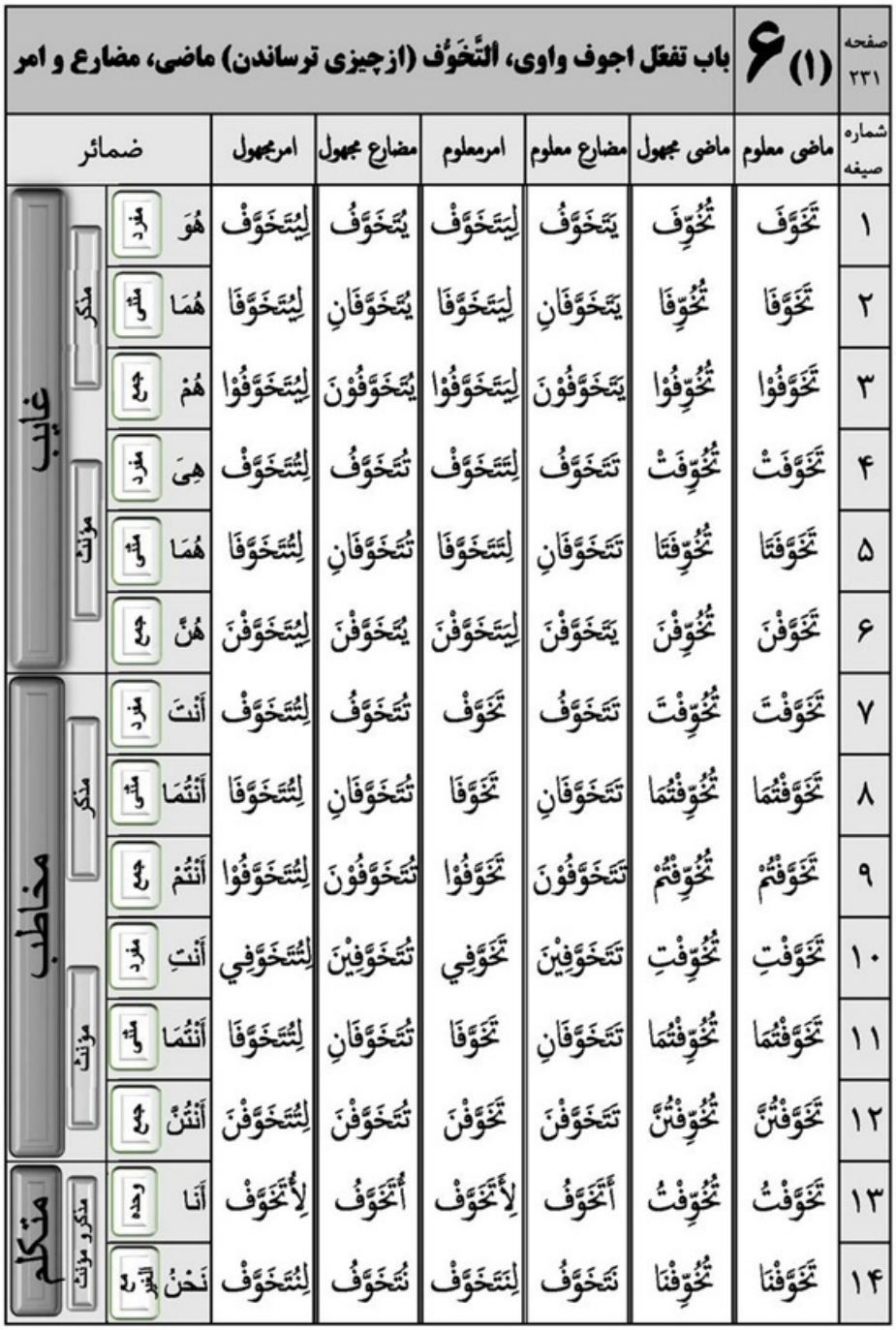

صفحه ۲۳۱	(۱) ۶ باب تفعّل اجوف واوی، اَلتَّخَوُّف (ازچیزی ترساندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَخَوَّفَ	تُخُوِّفَ	يَتَخَوَّفُ	لِيَتَخَوَّفْ	يُتَخَوَّفُ	لِيُتَخَوَّفْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	تَخَوَّفَا	تُخُوِّفَا	يَتَخَوَّفَانِ	لِيَتَخَوَّفَا	يُتَخَوَّفَانِ	لِيُتَخَوَّفَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	تَخَوَّفُوْا	تُخُوِّفُوْا	يَتَخَوَّفُوْنَ	لِيَتَخَوَّفُوْا	يُتَخَوَّفُوْنَ	لِيُتَخَوَّفُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	تَخَوَّفَتْ	تُخُوِّفَتْ	تَتَخَوَّفُ	لِتَتَخَوَّفْ	تُتَخَوَّفُ	لِتُتَخَوَّفْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	تَخَوَّفَتَا	تُخُوِّفَتَا	تَتَخَوَّفَانِ	لِتَتَخَوَّفَا	تُتَخَوَّفَانِ	لِتُتَخَوَّفَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	تَخَوَّفْنَ	تُخُوِّفْنَ	يَتَخَوَّفْنَ	لِيَتَخَوَّفْنَ	يُتَخَوَّفْنَ	لِيُتَخَوَّفْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	تَخَوَّفْتَ	تُخُوِّفْتَ	تَتَخَوَّفُ	تَخَوَّفْ	تُتَخَوَّفُ	لِتُتَخَوَّفْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	تَخَوَّفْتُمَا	تُخُوِّفْتُمَا	تَتَخَوَّفَانِ	تَخَوَّفَا	تُتَخَوَّفَانِ	لِتُتَخَوَّفَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	تَخَوَّفْتُمْ	تُخُوِّفْتُمْ	تَتَخَوَّفُوْنَ	تَخَوَّفُوْا	تُتَخَوَّفُوْنَ	لِتُتَخَوَّفُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	تَخَوَّفْتِ	تُخُوِّفْتِ	تَتَخَوَّفِيْنَ	تَخَوَّفِي	تُتَخَوَّفِيْنَ	لِتُتَخَوَّفِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	تَخَوَّفْتُمَا	تُخُوِّفْتُمَا	تَتَخَوَّفَانِ	تَخَوَّفَا	تُتَخَوَّفَانِ	لِتُتَخَوَّفَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	تَخَوَّفْتُنَّ	تُخُوِّفْتُنَّ	تَتَخَوَّفْنَ	تَخَوَّفْنَ	تُتَخَوَّفْنَ	لِتُتَخَوَّفْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	تَخَوَّفْتُ	تُخُوِّفْتُ	أَتَخَوَّفُ	لِأَتَخَوَّفْ	أُتَخَوَّفُ	لِأُتَخَوَّفْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	تَخَوَّفْنَا	تُخُوِّفْنَا	نَتَخَوَّفُ	لِنَتَخَوَّفْ	نُتَخَوَّفُ	لِنُتَخَوَّفْ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۳۲	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَخَوَّفَ	لا يَتَخَوَّفُ	اَنْ يَتَخَوَّفَ	لا يَتَخَوَّفْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما تَخَوَّفَا	لا يَتَخَوَّفَانِ	اَنْ يَتَخَوَّفَا	لا يَتَخَوَّفَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما تَخَوَّفُوْا	لا يَتَخَوَّفُوْنَ	اَنْ يَتَخَوَّفُوْا	لا يَتَخَوَّفُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما تَخَوَّفَتْ	لا تَتَخَوَّفُ	اَنْ تَتَخَوَّفَ	لا تَتَخَوَّفْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما تَخَوَّفَتَا	لا تَتَخَوَّفَانِ	اَنْ تَتَخَوَّفَا	لا تَتَخَوَّفَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما تَخَوَّفْنَ	لا يَتَخَوَّفْنَ	اَنْ يَتَخَوَّفْنَ	لا يَتَخَوَّفْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما تَخَوَّفْتَ	لا تَتَخَوَّفُ	اَنْ تَتَخَوَّفَ	لا تَتَخَوَّفْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما تَخَوَّفْتُمَا	لا تَتَخَوَّفَانِ	اَنْ تَتَخَوَّفَا	لا تَتَخَوَّفَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما تَخَوَّفْتُمْ	لا تَتَخَوَّفُوْنَ	اَنْ تَتَخَوَّفُوْا	لا تَتَخَوَّفُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما تَخَوَّفْتِ	لا تَتَخَوَّفِيْنَ	اَنْ تَتَخَوَّفِي	لا تَتَخَوَّفِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما تَخَوَّفْتُمَا	لا تَتَخَوَّفَانِ	اَنْ تَتَخَوَّفَا	لا تَتَخَوَّفَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما تَخَوَّفْتُنَّ	لا تَتَخَوَّفْنَ	اَنْ تَتَخَوَّفْنَ	لا تَتَخَوَّفْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَخَوَّفْتُ	لا أَتَخَوَّفُ	اَنْ أَتَخَوَّفَ	لا أَتَخَوَّفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	ما تَخَوَّفْنَا	لا نَتَخَوَّفُ	اَنْ نَتَخَوَّفَ	لا نَتَخَوَّفْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۳۳	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَخَوَّفَنَّ	لِيُتَخَوَّفَنَّ	لِيَتَخَوَّفَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَخَوَّفَانِّ	لِيُتَخَوَّفَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَخَوَّفُنَّ	لِيُتَخَوَّفُنَّ	لِيَتَخَوَّفُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَخَوَّفَنَّ	لِتُتَخَوَّفَنَّ	لِتَتَخَوَّفَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَخَوَّفَانِّ	لِتُتَخَوَّفَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَخَوَّفْنَانِّ	لِيُتَخَوَّفْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَخَوَّفَنَّ	لِتُتَخَوَّفَنَّ	تَخَوَّفَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَخَوَّفَانِّ	لِتُتَخَوَّفَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَخَوَّفُنَّ	لِتُتَخَوَّفُنَّ	تَخَوَّفُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَخَوَّفِنَّ	لِتُتَخَوَّفِنَّ	تَخَوَّفِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَخَوَّفَانِّ	لِتُتَخَوَّفَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَخَوَّفْنَانِّ	لِتُتَخَوَّفْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَخَوَّفَنَّ	لِأُتَخَوَّفَنَّ	لِأَتَخَوَّفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَخَوَّفَنَّ	لِنُتَخَوَّفَنَّ	لِنَتَخَوَّفَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

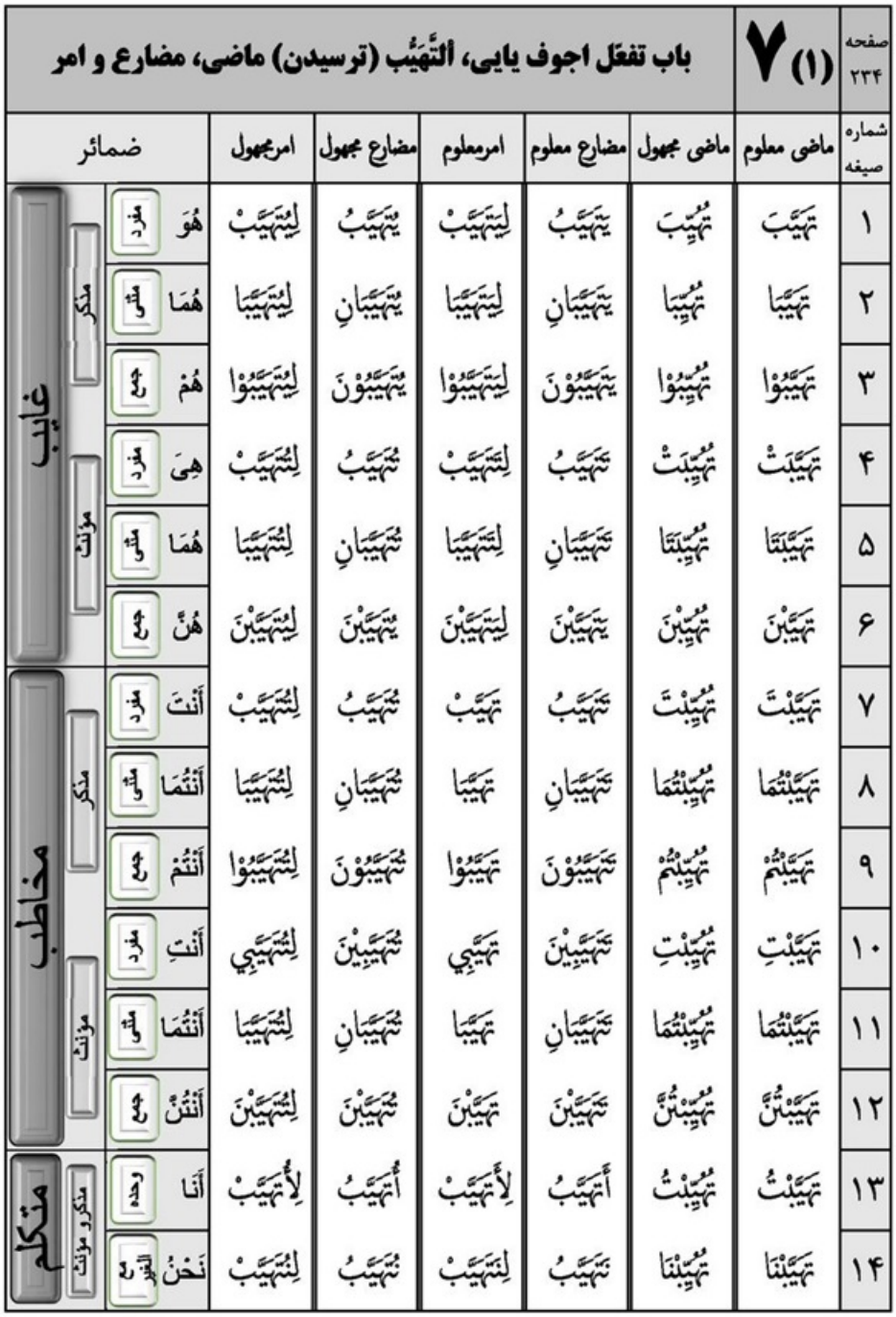

صفحه ۲۳۴	(۱) ۷ باب تفعّل اجوف یایی، اَلتَّهَیُّب (ترسیدن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول
۱	تَهَیَّبَ	تُهُیِّبَ	یَتَهَیَّبُ	لِیَتَهَیَّبْ	یُتَهَیَّبُ	لِیُتَهَیَّبْ
۲	تَهَیَّبَا	تُهُیِّبَا	یَتَهَیَّبَانِ	لِیَتَهَیَّبَا	یُتَهَیَّبَانِ	لِیُتَهَیَّبَا
۳	تَهَیَّبُوْا	تُهُیِّبُوْا	یَتَهَیَّبُوْنَ	لِیَتَهَیَّبُوْا	یُتَهَیَّبُوْنَ	لِیُتَهَیَّبُوْا
۴	تَهَیَّبَتْ	تُهُیِّبَتْ	تَتَهَیَّبُ	لِتَتَهَیَّبْ	تُتَهَیَّبُ	لِتُتَهَیَّبْ
۵	تَهَیَّبَتَا	تُهُیِّبَتَا	تَتَهَیَّبَانِ	لِتَتَهَیَّبَا	تُتَهَیَّبَانِ	لِتُتَهَیَّبَا
۶	تَهَیَّبْنَ	تُهُیِّبْنَ	یَتَهَیَّبْنَ	لِیَتَهَیَّبْنَ	یُتَهَیَّبْنَ	لِیُتَهَیَّبْنَ
۷	تَهَیَّبْتَ	تُهُیِّبْتَ	تَتَهَیَّبُ	تَهَیَّبْ	تُتَهَیَّبُ	لِتُتَهَیَّبْ
۸	تَهَیَّبْتُمَا	تُهُیِّبْتُمَا	تَتَهَیَّبَانِ	تَهَیَّبَا	تُتَهَیَّبَانِ	لِتُتَهَیَّبَا
۹	تَهَیَّبْتُمْ	تُهُیِّبْتُمْ	تَتَهَیَّبُوْنَ	تَهَیَّبُوْا	تُتَهَیَّبُوْنَ	لِتُتَهَیَّبُوْا
۱۰	تَهَیَّبْتِ	تُهُیِّبْتِ	تَتَهَیَّبِیْنَ	تَهَیَّبِي	تُتَهَیَّبِیْنَ	لِتُتَهَیَّبِي
۱۱	تَهَیَّبْتُمَا	تُهُیِّبْتُمَا	تَتَهَیَّبَانِ	تَهَیَّبَا	تُتَهَیَّبَانِ	لِتُتَهَیَّبَا
۱۲	تَهَیَّبْتُنَّ	تُهُیِّبْتُنَّ	تَتَهَیَّبْنَ	تَهَیَّبْنَ	تُتَهَیَّبْنَ	لِتُتَهَیَّبْنَ
۱۳	تَهَیَّبْتُ	تُهُیِّبْتُ	أَتَهَیَّبُ	لِأَتَهَیَّبْ	أُتَهَیَّبُ	لِأُتَهَیَّبْ
۱۴	تَهَیَّبْنَا	تُهُیِّبْنَا	نَتَهَیَّبُ	لِنَتَهَیَّبْ	نُتَهَیَّبُ	لِنُتَهَیَّبْ

ضمائر: غایب (مذکر: هُوَ مفرد، هُمَا مثنی، هُمْ جمع؛ مؤنث: هِیَ مفرد، هُمَا مثنی، هُنَّ جمع) — مخاطب (مذکر: أَنْتَ مفرد، أَنْتُمَا مثنی، أَنْتُمْ جمع؛ مؤنث: أَنْتِ مفرد، أَنْتُمَا مثنی، أَنْتُنَّ جمع) — متکلم (مذکر و مؤنث: أَنَا وحده، نَحْنُ مع الغیر)

تصویر



صفحه ۲۳۵	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَهَيَّبَ	لا يَتَهَيَّبُ	اَنْ يَتَهَيَّبَ	لا يَتَهَيَّبْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما تَهَيَّبَا	لا يَتَهَيَّبَانِ	اَنْ يَتَهَيَّبَا	لا يَتَهَيَّبَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما تَهَيَّبُوْا	لا يَتَهَيَّبُوْنَ	اَنْ يَتَهَيَّبُوْا	لا يَتَهَيَّبُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما تَهَيَّبَتْ	لا تَتَهَيَّبُ	اَنْ تَتَهَيَّبَ	لا تَتَهَيَّبْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما تَهَيَّبَتَا	لا تَتَهَيَّبَانِ	اَنْ تَتَهَيَّبَا	لا تَتَهَيَّبَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما تَهَيَّبْنَ	لا يَتَهَيَّبْنَ	اَنْ يَتَهَيَّبْنَ	لا يَتَهَيَّبْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما تَهَيَّبْتَ	لا تَتَهَيَّبُ	اَنْ تَتَهَيَّبَ	لا تَتَهَيَّبْ	مخاطب، مذکر، مفرد، اَنْتَ
۸	ما تَهَيَّبْتُمَا	لا تَتَهَيَّبَانِ	اَنْ تَتَهَيَّبَا	لا تَتَهَيَّبَا	مخاطب، مذکر، مثنی، اَنْتُمَا
۹	ما تَهَيَّبْتُمْ	لا تَتَهَيَّبُوْنَ	اَنْ تَتَهَيَّبُوْا	لا تَتَهَيَّبُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، اَنْتُمْ
۱۰	ما تَهَيَّبْتِ	لا تَتَهَيَّبِيْنَ	اَنْ تَتَهَيَّبِي	لا تَتَهَيَّبِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، اَنْتِ
۱۱	ما تَهَيَّبْتُمَا	لا تَتَهَيَّبَانِ	اَنْ تَتَهَيَّبَا	لا تَتَهَيَّبَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، اَنْتُمَا
۱۲	ما تَهَيَّبْتُنَّ	لا تَتَهَيَّبْنَ	اَنْ تَتَهَيَّبْنَ	لا تَتَهَيَّبْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَهَيَّبْتُ	لا أَتَهَيَّبُ	اَنْ أَتَهَيَّبَ	لا أَتَهَيَّبْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، اَنَا
۱۴	ما تَهَيَّبْنَا	لا نَتَهَيَّبُ	اَنْ نَتَهَيَّبَ	لا نَتَهَيَّبْ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع، نَحْنُ

تصویر

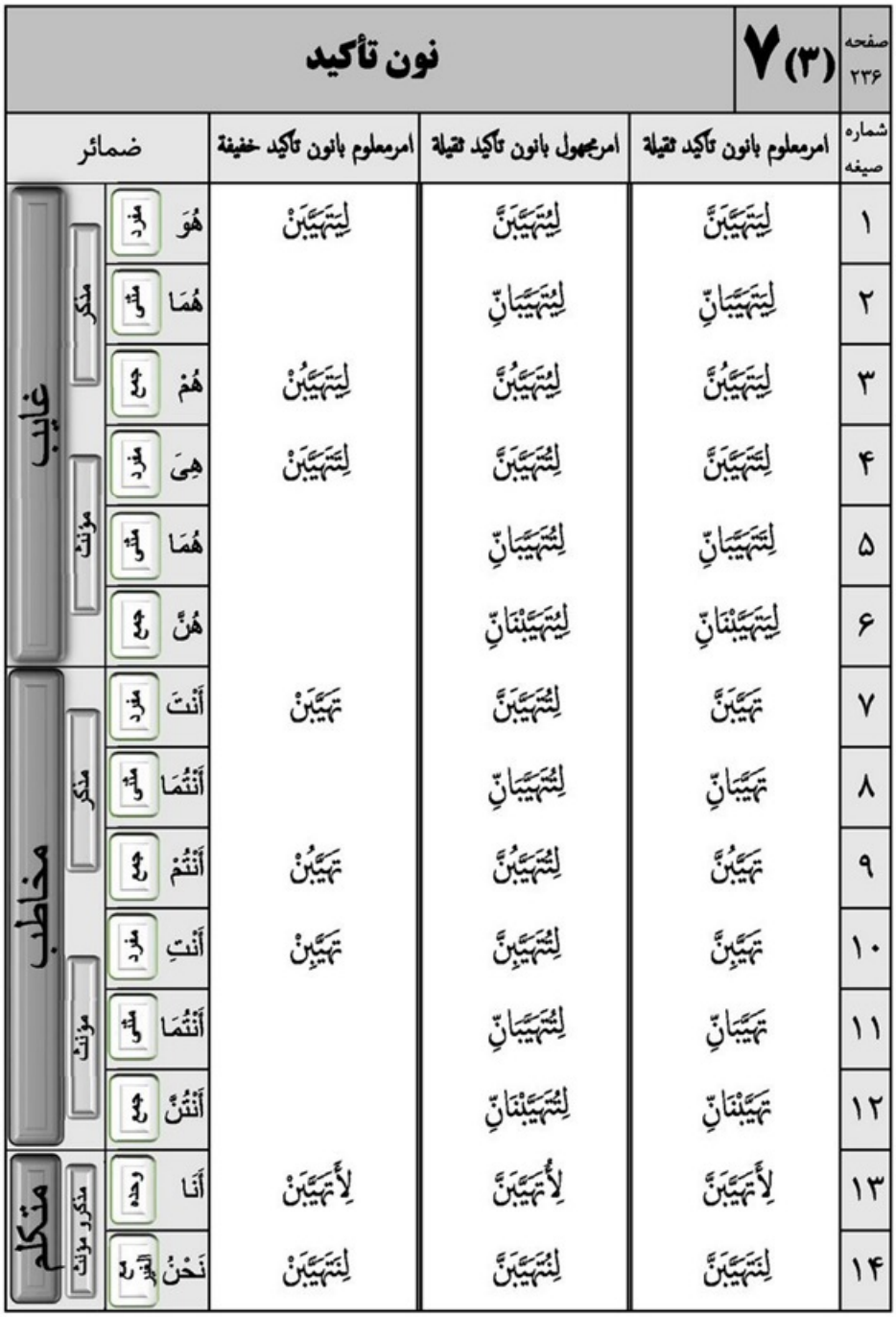

صفحه ۲۳۶	نون تأکید ۷ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَهَيَّبَنَّ	لِيُتَهَيَّبَنَّ	لِيَتَهَيَّبَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَهَيَّبَانِّ	لِيُتَهَيَّبَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَهَيَّبُنَّ	لِيُتَهَيَّبُنَّ	لِيَتَهَيَّبُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَهَيَّبَنَّ	لِتُتَهَيَّبَنَّ	لِتَتَهَيَّبَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَهَيَّبَانِّ	لِتُتَهَيَّبَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَهَيَّبْنَانِّ	لِيُتَهَيَّبْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَهَيَّبَنَّ	لِتُتَهَيَّبَنَّ	تَهَيَّبَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَهَيَّبَانِّ	لِتُتَهَيَّبَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَهَيَّبُنَّ	لِتُتَهَيَّبُنَّ	تَهَيَّبُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَهَيَّبِنَّ	لِتُتَهَيَّبِنَّ	تَهَيَّبِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَهَيَّبَانِّ	لِتُتَهَيَّبَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَهَيَّبْنَانِّ	لِتُتَهَيَّبْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَهَيَّبَنَّ	لِأُتَهَيَّبَنَّ	لِأَتَهَيَّبَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَهَيَّبَنَّ	لِنُتَهَيَّبَنَّ	لِنَتَهَيَّبَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

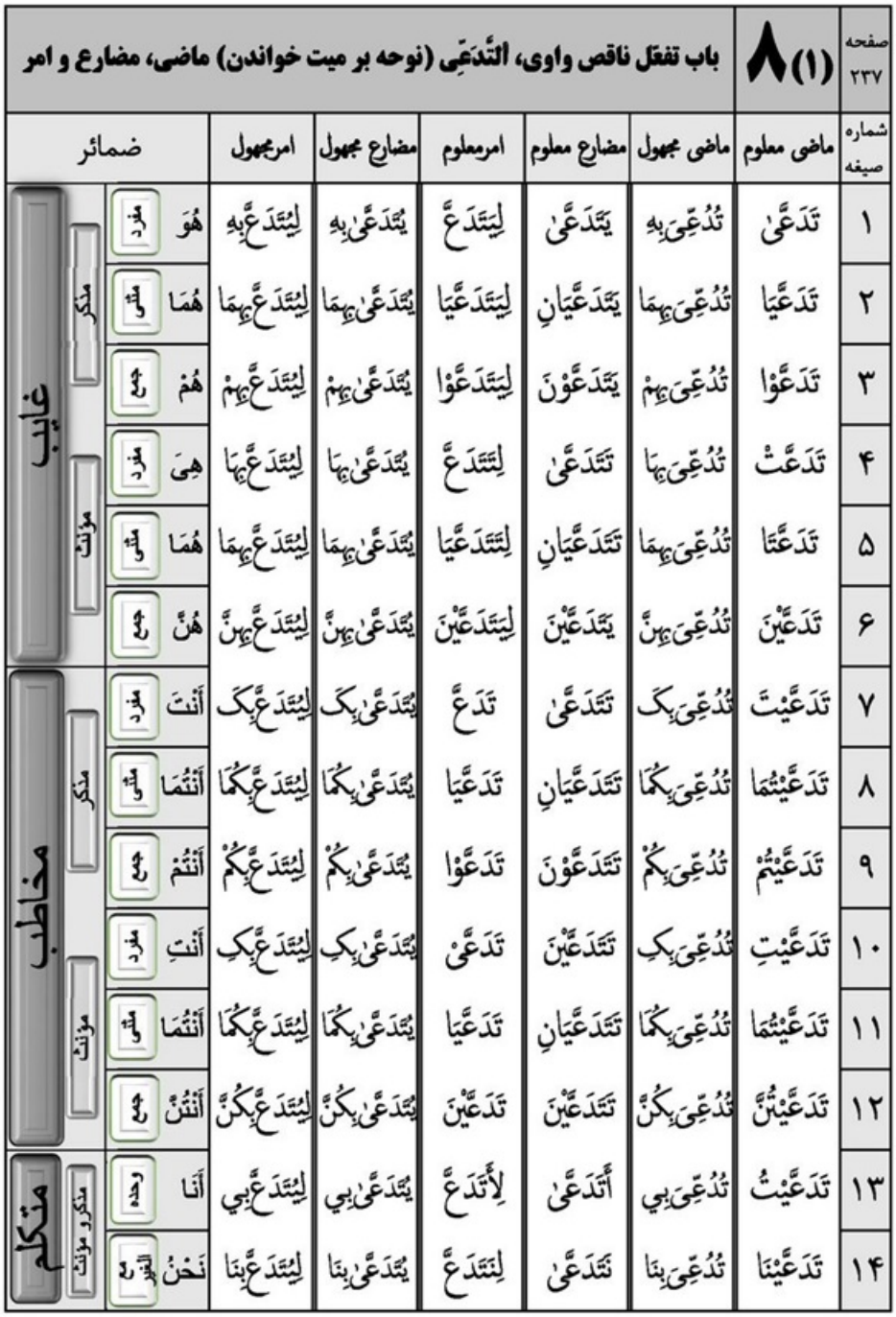

صفحه ۲۳۷	۸ (۱)	باب تفعّل ناقص واوی، التَّدَعّی (نوحه بر میت خواندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَدَعَّىٰ	تُدُعِّيَ بِهِ	يَتَدَعَّىٰ	لِيَتَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِهِ	لِيُتَدَعَّ بِهِ	هُوَ	غایب — مذکر — مفرد
۲	تَدَعَّيَا	تُدُعِّيَ بِهِمَا	يَتَدَعَّيَانِ	لِيَتَدَعَّيَا	يُتَدَعَّىٰ بِهِمَا	لِيُتَدَعَّ بِهِمَا	هُمَا	غایب — مذکر — مثنی
۳	تَدَعَّوْا	تُدُعِّيَ بِهِمْ	يَتَدَعَّوْنَ	لِيَتَدَعَّوْا	يُتَدَعَّىٰ بِهِمْ	لِيُتَدَعَّ بِهِمْ	هُمْ	غایب — مذکر — جمع
۴	تَدَعَّتْ	تُدُعِّيَ بِهَا	تَتَدَعَّىٰ	لِتَتَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِهَا	لِيُتَدَعَّ بِهَا	هِيَ	غایب — مؤنث — مفرد
۵	تَدَعَّتَا	تُدُعِّيَ بِهِمَا	تَتَدَعَّيَانِ	لِتَتَدَعَّيَا	يُتَدَعَّىٰ بِهِمَا	لِيُتَدَعَّ بِهِمَا	هُمَا	غایب — مؤنث — مثنی
۶	تَدَعَّيْنَ	تُدُعِّيَ بِهِنَّ	يَتَدَعَّيْنَ	لِيَتَدَعَّيْنَ	يُتَدَعَّىٰ بِهِنَّ	لِيُتَدَعَّ بِهِنَّ	هُنَّ	غایب — مؤنث — جمع
۷	تَدَعَّيْتَ	تُدُعِّيَ بِكَ	تَتَدَعَّىٰ	تَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِكَ	لِيُتَدَعَّ بِكَ	أَنْتَ	مخاطب — مذکر — مفرد
۸	تَدَعَّيْتُمَا	تُدُعِّيَ بِكُمَا	تَتَدَعَّيَانِ	تَدَعَّيَا	يُتَدَعَّىٰ بِكُمَا	لِيُتَدَعَّ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی
۹	تَدَعَّيْتُمْ	تُدُعِّيَ بِكُمْ	تَتَدَعَّوْنَ	تَدَعَّوْا	يُتَدَعَّىٰ بِكُمْ	لِيُتَدَعَّ بِكُمْ	أَنْتُمْ	مخاطب — مذکر — جمع
۱۰	تَدَعَّيْتِ	تُدُعِّيَ بِكِ	تَتَدَعَّيْنَ	تَدَعَّىٰ	يُتَدَعَّىٰ بِكِ	لِيُتَدَعَّ بِكِ	أَنْتِ	مخاطب — مؤنث — مفرد
۱۱	تَدَعَّيْتُمَا	تُدُعِّيَ بِكُمَا	تَتَدَعَّيَانِ	تَدَعَّيَا	يُتَدَعَّىٰ بِكُمَا	لِيُتَدَعَّ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی
۱۲	تَدَعَّيْتُنَّ	تُدُعِّيَ بِكُنَّ	تَتَدَعَّيْنَ	تَدَعَّيْنَ	يُتَدَعَّىٰ بِكُنَّ	لِيُتَدَعَّ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع
۱۳	تَدَعَّيْتُ	تُدُعِّيَ بِي	أَتَدَعَّىٰ	لِأَتَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِي	لِيُتَدَعَّ بِي	أَنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد
۱۴	تَدَعَّيْنَا	تُدُعِّيَ بِنَا	نَتَدَعَّىٰ	لِنَتَدَعَّ	يُتَدَعَّىٰ بِنَا	لِيُتَدَعَّ بِنَا	نَحْنُ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع

تصویر

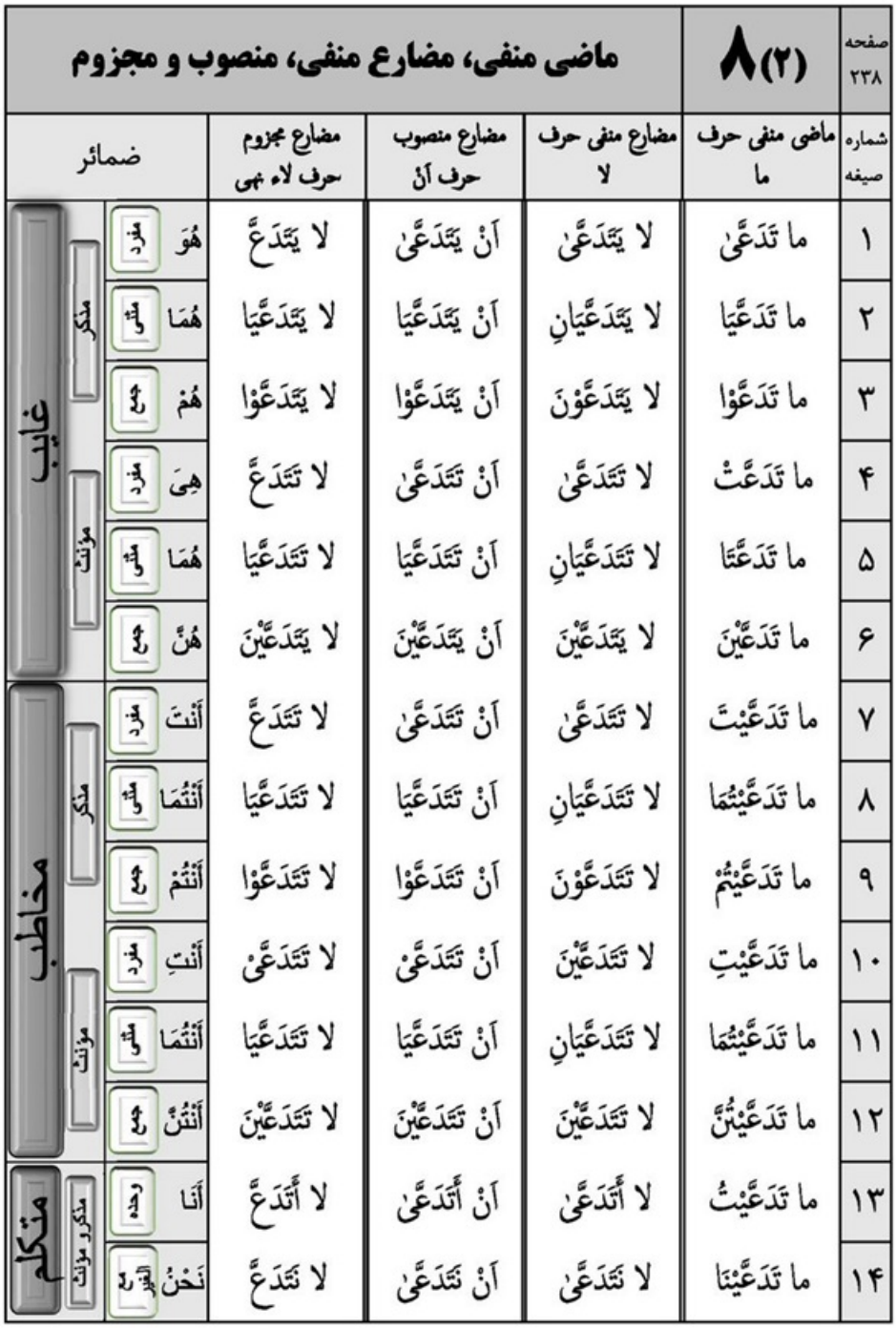

صفحه ۲۳۸	۸(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَدَعَّیٰ	لا یَتَدَعَّیٰ	اَنْ یَتَدَعَّیٰ	لا یَتَدَعَّ	غایب	هُوَ
۲	ما تَدَعَّیَا	لا یَتَدَعَّیَانِ	اَنْ یَتَدَعَّیَا	لا یَتَدَعَّیَا		هُمَا
۳	ما تَدَعَّوْا	لا یَتَدَعَّوْنَ	اَنْ یَتَدَعَّوْا	لا یَتَدَعَّوْا		هُمْ
۴	ما تَدَعَّتْ	لا تَتَدَعَّیٰ	اَنْ تَتَدَعَّیٰ	لا تَتَدَعَّ		هِیَ
۵	ما تَدَعَّتَا	لا تَتَدَعَّیَانِ	اَنْ تَتَدَعَّیَا	لا تَتَدَعَّیَا		هُمَا
۶	ما تَدَعَّیْنَ	لا یَتَدَعَّیْنَ	اَنْ یَتَدَعَّیْنَ	لا یَتَدَعَّیْنَ		هُنَّ
۷	ما تَدَعَّیْتَ	لا تَتَدَعَّیٰ	اَنْ تَتَدَعَّیٰ	لا تَتَدَعَّ	مخاطب	اَنْتَ
۸	ما تَدَعَّیْتُمَا	لا تَتَدَعَّیَانِ	اَنْ تَتَدَعَّیَا	لا تَتَدَعَّیَا		اَنْتُمَا
۹	ما تَدَعَّیْتُمْ	لا تَتَدَعَّوْنَ	اَنْ تَتَدَعَّوْا	لا تَتَدَعَّوْا		اَنْتُمْ
۱۰	ما تَدَعَّیْتِ	لا تَتَدَعَّیْنَ	اَنْ تَتَدَعَّیْ	لا تَتَدَعَّیْ		اَنْتِ
۱۱	ما تَدَعَّیْتُمَا	لا تَتَدَعَّیَانِ	اَنْ تَتَدَعَّیَا	لا تَتَدَعَّیَا		اَنْتُمَا
۱۲	ما تَدَعَّیْتُنَّ	لا تَتَدَعَّیْنَ	اَنْ تَتَدَعَّیْنَ	لا تَتَدَعَّیْنَ		اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَدَعَّیْتُ	لا اَتَدَعَّیٰ	اَنْ اَتَدَعَّیٰ	لا اَتَدَعَّ	متکلم	اَنَا
۱۴	ما تَدَعَّیْنَا	لا نَتَدَعَّیٰ	اَنْ نَتَدَعَّیٰ	لا نَتَدَعَّ		نَحْنُ

ص: ۲۳۸

تصویر



صفحه ۲۳۹	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِ	لِيَتَدَعَّيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَدَعَّيَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَدَعَّوُنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَدَعَّوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهَا	لِتَتَدَعَّيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَدَعَّيَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَدَعَّيْنَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكَ	تَدَعَّيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَعَّيَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَعَّوُنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكُمْ	تَدَعَّوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَعَّيِنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكِ	تَدَعَّيِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَعَّيَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَعَّيْنَانِّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِي	لِأَتَدَعَّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَدَعَّيَنَّ	لِيُتَدَعَّيَنَّ بِنَا	لِنَتَدَعَّيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

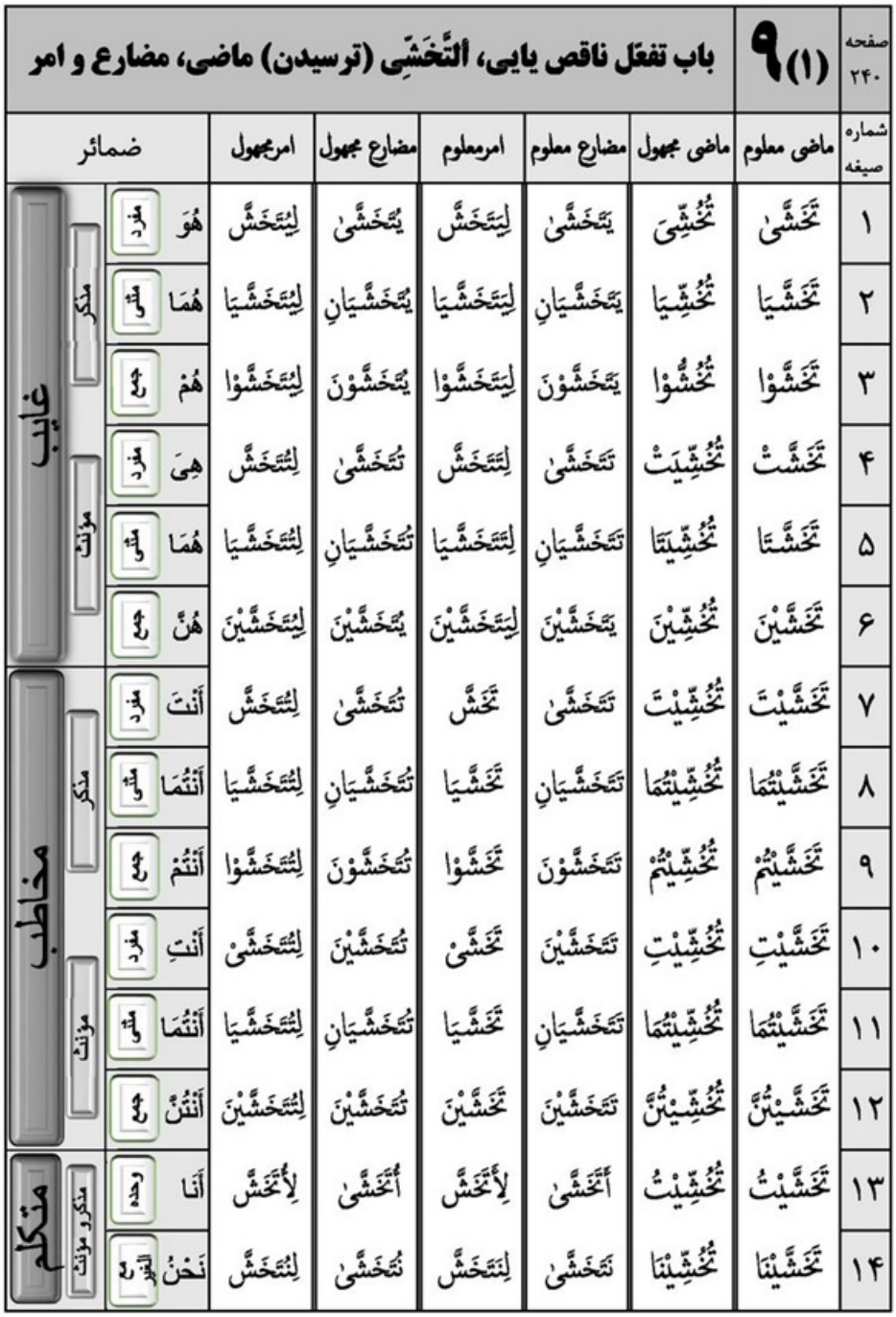

صفحه ۲۴۰	۹ (۱)	باب تفعّل ناقص یایی، اَلتَّخَشّی (ترسیدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَخَشَّیٰ	تُخُشِّیَ	یَتَخَشَّیٰ	لِیَتَخَشَّ	یُتَخَشَّیٰ	لِیُتَخَشَّ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	تَخَشَّیَا	تُخُشِّیَا	یَتَخَشَّیَانِ	لِیَتَخَشَّیَا	یُتَخَشَّیَانِ	لِیُتَخَشَّیَا	هُمَا (مثنی)	
۳	تَخَشَّوْا	تُخُشُّوْا	یَتَخَشَّوْنَ	لِیَتَخَشَّوْا	یُتَخَشَّوْنَ	لِیُتَخَشَّوْا	هُمْ (جمع)	
۴	تَخَشَّتْ	تُخُشِّیَتْ	تَتَخَشَّیٰ	لِتَتَخَشَّ	تُتَخَشَّیٰ	لِتُتَخَشَّ	هِیَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	تَخَشَّتَا	تُخُشِّیَتَا	تَتَخَشَّیَانِ	لِتَتَخَشَّیَا	تُتَخَشَّیَانِ	لِتُتَخَشَّیَا	هُمَا (مثنی)	
۶	تَخَشَّیْنَ	تُخُشِّیْنَ	یَتَخَشَّیْنَ	لِیَتَخَشَّیْنَ	یُتَخَشَّیْنَ	لِیُتَخَشَّیْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	تَخَشَّیْتَ	تُخُشِّیْتَ	تَتَخَشَّیٰ	تَخَشَّ	تُتَخَشَّیٰ	لِتُتَخَشَّ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	تَخَشَّیْتُمَا	تُخُشِّیْتُمَا	تَتَخَشَّیَانِ	تَخَشَّیَا	تُتَخَشَّیَانِ	لِتُتَخَشَّیَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	تَخَشَّیْتُمْ	تُخُشِّیْتُمْ	تَتَخَشَّوْنَ	تَخَشَّوْا	تُتَخَشَّوْنَ	لِتُتَخَشَّوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	تَخَشَّیْتِ	تُخُشِّیْتِ	تَتَخَشَّیْنَ	تَخَشَّیْ	تُتَخَشَّیْنَ	لِتُتَخَشَّیْ	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	تَخَشَّیْتُمَا	تُخُشِّیْتُمَا	تَتَخَشَّیَانِ	تَخَشَّیَا	تُتَخَشَّیَانِ	لِتُتَخَشَّیَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	تَخَشَّیْتُنَّ	تُخُشِّیْتُنَّ	تَتَخَشَّیْنَ	تَخَشَّیْنَ	تُتَخَشَّیْنَ	لِتُتَخَشَّیْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	تَخَشَّیْتُ	تُخُشِّیْتُ	أَتَخَشَّیٰ	لِأَتَخَشَّ	أُتَخَشَّیٰ	لِأُتَخَشَّ	أَنَا (واحد)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	تَخَشَّیْنَا	تُخُشِّیْنَا	نَتَخَشَّیٰ	لِنَتَخَشَّ	نُتَخَشَّیٰ	لِنُتَخَشَّ	نَحْنُ (جمع)	

تصویر

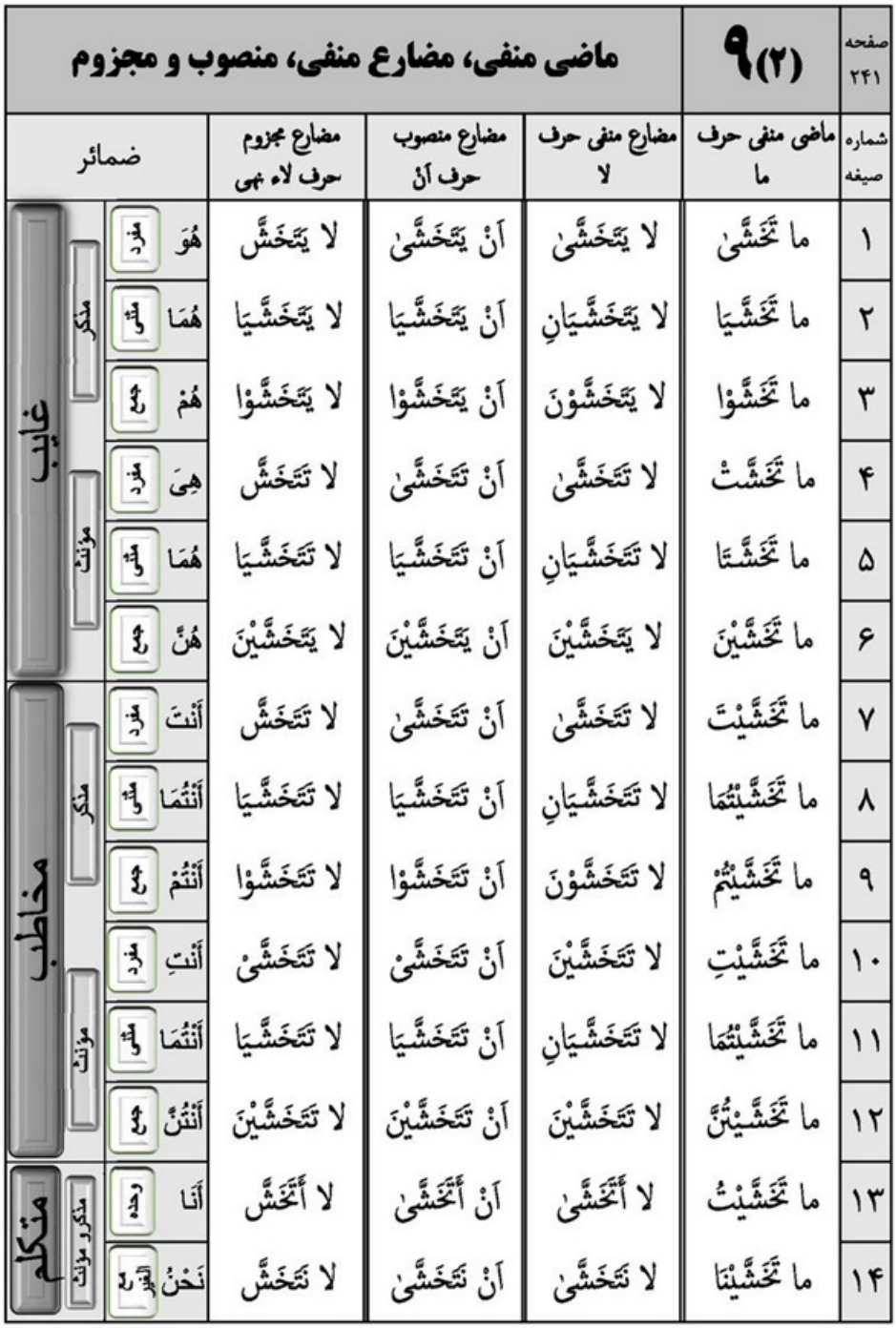

صفحه ۲۴۱	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَخَشَّىٰ	لا يَتَخَشَّىٰ	اَنْ يَتَخَشَّىٰ	لا يَتَخَشَّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما تَخَشَّيَا	لا يَتَخَشَّيَانِ	اَنْ يَتَخَشَّيَا	لا يَتَخَشَّيَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما تَخَشَّوْا	لا يَتَخَشَّوْنَ	اَنْ يَتَخَشَّوْا	لا يَتَخَشَّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما تَخَشَّتْ	لا تَتَخَشَّىٰ	اَنْ تَتَخَشَّىٰ	لا تَتَخَشَّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما تَخَشَّتَا	لا تَتَخَشَّيَانِ	اَنْ تَتَخَشَّيَا	لا تَتَخَشَّيَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما تَخَشَّيْنَ	لا يَتَخَشَّيْنَ	اَنْ يَتَخَشَّيْنَ	لا يَتَخَشَّيْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما تَخَشَّيْتَ	لا تَتَخَشَّىٰ	اَنْ تَتَخَشَّىٰ	لا تَتَخَشَّ	مخاطب / مذکر / مفرد / اَنْتَ
۸	ما تَخَشَّيْتُمَا	لا تَتَخَشَّيَانِ	اَنْ تَتَخَشَّيَا	لا تَتَخَشَّيَا	مخاطب / مذکر / مثنی / اَنْتُمَا
۹	ما تَخَشَّيْتُمْ	لا تَتَخَشَّوْنَ	اَنْ تَتَخَشَّوْا	لا تَتَخَشَّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / اَنْتُمْ
۱۰	ما تَخَشَّيْتِ	لا تَتَخَشَّيْنَ	اَنْ تَتَخَشَّيْ	لا تَتَخَشَّيْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / اَنْتِ
۱۱	ما تَخَشَّيْتُمَا	لا تَتَخَشَّيَانِ	اَنْ تَتَخَشَّيَا	لا تَتَخَشَّيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / اَنْتُمَا
۱۲	ما تَخَشَّيْتُنَّ	لا تَتَخَشَّيْنَ	اَنْ تَتَخَشَّيْنَ	لا تَتَخَشَّيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَخَشَّيْتُ	لا أَتَخَشَّىٰ	اَنْ أَتَخَشَّىٰ	لا أَتَخَشَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / اَنَا
۱۴	ما تَخَشَّيْنَا	لا نَتَخَشَّىٰ	اَنْ نَتَخَشَّىٰ	لا نَتَخَشَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / تثنیه و جمع / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴۲	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَخَشَّيَنَّ	لِيُتَخَشَّيَنَّ	لِيَتَخَشَّيَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَخَشَّيَانِّ	لِيُتَخَشَّيَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَخَشَّوُنَّ	لِيُتَخَشَّوُنَّ	لِيَتَخَشَّوُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَخَشَّيَنَّ	لِتُتَخَشَّيَنَّ	لِتَتَخَشَّيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَخَشَّيَانِّ	لِتُتَخَشَّيَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَخَشَّيْنَانِّ	لِيُتَخَشَّيْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَخَشَّيَنَّ	لِتُتَخَشَّيَنَّ	تَخَشَّيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَخَشَّيَانِّ	لِتُتَخَشَّيَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَخَشَّوُنَّ	لِتُتَخَشَّوُنَّ	تَخَشَّوُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَخَشَّيِنَّ	لِتُتَخَشَّيِنَّ	تَخَشَّيِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَخَشَّيَانِّ	لِتُتَخَشَّيَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَخَشَّيْنَانِّ	لِتُتَخَشَّيْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَخَشَّيَنَّ	لِأُتَخَشَّيَنَّ	لِأَتَخَشَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَخَشَّيَنَّ	لِنُتَخَشَّيَنَّ	لِنَتَخَشَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴۳	(۱) ◆ ۱۰ باب تفعّل لفیف مفروق، اَلتَّوَجّی (سست شدن پا) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَوَجّیٰ	تُوُجِّیَ بِهِ	یَتَوَجّیٰ	لِیَتَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِهِ	لِیُتَوَجَّ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَوَجَّیَا	تُوُجِّیَ بِهِمَا	یَتَوَجَّیَانِ	لِیَتَوَجَّیَا	یُتَوَجّیٰ بِهِمَا	لِیُتَوَجَّ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَوَجَّوْا	تُوُجِّیَ بِهِمْ	یَتَوَجَّوْنَ	لِیَتَوَجَّوْا	یُتَوَجّیٰ بِهِمْ	لِیُتَوَجَّ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَوَجَّتْ	تُوُجِّیَ بِهَا	تَتَوَجّیٰ	لِتَتَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِهَا	لِیُتَوَجَّ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَوَجَّتَا	تُوُجِّیَ بِهِمَا	تَتَوَجَّیَانِ	لِتَتَوَجَّیَا	یُتَوَجّیٰ بِهِمَا	لِیُتَوَجَّ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَوَجَّیْنَ	تُوُجِّیَ بِهِنَّ	یَتَوَجَّیْنَ	لِیَتَوَجَّیْنَ	یُتَوَجّیٰ بِهِنَّ	لِیُتَوَجَّ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَوَجَّیْتَ	تُوُجِّیَ بِکَ	تَتَوَجّیٰ	تَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِکَ	لِیُتَوَجَّ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَوَجَّیْتُمَا	تُوُجِّیَ بِکُمَا	تَتَوَجَّیَانِ	تَوَجَّیَا	یُتَوَجّیٰ بِکُمَا	لِیُتَوَجَّ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَوَجَّیْتُمْ	تُوُجِّیَ بِکُمْ	تَتَوَجَّوْنَ	تَوَجَّوْا	یُتَوَجّیٰ بِکُمْ	لِیُتَوَجَّ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَوَجَّیْتِ	تُوُجِّیَ بِکِ	تَتَوَجَّیْنَ	تَوَجّیْ	یُتَوَجّیٰ بِکِ	لِیُتَوَجَّ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَوَجَّیْتُمَا	تُوُجِّیَ بِکُمَا	تَتَوَجَّیَانِ	تَوَجَّیَا	یُتَوَجّیٰ بِکُمَا	لِیُتَوَجَّ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَوَجَّیْتُنَّ	تُوُجِّیَ بِکُنَّ	تَتَوَجَّیْنَ	تَوَجَّیْنَ	یُتَوَجّیٰ بِکُنَّ	لِیُتَوَجَّ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَوَجَّیْتُ	تُوُجِّیَ بِي	أَتَوَجّیٰ	لِأَتَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِي	لِیُتَوَجَّ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	تَوَجَّیْنَا	تُوُجِّیَ بِنَا	نَتَوَجّیٰ	لِنَتَوَجَّ	یُتَوَجّیٰ بِنَا	لِیُتَوَجَّ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۴۴	۱۰ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَوَجَّىٰ	لا يَتَوَجَّىٰ	اَنْ يَتَوَجَّىٰ	لا يَتَوَجَّ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما تَوَجَّيَا	لا يَتَوَجَّيَانِ	اَنْ يَتَوَجَّيَا	لا يَتَوَجَّيَا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما تَوَجَّوْا	لا يَتَوَجَّوْنَ	اَنْ يَتَوَجَّوْا	لا يَتَوَجَّوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما تَوَجَّتْ	لا تَتَوَجَّىٰ	اَنْ تَتَوَجَّىٰ	لا تَتَوَجَّ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما تَوَجَّتَا	لا تَتَوَجَّيَانِ	اَنْ تَتَوَجَّيَا	لا تَتَوَجَّيَا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما تَوَجَّيْنَ	لا يَتَوَجَّيْنَ	اَنْ يَتَوَجَّيْنَ	لا يَتَوَجَّيْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما تَوَجَّيْتَ	لا تَتَوَجَّىٰ	اَنْ تَتَوَجَّىٰ	لا تَتَوَجَّ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	ما تَوَجَّيْتُمَا	لا تَتَوَجَّيَانِ	اَنْ تَتَوَجَّيَا	لا تَتَوَجَّيَا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما تَوَجَّيْتُمْ	لا تَتَوَجَّوْنَ	اَنْ تَتَوَجَّوْا	لا تَتَوَجَّوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما تَوَجَّيْتِ	لا تَتَوَجَّيْنَ	اَنْ تَتَوَجَّيْ	لا تَتَوَجَّيْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما تَوَجَّيْتُمَا	لا تَتَوَجَّيَانِ	اَنْ تَتَوَجَّيَا	لا تَتَوَجَّيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما تَوَجَّيْتُنَّ	لا تَتَوَجَّيْنَ	اَنْ تَتَوَجَّيْنَ	لا تَتَوَجَّيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَوَجَّيْتُ	لا أَتَوَجَّىٰ	اَنْ أَتَوَجَّىٰ	لا أَتَوَجَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	ما تَوَجَّيْنَا	لا نَتَوَجَّىٰ	اَنْ نَتَوَجَّىٰ	لا نَتَوَجَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۴۵	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِ	لِيَتَوَجَّيَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَوَجَّيَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَوَجَّوُنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَوَجَّوُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهَا	لِتَتَوَجَّيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَوَجَّيَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَوَجَّيْنَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكَ	تَوَجَّيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَوَجَّيَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَوَجَّوُنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكُمْ	تَوَجَّوُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَوَجِّينَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكِ	تَوَجِّينْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَوَجَّيَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَوَجَّيْنَانِّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِي	لِأَتَوَجَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَوَجَّيَنَّ	لِيُتَوَجَّيَنَّ بِنَا	لِنَتَوَجَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

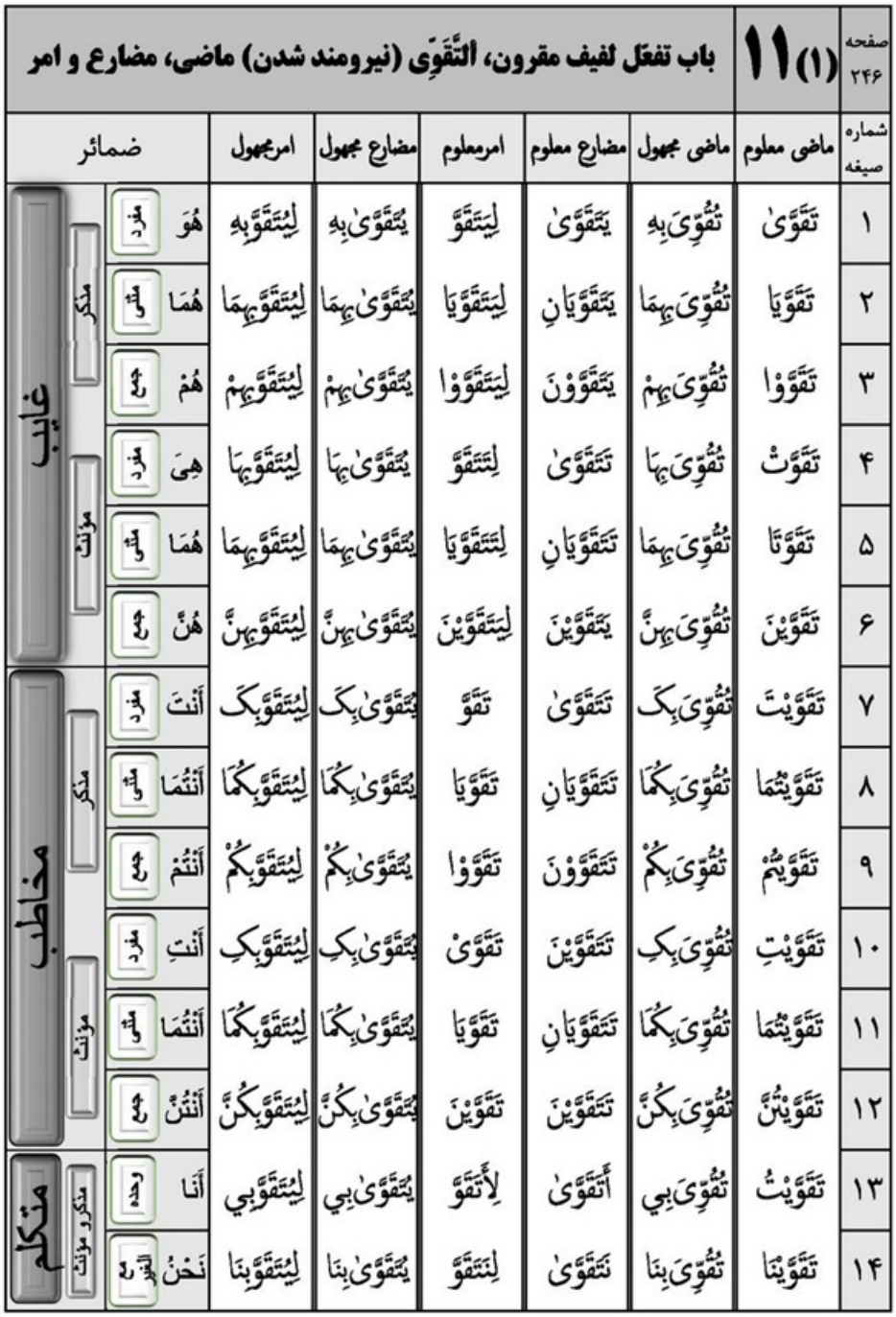

صفحه ۲۴۶	(۱) ۱۱ باب تفعّل لفیف مقرون، اَلتَّقَوِّی (نیرومند شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَقَوَّیٰ	تُقُوِّیَ بِهِ	یَتَقَوَّیٰ	لِیَتَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِهِ	لِیُتَقَوَّ بِهِ	غایب: مذکر: هُوَ (مفرد)
۲	تَقَوَّیَا	تُقُوِّیَ بِهِمَا	یَتَقَوَّیَانِ	لِیَتَقَوَّیَا	یُتَقَوَّیٰ بِهِمَا	لِیُتَقَوَّ بِهِمَا	هُمَا (مثنی)
۳	تَقَوَّوْا	تُقُوِّیَ بِهِمْ	یَتَقَوَّوْنَ	لِیَتَقَوَّوْا	یُتَقَوَّیٰ بِهِمْ	لِیُتَقَوَّ بِهِمْ	هُمْ (جمع)
۴	تَقَوَّتْ	تُقُوِّیَ بِهَا	تَتَقَوَّیٰ	لِتَتَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِهَا	لِیُتَقَوَّ بِهَا	مؤنث: هِیَ (مفرد)
۵	تَقَوَّتَا	تُقُوِّیَ بِهِمَا	تَتَقَوَّیَانِ	لِتَتَقَوَّیَا	یُتَقَوَّیٰ بِهِمَا	لِیُتَقَوَّ بِهِمَا	هُمَا (مثنی)
۶	تَقَوَّیْنَ	تُقُوِّیَ بِهِنَّ	یَتَقَوَّیْنَ	لِیَتَقَوَّیْنَ	یُتَقَوَّیٰ بِهِنَّ	لِیُتَقَوَّ بِهِنَّ	هُنَّ (جمع)
۷	تَقَوَّیْتَ	تُقُوِّیَ بِکَ	تَتَقَوَّیٰ	تَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِکَ	لِیُتَقَوَّ بِکَ	مخاطب: مذکر: أَنْتَ (مفرد)
۸	تَقَوَّیْتُمَا	تُقُوِّیَ بِکُمَا	تَتَقَوَّیَانِ	تَقَوَّیَا	یُتَقَوَّیٰ بِکُمَا	لِیُتَقَوَّ بِکُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)
۹	تَقَوَّیْتُمْ	تُقُوِّیَ بِکُمْ	تَتَقَوَّوْنَ	تَقَوَّوْا	یُتَقَوَّیٰ بِکُمْ	لِیُتَقَوَّ بِکُمْ	أَنْتُمْ (جمع)
۱۰	تَقَوَّیْتِ	تُقُوِّیَ بِکِ	تَتَقَوَّیْنَ	تَقَوَّیْ	یُتَقَوَّیٰ بِکِ	لِیُتَقَوَّ بِکِ	مؤنث: أَنْتِ (مفرد)
۱۱	تَقَوَّیْتُمَا	تُقُوِّیَ بِکُمَا	تَتَقَوَّیَانِ	تَقَوَّیَا	یُتَقَوَّیٰ بِکُمَا	لِیُتَقَوَّ بِکُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)
۱۲	تَقَوَّیْتُنَّ	تُقُوِّیَ بِکُنَّ	تَتَقَوَّیْنَ	تَقَوَّیْنَ	یُتَقَوَّیٰ بِکُنَّ	لِیُتَقَوَّ بِکُنَّ	أَنْتُنَّ (جمع)
۱۳	تَقَوَّیْتُ	تُقُوِّیَ بِي	أَتَقَوَّیٰ	لِأَتَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِي	لِیُتَقَوَّ بِي	متکلم: مذکر و مؤنث: أَنَا (وحده)
۱۴	تَقَوَّیْنَا	تُقُوِّیَ بِنَا	نَتَقَوَّیٰ	لِنَتَقَوَّ	یُتَقَوَّیٰ بِنَا	لِیُتَقَوَّ بِنَا	نَحْنُ (مع الغیر)

تصویر



صفحه ۲۴۷	۱۱ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			ضمائر			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی			
۱	ما تَقَوَّیٰ	لا یَتَقَوَّیٰ	اَنْ یَتَقَوَّیٰ	لا یَتَقَوَّ	هُوَ	مفرد	غایب: مذکر
۲	ما تَقَوَّیَا	لا یَتَقَوَّیَانِ	اَنْ یَتَقَوَّیَا	لا یَتَقَوَّیَا	هُمَا	مثنی	
۳	ما تَقَوَّوْا	لا یَتَقَوَّوْنَ	اَنْ یَتَقَوَّوْا	لا یَتَقَوَّوْا	هُمْ	جمع	
۴	ما تَقَوَّتْ	لا تَتَقَوَّیٰ	اَنْ تَتَقَوَّیٰ	لا تَتَقَوَّ	هِیَ	مفرد	غایب: مؤنث
۵	ما تَقَوَّتَا	لا تَتَقَوَّیَانِ	اَنْ تَتَقَوَّیَا	لا تَتَقَوَّیَا	هُمَا	مثنی	
۶	ما تَقَوَّیْنَ	لا یَتَقَوَّیْنَ	اَنْ یَتَقَوَّیْنَ	لا یَتَقَوَّیْنَ	هُنَّ	جمع	
۷	ما تَقَوَّیْتَ	لا تَتَقَوَّیٰ	اَنْ تَتَقَوَّیٰ	لا تَتَقَوَّ	اَنْتَ	مفرد	مخاطب: مذکر
۸	ما تَقَوَّیْتُمَا	لا تَتَقَوَّیَانِ	اَنْ تَتَقَوَّیَا	لا تَتَقَوَّیَا	اَنْتُمَا	مثنی	
۹	ما تَقَوَّیْتُمْ	لا تَتَقَوَّوْنَ	اَنْ تَتَقَوَّوْا	لا تَتَقَوَّوْا	اَنْتُمْ	جمع	
۱۰	ما تَقَوَّیْتِ	لا تَتَقَوَّیْنَ	اَنْ تَتَقَوَّیْ	لا تَتَقَوَّیْ	اَنْتِ	مفرد	مخاطب: مؤنث
۱۱	ما تَقَوَّیْتُمَا	لا تَتَقَوَّیَانِ	اَنْ تَتَقَوَّیَا	لا تَتَقَوَّیَا	اَنْتُمَا	مثنی	
۱۲	ما تَقَوَّیْتُنَّ	لا تَتَقَوَّیْنَ	اَنْ تَتَقَوَّیْنَ	لا تَتَقَوَّیْنَ	اَنْتُنَّ	جمع	
۱۳	ما تَقَوَّیْتُ	لا اَتَقَوَّیٰ	اَنْ اَتَقَوَّیٰ	لا اَتَقَوَّ	اَنَا	وحده	متکلم: مذکر و مؤنث
۱۴	ما تَقَوَّیْنَا	لا نَتَقَوَّیٰ	اَنْ نَتَقَوَّیٰ	لا نَتَقَوَّ	نَحْنُ	الغیر ره	

تصویر



صفحه ۲۴۸	نون تأکید (۳) ۱۱				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَتَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِ	لِيَتَقَوَّيَنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَتَقَوَّيَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَتَقَوَّوُنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَقَوَّوُنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَتَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهَا	لِتَتَقَوَّيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَتَقَوَّيَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَتَقَوَّيْنَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	تَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكَ	تَقَوَّيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	تَقَوَّيَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	تَقَوَّوُنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكُمْ	تَقَوَّوُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَقَوَّيِنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكِ	تَقَوَّيِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَقَوَّيَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	تَقَوَّيْنَانِّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِي	لِأَتَقَوَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنَتَقَوَّيَنَّ	لِيُتَقَوَّيَنَّ بِنَا	لِنَتَقَوَّيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر

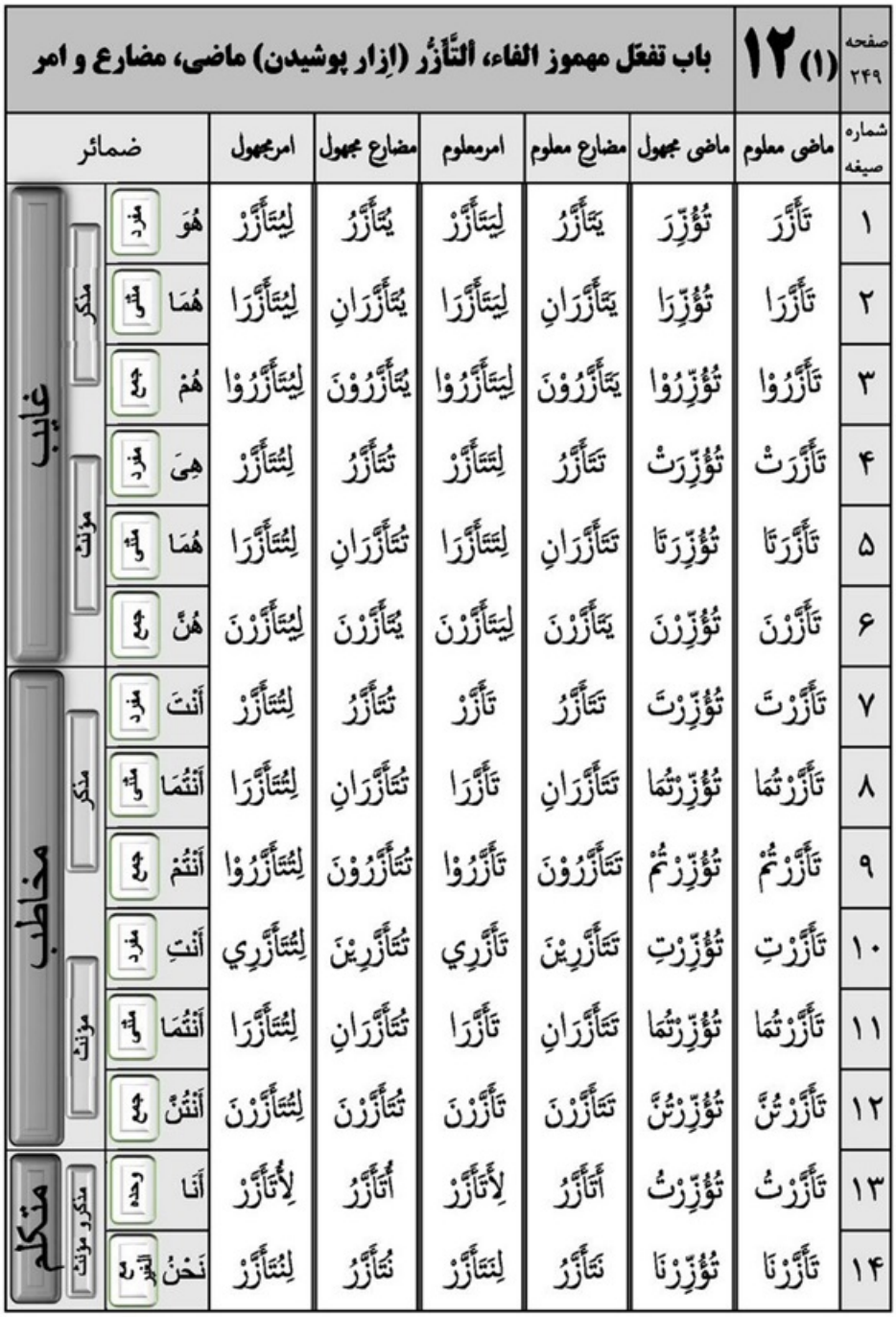

صفحه ۲۴۹	(۱) ۱۲ باب تفعّل مهموز الفاء، اَلتَّأَزُّر (اِزار پوشیدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَأَزَّرَ	تُؤُزِّرَ	يَتَأَزَّرُ	لِيَتَأَزَّرْ	يُتَأَزَّرُ	لِيُتَأَزَّرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَأَزَّرَا	تُؤُزِّرَا	يَتَأَزَّرَانِ	لِيَتَأَزَّرَا	يُتَأَزَّرَانِ	لِيُتَأَزَّرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَأَزَّرُوْا	تُؤُزِّرُوْا	يَتَأَزَّرُوْنَ	لِيَتَأَزَّرُوْا	يُتَأَزَّرُوْنَ	لِيُتَأَزَّرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَأَزَّرَتْ	تُؤُزِّرَتْ	تَتَأَزَّرُ	لِتَتَأَزَّرْ	تُتَأَزَّرُ	لِتُتَأَزَّرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَأَزَّرَتَا	تُؤُزِّرَتَا	تَتَأَزَّرَانِ	لِتَتَأَزَّرَا	تُتَأَزَّرَانِ	لِتُتَأَزَّرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَأَزَّرْنَ	تُؤُزِّرْنَ	يَتَأَزَّرْنَ	لِيَتَأَزَّرْنَ	يُتَأَزَّرْنَ	لِيُتَأَزَّرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَأَزَّرْتَ	تُؤُزِّرْتَ	تَتَأَزَّرُ	تَأَزَّرْ	تُتَأَزَّرُ	لِتُتَأَزَّرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَأَزَّرْتُمَا	تُؤُزِّرْتُمَا	تَتَأَزَّرَانِ	تَأَزَّرَا	تُتَأَزَّرَانِ	لِتُتَأَزَّرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَأَزَّرْتُمْ	تُؤُزِّرْتُمْ	تَتَأَزَّرُوْنَ	تَأَزَّرُوْا	تُتَأَزَّرُوْنَ	لِتُتَأَزَّرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَأَزَّرْتِ	تُؤُزِّرْتِ	تَتَأَزَّرِيْنَ	تَأَزَّرِي	تُتَأَزَّرِيْنَ	لِتُتَأَزَّرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَأَزَّرْتُمَا	تُؤُزِّرْتُمَا	تَتَأَزَّرَانِ	تَأَزَّرَا	تُتَأَزَّرَانِ	لِتُتَأَزَّرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَأَزَّرْتُنَّ	تُؤُزِّرْتُنَّ	تَتَأَزَّرْنَ	تَأَزَّرْنَ	تُتَأَزَّرْنَ	لِتُتَأَزَّرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَأَزَّرْتُ	تُؤُزِّرْتُ	أَتَأَزَّرُ	لِأَتَأَزَّرْ	أُتَأَزَّرُ	لِأُتَأَزَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَأَزَّرْنَا	تُؤُزِّرْنَا	نَتَأَزَّرُ	لِنَتَأَزَّرْ	نُتَأَزَّرُ	لِنُتَأَزَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۵۰	۱۲ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَأَزَّرَ	لا يَتَأَزَّرُ	اَنْ يَتَأَزَّرَ	لا يَتَأَزَّرْ	غایب	هُوَ (مفرد مذکر)
۲	ما تَأَزَّرَا	لا يَتَأَزَّرَانِ	اَنْ يَتَأَزَّرَا	لا يَتَأَزَّرَا		هُمَا (مثنی مذکر)
۳	ما تَأَزَّرُوْا	لا يَتَأَزَّرُوْنَ	اَنْ يَتَأَزَّرُوْا	لا يَتَأَزَّرُوْا		هُمْ (جمع مذکر)
۴	ما تَأَزَّرَتْ	لا تَتَأَزَّرُ	اَنْ تَتَأَزَّرَ	لا تَتَأَزَّرْ		هِيَ (مفرد مؤنث)
۵	ما تَأَزَّرَتَا	لا تَتَأَزَّرَانِ	اَنْ تَتَأَزَّرَا	لا تَتَأَزَّرَا		هُمَا (مثنی مؤنث)
۶	ما تَأَزَّرْنَ	لا يَتَأَزَّرْنَ	اَنْ يَتَأَزَّرْنَ	لا يَتَأَزَّرْنَ		هُنَّ (جمع مؤنث)
۷	ما تَأَزَّرْتَ	لا تَتَأَزَّرُ	اَنْ تَتَأَزَّرَ	لا تَتَأَزَّرْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد مذکر)
۸	ما تَأَزَّرْتُمَا	لا تَتَأَزَّرَانِ	اَنْ تَتَأَزَّرَا	لا تَتَأَزَّرَا		اَنْتُمَا (مثنی مذکر)
۹	ما تَأَزَّرْتُمْ	لا تَتَأَزَّرُوْنَ	اَنْ تَتَأَزَّرُوْا	لا تَتَأَزَّرُوْا		اَنْتُمْ (جمع مذکر)
۱۰	ما تَأَزَّرْتِ	لا تَتَأَزَّرِيْنَ	اَنْ تَتَأَزَّرِي	لا تَتَأَزَّرِي		اَنْتِ (مفرد مؤنث)
۱۱	ما تَأَزَّرْتُمَا	لا تَتَأَزَّرَانِ	اَنْ تَتَأَزَّرَا	لا تَتَأَزَّرَا		اَنْتُمَا (مثنی مؤنث)
۱۲	ما تَأَزَّرْتُنَّ	لا تَتَأَزَّرْنَ	اَنْ تَتَأَزَّرْنَ	لا تَتَأَزَّرْنَ		اَنْتُنَّ (جمع مؤنث)
۱۳	ما تَأَزَّرْتُ	لا أَتَأَزَّرُ	اَنْ أَتَأَزَّرَ	لا أَتَأَزَّرْ	متکلم	اَنَا (واحد مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَأَزَّرْنَا	لا نَتَأَزَّرُ	اَنْ نَتَأَزَّرَ	لا نَتَأَزَّرْ		نَحْنُ (جمع مذکر و مؤنث)

تصویر



صفحه ۲۵۱	۱۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَأَزَّرَنَّ	لِيُتَأَزَّرَنَّ	لِيَتَأَزَّرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَأَزَّرَانِّ	لِيُتَأَزَّرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَأَزَّرُنَّ	لِيُتَأَزَّرُنَّ	لِيَتَأَزَّرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَأَزَّرَنَّ	لِتُتَأَزَّرَنَّ	لِتَتَأَزَّرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَأَزَّرَانِّ	لِتُتَأَزَّرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَأَزَّرْنَانِّ	لِيُتَأَزَّرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَأَزَّرَنَّ	لِتُتَأَزَّرَنَّ	تَأَزَّرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَأَزَّرَانِّ	لِتُتَأَزَّرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَأَزَّرُنَّ	لِتُتَأَزَّرُنَّ	تَأَزَّرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَأَزَّرِنَّ	لِتُتَأَزَّرِنَّ	تَأَزَّرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَأَزَّرَانِّ	لِتُتَأَزَّرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَأَزَّرْنَانِّ	لِتُتَأَزَّرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَأَزَّرَنَّ	لِأُتَأَزَّرَنَّ	لِأَتَأَزَّرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَأَزَّرَنَّ	لِنُتَأَزَّرَنَّ	لِنَتَأَزَّرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

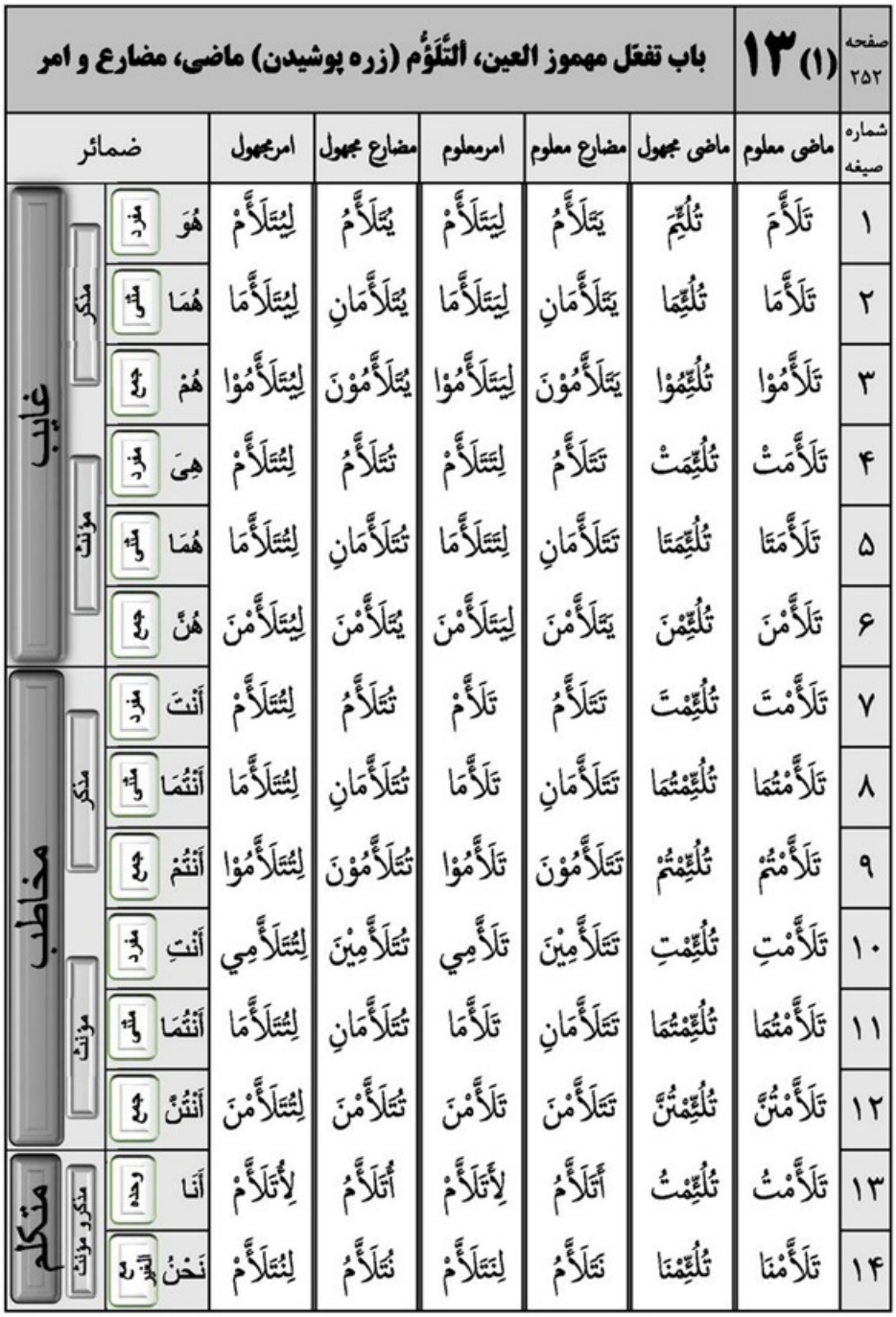

صفحه ۲۵۲	۱۳ (۱) باب تفعّل مهموز العين، اَلتَّلَؤُّم (زره پوشيدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صيغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَلَأَّمَ	تُلُئِّمَ	يَتَلَأَّمُ	لِيَتَلَأَّمْ	يُتَلَأَّمُ	لِيُتَلَأَّمْ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	تَلَأَّمَا	تُلُئِّمَا	يَتَلَأَّمَانِ	لِيَتَلَأَّمَا	يُتَلَأَّمَانِ	لِيُتَلَأَّمَا	غايب — مذكر — مثنی — هُمَا
۳	تَلَأَّمُوْا	تُلُئِّمُوْا	يَتَلَأَّمُوْنَ	لِيَتَلَأَّمُوْا	يُتَلَأَّمُوْنَ	لِيُتَلَأَّمُوْا	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	تَلَأَّمَتْ	تُلُئِّمَتْ	تَتَلَأَّمُ	لِتَتَلَأَّمْ	تُتَلَأَّمُ	لِتُتَلَأَّمْ	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَلَأَّمَتَا	تُلُئِّمَتَا	تَتَلَأَّمَانِ	لِتَتَلَأَّمَا	تُتَلَأَّمَانِ	لِتُتَلَأَّمَا	غايب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَلَأَّمْنَ	تُلُئِّمْنَ	يَتَلَأَّمْنَ	لِيَتَلَأَّمْنَ	يُتَلَأَّمْنَ	لِيُتَلَأَّمْنَ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَلَأَّمْتَ	تُلُئِّمْتَ	تَتَلَأَّمُ	تَلَأَّمْ	تُتَلَأَّمُ	لِتُتَلَأَّمْ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَلَأَّمْتُمَا	تُلُئِّمْتُمَا	تَتَلَأَّمَانِ	تَلَأَّمَا	تُتَلَأَّمَانِ	لِتُتَلَأَّمَا	مخاطب — مذكر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَلَأَّمْتُمْ	تُلُئِّمْتُمْ	تَتَلَأَّمُوْنَ	تَلَأَّمُوْا	تُتَلَأَّمُوْنَ	لِتُتَلَأَّمُوْا	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَلَأَّمْتِ	تُلُئِّمْتِ	تَتَلَأَّمِيْنَ	تَلَأَّمِي	تُتَلَأَّمِيْنَ	لِتُتَلَأَّمِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَلَأَّمْتُمَا	تُلُئِّمْتُمَا	تَتَلَأَّمَانِ	تَلَأَّمَا	تُتَلَأَّمَانِ	لِتُتَلَأَّمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَلَأَّمْتُنَّ	تُلُئِّمْتُنَّ	تَتَلَأَّمْنَ	تَلَأَّمْنَ	تُتَلَأَّمْنَ	لِتُتَلَأَّمْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَلَأَّمْتُ	تُلُئِّمْتُ	أَتَلَأَّمُ	لِأَتَلَأَّمْ	أُتَلَأَّمُ	لِأُتَلَأَّمْ	متكلم — مذكر و مؤنث — مفرد — أَنَا
۱۴	تَلَأَّمْنَا	تُلُئِّمْنَا	نَتَلَأَّمُ	لِنَتَلَأَّمْ	نُتَلَأَّمُ	لِنُتَلَأَّمْ	متكلم — مذكر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

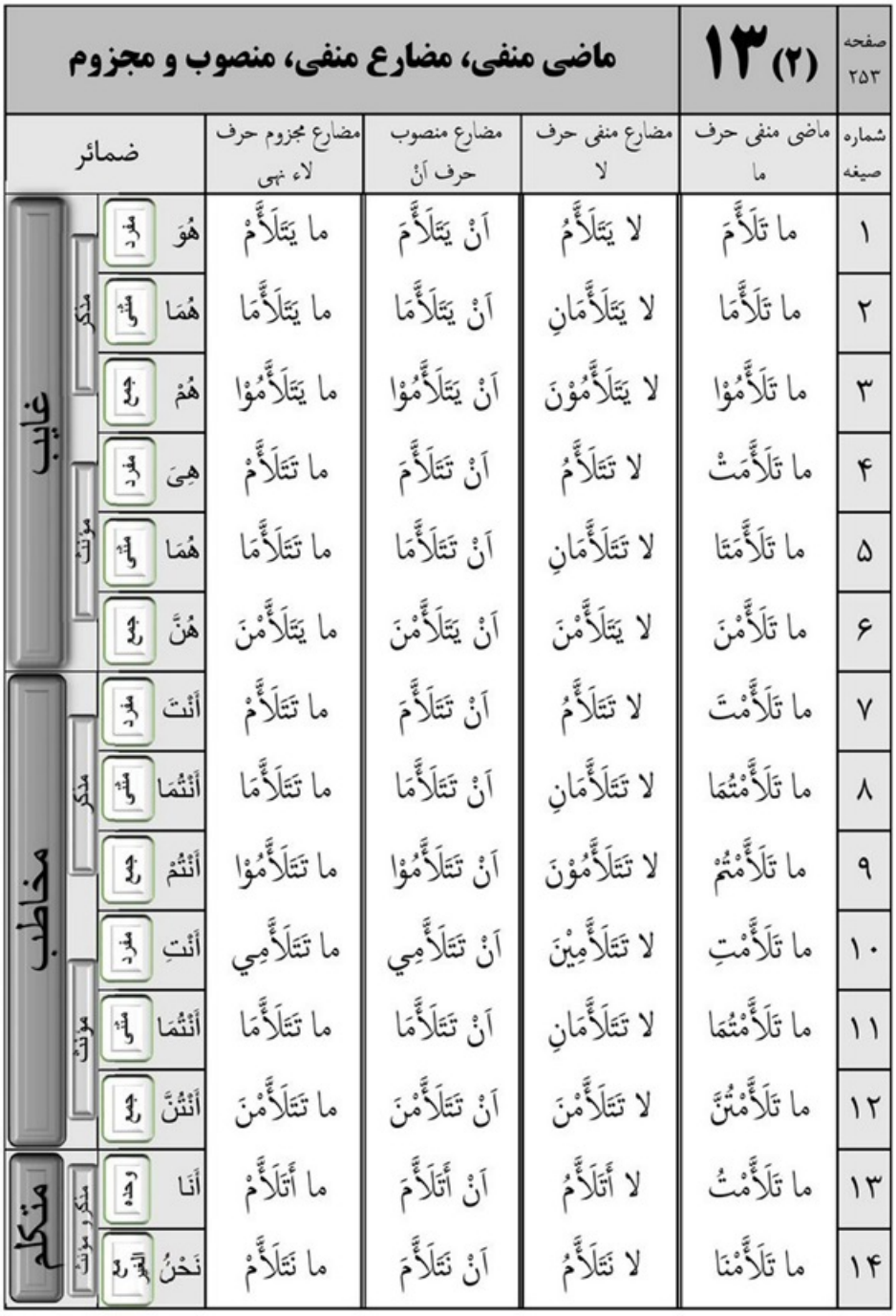

صفحه ۲۵۳	۱۳ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَلَأَّمَ	لا يَتَلَأَّمُ	اَنْ يَتَلَأَّمَ	ما يَتَلَأَّمْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما تَلَأَّمَا	لا يَتَلَأَّمَانِ	اَنْ يَتَلَأَّمَا	ما يَتَلَأَّمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما تَلَأَّمُوْا	لا يَتَلَأَّمُوْنَ	اَنْ يَتَلَأَّمُوْا	ما يَتَلَأَّمُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما تَلَأَّمَتْ	لا تَتَلَأَّمُ	اَنْ تَتَلَأَّمَ	ما تَتَلَأَّمْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما تَلَأَّمَتَا	لا تَتَلَأَّمَانِ	اَنْ تَتَلَأَّمَا	ما تَتَلَأَّمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما تَلَأَّمْنَ	لا يَتَلَأَّمْنَ	اَنْ يَتَلَأَّمْنَ	ما يَتَلَأَّمْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما تَلَأَّمْتَ	لا تَتَلَأَّمُ	اَنْ تَتَلَأَّمَ	ما تَتَلَأَّمْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما تَلَأَّمْتُمَا	لا تَتَلَأَّمَانِ	اَنْ تَتَلَأَّمَا	ما تَتَلَأَّمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما تَلَأَّمْتُمْ	لا تَتَلَأَّمُوْنَ	اَنْ تَتَلَأَّمُوْا	ما تَتَلَأَّمُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما تَلَأَّمْتِ	لا تَتَلَأَّمِيْنَ	اَنْ تَتَلَأَّمِي	ما تَتَلَأَّمِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما تَلَأَّمْتُمَا	لا تَتَلَأَّمَانِ	اَنْ تَتَلَأَّمَا	ما تَتَلَأَّمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما تَلَأَّمْتُنَّ	لا تَتَلَأَّمْنَ	اَنْ تَتَلَأَّمْنَ	ما تَتَلَأَّمْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَلَأَّمْتُ	لا أَتَلَأَّمُ	اَنْ أَتَلَأَّمَ	ما أَتَلَأَّمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	ما تَلَأَّمْنَا	لا نَتَلَأَّمُ	اَنْ نَتَلَأَّمَ	ما نَتَلَأَّمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۵۴	نون تأکید (۳) ۱۳			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَلَأَّمَنَّ	لِيُتَلَأَّمَنَّ	لِيَتَلَأَّمَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَلَأَّمَانِّ	لِيُتَلَأَّمَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَلَأَّمُنَّ	لِيُتَلَأَّمُنَّ	لِيَتَلَأَّمُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَلَأَّمَنَّ	لِتُتَلَأَّمَنَّ	لِتَتَلَأَّمَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَلَأَّمَانِّ	لِتُتَلَأَّمَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَلَأَّمْنَانِّ	لِيُتَلَأَّمْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَلَأَّمَنَّ	لِتُتَلَأَّمَنَّ	تَلَأَّمَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَلَأَّمَانِّ	لِتُتَلَأَّمَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَلَأَّمُنَّ	لِتُتَلَأَّمُنَّ	تَلَأَّمُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَلَأَّمِنَّ	لِتُتَلَأَّمِنَّ	تَلَأَّمِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَلَأَّمَانِّ	لِتُتَلَأَّمَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَلَأَّمْنَانِّ	لِتُتَلَأَّمْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَلَأَّمَنَّ	لِأُتَلَأَّمَنَّ	لِأَتَلَأَّمَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَلَأَّمَنَّ	لِنُتَلَأَّمَنَّ	لِنَتَلَأَّمَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

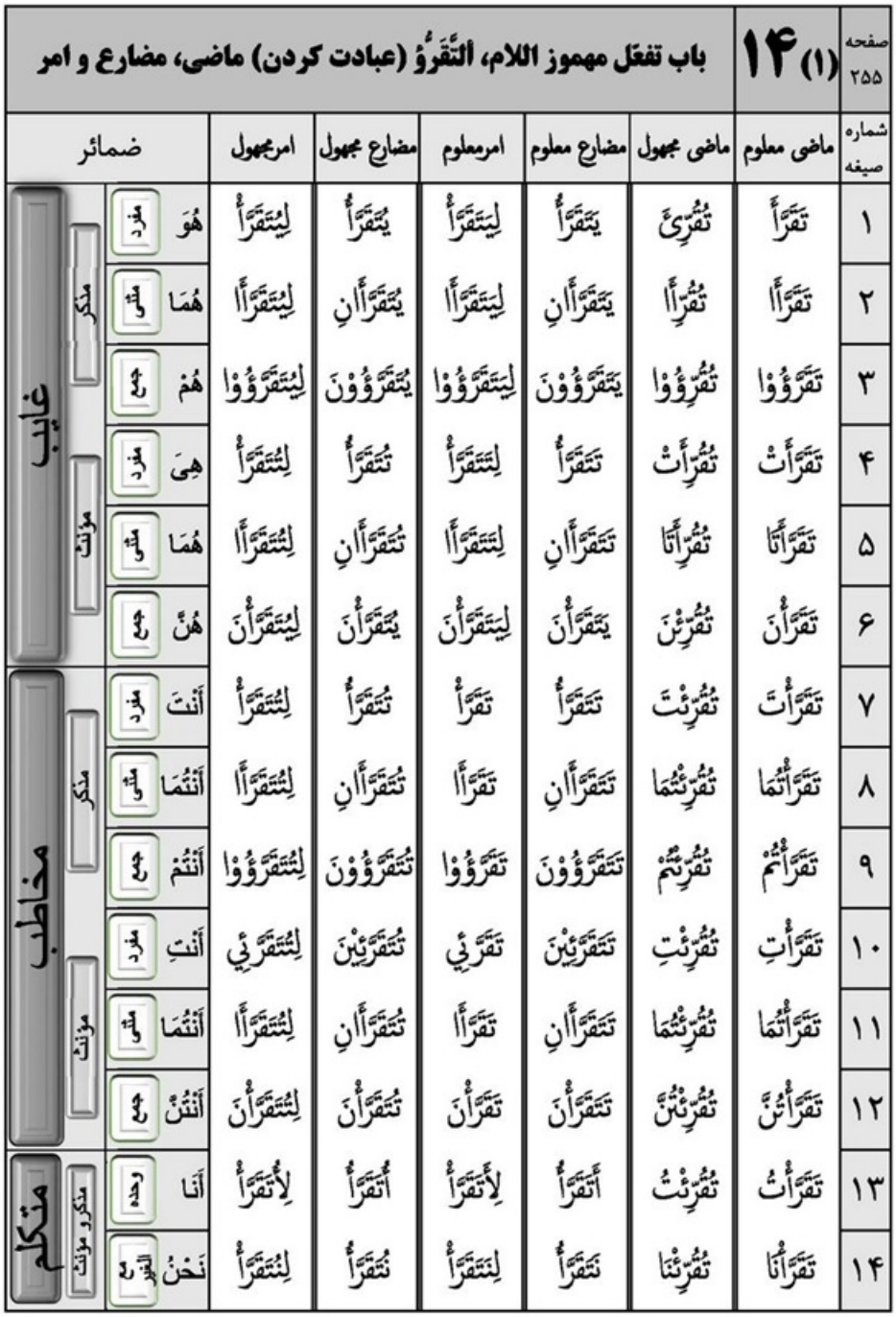

صفحه ۲۵۵	۱۴ (۱) باب تفعّل مهموز اللام، اَلتَّقَرُّؤ (عبادت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَقَرَّأَ	تُقُرِّئَ	يَتَقَرَّأُ	لِيَتَقَرَّأْ	يُتَقَرَّأُ	لِيُتَقَرَّأْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَقَرَّأَا	تُقُرِّأَا	يَتَقَرَّأَانِ	لِيَتَقَرَّأَا	يُتَقَرَّأَانِ	لِيُتَقَرَّأَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَقَرَّؤُوْا	تُقُرِّؤُوْا	يَتَقَرَّؤُوْنَ	لِيَتَقَرَّؤُوْا	يُتَقَرَّؤُوْنَ	لِيُتَقَرَّؤُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَقَرَّأَتْ	تُقُرِّأَتْ	تَتَقَرَّأُ	لِتَتَقَرَّأْ	تُتَقَرَّأُ	لِتُتَقَرَّأْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَقَرَّأَتَا	تُقُرِّأَتَا	تَتَقَرَّأَانِ	لِتَتَقَرَّأَا	تُتَقَرَّأَانِ	لِتُتَقَرَّأَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَقَرَّأْنَ	تُقُرِّئْنَ	يَتَقَرَّأْنَ	لِيَتَقَرَّأْنَ	يُتَقَرَّأْنَ	لِيُتَقَرَّأْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَقَرَّأْتَ	تُقُرِّئْتَ	تَتَقَرَّأُ	تَقَرَّأْ	تُتَقَرَّأُ	لِتُتَقَرَّأْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَقَرَّأْتُمَا	تُقُرِّئْتُمَا	تَتَقَرَّأَانِ	تَقَرَّأَا	تُتَقَرَّأَانِ	لِتُتَقَرَّأَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَقَرَّأْتُمْ	تُقُرِّئْتُمْ	تَتَقَرَّؤُوْنَ	تَقَرَّؤُوْا	تُتَقَرَّؤُوْنَ	لِتُتَقَرَّؤُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَقَرَّأْتِ	تُقُرِّئْتِ	تَتَقَرَّئِيْنَ	تَقَرَّئِي	تُتَقَرَّئِيْنَ	لِتُتَقَرَّئِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَقَرَّأْتُمَا	تُقُرِّئْتُمَا	تَتَقَرَّأَانِ	تَقَرَّأَا	تُتَقَرَّأَانِ	لِتُتَقَرَّأَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَقَرَّأْتُنَّ	تُقُرِّئْتُنَّ	تَتَقَرَّأْنَ	تَقَرَّأْنَ	تُتَقَرَّأْنَ	لِتُتَقَرَّأْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَقَرَّأْتُ	تُقُرِّئْتُ	أَتَقَرَّأُ	لِأَتَقَرَّأْ	أُتَقَرَّأُ	لِأُتَقَرَّأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَقَرَّأْنَا	تُقُرِّئْنَا	نَتَقَرَّأُ	لِنَتَقَرَّأْ	نُتَقَرَّأُ	لِنُتَقَرَّأْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۵۶	۱۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَقَرَّأَ	لا يَتَقَرَّأُ	اَنْ يَتَقَرَّأَ	لا يَتَقَرَّأْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما تَقَرَّأَا	لا يَتَقَرَّأَانِ	اَنْ يَتَقَرَّأَا	لا يَتَقَرَّأَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما تَقَرَّؤُوْا	لا يَتَقَرَّؤُوْنَ	اَنْ يَتَقَرَّؤُوْا	لا يَتَقَرَّؤُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما تَقَرَّأَتْ	لا تَتَقَرَّأُ	اَنْ تَتَقَرَّأَ	لا تَتَقَرَّأْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما تَقَرَّأَتَا	لا تَتَقَرَّأَانِ	اَنْ تَتَقَرَّأَا	لا تَتَقَرَّأَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما تَقَرَّأْنَ	لا يَتَقَرَّأْنَ	اَنْ يَتَقَرَّأْنَ	لا يَتَقَرَّأْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما تَقَرَّأْتَ	لا تَتَقَرَّأُ	اَنْ تَتَقَرَّأَ	لا تَتَقَرَّأْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	ما تَقَرَّأْتُمَا	لا تَتَقَرَّأَانِ	اَنْ تَتَقَرَّأَا	لا تَتَقَرَّأَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	ما تَقَرَّأْتُمْ	لا تَتَقَرَّؤُوْنَ	اَنْ تَتَقَرَّؤُوْا	لا تَتَقَرَّؤُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	ما تَقَرَّأْتِ	لا تَتَقَرَّئِيْنَ	اَنْ تَتَقَرَّئِي	لا تَتَقَرَّئِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	ما تَقَرَّأْتُمَا	لا تَتَقَرَّأَانِ	اَنْ تَتَقَرَّأَا	لا تَتَقَرَّأَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	ما تَقَرَّأْتُنَّ	لا تَتَقَرَّأْنَ	اَنْ تَتَقَرَّأْنَ	لا تَتَقَرَّأْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَقَرَّأْتُ	لا أَتَقَرَّأُ	اَنْ أَتَقَرَّأَ	لا أَتَقَرَّأْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد / أَنَا
۱۴	ما تَقَرَّأْنَا	لا نَتَقَرَّأُ	اَنْ نَتَقَرَّأَ	لا نَتَقَرَّأْ	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع / نَحْنُ

ص: ۲۵۶

تصویر



صفحه ۲۵۷	۱۴ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَقَرَّأَنَّ	لِيُتَقَرَّأَنَّ	لِيَتَقَرَّأَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَقَرَّأَانِّ	لِيُتَقَرَّأَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَقَرَّؤُنَّ	لِيُتَقَرَّؤُنَّ	لِيَتَقَرَّؤُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَقَرَّأَنَّ	لِتُتَقَرَّأَنَّ	لِتَتَقَرَّأَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَقَرَّأَانِّ	لِتُتَقَرَّأَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَقَرَّأْنَانِّ	لِيُتَقَرَّأْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَقَرَّأَنَّ	لِتُتَقَرَّأَنَّ	تَقَرَّأَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَقَرَّأَانِّ	لِتُتَقَرَّأَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَقَرَّؤُنَّ	لِتُتَقَرَّؤُنَّ	تَقَرَّؤُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَقَرَّئِنَّ	لِتُتَقَرَّئِنَّ	تَقَرَّئِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَقَرَّأَانِّ	لِتُتَقَرَّأَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَقَرَّأْنَانِّ	لِتُتَقَرَّأْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَقَرَّأَنَّ	لِأُتَقَرَّأَنَّ	لِأَتَقَرَّأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَقَرَّأَنَّ	لِنُتَقَرَّأَنَّ	لِنَتَقَرَّأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

ص: ۲۵۷

ادامه قواعد خصوصی باب تفعّل

تصویر

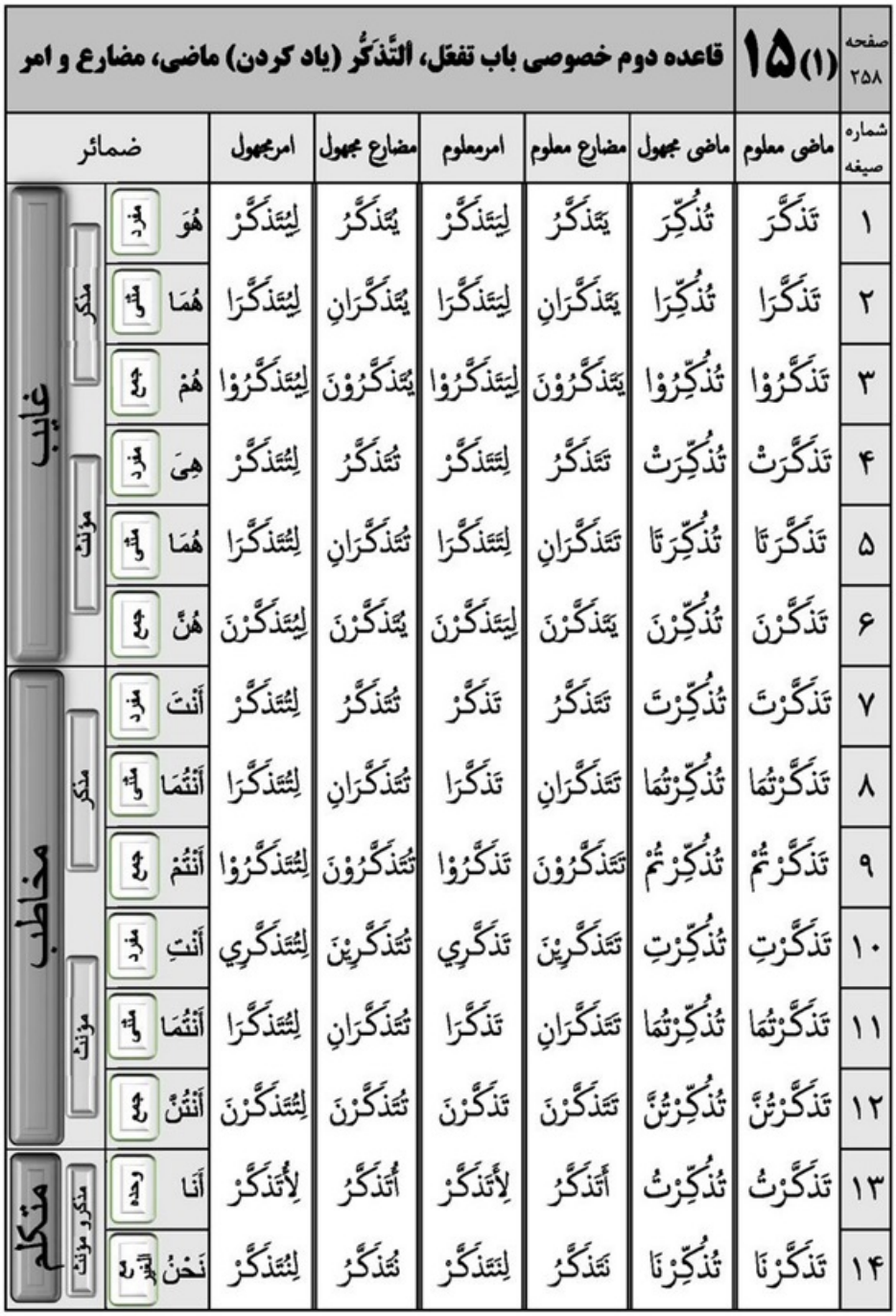

صفحه ۲۵۸	۱۵ (۱)	قاعده دوم خصوصی باب تفعّل، اَلتَّذَكُّر (یاد کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَذَكَّرَ	تُذُكِّرَ	يَتَذَكَّرُ	لِيَتَذَكَّرْ	يُتَذَكَّرُ	لِيُتَذَكَّرْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	تَذَكَّرَا	تُذُكِّرَا	يَتَذَكَّرَانِ	لِيَتَذَكَّرَا	يُتَذَكَّرَانِ	لِيُتَذَكَّرَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	تَذَكَّرُوْا	تُذُكِّرُوْا	يَتَذَكَّرُوْنَ	لِيَتَذَكَّرُوْا	يُتَذَكَّرُوْنَ	لِيُتَذَكَّرُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	تَذَكَّرَتْ	تُذُكِّرَتْ	تَتَذَكَّرُ	لِتَتَذَكَّرْ	تُتَذَكَّرُ	لِتُتَذَكَّرْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	تَذَكَّرَتَا	تُذُكِّرَتَا	تَتَذَكَّرَانِ	لِتَتَذَكَّرَا	تُتَذَكَّرَانِ	لِتُتَذَكَّرَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	تَذَكَّرْنَ	تُذُكِّرْنَ	يَتَذَكَّرْنَ	لِيَتَذَكَّرْنَ	يُتَذَكَّرْنَ	لِيُتَذَكَّرْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَذَكَّرْتَ	تُذُكِّرْتَ	تَتَذَكَّرُ	تَذَكَّرْ	تُتَذَكَّرُ	لِتُتَذَكَّرْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَذَكَّرْتُمَا	تُذُكِّرْتُمَا	تَتَذَكَّرَانِ	تَذَكَّرَا	تُتَذَكَّرَانِ	لِتُتَذَكَّرَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَذَكَّرْتُمْ	تُذُكِّرْتُمْ	تَتَذَكَّرُوْنَ	تَذَكَّرُوْا	تُتَذَكَّرُوْنَ	لِتُتَذَكَّرُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَذَكَّرْتِ	تُذُكِّرْتِ	تَتَذَكَّرِيْنَ	تَذَكَّرِي	تُتَذَكَّرِيْنَ	لِتُتَذَكَّرِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَذَكَّرْتُمَا	تُذُكِّرْتُمَا	تَتَذَكَّرَانِ	تَذَكَّرَا	تُتَذَكَّرَانِ	لِتُتَذَكَّرَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَذَكَّرْتُنَّ	تُذُكِّرْتُنَّ	تَتَذَكَّرْنَ	تَذَكَّرْنَ	تُتَذَكَّرْنَ	لِتُتَذَكَّرْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	تَذَكَّرْتُ	تُذُكِّرْتُ	أَتَذَكَّرُ	لِأَتَذَكَّرْ	أُتَذَكَّرُ	لِأُتَذَكَّرْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	تَذَكَّرْنَا	تُذُكِّرْنَا	نَتَذَكَّرُ	لِنَتَذَكَّرْ	نُتَذَكَّرُ	لِنُتَذَكَّرْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

ص: ۲۵۸

تصویر

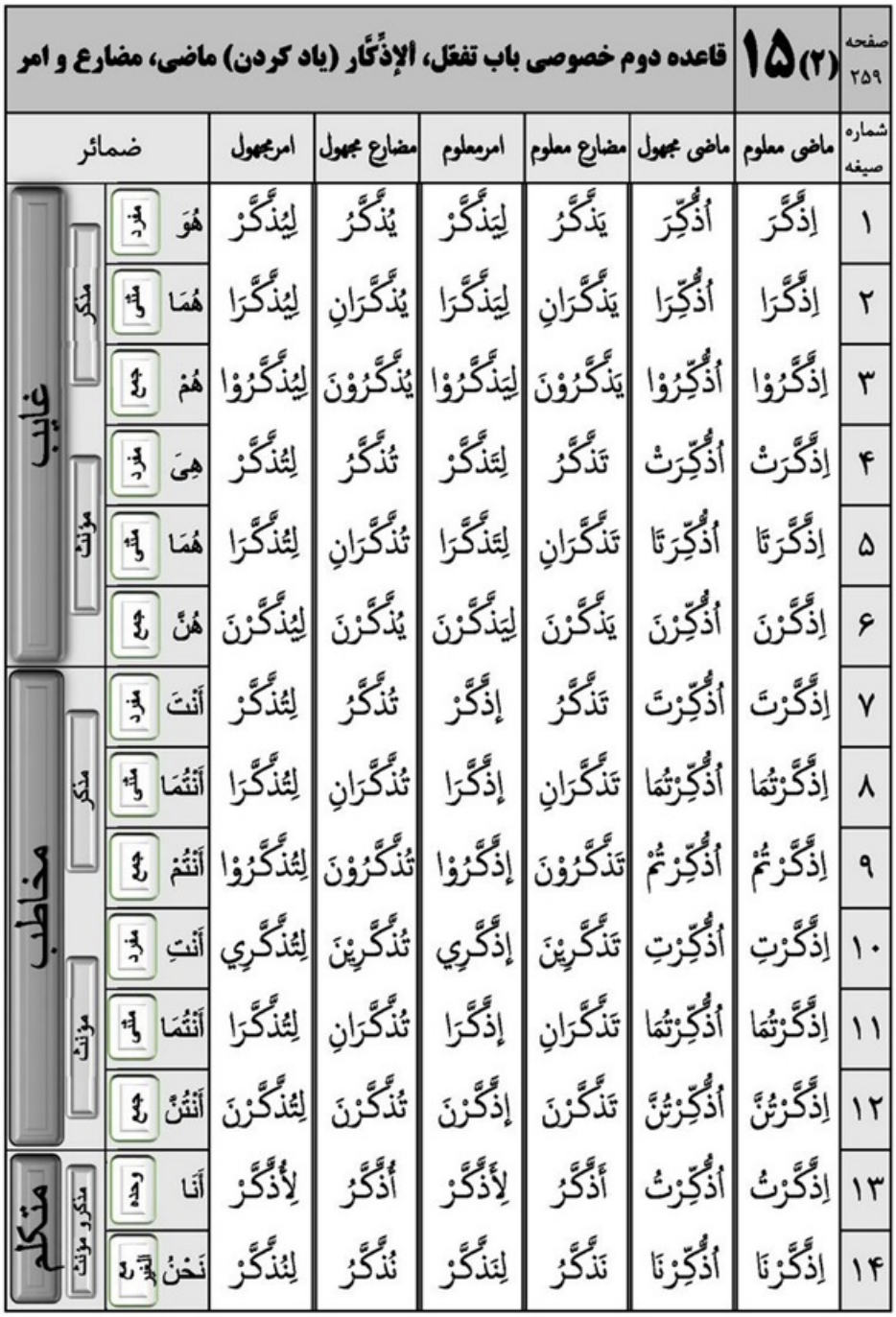

صفحه ۲۵۹	۱۵ (۲) قاعده دوم خصوصی باب تفعّل، اَلإذِّكَار (یاد کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	اِذَّكَرَ	اُذُّكِرَ	يَذَّكَّرُ	لِيَذَّكَّرْ	يُذَّكَّرُ	لِيُذَّكَّرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	اِذَّكَرَا	اُذُّكِرَا	يَذَّكَّرَانِ	لِيَذَّكَّرَا	يُذَّكَّرَانِ	لِيُذَّكَّرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	اِذَّكَرُوْا	اُذُّكِرُوْا	يَذَّكَّرُوْنَ	لِيَذَّكَّرُوْا	يُذَّكَّرُوْنَ	لِيُذَّكَّرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	اِذَّكَرَتْ	اُذُّكِرَتْ	تَذَّكَّرُ	لِتَذَّكَّرْ	تُذَّكَّرُ	لِتُذَّكَّرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	اِذَّكَرَتَا	اُذُّكِرَتَا	تَذَّكَّرَانِ	لِتَذَّكَّرَا	تُذَّكَّرَانِ	لِتُذَّكَّرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	اِذَّكَرْنَ	اُذُّكِرْنَ	يَذَّكَّرْنَ	لِيَذَّكَّرْنَ	يُذَّكَّرْنَ	لِيُذَّكَّرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	اِذَّكَرْتَ	اُذُّكِرْتَ	تَذَّكَّرُ	إِذَّكَّرْ	تُذَّكَّرُ	لِتُذَّكَّرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	اِذَّكَرْتُمَا	اُذُّكِرْتُمَا	تَذَّكَّرَانِ	إِذَّكَّرَا	تُذَّكَّرَانِ	لِتُذَّكَّرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	اِذَّكَرْتُمْ	اُذُّكِرْتُمْ	تَذَّكَّرُوْنَ	إِذَّكَّرُوْا	تُذَّكَّرُوْنَ	لِتُذَّكَّرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	اِذَّكَرْتِ	اُذُّكِرْتِ	تَذَّكَّرِيْنَ	إِذَّكَّرِي	تُذَّكَّرِيْنَ	لِتُذَّكَّرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	اِذَّكَرْتُمَا	اُذُّكِرْتُمَا	تَذَّكَّرَانِ	إِذَّكَّرَا	تُذَّكَّرَانِ	لِتُذَّكَّرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	اِذَّكَرْتُنَّ	اُذُّكِرْتُنَّ	تَذَّكَّرْنَ	إِذَّكَّرْنَ	تُذَّكَّرْنَ	لِتُذَّكَّرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	اِذَّكَرْتُ	اُذُّكِرْتُ	أَذَّكَّرُ	لِأَذَّكَّرْ	أُذَّكَّرُ	لِأُذَّكَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	اِذَّكَرْنَا	اُذُّكِرْنَا	نَذَّكَّرُ	لِنَذَّكَّرْ	نُذَّكَّرُ	لِنُذَّكَّرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۶۰	۱۶ (۱) قاعده سوم خصوصی باب تفعّل، التَّمَطِّی (طولانی شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَمَطَّیٰ	تُمُطِّیَ بِهِ	یَتَمَطَّیٰ	لِیَتَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِهِ	لِیُتَمَطَّ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَمَطَّیَا	تُمُطِّیَ بِهِمَا	یَتَمَطَّیَانِ	لِیَتَمَطَّیَا	یُتَمَطَّیٰ بِهِمَا	لِیُتَمَطَّ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَمَطَّوْا	تُمُطِّیَ بِهِمْ	یَتَمَطَّوْنَ	لِیَتَمَطَّوْا	یُتَمَطَّیٰ بِهِمْ	لِیُتَمَطَّ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَمَطَّتْ	تُمُطِّیَ بِهَا	تَتَمَطَّیٰ	لِتَتَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِهَا	لِیُتَمَطَّ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَمَطَّتَا	تُمُطِّیَ بِهِمَا	تَتَمَطَّیَانِ	لِتَتَمَطَّیَا	یُتَمَطَّیٰ بِهِمَا	لِیُتَمَطَّ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَمَطَّیْنَ	تُمُطِّیَ بِهِنَّ	یَتَمَطَّیْنَ	لِیَتَمَطَّیْنَ	یُتَمَطَّیٰ بِهِنَّ	لِیُتَمَطَّ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَمَطَّیْتَ	تُمُطِّیَ بِکَ	تَتَمَطَّیٰ	تَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِکَ	لِیُتَمَطَّ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَمَطَّیْتُمَا	تُمُطِّیَ بِکُمَا	تَتَمَطَّیَانِ	تَمَطَّیَا	یُتَمَطَّیٰ بِکُمَا	لِیُتَمَطَّ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَمَطَّیْتُمْ	تُمُطِّیَ بِکُمْ	تَتَمَطَّوْنَ	تَمَطَّوْا	یُتَمَطَّیٰ بِکُمْ	لِیُتَمَطَّ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَمَطَّیْتِ	تُمُطِّیَ بِکِ	تَتَمَطَّیْنَ	تَمَطَّیْ	یُتَمَطَّیٰ بِکِ	لِیُتَمَطَّ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَمَطَّیْتُمَا	تُمُطِّیَ بِکُمَا	تَتَمَطَّیَانِ	تَمَطَّیَا	یُتَمَطَّیٰ بِکُمَا	لِیُتَمَطَّ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَمَطَّیْتُنَّ	تُمُطِّیَ بِکُنَّ	تَتَمَطَّیْنَ	تَمَطَّیْنَ	یُتَمَطَّیٰ بِکُنَّ	لِیُتَمَطَّ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَمَطَّیْتُ	تُمُطِّیَ بِي	أَتَمَطَّیٰ	لِأَتَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِي	لِیُتَمَطَّ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَمَطَّیْنَا	تُمُطِّیَ بِنَا	نَتَمَطَّیٰ	لِنَتَمَطَّ	یُتَمَطَّیٰ بِنَا	لِیُتَمَطَّ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

باب تفاعل

اشاره

تصویر



صفحه ۲۶۱	(۱) ۱	باب تفاعل سالم، اَلتَّعَامُل (با هم داد و ستد کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَعَامَلَ	تُعُوْمِلَ بِهِ	يَتَعَامَلُ	لِيَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِهِ	لِيُتَعَامَلْ بِهِ	هُوَ	غایب مذکر مفرد
۲	تَعَامَلَا	تُعُوْمِلَ بِهِمَا	يَتَعَامَلَانِ	لِيَتَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِهِمَا	لِيُتَعَامَلْ بِهِمَا	هُمَا	مذکر مثنی
۳	تَعَامَلُوْا	تُعُوْمِلَ بِهِمْ	يَتَعَامَلُوْنَ	لِيَتَعَامَلُوْا	يُتَعَامَلُ بِهِمْ	لِيُتَعَامَلْ بِهِمْ	هُمْ	مذکر جمع
۴	تَعَامَلَتْ	تُعُوْمِلَ بِهَا	تَتَعَامَلُ	لِتَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِهَا	لِيُتَعَامَلْ بِهَا	هِيَ	مؤنث مفرد
۵	تَعَامَلَتَا	تُعُوْمِلَ بِهِمَا	تَتَعَامَلَانِ	لِتَتَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِهِمَا	لِيُتَعَامَلْ بِهِمَا	هُمَا	مؤنث مثنی
۶	تَعَامَلْنَ	تُعُوْمِلَ بِهِنَّ	يَتَعَامَلْنَ	لِيَتَعَامَلْنَ	يُتَعَامَلُ بِهِنَّ	لِيُتَعَامَلْ بِهِنَّ	هُنَّ	مؤنث جمع
۷	تَعَامَلْتَ	تُعُوْمِلَ بِكَ	تَتَعَامَلُ	تَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِكَ	لِيُتَعَامَلْ بِكَ	أَنْتَ	مخاطب مذکر مفرد
۸	تَعَامَلْتُمَا	تُعُوْمِلَ بِكُمَا	تَتَعَامَلَانِ	تَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِكُمَا	لِيُتَعَامَلْ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مذکر مثنی
۹	تَعَامَلْتُمْ	تُعُوْمِلَ بِكُمْ	تَتَعَامَلُوْنَ	تَعَامَلُوْا	يُتَعَامَلُ بِكُمْ	لِيُتَعَامَلْ بِكُمْ	أَنْتُمْ	مذکر جمع
۱۰	تَعَامَلْتِ	تُعُوْمِلَ بِكِ	تَتَعَامَلِيْنَ	تَعَامَلِي	يُتَعَامَلُ بِكِ	لِيُتَعَامَلْ بِكِ	أَنْتِ	مؤنث مفرد
۱۱	تَعَامَلْتُمَا	تُعُوْمِلَ بِكُمَا	تَتَعَامَلَانِ	تَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِكُمَا	لِيُتَعَامَلْ بِكُمَا	أَنْتُمَا	مؤنث مثنی
۱۲	تَعَامَلْتُنَّ	تُعُوْمِلَ بِكُنَّ	تَتَعَامَلْنَ	تَعَامَلْنَ	يُتَعَامَلُ بِكُنَّ	لِيُتَعَامَلْ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ	مؤنث جمع
۱۳	تَعَامَلْتُ	تُعُوْمِلَ بِي	أَتَعَامَلُ	لِأَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِي	لِيُتَعَامَلْ بِي	أَنَا	متکلم وحده
۱۴	تَعَامَلْنَا	تُعُوْمِلَ بِنَا	نَتَعَامَلُ	لِنَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِنَا	لِيُتَعَامَلْ بِنَا	نَحْنُ	متکلم مع الغیر مذکر و مؤنث

تصویر



صفحه ۲۶۲	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَعَامَلَ	لا يَتَعَامَلُ	اَنْ يَتَعَامَلَ	لا يَتَعَامَلْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما تَعَامَلَا	لا يَتَعَامَلَانِ	اَنْ يَتَعَامَلَا	لا يَتَعَامَلَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما تَعَامَلُوْا	لا يَتَعَامَلُوْنَ	اَنْ يَتَعَامَلُوْا	لا يَتَعَامَلُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما تَعَامَلَتْ	لا تَتَعَامَلُ	اَنْ تَتَعَامَلَ	لا تَتَعَامَلْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما تَعَامَلَتَا	لا تَتَعَامَلَانِ	اَنْ تَتَعَامَلَا	لا تَتَعَامَلَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما تَعَامَلْنَ	لا يَتَعَامَلْنَ	اَنْ يَتَعَامَلْنَ	لا يَتَعَامَلْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما تَعَامَلْتَ	لا تَتَعَامَلُ	اَنْ تَتَعَامَلَ	لا تَتَعَامَلْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما تَعَامَلْتُمَا	لا تَتَعَامَلَانِ	اَنْ تَتَعَامَلَا	لا تَتَعَامَلَا		اَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما تَعَامَلْتُمْ	لا تَتَعَامَلُوْنَ	اَنْ تَتَعَامَلُوْا	لا تَتَعَامَلُوْا		اَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما تَعَامَلْتِ	لا تَتَعَامَلِيْنَ	اَنْ تَتَعَامَلِي	لا تَتَعَامَلِي		اَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما تَعَامَلْتُمَا	لا تَتَعَامَلَانِ	اَنْ تَتَعَامَلَا	لا تَتَعَامَلَا		اَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما تَعَامَلْتُنَّ	لا تَتَعَامَلْنَ	اَنْ تَتَعَامَلْنَ	لا تَتَعَامَلْنَ		اَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما تَعَامَلْتُ	لا اَتَعَامَلُ	اَنْ اَتَعَامَلَ	لا اَتَعَامَلْ	متکلم	اَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَعَامَلْنَا	لا نَتَعَامَلُ	اَنْ نَتَعَامَلَ	لا نَتَعَامَلْ		نَحْنُ (جمع)

تصویر



صفحه ۲۶۳	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِ	لِيَتَعَامَلَنْ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	لِيَتَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمَا		غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	لِيَتَعَامَلُنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمْ	لِيَتَعَامَلُنْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	لِتَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهَا	لِتَتَعَامَلَنْ	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	لِتَتَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمَا		غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	لِيَتَعَامَلْنَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِنَّ		غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	تَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكَ	تَعَامَلَنْ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	تَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	تَعَامَلُنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمْ	تَعَامَلُنْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	تَعَامَلِنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكِ	تَعَامَلِنْ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	تَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	تَعَامَلْنَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُنَّ		مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِي	لِأَتَعَامَلَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	لِنَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِنَا	لِنَتَعَامَلَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

قاعده اول خصوصی باب تفاعل

تصویر

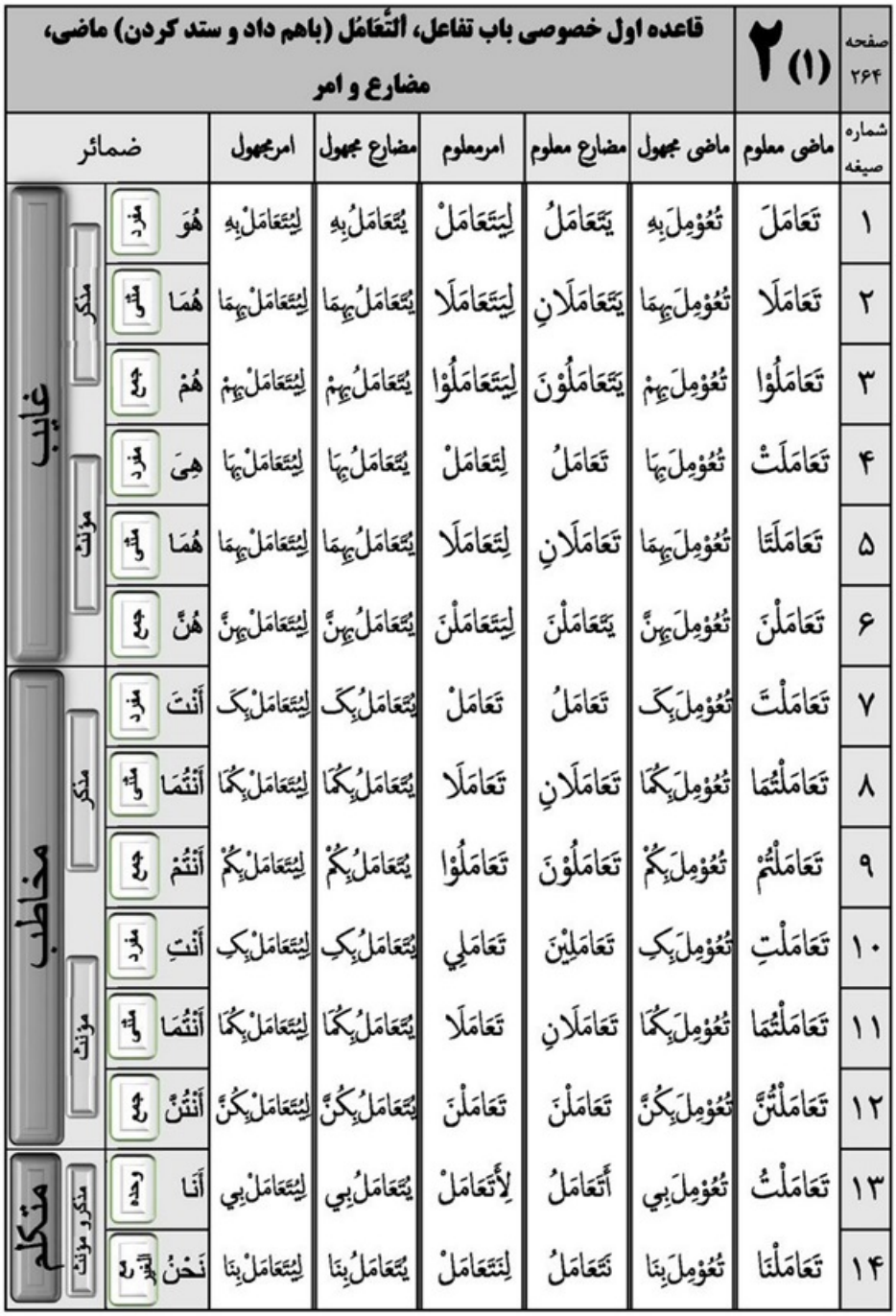

صفحه ۲۶۴	۲ (۱)	قاعده اول خصوصی باب تفاعل، اَلتَّعَامُل (باهم داد و ستد کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَعَامَلَ	تُعُوْمِلَ بِهِ	يَتَعَامَلُ	لِيَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِهِ	لِيُتَعَامَلْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَعَامَلَا	تُعُوْمِلَ بِهِمَا	يَتَعَامَلَانِ	لِيَتَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِهِمَا	لِيُتَعَامَلْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَعَامَلُوْا	تُعُوْمِلَ بِهِمْ	يَتَعَامَلُوْنَ	لِيَتَعَامَلُوْا	يُتَعَامَلُ بِهِمْ	لِيُتَعَامَلْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَعَامَلَتْ	تُعُوْمِلَ بِهَا	تَعَامَلُ	لِتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِهَا	لِيُتَعَامَلْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَعَامَلَتَا	تُعُوْمِلَ بِهِمَا	تَعَامَلَانِ	لِتَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِهِمَا	لِيُتَعَامَلْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَعَامَلْنَ	تُعُوْمِلَ بِهِنَّ	يَتَعَامَلْنَ	لِيَتَعَامَلْنَ	يُتَعَامَلُ بِهِنَّ	لِيُتَعَامَلْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَامَلْتَ	تُعُوْمِلَ بِكَ	تَعَامَلُ	تَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِكَ	لِيُتَعَامَلْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَامَلْتُمَا	تُعُوْمِلَ بِكُمَا	تَعَامَلَانِ	تَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِكُمَا	لِيُتَعَامَلْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَامَلْتُمْ	تُعُوْمِلَ بِكُمْ	تَعَامَلُوْنَ	تَعَامَلُوْا	يُتَعَامَلُ بِكُمْ	لِيُتَعَامَلْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَامَلْتِ	تُعُوْمِلَ بِكِ	تَعَامَلِيْنَ	تَعَامَلِي	يُتَعَامَلُ بِكِ	لِيُتَعَامَلْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَامَلْتُمَا	تُعُوْمِلَ بِكُمَا	تَعَامَلَانِ	تَعَامَلَا	يُتَعَامَلُ بِكُمَا	لِيُتَعَامَلْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَامَلْتُنَّ	تُعُوْمِلَ بِكُنَّ	تَعَامَلْنَ	تَعَامَلْنَ	يُتَعَامَلُ بِكُنَّ	لِيُتَعَامَلْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَعَامَلْتُ	تُعُوْمِلَ بِي	أَتَعَامَلُ	لِأَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِي	لِيُتَعَامَلْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَعَامَلْنَا	تُعُوْمِلَ بِنَا	نَتَعَامَلُ	لِنَتَعَامَلْ	يُتَعَامَلُ بِنَا	لِيُتَعَامَلْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

ص: ۲۶۴

تصویر

صفحه ۲۶۵	۲ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَعَامَلَ	لا يَتَعَامَلُ	اَنْ يَتَعَامَلَ	لا يَتَعَامَلْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما تَعَامَلَا	لا يَتَعَامَلَانِ	اَنْ يَتَعَامَلَا	لا يَتَعَامَلَا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما تَعَامَلُوْا	لا يَتَعَامَلُوْنَ	اَنْ يَتَعَامَلُوْا	لا يَتَعَامَلُوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما تَعَامَلَتْ	لا تَعَامَلُ	اَنْ تَعَامَلَ	لا تَعَامَلْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما تَعَامَلَتَا	لا تَعَامَلَانِ	اَنْ تَعَامَلَا	لا تَعَامَلَا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما تَعَامَلْنَ	لا يَتَعَامَلْنَ	اَنْ يَتَعَامَلْنَ	لا يَتَعَامَلْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما تَعَامَلْتَ	لا تَعَامَلُ	اَنْ تَعَامَلَ	لا تَعَامَلْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	ما تَعَامَلْتُمَا	لا تَعَامَلَانِ	اَنْ تَعَامَلَا	لا تَعَامَلَا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما تَعَامَلْتُمْ	لا تَعَامَلُوْنَ	اَنْ تَعَامَلُوْا	لا تَعَامَلُوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما تَعَامَلْتِ	لا تَعَامَلِيْنَ	اَنْ تَعَامَلِي	لا تَعَامَلِي	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما تَعَامَلْتُمَا	لا تَعَامَلَانِ	اَنْ تَعَامَلَا	لا تَعَامَلَا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما تَعَامَلْتُنَّ	لا تَعَامَلْنَ	اَنْ تَعَامَلْنَ	لا تَعَامَلْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَعَامَلْتُ	لا أَتَعَامَلُ	اَنْ أَتَعَامَلَ	لا أَتَعَامَلْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	ما تَعَامَلْنَا	لا نَتَعَامَلُ	اَنْ نَتَعَامَلَ	لا نَتَعَامَلْ	متکلم / مذکر و مؤنث / تثنیه و جمع	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۶۶	نون تأکید ۲ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِ	لِيَتَعَامَلَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَعَامَلُنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمْ	لِيَتَعَامَلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهَا	لِتَعَامَلَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَعَامَلْنَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكَ	تَعَامَلَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَعَامَلُنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمْ	تَعَامَلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَعَامَلِنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكِ	تَعَامَلِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَعَامَلَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَعَامَلْنَانِّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِي	لِأَتَعَامَلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَعَامَلَنَّ	لِيُتَعَامَلَنَّ بِنَا	لِنَتَعَامَلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۲۶۶

تصویر



صفحه ۲۶۷	۳ (۱)	باب تفاعل مضاعف، اَلتَّضَادُّ (مخالفت کردن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر	
۱	تَضَادَّ	تُضُوْدَّ بِهِ	يَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِهِ	اَنْ يَتَضَادَّ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	تَضَادَّا	تُضُوْدَّ بِهِمَا	يَتَضَادَّانِ	يُتَضَادُّ بِهِمَا	اَنْ يَتَضَادَّا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	تَضَادُّوْا	تُضُوْدَّ بِهِمْ	يَتَضَادُّوْنَ	يُتَضَادُّ بِهِمْ	اَنْ يَتَضَادُّوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	تَضَادَّتْ	تُضُوْدَّ بِهَا	تَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِهَا	اَنْ تَتَضَادَّ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	تَضَادَّتَا	تُضُوْدَّ بِهِمَا	تَتَضَادَّانِ	يُتَضَادُّ بِهِمَا	اَنْ تَتَضَادَّا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	تَضَادَدْنَ	تُضُوْدَّ بِهِنَّ	يَتَضَادَدْنَ	يُتَضَادُّ بِهِنَّ	اَنْ يَتَضَادَدْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	تَضَادَدْتَ	تُضُوْدَّ بِكَ	تَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِكَ	اَنْ تَتَضَادَّ	اَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	تَضَادَدْتُمَا	تُضُوْدَّ بِكُمَا	تَتَضَادَّانِ	يُتَضَادُّ بِكُمَا	اَنْ تَتَضَادَّا	اَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	تَضَادَدْتُمْ	تُضُوْدَّ بِكُمْ	تَتَضَادُّوْنَ	يُتَضَادُّ بِكُمْ	اَنْ تَتَضَادُّوْا	اَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	تَضَادَدْتِ	تُضُوْدَّ بِكِ	تَتَضَادِّيْنَ	يُتَضَادُّ بِكِ	اَنْ تَتَضَادِّي	اَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	تَضَادَدْتُمَا	تُضُوْدَّ بِكُمَا	تَتَضَادَّانِ	يُتَضَادُّ بِكُمَا	اَنْ تَتَضَادَّا	اَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	تَضَادَدْتُنَّ	تُضُوْدَّ بِكُنَّ	تَتَضَادَدْنَ	يُتَضَادُّ بِكُنَّ	اَنْ تَتَضَادَدْنَ	اَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	تَضَادَدْتُ	تُضُوْدَّ بِي	أَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِي	اَنْ أَتَضَادَّ	اَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده
۱۴	تَضَادَدْنَا	تُضُوْدَّ بِنَا	نَتَضَادُّ	يُتَضَادُّ بِنَا	اَنْ نَتَضَادَّ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر

تصویر



صفحه ۲۶۸	۳ (۲) امر معلوم و مجهول		
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	لِيَتَضَادَدْ لِيَتَضَادَّ لِيَتَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِهِ لِيُتَضَادَّبِهِ لِيُتَضَادِّبِهِ	غایب — مذکر — مفرد: هُوَ
۲	لِيَتَضَادَّا	لِيُتَضَادَدْبِهِمَا لِيُتَضَادَّبِهِمَا لِيُتَضَادِّبِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی: هُمَا
۳	لِيَتَضَادُّوْا	لِيُتَضَادَدْبِهِمْ لِيُتَضَادَّبِهِمْ لِيُتَضَادِّبِهِمْ	غایب — مذکر — جمع: هُمْ
۴	لِتَتَضَادَدْ لِتَتَضَادَّ لِتَتَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِهَا لِيُتَضَادَّبِهَا لِيُتَضَادِّبِهَا	غایب — مؤنث — مفرد: هِيَ
۵	لِتَتَضَادَّا	لِيُتَضَادَدْبِهِمَا لِيُتَضَادَّبِهِمَا لِيُتَضَادِّبِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی: هُمَا
۶	لِيَتَضَادَدْنَ	لِيُتَضَادَدْبِهِنَّ لِيُتَضَادَّبِهِنَّ لِيُتَضَادِّبِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع: هُنَّ
۷	تَضَادَدْ تَضَادَّ تَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِكَ لِيُتَضَادَّبِكَ لِيُتَضَادِّبِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد: أَنْتَ
۸	تَضَادَّا	لِيُتَضَادَدْبِكُمَا لِيُتَضَادَّبِكُمَا لِيُتَضَادِّبِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی: أَنْتُمَا
۹	تَضَادُّوْا	لِيُتَضَادَدْبِكُمْ لِيُتَضَادَّبِكُمْ لِيُتَضَادِّبِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع: أَنْتُمْ
۱۰	تَضَادِّي	لِيُتَضَادَدْبِكِ لِيُتَضَادَّبِكِ لِيُتَضَادِّبِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد: أَنْتِ
۱۱	تَضَادَّا	لِيُتَضَادَدْبِكُمَا لِيُتَضَادَّبِكُمَا لِيُتَضَادِّبِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	تَضَادَدْنَ	لِيُتَضَادَدْبِكُنَّ لِيُتَضَادَّبِكُنَّ لِيُتَضَادِّبِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَضَادَدْ لِأَتَضَادَّ لِأَتَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِي لِيُتَضَادَّبِي لِيُتَضَادِّبِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده: أَنَا
۱۴	لِنَتَضَادَدْ لِنَتَضَادَّ لِنَتَضَادِّ	لِيُتَضَادَدْبِنَا لِيُتَضَادَّبِنَا لِيُتَضَادِّبِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر: نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۶۹	۳ (۳)	مضارع مجزوم		
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَتَضَادَدْ لَمْ يَتَضَادَّ لَمْ يَتَضَادِّ	لا يَتَضَادَدْ لا يَتَضَادَّ لا يَتَضَادِّ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	لَمْ يَتَضَادَّا	لا يَتَضَادَّا	هُمَا (مثنی)	
۳	لَمْ يَتَضَادُّوْا	لا يَتَضَادُّوْا	هُمْ (جمع)	
۴	لَمْ تَتَضَادَدْ لَمْ تَتَضَادَّ لَمْ تَتَضَادِّ	لا تَتَضَادَدْ لا تَتَضَادَّ لا تَتَضَادِّ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	لَمْ تَتَضَادَّا	لا تَتَضَادَّا	هُمَا (مثنی)	
۶	لَمْ يَتَضَادَدْنَ	لا يَتَضَادَدْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	لَمْ تَتَضَادَدْ لَمْ تَتَضَادَّ لَمْ تَتَضَادِّ	لا تَتَضَادَدْ لا تَتَضَادَّ لا تَتَضَادِّ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	لَمْ تَتَضَادَّا	لا تَتَضَادَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	لَمْ تَتَضَادُّوْا	لا تَتَضَادُّوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	لَمْ تَتَضَادِّي	لا تَتَضَادِّي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	لَمْ تَتَضَادَّا	لا تَتَضَادَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	لَمْ تَتَضَادَدْنَ	لا تَتَضَادَدْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	لَمْ أَتَضَادَدْ لَمْ أَتَضَادَّ لَمْ أَتَضَادِّ	لا أَتَضَادَدْ لا أَتَضَادَّ لا أَتَضَادِّ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	لَمْ نَتَضَادَدْ لَمْ نَتَضَادَّ لَمْ نَتَضَادِّ	لا نَتَضَادَدْ لا نَتَضَادَّ لا نَتَضَادِّ	نَحْنُ (مع الغیر)	

ص: ۲۶۹

تصویر



صفحه ۲۷۰	۳ (۴) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِ	لِيَتَضَادَّنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَضَادَّانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَضَادُّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِمْ	لِيَتَضَادُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهَا	لِتَتَضَادَّنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَضَادَّانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَضَادَدْنَانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكَ	تَضَادَّنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَضَادَّانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَضَادُّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكُمْ	تَضَادُّنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَضَادِّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكِ	تَضَادِّنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَضَادَّانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَضَادَدْنَانِّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِي	لِأَتَضَادَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَضَادَّنَّ	لِيُتَضَادَّنَّ بِنَا	لِنَتَضَادَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

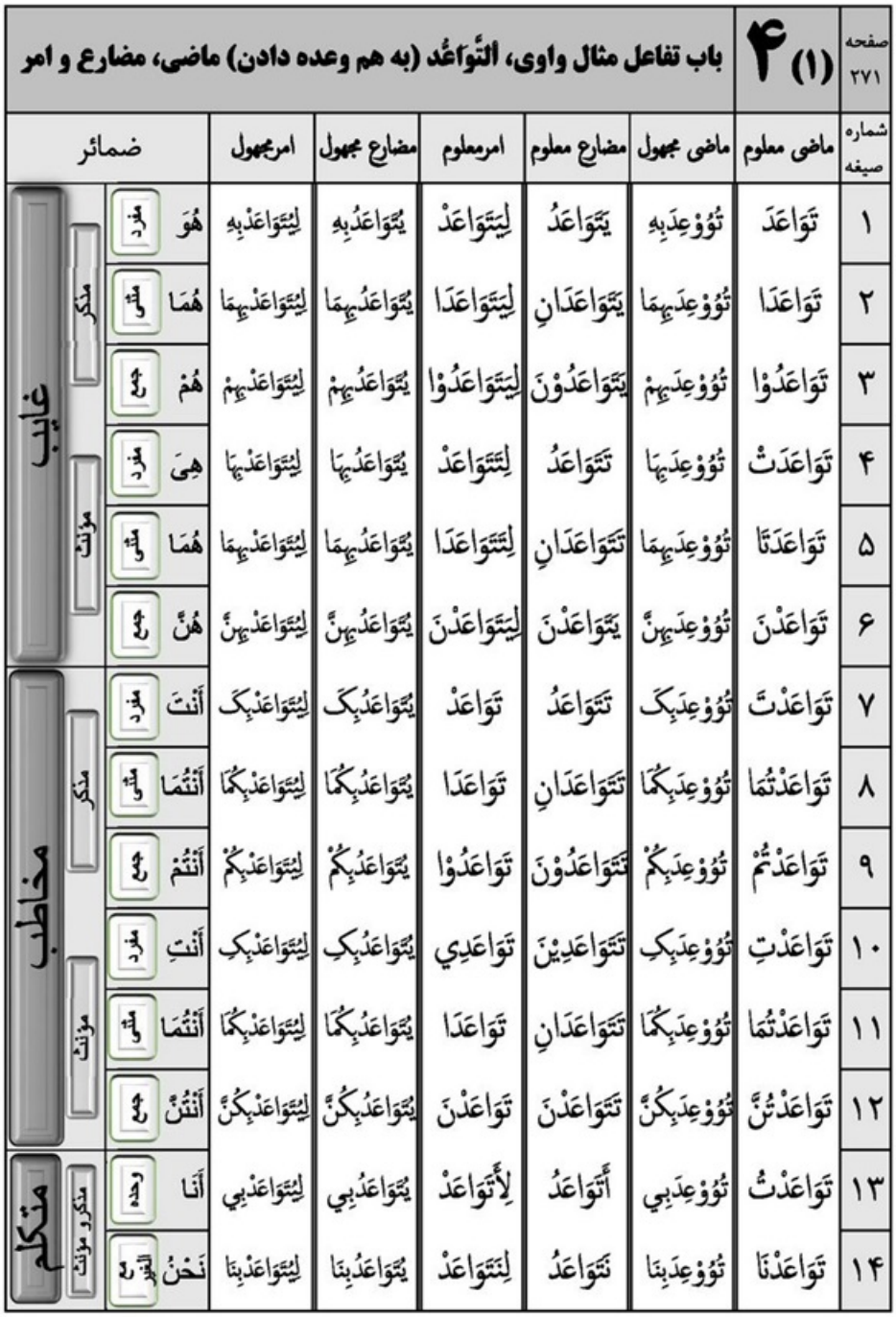

صفحه ۲۷۱	۴ (۱) باب تفاعل مثال واوی، اَلتَّوَاعُد (به هم وعده دادن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَوَاعَدَ	تُوُوْعِدَبِهِ	يَتَوَاعَدُ	لِيَتَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِهِ	لِيُتَوَاعَدْبِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	تَوَاعَدَا	تُوُوْعِدَبِهِمَا	يَتَوَاعَدَانِ	لِيَتَوَاعَدَا	يُتَوَاعَدُبِهِمَا	لِيُتَوَاعَدْبِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	تَوَاعَدُوْا	تُوُوْعِدَبِهِمْ	يَتَوَاعَدُوْنَ	لِيَتَوَاعَدُوْا	يُتَوَاعَدُبِهِمْ	لِيُتَوَاعَدْبِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	تَوَاعَدَتْ	تُوُوْعِدَبِهَا	تَتَوَاعَدُ	لِتَتَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِهَا	لِيُتَوَاعَدْبِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	تَوَاعَدَتَا	تُوُوْعِدَبِهِمَا	تَتَوَاعَدَانِ	لِتَتَوَاعَدَا	يُتَوَاعَدُبِهِمَا	لِيُتَوَاعَدْبِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	تَوَاعَدْنَ	تُوُوْعِدَبِهِنَّ	يَتَوَاعَدْنَ	لِيَتَوَاعَدْنَ	يُتَوَاعَدُبِهِنَّ	لِيُتَوَاعَدْبِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَوَاعَدْتَ	تُوُوْعِدَبِكَ	تَتَوَاعَدُ	تَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِكَ	لِيُتَوَاعَدْبِكَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَوَاعَدْتُمَا	تُوُوْعِدَبِكُمَا	تَتَوَاعَدَانِ	تَوَاعَدَا	يُتَوَاعَدُبِكُمَا	لِيُتَوَاعَدْبِكُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَوَاعَدْتُمْ	تُوُوْعِدَبِكُمْ	تَتَوَاعَدُوْنَ	تَوَاعَدُوْا	يُتَوَاعَدُبِكُمْ	لِيُتَوَاعَدْبِكُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَوَاعَدْتِ	تُوُوْعِدَبِكِ	تَتَوَاعَدِيْنَ	تَوَاعَدِي	يُتَوَاعَدُبِكِ	لِيُتَوَاعَدْبِكِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَوَاعَدْتُمَا	تُوُوْعِدَبِكُمَا	تَتَوَاعَدَانِ	تَوَاعَدَا	يُتَوَاعَدُبِكُمَا	لِيُتَوَاعَدْبِكُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَوَاعَدْتُنَّ	تُوُوْعِدَبِكُنَّ	تَتَوَاعَدْنَ	تَوَاعَدْنَ	يُتَوَاعَدُبِكُنَّ	لِيُتَوَاعَدْبِكُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	تَوَاعَدْتُ	تُوُوْعِدَبِي	أَتَوَاعَدُ	لِأَتَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِي	لِيُتَوَاعَدْبِي	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد / أَنَا
۱۴	تَوَاعَدْنَا	تُوُوْعِدَبِنَا	نَتَوَاعَدُ	لِنَتَوَاعَدْ	يُتَوَاعَدُبِنَا	لِيُتَوَاعَدْبِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۲	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم					
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَوَاعَدَ	لا يَتَوَاعَدُ	اَنْ يَتَوَاعَدَ	اَنْ يَتَوَاعَدْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما تَوَاعَدَا	لا يَتَوَاعَدَانِ	اَنْ يَتَوَاعَدَا	اَنْ يَتَوَاعَدَا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما تَوَاعَدُوْا	لا يَتَوَاعَدُوْنَ	اَنْ يَتَوَاعَدُوْا	اَنْ يَتَوَاعَدُوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما تَوَاعَدَتْ	لا تَتَوَاعَدُ	اَنْ تَتَوَاعَدَ	اَنْ تَتَوَاعَدْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما تَوَاعَدَتَا	لا تَتَوَاعَدَانِ	اَنْ تَتَوَاعَدَا	اَنْ تَتَوَاعَدَا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما تَوَاعَدْنَ	لا يَتَوَاعَدْنَ	اَنْ يَتَوَاعَدْنَ	اَنْ يَتَوَاعَدْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما تَوَاعَدْتَ	لا تَتَوَاعَدُ	اَنْ تَتَوَاعَدَ	اَنْ تَتَوَاعَدْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	ما تَوَاعَدْتُمَا	لا تَتَوَاعَدَانِ	اَنْ تَتَوَاعَدَا	اَنْ تَتَوَاعَدَا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما تَوَاعَدْتُمْ	لا تَتَوَاعَدُوْنَ	اَنْ تَتَوَاعَدُوْا	اَنْ تَتَوَاعَدُوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما تَوَاعَدْتِ	لا تَتَوَاعَدِيْنَ	اَنْ تَتَوَاعَدِي	اَنْ تَتَوَاعَدِي	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما تَوَاعَدْتُمَا	لا تَتَوَاعَدَانِ	اَنْ تَتَوَاعَدَا	اَنْ تَتَوَاعَدَا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما تَوَاعَدْتُنَّ	لا تَتَوَاعَدْنَ	اَنْ تَتَوَاعَدْنَ	اَنْ تَتَوَاعَدْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَوَاعَدْتُ	لا أَتَوَاعَدُ	اَنْ أَتَوَاعَدَ	اَنْ أَتَوَاعَدْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد	أَنَا
۱۴	ما تَوَاعَدْنَا	لا نَتَوَاعَدُ	اَنْ نَتَوَاعَدَ	اَنْ نَتَوَاعَدْ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۳	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِ	لِيَتَوَاعَدَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَتَوَاعَدَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَتَوَاعَدُنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِمْ	لِيَتَوَاعَدُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَتَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهَا	لِتَتَوَاعَدَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَتَوَاعَدَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَتَوَاعَدْنَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكَ	تَوَاعَدَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَوَاعَدَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَوَاعَدُنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكُمْ	تَوَاعَدُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَوَاعَدِنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكِ	تَوَاعَدِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَوَاعَدَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَوَاعَدْنَانِّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِي	لِأَتَوَاعَدَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَتَوَاعَدَنَّ	لِيُتَوَاعَدَنَّ بِنَا	لِنَتَوَاعَدَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۴	۵ (۱)	باب تفاعل مثال یایی، اَلتَّیَاسُر (آسان گرفتن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَیَاسَرَ	تُیُوْسِرَ	یَتَیَاسَرُ	لِیَتَیَاسَرْ	یُتَیَاسَرُ	لِیُتَیَاسَرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَیَاسَرَا	تُیُوْسِرَا	یَتَیَاسَرَانِ	لِیَتَیَاسَرَا	یُتَیَاسَرَانِ	لِیُتَیَاسَرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَیَاسَرُوْا	تُیُوْسِرُوْا	یَتَیَاسَرُوْنَ	لِیَتَیَاسَرُوْا	یُتَیَاسَرُوْنَ	لِیُتَیَاسَرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَیَاسَرَتْ	تُیُوْسِرَتْ	تَتَیَاسَرُ	لِتَتَیَاسَرْ	تُتَیَاسَرُ	لِتُتَیَاسَرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَیَاسَرَتَا	تُیُوْسِرَتَا	تَتَیَاسَرَانِ	لِتَتَیَاسَرَا	تُتَیَاسَرَانِ	لِتُتَیَاسَرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَیَاسَرْنَ	تُیُوْسِرْنَ	یَتَیَاسَرْنَ	لِیَتَیَاسَرْنَ	یُتَیَاسَرْنَ	لِیُتَیَاسَرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَیَاسَرْتَ	تُیُوْسِرْتَ	تَتَیَاسَرُ	تَیَاسَرْ	تُتَیَاسَرُ	لِتُتَیَاسَرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَیَاسَرْتُمَا	تُیُوْسِرْتُمَا	تَتَیَاسَرَانِ	تَیَاسَرَا	تُتَیَاسَرَانِ	لِتُتَیَاسَرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَیَاسَرْتُمْ	تُیُوْسِرْتُمْ	تَتَیَاسَرُوْنَ	تَیَاسَرُوْا	تُتَیَاسَرُوْنَ	لِتُتَیَاسَرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَیَاسَرْتِ	تُیُوْسِرْتِ	تَتَیَاسَرِیْنَ	تَیَاسَرِي	تُتَیَاسَرِیْنَ	لِتُتَیَاسَرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَیَاسَرْتُمَا	تُیُوْسِرْتُمَا	تَتَیَاسَرَانِ	تَیَاسَرَا	تُتَیَاسَرَانِ	لِتُتَیَاسَرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَیَاسَرْتُنَّ	تُیُوْسِرْتُنَّ	تَتَیَاسَرْنَ	تَیَاسَرْنَ	تُتَیَاسَرْنَ	لِتُتَیَاسَرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَیَاسَرْتُ	تُیُوْسِرْتُ	أَتَیَاسَرُ	لِأَتَیَاسَرْ	أُتَیَاسَرُ	لِأُتَیَاسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَیَاسَرْنَا	تُیُوْسِرْنَا	نَتَیَاسَرُ	لِنَتَیَاسَرْ	نُتَیَاسَرُ	لِنُتَیَاسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۷۵	۵ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَيَاسَرَ	لا يَتَيَاسَرُ	اَنْ يَتَيَاسَرَ	لا يَتَيَاسَرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما تَيَاسَرَا	لا يَتَيَاسَرَانِ	اَنْ يَتَيَاسَرَا	لا يَتَيَاسَرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما تَيَاسَرُوْا	لا يَتَيَاسَرُوْنَ	اَنْ يَتَيَاسَرُوْا	لا يَتَيَاسَرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما تَيَاسَرَتْ	لا تَتَيَاسَرُ	اَنْ تَتَيَاسَرَ	لا تَتَيَاسَرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما تَيَاسَرَتَا	لا تَتَيَاسَرَانِ	اَنْ تَتَيَاسَرَا	لا تَتَيَاسَرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما تَيَاسَرْنَ	لا يَتَيَاسَرْنَ	اَنْ يَتَيَاسَرْنَ	لا يَتَيَاسَرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما تَيَاسَرْتَ	لا تَتَيَاسَرُ	اَنْ تَتَيَاسَرَ	لا تَتَيَاسَرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما تَيَاسَرْتُمَا	لا تَتَيَاسَرَانِ	اَنْ تَتَيَاسَرَا	لا تَتَيَاسَرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما تَيَاسَرْتُمْ	لا تَتَيَاسَرُوْنَ	اَنْ تَتَيَاسَرُوْا	لا تَتَيَاسَرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما تَيَاسَرْتِ	لا تَتَيَاسَرِيْنَ	اَنْ تَتَيَاسَرِي	لا تَتَيَاسَرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما تَيَاسَرْتُمَا	لا تَتَيَاسَرَانِ	اَنْ تَتَيَاسَرَا	لا تَتَيَاسَرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما تَيَاسَرْتُنَّ	لا تَتَيَاسَرْنَ	اَنْ تَتَيَاسَرْنَ	لا تَتَيَاسَرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَيَاسَرْتُ	لا اَتَيَاسَرُ	اَنْ اَتَيَاسَرَ	لا اَتَيَاسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — اَنَا
۱۴	ما تَيَاسَرْنَا	لا نَتَيَاسَرُ	اَنْ نَتَيَاسَرَ	لا نَتَيَاسَرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — تثنیه و جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۶	نون تأکید ۵ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَيَاسَرَنَّ	لِيُتَيَاسَرَنَّ	لِيَتَيَاسَرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَيَاسَرَانِّ	لِيُتَيَاسَرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَيَاسَرُنَّ	لِيُتَيَاسَرُنَّ	لِيَتَيَاسَرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَيَاسَرَنَّ	لِتُتَيَاسَرَنَّ	لِتَتَيَاسَرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَيَاسَرَانِّ	لِتُتَيَاسَرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَيَاسَرْنَانِّ	لِيُتَيَاسَرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَيَاسَرَنَّ	لِتُتَيَاسَرَنَّ	تَيَاسَرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَيَاسَرَانِّ	لِتُتَيَاسَرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَيَاسَرُنَّ	لِتُتَيَاسَرُنَّ	تَيَاسَرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَيَاسَرِنَّ	لِتُتَيَاسَرِنَّ	تَيَاسَرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَيَاسَرَانِّ	لِتُتَيَاسَرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَيَاسَرْنَانِّ	لِتُتَيَاسَرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَيَاسَرَنَّ	لِأُتَيَاسَرَنَّ	لِأَتَيَاسَرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَيَاسَرَنَّ	لِنُتَيَاسَرَنَّ	لِنَتَيَاسَرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۷	(۱) ۶ باب تفاعل اجوف واوی، التَّقَاوُل (کفت و شنود کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَقَاوَلَ	تُقُوْوِلَ بِهِ	يَتَقَاوَلُ	لِيَتَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِهِ	لِيُتَقَاوَلْ بِهِ	غایب: مذکر، مفرد: هُوَ
۲	تَقَاوَلَا	تُقُوْوِلَ بِهِمَا	يَتَقَاوَلَانِ	لِيَتَقَاوَلَا	يُتَقَاوَلُ بِهِمَا	لِيُتَقَاوَلْ بِهِمَا	غایب: مذکر، مثنی: هُمَا
۳	تَقَاوَلُوْا	تُقُوْوِلَ بِهِمْ	يَتَقَاوَلُوْنَ	لِيَتَقَاوَلُوْا	يُتَقَاوَلُ بِهِمْ	لِيُتَقَاوَلْ بِهِمْ	غایب: مذکر، جمع: هُمْ
۴	تَقَاوَلَتْ	تُقُوْوِلَ بِهَا	تَتَقَاوَلُ	لِتَتَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِهَا	لِيُتَقَاوَلْ بِهَا	غایب: مؤنث، مفرد: هِيَ
۵	تَقَاوَلَتَا	تُقُوْوِلَ بِهِمَا	تَتَقَاوَلَانِ	لِتَتَقَاوَلَا	يُتَقَاوَلُ بِهِمَا	لِيُتَقَاوَلْ بِهِمَا	غایب: مؤنث، مثنی: هُمَا
۶	تَقَاوَلْنَ	تُقُوْوِلَ بِهِنَّ	يَتَقَاوَلْنَ	لِيَتَقَاوَلْنَ	يُتَقَاوَلُ بِهِنَّ	لِيُتَقَاوَلْ بِهِنَّ	غایب: مؤنث، جمع: هُنَّ
۷	تَقَاوَلْتَ	تُقُوْوِلَ بِكَ	تَتَقَاوَلُ	تَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِكَ	لِيُتَقَاوَلْ بِكَ	مخاطب: مذکر، مفرد: أَنْتَ
۸	تَقَاوَلْتُمَا	تُقُوْوِلَ بِكُمَا	تَتَقَاوَلَانِ	تَقَاوَلَا	يُتَقَاوَلُ بِكُمَا	لِيُتَقَاوَلْ بِكُمَا	مخاطب: مذکر، مثنی: أَنْتُمَا
۹	تَقَاوَلْتُمْ	تُقُوْوِلَ بِكُمْ	تَتَقَاوَلُوْنَ	تَقَاوَلُوْا	يُتَقَاوَلُ بِكُمْ	لِيُتَقَاوَلْ بِكُمْ	مخاطب: مذکر، جمع: أَنْتُمْ
۱۰	تَقَاوَلْتِ	تُقُوْوِلَ بِكِ	تَتَقَاوَلِيْنَ	تَقَاوَلِي	يُتَقَاوَلُ بِكِ	لِيُتَقَاوَلْ بِكِ	مخاطب: مؤنث، مفرد: أَنْتِ
۱۱	تَقَاوَلْتُمَا	تُقُوْوِلَ بِكُمَا	تَتَقَاوَلَانِ	تَقَاوَلَا	يُتَقَاوَلُ بِكُمَا	لِيُتَقَاوَلْ بِكُمَا	مخاطب: مؤنث، مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	تَقَاوَلْتُنَّ	تُقُوْوِلَ بِكُنَّ	تَتَقَاوَلْنَ	تَقَاوَلْنَ	يُتَقَاوَلُ بِكُنَّ	لِيُتَقَاوَلْ بِكُنَّ	مخاطب: مؤنث، جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	تَقَاوَلْتُ	تُقُوْوِلَ بِي	أَتَقَاوَلُ	لِأَتَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِي	لِيُتَقَاوَلْ بِي	متکلم: مذکر و مؤنث، وحده: أَنَا
۱۴	تَقَاوَلْنَا	تُقُوْوِلَ بِنَا	نَتَقَاوَلُ	لِنَتَقَاوَلْ	يُتَقَاوَلُ بِنَا	لِيُتَقَاوَلْ بِنَا	متکلم: مذکر و مؤنث، مع الغیر: نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۷۸	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَقَاوَلَ	لا يَتَقَاوَلُ	اَنْ يَتَقَاوَلَ	لا يَتَقَاوَلْ	غایب	هُوَ (مفرد مذکر)
۲	ما تَقَاوَلَا	لا يَتَقَاوَلَانِ	اَنْ يَتَقَاوَلَا	لا يَتَقَاوَلَا		هُمَا (مثنی مذکر)
۳	ما تَقَاوَلُوْا	لا يَتَقَاوَلُوْنَ	اَنْ يَتَقَاوَلُوْا	لا يَتَقَاوَلُوْا		هُمْ (جمع مذکر)
۴	ما تَقَاوَلَتْ	لا تَتَقَاوَلُ	اَنْ تَتَقَاوَلَ	لا تَتَقَاوَلْ		هِيَ (مفرد مؤنث)
۵	ما تَقَاوَلَتَا	لا تَتَقَاوَلَانِ	اَنْ تَتَقَاوَلَا	لا تَتَقَاوَلَا		هُمَا (مثنی مؤنث)
۶	ما تَقَاوَلْنَ	لا يَتَقَاوَلْنَ	اَنْ يَتَقَاوَلْنَ	لا يَتَقَاوَلْنَ		هُنَّ (جمع مؤنث)
۷	ما تَقَاوَلْتَ	لا تَتَقَاوَلُ	اَنْ تَتَقَاوَلَ	لا تَتَقَاوَلْ	مخاطب	اَنْتَ (مفرد مذکر)
۸	ما تَقَاوَلْتُمَا	لا تَتَقَاوَلَانِ	اَنْ تَتَقَاوَلَا	لا تَتَقَاوَلَا		اَنْتُمَا (مثنی مذکر)
۹	ما تَقَاوَلْتُمْ	لا تَتَقَاوَلُوْنَ	اَنْ تَتَقَاوَلُوْا	لا تَتَقَاوَلُوْا		اَنْتُمْ (جمع مذکر)
۱۰	ما تَقَاوَلْتِ	لا تَتَقَاوَلِيْنَ	اَنْ تَتَقَاوَلِي	لا تَتَقَاوَلِي		اَنْتِ (مفرد مؤنث)
۱۱	ما تَقَاوَلْتُمَا	لا تَتَقَاوَلَانِ	اَنْ تَتَقَاوَلَا	لا تَتَقَاوَلَا		اَنْتُمَا (مثنی مؤنث)
۱۲	ما تَقَاوَلْتُنَّ	لا تَتَقَاوَلْنَ	اَنْ تَتَقَاوَلْنَ	لا تَتَقَاوَلْنَ		اَنْتُنَّ (جمع مؤنث)
۱۳	ما تَقَاوَلْتُ	لا اَتَقَاوَلُ	اَنْ اَتَقَاوَلَ	لا اَتَقَاوَلْ	متکلم	اَنَا (وحده مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَقَاوَلْنَا	لا نَتَقَاوَلُ	اَنْ نَتَقَاوَلَ	لا نَتَقَاوَلْ		نَحْنُ (جمع مذکر و مؤنث)

تصویر



صفحه ۲۷۹	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِ	لِيَتَقَاوَلَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَقَاوَلَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَقَاوَلُنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِمْ	لِيَتَقَاوَلُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهَا	لِتَتَقَاوَلَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَقَاوَلَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَقَاوَلْنَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكَ	تَقَاوَلَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَقَاوَلَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَقَاوَلُنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكُمْ	تَقَاوَلُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَقَاوَلِنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكِ	تَقَاوَلِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَقَاوَلَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَقَاوَلْنَانِّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِي	لِأَتَقَاوَلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَقَاوَلَنَّ	لِيُتَقَاوَلَنَّ بِنَا	لِنَتَقَاوَلَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

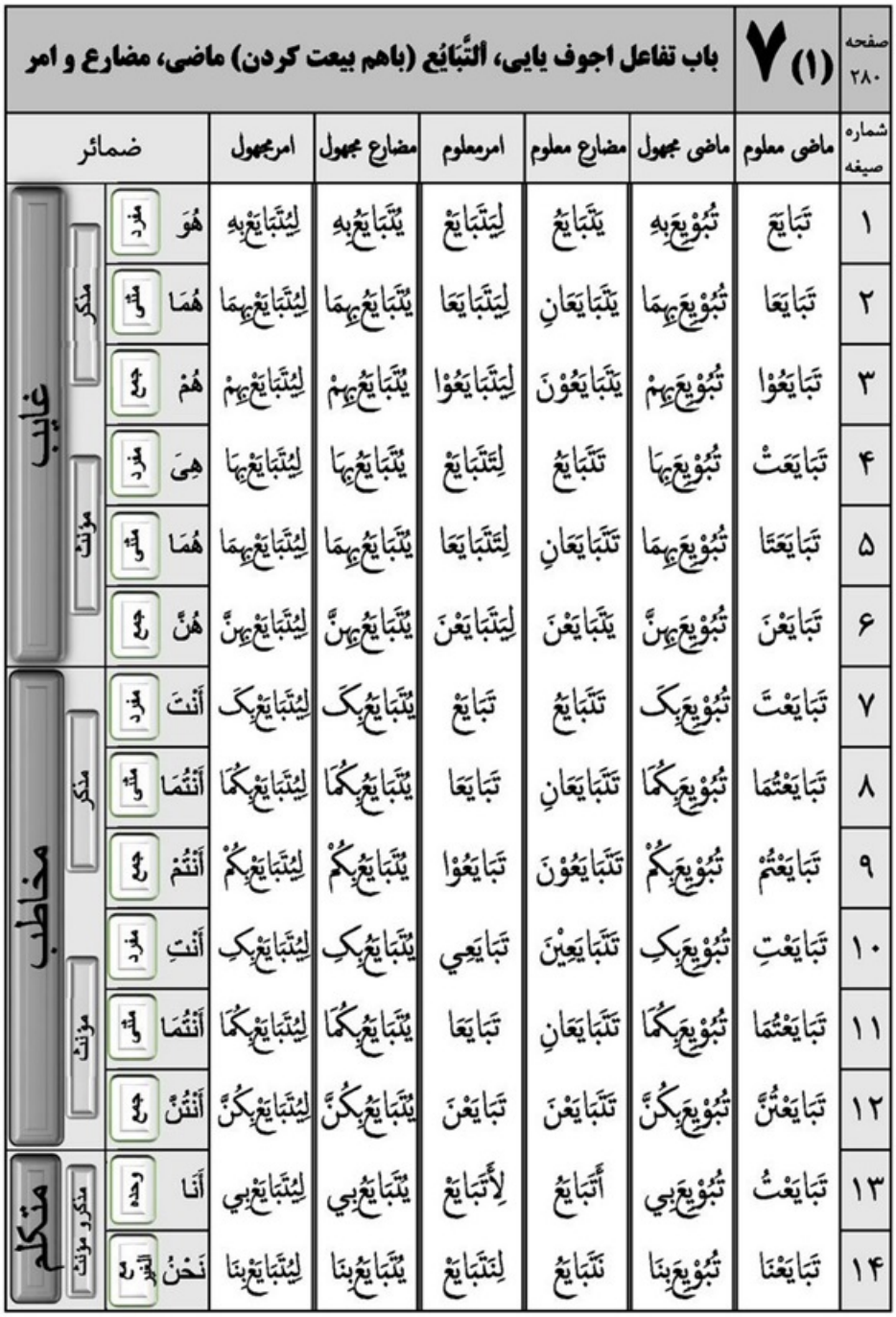

صفحه ۲۸۰	(۱) ۷ باب تفاعل اجوف یایی، اَلتَّبَایُع (باهم بیعت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَبَایَعَ	تُبُوْیِعَ بِهِ	یَتَبَایَعُ	لِیَتَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِهِ	لِیُتَبَایَعْ بِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	تَبَایَعَا	تُبُوْیِعَ بِهِمَا	یَتَبَایَعَانِ	لِیَتَبَایَعَا	یُتَبَایَعُ بِهِمَا	لِیُتَبَایَعْ بِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	تَبَایَعُوْا	تُبُوْیِعَ بِهِمْ	یَتَبَایَعُوْنَ	لِیَتَبَایَعُوْا	یُتَبَایَعُ بِهِمْ	لِیُتَبَایَعْ بِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	تَبَایَعَتْ	تُبُوْیِعَ بِهَا	تَتَبَایَعُ	لِتَتَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِهَا	لِیُتَبَایَعْ بِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِیَ
۵	تَبَایَعَتَا	تُبُوْیِعَ بِهِمَا	تَتَبَایَعَانِ	لِتَتَبَایَعَا	یُتَبَایَعُ بِهِمَا	لِیُتَبَایَعْ بِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	تَبَایَعْنَ	تُبُوْیِعَ بِهِنَّ	یَتَبَایَعْنَ	لِیَتَبَایَعْنَ	یُتَبَایَعُ بِهِنَّ	لِیُتَبَایَعْ بِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَبَایَعْتَ	تُبُوْیِعَ بِکَ	تَتَبَایَعُ	تَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِکَ	لِیُتَبَایَعْ بِکَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَبَایَعْتُمَا	تُبُوْیِعَ بِکُمَا	تَتَبَایَعَانِ	تَبَایَعَا	یُتَبَایَعُ بِکُمَا	لِیُتَبَایَعْ بِکُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَبَایَعْتُمْ	تُبُوْیِعَ بِکُمْ	تَتَبَایَعُوْنَ	تَبَایَعُوْا	یُتَبَایَعُ بِکُمْ	لِیُتَبَایَعْ بِکُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَبَایَعْتِ	تُبُوْیِعَ بِکِ	تَتَبَایَعِیْنَ	تَبَایَعِي	یُتَبَایَعُ بِکِ	لِیُتَبَایَعْ بِکِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَبَایَعْتُمَا	تُبُوْیِعَ بِکُمَا	تَتَبَایَعَانِ	تَبَایَعَا	یُتَبَایَعُ بِکُمَا	لِیُتَبَایَعْ بِکُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَبَایَعْتُنَّ	تُبُوْیِعَ بِکُنَّ	تَتَبَایَعْنَ	تَبَایَعْنَ	یُتَبَایَعُ بِکُنَّ	لِیُتَبَایَعْ بِکُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	تَبَایَعْتُ	تُبُوْیِعَ بِي	أَتَبَایَعُ	لِأَتَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِي	لِیُتَبَایَعْ بِي	متکلم / مذکر و مؤنث / مفرد / أَنَا
۱۴	تَبَایَعْنَا	تُبُوْیِعَ بِنَا	نَتَبَایَعُ	لِنَتَبَایَعْ	یُتَبَایَعُ بِنَا	لِیُتَبَایَعْ بِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع / نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۸۱	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهي	ضمائر	
۱	ما تَبَايَعَ	لا يَتَبَايَعُ	اَنْ يَتَبَايَعَ	لا يَتَبَايَعْ	هُوَ	غايب، مذكر، مفرد
۲	ما تَبَايَعَا	لا يَتَبَايَعَانِ	اَنْ يَتَبَايَعَا	لا يَتَبَايَعَا	هُمَا	غايب، مذكر، مثنى
۳	ما تَبَايَعُوْا	لا يَتَبَايَعُوْنَ	اَنْ يَتَبَايَعُوْا	لا يَتَبَايَعُوْا	هُمْ	غايب، مذكر، جمع
۴	ما تَبَايَعَتْ	لا تَتَبَايَعُ	اَنْ تَتَبَايَعَ	لا تَتَبَايَعْ	هِيَ	غايب، مؤنث، مفرد
۵	ما تَبَايَعَتَا	لا تَتَبَايَعَانِ	اَنْ تَتَبَايَعَا	لا تَتَبَايَعَا	هُمَا	غايب، مؤنث، مثنى
۶	ما تَبَايَعْنَ	لا يَتَبَايَعْنَ	اَنْ يَتَبَايَعْنَ	لا يَتَبَايَعْنَ	هُنَّ	غايب، مؤنث، جمع
۷	ما تَبَايَعْتَ	لا تَتَبَايَعُ	اَنْ تَتَبَايَعَ	لا تَتَبَايَعْ	اَنْتَ	مخاطب، مذكر، مفرد
۸	ما تَبَايَعْتُمَا	لا تَتَبَايَعَانِ	اَنْ تَتَبَايَعَا	لا تَتَبَايَعَا	اَنْتُمَا	مخاطب، مذكر، مثنى
۹	ما تَبَايَعْتُمْ	لا تَتَبَايَعُوْنَ	اَنْ تَتَبَايَعُوْا	لا تَتَبَايَعُوْا	اَنْتُمْ	مخاطب، مذكر، جمع
۱۰	ما تَبَايَعْتِ	لا تَتَبَايَعِيْنَ	اَنْ تَتَبَايَعِي	لا تَتَبَايَعِي	اَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما تَبَايَعْتُمَا	لا تَتَبَايَعَانِ	اَنْ تَتَبَايَعَا	لا تَتَبَايَعَا	اَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنى
۱۲	ما تَبَايَعْتُنَّ	لا تَتَبَايَعْنَ	اَنْ تَتَبَايَعْنَ	لا تَتَبَايَعْنَ	اَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما تَبَايَعْتُ	لا اَتَبَايَعُ	اَنْ اَتَبَايَعَ	لا اَتَبَايَعْ	اَنَا	متكلم، مذكر و مؤنث، واحد
۱۴	ما تَبَايَعْنَا	لا نَتَبَايَعُ	اَنْ نَتَبَايَعَ	لا نَتَبَايَعْ	نَحْنُ	متكلم، مذكر و مؤنث، جمع

تصویر

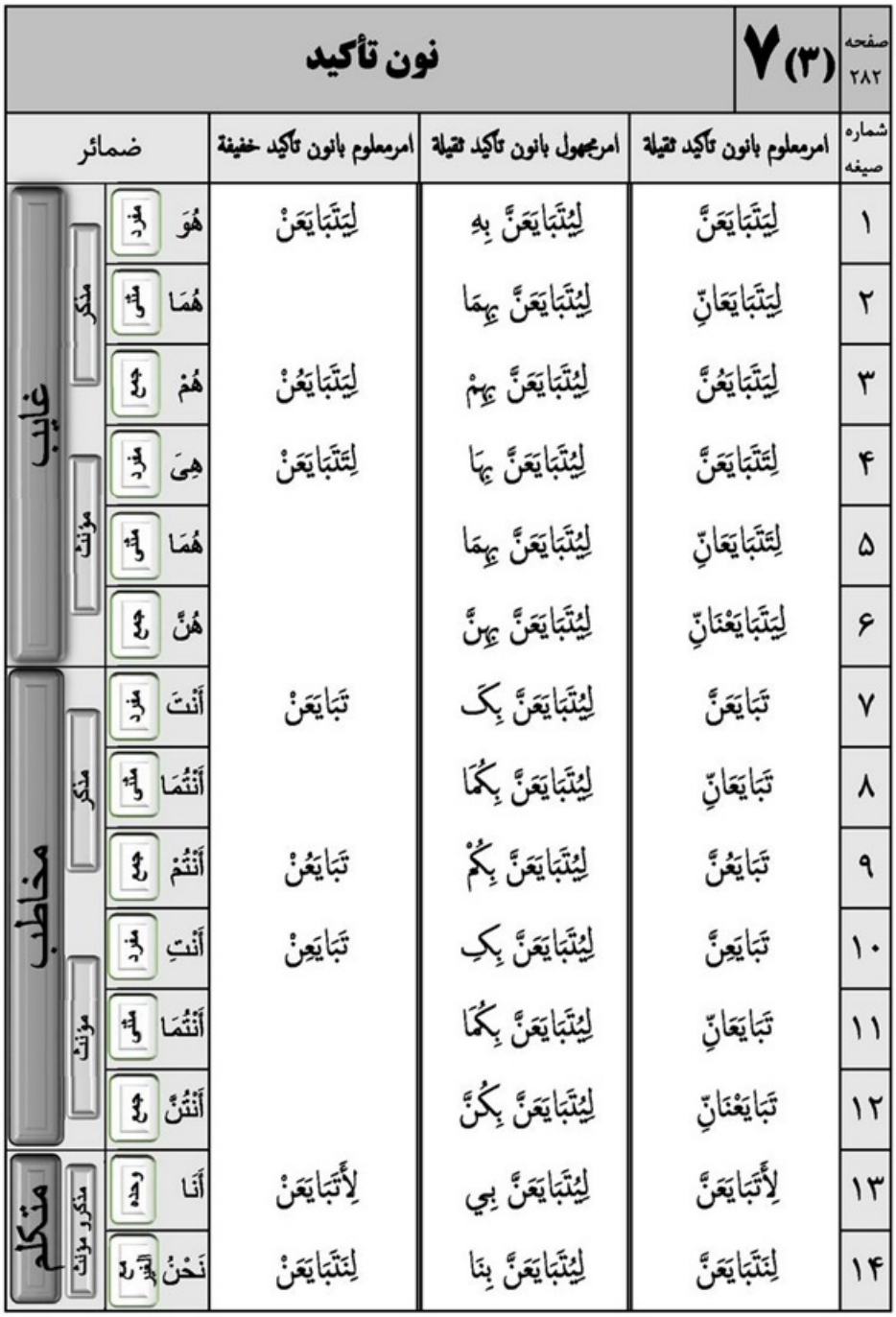

صفحه ۲۸۲	نون تأکید (۳) ۷				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَتَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِ	لِيَتَبَايَعَنْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَتَبَايَعَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَتَبَايَعُنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِمْ	لِيَتَبَايَعُنْ	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَتَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهَا	لِتَتَبَايَعَنْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَتَبَايَعَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَتَبَايَعْنَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	تَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكَ	تَبَايَعَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	تَبَايَعَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	تَبَايَعُنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكُمْ	تَبَايَعُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَبَايَعِنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكِ	تَبَايَعِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَبَايَعَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	تَبَايَعْنَانِّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُتَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِي	لِأُتَبَايَعَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنَتَبَايَعَنَّ	لِيُتَبَايَعَنَّ بِنَا	لِنَتَبَايَعَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

ص: ۲۸۲

تصویر

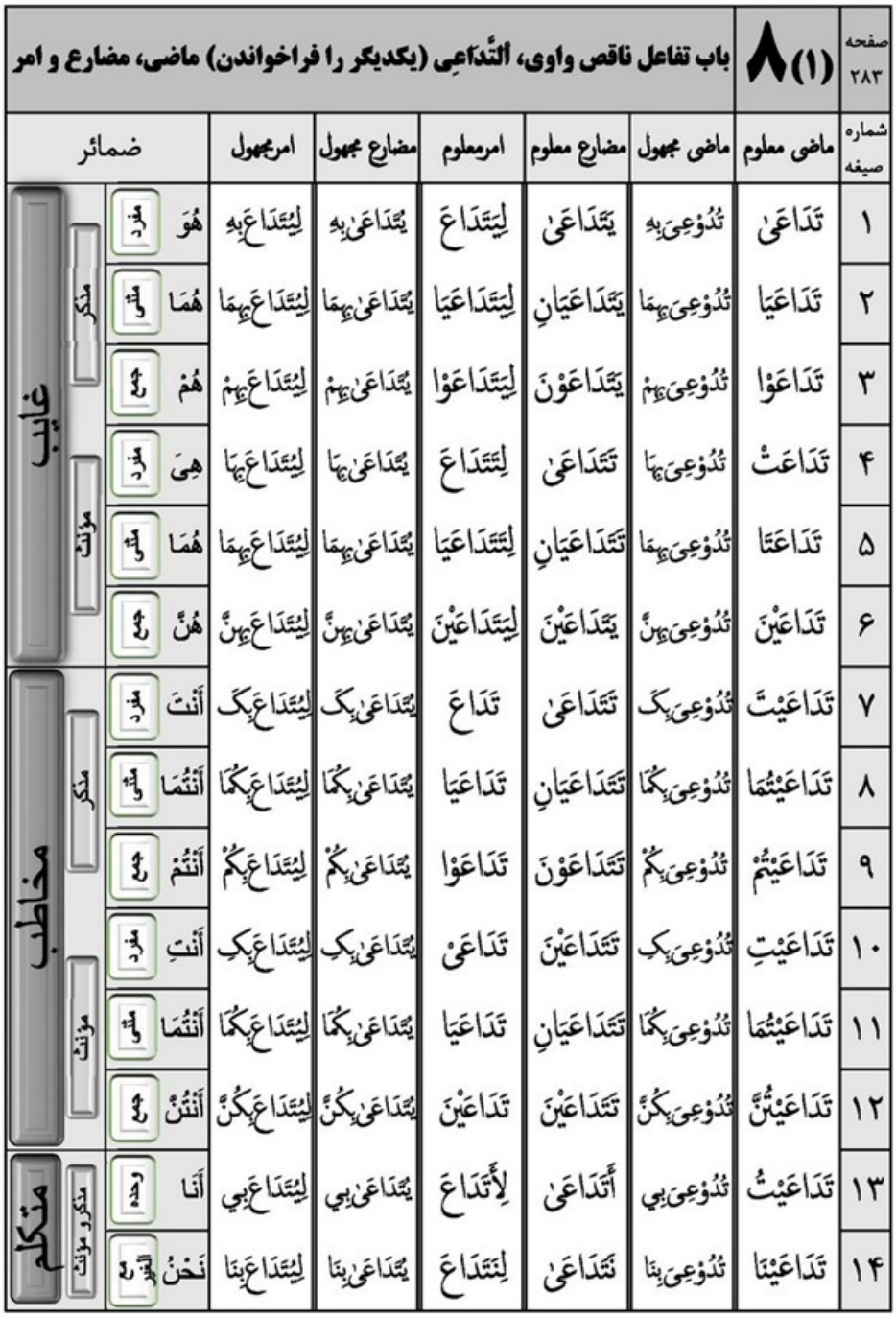

صفحه ۲۸۳	۸ (۱)	باب تفاعل ناقص واوی، اَلتَّدَاعِی (یکدیگر را فراخواندن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَدَاعَیٰ	تُدُوْعِیَ بِهٖ	یَتَدَاعَیٰ	لِیَتَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِهٖ	لِیُتَدَاعَ بِهٖ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَدَاعَیَا	تُدُوْعِیَ بِهِمَا	یَتَدَاعَیَانِ	لِیَتَدَاعَیَا	یُتَدَاعَیٰ بِهِمَا	لِیُتَدَاعَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَدَاعَوْا	تُدُوْعِیَ بِهِمْ	یَتَدَاعَوْنَ	لِیَتَدَاعَوْا	یُتَدَاعَیٰ بِهِمْ	لِیُتَدَاعَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَدَاعَتْ	تُدُوْعِیَ بِهَا	تَتَدَاعَیٰ	لِتَتَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِهَا	لِیُتَدَاعَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَدَاعَتَا	تُدُوْعِیَ بِهِمَا	تَتَدَاعَیَانِ	لِتَتَدَاعَیَا	یُتَدَاعَیٰ بِهِمَا	لِیُتَدَاعَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَدَاعَیْنَ	تُدُوْعِیَ بِهِنَّ	یَتَدَاعَیْنَ	لِیَتَدَاعَیْنَ	یُتَدَاعَیٰ بِهِنَّ	لِیُتَدَاعَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَاعَیْتَ	تُدُوْعِیَ بِکَ	تَتَدَاعَیٰ	تَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِکَ	لِیُتَدَاعَ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَاعَیْتُمَا	تُدُوْعِیَ بِکُمَا	تَتَدَاعَیَانِ	تَدَاعَیَا	یُتَدَاعَیٰ بِکُمَا	لِیُتَدَاعَ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَاعَیْتُمْ	تُدُوْعِیَ بِکُمْ	تَتَدَاعَوْنَ	تَدَاعَوْا	یُتَدَاعَیٰ بِکُمْ	لِیُتَدَاعَ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَاعَیْتِ	تُدُوْعِیَ بِکِ	تَتَدَاعَیْنَ	تَدَاعَیْ	یُتَدَاعَیٰ بِکِ	لِیُتَدَاعَ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَاعَیْتُمَا	تُدُوْعِیَ بِکُمَا	تَتَدَاعَیَانِ	تَدَاعَیَا	یُتَدَاعَیٰ بِکُمَا	لِیُتَدَاعَ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَاعَیْتُنَّ	تُدُوْعِیَ بِکُنَّ	تَتَدَاعَیْنَ	تَدَاعَیْنَ	یُتَدَاعَیٰ بِکُنَّ	لِیُتَدَاعَ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَدَاعَیْتُ	تُدُوْعِیَ بِیْ	أَتَدَاعَیٰ	لِأَتَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِیْ	لِیُتَدَاعَ بِیْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَدَاعَیْنَا	تُدُوْعِیَ بِنَا	نَتَدَاعَیٰ	لِنَتَدَاعَ	یُتَدَاعَیٰ بِنَا	لِیُتَدَاعَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۴	۸ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَدَاعَیٰ	لا یَتَدَاعَیٰ	اَنْ یَتَدَاعَیٰ	لا یَتَدَاعَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما تَدَاعَیَا	لا یَتَدَاعَیَانِ	اَنْ یَتَدَاعَیَا	لا یَتَدَاعَیَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما تَدَاعَوْا	لا یَتَدَاعَوْنَ	اَنْ یَتَدَاعَوْا	لا یَتَدَاعَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما تَدَاعَتْ	لا تَتَدَاعَیٰ	اَنْ تَتَدَاعَیٰ	لا تَتَدَاعَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	ما تَدَاعَتَا	لا تَتَدَاعَیَانِ	اَنْ تَتَدَاعَیَا	لا تَتَدَاعَیَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما تَدَاعَیْنَ	لا یَتَدَاعَیْنَ	اَنْ یَتَدَاعَیْنَ	لا یَتَدَاعَیْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما تَدَاعَیْتَ	لا تَتَدَاعَیٰ	اَنْ تَتَدَاعَیٰ	لا تَتَدَاعَ	مخاطب — مذکر — مفرد — اَنْتَ
۸	ما تَدَاعَیْتُمَا	لا تَتَدَاعَیَانِ	اَنْ تَتَدَاعَیَا	لا تَتَدَاعَیَا	مخاطب — مذکر — مثنی — اَنْتُمَا
۹	ما تَدَاعَیْتُمْ	لا تَتَدَاعَوْنَ	اَنْ تَتَدَاعَوْا	لا تَتَدَاعَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — اَنْتُمْ
۱۰	ما تَدَاعَیْتِ	لا تَتَدَاعَیْنَ	اَنْ تَتَدَاعَیْ	لا تَتَدَاعَیْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — اَنْتِ
۱۱	ما تَدَاعَیْتُمَا	لا تَتَدَاعَیَانِ	اَنْ تَتَدَاعَیَا	لا تَتَدَاعَیَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — اَنْتُمَا
۱۲	ما تَدَاعَیْتُنَّ	لا تَتَدَاعَیْنَ	اَنْ تَتَدَاعَیْنَ	لا تَتَدَاعَیْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — اَنْتُنَّ
۱۳	ما تَدَاعَیْتُ	لا أَتَدَاعَیٰ	اَنْ أَتَدَاعَیٰ	لا أَتَدَاعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — اَنَا
۱۴	ما تَدَاعَیْنَا	لا نَتَدَاعَیٰ	اَنْ نَتَدَاعَیٰ	لا نَتَدَاعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

ص: ۲۸۴

تصویر



صفحه ۲۸۵	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِ	لِيَتَدَاعَيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَدَاعَيَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَدَاعَوُنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَدَاعَوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهَا	لِتَتَدَاعَيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَدَاعَيَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَدَاعَيْنَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكَ	تَدَاعَيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَاعَيَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَاعَوُنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكُمْ	تَدَاعَوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَاعِيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكِ	تَدَاعِيَنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَاعَيَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَاعَيْنَانِّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِي	لِأَتَدَاعَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَدَاعَيَنَّ	لِيُتَدَاعَيَنَّ بِنَا	لِنَتَدَاعَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۲۸۵

تصویر

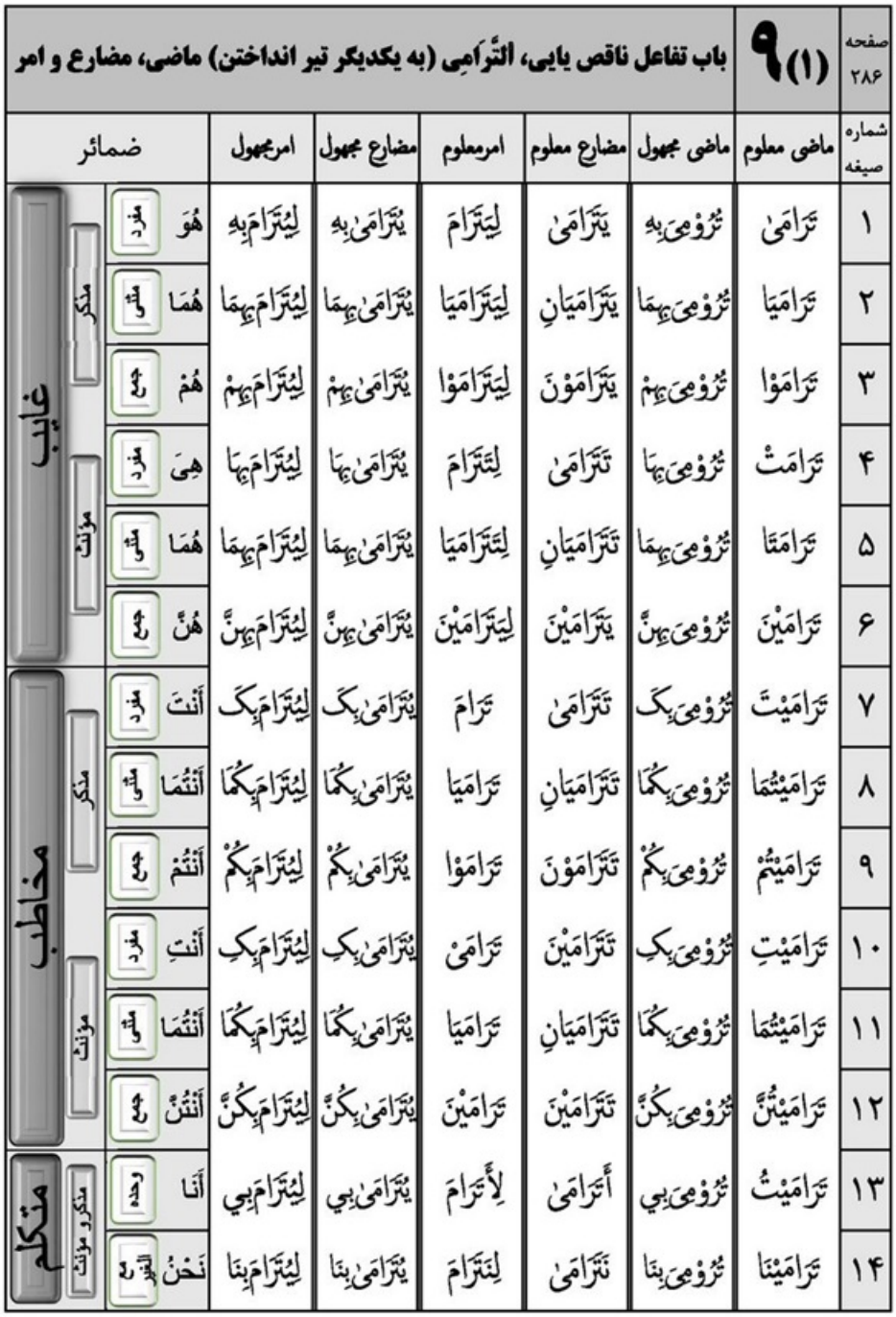

صفحه ۲۸۶	باب تفاعل ناقص یایی، التَّرامِی (به یکدیگر تیر انداختن) ماضی، مضارع و امر							
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَرامَیٰ	تُرُوْمِیَ بِهِ	یَتَرامَیٰ	لِیَتَرَامَ	یُتَرامَیٰ بِهِ	لِیُتَرَامَ بِهِ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	تَرامَیَا	تُرُوْمِیَ بِهِمَا	یَتَرَامَیَانِ	لِیَتَرَامَیَا	یُتَرَامَیٰ بِهِمَا	لِیُتَرَامَ بِهِمَا	مذکر تثنیه	هُمَا
۳	تَرَامَوْا	تُرُوْمِیَ بِهِمْ	یَتَرَامَوْنَ	لِیَتَرَامَوْا	یُتَرَامَیٰ بِهِمْ	لِیُتَرَامَ بِهِمْ	مذکر جمع	هُمْ
۴	تَرَامَتْ	تُرُوْمِیَ بِهَا	تَتَرَامَیٰ	لِتَتَرَامَ	یُتَرَامَیٰ بِهَا	لِیُتَرَامَ بِهَا	مؤنث مفرد	هِیَ
۵	تَرَامَتَا	تُرُوْمِیَ بِهِمَا	تَتَرَامَیَانِ	لِتَتَرَامَیَا	یُتَرَامَیٰ بِهِمَا	لِیُتَرَامَ بِهِمَا	مؤنث تثنیه	هُمَا
۶	تَرَامَیْنَ	تُرُوْمِیَ بِهِنَّ	یَتَرَامَیْنَ	لِیَتَرَامَیْنَ	یُتَرَامَیٰ بِهِنَّ	لِیُتَرَامَ بِهِنَّ	مؤنث جمع	هُنَّ
۷	تَرَامَیْتَ	تُرُوْمِیَ بِکَ	تَتَرَامَیٰ	تَرَامَ	یُتَرَامَیٰ بِکَ	لِیُتَرَامَ بِکَ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	تَرَامَیْتُمَا	تُرُوْمِیَ بِکُمَا	تَتَرَامَیَانِ	تَرَامَیَا	یُتَرَامَیٰ بِکُمَا	لِیُتَرَامَ بِکُمَا	مذکر تثنیه	أَنْتُمَا
۹	تَرَامَیْتُمْ	تُرُوْمِیَ بِکُمْ	تَتَرَامَوْنَ	تَرَامَوْا	یُتَرَامَیٰ بِکُمْ	لِیُتَرَامَ بِکُمْ	مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَرَامَیْتِ	تُرُوْمِیَ بِکِ	تَتَرَامَیْنَ	تَرَامَیْ	یُتَرَامَیٰ بِکِ	لِیُتَرَامَ بِکِ	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَرَامَیْتُمَا	تُرُوْمِیَ بِکُمَا	تَتَرَامَیَانِ	تَرَامَیَا	یُتَرَامَیٰ بِکُمَا	لِیُتَرَامَ بِکُمَا	مؤنث تثنیه	أَنْتُمَا
۱۲	تَرَامَیْتُنَّ	تُرُوْمِیَ بِکُنَّ	تَتَرَامَیْنَ	تَرَامَیْنَ	یُتَرَامَیٰ بِکُنَّ	لِیُتَرَامَ بِکُنَّ	مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	تَرَامَیْتُ	تُرُوْمِیَ بِي	أَتَرَامَیٰ	لِأَتَرَامَ	یُتَرَامَیٰ بِي	لِیُتَرَامَ بِي	متکلم مذکر و مؤنث وحده	أَنَا
۱۴	تَرَامَیْنَا	تُرُوْمِیَ بِنَا	نَتَرَامَیٰ	لِنَتَرَامَ	یُتَرَامَیٰ بِنَا	لِیُتَرَامَ بِنَا	مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۷	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَرامَىٰ	لا يَتَرامَىٰ	اَنْ يَتَرامَىٰ	لا يَتَرامَ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما تَرامَيا	لا يَتَرامَيانِ	اَنْ يَتَرامَيا	لا يَتَرامَيا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما تَرامَوْا	لا يَتَرامَوْنَ	اَنْ يَتَرامَوْا	لا يَتَرامَوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما تَرامَتْ	لا تَتَرامَىٰ	اَنْ تَتَرامَىٰ	لا تَتَرامَ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما تَرامَتا	لا تَتَرامَيانِ	اَنْ تَتَرامَيا	لا تَتَرامَيا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما تَرامَيْنَ	لا يَتَرامَيْنَ	اَنْ يَتَرامَيْنَ	لا يَتَرامَيْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما تَرامَيْتَ	لا تَتَرامَىٰ	اَنْ تَتَرامَىٰ	لا تَتَرامَ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما تَرامَيْتُما	لا تَتَرامَيانِ	اَنْ تَتَرامَيا	لا تَتَرامَيا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُما
۹	ما تَرامَيْتُمْ	لا تَتَرامَوْنَ	اَنْ تَتَرامَوْا	لا تَتَرامَوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما تَرامَيْتِ	لا تَتَرامَيْنَ	اَنْ تَتَرامَيْ	لا تَتَرامَيْ	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما تَرامَيْتُما	لا تَتَرامَيانِ	اَنْ تَتَرامَيا	لا تَتَرامَيا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُما
۱۲	ما تَرامَيْتُنَّ	لا تَتَرامَيْنَ	اَنْ تَتَرامَيْنَ	لا تَتَرامَيْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَرامَيْتُ	لا أَتَرامَىٰ	اَنْ أَتَرامَىٰ	لا أَتَرامَ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما تَرامَيْنا	لا نَتَرامَىٰ	اَنْ نَتَرامَىٰ	لا نَتَرامَ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۸	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِ	لِيَتَرَامَيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَرَامَيَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَرَامُوُنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَرَامُوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهَا	لِتَتَرَامَيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَرَامَيَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَرَامَيْنَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكَ	تَرَامَيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَرَامَيَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَرَامُوُنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكُمْ	تَرَامُوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَرَامِيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكِ	تَرَامِيَنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَرَامَيَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَرَامَيْنَانِّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِي	لِأَتَرَامَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَرَامَيَنَّ	لِيُتَرَامَيَنَّ بِنَا	لِنَتَرَامَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۸۹	(۱) ◆ ۱۰ باب تفاعل لفیف مفروق، اَلتَّوَالِی (در پی هم آمدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَوَالَیٰ	تُوُوْلِیَ بِهِ	یَتَوَالَیٰ	لِیَتَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِهِ	لِیُتَوَالَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَوَالَیَا	تُوُوْلِیَ بِهِمَا	یَتَوَالَیَانِ	لِیَتَوَالَیَا	یُتَوَالَیٰ بِهِمَا	لِیُتَوَالَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَوَالَوْا	تُوُوْلِیَ بِهِمْ	یَتَوَالَوْنَ	لِیَتَوَالَوْا	یُتَوَالَیٰ بِهِمْ	لِیُتَوَالَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَوَالَتْ	تُوُوْلِیَ بِهَا	تَتَوَالَیٰ	لِتَتَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِهَا	لِیُتَوَالَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَوَالَتَا	تُوُوْلِیَ بِهِمَا	تَتَوَالَیَانِ	لِتَتَوَالَیَا	یُتَوَالَیٰ بِهِمَا	لِیُتَوَالَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَوَالَیْنَ	تُوُوْلِیَ بِهِنَّ	یَتَوَالَیْنَ	لِیَتَوَالَیْنَ	یُتَوَالَیٰ بِهِنَّ	لِیُتَوَالَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَوَالَیْتَ	تُوُوْلِیَ بِکَ	تَتَوَالَیٰ	تَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِکَ	لِیُتَوَالَ بِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَوَالَیْتُمَا	تُوُوْلِیَ بِکُمَا	تَتَوَالَیَانِ	تَوَالَیَا	یُتَوَالَیٰ بِکُمَا	لِیُتَوَالَ بِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَوَالَیْتُمْ	تُوُوْلِیَ بِکُمْ	تَتَوَالَوْنَ	تَوَالَوْا	یُتَوَالَیٰ بِکُمْ	لِیُتَوَالَ بِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَوَالَیْتِ	تُوُوْلِیَ بِکِ	تَتَوَالَیْنَ	تَوَالَیْ	یُتَوَالَیٰ بِکِ	لِیُتَوَالَ بِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَوَالَیْتُمَا	تُوُوْلِیَ بِکُمَا	تَتَوَالَیَانِ	تَوَالَیَا	یُتَوَالَیٰ بِکُمَا	لِیُتَوَالَ بِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَوَالَیْتُنَّ	تُوُوْلِیَ بِکُنَّ	تَتَوَالَیْنَ	تَوَالَیْنَ	یُتَوَالَیٰ بِکُنَّ	لِیُتَوَالَ بِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَوَالَیْتُ	تُوُوْلِیَ بِي	أَتَوَالَیٰ	لِأَتَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِي	لِیُتَوَالَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَوَالَیْنَا	تُوُوْلِیَ بِنَا	نَتَوَالَیٰ	لِنَتَوَالَ	یُتَوَالَیٰ بِنَا	لِیُتَوَالَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۹۰	۱۰ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَوالَىٰ	لا يَتَوالَىٰ	اَنْ يَتَوالَىٰ	لا يَتَوالَ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما تَوالَيا	لا يَتَوالَيانِ	اَنْ يَتَوالَيا	لا يَتَوالَيا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما تَوالَوْا	لا يَتَوالَوْنَ	اَنْ يَتَوالَوْا	لا يَتَوالَوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما تَوالَتْ	لا تَتَوالَىٰ	اَنْ تَتَوالَىٰ	لا تَتَوالَ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما تَوالَتا	لا تَتَوالَيانِ	اَنْ تَتَوالَيا	لا تَتَوالَيا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما تَوالَيْنَ	لا يَتَوالَيْنَ	اَنْ يَتَوالَيْنَ	لا يَتَوالَيْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما تَوالَيْتَ	لا تَتَوالَىٰ	اَنْ تَتَوالَىٰ	لا تَتَوالَ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	ما تَوالَيْتُما	لا تَتَوالَيانِ	اَنْ تَتَوالَيا	لا تَتَوالَيا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُما
۹	ما تَوالَيْتُمْ	لا تَتَوالَوْنَ	اَنْ تَتَوالَوْا	لا تَتَوالَوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما تَوالَيْتِ	لا تَتَوالَيْنَ	اَنْ تَتَوالَىٰ	لا تَتَوالَىٰ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما تَوالَيْتُما	لا تَتَوالَيانِ	اَنْ تَتَوالَيا	لا تَتَوالَيا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُما
۱۲	ما تَوالَيْتُنَّ	لا تَتَوالَيْنَ	اَنْ تَتَوالَيْنَ	لا تَتَوالَيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَوالَيْتُ	لا أَتَوالَىٰ	اَنْ أَتَوالَىٰ	لا أَتَوالَ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد	أَنَا
۱۴	ما تَوالَيْنا	لا نَتَوالَىٰ	اَنْ نَتَوالَىٰ	لا نَتَوالَ	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۹۱	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِ	لِيَتَوَالَيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَوَالَيَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَوَالَوُنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَوَالَوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهَا	لِتَتَوَالَيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَوَالَيَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَوَالَيْنَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكَ	تَوَالَيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَوَالَيَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَوَالَوُنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكُمْ	تَوَالَوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَوَالَيِنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكِ	تَوَالَيِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَوَالَيَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَوَالَيْنَانِّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِي	لِأَتَوَالَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَوَالَيَنَّ	لِيُتَوَالَيَنَّ بِنَا	لِنَتَوَالَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۲۹۱

تصویر



صفحه ۲۹۲	۱۱ (۱) باب تفاعل لفیف مقرون، اَلتَّقَاوِی (افزوده شدن شریکان) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَقَاوَیٰ	تُقُوْوِیَ بِهِ	یَتَقَاوَیٰ	لِیَتَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِهِ	لِیُتَقَاوَبِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَقَاوَیَا	تُقُوْوِیَ بِهِمَا	یَتَقَاوَیَانِ	لِیَتَقَاوَیَا	یُتَقَاوَیٰ بِهِمَا	لِیُتَقَاوَبِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَقَاوَوْا	تُقُوْوِیَ بِهِمْ	یَتَقَاوَوْنَ	لِیَتَقَاوَوْا	یُتَقَاوَیٰ بِهِمْ	لِیُتَقَاوَبِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَقَاوَتْ	تُقُوْوِیَ بِهَا	تَتَقَاوَیٰ	لِتَتَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِهَا	لِیُتَقَاوَبِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَقَاوَتَا	تُقُوْوِیَ بِهِمَا	تَتَقَاوَیَانِ	لِتَتَقَاوَیَا	یُتَقَاوَیٰ بِهِمَا	لِیُتَقَاوَبِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَقَاوَیْنَ	تُقُوْوِیَ بِهِنَّ	یَتَقَاوَیْنَ	لِیَتَقَاوَیْنَ	یُتَقَاوَیٰ بِهِنَّ	لِیُتَقَاوَبِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَقَاوَیْتَ	تُقُوْوِیَ بِکَ	تَتَقَاوَیٰ	تَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِکَ	لِیُتَقَاوَبِکَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَقَاوَیْتُمَا	تُقُوْوِیَ بِکُمَا	تَتَقَاوَیَانِ	تَقَاوَیَا	یُتَقَاوَیٰ بِکُمَا	لِیُتَقَاوَبِکُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَقَاوَیْتُمْ	تُقُوْوِیَ بِکُمْ	تَتَقَاوَوْنَ	تَقَاوَوْا	یُتَقَاوَیٰ بِکُمْ	لِیُتَقَاوَبِکُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَقَاوَیْتِ	تُقُوْوِیَ بِکِ	تَتَقَاوَیْنَ	تَقَاوَیْ	یُتَقَاوَیٰ بِکِ	لِیُتَقَاوَبِکِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَقَاوَیْتُمَا	تُقُوْوِیَ بِکُمَا	تَتَقَاوَیَانِ	تَقَاوَیَا	یُتَقَاوَیٰ بِکُمَا	لِیُتَقَاوَبِکُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَقَاوَیْتُنَّ	تُقُوْوِیَ بِکُنَّ	تَتَقَاوَیْنَ	تَقَاوَیْنَ	یُتَقَاوَیٰ بِکُنَّ	لِیُتَقَاوَبِکُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَقَاوَیْتُ	تُقُوْوِیَ بِي	أَتَقَاوَیٰ	لِأَتَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِي	لِیُتَقَاوَبِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَقَاوَیْنَا	تُقُوْوِیَ بِنَا	نَتَقَاوَیٰ	لِنَتَقَاوَ	یُتَقَاوَیٰ بِنَا	لِیُتَقَاوَبِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

صفحه ۲۹۳	۱۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَقَاوَىٰ	لا يَتَقَاوَىٰ	اَنْ يَتَقَاوَىٰ	لا يَتَقَاوَ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما تَقَاوَيَا	لا يَتَقَاوَيَانِ	اَنْ يَتَقَاوَيَا	لا يَتَقَاوَيَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما تَقَاوَوْا	لا يَتَقَاوَوْنَ	اَنْ يَتَقَاوَوْا	لا يَتَقَاوَوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما تَقَاوَتْ	لا تَتَقَاوَىٰ	اَنْ تَتَقَاوَىٰ	لا تَتَقَاوَ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما تَقَاوَتَا	لا تَتَقَاوَيَانِ	اَنْ تَتَقَاوَيَا	لا تَتَقَاوَيَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما تَقَاوَيْنَ	لا يَتَقَاوَيْنَ	اَنْ يَتَقَاوَيْنَ	لا يَتَقَاوَيْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما تَقَاوَيْتَ	لا تَتَقَاوَىٰ	اَنْ تَتَقَاوَىٰ	لا تَتَقَاوَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	ما تَقَاوَيْتُمَا	لا تَتَقَاوَيَانِ	اَنْ تَتَقَاوَيَا	لا تَتَقَاوَيَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	ما تَقَاوَيْتُمْ	لا تَتَقَاوَوْنَ	اَنْ تَتَقَاوَوْا	لا تَتَقَاوَوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	ما تَقَاوَيْتِ	لا تَتَقَاوَيْنَ	اَنْ تَتَقَاوَيْ	لا تَتَقَاوَيْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	ما تَقَاوَيْتُمَا	لا تَتَقَاوَيَانِ	اَنْ تَتَقَاوَيَا	لا تَتَقَاوَيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	ما تَقَاوَيْتُنَّ	لا تَتَقَاوَيْنَ	اَنْ تَتَقَاوَيْنَ	لا تَتَقَاوَيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَقَاوَيْتُ	لا أَتَقَاوَىٰ	اَنْ أَتَقَاوَىٰ	لا أَتَقَاوَ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	ما تَقَاوَيْنَا	لا نَتَقَاوَىٰ	اَنْ نَتَقَاوَىٰ	لا نَتَقَاوَ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۹۴	۱۱ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِ	لِيَتَقَاوَيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَقَاوَيَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَقَاوُوُنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِمْ	لِيَتَقَاوُوُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهَا	لِتَتَقَاوَيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَقَاوَيَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَقَاوَيْنَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكَ	تَقَاوَيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَقَاوَيَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَقَاوُوُنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكُمْ	تَقَاوُوُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَقَاوَيِنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكِ	تَقَاوَيِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَقَاوَيَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَقَاوَيْنَانِّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِي	لِأَتَقَاوَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَقَاوَيَنَّ	لِيُتَقَاوَيَنَّ بِنَا	لِنَتَقَاوَيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

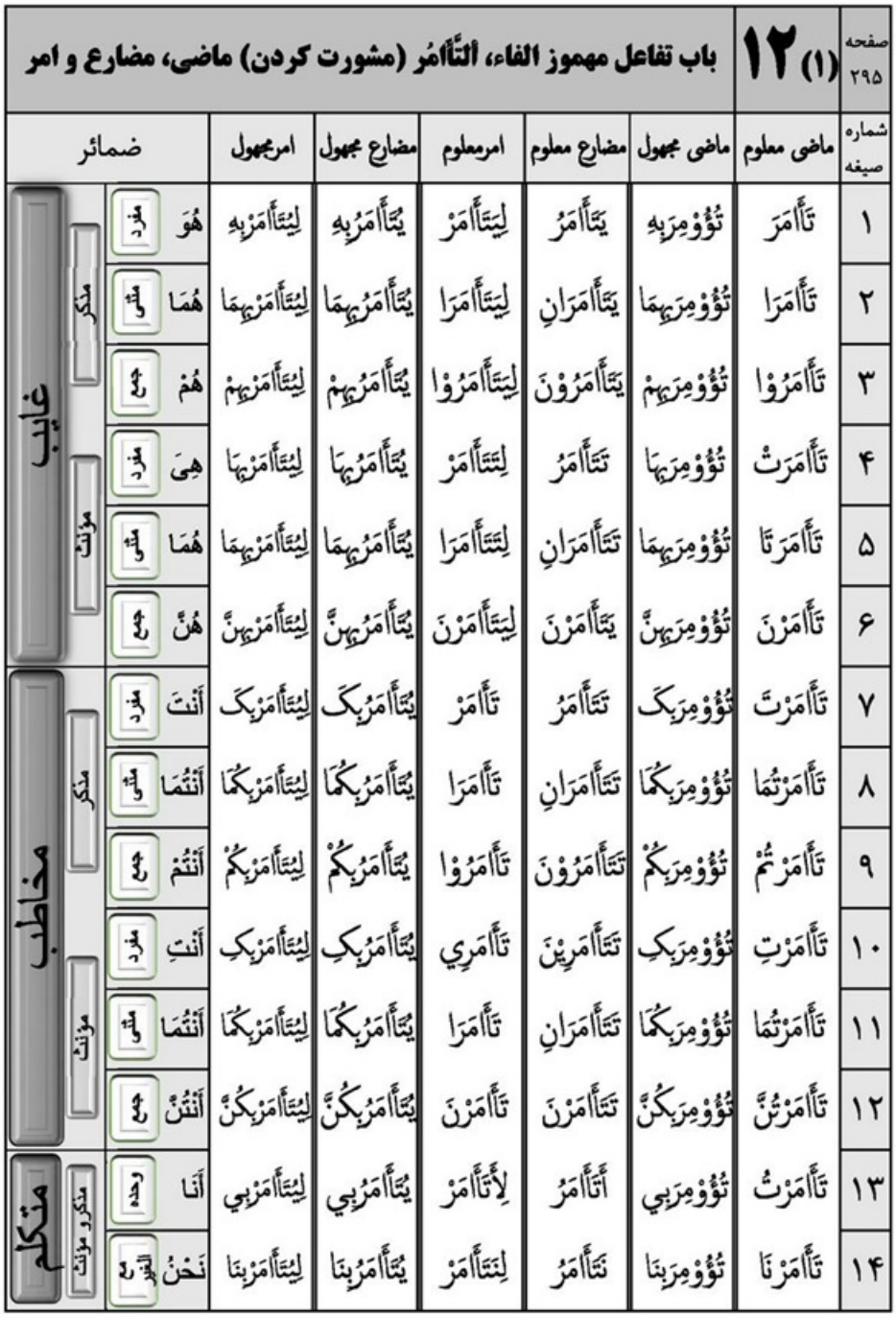

صفحه ۲۹۵	۱۲ (۱) باب تفاعل مهموز الفاء، اَلتَّآمُر (مشورت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَآمَرَ	تُؤُوْمِرَبِهِ	يَتَآمَرُ	لِيَتَآمَرْ	يُتَآمَرُبِهِ	لِيُتَآمَرْبِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	تَآمَرَا	تُؤُوْمِرَبِهِمَا	يَتَآمَرَانِ	لِيَتَآمَرَا	يُتَآمَرُبِهِمَا	لِيُتَآمَرْبِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	تَآمَرُوْا	تُؤُوْمِرَبِهِمْ	يَتَآمَرُوْنَ	لِيَتَآمَرُوْا	يُتَآمَرُبِهِمْ	لِيُتَآمَرْبِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	تَآمَرَتْ	تُؤُوْمِرَبِهَا	تَتَآمَرُ	لِتَتَآمَرْ	يُتَآمَرُبِهَا	لِيُتَآمَرْبِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	تَآمَرَتَا	تُؤُوْمِرَبِهِمَا	تَتَآمَرَانِ	لِتَتَآمَرَا	يُتَآمَرُبِهِمَا	لِيُتَآمَرْبِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	تَآمَرْنَ	تُؤُوْمِرَبِهِنَّ	يَتَآمَرْنَ	لِيَتَآمَرْنَ	يُتَآمَرُبِهِنَّ	لِيُتَآمَرْبِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	تَآمَرْتَ	تُؤُوْمِرَبِكَ	تَتَآمَرُ	تَآمَرْ	يُتَآمَرُبِكَ	لِيُتَآمَرْبِكَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	تَآمَرْتُمَا	تُؤُوْمِرَبِكُمَا	تَتَآمَرَانِ	تَآمَرَا	يُتَآمَرُبِكُمَا	لِيُتَآمَرْبِكُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	تَآمَرْتُمْ	تُؤُوْمِرَبِكُمْ	تَتَآمَرُوْنَ	تَآمَرُوْا	يُتَآمَرُبِكُمْ	لِيُتَآمَرْبِكُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	تَآمَرْتِ	تُؤُوْمِرَبِكِ	تَتَآمَرِيْنَ	تَآمَرِي	يُتَآمَرُبِكِ	لِيُتَآمَرْبِكِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	تَآمَرْتُمَا	تُؤُوْمِرَبِكُمَا	تَتَآمَرَانِ	تَآمَرَا	يُتَآمَرُبِكُمَا	لِيُتَآمَرْبِكُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	تَآمَرْتُنَّ	تُؤُوْمِرَبِكُنَّ	تَتَآمَرْنَ	تَآمَرْنَ	يُتَآمَرُبِكُنَّ	لِيُتَآمَرْبِكُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	تَآمَرْتُ	تُؤُوْمِرَبِي	أَتَآمَرُ	لِأَتَآمَرْ	يُتَآمَرُبِي	لِيُتَآمَرْبِي	متکلم / مذکر و مؤنث / مفرد / أَنَا
۱۴	تَآمَرْنَا	تُؤُوْمِرَبِنَا	نَتَآمَرُ	لِنَتَآمَرْ	يُتَآمَرُبِنَا	لِيُتَآمَرْبِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۹۶	۱۲ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَأَّمَرَ	لا يَتَأَّمَرُ	اَنْ يَتَأَّمَرَ	لا يَتَأَّمَرْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما تَأَّمَرَا	لا يَتَأَّمَرَانِ	اَنْ يَتَأَّمَرَا	لا يَتَأَّمَرَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما تَأَّمَرُوْا	لا يَتَأَّمَرُوْنَ	اَنْ يَتَأَّمَرُوْا	لا يَتَأَّمَرُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما تَأَّمَرَتْ	لا تَتَأَّمَرُ	اَنْ تَتَأَّمَرَ	لا تَتَأَّمَرْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما تَأَّمَرَتَا	لا تَتَأَّمَرَانِ	اَنْ تَتَأَّمَرَا	لا تَتَأَّمَرَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما تَأَّمَرْنَ	لا يَتَأَّمَرْنَ	اَنْ يَتَأَّمَرْنَ	لا يَتَأَّمَرْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما تَأَّمَرْتَ	لا تَتَأَّمَرُ	اَنْ تَتَأَّمَرَ	لا تَتَأَّمَرْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما تَأَّمَرْتُمَا	لا تَتَأَّمَرَانِ	اَنْ تَتَأَّمَرَا	لا تَتَأَّمَرَا		أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما تَأَّمَرْتُمْ	لا تَتَأَّمَرُوْنَ	اَنْ تَتَأَّمَرُوْا	لا تَتَأَّمَرُوْا		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما تَأَّمَرْتِ	لا تَتَأَّمَرِيْنَ	اَنْ تَتَأَّمَرِي	لا تَتَأَّمَرِي		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما تَأَّمَرْتُمَا	لا تَتَأَّمَرَانِ	اَنْ تَتَأَّمَرَا	لا تَتَأَّمَرَا		أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما تَأَّمَرْتُنَّ	لا تَتَأَّمَرْنَ	اَنْ تَتَأَّمَرْنَ	لا تَتَأَّمَرْنَ		أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما تَأَّمَرْتُ	لا أَتَأَّمَرُ	اَنْ أَتَأَّمَرَ	لا أَتَأَّمَرْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما تَأَّمَرْنَا	لا نَتَأَّمَرُ	اَنْ نَتَأَّمَرَ	لا نَتَأَّمَرْ		نَحْنُ (جمع، مذکر و مؤنث)

ص: ۲۹۶

تصویر



صفحه ۲۹۷	۱۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَأَأَمَرَنَّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِهِ	لِيَتَأَأَمَرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَأَأَمَرَانِّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَأَأَمَرُنَّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِهِمْ	لِيَتَأَأَمَرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَأَأَمَرَنَّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِهَا	لِتَتَأَأَمَرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَأَأَمَرَانِّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَأَأَمْرُنَانِّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَأَأَمَرَنَّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِكَ	تَأَأَمَرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَأَأَمَرَانِّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَأَأَمَرُنَّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِكُمْ	تَأَأَمَرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَأَأَمَرِنَّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِكِ	تَأَأَمَرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَأَأَمَرَانِّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَأَأَمَرْنَانِّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَأَأَمَرَنَّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِي	لِأَتَأَأَمَرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَأَأَمَرَنَّ	لِيُتَأَأَمَرَنَّ بِنَا	لِنَتَأَأَمَرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

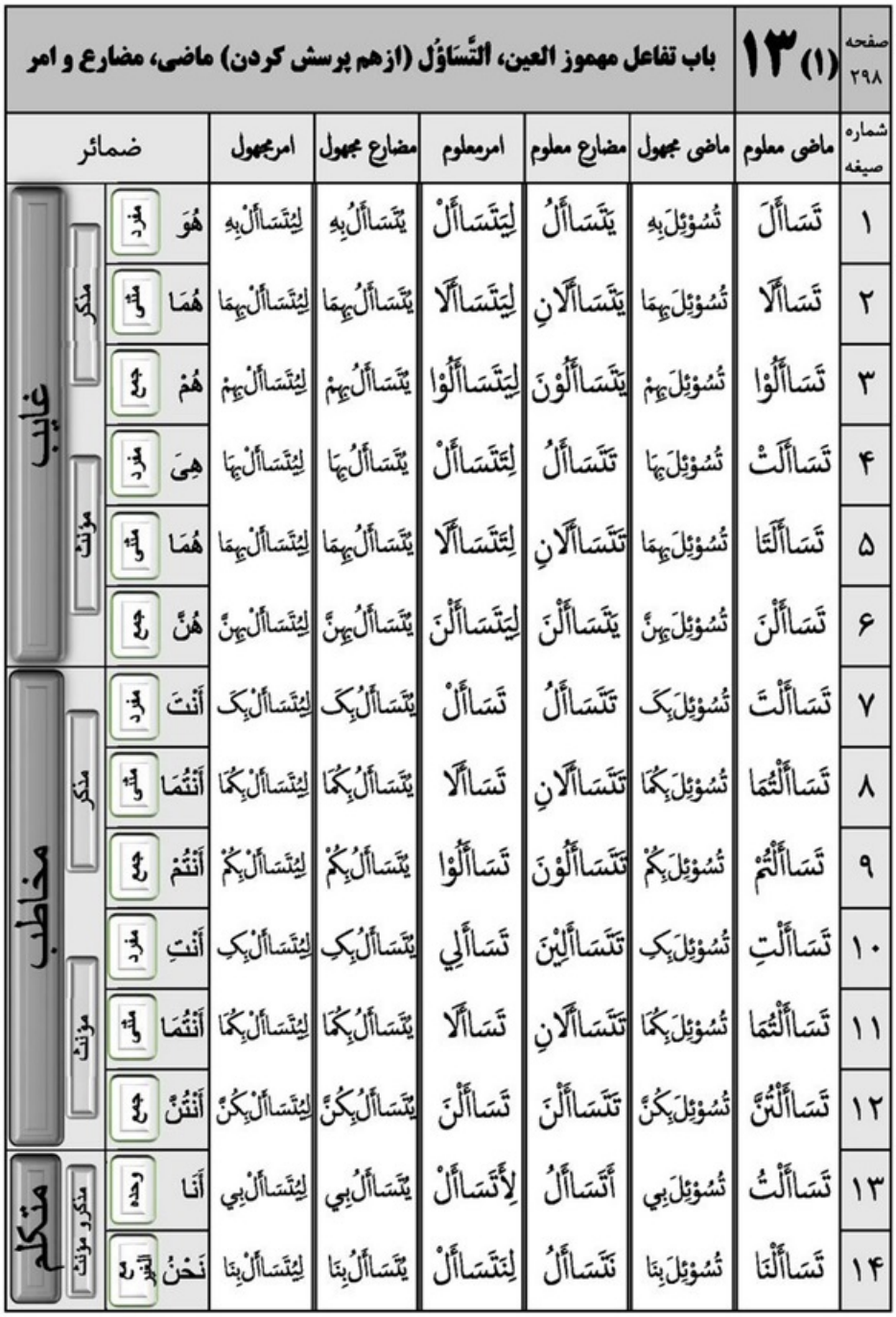

صفحه ۲۹۸	(۱) ۱۳ باب تفاعل مهموز العین، التَّسَاؤُل (ازهم پرسش کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَسَاأَلَ	تُسُوْئِلَ بِهِ	يَتَسَاأَلُ	لِيَتَسَاأَلْ	يُتَسَاأَلُ بِهِ	لِيُتَسَاأَلْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَسَاأَلَا	تُسُوْئِلَ بِهِمَا	يَتَسَاأَلَانِ	لِيَتَسَاأَلَا	يُتَسَاأَلُ بِهِمَا	لِيُتَسَاأَلْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَسَاأَلُوْا	تُسُوْئِلَ بِهِمْ	يَتَسَاأَلُوْنَ	لِيَتَسَاأَلُوْا	يُتَسَاأَلُ بِهِمْ	لِيُتَسَاأَلْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَسَاأَلَتْ	تُسُوْئِلَ بِهَا	تَتَسَاأَلُ	لِتَتَسَاأَلْ	يُتَسَاأَلُ بِهَا	لِيُتَسَاأَلْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَسَاأَلَتَا	تُسُوْئِلَ بِهِمَا	تَتَسَاأَلَانِ	لِتَتَسَاأَلَا	يُتَسَاأَلُ بِهِمَا	لِيُتَسَاأَلْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَسَاأَلْنَ	تُسُوْئِلَ بِهِنَّ	يَتَسَاأَلْنَ	لِيَتَسَاأَلْنَ	يُتَسَاأَلُ بِهِنَّ	لِيُتَسَاأَلْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَسَاأَلْتَ	تُسُوْئِلَ بِكَ	تَتَسَاأَلُ	تَسَاأَلْ	يُتَسَاأَلُ بِكَ	لِيُتَسَاأَلْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَسَاأَلْتُمَا	تُسُوْئِلَ بِكُمَا	تَتَسَاأَلَانِ	تَسَاأَلَا	يُتَسَاأَلُ بِكُمَا	لِيُتَسَاأَلْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَسَاأَلْتُمْ	تُسُوْئِلَ بِكُمْ	تَتَسَاأَلُوْنَ	تَسَاأَلُوْا	يُتَسَاأَلُ بِكُمْ	لِيُتَسَاأَلْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَسَاأَلْتِ	تُسُوْئِلَ بِكِ	تَتَسَاأَلِيْنَ	تَسَاأَلِي	يُتَسَاأَلُ بِكِ	لِيُتَسَاأَلْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَسَاأَلْتُمَا	تُسُوْئِلَ بِكُمَا	تَتَسَاأَلَانِ	تَسَاأَلَا	يُتَسَاأَلُ بِكُمَا	لِيُتَسَاأَلْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَسَاأَلْتُنَّ	تُسُوْئِلَ بِكُنَّ	تَتَسَاأَلْنَ	تَسَاأَلْنَ	يُتَسَاأَلُ بِكُنَّ	لِيُتَسَاأَلْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَسَاأَلْتُ	تُسُوْئِلَ بِي	أَتَسَاأَلُ	لِأَتَسَاأَلْ	يُتَسَاأَلُ بِي	لِيُتَسَاأَلْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	تَسَاأَلْنَا	تُسُوْئِلَ بِنَا	نَتَسَاأَلُ	لِنَتَسَاأَلْ	يُتَسَاأَلُ بِنَا	لِيُتَسَاأَلْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۲۹۹	۱۳ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَسَاأَلَ	لا يَتَسَاأَلُ	اَنْ يَتَسَاأَلَ	لا يَتَسَاأَلْ	غایب	هُوَ — مفرد — مذکر
۲	ما تَسَاأَلَا	لا يَتَسَاأَلَانِ	اَنْ يَتَسَاأَلَا	لا يَتَسَاأَلَا		هُمَا — مثنی — مذکر
۳	ما تَسَاأَلُوْا	لا يَتَسَاأَلُوْنَ	اَنْ يَتَسَاأَلُوْا	لا يَتَسَاأَلُوْا		هُمْ — جمع — مذکر
۴	ما تَسَاأَلَتْ	لا تَتَسَاأَلُ	اَنْ تَتَسَاأَلَ	لا تَتَسَاأَلْ		هِيَ — مفرد — مؤنث
۵	ما تَسَاأَلَتَا	لا تَتَسَاأَلَانِ	اَنْ تَتَسَاأَلَا	لا تَتَسَاأَلَا		هُمَا — مثنی — مؤنث
۶	ما تَسَاأَلْنَ	لا يَتَسَاأَلْنَ	اَنْ يَتَسَاأَلْنَ	لا يَتَسَاأَلْنَ		هُنَّ — جمع — مؤنث
۷	ما تَسَاأَلْتَ	لا تَتَسَاأَلُ	اَنْ تَتَسَاأَلَ	لا تَتَسَاأَلْ	مخاطب	اَنْتَ — مفرد — مذکر
۸	ما تَسَاأَلْتُمَا	لا تَتَسَاأَلَانِ	اَنْ تَتَسَاأَلَا	لا تَتَسَاأَلَا		اَنْتُمَا — مثنی — مذکر
۹	ما تَسَاأَلْتُمْ	لا تَتَسَاأَلُوْنَ	اَنْ تَتَسَاأَلُوْا	لا تَتَسَاأَلُوْا		اَنْتُمْ — جمع — مذکر
۱۰	ما تَسَاأَلْتِ	لا تَتَسَاأَلِيْنَ	اَنْ تَتَسَاأَلِي	لا تَتَسَاأَلِي		اَنْتِ — مفرد — مؤنث
۱۱	ما تَسَاأَلْتُمَا	لا تَتَسَاأَلَانِ	اَنْ تَتَسَاأَلَا	لا تَتَسَاأَلَا		اَنْتُمَا — مثنی — مؤنث
۱۲	ما تَسَاأَلْتُنَّ	لا تَتَسَاأَلْنَ	اَنْ تَتَسَاأَلْنَ	لا تَتَسَاأَلْنَ		اَنْتُنَّ — جمع — مؤنث
۱۳	ما تَسَاأَلْتُ	لا أَتَسَاأَلُ	اَنْ أَتَسَاأَلَ	لا أَتَسَاأَلْ	متکلم	اَنَا — وحده — مذکر و مؤنث
۱۴	ما تَسَاأَلْنَا	لا نَتَسَاأَلُ	اَنْ نَتَسَاأَلَ	لا نَتَسَاأَلْ		نَحْنُ — جمع — مذکر و مؤنث

ص: ۲۹۹

تصویر



صفحه ۳۰۰	۱۳ (۳) نون تأکید				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَتَسَاأَلَنَّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِهِ	لِيَتَسَاأَلَنْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	لِيَتَسَاأَلَانِّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِهِمَا			هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	لِيَتَسَاأَلُنَّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِهِمْ	لِيَتَسَاأَلُنْ		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	لِتَتَسَاأَلَنَّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِهَا	لِتَتَسَاأَلَنْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	لِتَتَسَاأَلَانِّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِهِمَا			هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	لِيَتَسَاأَلْنَانِّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِهِنَّ			هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	تَسَاأَلَنَّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِكَ	تَسَاأَلَنْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	تَسَاأَلَانِّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِكُمَا			أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	تَسَاأَلُنَّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِكُمْ	تَسَاأَلُنْ		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	تَسَاأَلِنَّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِكِ	تَسَاأَلِنْ		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	تَسَاأَلَانِّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِكُمَا			أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	تَسَاأَلْنَانِّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِكُنَّ			أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	لِأَتَسَاأَلَنَّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِي	لِأَتَسَاأَلَنْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	لِنَتَسَاأَلَنَّ	لِيُتَسَاأَلَنَّ بِنَا	لِنَتَسَاأَلَنْ		نَحْنُ (مع الغیر، مذکر و مؤنث)

تصویر



صفحه ۳۰۱	۱۴ (۱)	باب تفاعل مهموز اللام، التَّخَاسُؤ (سنک پرتاب کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	تَخَاسَأَ	تُخُوْسِئَ بِهِ	يَتَخَاسَأُ	لِيَتَخَاسَأْ	يُتَخَاسَأُ بِهِ	لِيُتَخَاسَأْ بِهِ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	تَخَاسَأَا	تُخُوْسِئَ بِهِمَا	يَتَخَاسَأَانِ	لِيَتَخَاسَأَا	يُتَخَاسَأُ بِهِمَا	لِيُتَخَاسَأْ بِهِمَا	هُمَا (مثنی)	
۳	تَخَاسَؤُوْا	تُخُوْسِئَ بِهِمْ	يَتَخَاسَؤُوْنَ	لِيَتَخَاسَؤُوْا	يُتَخَاسَأُ بِهِمْ	لِيُتَخَاسَأْ بِهِمْ	هُمْ (جمع)	
۴	تَخَاسَأَتْ	تُخُوْسِئَ بِهَا	تَتَخَاسَأُ	لِتَتَخَاسَأْ	يُتَخَاسَأُ بِهَا	لِيُتَخَاسَأْ بِهَا	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	تَخَاسَأَتَا	تُخُوْسِئَ بِهِمَا	تَتَخَاسَأَانِ	لِتَتَخَاسَأَا	يُتَخَاسَأُ بِهِمَا	لِيُتَخَاسَأْ بِهِمَا	هُمَا (مثنی)	
۶	تَخَاسَأْنَ	تُخُوْسِئَ بِهِنَّ	يَتَخَاسَأْنَ	لِيَتَخَاسَأْنَ	يُتَخَاسَأُ بِهِنَّ	لِيُتَخَاسَأْ بِهِنَّ	هُنَّ (جمع)	
۷	تَخَاسَأْتَ	تُخُوْسِئَ بِكَ	تَتَخَاسَأُ	تَخَاسَأْ	يُتَخَاسَأُ بِكَ	لِيُتَخَاسَأْ بِكَ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	تَخَاسَأْتُمَا	تُخُوْسِئَ بِكُمَا	تَتَخَاسَأَانِ	تَخَاسَأَا	يُتَخَاسَأُ بِكُمَا	لِيُتَخَاسَأْ بِكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	تَخَاسَأْتُمْ	تُخُوْسِئَ بِكُمْ	تَتَخَاسَؤُوْنَ	تَخَاسَؤُوْا	يُتَخَاسَأُ بِكُمْ	لِيُتَخَاسَأْ بِكُمْ	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	تَخَاسَأْتِ	تُخُوْسِئَ بِكِ	تَتَخَاسَئِيْنَ	تَخَاسَئِي	يُتَخَاسَأُ بِكِ	لِيُتَخَاسَأْ بِكِ	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	تَخَاسَأْتُمَا	تُخُوْسِئَ بِكُمَا	تَتَخَاسَأَانِ	تَخَاسَأَا	يُتَخَاسَأُ بِكُمَا	لِيُتَخَاسَأْ بِكُمَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	تَخَاسَأْتُنَّ	تُخُوْسِئَ بِكُنَّ	تَتَخَاسَأْنَ	تَخَاسَأْنَ	يُتَخَاسَأُ بِكُنَّ	لِيُتَخَاسَأْ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	تَخَاسَأْتُ	تُخُوْسِئَ بِي	أَتَخَاسَأُ	لِأَتَخَاسَأْ	يُتَخَاسَأُ بِي	لِيُتَخَاسَأْ بِي	أَنَا (واحد)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	تَخَاسَأْنَا	تُخُوْسِئَ بِنَا	نَتَخَاسَأُ	لِنَتَخَاسَأْ	يُتَخَاسَأُ بِنَا	لِيُتَخَاسَأْ بِنَا	نَحْنُ (مشترک)	

تصویر



صفحه ۳۰۲	۱۴ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما تَخَاسَأَ	لا يَتَخَاسَأُ	اَنْ يَتَخَاسَأَ	لا يَتَخَاسَأْ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	ما تَخَاسَأَا	لا يَتَخَاسَأَانِ	اَنْ يَتَخَاسَأَا	لا يَتَخَاسَأَا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	ما تَخَاسَؤُوْا	لا يَتَخَاسَؤُوْنَ	اَنْ يَتَخَاسَؤُوْا	لا يَتَخَاسَؤُوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	ما تَخَاسَأَتْ	لا تَتَخَاسَأُ	اَنْ تَتَخَاسَأَ	لا تَتَخَاسَأْ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	ما تَخَاسَأَتَا	لا تَتَخَاسَأَانِ	اَنْ تَتَخَاسَأَا	لا تَتَخَاسَأَا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	ما تَخَاسَأْنَ	لا يَتَخَاسَأْنَ	اَنْ يَتَخَاسَأْنَ	لا يَتَخَاسَأْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	ما تَخَاسَأْتَ	لا تَتَخَاسَأُ	اَنْ تَتَخَاسَأَ	لا تَتَخَاسَأْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	ما تَخَاسَأْتُمَا	لا تَتَخَاسَأَانِ	اَنْ تَتَخَاسَأَا	لا تَتَخَاسَأَا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	ما تَخَاسَأْتُمْ	لا تَتَخَاسَؤُوْنَ	اَنْ تَتَخَاسَؤُوْا	لا تَتَخَاسَؤُوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	ما تَخَاسَأْتِ	لا تَتَخَاسَئِيْنَ	اَنْ تَتَخَاسَئِي	لا تَتَخَاسَئِي	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	ما تَخَاسَأْتُمَا	لا تَتَخَاسَأَانِ	اَنْ تَتَخَاسَأَا	لا تَتَخَاسَأَا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	ما تَخَاسَأْتُنَّ	لا تَتَخَاسَأْنَ	اَنْ تَتَخَاسَأْنَ	لا تَتَخَاسَأْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَخَاسَأْتُ	لا أَتَخَاسَأُ	اَنْ أَتَخَاسَأَ	لا أَتَخَاسَأْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد	أَنَا
۱۴	ما تَخَاسَأْنَا	لا نَتَخَاسَأُ	اَنْ نَتَخَاسَأَ	لا نَتَخَاسَأْ	متکلم / مذکر و مؤنث / تثنیه و جمع	نَحْنُ

ص: ۳۰۲

تصویر



صفحه ۳۰۳	نون تأکید ۱۴ (۳)			ضمائر	
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة		
۱	لِيَتَخَاسَأَنَّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِهِ	لِيَتَخَاسَأَنْ	غائب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لِيَتَخَاسَأَانِّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِهِمَا		غائب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لِيَتَخَاسَؤُنَّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِهِمْ	لِيَتَخَاسَؤُنْ	غائب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لِتَتَخَاسَأَنَّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِهَا	لِتَتَخَاسَأَنْ	غائب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لِتَتَخَاسَأَانِّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِهِمَا		غائب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لِيَتَخَاسَأْنَانِّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِهِنَّ		غائب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	تَخَاسَأَنَّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِكَ	تَخَاسَأَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	تَخَاسَأَانِّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	تَخَاسَؤُنَّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِكُمْ	تَخَاسَؤُنْ	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	تَخَاسَئِنَّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِكِ	تَخَاسَئِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	تَخَاسَأَانِّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	تَخَاسَأْنَانِّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَخَاسَأَنَّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِي	لِأَتَخَاسَأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لِنَتَخَاسَأَنَّ	لِيُتَخَاسَأَنَّ بِنَا	لِنَتَخَاسَأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

ادامه قواعد خصوصی باب تفاعل

تصویر

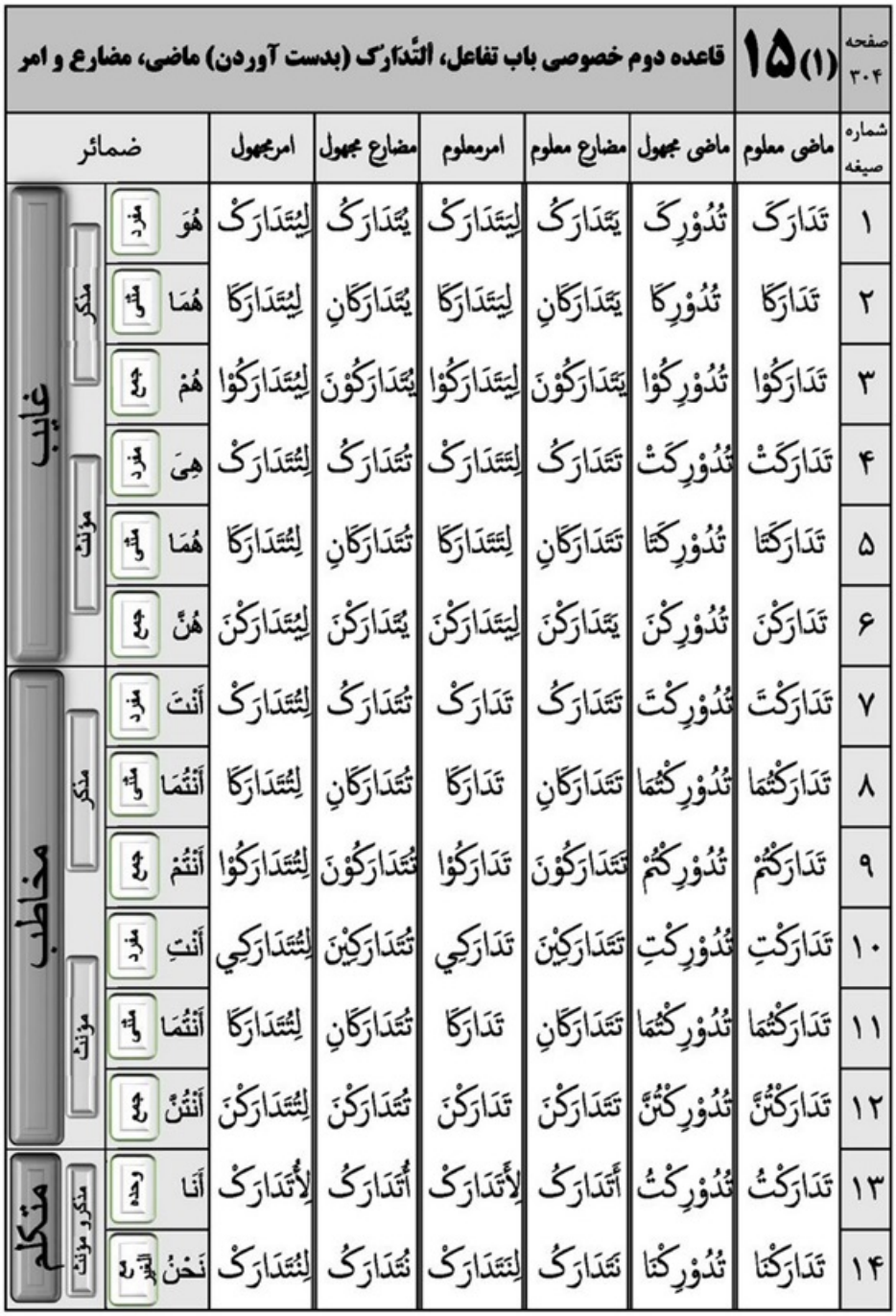

صفحه ۳۰۴	۱۵ (۱)	قاعده دوم خصوصی باب تفاعل، اَلتَّدَارُک (بدست آوردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَدَارَکَ	تُدُوْرِکَ	یَتَدَارَکُ	لِیَتَدَارَکْ	یُتَدَارَکُ	لِیُتَدَارَکْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَدَارَکَا	تُدُوْرِکَا	یَتَدَارَکَانِ	لِیَتَدَارَکَا	یُتَدَارَکَانِ	لِیُتَدَارَکَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَدَارَکُوْا	تُدُوْرِکُوْا	یَتَدَارَکُوْنَ	لِیَتَدَارَکُوْا	یُتَدَارَکُوْنَ	لِیُتَدَارَکُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَدَارَکَتْ	تُدُوْرِکَتْ	تَتَدَارَکُ	لِتَتَدَارَکْ	تُتَدَارَکُ	لِتُتَدَارَکْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	تَدَارَکَتَا	تُدُوْرِکَتَا	تَتَدَارَکَانِ	لِتَتَدَارَکَا	تُتَدَارَکَانِ	لِتُتَدَارَکَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَدَارَکْنَ	تُدُوْرِکْنَ	یَتَدَارَکْنَ	لِیَتَدَارَکْنَ	یُتَدَارَکْنَ	لِیُتَدَارَکْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَارَکْتَ	تُدُوْرِکْتَ	تَتَدَارَکُ	تَدَارَکْ	تُتَدَارَکُ	لِتُتَدَارَکْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَارَکْتُمَا	تُدُوْرِکْتُمَا	تَتَدَارَکَانِ	تَدَارَکَا	تُتَدَارَکَانِ	لِتُتَدَارَکَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَارَکْتُمْ	تُدُوْرِکْتُمْ	تَتَدَارَکُوْنَ	تَدَارَکُوْا	تُتَدَارَکُوْنَ	لِتُتَدَارَکُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَارَکْتِ	تُدُوْرِکْتِ	تَتَدَارَکِیْنَ	تَدَارَکِي	تُتَدَارَکِیْنَ	لِتُتَدَارَکِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَارَکْتُمَا	تُدُوْرِکْتُمَا	تَتَدَارَکَانِ	تَدَارَکَا	تُتَدَارَکَانِ	لِتُتَدَارَکَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَارَکْتُنَّ	تُدُوْرِکْتُنَّ	تَتَدَارَکْنَ	تَدَارَکْنَ	تُتَدَارَکْنَ	لِتُتَدَارَکْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَدَارَکْتُ	تُدُوْرِکْتُ	أَتَدَارَکُ	لِأَتَدَارَکْ	أُتَدَارَکُ	لِأُتَدَارَکْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَدَارَکْنَا	تُدُوْرِکْنَا	نَتَدَارَکُ	لِنَتَدَارَکْ	نُتَدَارَکُ	لِنُتَدَارَکْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

ص: ۳۰۴

تصویر

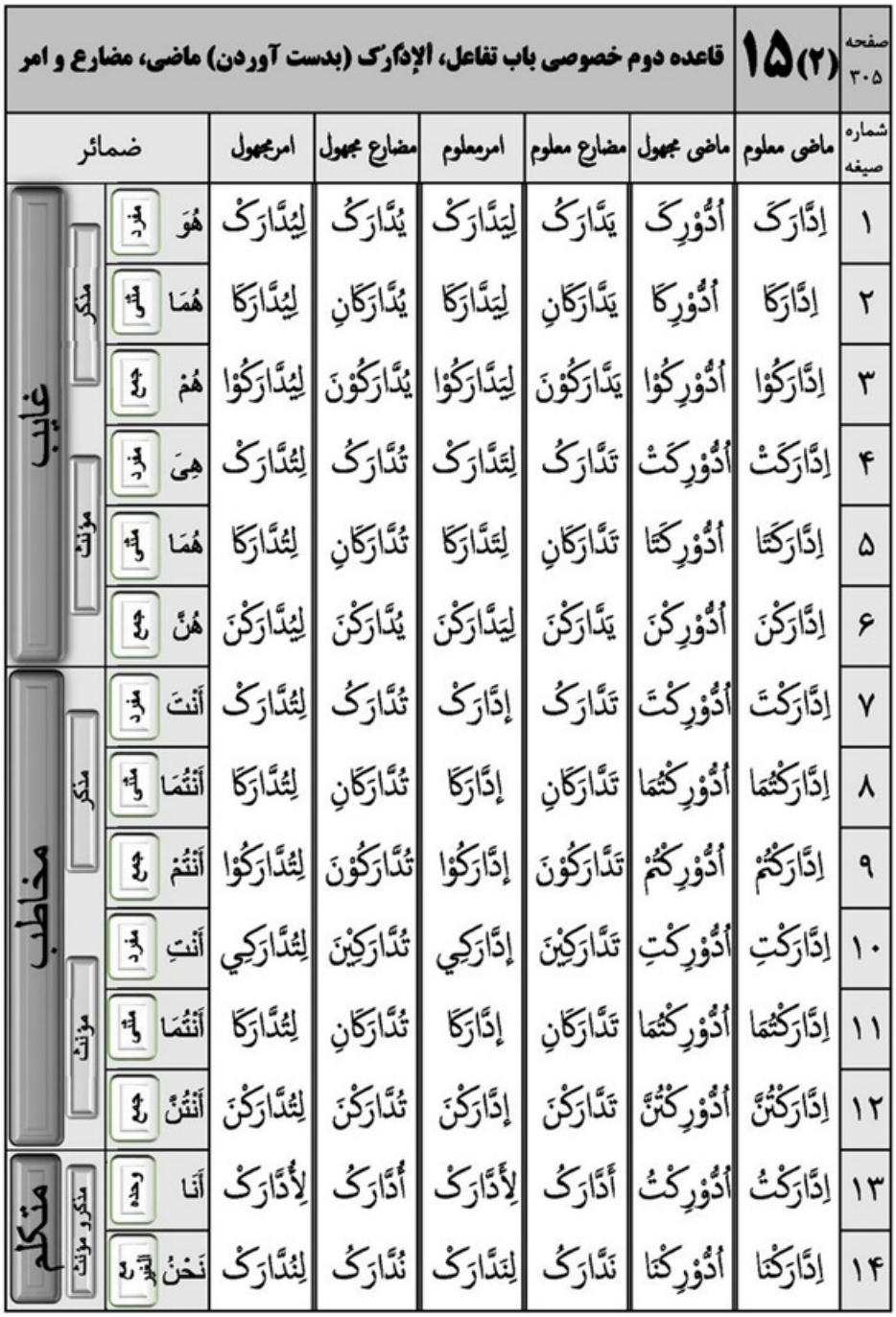

صفحه ۳۰۵	۱۵ (۲) قاعده دوم خصوصی باب تفاعل، الإدّارُک (بدست آوردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	اِدَّارَکَ	اُدُّوْرِکَ	یَدَّارَکُ	لِیَدَّارَکْ	یُدَّارَکُ	لِیُدَّارَکْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	اِدَّارَکَا	اُدُّوْرِکَا	یَدَّارَکَانِ	لِیَدَّارَکَا	یُدَّارَکَانِ	لِیُدَّارَکَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	اِدَّارَکُوْا	اُدُّوْرِکُوْا	یَدَّارَکُوْنَ	لِیَدَّارَکُوْا	یُدَّارَکُوْنَ	لِیُدَّارَکُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	اِدَّارَکَتْ	اُدُّوْرِکَتْ	تَدَّارَکُ	لِتَدَّارَکْ	تُدَّارَکُ	لِتُدَّارَکْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	اِدَّارَکَتَا	اُدُّوْرِکَتَا	تَدَّارَکَانِ	لِتَدَّارَکَا	تُدَّارَکَانِ	لِتُدَّارَکَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	اِدَّارَکْنَ	اُدُّوْرِکْنَ	یَدَّارَکْنَ	لِیَدَّارَکْنَ	یُدَّارَکْنَ	لِیُدَّارَکْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	اِدَّارَکْتَ	اُدُّوْرِکْتَ	تَدَّارَکُ	إدَّارَکْ	تُدَّارَکُ	لِتُدَّارَکْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	اِدَّارَکْتُمَا	اُدُّوْرِکْتُمَا	تَدَّارَکَانِ	إدَّارَکَا	تُدَّارَکَانِ	لِتُدَّارَکَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	اِدَّارَکْتُمْ	اُدُّوْرِکْتُمْ	تَدَّارَکُوْنَ	إدَّارَکُوْا	تُدَّارَکُوْنَ	لِتُدَّارَکُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	اِدَّارَکْتِ	اُدُّوْرِکْتِ	تَدَّارَکِیْنَ	إدَّارَکِي	تُدَّارَکِیْنَ	لِتُدَّارَکِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	اِدَّارَکْتُمَا	اُدُّوْرِکْتُمَا	تَدَّارَکَانِ	إدَّارَکَا	تُدَّارَکَانِ	لِتُدَّارَکَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	اِدَّارَکْتُنَّ	اُدُّوْرِکْتُنَّ	تَدَّارَکْنَ	إدَّارَکْنَ	تُدَّارَکْنَ	لِتُدَّارَکْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	اِدَّارَکْتُ	اُدُّوْرِکْتُ	أَدَّارَکُ	لِأُدَّارَکْ	أُدَّارَکُ	لِأُدَّارَکْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	اِدَّارَکْنَا	اُدُّوْرِکْنَا	نَدَّارَکُ	لِنَدَّارَکْ	نُدَّارَکُ	لِنُدَّارَکْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

باب إفعلال

تصویر



صفحه ۳۰۶	۱ (۱) باب إفعلال، اَلإحْمِرَار (سرخ شدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف آن	ضمائر
۱	إحْمَرَّ	أُحْمُرَّ بِهِ	يَحْمَرُّ	يُحْمَرُّ بِهِ	اَنْ يَحْمَرَّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إحْمَرَّا	أُحْمُرَّ بِهِمَا	يَحْمَرَّانِ	يُحْمَرُّ بِهِمَا	اَنْ يَحْمَرَّا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إحْمَرُّوْا	أُحْمُرَّ بِهِمْ	يَحْمَرُّوْنَ	يُحْمَرُّ بِهِمْ	اَنْ يَحْمَرُّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إحْمَرَّتْ	أُحْمُرَّ بِهَا	تَحْمَرُّ	يُحْمَرُّ بِهَا	اَنْ تَحْمَرَّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إحْمَرَّتَا	أُحْمُرَّ بِهِمَا	تَحْمَرَّانِ	يُحْمَرُّ بِهِمَا	اَنْ تَحْمَرَّا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إحْمَرَرْنَ	أُحْمُرَّ بِهِنَّ	يَحْمَرِرْنَ	يُحْمَرُّ بِهِنَّ	اَنْ يَحْمَرِرْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إحْمَرَرْتَ	أُحْمُرَّ بِكَ	تَحْمَرُّ	يُحْمَرُّ بِكَ	اَنْ تَحْمَرَّ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إحْمَرَرْتُمَا	أُحْمُرَّ بِكُمَا	تَحْمَرَّانِ	يُحْمَرُّ بِكُمَا	اَنْ تَحْمَرَّا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إحْمَرَرْتُمْ	أُحْمُرَّ بِكُمْ	تَحْمَرُّوْنَ	يُحْمَرُّ بِكُمْ	اَنْ تَحْمَرُّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إحْمَرَرْتِ	أُحْمُرَّ بِكِ	تَحْمَرِّيْنَ	يُحْمَرُّ بِكِ	اَنْ تَحْمَرِّي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إحْمَرَرْتُمَا	أُحْمُرَّ بِكُمَا	تَحْمَرَّانِ	يُحْمَرُّ بِكُمَا	اَنْ تَحْمَرَّا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إحْمَرَرْتُنَّ	أُحْمُرَّ بِكُنَّ	تَحْمَرِرْنَ	يُحْمَرُّ بِكُنَّ	اَنْ تَحْمَرِرْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إحْمَرَرْتُ	أُحْمُرَّ بِي	أَحْمَرُّ	يُحْمَرُّ بِي	اَنْ أَحْمَرَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إحْمَرَرْنَا	أُحْمُرَّ بِنَا	نَحْمَرُّ	يُحْمَرُّ بِنَا	اَنْ نَحْمَرَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۰۷	۱(۲)	امر معلوم و مجهول	
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	لِيَحْمَرِزْ لِيَحْمَرَّ لِيَحْمَرِّ	لِيُحْمَرَزْبِهِ لِيُحْمَرَّبِهِ لِيُحْمَرِّبِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَحْمَرَّا	لِيُحْمَرَزْبِهِمَا لِيُحْمَرَّبِهِمَا لِيُحْمَرِّبِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَحْمَرُّوْا	لِيُحْمَرَزْبِهِمْ لِيُحْمَرَّبِهِمْ لِيُحْمَرِّبِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَحْمَرِزْ لِتَحْمَرَّ لِتَحْمَرِّ	لِيُحْمَرَزْبِهَا لِيُحْمَرَّبِهَا لِيُحْمَرِّبِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَحْمَرَّا	لِيُحْمَرَزْبِهِمَا لِيُحْمَرَّبِهِمَا لِيُحْمَرِّبِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَحْمَرِزْنَ	لِيُحْمَرَزْبِهِنَّ لِيُحْمَرَّبِهِنَّ لِيُحْمَرِّبِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِحْمَرِزْ إِحْمَرَّ إِحْمَرِّ	لِيُحْمَرَزْبِكَ لِيُحْمَرَّبِكَ لِيُحْمَرِّبِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِحْمَرَّا	لِيُحْمَرَزْبِكُمَا لِيُحْمَرَّبِكُمَا لِيُحْمَرِّبِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِحْمَرُّوْا	لِيُحْمَرَزْبِكُمْ لِيُحْمَرَّبِكُمْ لِيُحْمَرِّبِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِحْمَرِّي	لِيُحْمَرَزْبِكِ لِيُحْمَرَّبِكِ لِيُحْمَرِّبِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِحْمَرَّا	لِيُحْمَرَزْبِكُمَا لِيُحْمَرَّبِكُمَا لِيُحْمَرِّبِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِحْمَرِزْنَ	لِيُحْمَرَزْبِكُنَّ لِيُحْمَرَّبِكُنَّ لِيُحْمَرِّبِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَحْمَرِزْ لِأَحْمَرَّ لِأَحْمَرِّ	لِيُحْمَرَزْبِي لِيُحْمَرَّبِي لِيُحْمَرِّبِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	لِنَحْمَرِزْ لِنَحْمَرَّ لِنَحْمَرِّ	لِيُحْمَرَزْبِنَا لِيُحْمَرَّبِنَا لِيُحْمَرِّبِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۰۸	۱(۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَحْمَرِزْ لَمْ يَحْمَرَّ لَمْ يَحْمَرِّ	لا يَحْمَرِزْ لا يَحْمَرَّ لا يَحْمَرِّ	غایب — مذکر — مفرد	هُوَ
۲	لَمْ يَحْمَرَّا	لا يَحْمَرَّا	غایب — مذکر — مثنی	هُمَا
۳	لَمْ يَحْمَرُّوْا	لا يَحْمَرُّوْا	غایب — مذکر — جمع	هُمْ
۴	لَمْ تَحْمَرِزْ لَمْ تَحْمَرَّ لَمْ تَحْمَرِّ	لا تَحْمَرِزْ لا تَحْمَرَّ لا تَحْمَرِّ	غایب — مؤنث — مفرد	هِيَ
۵	لَمْ تَحْمَرَّا	لا تَحْمَرَّا	غایب — مؤنث — مثنی	هُمَا
۶	لَمْ يَحْمَرِزْنَ	لا يَحْمَرِزْنَ	غایب — مؤنث — جمع	هُنَّ
۷	لَمْ تَحْمَرِزْ لَمْ تَحْمَرَّ لَمْ تَحْمَرِّ	لا تَحْمَرِزْ لا تَحْمَرَّ لا تَحْمَرِّ	مخاطب — مذکر — مفرد	أَنْتَ
۸	لَمْ تَحْمَرَّا	لا تَحْمَرَّا	مخاطب — مذکر — مثنی	أَنْتُمَا
۹	لَمْ تَحْمَرُّوْا	لا تَحْمَرُّوْا	مخاطب — مذکر — جمع	أَنْتُمْ
۱۰	لَمْ تَحْمَرِّي	لا تَحْمَرِّي	مخاطب — مؤنث — مفرد	أَنْتِ
۱۱	لَمْ تَحْمَرَّا	لا تَحْمَرَّا	مخاطب — مؤنث — مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	لَمْ تَحْمَرِزْنَ	لا تَحْمَرِزْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لَمْ أَحْمَرِزْ لَمْ أَحْمَرَّ لَمْ أَحْمَرِّ	لا أَحْمَرِزْ لا أَحْمَرَّ لا أَحْمَرِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده	أَنَا
۱۴	لَمْ نَحْمَرِزْ لَمْ نَحْمَرَّ لَمْ نَحْمَرِّ	لا نَحْمَرِزْ لا نَحْمَرَّ لا نَحْمَرِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۰۹	۱(۴) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَحْمَرَّنَّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِهِ	لِيَحْمَرَّنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَحْمَرَّانِّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَحْمَرُّنَّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِهِمْ	لِيَحْمَرُّنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَحْمَرَّنَّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِهَا	لِتَحْمَرَّنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَحْمَرَّانِّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَحْمَرِرْنَانِّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِحْمَرَّنَّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِكَ	إِحْمَرَّنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِحْمَرَّانِّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِحْمَرُّنَّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِكُمْ	إِحْمَرُّنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِحْمَرِّنَّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِكِ	إِحْمَرِّنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِحْمَرَّانِّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِحْمَرِرْنَانِّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَحْمَرَّنَّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِي	لِأَحْمَرَّنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَحْمَرَّنَّ	لِيُحْمَرَّنَّ بِنَا	لِنَحْمَرَّنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

باب إستفعال

اشاره

تصویر



صفحه ۳۱۰	(۱) ۱	باب إستفعال سالم، الإسْتِغْفَار (طلب بخشش کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إسْتَغْفَرَ	أُسْتُغْفِرَ	يَسْتَغْفِرُ	لِيَسْتَغْفِرْ	يُسْتَغْفَرُ	لِيُسْتَغْفَرْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إسْتَغْفَرَا	أُسْتُغْفِرَا	يَسْتَغْفِرَانِ	لِيَسْتَغْفِرَا	يُسْتَغْفَرَانِ	لِيُسْتَغْفَرَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إسْتَغْفَرُوْا	أُسْتُغْفِرُوْا	يَسْتَغْفِرُوْنَ	لِيَسْتَغْفِرُوْا	يُسْتَغْفَرُوْنَ	لِيُسْتَغْفَرُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إسْتَغْفَرَتْ	أُسْتُغْفِرَتْ	تَسْتَغْفِرُ	لِتَسْتَغْفِرْ	تُسْتَغْفَرُ	لِتُسْتَغْفَرْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إسْتَغْفَرَتَا	أُسْتُغْفِرَتَا	تَسْتَغْفِرَانِ	لِتَسْتَغْفِرَا	تُسْتَغْفَرَانِ	لِتُسْتَغْفَرَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إسْتَغْفَرْنَ	أُسْتُغْفِرْنَ	يَسْتَغْفِرْنَ	لِيَسْتَغْفِرْنَ	يُسْتَغْفَرْنَ	لِيُسْتَغْفَرْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إسْتَغْفَرْتَ	أُسْتُغْفِرْتَ	تَسْتَغْفِرُ	إسْتَغْفِرْ	تُسْتَغْفَرُ	لِتُسْتَغْفَرْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إسْتَغْفَرْتُمَا	أُسْتُغْفِرْتُمَا	تَسْتَغْفِرَانِ	إسْتَغْفِرَا	تُسْتَغْفَرَانِ	لِتُسْتَغْفَرَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إسْتَغْفَرْتُمْ	أُسْتُغْفِرْتُمْ	تَسْتَغْفِرُوْنَ	إسْتَغْفِرُوْا	تُسْتَغْفَرُوْنَ	لِتُسْتَغْفَرُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إسْتَغْفَرْتِ	أُسْتُغْفِرْتِ	تَسْتَغْفِرِيْنَ	إسْتَغْفِرِي	تُسْتَغْفَرِيْنَ	لِتُسْتَغْفَرِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إسْتَغْفَرْتُمَا	أُسْتُغْفِرْتُمَا	تَسْتَغْفِرَانِ	إسْتَغْفِرَا	تُسْتَغْفَرَانِ	لِتُسْتَغْفَرَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إسْتَغْفَرْتُنَّ	أُسْتُغْفِرْتُنَّ	تَسْتَغْفِرْنَ	إسْتَغْفِرْنَ	تُسْتَغْفَرْنَ	لِتُسْتَغْفَرْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إسْتَغْفَرْتُ	أُسْتُغْفِرْتُ	أَسْتَغْفِرُ	لِأَسْتَغْفِرْ	أُسْتَغْفَرُ	لِأُسْتَغْفَرْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إسْتَغْفَرْنَا	أُسْتُغْفِرْنَا	نَسْتَغْفِرُ	لِنَسْتَغْفِرْ	نُسْتَغْفَرُ	لِنُسْتَغْفَرْ	متکلم / مذکر و مؤنث / الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۱۱	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إسْتَغْفَرَ	لا يَسْتَغْفِرُ	اَنْ يَسْتَغْفِرَ	لا يَسْتَغْفِرْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	ما إسْتَغْفَرَا	لا يَسْتَغْفِرَانِ	اَنْ يَسْتَغْفِرَا	لا يَسْتَغْفِرَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	ما إسْتَغْفَرُوْا	لا يَسْتَغْفِرُوْنَ	اَنْ يَسْتَغْفِرُوْا	لا يَسْتَغْفِرُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	ما إسْتَغْفَرَتْ	لا تَسْتَغْفِرُ	اَنْ تَسْتَغْفِرَ	لا تَسْتَغْفِرْ	هِيَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	ما إسْتَغْفَرَتَا	لا تَسْتَغْفِرَانِ	اَنْ تَسْتَغْفِرَا	لا تَسْتَغْفِرَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	ما إسْتَغْفَرْنَ	لا يَسْتَغْفِرْنَ	اَنْ يَسْتَغْفِرْنَ	لا يَسْتَغْفِرْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	ما إسْتَغْفَرْتَ	لا تَسْتَغْفِرُ	اَنْ تَسْتَغْفِرَ	لا تَسْتَغْفِرْ	أَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	ما إسْتَغْفَرْتُمَا	لا تَسْتَغْفِرَانِ	اَنْ تَسْتَغْفِرَا	لا تَسْتَغْفِرَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	ما إسْتَغْفَرْتُمْ	لا تَسْتَغْفِرُوْنَ	اَنْ تَسْتَغْفِرُوْا	لا تَسْتَغْفِرُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	ما إسْتَغْفَرْتِ	لا تَسْتَغْفِرِيْنَ	اَنْ تَسْتَغْفِرِي	لا تَسْتَغْفِرِي	أَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما إسْتَغْفَرْتُمَا	لا تَسْتَغْفِرَانِ	اَنْ تَسْتَغْفِرَا	لا تَسْتَغْفِرَا	أَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	ما إسْتَغْفَرْتُنَّ	لا تَسْتَغْفِرْنَ	اَنْ تَسْتَغْفِرْنَ	لا تَسْتَغْفِرْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما إسْتَغْفَرْتُ	لا أَسْتَغْفِرُ	اَنْ أَسْتَغْفِرَ	لا أَسْتَغْفِرْ	أَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد
۱۴	ما إسْتَغْفَرْنَا	لا نَسْتَغْفِرُ	اَنْ نَسْتَغْفِرَ	لا نَسْتَغْفِرْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، جمع

ص: ۳۱۱

تصویر



صفحه ۳۱۲	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَغْفِرَنَّ	لِيُسْتَغْفَرَنَّ	لِيَسْتَغْفِرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَغْفِرَانِّ	لِيُسْتَغْفَرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَغْفِرُنَّ	لِيُسْتَغْفَرُنَّ	لِيَسْتَغْفِرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَغْفِرَنَّ	لِتُسْتَغْفَرَنَّ	لِتَسْتَغْفِرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَغْفِرَانِّ	لِتُسْتَغْفَرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَغْفِرْنَانِّ	لِيُسْتَغْفَرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَغْفِرَنَّ	لِتُسْتَغْفَرَنَّ	إِسْتَغْفِرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَغْفِرَانِّ	لِتُسْتَغْفَرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَغْفِرُنَّ	لِتُسْتَغْفَرُنَّ	إِسْتَغْفِرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَغْفِرِنَّ	لِتُسْتَغْفَرِنَّ	إِسْتَغْفِرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَغْفِرَانِّ	لِتُسْتَغْفَرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَغْفِرْنَانِّ	لِتُسْتَغْفَرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَغْفِرَنَّ	لِأُسْتَغْفَرَنَّ	لِأَسْتَغْفِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَغْفِرَنَّ	لِنُسْتَغْفَرَنَّ	لِنَسْتَغْفِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۱۳	۲ (۱)	باب إستفعال مضاعف، الإسْتِمْدَاد (طلب یاری کردن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب				
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف اَنْ	ضمائر
۱	إسْتَمَدَّ	أُسْتُمِدَّ	يَسْتَمِدُّ	يُسْتَمَدُّ	اَنْ يَسْتَمِدَّ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إسْتَمَدَّا	أُسْتُمِدَّا	يَسْتَمِدَّانِ	يُسْتَمَدَّانِ	اَنْ يَسْتَمِدَّا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إسْتَمَدُّوْا	أُسْتُمِدُّوْا	يَسْتَمِدُّوْنَ	يُسْتَمَدُّوْنَ	اَنْ يَسْتَمِدُّوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إسْتَمَدَّتْ	أُسْتُمِدَّتْ	تَسْتَمِدُّ	تُسْتَمَدُّ	اَنْ تَسْتَمِدَّ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إسْتَمَدَّتَا	أُسْتُمِدَّتَا	تَسْتَمِدَّانِ	تُسْتَمَدَّانِ	اَنْ تَسْتَمِدَّا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إسْتَمْدَدْنَ	أُسْتُمْدِدْنَ	يَسْتَمْدِدْنَ	يُسْتَمْدَدْنَ	اَنْ يَسْتَمْدِدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إسْتَمْدَدْتَ	أُسْتُمْدِدْتَ	تَسْتَمِدُّ	تُسْتَمَدُّ	اَنْ تَسْتَمِدَّ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إسْتَمْدَدْتُمَا	أُسْتُمْدِدْتُمَا	تَسْتَمِدَّانِ	تُسْتَمَدَّانِ	اَنْ تَسْتَمِدَّا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إسْتَمْدَدْتُمْ	أُسْتُمْدِدْتُمْ	تَسْتَمِدُّوْنَ	تُسْتَمَدُّوْنَ	اَنْ تَسْتَمِدُّوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إسْتَمْدَدْتِ	أُسْتُمْدِدْتِ	تَسْتَمِدِّيْنَ	تُسْتَمَدِّيْنَ	اَنْ تَسْتَمِدِّي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إسْتَمْدَدْتُمَا	أُسْتُمْدِدْتُمَا	تَسْتَمِدَّانِ	تُسْتَمَدَّانِ	اَنْ تَسْتَمِدَّا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إسْتَمْدَدْتُنَّ	أُسْتُمْدِدْتُنَّ	تَسْتَمْدِدْنَ	تُسْتَمْدَدْنَ	اَنْ تَسْتَمْدِدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إسْتَمْدَدْتُ	أُسْتُمْدِدْتُ	أَسْتَمِدُّ	أُسْتَمَدُّ	اَنْ أَسْتَمِدَّ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إسْتَمْدَدْنَا	أُسْتُمْدِدْنَا	نَسْتَمِدُّ	نُسْتَمَدُّ	اَنْ نَسْتَمِدَّ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۱۴	۲ (۲) امر معلوم و مجهول		
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	لِيَسْتَمْدِدْ لِيَسْتَمِدَّ لِيَسْتَمِدِّ	لِيُسْتَمْدَدْ لِيُسْتَمَدَّ لِيُسْتَمَدِّ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَمِدَّا	لِيُسْتَمَدَّا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَمِدُّوْا	لِيُسْتَمَدُّوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَمْدِدْ لِتَسْتَمِدَّ لِتَسْتَمِدِّ	لِتُسْتَمْدَدْ لِتُسْتَمَدَّ لِتُسْتَمَدِّ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَمِدَّا	لِتُسْتَمَدَّا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَمْدِدْنَ	لِيُسْتَمْدَدْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَمْدِدْ إِسْتَمِدَّ إِسْتَمِدِّ	لِتُسْتَمْدَدْ لِتُسْتَمَدَّ لِتُسْتَمَدِّ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَمِدَّا	لِتُسْتَمَدَّا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَمِدُّوْا	لِتُسْتَمَدُّوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَمِدِّي	لِتُسْتَمَدِّي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَمِدَّا	لِتُسْتَمَدَّا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَمْدِدْنَ	لِتُسْتَمْدَدْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَمْدِدْ لِأَسْتَمِدَّ لِأَسْتَمِدِّ	لِأُسْتَمْدَدْ لِأُسْتَمَدَّ لِأُسْتَمَدِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَمْدِدْ لِنَسْتَمِدَّ لِنَسْتَمِدِّ	لِنُسْتَمْدَدْ لِنُسْتَمَدَّ لِنُسْتَمَدِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۱۵	۲ (۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَسْتَمْدِدْ لَمْ يَسْتَمِدَّ لَمْ يَسْتَمِدِّ	لايَسْتَمْدِدْ لايَسْتَمِدَّ لايَسْتَمِدِّ	غایب / مذکر / مفرد	هُوَ
۲	لَمْ يَسْتَمِدَّا	لا يَسْتَمِدَّا	غایب / مذکر / مثنی	هُمَا
۳	لَمْ يَسْتَمِدُّوْا	لا يَسْتَمِدُّوْا	غایب / مذکر / جمع	هُمْ
۴	لَمْ تَسْتَمْدِدْ لَمْ تَسْتَمِدَّ لَمْ تَسْتَمِدِّ	لاتَسْتَمْدِدْ لاتَسْتَمِدَّ لاتَسْتَمِدِّ	غایب / مؤنث / مفرد	هِيَ
۵	لَمْ تَسْتَمِدَّا	لا تَسْتَمِدَّا	غایب / مؤنث / مثنی	هُمَا
۶	لَمْ يَسْتَمْدِدْنَ	لا يَسْتَمْدِدْنَ	غایب / مؤنث / جمع	هُنَّ
۷	لَمْ تَسْتَمْدِدْ لَمْ تَسْتَمِدَّ لَمْ تَسْتَمِدِّ	لاتَسْتَمْدِدْ لاتَسْتَمِدَّ لاتَسْتَمِدِّ	مخاطب / مذکر / مفرد	أَنْتَ
۸	لَمْ تَسْتَمِدَّا	لا تَسْتَمِدَّا	مخاطب / مذکر / مثنی	أَنْتُمَا
۹	لَمْ تَسْتَمِدُّوْا	لا تَسْتَمِدُّوْا	مخاطب / مذکر / جمع	أَنْتُمْ
۱۰	لَمْ تَسْتَمِدِّي	لا تَسْتَمِدِّي	مخاطب / مؤنث / مفرد	أَنْتِ
۱۱	لَمْ تَسْتَمِدَّا	لا تَسْتَمِدَّا	مخاطب / مؤنث / مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	لَمْ تَسْتَمْدِدْنَ	لا تَسْتَمْدِدْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لَمْ أَسْتَمْدِدْ لَمْ أَسْتَمِدَّ لَمْ أَسْتَمِدِّ	لاأَسْتَمْدِدْ لاأَسْتَمِدَّ لاأَسْتَمِدِّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده	أَنَا
۱۴	لَمْ نَسْتَمْدِدْ لَمْ نَسْتَمِدَّ لَمْ نَسْتَمِدِّ	لانَسْتَمْدِدْ لانَسْتَمِدَّ لانَسْتَمِدِّ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۱۶	۲ (۴) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَمِدَّنَّ	لِيُسْتَمَدَّنَّ	لِيَسْتَمِدَّنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَمِدَّانِّ	لِيُسْتَمَدَّانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَمِدُّنَّ	لِيُسْتَمَدُّنَّ	لِيَسْتَمِدُّنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَمِدَّنَّ	لِتُسْتَمَدَّنَّ	لِتَسْتَمِدَّنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَمِدَّانِّ	لِتُسْتَمَدَّانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَمْدِدْنَانِّ	لِيُسْتَمْدَدْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَمِدَّنَّ	لِتُسْتَمَدَّنَّ	إِسْتَمِدَّنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَمِدَّانِّ	لِتُسْتَمَدَّانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَمِدُّنَّ	لِتُسْتَمَدُّنَّ	إِسْتَمِدُّنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَمِدِّنَّ	لِتُسْتَمَدِّنَّ	إِسْتَمِدِّنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَمِدَّانِّ	لِتُسْتَمَدَّانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَمْدِدْنَانِّ	لِتُسْتَمْدَدْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَمِدَّنَّ	لِأُسْتَمَدَّنَّ	لِأَسْتَمِدَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَمِدَّنَّ	لِنُسْتَمَدَّنَّ	لِنَسْتَمِدَّنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۱۷	۳ (۱) باب إستفعال مثال واوی، اَلإِستِیضَاع (درخواست برطرف کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِسْتَوْضَعَ	أُسْتُوْضِعَ	يَسْتَوْضِعُ	لِيَسْتَوْضِعْ	يُسْتَوْضَعُ	لِيُسْتَوْضَعْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِسْتَوْضَعَا	أُسْتُوْضِعَا	يَسْتَوْضِعَانِ	لِيَسْتَوْضِعَا	يُسْتَوْضَعَانِ	لِيُسْتَوْضَعَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِسْتَوْضَعُوْا	أُسْتُوْضِعُوْا	يَسْتَوْضِعُوْنَ	لِيَسْتَوْضِعُوْا	يُسْتَوْضَعُوْنَ	لِيُسْتَوْضَعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِسْتَوْضَعَتْ	أُسْتُوْضِعَتْ	تَسْتَوْضِعُ	لِتَسْتَوْضِعْ	تُسْتَوْضَعُ	لِتُسْتَوْضَعْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِسْتَوْضَعَتَا	أُسْتُوْضِعَتَا	تَسْتَوْضِعَانِ	لِتَسْتَوْضِعَا	تُسْتَوْضَعَانِ	لِتُسْتَوْضَعَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِسْتَوْضَعْنَ	أُسْتُوْضِعْنَ	يَسْتَوْضِعْنَ	لِيَسْتَوْضِعْنَ	يُسْتَوْضَعْنَ	لِيُسْتَوْضَعْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَوْضَعْتَ	أُسْتُوْضِعْتَ	تَسْتَوْضِعُ	إِسْتَوْضِعْ	تُسْتَوْضَعُ	لِتُسْتَوْضَعْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَوْضَعْتُمَا	أُسْتُوْضِعْتُمَا	تَسْتَوْضِعَانِ	إِسْتَوْضِعَا	تُسْتَوْضَعَانِ	لِتُسْتَوْضَعَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَوْضَعْتُمْ	أُسْتُوْضِعْتُمْ	تَسْتَوْضِعُوْنَ	إِسْتَوْضِعُوْا	تُسْتَوْضَعُوْنَ	لِتُسْتَوْضَعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَوْضَعْتِ	أُسْتُوْضِعْتِ	تَسْتَوْضِعِيْنَ	إِسْتَوْضِعِي	تُسْتَوْضَعِيْنَ	لِتُسْتَوْضَعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَوْضَعْتُمَا	أُسْتُوْضِعْتُمَا	تَسْتَوْضِعَانِ	إِسْتَوْضِعَا	تُسْتَوْضَعَانِ	لِتُسْتَوْضَعَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَوْضَعْتُنَّ	أُسْتُوْضِعْتُنَّ	تَسْتَوْضِعْنَ	إِسْتَوْضِعْنَ	تُسْتَوْضَعْنَ	لِتُسْتَوْضَعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِسْتَوْضَعْتُ	أُسْتُوْضِعْتُ	أَسْتَوْضِعُ	لِأَسْتَوْضِعْ	أُسْتَوْضَعُ	لِأُسْتَوْضَعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إِسْتَوْضَعْنَا	أُسْتُوْضِعْنَا	نَسْتَوْضِعُ	لِنَسْتَوْضِعْ	نُسْتَوْضَعُ	لِنُسْتَوْضَعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۱۸	۳ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إسْتَوْضَعَ	لا يَسْتَوْضِعُ	أنْ يَسْتَوْضِعَ	لا يَسْتَوْضِعْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما إسْتَوْضَعَا	لا يَسْتَوْضِعَانِ	أنْ يَسْتَوْضِعَا	لا يَسْتَوْضِعَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما إسْتَوْضَعُوْا	لا يَسْتَوْضِعُوْنَ	أنْ يَسْتَوْضِعُوْا	لا يَسْتَوْضِعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما إسْتَوْضَعَتْ	لا تَسْتَوْضِعُ	أنْ تَسْتَوْضِعَ	لا تَسْتَوْضِعْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما إسْتَوْضَعَتَا	لا تَسْتَوْضِعَانِ	أنْ تَسْتَوْضِعَا	لا تَسْتَوْضِعَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما إسْتَوْضَعْنَ	لا يَسْتَوْضِعْنَ	أنْ يَسْتَوْضِعْنَ	لا يَسْتَوْضِعْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما إسْتَوْضَعْتَ	لا تَسْتَوْضِعُ	أنْ تَسْتَوْضِعَ	لا تَسْتَوْضِعْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما إسْتَوْضَعْتُمَا	لا تَسْتَوْضِعَانِ	أنْ تَسْتَوْضِعَا	لا تَسْتَوْضِعَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما إسْتَوْضَعْتُمْ	لا تَسْتَوْضِعُوْنَ	أنْ تَسْتَوْضِعُوْا	لا تَسْتَوْضِعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما إسْتَوْضَعْتِ	لا تَسْتَوْضِعِيْنَ	أنْ تَسْتَوْضِعِي	لا تَسْتَوْضِعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما إسْتَوْضَعْتُمَا	لا تَسْتَوْضِعَانِ	أنْ تَسْتَوْضِعَا	لا تَسْتَوْضِعَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما إسْتَوْضَعْتُنَّ	لا تَسْتَوْضِعْنَ	أنْ تَسْتَوْضِعْنَ	لا تَسْتَوْضِعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إسْتَوْضَعْتُ	لا أَسْتَوْضِعُ	أنْ أَسْتَوْضِعَ	لا أَسْتَوْضِعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	ما إسْتَوْضَعْنَا	لا نَسْتَوْضِعُ	أنْ نَسْتَوْضِعَ	لا نَسْتَوْضِعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۱۹	۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَوْضِعَنَّ	لِيُسْتَوْضَعَنَّ	لِيَسْتَوْضِعَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَسْتَوْضِعَانِّ	لِيُسْتَوْضَعَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَسْتَوْضِعُنَّ	لِيُسْتَوْضَعُنَّ	لِيَسْتَوْضِعُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَسْتَوْضِعَنَّ	لِتُسْتَوْضَعَنَّ	لِتَسْتَوْضِعَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَسْتَوْضِعَانِّ	لِتُسْتَوْضَعَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَسْتَوْضِعْنَانِّ	لِيُسْتَوْضَعْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِسْتَوْضِعَنَّ	لِتُسْتَوْضَعَنَّ	إِسْتَوْضِعَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِسْتَوْضِعَانِّ	لِتُسْتَوْضَعَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِسْتَوْضِعُنَّ	لِتُسْتَوْضَعُنَّ	إِسْتَوْضِعُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَوْضِعِنَّ	لِتُسْتَوْضَعِنَّ	إِسْتَوْضِعِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِسْتَوْضِعَانِّ	لِتُسْتَوْضَعَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَوْضِعْنَانِّ	لِتُسْتَوْضَعْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَوْضِعَنَّ	لِأُسْتَوْضَعَنَّ	لِأَسْتَوْضِعَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَسْتَوْضِعَنَّ	لِنُسْتَوْضَعَنَّ	لِنَسْتَوْضِعَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر

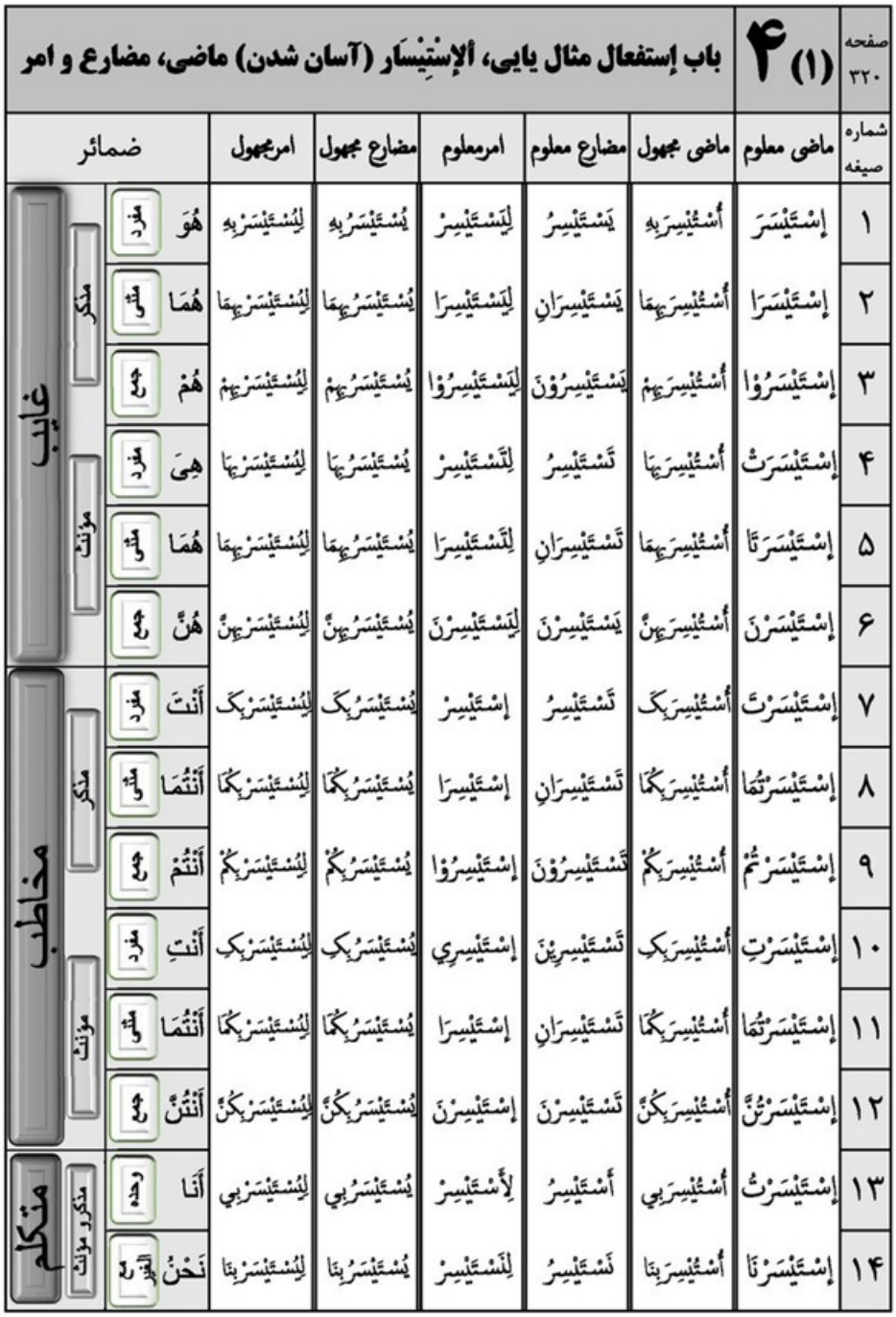

صفحه ۳۲۰	۴ (۱) باب إستفعال مثال یایی، ألإسْتِیْسَار (آسان شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إسْتَیْسَرَ	أُسْتُیْسِرَ بِهِ	یَسْتَیْسِرُ	لِیَسْتَیْسِرْ	یُسْتَیْسَرُ بِهِ	لِیُسْتَیْسَرْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إسْتَیْسَرَا	أُسْتُیْسِرَ بِهِمَا	یَسْتَیْسِرَانِ	لِیَسْتَیْسِرَا	یُسْتَیْسَرُ بِهِمَا	لِیُسْتَیْسَرْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إسْتَیْسَرُوْا	أُسْتُیْسِرَ بِهِمْ	یَسْتَیْسِرُوْنَ	لِیَسْتَیْسِرُوْا	یُسْتَیْسَرُ بِهِمْ	لِیُسْتَیْسَرْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إسْتَیْسَرَتْ	أُسْتُیْسِرَ بِهَا	تَسْتَیْسِرُ	لِتَسْتَیْسِرْ	یُسْتَیْسَرُ بِهَا	لِیُسْتَیْسَرْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِیَ
۵	إسْتَیْسَرَتَا	أُسْتُیْسِرَ بِهِمَا	تَسْتَیْسِرَانِ	لِتَسْتَیْسِرَا	یُسْتَیْسَرُ بِهِمَا	لِیُسْتَیْسَرْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إسْتَیْسَرْنَ	أُسْتُیْسِرَ بِهِنَّ	یَسْتَیْسِرْنَ	لِیَسْتَیْسِرْنَ	یُسْتَیْسَرُ بِهِنَّ	لِیُسْتَیْسَرْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إسْتَیْسَرْتَ	أُسْتُیْسِرَ بِكَ	تَسْتَیْسِرُ	إسْتَیْسِرْ	یُسْتَیْسَرُ بِكَ	لِیُسْتَیْسَرْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إسْتَیْسَرْتُمَا	أُسْتُیْسِرَ بِكُمَا	تَسْتَیْسِرَانِ	إسْتَیْسِرَا	یُسْتَیْسَرُ بِكُمَا	لِیُسْتَیْسَرْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إسْتَیْسَرْتُمْ	أُسْتُیْسِرَ بِكُمْ	تَسْتَیْسِرُوْنَ	إسْتَیْسِرُوْا	یُسْتَیْسَرُ بِكُمْ	لِیُسْتَیْسَرْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إسْتَیْسَرْتِ	أُسْتُیْسِرَ بِكِ	تَسْتَیْسِرِیْنَ	إسْتَیْسِرِي	یُسْتَیْسَرُ بِكِ	لِیُسْتَیْسَرْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إسْتَیْسَرْتُمَا	أُسْتُیْسِرَ بِكُمَا	تَسْتَیْسِرَانِ	إسْتَیْسِرَا	یُسْتَیْسَرُ بِكُمَا	لِیُسْتَیْسَرْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إسْتَیْسَرْتُنَّ	أُسْتُیْسِرَ بِكُنَّ	تَسْتَیْسِرْنَ	إسْتَیْسِرْنَ	یُسْتَیْسَرُ بِكُنَّ	لِیُسْتَیْسَرْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إسْتَیْسَرْتُ	أُسْتُیْسِرَ بِي	أَسْتَیْسِرُ	لِأَسْتَیْسِرْ	یُسْتَیْسَرُ بِي	لِیُسْتَیْسَرْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إسْتَیْسَرْنَا	أُسْتُیْسِرَ بِنَا	نَسْتَیْسِرُ	لِنَسْتَیْسِرْ	یُسْتَیْسَرُ بِنَا	لِیُسْتَیْسَرْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

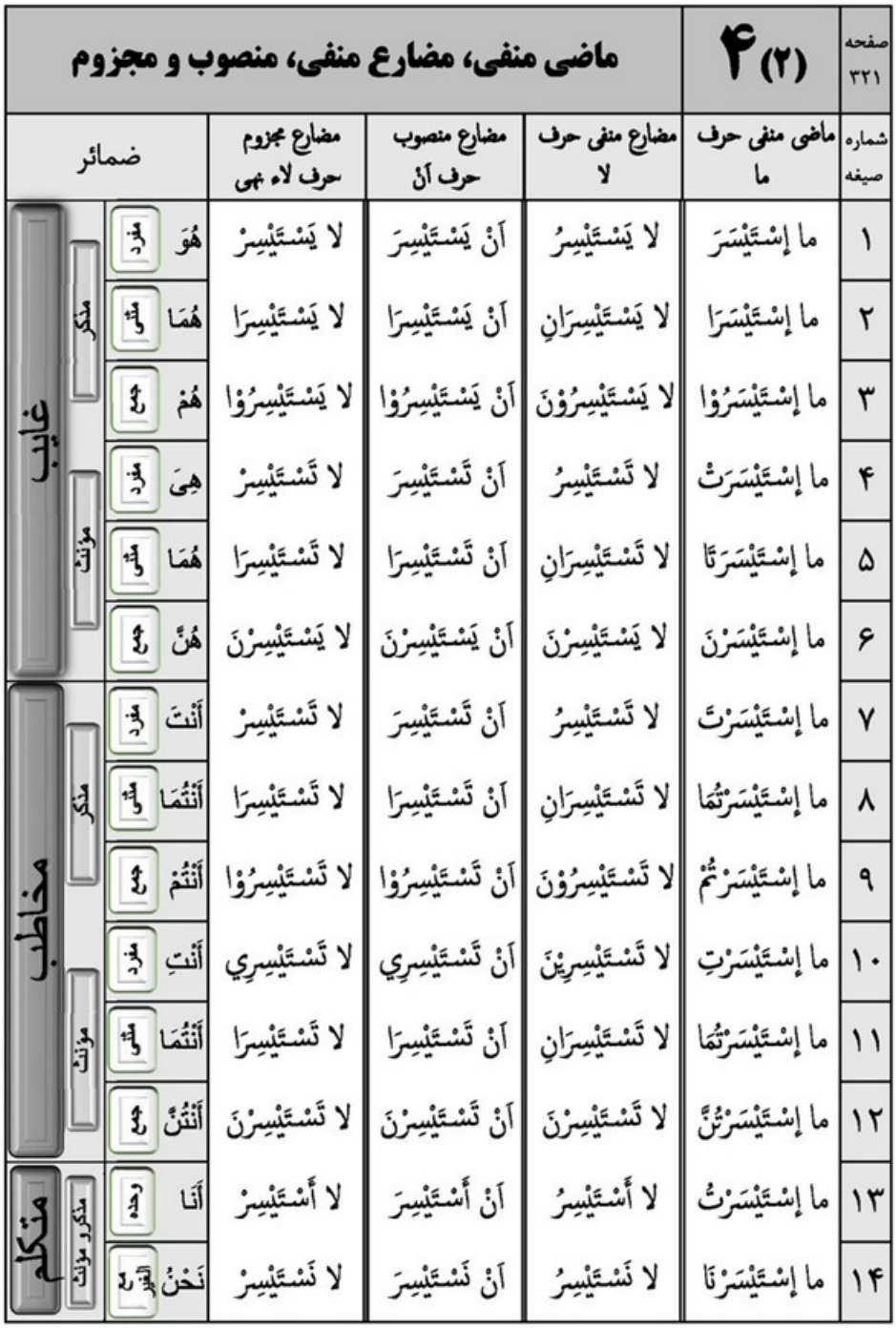

صفحه ۳۲۱	۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف أن	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إسْتَيْسَرَ	لا يَسْتَيْسِرُ	أنْ يَسْتَيْسِرَ	لا يَسْتَيْسِرْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما إسْتَيْسَرَا	لا يَسْتَيْسِرَانِ	أنْ يَسْتَيْسِرَا	لا يَسْتَيْسِرَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما إسْتَيْسَرُوْا	لا يَسْتَيْسِرُوْنَ	أنْ يَسْتَيْسِرُوْا	لا يَسْتَيْسِرُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما إسْتَيْسَرَتْ	لا تَسْتَيْسِرُ	أنْ تَسْتَيْسِرَ	لا تَسْتَيْسِرْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما إسْتَيْسَرَتَا	لا تَسْتَيْسِرَانِ	أنْ تَسْتَيْسِرَا	لا تَسْتَيْسِرَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما إسْتَيْسَرْنَ	لا يَسْتَيْسِرْنَ	أنْ يَسْتَيْسِرْنَ	لا يَسْتَيْسِرْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما إسْتَيْسَرْتَ	لا تَسْتَيْسِرُ	أنْ تَسْتَيْسِرَ	لا تَسْتَيْسِرْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما إسْتَيْسَرْتُمَا	لا تَسْتَيْسِرَانِ	أنْ تَسْتَيْسِرَا	لا تَسْتَيْسِرَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما إسْتَيْسَرْتُمْ	لا تَسْتَيْسِرُوْنَ	أنْ تَسْتَيْسِرُوْا	لا تَسْتَيْسِرُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما إسْتَيْسَرْتِ	لا تَسْتَيْسِرِيْنَ	أنْ تَسْتَيْسِرِي	لا تَسْتَيْسِرِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما إسْتَيْسَرْتُمَا	لا تَسْتَيْسِرَانِ	أنْ تَسْتَيْسِرَا	لا تَسْتَيْسِرَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما إسْتَيْسَرْتُنَّ	لا تَسْتَيْسِرْنَ	أنْ تَسْتَيْسِرْنَ	لا تَسْتَيْسِرْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إسْتَيْسَرْتُ	لا أَسْتَيْسِرُ	أنْ أَسْتَيْسِرَ	لا أَسْتَيْسِرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	ما إسْتَيْسَرْنَا	لا نَسْتَيْسِرُ	أنْ نَسْتَيْسِرَ	لا نَسْتَيْسِرْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۲۲	نون تأکید ۴ (۳)			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَيْسِرَنَّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِهِ	لِيَسْتَيْسِرَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَسْتَيْسِرَانِّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَسْتَيْسِرُنَّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِهِمْ	لِيَسْتَيْسِرُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَسْتَيْسِرَنَّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِهَا	لِتَسْتَيْسِرَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَسْتَيْسِرَانِّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَسْتَيْسِرْنَانِّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِسْتَيْسِرَنَّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِكَ	إِسْتَيْسِرَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِسْتَيْسِرَانِّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِسْتَيْسِرُنَّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِكُمْ	إِسْتَيْسِرُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَيْسِرِنَّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِكِ	إِسْتَيْسِرِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِسْتَيْسِرَانِّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَيْسِرْنَانِّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَيْسِرَنَّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِي	لِأَسْتَيْسِرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَسْتَيْسِرَنَّ	لِيُسْتَيْسَرَنَّ بِنَا	لِنَسْتَيْسِرَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۲۳	۵ (۱) باب إستفعال اجوف واوی، اَلإسْتِقَامَةُ (صاف ماندن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إسْتَقَامَ	أُسْتُقِيمَ بِهِ	يَسْتَقِيمُ	لِيَسْتَقِمْ	يُسْتَقَامُ بِهِ	لِيُسْتَقَمْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إسْتَقَامَا	أُسْتُقِيمَ بِهِمَا	يَسْتَقِيمَانِ	لِيَسْتَقِيمَا	يُسْتَقَامُ بِهِمَا	لِيُسْتَقَمْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إسْتَقَامُوْا	أُسْتُقِيمَ بِهِمْ	يَسْتَقِيمُوْنَ	لِيَسْتَقِيمُوْا	يُسْتَقَامُ بِهِمْ	لِيُسْتَقَمْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إسْتَقَامَتْ	أُسْتُقِيمَ بِهَا	تَسْتَقِيمُ	لِتَسْتَقِمْ	يُسْتَقَامُ بِهَا	لِيُسْتَقَمْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إسْتَقَامَتَا	أُسْتُقِيمَ بِهِمَا	تَسْتَقِيمَانِ	لِتَسْتَقِيمَا	يُسْتَقَامُ بِهِمَا	لِيُسْتَقَمْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إسْتَقَمْنَ	أُسْتُقِيمَ بِهِنَّ	يَسْتَقِمْنَ	لِيَسْتَقِمْنَ	يُسْتَقَامُ بِهِنَّ	لِيُسْتَقَمْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إسْتَقَمْتَ	أُسْتُقِيمَ بِكَ	تَسْتَقِيمُ	إسْتَقِمْ	يُسْتَقَامُ بِكَ	لِيُسْتَقَمْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إسْتَقَمْتُمَا	أُسْتُقِيمَ بِكُمَا	تَسْتَقِيمَانِ	إسْتَقِيمَا	يُسْتَقَامُ بِكُمَا	لِيُسْتَقَمْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إسْتَقَمْتُمْ	أُسْتُقِيمَ بِكُمْ	تَسْتَقِيمُوْنَ	إسْتَقِيمُوْا	يُسْتَقَامُ بِكُمْ	لِيُسْتَقَمْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إسْتَقَمْتِ	أُسْتُقِيمَ بِكِ	تَسْتَقِيمِيْنَ	إسْتَقِيمِي	يُسْتَقَامُ بِكِ	لِيُسْتَقَمْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إسْتَقَمْتُمَا	أُسْتُقِيمَ بِكُمَا	تَسْتَقِيمَانِ	إسْتَقِيمَا	يُسْتَقَامُ بِكُمَا	لِيُسْتَقَمْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إسْتَقَمْتُنَّ	أُسْتُقِيمَ بِكُنَّ	تَسْتَقِمْنَ	إسْتَقِمْنَ	يُسْتَقَامُ بِكُنَّ	لِيُسْتَقَمْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إسْتَقَمْتُ	أُسْتُقِيمَ بِي	أَسْتَقِيمُ	لِأَسْتَقِمْ	يُسْتَقَامُ بِي	لِيُسْتَقَمْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إسْتَقَمْنَا	أُسْتُقِيمَ بِنَا	نَسْتَقِيمُ	لِنَسْتَقِمْ	يُسْتَقَامُ بِنَا	لِيُسْتَقَمْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۲۴	۵ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إسْتَقَامَ	لا يَسْتَقِيْمُ	اَنْ يَسْتَقِيْمَ	لا يَسْتَقِمْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما إسْتَقَامَا	لا يَسْتَقِيْمَانِ	اَنْ يَسْتَقِيْمَا	لا يَسْتَقِيْمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما إسْتَقَامُوْا	لا يَسْتَقِيْمُوْنَ	اَنْ يَسْتَقِيْمُوْا	لا يَسْتَقِيْمُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما إسْتَقَامَتْ	لا تَسْتَقِيْمُ	اَنْ تَسْتَقِيْمَ	لا تَسْتَقِمْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما إسْتَقَامَتَا	لا تَسْتَقِيْمَانِ	اَنْ تَسْتَقِيْمَا	لا تَسْتَقِيْمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما إسْتَقَمْنَ	لا يَسْتَقِمْنَ	اَنْ يَسْتَقِمْنَ	لا يَسْتَقِمْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما إسْتَقَمْتَ	لا تَسْتَقِيْمُ	اَنْ تَسْتَقِيْمَ	لا تَسْتَقِمْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما إسْتَقَمْتُمَا	لا تَسْتَقِيْمَانِ	اَنْ تَسْتَقِيْمَا	لا تَسْتَقِيْمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما إسْتَقَمْتُمْ	لا تَسْتَقِيْمُوْنَ	اَنْ تَسْتَقِيْمُوْا	لا تَسْتَقِيْمُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما إسْتَقَمْتِ	لا تَسْتَقِيْمِيْنَ	اَنْ تَسْتَقِيْمِي	لا تَسْتَقِيْمِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما إسْتَقَمْتُمَا	لا تَسْتَقِيْمَانِ	اَنْ تَسْتَقِيْمَا	لا تَسْتَقِيْمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما إسْتَقَمْتُنَّ	لا تَسْتَقِمْنَ	اَنْ تَسْتَقِمْنَ	لا تَسْتَقِمْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إسْتَقَمْتُ	لا أَسْتَقِيْمُ	اَنْ أَسْتَقِيْمَ	لا أَسْتَقِمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	ما إسْتَقَمْنَا	لا نَسْتَقِيْمُ	اَنْ نَسْتَقِيْمَ	لا نَسْتَقِمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۲۵	۵ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَقِيْمَنَّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِهِ	لِيَسْتَقِيْمَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَقِيْمَانِّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِهِمَا		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَقِيْمُنَّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِهِمْ	لِيَسْتَقِيْمُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَقِيْمَنَّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِهَا	لِتَسْتَقِيْمَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَقِيْمَانِّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِهِمَا		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَقِمْنَانِّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِهِنَّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَقِيْمَنَّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِكَ	إِسْتَقِيْمَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَقِيْمَانِّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَقِيْمُنَّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِكُمْ	إِسْتَقِيْمُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَقِيْمِنَّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِكِ	إِسْتَقِيْمِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَقِيْمَانِّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِكُمَا		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَقِمْنَانِّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِكُنَّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَقِيْمَنَّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِي	لِأَسْتَقِيْمَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَقِيْمَنَّ	لِيُسْتَقَمَنَّ بِنَا	لِنَسْتَقِيْمَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۲۶	۶ (۱) باب إستفعال اجوف يايى، اَلإستِبَاعَةُ (درخواست فروش كردن) ماضى، مضارع و امر						
شماره صيغه	ماضى معلوم	ماضى مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِسْتَبَاعَ	أُسْتُبِيْعَ	يَسْتَبِيْعُ	لِيَسْتَبِعْ	يُسْتَبَاعُ	لِيُسْتَبَعْ	غايب — مذكر — مفرد — هُوَ
۲	إِسْتَبَاعَا	أُسْتُبِيْعَا	يَسْتَبِيْعَانِ	لِيَسْتَبِيْعَا	يُسْتَبَاعَانِ	لِيُسْتَبَاعَا	غايب — مذكر — مثنى — هُمَا
۳	إِسْتَبَاعُوْا	أُسْتُبِيْعُوْا	يَسْتَبِيْعُوْنَ	لِيَسْتَبِيْعُوْا	يُسْتَبَاعُوْنَ	لِيُسْتَبَاعُوْا	غايب — مذكر — جمع — هُمْ
۴	إِسْتَبَاعَتْ	أُسْتُبِيْعَتْ	تَسْتَبِيْعُ	لِتَسْتَبِعْ	تُسْتَبَاعُ	لِتُسْتَبَعْ	غايب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِسْتَبَاعَتَا	أُسْتُبِيْعَتَا	تَسْتَبِيْعَانِ	لِتَسْتَبِيْعَا	تُسْتَبَاعَانِ	لِتُسْتَبَاعَا	غايب — مؤنث — مثنى — هُمَا
۶	إِسْتَبَعْنَ	أُسْتُبِعْنَ	يَسْتَبِعْنَ	لِيَسْتَبِعْنَ	يُسْتَبَعْنَ	لِيُسْتَبَعْنَ	غايب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَبَعْتَ	أُسْتُبِعْتَ	تَسْتَبِيْعُ	إِسْتَبِعْ	تُسْتَبَاعُ	لِتُسْتَبَعْ	مخاطب — مذكر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَبَعْتُمَا	أُسْتُبِعْتُمَا	تَسْتَبِيْعَانِ	إِسْتَبِيْعَا	تُسْتَبَاعَانِ	لِتُسْتَبَاعَا	مخاطب — مذكر — مثنى — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَبَعْتُمْ	أُسْتُبِعْتُمْ	تَسْتَبِيْعُوْنَ	إِسْتَبِيْعُوْا	تُسْتَبَاعُوْنَ	لِتُسْتَبَاعُوْا	مخاطب — مذكر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَبَعْتِ	أُسْتُبِعْتِ	تَسْتَبِيْعِيْنَ	إِسْتَبِيْعِي	تُسْتَبَاعِيْنَ	لِتُسْتَبَاعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَبَعْتُمَا	أُسْتُبِعْتُمَا	تَسْتَبِيْعَانِ	إِسْتَبِيْعَا	تُسْتَبَاعَانِ	لِتُسْتَبَاعَا	مخاطب — مؤنث — مثنى — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَبَعْتُنَّ	أُسْتُبِعْتُنَّ	تَسْتَبِعْنَ	إِسْتَبِعْنَ	تُسْتَبَعْنَ	لِتُسْتَبَعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِسْتَبَعْتُ	أُسْتُبِعْتُ	أَسْتَبِيْعُ	لِأَسْتَبِعْ	أُسْتَبَاعُ	لِأُسْتَبَعْ	متكلم — مذكر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إِسْتَبَعْنَا	أُسْتُبِعْنَا	نَسْتَبِيْعُ	لِنَسْتَبِعْ	نُسْتَبَاعُ	لِنُسْتَبَعْ	متكلم — مذكر و مؤنث — مع الغير — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۲۷	۶ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إسْتَبَاعَ	لا يَسْتَبِيْعُ	اَنْ يَسْتَبِيْعَ	لا يَسْتَبِعْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما إسْتَبَاعَا	لا يَسْتَبِيْعَانِ	اَنْ يَسْتَبِيْعَا	لا يَسْتَبِيْعَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما إسْتَبَاعُوْا	لا يَسْتَبِيْعُوْنَ	اَنْ يَسْتَبِيْعُوْا	لا يَسْتَبِيْعُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما إسْتَبَاعَتْ	لا تَسْتَبِيْعُ	اَنْ تَسْتَبِيْعَ	لا تَسْتَبِعْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما إسْتَبَاعَتَا	لا تَسْتَبِيْعَانِ	اَنْ تَسْتَبِيْعَا	لا تَسْتَبِيْعَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما إسْتَبَعْنَ	لا يَسْتَبِعْنَ	اَنْ يَسْتَبِعْنَ	لا يَسْتَبِعْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما إسْتَبَعْتَ	لا تَسْتَبِيْعُ	اَنْ تَسْتَبِيْعَ	لا تَسْتَبِعْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	ما إسْتَبَعْتُمَا	لا تَسْتَبِيْعَانِ	اَنْ تَسْتَبِيْعَا	لا تَسْتَبِيْعَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	ما إسْتَبَعْتُمْ	لا تَسْتَبِيْعُوْنَ	اَنْ تَسْتَبِيْعُوْا	لا تَسْتَبِيْعُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	ما إسْتَبَعْتِ	لا تَسْتَبِيْعِيْنَ	اَنْ تَسْتَبِيْعِي	لا تَسْتَبِيْعِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	ما إسْتَبَعْتُمَا	لا تَسْتَبِيْعَانِ	اَنْ تَسْتَبِيْعَا	لا تَسْتَبِيْعَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	ما إسْتَبَعْتُنَّ	لا تَسْتَبِعْنَ	اَنْ تَسْتَبِعْنَ	لا تَسْتَبِعْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	ما إسْتَبَعْتُ	لا أَسْتَبِيْعُ	اَنْ أَسْتَبِيْعَ	لا أَسْتَبِعْ	متکلم / مذکر و مؤنث / واحد / أَنَا
۱۴	ما إسْتَبَعْنَا	لا نَسْتَبِيْعُ	اَنْ نَسْتَبِيْعَ	لا نَسْتَبِعْ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر واحد / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۲۸	۶ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَبِيْعَنَّ	لِيُسْتَبَعَنَّ	لِيَسْتَبِيْعَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَبِيْعَانِّ	لِيُسْتَبَاعَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَبِيْعُنَّ	لِيُسْتَبَاعُنَّ	لِيَسْتَبِيْعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَبِيْعَنَّ	لِتُسْتَبَعَنَّ	لِتَسْتَبِيْعَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَبِيْعَانِّ	لِتُسْتَبَاعَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَبِعْنَانِّ	لِيُسْتَبَعْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَبِيْعَنَّ	لِتُسْتَبَعَنَّ	إِسْتَبِيْعَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَبِيْعَانِّ	لِتُسْتَبَاعَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَبِيْعُنَّ	لِتُسْتَبَاعُنَّ	إِسْتَبِيْعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَبِيْعِنَّ	لِتُسْتَبَاعِنَّ	إِسْتَبِيْعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَبِيْعَانِّ	لِتُسْتَبَاعَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَبِعْنَانِّ	لِتُسْتَبَعْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَبِيْعَنَّ	لِأُسْتَبَعَنَّ	لِأَسْتَبِيْعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَبِيْعَنَّ	لِنُسْتَبَعَنَّ	لِنَسْتَبِيْعَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

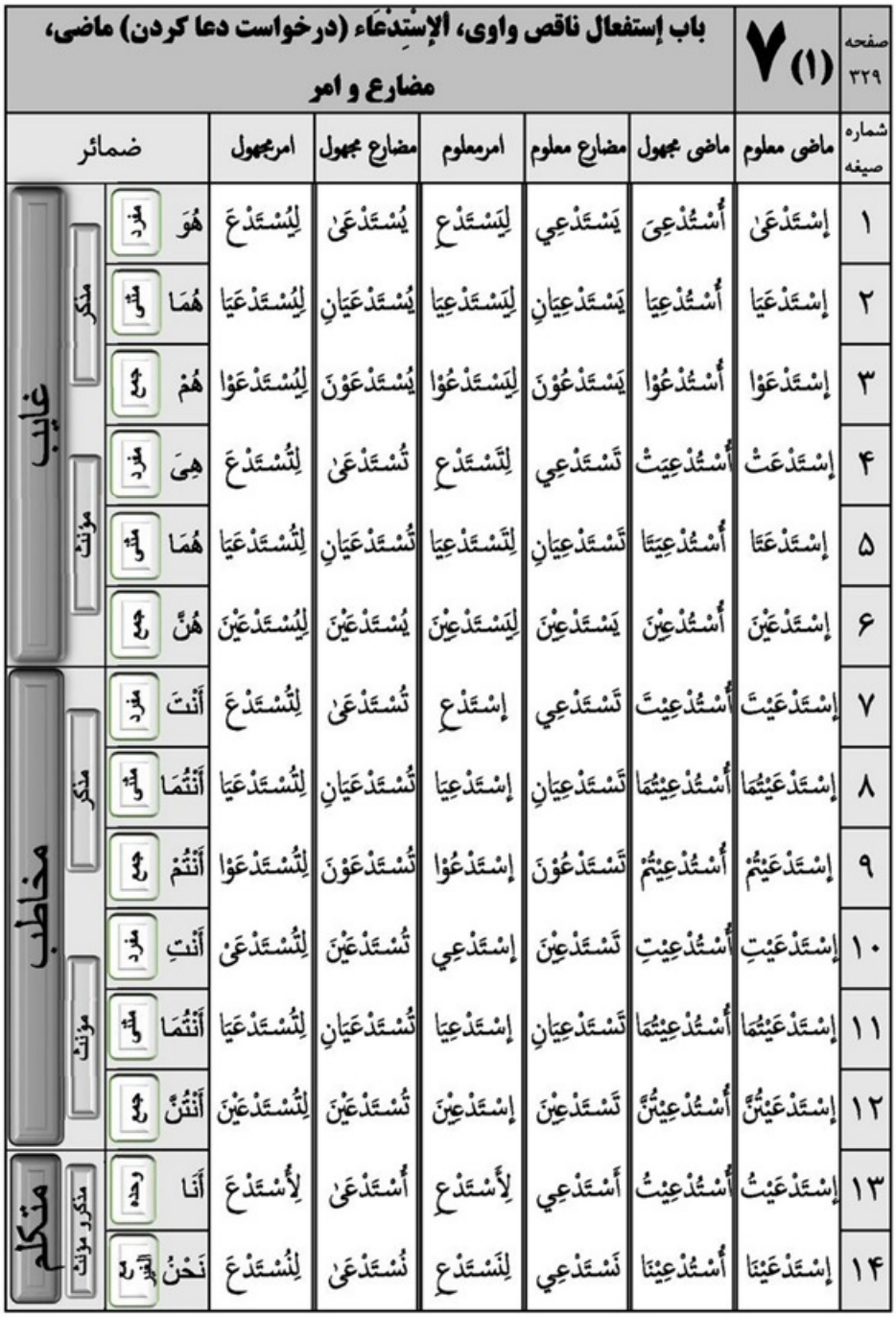

صفحه ۳۲۹	۷ (۱)	باب إستفعال ناقص واوی، اَلإِستِدْعَاء (درخواست دعا کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إِسْتَدْعَىٰ	أُسْتُدْعِيَ	يَسْتَدْعِي	لِيَسْتَدْعِ	يُسْتَدْعَىٰ	لِيُسْتَدْعَ	غایب مذکر	هُوَ مفرد
۲	إِسْتَدْعَيَا	أُسْتُدْعِيَا	يَسْتَدْعِيَانِ	لِيَسْتَدْعِيَا	يُسْتَدْعَيَانِ	لِيُسْتَدْعَيَا		هُمَا مثنی
۳	إِسْتَدْعَوْا	أُسْتُدْعُوْا	يَسْتَدْعُوْنَ	لِيَسْتَدْعُوْا	يُسْتَدْعَوْنَ	لِيُسْتَدْعَوْا		هُمْ جمع
۴	إِسْتَدْعَتْ	أُسْتُدْعِيَتْ	تَسْتَدْعِي	لِتَسْتَدْعِ	تُسْتَدْعَىٰ	لِتُسْتَدْعَ	غایب مؤنث	هِيَ مفرد
۵	إِسْتَدْعَتَا	أُسْتُدْعِيَتَا	تَسْتَدْعِيَانِ	لِتَسْتَدْعِيَا	تُسْتَدْعَيَانِ	لِتُسْتَدْعَيَا		هُمَا مثنی
۶	إِسْتَدْعَيْنَ	أُسْتُدْعِيْنَ	يَسْتَدْعِيْنَ	لِيَسْتَدْعِيْنَ	يُسْتَدْعَيْنَ	لِيُسْتَدْعَيْنَ		هُنَّ جمع
۷	إِسْتَدْعَيْتَ	أُسْتُدْعِيْتَ	تَسْتَدْعِي	إِسْتَدْعِ	تُسْتَدْعَىٰ	لِتُسْتَدْعَ	مخاطب مذکر	أَنْتَ مفرد
۸	إِسْتَدْعَيْتُمَا	أُسْتُدْعِيْتُمَا	تَسْتَدْعِيَانِ	إِسْتَدْعِيَا	تُسْتَدْعَيَانِ	لِتُسْتَدْعَيَا		أَنْتُمَا مثنی
۹	إِسْتَدْعَيْتُمْ	أُسْتُدْعِيْتُمْ	تَسْتَدْعُوْنَ	إِسْتَدْعُوْا	تُسْتَدْعَوْنَ	لِتُسْتَدْعَوْا		أَنْتُمْ جمع
۱۰	إِسْتَدْعَيْتِ	أُسْتُدْعِيْتِ	تَسْتَدْعِيْنَ	إِسْتَدْعِي	تُسْتَدْعَيْنَ	لِتُسْتَدْعَىٰ	مؤنث	أَنْتِ مفرد
۱۱	إِسْتَدْعَيْتُمَا	أُسْتُدْعِيْتُمَا	تَسْتَدْعِيَانِ	إِسْتَدْعِيَا	تُسْتَدْعَيَانِ	لِتُسْتَدْعَيَا		أَنْتُمَا مثنی
۱۲	إِسْتَدْعَيْتُنَّ	أُسْتُدْعِيْتُنَّ	تَسْتَدْعِيْنَ	إِسْتَدْعِيْنَ	تُسْتَدْعَيْنَ	لِتُسْتَدْعَيْنَ		أَنْتُنَّ جمع
۱۳	إِسْتَدْعَيْتُ	أُسْتُدْعِيْتُ	أَسْتَدْعِي	لِأَسْتَدْعِ	أُسْتَدْعَىٰ	لِأُسْتَدْعَ	متکلم مذکر و مؤنث	أَنَا وحده
۱۴	إِسْتَدْعَيْنَا	أُسْتُدْعِيْنَا	نَسْتَدْعِي	لِنَسْتَدْعِ	نُسْتَدْعَىٰ	لِنُسْتَدْعَ		نَحْنُ مع الغیر

تصویر



صفحه ۳۳۰	۷ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إسْتَدْعَىٰ	لا يَسْتَدْعِي	اَنْ يَسْتَدْعِيَ	لا يَسْتَدْعِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما إسْتَدْعَيَا	لا يَسْتَدْعِيَانِ	اَنْ يَسْتَدْعِيَا	لا يَسْتَدْعِيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما إسْتَدْعَوْا	لا يَسْتَدْعُوْنَ	اَنْ يَسْتَدْعُوْا	لا يَسْتَدْعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما إسْتَدْعَتْ	لا تَسْتَدْعِي	اَنْ تَسْتَدْعِيَ	لا تَسْتَدْعِ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما إسْتَدْعَتَا	لا تَسْتَدْعِيَانِ	اَنْ تَسْتَدْعِيَا	لا تَسْتَدْعِيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما إسْتَدْعَيْنَ	لا يَسْتَدْعِيْنَ	اَنْ يَسْتَدْعِيْنَ	لا يَسْتَدْعِيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما إسْتَدْعَيْتَ	لا تَسْتَدْعِي	اَنْ تَسْتَدْعِيَ	لا تَسْتَدْعِ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما إسْتَدْعَيْتُمَا	لا تَسْتَدْعِيَانِ	اَنْ تَسْتَدْعِيَا	لا تَسْتَدْعِيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما إسْتَدْعَيْتُمْ	لا تَسْتَدْعُوْنَ	اَنْ تَسْتَدْعُوْا	لا تَسْتَدْعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما إسْتَدْعَيْتِ	لا تَسْتَدْعِيْنَ	اَنْ تَسْتَدْعِيَ	لا تَسْتَدْعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما إسْتَدْعَيْتُمَا	لا تَسْتَدْعِيَانِ	اَنْ تَسْتَدْعِيَا	لا تَسْتَدْعِيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما إسْتَدْعَيْتُنَّ	لا تَسْتَدْعِيْنَ	اَنْ تَسْتَدْعِيْنَ	لا تَسْتَدْعِيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إسْتَدْعَيْتُ	لا أَسْتَدْعِي	اَنْ أَسْتَدْعِيَ	لا أَسْتَدْعِ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	ما إسْتَدْعَيْنَا	لا نَسْتَدْعِي	اَنْ نَسْتَدْعِيَ	لا نَسْتَدْعِ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۳۱	۷ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَدْعِيَنَّ	لِيُسْتَدْعَيَنَّ	لِيَسْتَدْعِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَدْعِيَانِّ	لِيُسْتَدْعَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَدْعُنَّ	لِيُسْتَدْعَوُنَّ	لِيَسْتَدْعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَدْعِيَنَّ	لِتُسْتَدْعَيَنَّ	لِتَسْتَدْعِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَدْعِيَانِّ	لِتُسْتَدْعَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَدْعِيْنَانِّ	لِيُسْتَدْعَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَدْعِيَنَّ	لِتُسْتَدْعَيَنَّ	إِسْتَدْعِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَدْعِيَانِّ	لِتُسْتَدْعَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَدْعُنَّ	لِتُسْتَدْعَوُنَّ	إِسْتَدْعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَدْعِنَّ	لِتُسْتَدْعَنَّ	إِسْتَدْعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَدْعِيَانِّ	لِتُسْتَدْعَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَدْعِيْنَانِّ	لِتُسْتَدْعَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَدْعِيَنَّ	لِأُسْتَدْعَيَنَّ	لِأَسْتَدْعِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَدْعِيَنَّ	لِنُسْتَدْعَيَنَّ	لِنَسْتَدْعِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

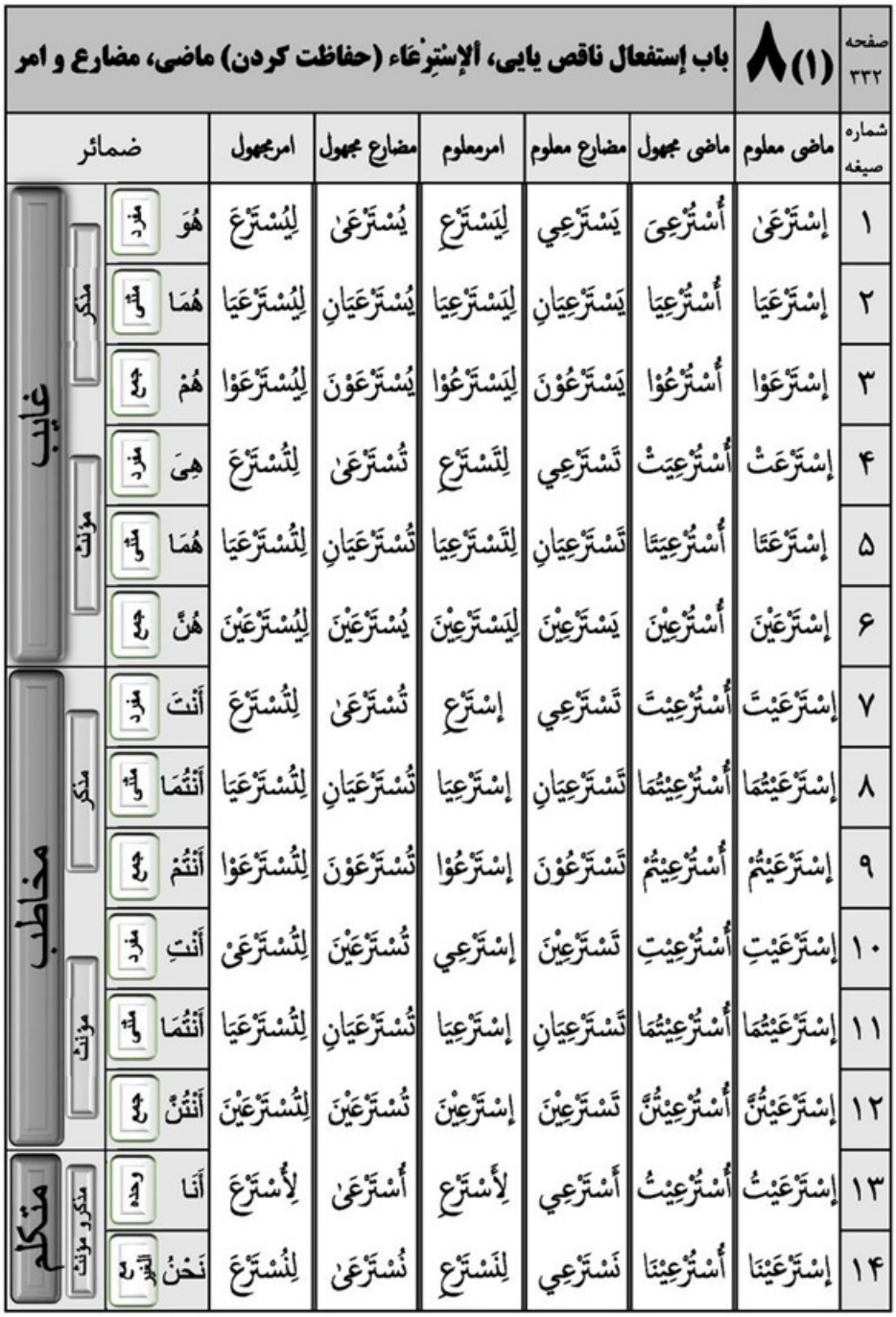

صفحه ۳۳۲	۸ (۱) باب إستفعال ناقص یایی، اَلإسْتِرْعَاء (حفاظت کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إسْتَرْعَىٰ	أُسْتُرْعِيَ	يَسْتَرْعِي	لِيَسْتَرْعِ	يُسْتَرْعَىٰ	لِيُسْتَرْعَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إسْتَرْعَيَا	أُسْتُرْعِيَا	يَسْتَرْعِيَانِ	لِيَسْتَرْعِيَا	يُسْتَرْعَيَانِ	لِيُسْتَرْعَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إسْتَرْعَوْا	أُسْتُرْعُوْا	يَسْتَرْعُوْنَ	لِيَسْتَرْعُوْا	يُسْتَرْعَوْنَ	لِيُسْتَرْعَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إسْتَرْعَتْ	أُسْتُرْعِيَتْ	تَسْتَرْعِي	لِتَسْتَرْعِ	تُسْتَرْعَىٰ	لِتُسْتَرْعَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إسْتَرْعَتَا	أُسْتُرْعِيَتَا	تَسْتَرْعِيَانِ	لِتَسْتَرْعِيَا	تُسْتَرْعَيَانِ	لِتُسْتَرْعَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إسْتَرْعَيْنَ	أُسْتُرْعِيْنَ	يَسْتَرْعِيْنَ	لِيَسْتَرْعِيْنَ	يُسْتَرْعَيْنَ	لِيُسْتَرْعَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إسْتَرْعَيْتَ	أُسْتُرْعِيْتَ	تَسْتَرْعِي	إسْتَرْعِ	تُسْتَرْعَىٰ	لِتُسْتَرْعَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إسْتَرْعَيْتُمَا	أُسْتُرْعِيْتُمَا	تَسْتَرْعِيَانِ	إسْتَرْعِيَا	تُسْتَرْعَيَانِ	لِتُسْتَرْعَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إسْتَرْعَيْتُمْ	أُسْتُرْعِيْتُمْ	تَسْتَرْعُوْنَ	إسْتَرْعُوْا	تُسْتَرْعَوْنَ	لِتُسْتَرْعَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إسْتَرْعَيْتِ	أُسْتُرْعِيْتِ	تَسْتَرْعِيْنَ	إسْتَرْعِي	تُسْتَرْعَيْنَ	لِتُسْتَرْعَيْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إسْتَرْعَيْتُمَا	أُسْتُرْعِيْتُمَا	تَسْتَرْعِيَانِ	إسْتَرْعِيَا	تُسْتَرْعَيَانِ	لِتُسْتَرْعَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إسْتَرْعَيْتُنَّ	أُسْتُرْعِيْتُنَّ	تَسْتَرْعِيْنَ	إسْتَرْعِيْنَ	تُسْتَرْعَيْنَ	لِتُسْتَرْعَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إسْتَرْعَيْتُ	أُسْتُرْعِيْتُ	أَسْتَرْعِي	لِأَسْتَرْعِ	أُسْتَرْعَىٰ	لِأُسْتَرْعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	إسْتَرْعَيْنَا	أُسْتُرْعِيْنَا	نَسْتَرْعِي	لِنَسْتَرْعِ	نُسْتَرْعَىٰ	لِنُسْتَرْعَ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر

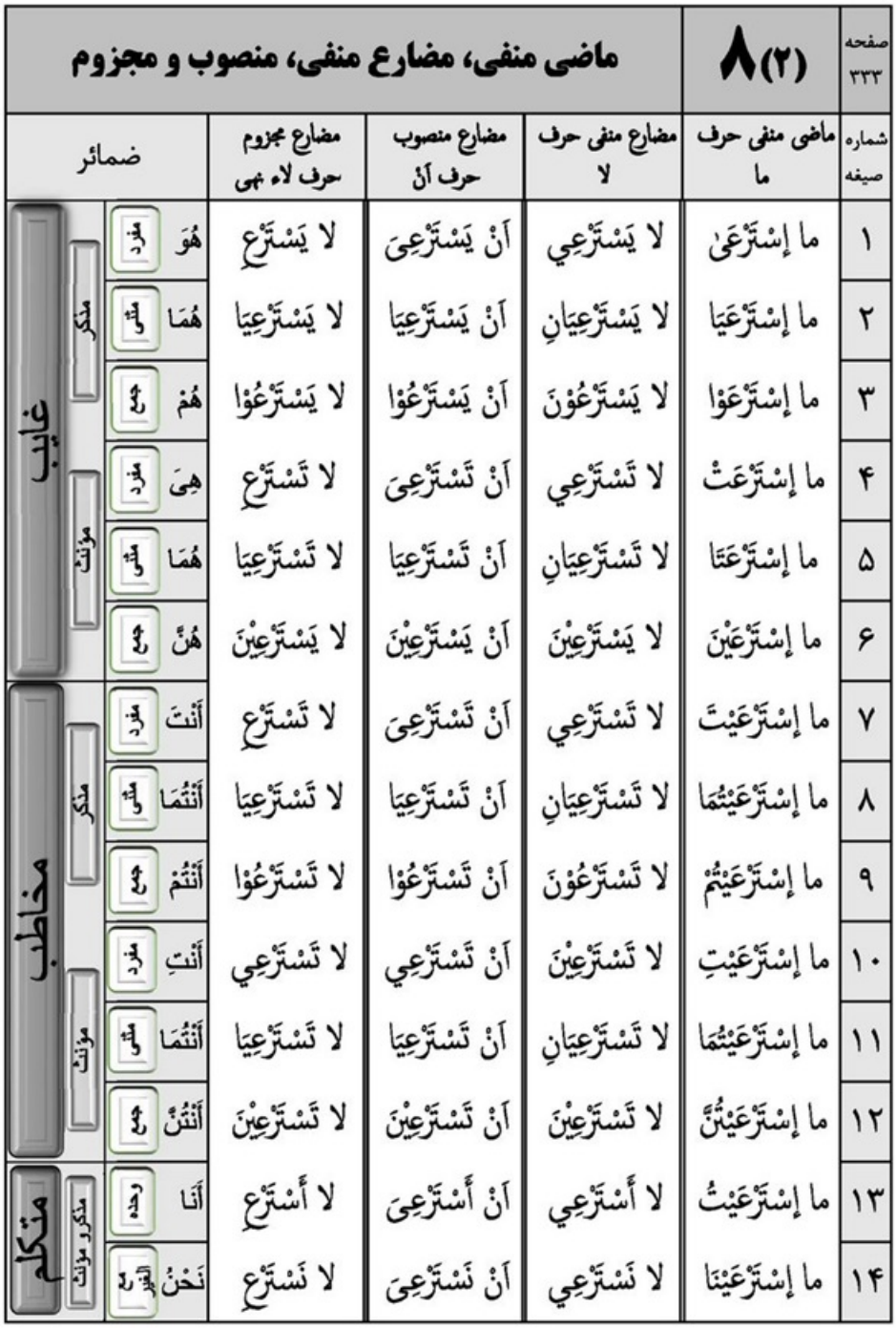

صفحه ۳۳۳	۸ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إسْتَرْعَىٰ	لا يَسْتَرْعِي	اَنْ يَسْتَرْعِيَ	لا يَسْتَرْعِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	ما إسْتَرْعَيَا	لا يَسْتَرْعِيَانِ	اَنْ يَسْتَرْعِيَا	لا يَسْتَرْعِيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	ما إسْتَرْعَوْا	لا يَسْتَرْعُوْنَ	اَنْ يَسْتَرْعُوْا	لا يَسْتَرْعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	ما إسْتَرْعَتْ	لا تَسْتَرْعِي	اَنْ تَسْتَرْعِيَ	لا تَسْتَرْعِ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	ما إسْتَرْعَتَا	لا تَسْتَرْعِيَانِ	اَنْ تَسْتَرْعِيَا	لا تَسْتَرْعِيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	ما إسْتَرْعَيْنَ	لا يَسْتَرْعِيْنَ	اَنْ يَسْتَرْعِيْنَ	لا يَسْتَرْعِيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	ما إسْتَرْعَيْتَ	لا تَسْتَرْعِي	اَنْ تَسْتَرْعِيَ	لا تَسْتَرْعِ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	ما إسْتَرْعَيْتُمَا	لا تَسْتَرْعِيَانِ	اَنْ تَسْتَرْعِيَا	لا تَسْتَرْعِيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	ما إسْتَرْعَيْتُمْ	لا تَسْتَرْعُوْنَ	اَنْ تَسْتَرْعُوْا	لا تَسْتَرْعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	ما إسْتَرْعَيْتِ	لا تَسْتَرْعِيْنَ	اَنْ تَسْتَرْعِيْ	لا تَسْتَرْعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	ما إسْتَرْعَيْتُمَا	لا تَسْتَرْعِيَانِ	اَنْ تَسْتَرْعِيَا	لا تَسْتَرْعِيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	ما إسْتَرْعَيْتُنَّ	لا تَسْتَرْعِيْنَ	اَنْ تَسْتَرْعِيْنَ	لا تَسْتَرْعِيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	ما إسْتَرْعَيْتُ	لا أَسْتَرْعِي	اَنْ أَسْتَرْعِيَ	لا أَسْتَرْعِ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	ما إسْتَرْعَيْنَا	لا نَسْتَرْعِي	اَنْ نَسْتَرْعِيَ	لا نَسْتَرْعِ	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۳۴	۸ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَرْعِيَنَّ	لِيُسْتَرْعَيَنَّ	لِيَسْتَرْعِيَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَرْعِيَانِّ	لِيُسْتَرْعَيَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَرْعُنَّ	لِيُسْتَرْعَوُنَّ	لِيَسْتَرْعُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَرْعِيَنَّ	لِتُسْتَرْعَيَنَّ	لِتَسْتَرْعِيَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَرْعِيَانِّ	لِتُسْتَرْعَيَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَرْعِيْنَانِّ	لِيُسْتَرْعَيْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَرْعِيَنَّ	لِتُسْتَرْعَيَنَّ	إِسْتَرْعِيَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَرْعِيَانِّ	لِتُسْتَرْعَيَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَرْعُنَّ	لِتُسْتَرْعَوُنَّ	إِسْتَرْعُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَرْعِنَّ	لِتُسْتَرْعَيِنَّ	إِسْتَرْعِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَرْعِيَانِّ	لِتُسْتَرْعَيَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَرْعِيْنَانِّ	لِتُسْتَرْعَيْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَرْعِيَنَّ	لِأُسْتَرْعَيَنَّ	لِأَسْتَرْعِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَرْعِيَنَّ	لِنُسْتَرْعَيَنَّ	لِنَسْتَرْعِيَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

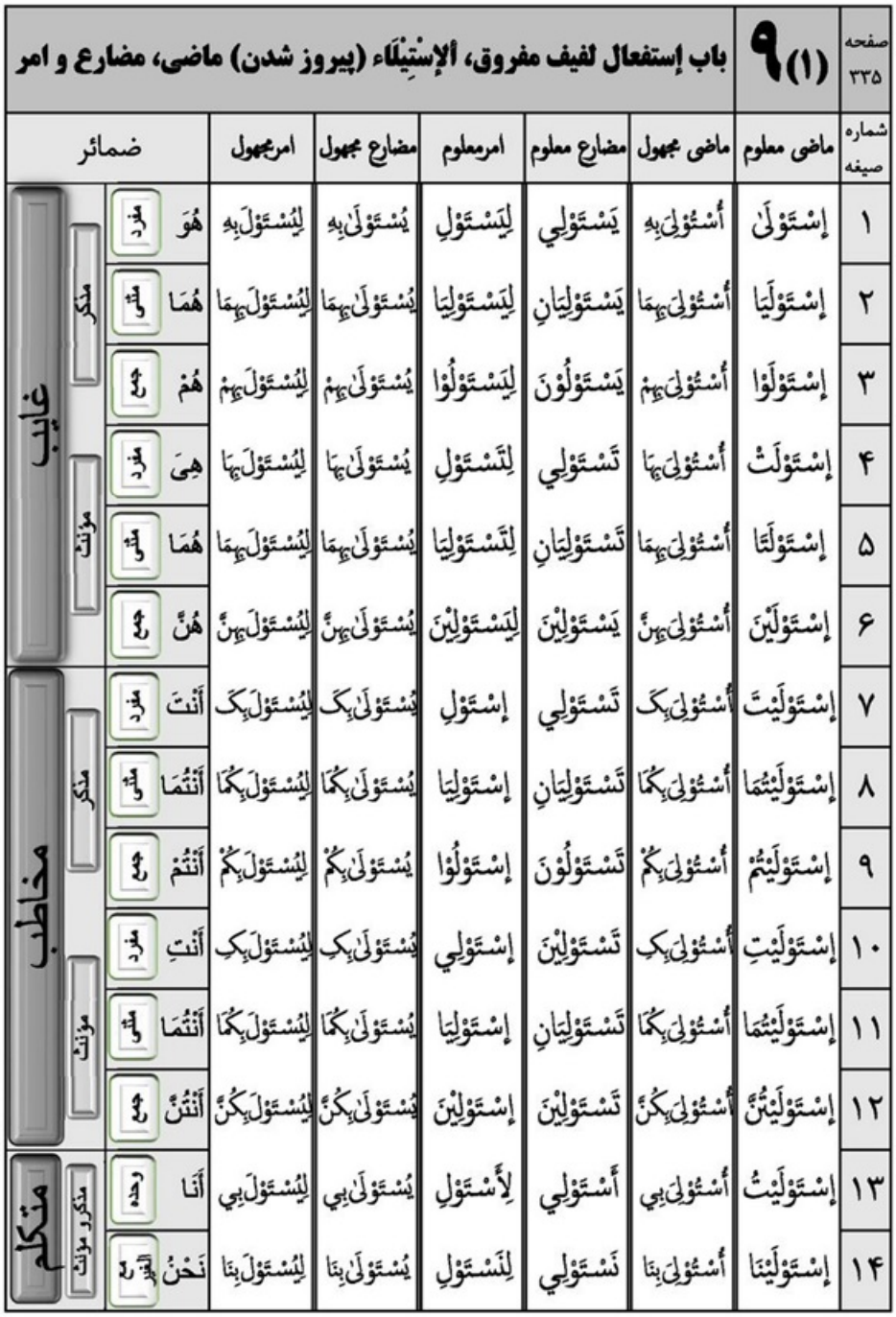

صفحه ۳۳۵	(۱) ۹ باب إستفعال لفيف مفروق، ألإسْتِيْلَاء (پیروز شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إسْتَوْلَىٰ	أُسْتُوْلِيَ بِهِ	يَسْتَوْلِي	لِيَسْتَوْلِ	يُسْتَوْلَىٰ بِهِ	لِيُسْتَوْلَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إسْتَوْلَيَا	أُسْتُوْلِيَ بِهِمَا	يَسْتَوْلِيَانِ	لِيَسْتَوْلِيَا	يُسْتَوْلَىٰ بِهِمَا	لِيُسْتَوْلَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إسْتَوْلَوْا	أُسْتُوْلِيَ بِهِمْ	يَسْتَوْلُوْنَ	لِيَسْتَوْلُوْا	يُسْتَوْلَىٰ بِهِمْ	لِيُسْتَوْلَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إسْتَوْلَتْ	أُسْتُوْلِيَ بِهَا	تَسْتَوْلِي	لِتَسْتَوْلِ	يُسْتَوْلَىٰ بِهَا	لِيُسْتَوْلَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إسْتَوْلَتَا	أُسْتُوْلِيَ بِهِمَا	تَسْتَوْلِيَانِ	لِتَسْتَوْلِيَا	يُسْتَوْلَىٰ بِهِمَا	لِيُسْتَوْلَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إسْتَوْلَيْنَ	أُسْتُوْلِيَ بِهِنَّ	يَسْتَوْلِيْنَ	لِيَسْتَوْلِيْنَ	يُسْتَوْلَىٰ بِهِنَّ	لِيُسْتَوْلَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إسْتَوْلَيْتَ	أُسْتُوْلِيَ بِكَ	تَسْتَوْلِي	إسْتَوْلِ	يُسْتَوْلَىٰ بِكَ	لِيُسْتَوْلَ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إسْتَوْلَيْتُمَا	أُسْتُوْلِيَ بِكُمَا	تَسْتَوْلِيَانِ	إسْتَوْلِيَا	يُسْتَوْلَىٰ بِكُمَا	لِيُسْتَوْلَ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إسْتَوْلَيْتُمْ	أُسْتُوْلِيَ بِكُمْ	تَسْتَوْلُوْنَ	إسْتَوْلُوْا	يُسْتَوْلَىٰ بِكُمْ	لِيُسْتَوْلَ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إسْتَوْلَيْتِ	أُسْتُوْلِيَ بِكِ	تَسْتَوْلِيْنَ	إسْتَوْلِي	يُسْتَوْلَىٰ بِكِ	لِيُسْتَوْلَ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إسْتَوْلَيْتُمَا	أُسْتُوْلِيَ بِكُمَا	تَسْتَوْلِيَانِ	إسْتَوْلِيَا	يُسْتَوْلَىٰ بِكُمَا	لِيُسْتَوْلَ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إسْتَوْلَيْتُنَّ	أُسْتُوْلِيَ بِكُنَّ	تَسْتَوْلِيْنَ	إسْتَوْلِيْنَ	يُسْتَوْلَىٰ بِكُنَّ	لِيُسْتَوْلَ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إسْتَوْلَيْتُ	أُسْتُوْلِيَ بِي	أَسْتَوْلِي	لِأَسْتَوْلِ	يُسْتَوْلَىٰ بِي	لِيُسْتَوْلَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	إسْتَوْلَيْنَا	أُسْتُوْلِيَ بِنَا	نَسْتَوْلِي	لِنَسْتَوْلِ	يُسْتَوْلَىٰ بِنَا	لِيُسْتَوْلَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۳۶	۹(۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إسْتَوْلَىٰ	لا يَسْتَوْلِي	اَنْ يَسْتَوْلِيَ	لا يَسْتَوْلِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما إسْتَوْلَيَا	لا يَسْتَوْلِيَانِ	اَنْ يَسْتَوْلِيَا	لا يَسْتَوْلِيَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما إسْتَوْلَوْا	لا يَسْتَوْلُوْنَ	اَنْ يَسْتَوْلُوْا	لا يَسْتَوْلُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما إسْتَوْلَتْ	لا تَسْتَوْلِي	اَنْ تَسْتَوْلِيَ	لا تَسْتَوْلِ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما إسْتَوْلَتَا	لا تَسْتَوْلِيَانِ	اَنْ تَسْتَوْلِيَا	لا تَسْتَوْلِيَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما إسْتَوْلَيْنَ	لا يَسْتَوْلِيْنَ	اَنْ يَسْتَوْلِيْنَ	لا يَسْتَوْلِيْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما إسْتَوْلَيْتَ	لا تَسْتَوْلِي	اَنْ تَسْتَوْلِيَ	لا تَسْتَوْلِ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	ما إسْتَوْلَيْتُمَا	لا تَسْتَوْلِيَانِ	اَنْ تَسْتَوْلِيَا	لا تَسْتَوْلِيَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	ما إسْتَوْلَيْتُمْ	لا تَسْتَوْلُوْنَ	اَنْ تَسْتَوْلُوْا	لا تَسْتَوْلُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	ما إسْتَوْلَيْتِ	لا تَسْتَوْلِيْنَ	اَنْ تَسْتَوْلِي	لا تَسْتَوْلِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	ما إسْتَوْلَيْتُمَا	لا تَسْتَوْلِيَانِ	اَنْ تَسْتَوْلِيَا	لا تَسْتَوْلِيَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	ما إسْتَوْلَيْتُنَّ	لا تَسْتَوْلِيْنَ	اَنْ تَسْتَوْلِيْنَ	لا تَسْتَوْلِيْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	ما إسْتَوْلَيْتُ	لا أَسْتَوْلِي	اَنْ أَسْتَوْلِيَ	لا أَسْتَوْلِ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	ما إسْتَوْلَيْنَا	لا نَسْتَوْلِي	اَنْ نَسْتَوْلِيَ	لا نَسْتَوْلِ	متکلم / مذکر و مؤنث / غیر وحده / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۳۷	۹(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَوْلِيَنَّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِهِ	لِيَسْتَوْلِيَنْ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	لِيَسْتَوْلِيَانِّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِهِمَا		غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	لِيَسْتَوْلُنَّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِهِمْ	لِيَسْتَوْلُنْ	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	لِتَسْتَوْلِيَنَّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِهَا	لِتَسْتَوْلِيَنْ	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	لِتَسْتَوْلِيَانِّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِهِمَا		غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	لِيَسْتَوْلِيْنَانِّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِهِنَّ		غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	إِسْتَوْلِيَنَّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِكَ	إِسْتَوْلِيَنْ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	إِسْتَوْلِيَانِّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	إِسْتَوْلُنَّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِكُمْ	إِسْتَوْلُنْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَوْلِيَنَّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِكِ	إِسْتَوْلِيْنْ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	إِسْتَوْلِيَانِّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَوْلِيْنَانِّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَوْلِيَنَّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِي	لِأَسْتَوْلِيَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	لِنَسْتَوْلِيَنَّ	لِيُسْتَوْلَيَنَّ بِنَا	لِنَسْتَوْلِيَنْ	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

تصویر

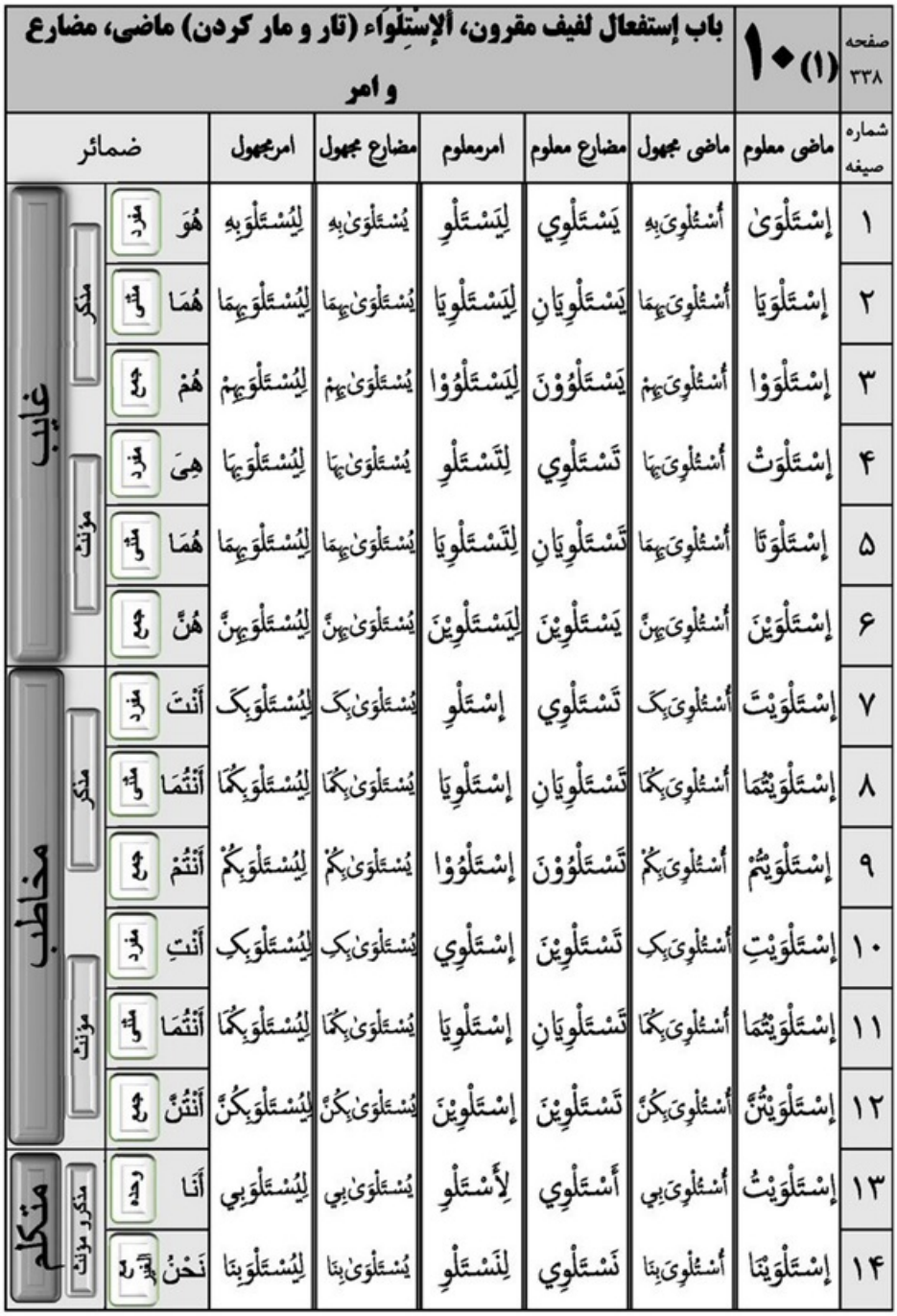

صفحه ۳۳۸	۱۰ (۱) باب إستفعال لفيف مقرون، ألإستِلْوَاء (تار و مار کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إسْتَلْوَىٰ	أُسْتُلْوِيَ بِهِ	يَسْتَلْوِي	لِيَسْتَلْوِ	يُسْتَلْوَىٰ بِهِ	لِيُسْتَلْوَ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إسْتَلْوَيَا	أُسْتُلْوِيَ بِهِمَا	يَسْتَلْوِيَانِ	لِيَسْتَلْوِيَا	يُسْتَلْوَيَانِ بِهِمَا	لِيُسْتَلْوَ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إسْتَلْوَوْا	أُسْتُلْوِيَ بِهِمْ	يَسْتَلْوُوْنَ	لِيَسْتَلْوُوْا	يُسْتَلْوَوْنَ بِهِمْ	لِيُسْتَلْوَ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إسْتَلْوَتْ	أُسْتُلْوِيَ بِهَا	تَسْتَلْوِي	لِتَسْتَلْوِ	يُسْتَلْوَىٰ بِهَا	لِيُسْتَلْوَ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إسْتَلْوَتَا	أُسْتُلْوِيَ بِهِمَا	تَسْتَلْوِيَانِ	لِتَسْتَلْوِيَا	يُسْتَلْوَيَانِ بِهِمَا	لِيُسْتَلْوَ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إسْتَلْوَيْنَ	أُسْتُلْوِيَ بِهِنَّ	يَسْتَلْوِيْنَ	لِيَسْتَلْوِيْنَ	يُسْتَلْوَيْنَ بِهِنَّ	لِيُسْتَلْوَ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إسْتَلْوَيْتَ	أُسْتُلْوِيَ بِكَ	تَسْتَلْوِي	إسْتَلْوِ	يُسْتَلْوَىٰ بِكَ	لِيُسْتَلْوَ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إسْتَلْوَيْتُمَا	أُسْتُلْوِيَ بِكُمَا	تَسْتَلْوِيَانِ	إسْتَلْوِيَا	يُسْتَلْوَيَانِ بِكُمَا	لِيُسْتَلْوَ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إسْتَلْوَيْتُمْ	أُسْتُلْوِيَ بِكُمْ	تَسْتَلْوُوْنَ	إسْتَلْوُوْا	يُسْتَلْوَوْنَ بِكُمْ	لِيُسْتَلْوَ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إسْتَلْوَيْتِ	أُسْتُلْوِيَ بِكِ	تَسْتَلْوِيْنَ	إسْتَلْوِي	يُسْتَلْوَيْنَ بِكِ	لِيُسْتَلْوَ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إسْتَلْوَيْتُمَا	أُسْتُلْوِيَ بِكُمَا	تَسْتَلْوِيَانِ	إسْتَلْوِيَا	يُسْتَلْوَيَانِ بِكُمَا	لِيُسْتَلْوَ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إسْتَلْوَيْتُنَّ	أُسْتُلْوِيَ بِكُنَّ	تَسْتَلْوِيْنَ	إسْتَلْوِيْنَ	يُسْتَلْوَيْنَ بِكُنَّ	لِيُسْتَلْوَ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إسْتَلْوَيْتُ	أُسْتُلْوِيَ بِي	أَسْتَلْوِي	لِأَسْتَلْوِ	يُسْتَلْوَىٰ بِي	لِيُسْتَلْوَ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	إسْتَلْوَيْنَا	أُسْتُلْوِيَ بِنَا	نَسْتَلْوِي	لِنَسْتَلْوِ	يُسْتَلْوَىٰ بِنَا	لِيُسْتَلْوَ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — جمع — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۳۹	۱۰ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
1	ما إسْتَلْوَىٰ	لا يَسْتَلْوِي	اَنْ يَسْتَلْوِيَ	لا يَسْتَلْوِ	غایب	هُوَ (مفرد)
2	ما إسْتَلْوَيَا	لا يَسْتَلْوِيَانِ	اَنْ يَسْتَلْوِيَا	لا يَسْتَلْوِيَا		هُمَا (مثنی) مذکر
3	ما إسْتَلْوَوْا	لا يَسْتَلْوُوْنَ	اَنْ يَسْتَلْوُوْا	لا يَسْتَلْوُوْا		هُمْ (جمع)
4	ما إسْتَلْوَتْ	لا تَسْتَلْوِي	اَنْ تَسْتَلْوِيَ	لا تَسْتَلْوِ		هِيَ (مفرد)
5	ما إسْتَلْوَتَا	لا تَسْتَلْوِيَانِ	اَنْ تَسْتَلْوِيَا	لا تَسْتَلْوِيَا		هُمَا (مثنی) مؤنث
6	ما إسْتَلْوَيْنَ	لا يَسْتَلْوِيْنَ	اَنْ يَسْتَلْوِيْنَ	لا يَسْتَلْوِيْنَ		هُنَّ (جمع)
7	ما إسْتَلْوَيْتَ	لا تَسْتَلْوِي	اَنْ تَسْتَلْوِيَ	لا تَسْتَلْوِ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد)
8	ما إسْتَلْوَيْتُمَا	لا تَسْتَلْوِيَانِ	اَنْ تَسْتَلْوِيَا	لا تَسْتَلْوِيَا		أَنْتُمَا (مثنی) مذکر
9	ما إسْتَلْوَيْتُمْ	لا تَسْتَلْوُوْنَ	اَنْ تَسْتَلْوُوْا	لا تَسْتَلْوُوْا		أَنْتُمْ (جمع)
10	ما إسْتَلْوَيْتِ	لا تَسْتَلْوِيْنَ	اَنْ تَسْتَلْوِي	لا تَسْتَلْوِي		أَنْتِ (مفرد)
11	ما إسْتَلْوَيْتُمَا	لا تَسْتَلْوِيَانِ	اَنْ تَسْتَلْوِيَا	لا تَسْتَلْوِيَا		أَنْتُمَا (مثنی) مؤنث
12	ما إسْتَلْوَيْتُنَّ	لا تَسْتَلْوِيْنَ	اَنْ تَسْتَلْوِيْنَ	لا تَسْتَلْوِيْنَ		أَنْتُنَّ (جمع)
13	ما إسْتَلْوَيْتُ	لا أَسْتَلْوِي	اَنْ أَسْتَلْوِيَ	لا أَسْتَلْوِ	متکلم	أَنَا (وحده) مذکر و مؤنث
14	ما إسْتَلْوَيْنَا	لا نَسْتَلْوِي	اَنْ نَسْتَلْوِيَ	لا نَسْتَلْوِ		نَحْنُ (جمع)

تصویر



صفحه ۳۴۰	۱۰ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَلْوِيَنَّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِهِ	لِيَسْتَلْوِيَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَسْتَلْوِيَانِّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَسْتَلْوُنَّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِهِمْ	لِيَسْتَلْوُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَسْتَلْوِيَنَّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِهَا	لِتَسْتَلْوِيَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَسْتَلْوِيَانِّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَسْتَلْوِيْنَانِّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِسْتَلْوِيَنَّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِكَ	إِسْتَلْوِيَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِسْتَلْوِيَانِّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِسْتَلْوُنَّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِكُمْ	إِسْتَلْوُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَلْوِنَّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِكِ	إِسْتَلْوِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِسْتَلْوِيَانِّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَلْوِيْنَانِّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَلْوِيَنَّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِي	لِأَسْتَلْوِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَسْتَلْوِيَنَّ	لِيُسْتَلْوَيَنَّ بِنَا	لِنَسْتَلْوِيَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

مورد اول استثنایی باب إستفعال

تصویر



صفحه ۳۴۱	۱۱ (۱)	مورد اول استثنایی باب إستفعال، اَلإستِحْیَاء (شرمگین شدن) ماضی معلوم و مجهول				
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی معلوم	ماضی مجهول	ماضی مجهول	ماضی مجهول	ضمائر
۱	إسْتَحْيَىٰ	إسْتَحَىٰ	أُسْتُحْيِيَ	أُسْتُحِيَ	أُسْتُحِيَّ	غایب: مذکر: مفرد: هُوَ
۲	إسْتَحْيَيَا	إسْتَحَيَا	أُسْتُحْيِيَا	أُسْتُحِيَا	أُسْتُحِيَّا	غایب: مذکر: مثنی: هُمَا
۳	إسْتَحْيَوْا	إسْتَحَوْا	أُسْتُحْيُوْا	أُسْتُحُوْا	أُسْتُحِيُّوْا	غایب: مذکر: جمع: هُمْ
۴	إسْتَحْيَتْ	إسْتَحَتْ	أُسْتُحْيِيَتْ	أُسْتُحِيَتْ	أُسْتُحِيَّتْ	غایب: مؤنث: مفرد: هِيَ
۵	إسْتَحْيَتَا	إسْتَحَتَا	أُسْتُحْيِيَتَا	أُسْتُحِيَتَا	أُسْتُحِيَّتَا	غایب: مؤنث: مثنی: هُمَا
۶	إسْتَحْيَيْنَ	إسْتَحَيْنَ	أُسْتُحْيِيْنَ	أُسْتُحِيْنَ	أُسْتُحْيِيْنَ	غایب: مؤنث: جمع: هُنَّ
۷	إسْتَحْيَيْتَ	إسْتَحَيْتَ	أُسْتُحْيِيْتَ	أُسْتُحِيْتَ	أُسْتُحْيِيْتَ	مخاطب: مذکر: مفرد: أَنْتَ
۸	إسْتَحْيَيْتُمَا	إسْتَحَيْتُمَا	أُسْتُحْيِيْتُمَا	أُسْتُحِيْتُمَا	أُسْتُحْيِيْتُمَا	مخاطب: مذکر: مثنی: أَنْتُمَا
۹	إسْتَحْيَيْتُمْ	إسْتَحَيْتُمْ	أُسْتُحْيِيْتُمْ	أُسْتُحِيْتُمْ	أُسْتُحْيِيْتُمْ	مخاطب: مذکر: جمع: أَنْتُمْ
۱۰	إسْتَحْيَيْتِ	إسْتَحَيْتِ	أُسْتُحْيِيْتِ	أُسْتُحِيْتِ	أُسْتُحْيِيْتِ	مخاطب: مؤنث: مفرد: أَنْتِ
۱۱	إسْتَحْيَيْتُمَا	إسْتَحَيْتُمَا	أُسْتُحْيِيْتُمَا	أُسْتُحِيْتُمَا	أُسْتُحْيِيْتُمَا	مخاطب: مؤنث: مثنی: أَنْتُمَا
۱۲	إسْتَحْيَيْتُنَّ	إسْتَحَيْتُنَّ	أُسْتُحْيِيْتُنَّ	أُسْتُحِيْتُنَّ	أُسْتُحْيِيْتُنَّ	مخاطب: مؤنث: جمع: أَنْتُنَّ
۱۳	إسْتَحْيَيْتُ	إسْتَحَيْتُ	أُسْتُحْيِيْتُ	أُسْتُحِيْتُ	أُسْتُحْيِيْتُ	متکلم: مذکر و مؤنث: وحده: أَنَا
۱۴	إسْتَحْيَيْنَا	إسْتَحَيْنَا	أُسْتُحْيِيْنَا	أُسْتُحِيْنَا	أُسْتُحْيِيْنَا	متکلم: مذکر و مؤنث: مع الغیر: نَحْنُ

ص: ۳۴۱

تصویر

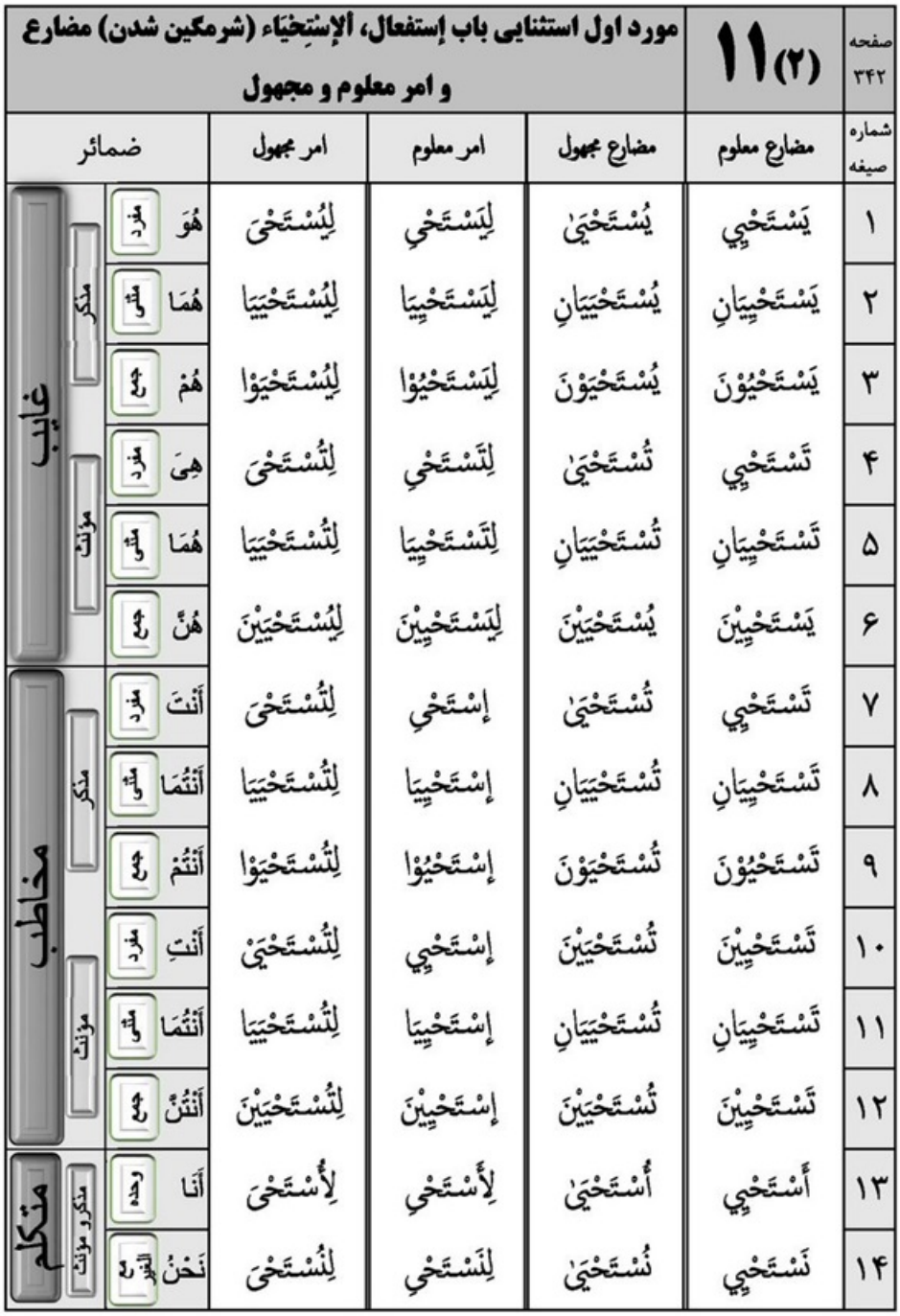

صفحه ۳۴۲	۱۱ (۲)	مورد اول استثنایی باب إستفعال، ألإسْتِحْيَاء (شرمگین شدن) مضارع و امر معلوم و مجهول			
شماره صیغه	مضارع معلوم	مضارع مجهول	امر معلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	يَسْتَحْيِي	يُسْتَحْيَىٰ	لِيَسْتَحْيِ	لِيُسْتَحْيَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	يَسْتَحْيِيَانِ	يُسْتَحْيَيَانِ	لِيَسْتَحْيِيَا	لِيُسْتَحْيَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	يَسْتَحْيُوْنَ	يُسْتَحْيَوْنَ	لِيَسْتَحْيُوْا	لِيُسْتَحْيَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَسْتَحْيِي	تُسْتَحْيَىٰ	لِتَسْتَحْيِ	لِتُسْتَحْيَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَسْتَحْيِيَانِ	تُسْتَحْيَيَانِ	لِتَسْتَحْيِيَا	لِتُسْتَحْيَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	يَسْتَحْيِيْنَ	يُسْتَحْيَيْنَ	لِيَسْتَحْيِيْنَ	لِيُسْتَحْيَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَسْتَحْيِي	تُسْتَحْيَىٰ	إسْتَحْيِ	لِتُسْتَحْيَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَسْتَحْيِيَانِ	تُسْتَحْيَيَانِ	إسْتَحْيِيَا	لِتُسْتَحْيَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَسْتَحْيُوْنَ	تُسْتَحْيَوْنَ	إسْتَحْيُوْا	لِتُسْتَحْيَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَسْتَحْيِيْنَ	تُسْتَحْيَيْنَ	إسْتَحْيِي	لِتُسْتَحْيَيْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَسْتَحْيِيَانِ	تُسْتَحْيَيَانِ	إسْتَحْيِيَا	لِتُسْتَحْيَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَسْتَحْيِيْنَ	تُسْتَحْيَيْنَ	إسْتَحْيِيْنَ	لِتُسْتَحْيَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَسْتَحْيِي	أُسْتَحْيَىٰ	لِأَسْتَحْيِ	لِأُسْتَحْيَ	متکلم — مذکر و مؤنث — واحد — أَنَا
۱۴	نَسْتَحْيِي	نُسْتَحْيَىٰ	لِنَسْتَحْيِ	لِنُسْتَحْيَ	متکلم — مذکر و مؤنث — غیر واحد — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۴۳	۱۱ (۳)	مورد اول استثنایی باب إستفعال، الإسْتِحْيَاء (شرمگین شدن) مضارع و امر معلوم و مجهول			
شماره صیغه	مضارع معلوم	مضارع مجهول	امر معلوم	امر مجهول	ضمائر
۱	يَسْتَحِي	يُسْتَحَىٰ	لِيَسْتَحِ	لِيُسْتَحَ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	يَسْتَحِيَانِ	يُسْتَحَيَانِ	لِيَسْتَحِيَا	لِيُسْتَحَيَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	يَسْتَحُوْنَ	يُسْتَحَوْنَ	لِيَسْتَحُوْا	لِيُسْتَحَوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَسْتَحِي	تُسْتَحَىٰ	لِتَسْتَحِ	لِتُسْتَحَ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَسْتَحِيَانِ	تُسْتَحَيَانِ	لِتَسْتَحِيَا	لِتُسْتَحَيَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	يَسْتَحِيْنَ	يُسْتَحَيْنَ	لِيَسْتَحِيْنَ	لِيُسْتَحَيْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَسْتَحِي	تُسْتَحَىٰ	لِتَسْتَحِ	لِتُسْتَحَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَسْتَحِيَانِ	تُسْتَحَيَانِ	لِتَسْتَحِيَا	لِتُسْتَحَيَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَسْتَحُوْنَ	تُسْتَحَوْنَ	لِتَسْتَحُوْا	لِتُسْتَحَوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَسْتَحِيْنَ	تُسْتَحَيْنَ	لِتَسْتَحِي	لِتُسْتَحَىٰ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَسْتَحِيَانِ	تُسْتَحَيَانِ	لِتَسْتَحِيَا	لِتُسْتَحَيَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَسْتَحِيْنَ	تُسْتَحَيْنَ	لِتَسْتَحِيْنَ	لِتُسْتَحَيْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	أَسْتَحِي	أُسْتَحَىٰ	لِأَسْتَحِ	لِأُسْتَحَ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	نَسْتَحِي	نُسْتَحَىٰ	لِنَسْتَحِ	لِنُسْتَحَ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۴۴	۱۲ (۱)	باب إستفعال مهموز الفاء، الإسْتِئْمَار (درخواست فرمان کردن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	إسْتَأْمَرَ	أُسْتُؤْمِرَ	يَسْتَأْمِرُ	لِيَسْتَأْمِرْ	يُسْتَأْمَرُ	لِيُسْتَأْمَرْ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	إسْتَأْمَرَا	أُسْتُؤْمِرَا	يَسْتَأْمِرَانِ	لِيَسْتَأْمِرَا	يُسْتَأْمَرَانِ	لِيُسْتَأْمَرَا	هُمَا (مثنی)	
۳	إسْتَأْمَرُوْا	أُسْتُؤْمِرُوْا	يَسْتَأْمِرُوْنَ	لِيَسْتَأْمِرُوْا	يُسْتَأْمَرُوْنَ	لِيُسْتَأْمَرُوْا	هُمْ (جمع)	
۴	إسْتَأْمَرَتْ	أُسْتُؤْمِرَتْ	تَسْتَأْمِرُ	لِتَسْتَأْمِرْ	تُسْتَأْمَرُ	لِتُسْتَأْمَرْ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	إسْتَأْمَرَتَا	أُسْتُؤْمِرَتَا	تَسْتَأْمِرَانِ	لِتَسْتَأْمِرَا	تُسْتَأْمَرَانِ	لِتُسْتَأْمَرَا	هُمَا (مثنی)	
۶	إسْتَأْمَرْنَ	أُسْتُؤْمِرْنَ	يَسْتَأْمِرْنَ	لِيَسْتَأْمِرْنَ	يُسْتَأْمَرْنَ	لِيُسْتَأْمَرْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	إسْتَأْمَرْتَ	أُسْتُؤْمِرْتَ	تَسْتَأْمِرُ	إسْتَأْمِرْ	تُسْتَأْمَرُ	لِتُسْتَأْمَرْ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	إسْتَأْمَرْتُمَا	أُسْتُؤْمِرْتُمَا	تَسْتَأْمِرَانِ	إسْتَأْمِرَا	تُسْتَأْمَرَانِ	لِتُسْتَأْمَرَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	إسْتَأْمَرْتُمْ	أُسْتُؤْمِرْتُمْ	تَسْتَأْمِرُوْنَ	إسْتَأْمِرُوْا	تُسْتَأْمَرُوْنَ	لِتُسْتَأْمَرُوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	إسْتَأْمَرْتِ	أُسْتُؤْمِرْتِ	تَسْتَأْمِرِيْنَ	إسْتَأْمِرِي	تُسْتَأْمَرِيْنَ	لِتُسْتَأْمَرِي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	إسْتَأْمَرْتُمَا	أُسْتُؤْمِرْتُمَا	تَسْتَأْمِرَانِ	إسْتَأْمِرَا	تُسْتَأْمَرَانِ	لِتُسْتَأْمَرَا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	إسْتَأْمَرْتُنَّ	أُسْتُؤْمِرْتُنَّ	تَسْتَأْمِرْنَ	إسْتَأْمِرْنَ	تُسْتَأْمَرْنَ	لِتُسْتَأْمَرْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	إسْتَأْمَرْتُ	أُسْتُؤْمِرْتُ	أَسْتَأْمِرُ	لِأَسْتَأْمِرْ	أُسْتَأْمَرُ	لِأُسْتَأْمَرْ	أَنَا (واحد)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	إسْتَأْمَرْنَا	أُسْتُؤْمِرْنَا	نَسْتَأْمِرُ	لِنَسْتَأْمِرْ	نُسْتَأْمَرُ	لِنُسْتَأْمَرْ	نَحْنُ (تثنیه و جمع)	

تصویر



صفحه ۳۴۵	۱۲ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إسْتَأْمَرَ	لا يَسْتَأْمِرُ	اَنْ يَسْتَأْمِرَ	لا يَسْتَأْمِرْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	ما إسْتَأْمَرَا	لا يَسْتَأْمِرَانِ	اَنْ يَسْتَأْمِرَا	لا يَسْتَأْمِرَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	ما إسْتَأْمَرُوْا	لا يَسْتَأْمِرُوْنَ	اَنْ يَسْتَأْمِرُوْا	لا يَسْتَأْمِرُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	ما إسْتَأْمَرَتْ	لا تَسْتَأْمِرُ	اَنْ تَسْتَأْمِرَ	لا تَسْتَأْمِرْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	ما إسْتَأْمَرَتَا	لا تَسْتَأْمِرَانِ	اَنْ تَسْتَأْمِرَا	لا تَسْتَأْمِرَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	ما إسْتَأْمَرْنَ	لا يَسْتَأْمِرْنَ	اَنْ يَسْتَأْمِرْنَ	لا يَسْتَأْمِرْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	ما إسْتَأْمَرْتَ	لا تَسْتَأْمِرُ	اَنْ تَسْتَأْمِرَ	لا تَسْتَأْمِرْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	ما إسْتَأْمَرْتُمَا	لا تَسْتَأْمِرَانِ	اَنْ تَسْتَأْمِرَا	لا تَسْتَأْمِرَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	ما إسْتَأْمَرْتُمْ	لا تَسْتَأْمِرُوْنَ	اَنْ تَسْتَأْمِرُوْا	لا تَسْتَأْمِرُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	ما إسْتَأْمَرْتِ	لا تَسْتَأْمِرِيْنَ	اَنْ تَسْتَأْمِرِي	لا تَسْتَأْمِرِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	ما إسْتَأْمَرْتُمَا	لا تَسْتَأْمِرَانِ	اَنْ تَسْتَأْمِرَا	لا تَسْتَأْمِرَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	ما إسْتَأْمَرْتُنَّ	لا تَسْتَأْمِرْنَ	اَنْ تَسْتَأْمِرْنَ	لا تَسْتَأْمِرْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	ما إسْتَأْمَرْتُ	لا أَسْتَأْمِرُ	اَنْ أَسْتَأْمِرَ	لا أَسْتَأْمِرْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	ما إسْتَأْمَرْنَا	لا نَسْتَأْمِرُ	اَنْ نَسْتَأْمِرَ	لا نَسْتَأْمِرْ	متکلم / مذکر و مؤنث / تثنیه و جمع / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۴۶	۱۲ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَأْمِرَنَّ	لِيُسْتَأْمَرَنَّ	لِيَسْتَأْمِرَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَأْمِرَانِّ	لِيُسْتَأْمَرَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَأْمِرُنَّ	لِيُسْتَأْمَرُنَّ	لِيَسْتَأْمِرُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَأْمِرَنَّ	لِتُسْتَأْمَرَنَّ	لِتَسْتَأْمِرَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَأْمِرَانِّ	لِتُسْتَأْمَرَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَأْمِرْنَانِّ	لِيُسْتَأْمَرْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَأْمِرَنَّ	لِتُسْتَأْمَرَنَّ	إِسْتَأْمِرَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَأْمِرَانِّ	لِتُسْتَأْمَرَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَأْمِرُنَّ	لِتُسْتَأْمَرُنَّ	إِسْتَأْمِرُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَأْمِرِنَّ	لِتُسْتَأْمَرِنَّ	إِسْتَأْمِرِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَأْمِرَانِّ	لِتُسْتَأْمَرَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَأْمِرْنَانِّ	لِتُسْتَأْمَرْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَأْمِرَنَّ	لِأُسْتَأْمَرَنَّ	لِأَسْتَأْمِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَأْمِرَنَّ	لِنُسْتَأْمَرَنَّ	لِنَسْتَأْمِرَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

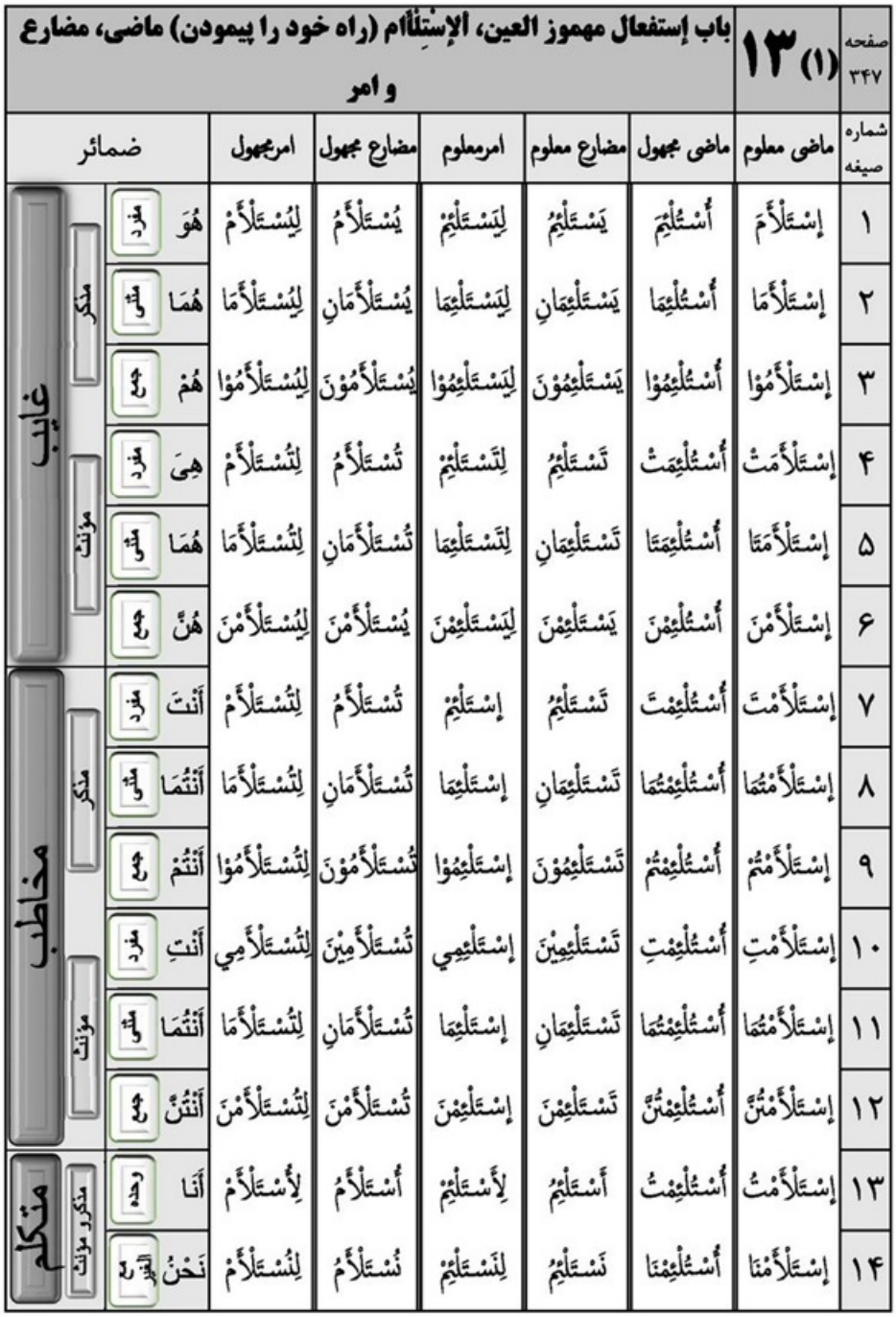

صفحه ۳۴۷	۱۳ (۱) باب إستفعال مهموز العين، الإستِلْأَم (راه خود را پیمودن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِسْتَلْأَمَ	أُسْتُلْئِمَ	يَسْتَلْئِمُ	لِيَسْتَلْئِمْ	يُسْتَلْأَمُ	لِيُسْتَلْأَمْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إِسْتَلْأَمَا	أُسْتُلْئِمَا	يَسْتَلْئِمَانِ	لِيَسْتَلْئِمَا	يُسْتَلْأَمَانِ	لِيُسْتَلْأَمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إِسْتَلْأَمُوْا	أُسْتُلْئِمُوْا	يَسْتَلْئِمُوْنَ	لِيَسْتَلْئِمُوْا	يُسْتَلْأَمُوْنَ	لِيُسْتَلْأَمُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إِسْتَلْأَمَتْ	أُسْتُلْئِمَتْ	تَسْتَلْئِمُ	لِتَسْتَلْئِمْ	تُسْتَلْأَمُ	لِتُسْتَلْأَمْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إِسْتَلْأَمَتَا	أُسْتُلْئِمَتَا	تَسْتَلْئِمَانِ	لِتَسْتَلْئِمَا	تُسْتَلْأَمَانِ	لِتُسْتَلْأَمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إِسْتَلْأَمْنَ	أُسْتُلْئِمْنَ	يَسْتَلْئِمْنَ	لِيَسْتَلْئِمْنَ	يُسْتَلْأَمْنَ	لِيُسْتَلْأَمْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَلْأَمْتَ	أُسْتُلْئِمْتَ	تَسْتَلْئِمُ	إِسْتَلْئِمْ	تُسْتَلْأَمُ	لِتُسْتَلْأَمْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَلْأَمْتُمَا	أُسْتُلْئِمْتُمَا	تَسْتَلْئِمَانِ	إِسْتَلْئِمَا	تُسْتَلْأَمَانِ	لِتُسْتَلْأَمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَلْأَمْتُمْ	أُسْتُلْئِمْتُمْ	تَسْتَلْئِمُوْنَ	إِسْتَلْئِمُوْا	تُسْتَلْأَمُوْنَ	لِتُسْتَلْأَمُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَلْأَمْتِ	أُسْتُلْئِمْتِ	تَسْتَلْئِمِيْنَ	إِسْتَلْئِمِي	تُسْتَلْأَمِيْنَ	لِتُسْتَلْأَمِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَلْأَمْتُمَا	أُسْتُلْئِمْتُمَا	تَسْتَلْئِمَانِ	إِسْتَلْئِمَا	تُسْتَلْأَمَانِ	لِتُسْتَلْأَمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَلْأَمْتُنَّ	أُسْتُلْئِمْتُنَّ	تَسْتَلْئِمْنَ	إِسْتَلْئِمْنَ	تُسْتَلْأَمْنَ	لِتُسْتَلْأَمْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إِسْتَلْأَمْتُ	أُسْتُلْئِمْتُ	أَسْتَلْئِمُ	لِأَسْتَلْئِمْ	أُسْتَلْأَمُ	لِأُسْتَلْأَمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إِسْتَلْأَمْنَا	أُسْتُلْئِمْنَا	نَسْتَلْئِمُ	لِنَسْتَلْئِمْ	نُسْتَلْأَمُ	لِنُسْتَلْأَمْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۴۸	۱۳ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما إسْتَلْأَمَ	لا يَسْتَلْئِمُ	اَنْ يَسْتَلْئِمَ	لا يَسْتَلْئِمْ	غایب	هُوَ (مفرد، مذکر)
۲	ما إسْتَلْأَمَا	لا يَسْتَلْئِمَانِ	اَنْ يَسْتَلْئِمَا	لا يَسْتَلْئِمَا		هُمَا (مثنی، مذکر)
۳	ما إسْتَلْأَمُوْا	لا يَسْتَلْئِمُوْنَ	اَنْ يَسْتَلْئِمُوْا	لا يَسْتَلْئِمُوْا		هُمْ (جمع، مذکر)
۴	ما إسْتَلْأَمَتْ	لا تَسْتَلْئِمُ	اَنْ تَسْتَلْئِمَ	لا تَسْتَلْئِمْ		هِيَ (مفرد، مؤنث)
۵	ما إسْتَلْأَمَتَا	لا تَسْتَلْئِمَانِ	اَنْ تَسْتَلْئِمَا	لا تَسْتَلْئِمَا		هُمَا (مثنی، مؤنث)
۶	ما إسْتَلْأَمْنَ	لا يَسْتَلْئِمْنَ	اَنْ يَسْتَلْئِمْنَ	لا يَسْتَلْئِمْنَ		هُنَّ (جمع، مؤنث)
۷	ما إسْتَلْأَمْتَ	لا تَسْتَلْئِمُ	اَنْ تَسْتَلْئِمَ	لا تَسْتَلْئِمْ	مخاطب	أَنْتَ (مفرد، مذکر)
۸	ما إسْتَلْأَمْتُمَا	لا تَسْتَلْئِمَانِ	اَنْ تَسْتَلْئِمَا	لا تَسْتَلْئِمَا		أَنْتُمَا (مثنی، مذکر)
۹	ما إسْتَلْأَمْتُمْ	لا تَسْتَلْئِمُوْنَ	اَنْ تَسْتَلْئِمُوْا	لا تَسْتَلْئِمُوْا		أَنْتُمْ (جمع، مذکر)
۱۰	ما إسْتَلْأَمْتِ	لا تَسْتَلْئِمِيْنَ	اَنْ تَسْتَلْئِمِي	لا تَسْتَلْئِمِي		أَنْتِ (مفرد، مؤنث)
۱۱	ما إسْتَلْأَمْتُمَا	لا تَسْتَلْئِمَانِ	اَنْ تَسْتَلْئِمَا	لا تَسْتَلْئِمَا		أَنْتُمَا (مثنی، مؤنث)
۱۲	ما إسْتَلْأَمْتُنَّ	لا تَسْتَلْئِمْنَ	اَنْ تَسْتَلْئِمْنَ	لا تَسْتَلْئِمْنَ		أَنْتُنَّ (جمع، مؤنث)
۱۳	ما إسْتَلْأَمْتُ	لا أَسْتَلْئِمُ	اَنْ أَسْتَلْئِمَ	لا أَسْتَلْئِمْ	متکلم	أَنَا (وحده، مذکر و مؤنث)
۱۴	ما إسْتَلْأَمْنَا	لا نَسْتَلْئِمُ	اَنْ نَسْتَلْئِمَ	لا نَسْتَلْئِمْ		نَحْنُ (تثنیه و جمع)

تصویر



صفحه ۳۴۹	۱۳ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَلْأَمَنَّ	لِيُسْتَلْأَمَنَّ	لِيَسْتَلْأَمَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَسْتَلْأَمَانِّ	لِيُسْتَلْأَمَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَسْتَلْأَمُنَّ	لِيُسْتَلْأَمُنَّ	لِيَسْتَلْأَمُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَسْتَلْأَمَنَّ	لِتُسْتَلْأَمَنَّ	لِتَسْتَلْأَمَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَسْتَلْأَمَانِّ	لِتُسْتَلْأَمَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَسْتَلْأَمْنَانِّ	لِيُسْتَلْأَمْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إِسْتَلْأَمَنَّ	لِتُسْتَلْأَمَنَّ	إِسْتَلْأَمَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إِسْتَلْأَمَانِّ	لِتُسْتَلْأَمَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِسْتَلْأَمُنَّ	لِتُسْتَلْأَمُنَّ	إِسْتَلْأَمُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَلْأَمِنَّ	لِتُسْتَلْأَمِنَّ	إِسْتَلْأَمِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِسْتَلْأَمَانِّ	لِتُسْتَلْأَمَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَلْأَمْنَانِّ	لِتُسْتَلْأَمْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَلْأَمَنَّ	لِأُسْتَلْأَمَنَّ	لِأَسْتَلْأَمَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَسْتَلْأَمَنَّ	لِنُسْتَلْأَمَنَّ	لِنَسْتَلْأَمَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

تصویر

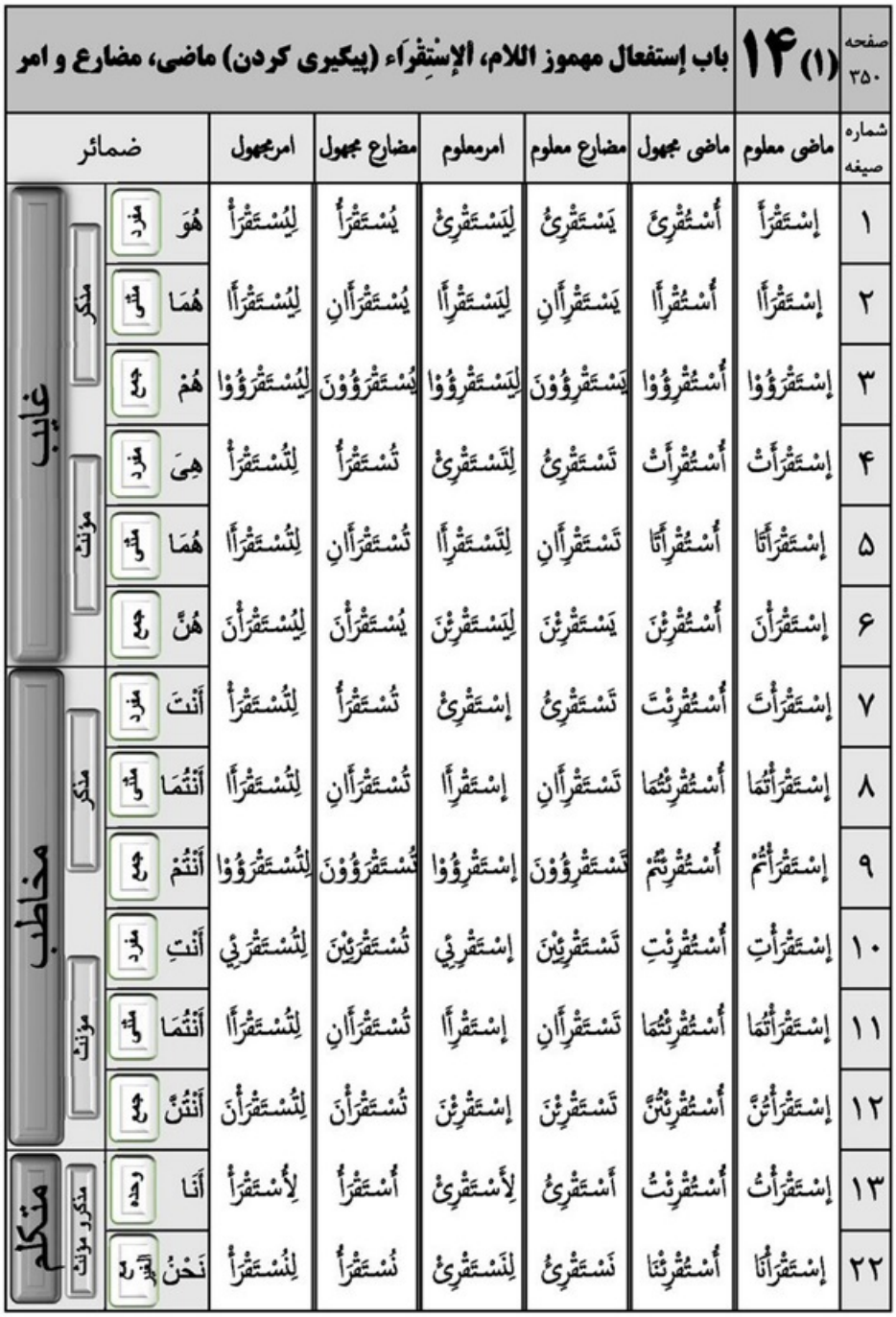

صفحه ۳۵۰	(۱) ۱۴ باب إستفعال مهموز اللام، الإسْتِقْرَاء (پیکیری کردن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول
۱	إسْتَقْرَأَ	أُسْتُقْرِئَ	يَسْتَقْرِئُ	لِيَسْتَقْرِئْ	يُسْتَقْرَأُ	لِيُسْتَقْرَأْ
۲	إسْتَقْرَأَا	أُسْتُقْرِأَا	يَسْتَقْرِأَانِ	لِيَسْتَقْرِأَا	يُسْتَقْرَأَانِ	لِيُسْتَقْرَأَا
۳	إسْتَقْرَؤُوْا	أُسْتُقْرِؤُوْا	يَسْتَقْرِؤُوْنَ	لِيَسْتَقْرِؤُوْا	يُسْتَقْرَؤُوْنَ	لِيُسْتَقْرَؤُوْا
۴	إسْتَقْرَأَتْ	أُسْتُقْرِأَتْ	تَسْتَقْرِئُ	لِتَسْتَقْرِئْ	تُسْتَقْرَأُ	لِتُسْتَقْرَأْ
۵	إسْتَقْرَأَتَا	أُسْتُقْرِأَتَا	تَسْتَقْرِأَانِ	لِتَسْتَقْرِأَا	تُسْتَقْرَأَانِ	لِتُسْتَقْرَأَا
۶	إسْتَقْرَأْنَ	أُسْتُقْرِئْنَ	يَسْتَقْرِئْنَ	لِيَسْتَقْرِئْنَ	يُسْتَقْرَأْنَ	لِيُسْتَقْرَأْنَ
۷	إسْتَقْرَأْتَ	أُسْتُقْرِئْتَ	تَسْتَقْرِئُ	إسْتَقْرِئْ	تُسْتَقْرَأُ	لِتُسْتَقْرَأْ
۸	إسْتَقْرَأْتُمَا	أُسْتُقْرِئْتُمَا	تَسْتَقْرِأَانِ	إسْتَقْرِأَا	تُسْتَقْرَأَانِ	لِتُسْتَقْرَأَا
۹	إسْتَقْرَأْتُمْ	أُسْتُقْرِئْتُمْ	تَسْتَقْرِؤُوْنَ	إسْتَقْرِؤُوْا	تُسْتَقْرَؤُوْنَ	لِتُسْتَقْرَؤُوْا
۱۰	إسْتَقْرَأْتِ	أُسْتُقْرِئْتِ	تَسْتَقْرِئِيْنَ	إسْتَقْرِئِي	تُسْتَقْرَئِيْنَ	لِتُسْتَقْرَئِي
۱۱	إسْتَقْرَأْتُمَا	أُسْتُقْرِئْتُمَا	تَسْتَقْرِأَانِ	إسْتَقْرِأَا	تُسْتَقْرَأَانِ	لِتُسْتَقْرَأَا
۱۲	إسْتَقْرَأْتُنَّ	أُسْتُقْرِئْتُنَّ	تَسْتَقْرِئْنَ	إسْتَقْرِئْنَ	تُسْتَقْرَأْنَ	لِتُسْتَقْرَأْنَ
۱۳	إسْتَقْرَأْتُ	أُسْتُقْرِئْتُ	أَسْتَقْرِئُ	لِأَسْتَقْرِئْ	أُسْتَقْرَأُ	لِأُسْتَقْرَأْ
۲۲	إسْتَقْرَأْنَا	أُسْتُقْرِئْنَا	نَسْتَقْرِئُ	لِنَسْتَقْرِئْ	نُسْتَقْرَأُ	لِنُسْتَقْرَأْ

ضمائر: غایب (مذکر: هُوَ مفرد، هُمَا مثنی، هُمْ جمع؛ مؤنث: هِيَ مفرد، هُمَا مثنی، هُنَّ جمع) — مخاطب (مذکر: أَنْتَ مفرد، أَنْتُمَا مثنی، أَنْتُمْ جمع؛ مؤنث: أَنْتِ مفرد، أَنْتُمَا مثنی، أَنْتُنَّ جمع) — متکلم (مذکر و مؤنث: أَنَا وحده، نَحْنُ مع الغیر)

تصویر



صفحه ۳۵۱	۱۴ (۲) ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				ضمائر		
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی			
۱	ما إسْتَقْرَأَ	لا يَسْتَقْرِئُ	اَنْ يَسْتَقْرِئَ	لا يَسْتَقْرِئْ	هُوَ	مفرد	غایب: مذکر
۲	ما إسْتَقْرَأَا	لا يَسْتَقْرِأَانِ	اَنْ يَسْتَقْرِأَا	لا يَسْتَقْرِأَا	هُمَا	مثنی	
۳	ما إسْتَقْرَؤُوْا	لا يَسْتَقْرِؤُوْنَ	اَنْ يَسْتَقْرِؤُوْا	لا يَسْتَقْرِؤُوْا	هُمْ	جمع	
۴	ما إسْتَقْرَأَتْ	لا تَسْتَقْرِئُ	اَنْ تَسْتَقْرِئَ	لا تَسْتَقْرِئْ	هِيَ	مفرد	غایب: مؤنث
۵	ما إسْتَقْرَأَتَا	لا تَسْتَقْرِأَانِ	اَنْ تَسْتَقْرِأَا	لا تَسْتَقْرِأَا	هُمَا	مثنی	
۶	ما إسْتَقْرَأْنَ	لا يَسْتَقْرِئْنَ	اَنْ يَسْتَقْرِئْنَ	لا يَسْتَقْرِئْنَ	هُنَّ	جمع	
۷	ما إسْتَقْرَأْتَ	لا تَسْتَقْرِئُ	اَنْ تَسْتَقْرِئَ	لا تَسْتَقْرِئْ	أَنْتَ	مفرد	مخاطب: مذکر
۸	ما إسْتَقْرَأْتُمَا	لا تَسْتَقْرِأَانِ	اَنْ تَسْتَقْرِأَا	لا تَسْتَقْرِأَا	أَنْتُمَا	مثنی	
۹	ما إسْتَقْرَأْتُمْ	لا تَسْتَقْرِؤُوْنَ	اَنْ تَسْتَقْرِؤُوْا	لا تَسْتَقْرِؤُوْا	أَنْتُمْ	جمع	
۱۰	ما إسْتَقْرَأْتِ	لا تَسْتَقْرِئِيْنَ	اَنْ تَسْتَقْرِئِي	لا تَسْتَقْرِئِي	أَنْتِ	مفرد	مخاطب: مؤنث
۱۱	ما إسْتَقْرَأْتُمَا	لا تَسْتَقْرِأَانِ	اَنْ تَسْتَقْرِأَا	لا تَسْتَقْرِأَا	أَنْتُمَا	مثنی	
۱۲	ما إسْتَقْرَأْتُنَّ	لا تَسْتَقْرِئْنَ	اَنْ تَسْتَقْرِئْنَ	لا تَسْتَقْرِئْنَ	أَنْتُنَّ	جمع	
۱۳	ما إسْتَقْرَأْتُ	لا أَسْتَقْرِئُ	اَنْ أَسْتَقْرِئَ	لا أَسْتَقْرِئْ	أَنَا	واحد	متکلم: مذکر و مؤنث
۱۴	ما إسْتَقْرَأْنَا	لا نَسْتَقْرِئُ	اَنْ نَسْتَقْرِئَ	لا نَسْتَقْرِئْ	نَحْنُ	جمع	

تصویر



صفحه ۳۵۲	۱۴ (۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَسْتَقْرِأَنَّ	لِيُسْتَقْرَأَنَّ	لِيَسْتَقْرِأَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَسْتَقْرِأَانِّ	لِيُسْتَقْرَأَانِّ		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَسْتَقْرِؤُنَّ	لِيُسْتَقْرَؤُنَّ	لِيَسْتَقْرِؤُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَسْتَقْرِأَنَّ	لِتُسْتَقْرَأَنَّ	لِتَسْتَقْرِأَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَسْتَقْرِأَانِّ	لِتُسْتَقْرَأَانِّ		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَسْتَقْرِئْنَانِّ	لِيُسْتَقْرَأْنَانِّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِسْتَقْرِأَنَّ	لِتُسْتَقْرَأَنَّ	إِسْتَقْرِأَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِسْتَقْرِأَانِّ	لِتُسْتَقْرَأَانِّ		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِسْتَقْرِؤُنَّ	لِتُسْتَقْرَؤُنَّ	إِسْتَقْرِؤُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَقْرِئِنَّ	لِتُسْتَقْرَئِنَّ	إِسْتَقْرِئِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِسْتَقْرِأَانِّ	لِتُسْتَقْرَأَانِّ		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَقْرِئْنَانِّ	لِتُسْتَقْرَأْنَانِّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَسْتَقْرِأَنَّ	لِأُسْتَقْرَأَنَّ	لِأَسْتَقْرِأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَسْتَقْرِأَنَّ	لِنُسْتَقْرَأَنَّ	لِنَسْتَقْرِأَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

مورد دوم استثنایی باب إستفعال

تصویر

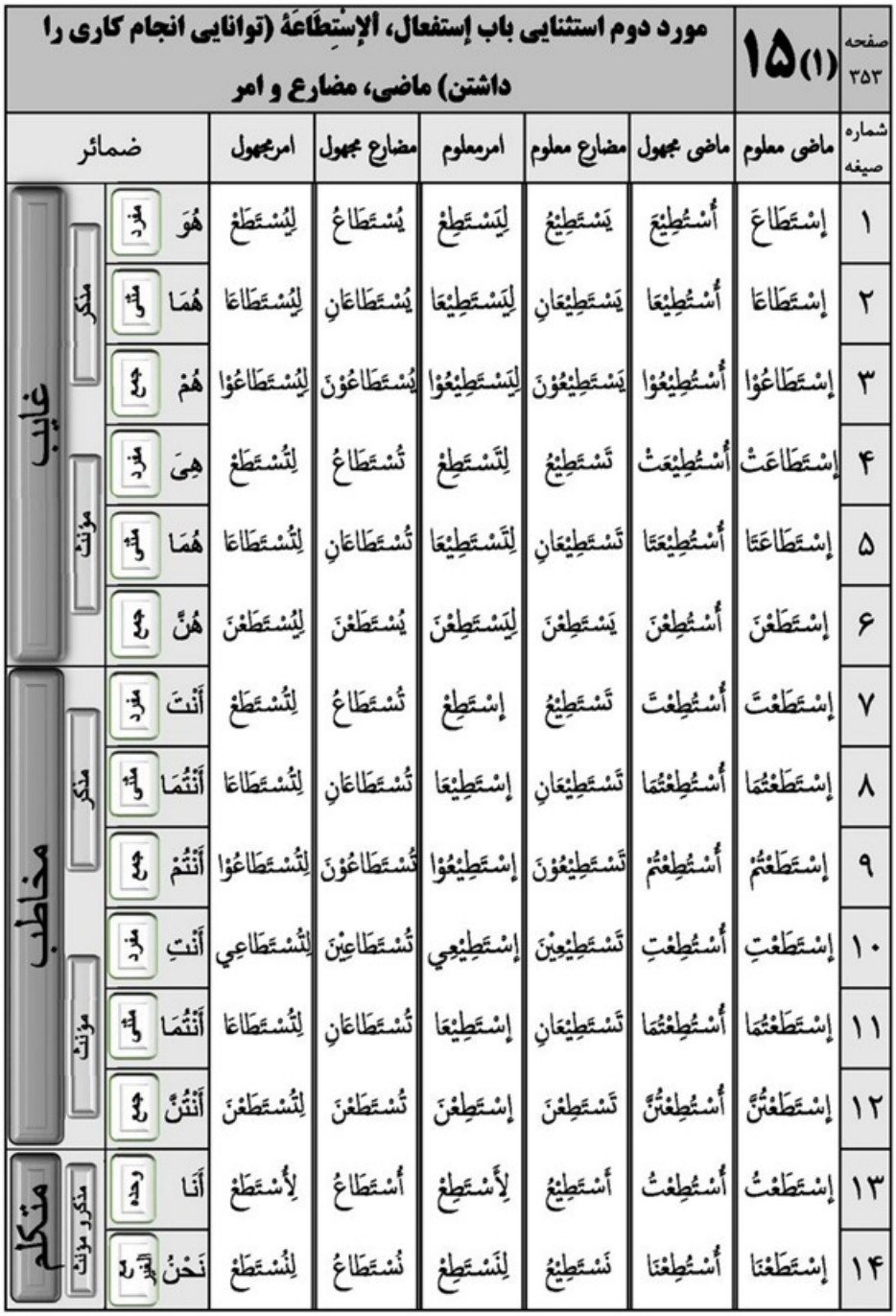

صفحه ۳۵۳	۱۵ (۱)	مورد دوم استثنایی باب إستفعال، اَلإِسْتِطَاعَةُ (توانایی انجام کاری را داشتن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إِسْتَطَاعَ	أُسْتُطِيْعَ	يَسْتَطِيْعُ	لِيَسْتَطِعْ	يُسْتَطَاعُ	لِيُسْتَطَعْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إِسْتَطَاعَا	أُسْتُطِيْعَا	يَسْتَطِيْعَانِ	لِيَسْتَطِيْعَا	يُسْتَطَاعَانِ	لِيُسْتَطَاعَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إِسْتَطَاعُوْا	أُسْتُطِيْعُوْا	يَسْتَطِيْعُوْنَ	لِيَسْتَطِيْعُوْا	يُسْتَطَاعُوْنَ	لِيُسْتَطَاعُوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إِسْتَطَاعَتْ	أُسْتُطِيْعَتْ	تَسْتَطِيْعُ	لِتَسْتَطِعْ	تُسْتَطَاعُ	لِتُسْتَطَعْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إِسْتَطَاعَتَا	أُسْتُطِيْعَتَا	تَسْتَطِيْعَانِ	لِتَسْتَطِيْعَا	تُسْتَطَاعَانِ	لِتُسْتَطَاعَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إِسْتَطَعْنَ	أُسْتُطِعْنَ	يَسْتَطِعْنَ	لِيَسْتَطِعْنَ	يُسْتَطَعْنَ	لِيُسْتَطَعْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِسْتَطَعْتَ	أُسْتُطِعْتَ	تَسْتَطِيْعُ	إِسْتَطِعْ	تُسْتَطَاعُ	لِتُسْتَطَعْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِسْتَطَعْتُمَا	أُسْتُطِعْتُمَا	تَسْتَطِيْعَانِ	إِسْتَطِيْعَا	تُسْتَطَاعَانِ	لِتُسْتَطَاعَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِسْتَطَعْتُمْ	أُسْتُطِعْتُمْ	تَسْتَطِيْعُوْنَ	إِسْتَطِيْعُوْا	تُسْتَطَاعُوْنَ	لِتُسْتَطَاعُوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِسْتَطَعْتِ	أُسْتُطِعْتِ	تَسْتَطِيْعِيْنَ	إِسْتَطِيْعِي	تُسْتَطَاعِيْنَ	لِتُسْتَطَاعِي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِسْتَطَعْتُمَا	أُسْتُطِعْتُمَا	تَسْتَطِيْعَانِ	إِسْتَطِيْعَا	تُسْتَطَاعَانِ	لِتُسْتَطَاعَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِسْتَطَعْتُنَّ	أُسْتُطِعْتُنَّ	تَسْتَطِعْنَ	إِسْتَطِعْنَ	تُسْتَطَعْنَ	لِتُسْتَطَعْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إِسْتَطَعْتُ	أُسْتُطِعْتُ	أَسْتَطِيْعُ	لِأَسْتَطِعْ	أُسْتَطَاعُ	لِأُسْتَطَعْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إِسْتَطَعْنَا	أُسْتُطِعْنَا	نَسْتَطِيْعُ	لِنَسْتَطِعْ	نُسْتَطَاعُ	لِنُسْتَطَعْ	متکلم / مذکر و مؤنث / جمع / نَحْنُ

ص: ۳۵۳

تصویر

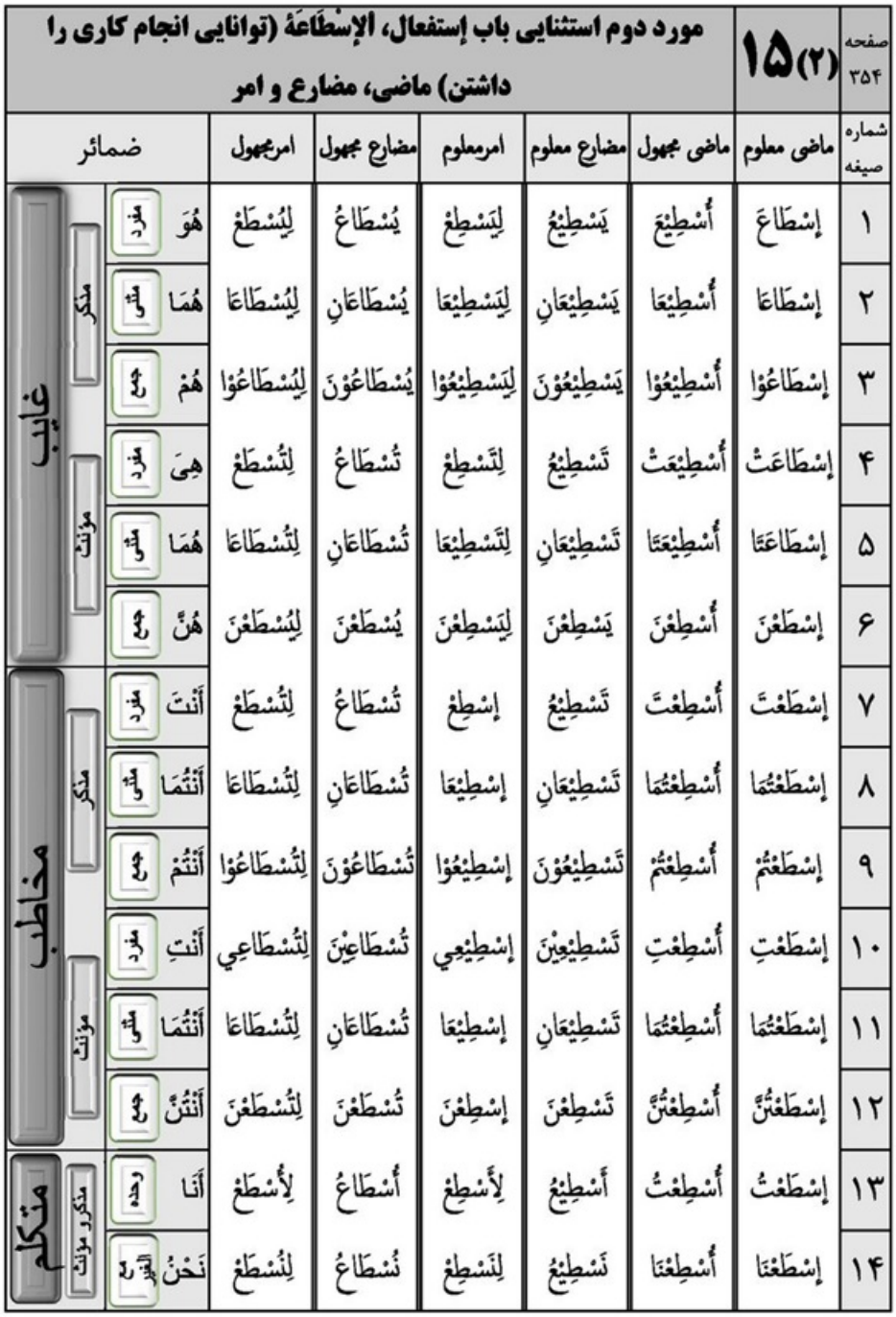

صفحه ۳۵۴	۱۵(۲)	مورد دوم استثنایی باب إستفعال، الإسْطَاعَةُ (توانایی انجام کاری را داشتن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إسْطَاعَ	أُسْطِيْعَ	يَسْطِيْعُ	لِيَسْطِعْ	يُسْطَاعُ	لِيُسْطَعْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	إسْطَاعَا	أُسْطِيْعَا	يَسْطِيْعَانِ	لِيَسْطِيْعَا	يُسْطَاعَانِ	لِيُسْطَاعَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	إسْطَاعُوْا	أُسْطِيْعُوْا	يَسْطِيْعُوْنَ	لِيَسْطِيْعُوْا	يُسْطَاعُوْنَ	لِيُسْطَاعُوْا	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	إسْطَاعَتْ	أُسْطِيْعَتْ	تَسْطِيْعُ	لِتَسْطِعْ	تُسْطَاعُ	لِتُسْطَعْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	إسْطَاعَتَا	أُسْطِيْعَتَا	تَسْطِيْعَانِ	لِتَسْطِيْعَا	تُسْطَاعَانِ	لِتُسْطَاعَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	إسْطَعْنَ	أُسْطِعْنَ	يَسْطِعْنَ	لِيَسْطِعْنَ	يُسْطَعْنَ	لِيُسْطَعْنَ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	إسْطَعْتَ	أُسْطِعْتَ	تَسْطِيْعُ	إسْطِعْ	تُسْطَاعُ	لِتُسْطَعْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	إسْطَعْتُمَا	أُسْطِعْتُمَا	تَسْطِيْعَانِ	إسْطِيْعَا	تُسْطَاعَانِ	لِتُسْطَاعَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	إسْطَعْتُمْ	أُسْطِعْتُمْ	تَسْطِيْعُوْنَ	إسْطِيْعُوْا	تُسْطَاعُوْنَ	لِتُسْطَاعُوْا	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إسْطَعْتِ	أُسْطِعْتِ	تَسْطِيْعِيْنَ	إسْطِيْعِي	تُسْطَاعِيْنَ	لِتُسْطَاعِي	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	إسْطَعْتُمَا	أُسْطِعْتُمَا	تَسْطِيْعَانِ	إسْطِيْعَا	تُسْطَاعَانِ	لِتُسْطَاعَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إسْطَعْتُنَّ	أُسْطِعْتُنَّ	تَسْطِعْنَ	إسْطِعْنَ	تُسْطَعْنَ	لِتُسْطَعْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	إسْطَعْتُ	أُسْطِعْتُ	أَسْطِيْعُ	لِأَسْطِعْ	أُسْطَاعُ	لِأُسْطَعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	إسْطَعْنَا	أُسْطِعْنَا	نَسْطِيْعُ	لِنَسْطِعْ	نُسْطَاعُ	لِنُسْطَعْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

باب إفعيلال

تصوير



صفحه ۳۵۵	۱ (۱) باب إفعيلال، الإحْمِيْرَار (سرخ شدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف آن	ضمائر
۱	إحْمَارَّ	أُحْمُوْرَّ بِهِ	يَحْمَارُّ	يُحْمَارُّ بِهِ	أَنْ يَحْمَارَّ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إحْمَارَّا	أُحْمُوْرَّ بِهِمَا	يَحْمَارَّانِ	يُحْمَارُّ بِهِمَا	أَنْ يَحْمَارَّا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إحْمَارُّوْا	أُحْمُوْرَّ بِهِمْ	يَحْمَارُّوْنَ	يُحْمَارُّ بِهِمْ	أَنْ يَحْمَارُّوْا	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إحْمَارَّتْ	أُحْمُوْرَّ بِهَا	تَحْمَارُّ	يُحْمَارُّ بِهَا	أَنْ تَحْمَارَّ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إحْمَارَّتَا	أُحْمُوْرَّ بِهِمَا	تَحْمَارَّانِ	يُحْمَارُّ بِهِمَا	أَنْ تَحْمَارَّا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إحْمَارَرْنَ	أُحْمُوْرَّ بِهِنَّ	يَحْمَارِرْنَ	يُحْمَارُّ بِهِنَّ	أَنْ يَحْمَارِرْنَ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إحْمَارَرْتَ	أُحْمُوْرَّ بِكَ	تَحْمَارُّ	يُحْمَارُّ بِكَ	أَنْ تَحْمَارَّ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إحْمَارَرْتُمَا	أُحْمُوْرَّ بِكُمَا	تَحْمَارَّانِ	يُحْمَارُّ بِكُمَا	أَنْ تَحْمَارَّا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إحْمَارَرْتُمْ	أُحْمُوْرَّ بِكُمْ	تَحْمَارُّوْنَ	يُحْمَارُّ بِكُمْ	أَنْ تَحْمَارُّوْا	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إحْمَارَرْتِ	أُحْمُوْرَّ بِكِ	تَحْمَارِّيْنَ	يُحْمَارُّ بِكِ	أَنْ تَحْمَارِّي	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إحْمَارَرْتُمَا	أُحْمُوْرَّ بِكُمَا	تَحْمَارَّانِ	يُحْمَارُّ بِكُمَا	أَنْ تَحْمَارَّا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إحْمَارَرْتُنَّ	أُحْمُوْرَّ بِكُنَّ	تَحْمَارِرْنَ	يُحْمَارُّ بِكُنَّ	أَنْ تَحْمَارِرْنَ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إحْمَارَرْتُ	أُحْمُوْرَّ بِي	أَحْمَارُّ	يُحْمَارُّ بِي	أَنْ أَحْمَارَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إحْمَارَرْنَا	أُحْمُوْرَّ بِنَا	نَحْمَارُّ	يُحْمَارُّ بِنَا	أَنْ نَحْمَارَّ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۵۶	۱(۲)	امر معلوم و مجهول		
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر	
۱	لِيَحْمَارِزْ لِيَحْمَارَّ لِيَحْمَارِّ	لِيُحْمَارَزْبِهِ لِيُحْمَارَّبِهِ لِيُحْمَارِّبِهِ	هُوَ مفرد	غایب مذکر
۲	لِيَحْمَارَّا	لِيُحْمَارَزْبِهِمَا لِيُحْمَارَّبِهِمَا لِيُحْمَارِّبِهِمَا	هُمَا مثنی	
۳	لِيَحْمَارُّوْا	لِيُحْمَارَزْبِهِمْ لِيُحْمَارَّبِهِمْ لِيُحْمَارِّبِهِمْ	هُمْ جمع	
۴	لِتَحْمَارِزْ لِتَحْمَارَّ لِتَحْمَارِّ	لِيُحْمَارَزْبِهَا لِيُحْمَارَّبِهَا لِيُحْمَارِّبِهَا	هِيَ مفرد	غایب مؤنث
۵	لِتَحْمَارَّا	لِيُحْمَارَزْبِهِمَا لِيُحْمَارَّبِهِمَا لِيُحْمَارِّبِهِمَا	هُمَا مثنی	
۶	لِيَحْمَارِزْنَ	لِيُحْمَارَزْبِهِنَّ لِيُحْمَارَّبِهِنَّ لِيُحْمَارِّبِهِنَّ	هُنَّ جمع	
۷	إِحْمَارِزْ إِحْمَارَّ إِحْمَارِّ	لِيُحْمَارَزْبِكَ لِيُحْمَارَّبِكَ لِيُحْمَارِّبِكَ	أَنْتَ مفرد	مخاطب مذکر
۸	إِحْمَارَّا	لِيُحْمَارَزْبِكُمَا لِيُحْمَارَّبِكُمَا لِيُحْمَارِّبِكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۹	إِحْمَارُّوْا	لِيُحْمَارَزْبِكُمْ لِيُحْمَارَّبِكُمْ لِيُحْمَارِّبِكُمْ	أَنْتُمْ جمع	
۱۰	إِحْمَارِّي	لِيُحْمَارَزْبِكِ لِيُحْمَارَّبِكِ لِيُحْمَارِّبِكِ	أَنْتِ مفرد	مخاطب مؤنث
۱۱	إِحْمَارَّا	لِيُحْمَارَزْبِكُمَا لِيُحْمَارَّبِكُمَا لِيُحْمَارِّبِكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۱۲	إِحْمَارِزْنَ	لِيُحْمَارَزْبِكُنَّ لِيُحْمَارَّبِكُنَّ لِيُحْمَارِّبِكُنَّ	أَنْتُنَّ جمع	
۱۳	لِأَحْمَارِزْ لِأَحْمَارَّ لِأَحْمَارِّ	لِيُحْمَارَزْبِي لِيُحْمَارَّبِي لِيُحْمَارِّبِي	أَنَا واحد	متکلم مذکر و مؤنث
۱۴	لِنَحْمَارِزْ لِنَحْمَارَّ لِنَحْمَارِّ	لِيُحْمَارَزْبِنَا لِيُحْمَارَّبِنَا لِيُحْمَارِّبِنَا	نَحْنُ تثنیه و جمع	

تصویر



صفحه ۳۵۷	۱(۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَحْمَارِزْ لَمْ يَحْمَارَّ لَمْ يَحْمَارِّ	لا يَحْمَارِزْ لا يَحْمَارَّ لا يَحْمَارِّ	غایب — مذکر — مفرد	هُوَ
۲	لَمْ يَحْمَارَّا	لا يَحْمَارَّا	غایب — مذکر — مثنی	هُمَا
۳	لَمْ يَحْمَارُّوْا	لا يَحْمَارُّوْا	غایب — مذکر — جمع	هُمْ
۴	لَمْ تَحْمَارِزْ لَمْ تَحْمَارَّ لَمْ تَحْمَارِّ	لا تَحْمَارِزْ لا تَحْمَارَّ لا تَحْمَارِّ	غایب — مؤنث — مفرد	هِيَ
۵	لَمْ تَحْمَارَّا	لا تَحْمَارَّا	غایب — مؤنث — مثنی	هُمَا
۶	لَمْ يَحْمَارِزْنَ	لا يَحْمَارِزْنَ	غایب — مؤنث — جمع	هُنَّ
۷	لَمْ تَحْمَارِزْ لَمْ تَحْمَارَّ لَمْ تَحْمَارِّ	لا تَحْمَارِزْ لا تَحْمَارَّ لا تَحْمَارِّ	مخاطب — مذکر — مفرد	أَنْتَ
۸	لَمْ تَحْمَارَّا	لا تَحْمَارَّا	مخاطب — مذکر — مثنی	أَنْتُمَا
۹	لَمْ تَحْمَارُّوْا	لا تَحْمَارُّوْا	مخاطب — مذکر — جمع	أَنْتُمْ
۱۰	لَمْ تَحْمَارِّي	لا تَحْمَارِّي	مخاطب — مؤنث — مفرد	أَنْتِ
۱۱	لَمْ تَحْمَارَّا	لا تَحْمَارَّا	مخاطب — مؤنث — مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	لَمْ تَحْمَارِزْنَ	لا تَحْمَارِزْنَ	مخاطب — مؤنث — جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لَمْ أَحْمَارِزْ لَمْ أَحْمَارَّ لَمْ أَحْمَارِّ	لا أَحْمَارِزْ لا أَحْمَارَّ لا أَحْمَارِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده	أَنَا
۱۴	لَمْ نَحْمَارِزْ لَمْ نَحْمَارَّ لَمْ نَحْمَارِّ	لا نَحْمَارِزْ لا نَحْمَارَّ لا نَحْمَارِّ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر	نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۵۸	نون تأکید ۱(۴)			ضمائر		
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة			
۱	لِيَحْمَارَّنَّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِهِ	لِيَحْمَارَّنْ	غایب	مذکر	مفرد — هُوَ
۲	لِيَحْمَارَّانِّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِهِمَا				مثنی — هُمَا
۳	لِيَحْمَارُّنَّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِهِمْ	لِيَحْمَارُّنْ			جمع — هُمْ
۴	لِتَحْمَارَّنَّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِهَا	لِتَحْمَارَّنْ		مؤنث	مفرد — هِيَ
۵	لِتَحْمَارَّانِّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِهِمَا				مثنی — هُمَا
۶	لِيَحْمَارِرْنَانِّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِهِنَّ				جمع — هُنَّ
۷	إِحْمَارَّنَّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِكَ	إِحْمَارَّنْ	مخاطب	مذکر	مفرد — أَنْتَ
۸	إِحْمَارَّانِّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِكُمَا				مثنی — أَنْتُمَا
۹	إِحْمَارُّنَّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِكُمْ	إِحْمَارُّنْ			جمع — أَنْتُمْ
۱۰	إِحْمَارِّنَّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِكِ	إِحْمَارِّنْ		مؤنث	مفرد — أَنْتِ
۱۱	إِحْمَارَّانِّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِكُمَا				مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	إِحْمَارِرْنَانِّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِكُنَّ				جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَحْمَارَّنَّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِي	لِأَحْمَارَّنْ	متکلم	مذکر و مؤنث	وحده — أَنَا
۱۴	لِنَحْمَارَّنَّ	لِيُحْمَارَّنَّ بِنَا	لِنَحْمَارَّنْ			مع الغیر — نَحْنُ

تصریف افعال رباعی مجرد و مزید

باب فعلله

تصویر

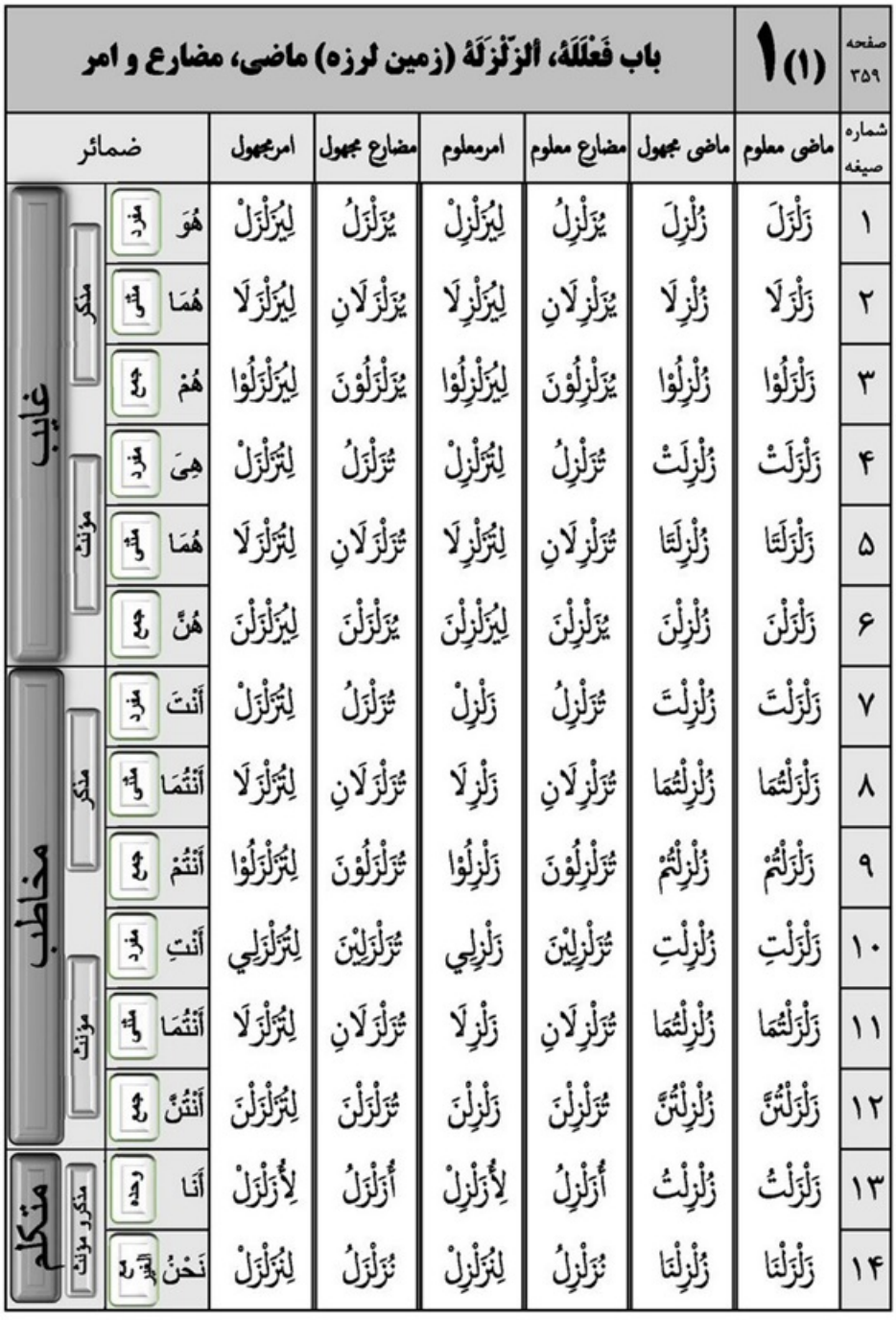

صفحه ۳۵۹	(۱) ۱	باب فَعْلَلَةٌ، اَلزَّلْزَلَةُ (زمین لرزه) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر	
۱	زَلْزَلَ	زُلْزِلَ	يُزَلْزِلُ	لِيُزَلْزِلْ	يُزَلْزَلُ	لِيُزَلْزَلْ	هُوَ	غایب مذکر مفرد
۲	زَلْزَلَا	زُلْزِلَا	يُزَلْزِلَانِ	لِيُزَلْزِلَا	يُزَلْزَلَانِ	لِيُزَلْزَلَا	هُمَا	غایب مذکر مثنی
۳	زَلْزَلُوْا	زُلْزِلُوْا	يُزَلْزِلُوْنَ	لِيُزَلْزِلُوْا	يُزَلْزَلُوْنَ	لِيُزَلْزَلُوْا	هُمْ	غایب مذکر جمع
۴	زَلْزَلَتْ	زُلْزِلَتْ	تُزَلْزِلُ	لِتُزَلْزِلْ	تُزَلْزَلُ	لِتُزَلْزَلْ	هِيَ	غایب مؤنث مفرد
۵	زَلْزَلَتَا	زُلْزِلَتَا	تُزَلْزِلَانِ	لِتُزَلْزِلَا	تُزَلْزَلَانِ	لِتُزَلْزَلَا	هُمَا	غایب مؤنث مثنی
۶	زَلْزَلْنَ	زُلْزِلْنَ	يُزَلْزِلْنَ	لِيُزَلْزِلْنَ	يُزَلْزَلْنَ	لِيُزَلْزَلْنَ	هُنَّ	غایب مؤنث جمع
۷	زَلْزَلْتَ	زُلْزِلْتَ	تُزَلْزِلُ	زَلْزِلْ	تُزَلْزَلُ	لِتُزَلْزَلْ	أَنْتَ	مخاطب مذکر مفرد
۸	زَلْزَلْتُمَا	زُلْزِلْتُمَا	تُزَلْزِلَانِ	زَلْزِلَا	تُزَلْزَلَانِ	لِتُزَلْزَلَا	أَنْتُمَا	مخاطب مذکر مثنی
۹	زَلْزَلْتُمْ	زُلْزِلْتُمْ	تُزَلْزِلُوْنَ	زَلْزِلُوْا	تُزَلْزَلُوْنَ	لِتُزَلْزَلُوْا	أَنْتُمْ	مخاطب مذکر جمع
۱۰	زَلْزَلْتِ	زُلْزِلْتِ	تُزَلْزِلِيْنَ	زَلْزِلِي	تُزَلْزَلِيْنَ	لِتُزَلْزَلِي	أَنْتِ	مخاطب مؤنث مفرد
۱۱	زَلْزَلْتُمَا	زُلْزِلْتُمَا	تُزَلْزِلَانِ	زَلْزِلَا	تُزَلْزَلَانِ	لِتُزَلْزَلَا	أَنْتُمَا	مخاطب مؤنث مثنی
۱۲	زَلْزَلْتُنَّ	زُلْزِلْتُنَّ	تُزَلْزِلْنَ	زَلْزِلْنَ	تُزَلْزَلْنَ	لِتُزَلْزَلْنَ	أَنْتُنَّ	مخاطب مؤنث جمع
۱۳	زَلْزَلْتُ	زُلْزِلْتُ	أُزَلْزِلُ	لِأُزَلْزِلْ	أُزَلْزَلُ	لِأُزَلْزَلْ	أَنَا	متکلم وحده
۱۴	زَلْزَلْنَا	زُلْزِلْنَا	نُزَلْزِلُ	لِنُزَلْزِلْ	نُزَلْزَلُ	لِنُزَلْزَلْ	نَحْنُ	متکلم مع الغیر مذکر و مؤنث

تصویر

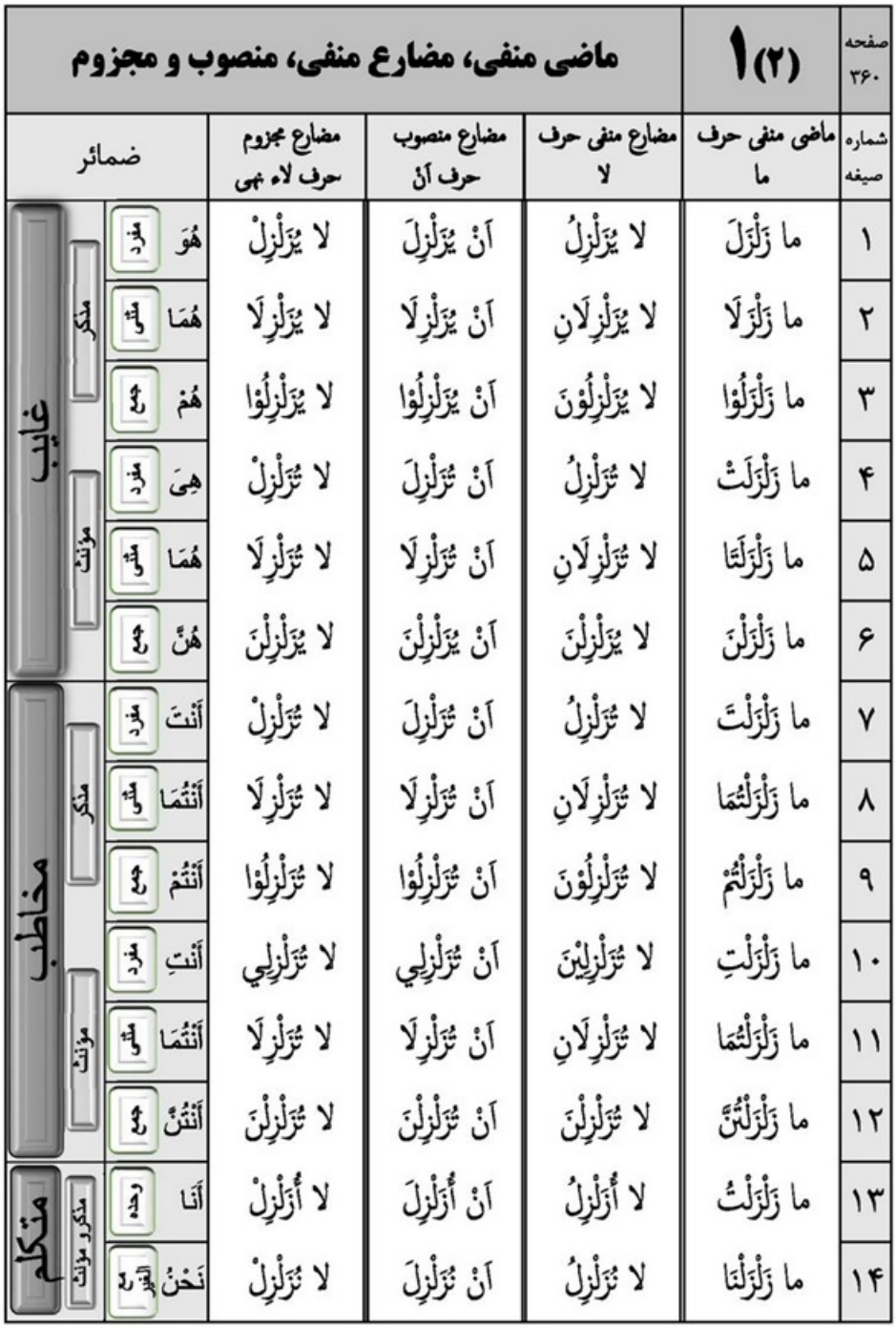

صفحه ۳۶۰	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم				
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	ما زَلْزَلَ	لا یُزَلْزِلُ	اَنْ یُزَلْزِلَ	لا یُزَلْزِلْ	هُوَ	غایب، مذکر، مفرد
۲	ما زَلْزَلَا	لا یُزَلْزِلَانِ	اَنْ یُزَلْزِلَا	لا یُزَلْزِلَا	هُمَا	غایب، مذکر، مثنی
۳	ما زَلْزَلُوْا	لا یُزَلْزِلُوْنَ	اَنْ یُزَلْزِلُوْا	لا یُزَلْزِلُوْا	هُمْ	غایب، مذکر، جمع
۴	ما زَلْزَلَتْ	لا تُزَلْزِلُ	اَنْ تُزَلْزِلَ	لا تُزَلْزِلْ	هِیَ	غایب، مؤنث، مفرد
۵	ما زَلْزَلَتَا	لا تُزَلْزِلَانِ	اَنْ تُزَلْزِلَا	لا تُزَلْزِلَا	هُمَا	غایب، مؤنث، مثنی
۶	ما زَلْزَلْنَ	لا یُزَلْزِلْنَ	اَنْ یُزَلْزِلْنَ	لا یُزَلْزِلْنَ	هُنَّ	غایب، مؤنث، جمع
۷	ما زَلْزَلْتَ	لا تُزَلْزِلُ	اَنْ تُزَلْزِلَ	لا تُزَلْزِلْ	اَنْتَ	مخاطب، مذکر، مفرد
۸	ما زَلْزَلْتُمَا	لا تُزَلْزِلَانِ	اَنْ تُزَلْزِلَا	لا تُزَلْزِلَا	اَنْتُمَا	مخاطب، مذکر، مثنی
۹	ما زَلْزَلْتُمْ	لا تُزَلْزِلُوْنَ	اَنْ تُزَلْزِلُوْا	لا تُزَلْزِلُوْا	اَنْتُمْ	مخاطب، مذکر، جمع
۱۰	ما زَلْزَلْتِ	لا تُزَلْزِلِیْنَ	اَنْ تُزَلْزِلِي	لا تُزَلْزِلِي	اَنْتِ	مخاطب، مؤنث، مفرد
۱۱	ما زَلْزَلْتُمَا	لا تُزَلْزِلَانِ	اَنْ تُزَلْزِلَا	لا تُزَلْزِلَا	اَنْتُمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی
۱۲	ما زَلْزَلْتُنَّ	لا تُزَلْزِلْنَ	اَنْ تُزَلْزِلْنَ	لا تُزَلْزِلْنَ	اَنْتُنَّ	مخاطب، مؤنث، جمع
۱۳	ما زَلْزَلْتُ	لا اُزَلْزِلُ	اَنْ اُزَلْزِلَ	لا اُزَلْزِلْ	اَنَا	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده
۱۴	ما زَلْزَلْنَا	لا نُزَلْزِلُ	اَنْ نُزَلْزِلَ	لا نُزَلْزِلْ	نَحْنُ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر

تصویر



صفحه ۳۶۱	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيُزَلْزِلَنَّ	لِيُزَلْزَلَنَّ	لِيُزَلْزِلَنْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	لِيُزَلْزِلَانِّ	لِيُزَلْزَلَانِّ		غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	لِيُزَلْزِلُنَّ	لِيُزَلْزَلُنَّ	لِيُزَلْزِلُنْ	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	لِتُزَلْزِلَنَّ	لِتُزَلْزَلَنَّ	لِتُزَلْزِلَنْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	لِتُزَلْزِلَانِّ	لِتُزَلْزَلَانِّ		غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	لِيُزَلْزِلْنَانِّ	لِيُزَلْزَلْنَانِّ		غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	زَلْزِلَنَّ	لِتُزَلْزَلَنَّ	زَلْزِلَنْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	زَلْزِلَانِّ	لِتُزَلْزَلَانِّ		مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	زَلْزِلُنَّ	لِتُزَلْزَلُنَّ	زَلْزِلُنْ	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	زَلْزِلِنَّ	لِتُزَلْزَلِنَّ	زَلْزِلِنْ	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	زَلْزِلَانِّ	لِتُزَلْزَلَانِّ		مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	زَلْزِلْنَانِّ	لِتُزَلْزَلْنَانِّ		مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	لِأُزَلْزِلَنَّ	لِأُزَلْزَلَنَّ	لِأُزَلْزِلَنْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	لِنُزَلْزِلَنَّ	لِنُزَلْزَلَنَّ	لِنُزَلْزِلَنْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

باب تفعلل

تصویر

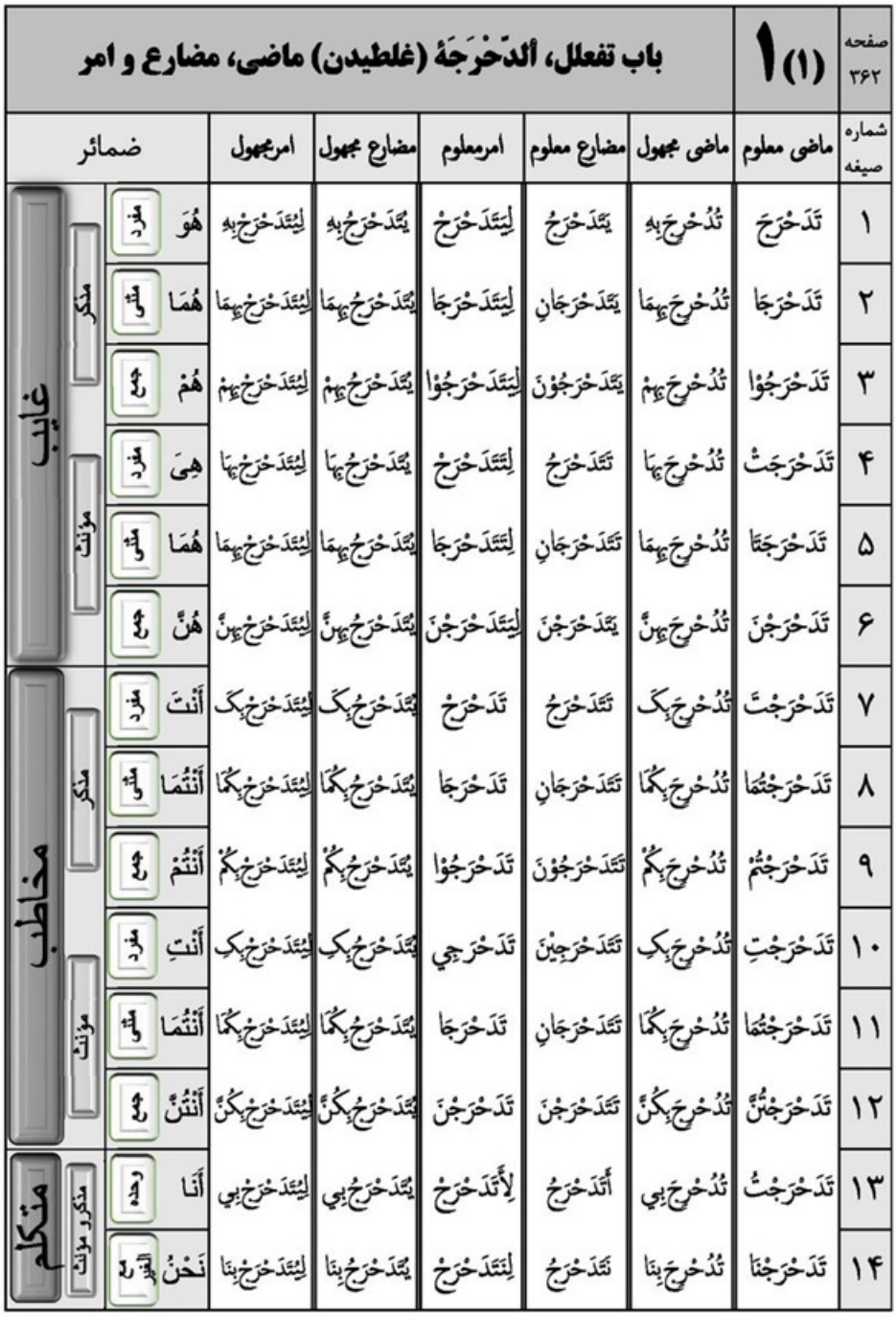

صفحه ۳۶۲	۱ (۱)	باب تفعلل، اَلدَّحْرَجَةُ (غلطیدن) ماضی، مضارع و امر					
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	تَدَحْرَجَ	تُدُحْرِجَ بِهِ	يَتَدَحْرَجُ	لِيَتَدَحْرَجْ	يُتَدَحْرَجُ بِهِ	لِيُتَدَحْرَجْ بِهِ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	تَدَحْرَجَا	تُدُحْرِجَ بِهِمَا	يَتَدَحْرَجَانِ	لِيَتَدَحْرَجَا	يُتَدَحْرَجُ بِهِمَا	لِيُتَدَحْرَجْ بِهِمَا	غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	تَدَحْرَجُوْا	تُدُحْرِجَ بِهِمْ	يَتَدَحْرَجُوْنَ	لِيَتَدَحْرَجُوْا	يُتَدَحْرَجُ بِهِمْ	لِيُتَدَحْرَجْ بِهِمْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	تَدَحْرَجَتْ	تُدُحْرِجَ بِهَا	تَتَدَحْرَجُ	لِتَتَدَحْرَجْ	يُتَدَحْرَجُ بِهَا	لِيُتَدَحْرَجْ بِهَا	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	تَدَحْرَجَتَا	تُدُحْرِجَ بِهِمَا	تَتَدَحْرَجَانِ	لِتَتَدَحْرَجَا	يُتَدَحْرَجُ بِهِمَا	لِيُتَدَحْرَجْ بِهِمَا	غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	تَدَحْرَجْنَ	تُدُحْرِجَ بِهِنَّ	يَتَدَحْرَجْنَ	لِيَتَدَحْرَجْنَ	يُتَدَحْرَجُ بِهِنَّ	لِيُتَدَحْرَجْ بِهِنَّ	غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَحْرَجْتَ	تُدُحْرِجَ بِكَ	تَتَدَحْرَجُ	تَدَحْرَجْ	يُتَدَحْرَجُ بِكَ	لِيُتَدَحْرَجْ بِكَ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَحْرَجْتُمَا	تُدُحْرِجَ بِكُمَا	تَتَدَحْرَجَانِ	تَدَحْرَجَا	يُتَدَحْرَجُ بِكُمَا	لِيُتَدَحْرَجْ بِكُمَا	مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَحْرَجْتُمْ	تُدُحْرِجَ بِكُمْ	تَتَدَحْرَجُوْنَ	تَدَحْرَجُوْا	يُتَدَحْرَجُ بِكُمْ	لِيُتَدَحْرَجْ بِكُمْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَحْرَجْتِ	تُدُحْرِجَ بِكِ	تَتَدَحْرَجِيْنَ	تَدَحْرَجِي	يُتَدَحْرَجُ بِكِ	لِيُتَدَحْرَجْ بِكِ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَحْرَجْتُمَا	تُدُحْرِجَ بِكُمَا	تَتَدَحْرَجَانِ	تَدَحْرَجَا	يُتَدَحْرَجُ بِكُمَا	لِيُتَدَحْرَجْ بِكُمَا	مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَحْرَجْتُنَّ	تُدُحْرِجَ بِكُنَّ	تَتَدَحْرَجْنَ	تَدَحْرَجْنَ	يُتَدَحْرَجُ بِكُنَّ	لِيُتَدَحْرَجْ بِكُنَّ	مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	تَدَحْرَجْتُ	تُدُحْرِجَ بِي	أَتَدَحْرَجُ	لِأَتَدَحْرَجْ	يُتَدَحْرَجُ بِي	لِيُتَدَحْرَجْ بِي	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	تَدَحْرَجْنَا	تُدُحْرِجَ بِنَا	نَتَدَحْرَجُ	لِنَتَدَحْرَجْ	يُتَدَحْرَجُ بِنَا	لِيُتَدَحْرَجْ بِنَا	متکلم — مذکر و مؤنث — الجمع — نَحْنُ

تصویر

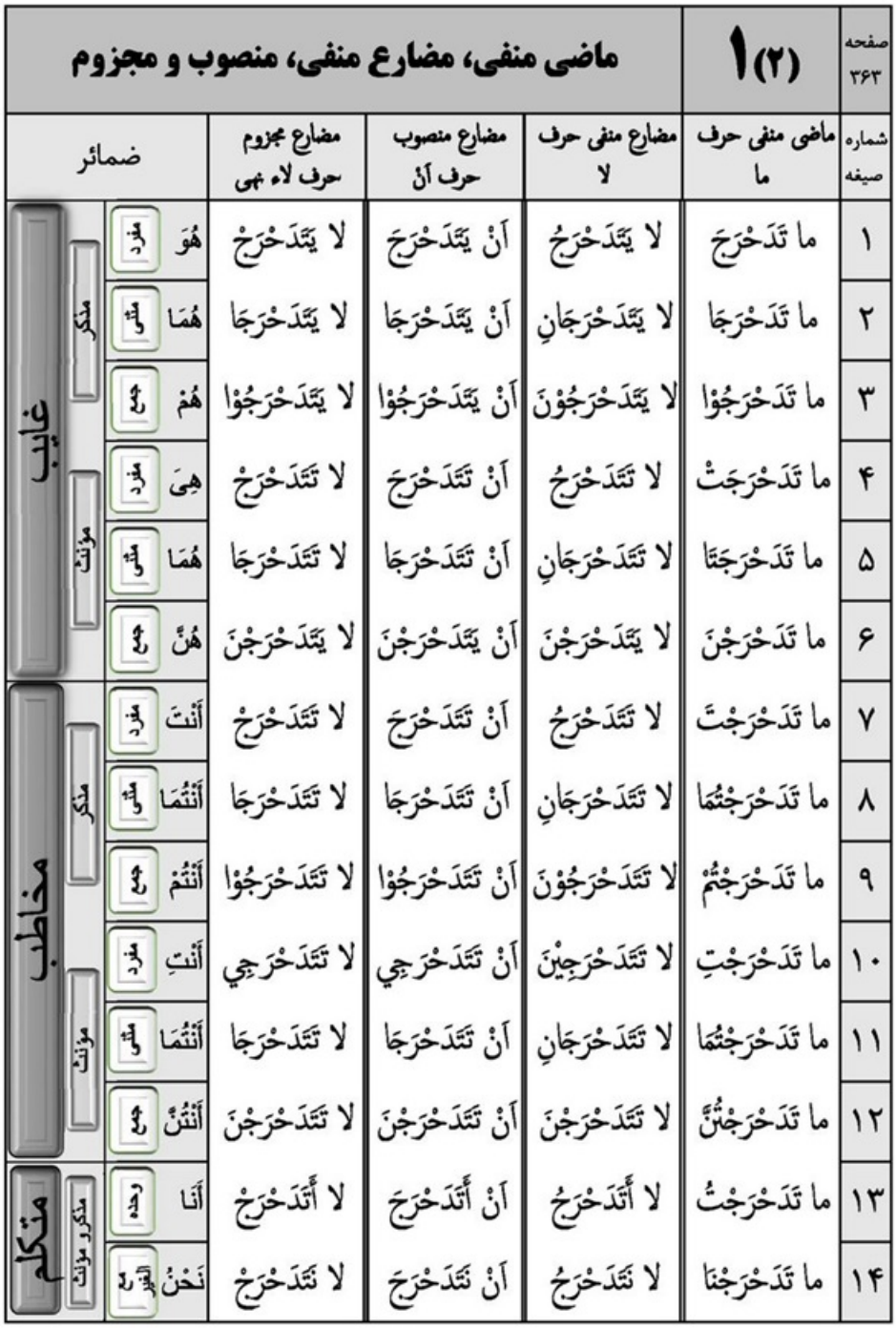

صفحه ۳۶۳	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما تَدَحْرَجَ	لا يَتَدَحْرَجُ	اَنْ يَتَدَحْرَجَ	لا يَتَدَحْرَجْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما تَدَحْرَجَا	لا يَتَدَحْرَجَانِ	اَنْ يَتَدَحْرَجَا	لا يَتَدَحْرَجَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما تَدَحْرَجُوْا	لا يَتَدَحْرَجُوْنَ	اَنْ يَتَدَحْرَجُوْا	لا يَتَدَحْرَجُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما تَدَحْرَجَتْ	لا تَتَدَحْرَجُ	اَنْ تَتَدَحْرَجَ	لا تَتَدَحْرَجْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما تَدَحْرَجَتَا	لا تَتَدَحْرَجَانِ	اَنْ تَتَدَحْرَجَا	لا تَتَدَحْرَجَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما تَدَحْرَجْنَ	لا يَتَدَحْرَجْنَ	اَنْ يَتَدَحْرَجْنَ	لا يَتَدَحْرَجْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما تَدَحْرَجْتَ	لا تَتَدَحْرَجُ	اَنْ تَتَدَحْرَجَ	لا تَتَدَحْرَجْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما تَدَحْرَجْتُمَا	لا تَتَدَحْرَجَانِ	اَنْ تَتَدَحْرَجَا	لا تَتَدَحْرَجَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما تَدَحْرَجْتُمْ	لا تَتَدَحْرَجُوْنَ	اَنْ تَتَدَحْرَجُوْا	لا تَتَدَحْرَجُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما تَدَحْرَجْتِ	لا تَتَدَحْرَجِيْنَ	اَنْ تَتَدَحْرَجِي	لا تَتَدَحْرَجِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما تَدَحْرَجْتُمَا	لا تَتَدَحْرَجَانِ	اَنْ تَتَدَحْرَجَا	لا تَتَدَحْرَجَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما تَدَحْرَجْتُنَّ	لا تَتَدَحْرَجْنَ	اَنْ تَتَدَحْرَجْنَ	لا تَتَدَحْرَجْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما تَدَحْرَجْتُ	لا أَتَدَحْرَجُ	اَنْ أَتَدَحْرَجَ	لا أَتَدَحْرَجْ	متکلم، مذکر و مؤنث، واحد، أَنَا
۱۴	ما تَدَحْرَجْنَا	لا نَتَدَحْرَجُ	اَنْ نَتَدَحْرَجَ	لا نَتَدَحْرَجْ	متکلم، مذکر و مؤنث، غیر واحد، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۶۴	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَتَدَحْرَجَنَّ	لِيُتَدَحْرَجَنَّ	لِيَتَدَحْرَجَنْ	غایب — مذکر — مفرد — هُوَ
۲	لِيَتَدَحْرَجَانِّ	لِيُتَدَحْرَجَانِّ		غایب — مذکر — مثنی — هُمَا
۳	لِيَتَدَحْرَجُنَّ	لِيُتَدَحْرَجُنَّ	لِيَتَدَحْرَجُنْ	غایب — مذکر — جمع — هُمْ
۴	لِتَتَدَحْرَجَنَّ	لِتُتَدَحْرَجَنَّ	لِتَتَدَحْرَجَنْ	غایب — مؤنث — مفرد — هِيَ
۵	لِتَتَدَحْرَجَانِّ	لِتُتَدَحْرَجَانِّ		غایب — مؤنث — مثنی — هُمَا
۶	لِيَتَدَحْرَجْنَانِّ	لِيُتَدَحْرَجْنَانِّ		غایب — مؤنث — جمع — هُنَّ
۷	تَدَحْرَجَنَّ	لِتُتَدَحْرَجَنَّ	تَدَحْرَجَنْ	مخاطب — مذکر — مفرد — أَنْتَ
۸	تَدَحْرَجَانِّ	لِتُتَدَحْرَجَانِّ		مخاطب — مذکر — مثنی — أَنْتُمَا
۹	تَدَحْرَجُنَّ	لِتُتَدَحْرَجُنَّ	تَدَحْرَجُنْ	مخاطب — مذکر — جمع — أَنْتُمْ
۱۰	تَدَحْرَجِنَّ	لِتُتَدَحْرَجِنَّ	تَدَحْرَجِنْ	مخاطب — مؤنث — مفرد — أَنْتِ
۱۱	تَدَحْرَجَانِّ	لِتُتَدَحْرَجَانِّ		مخاطب — مؤنث — مثنی — أَنْتُمَا
۱۲	تَدَحْرَجْنَانِّ	لِتُتَدَحْرَجْنَانِّ		مخاطب — مؤنث — جمع — أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَتَدَحْرَجَنَّ	لِأُتَدَحْرَجَنَّ	لِأَتَدَحْرَجَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — وحده — أَنَا
۱۴	لِنَتَدَحْرَجَنَّ	لِنُتَدَحْرَجَنَّ	لِنَتَدَحْرَجَنْ	متکلم — مذکر و مؤنث — مع الغیر — نَحْنُ

باب إفعنلال

تصویر

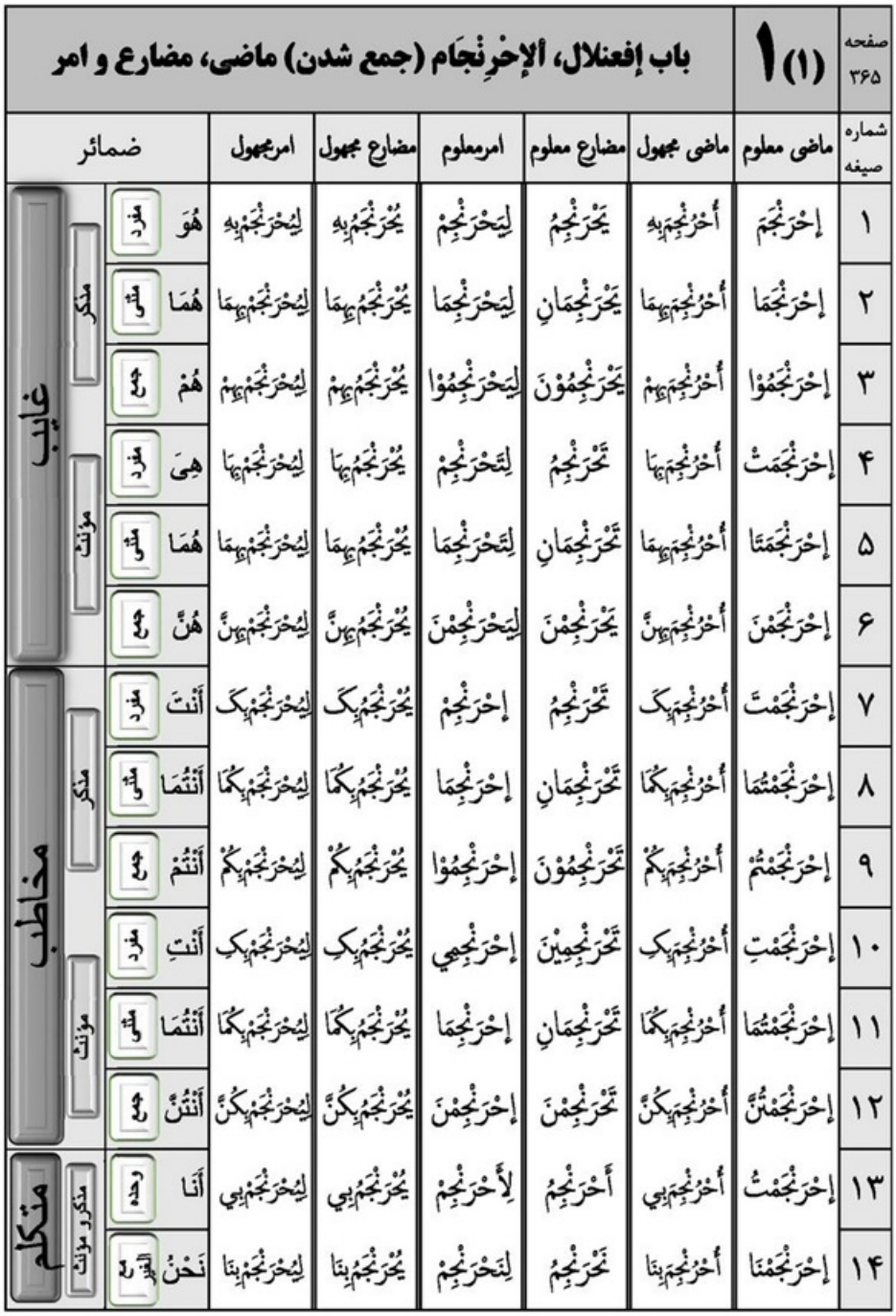

صفحه ۳۶۵	(۱) ۱ باب إفعنلال، الإحرِنْجَام (جمع شدن) ماضی، مضارع و امر						
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	امرمعلوم	مضارع مجهول	امرمجهول	ضمائر
۱	إحْرَنْجَمَ	أُحْرُنْجِمَ بِهِ	يَحْرَنْجِمُ	لِيَحْرَنْجِمْ	يُحْرَنْجَمُ بِهِ	لِيُحْرَنْجَمْ بِهِ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	إحْرَنْجَمَا	أُحْرُنْجِمَ بِهِمَا	يَحْرَنْجِمَانِ	لِيَحْرَنْجِمَا	يُحْرَنْجَمُ بِهِمَا	لِيُحْرَنْجَمْ بِهِمَا	غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	إحْرَنْجَمُوْا	أُحْرُنْجِمَ بِهِمْ	يَحْرَنْجِمُوْنَ	لِيَحْرَنْجِمُوْا	يُحْرَنْجَمُ بِهِمْ	لِيُحْرَنْجَمْ بِهِمْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	إحْرَنْجَمَتْ	أُحْرُنْجِمَ بِهَا	تَحْرَنْجِمُ	لِتَحْرَنْجِمْ	يُحْرَنْجَمُ بِهَا	لِيُحْرَنْجَمْ بِهَا	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	إحْرَنْجَمَتَا	أُحْرُنْجِمَ بِهِمَا	تَحْرَنْجِمَانِ	لِتَحْرَنْجِمَا	يُحْرَنْجَمُ بِهِمَا	لِيُحْرَنْجَمْ بِهِمَا	غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	إحْرَنْجَمْنَ	أُحْرُنْجِمَ بِهِنَّ	يَحْرَنْجِمْنَ	لِيَحْرَنْجِمْنَ	يُحْرَنْجَمُ بِهِنَّ	لِيُحْرَنْجَمْ بِهِنَّ	غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إحْرَنْجَمْتَ	أُحْرُنْجِمَ بِكَ	تَحْرَنْجِمُ	إحْرَنْجِمْ	يُحْرَنْجَمُ بِكَ	لِيُحْرَنْجَمْ بِكَ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إحْرَنْجَمْتُمَا	أُحْرُنْجِمَ بِكُمَا	تَحْرَنْجِمَانِ	إحْرَنْجِمَا	يُحْرَنْجَمُ بِكُمَا	لِيُحْرَنْجَمْ بِكُمَا	مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إحْرَنْجَمْتُمْ	أُحْرُنْجِمَ بِكُمْ	تَحْرَنْجِمُوْنَ	إحْرَنْجِمُوْا	يُحْرَنْجَمُ بِكُمْ	لِيُحْرَنْجَمْ بِكُمْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إحْرَنْجَمْتِ	أُحْرُنْجِمَ بِكِ	تَحْرَنْجِمِيْنَ	إحْرَنْجِمِي	يُحْرَنْجَمُ بِكِ	لِيُحْرَنْجَمْ بِكِ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إحْرَنْجَمْتُمَا	أُحْرُنْجِمَ بِكُمَا	تَحْرَنْجِمَانِ	إحْرَنْجِمَا	يُحْرَنْجَمُ بِكُمَا	لِيُحْرَنْجَمْ بِكُمَا	مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إحْرَنْجَمْتُنَّ	أُحْرُنْجِمَ بِكُنَّ	تَحْرَنْجِمْنَ	إحْرَنْجِمْنَ	يُحْرَنْجَمُ بِكُنَّ	لِيُحْرَنْجَمْ بِكُنَّ	مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	إحْرَنْجَمْتُ	أُحْرُنْجِمَ بِي	أَحْرَنْجِمُ	لِأَحْرَنْجِمْ	يُحْرَنْجَمُ بِي	لِيُحْرَنْجَمْ بِي	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	إحْرَنْجَمْنَا	أُحْرُنْجِمَ بِنَا	نَحْرَنْجِمُ	لِنَحْرَنْجِمْ	يُحْرَنْجَمُ بِنَا	لِيُحْرَنْجَمْ بِنَا	متکلم / مذکر و مؤنث / الجمع / نَحْنُ

ص: ۳۶۵

تصویر

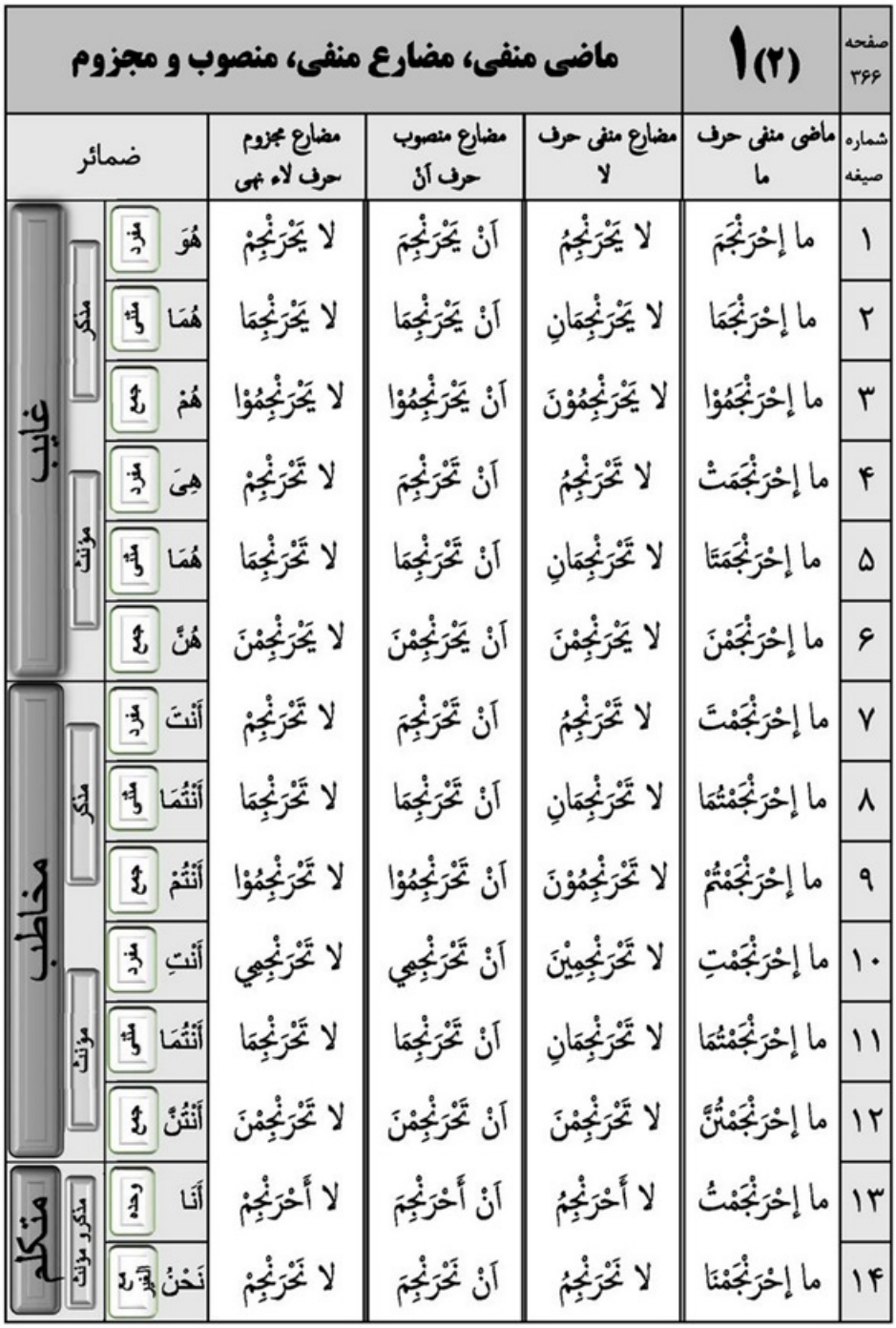

صفحه ۳۶۶	۱ (۲)	ماضی منفی، مضارع منفی، منصوب و مجزوم			
شماره صیغه	ماضی منفی حرف ما	مضارع منفی حرف لا	مضارع منصوب حرف اَنْ	مضارع مجزوم حرف لاء نهی	ضمائر
۱	ما إحْرَنْجَمَ	لا يَحْرَنْجِمُ	اَنْ يَحْرَنْجِمَ	لا يَحْرَنْجِمْ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	ما إحْرَنْجَمَا	لا يَحْرَنْجِمَانِ	اَنْ يَحْرَنْجِمَا	لا يَحْرَنْجِمَا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	ما إحْرَنْجَمُوْا	لا يَحْرَنْجِمُوْنَ	اَنْ يَحْرَنْجِمُوْا	لا يَحْرَنْجِمُوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	ما إحْرَنْجَمَتْ	لا تَحْرَنْجِمُ	اَنْ تَحْرَنْجِمَ	لا تَحْرَنْجِمْ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	ما إحْرَنْجَمَتَا	لا تَحْرَنْجِمَانِ	اَنْ تَحْرَنْجِمَا	لا تَحْرَنْجِمَا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	ما إحْرَنْجَمْنَ	لا يَحْرَنْجِمْنَ	اَنْ يَحْرَنْجِمْنَ	لا يَحْرَنْجِمْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	ما إحْرَنْجَمْتَ	لا تَحْرَنْجِمُ	اَنْ تَحْرَنْجِمَ	لا تَحْرَنْجِمْ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	ما إحْرَنْجَمْتُمَا	لا تَحْرَنْجِمَانِ	اَنْ تَحْرَنْجِمَا	لا تَحْرَنْجِمَا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	ما إحْرَنْجَمْتُمْ	لا تَحْرَنْجِمُوْنَ	اَنْ تَحْرَنْجِمُوْا	لا تَحْرَنْجِمُوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	ما إحْرَنْجَمْتِ	لا تَحْرَنْجِمِيْنَ	اَنْ تَحْرَنْجِمِي	لا تَحْرَنْجِمِي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	ما إحْرَنْجَمْتُمَا	لا تَحْرَنْجِمَانِ	اَنْ تَحْرَنْجِمَا	لا تَحْرَنْجِمَا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	ما إحْرَنْجَمْتُنَّ	لا تَحْرَنْجِمْنَ	اَنْ تَحْرَنْجِمْنَ	لا تَحْرَنْجِمْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	ما إحْرَنْجَمْتُ	لا أَحْرَنْجِمُ	اَنْ أَحْرَنْجِمَ	لا أَحْرَنْجِمْ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	ما إحْرَنْجَمْنَا	لا نَحْرَنْجِمُ	اَنْ نَحْرَنْجِمَ	لا نَحْرَنْجِمْ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

تصویر



صفحه ۳۶۷	۱(۳) نون تأکید			
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر
۱	لِيَحْرَنْجِمَنَّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِهِ	لِيَحْرَنْجِمَنْ	غایب / مذکر / مفرد / هُوَ
۲	لِيَحْرَنْجِمَانِّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِهِمَا		غایب / مذکر / مثنی / هُمَا
۳	لِيَحْرَنْجِمُنَّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِهِمْ	لِيَحْرَنْجِمُنْ	غایب / مذکر / جمع / هُمْ
۴	لِتَحْرَنْجِمَنَّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِهَا	لِتَحْرَنْجِمَنْ	غایب / مؤنث / مفرد / هِيَ
۵	لِتَحْرَنْجِمَانِّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِهِمَا		غایب / مؤنث / مثنی / هُمَا
۶	لِيَحْرَنْجِمْنَانِّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِهِنَّ		غایب / مؤنث / جمع / هُنَّ
۷	إِحْرَنْجِمَنَّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِكَ	إِحْرَنْجِمَنْ	مخاطب / مذکر / مفرد / أَنْتَ
۸	إِحْرَنْجِمَانِّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مذکر / مثنی / أَنْتُمَا
۹	إِحْرَنْجِمُنَّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِكُمْ	إِحْرَنْجِمُنْ	مخاطب / مذکر / جمع / أَنْتُمْ
۱۰	إِحْرَنْجِمِنَّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِكِ	إِحْرَنْجِمِنْ	مخاطب / مؤنث / مفرد / أَنْتِ
۱۱	إِحْرَنْجِمَانِّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِكُمَا		مخاطب / مؤنث / مثنی / أَنْتُمَا
۱۲	إِحْرَنْجِمْنَانِّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِكُنَّ		مخاطب / مؤنث / جمع / أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَحْرَنْجِمَنَّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِي	لِأَحْرَنْجِمَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / وحده / أَنَا
۱۴	لِنَحْرَنْجِمَنَّ	لِيُحْرَنْجَمَنَّ بِنَا	لِنَحْرَنْجِمَنْ	متکلم / مذکر و مؤنث / مع الغیر / نَحْنُ

باب إفعلّال

تصویر

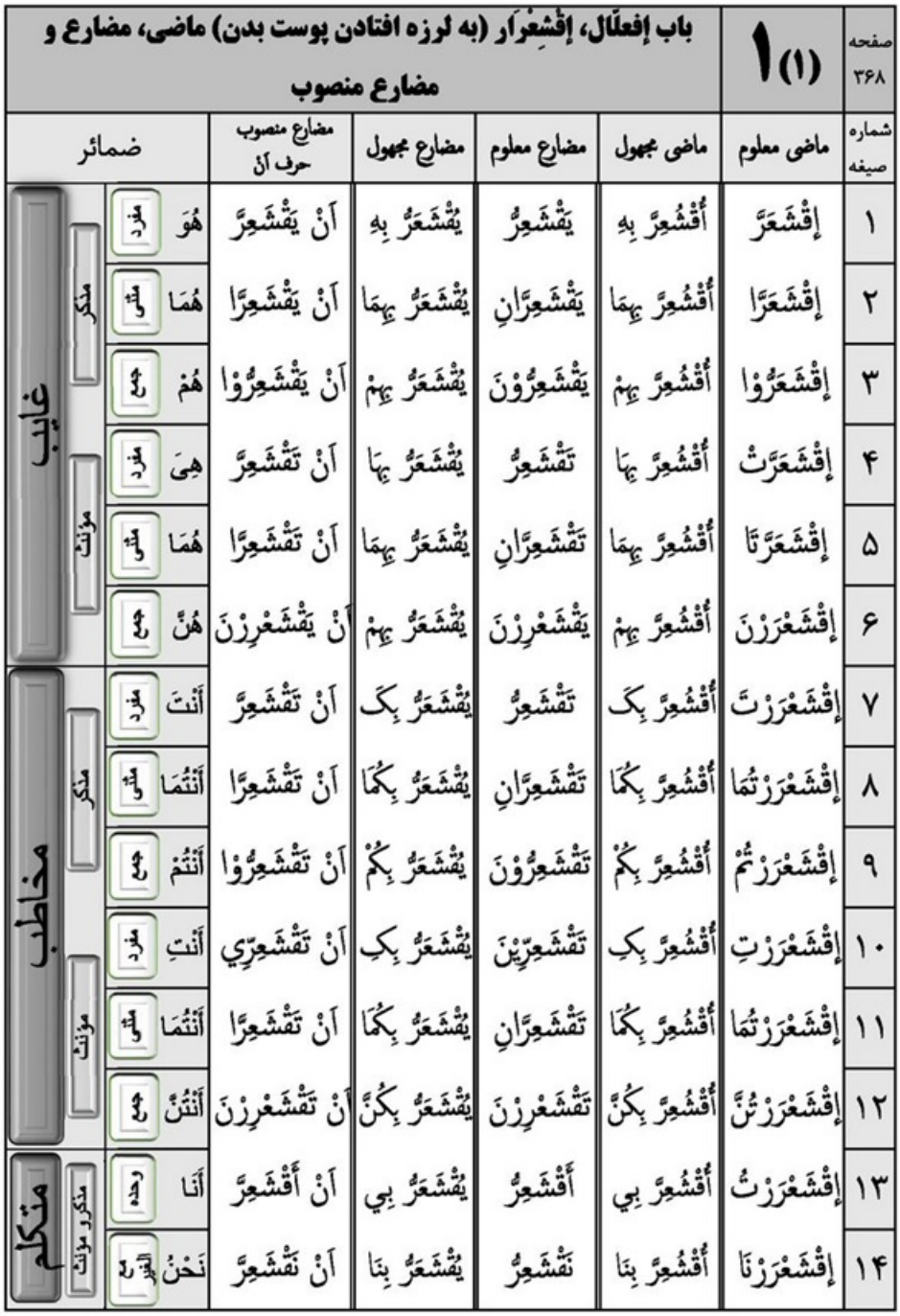

صفحه ۳۶۸	۱ (۱)	باب إفعلّال، إقْشِعْرَار (به لرزه افتادن پوست بدن) ماضی، مضارع و مضارع منصوب				
شماره صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	مضارع منصوب حرف آن	ضمائر
۱	إقْشَعَرَّ	أُقْشُعِرَّ بِهِ	يَقْشَعِرُّ	يُقْشَعَرُّ بِهِ	أَنْ يَقْشَعِرَّ	غایب، مذکر، مفرد، هُوَ
۲	إقْشَعَرَّا	أُقْشُعِرَّ بِهِمَا	يَقْشَعِرَّانِ	يُقْشَعَرُّ بِهِمَا	أَنْ يَقْشَعِرَّا	غایب، مذکر، مثنی، هُمَا
۳	إقْشَعَرُّوْا	أُقْشُعِرَّ بِهِمْ	يَقْشَعِرُّوْنَ	يُقْشَعَرُّ بِهِمْ	أَنْ يَقْشَعِرُّوْا	غایب، مذکر، جمع، هُمْ
۴	إقْشَعَرَّتْ	أُقْشُعِرَّ بِهَا	تَقْشَعِرُّ	يُقْشَعَرُّ بِهَا	أَنْ تَقْشَعِرَّ	غایب، مؤنث، مفرد، هِيَ
۵	إقْشَعَرَّتَا	أُقْشُعِرَّ بِهِمَا	تَقْشَعِرَّانِ	يُقْشَعَرُّ بِهِمَا	أَنْ تَقْشَعِرَّا	غایب، مؤنث، مثنی، هُمَا
۶	إقْشَعْرَرْنَ	أُقْشُعِرَّ بِهِمْ	يَقْشَعْرِرْنَ	يُقْشَعَرُّ بِهِمْ	أَنْ يَقْشَعْرِرْنَ	غایب، مؤنث، جمع، هُنَّ
۷	إقْشَعْرَرْتَ	أُقْشُعِرَّ بِكَ	تَقْشَعِرُّ	يُقْشَعَرُّ بِكَ	أَنْ تَقْشَعِرَّ	مخاطب، مذکر، مفرد، أَنْتَ
۸	إقْشَعْرَرْتُمَا	أُقْشُعِرَّ بِكُمَا	تَقْشَعِرَّانِ	يُقْشَعَرُّ بِكُمَا	أَنْ تَقْشَعِرَّا	مخاطب، مذکر، مثنی، أَنْتُمَا
۹	إقْشَعْرَرْتُمْ	أُقْشُعِرَّ بِكُمْ	تَقْشَعِرُّوْنَ	يُقْشَعَرُّ بِكُمْ	أَنْ تَقْشَعِرُّوْا	مخاطب، مذکر، جمع، أَنْتُمْ
۱۰	إقْشَعْرَرْتِ	أُقْشُعِرَّ بِكِ	تَقْشَعِرِّيْنَ	يُقْشَعَرُّ بِكِ	أَنْ تَقْشَعِرِّي	مخاطب، مؤنث، مفرد، أَنْتِ
۱۱	إقْشَعْرَرْتُمَا	أُقْشُعِرَّ بِكُمَا	تَقْشَعِرَّانِ	يُقْشَعَرُّ بِكُمَا	أَنْ تَقْشَعِرَّا	مخاطب، مؤنث، مثنی، أَنْتُمَا
۱۲	إقْشَعْرَرْتُنَّ	أُقْشُعِرَّ بِكُنَّ	تَقْشَعْرِرْنَ	يُقْشَعَرُّ بِكُنَّ	أَنْ تَقْشَعْرِرْنَ	مخاطب، مؤنث، جمع، أَنْتُنَّ
۱۳	إقْشَعْرَرْتُ	أُقْشُعِرَّ بِي	أَقْشَعِرُّ	يُقْشَعَرُّ بِي	أَنْ أَقْشَعِرَّ	متکلم، مذکر و مؤنث، وحده، أَنَا
۱۴	إقْشَعْرَرْنَا	أُقْشُعِرَّ بِنَا	نَقْشَعِرُّ	يُقْشَعَرُّ بِنَا	أَنْ نَقْشَعِرَّ	متکلم، مذکر و مؤنث، مع الغیر، نَحْنُ

ص: ۳۶۸

تصویر



صفحه ۳۶۹	۱(۲)	امر معلوم و مجهول		
شماره صیغه	امرمعلوم	امر مجهول	ضمائر	
۱	لِيَقْشَعْرِزْ لِيَقْشَعِرَّ لِيَقْشَعِرِّ	لِيُقْشَعْرَزْ بِهِ لِيُقْشَعَرَّ بِهِ لِيُقْشَعَرِّ بِهِ	هُوَ مفرد	غایب — مذکر
۲	لِيَقْشَعِرَّا	لِيُقْشَعْرَزْ بِهِمَا لِيُقْشَعَرَّ بِهِمَا لِيُقْشَعَرِّ بِهِمَا	هُمَا مثنی	
۳	لِيَقْشَعِرُّوْا	لِيُقْشَعْرَزْ بِهِمْ لِيُقْشَعَرَّ بِهِمْ لِيُقْشَعَرِّ بِهِمْ	هُمْ جمع	
۴	لِتَقْشَعْرِزْ لِتَقْشَعِرَّ لِتَقْشَعِرِّ	لِيُقْشَعْرَزْ بِهَا لِيُقْشَعَرَّ بِهَا لِيُقْشَعَرِّ بِهَا	هِيَ مفرد	غایب — مؤنث
۵	لِتَقْشَعِرَّا	لِيُقْشَعْرَزْ بِهِمَا لِيُقْشَعَرَّ بِهِمَا لِيُقْشَعَرِّ بِهِمَا	هُمَا مثنی	
۶	لِيَقْشَعْرِزْنَ	لِيُقْشَعْرَزْ بِهِنَّ لِيُقْشَعَرَّ بِهِنَّ لِيُقْشَعَرِّ بِهِنَّ	هُنَّ جمع	
۷	إِقْشَعْرِزْ إِقْشَعِرَّ إِقْشَعِرِّ	لِيُقْشَعْرَزْ بِكَ لِيُقْشَعَرَّ بِكَ لِيُقْشَعَرِّ بِكَ	أَنْتَ مفرد	مخاطب — مذکر
۸	إِقْشَعِرَّا	لِيُقْشَعْرَزْ بِكُمَا لِيُقْشَعَرَّ بِكُمَا لِيُقْشَعَرِّ بِكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۹	إِقْشَعِرُّوْ	لِيُقْشَعْرَزْ بِكُمْ لِيُقْشَعَرَّ بِكُمْ لِيُقْشَعَرِّ بِكُمْ	أَنْتُمْ جمع	
۱۰	إِقْشَعِرِّي	لِيُقْشَعْرَزْ بِكِ لِيُقْشَعَرَّ بِكِ لِيُقْشَعَرِّ بِكِ	أَنْتِ مفرد	مخاطب — مؤنث
۱۱	إِقْشَعِرَّا	لِيُقْشَعْرَزْ بِكُمَا لِيُقْشَعَرَّ بِكُمَا لِيُقْشَعَرِّ بِكُمَا	أَنْتُمَا مثنی	
۱۲	إِقْشَعْرِزْنَ	لِيُقْشَعْرَزْ بِكُنَّ لِيُقْشَعَرَّ بِكُنَّ لِيُقْشَعَرِّ بِكُنَّ	أَنْتُنَّ جمع	
۱۳	لِأَقْشَعْرِزْ لِأَقْشَعِرَّ لِأَقْشَعِرِّ	لِيُقْشَعْرَزْ بِي لِيُقْشَعَرَّ بِي لِيُقْشَعَرِّ بِي	أَنَا واحد	متکلم — مذکر و مؤنث
۱۴	لِنَقْشَعْرِزْ لِنَقْشَعِرَّ لِنَقْشَعِرِّ	لِيُقْشَعْرَزْ بِنَا لِيُقْشَعَرَّ بِنَا لِيُقْشَعَرِّ بِنَا	نَحْنُ تثنیه و جمع	

تصویر



صفحه ۳۷۰	۱(۳) مضارع مجزوم			
شماره صیغه	حرف لَمْ (فعل جحد)	حرف لاء نهی	ضمائر	
۱	لَمْ يَقْشَعْرِزْ لَمْ يَقْشَعِرَّ لَمْ يَقْشَعِرِّ	لايَقْشَعْرِزْ لايَقْشَعِرَّ لايَقْشَعِرِّ	هُوَ (مفرد)	غایب (مذکر)
۲	لَمْ يَقْشَعِرَّا	لا يَقْشَعِرَّا	هُمَا (مثنی)	
۳	لَمْ يَقْشَعِرُّوْا	لا يَقْشَعِرُّوْا	هُمْ (جمع)	
۴	لَمْ تَقْشَعْرِزْ لَمْ تَقْشَعِرَّ لَمْ تَقْشَعِرِّ	لاتَقْشَعْرِزْ لاتَقْشَعِرَّ لاتَقْشَعِرِّ	هِيَ (مفرد)	غایب (مؤنث)
۵	لَمْ تَقْشَعِرَّا	لا تَقْشَعِرَّا	هُمَا (مثنی)	
۶	لَمْ يَقْشَعْرِزْنَ	لا يَقْشَعْرِزْنَ	هُنَّ (جمع)	
۷	لَمْ تَقْشَعْرِزْ لَمْ تَقْشَعِرَّ لَمْ تَقْشَعِرِّ	لاتَقْشَعْرِزْ لاتَقْشَعِرَّ لاتَقْشَعِرِّ	أَنْتَ (مفرد)	مخاطب (مذکر)
۸	لَمْ تَقْشَعِرَّا	لا تَقْشَعِرَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۹	لَمْ تَقْشَعِرُّوْا	لا تَقْشَعِرُّوْا	أَنْتُمْ (جمع)	
۱۰	لَمْ تَقْشَعِرِّي	لا تَقْشَعِرِّي	أَنْتِ (مفرد)	مخاطب (مؤنث)
۱۱	لَمْ تَقْشَعِرَّا	لا تَقْشَعِرَّا	أَنْتُمَا (مثنی)	
۱۲	لَمْ تَقْشَعْرِزْنَ	لا تَقْشَعْرِزْنَ	أَنْتُنَّ (جمع)	
۱۳	لَمْ أَقْشَعْرِزْ لَمْ أَقْشَعِرَّ لَمْ أَقْشَعِرِّ	لاأَقْشَعْرِزْ لاأَقْشَعِرَّ لاأَقْشَعِرِّ	أَنَا (وحده)	متکلم (مذکر و مؤنث)
۱۴	لَمْ نَقْشَعْرِزْ لَمْ نَقْشَعِرَّ لَمْ نَقْشَعِرِّ	لانَقْشَعْرِزْ لانَقْشَعِرَّ لانَقْشَعِرِّ	نَحْنُ (مع الغیر)	

تصویر



صفحه ۳۷۱	نون تأکید ۱(۴)				
شماره صیغه	امرمعلوم بانون تاکید ثقیلة	امرمجهول بانون تاکید ثقیلة	امرمعلوم بانون تاکید خفیفة	ضمائر	
۱	لِيَقْشَعِرَّنَّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِهِ	لِيَقْشَعِرَّنْ	غایب مذکر مفرد	هُوَ
۲	لِيَقْشَعِرَّانِّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِهِمَا		غایب مذکر مثنی	هُمَا
۳	لِيَقْشَعِرُّنَّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِهِمْ	لِيَقْشَعِرُّنْ	غایب مذکر جمع	هُمْ
۴	لِتَقْشَعِرَّنَّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِهَا	لِتَقْشَعِرَّنْ	غایب مؤنث مفرد	هِيَ
۵	لِتَقْشَعِرَّانِّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِهِمَا		غایب مؤنث مثنی	هُمَا
۶	لِيَقْشَعْرِرْنَانِّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِهِنَّ		غایب مؤنث جمع	هُنَّ
۷	إِقْشَعِرَّنَّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِكَ	إِقْشَعِرَّنْ	مخاطب مذکر مفرد	أَنْتَ
۸	إِقْشَعِرَّانِّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِكُمَا		مخاطب مذکر مثنی	أَنْتُمَا
۹	إِقْشَعِرُّنَّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِكُمْ	إِقْشَعِرُّنْ	مخاطب مذکر جمع	أَنْتُمْ
۱۰	إِقْشَعِرِّنَّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِكِ	إِقْشَعِرِّنْ	مخاطب مؤنث مفرد	أَنْتِ
۱۱	إِقْشَعِرَّانِّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِكُمَا		مخاطب مؤنث مثنی	أَنْتُمَا
۱۲	إِقْشَعْرِرْنَانِّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِكُنَّ		مخاطب مؤنث جمع	أَنْتُنَّ
۱۳	لِأَقْشَعِرَّنَّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِي	لِأَقْشَعِرَّنْ	متکلم مذکر و مؤنث وحده	أَنَا
۱۴	لِنَقْشَعِرَّنَّ	لِيُقْشَعَرَّنَّ بِنَا	لِنَقْشَعِرَّنْ	متکلم مذکر و مؤنث مع الغیر	نَحْنُ

جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه:ایرجی محمد علی

عنوان قراردادی:تصریف الأفعال العربیه لطلاب العلوم الإسلامیه

عنوان و نام پدیدآور:تصریف الأفعال العربیه لطلاب العلوم الإسلامیه / محمد علی ایرجی

ناشر: دیجیتالی / مرکز تحقیقات یارانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۹

تعداد جلد:۳ج

موضوع: صرف - دستور زبان عربی

موضوع:زبان عربی -- صرف

ص: ۱

اشاره

تصویر

تصریف الأسماء العربیۀ

لطلاب العلوم الإسلامیۀ

۳

تهیّۀ و تألیف:
محمّد علی ایرجی
۰۹۱۳۵۴۴۷۵۵۶

با مجوّز رسمی از وزارت فرهنگ و إرشاد اسلامی
کلیّۀ حقوق برای نگارندۀ محفوظ است.

تصویر

بسم الله الرحمن الرحيم



السلام على الحسين
وعلى علي ابن الحسين
وعلى أولاد الحسين
وعلى أصحاب الحسين

تصوير

تقدیم به

محضر نورانی

حجةُ اللّٰه الکُبری

بقیةُ اللّٰه العُظمی

کلمةُ اللّٰه العُلیا

امام زمان عجّل الله تعالی فرجهُ الشّریف

فهرست مطالب

تصویر

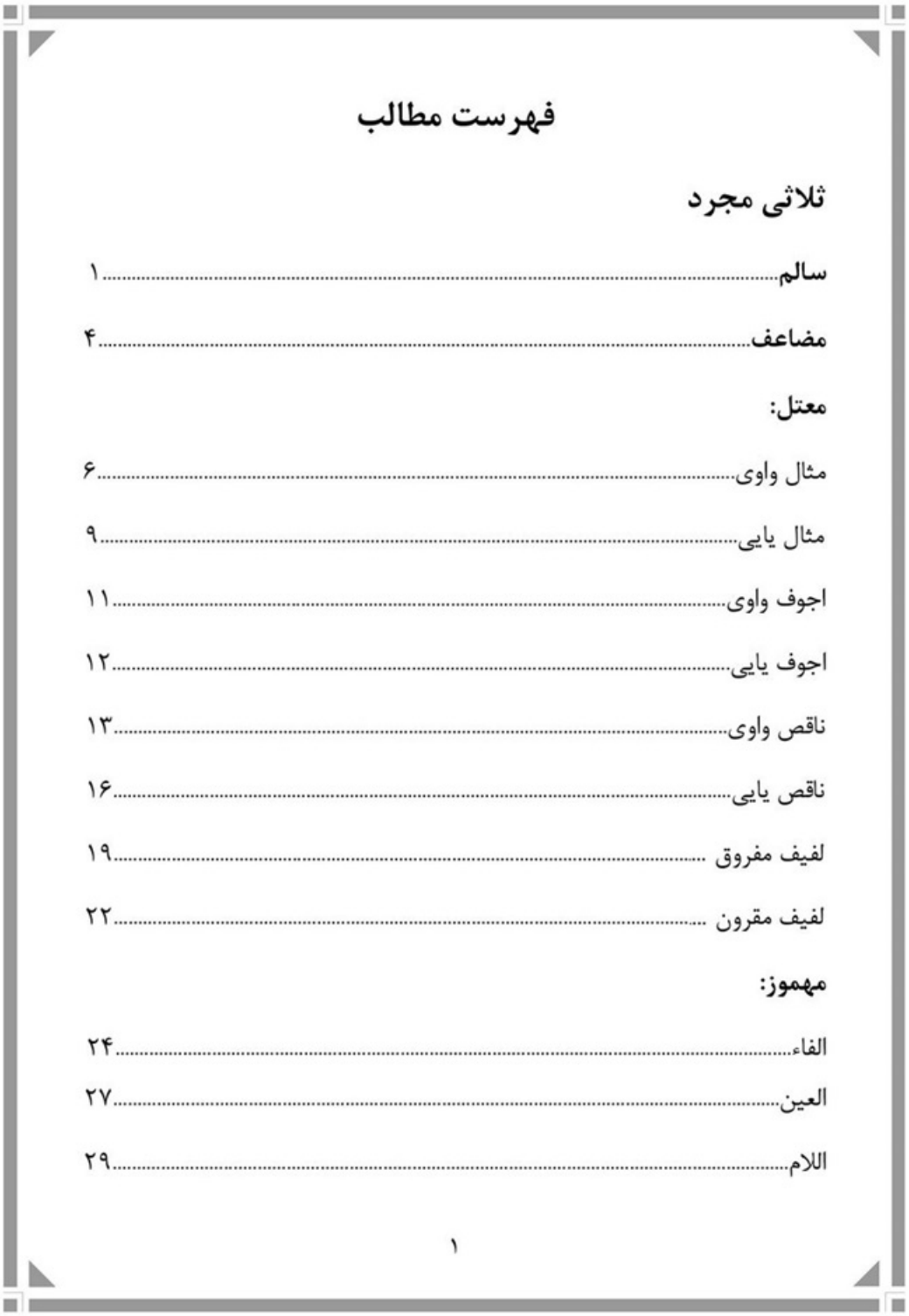

فهرست مطالب

ثلاثی مجرد

سالم..... ۱

مضاعف..... ۴

معتل:

مثال واوی..... ۶

مثال یایی..... ۹

اجوف واوی..... ۱۱

اجوف یایی..... ۱۲

ناقص واوی..... ۱۳

ناقص یایی..... ۱۶

لفیف مفروق ۱۹

لفیف مقرون ۲۲

مهموز:

الفاء..... ۲۴

العین..... ۲۷

اللام..... ۲۹

۱

ص: ۱

تصویر

انواع فعل از جهت حروف اصلی.....۳۵

ثلاثی مزید

باب إفعال.....۵۱

باب تفعیل.....۶۱

باب مفاعله.....۷۱

باب إفتعال.....۸۱

باب إنفعال.....۹۷

باب تفعّل.....۱۰۴

باب تفاعل.....۱۱۶

باب إفعلال.....۱۲۷

باب إستفعال.....۱۲۸

باب إفعیلال.....۱۴۱

رباعی مجرد و مزید

باب فعلله.....۱۴۲

باب تفعلل.....۱۴۳

باب إفعنلال.....۱۴۴

باب إفعلّال.....۱۴۵

تصویر

صفحه ۲	۳	اسم فاعل و مفعول ماده النّصْر					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	نَاصِرٌ	نَاصِراً	نَاصِرٍ		مَنْصُوْرٌ	مَنْصُوْراً	مَنْصُوْرٍ
۲	نَاصِرَانِ	نَاصِرَيْنِ	نَاصِرَيْنِ		مَنْصُوْرَانِ	مَنْصُوْرَيْنِ	مَنْصُوْرَيْنِ
۳	نَاصِرُوْنَ	نَاصِرِيْنَ	نَاصِرِيْنَ		مَنْصُوْرُوْنَ	مَنْصُوْرِيْنَ	مَنْصُوْرِيْنَ
۴	نَاصِرَةٌ	نَاصِرَةً	نَاصِرَةٍ		مَنْصُوْرَةٌ	مَنْصُوْرَةً	مَنْصُوْرَةٍ
۵	نَاصِرَتَانِ	نَاصِرَتَيْنِ	نَاصِرَتَيْنِ		مَنْصُوْرَتَانِ	مَنْصُوْرَتَيْنِ	مَنْصُوْرَتَيْنِ
۶	نَاصِرَاتٌ	نَاصِرَاتِ	نَاصِرَاتِ		مَنْصُوْرَاتٌ	مَنْصُوْرَاتِ	مَنْصُوْرَاتِ

صفحه ۲	۴	اسم فاعل و مفعول ماده السَّمْع					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	سَامِعٌ	سَامِعاً	سَامِعٍ		مَسْمُوْعٌ	مَسْمُوْعاً	مَسْمُوْعٍ
۲	سَامِعَانِ	سَامِعَيْنِ	سَامِعَيْنِ		مَسْمُوْعَانِ	مَسْمُوْعَيْنِ	مَسْمُوْعَيْنِ
۳	سَامِعُوْنَ	سَامِعِيْنَ	سَامِعِيْنَ		مَسْمُوْعُوْنَ	مَسْمُوْعِيْنَ	مَسْمُوْعِيْنَ
۴	سَامِعَةٌ	سَامِعَةً	سَامِعَةٍ		مَسْمُوْعَةٌ	مَسْمُوْعَةً	مَسْمُوْعَةٍ
۵	سَامِعَتَانِ	سَامِعَتَيْنِ	سَامِعَتَيْنِ		مَسْمُوْعَتَانِ	مَسْمُوْعَتَيْنِ	مَسْمُوْعَتَيْنِ
۶	سَامِعَاتٌ	سَامِعَاتِ	سَامِعَاتِ		مَسْمُوْعَاتٌ	مَسْمُوْعَاتِ	مَسْمُوْعَاتِ

تصویر

صفحه ۳	۵	اسم فاعل و مفعول ماده الحِسْبَان				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	حَاسِبٌ	حَاسِباً	حَاسِبٍ		مَحْسُوْبٌ	مَحْسُوْباً	مَحْسُوْبٍ
۲	حَاسِبَانِ	حَاسِبَيْنِ	حَاسِبَيْنِ		مَحْسُوْبَانِ	مَحْسُوْبَيْنِ	مَحْسُوْبَيْنِ
۳	حَاسِبُوْنَ	حَاسِبِيْنَ	حَاسِبِيْنَ		مَحْسُوْبُوْنَ	مَحْسُوْبِيْنَ	مَحْسُوْبِيْنَ
۴	حَاسِبَةٌ	حَاسِبَةً	حَاسِبَةٍ		مَحْسُوْبَةٌ	مَحْسُوْبَةً	مَحْسُوْبَةٍ
۵	حَاسِبَتَانِ	حَاسِبَتَيْنِ	حَاسِبَتَيْنِ		مَحْسُوْبَتَانِ	مَحْسُوْبَتَيْنِ	مَحْسُوْبَتَيْنِ
۶	حَاسِبَاتٌ	حَاسِبَاتٍ	حَاسِبَاتٍ		مَحْسُوْبَاتٌ	مَحْسُوْبَاتٍ	مَحْسُوْبَاتٍ

صفحه ۳	۶	صفت مشبّهه ماده الکَرَامَة		
شماره صیغه	صفت مشبّهه درحالت رفعی	صفت مشبّهه درحالت نصبی	صفت مشبّهه درحالت جری	
۱	کَرِیْمٌ	کَرِیْماً	کَرِیْمٍ	
۲	کَرِیْمَانِ	کَرِیْمَیْنِ	کَرِیْمَیْنِ	
۳	کِرَامٌ	کِرَاماً	کِرَامٍ	
۴	کَرِیْمَةٌ	کَرِیْمَةً	کَرِیْمَةٍ	
۵	کَرِیْمَتَانِ	کَرِیْمَتَیْنِ	کَرِیْمَتَیْنِ	
۶	کَرِیْمَاتٌ	کَرِیْمَاتٍ	کَرِیْمَاتٍ	

مضاعف

تصویر

صفحه ۴	۱	اسم فاعل و مفعول ماده الکَرّ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	کَارٌّ	کَارّاً	کَارٍّ		مَکْرُوْرٌ	مَکْرُوْراً	مَکْرُوْرٍ
۲	کَارَّانِ	کَارَّیْنِ	کَارَّیْنِ		مَکْرُوْرَانِ	مَکْرُوْرَیْنِ	مَکْرُوْرَیْنِ
۳	کَارُّوْنَ	کَارِّیْنَ	کَارِّیْنَ		مَکْرُوْرُوْنَ	مَکْرُوْرِیْنَ	مَکْرُوْرِیْنَ
۴	کَارَّةٌ	کَارَّةً	کَارَّةٍ		مَکْرُوْرَةٌ	مَکْرُوْرَةً	مَکْرُوْرَةٍ
۵	کَارَّتَانِ	کَارَّتَیْنِ	کَارَّتَیْنِ		مَکْرُوْرَتَانِ	مَکْرُوْرَتَیْنِ	مَکْرُوْرَتَیْنِ
۶	کَارَّاتٌ	کَارَّاتِ	کَارَّاتِ		مَکْرُوْرَاتٌ	مَکْرُوْرَاتِ	مَکْرُوْرَاتِ

صفحه ۴	۲	اسم فاعل و مفعول ماده المَدّ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مَادٌّ	مَادّاً	مَادٍّ		مَمْدُوْدٌ	مَمْدُوْداً	مَمْدُوْدٍ
۲	مَادَّانِ	مَادَّیْنِ	مَادَّیْنِ		مَمْدُوْدَانِ	مَمْدُوْدَیْنِ	مَمْدُوْدَیْنِ
۳	مَادُّوْنَ	مَادِّیْنَ	مَادِّیْنَ		مَمْدُوْدُوْنَ	مَمْدُوْدِیْنَ	مَمْدُوْدِیْنَ
۴	مَادَّةٌ	مَادَّةً	مَادَّةٍ		مَمْدُوْدَةٌ	مَمْدُوْدَةً	مَمْدُوْدَةٍ
۵	مَادَّتَانِ	مَادَّتَیْنِ	مَادَّتَیْنِ		مَمْدُوْدَتَانِ	مَمْدُوْدَتَیْنِ	مَمْدُوْدَتَیْنِ
۶	مَادَّاتٌ	مَادَّاتِ	مَادَّاتِ		مَمْدُوْدَاتٌ	مَمْدُوْدَاتِ	مَمْدُوْدَاتِ

تصویر

صفحه ۵	۳	اسم فاعل و مفعول ماده العَضّ				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	عَاضٌّ	عَاضّاً	عَاضٍّ		مَعْضُوْضٌ	مَعْضُوْضاً	مَعْضُوْضٍ
۲	عَاضَّانِ	عَاضَّيْنِ	عَاضَّيْنِ		مَعْضُوْضَانِ	مَعْضُوْضَيْنِ	مَعْضُوْضَيْنِ
۳	عَاضُّوْنَ	عَاضِّيْنَ	عَاضِّيْنَ		مَعْضُوْضُوْنَ	مَعْضُوْضِيْنَ	مَعْضُوْضِيْنَ
۴	عَاضَّةٌ	عَاضَّةً	عَاضَّةٍ		مَعْضُوْضَةٌ	مَعْضُوْضَةً	مَعْضُوْضَةٍ
۵	عَاضَّتَانِ	عَاضَّتَيْنِ	عَاضَّتَيْنِ		مَعْضُوْضَتَانِ	مَعْضُوْضَتَيْنِ	مَعْضُوْضَتَيْنِ
۶	عَاضَّاتٌ	عَاضَّاتٍ	عَاضَّاتٍ		مَعْضُوْضَاتٌ	مَعْضُوْضَاتٍ	مَعْضُوْضَاتٍ

معتل

مثال واوی

تصویر



صفحه ۶	۱	اسم فاعل و مفعول ماده الوَضْع				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاضِعٌ	وَاضِعاً	وَاضِعٍ		مَوْضُوْعٌ	مَوْضُوْعاً	مَوْضُوْعٍ
۲	وَاضِعَانِ	وَاضِعَيْنِ	وَاضِعَيْنِ		مَوْضُوْعَانِ	مَوْضُوْعَيْنِ	مَوْضُوْعَيْنِ
۳	وَاضِعُوْنَ	وَاضِعِيْنَ	وَاضِعِيْنَ		مَوْضُوْعُوْنَ	مَوْضُوْعِيْنَ	مَوْضُوْعِيْنَ
۴	وَاضِعَةٌ	وَاضِعَةً	وَاضِعَةٍ		مَوْضُوْعَةٌ	مَوْضُوْعَةً	مَوْضُوْعَةٍ
۵	وَاضِعَتَانِ	وَاضِعَتَيْنِ	وَاضِعَتَيْنِ		مَوْضُوْعَتَانِ	مَوْضُوْعَتَيْنِ	مَوْضُوْعَتَيْنِ
۶	وَاضِعَاتٌ	وَاضِعَاتِ	وَاضِعَاتِ		مَوْضُوْعَاتٌ	مَوْضُوْعَاتِ	مَوْضُوْعَاتِ



صفحه ۶	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الوَعْد				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاعِدٌ	وَاعِداً	وَاعِدٍ		مَوْعُوْدٌ	مَوْعُوْداً	مَوْعُوْدٍ
۲	وَاعِدَانِ	وَاعِدَيْنِ	وَاعِدَيْنِ		مَوْعُوْدَانِ	مَوْعُوْدَيْنِ	مَوْعُوْدَيْنِ
۳	وَاعِدُوْنَ	وَاعِدِيْنَ	وَاعِدِيْنَ		مَوْعُوْدُوْنَ	مَوْعُوْدِيْنَ	مَوْعُوْدِيْنَ
۴	وَاعِدَةٌ	وَاعِدَةً	وَاعِدَةٍ		مَوْعُوْدَةٌ	مَوْعُوْدَةً	مَوْعُوْدَةٍ
۵	وَاعِدَتَانِ	وَاعِدَتَيْنِ	وَاعِدَتَيْنِ		مَوْعُوْدَتَانِ	مَوْعُوْدَتَيْنِ	مَوْعُوْدَتَيْنِ
۶	وَاعِدَاتٌ	وَاعِدَاتِ	وَاعِدَاتِ		مَوْعُوْدَاتٌ	مَوْعُوْدَاتِ	مَوْعُوْدَاتِ

تصویر



صفحه ۷	۳	اسم فاعل و مفعول ماده الوَجَل				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاجِلٌ	وَاجِلاً	وَاجِلٍ		مَوْجُوْلٌ بِهِ	مَوْجُوْلاً بِهِ	مَوْجُوْلٍ بِهِ
۲	وَاجِلَانِ	وَاجِلَيْنِ	وَاجِلَيْنِ		مَوْجُوْلٌ بِهِمَا	مَوْجُوْلاً بِهِمَا	مَوْجُوْلٍ بِهِمَا
۳	وَاجِلُوْنَ	وَاجِلِيْنَ	وَاجِلِيْنَ		مَوْجُوْلٌ بِهِمْ	مَوْجُوْلاً بِهِمْ	مَوْجُوْلٍ بِهِمْ
۴	وَاجِلَةٌ	وَاجِلَةً	وَاجِلَةٍ		مَوْجُوْلٌ بِهَا	مَوْجُوْلاً بِهَا	مَوْجُوْلٍ بِهَا
۵	وَاجِلَتَانِ	وَاجِلَتَيْنِ	وَاجِلَتَيْنِ		مَوْجُوْلٌ بِهِمَا	مَوْجُوْلاً بِهِمَا	مَوْجُوْلٍ بِهِمَا
۶	وَاجِلَاتٌ	وَاجِلَاتٍ	وَاجِلَاتٍ		مَوْجُوْلٌ بِهِنَّ	مَوْجُوْلاً بِهِنَّ	مَوْجُوْلٍ بِهِنَّ



صفحه ۷	۴	اسم فاعل و مفعول ماده الوَرَم				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَارِمٌ	وَارِماً	وَارِمٍ		مَوْرُوْمٌ بِهِ	مَوْرُوْماً بِهِ	مَوْرُوْمٍ بِهِ
۲	وَارِمَانِ	وَارِمَيْنِ	وَارِمَيْنِ		مَوْرُوْمٌ بِهِمَا	مَوْرُوْماً بِهِمَا	مَوْرُوْمٍ بِهِمَا
۳	وَارِمُوْنَ	وَارِمِيْنَ	وَارِمِيْنَ		مَوْرُوْمٌ بِهِمْ	مَوْرُوْماً بِهِمْ	مَوْرُوْمٍ بِهِمْ
۴	وَارِمَةٌ	وَارِمَةً	وَارِمَةٍ		مَوْرُوْمٌ بِهَا	مَوْرُوْماً بِهَا	مَوْرُوْمٍ بِهَا
۵	وَارِمَتَانِ	وَارِمَتَيْنِ	وَارِمَتَيْنِ		مَوْرُوْمٌ بِهِمَا	مَوْرُوْماً بِهِمَا	مَوْرُوْمٍ بِهِمَا
۶	وَارِمَاتٌ	وَارِمَاتٍ	وَارِمَاتٍ		مَوْرُوْمٌ بِهِنَّ	مَوْرُوْماً بِهِنَّ	مَوْرُوْمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۸	۵	صفت مشبّهه ماده الوَسَامَةُ	
شماره صیغه	صفت مشبّهه درحالت رفعی	صفت مشبّهه درحالت نصبی	صفت مشبّهه درحالت جری
۱	وَسِيْمٌ	وَسِيْماً	وَسِيْمٍ
۲	وَسِيْمَانِ	وَسِيْمَيْنِ	وَسِيْمَيْنِ
۳	وِسَامٌ	وِسَاماً	وِسَامٍ
۴	وَسِيْمَةٌ	وَسِيْمَةً	وَسِيْمَةٍ
۵	وَسِيْمَتَانِ	وَسِيْمَتَيْنِ	وَسِيْمَتَيْنِ
۶	وِسَامٌ	وِسَاماً	وِسَامٍ

مثال یایی

تصویر

صفحه ۹	۱	اسم فاعل و مفعول ماده الیُسْر				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	يَاسِرٌ	يَاسِراً	يَاسِرٍ		مَيْسُوْرٌ بِهِ	مَيْسُوْراً بِهِ	مَيْسُوْرٍ بِهِ
۲	يَاسِرَانِ	يَاسِرَيْنِ	يَاسِرَيْنِ		مَيْسُوْرٌ بِهِمَا	مَيْسُوْراً بِهِمَا	مَيْسُوْرٍ بِهِمَا
۳	يَاسِرُوْنَ	يَاسِرِيْنَ	يَاسِرِيْنَ		مَيْسُوْرٌ بِهِمْ	مَيْسُوْراً بِهِمْ	مَيْسُوْرٍ بِهِمْ
۴	يَاسِرَةٌ	يَاسِرَةً	يَاسِرَةٍ		مَيْسُوْرٌ بِهَا	مَيْسُوْراً بِهَا	مَيْسُوْرٍ بِهَا
۵	يَاسِرَتَانِ	يَاسِرَتَيْنِ	يَاسِرَتَيْنِ		مَيْسُوْرٌ بِهِمَا	مَيْسُوْراً بِهِمَا	مَيْسُوْرٍ بِهِمَا
۶	يَاسِرَاتٌ	يَاسِرَاتِ	يَاسِرَاتٍ		مَيْسُوْرٌ بِهِنَّ	مَيْسُوْراً بِهِنَّ	مَيْسُوْرٍ بِهِنَّ

صفحه ۹	۲	اسم فاعل و مفعول ماده اليَقْن				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	يَاقِنٌ	يَاقِناً	يَاقِنٍ		مَيْقُوْنٌ	مَيْقُوْناً	مَيْقُوْنٍ
۲	يَاقِنَانِ	يَاقِنَيْنِ	يَاقِنَيْنِ		مَيْقُوْنَانِ	مَيْقُوْنَيْنِ	مَيْقُوْنَيْنِ
۳	يَاقِنُوْنَ	يَاقِنِيْنَ	يَاقِنِيْنَ		مَيْقُوْنُوْنَ	مَيْقُوْنِيْنَ	مَيْقُوْنِيْنَ
۴	يَاقِنَةٌ	يَاقِنَةً	يَاقِنَةٍ		مَيْقُوْنَةٌ	مَيْقُوْنَةً	مَيْقُوْنَةٍ
۵	يَاقِنَتَانِ	يَاقِنَتَيْنِ	يَاقِنَتَيْنِ		مَيْقُوْنَتَانِ	مَيْقُوْنَتَيْنِ	مَيْقُوْنَتَيْنِ
۶	يَاقِنَاتٌ	يَاقِنَاتِ	يَاقِنَاتٍ		مَيْقُوْنَاتٌ	مَيْقُوْنَاتِ	مَيْقُوْنَاتٍ

تصویر

صفحه ۱۰	۳	اسم فاعل و مفعول ماده اليُمْن				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	يَامِنٌ	يَامِناً	يَامِنٍ		مَيْمُوْنٌ بِهِ	مَيْمُوْناً بِهِ	مَيْمُوْنٍ بِهِ
۲	يَامِنَانِ	يَامِنَيْنِ	يَامِنَيْنِ		مَيْمُوْنٌ بِهِمَا	مَيْمُوْناً بِهِمَا	مَيْمُوْنٍ بِهِمَا
۳	يَامِنُوْنَ	يَامِنِيْنَ	يَامِنِيْنَ		مَيْمُوْنٌ بِهِمْ	مَيْمُوْناً بِهِمْ	مَيْمُوْنٍ بِهِمْ
۴	يَامِنَةٌ	يَامِنَةً	يَامِنَةٍ		مَيْمُوْنٌ بِهَا	مَيْمُوْناً بِهَا	مَيْمُوْنٍ بِهَا
۵	يَامِنَتَانِ	يَامِنَتَيْنِ	يَامِنَتَيْنِ		مَيْمُوْنٌ بِهِمَا	مَيْمُوْناً بِهِمَا	مَيْمُوْنٍ بِهِمَا
۶	يَامِنَاتٌ	يَامِنَاتٍ	يَامِنَاتٍ		مَيْمُوْنٌ بِهِنَّ	مَيْمُوْناً بِهِنَّ	مَيْمُوْنٍ بِهِنَّ

اجوف واوی

تصویر



صفحه ۱۱	۱	اسم فاعل و مفعول ماده القَوْل				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	قَائِلٌ	قَائِلاً	قَائِلٍ		مَقُوْلٌ	مَقُوْلاً	مَقُوْلٍ
۲	قَائِلَانِ	قَائِلَيْنِ	قَائِلَيْنِ		مَقُوْلَانِ	مَقُوْلَيْنِ	مَقُوْلَيْنِ
۳	قَائِلُوْنَ	قَائِلِيْنَ	قَائِلِيْنَ		مَقُوْلُوْنَ	مَقُوْلِيْنَ	مَقُوْلِيْنَ
۴	قَائِلَةٌ	قَائِلَةً	قَائِلَةٍ		مَقُوْلَةٌ	مَقُوْلَةً	مَقُوْلَةٍ
۵	قَائِلَتَانِ	قَائِلَتَيْنِ	قَائِلَتَيْنِ		مَقُوْلَتَانِ	مَقُوْلَتَيْنِ	مَقُوْلَتَيْنِ
۶	قَائِلَاتٌ	قَائِلَاتِ	قَائِلَاتِ		مَقُوْلَاتٌ	مَقُوْلَاتِ	مَقُوْلَاتِ

صفحه ۱۱	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الخَوْف				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	خَائِفٌ	خَائِفاً	خَائِفٍ		مَخُوْفٌ	مَخُوْفاً	مَخُوْفٍ
۲	خَائِفَانِ	خَائِفَيْنِ	خَائِفَيْنِ		مَخُوْفَانِ	مَخُوْفَيْنِ	مَخُوْفَيْنِ
۳	خَائِفُوْنَ	خَائِفِيْنَ	خَائِفِيْنَ		مَخُوْفُوْنَ	مَخُوْفِيْنَ	مَخُوْفِيْنَ
۴	خَائِفَةٌ	خَائِفَةً	خَائِفَةٍ		مَخُوْفَةٌ	مَخُوْفَةً	مَخُوْفَةٍ
۵	خَائِفَتَانِ	خَائِفَتَيْنِ	خَائِفَتَيْنِ		مَخُوْفَتَانِ	مَخُوْفَتَيْنِ	مَخُوْفَتَيْنِ
۶	خَائِفَاتٌ	خَائِفَاتِ	خَائِفَاتِ		مَخُوْفَاتٌ	مَخُوْفَاتِ	مَخُوْفَاتِ

ص: ۱۱

اجوف یایی

تصویر

صفحه ۱۲	۱	اسم فاعل و مفعول ماده البَیْع				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	بَائِعٌ	بَائِعاً	بَائِعٍ		مَبِیْعٌ	مَبِیْعاً	مَبِیْعٍ
۲	بَائِعَانِ	بَائِعَیْنِ	بَائِعَیْنِ		مَبِیْعَانِ	مَبِیْعَیْنِ	مَبِیْعَیْنِ
۳	بَائِعُوْنَ	بَائِعِیْنَ	بَائِعِیْنَ		مَبِیْعُوْنَ	مَبِیْعِیْنَ	مَبِیْعِیْنَ
۴	بَائِعَةٌ	بَائِعَةً	بَائِعَةٍ		مَبِیْعَةٌ	مَبِیْعَةً	مَبِیْعَةٍ
۵	بَائِعَتَانِ	بَائِعَتَیْنِ	بَائِعَتَیْنِ		مَبِیْعَتَانِ	مَبِیْعَتَیْنِ	مَبِیْعَتَیْنِ
۶	بَائِعَاتٌ	بَائِعَاتِ	بَائِعَاتٍ		مَبِیْعَاتٌ	مَبِیْعَاتِ	مَبِیْعَاتٍ

صفحه ۱۲	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الهَیْبَة				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	هَائِبٌ	هَائِباً	هَائِبٍ		مَهِیْبٌ	مَهِیْباً	مَهِیْبٍ
۲	هَائِبَانِ	هَائِبَیْنِ	هَائِبَیْنِ		مَهِیْبَانِ	مَهِیْبَیْنِ	مَهِیْبَیْنِ
۳	هَائِبُوْنَ	هَائِبِیْنَ	هَائِبِیْنَ		مَهِیْبُوْنَ	مَهِیْبِیْنَ	مَهِیْبِیْنَ
۴	هَائِبَةٌ	هَائِبَةً	هَائِبَةٍ		مَهِیْبَةٌ	مَهِیْبَةً	مَهِیْبَةٍ
۵	هَائِبَتَانِ	هَائِبَتَیْنِ	هَائِبَتَیْنِ		مَهِیْبَتَانِ	مَهِیْبَتَیْنِ	مَهِیْبَتَیْنِ
۶	هَائِبَاتٌ	هَائِبَاتِ	هَائِبَاتٍ		مَهِیْبَاتٌ	مَهِیْبَاتِ	مَهِیْبَاتٍ

ص: ۱۲

ناقص واوی

تصویر



صفحه ۱۳	۱ (۱)	اسم فاعل و مفعول ماده الدّعْوَةُ				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	دَاعٍ	دَاعِياً	دَاعٍ		مَدْعُوٌّ	مَدْعُوّاً	مَدْعُوٍّ
۲	دَاعِيَانِ	دَاعِيَيْنِ	دَاعِيَيْنِ		مَدْعُوَّانِ	مَدْعُوَّيْنِ	مَدْعُوَّيْنِ
۳	دَاعُوْنَ	دَاعِيْنَ	دَاعِيْنَ		مَدْعُوُّوْنَ	مَدْعُوِّيْنَ	مَدْعُوِّيْنَ
۴	دَاعِيَةٌ	دَاعِيَةً	دَاعِيَةٍ		مَدْعُوَّةٌ	مَدْعُوَّةً	مَدْعُوَّةٍ
۵	دَاعِيَتَانِ	دَاعِيَتَيْنِ	دَاعِيَتَيْنِ		مَدْعُوَّتَانِ	مَدْعُوَّتَيْنِ	مَدْعُوَّتَيْنِ
۶	دَاعِيَاتٌ	دَاعِيَاتِ	دَاعِيَاتٍ		مَدْعُوَّاتٌ	مَدْعُوَّاتِ	مَدْعُوَّاتٍ

صفحه ۱۳	۱ (۲)	اسم فاعل و مفعول ماده الدّعْوَةُ (با الف و لام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الدَّاعِي	الدَّاعِيَ	الدَّاعِي		المَدْعُوُّ	المَدْعُوَّ	المَدْعُوِّ
۲	الدَّاعِيَانِ	الدَّاعِيَيْنِ	الدَّاعِيَيْنِ		المَدْعُوَّانِ	المَدْعُوَّيْنِ	المَدْعُوَّيْنِ
۳	الدَّاعُوْنَ	الدَّاعِيْنَ	الدَّاعِيْنَ		المَدْعُوُّوْنَ	المَدْعُوِّيْنَ	المَدْعُوِّيْنَ
۴	الدَّاعِيَةُ	الدَّاعِيَةَ	الدَّاعِيَةِ		المَدْعُوَّةُ	المَدْعُوَّةَ	المَدْعُوَّةِ
۵	الدَّاعِيَتَانِ	الدَّاعِيَتَيْنِ	الدَّاعِيَتَيْنِ		المَدْعُوَّتَانِ	المَدْعُوَّتَيْنِ	المَدْعُوَّتَيْنِ
۶	الدَّاعِيَاتُ	الدَّاعِيَاتِ	الدَّاعِيَاتِ		المَدْعُوَّاتُ	المَدْعُوَّاتِ	المَدْعُوَّاتِ

ص: ۱۳

تصویر

صفحه ۱۴	۲ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرِّضَا					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَاضٍ	رَاضِياً	رَاضٍ	مَرْضِيٌّ	مَرْضِيّاً	مَرْضِيٍّ
۲	رَاضِيَانِ	رَاضِيَيْنِ	رَاضِيَيْنِ	مَرْضِيَّانِ	مَرْضِيَّيْنِ	مَرْضِيَّيْنِ
۳	رَاضُوْنَ	رَاضِيْنَ	رَاضِيْنَ	مَرْضِيُّوْنَ	مَرْضِيِّيْنَ	مَرْضِيِّيْنَ
۴	رَاضِيَةٌ	رَاضِيَةً	رَاضِيَةٍ	مَرْضِيَّةٌ	مَرْضِيَّةً	مَرْضِيَّةٍ
۵	رَاضِيَتَانِ	رَاضِيَتَيْنِ	رَاضِيَتَيْنِ	مَرْضِيَّتَانِ	مَرْضِيَّتَيْنِ	مَرْضِيَّتَيْنِ
۶	رَاضِيَاتٌ	رَاضِيَاتٍ	رَاضِيَاتٍ	مَرْضِيَّاتٌ	مَرْضِيَّاتٍ	مَرْضِيَّاتٍ

صفحه ۱۴	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرِّضَا (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّاضِي	الرَّاضِيَ	الرَّاضِي	المَرْضِيُّ	المَرْضِيَّ	المَرْضِيِّ
۲	الرَّاضِيَانِ	الرَّاضِيَيْنِ	الرَّاضِيَيْنِ	المَرْضِيَّانِ	المَرْضِيَّيْنِ	المَرْضِيَّيْنِ
۳	الرَّاضُوْنَ	الرَّاضِيْنَ	الرَّاضِيْنَ	المَرْضِيُّوْنَ	المَرْضِيِّيْنَ	المَرْضِيِّيْنَ
۴	الرَّاضِيَةُ	الرَّاضِيَةَ	الرَّاضِيَةِ	المَرْضِيَّةُ	المَرْضِيَّةَ	المَرْضِيَّةِ
۵	الرَّاضِيَتَانِ	الرَّاضِيَتَيْنِ	الرَّاضِيَتَيْنِ	المَرْضِيَّتَانِ	المَرْضِيَّتَيْنِ	المَرْضِيَّتَيْنِ
۶	الرَّاضِيَاتُ	الرَّاضِيَاتِ	الرَّاضِيَاتِ	المَرْضِيَّاتُ	المَرْضِيَّاتِ	المَرْضِيَّاتِ

تصویر



صفحه ۱۵	۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرَّخْوَةُ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَاخٍ	رَاخِياً	رَاخٍ	مَرْخُوٌّ بِهِ	مَرْخُوّاً بِهِ	مَرْخُوٍّ بِهِ
۲	رَاخِيَانِ	رَاخِيَيْنِ	رَاخِيَيْنِ	مَرْخُوٌّ بِهِمَا	مَرْخُوّاً بِهِمَا	مَرْخُوٍّ بِهِمَا
۳	رَاخُوْنَ	رَاخِيْنَ	رَاخِيْنَ	مَرْخُوٌّ بِهِمْ	مَرْخُوّاً بِهِمْ	مَرْخُوٍّ بِهِمْ
۴	رَاخِيَةٌ	رَاخِيَةً	رَاخِيَةٍ	مَرْخُوٌّ بِهَا	مَرْخُوّاً بِهَا	مَرْخُوٍّ بِهَا
۵	رَاخِيَتَانِ	رَاخِيَتَيْنِ	رَاخِيَتَيْنِ	مَرْخُوٌّ بِهِمَا	مَرْخُوّاً بِهِمَا	مَرْخُوٍّ بِهِمَا
۶	رَاخِيَاتٌ	رَاخِيَاتٍ	رَاخِيَاتٍ	مَرْخُوٌّ بِهِنَّ	مَرْخُوّاً بِهِنَّ	مَرْخُوٍّ بِهِنَّ

صفحه ۱۵	۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرَّخْوَةُ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّاخِي	الرَّاخِيَ	الرَّاخِي	المَرْخُوُّبِهِ	المَرْخُوَّبِهِ	المَرْخُوِّبِهِ
۲	الرَّاخِيَانِ	الرَّاخِيَيْنِ	الرَّاخِيَيْنِ	المَرْخُوُّبِهِمَا	المَرْخُوَّبِهِمَا	المَرْخُوِّبِهِمَا
۳	الرَّاخُوْنَ	الرَّاخِيْنَ	الرَّاخِيْنَ	المَرْخُوُّبِهِمْ	المَرْخُوَّبِهِمْ	المَرْخُوِّبِهِمْ
۴	الرَّاخِيَةُ	الرَّاخِيَةَ	الرَّاخِيَةِ	المَرْخُوُّبِهَا	المَرْخُوَّبِهَا	المَرْخُوِّبِهَا
۵	الرَّاخِيَتَانِ	الرَّاخِيَتَيْنِ	الرَّاخِيَتَيْنِ	المَرْخُوُّبِهِمَا	المَرْخُوَّبِهِمَا	المَرْخُوِّبِهِمَا
۶	الرَّاخِيَاتُ	الرَّاخِيَاتِ	الرَّاخِيَاتِ	المَرْخُوُّبِهِنَّ	المَرْخُوَّبِهِنَّ	المَرْخُوِّبِهِنَّ

ناقص یایی

تصویر



صفحه ۱۶	۱(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرّعْی					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَاعٍ	رَاعِياً	رَاعٍ		مَرْعِيٌّ	مَرْعِيّاً	مَرْعِيّ
۲	رَاعِيَانِ	رَاعِيَيْنِ	رَاعِيَيْنِ		مَرْعِيَّانِ	مَرْعِيَّيْنِ	مَرْعِيَّيْنِ
۳	رَاعُوْنَ	رَاعِيْنَ	رَاعِيْنَ		مَرْعِيُّوْنَ	مَرْعِيِّيْنَ	مَرْعِيِّيْنَ
۴	رَاعِيَةٌ	رَاعِيَةً	رَاعِيَةٍ		مَرْعِيَّةٌ	مَرْعِيَّةً	مَرْعِيَّةٍ
۵	رَاعِيَتَانِ	رَاعِيَتَيْنِ	رَاعِيَتَيْنِ		مَرْعِيَّتَانِ	مَرْعِيَّتَيْنِ	مَرْعِيَّتَيْنِ
۶	رَاعِيَاتٌ	رَاعِيَاتِ	رَاعِيَاتٍ		مَرْعِيَّاتٌ	مَرْعِيَّاتِ	مَرْعِيَّاتٍ

صفحه ۱۶	۱(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرّعْی (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّاعِي	الرَّاعِيَ	الرَّاعِي		المَرْعِيُّ	المَرْعِيَّ	المَرْعِيِّ
۲	الرَّاعِيَانِ	الرَّاعِيَيْنِ	الرَّاعِيَيْنِ		المَرْعِيَّانِ	المَرْعِيَّيْنِ	المَرْعِيَّيْنِ
۳	الرَّاعُوْنَ	الرَّاعِيْنَ	الرَّاعِيْنَ		المَرْعِيُّوْنَ	المَرْعِيِّيْنَ	المَرْعِيِّيْنَ
۴	الرَّاعِيَةُ	الرَّاعِيَةَ	الرَّاعِيَةِ		المَرْعِيَّةُ	المَرْعِيَّةَ	المَرْعِيَّةِ
۵	الرَّاعِيَتَانِ	الرَّاعِيَتَيْنِ	الرَّاعِيَتَيْنِ		المَرْعِيَّتَانِ	المَرْعِيَّتَيْنِ	المَرْعِيَّتَيْنِ
۶	الرَّاعِيَاتُ	الرَّاعِيَاتِ	الرَّاعِيَاتِ		المَرْعِيَّاتُ	المَرْعِيَّاتِ	المَرْعِيَّاتِ

ص: ۱۶

تصویر

صفحه ۱۷	۲ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرَّمْی					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَامٍ	رَامِياً	رَامٍ	مَرْمِيٌّ	مَرْمِيّاً	مَرْمِيّ
۲	رَامِيَانِ	رَامِيَيْنِ	رَامِيَيْنِ	مَرْمِيَّانِ	مَرْمِيَّيْنِ	مَرْمِيَّيْنِ
۳	رَامُوْنَ	رَامِيْنَ	رَامِيْنَ	مَرْمِيُّوْنَ	مَرْمِيِّيْنَ	مَرْمِيِّيْنَ
۴	رَامِيَةٌ	رَامِيَةً	رَامِيَةٍ	مَرْمِيَّةٌ	مَرْمِيَّةً	مَرْمِيَّةٍ
۵	رَامِيَتَانِ	رَامِيَتَيْنِ	رَامِيَتَيْنِ	مَرْمِيَّتَانِ	مَرْمِيَّتَيْنِ	مَرْمِيَّتَيْنِ
۶	رَامِيَاتٌ	رَامِيَاتِ	رَامِيَاتِ	مَرْمِيَّاتٌ	مَرْمِيَّاتِ	مَرْمِيَّاتِ

صفحه ۱۷	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرَّمْی (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّامِي	الرَّامِیَ	الرَّامِي	المَرْمِيُّ	المَرْمِیَّ	المَرْمِيِّ
۲	الرَّامِيَانِ	الرَّامِيَيْنِ	الرَّامِيَيْنِ	المَرْمِيَّانِ	المَرْمِيَّيْنِ	المَرْمِيَّيْنِ
۳	الرَّامُوْنَ	الرَّامِيْنَ	الرَّامِيْنَ	المَرْمِيُّوْنَ	المَرْمِيِّيْنَ	المَرْمِيِّيْنَ
۴	الرَّامِيَةُ	الرَّامِيَةَ	الرَّامِيَةِ	المَرْمِيَّةُ	المَرْمِيَّةَ	المَرْمِيَّةِ
۵	الرَّامِيَتَانِ	الرَّامِيَتَيْنِ	الرَّامِيَتَيْنِ	المَرْمِيَّتَانِ	المَرْمِيَّتَيْنِ	المَرْمِيَّتَيْنِ
۶	الرَّامِيَاتُ	الرَّامِيَاتِ	الرَّامِيَاتِ	المَرْمِيَّاتُ	المَرْمِيَّاتِ	المَرْمِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۱۸	۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الخَشْيَةُ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	خَاشٍ	خَاشِياً	خَاشٍ	مَخْشِيٌّ	مَخْشِيّاً	مَخْشِيٍّ
۲	خَاشِيَانِ	خَاشِيَيْنِ	خَاشِيَيْنِ	مَخْشِيَّانِ	مَخْشِيَّيْنِ	مَخْشِيَّيْنِ
۳	خَاشُوْنَ	خَاشِيْنَ	خَاشِيْنَ	مَخْشِيُّوْنَ	مَخْشِيِّيْنَ	مَخْشِيِّيْنَ
۴	خَاشِيَةٌ	خَاشِيَةً	خَاشِيَةٍ	مَخْشِيَّةٌ	مَخْشِيَّةً	مَخْشِيَّةٍ
۵	خَاشِيَتَانِ	خَاشِيَتَيْنِ	خَاشِيَتَيْنِ	مَخْشِيَّتَانِ	مَخْشِيَّتَيْنِ	مَخْشِيَّتَيْنِ
۶	خَاشِيَاتٌ	خَاشِيَاتِ	خَاشِيَاتٍ	مَخْشِيَّاتٌ	مَخْشِيَّاتِ	مَخْشِيَّاتٍ

صفحه ۱۸	۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الخَشْيَةُ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الخَاشِي	الخَاشِيَ	الخَاشِي	المَخْشِيُّ	المَخْشِيَّ	المَخْشِيِّ
۲	الخَاشِيَانِ	الخَاشِيَيْنِ	الخَاشِيَيْنِ	المَخْشِيَّانِ	المَخْشِيَّيْنِ	المَخْشِيَّيْنِ
۳	الخَاشُوْنَ	الخَاشِيْنَ	الخَاشِيْنَ	المَخْشِيُّوْنَ	المَخْشِيِّيْنَ	المَخْشِيِّيْنَ
۴	الخَاشِيَةُ	الخَاشِيَةَ	الخَاشِيَةِ	المَخْشِيَّةُ	المَخْشِيَّةَ	المَخْشِيَّةِ
۵	الخَاشِيَتَانِ	الخَاشِيَتَيْنِ	الخَاشِيَتَيْنِ	المَخْشِيَّتَانِ	المَخْشِيَّتَيْنِ	المَخْشِيَّتَيْنِ
۶	الخَاشِيَاتُ	الخَاشِيَاتِ	الخَاشِيَاتِ	المَخْشِيَّاتُ	المَخْشِيَّاتِ	المَخْشِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۱۹	۱(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوِقَایَهٔ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاقٍ	وَاقِياً	وَاقٍ	مَوْقِيٌّ	مَوْقِيّاً	مَوْقِيٍّ
۲	وَاقِيَانِ	وَاقِيَيْنِ	وَاقِيَيْنِ	مَوْقِيَّانِ	مَوْقِيَّيْنِ	مَوْقِيَّيْنِ
۳	وَاقُوْنَ	وَاقِيْنَ	وَاقِيْنَ	مَوْقِيُّوْنَ	مَوْقِيِّيْنَ	مَوْقِيِّيْنَ
۴	وَاقِيَةٌ	وَاقِيَةً	وَاقِيَةٍ	مَوْقِيَّةٌ	مَوْقِيَّةً	مَوْقِيَّةٍ
۵	وَاقِيَتَانِ	وَاقِيَتَيْنِ	وَاقِيَتَيْنِ	مَوْقِيَّتَانِ	مَوْقِيَّتَيْنِ	مَوْقِيَّتَيْنِ
۶	وَاقِيَاتٌ	وَاقِيَاتٍ	وَاقِيَاتٍ	مَوْقِيَّاتٌ	مَوْقِيَّاتٍ	مَوْقِيَّاتٍ

صفحه ۱۹	۱(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوِقَایَهٔ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَاقِي	الوَاقِيَ	الوَاقِي	المَوْقِيُّ	المَوْقِيَّ	المَوْقِيِّ
۲	الوَاقِيَانِ	الوَاقِيَيْنِ	الوَاقِيَيْنِ	المَوْقِيَّانِ	المَوْقِيَّيْنِ	المَوْقِيَّيْنِ
۳	الوَاقُوْنَ	الوَاقِيْنَ	الوَاقِيْنَ	المَوْقِيُّوْنَ	المَوْقِيِّيْنَ	المَوْقِيِّيْنَ
۴	الوَاقِيَةُ	الوَاقِيَةَ	الوَاقِيَةِ	المَوْقِيَّةُ	المَوْقِيَّةَ	المَوْقِيَّةِ
۵	الوَاقِيَتَانِ	الوَاقِيَتَيْنِ	الوَاقِيَتَيْنِ	المَوْقِيَّتَانِ	المَوْقِيَّتَيْنِ	المَوْقِيَّتَيْنِ
۶	الوَاقِيَاتُ	الوَاقِيَاتِ	الوَاقِيَاتِ	المَوْقِيَّاتُ	المَوْقِيَّاتِ	المَوْقِيَّاتِ

تصویر



صفحه ۲۰	۲ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوَجَی					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاجٍ	وَاجِياً	وَاجٍ	مَوْجِيٌّ بِهِ	مَوْجِيّاً بِهِ	مَوْجِيٍّ بِهِ
۲	وَاجِيَانِ	وَاجِيَيْنِ	وَاجِيَيْنِ	مَوْجِيٌّ بِهِمَا	مَوْجِيّاً بِهِمَا	مَوْجِيٍّ بِهِمَا
۳	وَاجُوْنَ	وَاجِيْنَ	وَاجِيْنَ	مَوْجِيٌّ بِهِمْ	مَوْجِيّاً بِهِمْ	مَوْجِيٍّ بِهِمْ
۴	وَاجِيَةٌ	وَاجِيَةً	وَاجِيَةٍ	مَوْجِيٌّ بِهَا	مَوْجِيّاً بِهَا	مَوْجِيٍّ بِهَا
۵	وَاجِيَتَانِ	وَاجِيَتَيْنِ	وَاجِيَتَيْنِ	مَوْجِيٌّ بِهِمَا	مَوْجِيّاً بِهِمَا	مَوْجِيٍّ بِهِمَا
۶	وَاجِيَاتٌ	وَاجِيَاتٍ	وَاجِيَاتٍ	مَوْجِيٌّ بِهِنَّ	مَوْجِيّاً بِهِنَّ	مَوْجِيٍّ بِهِنَّ

صفحه ۲۰	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوَجَی (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَاجِي	الوَاجِيَ	الوَاجِي	المَوْجِيُّ بِهِ	المَوْجِيَّ بِهِ	المَوْجِيِّ بِهِ
۲	الوَاجِيَانِ	الوَاجِيَيْنِ	الوَاجِيَيْنِ	المَوْجِيُّ بِهِمَا	المَوْجِيَّ بِهِمَا	المَوْجِيِّ بِهِمَا
۳	الوَاجُوْنَ	الوَاجِيْنَ	الوَاجِيْنَ	المَوْجِيُّ بِهِمْ	المَوْجِيَّ بِهِمْ	المَوْجِيِّ بِهِمْ
۴	الوَاجِيَةُ	الوَاجِيَةَ	الوَاجِيَةِ	المَوْجِيُّ بِهَا	المَوْجِيَّ بِهَا	المَوْجِيِّ بِهَا
۵	الوَاجِيَتَانِ	الوَاجِيَتَيْنِ	الوَاجِيَتَيْنِ	المَوْجِيُّ بِهِمَا	المَوْجِيَّ بِهِمَا	المَوْجِيِّ بِهِمَا
۶	الوَاجِيَاتُ	الوَاجِيَاتِ	الوَاجِيَاتِ	المَوْجِيُّ بِهِنَّ	المَوْجِيَّ بِهِنَّ	المَوْجِيِّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۲۱	۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوَلَایَة					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَالٍ	وَالِياً	وَالٍ	مَوْلِيٌّ	مَوْلِيّاً	مَوْلِيّ
۲	وَالِيَانِ	وَالِيَيْنِ	وَالِيَيْنِ	مَوْلِيَّانِ	مَوْلِيَّيْنِ	مَوْلِيَّيْنِ
۳	وَالُوْنَ	وَالِيْنَ	وَالِيْنَ	مَوْلِيُّوْنَ	مَوْلِيِّيْنَ	مَوْلِيِّيْنَ
۴	وَالِيَةٌ	وَالِيَةً	وَالِيَةٍ	مَوْلِيَّةٌ	مَوْلِيَّةً	مَوْلِيَّةٍ
۵	وَالِيَتَانِ	وَالِيَتَيْنِ	وَالِيَتَيْنِ	مَوْلِيَّتَانِ	مَوْلِيَّتَيْنِ	مَوْلِيَّتَيْنِ
۶	وَالِيَاتٌ	وَالِيَاتِ	وَالِيَاتِ	مَوْلِيَّاتٌ	مَوْلِيَّاتِ	مَوْلِيَّاتِ

صفحه ۲۱	۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوَلَایَة (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَالِي	الوَالِيَ	الوَالِي	المَوْلِيُّ	المَوْلِيَّ	المَوْلِيِّ
۲	الوَالِيَانِ	الوَالِيَيْنِ	الوَالِيَيْنِ	المَوْلِيَّانِ	المَوْلِيَّيْنِ	المَوْلِيَّيْنِ
۳	الوَالُوْنَ	الوَالِيْنَ	الوَالِيْنَ	المَوْلِيُّوْنَ	المَوْلِيِّيْنَ	المَوْلِيِّيْنَ
۴	الوَالِيَةُ	الوَالِيَةَ	الوَالِيَةِ	المَوْلِيَّةُ	المَوْلِيَّةَ	المَوْلِيَّةِ
۵	الوَالِيَتَانِ	الوَالِيَتَيْنِ	الوَالِيَتَيْنِ	المَوْلِيَّتَانِ	المَوْلِيَّتَيْنِ	المَوْلِيَّتَيْنِ
۶	الوَالِيَاتُ	الوَالِيَاتِ	الوَالِيَاتِ	المَوْلِيَّاتُ	المَوْلِيَّاتِ	المَوْلِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۲۲	۱(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الشّیّ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	شَاوٍ	شَاوِياً	شَاوٍ	مَشْوِيٌّ	مَشْوِيّاً	مَشْوِيّ
۲	شَاوِيَانِ	شَاوِيَيْنِ	شَاوِيَيْنِ	مَشْوِيَّانِ	مَشْوِيَّيْنِ	مَشْوِيَّيْنِ
۳	شَاوُوْنَ	شَاوِيْنَ	شَاوِيْنَ	مَشْوِيُّوْنَ	مَشْوِيّيْنَ	مَشْوِيّيْنَ
۴	شَاوِيَةٌ	شَاوِيَةً	شَاوِيَةٍ	مَشْوِيَّةٌ	مَشْوِيَّةً	مَشْوِيَّةٍ
۵	شَاوِيَتَانِ	شَاوِيَتَيْنِ	شَاوِيَتَيْنِ	مَشْوِيَّتَانِ	مَشْوِيَّتَيْنِ	مَشْوِيَّتَيْنِ
۶	شَاوِيَاتٌ	شَاوِيَاتِ	شَاوِيَاتِ	مَشْوِيَّاتٌ	مَشْوِيَّاتِ	مَشْوِيَّاتِ

صفحه ۲۲	۱(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الشّیّ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الشَاوِي	الشَاوِيَ	الشَاوِي	الـمَشْوِيُّ	الـمَشْوِيَّ	الـمَشْوِيّ
۲	الشَاوِيَانِ	الشَاوِيَيْنِ	الشَاوِيَيْنِ	الـمَشْوِيَّانِ	الـمَشْوِيَّيْنِ	الـمَشْوِيَّيْنِ
۳	الشَاوُوْنَ	الشَاوِيْنَ	الشَاوِيْنَ	الـمَشْوِيُّوْنَ	الـمَشْوِيّيْنَ	الـمَشْوِيّيْنَ
۴	الشَاوِيَةُ	الشَاوِيَةَ	الشَاوِيَةِ	الـمَشْوِيَّةُ	الـمَشْوِيَّةَ	الـمَشْوِيَّةِ
۵	الشَاوِيَتَانِ	الشَاوِيَتَيْنِ	الشَاوِيَتَيْنِ	الـمَشْوِيَّتَانِ	الـمَشْوِيَّتَيْنِ	الـمَشْوِيَّتَيْنِ
۶	الشَاوِيَاتُ	الشَاوِيَاتِ	الشَاوِيَاتِ	الـمَشْوِيَّاتُ	الـمَشْوِيَّاتِ	الـمَشْوِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۲۳	۲ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده القُوّة					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	قَاوٍ	قَاوِياً	قَاوٍ	مَقْوِيٌّ	مَقْوِيّاً	مَقْوِيّ
۲	قَاوِيَانِ	قَاوِيَيْنِ	قَاوِيَيْنِ	مَقْوِيَّانِ	مَقْوِيَّيْنِ	مَقْوِيَّيْنِ
۳	قَاوُوْنَ	قَاوِيْنَ	قَاوِيْنَ	مَقْوِيُّوْنَ	مَقْوِيِّيْنَ	مَقْوِيِّيْنَ
۴	قَاوِيَةٌ	قَاوِيَةً	قَاوِيَةٍ	مَقْوِيَّةٌ	مَقْوِيَّةً	مَقْوِيَّةٍ
۵	قَاوِيَتَانِ	قَاوِيَتَيْنِ	قَاوِيَتَيْنِ	مَقْوِيَّتَانِ	مَقْوِيَّتَيْنِ	مَقْوِيَّتَيْنِ
۶	قَاوِيَاتٌ	قَاوِيَاتِ	قَاوِيَاتِ	مَقْوِيَّاتٌ	مَقْوِيَّاتِ	مَقْوِيَّاتِ

صفحه ۲۳	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده القُوّة (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	القَاوِي	القَاوِيَ	القَاوِي	المَقْوِيُّ	المَقْوِيَّ	المَقْوِيّ
۲	القَاوِيَانِ	القَاوِيَيْنِ	القَاوِيَيْنِ	المَقْوِيَّانِ	المَقْوِيَّيْنِ	المَقْوِيَّيْنِ
۳	القَاوُوْنَ	القَاوِيْنَ	القَاوِيْنَ	المَقْوِيُّوْنَ	المَقْوِيِّيْنَ	المَقْوِيِّيْنَ
۴	القَاوِيَةُ	القَاوِيَةَ	القَاوِيَةِ	المَقْوِيَّةُ	المَقْوِيَّةَ	المَقْوِيَّةِ
۵	القَاوِيَتَانِ	القَاوِيَتَيْنِ	القَاوِيَتَيْنِ	المَقْوِيَّتَانِ	المَقْوِيَّتَيْنِ	المَقْوِيَّتَيْنِ
۶	القَاوِيَاتُ	القَاوِيَاتِ	القَاوِيَاتِ	المَقْوِيَّاتُ	المَقْوِيَّاتِ	المَقْوِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۲۴	۱	اسم فاعل و مفعول ماده الأَهْبَهُ				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَاهِبٌ	ءَاهِباً	ءَاهِبٍ		مَأْهُوْبٌ	مَأْهُوْباً	مَأْهُوْبٍ
۲	ءَاهِبَانِ	ءَاهِبَيْنِ	ءَاهِبَيْنِ		مَأْهُوْبَانِ	مَأْهُوْبَيْنِ	مَأْهُوْبَيْنِ
۳	ءَاهِبُوْنَ	ءَاهِبِيْنَ	ءَاهِبِيْنَ		مَأْهُوْبُوْنَ	مَأْهُوْبِيْنَ	مَأْهُوْبِيْنَ
۴	ءَاهِبَةٌ	ءَاهِبَةً	ءَاهِبَةٍ		مَأْهُوْبَةٌ	مَأْهُوْبَةً	مَأْهُوْبَةٍ
۵	ءَاهِبَتَانِ	ءَاهِبَتَيْنِ	ءَاهِبَتَيْنِ		مَأْهُوْبَتَانِ	مَأْهُوْبَتَيْنِ	مَأْهُوْبَتَيْنِ
۶	ءَاهِبَاتٌ	ءَاهِبَاتِ	ءَاهِبَاتٍ		مَأْهُوْبَاتٌ	مَأْهُوْبَاتِ	مَأْهُوْبَاتٍ

صفحه ۲۴	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الأَزَر				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَازِرٌ	ءَازِراً	ءَازِرٍ		مَأْزُوْرٌ	مَأْزُوْراً	مَأْزُوْرٍ
۲	ءَازِرَانِ	ءَازِرَيْنِ	ءَازِرَيْنِ		مَأْزُوْرَانِ	مَأْزُوْرَيْنِ	مَأْزُوْرَيْنِ
۳	ءَازِرُوْنَ	ءَازِرِيْنَ	ءَازِرِيْنَ		مَأْزُوْرُوْنَ	مَأْزُوْرِيْنَ	مَأْزُوْرِيْنَ
۴	ءَازِرَةٌ	ءَازِرَةً	ءَازِرَةٍ		مَأْزُوْرَةٌ	مَأْزُوْرَةً	مَأْزُوْرَةٍ
۵	ءَازِرَتَانِ	ءَازِرَتَيْنِ	ءَازِرَتَيْنِ		مَأْزُوْرَتَانِ	مَأْزُوْرَتَيْنِ	مَأْزُوْرَتَيْنِ
۶	ءَازِرَاتٌ	ءَازِرَاتِ	ءَازِرَاتٍ		مَأْزُوْرَاتٌ	مَأْزُوْرَاتِ	مَأْزُوْرَاتٍ

تصویر

صفحه ۲۵	۳	اسم فاعل و مفعول ماده ألأمْر				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَامِرٌ	ءَامِراً	ءَامِرٍ		مَأْمُوْرٌ	مَأْمُوْراً	مَأْمُوْرٍ
۲	ءَامِرَانِ	ءَامِرَيْنِ	ءَامِرَيْنِ		مَأْمُوْرَانِ	مَأْمُوْرَيْنِ	مَأْمُوْرَيْنِ
۳	ءَامِرُوْنَ	ءَامِرِيْنَ	ءَامِرِيْنَ		مَأْمُوْرُوْنَ	مَأْمُوْرِيْنَ	مَأْمُوْرِيْنَ
۴	ءَامِرَةٌ	ءَامِرَةً	ءَامِرَةٍ		مَأْمُوْرَةٌ	مَأْمُوْرَةً	مَأْمُوْرَةٍ
۵	ءَامِرَتَانِ	ءَامِرَتَيْنِ	ءَامِرَتَيْنِ		مَأْمُوْرَتَانِ	مَأْمُوْرَتَيْنِ	مَأْمُوْرَتَيْنِ
۶	ءَامِرَاتٌ	ءَامِرَاتِ	ءَامِرَاتِ		مَأْمُوْرَاتٌ	مَأْمُوْرَاتِ	مَأْمُوْرَاتِ

صفحه ۲۵	۴	اسم فاعل و مفعول ماده الإذْن				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَاذِنٌ	ءَاذِناً	ءَاذِنٍ		مَأْذُوْنٌ لَهُ	مَأْذُوْناً لَهُ	مَأْذُوْنٍ لَهُ
۲	ءَاذِنَانِ	ءَاذِنَيْنِ	ءَاذِنَيْنِ		مَأْذُوْنٌ لَهُمَا	مَأْذُوْناً لَهُمَا	مَأْذُوْنٍ لَهُمَا
۳	ءَاذِنُوْنَ	ءَاذِنِيْنَ	ءَاذِنِيْنَ		مَأْذُوْنٌ لَهُمْ	مَأْذُوْناً لَهُمْ	مَأْذُوْنٍ لَهُمْ
۴	ءَاذِنَةٌ	ءَاذِنَةً	ءَاذِنَةٍ		مَأْذُوْنٌ لَهَا	مَأْذُوْناً لَهَا	مَأْذُوْنٍ لَهَا
۵	ءَاذِنَتَانِ	ءَاذِنَتَيْنِ	ءَاذِنَتَيْنِ		مَأْذُوْنٌ لَهُمَا	مَأْذُوْناً لَهُمَا	مَأْذُوْنٍ لَهُمَا
۶	ءَاذِنَاتٌ	ءَاذِنَاتِ	ءَاذِنَاتِ		مَأْذُوْنٌ لَهُنَّ	مَأْذُوْناً لَهُنَّ	مَأْذُوْنٍ لَهُنَّ

تصویر

صفحه ۲۶	۵	اسم فاعل و مفعول ماده ألأدَب				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَادِبٌ	ءَادِباً	ءَادِبٍ		مَأْدُوْبٌ بِهِ	مَأْدُوْباً بِهِ	مَأْدُوْبٍ بِهِ
۲	ءَادِبَانِ	ءَادِبَيْنِ	ءَادِبَيْنِ		مَأْدُوْبٌ بِهِمَا	مَأْدُوْباً بِهِمَا	مَأْدُوْبٍ بِهِمَا
۳	ءَادِبُوْنَ	ءَادِبِيْنَ	ءَادِبِيْنَ		مَأْدُوْبٌ بِهِمْ	مَأْدُوْباً بِهِمْ	مَأْدُوْبٍ بِهِمْ
۴	ءَادِبَةٌ	ءَادِبَةً	ءَادِبَةٍ		مَأْدُوْبٌ بِهَا	مَأْدُوْباً بِهَا	مَأْدُوْبٍ بِهَا
۵	ءَادِبَتَانِ	ءَادِبَتَيْنِ	ءَادِبَتَيْنِ		مَأْدُوْبٌ بِهِمَا	مَأْدُوْباً بِهِمَا	مَأْدُوْبٍ بِهِمَا
۶	ءَادِبَاتٌ	ءَادِبَاتِ	ءَادِبَاتٍ		مَأْدُوْبٌ بِهِنَّ	مَأْدُوْباً بِهِنَّ	مَأْدُوْبٍ بِهِنَّ

تصوير

صفحه ۲۷	۱	اسم فاعل و مفعول ماده السّؤال				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	سَائِلٌ	سَائِلاً	سَائِلٍ		مَسْؤُوْلٌ	مَسْؤُوْلاً	مَسْؤُوْلٍ
۲	سَائِلَانِ	سَائِلَيْنِ	سَائِلَيْنِ		مَسْؤُوْلَانِ	مَسْؤُوْلَيْنِ	مَسْؤُوْلَيْنِ
۳	سَائِلُوْنَ	سَائِلِيْنَ	سَائِلِيْنَ		مَسْؤُوْلُوْنَ	مَسْؤُوْلِيْنَ	مَسْؤُوْلِيْنَ
۴	سَائِلَةٌ	سَائِلَةً	سَائِلَةٍ		مَسْؤُوْلَةٌ	مَسْؤُوْلَةً	مَسْؤُوْلَةٍ
۵	سَائِلَتَانِ	سَائِلَتَيْنِ	سَائِلَتَيْنِ		مَسْؤُوْلَتَانِ	مَسْؤُوْلَتَيْنِ	مَسْؤُوْلَتَيْنِ
۶	سَائِلَاتٌ	سَائِلَاتِ	سَائِلَاتِ		مَسْؤُوْلَاتٌ	مَسْؤُوْلَاتِ	مَسْؤُوْلَاتِ

صفحه ۲۷	۲	اسم فاعل و مفعول ماده السّأم				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	سَائِمٌ	سَائِماً	سَائِمٍ		مَسْؤُوْمٌ بِهِ	مَسْؤُوْماً بِهِ	مَسْؤُوْمٍ بِهِ
۲	سَائِمَانِ	سَائِمَيْنِ	سَائِمَيْنِ		مَسْؤُوْمٌ بِهِمَا	مَسْؤُوْماً بِهِمَا	مَسْؤُوْمٍ بِهِمَا
۳	سَائِمُوْنَ	سَائِمِيْنَ	سَائِمِيْنَ		مَسْؤُوْمٌ بِهِمْ	مَسْؤُوْماً بِهِمْ	مَسْؤُوْمٍ بِهِمْ
۴	سَائِمَةٌ	سَائِمَةً	سَائِمَةٍ		مَسْؤُوْمٌ بِهَا	مَسْؤُوْماً بِهَا	مَسْؤُوْمٍ بِهَا
۵	سَائِمَتَانِ	سَائِمَتَيْنِ	سَائِمَتَيْنِ		مَسْؤُوْمٌ بِهِمَا	مَسْؤُوْماً بِهِمَا	مَسْؤُوْمٍ بِهِمَا
۶	سَائِمَاتٌ	سَائِمَاتِ	سَائِمَاتِ		مَسْؤُوْمٌ بِهِنَّ	مَسْؤُوْماً بِهِنَّ	مَسْؤُوْمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۲۸	۳	اسم فاعل و مفعول ماده اللّؤم				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	لَائِمٌ	لَائِماً	لَائِمٍ		مَلْؤُوْمٌ بِهِ	مَلْؤُوْماً بِهِ	مَلْؤُوْمٍ بِهِ
۲	لَائِمَانِ	لَائِمَيْنِ	لَائِمَيْنِ		مَلْؤُوْمٌ بِهِمَا	مَلْؤُوْماً بِهِمَا	مَلْؤُوْمٍ بِهِمَا
۳	لَائِمُوْنَ	لَائِمِيْنَ	لَائِمِيْنَ		مَلْؤُوْمٌ بِهِمْ	مَلْؤُوْماً بِهِمْ	مَلْؤُوْمٍ بِهِمْ
۴	لَائِمَةٌ	لَائِمَةً	لَائِمَةٍ		مَلْؤُوْمٌ بِهَا	مَلْؤُوْماً بِهَا	مَلْؤُوْمٍ بِهَا
۵	لَائِمَتَانِ	لَائِمَتَيْنِ	لَائِمَتَيْنِ		مَلْؤُوْمٌ بِهِمَا	مَلْؤُوْماً بِهِمَا	مَلْؤُوْمٍ بِهِمَا
۶	لَائِمَاتٌ	لَائِمَاتٍ	لَائِمَاتٍ		مَلْؤُوْمٌ بِهِنَّ	مَلْؤُوْماً بِهِنَّ	مَلْؤُوْمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۲۹	۱(۱) اسم فاعل و مفعول ماده القِرَاءَةُ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	قَارِئٌ	قَارِئاً	قَارِئٍ	مَقْرُوْءٌ	مَقْرُوْءاً	مَقْرُوْءٍ
۲	قَارِئَانِ	قَارِئَيْنِ	قَارِئَيْنِ	مَقْرُوْأَانِ	مَقْرُوْأَيْنِ	مَقْرُوْأَيْنِ
۳	قَارِئُوْنَ	قَارِئِيْنَ	قَارِئِيْنَ	مَقْرُوْؤُوْنَ	مَقْرُوْئِيْنَ	مَقْرُوْئِيْنَ
۴	قَارِئَةٌ	قَارِئَةً	قَارِئَةٍ	مَقْرُوْأَةٌ	مَقْرُوْأَةً	مَقْرُوْأَةٍ
۵	قَارِئَتَانِ	قَارِئَتَيْنِ	قَارِئَتَيْنِ	مَقْرُوْأَتَانِ	مَقْرُوْأَتَيْنِ	مَقْرُوْأَتَيْنِ
۶	قَارِئَاتٌ	قَارِئَاتِ	قَارِئَاتِ	مَقْرُوْءَاتٌ	مَقْرُوْءَاتِ	مَقْرُوْءَاتِ

صفحه ۲۹	۱(۲) اسم فاعل و مفعول ماده القِرَاءَةُ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	قَارٍ	قَارِياً	قَارٍ	مَقْرُوٌّ	مَقْرُوّاً	مَقْرُوٍّ
۲	قَارِيَانِ	قَارِيَيْنِ	قَارِيَيْنِ	مَقْرُوَّانِ	مَقْرُوَّيْنِ	مَقْرُوَّيْنِ
۳	قَارُوْنَ	قَارِيْنَ	قَارِيْنَ	مَقْرُوُّوْنَ	مَقْرُوِّيْنَ	مَقْرُوِّيْنَ
۴	قَارِيَةٌ	قَارِيَةً	قَارِيَةٍ	مَقْرُوَّةٌ	مَقْرُوَّةً	مَقْرُوَّةٍ
۵	قَارِيَتَانِ	قَارِيَتَيْنِ	قَارِيَتَيْنِ	مَقْرُوَّتَانِ	مَقْرُوَّتَيْنِ	مَقْرُوَّتَيْنِ
۶	قَارِيَاتٌ	قَارِيَاتِ	قَارِيَاتِ	مَقْرُوَّاتٌ	مَقْرُوَّاتِ	مَقْرُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۳۰	۱(۳)	اسم فاعل و مفعول ماده القِرَاءَةُ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه)همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	القَارِي	القَارِىَ	القَارِي		المَقْرُوُّ	المَقْرُوَّ	المَقْرُوِّ
۲	القَارِيَانِ	القَارِيَيْنِ	القَارِيَيْنِ		المَقْرُوَّانِ	المَقْرُوَّيْنِ	المَقْرُوَّيْنِ
۳	القَارُوْنَ	القَارِيْنَ	القَارِيْنَ		المَقْرُوُّوْنَ	المَقْرُوِّيْنَ	المَقْرُوِّيْنَ
۴	القَارِيَةُ	القَارِيَةَ	القَارِيَةِ		المَقْرُوَّةُ	المَقْرُوَّةَ	المَقْرُوَّةِ
۵	القَارِيَتَانِ	القَارِيَتَيْنِ	القَارِيَتَيْنِ		المَقْرُوَّتَانِ	المَقْرُوَّتَيْنِ	المَقْرُوَّتَيْنِ
۶	القَارِيَاتُ	القَارِيَاتِ	القَارِيَاتِ		المَقْرُوَّاتُ	المَقْرُوَّاتِ	المَقْرُوَّاتِ

صفحه ۳۰	۲(۱)	اسم فاعل و مفعول ماده الهَنَأ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	هَانِئٌ	هَانِئاً	هَانِئٍ		مَهْنُوْءٌ بِهِ	مَهْنُوْءاً بِهِ	مَهْنُوْءٍ بِهِ
۲	هَانِئَانِ	هَانِئَيْنِ	هَانِئَيْنِ		مَهْنُوْءٌ بِهِمَا	مَهْنُوْءاً بِهِمَا	مَهْنُوْءٍ بِهِمَا
۳	هَانِئُوْنَ	هَانِئِيْنَ	هَانِئِيْنَ		مَهْنُوْءٌ بِهِمْ	مَهْنُوْءاً بِهِمْ	مَهْنُوْءٍ بِهِمْ
۴	هَانِئَةٌ	هَانِئَةً	هَانِئَةٍ		مَهْنُوْءٌ بِهَا	مَهْنُوْءاً بِهَا	مَهْنُوْءٍ بِهَا
۵	هَانِئَتَانِ	هَانِئَتَيْنِ	هَانِئَتَيْنِ		مَهْنُوْءٌ بِهِمَا	مَهْنُوْءاً بِهِمَا	مَهْنُوْءٍ بِهِمَا
۶	هَانِئَاتٌ	هَانِئَاتٍ	هَانِئَاتٍ		مَهْنُوْءٌ بِهِنَّ	مَهْنُوْءاً بِهِنَّ	مَهْنُوْءٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۳۱	۲ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الهَنَأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	هَانٍ	هَانِياً	هَانٍ	مَهْنُوٌّ	مَهْنُوّاً	مَهْنُوٍّ
۲	هَانِيَانِ	هَانِيَيْنِ	هَانِيَيْنِ	مَهْنُوَّانِ	مَهْنُوَّيْنِ	مَهْنُوَّيْنِ
۳	هَانُوْنَ	هَانِيْنَ	هَانِيْنَ	مَهْنُوُّوْنَ	مَهْنُوِّيْنَ	مَهْنُوِّيْنَ
۴	هَانِيَةٌ	هَانِيَةً	هَانِيَةٍ	مَهْنُوَّةٌ	مَهْنُوَّةً	مَهْنُوَّةٍ
۵	هَانِيَتَانِ	هَانِيَتَيْنِ	هَانِيَتَيْنِ	مَهْنُوَّتَانِ	مَهْنُوَّتَيْنِ	مَهْنُوَّتَيْنِ
۶	هَانِيَاتٌ	هَانِيَاتِ	هَانِيَاتِ	مَهْنُوَّاتٌ	مَهْنُوَّاتِ	مَهْنُوَّاتِ

صفحه ۳۱	۲ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الهَنَأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الهَانِي	الهَانِيَ	الهَانِي	المَهْنُوُّ	المَهْنُوَّ	المَهْنُوِّ
۲	الهَانِيَانِ	الهَانِيَيْنِ	الهَانِيَيْنِ	المَهْنُوَّانِ	المَهْنُوَّيْنِ	المَهْنُوَّيْنِ
۳	الهَانُوْنَ	الهَانِيْنَ	الهَانِيْنَ	المَهْنُوُّوْنَ	المَهْنُوِّيْنَ	المَهْنُوِّيْنَ
۴	الهَانِيَةُ	الهَانِيَةَ	الهَانِيَةِ	المَهْنُوَّةُ	المَهْنُوَّةَ	المَهْنُوَّةِ
۵	الهَانِيَتَانِ	الهَانِيَتَيْنِ	الهَانِيَتَيْنِ	المَهْنُوَّتَانِ	المَهْنُوَّتَيْنِ	المَهْنُوَّتَيْنِ
۶	الهَانِيَاتُ	الهَانِيَاتِ	الهَانِيَاتِ	المَهْنُوَّاتُ	المَهْنُوَّاتِ	المَهْنُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۳۲	۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الصَدأ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	صَادِئٌ	صَادِئاً	صَادِئٍ	مَصْدُوْءٌ بِهِ	مَصْدُوْءاً بِهِ	مَصْدُوْءٍ بِهِ
۲	صَادِئَانِ	صَادِئَيْنِ	صَادِئَيْنِ	مَصْدُوْءٌ بِهِمَا	مَصْدُوْءاً بِهِمَا	مَصْدُوْءٍ بِهِمَا
۳	صَادِئُوْنَ	صَادِئِيْنَ	صَادِئِيْنَ	مَصْدُوْءٌ بِهِمْ	مَصْدُوْءاً بِهِمْ	مَصْدُوْءٍ بِهِمْ
۴	صَادِئَةٌ	صَادِئَةً	صَادِئَةٍ	مَصْدُوْءٌ بِهَا	مَصْدُوْءاً بِهَا	مَصْدُوْءٍ بِهَا
۵	صَادِئَتَانِ	صَادِئَتَيْنِ	صَادِئَتَيْنِ	مَصْدُوْءٌ بِهِمَا	مَصْدُوْءاً بِهِمَا	مَصْدُوْءٍ بِهِمَا
۶	صَادِئَاتٌ	صَادِئَاتٍ	صَادِئَاتٍ	مَصْدُوْءٌ بِهِنَّ	مَصْدُوْءاً بِهِنَّ	مَصْدُوْءٍ بِهِنَّ

صفحه ۳۲	۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الصَدأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	صَادٍ	صَادِياً	صَادٍ	مَصْدُوٌّ بِهِ	مَصْدُوّاً بِهِ	مَصْدُوٍّ بِهِ
۲	صَادِيَانِ	صَادِيَيْنِ	صَادِيَيْنِ	مَصْدُوٌّ بِهِمَا	مَصْدُوّاً بِهِمَا	مَصْدُوٍّ بِهِمَا
۳	صَادُوْنَ	صَادِيْنَ	صَادِيْنَ	مَصْدُوٌّ بِهِمْ	مَصْدُوّاً بِهِمْ	مَصْدُوٍّ بِهِمْ
۴	صَادِيَةٌ	صَادِيَةً	صَادِيَةٍ	مَصْدُوٌّ بِهَا	مَصْدُوّاً بِهَا	مَصْدُوٍّ بِهَا
۵	صَادِيَتَانِ	صَادِيَتَيْنِ	صَادِيَتَيْنِ	مَصْدُوٌّ بِهِمَا	مَصْدُوّاً بِهِمَا	مَصْدُوٍّ بِهِمَا
۶	صَادِيَاتٌ	صَادِيَاتٍ	صَادِيَاتٍ	مَصْدُوٌّ بِهِنَّ	مَصْدُوّاً بِهِنَّ	مَصْدُوٍّ بِهِنَّ

صفحه ۳۳	۳ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الصَدأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه)همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الصَّادِي	الصَّادِيَ	الصَّادِي	المَصْدُوٌّبِهِ	المَصْدُوَّبِهِ	المَصْدُوٍّبِهِ
۲	الصَّادِيَانِ	الصَّادِيَيْنِ	الصَّادِيَيْنِ	المَصْدُوٌّبِهِمَا	المَصْدُوَّبِهِمَا	المَصْدُوٍّبِهِمَا
۳	الصَّادُوْنَ	الصَّادِيْنَ	الصَّادِيْنَ	المَصْدُوٌّبِهِمْ	المَصْدُوَّبِهِمْ	المَصْدُوٍّبِهِمْ
۴	الصَّادِيَةُ	الصَّادِيَةَ	الصَّادِيَةِ	المَصْدُوٌّبِهَا	المَصْدُوَّبِهَا	المَصْدُوٍّبِهَا
۵	الصَّادِيَتَانِ	الصَّادِيَتَيْنِ	الصَّادِيَتَيْنِ	المَصْدُوٌّبِهِمَا	المَصْدُوَّبِهِمَا	المَصْدُوٍّبِهِمَا
۶	الصَّادِيَاتُ	الصَّادِيَاتِ	الصَّادِيَاتِ	المَصْدُوٌّبِهِنَّ	المَصْدُوَّبِهِنَّ	المَصْدُوٍّبِهِنَّ

صفحه ۳۳	۴ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الجُرْأَة					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	جَارِئٌ	جَارِئاً	جَارِئٍ	مَجْرُوْءٌ بِهِ	مَجْرُوْءاً بِهِ	مَجْرُوْءٍ بِهِ
۲	جَارِئَانِ	جَارِئَيْنِ	جَارِئَيْنِ	مَجْرُوْءٌ بِهِمَا	مَجْرُوْءاً بِهِمَا	مَجْرُوْءٍ بِهِمَا
۳	جَارِئُوْنَ	جَارِئِيْنَ	جَارِئِيْنَ	مَجْرُوْءٌ بِهِمْ	مَجْرُوْءاً بِهِمْ	مَجْرُوْءٍ بِهِمْ
۴	جَارِئَةٌ	جَارِئَةً	جَارِئَةٍ	مَجْرُوْءٌ بِهَا	مَجْرُوْءاً بِهَا	مَجْرُوْءٍ بِهَا
۵	جَارِئَتَانِ	جَارِئَتَيْنِ	جَارِئَتَيْنِ	مَجْرُوْءٌ بِهِمَا	مَجْرُوْءاً بِهِمَا	مَجْرُوْءٍ بِهِمَا
۶	جَارِئَاتٌ	جَارِئَاتِ	جَارِئَاتٍ	مَجْرُوْءٌ بِهِنَّ	مَجْرُوْءاً بِهِنَّ	مَجْرُوْءٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۳۴	۴ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الجَرْأة (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	جَارٍ	جَارِياً	جَارٍ		مَجْرُوٌّ بِهِ	مَجْرُوّاً بِهِ	مَجْرُوٍّ بِهِ
۲	جَارِيَانِ	جَارِيَيْنِ	جَارِيَيْنِ		مَجْرُوٌّ بِهِمَا	مَجْرُوّاً بِهِمَا	مَجْرُوٍّ بِهِمَا
۳	جَارُوْنَ	جَارِيْنَ	جَارِيْنَ		مَجْرُوٌّ بِهِمْ	مَجْرُوّاً بِهِمْ	مَجْرُوٍّ بِهِمْ
۴	جَارِيَةٌ	جَارِيَةً	جَارِيَةٍ		مَجْرُوٌّ بِهَا	مَجْرُوّاً بِهَا	مَجْرُوٍّ بِهَا
۵	جَارِيَتَانِ	جَارِيَتَيْنِ	جَارِيَتَيْنِ		مَجْرُوٌّ بِهِمَا	مَجْرُوّاً بِهِمَا	مَجْرُوٍّ بِهِمَا
۶	جَارِيَاتٌ	جَارِيَاتٍ	جَارِيَاتٍ		مَجْرُوٌّ بِهِنَّ	مَجْرُوّاً بِهِنَّ	مَجْرُوٍّ بِهِنَّ

صفحه ۳۴	۴ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الجَرْأة (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الجَارِي	الجَارِيَ	الجَارِي		المَجْرُوٌّبِهِ	المَجْرُوَّبِهِ	المَجْرُوِّبِهِ
۲	الجَارِيَانِ	الجَارِيَيْنِ	الجَارِيَيْنِ		المَجْرُوٌّبِهِمَا	المَجْرُوَّبِهِمَا	المَجْرُوِّبِهِمَا
۳	الجَارُوْنَ	الجَارِيْنَ	الجَارِيْنَ		المَجْرُوٌّبِهِمْ	المَجْرُوَّبِهِمْ	المَجْرُوِّبِهِمْ
۴	الجَارِيَةُ	الجَارِيَةَ	الجَارِيَةِ		المَجْرُوٌّبِهَا	المَجْرُوَّبِهَا	المَجْرُوِّبِهَا
۵	الجَارِيَتَانِ	الجَارِيَتَيْنِ	الجَارِيَتَيْنِ		المَجْرُوٌّبِهِمَا	المَجْرُوَّبِهِمَا	المَجْرُوِّبِهِمَا
۶	الجَارِيَاتُ	الجَارِيَاتِ	الجَارِيَاتِ		المَجْرُوٌّبِهِنَّ	المَجْرُوَّبِهِنَّ	المَجْرُوِّبِهِنَّ

انواع فعل از جهت حروف اصلی

تصویر

صفحه ۳۵	۱	اسم فاعل و مفعول ماده الأنین				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	عَانٌّ	عَانّاً	عَانٍّ		مَأْنُوْنٌ	مَأْنُوناً	مَأْنُوْنٍ
۲	عَانَّانِ	عَانَّيْنِ	عَانَّيْنِ		مَأْنُوْنَانِ	مَأْنُوْنَيْنِ	مَأْنُوْنَيْنِ
۳	عَانُّوْنَ	عَانِّيْنَ	عَانِّيْنَ		مَأْنُوْنُوْنَ	مَأْنُوْنِيْنَ	مَأْنُوْنِيْنَ
۴	عَانَّةٌ	عَانَّةً	عَانَّةٍ		مَأْنُوْنَةٌ	مَأْنُوْنَةً	مَأْنُوْنَةٍ
۵	عَانَّتَانِ	عَانَّتَيْنِ	عَانَّتَيْنِ		مَأْنُوْنَتَانِ	مَأْنُوْنَتَيْنِ	مَأْنُوْنَتَيْنِ
۶	عَانَّاتٌ	عَانَّاتٍ	عَانَّاتٍ		مَأْنُوْنَاتٌ	مَأْنُوْنَاتٍ	مَأْنُوْنَاتٍ

صفحه ۳۵	۲	اسم فاعل و مفعول ماده الوُدّ				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَادٌّ	وَادّاً	وَادٍّ		مَوْدُوْدٌ	مَوْدُوْداً	مَوْدُوْدٍ
۲	وَادَّانِ	وَادَّيْنِ	وَادَّيْنِ		مَوْدُوْدَانِ	مَوْدُوْدَيْنِ	مَوْدُوْدَيْنِ
۳	وَادُّوْنَ	وَادِّيْنَ	وَادِّيْنَ		مَوْدُوْدُوْنَ	مَوْدُوْدِيْنَ	مَوْدُوْدِيْنَ
۴	وَادَّةٌ	وَادَّةً	وَادَّةٍ		مَوْدُوْدَةٌ	مَوْدُوْدَةً	مَوْدُوْدَةٍ
۵	وَادَّتَانِ	وَادَّتَيْنِ	وَادَّتَيْنِ		مَوْدُوْدَتَانِ	مَوْدُوْدَتَيْنِ	مَوْدُوْدَتَيْنِ
۶	وَادَّاتٌ	وَادَّاتٍ	وَادَّاتٍ		مَوْدُوْدَاتٌ	مَوْدُوْدَاتٍ	مَوْدُوْدَاتٍ

ص: ۳۵

تصویر

صفحه ۳۶	۳	اسم فاعل و مفعول ماده الأوْب				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَائِبٌ	ءَائِباً	ءَائِبٍ		مَؤُوْبٌ إلَيْهِ	مَؤُوْباً إلَيْهِ	مَؤُوْبٍ إلَيْهِ
۲	ءَائِبَانِ	ءَائِبَيْنِ	ءَائِبَيْنِ		مَؤُوْبٌ إلَيْهِمَا	مَؤُوْباً إلَيْهِمَا	مَؤُوْبٍ إلَيْهِمَا
۳	ءَائِبُوْنَ	ءَائِبِيْنَ	ءَائِبِيْنَ		مَؤُوْبٌ إلَيْهِمْ	مَؤُوْباً إلَيْهِمْ	مَؤُوْبٍ إلَيْهِمْ
۴	ءَائِبَةٌ	ءَائِبَةً	ءَائِبَةٍ		مَؤُوْبٌ إلَيْهَا	مَؤُوْباً إلَيْهَا	مَؤُوْبٍ إلَيْهَا
۵	ءَائِبَتَانِ	ءَائِبَتَيْنِ	ءَائِبَتَيْنِ		مَؤُوْبٌ إلَيْهِمَا	مَؤُوْباً إلَيْهِمَا	مَؤُوْبٍ إلَيْهِمَا
۶	ءَائِبَاتٌ	ءَائِبَاتٍ	ءَائِبَاتٍ		مَؤُوْبٌ إلَيْهِنَّ	مَؤُوْباً إلَيْهِنَّ	مَؤُوْبٍ إلَيْهِنَّ

صفحه ۳۶	۴	اسم فاعل و مفعول ماده الأيْض				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَائِضٌ	ءَائِضاً	ءَائِضٍ		مَئِيْضٌ إلَيْهِ	مَئِيْضاً إلَيْهِ	مَئِيْضٍ إلَيْهِ
۲	ءَائِضَانِ	ءَائِضَيْنِ	ءَائِضَيْنِ		مَئِيْضٌ إلَيْهِمَا	مَئِيْضاً إلَيْهِمَا	مَئِيْضٍ إلَيْهِمَا
۳	ءَائِضُوْنَ	ءَائِضِيْنَ	ءَائِضِيْنَ		مَئِيْضٌ إلَيْهِمْ	مَئِيْضاً إلَيْهِمْ	مَئِيْضٍ إلَيْهِمْ
۴	ءَائِضَةٌ	ءَائِضَةً	ءَائِضَةٍ		مَئِيْضٌ إلَيْهَا	مَئِيْضاً إلَيْهَا	مَئِيْضٍ إلَيْهَا
۵	ءَائِضَتَانِ	ءَائِضَتَيْنِ	ءَائِضَتَيْنِ		مَئِيْضٌ إلَيْهِمَا	مَئِيْضاً إلَيْهِمَا	مَئِيْضٍ إلَيْهِمَا
۶	ءَائِضَاتٌ	ءَائِضَاتٍ	ءَائِضَاتٍ		مَئِيْضٌ إلَيْهِنَّ	مَئِيْضاً إلَيْهِنَّ	مَئِيْضٍ إلَيْهِنَّ

تصویر

صفحه ۳۷	۵(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الألاء					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَالٍ	ءَالِياً	ءَالٍ	مَأْلُوٌّ	مَأْلُوّاً	مَأْلُوٍّ
۲	ءَالِيَانِ	ءَالِيَيْنِ	ءَالِيَيْنِ	مَأْلُوَّانِ	مَأْلُوَّيْنِ	مَأْلُوَّيْنِ
۳	ءَالُوْنَ	ءَالِيْنَ	ءَالِيْنَ	مَأْلُوُّوْنَ	مَأْلُوِّيْنَ	مَأْلُوِّيْنَ
۴	ءَالِيَةٌ	ءَالِيَةً	ءَالِيَةٍ	مَأْلُوَّةٌ	مَأْلُوَّةً	مَأْلُوَّةٍ
۵	ءَالِيَتَانِ	ءَالِيَتَيْنِ	ءَالِيَتَيْنِ	مَأْلُوَّتَانِ	مَأْلُوَّتَيْنِ	مَأْلُوَّتَيْنِ
۶	ءَالِيَاتٌ	ءَالِيَاتِ	ءَالِيَاتِ	مَأْلُوَّاتٌ	مَأْلُوَّاتِ	مَأْلُوَّاتِ

صفحه ۳۷	۵(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الألاء (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـأَالِي	الـأَالِيَ	الـأَالِي	الـمَأْلُوُّ	الـمَأْلُوَّ	الـمَأْلُوِّ
۲	الـأَالِيَانِ	الـأَالِيَيْنِ	الـأَالِيَيْنِ	الـمَأْلُوَّانِ	الـمَأْلُوَّيْنِ	الـمَأْلُوَّيْنِ
۳	الـأَالُوْنَ	الـأَالِيْنَ	الـأَالِيْنَ	الـمَأْلُوُّوْنَ	الـمَأْلُوِّيْنَ	الـمَأْلُوِّيْنَ
۴	الـأَالِيَةُ	الـأَالِيَةَ	الـأَالِيَةِ	الـمَأْلُوَّةُ	الـمَأْلُوَّةَ	الـمَأْلُوَّةِ
۵	الـأَالِيَتَانِ	الـأَالِيَتَيْنِ	الـأَالِيَتَيْنِ	الـمَأْلُوَّتَانِ	الـمَأْلُوَّتَيْنِ	الـمَأْلُوَّتَيْنِ
۶	الـأَالِيَاتُ	الـأَالِيَاتِ	الـأَالِيَاتِ	الـمَأْلُوَّاتُ	الـمَأْلُوَّاتِ	الـمَأْلُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۳۸	۶(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الإبَاء					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَابٍ	ءَابِياً	ءَابٍ	مَأْبِيٌّ	مَأْبِيّاً	مَأْبِيّ
۲	ءَابِيَانِ	ءَابِيَيْنِ	ءَابِيَيْنِ	مَأْبِيَّانِ	مَأْبِيَّيْنِ	مَأْبِيَّيْنِ
۳	ءَابُوْنَ	ءَابِيْنَ	ءَابِيْنَ	مَأْبِيُّوْنَ	مَأْبِيِّيْنَ	مَأْبِيِّيْنَ
۴	ءَابِيَةٌ	ءَابِيَةً	ءَابِيَةٍ	مَأْبِيَّةٌ	مَأْبِيَّةً	مَأْبِيَّةٍ
۵	ءَابِيَتَانِ	ءَابِيَتَيْنِ	ءَابِيَتَيْنِ	مَأْبِيَّتَانِ	مَأْبِيَّتَيْنِ	مَأْبِيَّتَيْنِ
۶	ءَابِيَاتٌ	ءَابِيَاتِ	ءَابِيَاتِ	مَأْبِيَّاتٌ	مَأْبِيَّاتِ	مَأْبِيَّاتِ

صفحه ۳۸	۶(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الإبَاء (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الأَابِي	الأَابِيَ	الأَابِي	المَأْبِيُّ	المَأْبِيَّ	المَأْبِيِّ
۲	الأَابِيَانِ	الأَابِيَيْنِ	الأَابِيَيْنِ	المَأْبِيَّانِ	المَأْبِيَّيْنِ	المَأْبِيَّيْنِ
۳	الأَابُوْنَ	الأَابِيْنَ	الأَابِيْنَ	المَأْبِيُّوْنَ	المَأْبِيِّيْنَ	المَأْبِيِّيْنَ
۴	الأَابِيَةُ	الأَابِيَةَ	الأَابِيَةِ	المَأْبِيَّةُ	المَأْبِيَّةَ	المَأْبِيَّةِ
۵	الأَابِيَتَانِ	الأَابِيَتَيْنِ	الأَابِيَتَيْنِ	المَأْبِيَّتَانِ	المَأْبِيَّتَيْنِ	المَأْبِيَّتَيْنِ
۶	الأَابِيَاتُ	الأَابِيَاتِ	الأَابِيَاتِ	المَأْبِيَّاتُ	المَأْبِيَّاتِ	المَأْبِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۳۹	۷ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الأوِیّ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	عَاوٍ	عَاوِياً	عَاوٍ	مَأْوِیٌّ	مَأْوِيّاً	مَأْوِيّ
۲	عَاوِيَانِ	عَاوِيَيْنِ	عَاوِيَيْنِ	مَأْوِيَّانِ	مَأْوِيَّيْنِ	مَأْوِيَّيْنِ
۳	عَاوُوْنَ	عَاوِيْنَ	عَاوِيْنَ	مَأْوِيُّوْنَ	مَأْوِيِّيْنَ	مَأْوِيِّيْنَ
۴	عَاوِيَةٌ	عَاوِيَةً	عَاوِيَةٍ	مَأْوِيَّةٌ	مَأْوِيَّةً	مَأْوِيَّةٍ
۵	عَاوِيَتَانِ	عَاوِيَتَيْنِ	عَاوِيَتَيْنِ	مَأْوِيَّتَانِ	مَأْوِيَّتَيْنِ	مَأْوِيَّتَيْنِ
۶	عَاوِيَاتٌ	عَاوِيَاتِ	عَاوِيَاتِ	مَأْوِيَّاتٌ	مَأْوِيَّاتِ	مَأْوِيَّاتِ

صفحه ۳۹	۷ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الأوِیّ (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الأَاوِي	الأَاوِيَ	الأَاوِي	المَأْوِیُّ	المَأْوِيَّ	المَأْوِيّ
۲	الأَاوِيَانِ	الأَاوِيَيْنِ	الأَاوِيَيْنِ	المَأْوِيَّانِ	المَأْوِيَّيْنِ	المَأْوِيَّيْنِ
۳	الأَاوُوْنَ	الأَاوِيْنَ	الأَاوِيْنَ	المَأْوِيُّوْنَ	المَأْوِيِّيْنَ	المَأْوِيِّيْنَ
۴	الأَاوِيَةُ	الأَاوِيَةَ	الأَاوِيَةِ	المَأْوِيَّةُ	المَأْوِيَّةَ	المَأْوِيَّةِ
۵	الأَاوِيَتَانِ	الأَاوِيَتَيْنِ	الأَاوِيَتَيْنِ	المَأْوِيَّتَانِ	المَأْوِيَّتَيْنِ	المَأْوِيَّتَيْنِ
۶	الأَاوِيَاتُ	الأَاوِيَاتِ	الأَاوِيَاتِ	المَأْوِيَّاتُ	المَأْوِيَّاتِ	المَأْوِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۴۰	۸	اسم فاعل و مفعول ماده الوأر				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَائِرٌ	وَائِراً	وَائِرٍ		مَوْءُوْرٌ	مَوْءُوْراً	مَوْءُوْرٍ
۲	وَائِرَانِ	وَائِرَيْنِ	وَائِرَيْنِ		مَوْءُوْرَانِ	مَوْءُوْرَيْنِ	مَوْءُوْرَيْنِ
۳	وَائِرُوْنَ	وَائِرِيْنَ	وَائِرِيْنَ		مَوْءُوْرُوْنَ	مَوْءُوْرِيْنَ	مَوْءُوْرِيْنَ
۴	وَائِرَةٌ	وَائِرَةً	وَائِرَةٍ		مَوْءُوْرَةٌ	مَوْءُوْرَةً	مَوْءُوْرَةٍ
۵	وَائِرَتَانِ	وَائِرَتَيْنِ	وَائِرَتَيْنِ		مَوْءُوْرَتَانِ	مَوْءُوْرَتَيْنِ	مَوْءُوْرَتَيْنِ
۶	وَائِرَاتٌ	وَائِرَاتِ	وَائِرَاتِ		مَوْءُوْرَاتٌ	مَوْءُوْرَاتِ	مَوْءُوْرَاتِ

صفحه ۴۰	۹	اسم فاعل و مفعول ماده اليَأس				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	يَائِسٌ	يَائِساً	يَائِسٍ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُ	مَيْؤُوْساً مِنْهُ	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُ
۲	يَائِسَانِ	يَائِسَيْنِ	يَائِسَيْنِ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُمَا	مَيْؤُوْساً مِنْهُمَا	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُمَا
۳	يَائِسُوْنَ	يَائِسِيْنَ	يَائِسِيْنَ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُمْ	مَيْؤُوْساً مِنْهُمْ	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُمْ
۴	يَائِسَةٌ	يَائِسَةً	يَائِسَةٍ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهَا	مَيْؤُوْساً مِنْهَا	مَيْؤُوْسٍ مِنْهَا
۵	يَائِسَتَانِ	يَائِسَتَيْنِ	يَائِسَتَيْنِ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُمَا	مَيْؤُوْساً مِنْهُمَا	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُمَا
۶	يَائِسَاتٌ	يَائِسَاتِ	يَائِسَاتِ		مَيْؤُوْسٌ مِنْهُنَّ	مَيْؤُوْساً مِنْهُنَّ	مَيْؤُوْسٍ مِنْهُنَّ

تصویر

صفحه ۴۱	۱۰ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الشّأو					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	شَاءٍ	شَائِياً	شَاءٍ	مَشْؤُوٌّ	مَشْؤُوّاً	مَشْؤُوٍّ
۲	شَائِيَانِ	شَائِيَيْنِ	شَائِيَيْنِ	مَشْؤُوَّانِ	مَشْؤُوَّيْنِ	مَشْؤُوَّيْنِ
۳	شَاؤُوْنَ	شَائِيْنَ	شَائِيْنَ	مَشْؤُوُّوْنَ	مَشْؤُوِّيْنَ	مَشْؤُوِّيْنَ
۴	شَائِيَةٌ	شَائِيَةً	شَائِيَةٍ	مَشْؤُوَّةٌ	مَشْؤُوَّةً	مَشْؤُوَّةٍ
۵	شَائِيَتَانِ	شَائِيَتَيْنِ	شَائِيَتَيْنِ	مَشْؤُوَّتَانِ	مَشْؤُوَّتَيْنِ	مَشْؤُوَّتَيْنِ
۶	شَائِيَاتٌ	شَائِيَاتِ	شَائِيَاتِ	مَشْؤُوَّاتٌ	مَشْؤُوَّاتِ	مَشْؤُوَّاتِ

صفحه ۴۱	۱۰ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الشّأو (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الشَّائِي	الشَّائِيَ	الشَّائِي	المَشْؤُوٌّ	المَشْؤُوَّ	المَشْؤُوٍّ
۲	الشَّائِيَانِ	الشَّائِيَيْنِ	الشَّائِيَيْنِ	المَشْؤُوَّانِ	المَشْؤُوَّيْنِ	المَشْؤُوَّيْنِ
۳	الشَّاؤُوْنَ	الشَّائِيْنَ	الشَّائِيْنَ	المَشْؤُوُّوْنَ	المَشْؤُوِّيْنَ	المَشْؤُوِّيْنَ
۴	الشَّائِيَةُ	الشَّائِيَةَ	الشَّائِيَةِ	المَشْؤُوَّةُ	المَشْؤُوَّةَ	المَشْؤُوَّةِ
۵	الشَّائِيَتَانِ	الشَّائِيَتَيْنِ	الشَّائِيَتَيْنِ	المَشْؤُوَّتَانِ	المَشْؤُوَّتَيْنِ	المَشْؤُوَّتَيْنِ
۶	الشَّائِيَاتُ	الشَّائِيَاتِ	الشَّائِيَاتِ	المَشْؤُوَّاتُ	المَشْؤُوَّاتِ	المَشْؤُوَّاتِ

تصویر

صفحه ۴۲	۱۱ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الرُّؤْيَة					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	رَاءٍ	رَائِياً	رَاءٍ	مَرْئِيٌّ	مَرْئِياً	مَرْئِيٍّ
۲	رَائِيَانِ	رَائِيَيْنِ	رَائِيَيْنِ	مَرْئِيَّانِ	مَرْئِيَّيْنِ	مَرْئِيَّيْنِ
۳	رَاؤُوْنَ	رَائِيْنَ	رَائِيْنَ	مَرْئِيُّوْنَ	مَرْئِيِّيْنَ	مَرْئِيِّيْنَ
۴	رَائِيَةٌ	رَائِيَةً	رَائِيَةٍ	مَرْئِيَّةٌ	مَرْئِيَّةً	مَرْئِيَّةٍ
۵	رَائِيَتَانِ	رَائِيَتَيْنِ	رَائِيَتَيْنِ	مَرْئِيَّتَانِ	مَرْئِيَّتَيْنِ	مَرْئِيَّتَيْنِ
۶	رَائِيَاتٌ	رَائِيَاتِ	رَائِيَاتٍ	مَرْئِيَّاتٌ	مَرْئِيَّاتِ	مَرْئِيَّاتٍ

صفحه ۴۲	۱۱ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الرُّؤْيَة (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الرَّائِي	الرَّائِيَ	الرَّائِي	المَرْئِيُّ	المَرْئِيَ	المَرْئِيِّ
۲	الرَّائِيَانِ	الرَّائِيَيْنِ	الرَّائِيَيْنِ	المَرْئِيَّانِ	المَرْئِيَّيْنِ	المَرْئِيَّيْنِ
۳	الرَّاؤُوْنَ	الرَّائِيْنَ	الرَّائِيْنَ	المَرْئِيُّوْنَ	المَرْئِيِّيْنَ	المَرْئِيِّيْنَ
۴	الرَّائِيَةُ	الرَّائِيَةَ	الرَّائِيَةِ	المَرْئِيَّةُ	المَرْئِيَّةَ	المَرْئِيَّةِ
۵	الرَّائِيَتَانِ	الرَّائِيَتَيْنِ	الرَّائِيَتَيْنِ	المَرْئِيَّتَانِ	المَرْئِيَّتَيْنِ	المَرْئِيَّتَيْنِ
۶	الرَّائِيَاتُ	الرَّائِيَاتِ	الرَّائِيَاتِ	المَرْئِيَّاتُ	المَرْئِيَّاتِ	المَرْئِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۴۳	۱۲ (۱) مهموز العین و ناقص یایی باب إفعال (الإرَاءَةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرٍ	مُرِياً	مُرٍ	مُرىً	مُرىً	مُرىً
۲	مُرِيَانِ	مُرِيَيْنِ	مُرِيَيْنِ	مُرَيَانِ	مُرَيَيْنِ	مُرَيَيْنِ
۳	مُرُوْنَ	مُرِيْنَ	مُرِيْنَ	مُرَوْنَ	مُرَيْنَ	مُرَيْنَ
۴	مُرِيَةٌ	مُرِيَةً	مُرِيَةٍ	مُرَاةٌ	مُرَاةً	مُرَاةٍ
۵	مُرِيَتَانِ	مُرِيَتَيْنِ	مُرِيَتَيْنِ	مُرَاتَانِ	مُرَاتَيْنِ	مُرَاتَيْنِ
۶	مُرِيَاتٌ	مُرِيَاتِ	مُرِيَاتِ	مُرَيَاتٌ	مُرَيَاتِ	مُرَيَاتِ

صفحه ۴۳	۱۲ (۲) مهموز العین و ناقص یایی باب إفعال (الإرَاءَةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُرِي	المُرِىَ	المُرِي	المُرىٰ	المُرىٰ	المُرىٰ
۲	المُرِيَانِ	المُرِيَيْنِ	المُرِيَيْنِ	المُرَيَانِ	المُرَيَيْنِ	المُرَيَيْنِ
۳	المُرُوْنَ	المُرِيْنَ	المُرِيْنَ	المُرَوْنَ	المُرَيْنَ	المُرَيْنَ
۴	المُرِيَةُ	المُرِيَةَ	المُرِيَةِ	المُرَاةُ	المُرَاةَ	المُرَاةِ
۵	المُرِيَتَانِ	المُرِيَتَيْنِ	المُرِيَتَيْنِ	المُرَاتَانِ	المُرَاتَيْنِ	المُرَاتَيْنِ
۶	المُرِيَاتُ	المُرِيَاتِ	المُرِيَاتِ	المُرَيَاتُ	المُرَيَاتِ	المُرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۴۴	۱۳ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوأی					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَاءٍ	وَائِياً	وَاءٍ	مَوْئِيٌّ	مَوْئِيّاً	مَوْئِيٍّ
۲	وَائِيَانِ	وَائِيَيْنِ	وَائِيَيْنِ	مَوْئِيَّانِ	مَوْئِيَّيْنِ	مَوْئِيَّيْنِ
۳	وَاؤُوْنَ	وَائِيْنَ	وَائِيْنَ	مَوْئِيُّوْنَ	مَوْئِيِّيْنَ	مَوْئِيِّيْنَ
۴	وَائِيَةٌ	وَائِيَةً	وَائِيَةٍ	مَوْئِيَّةٌ	مَوْئِيَّةً	مَوْئِيَّةٍ
۵	وَائِيَتَانِ	وَائِيَتَيْنِ	وَائِيَتَيْنِ	مَوْئِيَّتَانِ	مَوْئِيَّتَيْنِ	مَوْئِيَّتَيْنِ
۶	وَائِيَاتٌ	وَائِيَاتِ	وَائِيَاتِ	مَوْئِيَّاتٌ	مَوْئِيَّاتِ	مَوْئِيَّاتِ

صفحه ۴۴	۱۳ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوأی (با الف ولام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَائِي	الوَائِيَ	الوَائِي	المَوْئِيُّ	المَوْئِيَّ	المَوْئِيِّ
۲	الوَائِيَانِ	الوَائِيَيْنِ	الوَائِيَيْنِ	المَوْئِيَّانِ	المَوْئِيَّيْنِ	المَوْئِيَّيْنِ
۳	الوَاؤُوْنَ	الوَائِيْنَ	الوَائِيْنَ	المَوْئِيُّوْنَ	المَوْئِيِّيْنَ	المَوْئِيِّيْنَ
۴	الوَائِيَةُ	الوَائِيَةَ	الوَائِيَةِ	المَوْئِيَّةُ	المَوْئِيَّةَ	المَوْئِيَّةِ
۵	الوَائِيَتَانِ	الوَائِيَتَيْنِ	الوَائِيَتَيْنِ	المَوْئِيَّتَانِ	المَوْئِيَّتَيْنِ	المَوْئِيَّتَيْنِ
۶	الوَائِيَاتُ	الوَائِيَاتِ	الوَائِيَاتِ	المَوْئِيَّاتُ	المَوْئِيَّاتِ	المَوْئِيَّاتِ

تصویر

صفحه ۴۵	۱۴ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الوَبَأ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَابِئٌ	وَابِئاً	وَابِئٍ	مَوْبُوْءٌ	مَوْبُوْءاً	مَوْبُوْءٍ
۲	وَابِئَانِ	وَابِئَيْنِ	وَابِئَيْنِ	مَوْبُوْأَانِ	مَوْبُوْأَيْنِ	مَوْبُوْأَيْنِ
۳	وَابِئُوْنَ	وَابِئِيْنَ	وَابِئِيْنَ	مَوْبُوْؤُوْنَ	مَوْبُوْئِيْنَ	مَوْبُوْئِيْنَ
۴	وَابِئَةٌ	وَابِئَةً	وَابِئَةٍ	مَوْبُوْأَةٌ	مَوْبُوْأَةً	مَوْبُوْأَةٍ
۵	وَابِئَتَانِ	وَابِئَتَيْنِ	وَابِئَتَيْنِ	مَوْبُوْأَتَانِ	مَوْبُوْأَتَيْنِ	مَوْبُوْأَتَيْنِ
۶	وَابِئَاتٌ	وَابِئَاتٍ	وَابِئَاتٍ	مَوْبُوْءَاتٌ	مَوْبُوْءَاتٍ	مَوْبُوْءَاتٍ

صفحه ۴۵	۱۴ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الوَبَا (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	وَابٍ	وَابِياً	وَابٍ	مَوْبُوٌّ	مَوْبُوّاً	مَوْبُوٍّ
۲	وَابِيَانِ	وَابِيَيْنِ	وَابِيَيْنِ	مَوْبُوَّانِ	مَوْبُوَّيْنِ	مَوْبُوَّيْنِ
۳	وَابُوْنَ	وَابِيْنَ	وَابِيْنَ	مَوْبُوُّوْنَ	مَوْبُوِّيْنَ	مَوْبُوِّيْنَ
۴	وَابِيَةٌ	وَابِيَةً	وَابِيَةٍ	مَوْبُوَّةٌ	مَوْبُوَّةً	مَوْبُوَّةٍ
۵	وَابِيَتَانِ	وَابِيَتَيْنِ	وَابِيَتَيْنِ	مَوْبُوَّتَانِ	مَوْبُوَّتَيْنِ	مَوْبُوَّتَيْنِ
۶	وَابِيَاتٌ	وَابِيَاتٍ	وَابِيَاتٍ	مَوْبُوَّاتٌ	مَوْبُوَّاتٍ	مَوْبُوَّاتٍ

تصویر

صفحه ۴۶	۱۴(۳) اسم فاعل و مفعول ماده الوَبَا (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الوَابِي	الوَابِيَ	الوَابِي	المَوْبُوُّ	المَوْبُوَّ	المَوْبُوِّ
۲	الوَابِيَانِ	الوَابِيَيْنِ	الوَابِيَيْنِ	المَوْبُوَّانِ	المَوْبُوَّيْنِ	المَوْبُوَّيْنِ
۳	الوَابُوْنَ	الوَابِيْنَ	الوَابِيْنَ	المَوْبُوُّوْنَ	المَوْبُوِّيْنَ	المَوْبُوِّيْنَ
۴	الوَابِيَةُ	الوَابِيَةَ	الوَابِيَةِ	المَوْبُوَّةُ	المَوْبُوَّةَ	المَوْبُوَّةِ
۵	الوَابِيَتَانِ	الوَابِيَتَيْنِ	الوَابِيَتَيْنِ	المَوْبُوَّتَانِ	المَوْبُوَّتَيْنِ	المَوْبُوَّتَيْنِ
۶	الوَابِيَاتُ	الوَابِيَاتِ	الوَابِيَاتِ	المَوْبُوَّاتُ	المَوْبُوَّاتِ	المَوْبُوَّاتِ

صفحه ۴۶	۱۵(۱) اسم فاعل و مفعول ماده النّوأ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	نَاءٍ	نَائِياً	نَاءٍ	مَنُوْءٌ بِهِ	مَنُوْءاً بِهِ	مَنُوْءٍ بِهِ
۲	نَائِيَانِ	نَائِيَيْنِ	نَائِيَيْنِ	مَنُوْءٌ بِهِمَا	مَنُوْءاً بِهِمَا	مَنُوْءٍ بِهِمَا
۳	نَاؤُوْنَ	نَائِيْنَ	نَائِيْنَ	مَنُوْءٌ بِهِمْ	مَنُوْءاً بِهِمْ	مَنُوْءٍ بِهِمْ
۴	نَائِيَةٌ	نَائِيَةً	نَائِيَةٍ	مَنُوْءٌ بِهَا	مَنُوْءاً بِهَا	مَنُوْءٍ بِهَا
۵	نَائِيَتَانِ	نَائِيَتَيْنِ	نَائِيَتَيْنِ	مَنُوْءٌ بِهِمَا	مَنُوْءاً بِهِمَا	مَنُوْءٍ بِهِمَا
۶	نَائِيَاتٌ	نَائِيَاتِ	نَائِيَاتِ	مَنُوْءٌ بِهِنَ	مَنُوْءاً بِهِنَ	مَنُوْءٍ بِهِنَ

تصویر

صفحه ۴۷	۱۵(۲) اسم فاعل و مفعول ماده النّوأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	نَاءٍ	نَائِياً	نَاءٍ		مَنُوٌّ بِهِ	مَنُوّاً بِهِ	مَنُوٍّ بِهِ
۲	نَائِيَانِ	نَائِيَيْنِ	نَائِيَيْنِ		مَنُوٌّ بِهِمَا	مَنُوّاً بِهِمَا	مَنُوٍّ بِهِمَا
۳	نَاؤُوْنَ	نَائِيْنَ	نَائِيْنَ		مَنُوٌّ بِهِمْ	مَنُوّاً بِهِمْ	مَنُوٍّ بِهِمْ
۴	نَائِيَةٌ	نَائِيَةً	نَائِيَةٍ		مَنُوٌّ بِهَا	مَنُوّاً بِهَا	مَنُوٍّ بِهَا
۵	نَائِيَتَانِ	نَائِيَتَيْنِ	نَائِيَتَيْنِ		مَنُوٌّ بِهِمَا	مَنُوّاً بِهِمَا	مَنُوٍّ بِهِمَا
۶	نَائِيَاتٌ	نَائِيَاتِ	نَائِيَاتٍ		مَنُوٌّ بِهِنَّ	مَنُوّاً بِهِنَّ	مَنُوٍّ بِهِنَّ

صفحه ۴۷	۱۵(۳) اسم فاعل و مفعول ماده النّوأ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	النَّائِي	النَّائِيَ	النَّائِي		المَنُوُّ بِهِ	المَنُوَّ بِهِ	المَنُوِّ بِهِ
۲	النَّائِيَانِ	النَّائِيَيْنِ	النَّائِيَيْنِ		المَنُوُّ بِهِمَا	المَنُوَّ بِهِمَا	المَنُوِّ بِهِمَا
۳	النَّاؤُوْنَ	النَّائِيْنَ	النَّائِيْنَ		المَنُوُّ بِهِمْ	المَنُوَّ بِهِمْ	المَنُوِّ بِهِمْ
۴	النَّائِيَةُ	النَّائِيَةَ	النَّائِيَةِ		المَنُوُّ بِهَا	المَنُوَّ بِهَا	المَنُوِّ بِهَا
۵	النَّائِيَتَانِ	النَّائِيَتَيْنِ	النَّائِيَتَيْنِ		المَنُوُّ بِهِمَا	المَنُوَّ بِهِمَا	المَنُوِّ بِهِمَا
۶	النَّائِيَاتُ	النَّائِيَاتِ	النَّائِيَاتِ		المَنُوُّ بِهِنَّ	المَنُوَّ بِهِنَّ	المَنُوِّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۴۸	۱۶(۱) اسم فاعل و مفعول ماده الشّیْئَ					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	شَاءٍ	شَائِياً	شَاءٍ	مَشِيْئٌ	مَشِيْئاً	مَشِيْئٍ
۲	شَائِيَانِ	شَائِيَيْنِ	شَائِيَيْنِ	مَشِيْئَانِ	مَشِيْئَيْنِ	مَشِيْئَيْنِ
۳	شَاؤُوْنَ	شَائِيْنَ	شَائِيْنَ	مَشِيْئُوْنَ	مَشِيْئِيْنَ	مَشِيْئِيْنَ
۴	شَائِيَةٌ	شَائِيَةً	شَائِيَةٍ	مَشِيْئَةٌ	مَشِيْئَةً	مَشِيْئَةٍ
۵	شَائِيَتَانِ	شَائِيَتَيْنِ	شَائِيَتَيْنِ	مَشِيْئَتَانِ	مَشِيْئَتَيْنِ	مَشِيْئَتَيْنِ
۶	شَائِيَاتٌ	شَائِيَاتِ	شَائِيَاتٍ	مَشِيْئَاتٌ	مَشِيْئَاتِ	مَشِيْئَاتٍ

صفحه ۴۸	۱۶(۲) اسم فاعل و مفعول ماده الشّیْئَ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	شَاءٍ	شَائِياً	شَاءٍ	مَشِيٌّ	مَشِيّاً	مَشِيٍّ
۲	شَائِيَانِ	شَائِيَيْنِ	شَائِيَيْنِ	مَشِيَّانِ	مَشِيَّيْنِ	مَشِيَّيْنِ
۳	شَاؤُوْنَ	شَائِيْنَ	شَائِيْنَ	مَشِيُّوْنَ	مَشِيِّيْنَ	مَشِيِّيْنَ
۴	شَائِيَةٌ	شَائِيَةً	شَائِيَةٍ	مَشِيَّةٌ	مَشِيَّةً	مَشِيَّةٍ
۵	شَائِيَتَانِ	شَائِيَتَيْنِ	شَائِيَتَيْنِ	مَشِيَّتَانِ	مَشِيَّتَيْنِ	مَشِيَّتَيْنِ
۶	شَائِيَاتٌ	شَائِيَاتِ	شَائِيَاتٍ	مَشِيَّاتٌ	مَشِيَّاتِ	مَشِيَّاتٍ

تصویر

صفحه ۴۹	۱۶ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الشَّیْئَ (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الشَّائِي	الشَّائِيَ	الشَّائِي	الْمَشِيُّ	الْمَشِيَّ	الْمَشِيِّ
۲	الشَّائِيَانِ	الشَّائِيَيْنِ	الشَّائِيَيْنِ	الْمَشِيَّانِ	الْمَشِيَّيْنِ	الْمَشِيَّيْنِ
۳	الشَّاؤُوْنَ	الشَّائِيْنَ	الشَّائِيْنَ	الْمَشِيُّوْنَ	الْمَشِيِّيْنَ	الْمَشِيِّيْنَ
۴	الشَّائِيَةُ	الشَّائِيَةَ	الشَّائِيَةِ	الْمَشِيَّةُ	الْمَشِيَّةَ	الْمَشِيَّةِ
۵	الشَّائِيَتَانِ	الشَّائِيَتَيْنِ	الشَّائِيَتَيْنِ	الْمَشِيَّتَانِ	الْمَشِيَّتَيْنِ	الْمَشِيَّتَيْنِ
۶	الشَّائِيَاتُ	الشَّائِيَاتِ	الشَّائِيَاتِ	الْمَشِيَّاتُ	الْمَشِيَّاتِ	الْمَشِيَّاتِ

صفحه ۴۹	۱۷ (۱) اسم فاعل و مفعول ماده الأاء					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَاءٍ	ءَائِياً	ءَاءٍ	مَؤُوْءٌ	مَؤُوْءاً	مَؤُوْءٍ
۲	ءَائِيَانِ	ءَائِيَيْنِ	ءَائِيَيْنِ	مَؤُوْءَانِ	مَؤُوْءَيْنِ	مَؤُوْءَيْنِ
۳	ءَاؤُوْنَ	ءَائِيْنَ	ءَائِيْنَ	مَؤُوْءُوْنَ	مَؤُوْءِيْنَ	مَؤُوْءِيْنَ
۴	ءَائِيَةٌ	ءَائِيَةً	ءَائِيَةٍ	مَؤُوْءَةٌ	مَؤُوْءَةً	مَؤُوْءَةٍ
۵	ءَائِيَتَانِ	ءَائِيَتَيْنِ	ءَائِيَتَيْنِ	مَؤُوْءَتَانِ	مَؤُوْءَتَيْنِ	مَؤُوْءَتَيْنِ
۶	ءَائِيَاتٌ	ءَائِيَاتِ	ءَائِيَاتِ	مَؤُوْءَاتٌ	مَؤُوْءَاتِ	مَؤُوْءَاتِ

تصویر

صفحه ۵۰	۱۷ (۲) اسم فاعل و مفعول ماده الأاء (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	ءَاءٍ	ءَائِياً	ءَاءٍ	مَؤُوٌّ	مَؤُوّاً	مَؤُوٍّ
۲	ءَائِيَانِ	ءَائِيَيْنِ	ءَائِيَيْنِ	مَؤُوَّانِ	مَؤُوَّيْنِ	مَؤُوَّيْنِ
۳	ءَاؤُوْنَ	ءَائِيْنَ	ءَائِيْنَ	مَؤُوُّوْنَ	مَؤُوِّيْنَ	مَؤُوِّيْنَ
۴	ءَائِيَةٌ	ءَائِيَةً	ءَائِيَةٍ	مَؤُوَّةٌ	مَؤُوَّةً	مَؤُوَّةٍ
۵	ءَائِيَتَانِ	ءَائِيَتَيْنِ	ءَائِيَتَيْنِ	مَؤُوَّتَانِ	مَؤُوَّتَيْنِ	مَؤُوَّتَيْنِ
۶	ءَائِيَاتٌ	ءَائِيَاتِ	ءَائِيَاتِ	مَؤُوَّاتٌ	مَؤُوَّاتِ	مَؤُوَّاتِ

صفحه ۵۰	۱۷ (۳) اسم فاعل و مفعول ماده الأاء (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـأَائِي	الـأَائِيَ	الـأَائِي	الـمَؤُوُّ	الـمَؤُوَّ	الـمَؤُوِّ
۲	الـأَائِيَانِ	الـأَائِيَيْنِ	الـأَائِيَيْنِ	الـمَؤُوَّانِ	الـمَؤُوَّيْنِ	الـمَؤُوَّيْنِ
۳	الـأَاؤُوْنَ	الـأَائِيْنَ	الـأَائِيْنَ	الـمَؤُوُّوْنَ	الـمَؤُوِّيْنَ	الـمَؤُوِّيْنَ
۴	الـأَائِيَةُ	الـأَائِيَةَ	الـأَائِيَةِ	الـمَؤُوَّةُ	الـمَؤُوَّةَ	الـمَؤُوَّةِ
۵	الـأَائِيَتَانِ	الـأَائِيَتَيْنِ	الـأَائِيَتَيْنِ	الـمَؤُوَّتَانِ	الـمَؤُوَّتَيْنِ	الـمَؤُوَّتَيْنِ
۶	الـأَائِيَاتُ	الـأَائِيَاتِ	الـأَائِيَاتِ	الـمَؤُوَّاتُ	الـمَؤُوَّاتِ	الـمَؤُوَّاتِ

ثلاثی مزید

باب إفعال

تصویر

صفحه ۵۱	۱	باب إفعال سالم (الإكْرَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُكْرِمٌ	مُكْرِماً	مُكْرِمٍ		مُكْرَمٌ	مُكْرَماً	مُكْرَمٍ
۲	مُكْرِمَانِ	مُكْرِمَيْنِ	مُكْرِمَيْنِ		مُكْرَمَانِ	مُكْرَمَيْنِ	مُكْرَمَيْنِ
۳	مُكْرِمُوْنَ	مُكْرِمِيْنَ	مُكْرِمِيْنَ		مُكْرَمُوْنَ	مُكْرَمِيْنَ	مُكْرَمِيْنَ
۴	مُكْرِمَةٌ	مُكْرِمَةً	مُكْرِمَةٍ		مُكْرَمَةٌ	مُكْرَمَةً	مُكْرَمَةٍ
۵	مُكْرِمَتَانِ	مُكْرِمَتَيْنِ	مُكْرِمَتَيْنِ		مُكْرَمَتَانِ	مُكْرَمَتَيْنِ	مُكْرَمَتَيْنِ
۶	مُكْرِمَاتٌ	مُكْرِمَاتِ	مُكْرِمَاتٍ		مُكْرَمَاتٌ	مُكْرَمَاتِ	مُكْرَمَاتٍ

صفحه ۵۱	۲	باب إفعال مضاعف (الإمْدَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُمِدٌّ	مُمِدّاً	مُمِدٍّ		مُمَدٌّ	مُمَدّاً	مُمَدٍّ
۲	مُمِدَّانِ	مُمِدَّيْنِ	مُمِدَّيْنِ		مُمَدَّانِ	مُمَدَّيْنِ	مُمَدَّيْنِ
۳	مُمِدُّوْنَ	مُمِدِّيْنَ	مُمِدِّيْنَ		مُمَدُّوْنَ	مُمَدِّيْنَ	مُمَدِّيْنَ
۴	مُمِدَّةٌ	مُمِدَّةً	مُمِدَّةٍ		مُمَدَّةٌ	مُمَدَّةً	مُمَدَّةٍ
۵	مُمِدَّتَانِ	مُمِدَّتَيْنِ	مُمِدَّتَيْنِ		مُمَدَّتَانِ	مُمَدَّتَيْنِ	مُمَدَّتَيْنِ
۶	مُمِدَّاتٌ	مُمِدَّاتِ	مُمِدَّاتٍ		مُمَدَّاتٌ	مُمَدَّاتِ	مُمَدَّاتٍ

ص: ۵۱

تصویر

صفحه ۵۲	۳	باب إفعال مثال واوی (الإیْعَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوْعِدٌ	مُوْعِداً	مُوْعِدٍ		مُوْعَدٌ	مُوْعَداً	مُوْعَدٍ
۲	مُوْعِدَانِ	مُوْعِدَيْنِ	مُوْعِدَيْنِ		مُوْعَدَانِ	مُوْعَدَيْنِ	مُوْعَدَيْنِ
۳	مُوْعِدُوْنَ	مُوْعِدِيْنَ	مُوْعِدِيْنَ		مُوْعَدُوْنَ	مُوْعَدِيْنَ	مُوْعَدِيْنَ
۴	مُوْعِدَةٌ	مُوْعِدَةً	مُوْعِدَةٍ		مُوْعَدَةٌ	مُوْعَدَةً	مُوْعَدَةٍ
۵	مُوْعِدَتَانِ	مُوْعِدَتَيْنِ	مُوْعِدَتَيْنِ		مُوْعَدَتَانِ	مُوْعَدَتَيْنِ	مُوْعَدَتَيْنِ
۶	مُوْعِدَاتٌ	مُوْعِدَاتٍ	مُوْعِدَاتٍ		مُوْعَدَاتٌ	مُوْعَدَاتٍ	مُوْعَدَاتٍ

صفحه ۵۲	۴	باب إفعال مثال یایی (الإیْتَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوْتِمٌ	مُوْتِماً	مُوْتِمٍ		مُوْتَمٌ بِهِ	مُوْتَماً بِهِ	مُوْتَمٍ بِهِ
۲	مُوْتِمَانِ	مُوْتِمَيْنِ	مُوْتِمَيْنِ		مُوْتَمٌ بِهِمَا	مُوْتَماً بِهِمَا	مُوْتَمٍ بِهِمَا
۳	مُوْتِمُوْنَ	مُوْتِمِيْنَ	مُوْتِمِيْنَ		مُوْتَمٌ بِهِمْ	مُوْتَماً بِهِمْ	مُوْتَمٍ بِهِمْ
۴	مُوْتِمَةٌ	مُوْتِمَةً	مُوْتِمَةٍ		مُوْتَمٌ بِهَا	مُوْتَماً بِهَا	مُوْتَمٍ بِهَا
۵	مُوْتِمَتَانِ	مُوْتِمَتَيْنِ	مُوْتِمَتَيْنِ		مُوْتَمٌ بِهِمَا	مُوْتَماً بِهِمَا	مُوْتَمٍ بِهِمَا
۶	مُوْتِمَاتٌ	مُوْتِمَاتٍ	مُوْتِمَاتٍ		مُوْتَمٌ بِهِنَّ	مُوْتَماً بِهِنَّ	مُوْتَمٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۵۳	۵	باب إفعال اجوف واوی (الإخَافَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخِيْفٌ	مُخِيْفاً	مُخِيْفٍ		مُخَافٌ	مُخَافاً	مُخَافٍ
۲	مُخِيْفَانِ	مُخِيْفَيْنِ	مُخِيْفَيْنِ		مُخَافَانِ	مُخَافَيْنِ	مُخَافَيْنِ
۳	مُخِيْفُوْنَ	مُخِيْفِيْنَ	مُخِيْفِيْنَ		مُخَافُوْنَ	مُخَافِيْنَ	مُخَافِيْنَ
۴	مُخِيْفَةٌ	مُخِيْفَةً	مُخِيْفَةٍ		مُخَافَةٌ	مُخَافَةً	مُخَافَةٍ
۵	مُخِيْفَتَانِ	مُخِيْفَتَيْنِ	مُخِيْفَتَيْنِ		مُخَافَتَانِ	مُخَافَتَيْنِ	مُخَافَتَيْنِ
۶	مُخِيْفَاتٌ	مُخِيْفَاتٍ	مُخِيْفَاتٍ		مُخَافَاتٌ	مُخَافَاتٍ	مُخَافَاتٍ

صفحه ۵۳	۶	باب إفعال اجوف یایی (الإبَاعَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُبِيْعٌ	مُبِيْعاً	مُبِيْعٍ		مُبَاعٌ	مُبَاعاً	مُبَاعٍ
۲	مُبِيْعَانِ	مُبِيْعَيْنِ	مُبِيْعَيْنِ		مُبَاعَانِ	مُبَاعَيْنِ	مُبَاعَيْنِ
۳	مُبِيْعُوْنَ	مُبِيْعِيْنَ	مُبِيْعِيْنَ		مُبَاعُوْنَ	مُبَاعِيْنَ	مُبَاعِيْنَ
۴	مُبِيْعَةٌ	مُبِيْعَةً	مُبِيْعَةٍ		مُبَاعَةٌ	مُبَاعَةً	مُبَاعَةٍ
۵	مُبِيْعَتَانِ	مُبِيْعَتَيْنِ	مُبِيْعَتَيْنِ		مُبَاعَتَانِ	مُبَاعَتَيْنِ	مُبَاعَتَيْنِ
۶	مُبِيْعَاتٌ	مُبِيْعَاتٍ	مُبِيْعَاتٍ		مُبَاعَاتٌ	مُبَاعَاتٍ	مُبَاعَاتٍ

تصویر

صفحه ۵۴	۷ (۱) باب إفعال ناقص واوی (الإرْضَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرْضٍ	مُرْضِياً	مُرْضٍ	مُرْضىً	مُرْضىً	مُرْضىً
۲	مُرْضِيَانِ	مُرْضِيَيْنِ	مُرْضِيَيْنِ	مُرْضَيَانِ	مُرْضَيَيْنِ	مُرْضَيَيْنِ
۳	مُرْضُوْنَ	مُرْضِيْنَ	مُرْضِيْنَ	مُرْضَوْنَ	مُرْضَيْنَ	مُرْضَيْنَ
۴	مُرْضِيَةٌ	مُرْضِيَةً	مُرْضِيَةٍ	مُرْضَاةٌ	مُرْضَاةً	مُرْضَاةٍ
۵	مُرْضِيَتَانِ	مُرْضِيَتَيْنِ	مُرْضِيَتَيْنِ	مُرْضَاتَانِ	مُرْضَاتَيْنِ	مُرْضَاتَيْنِ
۶	مُرْضِيَاتٌ	مُرْضِيَاتِ	مُرْضِيَاتِ	مُرْضَيَاتٌ	مُرْضَيَاتِ	مُرْضَيَاتِ

صفحه ۵۴	۷ (۲) باب إفعال ناقص واوی (الإرْضَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت	اسم فاعل درحالت	اسم فاعل درحالت	اسم مفعول درحالت	اسم مفعول درحالت	اسم مفعول درحالت
۱	الـمُرْضِي	الـمُرْضِيَ	الـمُرْضِي	الـمُرْضىٰ	الـمُرْضىٰ	الـمُرْضىٰ
۲	الـمُرْضِيَانِ	الـمُرْضِيَيْنِ	الـمُرْضِيَيْنِ	الـمُرْضَيَانِ	الـمُرْضَيَيْنِ	الـمُرْضَيَيْنِ
۳	الـمُرْضُوْنَ	الـمُرْضِيْنَ	الـمُرْضِيْنَ	الـمُرْضَوْنَ	الـمُرْضَيْنَ	الـمُرْضَيْنَ
۴	الـمُرْضِيَةُ	الـمُرْضِيَةَ	الـمُرْضِيَةِ	الـمُرْضَاةُ	الـمُرْضَاةَ	الـمُرْضَاةِ
۵	الـمُرْضِيَتَانِ	الـمُرْضِيَتَيْنِ	الـمُرْضِيَتَيْنِ	الـمُرْضَاتَانِ	الـمُرْضَاتَيْنِ	الـمُرْضَاتَيْنِ
۶	الـمُرْضِيَاتُ	الـمُرْضِيَاتِ	الـمُرْضِيَاتِ	الـمُرْضَيَاتُ	الـمُرْضَيَاتِ	الـمُرْضَيَاتِ

تصویر

صفحه ۵۵	۸(۱) باب إفعال ناقص يايى (الإرْمَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرْمٍ	مُرْمِياً	مُرْمٍ	مُرْمًى	مُرْمًى	مُرْمًى
۲	مُرْمِيَانِ	مُرْمِيَيْنِ	مُرْمِيَيْنِ	مُرْمَيَانِ	مُرْمَيَيْنِ	مُرْمَيَيْنِ
۳	مُرْمُوْنَ	مُرْمِيْنَ	مُرْمِيْنَ	مُرْمَوْنَ	مُرْمَيْنَ	مُرْمَيْنَ
۴	مُرْمِيَةٌ	مُرْمِيَةً	مُرْمِيَةٍ	مُرْمَاةٌ	مُرْمَاةً	مُرْمَاةٍ
۵	مُرْمِيَتَانِ	مُرْمِيَتَيْنِ	مُرْمِيَتَيْنِ	مُرْمَاتَانِ	مُرْمَاتَيْنِ	مُرْمَاتَيْنِ
۶	مُرْمِيَاتٌ	مُرْمِيَاتِ	مُرْمِيَاتِ	مُرْمَيَاتٌ	مُرْمَيَاتِ	مُرْمَيَاتِ

صفحه ۵۵	۸(۲) باب إفعال ناقص يايى (الإرْمَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُرْمِي	الـمُرْمِىَ	الـمُرْمِي	الـمُرْمىٰ	الـمُرْمىٰ	الـمُرْمىٰ
۲	الـمُرْمِيَانِ	الـمُرْمِيَيْنِ	الـمُرْمِيَيْنِ	الـمُرْمَيَانِ	الـمُرْمَيَيْنِ	الـمُرْمَيَيْنِ
۳	الـمُرْمُوْنَ	الـمُرْمِيْنَ	الـمُرْمِيْنَ	الـمُرْمَوْنَ	الـمُرْمَيْنَ	الـمُرْمَيْنَ
۴	الـمُرْمِيَةُ	الـمُرْمِيَةَ	الـمُرْمِيَةِ	الـمُرْمَاةُ	الـمُرْمَاةَ	الـمُرْمَاةِ
۵	الـمُرْمِيَتَانِ	الـمُرْمِيَتَيْنِ	الـمُرْمِيَتَيْنِ	الـمُرْمَاتَانِ	الـمُرْمَاتَيْنِ	الـمُرْمَاتَيْنِ
۶	الـمُرْمِيَاتُ	الـمُرْمِيَاتِ	الـمُرْمِيَاتِ	الـمُرْمَيَاتُ	الـمُرْمَيَاتِ	الـمُرْمَيَاتِ

تصویر

صفحه ۵۶	۹(۱) باب إفعال لفيف مفروق (الإيْلَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوْلٍ	مُوْلِياً	مُوْلٍ	مُوْلًى	مُوْلًى	مُوْلًى
۲	مُوْلِيَانِ	مُوْلِيَيْنِ	مُوْلِيَيْنِ	مُوْلَيَانِ	مُوْلَيَيْنِ	مُوْلَيَيْنِ
۳	مُوْلُوْنَ	مُوْلِيْنَ	مُوْلِيْنَ	مُوْلَوْنَ	مُوْلَيْنَ	مُوْلَيْنَ
۴	مُوْلِيَةٌ	مُوْلِيَةً	مُوْلِيَةٍ	مُوْلَاةٌ	مُوْلَاةً	مُوْلَاةٍ
۵	مُوْلِيَتَانِ	مُوْلِيَتَيْنِ	مُوْلِيَتَيْنِ	مُوْلَاتَانِ	مُوْلَاتَيْنِ	مُوْلَاتَيْنِ
۶	مُوْلِيَاتٌ	مُوْلِيَاتِ	مُوْلِيَاتِ	مُوْلَيَاتٌ	مُوْلَيَاتِ	مُوْلَيَاتِ

صفحه ۵۶	۹(۲) باب إفعال لفيف مفروق (الإيْلَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُوْلِي	الـمُوْلِيَ	الـمُوْلِي	الـمُوْلٰى	الـمُوْلٰى	الـمُوْلٰى
۲	الـمُوْلِيَانِ	الـمُوْلِيَيْنِ	الـمُوْلِيَيْنِ	الـمُوْلَيَانِ	الـمُوْلَيَيْنِ	الـمُوْلَيَيْنِ
۳	الـمُوْلُوْنَ	الـمُوْلِيْنَ	الـمُوْلِيْنَ	الـمُوْلَوْنَ	الـمُوْلَيْنَ	الـمُوْلَيْنَ
۴	الـمُوْلِيَةُ	الـمُوْلِيَةَ	الـمُوْلِيَةِ	الـمُوْلَاةُ	الـمُوْلَاةَ	الـمُوْلَاةِ
۵	الـمُوْلِيَتَانِ	الـمُوْلِيَتَيْنِ	الـمُوْلِيَتَيْنِ	الـمُوْلَاتَانِ	الـمُوْلَاتَيْنِ	الـمُوْلَاتَيْنِ
۶	الـمُوْلِيَاتُ	الـمُوْلِيَاتِ	الـمُوْلِيَاتِ	الـمُوْلَيَاتُ	الـمُوْلَيَاتِ	الـمُوْلَيَاتِ

تصویر

صفحه ۵۷	۱۰ (۱) باب إفعال لفيف مقرون (الإشْوَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُشْوٍ	مُشْوِياً	مُشْوٍ	مُشْوىً	مُشْوىً	مُشْوىً
۲	مُشْوِيَانِ	مُشْوِيَيْنِ	مُشْوِيَيْنِ	مُشْوَيَانِ	مُشْوَيَيْنِ	مُشْوَيَيْنِ
۳	مُشْوُوْنَ	مُشْوِيْنَ	مُشْوِيْنَ	مُشْوَوْنَ	مُشْوَيْنَ	مُشْوَيْنَ
۴	مُشْوِيَةٌ	مُشْوِيَةً	مُشْوِيَةٍ	مُشْوَاةٌ	مُشْوَاةً	مُشْوَاةٍ
۵	مُشْوِيَتَانِ	مُشْوِيَتَيْنِ	مُشْوِيَتَيْنِ	مُشْوَاتَانِ	مُشْوَاتَيْنِ	مُشْوَاتَيْنِ
۶	مُشْوِيَاتٌ	مُشْوِيَاتِ	مُشْوِيَاتٍ	مُشْوَيَاتٌ	مُشْوَيَاتِ	مُشْوَيَاتٍ

صفحه ۵۷	۱۰ (۲) باب إفعال لفيف مقرون (الإشْوَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُشْوِي	الـمُشْوِىَ	الـمُشْوِي	الـمُشْوىٰ	الـمُشْوىٰ	الـمُشْوىٰ
۲	الـمُشْوِيَانِ	الـمُشْوِيَيْنِ	الـمُشْوِيَيْنِ	الـمُشْوَيَانِ	الـمُشْوَيَيْنِ	الـمُشْوَيَيْنِ
۳	الـمُشْوُوْنَ	الـمُشْوِيْنَ	الـمُشْوِيْنَ	الـمُشْوَوْنَ	الـمُشْوَيْنَ	الـمُشْوَيْنَ
۴	الـمُشْوِيَةُ	الـمُشْوِيَةَ	الـمُشْوِيَةِ	الـمُشْوَاةُ	الـمُشْوَاةَ	الـمُشْوَاةِ
۵	الـمُشْوِيَتَانِ	الـمُشْوِيَتَيْنِ	الـمُشْوِيَتَيْنِ	الـمُشْوَاتَانِ	الـمُشْوَاتَيْنِ	الـمُشْوَاتَيْنِ
۶	الـمُشْوِيَاتُ	الـمُشْوِيَاتِ	الـمُشْوِيَاتِ	الـمُشْوَيَاتُ	الـمُشْوَيَاتِ	الـمُشْوَيَاتِ

تصویر

صفحه ۵۸	۱۱ باب إفعال مهموزالفاء (الإِيْمَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُؤْمِرٌ	مُؤْمِراً	مُؤْمِرٍ	مُؤْمَرٌ	مُؤْمَراً	مُؤْمَرٍ
۲	مُؤْمِرَانِ	مُؤْمِرَيْنِ	مُؤْمِرَيْنِ	مُؤْمَرَانِ	مُؤْمَرَيْنِ	مُؤْمَرَيْنِ
۳	مُؤْمِرُوْنَ	مُؤْمِرِيْنِ	مُؤْمِرِيْنِ	مُؤْمَرُوْنَ	مُؤْمَرِيْنِ	مُؤْمَرِيْنِ
۴	مُؤْمِرَةٌ	مُؤْمِرَةً	مُؤْمِرَةٍ	مُؤْمَرَةٌ	مُؤْمَرَةً	مُؤْمَرَةٍ
۵	مُؤْمِرَتَانِ	مُؤْمِرَتَيْنِ	مُؤْمِرَتَيْنِ	مُؤْمَرَتَانِ	مُؤْمَرَتَيْنِ	مُؤْمَرَتَيْنِ
۶	مُؤْمِرَاتٌ	مُؤْمِرَاتِ	مُؤْمِرَاتٍ	مُؤْمَرَاتٌ	مُؤْمَرَاتِ	مُؤْمَرَاتٍ

صفحه ۵۸	۱۲ باب إفعال مهموزالعين (الإِسْأَال) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْئِلٌ	مُسْئِلاً	مُسْئِلٍ	مُسْأَلٌ	مُسْأَلاً	مُسْأَلٍ
۲	مُسْئِلَانِ	مُسْئِلَيْنِ	مُسْئِلَيْنِ	مُسْأَلَانِ	مُسْأَلَيْنِ	مُسْأَلَيْنِ
۳	مُسْئِلُوْنَ	مُسْئِلِيْنِ	مُسْئِلِيْنِ	مُسْأَلُوْنَ	مُسْأَلِيْنِ	مُسْأَلِيْنِ
۴	مُسْئِلَةٌ	مُسْئِلَةً	مُسْئِلَةٍ	مُسْأَلَةٌ	مُسْأَلَةً	مُسْأَلَةٍ
۵	مُسْئِلَتَانِ	مُسْئِلَتَيْنِ	مُسْئِلَتَيْنِ	مُسْأَلَتَانِ	مُسْأَلَتَيْنِ	مُسْأَلَتَيْنِ
۶	مُسْئِلَاتٌ	مُسْئِلَاتِ	مُسْئِلَاتٍ	مُسْأَلَاتٌ	مُسْأَلَاتِ	مُسْأَلَاتٍ

تصویر

صفحه ۵۹	۱۳ (۱) باب إفعال مهموز اللام (الإقْرَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْرِئٌ	مُقْرِئاً	مُقْرِئٍ	مُقْرَأٌ	مُقْرَءاً	مُقْرَإٍ
۲	مُقْرِئَانِ	مُقْرِئَيْنِ	مُقْرِئَيْنِ	مُقْرَأَانِ	مُقْرَأَيْنِ	مُقْرَأَيْنِ
۳	مُقْرِئُوْنَ	مُقْرِئِيْنَ	مُقْرِئِيْنَ	مُقْرَؤُوْنَ	مُقْرَئِيْنَ	مُقْرَئِيْنَ
۴	مُقْرِئَةٌ	مُقْرِئَةً	مُقْرِئَةٍ	مُقْرَأَةٌ	مُقْرَأَةً	مُقْرَأَةٍ
۵	مُقْرِئَتَانِ	مُقْرِئَتَيْنِ	مُقْرِئَتَيْنِ	مُقْرَأَتَانِ	مُقْرَأَتَيْنِ	مُقْرَأَتَيْنِ
۶	مُقْرِئَاتٌ	مُقْرِئَاتِ	مُقْرِئَاتٍ	مُقْرَءَاتٌ	مُقْرَءَاتِ	مُقْرَءَاتٍ

صفحه ۵۹	۱۳ (۲) باب إفعال مهموز اللام (الإقْرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْرٍ	مُقْرِياً	مُقْرٍ	مُقْرَىً	مُقْرَىً	مُقْرَىً
۲	مُقْرِيَانِ	مُقْرِيَيْنِ	مُقْرِيَيْنِ	مُقْرَيَانِ	مُقْرَيَيْنِ	مُقْرَيَيْنِ
۳	مُقْرُوْنَ	مُقْرِيْنَ	مُقْرِيْنَ	مُقْرَوْنَ	مُقْرَيْنَ	مُقْرَيْنَ
۴	مُقْرِيَةٌ	مُقْرِيَةً	مُقْرِيَةٍ	مُقْرَاةٌ	مُقْرَاةً	مُقْرَاةٍ
۵	مُقْرِيَتَانِ	مُقْرِيَتَيْنِ	مُقْرِيَتَيْنِ	مُقْرَاتَانِ	مُقْرَاتَيْنِ	مُقْرَاتَيْنِ
۶	مُقْرِيَاتٌ	مُقْرِيَاتِ	مُقْرِيَاتٍ	مُقْرَيَاتٌ	مُقْرَيَاتِ	مُقْرَيَاتٍ

تصویر

صفحه ۶۰	۱۳ (۳) باب إفعال مهموز اللام (الإقْرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقْرِي	الـمُقْرِيَ	الـمُقْرِي		الـمُقْرَىٰ	الـمُقْرَىٰ	الـمُقْرَىٰ
۲	الـمُقْرِيَانِ	الـمُقْرِيَيْنِ	الـمُقْرِيَيْنِ		الـمُقْرَيَانِ	الـمُقْرَيَيْنِ	الـمُقْرَيَيْنِ
۳	الـمُقْرُوْنَ	الـمُقْرِيْنَ	الـمُقْرِيْنَ		الـمُقْرَوْنَ	الـمُقْرَيْنَ	الـمُقْرَيْنَ
۴	الـمُقْرِيَةُ	الـمُقْرِيَةَ	الـمُقْرِيَةِ		الـمُقْرَاةُ	الـمُقْرَاةَ	الـمُقْرَاةِ
۵	الـمُقْرِيَتَانِ	الـمُقْرِيَتَيْنِ	الـمُقْرِيَتَيْنِ		الـمُقْرَاتَانِ	الـمُقْرَاتَيْنِ	الـمُقْرَاتَيْنِ
۶	الـمُقْرِيَاتُ	الـمُقْرِيَاتِ	الـمُقْرِيَاتِ		الـمُقْرَيَاتُ	الـمُقْرَيَاتِ	الـمُقْرَيَاتِ

باب تفعیل

تصویر

صفحه ۶۱	۱	باب تفعیل سالم (التَّطْهِیْر) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُطَهِّرٌ	مُطَهِّراً	مُطَهِّرٍ		مُطَهَّرٌ	مُطَهَّراً	مُطَهَّرٍ
۲	مُطَهِّرَانِ	مُطَهِّرَيْنِ	مُطَهِّرَيْنِ		مُطَهَّرَانِ	مُطَهَّرَيْنِ	مُطَهَّرَيْنِ
۳	مُطَهِّرُوْنَ	مُطَهِّرِيْنَ	مُطَهِّرِيْنَ		مُطَهَّرُوْنَ	مُطَهَّرِيْنَ	مُطَهَّرِيْنَ
۴	مُطَهِّرَةٌ	مُطَهِّرَةً	مُطَهِّرَةٍ		مُطَهَّرَةٌ	مُطَهَّرَةً	مُطَهَّرَةٍ
۵	مُطَهِّرَتَانِ	مُطَهِّرَتَيْنِ	مُطَهِّرَتَيْنِ		مُطَهَّرَتَانِ	مُطَهَّرَتَيْنِ	مُطَهَّرَتَيْنِ
۶	مُطَهِّرَاتٌ	مُطَهِّرَاتِ	مُطَهِّرَاتٍ		مُطَهَّرَاتٌ	مُطَهَّرَاتِ	مُطَهَّرَاتٍ

صفحه ۶۱	۲	باب تفعیل مضاعف (التَّمْدِیْد) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُمَدِّدٌ	مُمَدِّداً	مُمَدِّدٍ		مُمَدَّدٌ	مُمَدَّداً	مُمَدَّدٍ
۲	مُمَدِّدَانِ	مُمَدِّدَيْنِ	مُمَدِّدَيْنِ		مُمَدَّدَانِ	مُمَدَّدَيْنِ	مُمَدَّدَيْنِ
۳	مُمَدِّدُوْنَ	مُمَدِّدِيْنَ	مُمَدِّدِيْنَ		مُمَدَّدُوْنَ	مُمَدَّدِيْنَ	مُمَدَّدِيْنَ
۴	مُمَدِّدَةٌ	مُمَدِّدَةً	مُمَدِّدَةٍ		مُمَدَّدَةٌ	مُمَدَّدَةً	مُمَدَّدَةٍ
۵	مُمَدِّدَتَانِ	مُمَدِّدَتَيْنِ	مُمَدِّدَتَيْنِ		مُمَدَّدَتَانِ	مُمَدَّدَتَيْنِ	مُمَدَّدَتَيْنِ
۶	مُمَدِّدَاتٌ	مُمَدِّدَاتِ	مُمَدِّدَاتٍ		مُمَدَّدَاتٌ	مُمَدَّدَاتِ	مُمَدَّدَاتٍ

تصویر

صفحه ۶۲	۳	باب تفعیل مثال واوی (التَّوْضِیْع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوَضِّعٌ	مُوَضِّعاً	مُوَضِّعٍ		مُوَضَّعٌ	مُوَضَّعاً	مُوَضَّعٍ
۲	مُوَضِّعَانِ	مُوَضِّعَيْنِ	مُوَضِّعَيْنِ		مُوَضَّعَانِ	مُوَضَّعَيْنِ	مُوَضَّعَيْنِ
۳	مُوَضِّعُوْنَ	مُوَضِّعِيْنَ	مُوَضِّعِيْنَ		مُوَضَّعُوْنَ	مُوَضَّعِيْنَ	مُوَضَّعِيْنَ
۴	مُوَضِّعَةٌ	مُوَضِّعَةً	مُوَضِّعَةٍ		مُوَضَّعَةٌ	مُوَضَّعَةً	مُوَضَّعَةٍ
۵	مُوَضِّعَتَانِ	مُوَضِّعَتَيْنِ	مُوَضِّعَتَيْنِ		مُوَضَّعَتَانِ	مُوَضَّعَتَيْنِ	مُوَضَّعَتَيْنِ
۶	مُوَضِّعَاتٌ	مُوَضِّعَاتِ	مُوَضِّعَاتِ		مُوَضَّعَاتٌ	مُوَضَّعَاتِ	مُوَضَّعَاتِ

صفحه ۶۲	۴	باب تفعیل مثال یایی (التَّیْسِیْر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُيَسِّرٌ	مُيَسِّراً	مُيَسِّرٍ		مُيَسَّرٌ	مُيَسَّراً	مُيَسَّرٍ
۲	مُيَسِّرَانِ	مُيَسِّرَيْنِ	مُيَسِّرَيْنِ		مُيَسَّرَانِ	مُيَسَّرَيْنِ	مُيَسَّرَيْنِ
۳	مُيَسِّرُوْنَ	مُيَسِّرِيْنَ	مُيَسِّرِيْنَ		مُيَسَّرُوْنَ	مُيَسَّرِيْنَ	مُيَسَّرِيْنَ
۴	مُيَسِّرَةٌ	مُيَسِّرَةً	مُيَسِّرَةٍ		مُيَسَّرَةٌ	مُيَسَّرَةً	مُيَسَّرَةٍ
۵	مُيَسِّرَتَانِ	مُيَسِّرَتَيْنِ	مُيَسِّرَتَيْنِ		مُيَسَّرَتَانِ	مُيَسَّرَتَيْنِ	مُيَسَّرَتَيْنِ
۶	مُيَسِّرَاتٌ	مُيَسِّرَاتِ	مُيَسِّرَاتِ		مُيَسَّرَاتٌ	مُيَسَّرَاتِ	مُيَسَّرَاتِ

تصویر

صفحه ۶۳	۵	باب تفعیل اجوف واوی (التَّخْوِیْف) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخَوِّفٌ	مُخَوِّفاً	مُخَوِّفٍ		مُخَوَّفٌ	مُخَوَّفاً	مُخَوَّفٍ
۲	مُخَوِّفَانِ	مُخَوِّفَيْنِ	مُخَوِّفَيْنِ		مُخَوَّفَانِ	مُخَوَّفَيْنِ	مُخَوَّفَيْنِ
۳	مُخَوِّفُوْنَ	مُخَوِّفِيْنَ	مُخَوِّفِيْنَ		مُخَوَّفُوْنَ	مُخَوَّفِيْنَ	مُخَوَّفِيْنَ
۴	مُخَوِّفَةٌ	مُخَوِّفَةً	مُخَوِّفَةٍ		مُخَوَّفَةٌ	مُخَوَّفَةً	مُخَوَّفَةٍ
۵	مُخَوِّفَتَانِ	مُخَوِّفَتَيْنِ	مُخَوِّفَتَيْنِ		مُخَوَّفَتَانِ	مُخَوَّفَتَيْنِ	مُخَوَّفَتَيْنِ
۶	مُخَوِّفَاتٌ	مُخَوِّفَاتٍ	مُخَوِّفَاتٍ		مُخَوَّفَاتٌ	مُخَوَّفَاتٍ	مُخَوَّفَاتٍ

صفحه ۶۳	۶	باب تفعیل اجوف یایی (التَّهْیِیْب) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُهَيِّبٌ	مُهَيِّباً	مُهَيِّبٍ		مُهَيَّبٌ	مُهَيَّباً	مُهَيَّبٍ
۲	مُهَيِّبَانِ	مُهَيِّبَيْنِ	مُهَيِّبَيْنِ		مُهَيَّبَانِ	مُهَيَّبَيْنِ	مُهَيَّبَيْنِ
۳	مُهَيِّبُوْنَ	مُهَيِّبِيْنَ	مُهَيِّبِيْنَ		مُهَيَّبُوْنَ	مُهَيَّبِيْنَ	مُهَيَّبِيْنَ
۴	مُهَيِّبَةٌ	مُهَيِّبَةً	مُهَيِّبَةٍ		مُهَيَّبَةٌ	مُهَيَّبَةً	مُهَيَّبَةٍ
۵	مُهَيِّبَتَانِ	مُهَيِّبَتَيْنِ	مُهَيِّبَتَيْنِ		مُهَيَّبَتَانِ	مُهَيَّبَتَيْنِ	مُهَيَّبَتَيْنِ
۶	مُهَيِّبَاتٌ	مُهَيِّبَاتٍ	مُهَيِّبَاتٍ		مُهَيَّبَاتٌ	مُهَيَّبَاتٍ	مُهَيَّبَاتٍ

تصویر

صفحه ۶۴	۷ (۱) باب تفعیل ناقص واوی (التَّدْعِیَةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَعٍّ	مُدَعِّیاً	مُدَعٍّ	مُدَعًّی	مُدَعًّی	مُدَعًّی
۲	مُدَعِّیَانِ	مُدَعِّیَیْنِ	مُدَعِّیَیْنِ	مُدَعَّیَانِ	مُدَعَّیَیْنِ	مُدَعَّیَیْنِ
۳	مُدَعُّوْنَ	مُدَعِّیْنَ	مُدَعِّیْنَ	مُدَعَّوْنَ	مُدَعَّیْنَ	مُدَعَّیْنَ
۴	مُدَعِّیَةٌ	مُدَعِّیَةً	مُدَعِّیَةٍ	مُدَعَّاةٌ	مُدَعَّاةً	مُدَعَّاةٍ
۵	مُدَعِّیَتَانِ	مُدَعِّیَتَیْنِ	مُدَعِّیَتَیْنِ	مُدَعَّاتَانِ	مُدَعَّاتَیْنِ	مُدَعَّاتَیْنِ
۶	مُدَعِّیَاتٌ	مُدَعِّیَاتِ	مُدَعِّیَاتٍ	مُدَعَّیَاتٌ	مُدَعَّیَاتِ	مُدَعَّیَاتٍ

صفحه ۶۴	۷ (۲) باب تفعیل ناقص واوی (التَّدْعِیَةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُدَعِّي	الـمُدَعِّیَ	الـمُدَعِّي	الـمُدَعًّیٰ	الـمُدَعًّیٰ	الـمُدَعًّیٰ
۲	الـمُدَعِّیَانِ	الـمُدَعِّیَیْنِ	الـمُدَعِّیَیْنِ	الـمُدَعَّیَانِ	الـمُدَعَّیَیْنِ	الـمُدَعَّیَیْنِ
۳	الـمُدَعُّوْنَ	الـمُدَعِّیْنَ	الـمُدَعِّیْنَ	الـمُدَعَّوْنَ	الـمُدَعَّیْنَ	الـمُدَعَّیْنَ
۴	الـمُدَعِّیَةُ	الـمُدَعِّیَةَ	الـمُدَعِّیَةِ	الـمُدَعَّاةُ	الـمُدَعَّاةَ	الـمُدَعَّاةِ
۵	الـمُدَعِّیَتَانِ	الـمُدَعِّیَتَیْنِ	الـمُدَعِّیَتَیْنِ	الـمُدَعَّاتَانِ	الـمُدَعَّاتَیْنِ	الـمُدَعَّاتَیْنِ
۶	الـمُدَعِّیَاتُ	الـمُدَعِّیَاتِ	الـمُدَعِّیَاتِ	الـمُدَعَّیَاتُ	الـمُدَعَّیَاتِ	الـمُدَعَّیَاتِ

تصویر

صفحه ۶۵	۸(۱) باب تفعیل ناقص یایی (التَّخْشِیَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخَشِّ	مُخَشِّياً	مُخَشِّ	مُخَشًّىً	مُخَشًّىً	مُخَشًّىً
۲	مُخَشِّيَانِ	مُخَشِّيَيْنِ	مُخَشِّيَيْنِ	مُخَشًّيَانِ	مُخَشًّيَيْنِ	مُخَشًّيَيْنِ
۳	مُخَشُّوْنَ	مُخَشِّيْنَ	مُخَشِّيْنَ	مُخَشًّوْنَ	مُخَشًّيْنَ	مُخَشًّيْنَ
۴	مُخَشِّيَةٌ	مُخَشِّيَةً	مُخَشِّيَةٍ	مُخَشًّاةٌ	مُخَشًّاةً	مُخَشًّاةٍ
۵	مُخَشِّيَتَانِ	مُخَشِّيَتَيْنِ	مُخَشِّيَتَيْنِ	مُخَشًّاتَانِ	مُخَشًّاتَيْنِ	مُخَشًّاتَيْنِ
۶	مُخَشِّيَاتٌ	مُخَشِّيَاتِ	مُخَشِّيَاتِ	مُخَشًّيَاتٌ	مُخَشًّيَاتِ	مُخَشًّيَاتِ

صفحه ۶۵	۸(۲) باب تفعیل ناقص یایی (التَّخْشِیَة) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُخَشِّي	الْمُخَشِّيَ	الْمُخَشِّي	الْمُخَشًّىٰ	الْمُخَشًّىٰ	الْمُخَشًّىٰ
۲	الْمُخَشِّيَانِ	الْمُخَشِّيَيْنِ	الْمُخَشِّيَيْنِ	الْمُخَشًّيَانِ	الْمُخَشًّيَيْنِ	الْمُخَشًّيَيْنِ
۳	الْمُخَشُّوْنَ	الْمُخَشِّيْنَ	الْمُخَشِّيْنَ	الْمُخَشًّوْنَ	الْمُخَشًّيْنَ	الْمُخَشًّيْنَ
۴	الْمُخَشِّيَةُ	الْمُخَشِّيَةَ	الْمُخَشِّيَةِ	الْمُخَشًّاةُ	الْمُخَشًّاةَ	الْمُخَشًّاةِ
۵	الْمُخَشِّيَتَانِ	الْمُخَشِّيَتَيْنِ	الْمُخَشِّيَتَيْنِ	الْمُخَشًّاتَانِ	الْمُخَشًّاتَيْنِ	الْمُخَشًّاتَيْنِ
۶	الْمُخَشِّيَاتُ	الْمُخَشِّيَاتِ	الْمُخَشِّيَاتِ	الْمُخَشًّيَاتُ	الْمُخَشًّيَاتِ	الْمُخَشًّيَاتِ

تصویر

صفحه ۶۶	۹(۱) باب تفعیل لفیف مفروق (التَّوْقِیَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوَقٍّ	مُوَقِّياً	مُوَقٍّ	مُوَقًّىٰ	مُوَقًّىٰ	مُوَقًّىٰ
۲	مُوَقِّيَانِ	مُوَقِّيَيْنِ	مُوَقِّيَيْنِ	مُوَقَّيَانِ	مُوَقَّيَيْنِ	مُوَقَّيَيْنِ
۳	مُوَقُّوْنَ	مُوَقِّيْنَ	مُوَقِّيْنَ	مُوَقَّوْنَ	مُوَقَّيْنَ	مُوَقَّيْنَ
۴	مُوَقِّيَةٌ	مُوَقِّيَةً	مُوَقِّيَةٍ	مُوَقَّاةٌ	مُوَقَّاةً	مُوَقَّاةٍ
۵	مُوَقِّيَتَانِ	مُوَقِّيَتَيْنِ	مُوَقِّيَتَيْنِ	مُوَقَّاتَانِ	مُوَقَّاتَيْنِ	مُوَقَّاتَيْنِ
۶	مُوَقِّيَاتٌ	مُوَقِّيَاتِ	مُوَقِّيَاتِ	مُوَقَّيَاتٌ	مُوَقَّيَاتِ	مُوَقَّيَاتِ

صفحه ۶۶	۹(۲) باب تفعیل لفیف مفروق (التَّوْقِیَة) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُوَقِّي	الـمُوَقِّىَ	الـمُوَقِّي	الـمُوَقًّىٰ	الـمُوَقًّىٰ	الـمُوَقًّىٰ
۲	الـمُوَقِّيَانِ	الـمُوَقِّيَيْنِ	الـمُوَقِّيَيْنِ	الـمُوَقَّيَانِ	الـمُوَقَّيَيْنِ	الـمُوَقَّيَيْنِ
۳	الـمُوَقُّوْنَ	الـمُوَقِّيْنَ	الـمُوَقِّيْنَ	الـمُوَقَّوْنَ	الـمُوَقَّيْنَ	الـمُوَقَّيْنَ
۴	الـمُوَقِّيَةُ	الـمُوَقِّيَةَ	الـمُوَقِّيَةِ	الـمُوَقَّاةُ	الـمُوَقَّاةَ	الـمُوَقَّاةِ
۵	الـمُوَقِّيَتَانِ	الـمُوَقِّيَتَيْنِ	الـمُوَقِّيَتَيْنِ	الـمُوَقَّاتَانِ	الـمُوَقَّاتَيْنِ	الـمُوَقَّاتَيْنِ
۶	الـمُوَقِّيَاتُ	الـمُوَقِّيَاتِ	الـمُوَقِّيَاتِ	الـمُوَقَّيَاتُ	الـمُوَقَّيَاتِ	الـمُوَقَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۶۷	۱۰ (۱) باب تفعیل لفیف مقرون (التَّقْوِیَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَوٍّ	مُقَوِّياً	مُقَوٍّ	مُقَوًّىٰ	مُقَوًّىٰ	مُقَوًّىٰ
۲	مُقَوِّيَانِ	مُقَوِّيَيْنِ	مُقَوِّيَيْنِ	مُقَوَّيَانِ	مُقَوَّيَيْنِ	مُقَوَّيَيْنِ
۳	مُقَوُّوْنَ	مُقَوِّيْنَ	مُقَوِّيْنَ	مُقَوَّوْنَ	مُقَوَّيْنَ	مُقَوَّيْنَ
۴	مُقَوِّيَةٌ	مُقَوِّيَةً	مُقَوِّيَةٍ	مُقَوَّاةٌ	مُقَوَّاةً	مُقَوَّاةٍ
۵	مُقَوِّيَتَانِ	مُقَوِّيَتَيْنِ	مُقَوِّيَتَيْنِ	مُقَوَّاتَانِ	مُقَوَّاتَيْنِ	مُقَوَّاتَيْنِ
۶	مُقَوِّيَاتٌ	مُقَوِّيَاتِ	مُقَوِّيَاتِ	مُقَوَّيَاتٌ	مُقَوَّيَاتِ	مُقَوَّيَاتِ

صفحه ۶۷	۱۰ (۲) باب تفعیل لفیف مقرون (التَّقْوِیَة) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقَوِّي	الـمُقَوِّيَ	الـمُقَوِّي	الـمُقَوًّىٰ	الـمُقَوًّىٰ	الـمُقَوًّىٰ
۲	الـمُقَوِّيَانِ	الـمُقَوِّيَيْنِ	الـمُقَوِّيَيْنِ	الـمُقَوَّيَانِ	الـمُقَوَّيَيْنِ	الـمُقَوَّيَيْنِ
۳	الـمُقَوُّوْنَ	الـمُقَوِّيْنَ	الـمُقَوِّيْنَ	الـمُقَوَّوْنَ	الـمُقَوَّيْنَ	الـمُقَوَّيْنَ
۴	الـمُقَوِّيَةُ	الـمُقَوِّيَةَ	الـمُقَوِّيَةِ	الـمُقَوَّاةُ	الـمُقَوَّاةَ	الـمُقَوَّاةِ
۵	الـمُقَوِّيَتَانِ	الـمُقَوِّيَتَيْنِ	الـمُقَوِّيَتَيْنِ	الـمُقَوَّاتَانِ	الـمُقَوَّاتَيْنِ	الـمُقَوَّاتَيْنِ
۶	الـمُقَوِّيَاتُ	الـمُقَوِّيَاتِ	الـمُقَوِّيَاتِ	الـمُقَوَّيَاتُ	الـمُقَوَّيَاتِ	الـمُقَوَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۶۸	۱۱ باب تفعیل مهموزالفاء (التَّأْمِیْر) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُؤَمِّرٌ	مُؤَمِّراً	مُؤَمِّرٍ	مُؤَمَّرٌ	مُؤَمَّراً	مُؤَمَّرٍ
۲	مُؤَمِّرَانِ	مُؤَمِّرَيْنِ	مُؤَمِّرَيْنِ	مُؤَمَّرَانِ	مُؤَمَّرَيْنِ	مُؤَمَّرَيْنِ
۳	مُؤَمِّرُوْنَ	مُؤَمِّرِيْنَ	مُؤَمِّرِيْنَ	مُؤَمَّرُوْنَ	مُؤَمَّرِيْنَ	مُؤَمَّرِيْنَ
۴	مُؤَمِّرَةٌ	مُؤَمِّرَةً	مُؤَمِّرَةٍ	مُؤَمَّرَةٌ	مُؤَمَّرَةً	مُؤَمَّرَةٍ
۵	مُؤَمِّرَتَانِ	مُؤَمِّرَتَيْنِ	مُؤَمِّرَتَيْنِ	مُؤَمَّرَتَانِ	مُؤَمَّرَتَيْنِ	مُؤَمَّرَتَيْنِ
۶	مُؤَمِّرَاتٌ	مُؤَمِّرَاتٍ	مُؤَمِّرَاتٍ	مُؤَمَّرَاتٌ	مُؤَمَّرَاتٍ	مُؤَمَّرَاتٍ

صفحه ۶۸	۱۲ باب تفعیل مهموزالعین (التَّلْئِیْم) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُلَئِّمٌ	مُلَئِّماً	مُلَئِّمٍ	مُلَأَّمٌ	مُلَأَّماً	مُلَأَّمٍ
۲	مُلَئِّمَانِ	مُلَئِّمَيْنِ	مُلَئِّمَيْنِ	مُلَأَّمَانِ	مُلَأَّمَيْنِ	مُلَأَّمَيْنِ
۳	مُلَئِّمُوْنَ	مُلَئِّمِيْنَ	مُلَئِّمِيْنَ	مُلَأَّمُوْنَ	مُلَأَّمِيْنَ	مُلَأَّمِيْنَ
۴	مُلَئِّمَةٌ	مُلَئِّمَةً	مُلَئِّمَةٍ	مُلَأَّمَةٌ	مُلَأَّمَةً	مُلَأَّمَةٍ
۵	مُلَئِّمَتَانِ	مُلَئِّمَتَيْنِ	مُلَئِّمَتَيْنِ	مُلَأَّمَتَانِ	مُلَأَّمَتَيْنِ	مُلَأَّمَتَيْنِ
۶	مُلَئِّمَاتٌ	مُلَئِّمَاتٍ	مُلَئِّمَاتٍ	مُلَأَّمَاتٌ	مُلَأَّمَاتٍ	مُلَأَّمَاتٍ

تصویر

صفحه ۶۹	۱۳ (۱) باب تفعیل مهموزاللام (التَّقْرِیْء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَرِّیٌ	مُقَرِّیاً	مُقَرِّیٍ	مُقَرَّأٌ	مُقَرَّءاً	مُقَرَّإٍ
۲	مُقَرِّئَانِ	مُقَرِّئَیْنِ	مُقَرِّئَیْنِ	مُقَرَّأَانِ	مُقَرَّأَیْنِ	مُقَرَّأَیْنِ
۳	مُقَرِّئُوْنَ	مُقَرِّئِیْنَ	مُقَرِّئِیْنَ	مُقَرَّؤُوْنَ	مُقَرَّئِیْنَ	مُقَرَّئِیْنَ
۴	مُقَرِّئَةٌ	مُقَرِّئَةً	مُقَرِّئَةٍ	مُقَرَّأَةٌ	مُقَرَّأَةً	مُقَرَّأَةٍ
۵	مُقَرِّئَتَانِ	مُقَرِّئَتَیْنِ	مُقَرِّئَتَیْنِ	مُقَرَّأَتَانِ	مُقَرَّأَتَیْنِ	مُقَرَّأَتَیْنِ
۶	مُقَرِّئَاتٌ	مُقَرِّئَاتِ	مُقَرِّئَاتٍ	مُقَرَّءَاتٌ	مُقَرَّءَاتِ	مُقَرَّءَاتٍ

صفحه ۶۹	۱۳ (۲) باب تفعیل مهموزاللام (التَّقْرِیْء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَرٍّ	مُقَرِّیاً	مُقَرٍّ	مُقَرًّیً	مُقَرًّیً	مُقَرًّیً
۲	مُقَرِّیَانِ	مُقَرِّیَیْنِ	مُقَرِّیَیْنِ	مُقَرَّیَانِ	مُقَرَّیَیْنِ	مُقَرَّیَیْنِ
۳	مُقَرُّوْنَ	مُقَرِّیْنَ	مُقَرِّیْنَ	مُقَرَّوْنَ	مُقَرَّیْنَ	مُقَرَّیْنَ
۴	مُقَرِّیَةٌ	مُقَرِّیَةً	مُقَرِّیَةٍ	مُقَرَّاةٌ	مُقَرَّاةً	مُقَرَّاةٍ
۵	مُقَرِّیَتَانِ	مُقَرِّیَتَیْنِ	مُقَرِّیَتَیْنِ	مُقَرَّاتَانِ	مُقَرَّاتَیْنِ	مُقَرَّاتَیْنِ
۶	مُقَرِّیَاتٌ	مُقَرِّیَاتِ	مُقَرِّیَاتٍ	مُقَرَّیَاتٌ	مُقَرَّیَاتِ	مُقَرَّیَاتٍ

تصویر

صفحه ۷۰	۱۳ (۳)	باب تفعیل مهموزاللام (التَّقْرِیْء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقَرِّي	الـمُقَرِّیَ	الـمُقَرِّي		الـمُقَرَّیٰ	الـمُقَرَّیٰ	الـمُقَرَّیٰ
۲	الـمُقَرِّيَانِ	الـمُقَرِّيَيْنِ	الـمُقَرِّيَيْنِ		الـمُقَرَّيَانِ	الـمُقَرَّيَيْنِ	الـمُقَرَّيَيْنِ
۳	الـمُقَرُّوْنَ	الـمُقَرِّيْنَ	الـمُقَرِّيْنَ		الـمُقَرَّوْنَ	الـمُقَرَّيْنَ	الـمُقَرَّيْنَ
۴	الـمُقَرِّيَةُ	الـمُقَرِّيَةَ	الـمُقَرِّيَةِ		الـمُقَرَّاةُ	الـمُقَرَّاةَ	الـمُقَرَّاةِ
۵	الـمُقَرِّيَتَانِ	الـمُقَرِّيَتَيْنِ	الـمُقَرِّيَتَيْنِ		الـمُقَرَّاتَانِ	الـمُقَرَّاتَيْنِ	الـمُقَرَّاتَيْنِ
۶	الـمُقَرِّيَاتُ	الـمُقَرِّيَاتِ	الـمُقَرِّيَاتِ		الـمُقَرَّيَاتُ	الـمُقَرَّيَاتِ	الـمُقَرَّيَاتِ

باب مفاعله

تصویر

صفحه ۷۱	۱	باب مفاعلهٔ سالم (المُجَاهَدَة) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُجَاهِدٌ	مُجَاهِداً	مُجَاهِدٍ		مُجَاهَدٌ	مُجَاهَداً	مُجَاهَدٍ
۲	مُجَاهِدَانِ	مُجَاهِدَيْنِ	مُجَاهِدَيْنِ		مُجَاهَدَانِ	مُجَاهَدَيْنِ	مُجَاهَدَيْنِ
۳	مُجَاهِدُوْنَ	مُجَاهِدِيْنَ	مُجَاهِدِيْنَ		مُجَاهَدُوْنَ	مُجَاهَدِيْنَ	مُجَاهَدِيْنَ
۴	مُجَاهِدَةٌ	مُجَاهِدَةً	مُجَاهِدَةٍ		مُجَاهَدَةٌ	مُجَاهَدَةً	مُجَاهَدَةٍ
۵	مُجَاهِدَتَانِ	مُجَاهِدَتَيْنِ	مُجَاهِدَتَيْنِ		مُجَاهَدَتَانِ	مُجَاهَدَتَيْنِ	مُجَاهَدَتَيْنِ
۶	مُجَاهِدَاتٌ	مُجَاهِدَاتِ	مُجَاهِدَاتِ		مُجَاهَدَاتٌ	مُجَاهَدَاتِ	مُجَاهَدَاتِ

صفحه ۷۱	۲	باب مفاعلهٔ مضاعف (المُحَاجَّة) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُحَاجٌّ	مُحَاجّاً	مُحَاجٍّ		مُحَاجٌّ	مُحَاجّاً	مُحَاجٍّ
۲	مُحَاجَّانِ	مُحَاجَّيْنِ	مُحَاجَّيْنِ		مُحَاجَّانِ	مُحَاجَّيْنِ	مُحَاجَّيْنِ
۳	مُحَاجُّوْنَ	مُحَاجِّيْنَ	مُحَاجِّيْنَ		مُحَاجُّوْنَ	مُحَاجِّيْنَ	مُحَاجِّيْنَ
۴	مُحَاجَّةٌ	مُحَاجَّةً	مُحَاجَّةٍ		مُحَاجَّةٌ	مُحَاجَّةً	مُحَاجَّةٍ
۵	مُحَاجَّتَانِ	مُحَاجَّتَيْنِ	مُحَاجَّتَيْنِ		مُحَاجَّتَانِ	مُحَاجَّتَيْنِ	مُحَاجَّتَيْنِ
۶	مُحَاجَّاتٌ	مُحَاجَّاتِ	مُحَاجَّاتِ		مُحَاجَّاتٌ	مُحَاجَّاتِ	مُحَاجَّاتِ

تصویر

صفحه ۷۲	۳	باب مفاعلهٔ مثال واوی (المُوَاعَدَهْ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوَاعِدٌ	مُوَاعِداً	مُوَاعِدٍ		مُوَاعَدٌ	مُوَاعَداً	مُوَاعَدٍ
۲	مُوَاعِدَانِ	مُوَاعِدَيْنِ	مُوَاعِدَيْنِ		مُوَاعَدَانِ	مُوَاعَدَيْنِ	مُوَاعَدَيْنِ
۳	مُوَاعِدُوْنَ	مُوَاعِدِيْنَ	مُوَاعِدِيْنَ		مُوَاعَدُوْنَ	مُوَاعَدِيْنَ	مُوَاعَدِيْنَ
۴	مُوَاعِدَةٌ	مُوَاعِدَةً	مُوَاعِدَةٍ		مُوَاعَدَةٌ	مُوَاعَدَةً	مُوَاعَدَةٍ
۵	مُوَاعِدَتَانِ	مُوَاعِدَتَيْنِ	مُوَاعِدَتَيْنِ		مُوَاعَدَتَانِ	مُوَاعَدَتَيْنِ	مُوَاعَدَتَيْنِ
۶	مُوَاعِدَاتٌ	مُوَاعِدَاتِ	مُوَاعِدَاتِ		مُوَاعَدَاتٌ	مُوَاعَدَاتِ	مُوَاعَدَاتِ

صفحه ۷۲	۴	باب مفاعلهٔ مثال یایی (المُیَاسَرَهْ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُیَاسِرٌ	مُیَاسِراً	مُیَاسِرٍ		مُیَاسَرٌ	مُیَاسَراً	مُیَاسَرٍ
۲	مُیَاسِرَانِ	مُیَاسِرَيْنِ	مُیَاسِرَيْنِ		مُیَاسَرَانِ	مُیَاسَرَيْنِ	مُیَاسَرَيْنِ
۳	مُیَاسِرُوْنَ	مُیَاسِرِيْنَ	مُیَاسِرِيْنَ		مُیَاسَرُوْنَ	مُیَاسَرِيْنَ	مُیَاسَرِيْنَ
۴	مُیَاسِرَةٌ	مُیَاسِرَةً	مُیَاسِرَةٍ		مُیَاسَرَةٌ	مُیَاسَرَةً	مُیَاسَرَةٍ
۵	مُیَاسِرَتَانِ	مُیَاسِرَتَيْنِ	مُیَاسِرَتَيْنِ		مُیَاسَرَتَانِ	مُیَاسَرَتَيْنِ	مُیَاسَرَتَيْنِ
۶	مُیَاسِرَاتٌ	مُیَاسِرَاتِ	مُیَاسِرَاتِ		مُیَاسَرَاتٌ	مُیَاسَرَاتِ	مُیَاسَرَاتِ

تصویر

صفحه ۷۳	۵	باب مفاعلهٔ اجوف واوی (المُخَاوَفَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخَاوِفٌ	مُخَاوِفاً	مُخَاوِفٍ		مُخَاوَفٌ	مُخَاوَفاً	مُخَاوَفٍ
۲	مُخَاوِفَانِ	مُخَاوِفَيْنِ	مُخَاوِفَيْنِ		مُخَاوَفَانِ	مُخَاوَفَيْنِ	مُخَاوَفَيْنِ
۳	مُخَاوِفُوْنَ	مُخَاوِفِيْنَ	مُخَاوِفِيْنَ		مُخَاوَفُوْنَ	مُخَاوَفِيْنَ	مُخَاوَفِيْنَ
۴	مُخَاوِفَةٌ	مُخَاوِفَةً	مُخَاوِفَةٍ		مُخَاوَفَةٌ	مُخَاوَفَةً	مُخَاوَفَةٍ
۵	مُخَاوِفَتَانِ	مُخَاوِفَتَيْنِ	مُخَاوِفَتَيْنِ		مُخَاوَفَتَانِ	مُخَاوَفَتَيْنِ	مُخَاوَفَتَيْنِ
۶	مُخَاوِفَاتٌ	مُخَاوِفَاتِ	مُخَاوِفَاتٍ		مُخَاوَفَاتٌ	مُخَاوَفَاتِ	مُخَاوَفَاتٍ

صفحه ۷۳	۶	باب مفاعلهٔ اجوف یایی (المُبَایَعَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُبَايِعٌ	مُبَايِعاً	مُبَايِعٍ		مُبَايَعٌ	مُبَايَعاً	مُبَايَعٍ
۲	مُبَايِعَانِ	مُبَايِعَيْنِ	مُبَايِعَيْنِ		مُبَايَعَانِ	مُبَايَعَيْنِ	مُبَايَعَيْنِ
۳	مُبَايِعُوْنَ	مُبَايِعِيْنَ	مُبَايِعِيْنَ		مُبَايَعُوْنَ	مُبَايَعِيْنَ	مُبَايَعِيْنَ
۴	مُبَايِعَةٌ	مُبَايِعَةً	مُبَايِعَةٍ		مُبَايَعَةٌ	مُبَايَعَةً	مُبَايَعَةٍ
۵	مُبَايِعَتَانِ	مُبَايِعَتَيْنِ	مُبَايِعَتَيْنِ		مُبَايَعَتَانِ	مُبَايَعَتَيْنِ	مُبَايَعَتَيْنِ
۶	مُبَايِعَاتٌ	مُبَايِعَاتِ	مُبَايِعَاتٍ		مُبَايَعَاتٌ	مُبَايَعَاتِ	مُبَايَعَاتٍ

تصویر

صفحه ۷۴	۷ (۱) باب مفاعلۀ ناقص واوی (المُدَاعَاۃُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَاعٍ	مُدَاعِياً	مُدَاعٍ	مُدَاعىً	مُدَاعىً	مُدَاعىً
۲	مُدَاعِيَانِ	مُدَاعِيَيْنِ	مُدَاعِيَيْنِ	مُدَاعَيَانِ	مُدَاعَيَيْنِ	مُدَاعَيَيْنِ
۳	مُدَاعُوْنَ	مُدَاعِيْنَ	مُدَاعِيْنَ	مُدَاعَوْنَ	مُدَاعَيْنَ	مُدَاعَيْنَ
۴	مُدَاعِيَةٌ	مُدَاعِيَةً	مُدَاعِيَةٍ	مُدَاعَاةٌ	مُدَاعَاةً	مُدَاعَاةٍ
۵	مُدَاعِيَتَانِ	مُدَاعِيَتَيْنِ	مُدَاعِيَتَيْنِ	مُدَاعَاتَانِ	مُدَاعَاتَيْنِ	مُدَاعَاتَيْنِ
۶	مُدَاعِيَاتٌ	مُدَاعِيَاتِ	مُدَاعِيَاتِ	مُدَاعَيَاتٌ	مُدَاعَيَاتِ	مُدَاعَيَاتِ

صفحه ۷۴	۷ (۲) باب مفاعلۀ ناقص واوی (المُدَاعَاۃُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُدَاعِي	الـمُدَاعِىَ	الـمُدَاعِي	الـمُدَاعىٰ	الـمُدَاعىٰ	الـمُدَاعىٰ
۲	الـمُدَاعِيَانِ	الـمُدَاعِيَيْنِ	الـمُدَاعِيَيْنِ	الـمُدَاعَيَانِ	الـمُدَاعَيَيْنِ	الـمُدَاعَيَيْنِ
۳	الـمُدَاعُوْنَ	الـمُدَاعِيْنَ	الـمُدَاعِيْنَ	الـمُدَاعَوْنَ	الـمُدَاعَيْنَ	الـمُدَاعَيْنَ
۴	الـمُدَاعِيَةُ	الـمُدَاعِيَةَ	الـمُدَاعِيَةِ	الـمُدَاعَاةُ	الـمُدَاعَاةَ	الـمُدَاعَاةِ
۵	الـمُدَاعِيَتَانِ	الـمُدَاعِيَتَيْنِ	الـمُدَاعِيَتَيْنِ	الـمُدَاعَاتَانِ	الـمُدَاعَاتَيْنِ	الـمُدَاعَاتَيْنِ
۶	الـمُدَاعِيَاتُ	الـمُدَاعِيَاتِ	الـمُدَاعِيَاتِ	الـمُدَاعَيَاتُ	الـمُدَاعَيَاتِ	الـمُدَاعَيَاتِ

تصویر

صفحه ۷۵	۸(۱) باب مفاعلهٔ ناقص یایی (المُرَامَاةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرَامٍ	مُرَامِياً	مُرَامٍ	مُرَامىً	مُرَامىً	مُرَامىً
۲	مُرَامِيَانِ	مُرَامِيَيْنِ	مُرَامِيَيْنِ	مُرَامَيَانِ	مُرَامَيَيْنِ	مُرَامَيَيْنِ
۳	مُرَامُوْنَ	مُرَامِيْنَ	مُرَامِيْنَ	مُرَامَوْنَ	مُرَامَيْنَ	مُرَامَيْنَ
۴	مُرَامِيَةٌ	مُرَامِيَةً	مُرَامِيَةٍ	مُرَامَاةٌ	مُرَامَاةً	مُرَامَاةٍ
۵	مُرَامِيَتَانِ	مُرَامِيَتَيْنِ	مُرَامِيَتَيْنِ	مُرَامَاتَانِ	مُرَامَاتَيْنِ	مُرَامَاتَيْنِ
۶	مُرَامِيَاتٌ	مُرَامِيَاتِ	مُرَامِيَاتِ	مُرَامَيَاتٌ	مُرَامَيَاتِ	مُرَامَيَاتِ

صفحه ۷۵	۸(۲) باب مفاعلهٔ ناقص یایی (المُرَامَاةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُرَامِي	الـمُرَامِىَ	الـمُرَامِي	الـمُرَامىٰ	الـمُرَامىٰ	الـمُرَامىٰ
۲	الـمُرَامِيَانِ	الـمُرَامِيَيْنِ	الـمُرَامِيَيْنِ	الـمُرَامَيَانِ	الـمُرَامَيَيْنِ	الـمُرَامَيَيْنِ
۳	الـمُرَامُوْنَ	الـمُرَامِيْنَ	الـمُرَامِيْنَ	الـمُرَامَوْنَ	الـمُرَامَيْنَ	الـمُرَامَيْنَ
۴	الـمُرَامِيَةُ	الـمُرَامِيَةَ	الـمُرَامِيَةِ	الـمُرَامَاةُ	الـمُرَامَاةَ	الـمُرَامَاةِ
۵	الـمُرَامِيَتَانِ	الـمُرَامِيَتَيْنِ	الـمُرَامِيَتَيْنِ	الـمُرَامَاتَانِ	الـمُرَامَاتَيْنِ	الـمُرَامَاتَيْنِ
۶	الـمُرَامِيَاتُ	الـمُرَامِيَاتِ	الـمُرَامِيَاتِ	الـمُرَامَيَاتُ	الـمُرَامَيَاتِ	الـمُرَامَيَاتِ

تصویر

صفحه ۷۶	۹(۱) باب مفاعله لفیف مفروق (المُوَالَاةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُوَالٍ	مُوَالِياً	مُوَالٍ	مُوَالًى	مُوَالًى	مُوَالًى
۲	مُوَالِيَانِ	مُوَالِيَيْنِ	مُوَالِيَيْنِ	مُوَالَيَانِ	مُوَالَيَيْنِ	مُوَالَيَيْنِ
۳	مُوَالُوْنَ	مُوَالِيْنَ	مُوَالِيْنَ	مُوَالَوْنَ	مُوَالَيْنَ	مُوَالَيْنَ
۴	مُوَالِيَةٌ	مُوَالِيَةً	مُوَالِيَةٍ	مُوَالَاةٌ	مُوَالَاةً	مُوَالَاةٍ
۵	مُوَالِيَتَانِ	مُوَالِيَتَيْنِ	مُوَالِيَتَيْنِ	مُوَالَاتَانِ	مُوَالَاتَيْنِ	مُوَالَاتَيْنِ
۶	مُوَالِيَاتٌ	مُوَالِيَاتِ	مُوَالِيَاتِ	مُوَالَيَاتٌ	مُوَالَيَاتِ	مُوَالَيَاتِ

صفحه ۷۶	۹(۲) باب مفاعلهٔ لفیف مفروق (المُوَالَاةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُوَالِي	الـمُوَالِيَ	الـمُوَالِي	الـمُوَالَى	الـمُوَالَى	الـمُوَالَى
۲	الـمُوَالِيَانِ	الـمُوَالِيَيْنِ	الـمُوَالِيَيْنِ	الـمُوَالَيَانِ	الـمُوَالَيَيْنِ	الـمُوَالَيَيْنِ
۳	الـمُوَالُوْنَ	الـمُوَالِيْنَ	الـمُوَالِيْنَ	الـمُوَالَوْنَ	الـمُوَالَيْنَ	الـمُوَالَيْنَ
۴	الـمُوَالِيَةُ	الـمُوَالِيَةَ	الـمُوَالِيَةِ	الـمُوَالَاةُ	الـمُوَالَاةَ	الـمُوَالَاةِ
۵	الـمُوَالِيَتَانِ	الـمُوَالِيَتَيْنِ	الـمُوَالِيَتَيْنِ	الـمُوَالَاتَانِ	الـمُوَالَاتَيْنِ	الـمُوَالَاتَيْنِ
۶	الـمُوَالِيَاتُ	الـمُوَالِيَاتِ	الـمُوَالِيَاتِ	الـمُوَالَيَاتُ	الـمُوَالَيَاتِ	الـمُوَالَيَاتِ

تصویر

صفحه ۷۷	۱۰ (۱) باب مفاعله لفیف مقرون (المُقَاوَاةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَاوٍ	مُقَاوِياً	مُقَاوٍ	مُقَاوىً	مُقَاوىً	مُقَاوىً
۲	مُقَاوِيَانِ	مُقَاوِيَيْنِ	مُقَاوِيَيْنِ	مُقَاوَيَانِ	مُقَاوَيَيْنِ	مُقَاوَيَيْنِ
۳	مُقَاوُوْنَ	مُقَاوِيْنَ	مُقَاوِيْنَ	مُقَاوَوْنَ	مُقَاوَيْنَ	مُقَاوَيْنَ
۴	مُقَاوِيَةٌ	مُقَاوِيَةً	مُقَاوِيَةٍ	مُقَاوَاةٌ	مُقَاوَاةً	مُقَاوَاةٍ
۵	مُقَاوِيَتَانِ	مُقَاوِيَتَيْنِ	مُقَاوِيَتَيْنِ	مُقَاوَاتَانِ	مُقَاوَاتَيْنِ	مُقَاوَاتَيْنِ
۶	مُقَاوِيَاتٌ	مُقَاوِيَاتِ	مُقَاوِيَاتِ	مُقَاوَيَاتٌ	مُقَاوَيَاتِ	مُقَاوَيَاتِ

صفحه ۷۷	۱۰ (۲) باب مفاعلهٔ لفیف مقرون (المُقَاوَاةُ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقَاوِي	الـمُقَاوِىَ	الـمُقَاوِي	الـمُقَاوىٰ	الـمُقَاوىٰ	الـمُقَاوىٰ
۲	الـمُقَاوِيَانِ	الـمُقَاوِيَيْنِ	الـمُقَاوِيَيْنِ	الـمُقَاوَيَانِ	الـمُقَاوَيَيْنِ	الـمُقَاوَيَيْنِ
۳	الـمُقَاوُوْنَ	الـمُقَاوِيْنَ	الـمُقَاوِيْنَ	الـمُقَاوَوْنَ	الـمُقَاوَيْنَ	الـمُقَاوَيْنَ
۴	الـمُقَاوِيَةُ	الـمُقَاوِيَةَ	الـمُقَاوِيَةِ	الـمُقَاوَاةُ	الـمُقَاوَاةَ	الـمُقَاوَاةِ
۵	الـمُقَاوِيَتَانِ	الـمُقَاوِيَتَيْنِ	الـمُقَاوِيَتَيْنِ	الـمُقَاوَاتَانِ	الـمُقَاوَاتَيْنِ	الـمُقَاوَاتَيْنِ
۶	الـمُقَاوِيَاتُ	الـمُقَاوِيَاتِ	الـمُقَاوِيَاتِ	الـمُقَاوَيَاتُ	الـمُقَاوَيَاتِ	الـمُقَاوَيَاتِ

تصویر

صفحه ۷۸	۱۱	باب مفاعله مهموزالفاء (المُؤَانَسَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُؤَانِسٌ	مُؤَانِساً	مُؤَانِسٍ		مُؤَانَسٌ	مُؤَانَساً	مُؤَانَسٍ
۲	مُؤَانِسَانِ	مُؤَانِسَيْنِ	مُؤَانِسَيْنِ		مُؤَانَسَانِ	مُؤَانَسَيْنِ	مُؤَانَسَيْنِ
۳	مُؤَانِسُوْنَ	مُؤَانِسِيْنَ	مُؤَانِسِيْنَ		مُؤَانَسُوْنَ	مُؤَانَسِيْنَ	مُؤَانَسِيْنَ
۴	مُؤَانِسَةٌ	مُؤَانِسَةً	مُؤَانِسَةٍ		مُؤَانَسَةٌ	مُؤَانَسَةً	مُؤَانَسَةٍ
۵	مُؤَانِسَتَانِ	مُؤَانِسَتَيْنِ	مُؤَانِسَتَيْنِ		مُؤَانَسَتَانِ	مُؤَانَسَتَيْنِ	مُؤَانَسَتَيْنِ
۶	مُؤَانِسَاتٌ	مُؤَانِسَاتِ	مُؤَانِسَاتٍ		مُؤَانَسَاتٌ	مُؤَانَسَاتِ	مُؤَانَسَاتٍ

صفحه ۷۸	۱۲	باب مفاعلهٔ مهموزالعین (المُسَاءَلَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسَائِلٌ	مُسَائِلاً	مُسَائِلٍ		مُسَاءَلٌ	مُسَاءَلاً	مُسَاءَلٍ
۲	مُسَائِلَانِ	مُسَائِلَيْنِ	مُسَائِلَيْنِ		مُسَاءَلَانِ	مُسَاءَلَيْنِ	مُسَاءَلَيْنِ
۳	مُسَائِلُوْنَ	مُسَائِلِيْنَ	مُسَائِلِيْنَ		مُسَاءَلُوْنَ	مُسَاءَلِيْنَ	مُسَاءَلِيْنَ
۴	مُسَائِلَةٌ	مُسَائِلَةً	مُسَائِلَةٍ		مُسَاءَلَةٌ	مُسَاءَلَةً	مُسَاءَلَةٍ
۵	مُسَائِلَتَانِ	مُسَائِلَتَيْنِ	مُسَائِلَتَيْنِ		مُسَاءَلَتَانِ	مُسَاءَلَتَيْنِ	مُسَاءَلَتَيْنِ
۶	مُسَائِلَاتٌ	مُسَائِلَاتِ	مُسَائِلَاتٍ		مُسَاءَلَاتٌ	مُسَاءَلَاتِ	مُسَاءَلَاتٍ

تصویر

صفحه ۷۹	۱۳ (۱) باب مفاعله مهموزاللام (المُقَارَأَة) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَارِئٌ	مُقَارِئاً	مُقَارِئٍ	مُقَارَأٌ	مُقَارَءاً	مُقَارَإٍ
۲	مُقَارِئَانِ	مُقَارِئَيْنِ	مُقَارِئَيْنِ	مُقَارَأَانِ	مُقَارَأَيْنِ	مُقَارَأَيْنِ
۳	مُقَارِئُوْنَ	مُقَارِئِيْنَ	مُقَارِئِيْنَ	مُقَارَؤُوْنَ	مُقَارَئِيْنَ	مُقَارَئِيْنَ
۴	مُقَارِئَةٌ	مُقَارِئَةً	مُقَارِئَةٍ	مُقَارَأَةٌ	مُقَارَأَةً	مُقَارَأَةٍ
۵	مُقَارِئَتَانِ	مُقَارِئَتَيْنِ	مُقَارِئَتَيْنِ	مُقَارَأَتَانِ	مُقَارَأَتَيْنِ	مُقَارَأَتَيْنِ
۶	مُقَارِئَاتٌ	مُقَارِئَاتِ	مُقَارِئَاتِ	مُقَارَءَاتٌ	مُقَارَءَاتِ	مُقَارَءَاتِ

صفحه ۷۹	۱۳ (۲) باب مفاعله مهموزاللام (المُقَارَأَة) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقَارٍ	مُقَارِياً	مُقَارٍ	مُقَارىً	مُقَارىً	مُقَارىً
۲	مُقَارِيَانِ	مُقَارِيَيْنِ	مُقَارِيَيْنِ	مُقَارَيَانِ	مُقَارَيَيْنِ	مُقَارَيَيْنِ
۳	مُقَارُوْنَ	مُقَارِيْنَ	مُقَارِيْنَ	مُقَارَوْنَ	مُقَارَيْنَ	مُقَارَيْنَ
۴	مُقَارِيَةٌ	مُقَارِيَةً	مُقَارِيَةٍ	مُقَارَاةٌ	مُقَارَاةً	مُقَارَاةٍ
۵	مُقَارِيَتَانِ	مُقَارِيَتَيْنِ	مُقَارِيَتَيْنِ	مُقَارَاتَانِ	مُقَارَاتَيْنِ	مُقَارَاتَيْنِ
۶	مُقَارِيَاتٌ	مُقَارِيَاتِ	مُقَارِيَاتِ	مُقَارَيَاتٌ	مُقَارَيَاتِ	مُقَارَيَاتِ

تصویر

صفحه ۸۰	۱۳ (۳) باب مفاعله مهموزاللام (المُقَارَأة) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُقَارِي	الـمُقَارِىَ	الـمُقَارِي		الـمُقَارَىٰ	الـمُقَارَىٰ	الـمُقَارَىٰ
۲	الـمُقَارِيَانِ	الـمُقَارِيَيْنِ	الـمُقَارِيَيْنِ		الـمُقَارَيَانِ	الـمُقَارَيَيْنِ	الـمُقَارَيَيْنِ
۳	الـمُقَارُوْنَ	الـمُقَارِيْنَ	الـمُقَارِيْنَ		الـمُقَارَوْنَ	الـمُقَارَيْنَ	الـمُقَارَيْنَ
۴	الـمُقَارِيَةُ	الـمُقَارِيَةَ	الـمُقَارِيَةِ		الـمُقَارَاةُ	الـمُقَارَاةَ	الـمُقَارَاةِ
۵	الـمُقَارِيَتَانِ	الـمُقَارِيَتَيْنِ	الـمُقَارِيَتَيْنِ		الـمُقَارَاتَانِ	الـمُقَارَاتَيْنِ	الـمُقَارَاتَيْنِ
۶	الـمُقَارِيَاتُ	الـمُقَارِيَاتِ	الـمُقَارِيَاتِ		الـمُقَارَيَاتُ	الـمُقَارَيَاتِ	الـمُقَارَيَاتِ

باب إفتعال

تصویر

صفحه ۸۱	۱	باب إفتعال سالم (الإجْتِهَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُجْتَهِدٌ	مُجْتَهِداً	مُجْتَهِدٍ		مُجْتَهَدٌ	مُجْتَهَداً	مُجْتَهَدٍ
۲	مُجْتَهِدَانِ	مُجْتَهِدَيْنِ	مُجْتَهِدَيْنِ		مُجْتَهَدَانِ	مُجْتَهَدَيْنِ	مُجْتَهَدَيْنِ
۳	مُجْتَهِدُوْنَ	مُجْتَهِدِيْنَ	مُجْتَهِدِيْنَ		مُجْتَهَدُوْنَ	مُجْتَهَدِيْنَ	مُجْتَهَدِيْنَ
۴	مُجْتَهِدَةٌ	مُجْتَهِدَةً	مُجْتَهِدَةٍ		مُجْتَهَدَةٌ	مُجْتَهَدَةً	مُجْتَهَدَةٍ
۵	مُجْتَهِدَتَانِ	مُجْتَهِدَتَيْنِ	مُجْتَهِدَتَيْنِ		مُجْتَهَدَتَانِ	مُجْتَهَدَتَيْنِ	مُجْتَهَدَتَيْنِ
۶	مُجْتَهِدَاتٌ	مُجْتَهِدَاتِ	مُجْتَهِدَاتِ		مُجْتَهَدَاتٌ	مُجْتَهَدَاتِ	مُجْتَهَدَاتِ

صفحه ۸۱	۲	باب إفتعال مضاعف (الإمْتِدَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُمْتَدٌّ	مُمْتَدّاً	مُمْتَدٍّ		مُمْتَدٌّ بِهِ	مُمْتَدّاً بِهِ	مُمْتَدٍّ بِهِ
۲	مُمْتَدَّانِ	مُمْتَدَّيْنِ	مُمْتَدَّيْنِ		مُمْتَدٌّ بِهِمَا	مُمْتَدّاً بِهِمَا	مُمْتَدٍّ بِهِمَا
۳	مُمْتَدُّوْنَ	مُمْتَدِّيْنَ	مُمْتَدِّيْنَ		مُمْتَدٌّ بِهِمْ	مُمْتَدّاً بِهِمْ	مُمْتَدٍّ بِهِمْ
۴	مُمْتَدَّةٌ	مُمْتَدَّةً	مُمْتَدَّةٍ		مُمْتَدٌّ بِهَا	مُمْتَدّاً بِهَا	مُمْتَدٍّ بِهَا
۵	مُمْتَدَّتَانِ	مُمْتَدَّتَيْنِ	مُمْتَدَّتَيْنِ		مُمْتَدٌّ بِهِمَا	مُمْتَدّاً بِهِمَا	مُمْتَدٍّ بِهِمَا
۶	مُمْتَدَّاتٌ	مُمْتَدَّاتِ	مُمْتَدَّاتِ		مُمْتَدٌّ بِهِنَّ	مُمْتَدّاً بِهِنَّ	مُمْتَدٍّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۸۲	۳	باب إفتعال مثال واوی (الإتِّعَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَّعِدٌ	مُتَّعِداً	مُتَّعِدٍ		مُتَّعَدٌ	مُتَّعَداً	مُتَّعَدٍ
۲	مُتَّعِدَانِ	مُتَّعِدَيْنِ	مُتَّعِدَيْنِ		مُتَّعَدَانِ	مُتَّعَدَيْنِ	مُتَّعَدَيْنِ
۳	مُتَّعِدُوْنَ	مُتَّعِدِيْنَ	مُتَّعِدِيْنَ		مُتَّعَدُوْنَ	مُتَّعَدِيْنَ	مُتَّعَدِيْنَ
۴	مُتَّعِدَةٌ	مُتَّعِدَةً	مُتَّعِدَةٍ		مُتَّعَدَةٌ	مُتَّعَدَةً	مُتَّعَدَةٍ
۵	مُتَّعِدَتَانِ	مُتَّعِدَتَيْنِ	مُتَّعِدَتَيْنِ		مُتَّعَدَتَانِ	مُتَّعَدَتَيْنِ	مُتَّعَدَتَيْنِ
۶	مُتَّعِدَاتٌ	مُتَّعِدَاتٍ	مُتَّعِدَاتٍ		مُتَّعَدَاتٌ	مُتَّعَدَاتٍ	مُتَّعَدَاتٍ

صفحه ۸۲	۴	باب إفتعال مثال یایی (الإتِّسَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَّسِرٌ	مُتَّسِراً	مُتَّسِرٍ		مُتَّسَرٌ	مُتَّسَراً	مُتَّسَرٍ
۲	مُتَّسِرَانِ	مُتَّسِرَيْنِ	مُتَّسِرَيْنِ		مُتَّسَرَانِ	مُتَّسَرَيْنِ	مُتَّسَرَيْنِ
۳	مُتَّسِرُوْنَ	مُتَّسِرِيْنَ	مُتَّسِرِيْنَ		مُتَّسَرُوْنَ	مُتَّسَرِيْنَ	مُتَّسَرِيْنَ
۴	مُتَّسِرَةٌ	مُتَّسِرَةً	مُتَّسِرَةٍ		مُتَّسَرَةٌ	مُتَّسَرَةً	مُتَّسَرَةٍ
۵	مُتَّسِرَتَانِ	مُتَّسِرَتَيْنِ	مُتَّسِرَتَيْنِ		مُتَّسَرَتَانِ	مُتَّسَرَتَيْنِ	مُتَّسَرَتَيْنِ
۶	مُتَّسِرَاتٌ	مُتَّسِرَاتٍ	مُتَّسِرَاتٍ		مُتَّسَرَاتٌ	مُتَّسَرَاتٍ	مُتَّسَرَاتٍ

تصویر

صفحه ۸۳	۵	باب إفتعال اجوف واوی (الإعْتِيَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُعْتَادٌ	مُعْتَاداً	مُعْتَادٍ		مُعْتَادٌ	مُعْتَاداً	مُعْتَادٍ
۲	مُعْتَادَانِ	مُعْتَادَيْنِ	مُعْتَادَيْنِ		مُعْتَادَانِ	مُعْتَادَيْنِ	مُعْتَادَيْنِ
۳	مُعْتَادُوْنَ	مُعْتَادِيْنَ	مُعْتَادِيْنَ		مُعْتَادُوْنَ	مُعْتَادِيْنَ	مُعْتَادِيْنَ
۴	مُعْتَادَةٌ	مُعْتَادَةً	مُعْتَادَةٍ		مُعْتَادَةٌ	مُعْتَادَةً	مُعْتَادَةٍ
۵	مُعْتَادَتَانِ	مُعْتَادَتَيْنِ	مُعْتَادَتَيْنِ		مُعْتَادَتَانِ	مُعْتَادَتَيْنِ	مُعْتَادَتَيْنِ
۶	مُعْتَادَاتٌ	مُعْتَادَاتِ	مُعْتَادَاتِ		مُعْتَادَاتٌ	مُعْتَادَاتِ	مُعْتَادَاتِ

صفحه ۸۳	۶	باب إفتعال اجوف يايی (الإبْتِيَاع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُبْتَاعٌ	مُبْتَاعاً	مُبْتَاعٍ		مُبْتَاعٌ	مُبْتَاعاً	مُبْتَاعٍ
۲	مُبْتَاعَانِ	مُبْتَاعَيْنِ	مُبْتَاعَيْنِ		مُبْتَاعَانِ	مُبْتَاعَيْنِ	مُبْتَاعَيْنِ
۳	مُبْتَاعُوْنَ	مُبْتَاعِيْنَ	مُبْتَاعِيْنَ		مُبْتَاعُوْنَ	مُبْتَاعِيْنَ	مُبْتَاعِيْنَ
۴	مُبْتَاعَةٌ	مُبْتَاعَةً	مُبْتَاعَةٍ		مُبْتَاعَةٌ	مُبْتَاعَةً	مُبْتَاعَةٍ
۵	مُبْتَاعَتَانِ	مُبْتَاعَتَيْنِ	مُبْتَاعَتَيْنِ		مُبْتَاعَتَانِ	مُبْتَاعَتَيْنِ	مُبْتَاعَتَيْنِ
۶	مُبْتَاعَاتٌ	مُبْتَاعَاتِ	مُبْتَاعَاتِ		مُبْتَاعَاتٌ	مُبْتَاعَاتِ	مُبْتَاعَاتِ

تصویر

صفحه ۸۴	۷ (۱) باب إفتعال ناقص واوی (الإدِّعَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَّعٍ	مُدَّعِياً	مُدَّعٍ	مُدَّعىً	مُدَّعىً	مُدَّعىً
۲	مُدَّعِيَانِ	مُدَّعِيَيْنِ	مُدَّعِيَيْنِ	مُدَّعَيَانِ	مُدَّعَيَيْنِ	مُدَّعَيَيْنِ
۳	مُدَّعُوْنَ	مُدَّعِيْنَ	مُدَّعِيْنَ	مُدَّعَوْنَ	مُدَّعَيْنَ	مُدَّعَيْنَ
۴	مُدَّعِيَةٌ	مُدَّعِيَةً	مُدَّعِيَةٍ	مُدَّعَاةٌ	مُدَّعَاةً	مُدَّعَاةٍ
۵	مُدَّعِيَتَانِ	مُدَّعِيَتَيْنِ	مُدَّعِيَتَيْنِ	مُدَّعَاتَانِ	مُدَّعَاتَيْنِ	مُدَّعَاتَيْنِ
۶	مُدَّعِيَاتٌ	مُدَّعِيَاتِ	مُدَّعِيَاتٍ	مُدَّعَيَاتٌ	مُدَّعَيَاتِ	مُدَّعَيَاتٍ

صفحه ۸۴	۷ (۲) باب إفتعال ناقص واوی (الإدِّعَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُدَّعِي	الـمُدَّعِيَ	الـمُدَّعِي	الـمُدَّعىٰ	الـمُدَّعىٰ	الـمُدَّعىٰ
۲	الـمُدَّعِيَانِ	الـمُدَّعِيَيْنِ	الـمُدَّعِيَيْنِ	الـمُدَّعَيَانِ	الـمُدَّعَيَيْنِ	الـمُدَّعَيَيْنِ
۳	الـمُدَّعُوْنَ	الـمُدَّعِيْنَ	الـمُدَّعِيْنَ	الـمُدَّعَوْنَ	الـمُدَّعَيْنَ	الـمُدَّعَيْنَ
۴	الـمُدَّعِيَةُ	الـمُدَّعِيَةَ	الـمُدَّعِيَةِ	الـمُدَّعَاةُ	الـمُدَّعَاةَ	الـمُدَّعَاةِ
۵	الـمُدَّعِيَتَانِ	الـمُدَّعِيَتَيْنِ	الـمُدَّعِيَتَيْنِ	الـمُدَّعَاتَانِ	الـمُدَّعَاتَيْنِ	الـمُدَّعَاتَيْنِ
۶	الـمُدَّعِيَاتُ	الـمُدَّعِيَاتِ	الـمُدَّعِيَاتِ	الـمُدَّعَيَاتُ	الـمُدَّعَيَاتِ	الـمُدَّعَيَاتِ

تصویر

صفحه ۸۵	۸(۱) باب إفتعال ناقص يايى (الإرْتِمَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُرْتَمٍ	مُرْتَمياً	مُرْتَمٍ	مُرْتَمىً	مُرْتَمىً	مُرْتَمىً
۲	مُرْتَمِيَانِ	مُرْتَمِيَيْنِ	مُرْتَمِيَيْنِ	مُرْتَمَيَانِ	مُرْتَمَيَيْنِ	مُرْتَمَيَيْنِ
۳	مُرْتَمُوْنَ	مُرْتَمِيْنَ	مُرْتَمِيْنَ	مُرْتَمَوْنَ	مُرْتَمَيْنَ	مُرْتَمَيْنَ
۴	مُرْتَمِيَةٌ	مُرْتَمِيَةً	مُرْتَمِيَةٍ	مُرْتَمَاةٌ	مُرْتَمَاةً	مُرْتَمَاةٍ
۵	مُرْتَمِيَتَانِ	مُرْتَمِيَتَيْنِ	مُرْتَمِيَتَيْنِ	مُرْتَمَاتَانِ	مُرْتَمَاتَيْنِ	مُرْتَمَاتَيْنِ
۶	مُرْتَمِيَاتٌ	مُرْتَمِيَاتِ	مُرْتَمِيَاتِ	مُرْتَمَيَاتٌ	مُرْتَمَيَاتِ	مُرْتَمَيَاتِ

صفحه ۸۵	۸(۲) باب إفتعال ناقص يايى (الإرْتِمَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	اَلْمُرْتَمِي	اَلْمُرْتَمِىَ	اَلْمُرْتَمِي	اَلْمُرْتَمىً	اَلْمُرْتَمىً	اَلْمُرْتَمىً
۲	اَلْمُرْتَمِيَانِ	اَلْمُرْتَمِيَيْنِ	اَلْمُرْتَمِيَيْنِ	اَلْمُرْتَمَيَانِ	اَلْمُرْتَمَيَيْنِ	اَلْمُرْتَمَيَيْنِ
۳	اَلْمُرْتَمُوْنَ	اَلْمُرْتَمِيْنَ	اَلْمُرْتَمِيْنَ	اَلْمُرْتَمَوْنَ	اَلْمُرْتَمَيْنَ	اَلْمُرْتَمَيْنَ
۴	اَلْمُرْتَمِيَةُ	اَلْمُرْتَمِيَةَ	اَلْمُرْتَمِيَةِ	اَلْمُرْتَمَاةُ	اَلْمُرْتَمَاةَ	اَلْمُرْتَمَاةِ
۵	اَلْمُرْتَمِيَتَانِ	اَلْمُرْتَمِيَتَيْنِ	اَلْمُرْتَمِيَتَيْنِ	اَلْمُرْتَمَاتَانِ	اَلْمُرْتَمَاتَيْنِ	اَلْمُرْتَمَاتَيْنِ
۶	اَلْمُرْتَمِيَاتُ	اَلْمُرْتَمِيَاتِ	اَلْمُرْتَمِيَاتِ	اَلْمُرْتَمَيَاتُ	اَلْمُرْتَمَيَاتِ	اَلْمُرْتَمَيَاتِ

تصویر

صفحه ۸۶	۹(۱) باب إفتعال لفيف مفروق (الإتِّقَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَّقٍ	مُتَّقِياً	مُتَّقٍ	مُتَّقًى	مُتَّقًى	مُتَّقًى
۲	مُتَّقِيَانِ	مُتَّقِيَيْنِ	مُتَّقِيَيْنِ	مُتَّقَيَانِ	مُتَّقَيَيْنِ	مُتَّقَيَيْنِ
۳	مُتَّقُوْنَ	مُتَّقِيْنَ	مُتَّقِيْنَ	مُتَّقَوْنَ	مُتَّقَيْنَ	مُتَّقَيْنَ
۴	مُتَّقِيَةٌ	مُتَّقِيَةً	مُتَّقِيَةٍ	مُتَّقَاةٌ	مُتَّقَاةً	مُتَّقَاةٍ
۵	مُتَّقِيَتَانِ	مُتَّقِيَتَيْنِ	مُتَّقِيَتَيْنِ	مُتَّقَاتَانِ	مُتَّقَاتَيْنِ	مُتَّقَاتَيْنِ
۶	مُتَّقِيَاتٌ	مُتَّقِيَاتِ	مُتَّقِيَاتِ	مُتَّقَيَاتٌ	مُتَّقَيَاتِ	مُتَّقَيَاتِ

صفحه ۸۶	۹(۲) باب إفتعال لفيف مفروق (الإتِّقَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُتَّقِي	الـمُتَّقِيَ	الـمُتَّقِي	الـمُتَّقَىٰ	الـمُتَّقَىٰ	الـمُتَّقَىٰ
۲	الـمُتَّقِيَانِ	الـمُتَّقِيَيْنِ	الـمُتَّقِيَيْنِ	الـمُتَّقَيَانِ	الـمُتَّقَيَيْنِ	الـمُتَّقَيَيْنِ
۳	الـمُتَّقُوْنَ	الـمُتَّقِيْنَ	الـمُتَّقِيْنَ	الـمُتَّقَوْنَ	الـمُتَّقَيْنَ	الـمُتَّقَيْنَ
۴	الـمُتَّقِيَةُ	الـمُتَّقِيَةَ	الـمُتَّقِيَةِ	الـمُتَّقَاةُ	الـمُتَّقَاةَ	الـمُتَّقَاةِ
۵	الـمُتَّقِيَتَانِ	الـمُتَّقِيَتَيْنِ	الـمُتَّقِيَتَيْنِ	الـمُتَّقَاتَانِ	الـمُتَّقَاتَيْنِ	الـمُتَّقَاتَيْنِ
۶	الـمُتَّقِيَاتُ	الـمُتَّقِيَاتِ	الـمُتَّقِيَاتِ	الـمُتَّقَيَاتُ	الـمُتَّقَيَاتِ	الـمُتَّقَيَاتِ

تصویر



صفحه ۸۷	۱۰ (۱) باب إفتعال لفيف مقرون (الإشْوَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُشْتَوٍ	مُشْتَوِياً	مُشْتَوٍ	مُشْتَوىً بِهِ	مُشْتَوىً بِهِ	مُشْتَوىً بِهِ
۲	مُشْتَوِيَانِ	مُشْتَوِيَيْنِ	مُشْتَوِيَيْنِ	مُشْتَوىً بِهِمَا	مُشْتَوىً بِهِمَا	مُشْتَوىً بِهِمَا
۳	مُشْتَوُوْنَ	مُشْتَوِيْنَ	مُشْتَوِيْنَ	مُشْتَوىً بِهِمْ	مُشْتَوىً بِهِمْ	مُشْتَوىً بِهِمْ
۴	مُشْتَوِيَةٌ	مُشْتَوِيَةً	مُشْتَوِيَةٍ	مُشْتَوىً بِهَا	مُشْتَوىً بِهَا	مُشْتَوىً بِهَا
۵	مُشْتَوِيَتَانِ	مُشْتَوِيَتَيْنِ	مُشْتَوِيَتَيْنِ	مُشْتَوىً بِهِمَا	مُشْتَوىً بِهِمَا	مُشْتَوىً بِهِمَا
۶	مُشْتَوِيَاتٌ	مُشْتَوِيَاتٍ	مُشْتَوِيَاتٍ	مُشْتَوىً بِهِنَّ	مُشْتَوىً بِهِنَّ	مُشْتَوىً بِهِنَّ

صفحه ۸۷	۱۰ (۲) باب إفتعال لفيف مقرون (الإشْوَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف ولام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُشْتَوِي	الـمُشْتَوِيَ	الـمُشْتَوِي	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِ
۲	الـمُشْتَوِيَانِ	الـمُشْتَوِيَيْنِ	الـمُشْتَوِيَيْنِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا
۳	الـمُشْتَوُوْنَ	الـمُشْتَوِيْنَ	الـمُشْتَوِيْنَ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمْ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمْ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمْ
۴	الـمُشْتَوِيَةُ	الـمُشْتَوِيَةَ	الـمُشْتَوِيَةِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهَا
۵	الـمُشْتَوِيَتَانِ	الـمُشْتَوِيَتَيْنِ	الـمُشْتَوِيَتَيْنِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِمَا
۶	الـمُشْتَوِيَاتُ	الـمُشْتَوِيَاتِ	الـمُشْتَوِيَاتِ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِنَّ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِنَّ	اَلْمُشْتَوىٰ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۸۸	۱۱	باب إفتعال مهموزالفاء (الإيْتِمَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُؤْتَمِرٌ	مُؤْتَمِراً	مُؤْتَمِرٍ		مُؤْتَمَرٌ بِهِ	مُؤْتَمَراً بِهِ	مُؤْتَمَرٍ بِهِ
۲	مُؤْتَمِرَانِ	مُؤْتَمِرَيْنِ	مُؤْتَمِرَيْنِ		مُؤْتَمَرٌ بِهِمَا	مُؤْتَمَراً بِهِمَا	مُؤْتَمَرٍ بِهِمَا
۳	مُؤْتَمِرُوْنَ	مُؤْتَمِرِيْنَ	مُؤْتَمِرِيْنَ		مُؤْتَمَرٌ بِهِمْ	مُؤْتَمَراً بِهِمْ	مُؤْتَمَرٍ بِهِمْ
۴	مُؤْتَمِرَةٌ	مُؤْتَمِرَةً	مُؤْتَمِرَةٍ		مُؤْتَمَرٌ بِهَا	مُؤْتَمَراً بِهَا	مُؤْتَمَرٍ بِهَا
۵	مُؤْتَمِرَتَانِ	مُؤْتَمِرَتَيْنِ	مُؤْتَمِرَتَيْنِ		مُؤْتَمَرٌ بِهِمَا	مُؤْتَمَراً بِهِمَا	مُؤْتَمَرٍ بِهِمَا
۶	مُؤْتَمِرَاتٌ	مُؤْتَمِرَاتٍ	مُؤْتَمِرَاتٍ		مُؤْتَمَرٌ بِهِنَّ	مُؤْتَمَراً بِهِنَّ	مُؤْتَمَرٍ بِهِنَّ



صفحه ۸۸	۱۲	باب إفتعال مهموزالعين (الإجْتِنَاف) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُجْتَئِفٌ	مُجْتَئِفاً	مُجْتَئِفٍ		مُجْتَأَفٌ	مُجْتَأَفاً	مُجْتَأَفٍ
۲	مُجْتَئِفَانِ	مُجْتَئِفَيْنِ	مُجْتَئِفَيْنِ		مُجْتَأَفَانِ	مُجْتَأَفَيْنِ	مُجْتَأَفَيْنِ
۳	مُجْتَئِفُوْنَ	مُجْتَئِفِيْنَ	مُجْتَئِفِيْنَ		مُجْتَأَفُوْنَ	مُجْتَأَفِيْنَ	مُجْتَأَفِيْنَ
۴	مُجْتَئِفَةٌ	مُجْتَئِفَةً	مُجْتَئِفَةٍ		مُجْتَأَفَةٌ	مُجْتَأَفَةً	مُجْتَأَفَةٍ
۵	مُجْتَئِفَتَانِ	مُجْتَئِفَتَيْنِ	مُجْتَئِفَتَيْنِ		مُجْتَأَفَتَانِ	مُجْتَأَفَتَيْنِ	مُجْتَأَفَتَيْنِ
۶	مُجْتَئِفَاتٌ	مُجْتَئِفَاتٍ	مُجْتَئِفَاتٍ		مُجْتَأَفَاتٌ	مُجْتَأَفَاتٍ	مُجْتَأَفَاتٍ

تصویر

صفحه ۸۹	۱۳ (۱) باب إفتعال مهموزاللام (الإقْتِرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْتَرِئٌ	مُقْتَرِئاً	مُقْتَرِئٍ		مُقْتَرَأٌ	مُقْتَرَءاً	مُقْتَرَإٍ
۲	مُقْتَرِئَانِ	مُقْتَرِئَيْنِ	مُقْتَرِئَيْنِ		مُقْتَرَأَانِ	مُقْتَرَأَيْنِ	مُقْتَرَأَيْنِ
۳	مُقْتَرِئُوْنَ	مُقْتَرِئِيْنَ	مُقْتَرِئِيْنَ		مُقْتَرَؤُوْنَ	مُقْتَرَئِيْنَ	مُقْتَرَئِيْنَ
۴	مُقْتَرِئَةٌ	مُقْتَرِئَةً	مُقْتَرِئَةٍ		مُقْتَرَأَةٌ	مُقْتَرَأَةً	مُقْتَرَأَةٍ
۵	مُقْتَرِئَتَانِ	مُقْتَرِئَتَيْنِ	مُقْتَرِئَتَيْنِ		مُقْتَرَأَتَانِ	مُقْتَرَأَتَيْنِ	مُقْتَرَأَتَيْنِ
۶	مُقْتَرِئَاتٌ	مُقْتَرِئَاتِ	مُقْتَرِئَاتِ		مُقْتَرَءَاتٌ	مُقْتَرَءَاتِ	مُقْتَرَءَاتِ

صفحه ۸۹	۱۳ (۲) باب إفتعال مهموزاللام (الإقْتِرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْتَرٍ	مُقْتَرِياً	مُقْتَرٍ		مُقْتَرًى	مُقْتَرًى	مُقْتَرًى
۲	مُقْتَرِيَانِ	مُقْتَرِيَيْنِ	مُقْتَرِيَيْنِ		مُقْتَرَيَانِ	مُقْتَرَيَيْنِ	مُقْتَرَيَيْنِ
۳	مُقْتَرُوْنَ	مُقْتَرِيْنَ	مُقْتَرِيْنَ		مُقْتَرَوْنَ	مُقْتَرَيْنَ	مُقْتَرَيْنَ
۴	مُقْتَرِيَةٌ	مُقْتَرِيَةً	مُقْتَرِيَةٍ		مُقْتَرَاةٌ	مُقْتَرَاةً	مُقْتَرَاةٍ
۵	مُقْتَرِيَتَانِ	مُقْتَرِيَتَيْنِ	مُقْتَرِيَتَيْنِ		مُقْتَرَاتَانِ	مُقْتَرَاتَيْنِ	مُقْتَرَاتَيْنِ
۶	مُقْتَرِيَاتٌ	مُقْتَرِيَاتِ	مُقْتَرِيَاتِ		مُقْتَرَيَاتٌ	مُقْتَرَيَاتِ	مُقْتَرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۹۰	۱۳ (۳)	باب إفتعال مهموزاللام (الإفْتِرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُفْتَرِي	الـمُفْتَرِيَ	الـمُفْتَرِي		الـمُفْتَرىٰ	الـمُفْتَرىٰ	الـمُفْتَرىٰ
۲	الـمُفْتَرِيَانِ	الـمُفْتَرِيَيْنِ	الـمُفْتَرِيَيْنِ		الـمُفْتَرَيَانِ	الـمُفْتَرَيَيْنِ	الـمُفْتَرَيَيْنِ
۳	الـمُفْتَرُوْنَ	الـمُفْتَرِيْنَ	الـمُفْتَرِيْنَ		الـمُفْتَرَوْنَ	الـمُفْتَرَيْنَ	الـمُفْتَرَيْنَ
۴	الـمُفْتَرِيَةُ	الـمُفْتَرِيَةَ	الـمُفْتَرِيَةِ		الـمُفْتَرَاةُ	الـمُفْتَرَاةَ	الـمُفْتَرَاةِ
۵	الـمُفْتَرِيَتَانِ	الـمُفْتَرِيَتَيْنِ	الـمُفْتَرِيَتَيْنِ		الـمُفْتَرَاتَانِ	الـمُفْتَرَاتَيْنِ	الـمُفْتَرَاتَيْنِ
۶	الـمُفْتَرِيَاتُ	الـمُفْتَرِيَاتِ	الـمُفْتَرِيَاتِ		الـمُفْتَرَيَاتُ	الـمُفْتَرَيَاتِ	الـمُفْتَرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۹۱	۱۴ (۱) باب إفتعال قاعده دوم خصوصی (الإظْطِلَام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُظْطَلِمٌ	مُظْطَلِماً	مُظْطَلِمٍ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُ	مُظْطَلَماً مِنْهُ	مُظْطَلَمٍ مِنْهُ
۲	مُظْطَلِمَانِ	مُظْطَلِمَيْنِ	مُظْطَلِمَيْنِ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُمَا	مُظْطَلَماً مِنْهُمَا	مُظْطَلَمٍ مِنْهُمَا
۳	مُظْطَلِمُوْنَ	مُظْطَلِمِيْنَ	مُظْطَلِمِيْنَ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُمْ	مُظْطَلَماً مِنْهُمْ	مُظْطَلَمٍ مِنْهُمْ
۴	مُظْطَلِمَةٌ	مُظْطَلِمَةً	مُظْطَلِمَةٍ	مُظْطَلَمٌ مِنْهَا	مُظْطَلَماً مِنْهَا	مُظْطَلَمٍ مِنْهَا
۵	مُظْطَلِمَتَانِ	مُظْطَلِمَتَيْنِ	مُظْطَلِمَتَيْنِ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُمَا	مُظْطَلَماً مِنْهُمَا	مُظْطَلَمٍ مِنْهُمَا
۶	مُظْطَلِمَاتٌ	مُظْطَلِمَاتٍ	مُظْطَلِمَاتٍ	مُظْطَلَمٌ مِنْهُنَّ	مُظْطَلَماً مِنْهُنَّ	مُظْطَلَمٍ مِنْهُنَّ

صفحه ۹۱	۱۴ (۲) باب إفتعال قاعده دوم خصوصی (الإظْلَام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُظَّلِمٌ	مُظَّلِماً	مُظَّلِمٍ	مُظَّلَمٌ مِنْهُ	مُظَّلَماً مِنْهُ	مُظَّلَمٍ مِنْهُ
۲	مُظَّلِمَانِ	مُظَّلِمَيْنِ	مُظَّلِمَيْنِ	مُظَّلَمٌ مِنْهُمَا	مُظَّلَماً مِنْهُمَا	مُظَّلَمٍ مِنْهُمَا
۳	مُظَّلِمُوْنَ	مُظَّلِمِيْنَ	مُظَّلِمِيْنَ	مُظَّلَمٌ مِنْهُمْ	مُظَّلَماً مِنْهُمْ	مُظَّلَمٍ مِنْهُمْ
۴	مُظَّلِمَةٌ	مُظَّلِمَةً	مُظَّلِمَةٍ	مُظَّلَمٌ مِنْهَا	مُظَّلَماً مِنْهَا	مُظَّلَمٍ مِنْهَا
۵	مُظَّلِمَتَانِ	مُظَّلِمَتَيْنِ	مُظَّلِمَتَيْنِ	مُظَّلَمٌ مِنْهُمَا	مُظَّلَماً مِنْهُمَا	مُظَّلَمٍ مِنْهُمَا
۶	مُظَّلِمَاتٌ	مُظَّلِمَاتٍ	مُظَّلِمَاتٍ	مُظَّلَمٌ مِنْهُنَّ	مُظَّلَماً مِنْهُنَّ	مُظَّلَمٍ مِنْهُنَّ

تصویر

صفحه ۹۲	۱۴ (۳) باب إفتعال قاعده دوم خصوصی (الإطِّلَام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُطَّلِمٌ	مُطَّلِماً	مُطَّلِمٍ	مُطَّلَمٌ مِنْهُ	مُطَّلَماً مِنْهُ	مُطَّلَمٍ مِنْهُ
۲	مُطَّلِمَانِ	مُطَّلِمَيْنِ	مُطَّلِمَيْنِ	مُطَّلَمٌ مِنْهُمَا	مُطَّلَماً مِنْهُمَا	مُطَّلَمٍ مِنْهُمَا
۳	مُطَّلِمُوْنَ	مُطَّلِمِيْنَ	مُطَّلِمِيْنَ	مُطَّلَمٌ مِنْهُمْ	مُطَّلَماً مِنْهُمْ	مُطَّلَمٍ مِنْهُمْ
۴	مُطَّلِمَةٌ	مُطَّلِمَةً	مُطَّلِمَةٍ	مُطَّلَمٌ مِنْهَا	مُطَّلَماً مِنْهَا	مُطَّلَمٍ مِنْهَا
۵	مُطَّلِمَتَانِ	مُطَّلِمَتَيْنِ	مُطَّلِمَتَيْنِ	مُطَّلَمٌ مِنْهُمَا	مُطَّلَماً مِنْهُمَا	مُطَّلَمٍ مِنْهُمَا
۶	مُطَّلِمَاتٌ	مُطَّلِمَاتٍ	مُطَّلِمَاتٍ	مُطَّلَمٌ مِنْهُنَّ	مُطَّلَماً مِنْهُنَّ	مُطَّلَمٍ مِنْهُنَّ

صفحه ۹۲	۱۵ (۱) باب إفتعال قاعده سوم خصوصی (الإذْدِكَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُذْدَكِرٌ	مُذْدَكِراً	مُذْدَكِرٍ	مُذْدَكَرٌ	مُذْدَكَراً	مُذْدَكَرٍ
۲	مُذْدَكِرَانِ	مُذْدَكِرَيْنِ	مُذْدَكِرَيْنِ	مُذْدَكَرَانِ	مُذْدَكَرَيْنِ	مُذْدَكَرَيْنِ
۳	مُذْدَكِرُوْنَ	مُذْدَكِرِيْنَ	مُذْدَكِرِيْنَ	مُذْدَكَرُوْنَ	مُذْدَكَرِيْنَ	مُذْدَكَرِيْنَ
۴	مُذْدَكِرَةٌ	مُذْدَكِرَةً	مُذْدَكِرَةٍ	مُذْدَكَرَةٌ	مُذْدَكَرَةً	مُذْدَكَرَةٍ
۵	مُذْدَكِرَتَانِ	مُذْدَكِرَتَيْنِ	مُذْدَكِرَتَيْنِ	مُذْدَكَرَتَانِ	مُذْدَكَرَتَيْنِ	مُذْدَكَرَتَيْنِ
۶	مُذْدَكِرَاتٌ	مُذْدَكِرَاتٍ	مُذْدَكِرَاتٍ	مُذْدَكَرَاتٌ	مُذْدَكَرَاتٍ	مُذْدَكَرَاتٍ

تصویر

صفحه ۹۳	باب إفتعال قاعده سوم خصوصی (الإدِّكَار) اسم فاعل و مفعول	۱۵ (۲)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُذَّكِرٌ	مُذَّكِراً	مُذَّكِرٍ		مُذَّكَرٌ	مُذَّكَراً	مُذَّكَرٍ
۲	مُذَّكِرَانِ	مُذَّكِرَيْنِ	مُذَّكِرَيْنِ		مُذَّكَرَانِ	مُذَّكَرَيْنِ	مُذَّكَرَيْنِ
۳	مُذَّكِرُوْنَ	مُذَّكِرِيْنَ	مُذَّكِرِيْنَ		مُذَّكَرُوْنَ	مُذَّكَرِيْنَ	مُذَّكَرِيْنَ
۴	مُذَّكِرَةٌ	مُذَّكِرَةً	مُذَّكِرَةٍ		مُذَّكَرَةٌ	مُذَّكَرَةً	مُذَّكَرَةٍ
۵	مُذَّكِرَتَانِ	مُذَّكِرَتَيْنِ	مُذَّكِرَتَيْنِ		مُذَّكَرَتَانِ	مُذَّكَرَتَيْنِ	مُذَّكَرَتَيْنِ
۶	مُذَّكِرَاتٌ	مُذَّكِرَاتِ	مُذَّكِرَاتٍ		مُذَّكَرَاتٌ	مُذَّكَرَاتِ	مُذَّكَرَاتٍ

صفحه ۹۳	باب إفتعال قاعده سوم خصوصی (الإدِّكَار) اسم فاعل و مفعول	۱۵ (۳)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَّكِرٌ	مُدَّكِراً	مُدَّكِرٍ		مُدَّكَرٌ	مُدَّكَراً	مُدَّكَرٍ
۲	مُدَّكِرَانِ	مُدَّكِرَيْنِ	مُدَّكِرَيْنِ		مُدَّكَرَانِ	مُدَّكَرَيْنِ	مُدَّكَرَيْنِ
۳	مُدَّكِرُوْنَ	مُدَّكِرِيْنَ	مُدَّكِرِيْنَ		مُدَّكَرُوْنَ	مُدَّكَرِيْنَ	مُدَّكَرِيْنَ
۴	مُدَّكِرَةٌ	مُدَّكِرَةً	مُدَّكِرَةٍ		مُدَّكَرَةٌ	مُدَّكَرَةً	مُدَّكَرَةٍ
۵	مُدَّكِرَتَانِ	مُدَّكِرَتَيْنِ	مُدَّكِرَتَيْنِ		مُدَّكَرَتَانِ	مُدَّكَرَتَيْنِ	مُدَّكَرَتَيْنِ
۶	مُدَّكِرَاتٌ	مُدَّكِرَاتِ	مُدَّكِرَاتٍ		مُدَّكَرَاتٌ	مُدَّكَرَاتِ	مُدَّكَرَاتٍ

تصویر

صفحه ۹۴	۱۶ (۱) باب إفتعال قاعده چهارم خصوصی (الإئتِنَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُئْتَئِرٌ	مُئْتَئِراً	مُئْتَئِرٍ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُ	مُئْتَأَراً مِنْهُ	مُئْتَأَرٍ مِنْهُ
۲	مُئْتَئِرَانِ	مُئْتَئِرَيْنِ	مُئْتَئِرَيْنِ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُمَا	مُئْتَأَراً مِنْهُمَا	مُئْتَأَرٍ مِنْهُمَا
۳	مُئْتَئِرُوْنَ	مُئْتَئِرِيْنَ	مُئْتَئِرِيْنَ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُمْ	مُئْتَأَراً مِنْهُمْ	مُئْتَأَرٍ مِنْهُمْ
۴	مُئْتَئِرَةٌ	مُئْتَئِرَةً	مُئْتَئِرَةٍ	مُئْتَأَرٌ مِنْهَا	مُئْتَأَراً مِنْهَا	مُئْتَأَرٍ مِنْهَا
۵	مُئْتَئِرَتَانِ	مُئْتَئِرَتَيْنِ	مُئْتَئِرَتَيْنِ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُمَا	مُئْتَأَراً مِنْهُمَا	مُئْتَأَرٍ مِنْهُمَا
۶	مُئْتَئِرَاتٌ	مُئْتَئِرَاتٍ	مُئْتَئِرَاتٍ	مُئْتَأَرٌ مِنْهُنَّ	مُئْتَأَراً مِنْهُنَّ	مُئْتَأَرٍ مِنْهُنَّ

صفحه ۹۴	۱۶ (۲) باب إفتعال قاعده چهارم خصوصی (الإئتِنَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُئَبِّرٌ	مُئَبِّراً	مُئَبِّرٍ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُ	مُئَبَّأَراً مِنْهُ	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُ
۲	مُئَبِّرَانِ	مُئَبِّرَيْنِ	مُئَبِّرَيْنِ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُمَا	مُئَبَّأَراً مِنْهُمَا	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُمَا
۳	مُئَبِّرُوْنَ	مُئَبِّرِيْنَ	مُئَبِّرِيْنَ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُمْ	مُئَبَّأَراً مِنْهُمْ	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُمْ
۴	مُئَبِّرَةٌ	مُئَبِّرَةً	مُئَبِّرَةٍ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهَا	مُئَبَّأَراً مِنْهَا	مُئَبَّأَرٍ مِنْهَا
۵	مُئَبِّرَتَانِ	مُئَبِّرَتَيْنِ	مُئَبِّرَتَيْنِ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُمَا	مُئَبَّأَراً مِنْهُمَا	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُمَا
۶	مُئَبِّرَاتٌ	مُئَبِّرَاتٍ	مُئَبِّرَاتٍ	مُئَبَّأَرٌ مِنْهُنَّ	مُئَبَّأَراً مِنْهُنَّ	مُئَبَّأَرٍ مِنْهُنَّ

تصویر

صفحه ۹۵	۱۶ (۳) باب إفتعال قاعده چهارم خصوصی (الإِتِّئَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَّئِرٌ	مُتَّئِراً	مُتَّئِرٍ		مُتَّأَرٌ مِنْهُ	مُتَّأَراً مِنْهُ	مُتَّأَرٍ مِنْهُ
۲	مُتَّئِرَانِ	مُتَّئِرَيْنِ	مُتَّئِرَيْنِ		مُتَّأَرٌ مِنْهُمَا	مُتَّأَراً مِنْهُمَا	مُتَّأَرٍ مِنْهُمَا
۳	مُتَّئِرُوْنَ	مُتَّئِرِيْنَ	مُتَّئِرِيْنَ		مُتَّأَرٌ مِنْهُمْ	مُتَّأَراً مِنْهُمْ	مُتَّأَرٍ مِنْهُمْ
۴	مُتَّئِرَةٌ	مُتَّئِرَةً	مُتَّئِرَةٍ		مُتَّأَرٌ مِنْهَا	مُتَّأَراً مِنْهَا	مُتَّأَرٍ مِنْهَا
۵	مُتَّئِرَتَانِ	مُتَّئِرَتَيْنِ	مُتَّئِرَتَيْنِ		مُتَّأَرٌ مِنْهُمَا	مُتَّأَراً مِنْهُمَا	مُتَّأَرٍ مِنْهُمَا
۶	مُتَّئِرَاتٌ	مُتَّئِرَاتٍ	مُتَّئِرَاتٍ		مُتَّأَرٌ مِنْهُنَّ	مُتَّأَراً مِنْهُنَّ	مُتَّأَرٍ مِنْهُنَّ

صفحه ۹۵	۱۷ (۱) باب إفتعال قاعده پنجم خصوصی (الإِخْتِصَام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخْتَصِمٌ	مُخْتَصِماً	مُخْتَصِمٍ		مُخْتَصِمٌ	مُخْتَصِماً	مُخْتَصِمٍ
۲	مُخْتَصِمَانِ	مُخْتَصِمَيْنِ	مُخْتَصِمَيْنِ		مُخْتَصِمَانِ	مُخْتَصِمَيْنِ	مُخْتَصِمَيْنِ
۳	مُخْتَصِمُوْنَ	مُخْتَصِمِيْنَ	مُخْتَصِمِيْنَ		مُخْتَصِمُوْنَ	مُخْتَصِمِيْنَ	مُخْتَصِمِيْنَ
۴	مُخْتَصِمَةٌ	مُخْتَصِمَةً	مُخْتَصِمَةٍ		مُخْتَصِمَةٌ	مُخْتَصِمَةً	مُخْتَصِمَةٍ
۵	مُخْتَصِمَتَانِ	مُخْتَصِمَتَيْنِ	مُخْتَصِمَتَيْنِ		مُخْتَصِمَتَانِ	مُخْتَصِمَتَيْنِ	مُخْتَصِمَتَيْنِ
۶	مُخْتَصِمَاتٌ	مُخْتَصِمَاتٍ	مُخْتَصِمَاتٍ		مُخْتَصِمَاتٌ	مُخْتَصِمَاتٍ	مُخْتَصِمَاتٍ

تصویر

صفحه ۹۶	۱۷ (۲) باب إفتعال قاعده پنجم خصوصی (الخَصّام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخَصِّمٌ	مُخَصِّماً	مُخَصِّمٍ	مُخَصَّمٌ بِهِ	مُخَصَّماً بِهِ	مُخَصَّمٍ بِهِ
۲	مُخَصِّمَانِ	مُخَصِّمَيْنِ	مُخَصِّمَيْنِ	مُخَصَّمٌ بِهِمَا	مُخَصَّماً بِهِمَا	مُخَصَّمٍ بِهِمَا
۳	مُخَصِّمُوْنَ	مُخَصِّمِيْنَ	مُخَصِّمِيْنَ	مُخَصَّمٌ بِهِمْ	مُخَصَّماً بِهِمْ	مُخَصَّمٍ بِهِمْ
۴	مُخَصِّمَةٌ	مُخَصِّمَةً	مُخَصِّمَةٍ	مُخَصَّمٌ بِهَا	مُخَصَّماً بِهَا	مُخَصَّمٍ بِهَا
۵	مُخَصِّمَتَانِ	مُخَصِّمَتَيْنِ	مُخَصِّمَتَيْنِ	مُخَصَّمٌ بِهِمَا	مُخَصَّماً بِهِمَا	مُخَصَّمٍ بِهِمَا
۶	مُخَصِّمَاتٌ	مُخَصِّمَاتِ	مُخَصِّمَاتٍ	مُخَصَّمٌ بِهِنَّ	مُخَصَّماً بِهِنَّ	مُخَصَّمٍ بِهِنَّ

صفحه ۹۶	۱۷ (۳) باب إفتعال قاعده پنجم خصوصی (الخِصّام) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُخِصِّمٌ	مُخِصِّماً	مُخِصِّمٍ	مُخَصَّمٌ بِهِ	مُخَصَّماً بِهِ	مُخَصَّمٍ بِهِ
۲	مُخِصِّمَانِ	مُخِصِّمَيْنِ	مُخِصِّمَيْنِ	مُخَصَّمٌ بِهِمَا	مُخَصَّماً بِهِمَا	مُخَصَّمٍ بِهِمَا
۳	مُخِصِّمُوْنَ	مُخِصِّمِيْنَ	مُخِصِّمِيْنَ	مُخَصَّمٌ بِهِمْ	مُخَصَّماً بِهِمْ	مُخَصَّمٍ بِهِمْ
۴	مُخِصِّمَةٌ	مُخِصِّمَةً	مُخِصِّمَةٍ	مُخَصَّمٌ بِهَا	مُخَصَّماً بِهَا	مُخَصَّمٍ بِهَا
۵	مُخِصِّمَتَانِ	مُخِصِّمَتَيْنِ	مُخِصِّمَتَيْنِ	مُخَصَّمٌ بِهِمَا	مُخَصَّماً بِهِمَا	مُخَصَّمٍ بِهِمَا
۶	مُخِصِّمَاتٌ	مُخِصِّمَاتِ	مُخِصِّمَاتٍ	مُخَصَّمٌ بِهِنَّ	مُخَصَّماً بِهِنَّ	مُخَصَّمٍ بِهِنَّ

باب إنفعال

تصویر

صفحه ۹۷	۱	باب إنفعال سالم (الإنْصِرَاف) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْصَرِفٌ	مُنْصَرِفاً	مُنْصَرِفٍ		مُنْصَرَفٌ بِهِ	مُنْصَرَفاً بِهِ	مُنْصَرَفٍ بِهِ
۲	مُنْصَرِفَانِ	مُنْصَرِفَيْنِ	مُنْصَرِفَيْنِ		مُنْصَرَفٌ بِهِمَا	مُنْصَرَفاً بِهِمَا	مُنْصَرَفٍ بِهِمَا
۳	مُنْصَرِفُوْنَ	مُنْصَرِفِيْنَ	مُنْصَرِفِيْنَ		مُنْصَرَفٌ بِهِمْ	مُنْصَرَفاً بِهِمْ	مُنْصَرَفٍ بِهِمْ
۴	مُنْصَرِفَةٌ	مُنْصَرِفَةً	مُنْصَرِفَةٍ		مُنْصَرَفٌ بِهَا	مُنْصَرَفاً بِهَا	مُنْصَرَفٍ بِهَا
۵	مُنْصَرِفَتَانِ	مُنْصَرِفَتَيْنِ	مُنْصَرِفَتَيْنِ		مُنْصَرَفٌ بِهِمَا	مُنْصَرَفاً بِهِمَا	مُنْصَرَفٍ بِهِمَا
۶	مُنْصَرِفَاتٌ	مُنْصَرِفَاتٍ	مُنْصَرِفَاتٍ		مُنْصَرَفٌ بِهِنَّ	مُنْصَرَفاً بِهِنَّ	مُنْصَرَفٍ بِهِنَّ

صفحه ۹۷	۲	باب إنفعال مضاعف (الإنْضِمَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْضَمٌّ	مُنْضَمّاً	مُنْضَمٍّ		مُنْضَمٌّ بِهِ	مُنْضَمّاً بِهِ	مُنْضَمٍّ بِهِ
۲	مُنْضَمَّانِ	مُنْضَمَّيْنِ	مُنْضَمَّيْنِ		مُنْضَمٌّ بِهِمَا	مُنْضَمّاً بِهِمَا	مُنْضَمٍّ بِهِمَا
۳	مُنْضَمُّوْنَ	مُنْضَمِّيْنَ	مُنْضَمِّيْنَ		مُنْضَمٌّ بِهِمْ	مُنْضَمّاً بِهِمْ	مُنْضَمٍّ بِهِمْ
۴	مُنْضَمَّةٌ	مُنْضَمَّةً	مُنْضَمَّةٍ		مُنْضَمٌّ بِهَا	مُنْضَمّاً بِهَا	مُنْضَمٍّ بِهَا
۵	مُنْضَمَّتَانِ	مُنْضَمَّتَيْنِ	مُنْضَمَّتَيْنِ		مُنْضَمٌّ بِهِمَا	مُنْضَمّاً بِهِمَا	مُنْضَمٍّ بِهِمَا
۶	مُنْضَمَّاتٌ	مُنْضَمَّاتٍ	مُنْضَمَّاتٍ		مُنْضَمٌّ بِهِنَّ	مُنْضَمّاً بِهِنَّ	مُنْضَمٍّ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۹۸	۳	باب إنفعال اجوف واوی (الإنْقِيَاد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْقَادٌ	مُنْقَاداً	مُنْقَادٍ	مُنْقَادٌ بِهِ	مُنْقَاداً بِهِ	مُنْقَادٍ بِهِ
۲	مُنْقَادَانِ	مُنْقَادَيْنِ	مُنْقَادَيْنِ	مُنْقَادٌ بِهِمَا	مُنْقَاداً بِهِمَا	مُنْقَادٍ بِهِمَا
۳	مُنْقَادُوْنَ	مُنْقَادِيْنَ	مُنْقَادِيْنَ	مُنْقَادٌ بِهِمْ	مُنْقَاداً بِهِمْ	مُنْقَادٍ بِهِمْ
۴	مُنْقَادَةٌ	مُنْقَادَةً	مُنْقَادَةٍ	مُنْقَادٌ بِهَا	مُنْقَاداً بِهَا	مُنْقَادٍ بِهَا
۵	مُنْقَادَتَانِ	مُنْقَادَتَيْنِ	مُنْقَادَتَيْنِ	مُنْقَادٌ بِهِمَا	مُنْقَاداً بِهِمَا	مُنْقَادٍ بِهِمَا
۶	مُنْقَادَاتٌ	مُنْقَادَاتٍ	مُنْقَادَاتٍ	مُنْقَادٌ بِهِنَّ	مُنْقَاداً بِهِنَّ	مُنْقَادٍ بِهِنَّ

صفحه ۹۸	۴	باب إنفعال اجوف یایی (الإنْبِيَاع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْبَاعٌ	مُنْبَاعاً	مُنْبَاعٍ	مُنْبَاعٌ بِهِ	مُنْبَاعاً بِهِ	مُنْبَاعٍ بِهِ
۲	مُنْبَاعَانِ	مُنْبَاعَيْنِ	مُنْبَاعَيْنِ	مُنْبَاعٌ بِهِمَا	مُنْبَاعاً بِهِمَا	مُنْبَاعٍ بِهِمَا
۳	مُنْبَاعُوْنَ	مُنْبَاعِيْنَ	مُنْبَاعِيْنَ	مُنْبَاعٌ بِهِمْ	مُنْبَاعاً بِهِمْ	مُنْبَاعٍ بِهِمْ
۴	مُنْبَاعَةٌ	مُنْبَاعَةً	مُنْبَاعَةٍ	مُنْبَاعٌ بِهَا	مُنْبَاعاً بِهَا	مُنْبَاعٍ بِهَا
۵	مُنْبَاعَتَانِ	مُنْبَاعَتَيْنِ	مُنْبَاعَتَيْنِ	مُنْبَاعٌ بِهِمَا	مُنْبَاعاً بِهِمَا	مُنْبَاعٍ بِهِمَا
۶	مُنْبَاعَاتٌ	مُنْبَاعَاتٍ	مُنْبَاعَاتٍ	مُنْبَاعٌ بِهِنَّ	مُنْبَاعاً بِهِنَّ	مُنْبَاعٍ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۹۹	۵(۱) باب إنفعال ناقص واوی (الإنْدِعَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْدَعٍ	مُنْدَعِياً	مُنْدَعٍ	مُنْدَعىً بِهِ	مُنْدَعىً بِهِ	مُنْدَعىً بِهِ
۲	مُنْدَعِيَانِ	مُنْدَعِيَيْنِ	مُنْدَعِيَيْنِ	مُنْدَعىً بِهِمَا	مُنْدَعىً بِهِمَا	مُنْدَعىً بِهِمَا
۳	مُنْدَعُوْنَ	مُنْدَعِيْنَ	مُنْدَعِيْنَ	مُنْدَعىً بِهِمْ	مُنْدَعىً بِهِمْ	مُنْدَعىً بِهِمْ
۴	مُنْدَعِيَةٌ	مُنْدَعِيَةً	مُنْدَعِيَةٍ	مُنْدَعىً بِهَا	مُنْدَعىً بِهَا	مُنْدَعىً بِهَا
۵	مُنْدَعِيَتَانِ	مُنْدَعِيَتَيْنِ	مُنْدَعِيَتَيْنِ	مُنْدَعىً بِهِمَا	مُنْدَعىً بِهِمَا	مُنْدَعىً بِهِمَا
۶	مُنْدَعِيَاتٌ	مُنْدَعِيَاتِ	مُنْدَعِيَاتٍ	مُنْدَعىً بِهِنَّ	مُنْدَعىً بِهِنَّ	مُنْدَعىً بِهِنَّ

صفحه ۹۹	۵(۲) باب إنفعال ناقص واوی (الإنْدِعَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُنْدَعِي	الـمُنْدَعِيَ	الـمُنْدَعِي	الـمُنْدَعىً بِهِ	الـمُنْدَعىً بِهِ	الـمُنْدَعىً بِهِ
۲	الـمُنْدَعِيَانِ	الـمُنْدَعِيَيْنِ	الـمُنْدَعِيَيْنِ	الـمُنْدَعىً بِهِمَا	الـمُنْدَعىً بِهِمَا	الـمُنْدَعىً بِهِمَا
۳	الـمُنْدَعُوْنَ	الـمُنْدَعِيْنَ	الـمُنْدَعِيْنَ	الـمُنْدَعىً بِهِمْ	الـمُنْدَعىً بِهِمْ	الـمُنْدَعىً بِهِمْ
۴	الـمُنْدَعِيَةُ	الـمُنْدَعِيَةً	الـمُنْدَعِيَةِ	الـمُنْدَعىً بِهَا	الـمُنْدَعىً بِهَا	الـمُنْدَعىً بِهَا
۵	الـمُنْدَعِيَتَانِ	الـمُنْدَعِيَتَيْنِ	الـمُنْدَعِيَتَيْنِ	الـمُنْدَعىً بِهِمَا	الـمُنْدَعىً بِهِمَا	الـمُنْدَعىً بِهِمَا
۶	الـمُنْدَعِيَاتُ	الـمُنْدَعِيَاتِ	الـمُنْدَعِيَاتِ	الـمُنْدَعىً بِهِنَّ	الـمُنْدَعىً بِهِنَّ	الـمُنْدَعىً بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۰	۶(۱) باب إنفعال ناقص يايی (الإنْحِنَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْحَنٍ	مُنْحَنِياً	مُنْحَنٍ	مُنْحَنًى بِهِ	مُنْحَنًى بِهِ	مُنْحَنًى بِهِ
۲	مُنْحَنِيَانِ	مُنْحَنِيَيْنِ	مُنْحَنِيَيْنِ	مُنْحَنًى بِهِمَا	مُنْحَنًى بِهِمَا	مُنْحَنًى بِهِمَا
۳	مُنْحَنُوْنَ	مُنْحَنِيْنَ	مُنْحَنِيْنَ	مُنْحَنًى بِهِمْ	مُنْحَنًى بِهِمْ	مُنْحَنًى بِهِمْ
۴	مُنْحَنِيَةٌ	مُنْحَنِيَةً	مُنْحَنِيَةٍ	مُنْحَنًى بِهَا	مُنْحَنًى بِهَا	مُنْحَنًى بِهَا
۵	مُنْحَنِيَتَانِ	مُنْحَنِيَتَيْنِ	مُنْحَنِيَتَيْنِ	مُنْحَنًى بِهِمَا	مُنْحَنًى بِهِمَا	مُنْحَنًى بِهِمَا
۶	مُنْحَنِيَاتٌ	مُنْحَنِيَاتٍ	مُنْحَنِيَاتٍ	مُنْحَنًى بِهِنَّ	مُنْحَنًى بِهِنَّ	مُنْحَنًى بِهِنَّ

صفحه ۱۰۰	۶(۲) باب إنفعال ناقص يايی (الإنْحِنَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُنْحَنِي	الْمُنْحَنِيَ	الْمُنْحَنِي	الْمُنْحَنَىٰ بِهِ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِ
۲	الْمُنْحَنِيَانِ	الْمُنْحَنِيَيْنِ	الْمُنْحَنِيَيْنِ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمَا	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمَا	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمَا
۳	الْمُنْحَنُوْنَ	الْمُنْحَنِيْنَ	الْمُنْحَنِيْنَ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمْ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمْ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمْ
۴	الْمُنْحَنِيَةُ	الْمُنْحَنِيَةَ	الْمُنْحَنِيَةِ	الْمُنْحَنَىٰ بِهَا	الْمُنْحَنَىٰ بِهَا	الْمُنْحَنَىٰ بِهَا
۵	الْمُنْحَنِيَتَانِ	الْمُنْحَنِيَتَيْنِ	الْمُنْحَنِيَتَيْنِ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمَا	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمَا	الْمُنْحَنَىٰ بِهِمَا
۶	الْمُنْحَنِيَاتُ	الْمُنْحَنِيَاتِ	الْمُنْحَنِيَاتِ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِنَّ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِنَّ	الْمُنْحَنَىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۱	۷ (۱) باب إنفعال لفيف مقرون (الإنْشِوَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْشَوٍ	مُنْشَوِياً	مُنْشَوٍ	مُنْشَوىً بِهِ	مُنْشَوىً بِهِ	مُنْشَوىً بِهِ
۲	مُنْشَوِيَانِ	مُنْشَوِيَيْنِ	مُنْشَوِيَيْنِ	مُنْشَوىً بِهِمَا	مُنْشَوىً بِهِمَا	مُنْشَوىً بِهِمَا
۳	مُنْشَوُوْنَ	مُنْشَوِيْنَ	مُنْشَوِيْنَ	مُنْشَوىً بِهِمْ	مُنْشَوىً بِهِمْ	مُنْشَوىً بِهِمْ
۴	مُنْشَوِيَةٌ	مُنْشَوِيَةً	مُنْشَوِيَةٍ	مُنْشَوىً بِهَا	مُنْشَوىً بِهَا	مُنْشَوىً بِهَا
۵	مُنْشَوِيَتَانِ	مُنْشَوِيَتَيْنِ	مُنْشَوِيَتَيْنِ	مُنْشَوىً بِهِمَا	مُنْشَوىً بِهِمَا	مُنْشَوىً بِهِمَا
۶	مُنْشَوِيَاتٌ	مُنْشَوِيَاتِ	مُنْشَوِيَاتٍ	مُنْشَوىً بِهِنَّ	مُنْشَوىً بِهِنَّ	مُنْشَوىً بِهِنَّ

صفحه ۱۰۱	۷ (۲) باب إنفعال لفيف مقرون (الإنْشِوَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُنْشَوِي	الـمُنْشَوِىَ	الـمُنْشَوِي	الـمُنْشَوىٰ بِهِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِ
۲	الـمُنْشَوِيَانِ	الـمُنْشَوِيَيْنِ	الـمُنْشَوِيَيْنِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا
۳	الـمُنْشَوُوْنَ	الـمُنْشَوِيْنَ	الـمُنْشَوِيْنَ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمْ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمْ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمْ
۴	الـمُنْشَوِيَةُ	الـمُنْشَوِيَةَ	الـمُنْشَوِيَةِ	الـمُنْشَوىٰ بِهَا	الـمُنْشَوىٰ بِهَا	الـمُنْشَوىٰ بِهَا
۵	الـمُنْشَوِيَتَانِ	الـمُنْشَوِيَتَيْنِ	الـمُنْشَوِيَتَيْنِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا	الـمُنْشَوىٰ بِهِمَا
۶	الـمُنْشَوِيَاتُ	الـمُنْشَوِيَاتِ	الـمُنْشَوِيَاتِ	الـمُنْشَوىٰ بِهِنَّ	الـمُنْشَوىٰ بِهِنَّ	الـمُنْشَوىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۲	۸	باب إنفعال مهموز العين (الإنْجِئَاث) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْجَئِثٌ	مُنْجَئِثاً	مُنْجَئِثٍ		مُنْجَأَثٌ بِهِ	مُنْجَأَثاً بِهِ	مُنْجَأَثٍ بِهِ
۲	مُنْجَئِثَانِ	مُنْجَئِثَيْنِ	مُنْجَئِثَيْنِ		مُنْجَأَثٌ بِهِمَا	مُنْجَأَثاً بِهِمَا	مُنْجَأَثٍ بِهِمَا
۳	مُنْجَئِثُوْنَ	مُنْجَئِثِيْنَ	مُنْجَئِثِيْنَ		مُنْجَأَثٌ بِهِمْ	مُنْجَأَثاً بِهِمْ	مُنْجَأَثٍ بِهِمْ
۴	مُنْجَئِثَةٌ	مُنْجَئِثَةً	مُنْجَئِثَةٍ		مُنْجَأَثٌ بِهَا	مُنْجَأَثاً بِهَا	مُنْجَأَثٍ بِهَا
۵	مُنْجَئِثَتَانِ	مُنْجَئِثَتَيْنِ	مُنْجَئِثَتَيْنِ		مُنْجَأَثٌ بِهِمَا	مُنْجَأَثاً بِهِمَا	مُنْجَأَثٍ بِهِمَا
۶	مُنْجَئِثَاتٌ	مُنْجَئِثَاتٍ	مُنْجَئِثَاتٍ		مُنْجَأَثٌ بِهِنَّ	مُنْجَأَثاً بِهِنَّ	مُنْجَأَثٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۰۲	۹(۱)	باب إنفعال مهموز اللام (الإنْخِسَاء) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْخَسِئٌ	مُنْخَسِئاً	مُنْخَسِئٍ		مُنْخَسَأٌ بِهِ	مُنْخَسَأً بِهِ	مُنْخَسَإٍ بِهِ
۲	مُنْخَسِئَانِ	مُنْخَسِئَيْنِ	مُنْخَسِئَيْنِ		مُنْخَسَأٌ بِهِمَا	مُنْخَسَأً بِهِمَا	مُنْخَسَإٍ بِهِمَا
۳	مُنْخَسِئُوْنَ	مُنْخَسِئِيْنَ	مُنْخَسِئِيْنَ		مُنْخَسَأٌ بِهِمْ	مُنْخَسَأً بِهِمْ	مُنْخَسَإٍ بِهِمْ
۴	مُنْخَسِئَةٌ	مُنْخَسِئَةً	مُنْخَسِئَةٍ		مُنْخَسَأٌ بِهَا	مُنْخَسَأً بِهَا	مُنْخَسَإٍ بِهَا
۵	مُنْخَسِئَتَانِ	مُنْخَسِئَتَيْنِ	مُنْخَسِئَتَيْنِ		مُنْخَسَأٌ بِهِمَا	مُنْخَسَأً بِهِمَا	مُنْخَسَإٍ بِهِمَا
۶	مُنْخَسِئَاتٌ	مُنْخَسِئَاتٍ	مُنْخَسِئَاتٍ		مُنْخَسَأٌ بِهِنَّ	مُنْخَسَأً بِهِنَّ	مُنْخَسَإٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۳	۹(۲) باب إنفعال مهموز اللام (الإنْخِسَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُنْخَسٍ	مُنْخَسِياً	مُنْخَسٍ		مُنْخَسىً بِهِ	مُنْخَسىً بِهِ	مُنْخَسىً بِهِ
۲	مُنْخَسِيَانِ	مُنْخَسِيَيْنِ	مُنْخَسِيَيْنِ		مُنْخَسىً بِهِمَا	مُنْخَسىً بِهِمَا	مُنْخَسىً بِهِمَا
۳	مُنْخَسُوْنَ	مُنْخَسِيْنَ	مُنْخَسِيْنَ		مُنْخَسىً بِهِمْ	مُنْخَسىً بِهِمْ	مُنْخَسىً بِهِمْ
۴	مُنْخَسِيَةٌ	مُنْخَسِيَةً	مُنْخَسِيَةٍ		مُنْخَسىً بِهَا	مُنْخَسىً بِهَا	مُنْخَسىً بِهَا
۵	مُنْخَسِيَتَانِ	مُنْخَسِيَتَيْنِ	مُنْخَسِيَتَيْنِ		مُنْخَسىً بِهِمَا	مُنْخَسىً بِهِمَا	مُنْخَسىً بِهِمَا
۶	مُنْخَسِيَاتٌ	مُنْخَسِيَاتٍ	مُنْخَسِيَاتٍ		مُنْخَسىً بِهِنَّ	مُنْخَسىً بِهِنَّ	مُنْخَسىً بِهِنَّ

صفحه ۱۰۳	۹(۳) باب إنفعال مهموز اللام (الإنْخِسَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُنْخَسِي	الْمُنْخَسِىَ	الْمُنْخَسِي		الْمُنْخَسىٰ بِهِ	الْمُنْخَسىٰ بِهِ	الْمُنْخَسىٰ بِهِ
۲	الْمُنْخَسِيَانِ	الْمُنْخَسِيَيْنِ	الْمُنْخَسِيَيْنِ		الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا	الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا	الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا
۳	الْمُنْخَسُوْنَ	الْمُنْخَسِيْنَ	الْمُنْخَسِيْنَ		الْمُنْخَسىٰ بِهِمْ	الْمُنْخَسىٰ بِهِمْ	الْمُنْخَسىٰ بِهِمْ
۴	الْمُنْخَسِيَةُ	الْمُنْخَسِيَةَ	الْمُنْخَسِيَةِ		الْمُنْخَسىٰ بِهَا	الْمُنْخَسىٰ بِهَا	الْمُنْخَسىٰ بِهَا
۵	الْمُنْخَسِيَتَانِ	الْمُنْخَسِيَتَيْنِ	الْمُنْخَسِيَتَيْنِ		الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا	الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا	الْمُنْخَسىٰ بِهِمَا
۶	الْمُنْخَسِيَاتُ	الْمُنْخَسِيَاتِ	الْمُنْخَسِيَاتِ		الْمُنْخَسىٰ بِهِنَّ	الْمُنْخَسىٰ بِهِنَّ	الْمُنْخَسىٰ بِهِنَّ

باب تفعّل

تصویر

صفحه ۱۰۴	۱	باب تفعّل سالم (التّعَجُّل) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَعَجِّلٌ	مُتَعَجِّلاً	مُتَعَجِّلٍ		مُتَعَجَّلٌ	مُتَعَجَّلاً	مُتَعَجَّلٍ
۲	مُتَعَجِّلَانِ	مُتَعَجِّلَيْنِ	مُتَعَجِّلَيْنِ		مُتَعَجَّلَانِ	مُتَعَجَّلَيْنِ	مُتَعَجَّلَيْنِ
۳	مُتَعَجِّلُوْنَ	مُتَعَجِّلِيْنَ	مُتَعَجِّلِيْنَ		مُتَعَجَّلُوْنَ	مُتَعَجَّلِيْنَ	مُتَعَجَّلِيْنَ
۴	مُتَعَجِّلَةٌ	مُتَعَجِّلَةً	مُتَعَجِّلَةٍ		مُتَعَجَّلَةٌ	مُتَعَجَّلَةً	مُتَعَجَّلَةٍ
۵	مُتَعَجِّلَتَانِ	مُتَعَجِّلَتَيْنِ	مُتَعَجِّلَتَيْنِ		مُتَعَجَّلَتَانِ	مُتَعَجَّلَتَيْنِ	مُتَعَجَّلَتَيْنِ
۶	مُتَعَجِّلَاتٌ	مُتَعَجِّلَاتِ	مُتَعَجِّلَاتِ		مُتَعَجَّلَاتٌ	مُتَعَجَّلَاتِ	مُتَعَجَّلَاتِ

صفحه ۱۰۴	۲	باب تفعّل مضاعف (التّكَرُّر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَكَرِّرٌ	مُتَكَرِّراً	مُتَكَرِّرٍ		مُتَكَرَّرٌ بِهِ	مُتَكَرَّراً بِهِ	مُتَكَرَّرٍ بِهِ
۲	مُتَكَرِّرَانِ	مُتَكَرِّرَيْنِ	مُتَكَرِّرَيْنِ		مُتَكَرَّرٌ بِهِمَا	مُتَكَرَّراً بِهِمَا	مُتَكَرَّرٍ بِهِمَا
۳	مُتَكَرِّرُوْنَ	مُتَكَرِّرِيْنَ	مُتَكَرِّرِيْنَ		مُتَكَرَّرٌ بِهِمْ	مُتَكَرَّراً بِهِمْ	مُتَكَرَّرٍ بِهِمْ
۴	مُتَكَرِّرَةٌ	مُتَكَرِّرَةً	مُتَكَرِّرَةٍ		مُتَكَرَّرٌ بِهَا	مُتَكَرَّراً بِهَا	مُتَكَرَّرٍ بِهَا
۵	مُتَكَرِّرَتَانِ	مُتَكَرِّرَتَيْنِ	مُتَكَرِّرَتَيْنِ		مُتَكَرَّرٌ بِهِمَا	مُتَكَرَّراً بِهِمَا	مُتَكَرَّرٍ بِهِمَا
۶	مُتَكَرِّرَاتٌ	مُتَكَرِّرَاتِ	مُتَكَرِّرَاتِ		مُتَكَرَّرٌ بِهِنَّ	مُتَكَرَّراً بِهِنَّ	مُتَكَرَّرٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۵	۳	باب تفعّل مثال واوی (التّوَعُّد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَوَعِّدٌ	مُتَوَعِّداً	مُتَوَعِّدٍ		مُتَوَعَّدٌ	مُتَوَعَّداً	مُتَوَعَّدٍ
۲	مُتَوَعِّدَانِ	مُتَوَعِّدَيْنِ	مُتَوَعِّدَيْنِ		مُتَوَعَّدَانِ	مُتَوَعَّدَيْنِ	مُتَوَعَّدَيْنِ
۳	مُتَوَعِّدُوْنَ	مُتَوَعِّدِيْنَ	مُتَوَعِّدِيْنَ		مُتَوَعَّدُوْنَ	مُتَوَعَّدِيْنَ	مُتَوَعَّدِيْنَ
۴	مُتَوَعِّدَةٌ	مُتَوَعِّدَةً	مُتَوَعِّدَةٍ		مُتَوَعَّدَةٌ	مُتَوَعَّدَةً	مُتَوَعَّدَةٍ
۵	مُتَوَعِّدَتَانِ	مُتَوَعِّدَتَيْنِ	مُتَوَعِّدَتَيْنِ		مُتَوَعَّدَتَانِ	مُتَوَعَّدَتَيْنِ	مُتَوَعَّدَتَيْنِ
۶	مُتَوَعِّدَاتٌ	مُتَوَعِّدَاتٍ	مُتَوَعِّدَاتٍ		مُتَوَعَّدَاتٌ	مُتَوَعَّدَاتٍ	مُتَوَعَّدَاتٍ

صفحه ۱۰۵	۴	باب تفعّل مثال یایی (التّیَسُّر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَيَسِّرٌ	مُتَيَسِّراً	مُتَيَسِّرٍ		مُتَيَسَّرٌ بِهِ	مُتَيَسَّراً بِهِ	مُتَيَسَّرٍ بِهِ
۲	مُتَيَسِّرَانِ	مُتَيَسِّرَيْنِ	مُتَيَسِّرَيْنِ		مُتَيَسَّرٌ بِهِمَا	مُتَيَسَّراً بِهِمَا	مُتَيَسَّرٍ بِهِمَا
۳	مُتَيَسِّرُوْنَ	مُتَيَسِّرِيْنَ	مُتَيَسِّرِيْنَ		مُتَيَسَّرٌ بِهِمْ	مُتَيَسَّراً بِهِمْ	مُتَيَسَّرٍ بِهِمْ
۴	مُتَيَسِّرَةٌ	مُتَيَسِّرَةً	مُتَيَسِّرَةٍ		مُتَيَسَّرٌ بِهَا	مُتَيَسَّراً بِهَا	مُتَيَسَّرٍ بِهَا
۵	مُتَيَسِّرَتَانِ	مُتَيَسِّرَتَيْنِ	مُتَيَسِّرَتَيْنِ		مُتَيَسَّرٌ بِهِمَا	مُتَيَسَّراً بِهِمَا	مُتَيَسَّرٍ بِهِمَا
۶	مُتَيَسِّرَاتٌ	مُتَيَسِّرَاتٍ	مُتَيَسِّرَاتٍ		مُتَيَسَّرٌ بِهِنَّ	مُتَيَسَّراً بِهِنَّ	مُتَيَسَّرٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۶	۵	باب تفعّل اجوف واوی (التّخَوّف) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَخَوِّفٌ	مُتَخَوِّفاً	مُتَخَوِّفٍ		مُتَخَوَّفٌ	مُتَخَوَّفاً	مُتَخَوَّفٍ
۲	مُتَخَوِّفَانِ	مُتَخَوِّفَيْنِ	مُتَخَوِّفَيْنِ		مُتَخَوَّفَانِ	مُتَخَوَّفَيْنِ	مُتَخَوَّفَيْنِ
۳	مُتَخَوِّفُوْنَ	مُتَخَوِّفِيْنَ	مُتَخَوِّفِيْنَ		مُتَخَوَّفُوْنَ	مُتَخَوَّفِيْنَ	مُتَخَوَّفِيْنَ
۴	مُتَخَوِّفَةٌ	مُتَخَوِّفَةً	مُتَخَوِّفَةٍ		مُتَخَوَّفَةٌ	مُتَخَوَّفَةً	مُتَخَوَّفَةٍ
۵	مُتَخَوِّفَتَانِ	مُتَخَوِّفَتَيْنِ	مُتَخَوِّفَتَيْنِ		مُتَخَوَّفَتَانِ	مُتَخَوَّفَتَيْنِ	مُتَخَوَّفَتَيْنِ
۶	مُتَخَوِّفَاتٌ	مُتَخَوِّفَاتٍ	مُتَخَوِّفَاتٍ		مُتَخَوَّفَاتٌ	مُتَخَوَّفَاتٍ	مُتَخَوَّفَاتٍ

صفحه ۱۰۶	۶	باب تفعّل اجوف یایی (التّهَیّب) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَهَيِّبٌ	مُتَهَيِّباً	مُتَهَيِّبٍ		مُتَهَيَّبٌ	مُتَهَيَّباً	مُتَهَيَّبٍ
۲	مُتَهَيِّبَانِ	مُتَهَيِّبَيْنِ	مُتَهَيِّبَيْنِ		مُتَهَيَّبَانِ	مُتَهَيَّبَيْنِ	مُتَهَيَّبَيْنِ
۳	مُتَهَيِّبُوْنَ	مُتَهَيِّبِيْنَ	مُتَهَيِّبِيْنَ		مُتَهَيَّبُوْنَ	مُتَهَيَّبِيْنَ	مُتَهَيَّبِيْنَ
۴	مُتَهَيِّبَةٌ	مُتَهَيِّبَةً	مُتَهَيِّبَةٍ		مُتَهَيَّبَةٌ	مُتَهَيَّبَةً	مُتَهَيَّبَةٍ
۵	مُتَهَيِّبَتَانِ	مُتَهَيِّبَتَيْنِ	مُتَهَيِّبَتَيْنِ		مُتَهَيَّبَتَانِ	مُتَهَيَّبَتَيْنِ	مُتَهَيَّبَتَيْنِ
۶	مُتَهَيِّبَاتٌ	مُتَهَيِّبَاتٍ	مُتَهَيِّبَاتٍ		مُتَهَيَّبَاتٌ	مُتَهَيَّبَاتٍ	مُتَهَيَّبَاتٍ

تصویر



صفحه ۱۰۷	۷ (۱) باب تفعّل ناقص واوی (التّدَعّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَدَعٍّ	مُتَدَعِّياً	مُتَدَعٍّ	مُتَدَعّىً بِهِ	مُتَدَعّىً بِهِ	مُتَدَعّىً بِهِ
۲	مُتَدَعِّيَانِ	مُتَدَعِّيَيْنِ	مُتَدَعِّيَيْنِ	مُتَدَعّىً بِهِمَا	مُتَدَعّىً بِهِمَا	مُتَدَعّىً بِهِمَا
۳	مُتَدَعُّوْنَ	مُتَدَعِّيْنَ	مُتَدَعِّيْنَ	مُتَدَعّىً بِهِمْ	مُتَدَعّىً بِهِمْ	مُتَدَعّىً بِهِمْ
۴	مُتَدَعِّيَةٌ	مُتَدَعِّيَةً	مُتَدَعِّيَةٍ	مُتَدَعّىً بِهَا	مُتَدَعّىً بِهَا	مُتَدَعّىً بِهَا
۵	مُتَدَعِّيَتَانِ	مُتَدَعِّيَتَيْنِ	مُتَدَعِّيَتَيْنِ	مُتَدَعّىً بِهِمَا	مُتَدَعّىً بِهِمَا	مُتَدَعّىً بِهِمَا
۶	مُتَدَعِّيَاتٌ	مُتَدَعِّيَاتٍ	مُتَدَعِّيَاتٍ	مُتَدَعّىً بِهِنَّ	مُتَدَعّىً بِهِنَّ	مُتَدَعّىً بِهِنَّ



صفحه ۱۰۷	۷ (۲) باب تفعّل ناقص واوی (التّدَعّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَدَعِّي	الْمُتَدَعِّيَ	الْمُتَدَعِّي	الْمُتَدَعّىً بِهِ	الْمُتَدَعّىً بِهِ	الْمُتَدَعّىً بِهِ
۲	الْمُتَدَعِّيَانِ	الْمُتَدَعِّيَيْنِ	الْمُتَدَعِّيَيْنِ	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا
۳	الْمُتَدَعُّوْنَ	الْمُتَدَعِّيْنَ	الْمُتَدَعِّيْنَ	الْمُتَدَعّىً بِهِمْ	الْمُتَدَعّىً بِهِمْ	الْمُتَدَعّىً بِهِمْ
۴	الْمُتَدَعِّيَةُ	الْمُتَدَعِّيَةَ	الْمُتَدَعِّيَةِ	الْمُتَدَعّىً بِهَا	الْمُتَدَعّىً بِهَا	الْمُتَدَعّىً بِهَا
۵	الْمُتَدَعِّيَتَانِ	الْمُتَدَعِّيَتَيْنِ	الْمُتَدَعِّيَتَيْنِ	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا	الْمُتَدَعّىً بِهِمَا
۶	الْمُتَدَعِّيَاتُ	الْمُتَدَعِّيَاتِ	الْمُتَدَعِّيَاتِ	الْمُتَدَعّىً بِهِنَّ	الْمُتَدَعّىً بِهِنَّ	الْمُتَدَعّىً بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۰۸	۸(۱) باب تفعّل ناقص یایی (التّخَشّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَخَشِّ	مُتَخَشِّياً	مُتَخَشِّ	مُتَخَشّىً	مُتَخَشّىً	مُتَخَشّىً
۲	مُتَخَشِّيَانِ	مُتَخَشِّيَيْنِ	مُتَخَشِّيَيْنِ	مُتَخَشَّيَانِ	مُتَخَشَّيَيْنِ	مُتَخَشَّيَيْنِ
۳	مُتَخَشُّوْنَ	مُتَخَشِّيْنَ	مُتَخَشِّيْنَ	مُتَخَشَّوْنَ	مُتَخَشَّيْنَ	مُتَخَشَّيْنَ
۴	مُتَخَشِّيَةٌ	مُتَخَشِّيَةً	مُتَخَشِّيَةٍ	مُتَخَشَّاةٌ	مُتَخَشَّاةً	مُتَخَشَّاةٍ
۵	مُتَخَشِّيَتَانِ	مُتَخَشِّيَتَيْنِ	مُتَخَشِّيَتَيْنِ	مُتَخَشَّاتَانِ	مُتَخَشَّاتَيْنِ	مُتَخَشَّاتَيْنِ
۶	مُتَخَشِّيَاتٌ	مُتَخَشِّيَاتٍ	مُتَخَشِّيَاتٍ	مُتَخَشَّيَاتٌ	مُتَخَشَّيَاتٍ	مُتَخَشَّيَاتٍ

صفحه ۱۰۸	۸(۲) باب تفعّل ناقص واوی (التّخَشّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَخَشِّي	الْمُتَخَشِّىَ	الْمُتَخَشِّي	الْمُتَخَشّىٰ	الْمُتَخَشّىٰ	الْمُتَخَشّىٰ
۲	الْمُتَخَشِّيَانِ	الْمُتَخَشِّيَيْنِ	الْمُتَخَشِّيَيْنِ	الْمُتَخَشَّيَانِ	الْمُتَخَشَّيَيْنِ	الْمُتَخَشَّيَيْنِ
۳	الْمُتَخَشُّوْنَ	الْمُتَخَشِّيْنَ	الْمُتَخَشِّيْنَ	الْمُتَخَشَّوْنَ	الْمُتَخَشَّيْنَ	الْمُتَخَشَّيْنَ
۴	الْمُتَخَشِّيَةُ	الْمُتَخَشِّيَةَ	الْمُتَخَشِّيَةِ	الْمُتَخَشَّاةُ	الْمُتَخَشَّاةَ	الْمُتَخَشَّاةِ
۵	الْمُتَخَشِّيَتَانِ	الْمُتَخَشِّيَتَيْنِ	الْمُتَخَشِّيَتَيْنِ	الْمُتَخَشَّاتَانِ	الْمُتَخَشَّاتَيْنِ	الْمُتَخَشَّاتَيْنِ
۶	الْمُتَخَشِّيَاتُ	الْمُتَخَشِّيَاتِ	الْمُتَخَشِّيَاتِ	الْمُتَخَشَّيَاتُ	الْمُتَخَشَّيَاتِ	الْمُتَخَشَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۰۹	۹(۱) باب تفعّل لفیف مفروق (التّوَجّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَوَجٍّ	مُتَوَجِّياً	مُتَوَجٍّ	مُتَوَجّىً بِهِ	مُتَوَجّىً بِهِ	مُتَوَجّىً بِهِ
۲	مُتَوَجِّيَانِ	مُتَوَجِّيَيْنِ	مُتَوَجِّيَيْنِ	مُتَوَجّىً بِهِمَا	مُتَوَجّىً بِهِمَا	مُتَوَجّىً بِهِمَا
۳	مُتَوَجُّوْنَ	مُتَوَجِّيْنَ	مُتَوَجِّيْنَ	مُتَوَجّىً بِهِمْ	مُتَوَجّىً بِهِمْ	مُتَوَجّىً بِهِمْ
۴	مُتَوَجِّيَةٌ	مُتَوَجِّيَةً	مُتَوَجِّيَةٍ	مُتَوَجّىً بِهَا	مُتَوَجّىً بِهَا	مُتَوَجّىً بِهَا
۵	مُتَوَجِّيَتَانِ	مُتَوَجِّيَتَيْنِ	مُتَوَجِّيَتَيْنِ	مُتَوَجّىً بِهِمَا	مُتَوَجّىً بِهِمَا	مُتَوَجّىً بِهِمَا
۶	مُتَوَجِّيَاتٌ	مُتَوَجِّيَاتٍ	مُتَوَجِّيَاتٍ	مُتَوَجّىً بِهِنَّ	مُتَوَجّىً بِهِنَّ	مُتَوَجّىً بِهِنَّ

صفحه ۱۰۹	۹(۲) باب تفعّل لفیف مفروق (التّوَجّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَوَجِّي	الْمُتَوَجِّيَ	الْمُتَوَجِّي	الْمُتَوَجّىٰ بِهِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِ
۲	الْمُتَوَجِّيَانِ	الْمُتَوَجِّيَيْنِ	الْمُتَوَجِّيَيْنِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا
۳	الْمُتَوَجُّوْنَ	الْمُتَوَجِّيْنَ	الْمُتَوَجِّيْنَ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمْ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمْ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمْ
۴	الْمُتَوَجِّيَةُ	الْمُتَوَجِّيَةَ	الْمُتَوَجِّيَةِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهَا
۵	الْمُتَوَجِّيَتَانِ	الْمُتَوَجِّيَتَيْنِ	الْمُتَوَجِّيَتَيْنِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا	الْمُتَوَجّىٰ بِهِمَا
۶	الْمُتَوَجِّيَاتُ	الْمُتَوَجِّيَاتِ	الْمُتَوَجِّيَاتِ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِنَّ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِنَّ	الْمُتَوَجّىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۱۰	۱۰ (۱) باب تفعّل لفیف مقرون (التّقَوِّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَوِّ	مُتَقَوِّياً	مُتَقَوٍّ	مُتَقَوّىً بِهِ	مُتَقَوّىً بِهِ	مُتَقَوّىً بِهِ
۲	مُتَقَوِّيَانِ	مُتَقَوِّيَيْنِ	مُتَقَوِّيَيْنِ	مُتَقَوّىً بِهِمَا	مُتَقَوّىً بِهِمَا	مُتَقَوّىً بِهِمَا
۳	مُتَقَوُّوْنَ	مُتَقَوِّيْنَ	مُتَقَوِّيْنَ	مُتَقَوّىً بِهِمْ	مُتَقَوّىً بِهِمْ	مُتَقَوّىً بِهِمْ
۴	مُتَقَوِّيَةٌ	مُتَقَوِّيَةً	مُتَقَوِّيَةٍ	مُتَقَوّىً بِهَا	مُتَقَوّىً بِهَا	مُتَقَوّىً بِهَا
۵	مُتَقَوِّيَتَانِ	مُتَقَوِّيَتَيْنِ	مُتَقَوِّيَتَيْنِ	مُتَقَوّىً بِهِمَا	مُتَقَوّىً بِهِمَا	مُتَقَوّىً بِهِمَا
۶	مُتَقَوِّيَاتٌ	مُتَقَوِّيَاتٍ	مُتَقَوِّيَاتٍ	مُتَقَوّىً بِهِنَّ	مُتَقَوّىً بِهِنَّ	مُتَقَوّىً بِهِنَّ

صفحه ۱۱۰	۱۰ (۲) باب تفعّل لفیف مقرون (التّقَوِّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَقَوِّي	الْمُتَقَوِّيَ	الْمُتَقَوِّي	الْمُتَقَوّىٰ بِهِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِ
۲	الْمُتَقَوِّيَانِ	الْمُتَقَوِّيَيْنِ	الْمُتَقَوِّيَيْنِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا
۳	الْمُتَقَوُّوْنَ	الْمُتَقَوِّيْنَ	الْمُتَقَوِّيْنَ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمْ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمْ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمْ
۴	الْمُتَقَوِّيَةُ	الْمُتَقَوِّيَةَ	الْمُتَقَوِّيَةِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهَا
۵	الْمُتَقَوِّيَتَانِ	الْمُتَقَوِّيَتَيْنِ	الْمُتَقَوِّيَتَيْنِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَوّىٰ بِهِمَا
۶	الْمُتَقَوِّيَاتُ	الْمُتَقَوِّيَاتِ	الْمُتَقَوِّيَاتِ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِنَّ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِنَّ	الْمُتَقَوّىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۱۱	۱۱	باب تفعّل مهموزالفاء (التَّأَزُّر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَأَزِّرٌ	مُتَأَزِّراً	مُتَأَزِّرٍ		مُتَأَزَّرٌ	مُتَأَزَّراً	مُتَأَزَّرٍ
۲	مُتَأَزِّرَانِ	مُتَأَزِّرَيْنِ	مُتَأَزِّرَيْنِ		مُتَأَزَّرَانِ	مُتَأَزَّرَيْنِ	مُتَأَزَّرَيْنِ
۳	مُتَأَزِّرُوْنَ	مُتَأَزِّرِيْنَ	مُتَأَزِّرِيْنَ		مُتَأَزَّرُوْنَ	مُتَأَزَّرِيْنَ	مُتَأَزَّرِيْنَ
۴	مُتَأَزِّرَةٌ	مُتَأَزِّرَةً	مُتَأَزِّرَةٍ		مُتَأَزَّرَةٌ	مُتَأَزَّرَةً	مُتَأَزَّرَةٍ
۵	مُتَأَزِّرَتَانِ	مُتَأَزِّرَتَيْنِ	مُتَأَزِّرَتَيْنِ		مُتَأَزَّرَتَانِ	مُتَأَزَّرَتَيْنِ	مُتَأَزَّرَتَيْنِ
۶	مُتَأَزِّرَاتٌ	مُتَأَزِّرَاتِ	مُتَأَزِّرَاتِ		مُتَأَزَّرَاتٌ	مُتَأَزَّرَاتِ	مُتَأَزَّرَاتِ

صفحه ۱۱۱	۱۲	باب تفعّل مهموزالعین (التَّلَؤُم) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَلَئِّمٌ	مُتَلَئِّماً	مُتَلَئِّمٍ		مُتَلَأَّمٌ	مُتَلَأَّماً	مُتَلَأَّمٍ
۲	مُتَلَئِّمَانِ	مُتَلَئِّمَيْنِ	مُتَلَئِّمَيْنِ		مُتَلَأَّمَانِ	مُتَلَأَّمَيْنِ	مُتَلَأَّمَيْنِ
۳	مُتَلَئِّمُوْنَ	مُتَلَئِّمِيْنَ	مُتَلَئِّمِيْنَ		مُتَلَأَّمُوْنَ	مُتَلَأَّمِيْنَ	مُتَلَأَّمِيْنَ
۴	مُتَلَئِّمَةٌ	مُتَلَئِّمَةً	مُتَلَئِّمَةٍ		مُتَلَأَّمَةٌ	مُتَلَأَّمَةً	مُتَلَأَّمَةٍ
۵	مُتَلَئِّمَتَانِ	مُتَلَئِّمَتَيْنِ	مُتَلَئِّمَتَيْنِ		مُتَلَأَّمَتَانِ	مُتَلَأَّمَتَيْنِ	مُتَلَأَّمَتَيْنِ
۶	مُتَلَئِّمَاتٌ	مُتَلَئِّمَاتِ	مُتَلَئِّمَاتِ		مُتَلَأَّمَاتٌ	مُتَلَأَّمَاتِ	مُتَلَأَّمَاتِ

تصویر

صفحه ۱۱۲	۱۳ (۱) باب تفعّل مهموزاللام (التّقرّؤ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَرِّئٌ	مُتَقَرِّئاً	مُتَقَرِّئٍ	مُتَقَرَّأٌ	مُتَقَرَّءاً	مُتَقَرَّإٍ
۲	مُتَقَرِّئَانِ	مُتَقَرِّئَيْنِ	مُتَقَرِّئَيْنِ	مُتَقَرَّأَانِ	مُتَقَرَّأَيْنِ	مُتَقَرَّأَيْنِ
۳	مُتَقَرِّئُوْنَ	مُتَقَرِّئِيْنَ	مُتَقَرِّئِيْنَ	مُتَقَرَّؤُوْنَ	مُتَقَرَّئِيْنَ	مُتَقَرَّئِيْنَ
۴	مُتَقَرِّئَةٌ	مُتَقَرِّئَةً	مُتَقَرِّئَةٍ	مُتَقَرَّأَةٌ	مُتَقَرَّأَةً	مُتَقَرَّأَةٍ
۵	مُتَقَرِّئَتَانِ	مُتَقَرِّئَتَيْنِ	مُتَقَرِّئَتَيْنِ	مُتَقَرَّأَتَانِ	مُتَقَرَّأَتَيْنِ	مُتَقَرَّأَتَيْنِ
۶	مُتَقَرِّئَاتٌ	مُتَقَرِّئَاتِ	مُتَقَرِّئَاتِ	مُتَقَرَّءَاتٌ	مُتَقَرَّءَاتِ	مُتَقَرَّءَاتِ

صفحه ۱۱۲	۱۳ (۲) باب تفعّل مهموزاللام (التّقرّؤ) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَرِّ	مُتَقَرِّياً	مُتَقَرٍّ	مُتَقَرّىً	مُتَقَرّىً	مُتَقَرّىً
۲	مُتَقَرِّيَانِ	مُتَقَرِّيَيْنِ	مُتَقَرِّيَيْنِ	مُتَقَرَّيَانِ	مُتَقَرَّيَيْنِ	مُتَقَرَّيَيْنِ
۳	مُتَقَرُّوْنَ	مُتَقَرِّيْنَ	مُتَقَرِّيْنَ	مُتَقَرَّوْنَ	مُتَقَرَّيْنَ	مُتَقَرَّيْنَ
۴	مُتَقَرِّيَةٌ	مُتَقَرِّيَةً	مُتَقَرِّيَةٍ	مُتَقَرَّاةٌ	مُتَقَرَّاةً	مُتَقَرَّاةٍ
۵	مُتَقَرِّيَتَانِ	مُتَقَرِّيَتَيْنِ	مُتَقَرِّيَتَيْنِ	مُتَقَرَّاتَانِ	مُتَقَرَّاتَيْنِ	مُتَقَرَّاتَيْنِ
۶	مُتَقَرِّيَاتٌ	مُتَقَرِّيَاتِ	مُتَقَرِّيَاتِ	مُتَقَرَّيَاتٌ	مُتَقَرَّيَاتِ	مُتَقَرَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۱۳	۱۳ (۳) باب تفعّل مهموزاللام (التَّقَرُّؤ) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُتَقَرِّي	الـمُتَقَرِّيَ	الـمُتَقَرِّي	الـمُتَقَرًّىٰ	الـمُتَقَرًّىٰ	الـمُتَقَرًّىٰ
۲	الـمُتَقَرِّيَانِ	الـمُتَقَرِّيَيْنِ	الـمُتَقَرِّيَيْنِ	الـمُتَقَرَّيَانِ	الـمُتَقَرَّيَيْنِ	الـمُتَقَرَّيَيْنِ
۳	الـمُتَقَرُّوْنَ	الـمُتَقَرِّيْنَ	الـمُتَقَرِّيْنَ	الـمُتَقَرَّوْنَ	الـمُتَقَرَّيْنَ	الـمُتَقَرَّيْنَ
۴	الـمُتَقَرِّيَةُ	الـمُتَقَرِّيَةَ	الـمُتَقَرِّيَةِ	الـمُتَقَرَّاةُ	الـمُتَقَرَّاةَ	الـمُتَقَرَّاةِ
۵	الـمُتَقَرِّيَتَانِ	الـمُتَقَرِّيَتَيْنِ	الـمُتَقَرِّيَتَيْنِ	الـمُتَقَرَّاتَانِ	الـمُتَقَرَّاتَيْنِ	الـمُتَقَرَّاتَيْنِ
۶	الـمُتَقَرِّيَاتُ	الـمُتَقَرِّيَاتِ	الـمُتَقَرِّيَاتِ	الـمُتَقَرَّيَاتُ	الـمُتَقَرَّيَاتِ	الـمُتَقَرَّيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۱۴	۱۴ (۱) باب تفعّل قاعده دوم خصوصی (التّذَكُّر) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَذَكِّرٌ	مُتَذَكِّراً	مُتَذَكِّرٍ	مُتَذَكَّرٌ	مُتَذَكَّراً	مُتَذَكَّرٍ
۲	مُتَذَكِّرَانِ	مُتَذَكِّرَيْنِ	مُتَذَكِّرَيْنِ	مُتَذَكَّرَانِ	مُتَذَكَّرَيْنِ	مُتَذَكَّرَيْنِ
۳	مُتَذَكِّرُوْنَ	مُتَذَكِّرِيْنَ	مُتَذَكِّرِيْنَ	مُتَذَكَّرُوْنَ	مُتَذَكَّرِيْنَ	مُتَذَكَّرِيْنَ
۴	مُتَذَكِّرَةٌ	مُتَذَكِّرَةً	مُتَذَكِّرَةٍ	مُتَذَكَّرَةٌ	مُتَذَكَّرَةً	مُتَذَكَّرَةٍ
۵	مُتَذَكِّرَتَانِ	مُتَذَكِّرَتَيْنِ	مُتَذَكِّرَتَيْنِ	مُتَذَكَّرَتَانِ	مُتَذَكَّرَتَيْنِ	مُتَذَكَّرَتَيْنِ
۶	مُتَذَكِّرَاتٌ	مُتَذَكِّرَاتِ	مُتَذَكِّرَاتِ	مُتَذَكَّرَاتٌ	مُتَذَكَّرَاتِ	مُتَذَكَّرَاتِ

صفحه ۱۱۴	۱۴ (۲) باب تفعّل قاعده دوم خصوصی (الإِذِّكَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُذَّكِّرٌ	مُذَّكِّراً	مُذَّكِّرٍ	مُذَّكَّرٌ	مُذَّكَّراً	مُذَّكَّرٍ
۲	مُذَّكِّرَانِ	مُذَّكِّرَيْنِ	مُذَّكِّرَيْنِ	مُذَّكَّرَانِ	مُذَّكَّرَيْنِ	مُذَّكَّرَيْنِ
۳	مُذَّكِّرُوْنَ	مُذَّكِّرِيْنَ	مُذَّكِّرِيْنَ	مُذَّكَّرُوْنَ	مُذَّكَّرِيْنَ	مُذَّكَّرِيْنَ
۴	مُذَّكِّرَةٌ	مُذَّكِّرَةً	مُذَّكِّرَةٍ	مُذَّكَّرَةٌ	مُذَّكَّرَةً	مُذَّكَّرَةٍ
۵	مُذَّكِّرَتَانِ	مُذَّكِّرَتَيْنِ	مُذَّكِّرَتَيْنِ	مُذَّكَّرَتَانِ	مُذَّكَّرَتَيْنِ	مُذَّكَّرَتَيْنِ
۶	مُذَّكِّرَاتٌ	مُذَّكِّرَاتِ	مُذَّكِّرَاتِ	مُذَّكَّرَاتٌ	مُذَّكَّرَاتِ	مُذَّكَّرَاتِ

تصویر

صفحه ۱۱۵	۱۵ (۱) باب تفعّل قاعده سوم خصوصی (التّمَطُّط ← التّمَطّی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَمَطِّ	مُتَمَطِّاً	مُتَمَطِّ	مُتَمَطّیً	مُتَمَطّیً	مُتَمَطّیً
۲	مُتَمَطِّيَانِ	مُتَمَطِّيَيْنِ	مُتَمَطِّيَيْنِ	مُتَمَطَّيَانِ	مُتَمَطِّيَيْنِ	مُتَمَطِّيَيْنِ
۳	مُتَمَطُّوْنَ	مُتَمَطِّيْنَ	مُتَمَطِّيْنَ	مُتَمَطَّوْنَ	مُتَمَطِّيْنَ	مُتَمَطِّيْنَ
۴	مُتَمَطِّيَةٌ	مُتَمَطِّيَةً	مُتَمَطِّيَةٍ	مُتَمَطَّاةٌ	مُتَمَطَّاةً	مُتَمَطَّاةٍ
۵	مُتَمَطِّيَتَانِ	مُتَمَطِّيَتَيْنِ	مُتَمَطِّيَتَيْنِ	مُتَمَطَّيَتَانِ	مُتَمَطِّيَتَيْنِ	مُتَمَطِّيَتَيْنِ
۶	مُتَمَطِّيَاتٌ	مُتَمَطِّيَاتِ	مُتَمَطِّيَاتِ	مُتَمَطَّيَاتٌ	مُتَمَطِّيَاتِ	مُتَمَطِّيَاتِ

صفحه ۱۱۵	۱۵ (۲) باب تفعّل قاعده سوم خصوصی (التّمَطُّط ← التّمَطّی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَمَطِّي	الْمُتَمَطِّيَ	الْمُتَمَطِّي	الْمُتَمَطّیٰ	الْمُتَمَطّیٰ	الْمُتَمَطّیٰ
۲	الْمُتَمَطِّيَانِ	الْمُتَمَطِّيَيْنِ	الْمُتَمَطِّيَيْنِ	الْمُتَمَطَّيَانِ	الْمُتَمَطِّيَيْنِ	الْمُتَمَطِّيَيْنِ
۳	الْمُتَمَطُّوْنَ	الْمُتَمَطِّيْنَ	الْمُتَمَطِّيْنَ	الْمُتَمَطَّوْنَ	الْمُتَمَطِّيْنَ	الْمُتَمَطِّيْنَ
۴	الْمُتَمَطِّيَةُ	الْمُتَمَطِّيَةَ	الْمُتَمَطِّيَةِ	الْمُتَمَطَّاةُ	الْمُتَمَطَّاةَ	الْمُتَمَطَّاةِ
۵	الْمُتَمَطِّيَتَانِ	الْمُتَمَطِّيَتَيْنِ	الْمُتَمَطِّيَتَيْنِ	الْمُتَمَطَّيَتَانِ	الْمُتَمَطِّيَتَيْنِ	الْمُتَمَطِّيَتَيْنِ
۶	الْمُتَمَطِّيَاتُ	الْمُتَمَطِّيَاتِ	الْمُتَمَطِّيَاتِ	الْمُتَمَطَّيَاتُ	الْمُتَمَطِّيَاتِ	الْمُتَمَطِّيَاتِ

باب تفاعل

تصویر

صفحه ۱۱۶	۱	باب تفاعل سالم (التَّعَامُل) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَعَامِلٌ	مُتَعَامِلاً	مُتَعَامِلٍ		مُتَعَامَلٌ بِهِ	مُتَعَامَلاً بِهِ	مُتَعَامَلٍ بِهِ
۲	مُتَعَامِلَانِ	مُتَعَامِلَيْنِ	مُتَعَامِلَيْنِ		مُتَعَامَلٌ بِهِمَا	مُتَعَامَلاً بِهِمَا	مُتَعَامَلٍ بِهِمَا
۳	مُتَعَامِلُوْنَ	مُتَعَامِلِيْنَ	مُتَعَامِلِيْنَ		مُتَعَامَلٌ بِهِمْ	مُتَعَامَلاً بِهِمْ	مُتَعَامَلٍ بِهِمْ
۴	مُتَعَامِلَةٌ	مُتَعَامِلَةً	مُتَعَامِلَةٍ		مُتَعَامَلٌ بِهَا	مُتَعَامَلاً بِهَا	مُتَعَامَلٍ بِهَا
۵	مُتَعَامِلَتَانِ	مُتَعَامِلَتَيْنِ	مُتَعَامِلَتَيْنِ		مُتَعَامَلٌ بِهِمَا	مُتَعَامَلاً بِهِمَا	مُتَعَامَلٍ بِهِمَا
۶	مُتَعَامِلَاتٌ	مُتَعَامِلَاتِ	مُتَعَامِلَاتِ		مُتَعَامَلٌ بِهِنَّ	مُتَعَامَلاً بِهِنَّ	مُتَعَامَلٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۱۶	۲	باب تفاعل مضاعف (التَّضَادُّ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَضَادٌّ	مُتَضَادّاً	مُتَضَادٍّ		مُتَضَادٌّ بِهِ	مُتَضَادّاً بِهِ	مُتَضَادٍّ بِهِ
۲	مُتَضَادَّانِ	مُتَضَادَّيْنِ	مُتَضَادَّيْنِ		مُتَضَادٌّ بِهِمَا	مُتَضَادّاً بِهِمَا	مُتَضَادٍّ بِهِمَا
۳	مُتَضَادُّوْنَ	مُتَضَادِّيْنَ	مُتَضَادِّيْنَ		مُتَضَادٌّ بِهِمْ	مُتَضَادّاً بِهِمْ	مُتَضَادٍّ بِهِمْ
۴	مُتَضَادَّةٌ	مُتَضَادَّةً	مُتَضَادَّةٍ		مُتَضَادٌّ بِهَا	مُتَضَادّاً بِهَا	مُتَضَادٍّ بِهَا
۵	مُتَضَادَّتَانِ	مُتَضَادَّتَيْنِ	مُتَضَادَّتَيْنِ		مُتَضَادٌّ بِهِمَا	مُتَضَادّاً بِهِمَا	مُتَضَادٍّ بِهِمَا
۶	مُتَضَادَّاتٌ	مُتَضَادَّاتِ	مُتَضَادَّاتِ		مُتَضَادٌّ بِهِنَّ	مُتَضَادّاً بِهِنَّ	مُتَضَادٍّ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۱۷	۳	باب تفاعل مثال واوی (التَّوَاعُد) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَوَاعِدٌ	مُتَوَاعِداً	مُتَوَاعِدٍ		مُتَوَاعَدٌ بِهِ	مُتَوَاعَداً بِهِ	مُتَوَاعَدٍ بِهِ
۲	مُتَوَاعِدَانِ	مُتَوَاعِدَيْنِ	مُتَوَاعِدَيْنِ		مُتَوَاعَدٌ بِهِمَا	مُتَوَاعَداً بِهِمَا	مُتَوَاعَدٍ بِهِمَا
۳	مُتَوَاعِدُوْنَ	مُتَوَاعِدِيْنَ	مُتَوَاعِدِيْنَ		مُتَوَاعَدٌ بِهِمْ	مُتَوَاعَداً بِهِمْ	مُتَوَاعَدٍ بِهِمْ
۴	مُتَوَاعِدَةٌ	مُتَوَاعِدَةً	مُتَوَاعِدَةٍ		مُتَوَاعَدٌ بِهَا	مُتَوَاعَداً بِهَا	مُتَوَاعَدٍ بِهَا
۵	مُتَوَاعِدَتَانِ	مُتَوَاعِدَتَيْنِ	مُتَوَاعِدَتَيْنِ		مُتَوَاعَدٌ بِهِمَا	مُتَوَاعَداً بِهِمَا	مُتَوَاعَدٍ بِهِمَا
۶	مُتَوَاعِدَاتٌ	مُتَوَاعِدَاتٍ	مُتَوَاعِدَاتٍ		مُتَوَاعَدٌ بِهِنَّ	مُتَوَاعَداً بِهِنَّ	مُتَوَاعَدٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۱۷	۴	باب تفاعل مثال یایی (التَّیَاسُر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَيَاسِرٌ	مُتَيَاسِراً	مُتَيَاسِرٍ		مُتَيَاسَرٌ	مُتَيَاسَراً	مُتَيَاسَرٍ
۲	مُتَيَاسِرَانِ	مُتَيَاسِرَيْنِ	مُتَيَاسِرَيْنِ		مُتَيَاسَرَانِ	مُتَيَاسَرَيْنِ	مُتَيَاسَرَيْنِ
۳	مُتَيَاسِرُوْنَ	مُتَيَاسِرِيْنَ	مُتَيَاسِرِيْنَ		مُتَيَاسَرُوْنَ	مُتَيَاسَرِيْنَ	مُتَيَاسَرِيْنَ
۴	مُتَيَاسِرَةٌ	مُتَيَاسِرَةً	مُتَيَاسِرَةٍ		مُتَيَاسَرَةٌ	مُتَيَاسَرَةً	مُتَيَاسَرَةٍ
۵	مُتَيَاسِرَتَانِ	مُتَيَاسِرَتَيْنِ	مُتَيَاسِرَتَيْنِ		مُتَيَاسَرَتَانِ	مُتَيَاسَرَتَيْنِ	مُتَيَاسَرَتَيْنِ
۶	مُتَيَاسِرَاتٌ	مُتَيَاسِرَاتٍ	مُتَيَاسِرَاتٍ		مُتَيَاسَرَاتٌ	مُتَيَاسَرَاتٍ	مُتَيَاسَرَاتٍ

صفحه ۱۱۸	۵	باب تفاعل اجوف واوی (التّقَاوُل) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَاوِلٌ	مُتَقَاوِلاً	مُتَقَاوِلٍ		مُتَقَاوَلٌ بِهِ	مُتَقَاوَلاً بِهِ	مُتَقَاوَلٍ بِهِ
۲	مُتَقَاوِلَانِ	مُتَقَاوِلَيْنِ	مُتَقَاوِلَيْنِ		مُتَقَاوَلٌ بِهِمَا	مُتَقَاوَلاً بِهِمَا	مُتَقَاوَلٍ بِهِمَا
۳	مُتَقَاوِلُوْنَ	مُتَقَاوِلِيْنَ	مُتَقَاوِلِيْنَ		مُتَقَاوَلٌ بِهِمْ	مُتَقَاوَلاً بِهِمْ	مُتَقَاوَلٍ بِهِمْ
۴	مُتَقَاوِلَةٌ	مُتَقَاوِلَةً	مُتَقَاوِلَةٍ		مُتَقَاوَلٌ بِهَا	مُتَقَاوَلاً بِهَا	مُتَقَاوَلٍ بِهَا
۵	مُتَقَاوِلَتَانِ	مُتَقَاوِلَتَيْنِ	مُتَقَاوِلَتَيْنِ		مُتَقَاوَلٌ بِهِمَا	مُتَقَاوَلاً بِهِمَا	مُتَقَاوَلٍ بِهِمَا
۶	مُتَقَاوِلَاتٌ	مُتَقَاوِلَاتٍ	مُتَقَاوِلَاتٍ		مُتَقَاوَلٌ بِهِنَّ	مُتَقَاوَلاً بِهِنَّ	مُتَقَاوَلٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۱۸	۶	باب تفاعل اجوف یایی (التّبَایُع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَبَايِعٌ	مُتَبَايِعاً	مُتَبَايِعٍ		مُتَبَايَعٌ بِهِ	مُتَبَايَعاً بِهِ	مُتَبَايَعٍ بِهِ
۲	مُتَبَايِعَانِ	مُتَبَايِعَيْنِ	مُتَبَايِعَيْنِ		مُتَبَايَعٌ بِهِمَا	مُتَبَايَعاً بِهِمَا	مُتَبَايَعٍ بِهِمَا
۳	مُتَبَايِعُوْنَ	مُتَبَايِعِيْنَ	مُتَبَايِعِيْنَ		مُتَبَايَعٌ بِهِمْ	مُتَبَايَعاً بِهِمْ	مُتَبَايَعٍ بِهِمْ
۴	مُتَبَايِعَةٌ	مُتَبَايِعَةً	مُتَبَايِعَةٍ		مُتَبَايَعٌ بِهَا	مُتَبَايَعاً بِهَا	مُتَبَايَعٍ بِهَا
۵	مُتَبَايِعَتَانِ	مُتَبَايِعَتَيْنِ	مُتَبَايِعَتَيْنِ		مُتَبَايَعٌ بِهِمَا	مُتَبَايَعاً بِهِمَا	مُتَبَايَعٍ بِهِمَا
۶	مُتَبَايِعَاتٌ	مُتَبَايِعَاتٍ	مُتَبَايِعَاتٍ		مُتَبَايَعٌ بِهِنَّ	مُتَبَايَعاً بِهِنَّ	مُتَبَايَعٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۱۹	۷ (۱) باب تفاعل ناقص واوی (التّدَاعِی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَدَاعٍ	مُتَدَاعِياً	مُتَدَاعٍ	مُتَدَاعًى بِهِ	مُتَدَاعًى بِهِ	مُتَدَاعًى بِهِ
۲	مُتَدَاعِيَانِ	مُتَدَاعِيَيْنِ	مُتَدَاعِيَيْنِ	مُتَدَاعًى بِهِمَا	مُتَدَاعًى بِهِمَا	مُتَدَاعًى بِهِمَا
۳	مُتَدَاعُوْنَ	مُتَدَاعِيْنَ	مُتَدَاعِيْنَ	مُتَدَاعًى بِهِمْ	مُتَدَاعًى بِهِمْ	مُتَدَاعًى بِهِمْ
۴	مُتَدَاعِيَةٌ	مُتَدَاعِيَةً	مُتَدَاعِيَةٍ	مُتَدَاعًى بِهَا	مُتَدَاعًى بِهَا	مُتَدَاعًى بِهَا
۵	مُتَدَاعِيَتَانِ	مُتَدَاعِيَتَيْنِ	مُتَدَاعِيَتَيْنِ	مُتَدَاعًى بِهِمَا	مُتَدَاعًى بِهِمَا	مُتَدَاعًى بِهِمَا
۶	مُتَدَاعِيَاتٌ	مُتَدَاعِيَاتِ	مُتَدَاعِيَاتٍ	مُتَدَاعًى بِهِنَّ	مُتَدَاعًى بِهِنَّ	مُتَدَاعًى بِهِنَّ

صفحه ۱۱۹	۷ (۲) باب تفاعل ناقص واوی (التّدَاعِی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَدَاعِي	الْمُتَدَاعِيَ	الْمُتَدَاعِي	الْمُتَدَاعًى بِهِ	الْمُتَدَاعًى بِهِ	الْمُتَدَاعًى بِهِ
۲	الْمُتَدَاعِيَانِ	الْمُتَدَاعِيَيْنِ	الْمُتَدَاعِيَيْنِ	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا
۳	الْمُتَدَاعُوْنَ	الْمُتَدَاعِيْنَ	الْمُتَدَاعِيْنَ	الْمُتَدَاعًى بِهِمْ	الْمُتَدَاعًى بِهِمْ	الْمُتَدَاعًى بِهِمْ
۴	الْمُتَدَاعِيَةُ	الْمُتَدَاعِيَةَ	الْمُتَدَاعِيَةِ	الْمُتَدَاعًى بِهَا	الْمُتَدَاعًى بِهَا	الْمُتَدَاعًى بِهَا
۵	الْمُتَدَاعِيَتَانِ	الْمُتَدَاعِيَتَيْنِ	الْمُتَدَاعِيَتَيْنِ	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا	الْمُتَدَاعًى بِهِمَا
۶	الْمُتَدَاعِيَاتُ	الْمُتَدَاعِيَاتِ	الْمُتَدَاعِيَاتِ	الْمُتَدَاعًى بِهِنَّ	الْمُتَدَاعًى بِهِنَّ	الْمُتَدَاعًى بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۲۰	۸ (۱)	باب تفاعل ناقص یایی (التَّرَامِی) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَرَامٍ	مُتَرَامِياً	مُتَرَامٍ		مُتَرَامًى بِهِ	مُتَرَامًى بِهِ	مُتَرَامًى بِهِ
۲	مُتَرَامِيَانِ	مُتَرَامِيَيْنِ	مُتَرَامِيَيْنِ		مُتَرَامًى بِهِمَا	مُتَرَامًى بِهِمَا	مُتَرَامًى بِهِمَا
۳	مُتَرَامُوْنَ	مُتَرَامِيْنَ	مُتَرَامِيْنَ		مُتَرَامًى بِهِمْ	مُتَرَامًى بِهِمْ	مُتَرَامًى بِهِمْ
۴	مُتَرَامِيَةٌ	مُتَرَامِيَةً	مُتَرَامِيَةٍ		مُتَرَامًى بِهَا	مُتَرَامًى بِهَا	مُتَرَامًى بِهَا
۵	مُتَرَامِيَتَانِ	مُتَرَامِيَتَيْنِ	مُتَرَامِيَتَيْنِ		مُتَرَامًى بِهِمَا	مُتَرَامًى بِهِمَا	مُتَرَامًى بِهِمَا
۶	مُتَرَامِيَاتٌ	مُتَرَامِيَاتٍ	مُتَرَامِيَاتٍ		مُتَرَامًى بِهِنَّ	مُتَرَامًى بِهِنَّ	مُتَرَامًى بِهِنَّ



صفحه ۱۲۰	۸ (۲)	باب تفاعل ناقص یایی (التَّرَامِی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَرَامِي	الْمُتَرَامِيَ	الْمُتَرَامِي		الْمُتَرَامَى بِهِ	الْمُتَرَامَى بِهِ	الْمُتَرَامَى بِهِ
۲	الْمُتَرَامِيَانِ	الْمُتَرَامِيَيْنِ	الْمُتَرَامِيَيْنِ		الْمُتَرَامَى بِهِمَا	الْمُتَرَامَى بِهِمَا	الْمُتَرَامَى بِهِمَا
۳	الْمُتَرَامُوْنَ	الْمُتَرَامِيْنَ	الْمُتَرَامِيْنَ		الْمُتَرَامَى بِهِمْ	الْمُتَرَامَى بِهِمْ	الْمُتَرَامَى بِهِمْ
۴	الْمُتَرَامِيَةُ	الْمُتَرَامِيَةَ	الْمُتَرَامِيَةِ		الْمُتَرَامَى بِهَا	الْمُتَرَامَى بِهَا	الْمُتَرَامَى بِهَا
۵	الْمُتَرَامِيَتَانِ	الْمُتَرَامِيَتَيْنِ	الْمُتَرَامِيَتَيْنِ		الْمُتَرَامَى بِهِمَا	الْمُتَرَامَى بِهِمَا	الْمُتَرَامَى بِهِمَا
۶	الْمُتَرَامِيَاتُ	الْمُتَرَامِيَاتِ	الْمُتَرَامِيَاتِ		الْمُتَرَامَى بِهِنَّ	الْمُتَرَامَى بِهِنَّ	الْمُتَرَامَى بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۱	۹(۱) باب تفاعل لفیف مفروق (التّوَالِی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَوَالٍ	مُتَوَالِياً	مُتَوَالٍ	مُتَوَالًى بِهِ	مُتَوَالًى بِهِ	مُتَوَالًى بِهِ
۲	مُتَوَالِيَانِ	مُتَوَالِيَيْنِ	مُتَوَالِيَيْنِ	مُتَوَالًى بِهِمَا	مُتَوَالًى بِهِمَا	مُتَوَالًى بِهِمَا
۳	مُتَوَالُوْنَ	مُتَوَالِيْنَ	مُتَوَالِيْنَ	مُتَوَالًى بِهِمْ	مُتَوَالًى بِهِمْ	مُتَوَالًى بِهِمْ
۴	مُتَوَالِيَةٌ	مُتَوَالِيَةً	مُتَوَالِيَةٍ	مُتَوَالًى بِهَا	مُتَوَالًى بِهَا	مُتَوَالًى بِهَا
۵	مُتَوَالِيَتَانِ	مُتَوَالِيَتَيْنِ	مُتَوَالِيَتَيْنِ	مُتَوَالًى بِهِمَا	مُتَوَالًى بِهِمَا	مُتَوَالًى بِهِمَا
۶	مُتَوَالِيَاتٌ	مُتَوَالِيَاتٍ	مُتَوَالِيَاتٍ	مُتَوَالًى بِهِنَّ	مُتَوَالًى بِهِنَّ	مُتَوَالًى بِهِنَّ

صفحه ۱۲۱	۹(۲) باب تفاعل لفیف مفروق (التّوَالِی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَوَالِي	الْمُتَوَالِيَ	الْمُتَوَالِي	الْمُتَوَالًى بِهِ	الْمُتَوَالًى بِهِ	الْمُتَوَالًى بِهِ
۲	الْمُتَوَالِيَانِ	الْمُتَوَالِيَيْنِ	الْمُتَوَالِيَيْنِ	الْمُتَوَالًى بِهِمَا	الْمُتَوَالًى بِهِمَا	الْمُتَوَالًى بِهِمَا
۳	الْمُتَوَالُوْنَ	الْمُتَوَالِيْنَ	الْمُتَوَالِيْنَ	الْمُتَوَالًى بِهِمْ	الْمُتَوَالًى بِهِمْ	الْمُتَوَالًى بِهِمْ
۴	الْمُتَوَالِيَةُ	الْمُتَوَالِيَةَ	الْمُتَوَالِيَةِ	الْمُتَوَالًى بِهَا	الْمُتَوَالًى بِهَا	الْمُتَوَالًى بِهَا
۵	الْمُتَوَالِيَتَانِ	الْمُتَوَالِيَتَيْنِ	الْمُتَوَالِيَتَيْنِ	الْمُتَوَالًى بِهِمَا	الْمُتَوَالًى بِهِمَا	الْمُتَوَالًى بِهِمَا
۶	الْمُتَوَالِيَاتُ	الْمُتَوَالِيَاتِ	الْمُتَوَالِيَاتِ	الْمُتَوَالًى بِهِنَّ	الْمُتَوَالًى بِهِنَّ	الْمُتَوَالًى بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۲	۱۰ (۱) باب تفاعل لفیف مقرون (التّقَاوِی) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَقَاوٍ	مُتَقَاوِياً	مُتَقَاوٍ	مُتَقَاوًىٰ بِهِ	مُتَقَاوًىٰ بِهِ	مُتَقَاوًىٰ بِهِ
۲	مُتَقَاوِيَانِ	مُتَقَاوِيَيْنِ	مُتَقَاوِيَيْنِ	مُتَقَاوًىٰ بِهِمَا	مُتَقَاوًىٰ بِهِمَا	مُتَقَاوًىٰ بِهِمَا
۳	مُتَقَاوُوْنَ	مُتَقَاوِيْنَ	مُتَقَاوِيْنَ	مُتَقَاوًىٰ بِهِمْ	مُتَقَاوًىٰ بِهِمْ	مُتَقَاوًىٰ بِهِمْ
۴	مُتَقَاوِيَةٌ	مُتَقَاوِيَةً	مُتَقَاوِيَةٍ	مُتَقَاوًىٰ بِهَا	مُتَقَاوًىٰ بِهَا	مُتَقَاوًىٰ بِهَا
۵	مُتَقَاوِيَتَانِ	مُتَقَاوِيَتَيْنِ	مُتَقَاوِيَتَيْنِ	مُتَقَاوًىٰ بِهِمَا	مُتَقَاوًىٰ بِهِمَا	مُتَقَاوًىٰ بِهِمَا
۶	مُتَقَاوِيَاتٌ	مُتَقَاوِيَاتٍ	مُتَقَاوِيَاتٍ	مُتَقَاوًىٰ بِهِنَّ	مُتَقَاوًىٰ بِهِنَّ	مُتَقَاوًىٰ بِهِنَّ

صفحه ۱۲۲	۱۰ (۲) باب تفاعل لفیف مقرون (التّقَاوِی) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَقَاوِي	الْمُتَقَاوِيَ	الْمُتَقَاوِي	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِ
۲	الْمُتَقَاوِيَانِ	الْمُتَقَاوِيَيْنِ	الْمُتَقَاوِيَيْنِ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمَا
۳	الْمُتَقَاوُوْنَ	الْمُتَقَاوِيْنَ	الْمُتَقَاوِيْنَ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمْ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمْ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمْ
۴	الْمُتَقَاوِيَةُ	الْمُتَقَاوِيَةَ	الْمُتَقَاوِيَةِ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهَا	الْمُتَقَاوًىٰ بِهَا	الْمُتَقَاوًىٰ بِهَا
۵	الْمُتَقَاوِيَتَانِ	الْمُتَقَاوِيَتَيْنِ	الْمُتَقَاوِيَتَيْنِ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمَا	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِمَا
۶	الْمُتَقَاوِيَاتُ	الْمُتَقَاوِيَاتِ	الْمُتَقَاوِيَاتِ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِنَّ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِنَّ	الْمُتَقَاوًىٰ بِهِنَّ

تصویر



صفحه ۱۲۳	۱۱	باب تفاعل مهموزالفاء (التَّأَامُر) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَأَامِرٌ	مُتَأَامِراً	مُتَأَامِرٍ		مُتَأَامَرٌ بِهِ	مُتَأَامَراً بِهِ	مُتَأَامَرٍ بِهِ
۲	مُتَأَامِرَانِ	مُتَأَامِرَيْنِ	مُتَأَامِرَيْنِ		مُتَأَامَرٌ بِهِمَا	مُتَأَامَراً بِهِمَا	مُتَأَامَرٍ بِهِمَا
۳	مُتَأَامِرُوْنَ	مُتَأَامِرِيْنَ	مُتَأَامِرِيْنَ		مُتَأَامَرٌ بِهِمْ	مُتَأَامَراً بِهِمْ	مُتَأَامَرٍ بِهِمْ
۴	مُتَأَامِرَةٌ	مُتَأَامِرَةً	مُتَأَامِرَةٍ		مُتَأَامَرٌ بِهَا	مُتَأَامَراً بِهَا	مُتَأَامَرٍ بِهَا
۵	مُتَأَامِرَتَانِ	مُتَأَامِرَتَيْنِ	مُتَأَامِرَتَيْنِ		مُتَأَامَرٌ بِهِمَا	مُتَأَامَراً بِهِمَا	مُتَأَامَرٍ بِهِمَا
۶	مُتَأَامِرَاتٌ	مُتَأَامِرَاتِ	مُتَأَامِرَاتٍ		مُتَأَامَرٌ بِهِنَّ	مُتَأَامَراً بِهِنَّ	مُتَأَامَرٍ بِهِنَّ



صفحه ۱۲۳	۱۲	باب تفاعل مهموزالعین (التَّسَاؤُل) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَسَائِلٌ	مُتَسَائِلاً	مُتَسَائِلٍ		مُتَسَاءَلٌ بِهِ	مُتَسَاءَلاً بِهِ	مُتَسَاءَلٍ بِهِ
۲	مُتَسَائِلَانِ	مُتَسَائِلَيْنِ	مُتَسَائِلَيْنِ		مُتَسَاءَلٌ بِهِمَا	مُتَسَاءَلاً بِهِمَا	مُتَسَاءَلٍ بِهِمَا
۳	مُتَسَائِلُوْنَ	مُتَسَائِلِيْنَ	مُتَسَائِلِيْنَ		مُتَسَاءَلٌ بِهِمْ	مُتَسَاءَلاً بِهِمْ	مُتَسَاءَلٍ بِهِمْ
۴	مُتَسَائِلَةٌ	مُتَسَائِلَةً	مُتَسَائِلَةٍ		مُتَسَاءَلٌ بِهَا	مُتَسَاءَلاً بِهَا	مُتَسَاءَلٍ بِهَا
۵	مُتَسَائِلَتَانِ	مُتَسَائِلَتَيْنِ	مُتَسَائِلَتَيْنِ		مُتَسَاءَلٌ بِهِمَا	مُتَسَاءَلاً بِهِمَا	مُتَسَاءَلٍ بِهِمَا
۶	مُتَسَائِلَاتٌ	مُتَسَائِلَاتِ	مُتَسَائِلَاتٍ		مُتَسَاءَلٌ بِهِنَّ	مُتَسَاءَلاً بِهِنَّ	مُتَسَاءَلٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۴	۱۳ (۱) باب تفاعل مهموزاللام (التّخَاسُؤ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَخَاسِئٌ	مُتَخَاسِئاً	مُتَخَاسِئٍ	مُتَخَاسَأٌ بِهِ	مُتَخَاسَئاً بِهِ	مُتَخَاسَإٍ بِهِ
۲	مُتَخَاسِئَانِ	مُتَخَاسِئَيْنِ	مُتَخَاسِئَيْنِ	مُتَخَاسَأٌ بِهِمَا	مُتَخَاسَئاً بِهِمَا	مُتَخَاسَإٍ بِهِمَا
۳	مُتَخَاسِئُوْنَ	مُتَخَاسِئِيْنَ	مُتَخَاسِئِيْنَ	مُتَخَاسَأٌ بِهِمْ	مُتَخَاسَئاً بِهِمْ	مُتَخَاسَإٍ بِهِمْ
۴	مُتَخَاسِئَةٌ	مُتَخَاسِئَةً	مُتَخَاسِئَةٍ	مُتَخَاسَأٌ بِهَا	مُتَخَاسَئاً بِهَا	مُتَخَاسَإٍ بِهَا
۵	مُتَخَاسِئَتَانِ	مُتَخَاسِئَتَيْنِ	مُتَخَاسِئَتَيْنِ	مُتَخَاسَأٌ بِهِمَا	مُتَخَاسَئاً بِهِمَا	مُتَخَاسَإٍ بِهِمَا
۶	مُتَخَاسِئَاتٌ	مُتَخَاسِئَاتٍ	مُتَخَاسِئَاتٍ	مُتَخَاسَأٌ بِهِنَّ	مُتَخَاسَئاً بِهِنَّ	مُتَخَاسَإٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۲۴	۱۳ (۲) باب تفاعل مهموزاللام (التّخَاسُؤ) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَخَاسٍ	مُتَخَاسِياً	مُتَخَاسٍ	مُتَخَاسًى بِهِ	مُتَخَاسًى بِهِ	مُتَخَاسًى بِهِ
۲	مُتَخَاسِيَانِ	مُتَخَاسِيَيْنِ	مُتَخَاسِيَيْنِ	مُتَخَاسًى بِهِمَا	مُتَخَاسًى بِهِمَا	مُتَخَاسًى بِهِمَا
۳	مُتَخَاسُوْنَ	مُتَخَاسِيْنَ	مُتَخَاسِيْنَ	مُتَخَاسًى بِهِمْ	مُتَخَاسًى بِهِمْ	مُتَخَاسًى بِهِمْ
۴	مُتَخَاسِيَةٌ	مُتَخَاسِيَةً	مُتَخَاسِيَةٍ	مُتَخَاسًى بِهَا	مُتَخَاسًى بِهَا	مُتَخَاسًى بِهَا
۵	مُتَخَاسِيَتَانِ	مُتَخَاسِيَتَيْنِ	مُتَخَاسِيَتَيْنِ	مُتَخَاسًى بِهِمَا	مُتَخَاسًى بِهِمَا	مُتَخَاسًى بِهِمَا
۶	مُتَخَاسِيَاتٌ	مُتَخَاسِيَاتٍ	مُتَخَاسِيَاتٍ	مُتَخَاسًى بِهِنَّ	مُتَخَاسًى بِهِنَّ	مُتَخَاسًى بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۵	۱۳ (۳) باب تفاعل مهموزاللام (التَّخَاسُؤ) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَخَاسِي	الْمُتَخَاسِيَ	الْمُتَخَاسِي	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِ
۲	الْمُتَخَاسِيَانِ	الْمُتَخَاسِيَيْنِ	الْمُتَخَاسِيَيْنِ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا
۳	الْمُتَخَاسُوْنَ	الْمُتَخَاسِيْنَ	الْمُتَخَاسِيْنَ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمْ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمْ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمْ
۴	الْمُتَخَاسِيَةُ	الْمُتَخَاسِيَةَ	الْمُتَخَاسِيَةِ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهَا
۵	الْمُتَخَاسِيَتَانِ	الْمُتَخَاسِيَتَيْنِ	الْمُتَخَاسِيَتَيْنِ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِمَا
۶	الْمُتَخَاسِيَاتُ	الْمُتَخَاسِيَاتِ	الْمُتَخَاسِيَاتِ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِنَّ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِنَّ	الْمُتَخَاسَىٰ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۲۶	۱۴ (۱) باب تفاعل قاعده دوم خصوصی (التّدَارُک) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَدَارِکٌ	مُتَدَارِکاً	مُتَدَارِکٍ	مُتَدَارَکٌ	مُتَدَارَکاً	مُتَدَارَکٍ
۲	مُتَدَارِکَانِ	مُتَدَارِکَیْنِ	مُتَدَارِکَیْنِ	مُتَدَارَکَانِ	مُتَدَارَکَیْنِ	مُتَدَارَکَیْنِ
۳	مُتَدَارِکُوْنَ	مُتَدَارِکِیْنَ	مُتَدَارِکِیْنَ	مُتَدَارَکُوْنَ	مُتَدَارَکِیْنَ	مُتَدَارَکِیْنَ
۴	مُتَدَارِکَةٌ	مُتَدَارِکَةً	مُتَدَارِکَةٍ	مُتَدَارَکَةٌ	مُتَدَارَکَةً	مُتَدَارَکَةٍ
۵	مُتَدَارِکَتَانِ	مُتَدَارِکَتَیْنِ	مُتَدَارِکَتَیْنِ	مُتَدَارَکَتَانِ	مُتَدَارَکَتَیْنِ	مُتَدَارَکَتَیْنِ
۶	مُتَدَارِکَاتٌ	مُتَدَارِکَاتِ	مُتَدَارِکَاتِ	مُتَدَارَکَاتٌ	مُتَدَارَکَاتِ	مُتَدَارَکَاتِ

صفحه ۱۲۶	۱۴ (۲) باب تفاعل قاعده دوم خصوصی (الإدّارُک) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُدَّارِکٌ	مُدَّارِکاً	مُدَّارِکٍ	مُدَّارَکٌ	مُدَّارَکاً	مُدَّارَکٍ
۲	مُدَّارِکَانِ	مُدَّارِکَیْنِ	مُدَّارِکَیْنِ	مُدَّارَکَانِ	مُدَّارَکَیْنِ	مُدَّارَکَیْنِ
۳	مُدَّارِکُوْنَ	مُدَّارِکِیْنَ	مُدَّارِکِیْنَ	مُدَّارَکُوْنَ	مُدَّارَکِیْنَ	مُدَّارَکِیْنَ
۴	مُدَّارِکَةٌ	مُدَّارِکَةً	مُدَّارِکَةٍ	مُدَّارَکَةٌ	مُدَّارَکَةً	مُدَّارَکَةٍ
۵	مُدَّارِکَتَانِ	مُدَّارِکَتَیْنِ	مُدَّارِکَتَیْنِ	مُدَّارَکَتَانِ	مُدَّارَکَتَیْنِ	مُدَّارَکَتَیْنِ
۶	مُدَّارِکَاتٌ	مُدَّارِکَاتِ	مُدَّارِکَاتِ	مُدَّارَکَاتٌ	مُدَّارَکَاتِ	مُدَّارَکَاتِ

باب إفعلال

تصویر

صفحه ۱۲۷	۱(۱) باب إفعلال (الإحْمِرَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُحْمَرٌّ	مُحْمَرّاً	مُحْمَرٍّ	مُحْمَرٌّ بِهِ	مُحْمَرّاً بِهِ	مُحْمَرٍّ بِهِ
۲	مُحْمَرَّانِ	مُحْمَرَّيْنِ	مُحْمَرَّيْنِ	مُحْمَرٌّ بِهِمَا	مُحْمَرّاً بِهِمَا	مُحْمَرٍّ بِهِمَا
۳	مُحْمَرُّوْنَ	مُحْمَرِّيْنَ	مُحْمَرِّيْنَ	مُحْمَرٌّ بِهِمْ	مُحْمَرّاً بِهِمْ	مُحْمَرٍّ بِهِمْ
۴	مُحْمَرَّةٌ	مُحْمَرَّةً	مُحْمَرَّةٍ	مُحْمَرٌّ بِهَا	مُحْمَرّاً بِهَا	مُحْمَرٍّ بِهَا
۵	مُحْمَرَّتَانِ	مُحْمَرَّتَيْنِ	مُحْمَرَّتَيْنِ	مُحْمَرٌّ بِهِمَا	مُحْمَرّاً بِهِمَا	مُحْمَرٍّ بِهِمَا
۶	مُحْمَرَّاتٌ	مُحْمَرَّاتِ	مُحْمَرَّاتٍ	مُحْمَرٌّ بِهِنَّ	مُحْمَرّاً بِهِنَّ	مُحْمَرٍّ بِهِنَّ

صفحه ۱۲۷	۱(۲) باب إفعلال (الإحْمِرَار) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُحْمَرُّ	الْمُحْمَرَّ	الْمُحْمَرِّ	الْمُحْمَرُّ بِهِ	الْمُحْمَرَّ بِهِ	الْمُحْمَرِّ بِهِ
۲	الْمُحْمَرَّانِ	الْمُحْمَرَّيْنِ	الْمُحْمَرَّيْنِ	الْمُحْمَرُّ بِهِمَا	الْمُحْمَرَّ بِهِمَا	الْمُحْمَرِّ بِهِمَا
۳	الْمُحْمَرُّوْنَ	الْمُحْمَرِّيْنَ	الْمُحْمَرِّيْنَ	الْمُحْمَرُّ بِهِمْ	الْمُحْمَرَّ بِهِمْ	الْمُحْمَرِّ بِهِمْ
۴	الْمُحْمَرَّةُ	الْمُحْمَرَّةَ	الْمُحْمَرَّةِ	الْمُحْمَرُّ بِهَا	الْمُحْمَرَّ بِهَا	الْمُحْمَرِّ بِهَا
۵	الْمُحْمَرَّتَانِ	الْمُحْمَرَّتَيْنِ	الْمُحْمَرَّتَيْنِ	الْمُحْمَرُّ بِهِمَا	الْمُحْمَرَّ بِهِمَا	الْمُحْمَرِّ بِهِمَا
۶	الْمُحْمَرَّاتُ	الْمُحْمَرَّاتِ	الْمُحْمَرَّاتِ	الْمُحْمَرُّ بِهِنَّ	الْمُحْمَرَّ بِهِنَّ	الْمُحْمَرِّ بِهِنَّ

باب إستفعال

تصویر

صفحه ۱۲۸	۱	باب إستفعال سالم (الإسْتِغْفَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَغْفِرٌ	مُسْتَغْفِراً	مُسْتَغْفِرٍ		مُسْتَغْفَرٌ	مُسْتَغْفَراً	مُسْتَغْفَرٍ
۲	مُسْتَغْفِرَانِ	مُسْتَغْفِرَيْنِ	مُسْتَغْفِرَيْنِ		مُسْتَغْفَرَانِ	مُسْتَغْفَرَيْنِ	مُسْتَغْفَرَيْنِ
۳	مُسْتَغْفِرُوْنَ	مُسْتَغْفِرِيْنَ	مُسْتَغْفِرِيْنَ		مُسْتَغْفَرُوْنَ	مُسْتَغْفَرِيْنَ	مُسْتَغْفَرِيْنَ
۴	مُسْتَغْفِرَةٌ	مُسْتَغْفِرَةً	مُسْتَغْفِرَةٍ		مُسْتَغْفَرَةٌ	مُسْتَغْفَرَةً	مُسْتَغْفَرَةٍ
۵	مُسْتَغْفِرَتَانِ	مُسْتَغْفِرَتَيْنِ	مُسْتَغْفِرَتَيْنِ		مُسْتَغْفَرَتَانِ	مُسْتَغْفَرَتَيْنِ	مُسْتَغْفَرَتَيْنِ
۶	مُسْتَغْفِرَاتٌ	مُسْتَغْفِرَاتِ	مُسْتَغْفِرَاتِ		مُسْتَغْفَرَاتٌ	مُسْتَغْفَرَاتِ	مُسْتَغْفَرَاتِ

صفحه ۱۲۸	۲	باب إستفعال مضاعف (الإسْتِمْدَاد) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَمِدٌّ	مُسْتَمِدّاً	مُسْتَمِدٍّ		مُسْتَمَدٌّ	مُسْتَمَدّاً	مُسْتَمَدٍّ
۲	مُسْتَمِدَّانِ	مُسْتَمِدَّيْنِ	مُسْتَمِدَّيْنِ		مُسْتَمَدَّانِ	مُسْتَمَدَّيْنِ	مُسْتَمَدَّيْنِ
۳	مُسْتَمِدُّوْنَ	مُسْتَمِدِّيْنَ	مُسْتَمِدِّيْنَ		مُسْتَمَدُّوْنَ	مُسْتَمَدِّيْنَ	مُسْتَمَدِّيْنَ
۴	مُسْتَمِدَّةٌ	مُسْتَمِدَّةً	مُسْتَمِدَّةٍ		مُسْتَمَدَّةٌ	مُسْتَمَدَّةً	مُسْتَمَدَّةٍ
۵	مُسْتَمِدَّتَانِ	مُسْتَمِدَّتَيْنِ	مُسْتَمِدَّتَيْنِ		مُسْتَمَدَّتَانِ	مُسْتَمَدَّتَيْنِ	مُسْتَمَدَّتَيْنِ
۶	مُسْتَمِدَّاتٌ	مُسْتَمِدَّاتِ	مُسْتَمِدَّاتِ		مُسْتَمَدَّاتٌ	مُسْتَمَدَّاتِ	مُسْتَمَدَّاتِ

ص: ۱۲۸

تصویر



صفحه ۱۳۹	۳	باب إستفعال مثال واوی (الإسْتِيْضَاع) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَوْضِعٌ	مُسْتَوْضِعاً	مُسْتَوْضِعٍ	مُسْتَوْضَعٌ	مُسْتَوْضَعاً	مُسْتَوْضَعٍ
۲	مُسْتَوْضِعَانِ	مُسْتَوْضِعَيْنِ	مُسْتَوْضِعَيْنِ	مُسْتَوْضَعَانِ	مُسْتَوْضَعَيْنِ	مُسْتَوْضَعَيْنِ
۳	مُسْتَوْضِعُوْنَ	مُسْتَوْضِعِيْنَ	مُسْتَوْضِعِيْنَ	مُسْتَوْضَعُوْنَ	مُسْتَوْضَعِيْنَ	مُسْتَوْضَعِيْنَ
۴	مُسْتَوْضِعَةٌ	مُسْتَوْضِعَةً	مُسْتَوْضِعَةٍ	مُسْتَوْضَعَةٌ	مُسْتَوْضَعَةً	مُسْتَوْضَعَةٍ
۵	مُسْتَوْضِعَتَانِ	مُسْتَوْضِعَتَيْنِ	مُسْتَوْضِعَتَيْنِ	مُسْتَوْضَعَتَانِ	مُسْتَوْضَعَتَيْنِ	مُسْتَوْضَعَتَيْنِ
۶	مُسْتَوْضِعَاتٌ	مُسْتَوْضِعَاتِ	مُسْتَوْضِعَاتٍ	مُسْتَوْضَعَاتٌ	مُسْتَوْضَعَاتِ	مُسْتَوْضَعَاتٍ



صفحه ۱۲۹	۴	باب إستفعال مثال یایی (الإسْتِيْسَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَيْسِرٌ	مُسْتَيْسِراً	مُسْتَيْسِرٍ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِ	مُسْتَيْسَراً بِهِ	مُسْتَيْسَرٍ بِهِ
۲	مُسْتَيْسِرَانِ	مُسْتَيْسِرَيْنِ	مُسْتَيْسِرَيْنِ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِمَا	مُسْتَيْسَراً بِهِمَا	مُسْتَيْسَرٍ بِهِمَا
۳	مُسْتَيْسِرُوْنَ	مُسْتَيْسِرِيْنَ	مُسْتَيْسِرِيْنَ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِمْ	مُسْتَيْسَراً بِهِمْ	مُسْتَيْسَرٍ بِهِمْ
۴	مُسْتَيْسِرَةٌ	مُسْتَيْسِرَةً	مُسْتَيْسِرَةٍ	مُسْتَيْسَرٌ بِهَا	مُسْتَيْسَراً بِهَا	مُسْتَيْسَرٍ بِهَا
۵	مُسْتَيْسِرَتَانِ	مُسْتَيْسِرَتَيْنِ	مُسْتَيْسِرَتَيْنِ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِمَا	مُسْتَيْسَراً بِهِمَا	مُسْتَيْسَرٍ بِهِمَا
۶	مُسْتَيْسِرَاتٌ	مُسْتَيْسِرَاتِ	مُسْتَيْسِرَاتٍ	مُسْتَيْسَرٌ بِهِنَّ	مُسْتَيْسَراً بِهِنَّ	مُسْتَيْسَرٍ بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۳۰	۵	باب إستفعال اجوف واوی (الإسْتِقَامَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَقِيْمٌ	مُسْتَقِيْماً	مُسْتَقِيْمٍ	مُسْتَقَامٌ بِهِ	مُسْتَقَاماً بِهِ	مُسْتَقَامٍ بِهِ
۲	مُسْتَقِيْمَانِ	مُسْتَقِيْمَيْنِ	مُسْتَقِيْمَيْنِ	مُسْتَقَامٌ بِهِمَا	مُسْتَقَاماً بِهِمَا	مُسْتَقَامٍ بِهِمَا
۳	مُسْتَقِيْمُوْنَ	مُسْتَقِيْمِيْنَ	مُسْتَقِيْمِيْنَ	مُسْتَقَامٌ بِهِمْ	مُسْتَقَاماً بِهِمْ	مُسْتَقَامٍ بِهِمْ
۴	مُسْتَقِيْمَةٌ	مُسْتَقِيْمَةً	مُسْتَقِيْمَةٍ	مُسْتَقَامٌ بِهَا	مُسْتَقَاماً بِهَا	مُسْتَقَامٍ بِهَا
۵	مُسْتَقِيْمَتَانِ	مُسْتَقِيْمَتَيْنِ	مُسْتَقِيْمَتَيْنِ	مُسْتَقَامٌ بِهِمَا	مُسْتَقَاماً بِهِمَا	مُسْتَقَامٍ بِهِمَا
۶	مُسْتَقِيْمَاتٌ	مُسْتَقِيْمَاتٍ	مُسْتَقِيْمَاتٍ	مُسْتَقَامٌ بِهِنَّ	مُسْتَقَاماً بِهِنَّ	مُسْتَقَامٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۳۰	۶	باب إستفعال اجوف یایی (الإسْتِبَاعَةُ) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَبِيْعٌ	مُسْتَبِيْعاً	مُسْتَبِيْعٍ	مُسْتَبَاعٌ	مُسْتَبَاعاً	مُسْتَبَاعٍ
۲	مُسْتَبِيْعَانِ	مُسْتَبِيْعَيْنِ	مُسْتَبِيْعَيْنِ	مُسْتَبَاعَانِ	مُسْتَبَاعَيْنِ	مُسْتَبَاعَيْنِ
۳	مُسْتَبِيْعُوْنَ	مُسْتَبِيْعِيْنَ	مُسْتَبِيْعِيْنَ	مُسْتَبَاعُوْنَ	مُسْتَبَاعِيْنَ	مُسْتَبَاعِيْنَ
۴	مُسْتَبِيْعَةٌ	مُسْتَبِيْعَةً	مُسْتَبِيْعَةٍ	مُسْتَبَاعَةٌ	مُسْتَبَاعَةً	مُسْتَبَاعَةٍ
۵	مُسْتَبِيْعَتَانِ	مُسْتَبِيْعَتَيْنِ	مُسْتَبِيْعَتَيْنِ	مُسْتَبَاعَتَانِ	مُسْتَبَاعَتَيْنِ	مُسْتَبَاعَتَيْنِ
۶	مُسْتَبِيْعَاتٌ	مُسْتَبِيْعَاتٍ	مُسْتَبِيْعَاتٍ	مُسْتَبَاعَاتٌ	مُسْتَبَاعَاتٍ	مُسْتَبَاعَاتٍ

تصویر



صفحه ۱۳۱	۷ (۱) باب إستفعال ناقص واوی (الإسْتِدْعَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَدْعٍ	مُسْتَدْعِياً	مُسْتَدْعٍ	مُسْتَدْعىً	مُسْتَدْعىً	مُسْتَدْعىً
۲	مُسْتَدْعِيَانِ	مُسْتَدْعِيَيْنِ	مُسْتَدْعِيَيْنِ	مُسْتَدْعَيَانِ	مُسْتَدْعَيَيْنِ	مُسْتَدْعَيَيْنِ
۳	مُسْتَدْعُوْنَ	مُسْتَدْعِيْنَ	مُسْتَدْعِيْنَ	مُسْتَدْعَوْنَ	مُسْتَدْعَيْنَ	مُسْتَدْعَيْنَ
۴	مُسْتَدْعِيَةٌ	مُسْتَدْعِيَةً	مُسْتَدْعِيَةٍ	مُسْتَدْعَاةٌ	مُسْتَدْعَاةً	مُسْتَدْعَاةٍ
۵	مُسْتَدْعِيَتَانِ	مُسْتَدْعِيَتَيْنِ	مُسْتَدْعِيَتَيْنِ	مُسْتَدْعَاتَانِ	مُسْتَدْعَاتَيْنِ	مُسْتَدْعَاتَيْنِ
۶	مُسْتَدْعِيَاتٌ	مُسْتَدْعِيَاتِ	مُسْتَدْعِيَاتِ	مُسْتَدْعَيَاتٌ	مُسْتَدْعَيَاتِ	مُسْتَدْعَيَاتِ



صفحه ۱۳۱	۷ (۲) باب إستفعال ناقص واوی (الإسْتِدْعَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف ولام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَدْعِي	الْمُسْتَدْعِيَ	الْمُسْتَدْعِي	الْمُسْتَدْعىٰ	الْمُسْتَدْعىٰ	الْمُسْتَدْعىٰ
۲	الْمُسْتَدْعِيَانِ	الْمُسْتَدْعِيَيْنِ	الْمُسْتَدْعِيَيْنِ	الْمُسْتَدْعَيَانِ	الْمُسْتَدْعَيَيْنِ	الْمُسْتَدْعَيَيْنِ
۳	الْمُسْتَدْعُوْنَ	الْمُسْتَدْعِيْنَ	الْمُسْتَدْعِيْنَ	الْمُسْتَدْعَوْنَ	الْمُسْتَدْعَيْنَ	الْمُسْتَدْعَيْنَ
۴	الْمُسْتَدْعِيَةُ	الْمُسْتَدْعِيَةَ	الْمُسْتَدْعِيَةِ	الْمُسْتَدْعَاةٌ	الْمُسْتَدْعَاةً	الْمُسْتَدْعَاةٍ
۵	الْمُسْتَدْعِيَتَانِ	الْمُسْتَدْعِيَتَيْنِ	الْمُسْتَدْعِيَتَيْنِ	الْمُسْتَدْعَاتَانِ	الْمُسْتَدْعَاتَيْنِ	الْمُسْتَدْعَاتَيْنِ
۶	الْمُسْتَدْعِيَاتُ	الْمُسْتَدْعِيَاتِ	الْمُسْتَدْعِيَاتِ	الْمُسْتَدْعَيَاتٌ	الْمُسْتَدْعَيَاتِ	الْمُسْتَدْعَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۲	۸(۱) باب إستفعال ناقص يايى (الإسْتِرْعَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَرْعٍ	مُسْتَرْعِياً	مُسْتَرْعٍ	مُسْتَرْعىً	مُسْتَرْعىً	مُسْتَرْعىً
۲	مُسْتَرْعِيَانِ	مُسْتَرْعِيَيْنِ	مُسْتَرْعِيَيْنِ	مُسْتَرْعَيَانِ	مُسْتَرْعَيَيْنِ	مُسْتَرْعَيَيْنِ
۳	مُسْتَرْعُوْنَ	مُسْتَرْعِيْنَ	مُسْتَرْعِيْنَ	مُسْتَرْعَوْنَ	مُسْتَرْعَيْنَ	مُسْتَرْعَيْنَ
۴	مُسْتَرْعِيَةٌ	مُسْتَرْعِيَةً	مُسْتَرْعِيَةٍ	مُسْتَرْعَاةٌ	مُسْتَرْعَاةً	مُسْتَرْعَاةٍ
۵	مُسْتَرْعِيَتَانِ	مُسْتَرْعِيَتَيْنِ	مُسْتَرْعِيَتَيْنِ	مُسْتَرْعَاتَانِ	مُسْتَرْعَاتَيْنِ	مُسْتَرْعَاتَيْنِ
۶	مُسْتَرْعِيَاتٌ	مُسْتَرْعِيَاتِ	مُسْتَرْعِيَاتِ	مُسْتَرْعَيَاتٌ	مُسْتَرْعَيَاتِ	مُسْتَرْعَيَاتِ

صفحه ۱۳۲	۸(۲) باب إستفعال ناقص يايى (الإسْتِرْعَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَرْعِي	الْمُسْتَرْعِيَ	الْمُسْتَرْعِي	الْمُسْتَرْعىٰ	الْمُسْتَرْعىٰ	الْمُسْتَرْعىٰ
۲	الْمُسْتَرْعِيَانِ	الْمُسْتَرْعِيَيْنِ	الْمُسْتَرْعِيَيْنِ	الْمُسْتَرْعَيَانِ	الْمُسْتَرْعَيَيْنِ	الْمُسْتَرْعَيَيْنِ
۳	الْمُسْتَرْعُوْنَ	الْمُسْتَرْعِيْنَ	الْمُسْتَرْعِيْنَ	الْمُسْتَرْعَوْنَ	الْمُسْتَرْعَيْنَ	الْمُسْتَرْعَيْنَ
۴	الْمُسْتَرْعِيَةُ	الْمُسْتَرْعِيَةَ	الْمُسْتَرْعِيَةِ	الْمُسْتَرْعَاةُ	الْمُسْتَرْعَاةَ	الْمُسْتَرْعَاةِ
۵	الْمُسْتَرْعِيَتَانِ	الْمُسْتَرْعِيَتَيْنِ	الْمُسْتَرْعِيَتَيْنِ	الْمُسْتَرْعَاتَانِ	الْمُسْتَرْعَاتَيْنِ	الْمُسْتَرْعَاتَيْنِ
۶	الْمُسْتَرْعِيَاتُ	الْمُسْتَرْعِيَاتِ	الْمُسْتَرْعِيَاتِ	الْمُسْتَرْعَيَاتُ	الْمُسْتَرْعَيَاتِ	الْمُسْتَرْعَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۳	۹(۱) باب إستفعال لفیف مفروق (الإسْتِیْلَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَوْلٍ	مُسْتَوْلِياً	مُسْتَوْلٍ	مُسْتَوْلًى بِهِ	مُسْتَوْلًى بِهِ	مُسْتَوْلًى بِهِ
۲	مُسْتَوْلِيَانِ	مُسْتَوْلِيَيْنِ	مُسْتَوْلِيَيْنِ	مُسْتَوْلًى بِهِمَا	مُسْتَوْلًى بِهِمَا	مُسْتَوْلًى بِهِمَا
۳	مُسْتَوْلُوْنَ	مُسْتَوْلِيْنَ	مُسْتَوْلِيْنَ	مُسْتَوْلًى بِهِمْ	مُسْتَوْلًى بِهِمْ	مُسْتَوْلًى بِهِمْ
۴	مُسْتَوْلِيَةٌ	مُسْتَوْلِيَةً	مُسْتَوْلِيَةٍ	مُسْتَوْلًى بِهَا	مُسْتَوْلًى بِهَا	مُسْتَوْلًى بِهَا
۵	مُسْتَوْلِيَتَانِ	مُسْتَوْلِيَتَيْنِ	مُسْتَوْلِيَتَيْنِ	مُسْتَوْلًى بِهِمَا	مُسْتَوْلًى بِهِمَا	مُسْتَوْلًى بِهِمَا
۶	مُسْتَوْلِيَاتٌ	مُسْتَوْلِيَاتٍ	مُسْتَوْلِيَاتٍ	مُسْتَوْلًى بِهِنَّ	مُسْتَوْلًى بِهِنَّ	مُسْتَوْلًى بِهِنَّ

صفحه ۱۳۳	۹(۲) باب إستفعال لفیف مفروق (الإسْتِیْلَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَوْلِي	الْمُسْتَوْلِيَ	الْمُسْتَوْلِي	الْمُسْتَوْلًى بِهِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِ
۲	الْمُسْتَوْلِيَانِ	الْمُسْتَوْلِيَيْنِ	الْمُسْتَوْلِيَيْنِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا
۳	الْمُسْتَوْلُوْنَ	الْمُسْتَوْلِيْنَ	الْمُسْتَوْلِيْنَ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمْ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمْ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمْ
۴	الْمُسْتَوْلِيَةُ	الْمُسْتَوْلِيَةَ	الْمُسْتَوْلِيَةِ	الْمُسْتَوْلًى بِهَا	الْمُسْتَوْلًى بِهَا	الْمُسْتَوْلًى بِهَا
۵	الْمُسْتَوْلِيَتَانِ	الْمُسْتَوْلِيَتَيْنِ	الْمُسْتَوْلِيَتَيْنِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا	الْمُسْتَوْلًى بِهِمَا
۶	الْمُسْتَوْلِيَاتُ	الْمُسْتَوْلِيَاتِ	الْمُسْتَوْلِيَاتِ	الْمُسْتَوْلًى بِهِنَّ	الْمُسْتَوْلًى بِهِنَّ	الْمُسْتَوْلًى بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۳۴	۱۰ (۱) باب إستفعال لفيف مقرون (الإسْتِلْوَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَلْوٍ	مُسْتَلْوِياً	مُسْتَلْوٍ	مُسْتَلْوىً بِهِ	مُسْتَلْوىً بِهِ	مُسْتَلْوىً بِهِ
۲	مُسْتَلْوِيَانِ	مُسْتَلْوِيَيْنِ	مُسْتَلْوِيَيْنِ	مُسْتَلْوىً بِهِمَا	مُسْتَلْوىً بِهِمَا	مُسْتَلْوىً بِهِمَا
۳	مُسْتَلْوُوْنَ	مُسْتَلْوِيْنَ	مُسْتَلْوِيْنَ	مُسْتَلْوىً بِهِمْ	مُسْتَلْوىً بِهِمْ	مُسْتَلْوىً بِهِمْ
۴	مُسْتَلْوِيَةٌ	مُسْتَلْوِيَةً	مُسْتَلْوِيَةٍ	مُسْتَلْوىً بِهَا	مُسْتَلْوىً بِهَا	مُسْتَلْوىً بِهَا
۵	مُسْتَلْوِيَتَانِ	مُسْتَلْوِيَتَيْنِ	مُسْتَلْوِيَتَيْنِ	مُسْتَلْوىً بِهِمَا	مُسْتَلْوىً بِهِمَا	مُسْتَلْوىً بِهِمَا
۶	مُسْتَلْوِيَاتٌ	مُسْتَلْوِيَاتٍ	مُسْتَلْوِيَاتٍ	مُسْتَلْوىً بِهِنَّ	مُسْتَلْوىً بِهِنَّ	مُسْتَلْوىً بِهِنَّ

صفحه ۱۳۴	۱۰ (۲) باب إستفعال لفيف مقرون (الإسْتِلْوَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُسْتَلْوِي	المُسْتَلْوِيَ	المُسْتَلْوِي	المُسْتَلْوىً بِهِ	المُسْتَلْوىً بِهِ	المُسْتَلْوىً بِهِ
۲	المُسْتَلْوِيَانِ	المُسْتَلْوِيَيْنِ	المُسْتَلْوِيَيْنِ	المُسْتَلْوىً بِهِمَا	المُسْتَلْوىً بِهِمَا	المُسْتَلْوىً بِهِمَا
۳	المُسْتَلْوُوْنَ	المُسْتَلْوِيْنَ	المُسْتَلْوِيْنَ	المُسْتَلْوىً بِهِمْ	المُسْتَلْوىً بِهِمْ	المُسْتَلْوىً بِهِمْ
۴	المُسْتَلْوِيَةُ	المُسْتَلْوِيَةَ	المُسْتَلْوِيَةِ	المُسْتَلْوىً بِهَا	المُسْتَلْوىً بِهَا	المُسْتَلْوىً بِهَا
۵	المُسْتَلْوِيَتَانِ	المُسْتَلْوِيَتَيْنِ	المُسْتَلْوِيَتَيْنِ	المُسْتَلْوىً بِهِمَا	المُسْتَلْوىً بِهِمَا	المُسْتَلْوىً بِهِمَا
۶	المُسْتَلْوِيَاتُ	المُسْتَلْوِيَاتِ	المُسْتَلْوِيَاتِ	المُسْتَلْوىً بِهِنَّ	المُسْتَلْوىً بِهِنَّ	المُسْتَلْوىً بِهِنَّ

تصویر

صفحه ۱۳۵	۱۱ (۱) باب إستفعال مورد اول استثنایی (الإستِحیَاء) اسم فاعل و مفعول، حالت اول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَحْيٍ	مُسْتَحْيِياً	مُسْتَحْيٍ	مُسْتَحْيىً	مُسْتَحْيىً	مُسْتَحْيىً
۲	مُسْتَحْيِيَانِ	مُسْتَحْيِيَيْنِ	مُسْتَحْيِيَيْنِ	مُسْتَحْيَيَانِ	مُسْتَحْيَيَيْنِ	مُسْتَحْيَيَيْنِ
۳	مُسْتَحْيُوْنَ	مُسْتَحْيِيْنَ	مُسْتَحْيِيْنَ	مُسْتَحْيَوْنَ	مُسْتَحْيَيْنَ	مُسْتَحْيَيْنَ
۴	مُسْتَحْيِيَةٌ	مُسْتَحْيِيَةً	مُسْتَحْيِيَةٍ	مُسْتَحْيَاةٌ	مُسْتَحْيَاةً	مُسْتَحْيَاةٍ
۵	مُسْتَحْيِيَتَانِ	مُسْتَحْيِيَتَيْنِ	مُسْتَحْيِيَتَيْنِ	مُسْتَحْيَاتَانِ	مُسْتَحْيَاتَيْنِ	مُسْتَحْيَاتَيْنِ
۶	مُسْتَحْيِيَاتٌ	مُسْتَحْيِيَاتِ	مُسْتَحْيِيَاتِ	مُسْتَحْيَيَاتٌ	مُسْتَحْيَيَاتِ	مُسْتَحْيَيَاتِ

صفحه ۱۳۵	۱۱ (۲) باب إستفعال مورد اول استثنایی (الإستِحیَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)، حالت اول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَحْيِي	الْمُسْتَحْيِيَ	الْمُسْتَحْيِي	الْمُسْتَحْيىٰ	الْمُسْتَحْيىٰ	الْمُسْتَحْيىٰ
۲	الْمُسْتَحْيِيَانِ	الْمُسْتَحْيِيَيْنِ	الْمُسْتَحْيِيَيْنِ	الْمُسْتَحْيَيَانِ	الْمُسْتَحْيَيَيْنِ	الْمُسْتَحْيَيَيْنِ
۳	الْمُسْتَحْيُوْنَ	الْمُسْتَحْيِيْنَ	الْمُسْتَحْيِيْنَ	الْمُسْتَحْيَوْنَ	الْمُسْتَحْيَيْنَ	الْمُسْتَحْيَيْنَ
۴	الْمُسْتَحْيِيَةُ	الْمُسْتَحْيِيَةَ	الْمُسْتَحْيِيَةِ	الْمُسْتَحْيَاةُ	الْمُسْتَحْيَاةَ	الْمُسْتَحْيَاةِ
۵	الْمُسْتَحْيِيَتَانِ	الْمُسْتَحْيِيَتَيْنِ	الْمُسْتَحْيِيَتَيْنِ	الْمُسْتَحْيَاتَانِ	الْمُسْتَحْيَاتَيْنِ	الْمُسْتَحْيَاتَيْنِ
۶	الْمُسْتَحْيِيَاتُ	الْمُسْتَحْيِيَاتِ	الْمُسْتَحْيِيَاتِ	الْمُسْتَحْيَيَاتُ	الْمُسْتَحْيَيَاتِ	الْمُسْتَحْيَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۶	۱۱ (۳) باب إستفعال مورد اول استثنایی (الإستِحْيَاء) اسم فاعل و مفعول، حالت دوم					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَحٍ	مُسْتَحِياً	مُسْتَحٍ	مُسْتَحًى	مُسْتَحًى	مُسْتَحًى
۲	مُسْتَحِيَانِ	مُسْتَحِيَيْنِ	مُسْتَحِيَيْنِ	مُسْتَحَيَانِ	مُسْتَحَيَيْنِ	مُسْتَحَيَيْنِ
۳	مُسْتَحُوْنَ	مُسْتَحِيْنَ	مُسْتَحِيْنَ	مُسْتَحَوْنَ	مُسْتَحَيْنَ	مُسْتَحَيْنَ
۴	مُسْتَحِيَةٌ	مُسْتَحِيَةً	مُسْتَحِيَةٍ	مُسْتَحَاةٌ	مُسْتَحَاةً	مُسْتَحَاةٍ
۵	مُسْتَحِيَتَانِ	مُسْتَحِيَتَيْنِ	مُسْتَحِيَتَيْنِ	مُسْتَحَاتَانِ	مُسْتَحَاتَيْنِ	مُسْتَحَاتَيْنِ
۶	مُسْتَحِيَاتٌ	مُسْتَحِيَاتِ	مُسْتَحِيَاتِ	مُسْتَحَيَاتٌ	مُسْتَحَيَاتِ	مُسْتَحَيَاتِ

صفحه ۱۳۶	۱۱ (۴) باب إستفعال مورد اول استثنایی (الإستِحْيَاء) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)، حالت دوم					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُسْتَحِي	الْمُسْتَحِيَ	الْمُسْتَحِي	الْمُسْتَحًى	الْمُسْتَحًى	الْمُسْتَحًى
۲	الْمُسْتَحِيَانِ	الْمُسْتَحِيَيْنِ	الْمُسْتَحِيَيْنِ	الْمُسْتَحَيَانِ	الْمُسْتَحَيَيْنِ	الْمُسْتَحَيَيْنِ
۳	الْمُسْتَحُوْنَ	الْمُسْتَحِيْنَ	الْمُسْتَحِيْنَ	الْمُسْتَحَوْنَ	الْمُسْتَحَيْنَ	الْمُسْتَحَيْنَ
۴	الْمُسْتَحِيَةُ	الْمُسْتَحِيَةَ	الْمُسْتَحِيَةِ	الْمُسْتَحَاةُ	الْمُسْتَحَاةَ	الْمُسْتَحَاةِ
۵	الْمُسْتَحِيَتَانِ	الْمُسْتَحِيَتَيْنِ	الْمُسْتَحِيَتَيْنِ	الْمُسْتَحَاتَانِ	الْمُسْتَحَاتَيْنِ	الْمُسْتَحَاتَيْنِ
۶	الْمُسْتَحِيَاتُ	الْمُسْتَحِيَاتِ	الْمُسْتَحِيَاتِ	الْمُسْتَحَيَاتُ	الْمُسْتَحَيَاتِ	الْمُسْتَحَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۷	۱۲	باب إستفعال مهموزالفاء (الإسْتِئْمَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَأْمِرٌ	مُسْتَأْمِراً	مُسْتَأْمِرٍ		مُسْتَأْمَرٌ	مُسْتَأْمَراً	مُسْتَأْمَرٍ
۲	مُسْتَأْمِرَانِ	مُسْتَأْمِرَيْنِ	مُسْتَأْمِرَيْنِ		مُسْتَأْمَرَانِ	مُسْتَأْمَرَيْنِ	مُسْتَأْمَرَيْنِ
۳	مُسْتَأْمِرُوْنَ	مُسْتَأْمِرِيْنَ	مُسْتَأْمِرِيْنَ		مُسْتَأْمَرُوْنَ	مُسْتَأْمَرِيْنَ	مُسْتَأْمَرِيْنَ
۴	مُسْتَأْمِرَةٌ	مُسْتَأْمِرَةً	مُسْتَأْمِرَةٍ		مُسْتَأْمَرَةٌ	مُسْتَأْمَرَةً	مُسْتَأْمَرَةٍ
۵	مُسْتَأْمِرَتَانِ	مُسْتَأْمِرَتَيْنِ	مُسْتَأْمِرَتَيْنِ		مُسْتَأْمَرَتَانِ	مُسْتَأْمَرَتَيْنِ	مُسْتَأْمَرَتَيْنِ
۶	مُسْتَأْمِرَاتٌ	مُسْتَأْمِرَاتِ	مُسْتَأْمِرَاتِ		مُسْتَأْمَرَاتٌ	مُسْتَأْمَرَاتِ	مُسْتَأْمَرَاتِ

صفحه ۱۳۷	۱۳	باب إستفعال مهموزالعين (الإسْتِلْأَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَلْئِمٌ	مُسْتَلْئِماً	مُسْتَلْئِمٍ		مُسْتَلْأَمٌ	مُسْتَلْأَماً	مُسْتَلْأَمٍ
۲	مُسْتَلْئِمَانِ	مُسْتَلْئِمَيْنِ	مُسْتَلْئِمَيْنِ		مُسْتَلْأَمَانِ	مُسْتَلْأَمَيْنِ	مُسْتَلْأَمَيْنِ
۳	مُسْتَلْئِمُوْنَ	مُسْتَلْئِمِيْنَ	مُسْتَلْئِمِيْنَ		مُسْتَلْأَمُوْنَ	مُسْتَلْأَمِيْنَ	مُسْتَلْأَمِيْنَ
۴	مُسْتَلْئِمَةٌ	مُسْتَلْئِمَةً	مُسْتَلْئِمَةٍ		مُسْتَلْأَمَةٌ	مُسْتَلْأَمَةً	مُسْتَلْأَمَةٍ
۵	مُسْتَلْئِمَتَانِ	مُسْتَلْئِمَتَيْنِ	مُسْتَلْئِمَتَيْنِ		مُسْتَلْأَمَتَانِ	مُسْتَلْأَمَتَيْنِ	مُسْتَلْأَمَتَيْنِ
۶	مُسْتَلْئِمَاتٌ	مُسْتَلْئِمَاتِ	مُسْتَلْئِمَاتِ		مُسْتَلْأَمَاتٌ	مُسْتَلْأَمَاتِ	مُسْتَلْأَمَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۸	۱۴ (۱) باب إستفعال مهموزاللام (الإسْتِقْرَاء) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَقْرِئٌ	مُسْتَقْرِئاً	مُسْتَقْرِئٍ	مُسْتَقْرَأٌ	مُسْتَقْرَءاً	مُسْتَقْرَإٍ
۲	مُسْتَقْرِئَانِ	مُسْتَقْرِئَيْنِ	مُسْتَقْرِئَيْنِ	مُسْتَقْرَأَانِ	مُسْتَقْرَأَيْنِ	مُسْتَقْرَأَيْنِ
۳	مُسْتَقْرِئُوْنَ	مُسْتَقْرِئِيْنَ	مُسْتَقْرِئِيْنَ	مُسْتَقْرَؤُوْنَ	مُسْتَقْرَئِيْنَ	مُسْتَقْرَئِيْنَ
۴	مُسْتَقْرِئَةٌ	مُسْتَقْرِئَةً	مُسْتَقْرِئَةٍ	مُسْتَقْرَأَةٌ	مُسْتَقْرَأَةً	مُسْتَقْرَأَةٍ
۵	مُسْتَقْرِئَتَانِ	مُسْتَقْرِئَتَيْنِ	مُسْتَقْرِئَتَيْنِ	مُسْتَقْرَأَتَانِ	مُسْتَقْرَأَتَيْنِ	مُسْتَقْرَأَتَيْنِ
۶	مُسْتَقْرِئَاتٌ	مُسْتَقْرِئَاتِ	مُسْتَقْرِئَاتِ	مُسْتَقْرَءَاتٌ	مُسْتَقْرَءَاتِ	مُسْتَقْرَءَاتِ

صفحه ۱۳۸	۱۴ (۲) باب إستفعال مهموزاللام (الإسْتِقْرَاء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) بدون الف و لام					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَقْرٍ	مُسْتَقْرِياً	مُسْتَقْرٍ	مُسْتَقْرىً	مُسْتَقْرىً	مُسْتَقْرىً
۲	مُسْتَقْرِيَانِ	مُسْتَقْرِيَيْنِ	مُسْتَقْرِيَيْنِ	مُسْتَقْرَيَانِ	مُسْتَقْرَيَيْنِ	مُسْتَقْرَيَيْنِ
۳	مُسْتَقْرُوْنَ	مُسْتَقْرِيْنَ	مُسْتَقْرِيْنَ	مُسْتَقْرَوْنَ	مُسْتَقْرَيْنَ	مُسْتَقْرَيْنَ
۴	مُسْتَقْرِيَةٌ	مُسْتَقْرِيَةً	مُسْتَقْرِيَةٍ	مُسْتَقْرَاةٌ	مُسْتَقْرَاةً	مُسْتَقْرَاةٍ
۵	مُسْتَقْرِيَتَانِ	مُسْتَقْرِيَتَيْنِ	مُسْتَقْرِيَتَيْنِ	مُسْتَقْرَاتَانِ	مُسْتَقْرَاتَيْنِ	مُسْتَقْرَاتَيْنِ
۶	مُسْتَقْرِيَاتٌ	مُسْتَقْرِيَاتِ	مُسْتَقْرِيَاتِ	مُسْتَقْرَيَاتٌ	مُسْتَقْرَيَاتِ	مُسْتَقْرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۳۹	۱۴ (۳)	باب إستفعال مهموزاللام (الإستِقْراء) اسم فاعل و مفعول (با اجرای قاعده ۷ تخفیفی همزه) همراه با الف و لام				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الـمُسْـتَقْرِي	الـمُسْـتَقْرِىَ	الـمُسْـتَقْرِي	الـمُسْـتَقْرىٰ	الـمُسْـتَقْرىٰ	الـمُسْـتَقْرىٰ
۲	الـمُسْـتَقْرِيَانِ	الـمُسْـتَقْرِيَيْنِ	الـمُسْـتَقْرِيَيْنِ	الـمُسْـتَقْرَيَانِ	الـمُسْـتَقْرَيَيْنِ	الـمُسْـتَقْرَيَيْنِ
۳	الـمُسْـتَقْرُوْنَ	الـمُسْـتَقْرِيْنَ	الـمُسْـتَقْرِيْنَ	الـمُسْـتَقْرَوْنَ	الـمُسْـتَقْرَيْنَ	الـمُسْـتَقْرَيْنَ
۴	الـمُسْـتَقْرِيَةُ	الـمُسْـتَقْرِيَةَ	الـمُسْـتَقْرِيَةِ	الـمُسْـتَقْرَاةُ	الـمُسْـتَقْرَاةَ	الـمُسْـتَقْرَاةِ
۵	الـمُسْـتَقْرِيَتَانِ	الـمُسْـتَقْرِيَتَيْنِ	الـمُسْـتَقْرِيَتَيْنِ	الـمُسْـتَقْرَاتَانِ	الـمُسْـتَقْرَاتَيْنِ	الـمُسْـتَقْرَاتَيْنِ
۶	الـمُسْـتَقْرِيَاتُ	الـمُسْـتَقْرِيَاتِ	الـمُسْـتَقْرِيَاتِ	الـمُسْـتَقْرَيَاتُ	الـمُسْـتَقْرَيَاتِ	الـمُسْـتَقْرَيَاتِ

تصویر

صفحه ۱۴۰	۱۵(۱) باب إستفعال مورد دوم استثنایی (الإسْتِطَاعَةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْتَطِيْعٌ	مُسْتَطِيْعاً	مُسْتَطِيْعٍ	مُسْتَطَاعٌ	مُسْتَطَاعاً	مُسْتَطَاعٍ
۲	مُسْتَطِيْعَانِ	مُسْتَطِيْعَيْنِ	مُسْتَطِيْعَيْنِ	مُسْتَطَاعَانِ	مُسْتَطَاعَيْنِ	مُسْتَطَاعَيْنِ
۳	مُسْتَطِيْعُوْنَ	مُسْتَطِيْعِيْنَ	مُسْتَطِيْعِيْنَ	مُسْتَطَاعُوْنَ	مُسْتَطَاعِيْنَ	مُسْتَطَاعِيْنَ
۴	مُسْتَطِيْعَةٌ	مُسْتَطِيْعَةً	مُسْتَطِيْعَةٍ	مُسْتَطَاعَةٌ	مُسْتَطَاعَةً	مُسْتَطَاعَةٍ
۵	مُسْتَطِيْعَتَانِ	مُسْتَطِيْعَتَيْنِ	مُسْتَطِيْعَتَيْنِ	مُسْتَطَاعَتَانِ	مُسْتَطَاعَتَيْنِ	مُسْتَطَاعَتَيْنِ
۶	مُسْتَطِيْعَاتٌ	مُسْتَطِيْعَاتِ	مُسْتَطِيْعَاتٍ	مُسْتَطَاعَاتٌ	مُسْتَطَاعَاتِ	مُسْتَطَاعَاتٍ

صفحه ۱۴۰	۱۵(۲) باب إستفعال مورد دوم استثنایی (الإسْطَاعَةُ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُسْطِيْعٌ	مُسْطِيْعاً	مُسْطِيْعٍ	مُسْطَاعٌ	مُسْطَاعاً	مُسْطَاعٍ
۲	مُسْطِيْعَانِ	مُسْطِيْعَيْنِ	مُسْطِيْعَيْنِ	مُسْطَاعَانِ	مُسْطَاعَيْنِ	مُسْطَاعَيْنِ
۳	مُسْطِيْعُوْنَ	مُسْطِيْعِيْنَ	مُسْطِيْعِيْنَ	مُسْطَاعُوْنَ	مُسْطَاعِيْنَ	مُسْطَاعِيْنَ
۴	مُسْطِيْعَةٌ	مُسْطِيْعَةً	مُسْطِيْعَةٍ	مُسْطَاعَةٌ	مُسْطَاعَةً	مُسْطَاعَةٍ
۵	مُسْطِيْعَتَانِ	مُسْطِيْعَتَيْنِ	مُسْطِيْعَتَيْنِ	مُسْطَاعَتَانِ	مُسْطَاعَتَيْنِ	مُسْطَاعَتَيْنِ
۶	مُسْطِيْعَاتٌ	مُسْطِيْعَاتِ	مُسْطِيْعَاتٍ	مُسْطَاعَاتٌ	مُسْطَاعَاتِ	مُسْطَاعَاتٍ

باب إفعيلال

تصوير

صفحه ۱۴۱	۱(۱)	باب إفعيلال (الإحْمِيْرَار) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُحْمَارٌّ	مُحْمَارّاً	مُحْمَارٍّ	مُحْمَارٌّ بِهِ	مُحْمَارّاً بِهِ	مُحْمَارٍّ بِهِ
۲	مُحْمَارَّانِ	مُحْمَارَّيْنِ	مُحْمَارَّيْنِ	مُحْمَارٌّ بِهِمَا	مُحْمَارّاً بِهِمَا	مُحْمَارٍّ بِهِمَا
۳	مُحْمَارُّوْنَ	مُحْمَارِّيْنَ	مُحْمَارِّيْنَ	مُحْمَارٌّ بِهِمْ	مُحْمَارّاً بِهِمْ	مُحْمَارٍّ بِهِمْ
۴	مُحْمَارَّةٌ	مُحْمَارَّةً	مُحْمَارَّةٍ	مُحْمَارٌّ بِهَا	مُحْمَارّاً بِهَا	مُحْمَارٍّ بِهَا
۵	مُحْمَارَّتَانِ	مُحْمَارَّتَيْنِ	مُحْمَارَّتَيْنِ	مُحْمَارٌّ بِهِمَا	مُحْمَارّاً بِهِمَا	مُحْمَارٍّ بِهِمَا
۶	مُحْمَارَّاتٌ	مُحْمَارَّاتِ	مُحْمَارَّاتِ	مُحْمَارٌّ بِهِنَّ	مُحْمَارّاً بِهِنَّ	مُحْمَارٍّ بِهِنَّ

صفحه ۱۴۱	۱(۲)	باب إفعيلال (الإحْمِيْرَار) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُحْمَارُّ	الْمُحْمَارَّ	الْمُحْمَارِّ	الْمُحْمَارُّ بِهِ	الْمُحْمَارَّ بِهِ	الْمُحْمَارِّ بِهِ
۲	الْمُحْمَارَّانِ	الْمُحْمَارَّيْنِ	الْمُحْمَارَّيْنِ	الْمُحْمَارُّ بِهِمَا	الْمُحْمَارَّ بِهِمَا	الْمُحْمَارِّ بِهِمَا
۳	الْمُحْمَارُّوْنَ	الْمُحْمَارِّيْنَ	الْمُحْمَارِّيْنَ	الْمُحْمَارُّ بِهِمْ	الْمُحْمَارَّ بِهِمْ	الْمُحْمَارِّ بِهِمْ
۴	الْمُحْمَارَّةُ	الْمُحْمَارَّةَ	الْمُحْمَارَّةِ	الْمُحْمَارُّ بِهَا	الْمُحْمَارَّ بِهَا	الْمُحْمَارِّ بِهَا
۵	الْمُحْمَارَّتَانِ	الْمُحْمَارَّتَيْنِ	الْمُحْمَارَّتَيْنِ	الْمُحْمَارُّ بِهِمَا	الْمُحْمَارَّ بِهِمَا	الْمُحْمَارِّ بِهِمَا
۶	الْمُحْمَارَّاتُ	الْمُحْمَارَّاتِ	الْمُحْمَارَّاتِ	الْمُحْمَارُّ بِهِنَّ	الْمُحْمَارَّ بِهِنَّ	الْمُحْمَارِّ بِهِنَّ

رباعی مجرد و مزید

باب فعلله

تصویر



صفحه ۱۴۲	۱(۱) باب فعللهٔ (الزَلْزَلَهٔ) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُزَلْزِلٌ	مُزَلْزِلاً	مُزَلْزِلٍ	مُزَلْزَلٌ	مُزَلْزَلاً	مُزَلْزَلٍ
۲	مُزَلْزِلَانِ	مُزَلْزِلَيْنِ	مُزَلْزِلَيْنِ	مُزَلْزَلَانِ	مُزَلْزَلَيْنِ	مُزَلْزَلَيْنِ
۳	مُزَلْزِلُوْنَ	مُزَلْزِلِيْنَ	مُزَلْزِلِيْنَ	مُزَلْزَلُوْنَ	مُزَلْزَلِيْنَ	مُزَلْزَلِيْنَ
۴	مُزَلْزِلَةٌ	مُزَلْزِلَةً	مُزَلْزِلَةٍ	مُزَلْزَلَةٌ	مُزَلْزَلَةً	مُزَلْزَلَةٍ
۵	مُزَلْزِلَتَانِ	مُزَلْزِلَتَيْنِ	مُزَلْزِلَتَيْنِ	مُزَلْزَلَتَانِ	مُزَلْزَلَتَيْنِ	مُزَلْزَلَتَيْنِ
۶	مُزَلْزِلَاتٌ	مُزَلْزِلَاتِ	مُزَلْزِلَاتِ	مُزَلْزَلَاتٌ	مُزَلْزَلَاتِ	مُزَلْزَلَاتِ



صفحه ۱۴۲	۱(۲) باب فعللهٔ (الزَلْزَلَهٔ) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	المُزَلْزِلُ	المُزَلْزِلَ	المُزَلْزِلِ	المُزَلْزَلُ	المُزَلْزَلَ	المُزَلْزَلِ
۲	المُزَلْزِلَانِ	المُزَلْزِلَيْنِ	المُزَلْزِلَيْنِ	المُزَلْزَلَانِ	المُزَلْزَلَيْنِ	المُزَلْزَلَيْنِ
۳	المُزَلْزِلُوْنَ	المُزَلْزِلِيْنَ	المُزَلْزِلِيْنَ	المُزَلْزَلُوْنَ	المُزَلْزَلِيْنَ	المُزَلْزَلِيْنَ
۴	المُزَلْزِلَةُ	المُزَلْزِلَةَ	المُزَلْزِلَةِ	المُزَلْزَلَةُ	المُزَلْزَلَةَ	المُزَلْزَلَةِ
۵	المُزَلْزِلَتَانِ	المُزَلْزِلَتَيْنِ	المُزَلْزِلَتَيْنِ	المُزَلْزَلَتَانِ	المُزَلْزَلَتَيْنِ	المُزَلْزَلَتَيْنِ
۶	المُزَلْزِلَاتُ	المُزَلْزِلَاتِ	المُزَلْزِلَاتِ	المُزَلْزَلَاتُ	المُزَلْزَلَاتِ	المُزَلْزَلَاتِ

باب تفعلل

تصویر



صفحه ۱۴۳	۱(۱)	باب تفعلل (التَّدَحْرُج) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُتَدَحْرِجٌ	مُتَدَحْرِجاً	مُتَدَحْرِجٍ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِ	مُتَدَحْرَجاً بِهِ	مُتَدَحْرَجٍ بِهِ
۲	مُتَدَحْرِجَانِ	مُتَدَحْرِجَيْنِ	مُتَدَحْرِجَيْنِ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِمَا	مُتَدَحْرَجاً بِهِمَا	مُتَدَحْرَجٍ بِهِمَا
۳	مُتَدَحْرِجُوْنَ	مُتَدَحْرِجِيْنَ	مُتَدَحْرِجِيْنَ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِمْ	مُتَدَحْرَجاً بِهِمْ	مُتَدَحْرَجٍ بِهِمْ
۴	مُتَدَحْرِجَةٌ	مُتَدَحْرِجَةً	مُتَدَحْرِجَةٍ		مُتَدَحْرَجٌ بِهَا	مُتَدَحْرَجاً بِهَا	مُتَدَحْرَجٍ بِهَا
۵	مُتَدَحْرِجَتَانِ	مُتَدَحْرِجَتَيْنِ	مُتَدَحْرِجَتَيْنِ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِمَا	مُتَدَحْرَجاً بِهِمَا	مُتَدَحْرَجٍ بِهِمَا
۶	مُتَدَحْرِجَاتٌ	مُتَدَحْرِجَاتِ	مُتَدَحْرِجَاتٍ		مُتَدَحْرَجٌ بِهِنَّ	مُتَدَحْرَجاً بِهِنَّ	مُتَدَحْرَجٍ بِهِنَّ



صفحه ۱۴۳	۱(۲)	باب تفعلل (التَّدَحْرُج) اسم فاعل و مفعول (با الف ولام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُتَدَحْرِجُ	الْمُتَدَحْرِجَ	الْمُتَدَحْرِجِ		الْمُتَدَحْرَجٌ بِهِ	الْمُتَدَحْرَجاً بِهِ	الْمُتَدَحْرَجٍ بِهِ
۲	الْمُتَدَحْرِجَانِ	الْمُتَدَحْرِجَيْنِ	الْمُتَدَحْرِجَيْنِ		الْمُتَدَحْرَجٌ بِهِمَا	الْمُتَدَحْرَجاً بِهِمَا	الْمُتَدَحْرَجٍ بِهِمَا
۳	الْمُتَدَحْرِجُوْنَ	الْمُتَدَحْرِجِيْنَ	الْمُتَدَحْرِجِيْنَ		الْمُتَدَحْرَجٌ بِهِمْ	الْمُتَدَحْرَجاً بِهِمْ	الْمُتَدَحْرَجٍ بِهِمْ
۴	الْمُتَدَحْرِجَةُ	الْمُتَدَحْرِجَةً	الْمُتَدَحْرِجَةِ		الْمُتَدَحْرَجٌ بِهَا	الْمُتَدَحْرَجاً بِهَا	الْمُتَدَحْرَجٍ بِهَا
۵	الْمُتَدَحْرِجَتَانِ	الْمُتَدَحْرِجَتَيْنِ	الْمُتَدَحْرِجَتَيْنِ		الْمُتَدَحْرَجٌ بِهِمَا	الْمُتَدَحْرَجاً بِهِمَا	الْمُتَدَحْرَجٍ بِهِمَا
۶	الْمُتَدَحْرِجَاتُ	الْمُتَدَحْرِجَاتِ	الْمُتَدَحْرِجَاتِ		الْمُتَدَحْرَجٌ بِهِنَّ	الْمُتَدَحْرَجاً بِهِنَّ	الْمُتَدَحْرَجٍ بِهِنَّ

باب إفعنلال

تصویر

صفحه ۱۴۴	۱ (۱)	باب إفعنلال (الإحرِنْجَام) اسم فاعل و مفعول				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُحْرَنْجِمٌ	مُحْرَنْجِماً	مُحْرَنْجِمٍ		مُحْرَنْجَمٌ بِهِ	مُحْرَنْجَماً بِهِ	مُحْرَنْجَمٍ بِهِ
۲	مُحْرَنْجِمَانِ	مُحْرَنْجِمَيْنِ	مُحْرَنْجِمَيْنِ		مُحْرَنْجَمٌ بِهِمَا	مُحْرَنْجَماً بِهِمَا	مُحْرَنْجَمٍ بِهِمَا
۳	مُحْرَنْجِمُوْنَ	مُحْرَنْجِمِيْنَ	مُحْرَنْجِمِيْنَ		مُحْرَنْجَمٌ بِهِمْ	مُحْرَنْجَماً بِهِمْ	مُحْرَنْجَمٍ بِهِمْ
۴	مُحْرَنْجِمَةٌ	مُحْرَنْجِمَةً	مُحْرَنْجِمَةٍ		مُحْرَنْجَمٌ بِهَا	مُحْرَنْجَماً بِهَا	مُحْرَنْجَمٍ بِهَا
۵	مُحْرَنْجِمَتَانِ	مُحْرَنْجِمَتَيْنِ	مُحْرَنْجِمَتَيْنِ		مُحْرَنْجَمٌ بِهِمَا	مُحْرَنْجَماً بِهِمَا	مُحْرَنْجَمٍ بِهِمَا
۶	مُحْرَنْجِمَاتٌ	مُحْرَنْجِمَاتِ	مُحْرَنْجِمَاتِ		مُحْرَنْجَمٌ بِهِنَّ	مُحْرَنْجَماً بِهِنَّ	مُحْرَنْجَمٍ بِهِنَّ

صفحه ۱۴۴	۱ (۲)	باب إفعنلال (الإحرِنْجَام) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)				
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری		اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُحْرَنْجِمُ	الْمُحْرَنْجِمَ	الْمُحْرَنْجِمِ		الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِ	الْمُحْرَنْجَماً بِهِ	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِ
۲	الْمُحْرَنْجِمَانِ	الْمُحْرَنْجِمَيْنِ	الْمُحْرَنْجِمَيْنِ		الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِمَا	الْمُحْرَنْجَماً بِهِمَا	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِمَا
۳	الْمُحْرَنْجِمُوْنَ	الْمُحْرَنْجِمِيْنَ	الْمُحْرَنْجِمِيْنَ		الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِمْ	الْمُحْرَنْجَماً بِهِمْ	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِمْ
۴	الْمُحْرَنْجِمَةُ	الْمُحْرَنْجِمَةَ	الْمُحْرَنْجِمَةِ		الْمُحْرَنْجَمٌ بِهَا	الْمُحْرَنْجَماً بِهَا	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهَا
۵	الْمُحْرَنْجِمَتَانِ	الْمُحْرَنْجِمَتَيْنِ	الْمُحْرَنْجِمَتَيْنِ		الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِمَا	الْمُحْرَنْجَماً بِهِمَا	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِمَا
۶	الْمُحْرَنْجِمَاتُ	الْمُحْرَنْجِمَاتِ	الْمُحْرَنْجِمَاتِ		الْمُحْرَنْجَمٌ بِهِنَّ	الْمُحْرَنْجَماً بِهِنَّ	الْمُحْرَنْجَمٍ بِهِنَّ

باب إفعلّال

تصویر

صفحه ۱۴۵	۱(۱) باب إفعلّال (الإقْشِعْرَار) اسم فاعل و مفعول					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	مُقْشَعِرٌّ	مُقْشَعِرّاً	مُقْشَعِرٍّ	مُقْشَعَرٌّ بِهِ	مُقْشَعَرّاً بِهِ	مُقْشَعَرٍّ بِهِ
۲	مُقْشَعِرَّانِ	مُقْشَعِرَّيْنِ	مُقْشَعِرَّيْنِ	مُقْشَعَرٌّ بِهِمَا	مُقْشَعَرّاً بِهِمَا	مُقْشَعَرٍّ بِهِمَا
۳	مُقْشَعِرُّوْنَ	مُقْشَعِرِّيْنَ	مُقْشَعِرِّيْنَ	مُقْشَعَرٌّ بِهِمْ	مُقْشَعَرّاً بِهِمْ	مُقْشَعَرٍّ بِهِمْ
۴	مُقْشَعِرَّةٌ	مُقْشَعِرَّةً	مُقْشَعِرَّةٍ	مُقْشَعَرٌّ بِهَا	مُقْشَعَرّاً بِهَا	مُقْشَعَرٍّ بِهَا
۵	مُقْشَعِرَّتَانِ	مُقْشَعِرَّتَيْنِ	مُقْشَعِرَّتَيْنِ	مُقْشَعَرٌّ بِهِمَا	مُقْشَعَرّاً بِهِمَا	مُقْشَعَرٍّ بِهِمَا
۶	مُقْشَعِرَّاتٌ	مُقْشَعِرَّاتٍ	مُقْشَعِرَّاتٍ	مُقْشَعَرٌّ بِهِنَّ	مُقْشَعَرّاً بِهِنَّ	مُقْشَعَرٍّ بِهِنَّ

صفحه ۱۴۵	۱(۲) باب إفعلّال (الإقْشِعْرَار) اسم فاعل و مفعول (با الف و لام)					
شماره صیغه	اسم فاعل درحالت رفعی	اسم فاعل درحالت نصبی	اسم فاعل درحالت جری	اسم مفعول درحالت رفعی	اسم مفعول درحالت نصبی	اسم مفعول درحالت جری
۱	الْمُقْشَعِرُّ	الْمُقْشَعِرَّ	الْمُقْشَعِرِّ	الْمُقْشَعَرٌّ بِهِ	الْمُقْشَعَرّاً بِهِ	الْمُقْشَعَرٍّ بِهِ
۲	الْمُقْشَعِرَّانِ	الْمُقْشَعِرَّيْنِ	الْمُقْشَعِرَّيْنِ	الْمُقْشَعَرٌّ بِهِمَا	الْمُقْشَعَرّاً بِهِمَا	الْمُقْشَعَرٍّ بِهِمَا
۳	الْمُقْشَعِرُّوْنَ	الْمُقْشَعِرِّيْنَ	الْمُقْشَعِرِّيْنَ	الْمُقْشَعَرٌّ بِهِمْ	الْمُقْشَعَرّاً بِهِمْ	الْمُقْشَعَرٍّ بِهِمْ
۴	الْمُقْشَعِرَّةُ	الْمُقْشَعِرَّةَ	الْمُقْشَعِرَّةِ	الْمُقْشَعَرٌّ بِهَا	الْمُقْشَعَرّاً بِهَا	الْمُقْشَعَرٍّ بِهَا
۵	الْمُقْشَعِرَّتَانِ	الْمُقْشَعِرَّتَيْنِ	الْمُقْشَعِرَّتَيْنِ	الْمُقْشَعَرٌّ بِهِمَا	الْمُقْشَعَرّاً بِهِمَا	الْمُقْشَعَرٍّ بِهِمَا
۶	الْمُقْشَعِرَّاتُ	الْمُقْشَعِرَّاتِ	الْمُقْشَعِرَّاتِ	الْمُقْشَعَرٌّ بِهِنَّ	الْمُقْشَعَرّاً بِهِنَّ	الْمُقْشَعَرٍّ بِهِنَّ

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹